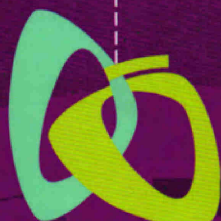


کتابیکو

@Kotob_Konkor



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
گنج

برای دریافت کتاب های بیشتر
در کانال کتابیکو عضو شوید:
[@Kotob_Konkor](https://www.instagram.com/Kotob_Konkor)



مطابق با سبک جدید سؤالات کنکور



پاسخ دمای انگلیسی جامع

[دهم + یازدهم + دوازدهم]

امید یعقوبی فرد

گاجینو



www.Gajino.com

اپلیکیشن آموزش درسی
کنکور، متوسطه دوم، متوسطه اول و دبستان



بخوان

ببین

آزمون بده

و...

خدمات گاجینو:

شرکت در آزمون های گاج به صورت آنلاین



ارائه ی کلیه کتاب های گاج و کلاغ سپید



آزمون ساز پیشرفته و دسترسی به بانک تست گاج



ویدئوی درسی کلیه دروس



جزوه ساز پیشرفته



حل تشریحی تمرین های کلیه دروس



همین الان دانلود کن، دانلود از طریق:



۰۲۱ - ۶۴۲۰



دریافت اپلیکیشن از
www.Gajino.com



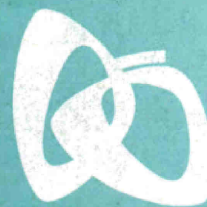
دریافت اپلیکیشن از
Google Play



کتابیکو

@Kotob_Konkor

سرشناسه: یعقوبی فرد، امید
عنوان: پاسخ‌های انگلیسی جامع کنکور
مؤلف: امید یعقوبی فرد
مشخصات نشر: تهران: انتشارات بین المللی گاج؛ ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص. مصور (رنگی)
فروست: این کتاب از مجموعه کتاب‌های آی کیو گاج می‌باشد.
بها: ۱۳۲۰۰۰ تومان
نوبت چاپ: چهارم
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳-۰۳۶۳-۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۸۹۴۵۱



انتشارات
بین المللی
گاج

دوست عزیز جهت آگاهی از آخرین اخبار
و اطلاعات کتاب‌های منتشر شده لطفاً به
وب سایت www.gajmarket.com
مراجعه نمایید.



[ناشر: انتشارات بین المللی گاج]

[مدیر مسئول: مهندس ابوالفضل جوکار]

[واحد پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های: آی کیو]

[برنامه‌ریزی و نظارت: معصومه غلامی]

[عنوان کتاب: پاسخ‌های انگلیسی جامع کنکور]

[سرپرست واحد ویراستاری: امین اسماعیل زاده]

[مؤلف: امید یعقوبی فرد]

[ویرایش علمی: حمیدرضا شعاری - حسین طیبی - صالح بهلولی - فریبا امینی - مهدیه حسامی]

[مدیر فنی: آتنا ابرون]

[صفحه آرایی: امیر نانکلی]

[گرافیک: سمیرا کلاته]

[طراح جلد: سعید شمس - کاوه پژوهان]

[آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: گاج]

[لیتوگرافی، چاپ‌خانه و صحافی: گاج] + [مدیر چاپ: علی مزرعتی]

[نوبت چاپ: چهارم (۱۴۰۰) - سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰] + [شمارگان ۱۰۰۰ نسخه]

[فروشگاه مرکزی گاج: تهران، میدان انقلاب، نبش بازارچه کتاب]

[تلفن: ۶۴۲۰ - ۰۲۱]

[سرویس پیام کوتاه (SMS): ۲۰۰۰۶۴۲۰] + [صندوق پستی: ۳۷۷ - ۱۳۱۴۵]

[قیمت: ۱۳۲۰۰۰ تومان]

توجه: به موجب ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۱۴۸/۱۰/۱۱ کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات بین‌المللی گاج محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق استفاده از آن را ندارد و متخلفین به موجب این قانون تمت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



به نام خدا

دوست خوب نادیده ام؛ سلام

در تهیه کاغذ این کتاب هیچ درختی قطع نشده است و در فرایند تولید آن نیز از مواد شیمیایی مضر استفاده نکرده است. این کاغذ در کشور عزیزمان ایران تولید می شود و ماده اصلی تشکیل دهنده آن باکاس یا همان تقاله نیشکر است. امروزه در خیلی از کشورها رنگ کاغذ مصرفی کتاب، تیره است و این تیرگی به علت انعکاس نور کمتر باعث می شود چشم ما هنگام مطالعه خشکی کمتری را احساس کنند. اما بدانیم که هزینه های تولید کتاب بالاست، لذا تقاضا دارم بعد از مطالعه کتاب حاضر آن را در وب سایت www.mygaj.com قرار دهید و با قیمت کمتر به عنوان کتاب دست دوم بفروش برسانید تا سایر دوستان بتوانند با هزینه کمتر از آن استفاده کرده و از تولید مجدد آن جلوگیری و در نهایت در مصرف کاغذ صرفه جویی شود.

ارادت شما
ابوالفضل جوکار



LESSON 1

Saving Nature 1-171

LESSON 2

Wonders of Creation 172-344

LESSON 3

The Value of Knowledge 345-514

LESSON 4

Traveling the World 515-681



LESSON 1

Understanding People 682-949

LESSON 2

A Healthy Lifestyle 950-1214

LESSON 3

Art and Culture 1215-1486



LESSON 1

Sense of Appreciation 1487-1886

LESSON 2

Look it Up! 1887-2338

LESSON 3

Renewable Energy 2339-2746

Final Exam 2747-3021



پاسخ‌های تشریحی

Answers

- ۱۱ همه اطلاع دارند که شنا یکی از بهترین شکل های ورزش است.
(۱) نهایی، پایانی (۲) متوسط؛ معمولی، عادی
(۳) متداول، معمولی؛ زیاد، مشترک (۴) جمع
be common knowledge: همه اطلاع داشتن؛ دانستن
۱۲ برادر کوچکم در حال بدی بود چون که به دلیل هوای بد نمی توانست فوتبال بازی کند.
(۱) هوا، آب و هوا، وضع هوا (۲) مسابقه؛ کبریت
(۳) نکته، مورد (۴) برنامه؛ جدول زمان بندی
۱۳ مهم است از دندان هایتان به خوبی مراقبت کنید تا وقتی پیرتر شدید، قادر باشید به خوبی غذا بخورید.
(۱) رشد کردن؛ پرورش دادن (۲) درست کردن؛ باعث ... شدن
(۳) دادن (۴) بردن؛ گرفتن
take care of (sb / sth): (کسی / چیزی) مراقبت کردن از
۱۴ به دلیل کار سخت شما بود که توانستیم این کار را سر وقت کامل کنیم.
(۱) تقسیم کردن، قسمت کردن (۲) تصمیم گرفتن (که)
(۳) کامل کردن، تکمیل کردن (۴) باور داشتن، اعتقاد داشتن
۱۵ او می گوید که هیچ چیزی ندید. با وجود این، باور ندارم آن چیزی که می گوید واقعیت باشد.
(۱) با این حال، با وجود این (۲) در عوض، به جایش
(۳) وقتی (که)، هنگامی (که) (۴) گویی که
۱۶ A: «آیا می دانستید که ماریا دارد ازدواج می کند؟» B: «نه، نمی دانستم. چه فوق العاده.»
(۱) امیدوار (۲) امن، مطمئن؛ ایمن
(۳) شگفت انگیز؛ فوق العاده، عالی (۴) مختلف، متفاوت
۱۷ وقتی بچه شیرها کوچک هستند، مادر با آنها می ماند، در حالی که پدر برای غذا شکار می کند.
(۱) شکار کردن؛ شکار رفتن (۲) بردن؛ گرفتن
(۳) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن (۴) نجات دادن؛ [پول] پس انداز کردن
۱۸ هفته قبل برنامه بسیار فشرده ای داشتم، اما این هفته تقریباً آزاد هستم.
(۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۲) جدول، چارت
(۳) تمرین (۴) برنامه؛ جدول زمان بندی
۱۹ هیچ کس مجبور نشده بود کمک کند؛ آنها همگی به صورت داوطلبانه آنجا بودند.
(۱) خوشایند (۲) خودخواه؛ خودخواهانه
(۳) داوطلبانه (۴) ارزشمند، گران بها
on a voluntary basis: به صورت داوطلبانه
- ۱۰ بچه ها نجات یافتند، اما آتش خانه آنها را ویران کرد.
(۱) گرفتن؛ به موقع رسیدن به (۲) درد کشیدن، رنج کشیدن
(۳) ویران کردن؛ نابود کردن (۴) صدمه زدن به، آسیب رساندن به
۲۰ مجموعه برنامه ریزی شده ای از کارها برای دست یافتن به یک چیز، برنامه نامیده می شود.
(۱) الگو، روند؛ طرح (۲) اعتماد؛ اعتماد به نفس
(۳) استراتژی، برنامه، نقشه (۴) تمرین
۲۱ افرادی که در این بخش کار می کنند، سخت کوش هستند و وقت خیلی کمی برای نشستن پشت میز دارند.
(۱) سخت کوش، پرتلاش (۲) متداول، معمولی؛ مشترک
(۳) مفرد (۴) کسل کننده، خسته کننده
۲۲ او مثل بسیاری از مردان جوان، به سلامتی اش توجه زیادی نمی کند.
(۱) درست کردن؛ باعث ... شدن (۲) پرداخت کردن، پول دادن (به)
(۳) انجام دادن (۴) گرفتن؛ شدن؛ رسیدن
pay attention: توجه کردن
۲۳ افرادی که از اشتباه کردن می ترسند، در مکالمه انگلیسی هیچ پیشرفتی نخواهند کرد.
(۱) دقت، توجه (۲) اطلاعات
(۳) گفت و گو، مکالمه (۴) محافظت، نگهداری
۲۴ هربار که گونه ای منقرض می شود، ما برای همیشه بخشی از دنیای طبیعی مان را از دست می دهیم.
(۱) [آتش، لامپ و غیره] خاموش کردن (۲) رشد کردن، بزرگ شدن
(۳) منقرض شدن، به کلی نابود شدن (۴) [لباس و غیره] درآوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن
۲۵ «جدیدترین نسخه این نرم افزار را دارید؟» B: «نه، آن هنوز در ایران در دسترس نیست.»
(۱) تازه، اخیر، جدید (۲) متوسط، معمولی، عادی
(۳) درست، صحیح (۴) اضافی، بیشتر
۲۸ معلم به من گفت که دندان هایم را مسواک بزنم و دندان پزشکم را مرتباً ببینم.
(۱) به طور شفاهی (۲) به طور منظم، مرتباً، مرتب
(۳) بدون خطر (۴) اخیراً، به تازگی
۲۹ فکر می کنم برای یک مادر طبیعی است وقتی بچه هایش خانه را ترک می کنند، احساس ناراحتی کند.
(۱) در معرض خطر، به خطر افتاده (۲) طبیعی؛ ذاتی
(۳) شگفت انگیز؛ عالی، فوق العاده (۴) سرگرم کننده
۳۰ سن نامزدها از ۲۹ تا ۴۹ متغیر بود، با سن متوسط ۳۷.
(۱) عمیق، گود (۲) نهایی، پایانی
(۳) متوسط؛ معمولی، عادی (۴) تمیز؛ مرتب

۱ ۳۱ او برنامه‌ریزی کرد تا هنگام پس‌انداز کردن پول کافی برای رفتن به دانشکده پزشکی در تهران کار کند.

(۱) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن (۲) گزارش دادن

(۳) پایان دادن (به)؛ تمام شدن (۴) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

۱ ۳۲ تام در تمرین زانوی چپش آسیب دید، بنابراین جان مجبور شد در بازی به جای او بازی کند.

(۱) بردن؛ گرفتن (۲) دادن

(۳) ترک کردن؛ رها کردن (۴) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن

۱ ۳۳ اگر می‌خواهید وزن کم کنید، باید در مورد آن چیزی که می‌خورید مراقب باشید.

(۱) [وزن] کم کردن؛ گم کردن؛ از دست دادن

(۲) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)

(۳) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن

(۴) ترک کردن؛ رها کردن

۱ ۳۴ هر چه زمان می‌گذشت، آن‌ها قواعد بیشتری را به بازی اضافه می‌کردند تا آن را ایمن‌تر کنند.

(۱) شبکه (۲) نوع، شکل (۳) مثال، نمونه (۴) قاعده، قانون

۱ ۳۵ دولت به دلیل عدم پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای افراد بی‌خانمان، سرزنش شده است.

(۱) به طور مناسبی، به طور شایسته‌ای (۲) به صورت طبیعی، به طور طبیعی

(۳) با بی‌دقتی، با بی‌مبالاتی (۴) به نحو جالبی

۱ ۳۶ خانم براون به بٹ هشدار داد که اگر درست غذا نمی‌خورد، برای همیشه اضافه وزن می‌گرفت.

(۱) به آسانی، به راحتی (۲) با بی‌دقتی، با بی‌مبالاتی

(۳) اخیراً، به تازگی (۴) درست؛ به‌طور شایسته

۱ ۳۷ ناحیه بزرگی از آب که با خشکی احاطه شده است و به جز رودخانه‌ها یا چشمه‌ها به دریا متصل نیست، دریاچه نامیده می‌شود.

(۱) اقیانوس (۲) دریاچه (۳) جنگل (۴) دشت، جلگه

۱ ۳۸ هشتاد درصد تمام اطلاعات روی کامپیوترهای سرتاسر جهان به انگلیسی است.

(۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۲) استراتژی، برنامه، نقشه

(۳) اطلاعات (۴) دقت، توجه

۱ ۳۹ برای همه ما خیلی مناسب نخواهد بود که الان قبل از این که هر تصمیمی بگیریم، در مورد آن بحث کنیم.

(۱) مفرد (۲) کسل‌کننده، خسته‌کننده

(۳) بی‌قاعده؛ نامنظم (۴) مناسب، شایسته

۱ ۴۰ دانش‌آموزان همیشه چیزهای خوبی را در مورد معلم‌شان می‌گویند، به خصوص وقتی او حضور دارد.

(۱) مخصوصاً، به ویژه، به خصوص (۲) امیدوارم که؛ امیدوارانه

(۳) به صورت طبیعی، به طور طبیعی (۴) در نهایت، بالاخره

۱ ۲۰ فکر خوبی است که زبان و فرهنگ کشوری را [که] قصد دارید از آن دیدن کنید، بررسی کنید.

(۱) فکر، ایده؛ نظر (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) امید، امیدواری (۴) جدول، چارت

۱ ۲۱ پیدا کردن راه در این شهر کوچک خیلی راحت است. تمام کاری که شما باید انجام دهید نگاه کردن به علائم خیابان است.

(۱) آسان، راحت، ساده (۲) سخت، دشوار

(۳) ساکت، آرام (۴) خوشایند

۱ ۲۲ پاندای غول‌پیکر که در جنوب غربی چین در طبیعت یافت می‌شود، یکی از به خطر افتاده‌ترین گونه‌های حیوانات جهان است.

(۱) امیدوار (۲) تقسیم‌شده

(۳) اضافی، بیشتر (۴) در معرض خطر، به خطر افتاده

۱ ۲۳ در کنار جاده ایستادم و دست‌هایم را تکان دادم تا به سایر رانندگان در مورد خطر هشدار دهم.

(۱) جنگل (۲) خطر

(۳) فکر، ایده؛ عقیده (۴) درد؛ رنج، ناراحتی

۱ ۲۴ ممکن است این قوانین برای بعضی از گونه‌های در معرض خطر، محافظت کافی فراهم نکنند.

(۱) عمر، طول عمر (۲) الگو؛ طرح

(۳) آینده (۴) محافظت، نگهداری

۱ ۲۵ در حالی که دانش‌آموزان زیادی نسبتاً بلند صحبت می‌کردند، شنیدن آن چیزی که معلم می‌گفت سخت بود.

(۱) رشد کردن؛ پرورش دادن (۲) شنیدن

(۳) تلفن کردن؛ صدا زدن (۴) بردن؛ گرفتن

۱ ۲۶ هر چیزی که در توانم هست انجام خواهم داد تا مطمئن شوم بچه‌هایتان امن هستند.

(۱) آسان، ساده (۲) امن، مطمئن؛ ایمن

(۳) آسان، راحت، ساده (۴) متداول، معمولی؛ مشترک

۱ ۲۷ حالات چهره پیغام‌های مهمی را منتقل می‌کنند و گاهی می‌توانند از کلمات قوی‌تر باشند.

(۱) سؤال، پرسش، مسئله (۲) گفت‌وگو، مکالمه

(۳) توضیح (۴) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت

۱ ۲۸ عموماً این باور وجود دارد که هر روز صبح مقدار مناسبی از ورزش به شما کمک می‌کند سالم بمانید.

(۱) معمولاً، عموماً (۲) به آرامی (۳) شجاعانه (۴) اخیراً، به تازگی

۱ ۲۹ شگفت‌انگیز است که او مدال طلای المپیک را در سن نوزده سالگی برد.

(۱) خودخواه (۲) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

(۳) بی‌رحم (۴) امیدوار

۱ ۳۰ این اولین کار مناسب سارا است؛ او معمولاً فقط برای پول کار موقت انجام می‌دهد.

(۱) بی‌فایده، به دردنخور (۲) سخاوتمند

(۳) مناسب، شایسته؛ درست (۴) کسل‌کننده، خسته‌کننده

◀ برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از آینده اتفاق خواهد افتاد و یا شرایطی که در زمان مشخصی از آینده وجود خواهد داشت، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که بعد از فعل become (شدن) از صفت (extinct) استفاده می‌شود، نه اسم (extinction).

۲۵۱ A: «کیف پولم را در خانه فراموش کردم.» B: «نگران نباش. اگر دوست داری به تو مقداری پول قرض می‌دهم.»

◀ با توجه به وجود اسم (wallet) قبل از جای خالی و وجود رابطه مالکیت در جای خالی اول، در جای خالی اول به صفت ملکی (my) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای قرض دادن پول نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت به او پول قرض دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۴۵۲ چون می‌خواهم در انگلیسی نمرهٔ بهتری بگیرم، در آینده بیشتر درس خواهم خواند.

◀ با توجه به کاربرد a قبل از جای خالی اول، در جای خالی اول به اسم مفرد (در این‌جا mark) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که برای اشاره به کارهایی که قرار است در زمان مشخصی از آینده انجام شوند، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌کنیم.

۴۵۳ A: «قهوه را ترجیح می‌دهید یا چای را؟» B: «مقداری قهوه می‌خورم، لطفاً.»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای خوردن قهوه نداشت و بر مبنای پیشنهاد نفر اول تصمیم گرفت قهوه بخورد، از will استفاده می‌کنیم.

۲۵۴ شنبهٔ هفتهٔ قبل، پدرم، من و دوستانم را به باغ وحش برد. ما حیوانات وحشی زیادی را دیدیم.

◀ هر دو جای خالی به کارهایی اشاره دارند که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست شنبهٔ هفتهٔ گذشته) انجام شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند. بنابراین در هر دو مورد به زمان گذشته ساده نیاز داریم که شکل صحیح آن‌ها در گزینه (۲) آمده است.

۲۵۵ A: «بچه‌ها کجا هستند.» B: «مطمئن نیستم، اما فکر می‌کنم بیرون بازی می‌کنند.»

◀ با توجه به کاربرد they در جملهٔ دوم، اسم مورد نظر در جملهٔ اول نیز به صورت جمع (children) مدنظر است. دقت کنید که برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری (در این‌جا are playing) استفاده می‌شود.

۲۵۶ هیچ ابری در آسمان نیست. امیدوارم که روز گرم دیگری باشد. ◀ وقتی که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود (در این‌جا وجود نداشتن هیچ ابری در آسمان)، پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود. دقت کنید که was going to be در گزینه (۴) به انجام پیش‌بینی در گذشته اشاره دارد و با توجه به معنی جمله، در این‌جا نمی‌تواند صحیح باشد.

۳۴۱ درد شدیدی را احساس کردم و پایین را نگاه کردم تا ببینم که از پایین خون می‌ریزد.

(۱) نکته، مورد (۲) دایره (۳) درد (۴) راه؛ روش، شیوه
۴۲ امیدوار هستم که وقتی هر دو طرف شرایط را بهتر درک کنند، توافق خواهند کرد تا ملاقات کنند و با هم کار کنند.

(۱) امن، مطمئن؛ ایمن (۲) امیدوار
(۳) علاقه‌مند (۴) اخیر، جدید

۴۳ او تا همین اواخر قوی‌ترین بانک‌دار شهر بود، اما تعدادی [بانک‌دار] قوی‌تر شروع به کار کرده‌اند.

(۱) به صورت طبیعی، به طور طبیعی (۲) معمولاً، عموماً
(۳) به طور منظم، مرتباً، مرتب (۴) اخیراً، به تازگی

◀ تا همین اواخر: until very recently

۱۴۴ حالات چهره شما می‌توانند کمک کنند تا روی بخش‌هایی از صحبت‌هایتان نیز تأکید کنید؛ لبخند زدن یا بالا بردن ابروهایتان را امتحان کنید.

(۱) بیان؛ عبارت، اصطلاح؛ [چهره] حالت (۲) وصل، اتصال؛ پیوند
(۳) آهنگ کلام، زیر و بمی صدا (۴) گفت‌وگو، مکالمه

۳۴۵ این نوع از گیاه که در این‌جا نادر است، عموماً در کوهستان‌های آمریکای جنوبی یافت می‌شود.

(۱) در نهایت، بالاخره (۲) بدون خطر
(۳) معمولاً، عموماً (۴) عمیقاً؛ به شدت

۴۴۶ وقتی که صاحب فروشگاه، کالا را توصیف می‌کرد، به اندازه‌ای که باید، توجه نکرد، بنابراین بعداً متوجه شد چیزی که خریده بود برایش فایده کمی دارد.

(۱) آهنگ کلام، زیر و بمی صدا (۲) استراتژی، برنامه، نقشه
(۳) افزایش (۴) دقت، توجه

◀ دقت کردن، توجه کردن: pay attention

۱۴۷ او ذاتاً شخصی مهربان و در بین بچه‌های محله‌اش محبوب است.

(۱) طبیعت؛ ذات (۲) معدل، میانگین
(۳) تمرین (۴) مسابقه؛ کبریت

◀ ذاتاً: by nature

۱۴۸ چه خسته باشید، چه نباشید، باید الگوی منظمی از زمان مشخص خوابیدن و بیدار شدن در هر روز را داشته باشید.

(۱) الگو؛ طرح (۲) عدد؛ تعداد؛ شماره
(۳) گزارش (۴) نمودار، منحنی

۴۴۹ A: «دارد خوابم می‌برد. باید بیدار بمانم!» B: «برای یک فتنجان قهوه درست می‌کنم. آن کمکت خواهد کرد.»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن قهوه نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت برایش قهوه درست کند، از will استفاده می‌کنیم.

۴۵۰ بسیاری از دانشمندان بر این باورند که یک میلیون از گونه‌هایی که امروز زنده هستند، در بیست سال [آینده] منقرض خواهند شد.

نیز گفته شد از will (آینده ساده) می‌توان برای اشاره به کاری استفاده کرد که در زمان آینده انجام خواهد شد.

۴۶۴ A: «قصد دارید تعطیلاتتان را در کجا بگذرانید؟» B: «هنوز نمی‌دانم. شاید تابستان بعد به ایتالیا برویم.»

برای اشاره به کاری که احتمال دارد در زمان مشخصی از آینده اتفاق بیفتد و یا شرایطی که ممکن است در زمان مشخصی از آینده وجود داشته باشد، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که Italy (ایتالیا) یک اسم خاص است و همان‌طور که گفته شد، همراه اسامی خاص اصلاً از حروف تعریف (a / an / the) استفاده نمی‌شود.

۴۶۵ لطفاً دهانتان را کامل باز کنید. می‌خواهم تمام دندان‌هایتان را ببینم. کاربرد all قبل از جای خالی نشان می‌دهد اسم tooth (دندان) را به صورت جمع نیاز داریم (یعنی teeth). علاوه بر این، به دلیل وجود رابطه مالکیت در جای خالی، در این‌جا صفت ملکی (your) مدنظر است.

۴۶۶ آن برای یک نفر بسیار سنگین است، کمکتان خواهم کرد.

از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع با توجه به این‌که گوینده جمله از قبل برنامه‌ای برای کمک کردن نداشت و بر مبنای شرایط موجود تصمیم گرفت به کسی کمک کند، از will استفاده می‌کنیم. دقت کنید که عبارت give sb a hand حالت ثابتی دارد و به معنی «کمک کردن به کسی» می‌باشد.

۴۶۷ A: «شنیدم عصر به کلاس اسپانیایی می‌روی؟» B: «آره، قصد دارم بهار سال بعد به اسپانیا سفر کنم و فکر کردم دانستن کمی اسپانیایی سفر را آسان‌تر خواهد کرد.»

یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آینده نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. دقت کنید که در این تست، trip (سفر) برای گوینده و شنونده معرفی شده است و بنابراین حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a. ۴۶۸ A: «کلاس فردا صبح در چه ساعتی آغاز می‌شود؟» B: «فکر کنم به جای ساعت ۹:۳۰، ساعت ۱۰:۳۰ شروع خواهد شد.»

وقتی برای انجام کاری در زمان آینده، برنامه‌ریزی رسمی وجود داشته باشد و آن کار طبق برنامه‌ریزی رسمی، در زمان خاصی از آینده انجام شود، به جای زمان آینده ساده، می‌توان از زمان حال ساده هم استفاده کرد. در این تست با توجه به این‌که شروع کلاس در آینده، طبق برنامه‌ریزی دقیقی است، هم می‌توان از حال ساده استفاده کرد و هم آینده ساده. بنابراین همان‌طور که می‌بینید در جای خالی اول از زمان حال ساده استفاده شده است و در جای خالی دوم از زمان آینده ساده.

۴۶۹ او (مؤنث) به او (مذکر) چند کتاب نشان داد که در قفسه بالای کتابخانه بودند.

در جای خالی اول، با توجه به کاربرد several (چند، چندین)، اسم book (کتاب) را به صورت جمع (books) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که چون top shelf of the bookcase (قفسه بالای کتابخانه) برای گوینده و شنونده معرفی و معلوم است، حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a.

۵۷۲ قصد دارم آخر این هفته ماشین جدیدی بخرم، اما کمی نگران هستم چون که در مورد ماشین‌ها واقعاً چیز زیادی نمی‌دانم.

یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آینده نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. در مورد جای خالی دوم، علاوه بر این‌که از نظر معنایی در این‌جا به اسم جمع (cars) نیاز داریم، دقت به این مورد نیز ضروری است که اسم مفرد (car) به تنهایی به کار نمی‌رود و همراه آن از مواردی مثل حروف تعریف، صفت‌های اشاره، صفت‌های ملکی یا کمیت‌سنج‌ها استفاده می‌گردد.

۵۸۴ ممکن است لطفاً کنار بروید؟ نمی‌توانم تلویزیون را تماشا کنم. از زمان آینده ساده می‌توان برای ارائه پیشنهاد و همین‌طور ارائه درخواست و تقاضا استفاده کرد. دقت کنید که television در جمله دوم، برای گوینده و شنونده معرفی و شناخته شده است و بنابراین حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a.

۵۹۱ فکر نمی‌کنم هرگز مثل یک سخنگوی بومی به نظر برسم، هر چه قدر که تلاش کنم.

با توجه به ساختار خبری جمله، فاعل یا ضمیر فاعلی (در این‌جا I) باید پیش از will به کار رود (یکی از گزینه‌های ۱ و ۴). به دلیل این‌که در این‌جا native speaker (سخنگوی بومی) به شخص خاصی اشاره ندارد، معرفی به حساب نمی‌آید و پیش از آن a استفاده می‌شود، نه the.

۶۰۲ بچه‌ها نیم ساعت قبل به تخت‌خواب رفتند. آن‌ها الان خواب هستند. برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از گذشته (نیم ساعت قبل) انجام شده و به اتمام رسیده است، به زمان گذشته ساده نیاز داریم که شکل مناسب آن برای فعل بی‌قاعده go به صورت went می‌باشد. در جای خالی دوم، از زمان حال استمراری استفاده می‌شود، چون‌که فعل مورد نظر در حال حاضر در حال انجام می‌باشد.

۶۱۲ اجازه بدهید بنشینم! بیست ساعت است سرپا بوده‌ام. در جای خالی اول با توجه به مفهوم جمله و در جای خالی دوم با توجه به کاربرد twenty (بیست)، به اسم جمع (در این‌جا feet و hours) نیاز داریم. دقت کنید که کاربرد حروف تعریف (the / a / an) در کنار صفت‌های ملکی (در این‌جا my) صحیح نیست.

۶۲۱ A: «هفته بعد برنامه‌هایت چیست؟» B: «قصد دارم به سفر کاری به نیویورک بروم. شاید دوشنبه اما هنوز بلیت ندارم.»

با توجه به کاربرد اسم (plans) بعد از جای خالی اول و وجود رابطه مالکیت بین آن و کلمه جای خالی، در جای خالی اول به صفت ملکی (در این‌جا your) نیاز داریم. در جای خالی دوم از be going to استفاده می‌شود، چراکه برای اشاره به کاری که قرار است در زمان آینده (به خصوص آینده نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود، این ساختار را به کار می‌بریم.

۶۳۱ «کی به خانه برمی‌گردید؟» «پنج‌شنبه هفته بعد برخواهم گشت.» با توجه به کاربرد کلمه پرسشی when یا what time در ابتدای همه گزینه‌ها، فقط گزینه‌هایی می‌توانند صحیح باشند که در آن‌ها، will و to be به قبل از فاعل (یعنی you) منتقل شده‌اند. بنابراین در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه‌های (۱) و (۲) می‌توانند صحیح باشند. از جایی که was / were going to (گزینه ۲) به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره دارد، این گزینه نیز با مفهوم جمله منطبق نیست. همان‌طور که پیش‌تر

۷۸ ۴ A: «فکر می‌کنید فردا هوا چه‌طور خواهد بود؟» B: «پیش‌بینی

آفتابی است.»

◀ به‌طور کلی برای انجام پیش‌بینی در مورد زمان آینده می‌توان از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده کرد.

۷۹ ۱ قصد داریم این کفش‌ها را با این کت بپوشیم. آن‌ها را با هم درست داری؟

◀ بعد از these (به عنوان صفت اشاره جمع) به اسم جمع (در این جا shoes) نیاز داریم. اما قبل از jacket (کت) که یک اسم مفرد است، به صفت اشاره مفرد (this یا that) نیاز است.

۸۰ ۱ A: «نگاه کن! از آن خانه دود می‌آید. آتش گرفته است!» B: «خدای من! فوراً به آتش‌نشانی زنگ خواهیم زد.»

◀ در جمله اول، قبل از اسم مفرد (house) به ضمیر اشاره مفرد (this / that) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم، دقت کنید که برای اشاره به تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجا گرفته می‌شوند)، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود.

۸۱ ۲ درباره سفر ماه بعد خودمان به فرانسه خیلی هیجان‌ده هستیم. قصد داریم از پاریس، نیس و گرونوبل دیدن کنیم.

◀ France (کشور فرانسه) اسم خاص است. اصولاً قبل از اسامی خاص، از حروف تعریف (a, an, the) استفاده نمی‌شود. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آینده نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود.

۸۲ ۴ A: «وای، آن بیرون یخ زده است.» B: «کمی قهوه درست می‌کنم تا گرممان کند. یک تکه کیک هم می‌خواهی؟»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن قهوه نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت قهوه درست کند، از will استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، piece در جای خالی دوم مفرد و نکره است و در نتیجه پیش از آن به a نیاز داریم.

۸۳ ۱ تام هوادار فوتبال است و امروز عصر در تلویزیون یک مسابقه فوتبال هست. مسابقه ساعت ۷:۳۰ شروع و ساعت ۹:۱۵ تمام می‌شود.

◀ با توجه به مفهوم جمله، football match (مسابقه فوتبال) نکره است و معلوم نیست به کدام مسابقه فوتبال اشاره دارد. در مورد جاهای خالی دوم و سوم دقت کنید که وقتی برای انجام کاری در زمان آینده، برنامه‌ریزی رسمی وجود داشته باشد و آن کار طبق برنامه‌ریزی رسمی، در زمان خاصی از آینده انجام شود، به جای زمان آینده ساده از زمان حال ساده هم می‌توان استفاده کرد. در این تست، با توجه به این‌که شروع و پایان مسابقه فوتبال، طبق برنامه‌ریزی زمانی دقیقی است، در هر دو مورد از زمان حال ساده هم می‌توان استفاده کرد (گزینه ۱).

۸۴ ۴ در حیاط پشتی یک خرس بزرگ هست. فکر کنم آن خرس دنبال چیزی برای خوردن می‌گردد.

۷۰ ۴ A: «چند سال دارید؟» B: «تا چند ماه سی و پنج ساله خواهم شد.»

◀ برای اشاره به واقعیت‌های مربوط به آینده و کارهایی که فکر می‌کنیم حتماً در آینده اتفاق خواهند افتاد، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود.

۷۱ ۳ او سخت تلاش می‌کند تا انگلیسی یاد بگیرد، فکر می‌کنم او در چند ماه قادر خواهد بود انگلیسی را روان صحبت کند.

◀ وقتی که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، بدون این‌که برای این پیش‌بینی نشانه خاصی وجود داشته باشد، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. علاوه بر این، با توجه به کاربرد a few (چند) قبل از جای خالی دوم، month (ماه) به صورت جمع (months) مدنظر می‌باشد.

۷۲ ۳ امیر از دفتر کارش بیرون آمد در حالی که چند جعبه را حمل می‌کرد. با توجه به کاربرد office (اداره، دفتر کار) بعد از جای خالی اول و وجود رابطه مالکیت بین آن و کلمه جای خالی اول، در جای خالی اول به صفت ملکی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای Amir (امیر)، his می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به کاربرد a couple of (چند) قبل از جای خالی دوم، box (جعبه) به صورت جمع (boxes) مدنظر می‌باشد.

۷۳ ۱ A: «سقف این اتاق خیلی امن به نظر نمی‌رسد، درست است؟» B: «نه، به نظر می‌رسد که گویی قرار است بریزد.»

◀ وقتی که در مورد آینده، بر مبنای نشانه‌های موجود (در این جا امن به نظر نرسیدن سقف)، پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود.

۷۴ ۳ برادرم هرگز کاری را که مادرمان به مامی گوید انجام نمی‌دهد. از زمان حال ساده می‌توان برای اشاره به کارهایی استفاده کرد که از روی عادت و یا همواره انجام می‌شوند. دقت کنید که در زمان حال ساده، قید تکرار (در این جا never) قبل از فعل اصلی (does) استفاده می‌شود.

۷۵ ۱ بیشتر خانم‌های خانه‌دار روزی بیشتر از ده ساعت در خانه کار می‌کنند. در جای خالی اول، با توجه به کاربرد most (بیشتر)، housewife (خانم خانه‌دار) را به صورت جمع نیاز داریم که شکل صحیح آن housewives می‌باشد. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که با توجه به این‌که day (روز) به روز خاصی اشاره ندارد، نکره به حساب می‌آید و حرف تعریف مناسب برای آن a خواهد بود، نه the.

۷۶ ۲ او پارسال پدر و مادرش را از دست داد. او در حال حاضر با عمویش زندگی می‌کند تا این‌که مدرسه را شروع کند.

◀ برای اشاره به کار و عملی که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری (فعل ing دار + am / is / are) استفاده می‌شود. با توجه به کاربرد for the time being (در حال حاضر)، در این جا از این زمان (حال استمراری) استفاده می‌شود.

۷۷ ۱ در یک روز معمولی، یک شخص عادی حدود ۴۸۰۰۰ کلمه تکلم می‌کند. برای اشاره به حقایق کلی و یا کارهایی که از روی عادت انجام می‌شوند، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. در این تست، شکل صحیح فعل در زمان حال ساده، برای فاعل سوم شخص مفرد (the average person)، speaks می‌باشد.

◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد her بعد از جای خالی، اسم wife را به صورت مفرد نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). ولی در جای خالی دوم، با توجه به کاربرد two اسم child را به صورت جمع (children) نیاز داریم.

۹۱ A: «نگاه کن! از دستگاه فتوکپی دود بیرون می‌آید.» B: «تو آن را خاموش کن و من به مأمور ایمنی زنگ می‌زنم.»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای زنگ زدن به افسر ایمنی نداشت و بر مبنای شرایط موجود (بلند شدن دود از دستگاه فتوکپی) تصمیم گرفت این کار را انجام دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۹۲ قصد داشتیم یک تلویزیون نو بخریم، اما شوهرم تلویزیون قدیمی را خودش تعمیر کرد.

◀ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be، از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، گوینده در گذشته قصد داشت یک تلویزیون نو بخرد، اما چون تلویزیون کهنه تعمیر شده، از انجام این تصمیم منصرف شده است. ۹۳ این‌جا آدمم تا فقط به شما بگویم که قادر نخواهم بود در جلسه این هفته شرکت کنم؛ آیا می‌توانیم تاریخ جلسه را تغییر دهیم؟

◀ وقتی در مورد کاری صحبت می‌کنیم که قرار است در زمان آینده انجام شود (یا مثل همین تست، در زمان آینده قابل انجام نیست)، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که گزینه (۲) علی‌رغم صحیح بودن از نظر ساختار گرامری، به دلیل مثبت بودن، از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست.

۹۴ A: «آیا با قطار سفر کردید؟» B: «نه، قصد داشتم با قطار سفر کنم، اما نظرم را عوض کردم و به جایش با اتوبوس سفر کردم.»

◀ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be، از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، گوینده در گذشته قصد داشته با قطار سفر کند، بنابراین در جای خالی اول از was going to استفاده کردیم. دقت کنید با توجه به این‌که جای خالی دوم به انجام کاری اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته انجام شده است، در جای خالی دوم به فعل در زمان گذشته ساده (در این‌جا traveled) نیاز داریم.

۹۵ من سه روز پیش به بوستون رسیدم، اما بقیه خانواده تا فردا به این‌جا نخواهند رسید.

◀ در جای خالی اول، به انجام کاری اشاره شده که در زمان مشخصی از گذشته (در این‌جا سه روز قبل) انجام شده، بنابراین در این جای خالی به یک فعل گذشته ساده (در این تست arrived) نیاز داریم. اما طبق مفهوم جمله، جای خالی دوم به انجام کاری اشاره دارد که در زمان آینده (فردا) انجام خواهد شد، بنابراین در جای خالی دوم به فعل در زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم که در این‌جا شکل منفی آن مدنظر است.

◀ در جای خالی اول، bear (خرس) برای گوینده و شنونده نکره و نامعلوم است. بنابراین در جای خالی اول، از حرف تعریف نامعلوم a استفاده می‌شود. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این‌که backyard (حیاط پشتی) برای گوینده و شنونده معلوم است، قبل آن از حرف تعریف معین the استفاده می‌شود. با توجه به این‌که bear (خرس) در جمله اول استفاده شده، در جمله دوم معرفه به حساب می‌آید، و قبل از آن از حرف تعریف معین the استفاده می‌کنیم.

۸۵ A: «آخر هفته بعد چه کار خواهید کرد؟» B: «بستگی دارد. اگر هوا خوب باشد، به باغ‌وحش خواهیم رفت.»

◀ با توجه به مفهوم جمله، کلمه پرسشی مناسب برای جای خالی اول what (چه، چه چیزی) است (گزینه‌های ۱ و ۴). دقت کنید که بعد از will، فعل اصلی همواره به شکل ساده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸۶ قصد داشتم دیشب برای [رفتن به] خانه تاکسی بگیرم، اما پول کافی نداشتم، پس مجبور بودم پیاده بروم.

◀ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be، از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، شخص در گذشته قصد داشته کاری را انجام دهد، اما به دلیل نداشتن پول نتوانسته است آن کار را انجام دهد.

۸۷ A: «وقتی بزرگ شوی چه کاره خواهی شد؟» B: «نویسنده بسیار مشهوری خواهم شد.»

◀ وقتی‌که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، بدون این‌که برای پیش‌بینی نشانه خاصی وجود داشته باشد، از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. در هر دو جای خالی این تست، شخص در مورد آینده بدون وجود نشانه‌ای خاص پیش‌بینی انجام می‌دهد و will صحیح می‌باشد. دقت کنید که برای پرسش در مورد شغل افراد، از what استفاده می‌شود، نه which.

۸۸ آن‌جا را نگاه کن! آن پسرها وسط خیابان چه کار می‌کنند؟
◀ برای اشاره به کاری که در زمان حال، در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در زمان حال استمراری، برای سوالاتی کردن جمله، فعل to be (is و are) را به قبل از فاعل (در این‌جا the boys) منتقل می‌کنیم.

۸۹ A: «می‌بخشید، باید در مورد اتاق هتل‌مان با کسی صحبت کنم. متأسفانه آن برای چهار نفر صرفاً خیلی کوچک است.»

B: «آقای که در دفتر خدمات است به شما کمک خواهد داد.»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که شخص دوم در جواب به شخص اول به این شکل پاسخ می‌دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۹۰ همسر او مجبور بود از پدر بزرگش مراقبت کند. او هم چنین مجبور بود از دو بچه کوچکشان مراقبت کند.

۳۹۶ وقتی به تهران رسیدی به دوستم حمید زنگ بزن. او همه جای شهر را به تو نشان خواهد داد و کمک خواهد کرد جا بیفتی.

یکی از کاربردهای زمان حال ساده برای اشاره به زمان آینده (مثل arrive در این تست) در صورتی است که بخواهیم بعد از کلماتی مثل when, after و until از فعلی استفاده کنیم که اشاره آن به زمان آینده است. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این مورد، با توجه به این که فعل به عملی اشاره دارد که در آینده انجام خواهد شد، از فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌کنیم.

۳۹۷ متأسفم آقای افشار تا ساعت ۶ به کلینیک برنخواهد گشت. اگر دوست داشته باشید می‌توانید برای او پیام بگذارید.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد I'm sorry (متأسفم) در ابتدای آن، فعل آینده ساده به صورت منفی (won't be) مدنظر است. دقت کنید که در جای خالی دوم به مفعول نیاز داریم و بنابراین به جای آن می‌توان از ضمیر مفعولی (در این جا him) استفاده کرد، نه ضمیر فاعلی (he) یا صفت ملکی (his).
۳۹۸ A: «اوه، به آن کوه‌ظرف‌های کثیف نگاه کن! چه کسی همه آن‌ها را خواهد شست؟» B: «قول می‌دهم وقتی از کار به خانه برسم، آن‌ها را خواهم شست.»
در جای خالی اول، کلمه پرسشی (who / whom) نقش فاعلی دارد و گوینده می‌خواهد بداند چه کسی انجام‌دهنده این کار خواهد بود، بنابراین از who استفاده می‌شود، نه whom. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد.

متن کلوز (۱)

در مورد این حقیقت که بسیاری از حیوانات و گیاهان در خطر از بین رفتن یا [به عبارت دیگر] منقرض شدن هستند، نگرانی وجود دارد. اما از زمانی که حیات آغاز شد، حیوانات و گیاهان از بین رفته‌اند تا توسط سایرین جایگزین شوند. این فرایند بخشی از طبیعت است. با تغییر کردن شرایط روی زمین، بعضی از موجودات زنده نمی‌توانند [با شرایط جدید] منطبق شوند؛ آن‌ها در نهایت منقرض می‌شوند. دانشمندان بر این باورند که ۹۹ درصد از تمام گیاهان و حیوانات مختلفی که تاکنون زندگی کرده‌اند، به صورت طبیعی از بین رفته‌اند. در زمان‌های ماقبل تاریخ، وقتی که صدها چیز (موجود زنده) مختلف با هم از بین می‌رفتند، انقراض‌های دسته‌جمعی وجود داشت. این انقراض‌ها اغلب به دلیل تغییرات چشمگیر در اقلیم بودند. حدود ۲۲۵ میلیون سال قبل، ۹۰ درصد تمام موجودات زنده در دریا از بین رفتند. امروزه حیوانات و گیاهان سریع‌تر نابود می‌شوند چون که انسان‌ها مناطقی که آن‌ها زندگی می‌کنند را تخریب و ویران می‌کنند.

۳۹۹ با توجه به این که کلمه جای خالی به جای animals and plants (حیوانات و گیاهان) استفاده شده است، به جای آن باید از ضمیر جمع استفاده کنید. در بین گزینه‌ها، فقط others یک ضمیر جمع می‌باشد.

۴۱۰۰ (۱) کاهش دادن؛ کاهش یافتن

(۲) به حساب آوردن، در نظر گرفتن؛ فرض کردن

(۳) تقسیم کردن، قسمت کردن

(۴) عوض کردن؛ عوض شدن

۳۱۰۱ (۱) به‌طور مؤثری، به نحو کارآمدی

(۲) معمولاً، عموماً

(۳) به صورت طبیعی، به طور طبیعی

(۴) فوراً، بی‌درنگ

۳۱۰۲ همان‌طور که می‌دانید، از there is / are و شکل گذشته آن‌ها (یعنی there was / were) برای اشاره به وجود داشتن و بودن موضوع و شرایطی خاص استفاده می‌شود.

۳۱۰۳ با توجه به مفهوم جمله و این که در این تست، today در معنی «امروزه، این روزها» به کار رفته است، برای اشاره به شرایط کی این روزهای جهان از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل مناسب آن در گزینه (۴) آمده است.

متن کلوز (۲)

مردم برای روشن کردن خانه‌هایشان و راندن ماشین‌ها به -ه چیزی نیاز دارند؟ انرژی! آن به چیزهای زیادی [که] ما نیاز داریم و استفاده می‌کنیم، نیرو می‌دهد. بیشتر انرژی [که] مردم استفاده می‌کنند از زغال، نفت و گاز می‌آید. آن‌ها سوخت‌های فسیلی نامیده می‌شوند. فسیل‌ها بقایای گیاهان و حیواناتی هستند که مدت‌ها قبل زندگی می‌کردند. سوزاندن سوخت‌های فسیلی هوا را آلوده می‌کند. هوا آلوده می‌شود. آن می‌تواند برای انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مضر باشد. در حال حاضر، افراد بیشتری از انرژی پاک استفاده می‌کنند. این‌گونه انرژی هوا را آلوده نمی‌کند. دو نوع انرژی پاک، نیروی بادی و نیروی خورشیدی هستند. خورشیدی به معنی «از خورشید» است. خورشید به زمین حرارت و نور می‌دهد. بعضی از خانه‌ها روی پشت‌بام، صفحات خورشیدی دارند، صفحات، نور آفتاب را جمع‌آوری و آن را به برق تبدیل می‌کنند. آن نوعی از انرژی است. آن به مردم اجازه می‌دهد کارهای زیادی را انجام دهند. برای مثال، ما از برق برای روشن کردن خانه‌هایمان و تماشای تلویزیون استفاده می‌کنیم. نیروی خورشیدی هم چنین می‌تواند برای گرم کردن آب در خانه‌هایمان استفاده شود.

۴۱۰۴ با توجه به مفهوم جمله، در بین دو بخش آن به ضمیر موصولی (در این جا that) نیاز داریم تا توسط آن دو بخش جمله را به هم وصل کنیم. برای اشاره به عمل یا شرایطی که در زمان مشخصی از گذشته وجود داشتند، از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود که شکل صحیح آن برای فعل با قاعده live، به صورت lived می‌باشد.

۴۱۰۵ (۱) اتفاق افتادن، رخ دادن

(۲) شدن

(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن

(۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

(۱) آزاد؛ رایگان (۲) مفرد

(۳) تمیز، پاک (۴) عمیق، گود

(۱) الگو؛ طرح (۲) نیم، نصف

(۳) ایده، نظر (۴) نوع، گونه

۴۱۰۸ (۱) برای مثال، برای نمونه (۲) با این حال، با وجود این

(۳) در عوض، به جایش (۴) اما، ولی

متن کلوز ۳

حیات روی زمین، نمی‌توانست بدون گیاهان وجود داشته باشد. انسان‌ها و حیوانات، برای غذا و اکسیژن به گیاهان نیاز دارند. غلاتی که شما برای صبحانه می‌خورید، آب پرتقالی که می‌نوشید [و] حتی شلوار جینی که می‌پوشید، همگی از گیاهان درست می‌شوند. گستره گیاهان، از خزهای کوچک تا درختان مخروط غول‌پیکر بسیار بلندی که نمی‌توانید بالای آن‌ها را ببینید، است. چیزی که در بین همه آن‌ها مشترک است، توانایی منحصر به فرد آن‌ها برای دریافت و استفاده از نور خورشید به عنوان منبع انرژی است. این فرایند فتوسنتز نامیده می‌شود و نیروی تمام حیات گیاهی و رشد را تأمین می‌کند. همین الان حدود ۴۰۰۰۰۰ گیاه برای ما شناخته شده هستند، از گل‌های عجیب نادر تا سبزیجات متداول باغ. حتی گیاهان بیشتری در انتظار کشف شدن هستند، به خصوص در نواحی استوایی. با وجود این، امروزه بیش از ۲۵۰۰۰ درخت، گل و گیاه دیگر به سبب تخریب زیستگاه‌های طبیعی‌شان در خطر انقراض هستند.

۱) نیاز داشتن؛ مجبور بودن

۲) [درخت] قطع کردن، انداختن

۳) مراقبت کردن، مواظبت کردن

۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۱) بو کردن؛ بوی ... دادن (۲) چشیدن، مزه ... داشتن

۳) نوشیدن ۴) پیدا کردن، یافتن

۱) متداول، معمولی؛ مشترک

۲) معدل، میانگین

۳) استراتژی، برنامه، نقشه

۴) عدد، شماره

چیزی مشترک داشتن: have sth in common

۱) الگو؛ طرح ۲) گیاه خوراکی؛ [در جمع] سبزیجات

۳) مثال، نمونه ۴) نوع، گونه

۱) مگر این‌که ۲) در عوض، به جایش

۳) امیدوارم که؛ امیدوارانه ۴) با این حال، با وجود این

متن کلوز ۴

احتمالاً امروز آب نوشیده‌اید یا دست‌هایتان را شسته‌اید. اما انسان‌ها از آب برای مقاصد بسیار دیگری مثل تمیز کردن چیزها، حمل و نقل و تولید برق آبی استفاده می‌کنند. درست همان‌طور که هیچ چیزی نمی‌تواند بدون آب زندگی کند، بدون آن چیز زیادی قابل درست شدن نیست. چون که آب بسیار مفید است، بیشتر مردم در امتداد سواحل، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها زندگی می‌کنند. جایی که [میزان] آب محدود است، مردم از فناوری‌های زیادی مثل چاه، سد و کانال استفاده کرده‌اند، تا آن را ذخیره و منتقل کنند. گاهی اوقات، این فناوری‌ها به زیستگاه‌ها آسیب می‌زنند. سایر گونه‌ها مجبور هستند با انسان‌ها برای آب رقابت کنند. ممکن است این به توضیح این موضوع کمک کند که چرا تعداد زیادی از حیواناتی که در آب‌های شیرین زندگی می‌کنند، در معرض خطر هستند. ما باید در مورد این‌که چگونه از آب استفاده می‌کنیم، باهوش‌تر و محتاط‌تر باشیم تا مطمئن شویم که [آب] کافی برای تمام [انواع] حیات روی زمین وجود دارد.

۱) با این حال، با وجود این ۲) وقتی که، هنگامی که

۳) چون، چون‌که

۴) اگر

۱) جنگل

۲) دریاچه

۳) دشت، جلگه

۴) روستا

۱) حیوان

۲) گیاه

۳) شیر

۴) انسان، بشر

۱) در معرض خطر، به خطر افتاده

۲) رایج؛ مشترک

۳) مناسب، شایسته

۴) منظم، مرتب؛ عادی، معمولی

۱) جالب

۲) دقیق؛ مراقب، محتاط

۳) درست، صحیح

۴) آسان، راحت، ساده

متن ۱

شیر در عنوان بزرگ‌ترین گریه‌سان با ببر رقابت می‌کند. در واقع، شیر و ببر در ویژگی‌های جسمانی‌شان آن‌قدر شبیه [هم] هستند که بدون خز متمایز رنگشان [یعنی] موی نرمی که بدن برخی از حیوانات را می‌پوشاند، حتی دانشمندان [تیز] در تشخیص آن‌ها از یک‌دیگر مشکل دارند. وزن شیرهای نر بین ۱۵۰ و ۲۵۰ کیلوگرم (۳۳۰ و ۵۵۰ پوند) و قد آن‌ها تا شانه حدود ۱۲۳ سانتی‌متر (حدود ۴۸ اینچ) می‌باشد. طول آن‌ها بدون دم که ۹۰ تا ۱۰۵ سانتی‌متر (۳۵ تا ۴۱ اینچ) اضافه‌تر طول دارد، تا ۲۵۰ سانتی‌متر (۹۸ اینچ) می‌باشد. شیرهای ماده کوچک‌تر هستند، [و] وزنشان بین ۱۲۰ و ۱۸۲ کیلوگرم (۲۶۵ و ۴۰۰ پوند) می‌باشد. قد آن‌ها حدود ۱۰۷ سانتی‌متر (حدود ۴۲ اینچ) و طولشان کم‌تر از ۱۷۵ سانتی‌متر (کم‌تر از ۶۹ اینچ) می‌باشد، با دمی نسبتاً کوتاه‌تر. شیرهای بالغ خزهایی دارند که از نظر رنگ از قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای مایل به قرمز متفاوت است. خز دم تیره‌تر است. تنها شیرهای نر، یال [یعنی] موی بلند اطراف شانه را دارند، که با پیرتر شدن حیوان، تیره‌تر و پرپشت‌تر می‌شود. توله [شیر]ها با خزهای انبوه [و] خال‌خالی به دنیا می‌آیند که به آن‌ها کمک می‌کند از حیوانات خطرناک مخفی شوند. با بزرگ شدن توله‌ها، خال‌ها به مرور رنگ [خود] را از دست می‌دهند، [و] گاهی اوقات تا زمانی که شیر به طور کامل رشد کند، روی پاها و شکم [آن] باقی می‌ماند.

۱) می‌توانیم از متن متوجه شویم که شیرها و ببرها

۱) دشمنان یک‌دیگر هستند

۲) از نظر شکل بسیار شبیه [هم] هستند

۳) هر دو بین گونه‌های در معرض خطر هستند

۴) بزرگ‌ترین حیوانات در بعضی از بخش‌های جهان هستند

۱) یک شیر نر (با دمش) طول دارد.

۱) بالای ۳ متر ۲) کم‌تر از ۳ متر

۳) دو متر و نیم ۴) یک متر و بیست و سه سانتی‌متر

۱) طبق متن، ما معمولاً نمی‌توانیم را ببابیم.

۱) شیری با دم یک متری

۲) شیر نری که در شانه قدش کم‌تر از ۱۲۳ سانتی‌متر می‌باشد

۳) شیر ماده‌ای که [وزنش] کم‌تر از ۱۰۰ کیلوگرم باشد

۴) شیر ماده‌ای که اندازه‌اش از شیر نر کوچک‌تر است

۱۱۲۲ پاراگراف ۱ عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

(۱) ویژگی‌های جسمانی شیرها

(۲) تفاوت طول بین شیرها

(۳) چرا شیرهای نر و ماده متفاوت هستند

(۴) آن چیزی که دانشمندان را در مورد شیرها گیج می‌کند

۱۱۲۳ کدام یک از کلمات زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) توله (۲) شانه (۳) یال (۴) خال، لک

متن ۲

یوزپلنگ‌ها حیواناتی هستند که پوشش خزی زرد سوخته با لکه‌های سیاه گرد دارند. آن‌ها به خانواده گربه‌سانان تعلق دارند، درست مثل شیر و شیر کوهی. با وجود این، بچه یوزپلنگ‌ها، بچه گربه نامیده نمی‌شوند، بلکه توله [نام دارند]. توله‌ها وقتی که تنها شش هفته عمر دارند، دنبال کردن مادرشان را در شکارها آغاز می‌کنند. توله‌ها وقتی که شش ماه عمر دارند، شروع می‌کنند به یاد گرفتن از مادرشان [که] چه طور برای خودشان شکار کنند.

شگفت‌انگیز است که یوزپلنگ‌ها در طبیعت می‌توانند تا ۶۰ مایل در ساعت بدوند. آن‌ها سریع‌ترین حیوانات خشکی در جهان هستند. وقتی یوزپلنگ‌ها شکار می‌کنند، معمولاً در شب است. آن‌ها به سوی شکارشان می‌خزند. سپس یوزپلنگ با یک خیز می‌تواند یک حیوان را در یک انفجار سرعت بگیرد. یوزپلنگ اگر مجبور باشد می‌تواند بیش از سه مایل را با سرعت متوسط ۴۵ مایل در ساعت بدود.

امروزه، یوزپلنگ‌ها در زمینی که روزی زمین شکار خوبی بود اما امروزه تحت کشاورزی است، برای زنده ماندن تقلا می‌کنند. در آفریقا، جنوب‌غربی آسیا و هند، جاهایی که یوزپلنگ‌ها زندگی می‌کنند، کشاورزان برای این حیوانات دام می‌گذارند. یوزپلنگ‌ها گاو شکار می‌کنند و کشاورزان وقتی دام‌هایشان کشته می‌شوند، پول از دست می‌دهند. برای مثال، در ۱۰ سال گذشته، کشاورزان در نامیبیا، بیش از ۷۰۰۰ یوزپلنگ را به دام انداخته و کشته‌اند.

۱۱۲۴ چرا ممکن است کسی فکر کند که بچه یوزپلنگ‌ها باید به جای توله،

بچه گربه نامیده شوند؟

(۱) چون بچه گربه کلمه [مورد استفاده] برای گربه‌ها است و یوزپلنگ‌ها به خانواده گربه‌سانان تعلق دارند.

(۲) چون بچه گربه کلمه‌ای است که حیوانات کوچک با لکه‌ها و گوش‌های تیز را توصیف می‌کند.

(۳) چون بچه گربه کلمه‌ای است که برای تمام نوزادان جذاب استفاده می‌شود.

(۴) چون بچه گربه کلمه‌ای است که برای بچه‌های حیوانات استفاده می‌شود.

۱۱۲۵ کلمه "they" که در سطر ۳ زیر آن خط کشیده شده به "cubs"

اشاره دارد.

(۱) یوزپلنگ‌ها (۲) شیرها و شیرهای کوهی

(۳) بچه گربه‌ها (۴) توله‌ها

۱۱۲۶ وقتی یوزپلنگ‌ها شروع به یادگیری شکار برای خودشان می‌کنند،

چه سنی دارند؟

(۱) یک ساله (۲) شش هفته‌ای (۳) شش ماهه (۴) شش ساله

۱۱۲۷ طبق متن، محیط طبیعی که شما می‌توانید یوزپلنگ‌ها را در آن

بیابید می‌باشد.

(۱) آفریقا، چین و هند (۲) جنوب‌غرب آسیا، آفریقا و هند

(۳) استرالیا، آسیا و هند (۴) آفریقا، نامیبیا و هند

۱۱۲۸ کدام یک از جملات زیر درست نیست؟

(۱) یوزپلنگ‌ها از شکار گاو‌ها بیشتر از سایر حیوانات لذت می‌برند.

(۲) یوزپلنگ‌ها با انفجارهای سرعت، شکارشان را غافلگیر می‌کنند.

(۳) یوزپلنگ‌های مادر به توله‌هایشان یاد می‌دهند تا برای خودشان شکار کنند.

(۴) در ۱۰ سال اخیر، کشاورزان در نامیبیا بیش از ۷۰۰۰ یوزپلنگ را کشته‌اند.

متن ۳

دایناسورها تقریباً ۶۵ میلیون سال قبل از زمین محو شدند. در مورد این‌که برای آن‌ها چه اتفاقی افتاد، تئوری‌های زیادی وجود دارد. تا این لحظه، هیچ‌کس نمی‌تواند اثبات کند چرا این موجودات قدرتمند به طور ناگهانی نابود شدند. ممکن است آن برای همیشه یک راز باقی بماند.

بعضی از دانشمندان بر این باورند که شهاب آسمانی غول‌پیکری از فضا به زمین برخورد کرد. ضربه و حرارت شهاب آسمانی می‌توانست دایناسورها را بکشد. سایرین بر این باورند که این شهاب‌سنگ در جو زمین، از زیادی را آزاد کرد. شاید این گاز مانع اشعه‌های خورشید شده باشد. ممکن است دماهای خنک‌تر، عصر یخبندانی را آغاز کرده باشد. دماهای پایین ممکن است برای دایناسورها بیش از حد سرد بوده باشد.

تئوری دیگر این است که تغییر تدریجی اقلیم برای هزاران سال اتفاق افتاد. دانشمندان بر این باورند که زمستان‌ها بیش از حد سرد شدند. تابستان‌ها آن قدر گرم شدند که دایناسورها نمی‌توانستند زنده بمانند. دایناسورها بدون خیز یا پر، نمی‌توانستند خودشان را در زمستان گرم نگه دارند. آن‌ها همچنین برای خنک ماندن در تابستان شرایط سختی داشتند. حقیقت این است که، ممکن است ما هرگز ندانیم چه اتفاقی افتاد. آن یک راز است.

۱۱۲۹ دایناسورها چه زمانی نابود شدند؟

(۱) چند هزار سال قبل (۲) حدود ۱۵ میلیارد سال قبل

(۳) کم‌تر از ۱ میلیون سال قبل (۴) حدود ۶۵ میلیون سال قبل

۱۱۳۰ چون که هیچ‌کس مطمئن نیست چرا دایناسورها منقرض شدند،

.....

(۱) دانشمندان همه باور دارند یک شهاب‌سنگ آن‌ها را کشت

(۲) ممکن است دایناسورها همگی امروزه هنوز زنده باشند

(۳) هیچ احتمالی وجود ندارد که انسان‌ها در هر زمانی منقرض شوند

(۴) انسان‌ها تئوری‌هایی را ارائه کرده‌اند تا تلاش کنند آن را توضیح دهند

۱۱۳۱ بر مبنای متن، می‌توانیم متوجه شویم که

(۱) دلیل کافی وجود ندارد تا تئوری‌های انقراض [دایناسورها] را اثبات کند

(۲) دانشمندان قطعاً علت انقراض دایناسورها را در نقطه‌ای [از زمان] متوجه خواهند شد

(۳) بیشتر دانشمندان تئوری عصر یخبندان انقراض را باور دارند

(۴) چندصد تئوری انقراض مختلف وجود دارد

۱۳۷ دانشمندان نگران چه چیزی هستند؟

- (۱) پلاستیک اقیانوس را زشت می‌کند.
- (۲) پلاستیک در نهایت می‌تواند به انسان‌ها آسیب بزند.
- (۳) پلاستیک شنا کردن را سخت می‌کند.
- (۴) تمام پلاستیک‌ها از هواپی می‌آیند.

متن ۵

اگر از پناهگاه حیوانات در [شهر] سالیانس کالیفرنیا دیدن کنید، برش‌های چوبی غول‌پیکری از یک سگ و یک گربه را خواهید دید. این علائم در مقابل ساختمان قرار داده شدند تا توجه مردم را جلب کنند. این برش‌ها [ی چوبی] بزرگ، مردم را کنجکاو و آن‌ها را تشویق می‌کنند تا از پناهگاه دیدن کنند و شاید حتی سرپرستی یک حیوان خانگی را قبول کنند. هر سال، پناهگاه سالیانس، حدود ۲۰۰۰ سگ و ۲۰۰۰ گربه را پذیرش می‌کند. این حیوانات یا ولگرد هستند یا توسط افرادی که نمی‌توانستند از آن‌ها مراقبت کنند رها می‌شوند. از این ۴۰۰۰ حیوان، در نهایت بعضی از آن‌ها در خانه‌های جدیدی به سرپرستی گرفته می‌شوند. بعضی از حیوانات به پناهگاه‌های دیگری منتقل می‌شوند و متأسفانه بعضی قبل نجات نیستند چون که بیش از حد بیمار هستند یا خطرناک در نظر گرفته می‌شوند. پناهگاه‌های حیوانات، غذا، دارو و محل امنی برای خوابیدن حیوانات فراهم می‌کنند. اما آن‌ها خانه‌های ایده‌آلی نیستند. پناهگاه‌ها پر سر و صدا هستند و حیوانات در قفس‌های کوچکی می‌مانند. افرادی که در پناهگاه‌ها کار می‌کنند، نهایت تلاش خودشان را می‌کنند تا از حیوانات مراقبت کنند، اما حیوانات همیشه توجه یا ورزشی که نیاز دارند را دریافت نمی‌کنند. صاحبان حیوانات خانگی برای جلوگیری از بی‌خانمان شدن آن همه حیوان، باید از حیوانات خانگی‌شان به خوبی مراقبت کنند. یکی از بهترین راه‌های مراقبت از حیوانات خانگی، عقیم کردن یا اخته کردن آن‌ها است. این جراحی مانع داشتن بچه‌های بیشتر گربه‌ها و سگ‌ها می‌شود؛ و آن [کار] تعداد حیوانات بی‌خانمانی را که در نهایت به پناهگاه‌ها می‌رسند، کاهش می‌دهد.

۱۳۸ متن عمدتاً در چه موردی می‌باشد؟

- (۱) شهر سالیانس کالیفرنیا
- (۲) حیوانات بی‌خانمان در پناهگاه‌ها
- (۳) چه‌طور بازدیدکنندگان را به پناهگاه‌های حیوانات جلب کنیم
- (۴) افرادی که در پناهگاه‌های حیوانات کار می‌کنند

۱۳۹ احتمالاً سگ‌ها در پناهگاه‌ها به اندازه کافی ورزش نمی‌کنند چون که

- (۱) کارگران از پیاده‌روی بردن آن‌ها لذت نمی‌برند
 - (۲) کارگران فکر می‌کنند [که] سگ‌ها به زودی به سرپرستی گرفته خواهند شد
 - (۳) آن قدر تعداد حیوانات زیاد است که کارگران نمی‌توانند از آن‌ها مراقبت کنند
 - (۴) کارگران از سگ‌ها می‌ترسند
- ۱۴۰ نتیجه عقیم کردن و اخته کردن [حیوانات] چیست؟
- (۱) توله‌سگ‌ها و بچه‌گربه‌های بیشتری به سرپرستی گرفته می‌شوند.
 - (۲) حیوانات خانگی به توجه کم‌تری نیاز دارند.
 - (۳) حیوانات کم‌تری بی‌خانمان می‌شوند.
 - (۴) افراد بیشتری در پناهگاه‌های حیوانات کار می‌کنند.

۱۳۲ کلمه "gradual" (تدریجی) در پاراگراف سوم به معنی "over a long period of time" می‌باشد.

- (۱) بی‌اهمیت
 - (۲) در طول مدت زمانی طولانی
 - (۳) تصادفی، اتفاقی
 - (۴) وابسته به گیاهان
- ۱۳۳ ایده اصلی این متن می‌باشد.
- (۱) هیچ‌کس نمی‌داند دایناسورها چگونه منقرض شدند.
 - (۲) ممکن است میلیون‌ها سال قبل یک شهاب‌سنگ به زمین برخورد کرده باشد
 - (۳) دایناسورها نمی‌توانستند با دماهای در حال تغییر منطبق شوند
 - (۴) دانشمندان سخت تلاش می‌کنند تا پی ببرند چرا دایناسورها منقرض شدند

متن ۶

در اقیانوس آرام نزدیک هاوایی، میلیون‌ها تن زباله به آرامی در آب می‌چرخند. باقی‌مانده‌های بطری‌ها، کیسه‌های پلاستیکی، تورهای ماهی‌گیری و سایر اقلام به آرامی در اطراف شناور هستند. این، زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام است و مشکل بزرگی می‌باشد. زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام، در بخشی از اقیانوس است که در آن آب به صورت بی‌انتهایی در یک دایره حرکت می‌کند. زباله‌ها از هزاران مایل دورتر، توسط جریان‌های اقیانوسی کشیده می‌شوند تا وقتی که به این نقطه برسند.

بیشتر زباله‌ها، پلاستیک است. این بدین علت است که پلاستیک به راحتی متلاشی نمی‌شود. آن فقط می‌تواند به قطعات کوچک خرد شود. این قطعه‌های کوچک، برای ماهی‌ها، پرندگان و سایر حیوانات شبیه غذا هستند. وقتی که این حیوانات به جای پر کردن شکم خودشان با غذای واقعی، پلاستیک را می‌خورند، می‌توانند بیمار شوند و از گرسنگی بمیرند.

دانشمندان نگرانند که این زباله‌دان اقیانوس به بیش از فقط حیات دریایی آسیب بزند. در نهایت، حیوانات بیمار می‌توانند راهشان را به منبع غذایی انسان‌ها پیدا کنند. اما در حال حاضر، هیچ‌کس مطمئن نیست چه‌طور این مشکل را حل کند. با وجود این، یک چیزی که کار می‌کند (مؤثر است)، بازیافت کردن پلاستیک‌ها یا دور انداختن درست آن‌ها است. به یاد داشته باشید، اگر بطری نوشابه شما در مرحله اول به اشغال تبدیل نشود، وارد اقیانوس نخواهد شد.

۱۳۴ این متن عمدتاً در چه موردی است؟

- (۱) چیزهای درست‌شده از پلاستیک
 - (۲) پلاستیک در اقیانوس
 - (۳) پلاستیک چه‌طور خرد می‌شود
 - (۴) دلایل بازیافت کردن زباله
- ۱۳۵ چرا حیوانات دریایی پلاستیک را با غذا اشتباه می‌گیرند؟
- (۱) پلاستیک به قطعات کوچک خرد می‌شود.
 - (۲) پلاستیک برای حیوانات بویی مثل غذا دارد.
 - (۳) پلاستیک با خودش تکه‌های غذا را حمل می‌کند.
 - (۴) پلاستیک برای حیوانات انرژی فراهم می‌کند.
- ۱۳۶ طبق متن، بازیافت به اقیانوس کمک می‌کند چون که
- (۱) پلاستیک را به غذا تبدیل می‌کند
 - (۲) برای دانشمندان کار فراهم می‌کند
 - (۳) زباله‌ها را از اقیانوس دور نگه می‌دارد
 - (۴) جلوی دور انداختن پلاستیک از طرف مردم را می‌گیرد

۱۱۴۱ | خانه‌های خوب می‌توانند چه چیزی را در اختیار [حيوانات] قرار

دهند که پناهگاه‌های حیوانات نمی‌توانند؟

- (۱) مقدار زیادی از مراقبت شخصی (۲) مراقبت پزشکی
- (۳) محل امنی برای خوابیدن (۴) غذا و آب

متن ۶

باز یافت فرایندی است که در طی آن یک چیز به جای دور انداخته شدن، مجدداً استفاده می‌شود. اقلام متداولی که باز یافت می‌شوند شامل قوطی‌های آلومینیومی و فولادی، شیشه و روزنامه است. باز یافت می‌تواند کاری وقت‌گیر و کثیف باشد. برای مثال، اشیاء قابل باز یافت باید از زباله جدا شوند. سپس این اشیاء باید تمیز شوند. در ادامه، این اشیاء به موادی تبدیل می‌شوند که می‌توانند توسط افراد و شرکت‌ها استفاده شوند. چرا مردم باید علی‌رغم این‌که باز یافت [مستلزم] کار زیادی است، به خودشان زحمت باز یافت را بدهند؟ باز یافت به محافظت از زمین کمک می‌کند. باز یافت به معنی زباله‌های کمتر در محل‌های دفن زباله است. این‌ها مکان‌هایی هستند که زباله به آن‌ها برده شده و دفن می‌شود. باز یافت هم‌چنین به حفظ منابع زمین کمک می‌کند. برای مثال، کارخانه‌ها با باز یافت قوطی‌های فولادی به جای تولید کردن قوطی‌های نو، انرژی کم‌تری مصرف می‌کنند. باز یافت کاغذ، درختان را از قطع شدن نجات می‌دهد. [در غیر این صورت] درختان برای درست کردن کاغذ استفاده می‌شوند. هر بار که در حال انداختن یک بطری پلاستیکی در [سطل] آشغال هستید، دست نگه دارید و فکر کنید. آیا ارزش صدمه زدن به زمین را دارد؟ اقدامات امروز شما می‌تواند به حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آتی کمک کند. تمام کاری که شما باید انجام دهید، انداختن آن بطری در سطل باز یافت است. این عادت را کسب کنید. از باز یافت مفتخر باشید. سایرین را به باز یافت تشویق کنید. شما می‌توانید تفاوت ایجاد کنید!

۱۱۴۲ | طبق متن، باز یافت چیست؟

- (۱) فرایندی که در آن چیزی مجدداً استفاده می‌شود
- (۲) فرایندی که در آن چیزی دور انداخته می‌شود
- (۳) فرایندی که در آن چیزی برده و دفن می‌شود
- (۴) فرایندی که در آن چیزی به زمین آسیب می‌زند

۱۱۴۳ | کلمه "ones" در پاراگراف دوم به "cans" اشاره دارد.

- (۱) محل‌های دفن زباله (۲) منابع
- (۳) کارخانه‌ها (۴) قوطی‌ها

۱۱۴۴ | نویسنده اطلاعات را در این متن چگونه سازمان‌دهی می‌کند؟

- (۱) نویسنده مشکلات باز یافت را توضیح می‌دهد و [برای آن] راه‌حل‌های متفاوتی را پیشنهاد می‌کند.
- (۲) نویسنده شباهت‌ها و تفاوت‌های بین باز یافت و دور ریختن چیزها را توصیف می‌کند.
- (۳) نویسنده اطلاعات مربوط به باز یافت را به ترتیب اهمیت، از بیشترین به کم‌ترین اهمیت فهرست می‌کند.
- (۴) نویسنده باز یافت را شرح می‌دهد و استدلالی را درباره این‌که چرا مهم است، به اشتراک می‌گذارد.

۱۱۴۵ | شما می‌توانید از این متن چه چیزی را برداشت کنید؟

- (۱) نویسنده برای یک کارخانه باز یافت کار می‌کند.
 - (۲) نویسنده به باز یافت اعتقاد ندارد.
 - (۳) نویسنده اعتقاد دارد تمام آن چیزی که شما برای حفظ محیط‌زیست باید انجام دهید، انداختن یک بطری در یک سطل است.
 - (۴) نویسنده اعتقاد دارد که همه می‌توانند به زمین کمک کنند.
- ۱۱۴۶ | ایده اصلی این متن چیست؟
- (۱) باز یافت به حفاظت از زمین و حفظ منابع آن کمک می‌کند.
 - (۲) افراد بسیاری از باز یافت امتناع می‌کنند چون‌که بیش از حد، سخت است.
 - (۳) انسان‌ها باید تصمیم بگیرند چه چیزهایی را باز یافت کنند.
 - (۴) تنها چیزهای خاصی قابل باز یافت هستند.

۱۱۴۷ | A: «نمی‌توانم متوجه شوم از این دور بین چه‌طور استفاده کنم.» B:

«کاملاً آسان است. نشانت می‌دهم.»

◀ از زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آتی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای آموزش روش استفاده کردن از دور بین نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت این کار را انجام دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۱۱۴۸ | آن ابرها خیلی سیاه هستند، مگه نه؟ فکر کنم قرار است باران ببارد.

◀ وقتی‌که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود (در این‌جا وجود داشتن ابرهای سیاه زیاد) پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود.

۱۱۴۹ | مردان و زنان بین سن‌های ۲۵ تا ۵۴ سال، پراسترس‌ترین زندگی‌ها

را دارند.

◀ با توجه به مفهوم جمله، هم woman و هم life به صورت جمع مورد نیاز هستند. شکل جمع این دو اسم بی‌قاعده در گزینه (۱) آمده است.

۱۱۵۰ | A: «در حقم لطفی می‌کنی، سام؟»

B: «البته، می‌خواهی چه‌کار کنم؟»

◀ یکی از کاربردهای زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) برای انجام درخواست و تقاضا و همین‌طور ارائه پیشنهاد است.

۱۱۵۱ | نمی‌توانم درک کنم چرا آن‌ها چنان دوستان خوبی هستند. آن‌ها به

سختی هیچ چیز مشترکی دارند (اصلاً وجه اشتراک ندارند).

(۱) دقت، توجه (۲) متداول، معمولی؛ مشترک

(۳) اطلاعات (۴) طبیعت

◀ چیزی مشترک داشتن: have sth in common

۱۱۵۲ | خانه خسارت زیادی ندید چون‌که آتش‌نشانان آتش را به سرعت

خاموش کردند.

(۱) ادامه دادن (به)

(۲) [لباس و غیره] درآوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن

(۳) [آتش و غیره] خاموش کردن

(۴) تشکیل دادن، ساختن

۱۶۲

- (۱) در معرض خطر، به خطر افتاده (۲) مفرد
(۳) طبیعی؛ ذاتی (۴) منظم، مرتب؛ عادی، معمولی
(۱) رایج؛ مشترک (۲) بی‌دقت، بی‌احتیاط
(۳) مهم، با اهمیت (۴) بی‌فایده

متن

دانشمندان فکر می‌کنند که دایناسورها برای تقریباً ۲۰۰ میلیون سال بر روی زمین وجود داشتند. محبوب‌ترین تئوری این است که دایناسورها ۶۵ میلیون سال قبل وقتی که یک شهاب‌سنگ به جنوب مکزیک برخورد کرد، نابود شدند. برخورد شهاب‌سنگ باعث زمین‌لرزه‌ها، آتش‌سوزی‌ها و امواج جزر و مدی شد. آتش‌فشان‌ها فوران کردند، در حالی که گازهای سمی را با فشار به آسمان می‌فرستادند و سطح اکسیژن را در اقیانوس‌ها پایین می‌آوردند. گیاهان مردند [و] منبع غذایی دایناسورهای گیاه‌خوار را از بین بردند. با مردن این دایناسورها، برای دایناسورهای گوشت‌خوار هیچ غذایی نبود. در مدت‌زمانی کوتاه، دایناسورها [از بین] رفته بودند و ظاهر شدن اولین پستانداران آغاز شد. بسیاری از دانشمندان اشاره می‌کنند که هر چند آن شهاب‌سنگ تأثیری مهم داشت، اقلیم زمین از قبل شروع به تغییر کرده بود. سیاره داشت خنک می‌شد و احتمالاً دماهای سردتر، گیاهان را می‌کشت. بعضی از دانشمندان ادعا می‌کنند که احتمالاً پستاندارانی که پیش از شهاب‌سنگ قبلاً روی زمین بودند، انقراض را با خوردن تخم‌های دایناسورها، تسهیل کرده بودند.

۲۱۶۴

- برخورد شهاب‌سنگ چگونه بر روی دایناسورها تأثیر گذاشت؟
(۱) آن باعث انفجاری بزرگ شد که بیشتر دایناسورها را فوراً از بین برد.
(۲) آن باعث تغییری شدید در محیط‌زیست آن‌ها شد که غذای آن‌ها را نابود کرد.
(۳) آن باعث زمین‌لرزه‌ها و امواج جزر و مدی شد.
(۴) آن تأثیر کمی بر روی دایناسورها داشت.
(۲) کلمه "lowering" (پایین آوردن؛ پایین آمدن) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به "decreasing" دارد.

- (۱) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن
(۲) کاهش دادن؛ کاهش یافتن
(۳) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن
(۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۴۱۶۶

- کدام یک از موارد زیر دلیل احتمالی انقراض دایناسورها نیست؟
(۱) سیاره خنک می‌شد.

- (۲) آن‌ها غذایشان تمام شد.
(۳) پستانداران ابتدایی تخم‌هایشان را خوردند.
(۴) انسان‌ها باعث آلودگی بسیار زیاد شدند.
(۱) دایناسورها چه‌زمانی منقرض شدند؟
(۱) مدت کوتاهی پس از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک
(۲) ۲۰۰ میلیون سال قبل
(۳) مدت کوتاهی پیش از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک
(۴) ۶۵ میلیون سال بعد از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک

۱۵۳ بسیاری از دانشمندان بر این باورند که گرم شدن زمین، نتیجه اقدامات انسان است.

- (۱) انسان، بشر
(۳) طبیعی
(۴) ناحیه بزرگی از زمین که با درختان و گیاهان پوشیده شده یا خود درختان یا گیاهان، جنگل نامیده می‌شود.

- (۱) دریاچه (۲) طبیعت؛ ذات (۳) روستا (۴) جنگل
(۳) اگر وقتتان را خوب برنامه‌ریزی کنید، می‌توانید وقت کم‌تری را صرف انجام کارهای غیرضروری کنید و کار را سریع‌تر انجام دهید.
(۱) رفتن

- (۳) برنامه‌ریزی کردن؛ قصد داشتن (۴) بردن؛ گرفتن
(۲) ۱۵۶ سخنرانی تام آن قدر کسل‌کننده بود که چند نفر از حضار خوابشان برد.
(۱) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز (۲) جالب
(۳) کسل‌کننده، خسته‌کننده (۴) سرگرم‌کننده
(۲) ۱۵۷ حداکثر تلاش را خواهیم کرد تا مطمئن شوم که این‌گونه اشتباهات در آینده اتفاق نمی‌افتند.

- (۱) برنامه؛ جدول زمان‌بندی (۲) آینده
(۳) اطلاعات (۴) بیان؛ عبارت؛ [چهره] حالت
(۴) ۱۵۸ او امروز استراحت می‌کند، بنابراین امیدوارم که فردا حالش بهتر شود.
(۱) بادقت، بااحتیاط (۲) به طور شفاهی
(۳) اخیراً، به تازگی (۴) امیدوارم که؛ امیدوارانه

متن کلوز

سه توله یوزپلنگ در باغ‌وحش سنت لوفیس در میزوری بزرگ می‌شوند. این توله‌ها در نوامبر سال ۲۰۰۶ متولد شدند. آن‌ها در آوریل سال ۲۰۰۷، پنج ماهه بودند. آن‌ها اولین یوزپلنگ‌هایی هستند که در مدت بیش از ده سال در باغ‌وحش به دنیا آمده‌اند. استیو بیرچر، متخصص یوزپلنگ باغ‌وحش به خبرنگاران گفت: «وضعیت توله‌ها فوق‌العاده است. آن‌ها بسیار فعال هستند. آن‌ها با یکدیگر و با مادر [شان] بازی می‌کنند.» این باغ‌وحش با بزرگ کردن توله یوزپلنگ‌ها برای نجات یوزپلنگ‌ها از انقراض کار می‌کند. این باغ‌وحش هم‌چنین از تلاش‌ها برای حفاظت از یوزپلنگ‌ها در حیات وحش حمایت می‌کند. بیرچر می‌گوید: «ما می‌خواهیم بچه‌ها آگاه باشند که یوزپلنگ‌ها در معرض خطر هستند. مهم است که از زیستگاه آن‌ها محافظت کنیم.»

۲۱۵۹ (۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۲) متولد شدن

(۳) فرستادن، ارسال کردن (۴) پیدا کردن، یافتن

متولد شدن، به دنیا آمدن be born

۱۱۶۰ با یکدیگر with each other

۴۱۶۱ (۱) کاهش دادن؛ کاهش یافتن

(۲) شناسایی کردن، شناختن

(۳) مجروح کردن، صدمه زدن به

(۴) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن

متن ۲

ما به خاطر جین گودال، در مورد شامپانزه‌ها چیزهای زیادی را می‌دانیم. او به مدت بیش از ۳۰ سال در مورد این میمون‌ها مطالعه کرد. او از میان جنگل‌های انبوه در آفریقا می‌خزید تا آرام بنشیند و آن‌ها را تماشا کند. در آن دوران، جین آن‌چه را که می‌دید و می‌شنید، می‌نوشت.

ما در حال حاضر می‌دانیم که شامپانزه‌ها در گروه‌های صمیمی زندگی می‌کنند. آن‌ها با در آغوش گرفتن و بوسیدن، به یکدیگر خوش آمد می‌گویند. شامپانزه‌های مادر، بچه‌هایشان را غلغلک می‌دهند و آن‌ها را می‌خندانند. شامپانزه‌ها با یکدیگر بازی می‌کنند و یکدیگر را تمیز می‌کنند. آن‌ها احساساتشان را هم نشان می‌دهند. شامپانزه‌های نگران، لب‌هایشان را درهم می‌کشند. شامپانزه‌های ترسیده، دندان‌هایشان را نشان می‌دهند. شامپانزه‌های آرام و شاد، لب‌خند می‌زنند و هر صدایی که شامپانزه تولید می‌کند، معنایی دارد. برای مثال، شامپانزه‌ها وقتی غذا پیدا می‌کنند، وغوغ می‌کنند. شامپانزه‌ها همچنین مسائل را حل می‌کنند. آن‌ها از چوب‌ها برای رسیدن به غذاهایی استفاده می‌کنند که دستشان به آن‌ها نمی‌رسد. آن‌ها برگ‌ها را می‌چوند و از آن‌ها به عنوان اسفنج‌هایی برای جذب کردن آب استفاده می‌کنند.

۱۶۸ احتمالاً شغل جین گودال کدام یکی است؟

- (۱) او شامپانزه پرورش می‌دهد. (۲) او دامپزشک باغ‌وحش است. (۳) او دانشمند است. (۴) او حیوانات را تعلیم می‌دهد.

۱۶۹ بر مبنای متن، کدام یک در مورد شامپانزه‌ها صحیح است؟

- (۱) آن‌ها انسان را دوست ندارند. (۲) آن‌ها از بعضی جهات مثل انسان‌ها رفتار می‌کنند. (۳) آن‌ها دوست دارند تنها زندگی کنند. (۴) آن‌ها آواز می‌خوانند و می‌رقصند.

۱۷۰ شامپانزه‌ها کجا زندگی می‌کنند؟

- (۱) فقط در باغ‌وحش‌ها (۲) در جنگل‌ها (۳) در بیابان‌ها (۴) در نواحی پوشیده از یخ

۱۷۱ کدام یک نشان می‌دهد که شامپانزه‌ها مثل انسان‌ها رفتار می‌کنند؟

- (۱) آن‌ها وقتی ترسیده‌اند، دندان‌هایشان را نشان می‌دهند. (۲) آن‌ها وقتی غذا پیدا می‌کنند، وغوغ می‌کنند. (۳) آن‌ها وقتی نگران هستند، لب‌هایشان را در هم می‌کشند. (۴) آن‌ها با یکدیگر بازی می‌کنند.

۱۷۲ وقتی خاله‌ام را دیدم، برای یک لحظه فکر کردم مادرم است، چون

آن‌ها خیلی شبیه [هم] به نظر می‌رسند.

- (۱) مناسب؛ شایسته (۲) رایج؛ مشترک (۳) نزدیک (۴) همانند، شبیه، یکسان

۱۷۳ در حال حاضر انگلیسی زبان مشترک چند کشور در جهان شده است.

- (۱) همسایه (۲) ملت؛ کشور (۳) ماده؛ مطلب (۴) شگفتی، معجزه؛ حیرت

۱۷۴ در [زمینه] سرعت و کیفیت اینترنت از کشوری به کشور دیگر،

تفاوت‌های بزرگی وجود دارد.

- (۱) وسیله، ابزار (۲) الگو؛ طرح (۳) مثال، نمونه (۴) کیفیت

۱۷۵ آسمان صاف و هوا به طرز مطبوعی خنک است. این روزی عالی برای

گذراندن در بیرون است.

- (۱) عمیق، گود (۲) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف (۳) سخت، دشوار (۴) نزدیک

۱۷۶ وقتی خمیازه کشید و به ساعتش نگاه کرد، آن را به عنوان نشانه‌ای

برداشت کردم که باید برویم.

- (۱) حقیقت، واقعیت (۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه (۳) قاعده، قانون (۴) امید، امیدواری

۱۷۷ همه برای اشتباهم سرم داد می‌زدند و من هرگز فرصت پیدا نکردم

از خودم دفاع کنم.

- (۱) دفاع کردن از؛ پشتیبانی کردن از (۲) به یاد آوردن، به خاطر آوردن (۳) شدن (۴) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن

۱۷۸ تام قبل از این‌که بطری را با آب تازه دوباره پر کند، آب را از آن خالی کرد.

- (۱) فعال، پرجنب‌وجوش (۲) تازه؛ [هوا] خنک؛ [آب] شیرین (۳) خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع (۴) دورتر؛ بیشتر

۱۷۹ معلم شکلی را ترسیم کرد که نشان می‌داد خون چگونه از قلب

جریان پیدا می‌کند.

- (۱) سلول (۲) قطره (۳) خون (۴) مایع (۱) دلیل این‌که حسین چاق است این است که خیلی غذا می‌خورد و به اندازه کافی ورزش نمی‌کند.

۱۸۰

- (۱) توانایی (۲) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۳) علاقه (۴) ورزش، تمرین

۱۸۱ ذهن‌های ما از طریق مغز، سیستم عصبی و اندام‌های حسی کار می‌کند.

- (۱) محل، مکان؛ ناحیه (۲) اندام، عضو (۳) اشاره؛ سرنخ، نشانه (۴) حقیقت، واقعیت

۱۸۲ پلیس کپی را با اصل مقایسه کرد، اما تفاوت زیادی وجود نداشت.

- (۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن (۲) وصل کردن، متصل کردن؛ وصل شدن (۳) مقایسه کردن؛ سنجیدن (۴) به حساب آوردن، در نظر گرفتن

۱۸۳ باب تقریباً تمامی تمبرهایی را که جمع کرده بود به تینا داد و فقط

چند تا را برای خودش نگه داشت.

- (۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن (۲) توصیف کردن، شرح دادن (۳) شناسایی کردن، شناختن (۴) مقایسه کردن؛ سنجیدن

۱۸۴ «به نظر شما چه کسی بهترین بازیکن فوتبال جهان است؟» «فکر

کنم لیونل مسی بهترین است.»

- (۱) موضوع، مبحث (۲) نظر، عقیده (۳) حقیقت، واقعیت (۴) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح

۱۹۵ ۲ یکصد و شانزده نفر در نتیجه حمله بمباران در پاکستان جان باختند.

(۱) ماده؛ مطلب (۲) حمله، هجوم

(۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۴) عنصر؛ عامل؛ بخش

۱۹۶ ۲ پدربزرگم هر روز صبح ورزش ملایمی می‌کند، که علت سالم و قوی بودن او است.

(۱) درست کردن؛ مجبور کردن (۲) انجام دادن

(۳) رفتن (۴) دادن

◀ ورزش کردن: do exercise

۱۹۷ ۴ جیمز به صلیب سرخ پول اهدا کرد تا به نجات‌یافتگان زمین‌لرزه کمک کند.

(۱) نجات دادن؛ پس‌انداز کردن

(۲) پاک کردن، تمیز کردن

(۳) افزودن، اضافه کردن

(۴) [پول، خون و غیره] اهدا کردن، بخشیدن

۱۹۸ ۳ امیر گفت آن چیزی را که او برای شام درست کرده بود، دوست دارد، اما فقط مؤدبانه برخورد می‌کرد.

(۱) نگران، دلواپس

(۲) شجاع؛ شجاعانه

(۳) مؤدب، با تربیت؛ مؤدبانه (۴) بی‌دقت، بی‌احتیاط

۱۹۹ ۱ نمی‌دانم مشکل او دقیقاً چیست؛ فکر کنم نوعی ویروس دارد.

(۱) ویروس (۲) بیمارستان (۳) طبیعت؛ ذات (۴) دارو؛ پزشکی

۲۰۰ ۱ سفینه فضایی وقتی در فضا قرار گرفت به مدار دور زمین خواهد رفت. آن ژانویه سال بعد اتفاق خواهد افتاد.

(۱) مدار (۲) سیاره (۳) ماه (۴) آفرینش، خلق

۲۰۱ ۱ بدون این‌که وارد جزئیات شوم، می‌توانم به شما بگویم که سال خیلی موفقی داشته‌ایم.

(۱) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۲) واقعه؛ رویداد

(۳) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح (۴) اثر، تأثیر

۲۰۲ ۲ غذای آن رستوران خوش‌مزه و قیمت‌هایشان پایین است. با این وجود، مکان آن‌ها خوب نیست.

(۱) مفید، سودمند (۲) خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع

(۳) بی‌قاعده؛ نامنظم (۴) آسان، ساده، راحت

۲۰۳ ۳ علاقه [آم] را به درس خواندن از دست داده‌ام، بنابراین فکر نمی‌کنم دلیلی داشته باشد به دانشگاه بروم.

(۱) حقیقت، واقعیت (۲) الگو؛ طرح

(۳) علاقه، دل‌بستگی (۴) نظر، عقیده

۲۰۴ ۱ از جاده اصلی خارج شوید و از پل رد شوید و به مسیرتان ادامه دهید تا وقتی که در سمت چپ خودتان یک دروازه ببینید.

(۱) عبور دادن از، رد شدن از (۲) از خود پرسیدن

(۳) شخم زدن (۴) قرار دادن، گذاشتن

۲۰۵ ۱ الهام یک لحظه بدون گفتن چیزی آن‌جا نشست و سپس بلند شد و اتاق را ترک کرد.

(۱) بدون (۲) مگر این‌که

(۳) اگر (۴) در حالی‌که؛ هنگامی‌که

۱۸۵ ۴ سیاره مشتری دو برابر حرارتی را که از خورشید می‌گیرد، از داخل [خودش] ساطع می‌کند.

(۱) ستاره (۲) تلسکوپ (۳) اکسیژن (۴) سیاره

۱۸۶ ۲ گلبول قرمز خون، کیسه کوچکی حاوی مولکول‌های هموگلوبین برای حمل اکسیژن است.

(۱) قلب (۲) سلول (۳) اندام، عضو (۴) ویروس

◀ گلبول قرمز خون: red blood cell

۱۸۷ ۱ دانستن این‌که باید دقیقاً چه‌کار کنیم سخت است؛ ما فقط باید تیری در تاریکی بیندازیم.

(۱) تاریکی (۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه

(۳) کار، عمل (۴) علامت، نشانه؛ تابلو

◀ تیری در تاریکی انداختن: take a shot in the dark

۱۸۸ ۲ بسیاری از متفکران بزرگ که در طول حیات، ناشناخته بودند، بعد از مرگ مشهور شدند.

(۱) مؤدب؛ مؤدبانه (۲) مشهور، معروف

(۳) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف (۴) مفید، سودمند

۱۸۹ ۴ زمان‌هایی وجود دارد که شما باید برای آن چیزی که درست است مبارزه کنید، حتی به قیمت جان خودتان.

(۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)

(۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۳) ماندن؛ اقامت کردن

(۴) دعوا کردن (با)، جنگیدن (با)، مبارزه کردن (با)

۱۹۰ ۱ همسایه کناری‌مان از ما خواست وقتی که در تعطیلات بود از گیاهانش مراقبت کنیم.

(۱) همسایه (۲) آپارتمان (۳) نظر، عقیده (۴) اندام، عضو

۱۹۱ ۱ شخصی که در ارتش است و لباس فرم آن را می‌پوشد، به خصوص شخصی که وقتی جنگ هست مبارزه می‌کند، سرباز نامیده می‌شود.

(۱) سرباز (۲) خلبان (۳) مهندس (۴) کارگر

۱۹۲ ۳ جنگل‌های بارانی پر هستند از حیوانات شگفت‌انگیز. ما هنوز بسیاری از این حیوانات را نمی‌شناسیم.

(۱) تاریک؛ [رنگ] تیره (۲) روزانه، روزمره

(۳) حیرت‌انگیز، شگفت‌انگیز (۴) [کتاب و غیره] مفید، سودمند

۱۹۳ ۲ او بهترین‌ها را برای بچه‌هایش می‌خواست، مدرسه‌هایی خوب، خانهای زیبا و سفرهایی به خارج.

(۱) بالا؛ از بالا

(۲) در خارج؛ به خارج؛ از خارج

(۳) داخل؛ در داخل (۴) بیرون؛ از بیرون

۱۹۴ ۱ طراحی پر از جزئیات دقیق تمیر، آن را به بخشی باارزش در بین کلکسیون او تبدیل کرد.

(۱) مجموعه، کلکسیون (۲) اطلاعات

(۳) [آواشناسی] آهنگ (۴) جشن، مراسم

۴۲۰۶ اگر نگران پیشرفت او هستید، در مورد آن با یکی از معلم‌هایش بحث کنید.

- (۱) خسته از (۲) لازم برای، ضروری برای (۳) راضی از، خوشحال از (۴) نگران

۳۲۰۷ شنیدم که افرادی که هر روز میوه و سبزیجات می‌خورند احتمال کم‌تری دارد که حمله قلبی داشته باشند.

- (۱) سلول (۲) ریه، شش (۳) قلب (۴) اندام، عضو (۳۲۰۸) کاسه‌ها را روی زمین گذاشتیم تا قطره‌های آبی را که از پشت‌بام می‌آمدند، بگیریم.

(۱) حلقه، انگشتر (۲) مایع (۳) قطره (۴) سلول (۲۲۰۹) فرم درخواست از شما می‌خواهد نام، سن و ملیت خودتان را ذکر کنید.

- (۱) کلکسیون، مجموعه (۲) ملیت (۳) نظر، عقیده (۴) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۱۲۱۰) ساختمانی که دانشمندان از آن می‌توانند ناظر سیارات، ستارگان، آب و هوا و ... باشند، رصدخانه نامیده می‌شود.

- (۱) رصدخانه (۲) [بخشی از خون] پلاسما (۳) ماهواره (۴) تلسکوپ

۴۲۱۱ آن‌ها برای ساختن تونل مجبور بودند از میان ۵۰۰ فوت سنگ سخت حفاری کنند. آن کار بسیار سختی بود.

- (۱) انرژی (۲) حلقه، انگشتر (۳) (علامت) فلش؛ تیر (۴) سنگ، صخره

۱۲۱۲ یک معلم خوب باید دانش‌آموزان را تشویق کند تا حقایق علمی ابتدایی را کشف کنند.

- (۱) حقیقت، واقعیت (۲) علامت، نشانه؛ تابلو (۳) هدف، مقصود (۴) کار، وظیفه

۲۲۱۳ مهم نیست چه قدر سخت تلاش می‌کردم شجاع و قوی باشم؛ نمی‌توانستم جلوی گریه خودم را بگیرم.

- (۱) سالم، تندرست (۲) شجاع، دلیر؛ شجاعانه (۳) دقیق؛ مراقب، مواظب (۴) مشهور، معروف

۱۲۱۴ آن قدر منتظر نوبتم برای دیدن مشاور شغلی ماندم که اتوبوسم را از دست دادم.

- (۱) نوبت؛ چرخش، پیچ (۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته (۳) دستور؛ سفارش (۴) عدد، شماره

۴۲۱۵ مردمی که در این ناحیه زندگی می‌کنند، جان خود را به دلیل کمبود آب از دست می‌دهند. دولت باید راهی پیدا کند تا این مشکل را حل کند.

- (۱) نوبت؛ چرخش، پیچ (۲) حلقه، انگشتر (۳) اشاره؛ سرنخ، نشانه، نکته (۴) ناحیه، منطقه

۴۲۱۶ او ساعات نامنظمی را کار می‌کند. این به این معنی است که او در روزهای مختلف، در مقادیر مختلف و در زمان‌های مختلف کار می‌کند.

- (۱) طلایی (۲) رایج؛ مشترک (۳) مناسب؛ شایسته (۴) بی‌قاعده؛ نامنظم

۱۲۱۷ ما سعی می‌کنیم از نظر کیفیت کالاهایمان آن چیزی را انجام دهیم که برای مشتری‌هایمان بهترین است.

- (۱) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح (۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته (۳) علامت، نشانه؛ تابلو (۴) مورد، نمونه

۴۲۱۸ in terms of از نظر، در چهارچوب پیرمرد از کلکسیون تمبرهای بالارزشی که الان در آلبومش وجود دارد، خیلی مفتخر است.

- (۱) آفرینش، خلق (۲) علاقه (۳) شگفتی، معجزه؛ حیرت (۴) کلکسیون، مجموعه

۱۲۱۹ پیشنهاد می‌کنم ما هر دو الان برویم و جان و مری را تنها بگذاریم تا در مورد این مشکل به تنهایی صحبت کنند.

- (۱) تنها، به تنهایی (۲) با این حال، با وجود این (۳) با این حال، با وجود این (۴) به هر حال

۲۲۲۰ این تغییرات منجر به ایجاد تجارت‌های جدید خواهد شد و فرصت‌های شغلی را برای هزاران نفر فراهم خواهد کرد.

- (۱) علاقه (۲) آفرینش، خلق (۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۴) ماده

۲۲۲۱ او در دانشگاه محلی دارد که به او فرصتی طلایی می‌دهد که در موضوعی که برایش جذاب است، تحقیق کند.

- (۱) شجاع، دلیر؛ شجاعانه (۲) طلایی (۳) عمیق، گود (۴) سالم؛ تندرست

۳۲۲۲ دیروز سردترین روز سال بود. در حال پیاده رفتن از مدرسه به خانه تقریباً از سرما مردم!

با توجه به مفهوم جمله متوجه می‌شویم که روز مورد نظر در این سؤال، سردترین روز سال بوده است. بنابراین برای اشاره به آن از cold استفاده می‌شود، نه hot. علاوه بر این، با توجه به این‌که این روز به عنوان سردترین روز سال مورد اشاره قرار گرفته، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم، نه صفت تفضیلی. شکل عالی صفت cold در گزینه (۳) آمده است.

۳۲۲۳ همیشه محصول با کیفیت بالا می‌خرم حتی اگر کمی گران‌تر باشد. در این تست نیز گران‌تر بودن دسته‌ای از کالاهای نسبت به دسته دیگری از کالاهای مورد اشاره قرار گرفته است و به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی expensive در گزینه (۳) آمده است.

دقت کنید که با توجه به نیامدن بخش دوم مقایسه بعد از جای خالی (یعنی کالاهای کم کیفیت‌تر)، بعد از صفت expensive از than استفاده نمی‌کنیم.

۱۲۲۴ آیا آن خانم در آن لباس ابریشمی سبز بلند زیبا، دوست‌داشتنی به نظر نمی‌رسد؟

با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۱) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

that beautiful long green silk dress
تعریف‌کننده صفت کیفیت / عقیده صفت اندازه رنگ جنس اسم

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

that beautiful long green silk dress
تعریف‌کننده صفت کیفیت / عقیده صفت اندازه رنگ جنس اسم

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

expensive یک صفت چندبخشی است و برای تبدیل آن به صفت عالی از the most استفاده می‌کنیم.

۱۲۳۱ دوستم در کف اتاق خوابش یک فرش پشمی خاکستری بلند زیبا دارد. با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۱) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	lovely	long	grey	woolen	rug
اسم	صفت کیفیت	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	تعریف‌کننده

۱۲۳۲ باید در اسرع وقت پیش دکتر بروید. سرماخوردگی‌تان از چند روز قبل بدتر است.

در این تست، با توجه به مقایسه صورت گرفته بین وضعیت سرماخوردگی در دو روز متفاوت، از صفت تفضیلی استفاده می‌شود که شکل مناسب آن برای صفت بی‌قاعده bad در گزینه (۱) آمده است.

۱۲۳۳ دخترم از من بهتر آشپزی می‌کند، اما شوهرم از همه بهتر آشپزی می‌کند. در جای خالی اول، بهتر بودن آشپزی یک نفر نسبت به شخص دیگری مدنظر است و در نتیجه به صفت تفضیلی نیاز داریم. اما در جای خالی دوم، آشپزی یک نفر بهتر از تمام افراد دیگر یک گروه مورد اشاره قرار گرفته و صفت عالی را به کار می‌بریم.

۱۲۳۴ او اخیراً یک اتومبیل ژاپنی سفید بزرگ زیبا خریده است.

با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۳) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	beautiful	big	white	Japanese	car
اسم	صفت کیفیت	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت ملیت	تعریف‌کننده

۱۲۳۵ سوپ گوجه‌فرنگی به اندازه سوپ قارچ خوش‌مزه بود. هر دوی آن‌ها طعم خوبی داشتند.

با توجه به مفهوم جمله، گوینده قصد دارد بگوید دو نوع سوپ ذکر شده به یک اندازه خوش‌مزه بودند و بنابراین در جای خالی اول از صفت برابری استفاده می‌شود که شکل صحیح آن را در گزینه‌های (۱) و (۲) داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که بعد از افعال ربطی و حسی (مانند taste در معنی طعم ... داشتن) از صفت استفاده می‌شود و نمی‌توانیم صفت را به قبل از این افعال منتقل کنیم.

۱۲۳۶ فکر می‌کردم می‌توانم پازل را انجام دهم، اما از آن چیزی که انتظار داشتم سخت‌تر بود.

با توجه به این‌که گوینده جمله بین دشواری پازل و سطح انتظار خودش از دشواری آن، مقایسه‌ای را انجام داده است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی difficult در گزینه (۳) آمده است.

۱۲۳۷ سابقاً ساختمان امپایراستیت در نیویورک بلندترین ساختمان جهان بود.

با توجه به مفهوم جمله، ساختمان امپایراستیت در گذشته عنوان بلندترین ساختمان جهان را در اختیار داشته و بنابراین در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت تکبخشی tall در گزینه (۴) آمده است.

۱۲۳۸ آن ستاره کوچک‌تر از خورشید به نظر می‌رسد، چون بسیار دورتر از ماست.

همان‌طور که می‌دانید دلیل کوچک‌تر به نظر رسیدن ستاره‌های آسمان از خورشید، فاصله بیشتر آن‌هاست. بنابراین با توجه به این‌که در این تست مسافت یک ستاره با زمین، با مسافت خورشید از زمین مقایسه شده است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که برای بیان شدت و اختلاف بیشتر صفات تفضیلی، بسته به معنی جمله از much یا far استفاده می‌شود.

۱۲۳۹ ۲۱ دسامبر کوتاه‌ترین روز سال است. آن کوتاه‌تر از هر روز دیگری است:

در جای خالی اول، ۲۱ دسامبر به عنوان کوتاه‌ترین روز سال مورد اشاره قرار گرفته و بنابراین برای آن از صفت عالی استفاده می‌کنیم که شکل مناسب آن برای صفت تکبخشی short در گزینه‌های (۱) و (۳) آمده است. اما با توجه به این‌که در جای خالی دوم، مقایسه‌ای صورت گرفته است، در این مورد به صفت تفضیلی نیاز داریم و شکل مناسب آن در گزینه‌های (۲) و (۴) آمده است.

۱۲۴۰ A: «می‌توانم کمک‌تان کنم؟» B: «بله، دنبال یک لباس نخی صورتی کوچک برای دخترم می‌گردم.»

با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۱) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	small	pink	cotton	dress
اسم	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	تعریف‌کننده

۱۲۴۱ دیروز جان به من یک جوک بامزه گفت. آن بامزه‌ترین جوک بود [که] تا حالا شنیده‌ام.

در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته و بنابراین کاربرد صفت تفضیلی (در این‌جا funnier) صحیح نیست. علاوه بر این، با توجه به این‌که کلمه، قبل از اسم (در این‌جا joke) به کار رفته، از صفت (در این‌جا funny) استفاده می‌شود، نه قید حالت (funnily). در جای خالی دوم نیز با توجه به مفهوم جمله به صفت عالی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت دوبخشی منتهی به y (یعنی funny) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) آمده است.

۱۲۴۲ آن گران‌ترین رستورانی بود که می‌توانستیم در آن غذا بخوریم و غذایشان هم خیلی خوب نبود.

با توجه به مفهوم جمله، رستوران ذکر شده در این سؤال گران‌ترین رستوران بوده است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود.

۲۳۷ بدون شک زبان انگلیسی آسان‌ترین و به طور هم‌زمان کارآمدترین زبان در جهان است.

چون در این تست، زبان انگلیسی هم از نظر آسان بودن و هم از نظر کارآمد بودن، برتر از تمامی سایر زبان‌های دیگر جهان ذکر شده است، در هر دو جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب دو مورد آن در گزینه (۱) آمده است.

۲۳۸ افراد بسیار بیشتری جان خود را در تصادفات جاده‌ای از دست می‌دهند تا سوانح هوایی. آمارها نشان می‌دهند که راندن اتومبیل خودتان خطرناک‌تر از پرواز با هواپیما است.

با توجه به این‌که طبق مفهوم جمله، رانندگی با اتومبیل خطرناک‌تر از پرواز با هواپیما است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که برای صفات چندبخشی (مانند dangerous در این تست) برای بیان مقدار یا تعداد بیشتر از more استفاده می‌شود، نه less. نکته آخر این‌که is قبل از جای خالی فعل ربطی است و پس از آن به صفت (dangerous) نیاز داریم، نه قید حالت (dangerously).

۲۳۹ در آخرین تعطیلات کتاب خوبی را خواندم، اما پدرم آخر هفته قبل حتی یکی بهتر از آن را به من داد.

در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته است و بنابراین از شکل ساده صفت (در این‌جا good) به همراه حرف تعریف مناسب برای اسم مفرد نکره book (یعنی a) استفاده می‌شود. اما در جای خالی دوم با توجه به این‌که کتاب دوم بهتر از کتاب اول بوده است، از صفت تفضیلی (در این‌جا better) استفاده می‌شود. البته دقت کنید که چون دو طرف مقایسه، قبل و بعد از صفت تفضیلی نیامده‌اند، در این‌جا کاربرد than صحیح نیست.

۲۴۰ بیشتر افراد می‌گویند که بهترین روش یاد گرفتن یک زبان خارجی، یاد گرفتن از سخنگوی بومی است.

با توجه به مفهوم جمله و این‌که طبق جمله، بهترین روش یاد گرفتن زبان خارجی، یاد گرفتن آن از سخنگوی بومی است، در جای خالی از صفت عالی استفاده می‌شود. البته دقت کنید که اگر در گزینه (۱) نیز قبل از good، حرف تعریف a را داشتیم، این گزینه نیز می‌توانست با تغییر مفهوم جمله صحیح باشد.

۲۴۱ نمی‌توانم باور کنم دارید پیشنهاد کار را به کیتی می‌دهید. فکر می‌کردم او در بین تمام داوطلبان ما دارای کم‌ترین شایستگی است!

با توجه به مفهوم جمله، در این تست نیز به صفت عالی نیاز داریم. دقت کنید که در این تست، طبق نظر گوینده جمله، شخص موردنظر دارای کم‌ترین شایستگی است و بنابراین قبل از صفت، از شکل متضاد most، یعنی least استفاده می‌شود.

۲۴۲ A: «امروز حالتان چه‌طور است؟» B: «خیلی خوب نیستم. در واقع، حالم خیلی بدتر از دیروز است.»

چون‌که گوینده جمله B، بین حال خودش در دو روز مقایسه انجام می‌دهد، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۳) آمده است. دقت کنید که در این جمله از much برای بیان شدت بیشتر صفت تفضیلی استفاده شده است.

۲۴۳ آپارتمان ما از همه چیز دور است. می‌خواهیم به محل بهتری نقل مکان کنیم.

با توجه به این‌که در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته است، برای اشاره به آن از شکل ساده صفت (در این‌جا far) استفاده می‌شود. یعنی در بین گزینه‌ها فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۲۴۴ خانه‌های ساخته‌شده از چوب آسان‌تر از خانه‌های ساخته‌شده از سنگ می‌سوزند.

با توجه به مقایسه صورت‌گرفته، در این تست از قید تفضیلی استفاده می‌شود. دقت کنید که در این‌جا با توجه به این‌که قبل از جای خالی، فعل اصلی (burn) را داریم، در جای خالی از قید حالت (easily) استفاده می‌شود، نه صفت (easy).

۲۴۵ این ارزان‌ترین تلفن فروشگاه است. تمام تلفن‌های دیگر خیلی گران‌تر هستند.

با توجه به مفهوم جمله، تلفن مورد اشاره در جمله اول در میان تمام تلفن‌های فروشگاه ارزان‌ترین است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. البته به دلیل این‌که تلفن ذکرشده گران‌ترین تلفن فروشگاه نبوده، کاربرد most از نظر معنایی صحیح نیست و باید از least استفاده کنیم.

۲۴۶ در بین تمام هم‌کلاسی‌های جدید، هری را از همه کم‌تر دوست دارم. فکر می‌کنم او خیلی بد رفتار می‌کند.

در این تست نیز با توجه به این‌که گوینده جمله از یک شخص کم‌تر از همه اعضای دیگر یک گروه خوشش می‌آید، از least استفاده می‌شود.

۲۴۷ وقتی کوچک بودم، پیتزا دوست داشتم، اما ذائقه‌ام عوض شده است. در حال حاضر آن را خیلی کم‌تر دوست دارم.

در این تست، با توجه به این‌که گوینده در حال حاضر، پیتزا را از گذشته کم‌تر دوست دارد، از صفت تفضیلی (less) استفاده می‌شود. البته چون طرف دوم مقایسه بعد از less نیامده است، کاربرد than صحیح نمی‌باشد.

۲۴۸ این روزها شهر به دلیل مرکز خرید جدید، خیلی شلوغ‌تر است.

با توجه به این‌که در این تست، گوینده قصد دارد شلوغ‌تر بودن این روزهای شهر را نسبت به حالت عادی بیان کند، در جای خالی از صفت تفضیلی استفاده می‌شود. البته چون crowded یک صفت چندبخشی است، برای ساختن شکل تفضیلی آن از more استفاده می‌کنیم. دقت کنید که به دلیل عدم ذکر بخش دوم مقایسه بعد از جای خالی، در این‌جا کاربرد than صحیح نیست.

۲۴۹ پخش DVD او به اندازه مال من ارزان بود. ما یک قیمت را پرداخت کردیم.

چون که دو نفر برای یک جنس دقیقاً یک قیمت را پرداخت کرده‌اند، برای اشاره به قیمت آن‌ها از صفت برابری استفاده می‌شود که شکل صحیح آن در گزینه (۴) آمده است. دقت کنید که expensively قید حالت است، اما بعد از افعال to be (در این‌جا was) از صفت استفاده می‌کنیم.

۲۵۰ او برای معلم بودن خیلی جوان به نظر می‌رسد. او ماه بعد بیست‌و‌دو ساله خواهد شد.

seem جزء افعال حسی است و علاوه بر این‌که حالت استمرار آن (در این‌جا is seeming) صحیح نیست، این فعل قبل از صفت (در این‌جا young) استفاده می‌شود، نه پس از آن.

۲۵۸ ۴ متأسفم [که] این قدر دیر کردم. با حداکثر سرعتی که می توانستم به این جا رسیدم، اما همه جا ترافیک بود.

◀ عبارتهای زیر را به خاطر بسپارید:

با حداکثر سرعتی که می توانستم: as fast as I could
در اسرع وقت: as soon as possible

۲۵۹ ۱ A: «در حال حاضر گران ترین خودرو چیست؟» B: «مطمئن نیستم، اما فکر می کنم رولز-رویس است. آن قطعاً از فراری گران تر است.»

◀ با توجه به مفهوم جملات، گوینده در مورد گران ترین خودرو جهان سؤال می کند. از نظر ساختاری در گزینه های (۱) و (۴) صفت عالی داریم. اما فقط در گزینه (۱) به گران ترین خودرو اشاره شده و گزینه (۴) می تواند در مورد ارزان ترین خودرو به کار رود. علاوه بر این، با توجه به کاربرد more expensive قبل از جای خالی دوم، در این جا صفت تفضیلی داریم و جمله با than کامل می شود.

۲۶۰ ۳ من به اندازه کافی بزرگ نشده ام که رانندگی کنم، اما خواهر بزرگترم کریستینا ماشین دارد. او از من دو سال بزرگ تر است.

◀ در جای خالی اول، بین دو فرد مقایسه ای انجام نشده است و صفت صرفاً به بزرگ تر بودن خواهر اشاره دارد. بنابراین برای اشاره به آن از older استفاده می شود. اما با توجه به این که در جای خالی دوم بین دو نفر مقایسه ای صورت گرفته، برای آن از older than استفاده می کنیم.

۲۶۱ ۴ او یک پیراهن ابریشمی سیاه و سفید زیبا پوشیده بود.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۴) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن +
صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف کننده

a	beautiful	black and white	silk	shirt
تعریف کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۲۶۲ ۳ پدرم امسال تولد هفتاد سالگی اش را جشن گرفت، اما از من پراثرتری تر است.

◀ با توجه به مقایسه صورت گرفته بین یک شخص و پدرش، در این تست از صفت تفضیلی استفاده می کنیم. دقت کنید که energetic (پراثرتری) یک صفت چند بخشی است و برای تبدیل آن به حالت تفضیلی از more استفاده می شود.

۲۶۳ ۱ خانه را نخریدیم چون که صاحب [آن] دو برابر ارزش [پول] می خواست.

◀ به طور کلی اگر قصد داشته باشیم همراه as ... as از کلماتی مثل twice (دو برابر)، three times (سه برابر)، four times (چهار برابر) و ... استفاده کنیم، باید آن را قبل از as اول قرار دهیم.

۲۶۴ ۱ نتوانستم در رستوران صندلی بگیرم. آن از حالت عادی شلوغ تر بود. ◀ در این تست بین شلوغی رستوران در یک روز خاص و شلوغی آن در حالت عادی مقایسه ای صورت گرفته. بنابراین در این جا باید از صفت تفضیلی استفاده کنیم که شکل صحیح آن در گزینه (۱) آمده است. دقت کنید که usual طرف دوم این مقایسه است و باید آن را بعد از than قرار دهیم.

۲۵۱ ۲ نمی توانم در این اتاق درس بخوانم. خیلی پر سروصدا است. قصد دارم جای آرام تری را پیدا کنم.

◀ به دلیل این که در این تست گوینده از اتاق مورد نظر راضی نیست و قصد دارد برای درس خواندن، اتاق آرام تری را پیدا کند، در جای خالی از صفت تفضیلی استفاده می شود. دقت کنید که place یک اسم قابل شمارش مفرد و نکره است و قبل از آن از a استفاده می کنیم.

۲۵۲ ۱ من آن توپ پلاستیکی آبی بزرگ زیبا را [که] عمویم در تولدم به من داد، واقعاً دوست داشتم.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۱) صحیح است:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن +
صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف کننده

that	beautiful	big	blue	plastic	ball
تعریف کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۲۵۳ ۲ این تلفن تقریباً به اندازه آن یکی خوب است، حتی با وجود این که بسیار ارزان تر است.

◀ با توجه به این که در این تست، دو تلفن از نظر کیفیت در یک حد در نظر گرفته شده اند، در جای خالی به صفت برابری نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۲) آمده است.

۲۵۴ ۱ این سوپرمارکت به اندازه آن یکی در آن طرف خیابان گران نیست. در واقع این خیلی ارزان تر است.

◀ با توجه به کاربرد فعل منفی (isn't) قبل از جای خالی، گوینده به برابر نبودن قیمت کالاها در دو سوپرمارکت اشاره دارد. در واقع not as ... as نشان می دهد که در مورد صفتی خاص، برابری وجود ندارد. همین بخش اول جمله نشان می دهد که در واقع یکی از سوپرمارکت ها از دیگری ارزان تر است و بنابراین در جای خالی دوم به صفت تفضیلی نیاز داریم.

۲۵۵ ۴ A: «آلن چه طور است؟» B: «او هنوز بیمار است، اما خیلی بهتر از روز قبل به نظر می رسد.»

◀ فعل look (در معنی به نظر رسیدن) جزء افعال حسی است و حالت استمراری (در این جا is looking) ندارد. دقت کنید که صفت (در این تست better)، بعد از افعال حسی به کار می رود، نه قبل از آن. همچنین با توجه به این که a lot میزان و شدت better را نشان می دهد، باید آن را قبل از better به کار ببریم.

۲۵۶ ۳ دکتر به من گفت که اگر فردا حالم بهتر باشد، می توانم به سرکار برگردم. ◀ چون جمله به بهتر شدن حال فرد اشاره دارد، شکل تفضیلی صفت (در این جا better) مدنظر می باشد. البته دقت کنید که بعد از جای خالی طرف دوم مقایسه را نداریم و در نتیجه نمی توانیم از than استفاده کنیم.

۲۵۷ ۱ جری در کلاس ما باهوش ترین است. او در هر درسی بهترین نمره ها را می گیرد.

◀ با توجه به این که در این تست، یک شخص به عنوان باهوش ترین فرد کلاسش مورد اشاره قرار گرفته، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت چند بخشی intelligent در گزینه (۱) آمده است.

۲۶۵ ۴ بسیاری از کوهنوردان، کی ۲، کوهی بین پاکستان و چین را سخت‌ترین کوه برای صعود در نظر می‌گیرند، نه کوه اورست.

از مفهوم جمله متوجه می‌شویم که به‌منظر عده زیادی از کوهنوردان، کی ۲ از نظر دشواری صعود، برترین کوه در جهان است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. شکل عالی صفت چند بخشی difficult در گزینه (۴) آمده است.

۲۶۶ ۳ دانشمندان سیاره‌ای را کشف کرده‌اند که ۲۵۰۰ برابر وزن زمین، وزن دارد.

با توجه به کاربرد 2,500 times (۲۵۰۰ برابر) قبل از جای خالی، می‌توان متوجه شدن که as ... as مد نظر طراح است البته دقت کنید که وزن زمین یک مفهوم غیرقابل شمارش است و برای اشاره به آن از much استفاده می‌شود، نه many.

۲۶۷ ۱ این کفش‌های جدید به اندازه کفش‌های قدیمی‌ام راحت نیستند. کفش‌های قدیمی‌ام بسیار راحت‌تر از این کفش‌های جدید هستند.

همان‌طور که در تست‌های قبلی نیز دیدید، twice (دو برابر)، three times (سه برابر) و ... قبل از as ... as به کار می‌روند و شدت اختلاف بین دو چیز را از نظر داشتن صفتی خاص نشان می‌دهند. در این تست به جای موارد ذکرشده، از not nearly (نه به اندازه) استفاده شده است.

۲۶۸ ۴ تام در یک قابلمه بزرگ چیزی را می‌پخت که واقعاً بوی خوبی داشت. با توجه به این‌که در این تست اصلاً مقایسه‌ای صورت نگرفته، کاربرد larger صحیح نیست و باید از large استفاده کنیم. علاوه بر این، smell در معنی به کار رفته در این تست (بوی ... داشتن) یک فعل حسی است و بعد از آن از صفت (در این جا good) استفاده می‌شود، نه قید حالت (در این جا well).

۲۶۹ ۲ در این جاده تصادفات بیشتری وجود دارد، چون‌که باریک‌تر از بقیه است.

با توجه به مقایسه صورت‌گرفته بین یک جاده و بقیه جاده‌ها از نظر باریک بودن، از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن در گزینه (۲) آمده است. البته این جمله را با صفت عالی نیز می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

There are more accidents on this road because it's the narrowest road

در این جاده تصادفات بیشتری وجود دارد، چون‌که آن باریک‌ترین جاده است.

متن کلوز ۱

ما برای زندگی کردن به اکسیژن نیاز داریم و اکسیژن را با تنفس هوا به دست می‌آوریم. وقتی‌که ما عمل دم را انجام می‌دهیم، هوا از طریق بینی یا دهان، به طرف پایین نای و به داخل ریه‌ها، دو عضو قوی در قفسه سینه مکیده می‌شود. ریه‌ها تا حد امکان از هوا اکسیژن جذب می‌کنند. این اکسیژن در خون از ریه‌ها به هر بخشی از بدن می‌رود. بدن ما از اکسیژن برای آزاد کردن انرژی قندهای حاصل از غذایی [که] می‌خوریم استفاده می‌کند. این [فرایند] هم‌چنین دی‌اکسید کربن مضر را آزاد می‌کند که توسط ریه‌ها از بدن خارج می‌شود. تمام این فرایند تنفس نامیده می‌شود. ریه‌ها همراه با راه‌های هوایی، گلو و حفره‌های بینی، دستگاه تنفسی را تشکیل می‌دهند.

۲۷۰ ۳ (۱) سلول

(۲) ماده؛ مطلب

(۳) اندام، عضو

(۴) [جمع] باکتری‌ها

۲۷۱ ۱ تا حد امکان

as much ... as possible

۲۷۲ ۴ (۱) افزودن؛ جمع بستن

(۲) تقسیم کردن؛ بخش کردن

(۳) شروع کردن؛ شروع شدن

(۴) سفر کردن؛ رفتن

۲۷۳ ۱ بعد از food

به یک جمله کامل نیاز داریم که در مورد آن اطلاعات بیشتری ارائه کند. بنابراین گزینه مورد نظر باید حتماً فاعل (در این جا we) و فعل (در این جا eat) را داشته باشد.

۲۷۴ ۱ (۱) بدن

(۲) خون

(۳) قلب

(۴) ساول

متن کلوز ۲

مریخ چهارمین سیاره از خورشید و بعد از کره زمین است. آن [سیاره] نسبت به زمین تقریباً یک و نیم برابر از خورشید دورتر است [و] بنابراین، به همان اندازه حرارت دریافت نمی‌کند. با این وجود، آن تنها سیاره‌ای است که شرایطی مشابه زمین دارد و برای مدت‌های مدیدی تصور می‌شد، که نوعی از حیات را تأمین می‌کند. مریخ تقریباً به اندازه نصف زمین است اما فقط یک دهم جرم زمین را دارد، به همین خاطر جاذبه آن خیلی کمتر است. فاصله آن از خورشید متغیر است، همین‌طور فاصله‌اش تا زمین. وقتی مریخ در نزدیک‌ترین [فاصله] با زمین است، گفته می‌شود که «در مقابل [زمین]» است و این بهترین زمان مشاهده آن با تلسکوپ می‌باشد.

۲۷۵ ۴ با توجه به کاربرد one-and-a-half times (یک و نیم برابر) قبل از جای خالی، می‌توانیم متوجه شویم که متن می‌خواهد میزان تفاوت فاصله زمین و مریخ را تا خورشید بیان کند. بنابراین به ساختار as ... as نیاز داریم، به دلیل این‌که as دوم بعد از جای خالی قرار گرفته است، جمله با as far کامل می‌شود.

۲۷۶ ۱ (۱) دریافت کردن، گرفتن

(۲) پوشاندن

(۳) حمل کردن، بردن

(۴) تمام کردن، به پایان رساندن

۲۷۷ ۴ (۱) حقیقت، واقعیت

(۲) فکر، ایده؛ نظر

(۳) حلقه، انگشتر

(۴) زندگی، حیات

۲۷۸ ۲ (۱) مثل، مانند

(۲) فقط، تنها

(۳) هیچ؛ هر

(۴) تعداد زیادی

۲۷۹ ۲ با توجه به مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که جمله به نزدیک‌ترین فاصله مریخ تا زمین اشاره دارد و بنابراین در جای خالی از شکل عالی صفت استفاده می‌کنیم.

متن کلوز ۳

شیئی که به دور یک سیاره می‌چرخد، همان‌طور که ماه به دور زمین می‌چرخد، قمر نام دارد. تمامی قمرها در مسیرهایی که مدار نام دارند به دور سیاره مادر خود حرکت می‌کنند. قوه جاذبه سیاره، قمرهای آن را در مدار نگه می‌دارد. اگر سیاره دارای جو باشد و اگر قمر به اندازه کافی نزدیک شود تا از آن جو عبور کند، سرعت قمر کم می‌شود و در نهایت به سطح سیاره سقوط می‌کند. ممکن است قمر در حال سقوط از جو، تحت تأثیر قوه جاذبه سیاره، به اندازه کافی مورد اصطکاک قرار گیرد که موجب شود آن هم‌چون یک شهاب‌سنگ آتش بگیرد.

متن ۱

مشتري بزرگ‌ترین سیاره در منظومه شمسی ما است و از انواع بسیار متفاوتی از گازها تشکیل شده است. آن به قدری بزرگ است که ۱۳۰۰ [کره] زمین می‌تواند داخل مشتری جا شود! و آن ۶۳ قمر دارد. بعضی از قمرهای آن مثل سیارات کوچک، و بقیه تکه‌هایی از سنگ و یخ منجمد هستند. مطالعه قمرهای مشتری به دانشمندان کمک کرده است در مورد منظومه شمسی بیشتر بدانند. اما قمری که دانشمندان به آن بیشتر علاقه‌مند هستند اروپا است.

شرایط اروپا، آن را به‌جز زمین، به محتمل‌ترین محل برای داشتن حیات در منظومه شمسی ما تبدیل می‌کند. آن با لایه‌ای از یخ پوشیده شده است و بعضی از دانشمندان بر این باورند [که] اقیانوسی مایع در زیر سطح یخی قرار دارد. اگر این درست باشد، ممکن است اروپا در این اقیانوس‌ها، اشکال ساده‌ای از حیات را داشته باشد. احتمالاً موجودات زنده اروپا آن قدر کوچک خواهند بود که بدون میکروسکوپ قابل دیدن نیستند. اما فکر هر موجود زنده‌ای بر روی اروپا بسیار هیجان‌انگیز است.

ما در حال حاضر نمی‌توانیم اروپا را کاوش کنیم، چون که بیش از حد سرد است و آن قدر دور است که نمی‌توان انسان‌ها را به آن‌جا فرستاد. فضاپیماها و ربات‌هایی [که] ما داریم به اندازه کافی مستحکم نیستند تا بر روی سطح [آن] فرود بیایند. اما دانشمندان برنامه‌های بزرگی دارند. آن‌ها امیدوارند در آینده یک ربات را برای آب کردن بخشی از یخ روی سطح اروپا و ربات دیگری را برای شنا کردن از میان اقیانوس‌های آن بفرستند. اطلاعاتی که این ربات‌ها جمع‌آوری می‌کنند می‌تواند آن چیزی را که ما درباره حیات ماورای زمین فکر می‌کنیم، تغییر دهد.

۲۹۰ متن عمدتاً درباره چیست؟

- (۱) قمرهای بسیار زیاد مشتری
- (۲) حیات بر روی اروپا
- (۳) جست‌وجوی دانشمندان برای حیات جدید
- (۴) مشکل کاوش فضا

۲۹۱ اروپا به بهترین شکل به عنوان توصیف می‌شود.

- (۱) گرم و سرشار از حیات
- (۲) سرد و کسل‌کننده
- (۳) پوشیده از یخ و اسرارآمیز
- (۴) خنک و خشک

۲۹۲ کلمه "sturdy" (محکم، مستحکم) در پاراگراف سوم نزدیک‌ترین معنی را به "strong" دارد.

- (۱) طبیعی؛ ذاتی
- (۲) مفید، سودمند
- (۳) قوی؛ مقاوم، مستحکم
- (۴) مختلف؛ متفاوت

۲۹۳ ایده اصلی پاراگراف آخر چیست؟

- (۱) کاوش اروپا خیلی دشوار است.
- (۲) انسان‌ها بهتر از ربات‌ها هستند.
- (۳) دانشمندان می‌خواهند حیات جدید را کشف کنند.
- (۴) حیات فقط توسط دستگاه‌ها قابل کشف است.

۲۸۰ (۱) جزء؛ [در جمع] جزئیات

- (۲) ستاره
- (۳) شگفتی، معجزه؛ حیرت
- (۴) سیاره
- (۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)
- (۲) [گل و غیره] چیدن؛ انتخاب کردن
- (۳) درست کردن؛ مجبور کردن
- (۴) نجات دادن؛ پس‌انداز کردن
- (۱) بردن؛ گرفتن
- (۲) افزودن، اضافه کردن
- (۳) حرکت کردن؛ حرکت دادن
- (۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

عبور کردن از: move through:

- (۱) پریدن
- (۲) ترک کردن؛ رها کردن
- (۳) رفتن
- (۴) افتادن؛ سقوط کردن

۲۸۴ با توجه به این که در این تست، ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته، در جای خالی به ضمیر مفعولی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای satellite (قمر)، it می‌باشد.

متن کلوز ۴

دویست و پنجاه سال قبل مردم به طور متوسط فقط ۳۵ سال زندگی می‌کردند. امروزه در بخش‌های صنعتی جهان، طول عمر متوسط، به بیش از ۷۰ سال افزایش یافته است. غذای بهتر و بهداشت کمک کرده‌اند، اما یکی از دلایل اصلی این تغییر، پیشرفت‌های صورت‌گرفته در پزشکی است. پزشکی شاخه‌ای از علم است که به پیش‌گیری، تشخیص (شناسایی) و درمان بیماری‌ها و آسیب‌ها به بدن انسان مربوط می‌شود. دانشمندان [حوزه] پزشکی دائماً در حال جست‌وجو برای روش‌های جدید درمان بیماری‌ها هستند. درمان‌ها شامل داروها، پرتودرمانی و جراحی هستند. اقدامات پیش‌گیرانه هم چون واکسیناسیون در برابر عفونت‌ها، در حال تبدیل شدن به بخش بیش از پیش مهمی از پزشکی مدرن هستند.

۲۸۵ با توجه به مفهوم جمله و این که نویسنده متن در این‌جا قصد دارد به سن بیش از ۷۰ سال اشاره کند، گزینه (۱) صحیح می‌باشد.

۲۸۶ food اسم است و صفت (در این تست good یا better) باید پیش از آن مورد استفاده قرار گیرد. دقت کنید که گزینه (۳) از نظر معنایی نمی‌تواند در این‌جا صحیح باشد.

۲۸۷ (۱) علامت، نشانه؛ تابلو

- (۲) بیماری
- (۳) قطره
- (۴) تغییر، دگرگونی
- (۱) انسان، بشر
- (۲) کیفیت
- (۳) سلول
- (۴) اندام، عضو
- (۱) حقیقت، واقعیت
- (۲) مورد، نمونه
- (۳) روش؛ راه
- (۴) نوبت؛ چرخش، پیچ

۲۹۹ طبق پاراگراف ۲، وقتی ماه برای افراد روی زمین غیرقابل رؤیت می‌شود.....

(۱) طرف دیگر آن رو به خورشید است (۲) زمین در تاریکی قرار می‌گیرد
(۳) ساطع کردن نور را متوقف می‌کند (۴) زمان «ماه نو» تمام می‌شود

۳۰۰ کدام یک از کلمات زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) کاوشگران (۲) قمر، ماه (۳) زمین تاب (۴) قرص [ماه]

متن ۳

به دست آوردن برق از اشعه‌های خورشید [در اصل] اسناده از برق هسته‌ای تولیدشده بدون هزینه در آزمایشگاهی به فاصله ۹۳ میلیون مایل است. چون که انرژی درخشان خورشید، توسط تغییرات هسته‌ای عناصر شیمیایی تأمین می‌شود که درون خورشید در دمای چند میلیون درجه‌ای و با فشارهای چند میلیون اتمسفری رخ می‌دهند. منابع انرژی خورشیدی، بسیار زیاد است. اگر ۱۰۰ درصد بازدهی در تبدیل انرژی تابشی - خورشیدی به کار مکانیکی را می‌شد به دست آورد، در زیر آسمان صاف، در هر یارد مربع از زمین، یک اسب بخار در دسترس می‌بود. هزینه فراهم کردن انرژی خورشیدی هنوز مانع از رقابت آن با منابع انرژی معمولی است. با وجود این، اگر قول نامشخص [تأمین] انرژی گرما هسته‌ای ایمن از اقیانوس‌ها تحقق پیدا نکند، انرژی خورشیدی باید نیازهای فراوان و روز افزون کودکان [ما] را ظرف دو قرن [آینده] فراهم نماید. چون که منابع زمینی (زغال سنگ، نفت و اورانیوم) ممکن است به زودی تمام شوند، آن‌ها پر هزینه‌تر از انرژی خورشیدی خواهند شد.

۳۰۱ طبق متن، برای تولید انرژی خورشیدی به چه چیزی نیاز داریم؟

(۱) منابع انرژی گرما هسته‌ای

(۲) منبع شیمیایی دائمی

(۳) چیزی مانند آزمایشگاهی به فاصله میلیون‌ها مایل

(۴) آسمان صاف در دماهای بسیار بالا

۳۰۲ نویسنده خاطر نشان می‌کند که انرژی خورشیدی در مقیاس وسیع استفاده نمی‌شود.....

(۱) اگرچه پاک و ایمن است

(۲) چون که هزینه کنترل کردن آن بسیار زیاد است

(۳) چون که می‌تواند برای محیط زیست خطراتی را ایجاد کند

(۴) چون که گران و نسبت به منابع دیگر انرژی کم‌تر مقرون به صرفه است

۳۰۳ کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای این متن است؟

(۱) انرژی خورشیدی، منبع انرژی غیرممکن

(۲) انرژی خورشیدی؛ واقعیت‌ها و حقایق

(۳) هزینه‌های استفاده از انرژی خورشیدی

(۴) منابع مختلف انرژی

۳۰۴ طبق متن، یک جایگزین برای انرژی خورشیدی می‌تواند..... باشد.

(۱) انرژی گرما هسته‌ای اقیانوس (۲) انرژی فسیل‌ها

(۳) انرژی تابشی (۴) انرژی هسته‌ای

۲۹۴ کدام یک از این‌ها توضیح می‌دهند [که] چرا دانشمندان فکر می‌کنند

ممکن است حیات بر روی اروپا وجود داشته باشد؟

(۱) موجودات زنده [اروپا] آن قدر کوچک خواهند بود که بدون میکروسکوپ دیده نخواهند شد.

(۲) اروپا یکی از ۶۳ قمر مشتری است.

(۳) اروپا لایه‌ای از یخ دارد که ممکن است زیر آن مایع داشته باشد.

(۴) مشتری بزرگ‌ترین سیاره منظومه شمسی است.

متن ۲

ماه تنها قمر طبیعی زمین است. به همان ترتیبی که زمین دور خورشید حرکت می‌کند، ماه نیز به نوبه خود دور زمین می‌چرخد. ماه در حالی که به دور زمین می‌چرخد، در محور خودش هم می‌پیچد. زمانی که طول می‌کشد تا یک دور آن کامل بشود، برابر با زمان یک چرخش [یعنی] حدود ۲۹/۵ روز است. بنابراین همواره سمت ثابتی از ماه رو به زمین است. عکس‌های گرفته شده توسط کاوشگران فضایی، نشان داده‌اند که سمت دیگر [ماه] شبیه سمت آشنای نزدیک [به زمین] است.

ماه از خودش اصلاً نور ساطع نمی‌کند و تنها به این دلیل می‌درخشد که نور خورشید را باز می‌تاباند. از آن جایی که ماه در هر سفر خود به دور زمین، تنها یک بار دور محور خود می‌پیچد، هر بخشی از سطح آن ابتدا حدود دو هفته تاریکی و سپس حدود دو هفته [از] نور خورشید را دارد. وقتی ماه بین زمین و خورشید قرار می‌گیرد، غیرقابل رؤیت است، چون طرفی که رو به زمین چرخیده است، در تاریکی می‌باشد و نور خورشید به طرف دیگر می‌افتد. این زمان «ماه نو» است. چند روز بعد، با پیش رفتن ماه در امتداد مدارش و آغاز روشن شدن سمتی که به طرف زمین چرخیده است توسط خورشید، هلال ماه باریکی در [قسمت] پایین غرب آسمان دیده می‌شود. گاه‌گاهی، ممکن است در طول این فاز هلال، تمام قرص [ماه] که توسط زمین تاب (نوری که از زمین بازتابانده می‌شود) روشن شده است، به طور مبهم دیده شود.

۲۹۵ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

(۱) اکتشافات جدید درباره ماه

(۲) بخش‌های مختلف ماه

(۳) منبع حرکات ماه

(۴) حقایق درباره قمر زمین

۲۹۶ کلمه «that» در سطر ۳ به «time» اشاره دارد.

(۱) چرخش

(۲) دوران

(۳) زمان، مدت

(۴) محور

۲۹۷ طبق پاراگراف ۱، تمام موارد زیر صحیح هستند جز این که.....

(۱) عکس گرفتن از طرف دیگر ماه ممکن است

(۲) همواره یک طرف ماه از [دید] ما پنهان است

(۳) دو طرف ماه شبیه [هم] هستند

(۴) نویسنده در مورد زمانی صحبت می‌کند که طول می‌کشد تا زمین به دور خورشید حرکت کند

۲۹۸ سفری که در پاراگراف ۲ (سطر ۶) به آن اشاره شده است.....

(۱) نیمی از مدت در تاریکی و نیمی از مدت در روشنایی اتفاق می‌افتد

(۲) حدود چهار هفته طول می‌کشد تا کامل شود

(۳) همان سفری است که توسط فضانوردان انجام می‌شود

(۴) [همان] چرخش ماه حول محور خودش هر چهار هفته یکبار است

متن ۵

در سال ۱۹۵۴، دولت‌های آمریکا و شوروی اعلام کردند که در طول سال ژئوفیزیکی بین‌المللی ۵۸ - ۱۹۵۷، قمرهای مصنوعی (ماهواره‌ها) را [به فضا] پرتاب خواهند کرد. روس‌ها ابتدا در ۴ اکتبر سال ۱۹۵۷ در مورد ماهواره بدون سرنشین اسپوتنیک ۱ اشتباه کردند. (اسپوتنیک [کلمه] روسی معادل «هم‌سفر» می‌باشد.) کپسول آن که ۸۳/۶ کیلوگرم وزن داشت، در حالی که یک فرستنده رادیویی را حمل می‌کرد که «علایم صوتی» (پیپ‌های) آن بر روی زمین دریافت می‌شدند، وارد مدار زمین شد.

اسپوتنیک ۱ در نوامبر سال ۱۹۵۷ اسپوتنیک ۲ بسیار بزرگ‌تر را به دنبال داشت که نیم تن وزن داشت. آن یک سگ [به نام] لایکا را حمل می‌کرد که اولین موجود زنده‌ای شد که به دور زمین چرخید. اولین ماهواره آمریکایی [یعنی] کلوشر ۱، تنها ۱۴ کیلوگرم وزن داشت. آن در ژانویه سال ۱۹۵۸ پرتاب شد. سفینه بدون سرنشین روسی، لونا ۱، که در سال ۱۹۵۹ [به فضا] پرتاب شد، در فاصله حدود ۶۰۰۰ کیلومتری از کنار ماه پرواز کرد. در همان سال، روس‌ها با لونا ۲ در حقیقت به [خود] ماه رسیدند و لونا ۳ به دور ماه پرواز کرد و اولین عکس‌ها را از سمت دیگر [ماه] بازفرستاد.

۱۳۱۰ طبق متن، اسپوتنیک ۱

(۱) ماهواره‌ای بود که هیچ‌کس درون آن نبود

(۲) ۸۳/۶ کیلوگرم وزن داشت

(۳) روی زمین یک فرستنده رادیویی حمل می‌کرد

(۴) کپسولی بود که وارد مدار زمین شد

۳۳۱۱ کلمه "artificial" (مصنوعی) در پاراگراف اول، نزدیک‌ترین معنی را به "unnatural" دارد.

(۱) خاص، ویژه

(۲) اقتصادی، مقرون به صرفه

(۳) غیرطبیعی

(۴) غیرعادی، غیرمعمول

۳۳۱۲ کدام جمله در مورد اسپوتنیک ۱ درست نیست؟

(۱) اسپوتنیک ۱ در ابتدا توسط روس‌ها [به فضا] پرتاب شد.

(۲) اسپوتنیک ۱ خیلی بزرگ‌تر از اسپوتنیک ۲ بود.

(۳) کپسول اسپوتنیک ۱ در حالی که یک فرستنده رادیویی را حمل می‌کرد، وارد مدار زمین شد.

(۴) اسپوتنیک ۱، اسپوتنیک دیگری را به دنبال داشت که یک سگ را حمل می‌کرد.

۳۳۱۳ متن اشاره می‌کند که روس‌ها با به ماه رسیدند.

(۱) لونا ۱

(۲) لونا ۲

(۳) لونا ۳

(۴) سه سفینه بدون سرنشین

۳۳۱۴ بهترین عنوان برای این متن خواهد بود.

(۱) ژئوفیزیک بین‌المللی

(۲) اسپوتنیک‌های روسی

(۳) انواع ماهواره‌ها

(۴) نخستین گام‌ها در فضا

متن ۴

اگر واقعاً گرم‌تان شود، بدن‌تان عرق می‌کند تا خنک شود. اگر بیش از حد سردتان باشد، بدن‌تان می‌لرزد تا گرم شود. اگر میکروب‌ها وارد بدن‌تان شوند، تب می‌کنید. ممکن است تعریق، لرزیدن و تب داشتن چیزهای بدی به نظر برسند، اما آن‌ها همگی واکنش‌های سالمی هستند. آن‌ها نشان می‌دهند که بدن‌تان درست کار می‌کند و تمام آن واکنش‌ها در بخش کوچکی از مغزتان آغاز می‌شود. هیپوتالاموس تنها به اندازه بادام است، اما کار بسیار مهمی را انجام می‌دهد. یکی از کارهای آن کنترل کردن دمای بدن شما است. بدن شما معمولاً در دمای ثابتی باقی می‌ماند. اما آن دما گاهی اوقات می‌تواند تغییر کند. برای مثال، در جریان یک بازی سریع فوتبال، دمای بدن شما افزایش می‌یابد. هیپوتالاموس سریعاً به غدد تعریق شما سیگنالی را می‌فرستد. آن می‌گوید: «مشغول کار شوید!» وقتی که غدد تعریق، عرق تولید می‌کنند، بدن‌تان شروع به خنک شدن می‌کند. آن به زودی به دمای طبیعی بازمی‌گردد.

هیپوتالاموس هم‌چنین وقتی شما بیمار هستید، کار می‌کند. وقتی میکروب‌های خطرناک به بدن شما حمله می‌کنند، آن گلبول‌های سفید خون را تولید می‌کند. این‌ها به هیپوتالاموس سیگنال می‌دهند تا دمای بدن‌تان را افزایش دهد. الان شما تب دارید. ممکن است پوست‌تان سرخ به نظر برسد و در [هنگام] لمس کردن احساس داغ بودن داشته باشد. بدن‌تان آب از دست می‌دهد. افزایش دمای بدن شما به کشتن میکروب‌ها کمک می‌کند. تب هم‌چنین روش بدن شما است تا به شما بگوید که بیمار هستید تا بتوانید از خودتان مراقبت کنید. هیپوتالاموس شما بسیار سخت‌کوش است!

۳۳۰۵ دلیل اصلی [این‌که] نویسنده این متن را نوشت چیست؟

(۱) تا به مردم بگوید بیمار نشوند

(۲) تا توضیح دهد چرا انسان‌ها عرق می‌کنند

(۳) تا توضیح دهد هیپوتالاموس چه کار می‌کند

(۴) تا در مورد هیپوتالاموس دیدگاه‌هایی را به اشتراک بگذارد

۳۳۰۶ کلمه "its" در پاراگراف دوم به "hypothalamus" اشاره دارد.

(۱) مغز

(۲) هیپوتالاموس

(۳) اندازه، سایز

(۴) بادام

۳۳۰۷ احتمالاً وقتی سبب تب از بین برود، چه اتفاقی می‌افتد؟

(۱) بدن می‌لرزد تا گرم شود.

(۲) بدن به دمای عادی بازمی‌گردد.

(۳) دمای بدن افزایش می‌یابد.

(۴) غدد تعریق بسیار سخت‌تر کار می‌کنند.

۳۳۰۸ بر مبنای متن، احتمالاً دکتر به شخص دارای تب چه توصیه‌ای خواهد کرد؟

(۱) بسیار سخت‌تر بازی کنید.

(۲) بدن‌تان را گرم نگه دارید.

(۳) گلبول‌های سفید خون کم‌تری تولید کنید.

(۴) آب زیادی بنوشید.

۳۳۰۹ نویسنده از پاراگراف آخر استفاده می‌کند تا

(۱) توضیح دهد بدن‌تان چه‌طور خنک می‌شود

(۲) هیپوتالاموس را توصیف کند

(۳) بگوید وقتی تب دارید چه کار کنید

(۴) بگوید چرا مردم تب می‌کنند

متن ۶

فضانوردان افرادی هستند که در فضا سفر می‌کنند. کلمه "astronaut" (فضانورد) به معنی «مسافر ستارگان» می‌باشد. روس‌ها این گونه افراد را "cosmonauts" (کیهان‌نورد) می‌نامند. کیهان‌نورد روس، یوری گاگارین اولین شخصی بود که به فضا سفر کرد، [و] در ۱۲ آوریل سال ۱۹۶۱ در چرخشی که ۹۰ دقیقه طول کشید، یک بار دور زمین سفر کرد. اولین فضانورد آمریکایی که دور زمین چرخید، جان گلن بود که در فوریه سال ۱۹۶۲ سفری سه چرخشی را انجام داد.

مأموریت‌های فضایی اولیه خطرناک بودند، چون که در آن زمان هیچ‌کس نمی‌دانست [که] انسان فشارهای پرواز فضایی را چگونه تحمل خواهد کرد. امروزه، پرواز فضایی سرنشین‌دار تقریباً عادی شده است. فضانوردان مرتباً به فضا سفر می‌کنند و قادر هستند بدون تحمل صدمات پایدار، هربار ماه‌ها در آن‌جا بمانند. اما خطرات هنوز هم وجود دارند. در طول سال‌ها، چندین فضانورد روس و آمریکایی جان خود را از دست داده‌اند. یکی از بدترین فجایع، در سال ۱۹۸۶ بود، هنگامی که هفت فضانورد آمریکایی در حالی که فضاپیماشان [به نام] چلنجر مدت کوتاهی پس از پرتاب منفجر شد، جان خود را از دست دادند. فضاپیماهای سرنشین‌دار اولیه، مانند مرکوری، جمینا و آپولو در ایالات متحده و وستوک در روسیه، کوچک بودند و فضای خدماتی محدودی داشتند. هم‌چنین، از آن‌ها تنها می‌شد یکبار استفاده کرد. روس‌ها برای بردن کیهان‌نوردان خود به مدار و از آن‌جا [به زمین] از سفینه «یکبار مصرف» کوچکی به نام سایوز استفاده می‌کنند. با این حال، کیهان‌نوردان در مدار [و] در ایستگاه فضایی شناخته‌شده با عنوان سالیوت، فضای بزرگ‌تری را می‌یابند. در حال حاضر، فضانوردان آمریکایی در شاتل‌های فضایی به فضا سفر می‌کنند. آن‌ها در مدارپیمای مثلث‌بالی که خیلی شبیه هواپیمای مسافری است، سفر می‌کنند.

۱۳۱۵ متن عمدتاً به می‌پردازد.

۱) تاریخچه مختصری از سفر فضایی

۲) خطرات موجود در سفرهای فضایی

۳) مقایسه‌ای بین فضاپیماهای اولیه و فضاپیماهای امروزی

۴) رقابت بین روسیه و ایالات متحده در سفر فضایی

۱۳۱۶ اولین پرواز فضایی سرنشین‌دار

۱) در یک بهار در قرن بیستم انجام شد

۲) از زمین [به فضا] و [از فضا] به زمین حدود ۹۰ دقیقه طول کشید

۳) از آن‌جایی که شامل سفری یک چرخشی بود، مأموریتی ناموفق بود

۴) توسط همان شخصی انجام شد که سفر دوم را در سال ۱۹۶۲ انجام داد

۱۳۱۷ طبق متن [این گفته] درست است که

۱) حتی امروزه مأموریت‌های فضایی بی‌خطر نیستند

۲) فضانوردان و کیهان‌نوردان مظهر دو شغل متفاوت هستند

۳) اگرچه امروزه فضانوردان گاهی اوقات آسیب می‌بینند، آن‌ها هرگز جان خود را از دست نمی‌دهند

۴) سفر فضایی در سال‌های اخیر به اندازه گذشته خطرناک است

۱۳۱۸ تمامی موارد زیر اسامی تعدادی فضاپیما هستند، به جز

۱) سایوز ۲) مرکوری ۳) آپولو ۴) سالیوت

۳۳۱۹ می‌توان از متن متوجه شد که ناکامی سفینه فضایی چلنجر به دلیل به عنوان بدترین فاجعه فضایی مورد اشاره قرار گرفته است.

۱) هزینه ساخت فضاپیما

۲) انفجار آن زودتر از [زمان] پیش‌بینی شده

۳) تعداد افرادی که جان‌شان را از دست دادند

۴) مأموریت فضایی بسیار مهم آن

۳۳۲۰ آن تمرین سختی بود اما تمرین ستاره‌دار سخت‌ترین تمرین برگه تمرین بود.

با توجه به مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که گوینده جملہ قصد دارد یک تمرین را به عنوان سخت‌ترین تمرین یک برگه تمرین مورد اشاره قرار دهد. بنابراین در این‌جا به صفت عالی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی difficult در گزینه (۳) آمده است.

۳۳۲۱ شهر ساحلی بارسلون فعالیت‌های هیجان‌انگیز زیادی را به افراد جوان ارائه می‌کند.

people و activities هر دو اسم هستند و exciting و young صفت‌هایی هستند که برای توصیف آن‌ها به کار می‌روند. با توجه به این‌که در انگلیسی صفت قبل از اسم به کار می‌رود، نه پس از آن، گزینه (۳) صحیح می‌باشد. رابرت هرگز سروقت نیست. او همیشه دیرتر از بقیه ما می‌رسد.

با توجه به کاربرد the rest of us (بقیه ما)، می‌توانیم متوجه شویم که گوینده قصد دارد مقایسه‌ای را انجام دهد. بنابراین در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینه (۲) آمده است.

۳۳۲۲ ما توانستیم از آن فروشگاه یک بلوز نخی کرم‌ای آبی زیبا بخریم.

با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینه (۲) صحیح است.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	nice	blue	Korean	cotton	blouse
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت رنگ	صفت ملیت	صفت جنس	اسم

۳۳۲۴ در بعضی از کشورها، تنها گذاشتن بچه‌های کم‌تر از سن خاصی در خانه برخلاف قانون است.

۱) بیرون، خارج از ۲) بالای، بر فراز

۳) زیر ۴) برخلاف، مخالف، مقابل

۳۳۲۵ یک بدن سالم قادر خواهد بود بدون استفاده از دارو با این بیماری مبارزه کند.

۱) سالم، تندرست ۲) زنده، در قید حیات

۳) ایمن، در امان؛ امن ۴) دردناک، ناراحت‌کننده

۳۳۲۶ وقتی مهمانان به دیدن شما می‌آیند، مؤدبانه است که با کلمات محبت‌آمیز به آن‌ها خوشامد بگویید و با آن‌چه [که] دارید از آن‌ها پذیرایی کنید.

۱) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف

۲) مؤدب، باتریت؛ مؤدبانه

۳) تازه؛ [هوا] خنک، پاک؛ [آب] شیرین

۴) مفید، سودمند

متن ۱

ایستگاه فضایی بین‌المللی به دلیل گرانش بسیار پایین، یا میکروگرانش آن، با آزمایشگاه‌های روی زمین متفاوت است. آزمایش‌های خاصی در میکروگرانش قابل انجام هستند که هرگز بر روی زمین به درستی قابل انجام نبودند. برای مثال، در میکروگرانش می‌توان کریستال‌های پروتئینی را کشت کرد که بسیار خالص‌تر از آن‌هایی هستند که قابل کشت بر روی زمین هستند. این پروتئین‌ها می‌توانند به دانشمندان کمک کنند پروتئین‌ها، آنزیم‌ها و ویروس‌ها را بهتر درک کنند. این پژوهش می‌تواند منجر به ایجاد داروهای جدیدی شود که می‌توانند عفونت‌های ویروسی هم‌چون HIV و هم‌چنین سایر بیماری‌ها را درمان کنند.

کشت بافت‌ها از بخش‌های مختلف بدن انسان برای آزمایش کردن درمان‌های پزشکی جدید مفید است. میکروگرانش رشد کشت بافت‌های قوی‌تر و طبیعی‌تر از [کشت بافت‌های] روی زمین را امکان‌پذیر می‌کند. این‌ها می‌توانند از کشت بافت‌های واقع بر روی زمین به‌طور کامل‌تری آزمایش شوند. نتیجه می‌تواند درمان‌های جدید برای سرطان، دیابت و بیماری‌های خطرناک دیگر باشد. انواع بسیار دیگری از تحقیقات وجود دارد که فقط می‌توانند بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی انجام شوند. تمام این تحقیقات این پتانسیل را دارند که زندگی روی زمین را بهبود ببخشند.

۳۳۷ ۴ چه چیزی درباره میکروگرانش صحیح است؟

(۱) آن بیش از گرانش روی زمین وزن دارد.

(۲) آن قابل شبیه‌سازی در یک شبیه‌ساز است.

(۳) آن سفر فضایی را دشوار می‌کند.

(۴) آن تحقیقات منحصربه‌فرد را ممکن می‌کند.

۳۳۸ ۱ پژوهش ایستگاه فضایی بین‌المللی بر روی کریستال‌های پروتئین، می‌تواند به چه چیزی منتهی شود؟

(۱) تولید داروهای جدید

(۲) درک بهتری از گرانش

(۳) رشد کشت بافت‌های قوی‌تر

(۴) همکاری بهتر در آینده

۳۳۹ ۳ چه چیزی در مورد کشت بافت‌ها صحیح نیست؟

(۱) آن‌ها در درمان بیماری‌های خطرناک کمک می‌کنند.

(۲) آن‌ها از بدن انسان گرفته می‌شوند.

(۳) آن‌ها را به بهترین شکل می‌توان روی زمین آزمایش کرد.

(۴) آن‌ها بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی طبیعی‌تر واکنش نشان خواهند داد.

۳۴۰ ۲ چرا باید آزمایش‌ها بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی انجام شود؟

(۱) تا از کریستال‌های پروتئین محافظت شود

(۲) تا حیات روی زمین بهبود یابد

(۳) تا از بیماران انسان استفاده شود

(۴) تا کاوش‌های فضایی توسعه یابد

۳۳۷ ۲ هدفم یاد گرفتن انگلیسی به اندازه کافی است تا وقتی سفر می‌کنم،

مجبور نباشم با خودم دیکشنری ببرم.

(۱) به حساب آوردن، در نظر گرفتن (۲) تقسیم کردن، قسمت کردن

(۳) حمل کردن، بردن (۴) چرخیدن؛ چرخاندن

۳۳۸ ۲ او به ساعت مچی‌اش اشاره کرد به عنوان نشانه‌ای که داشت دیر

می‌شد و او می‌خواست برود.

(۱) حقیقت، واقعیت (۲) علامت، نشانه؛ تابلو

(۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۴) نوع، گونه

۳۳۹ ۱ کلکسیون کتاب‌ها و مجلات من در مقایسه با کلکسیون کتابخانه

هیچ چیزی نیست.

(۱) کلکسیون، مجموعه (۲) برنامه؛ برنامه زمان‌بندی‌شده

(۳) استراتژی (۴) طبیعت؛ ذات

۳۴۰ ۳ کیم به بعضی از جوک‌های مری خندید، اما فکر می‌کرد بعضی از

آن‌ها خیلی خنده‌دار نبودند.

(۱) پاک کردن، تمیز کردن (۲) گوش دادن

(۳) خندیدن (۴) شنیدن

۳۴۱ ۳ مجبور نیستید آن قدر بلند حرف بزنید. می‌توانم صدایتان را خیلی

واضح بشنوم.

(۱) به سختی؛ به ندرت (۲) عمیقاً؛ به شدت

(۳) واضح، به وضوح (۴) در واقع، در حقیقت

متن کلوز

اگر در شب تاریک صاف به آسمان نگاه کنید، ممکن است که تا حدود ۳۰۰۰ تا از میلیاردها ستاره کهکشان ما را ببینید. اگرچه آن‌ها هم‌چون نقاط بسیار کوچکی به نظر می‌رسند، آن‌ها هم‌چون نزدیک‌ترین ستاره‌مان [یعنی] خورشید، گوی‌های داغ غول‌پیکری از گاز در اعماق فضا هستند. بعضی از ستارگان بسیار بزرگ هستند؛ اگر آن‌ها در مرکز منظومه شمسی ما قرار بگیرند، به فراتر از مدار زمین کشیده خواهند شد. بقیه بسیار کوچک‌تر هستند، [یعنی] حدود اندازه سیاره ما و تنها نور ضعیفی را ساطع می‌کنند. ستارگان به نحو غیرقابل تصویری دور هستند. نور حتی نزدیک‌ترین ستاره به ما (به جز خورشید) بیش از چهار سال طول می‌کشد تا به ما برسد.

۳۴۲ ۲ با توجه به این‌که خورشید به ما از هر ستاره دیگری در عالم

هستی نزدیک‌تر است، در جای خالی از شکل عالی صفت استفاده می‌کنیم.

۳۴۳ ۴ (۱) مقایسه کردن؛ سنجیدن

(۲) توصیف کردن، شرح دادن

(۳) به دور ... چرخیدن

(۴) قرار دادن، گذاشتن

۳۴۴ ۱ (۱) مدار (۲) اقیانوس (۳) جنگل (۴) دشت

۳۴۵ ۳ (۱) آفرینش، خلق (۲) عنصر، عامل؛ بخش

(۳) سیاره (۴) اندام، عضو

۳۴۶ ۲ (۱) علامت، نشانه؛ تابلو (۲) نور، روشنایی؛ چراغ

(۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۴) حلقه، انگشتر

متن ۲

مشتان را گره کنید. آن را روی قفسه سینه‌تان کمی در چپ مرکز [قفسه سینه‌تان] قرار دهید. قلب شما در حدود اندازه مشتتان است و حدود دو سوم پایین در سمت چپ قفسه سینه‌تان قرار دارد. آن در یک مرد بالغ سالم، حدود ۷۰ بار در دقیقه منبسط و منقبض می‌شود. هر انقباض و انقباض، یک ضربه قلب است. قلب یک زن بالغ معمولی هر دقیقه حدود ۷۸ بار می‌تپد. آن برای یک دانش‌آموز کلاس ششم حدود ۸۵ تا ۹۰ بار در دقیقه و در [بدن] یک نوزاد، ۱۳۰ بار در دقیقه می‌تپد. قلب از طریق ۱۶۰۰۰ مایل از شریان‌ها، وریدها و مویرگ‌ها در سیستم گردش خون، خون را در اطراف بدن پمپاژ می‌کند. خون به ریه‌ها پمپاژ می‌شود تا اکسیژن را به بخش‌های دیگر بدن حمل کند و از بخش‌های دیگر بدن به قلب برمی‌گردد تا اکسیژن بیشتری دریافت کند. قلب شما هر روز به طور متوسط ۱۵۰۰ گالن خون پمپاژ می‌کند. قلب شما در طول حیاتتان بیش از سیزده میلیون بشکه نفتی از خون را پمپاژ خواهد کرد.

شما می‌توانید با گرفتن نبض خودتان، ضربان قلبتان را تعیین کنید. ضربان (نبض) را روی مچ دست یا گردن‌تان با انگشت اشاره و انگشت وسط خودتان پیدا کنید. ضربان‌ها را دقیقاً برای یک دقیقه بشمارید. سه بار امتحان کنید تا مطمئن شوید دقیق هستید. پنج دقیقه بدوید یا ورزش کنید و دوباره ضربان (نبض) خودتان را چک کنید. آن باید خیلی سریع‌تر باشد. از قلبتان مراقبت کنید و آن به شما یک عمر خدمات خواهد داد.

۳۴۱ مقیاس ضربان قلب شما در یک دقیقه چیست؟

۱) ریه‌ها، شش‌ها (۲) انقباض (۳) انقباض (۴) نبض

۳۴۲ طبق متن، ضربان قلب احتمالی یک مرد بالغ چه قدر است؟

۱) ۷۰ بار در دقیقه (۲) ۱۳۰ بار در دقیقه

(۳) ۷۸ بار در دقیقه (۴) ۸۵ تا ۹۰ بار در دقیقه

۳۴۳ بر مبنای این‌که قلب چگونه اکسیژن را به بدن پمپاژ می‌کند،

می‌توانید چه چیزی را درباره خطرات استنشاق هوای آلوده برداشت کنید؟

۱) هوای آلوده و سیگار کشیدن سطوح اکسیژن را کاهش می‌دهند و اکسیژن کم‌تری به بدن پمپاژ خواهد شد.

۲) اهمیتی ندارد چه چیزی را استنشاق می‌کنید، مشروط بر این‌که هنوز جوان باشید.

۳) بدن شما آلودگی را به بیرون تصفیه می‌کند، بنابراین اهمیتی ندارد.

۴) تا وقتی چهل ساله شوید، تحت تأثیر دود قرار نمی‌گیرید.

۳۴۴ در مورد پیوند بین ضربان قلب و سن افراد سالم می‌توانید چه چیزی را برداشت کنید؟

۱) ضربان قلب در افراد بالغ بیشتر از کودکان است.

۲) ضربان قلب بین طفولیت و بزرگسالی (با افزایش سن) کم‌تر می‌شود.

۳) در بیشتر افراد، سن بر روی ضربان قلب تأثیر نمی‌گذارد.

۴) افراد سالم در دوران بزرگسالی ضربان قلب بالاتری دارند.

۳۴۵ پیاده در خیابان می‌رفتم که یک‌هو یک نفر به شانه‌ام زد و اسمم را صدا زد.

۱) به آسانی، به راحتی (۲) در نهایت، بالاخره

(۳) به سرعت، سریعاً، با شتاب (۴) به طور ناگهانی، یک‌هو

۳۴۶ موفقیت آزمایش به کنترل دقیق شرایط از جانب ما بستگی دارد.

۱) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری (۲) آزمایش؛ تجربه

۳) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۴) محیط؛ محیط‌زیست

۳۴۷ آن پسرها که از شیوه برخورد خودشان با برادر کوچک‌ترشان خجالت می‌کشیدند، تصمیم گرفتند از آن زمان به بعد، با او تا جایی که می‌توانستند

مهربان باشند.

۱) علاقه‌مند به (۲) گیج از، سردرگم از

۳) متعجب از، حیرت‌زده از (۴) شرم‌زده از، خجالت‌زده از

۳۴۸ برای من رفتن به کالج فقط وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف

است، راهی برای به دست آوردن شغلی بهتر.

۱) یک هدف، یک مقصود؛ یک پایان (۲) یک کمک، یک یاری

۳) یک حقیقت، یک واقعیت (۴) یک مورد، یک نمونه؛ یک جعبه

◀ وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف: a means to an end

۳۴۹ شخصی که کارش تبدیل کلمات، به خصوص کلمات نوشته، به زبانی دیگر است، مترجم نامیده می‌شود.

۱) محقق، پژوهشگر (۲) دانشمند

۳) مترجم (۴) بیمار، مریض

۳۵۰ فکر کنم دوست دارم امروز عصر به جای بیرون رفتن، در خانه بمانم.

دوست دارید به من ملحق شوید؟

۱) علی‌رغم، با وجود (۲) علاوه بر، افزون بر

۳) تا، به جای (این‌که) (۴) کنار، نزدیک

۳۵۱ او قادر نیست به پلیس توصیفی از سارق را ارائه کند چون‌که صورت

او را ندید.

۱) توصیف، تعریف، شرح (۲) پس‌زمینه، زمینه؛ تجربیات

۳) مشاهده، ملاحظه (۴) آزمایش؛ تجربه

۳۵۲ فکر می‌کنم باید همان مقداری که روی درمان بیماری تأکید می‌کنیم،

روی پیش‌گیری از آن تأکید کنیم.

۱) ایمان، اعتقاد؛ باور (۲) حس؛ احساس

۳) آفرینش، خلقت (۴) تأکید، تکیه؛ اصرار

۳۵۳ وقت زیادی نداریم، پس بیا بید روی مسائل مهم تمرکز کنیم.

۱) عمیق، گود (۲) سریع، تند

۳) ناگهانی، غیرمنتظره (۴) کلیدی، اصلی، مهم

۳۵۴ اگر نمی‌توانید این مسأله را حل کنید، بهتر است روش دیگری را

امتحان کنید.

۱) پوشاندن (۲) دادن

۳) بالا بردن؛ افزایش دادن؛ [بچه] بزرگ کردن

۴) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن

۳۵۵ علی از آن نوع افرادی است که در مقابل مردم عصبی می‌شود، پس

در صحبت کردن در مقابل جمع خوب نیست.

۱) نوع؛ گونه، تیپ (۲) علامت، نشانه

۳) پایان، آخر؛ هدف (۴) وضع، وضعیت؛ حالت؛ کشور؛ ایالت

۳۶۶ شما برای نجات جان خودتان در شرایط اضطراری، باید به سریع ترین

شکلی که می توانید اقدام کنید.

(۱) درست کردن؛ باعث ... شدن (۲) قرار دادن، گذاشتن

(۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۴) بردن؛ گرفتن

take action: اقدام کردن

۳۶۷ پزشکان مشاهده کردند که آن بیماری فقط در زنان بالای ۵۰ سال

اتفاق می افتد.

(۱) اداره کردن، کنترل کردن (۲) مشاهده کردن، دیدن

(۳) اشاره کردن؛ مراجعه کردن (۴) اندازه گیری کردن، اندازه گرفتن

۳۶۸ دختر کوچکم وقتی شنید نمی تواند به پارک برود با عصبانیت شروع

به بالا و پایین پریدن کرد.

(۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۲) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)

(۳) پریدن (۴) بردن؛ گرفتن

۳۶۹ رزرو هواپیمای خودتان را زود انجام دهید چون که پروازها در محدوده

کریسمس به سرعت پر می شوند.

(۱) در واقع، در حقیقت (۲) به سختی؛ به ندرت

(۳) به طور ناگهانی، یهو (۴) به سرعت، تند، زود

۳۷۰ باعث تأسف است که مجبور بودم کارم را درست وقتی که قلق مسائل

دستم می آمد رها کنم.

(۱) پوشاندن (۲) انتخاب کردن، برگزیدن

(۳) ترک کردن؛ رها کردن (۴) (قطعه ای را) از حفظ خواندن

It's a shame: باعث تأسف است؛ حیف شد!

get the hang of sth: قلی چیزی دست (کسی) آمدن

۳۷۱ این برایم فرصتی خوب خواهد بود تا از مهارت های زبانی ام به نفع

خودم استفاده کنم و کار بسیار بهتری پیدا کنم.

(۱) حقیقت، واقعیت (۲) سود، منفعت

(۳) مهارت، چیره دستی (۴) ارزش؛ اهمیت؛ قیمت

to one's advantage: به نفع خود

۳۷۲ اگرچه جیمی به کیتی در مورد مشکل خودش گفت، نمی خواست به

هیچ توصیه ای گوش کند که او در مورد روش حل کردن آن داشت.

(۱) حل کردن (۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن

(۳) (قطعه ای را) از حفظ خواندن (۴) ترک کردن؛ رها کردن

۳۷۳ اطلاعات جمع آوری شده در پژوهش شما، از ارزش بالایی برخوردار

است، هم برای مدیران و هم برای مدرسان.

(۱) حقیقت، واقعیت (۲) مورد، نمونه

(۳) اقدام؛ کار؛ فعالیت (۴) ارزش؛ اهمیت؛ قیمت

۳۷۴ کامپیوترهای آنالوگ، وسایلی با کارکرد عمومی هستند که برای انجام

اعمال ریاضی، قوانین فیزیک را به کار می گیرند.

(۱) ابزار، وسیله (۲) اقدام؛ کار؛ فعالیت

(۳) الگو؛ طرح (۴) ترم، نیم سال؛ اصطلاح

۳۵۶ از سال ها انجام دادن آن کار تجربه مفیدی کسب کردم.

(۱) رشد کردن، بزرگ شدن؛ [گیاه] پرورش دادن

(۲) حدس زدن

(۳) به دست آوردن، کسب کردن

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن

۳۵۷ دولت به دنبال روش هایی برای کاهش هزینه های درمانی است.

(۱) نگاه کردن؛ به نظر رسیدن (۲) جست و جو کردن؛ به دنبال ... بودن

(۳) داشتن؛ خوردن (۴) ترک کردن؛ رها کردن

۳۵۸ سیستم کاری آن ها بر مبنای این باور است که مردم به صورت تیمی

بهتر کار می کنند.

(۱) علم؛ علوم

(۲) مهارت

۳۵۹ او آن قدر تعجب کرد که چند ثانیه توان صحبت کردن را از دست داد.

(۱) وضع، موقعیت، شرایط (۲) قدرت، توان؛ نیرو؛ برق

(۳) حقیقت، واقعیت (۴) ابزار، وسیله

۳۶۰ پیشرفت های علم و فناوری، مسیر را برای درمان های جدید برای

بیشتر بیماری های مرگبار باز می کنند.

(۱) علم؛ علوم

(۳) اختراع؛ ابداع (۴) اقدام؛ کار؛ فعالیت

۳۶۱ اگر به تصویر سیاره ما در شب از فضا نگاه کنید، می توانید ببینید

لامپ چگونه زندگی روی زمین را تغییر داد.

(۱) پوشش؛ در پوش (۲) علامت، نشانه

(۳) مدل؛ الگو (۴) حباب

light bulb: لامپ

۳۶۲ آن ها در نهایت آن درختان پیر خیابان ما را قطع کردند، اما با کمال

تأسف برای ما، یکی از آن ها روی ماشین ما افتاد.

(۱) خوشبختانه (۲) متأسفانه؛ با کمال تأسف

(۳) به طور ناگهانی، یهو (۴) به شدت؛ شدید

۳۶۳ به نظر می رسد به طور کاملاً ناگهانی اتفاق افتاد؛ احساس

وحشتناکی داشتم و خواستم که به بیمارستان برده شوم.

(۱) ناگهانی، غیرمنتظره (۲) قدرت، توان؛ نیرو؛ برق

(۳) مشکل، گرفتاری؛ دردسر (۴) علامت، نشانه

all of a sudden: ناگهان، به طور کاملاً ناگهانی

۳۶۴ از آن جایی که آن مرد تنبل است و اصلاً حس مسئولیت پذیری

ندارد، کار نمی کند تا برای خانواده اش پول در بیاورد.

(۱) حس؛ احساس (۲) اساس، پایه (۳) عادت (۴) مقدار، میزان

sense of responsibility: حس مسئولیت پذیری

۳۶۵ وقتی به خانه برگشتم، از دیدن این که آشپزخانه در چه وضعیت

وحشتناکی بود وحشت کردم.

(۱) وضع، وضعیت؛ حالت

(۲) الگو؛ طرح

(۳) پس زمینه، زمینه؛ تجربیات (۴) ترم، نیم سال؛ اصطلاح

۳۷۵ آن‌ها الیس را فوراً به بیمارستان بردند؛ اما متأسفانه او دو ساعت بعد فوت کرد.

- (۱) شجاعانه، با بی‌باکی (۲) شخصاً به طور شخصی (۳) متأسفانه؛ بانده (۴) اخیراً، به تازگی

۳۷۶ مچ پایم نسبتاً ضعیف است، بنابراین وقتی که تنیس بازی می‌کنم، همیشه روی آن نوار قرار می‌دهم تا آن را تقویت کنم.

- (۱) سخت؛ دشوار (۲) عمیق، گود (۳) ضعیف (۴) خوب، سرحال (۴) ۳۷۷ بعید است که اگر خیلی سخت‌تر درس نخوانید، موفق شوید. درس‌هایتان را جدی نمی‌گیرید.

- (۱) نهایی، پایانی (۲) اخیر، جدید (۳) علاقه‌مند (۴) موفق؛ موفقیت‌آمیز

۳۷۸ تاکنون قادر نبوده‌ایم دربارهٔ این فلز چیز زیادی بیابیم، اما هنوز در مورد آن تحقیق می‌کنیم.

- (۱) به خاطر داشتن؛ به یاد آوردن (۲) تحقیق کردن، پژوهش کردن (۳) گزارش دادن (۴) ربط داشتن، مربوط بودن

۳۷۹ دولت هر شش ماه ارقامی را منتشر می‌کند که نشان می‌دهند چند نفر بی‌کار هستند.

- (۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن (۲) منتشر کردن، چاپ کردن (۳) مشاهده کردن، دیدن (۴) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ... بودن

۳۸۰ ما دیگر نمی‌توانیم از گذشته استفاده کنیم تا تلاش کنیم و آینده را پیش‌بینی کنیم چون تغییر با آهنگ بسیار سریعی اتفاق می‌افتد.

- (۱) پرجنب‌وجوش، سرشار از نیرو (۲) مناسب؛ شایسته (۳) خوش‌یخت، سعادت‌مند (۴) سریع، تند

۳۸۱ اگر برای بیش از ۲۰ نفر غذا سفارش دهید، ما می‌توانیم به شما در تمام قیمت‌های ذکرشده تخفیف ویژه ۱۰٪ بدهیم.

- (۱) در حال توسعه (۲) پیوسته، مداوم (۳) خاص، ویژه، مخصوص (۴) مشهور، معروف

۳۸۲ نیکولاس در حال حاضر، با [وجود] مادر بیمارارش و ضرب‌الاجل فشرده در سرکار، خیلی گرفتار است.

- (۱) لحظه، دقیقه (۲) علاقه؛ دلبستگی (۳) عنصر؛ بخش، قسمت (۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

at the moment: الان

have a lot on one's plate: سر [کسی] شلوغ بودن

۳۸۳ این روزها، جهان به دلیل ارتباطات مدرن و سیستم‌های حمل‌ونقل، در حال کوچک‌تر شدن است.

- (۱) مدرن، امروزی، جدید (۲) موفق؛ موفقیت‌آمیز (۳) ممکن، امکان‌پذیر (۴) ضعیف

۳۸۴ بعد از جنگ جهانی اول، صلح بعد از سال ۱۹۱۸، فقط حدود بیش از ۲۰ سال در اروپا دوام آورد، پیش از این‌که جنگ دوباره درگرفت.

- (۱) صلح، آرامش (۲) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۳) حس؛ احساس (۴) تأکید، تکیه؛ اصرار

break out: در گرفتن: [جنگ، آتش، توفان]

۳۸۵ اگر دقیق نگاه کنید، متوجه خواهید شد که شما و دوستانتان شخصیت‌های مشابهی دارید.

- (۱) ترجمه (۲) آزمایش (۳) شخصیت (۴) مثال، نمونه (۴) ۳۸۶ باید وقتی توانایی مالی دارید، کمی پول پس‌انداز کنید. در غیر این صورت، برای خرید آپارتمان پول کافی نخواهید داشت.

(۱) نگه داشتن؛ پس‌انداز کردن (۲) ناامید شدن؛ [عادت و غیره] ترک کردن (۳) پی بردن، فهمیدن (۴) ادامه دادن (به)

۳۸۷ افراد تحت فشار روحی زیاد ممکن است سردردها، دردهای خفیف و مشکلات خواب را تجربه کنند.

- (۱) تأکید، تکیه؛ اصرار (۲) الگو؛ طرح (۳) استرس، فشار روحی (۴) دانش، معلومات؛ شناخت

۳۸۸ بعضی از افراد اعتقاد دارند که اگر تلاش کنیم احساساتمان را بی‌پرده ابراز کنیم، می‌تواند سلامتی‌مان را بهبود ببخشد.

- (۱) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن (۲) درگیر کردن؛ مستلزم ... بودن (۳) پوشاندن (۴) اشاره کردن؛ ارجاع دادن

۳۸۹ سیستم مترو در تهران خیلی خوب است. آن جابه‌جا شدن را خیلی راحت می‌کند.

- (۱) دوام آوردن، طاقت آوردن (۲) [لباس و غیره] درآوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن (۳) درست کردن، تشکیل دادن، ساختن (۴) جابه‌جا شدن، این طرف و آن طرف رفتن

۳۹۰ تام پیش از این‌که در نهایت تصمیم بگیرد به بیمارستان برود، درد را چند هفته تحمل کرد.

- (۱) علامت، نشانه؛ تابلو (۲) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح (۳) اندام، عضو (۴) درد

یکي دو تا، چند (تا): a couple of

۳۹۱ باید به این بچه کمک کنید تا اعتماد به توانایی‌هایش را بسازد (شکل دهد)؛ در این‌صورت او قطعاً در تکالیف مدرسه‌اش بهتر خواهد شد.

- (۱) بردن؛ گرفتن (۲) راهنمایی کردن؛ هدایت کردن (۳) ساختن، بنا کردن (۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

۳۹۲ دانشمندان تخمین می‌زنند که در طول ۶۰ سال گذشته، تقریباً دو سوم جهان خشک‌تر شده است.

- (۱) مخترع (۲) راوی؛ گویندهٔ داستان (۳) دانشمند (۴) مترجم

۳۹۳ فکر نمی‌کنم در شرایط فعلی، فروختن خانه‌تان ایدهٔ خوبی باشد. قیمت‌ها خیلی سریع افزایش می‌یابد.

- (۱) عدد؛ تعداد؛ شماره (۲) دلیل، علت (۳) تصمیم (۴) وضع، موقعیت، شرایط

۳۴۰۲ آن‌ها ما را به دلیل آن چیزی که برای او اتفاق افتاد، سرزنش می‌کردند.
 ◀ ضمایر به کار رفته در هر دو جای خالی حالت مفعولی دارند، بنابراین در هر دو مورد یا ضمیر مفعولی می‌تواند صحیح باشد، یا ضمیر انعکاسی. پس گزینه (۱) به دلیل کاربرد ضمیر فاعلی (they) نمی‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این که her به فاعل جمله اشاره ندارد، کاربرد ضمیر انعکاسی (در این مورد herself) صحیح نیست و ضمیر مفعولی (در این مورد her) را انتخاب می‌کنیم.

۳۴۰۳ صبح آرامی بود: پرندگان در درختان آواز می‌خواندند و گاوها غذا می‌خوردند. ما با شادی قدم می‌زدیم که طوفان وحشتناکی آغاز شد.

◀ برای اشاره به شرایط و اوضاع و احوال مربوط به زمان گذشته و به عبارت دیگر برای توصیف شرایط در گذشته، از زمان گذشته استمراری استفاده می‌شود. بنابراین در جاهای خالی اول و دوم به فعل گذشته استمراری نیاز داریم. در مورد جای خالی سوم دقت کنید که چون در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده است و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری اتفاق افتاده است، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (در این تست were walking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست started) استفاده می‌شود.

۴۴۰۴ وقتی سالی تصادف را دید، فوراً به آمبولانس (اورژانس) زنگ زد.
 ◀ در صورتی که دو عمل در زمان گذشته با فاصله زمانی کم از یکدیگر انجام شوند، برای اشاره به هر دوی آن‌ها از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود.

۱۴۰۵ او دوربینش را با خودش آورد و از خودش خیلی خوشحال بود که آن یادش مانده بود.

◀ چون در جای خالی اول، ضمیر در جایگاه مفعول به کار رفته و از نظر مشخص هم مفعول با فاعل جمله (she) یکسان است، اما روی مفعول کاری انجام نشده، برای آن از ضمیر مفعولی (در این جا her) استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی دوم، با توجه به این که این کلمه در جایگاه مفعول جمله قرار دارد و در عین حال از نظر شخص با فاعل جمله یکی است، به دلیل انجام فعل بر روی مفعول، در این مورد به ضمیر انعکاسی (herself) نیاز داریم.

۴۴۰۶ چرا چترت را با خود آوردی؟ وقتی خانه را ترک کردی باران می‌بارید؟
 ◀ در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود.

۴۴۰۷ شانس بود که وقتی صاعقه به درخت اصابت کرد، زیر آن درخت ننشسته بودیم.

◀ در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی اتفاق دیگری بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (were sitting) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از گذشته ساده (hit) استفاده می‌شود. دقت کنید که گزینه (۱) به دلیل مثبت بودن، از نظر معنایی نمی‌تواند صحیح باشد.

۴۳۹۴ به طور کلی، ارتباط بین پزشکان و بیماران آن‌ها، مهم‌ترین بخش درمان پزشکی است.

(۱) دارو، دوا؛ پزشکی (۲) آزمایش؛ تجربه (۳) آزمایشگاه (۴) بیمار، مریض
 ۱۳۹۵ دیروز برای پیاده‌روی طولانی به کوه رفتیم. اما کفش‌های مناسبی نپوشیده بودم و الان پاهایم واقعاً درد می‌کند.

◀ در جای خالی اول، با توجه به مفهوم جمله، فعل گذشته استمراری به صورت منفی مدنظر است، بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) و (۴) می‌تواند صحیح باشد. علاوه بر این، با توجه به وجود رابطه مالکیت بین کلمه جای خالی دوم و feet، در این مورد به صفت ملکی نیاز داریم که شکل مناسب آن در این تست، my می‌باشد.

۴۳۹۶ در حالی که در رودخانه شنا می‌کردم، یک نفر پول را از جیب پیراهنم دزدید.
 ◀ در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (در این تست was swimming) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست stole) استفاده می‌شود.

۴۳۹۷ A: «وقتی تلویزیون آتش گرفت، خواب بودید؟»
 B: «بله، وقتی بوی دود به مشامم رسید، بیدار شدم.»

◀ وقتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (در این تست were sleeping) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست caught) استفاده می‌شود.

۳۳۹۸ امروز صبح چهارم می‌کردید؟ از آشپزخانه بوی بسیار عجیبی می‌آمد.
 ◀ در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود. با توجه به گزینه‌ها، می‌توان متوجه شد که در این جا شکل سؤالی فعل گذشته استمراری را با what داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۳) آمده است.

۳۳۹۹ دختر علی می‌تواند نقاشی را خودش بکشد، چون که او در نقاشی کردن ماهر است.

◀ برای تأکید بر فاعل جمله از ضمایر تأکیدی استفاده می‌کنیم. ضمیر تأکیدی مناسب برای Ali's daughter (دختر علی)، herself می‌باشد.

۴۴۰۴ به من ده دقیقه وقت بدهید، الان دارم نهار می‌خورم.
 ◀ در صورتی که فعل have به معنی «داشتن» باشد، فعل حالت به حساب می‌آید و شکل استمراری نخواهد داشت، اما با توجه به این که در این تست، have را در معنی «خوردن» داریم، شکل استمراری آن نیز صحیح می‌باشد. برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن برای I در گزینه (۴) آمده است.
 ۱۴۰۱ وقتی که دیروز در خیابان آکسفورد خرید می‌کردم، بازیکن فوتبال مشهوری را دیدم.

◀ در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (در این تست was shopping) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست saw) استفاده می‌شود.

از گذشته استمراری (در این تست *was playing*) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده (در این تست *didn't break*) استفاده می‌شود. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، فعل گذشته ساده به صورت منفی مدنظر است و در واقع اتفاق نیفتادن آن مورد اشاره می‌باشد.

❖ **۲۴۱۵** او می‌دانست که مشکلی وجود دارد، اما من به او نگفتم چه خبر است. فعل *know* (دانستن) فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین گزینه‌های (۱) و (۴) نمی‌توانند صحیح باشند. در مورد جای خالی دوم نیز، با توجه به این‌که فاعل این بخش جمله (I) و مفعول (her) به دو شخص مختلف اشاره دارند، کاربرد ضمیر انعکاسی (*herself*) صحیح نیست.

❖ **۳۴۱۶** باید به سحر کمک کنم فرم خودش را پر کند، اما مریم خودش می‌تواند آن را انجام دهد، چون انگلیسی‌اش عالی است.

❖ در جای خالی اول، بین کلمه جای خالی و *form* رابطه مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین از صفت ملکی (در این جا *her*) استفاده می‌شود. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این‌که ضمیر موردنظر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته است و مفعول به فاعل این بخش جمله (*Maryam*) اشاره دارد، از ضمیر انعکاسی (در این تست *herself*) استفاده می‌کنیم.

❖ **۳۴۱۷** آن‌ها وقتی درباره تصادف شنیدند، شام خودشان را می‌خوردند. در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری (در این تست *were having*) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست *heard*) استفاده می‌شود. دقت کنید که بین *supper* (شام) و کلمه قبل از آن رابطه مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین در این جا از صفت ملکی (*their*) استفاده می‌کنیم. نکته آخر این‌که چون *have* در این تست در معنی «خوردن» به کار رفته، فعل کنشی است و می‌تواند استمراری شود.

❖ **۲۴۱۸** تعجب می‌کنم که توانستی همه آن جعبه‌ها را به تنهایی جابه‌جا کنی. عبارت *all by oneself* به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» است و با توجه به مفهوم جمله در این جا مدنظر می‌باشد.

❖ **۲۴۱۹** وقتی دیروز با شما تماس گرفتیم با تلفن صحبت می‌کردید، چون به هیچ‌طریقی نتوانستیم وصل شویم.

❖ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشته استمراری (در این تست *were talking*) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست *called*) استفاده می‌شود. علاوه بر این، به دلیل مفهوم جمله، در جای خالی اول به مفعول یا ضمیر مفعولی (در این جا *you*) نیاز داریم. دقت کنید که چون فاعل و مفعول به یک شخص اشاره ندارند، در جای خالی اول کاربرد ضمیر انعکاسی صحیح نیست.

❖ **۲۴۲۰** بعد از یک ساعت دوچرخه‌سواری در نور آفتاب، به طور ناگهانی ابر بارانی بزرگی ظاهر شد و باران شروع به باریدن کرد.

❖ در صورتی‌که در گذشته دو عمل با فاصله اندک از یکدیگر اتفاق بیفتند، برای اشاره به هر دو از فعل در زمان گذشته ساده استفاده می‌شود.

❖ **۳۴۰۸** او از هر نوع تماس فیزیکی متنفر است؛ او حتی دوست ندارد با شما دست بدهد.

❖ فعل *dislike* (دوست نداشتن، متنفر بودن از) فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) نمی‌توانند صحیح باشند. دقت کنید که بین کلمه جای خالی دوم و *hand* رابطه مالکیت وجود دارد. بنابراین در جای خالی دوم به صفت ملکی (در این جا *your*) نیاز داریم. **۲۴۰۹** مادرم در باغ کار می‌کرد؛ بنابراین وقتی دیروز به او زنگ زدم، [صدای] تلفن را نشنیدم.

❖ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری (در این تست *was working*) استفاده می‌شود. بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) و (۲) می‌تواند صحیح باشند. دقت کنید که در جای خالی دوم، ضمیر در جایگاه مفعول قرار دارد، اما به فاعل جمله‌واره (I) اشاره ندارد، بنابراین از ضمیر مفعولی (*her*) استفاده می‌شود، نه ضمیر انعکاسی.

❖ **۳۴۱۰** جان برای خودش پولیور تازه‌ای خرید و الان در آینه به خودش نگاه می‌کند.

❖ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمائر انعکاسی استفاده می‌شود. هر دو جای خالی این تست، دارای جایگاه مفعول هستند و هر دو به فاعل جمله (*John*) اشاره دارند. بنابراین در هر دو مورد از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم.

❖ **۳۴۱۱** در امتحان تقلب نمی‌کردم، اما استاد فکر کرد که تقلب می‌کردم. با توجه به کاربرد *was* در بخش دوم جمله و همین‌طور با درنظر گرفتن مفهوم آن، در جای خالی به فعل گذشته استمراری نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). علاوه بر این، به دلیل مفهوم جمله، فعل گذشته استمراری را به صورت منفی استفاده می‌کنیم.

❖ **۳۴۱۲** در ساعت هشت دیروز عصر، هواپیما از لس‌آنجلس به سیدنی پرواز می‌کرد.

❖ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری (فعل *was / were*) استفاده می‌شود.

❖ **۲۴۱۳** آن‌ها در سینما فیلم تماشا می‌کردند، پس متوجه نشدند بیرون برف می‌بارید.

❖ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود. بنابراین در جای خالی اول، فعل گذشته استمراری مدنظر است. جای خالی دوم نیز شرایط و اوضاع و احوال مربوط به گذشته را توصیف می‌کند. بنابراین در این مورد هم از فعل گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

❖ **۳۴۱۴** او در حالی‌که فوتبال بازی می‌کرد، دستش شکست. او از پله‌ها پایین افتاد.

❖ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر

۴۲۷ برادر کوچک‌ترم قبل از این که به مدرسه برود، ناهار خودش را درست می‌کند.

با توجه به وجود رابطه مالکیت و تعلق بین کلمه جای خالی و lunch (ناهار)، در جای خالی از صفت ملکی (در این تست his) استفاده می‌شود.

۴۲۸ وقتی بچه‌ها تکالیفشان را تمام کردند، در تلویزیون چه چیزی تماشا می‌کردید؟

در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشته استمراری و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست finished) استفاده می‌شود. دقت کنید که هر سه گزینه (۱)، (۳) و (۴)، دارای ساختار گذشته استمراری هستند، ولی به دلیل کاربرد on بعد از جای خالی، فقط ساختار پرسشی با what می‌تواند از نظر معنایی صحیح باشد.

۴۲۹ سمیرا و شوهرش صاحب شرکت خودشان هستند، پس می‌توانند هر وقت که بخواهند به خودشان تعطیلات بدهند.

بین کلمه جای خالی اول و company (شرکت) رابطه مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین در جای خالی اول، به صفت ملکی (در این تست their) نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این جای خالی، مفعول به فاعل این بخش جمله (they) اشاره دارد، بنابراین برای آن از ضمیر انعکاسی (themselves) استفاده می‌کنیم.

۴۳۰ همگی به مهمانی خوش آمدیدا فقط از خودتان با ساندویچ‌ها و غذاهای سرپایی پذیرایی کنید.

با توجه به این که در این تست، عبارت help oneself (از خود پذیرایی کردن)، به صورت امری به کار رفته، فعل help را به شکل ساده استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، به دلیل جمع بودن مخاطبان، در جایگاه ضمیر انعکاسی از yourselves استفاده می‌شود، نه yourself.

۴۳۱ نیمه‌شب دیشب چه کار می‌کردید؟ به خانه‌تان آمد، اما خانه نبودید. در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود. با توجه به چپش گزینه‌ها، در جای خالی اول، فعل گذشته استمراری را با کلمه پرسشی what نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه‌های (۱) و (۳) آمده است. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که فعل come در گذشته، حالت استمراری نداشته و بنابراین برای آن از فعل گذشته ساده استفاده می‌شود، نه فعل گذشته استمراری.

۴۳۲ دستگاه بسیار باهوشی است. خودش را خاموش می‌کند.

در صورتی که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمائر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای it (آن)، itself می‌باشد.

۴۳۳ قبل از این که برویم، برای خودمان تعدادی کیسه‌خواب گرم خریدیم، چون که در آن جا هوا می‌تواند سرد شود، حتی در تابستان.

ضمیری که در ابتدای گزینه‌ها قرار گرفته است، در جایگاه فاعل جمله قرار دارد، بنابراین باید از ضمیر فاعلی (در این تست we) استفاده کنیم (گزینه‌های ۲ و ۴). با توجه به این که مفعول هم به همین فاعل اشاره دارد، باید برای آن از ضمیر انعکاسی (در این مورد ourselves) استفاده کنیم.

۴۲۱ همین الان به دختر کوچکمان نگاه می‌کنم و او در آن لباس خیلی زیبا به نظر می‌رسد.

در جای خالی اول، فعل look در معنی «نگاه کردن» به کار رفته است. دقت کنید که look در این معنی، فعل گنشی است و با توجه به مفهوم جمله که به انجام شدن کاری در زمان حال اشاره دارد، آن را در زمان حال استمراری به کار می‌بریم. اما در جای خالی دوم، look به معنی «به نظر رسیدن» می‌باشد؛ و با توجه به این که این فعل در این معنی، فعل حالت است، کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد.

۴۲۲ پدر و مادرم فعالیت‌های مورد علاقه خودشان را دارند. برای مثال، مادرم دوست دارد در باغ کار کند.

در جای خالی اول، با توجه به وجود رابطه مالکیت و تعلق بین favorite activities (فعالیت‌های مورد علاقه) و کلمه جای خالی، از صفت ملکی (در این جا their) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که فعل like یک فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نیست. آن‌ها در پارک من را ندیدند چون با یکدیگر حرف می‌زدند.

با توجه به این که در این تست صحبت کردن عمل طولانی‌تر از گذشته است، برای اشاره به آن از فعل در زمان گذشته استمراری (در این تست were talking) استفاده می‌کنیم. اما ندیدن، عمل کوتاه‌تر از گذشته است و برای آن از فعل در زمان گذشته ساده (در این تست didn't see) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در بخش اول جمله، فاعل (they) و مفعول (me) به دو شخص متفاوت اشاره دارند و بنابراین در این جا کاربرد ضمیر انعکاسی (myself) صحیح نیست.

۴۲۳ آن‌ها کاملاً از یکدیگر متنفر هستند و هرگز با یکدیگر صحبت نمی‌کنند.

با توجه به این که در این تست، مفعول جمله به فاعل آن (they) اشاره دارد، ممکن است تصور شود که جواب themselves می‌باشد. اما در صورت کاربرد themselves، جمله مفهوم مناسبی نخواهد داشت. (آن‌ها از خودشان متنفر هستند ...) بنابراین جمله تنها می‌تواند با each other (یکدیگر) معنی مناسبی داشته باشد.

۴۲۴ دیروز می‌خواستم مقداری نان بخرم، اما فروشنده اصلاً [نان] نداشت.

هم فعل want (خواستن) و هم have (در معنی داشتن)، افعال حالت هستند و کاربرد آن‌ها به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین فقط گزینه‌های (۳) و (۴) می‌توانند صحیح باشند. البته گزینه (۴) نیز به دلیل منفی بودن فعل want از نظر معنایی صحیح نیست.

۴۲۵ وقتی که مهمانان شروع به آمدن کردند، آشپز در حال درست کردن غذایی خوش‌مزه بود.

در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشته استمراری (در این تست was preparing) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست started) استفاده می‌شود.

۴۳۴ اگر در خانه ما چیزهایی برای تعمیر وجود داشته باشد، اگر خیلی دشوار نباشند، پدر و مادر خودشان آن‌ها را انجام می‌دهند.

با توجه به وجود رابطه مالکیت و تعلق بین کلمه جای خالی اول و parents (والدین، پدر و مادر)، در جای خالی اول به صفت ملکی (در این تست my) نیاز داریم. دقت کنید که my parents (والدین من، پدر و مادر) فاعل جمله است و ضمیر به کار رفته در جای خالی دوم به آن تأکید می‌کند. بنابراین در جای خالی دوم به ضمیر تأکیدی themselves نیاز داریم. ۴۳۵ در حالی که او به گل‌ها آب می‌داد، باران شروع به باریدن کرد. او چترش را باز کرد و به داخل [خانه] بازگشت.

در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشته استمراری (در این تست was watering) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست began) استفاده می‌شود. دقت کنید که شکل گذشته ساده فعل put که یک فعل بی‌قاعده است، بدون تغییر همان put است. ۴۳۶ آن‌ها به دلیل اشتباهاتی که کرده بودند، به خودشان می‌خندیدند. در صورتی که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز، گروه و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمائر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای they (آن‌ها)، themselves می‌باشد. در جای خالی دوم، فاعل بخش دوم جمله را داریم و بنابراین از ضمیر فاعلی (they) استفاده می‌کنیم.

۴۳۷ مایک در طبقه پایین صدای غیر منتظره‌ای شنید و فوراً بلند شد و به طبقه پایین رفت تا کنترل کند که مشکلی وجود ندارد.

در صورتی که در گذشته دو یا چند عمل با فاصله زمانی اندک از هم انجام شوند، برای اشاره به همه آن‌ها از فعل در زمان گذشته ساده استفاده می‌شود (جاهای خالی اول، دوم و سوم). در مورد جای خالی چهارم دقت کنید که فعل to be (در معنی بودن) یک فعل حالت است و شکل استمراری آن صحیح نیست. ۴۳۸ بعد از این که شوهر مونا فوت کرد، او دو بچه را به تنهایی بزرگ کرد.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی اندک از هم انجام شوند، برای هر دوی آن‌ها از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم (جاهای خالی اول و دوم). عبارت by oneself (all) به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» می‌باشد و با توجه به مفهوم جمله، در این جا کاربرد دارد. البته چون این ضمیر به مونا اشاره دارد، شکل صحیح آن herself است.

۴۳۹ امروز صبح وقتی در جاده راه می‌رفتم [صدای] قدم‌هایی را پشت سرم شنیدم. یک نفر دنبالم می‌کرد.

در صورتی که در زمان گذشته، عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشته استمراری (در این تست was walking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست heard) استفاده می‌شود. در مورد جای خالی سوم نیز، با توجه به این که فعل در زمان مشخصی در گذشته در حال انجام بوده است، اما زمان دقیق آغاز و پایان آن در جمله مشخص نشده، از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود.

۴۴۰ ساندرا قادر نبود در بازی شرکت کند چون که حالش خوب نبود. با توجه به این که در این تست بعد از because یک جمله وار کامل داریم، در ابتدای آن به فاعل یا ضمیر فاعلی (در این تست she) نیاز است. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد. ۴۴۱ به درس خواندن در آمریکا در سال بعد فکر می‌کردم، اما متوجه شدم که لازم بود اول به پدرم در شرکت جدیدش کمک کنم. در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از زمان گذشته استمراری استفاده می‌شود که در گزینه‌های (۲) و (۳) آمده است. دقت کنید که بین کلمه جای خالی دوم و father رابطه مالکیت و تعلق وجود دارد و بنابراین برای آن از صفت ملکی (در این جا my) استفاده می‌کنیم.

متن کلوز ۱

ویکتور هوگو در ادبیات شخصیتی مشهور است. او پسر ژنرالی بود که در ارتش‌های ناپلئون اول خدمت می‌کرد. هوگو در سن ده سالگی با مادرش به پاریس رفت. اولین کتاب شعرش به قدری موفقیت‌آمیز بود که مصمم گرفت نویسنده شود. او عضو اصلی جنبش رمانتیک شد که تلاش می‌کرد سبک و مضمون نوشتار را تغییر دهد. او آثار ادبی زیادی از قبیل رمان، نمایش‌نامه و شعر حماسی را منتشر کرد. بسیاری از رمان‌ها و نمایش‌نامه‌هایش علاقه او را به سیاست منعکس می‌کردند. بعد از این که [حکومت] فرانسه جمهوری شد، هوگو به عنوان یک قهرمان به پاریس بازگشت. او در سال ۱۸۷۸ بیمار شد و درگذشت.

۴۴۲ با توجه به وجود رابطه مالکیت و تعلق بین کلمه جای خالی و اسم بعد از آن (mother)، در این جا به صفت ملکی نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۴) آمده است.

۴۴۳ (۱) موفق؛ موفقیت‌آمیز (۲) خوش‌بخت، سعادت‌مند (۳) ناگهانی (۴) قوی، نیرومند

۴۴۴ در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بود، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود.

۴۴۵ (۱) منتشر کردن، چاپ کردن (۲) توصیف کردن، شرح دادن (۳) اختراع کردن؛ ابداع کردن (۴) گزارش دادن

۴۴۶ (۱) علاقه، دلبستگی (۲) ارزش (۳) اقدام؛ کار؛ فعالیت (۴) الگو؛ طرح

متن کلوز ۲

بقراط دانشمند مشهوری بود. او بیش از ۲۰۰۰ سال پیش در یونان می‌زیست. او پزشکی می‌خواند. بقراط باور داشت که در داخل بدن انسان، چهار مایع وجود دارد. او نوشت که بیماری وقتی اتفاق می‌افتد که این مایعات نامتعادل باشند. بسیاری از مردم به یافته‌های بقراط اعتقاد داشتند. تا اواخر سده ۱۸۰۰، بسیاری از کارهایی که پزشکان انجام می‌دادند، هنوز بر مبنای کارهای او بود. بسیاری از یافته‌های او، در پزشکی امروز مورد اعتقاد نیستند. با وجود این، پزشکان جدید هنوز سوگندنامه‌ای را با عنوان سوگندنامه بقراط ادا می‌کنند. آن‌ها در این سوگندنامه متعهد می‌شوند پزشکان خوبی باشند.

متن کلوز (۴)

باکتری‌ها باعث بسیاری از بیماری‌هایی می‌شوند که بر روی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند، بنابراین دانشمندان برای سال‌ها تلاش می‌کردند تا ماده‌ای را بیابند که باکتری‌ها را بکشد، اما به بافت انسانی آسیب نزنند. باکتری‌شناس اسکاتلندی، الکساندر فلمینگ (۱۸۸۱-۱۹۵۵)، اولین شخصی بود که یک ماده‌آنتی‌باکتریال را شناسایی کرد. فلمینگ پژوهش خودش را در بیمارستان سنت‌مری [در شهر] لندن انگلیس انجام داد. فلمینگ در سال ۱۹۲۸ متوجه شد که کپکی که به صورت اتفاقی روی ظرفی از کشت باکتری شکل گرفته بود، باعث مردن باکتری‌ها شد. در سال ۱۹۴۱، محققان هاوارد فلری و ارنست چین، این کپک [یعنی] پنی‌سیلیوم را تصفیه کردند تا اولین آنتی‌بیوتیک جهان [یعنی] پنی‌سیلین را تولید کنند. پنی‌سیلین در درمان بسیاری از بیماری‌ها، از جمله مننژیت و سینه‌پهلو به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود. فلمینگ جایزه نوبل پزشکی سال ۱۹۴۵ را با فلری و چین سهیم شد.

۴۵۷ (۲) متفکر، اندیشمند (۲) دانشمند

(۳) مخترع (۴) پیامبر

۴۵۸ (۲) در این تست the first در نقش صفت شمارشی برای person

به کار رفته و با توجه با این‌که در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد، گزینه (۲) صحیح است.

۴۵۹ (۱) بیمار، مریض (۲) اختراع، ابداع

(۳) مهارت، چیره‌دستی (۴) تحقیق، پژوهش

۴۶۰ (۱) ترجمه کردن (۲) مستقر کردن

(۳) پاک کردن، تمیز کردن (۴) متوجه شدن، فهمیدن

۴۶۱ (۱) آزمایش؛ تجربه (۲) گهواره، مهد

(۳) بیماری (۴) ابزار، وسیله

متن

آلفرد برنهارد نوبل، مخترع و نیکوکار سوئدی، بیشتر ثروت زیادش را در صندوقی به صورت سرمایه به ارث گذاشت که از آن می‌توان جوایز سالانه‌ای را به افراد و سازمان‌هایی اعطا کرد که در یک سال خاص به بزرگ‌ترین دستاورد برای بشریت دست یافته باشند. در اصل، در وصیت‌نامه نوبل، شش دسته‌بندی برای دستاوردهای برجسته تعیین شده بود، شامل شیمی، فیزیک، فیزیولوژی یا پزشکی، ادبیات و صلح بین‌الملل.

این جوایز توسط بنیاد نوبل در استکهلم اداره می‌شوند. در سال ۱۹۶۹، جایزه‌ای برای اقتصاد که توسط بانک مرکزی سوئد اعطا می‌شود، اضافه شد. نامزدهای این جوایز باید به صورت نوشته، توسط یک مقام واجد شرایط در زمینه مورد رقابت پیشنهاد شوند. دریافت‌کنندگان [جوایز] در فیزیک، شیمی و اقتصاد، توسط آکادمی سلطنتی علوم سوئد؛ در فیزیولوژی یا پزشکی توسط انستیتوی کارولینسکا؛ در ادبیات توسط آکادمی سوئد و در صلح توسط کمیته نوبل نروژ که توسط پارلمان نروژ منصوب می‌گردند، برگزیده می‌شوند. معمولاً جوایز در ۱۰ دسامبر در استکهلم اعطا می‌شود، در حالی‌که پادشاه سوئد مراسم ادای احترام مناسبی را برای آلفرد نوبل در سالگرد مرگش اجرا می‌کند. هر کدام [از جوایز] شامل یک مدال طلا، یک دیپلم [افتخار] و جایزه‌ای نقدی در حدود یک میلیون دلار است.

۴۴۷ (۲) حل کردن

(۳) مطالعه کردن؛ درس خواندن

(۴) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن

(۵) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن

۴۴۸ (۴) believe (باور داشتن، اعتقاد داشتن) فعل حالت است و

شکل استمراری آن صحیح نمی‌باشد (دلیل نادرستی گزینه‌های ۲ و ۳، علاوه بر این، به دلیل این‌که بقراط در گذشته می‌زیست، برای اعمال و تفکرات او از فعل گذشته ساده استفاده می‌شود، نه حال ساده).

۴۴۹ (۱) گرچه، اگرچه (۲) مگر این‌که

(۳) قبل از، پیش از (۴) وقتی‌که، هنگامی‌که

۴۵۰ (۱) بر مبنای (۲) گنج از، آشفته از

(۳) علاقه‌مند به (۴) متفاوت با

۴۵۱ (۱) در عوض، به جایش (۲) به ویژه، به خصوص

(۳) شاید (۴) با این حال، با وجود این

متن کلوز (۳)

موتسارت که در ۲۷ ژانویه سال ۱۷۵۶ در شهر اتریشی سالزبورگ به دنیا آمد، نه اولین کودک باهوش بود و نه آخرین، اما بی‌شک برجسته‌ترین بود. موتسارت از سن شش سالگی هنگامی که پدرش وی را به اولین سفر خارجی‌اش برد، به مراکز موسیقی اتریش، آلمان، فرانسه، انگلستان، هلند، سوئیس و ایتالیا رفت. موتسارت تقریباً یک سوم از عمر کوتاهش را در حال مسافرت سپری کرد - او در سن ۳۵ سالگی از دنیا رفت. او در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد، [خانواده‌ای] که در آن، نبوغ موسیقایی‌اش خیلی زود خود را آشکار کرد. نخستین اثر مشهور وی در سال ۱۷۶۱، زمانی‌که او تنها پنج سال داشت، تصنیف شد.

۴۵۲ (۱) who و that می‌توان به عنوان ضمیر موصولی فاعلی برای

انسان استفاده کرد تا در مورد فاعل انسان اطلاعات بیشتری ارائه شود.

۴۵۳ (۲) برای اشاره به عملی که در زمان مشخصی در گذشته (در این تست شش سالگی موتسارت) انجام شده است، از فعل در زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۴۵۴ (۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن

(۳) بردن؛ گرفتن

(۴) صرف کردن، گذراندن، سپری کردن

۴۵۵ (۳) در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز

و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمائر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای his musical talents (نبوغ موسیقایی‌اش) itself می‌باشد.

۴۵۶ (۱) با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا اولین اثر موتسارت مدنظر می‌باشد و بنابراین شکل عالی صفت مورد نیاز است. دقت کنید که در این جمله his جایگزین the شده است و بنابراین کاربرد the در کنار آن صحیح نیست.

۴۶۲ این متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

(۱) آلفرد برنهارد نوبل

(۲) جوایز نوبل

(۳) دستاوردهای بزرگ برای بشر

(۴) بشردوستی سوئدی

۴۶۳ جایزه نوبل به داده نخواهد شد.

(۱) نویسنده‌ای که رمانی نوشت

(۲) پزشکی که واکسنی را کشف کرد

(۳) آهنگسازی که یک سمفونی را نوشت

(۴) دیپلماتی که یک توافق صلح را مورد مذاکره قرار داد

۴۶۴ کدام شخص یا سازمان به عنوان اداره‌کننده صندوق عمل می‌کند؟

(۱) پادشاه سوئد

(۲) بنیاد نوبل

(۳) بانک مرکزی سوئد

(۴) آکادمی‌ها و انستیتوهای سوئدی و نروژی

۴۶۵ چرا جوایز در ۱۰ دسامبر اعطا می‌شوند؟

(۱) آن ادای احترامی برای پادشاه سوئد است.

(۲) آلفرد برنهارد نوبل در آن روز فوت کرد.

(۳) آن تاریخ در وصیت‌نامه نوبل تعیین شده بود.

(۴) بانک مرکزی سوئد، صندوق را اداره می‌کند.

متن ۲

لئوناردو داوینچی در سال ۱۴۵۲ در ناحیه فلورانس ایتالیا متولد شد. او کارهای بسیاری انجام داد. او دانشمند، مخترع، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان و معمار بود. او در مورد حیوانات و گیاهان هم اطلاع داشت. او می‌توانست کارهای بسیاری را به خوبی انجام دهد. لئوناردو برای نقاشی‌اش مشهور بود. او مونالیزا و شام آخر را کشید. آن‌ها مشهورترین نقاشی‌های او هستند و بسیاری از مردم آن‌ها را می‌شناسند. او کار کردن بر روی شام آخر را در سال ۱۴۹۵ در میلان آغاز کرد و آن را در سال ۱۴۹۸ به اتمام رساند. [هم‌چنین] او کار کردن بر روی مونالیزا را در سال ۱۵۰۳ در ایتالیا آغاز کرد و آن را مدت کوتاهی قبل از این‌که فوت شود به اتمام رساند. آن در حال حاضر در فرانسه است. نقاشی‌های لئوناردو خیلی خوب بودند. او درک می‌کرد که بدن‌های انسان‌ها چه‌طور کار می‌کنند. علاوه بر این، او می‌دانست [که] افراد شاد یا ناراحت چه‌طور به نظر می‌رسند، چون که می‌دانست احساس چگونه در چهره افراد دیده می‌شود. از آن‌جایی که او طبیعت، نور و سایه را درک می‌کرد، نقاشی‌هایش طبیعی به نظر می‌رسیدند. لئوناردو ایده‌های بسیاری برای اختراعات داشت. او برای هلیکوپتر و هم‌چنین تانک، طرح‌هایی کشید. او حتی در مورد ماشین حساب ایده‌ای داشت. او ایده‌ای برای تولید انرژی خورشیدی یعنی انرژی حاصل از خورشید، داشت. لئوناردو هم‌زمان با میکل‌آنژ و رافائل می‌زیست. او از میکل‌آنژ، ۲۷ سال و از رافائل، ۳۱ سال بزرگ‌تر بود. لئوناردو در سال ۱۵۱۹ فوت شد.

۴۶۶ طبق متن، لئوناردو در کدام مورد زیر قوی نبود؟

(۱) هنر (۲) زیست‌شناسی (۳) شیمی (۴) روان‌شناسی

۴۶۷ کلمه "them" در سطر ۴ به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) افراد بسیاری (۲) حیوانات و گیاهان

(۳) تمامی نقاشی‌های لئوناردو (۴) مونالیزا و شام آخر

۴۶۸ کدام یک از موارد زیر را می‌توان از متن برداشت کرد؟

(۱) تمام کردن مونالیزا بیشتر از شام آخر طول کشید.

(۲) لئوناردو، مونالیزا را وقتی کشید که هنوز جوان بود.

(۳) لئوناردو، مونالیزا را در مدت کوتاهی تمام کرد.

(۴) لئوناردو، مونالیزا را در فرانسه کشید.

۴۶۹ کدام یک از موارد زیر را در مورد لئوناردو متوجه می‌شویم؟

(۱) او هرگز به اختراع کردن چیزی فکر نمی‌کرد که بتواند در طول دوران جنگ

به کار رود.

(۲) او علاقه‌مند به یافتن روش‌هایی برای به دست آوردن انرژی از خورشید بود.

(۳) او وقتی اختراعی انجام می‌داد از تمام عناصر طبیعی آگاه بود.

(۴) او وقتی فوت شد که هنرمند مشهور، میکل‌آنژ، فقط ۲۷ سال داشت.

متن ۳

سقراط (حدود ۴۷۰ تا ۳۹۹ پیش از میلاد) یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان یونانی بود. در مورد اوایل زندگی سقراط اطلاعات کمی موجود است. به جز این‌که او چند بار به عنوان سرباز خدمت کرد و شجاعت بسیاری را [از خود] نشان داد. او در آتن [و] هنگامی که آن شهر رهبر جهان در ادبیات، هنر و حکومت [داری] بود، به دنیا آمد. سقراط همه مشهورترین نویسندگان و سیاستمداران عصر خودش را می‌شناخت، اما هیچ تمایلی نداشت تا خودش [هم] مشهور باشد. او فقط می‌خواست به مردم نشان دهد [که] چگونه خردمندانه و سعادتمندانه زندگی کنند، و آن‌ها را متقاعد کند که خردمندی و صداقت از ثروت یا شهرت مهم‌تر است. قاعده الگوی او «خود را بشناس» بود. مردان جوان آتن مشتاق بودند از او درس بگیرند. سقراط تعالیم خودش را نمی‌نوشت یا مکتب فلسفی ابداع نکرد. او به جای آن، هر جا که مردان جوان را ملاقات می‌کرد با آن‌ها صحبت می‌نمود و آن‌ها را ترغیب می‌کرد که درباره آن چیزی که در زندگی خوب است، برای خودشان فکر کنند. بعضی از این مردان جوان بعدها نویسنده شدند و ایده‌های سقراط را نوشتند. مهم‌ترین شاگرد او افلاطون بود. نوشته‌های افلاطون، گفت‌وگوهایی هستند که در آن‌ها گوینده اصلی سقراط است، که با دوستان جوانش درباره مسائل بحث می‌کند. [در این نوشته‌ها] سقراط از یکی از آن‌ها می‌خواهد که نظرش را درباره موضوعی بدهد. بعد از آن، سقراط از او سؤالاتی می‌پرسد. اغلب شخصی که مورد سؤال قرار گرفته بود واقعاً [درباره آن] خیلی عمیق فکر نکرده بود و برای نظرش هیچ دلیل مناسبی نداشت. سپس آن‌ها همگی با پرسیدن سؤالات بیشتر تلاش می‌کردند جواب صحیح را پیدا کنند. این روش یادگیری حقیقت به وسیله سؤال پرسیدن، «سقراطی» یا «دیالکتیک» نامیده شد، است.

۴۷۰ طبق متن، سقراط برای مدتی در زندگی‌اش

(۱) سرباز بود

(۲) به سربازها در آتن خدمت می‌کرد

(۳) سربازان را تشویق می‌کرد تا شجاع باشند

(۴) به سربازان شجاع، فلسفه درس می‌داد

۴۷۱

طبق متن، سقراط

- (۱) تلاش می‌کرد به مردم بگوید چه‌طور خوب زندگی کنند
 - (۲) می‌کوشید یک مکتب فلسفی ابداع کند
 - (۳) از دانشجویانش می‌خواست که درس‌هایش را بنویسند
 - (۴) از نفوذ نویسندگان استفاده می‌کرد تا مشهور شود
- ۴۷۲ همه موارد زیر درباره افلاطون صحیح هستند، به جز این که او
- (۱) یکی از دانشجویان مهم سقراط بود
 - (۲) کمک کرد تا یک روش پی بردن به حقیقت شکل بگیرد
 - (۳) وقتی مرد جوانی بود از سقراط چیزهایی یاد گرفت
 - (۴) کتابی نوشت که در آن از یکی از گوینده‌ها برای حمله به عقاید سقراط استفاده کرد

۴۷۳

کلمه "him" در سطر ۱۲ به "a speaker in Plato's book" اشاره دارد.

- (۱) سقراط
 - (۲) خود افلاطون
 - (۳) گوینده‌ای در کتاب افلاطون
 - (۴) یک دانشجوی افلاطون
- ۴۷۴ می‌توان از متن متوجه شد که سقراط در زمانی متولد شد که
- (۱) یونان تحت کنترل سربازان بود
 - (۲) آتن در بهترین روزهایش بود
 - (۳) هیچ‌کس سعادتمندانه و خردمندانه زندگی نمی‌کرد
 - (۴) کشورش به سربازان بیشتری نیاز داشت تا هنرمندان

متن ۴

گالیله در سال ۱۶۱۰، پادوا را ترک کرد تا «اولین فیلسوف و ریاضی‌دان» دوک توسکانی شود. ابن [کار] برای پژوهش به وی زمان بیشتری داد و در سال ۱۶۱۳، وی کتابی را به نام یادداشت‌هایی درباره لکه‌های خورشیدی منتشر کرد و در آن، علاوه بر این که برای اولین بار به تشریح لکه‌هایی پرداخت که روی خورشید ظاهر می‌شوند، اعتقاد خود را به تئوری کوپرنیک ابراز کرد که زمین دور خورشید می‌چرخد. این [امر] موجب تعارض گالیله با کلیسای کاتولیک رم شد که هنوز به تعالیم بطلمیوس عقیده داشتند و اظهار می‌کردند که تمامی مسیحیان [نیز] باید به آن معتقد باشند. در سال ۱۶۱۶، پاپ گالیله را مجبور کرد که قول دهد به عقاید کوپرنیک اعتقاد نداشته باشد، [آن‌ها را] آموزش ندهد و [از آن‌ها] دفاع نکند. گالیله برای داشتن زندگی آرام به فلورانس رفت و مطالعاتش را رها نساخت، اما خیلی نمی‌نوشت. با این حال، او در سال ۱۶۳۲ [کتاب] گفت‌وگویی درباره دو نظام بنیادی جهان خودش را منتشر کرد که در آن باز هم از نظریه کوپرنیک دفاع کرد. این کتاب در سرتاسر اروپا تحسین شد. اما گالیله توسط دادگاه تفتیش عقاید به رم فرا خوانده و تحت تهدید به شکنجه به وی امر شد تا عقایدش را انکار کند. او این کار را کرد و در سال ۱۶۳۴ به او اجازه داده شد تا به خانه خودش بازگردد، مشروط بر این که آن‌جا را ترک نکند. گالیله در سال ۱۶۳۸ کتاب مهم دیگری [به نام] گفت‌وگویی درباره دو دانش جدید منتشر کرد که عقایدش را درباره علم نوین مکانیک شرح می‌داد که [این عقاید] بعدها به وسیله سر آیزاک نیوتون بسط یافت. او در سال ۱۶۳۷ نابینا شد اما تا زمان مرگش در ۸ ژانویه ۱۶۴۲ در آرچتری نزدیک فلورانس، به فعالیت خود ادامه داد.

۴۷۵

طبق متن، گالیله

- (۱) در سال ۱۶۱۳ درباره لکه‌های خورشیدی تحقیقاتی را انجام داد
 - (۲) در مورد خورشید یادداشتی را منتشر کرد و آن را برای دوک فرستاد
 - (۳) دوک توسکانی را که ریاضی‌دان بود ملاقات کرد
 - (۴) حتی بعد از این که نابینا شد دست از کار علمی‌اش برنداشت
- ۴۷۶ گالیله در اولین کتابش
- (۱) به تعالیم بطلمیوس اعتقاد داشت
 - (۲) بیشتر مسیحیان را مجبور کرد تا عقیده‌اش را بپذیرند
 - (۳) تعارض خود را با کلیسای کاتولیک رم اعلام کرد
 - (۴) اعتقاد خود را به نظریه کوپرنیک درباره زمین اعلام کرد
- ۴۷۷ این متن اشاره می‌کند که گالیله در فلورانس،
- (۱) به خاطر نابینا بودن در خانه ماند
 - (۲) تعداد زیادی کتاب نوشت
 - (۳) دست از مطالعه برداشت
 - (۴) تصمیم گرفت با کسی صحبت نکند

۴۷۸

کلمه "defended" (دفاع کردن از؛ حمایت کردن از) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به "supported" دارد.

- (۱) طرفدار ... بودن؛ حمایت کردن از
 - (۲) بیان کردن
 - (۳) توضیح دادن، شرح دادن
 - (۴) عوض کردن؛ عوض شدن
- ۴۷۹ گالیله به رم احضار شد برای این که او
- (۱) علم جدید مکانیک
 - (۲) کتابی به نام یادداشت‌هایی درباره لکه‌های خورشیدی
 - (۳) [کتاب] خودش گفت‌وگویی درباره دو نظام بنیادی جهان
 - (۴) کتاب مهم دیگری [به نام] گفت‌وگویی درباره دو دانش جدید

متن ۵

در سال ۱۸۷۶ جورج برنارد شو، یک مرد جوان ۲۰ ساله، از زادگاهش در [شهر] دوبلین ایرلند به لندن آمد، در حالی که به دنبال موفقیت خودش به عنوان نویسنده بود. او قرار بود مشهورترین نویسنده تئاتر بشود. با وجود این، اولین تلاش‌های او در زمینه نمایشنامه نبود؛ و هنگامی که نامش شروع به کسب شهرت کرد، به خاطر مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش به نمایندگی از انجمن فابیان بود. شو به عنوان مردی جوان، نیاز به تغییرات و اصلاحات را در دولت احساس کرد و هنگامی که سوسیالیست (جامعه‌گرا) شد، به انجمن فابیان که برای بیشتر شناساندن و بهتر فهماندن ایده‌های جامعه‌گرایی تشکیل شده بود، ملحق شد. سیاست تنها موضوع مورد علاقه شو نبود، زیرا او شیفته هنر، موسیقی و تئاتر بود و در مورد این موضوعات برای روزنامه‌ها و مجلات [مطلب] می‌نوشت. او خودش ذهن بسیار روشنی داشت و می‌خواست سایر افراد را متقاعد کند تا درباره همه انواع موضوعات همچون او شفاف بیندیشند. به همین دلیل بود که شروع به نوشتن نمایشنامه کرد، چون که احساس می‌کرد که می‌تواند این امر را از طریق آن‌ها (نمایشنامه‌ها) به بهترین نحو عملی کند.

۴۸۰

طبق متن، برنارد شو به لندن آمد تا

- (۱) از زادگاهش دیدن کند
- (۲) چیزهای بیشتری درباره سیاست یاد بگیرد
- (۳) استراحت کند و به زندگی‌اش ادامه دهد
- (۴) نویسنده موفق‌تری بشود

۴۸۱ طبق متن، کدام جمله صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) او قبل از این که به لندن بیاید نویسنده بزرگی بود.
 - (۲) اولین تلاش‌های برنارد شاو [مربوط به] نوشتن نمایشنامه نبود.
 - (۳) شهرتش به خاطر مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش بود.
 - (۴) برنارد شاو به نوشتن برای تئاتر علاقه داشت.
- ۴۸۲ برنارد شاو هنگامی که نیاز به تغییرات و اصلاحات را در دولت احساس کرد.
- (۱) جوان بود
 - (۲) جامعه‌گرا شد
 - (۳) به انجمن فابیای ملحق شد
 - (۴) باعث شد ایده‌های اجتماعی به طور گسترده‌تری شناخته شوند

۴۸۳ این متن بیان می‌دارد که آثار برنارد شاو به طور مستقیم به همه موارد زیر مربوط می‌شود، به جز

- (۱) نمایشنامه‌ها (۲) هنر نوشتن (۳) هنر و موسیقی (۴) تئاتر
- ۴۸۴ کلمه "fortune" (اقبال، شانس؛ موفقیت؛ ثروت) در سطر ۲ نزدیک‌ترین معنی را به "success" دارد.
- (۱) [بدن] حالت، طرز ایستادن (۲) هدف، مقصود
- (۳) مناسبت؛ موقعیت (۴) موفقیت

متن

معمولاً جان میلتون (۱۶۰۸ - ۱۶۷۴) بعد از شکسپیر به عنوان بزرگ‌ترین شاعر انگلیسی‌زبان در نظر گرفته می‌شود. عالی‌ترین شعر او بهشت گم‌شده (۱۶۶۷) است که داستان روابط خداوند با انسان‌ها را از زمان خلقت جهان [و] به همان نحوی که در انجیل گفته شده، بیان می‌کند.

میلتون در لندن به دنیا آمد و [برای تحصیل] به مدرسه سن پل رفت، جایی که آن قدر مشتاق یادگیری بود که گفت: «از دوازده سالگی‌ام به ندرت قبل از نیمه‌شب به رختخواب می‌رفتم.» او در سن ۱۶ سالگی به کالج کرایست [واقع در] کمبریج رفت و هنگامی که بعد از بیش از هفت سال [آن‌جا را] ترک کرد، برای ادامه تحصیل در یک روستای بکینگ‌هام‌شایر که هورتون نام داشت، ساکن شد. او از قبل می‌دانست که می‌خواهد شعری عالی بنویسد و معتقد بود که برای انجام این کار، باید نه تنها یک شخص تحصیل کرده، بلکه یک انسان خوب [هم] باشد. اگرچه میلتون هنوز آماده شروع وظیفه بزرگ خود نبود، [اما] وقتی در هورتون اقامت داشت اشعار دیگری نوشت. آدم بشاش و آدم متفکر در بین آن‌ها بودند (هر دو در سال‌های ۳۲ - ۱۶۳۱). آدم بشاش چیزهایی را که یک فرد بشاش به آن‌ها علاقه دارد و آدم متفکر چیزهایی را که یک فرد جدی به آن‌ها علاقه دارد، توصیف می‌کرد. هم‌چنین کومس (۱۶۳۴)، یک نمایش منظوم در ستایش پاکی و مرثیه‌ای برای دوست (۱۶۳۷)، یک شعر زیبا [و] غم‌انگیز در سوگواری مرگ ادوارد کینگ، یک هم‌کلاسی که غرق شده بود، در هورتون نوشته شدند.

۴۸۵ متن عمدتاً در مورد می‌باشد.

- (۱) اوایل زندگی میلتون
- (۲) زندگی و کار میلتون
- (۳) شیوه اثرگذاری انجیل بر میلتون
- (۴) [این‌که] چرا شکسپیر از میلتون شاعر بهتری در نظر گرفته می‌شود

۴۸۶ متن اشاره می‌کند که میلتون مدرسه خود را آغاز کرد.

- (۱) وقتی ۱۰ سال داشت
 - (۲) در مدرسه سن پل
 - (۳) در کالج کرایست
 - (۴) چون در لندن زندگی می‌کرد
- ۴۸۷ از جمله «به ندرت قبل از نیمه‌شب به رختخواب می‌رفتم» استنتاج می‌کنیم که میلتون
- (۱) در خوابیدن مشکل داشت
 - (۲) تا دیروقت برای مطالعه بیدار می‌ماند
 - (۳) خسته نبود
 - (۴) به شب‌هنگام علاقه داشت
- ۴۸۸ جان میلتون بعد از بیش از هفت سال [تحصیل] در کالج کرایست

- (۱) هنوز به شعر علاقه نداشت
 - (۲) اعتقاد داشت که باید شخصی تحصیل کرده باشد
 - (۳) در هورتون ساکن شد تا تحصیل خود را ادامه دهد
 - (۴) احساس می‌کرد [که] به آرامش و سکوت نیاز دارد
- ۴۸۹ کدام گفته در مورد اشعار میلتون درست نیست؟
- (۱) میلتون وقتی در هورتون بود هیچ شعری ننوشت.
 - (۲) آدم بشاش چیزهایی را توصیف می‌کرد که یک شخص بشاش دوست دارد.
 - (۳) آدم متفکر چیزهایی را توصیف می‌کرد که یک شخص جدی دوست دارد.
 - (۴) او کومس که یک نمایش منظوم در ستایش پاکی بود و مرثیه‌ای برای دوست را نیز نوشت.

۴۹۰ در آشپزخانه سبزی خرد می‌کردم که آن داستان وحشتناک را در خبر ساعت شش شنیدم.

- در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از زمان گذشته استمراری (در این تست was cutting) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست heard) استفاده می‌شود.
- ۴۹۱ می‌توانید هر چیزی که می‌خواهید بخرید، به شرط این‌که بیش از سیصد دلار قیمت نداشته باشد.

- با توجه به این‌که هر دو فعل want (خواستن) و cost (تیمت داشتن، ارزش داشتن) فعل حالت هستند، هیچ‌کدام از آن‌ها را نمی‌توانیم به صورت استمراری مورد استفاده قرار دهیم.

- ۴۹۲ نگران ما نباشید. ما می‌توانیم خودمان را یکی دو ساعت سرگرم کنیم.
- با توجه به این‌که جمله اول، یک جمله امری است، کاربرد ourselves به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح باشد، چون که در جملات امری، ضمیر انعکاسی فقط به صورت دوم شخص (yourself / yourselves) صحیح خواهد بود. در جای خالی دوم نیز با توجه به این‌که ضمیر در جایگاه مفعول جمله است و در عین حال به فاعل (we) اشاره دارد، از ضمیر انعکاسی (در این‌جا ourselves) استفاده می‌کنیم.

۴۹۳ وقتی پدرم در باغ کار می‌کرد، یک دوست قدیمی [به او] سر زد تا او را ببیند.

- در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از

متن کلوز

لئوناردو داوینچی، یک هنرمند و دانشمند بسیار با استعداد، از زمان خودش سال‌ها جلوتر بود. او یکی از بزرگ‌ترین افراد در جنبشی به اسم رنسانس بود، [جنبش] احیای هنر و یادگیری که در قرن پانزدهم در ایتالیا آغاز شد. امروزه، افراد زیادی لئوناردو را برای کشیدن تعدادی از مشهورترین نقاشی‌های زمانش به یاد دارند، اما او به [چیزهای] بسیار فراتر از این دست یافت. او قلعه‌ها و سلاح‌هایی را طراحی کرد، دستگاه‌هایی را اختراع کرد، فیزیک و ریاضی خواند و طراحی‌های علمی دقیقی از گیاهان، حیوانات و بدن انسان انجام داد. احتمالاً او یکی از بزرگ‌ترین نوابغ سرتاسر جهان بود.

۴۵۰۲ برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست قرن پانزدهم) انجام شده و به پایان رسیده است، از فعل گذشته ساده استفاده می‌کنیم. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینه (۴) فعل گذشته ساده (در این مورد began) را داریم.

- ۱۵۰۳
- (۱) به یاد داشتن؛ به یاد آوردن (۲) فهمیدن، درک کردن
(۳) وصل کردن، متصل کردن (۴) تأکید کردن بر
(۳۵۰۴) (۱) الگو؛ طرح (۲) مهارت
(۴) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۳) عکس؛ نقاشی
۲۵۰۵
(۱) جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن (۲) اختراع کردن؛ ابداع کردن
(۳) حل کردن (۴) حرکت کردن؛ حرکت دادن
(۴۵۰۶) (۱) (مربوط به) پزشکی (۲) بالارزش، ارزشمند
(۳) شخصی (۴) انسان؛ انسانی

متن ۱

لویی پاستور مدت‌ها قبل زندگی می‌کرد. اما کارهایی که انجام داد کمک می‌کنند تا شما امروزه سالم بمانید. او پزشک نبود. با این حال راه‌های جدیدی را برای کمک به پیش‌گیری از بیمار شدن مردم پیدا کرد. پاستور میکروب‌ها را مطالعه می‌کرد. او متوجه شد که میکروب‌ها می‌توانند تقریباً در همه‌جا زندگی کنند. او معتقد بود که این میکروب‌ها باعث بیماری می‌شوند.

پاستور ثابت کرد که بیماری‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که میکروب‌ها داخل بدن می‌روند و تکثیر می‌شوند. او همچنین متوجه شد که اگر تعداد اندکی میکروب ضعیف داخل بدن یک حیوان قرار داده شوند، بدن حیوان سیستم دفاعی خودش را در برابر آن میکروب شکل خواهد داد. او این [موضوع] را با تزریق میکروب‌های ضعیف به گوسفندها و مرغ‌ها ثابت کرد؛ و آن مؤثر بود! آن حیوانات دیگر به آن بیماری‌های بد مبتلا نشدند.

در سال ۱۸۸۱ او شروع به کار روی واکسنی برای پیش‌گیری از بیماری هاری کرد. چهار سال بعد، یک سگ هار پرسی را گاز گرفت. والدین [آن پسر بچه] از پاستور خواستند تا پسرشان را نجات دهد. پاستور نمی‌خواست از واکسن خودش روی انسان استفاده کند. او مطمئن نبود چه اتفاقی خواهد افتاد. اما او می‌دانست که آن پسر بدون آن [واکسن] بدون شک خواهد مرد. واکسن تنها شانس او بود. بنابراین پاستور به او اولین واکسن انسانی را داد. آن پسر بچه زنده ماند.

زمان گذشته استمراری (در این تست was working) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشته ساده (در این تست passed by) استفاده می‌شود. دقت کنید که ضمیر آخر جمله (him) به پدر اشاره دارد، ولی فاعل جمله‌واره an old friend (یک دوست قدیمی) می‌باشد. بنابراین با توجه به این‌که فاعل و مفعول به یک شخص اشاره ندارند، کاربرد ضمیر انعکاسی صحیح نیست و به ضمیر مفعولی (در این تست him) نیاز داریم.

- ۱۴۹۴ با آرامش سر شام نشسته بودیم که به طور ناگهانی برق‌ها رفت.
(۱) ناگهانی؛ بی‌مقدمه (۲) قدرت؛ نیرو؛ برق
(۳) اثر، تأثیر (۴) وضع، موقعیت، شرایط

all of a sudden: به طور ناگهانی
۲۴۹۵ محققان باید بر روی این ماده آزمایش‌های بیشتری انجام دهند.

- (۱) پس‌زمینه، زمینه؛ تجربیات (۲) آزمایش
(۳) نظر، عقیده (۴) توصیف، شرح
۳۴۹۶ پدر و مادرها نگرانی [خود] را در مورد میزان خشونت در بعضی از برنامه‌های کودک ابراز کرده‌اند.

- (۱) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن (۲) نقل کردن، بازگو کردن
(۳) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن (۴) تصمیم گرفتن (که)
۴۴۹۷ متأسفم، در مورد اسم‌ها حافظه بسیار بدی دارم؛ نمی‌توانم به یاد بیاورم اسم دخترتان چیست.

- (۱) مهارت (۲) حقیقت، واقعیت
(۳) ایده، نظر (۴) حافظه؛ خاطره
۱۴۹۸ اگر از زبان دوم خودتان به زبان مادری خودتان ترجمه کنید، کم‌تر احتمال دارد اشتباه کنید.

- (۱) ترجمه کردن
(۲) ربط داشتن، مربوط بودن
(۳) وصل کردن، متصل کردن
(۴) تأکید کردن بر، تکیه کردن روی
۴۴۹۹ A: «آیا در رفتار او چیزی غیر عادی را مشاهده کردید؟»
B: «بله، و فکر می‌کنم باید پیش روان‌پزشک بروم.»

- (۱) خلق کردن؛ درست کردن؛ ایجاد کردن
(۲) بیان کردن، ابراز کردن
(۳) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ... بودن
(۴) مشاهده کردن، دیدن

۴۵۰۰ امروز عصر حال هیچ‌کار خیلی پر از فعالیتی را ندارم. روز خسته‌کننده‌ای داشته‌ام.

- (۱) ممکن، امکان‌پذیر (۲) پیوسته، مداوم
(۳) خوش‌بخت، سعادتمند (۴) پر جنب‌وجوش؛ پر از فعالیت
۲۵۰۱ به شما به شدت توصیه خواهم کرد تا کاری را نکنید که رئیس از شما خواست انجام دهید. در غیر این صورت، ممکن است کارتان را از دست بدهید.
(۱) شجاعانه (۲) اخیراً، به تازگی
(۳) به شدت؛ شدیداً (۴) به سختی؛ به ندرت

بیشتر اتومبیل‌های مدرن، هنوز سوخت بنزین یا گازوئیل می‌سوزانند. این اتومبیل‌ها باعث آلودگی هوا می‌شوند. آن‌ها هوا را کثیف می‌کنند. الان افراد زیادی دنبال اتومبیل‌های تمیزتر می‌گردند؛ و بسیاری از شرکت‌های اتومبیل‌سازی به دنبال سوخت‌های تمیزتر می‌گردند.

۴۵۱۱ کدام شرکت برای اولین بار فقط اتومبیل ساخت؟

(۱) بنز (۲) فورد (۳) دوریا (۴) پانارد

۴۵۱۲ شرکت اتومبیل‌سازی پژو چه زمانی شروع به کار کرد؟

(۱) ۱۸۸۸ (۲) ۱۸۸۹ (۳) ۱۸۹۰ (۴) ۱۸۹۱

۲۵۱۳ شرکت اتومبیل‌سازی فورد افتتاح کرد.

(۱) در سال ۱۹۱۱ کارخانه‌ای را در دانمارک

(۲) در سال ۱۹۲۵ کارخانه‌ای را در آلمان

(۳) در سال ۱۹۲۹ کارخانه‌ای را در بریتانیا

(۴) در سال ۱۹۳۱ کارخانه‌ای را در فرانسه

۳۵۱۴ خط تولید ایده‌ی چه کسی بود؟

(۱) برای چارلز دوریا (۲) برای امیل راجر

(۳) برای هنری فورد (۴) برای کارل بنز

۱۵۱۵ دیدن یک صورت آشنا خوب است؛ متأسفانه در مهمانی هیچ‌کس

دیگری را نمی‌شناسم.

(۱) آشنا؛ شناخته‌شده (۲) مناسب؛ شایسته

(۳) راحت؛ آسوده، آرام (۴) احتمالی، محتمل

۳۵۱۶ دیو نمی‌خواست در مورد تمام مشکلات مری بشنود، اما آرام نشست

و گوش داد.

(۱) مرتب، منظم؛ ماهرانه (۲) بی‌رحمانه، با بی‌رحمی

(۳) آرام، به آرامی (۴) صادقانه

۴۵۱۷ دوچرخه با بیش از یک میلیارد [دوچرخه] سوار در سرتاسر جهان،

محبوب‌ترین وسیله نقلیه در سیاره ما است.

(۱) پر انرژی (۲) سریع، تند

(۳) خوش‌بخت، سعادتمند (۴) محبوب، پرطرفدار

۴۵۱۸ در تابستان دما از سی تا چهل درجه سانتی‌گراد نوسان دارد.

(۱) چک کردن، کنترل کردن

(۲) [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشاندن

(۳) مقایسه کردن؛ مغایرت داشتن

(۴) نوسان داشتن، در نوسان بودن

۱۵۱۹ بیشتر مسافران هوایی آمادگی دارند بسیار بیش‌تر پول پرداخت کنند

تا مطمئن باشند صحیح و سالم سفر می‌کنند.

(۱) سالم، صحیح و سالم (۲) شجاعانه، با بی‌باکی

(۳) در سطح محل؛ در این حوالی (۴) عمیقاً؛ به شدت

۲۵۲۰ خانه شما همیشه خیلی مرتب است؛ چه‌طور می‌توانید آن را با سه

بچه کوچک این‌قدر تمیز نگه دارید؟

(۱) آشنا؛ شناخته شده (۲) مرتب، منظم؛ تمیز

(۳) مهمان‌نواز (۴) امن، ایمن

پاستور می‌خواست راهی برای جلوگیری از ورود میکروب‌ها به داخل بدن افراد پیدا کند. او راهی یافت تا شیر را عاری از میکروب کند. او متوجه شد که میکروب‌ها نمی‌توانند گرما را تحمل کنند. وقتی او شیر را تا دمای ۱۴۰ درجه فارنهایت حرارت می‌داد و سپس آن را به سرعت سرد می‌کرد و در شیشه‌های تمیزی پلمب می‌کرد، میکروب‌ها می‌مردند. روش او پاستوریزه کردن نامیده می‌شود. این از آن زمان برای شیر استفاده شده است. امروزه آن برای جلوگیری از رشد میکروب‌ها در دیگر محصولات هم استفاده می‌شود.

۳۵۰۷ کدام یک از این‌ها لویی پاستور را توصیف نمی‌کند؟

(۱) بسیار باهوش (۲) مفید؛ کمک‌کننده

(۳) پزشک بزرگ (۴) مایل به خطر کردن

۳۵۰۸ کدام یک از رویدادهای زیر بعد از بقیه اتفاق افتاد؟

(۱) یک سگ هار پسری را گاز گرفت.

(۲) پاستور واکسن هاری را تولید کرد.

(۳) پاستور به یک پسر واکسنی را داد.

(۴) والدین [پسر بچه] از پاستور خواهش کردند کمک کند.

۴۵۰۹ واکسن چه‌طور عمل می‌کند؟

(۱) آن میکروب‌ها را در حال وارد شدن به بدن می‌کشد.

(۲) آن اجازه نمی‌دهد میکروب‌ها وارد بدن شوند.

(۳) آن باعث می‌شود بدن گلبول‌های قرمز بیشتری تولید کند.

(۴) آن به بدن کمک می‌کند تا در مقابل میکروب‌ها سیستم دفاعی تشکیل دهد.

۱۵۱۰ چرا مایع پاستوریزه باید در یک شیشه تمیز محفوظ شود؟

(۱) تا مطمئن شویم که هیچ میکروبی از قبل در شیشه نیست یا نمی‌تواند وارد شیشه شود

(۲) تا مطمئن شویم که میکروب‌ها نمی‌توانند هوایی را که برای تنفس نیاز دارند به دست بیاورند

(۳) تا مایع را در دمای مناسب نگه داریم

(۴) تا مایع را خوش‌مزه‌تر کنیم

متن ۲

کارل بنز اتومبیل مدرن را در سال ۱۸۸۸ در آلمان اختراع کرد. امیل راجر در فرانسه برای بنز کار می‌کرد. او در فرانسه اتومبیل درست می‌کرد. تا سال ۱۹۰۰ افراد زیادی در فرانسه و ایالات متحده، اتومبیل درست می‌کردند. اولین شرکتی که فقط اتومبیل تولید می‌کرد، پانارد و لواسور در فرانسه بود. پانارد در سال ۱۸۸۹ شروع به کار کرد. شرکت اتومبیل‌سازی پژو در سال ۱۸۹۱ در فرانسه شروع به کار کرد. در ایالات متحده، فرانک و چارلز دوریا، در سال ۱۸۹۳، شرکت واگن موتور دوریا را تأسیس کردند. آن اولین شرکت اتومبیل‌سازی آمریکایی بود. در سال ۱۹۰۲، رانسوم ای. اولدنز، شرکت اتومبیل‌سازی اولدنز موتور را تأسیس کرد. یک سال بعد، هنری فورد شرکت اتومبیل‌سازی فورد را تأسیس کرد. آن کادیلاک را تولید می‌کرد. تمام این اتومبیل‌های مدرن اولیه، سوخت بنزین یا گازوئیل می‌سوزاندند. فورد در سال ۱۹۱۱، در فرانسه و بریتانیا کارخانه‌هایی را افتتاح کرد. آن‌ها سپس در سال ۱۹۲۳، در دانمارک کارخانه‌ای را افتتاح کردند. بعدها، آن‌ها در سال ۱۹۲۵ در آلمان کارخانه‌ای را افتتاح کردند. فورد یکی از اولین تولیدکنندگانی بود که از خط تولید استفاده کرد. کارگران کارخانه با خط تولید می‌توانستند اتومبیل‌ها را سریع‌تر و امن‌تر از سایر سیستم‌های تولید، درست کنند.

۱۵۳۱ بیشتر ساختمان‌های مرتفع در شمال شهر ما واقع شده‌اند.
 (۱) جای ... را پیدا کردن
 (۲) علاقه‌مند کردن
 (۳) میزبان ... بودن
 (۴) نوسان داشتن، در نوسان بودن

قرار داشتن، بودن: be located

۱۵۳۲ کارمند آژانس مسافرتی توصیه کرد که ما باید پاسپورت‌هایمان را قبل از سفر تازه کنیم.

(۱) مخترع
 (۲) دانشمند

(۳) نماینده، کارگزار؛ آژانس

کارمند آژانس مسافرتی؛ صاحب آژانس مسافرتی: travel agent

۱۵۳۳ آن‌ها چندین مایل را با سرعت‌های تا صد و بیست مایل در ساعت رانندگی کردند.

(۱) مقایسه؛ فرق، اختلاف
 (۲) عدد؛ تعداد؛ شماره

(۳) پرواز؛ ردیف پله‌ها
 (۴) سرعت، شتاب

۱۵۳۴ مردم بسته به این‌که ثروتمند باشند یا فقیر، به مسائل به‌طور متفاوتی نگاه می‌کنند.

(۱) به آسانی، به راحتی
 (۲) مثل هم؛ نیز، هم‌چنین

(۳) همگانی، به‌طور همگانی
 (۴) به‌طور متفاوتی، جور دیگر

۱۵۳۵ خلبان هواپیما را سالم به زمین نشانده، اما بعد آن سانحه‌ای اتفاق افتاد.

(۱) جای ... را پیدا کردن، پیدا کردن

(۲) [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشانیدن

(۳) واکنش نشان دادن، عکس‌العمل نشان دادن

(۴) میزبان ... بودن

۱۵۳۶ برای عقاید او بیشترین احترام را قائل هستم، هر چند با تعدادی از آن‌ها موافق نیستم.

(۱) الزام، وظیفه؛ اجبار

(۳) تأکید
 (۴) فکر؛ عقیده

۱۵۳۷ آن‌ها امیدوارند وجهه شهر را تغییر دهند و توریست‌های بین‌المللی بیش‌تری را جذب کنند.

(۱) توریست، جهانگرد، گردشگر
 (۲) نماینده، کارگزار؛ آژانس

(۳) فرهنگ
 (۴) آزمایش

۱۵۳۸ A: «احتمالاً دوست نداشته باشید یا ما به اردو بروید.» B: «اشتباه می‌کنید. در واقع، فکر کنم آن را خیلی دوست دارم.»

(۱) در واقع، در حقیقت
 (۲) با این حال، با وجود این

(۳) مگر این‌که
 (۴) در عوض، به جای

۱۵۳۹ اگر بخواهم با شما کاملاً روراست باشم، فکر نمی‌کنم پسران در این حوزه تحصیلی موفق شود.

(۱) صادق، روراست
 (۲) خصوصی، شخصی

(۳) طبیعی؛ ذاتی
 (۴) شرمند، خجالت‌زده

۱۵۴۰ اگر درست برنامه‌ریزی کنید، می‌توانید وقت کم‌تری را صرف انجام کارهای غیرضروری کنید و کار را سریع‌تر تمام کنید.

(۱) [پول] خرج کردن؛ [وقت] صرف کردن، گذراندن

(۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۳) بازگو کردن

(۴) آماده کردن، مهیا کردن

۱۵۳۱ سفارت ژاپن به شهروندان ژاپنی هشدار داد که مراقب باشند و آن کشور را فوراً ترک کنند.

(۱) مقصد؛ هدف

(۲) الزام، وظیفه؛ اجبار

(۳) توریسم، گردشگری

(۴) سفارت، سفارت‌خانه

۱۵۳۲ نمی‌توانی ببینی که واقعاً داری برادر کوچک‌تر را می‌ترسانی؟ این قدر بی‌رحم نباش.

(۱) جالب

(۲) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

(۳) بی‌رحم؛ بی‌رحمانه

(۴) سنتی؛ قدیمی

۱۵۳۳ دوازده عکس خود او نسبتاً خوب فروش رفتند، عمدتاً به دوستان و خانواده.

(۱) اخیراً، به تازگی

(۲) آرام، به آرامی

(۳) عمدتاً، بیش‌تر

(۴) به‌طور متفاوتی، جور دیگر

۱۵۳۴ انتخاب سختی بود، اما در نهایت تصمیم گرفتیم که جایزه باید به هتا برسد.

(۱) حقیقت، واقعیت

(۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب

(۳) حدود، محدوده؛ طیف

(۴) وسیله، روش، راه؛ پول، ثروت

۱۵۳۵ سن واقعی او ۴۵ [سال] بود، نه آن‌طور که در فرم خودش ذکر کرده بود، ۴۰ [سال].

(۱) واقعی، حقیقی (۲) ناگهانی

(۳) اساسی، پایه‌ای (۴) نهایی، پایانی

۱۵۳۶ وقتی به این دو فرش نگاه می‌کنید، می‌توانید ببینید که طرح‌ها بسیار شبیه هستند.

(۱) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

(۲) احتمالی، محتمل

(۳) خوش‌یخت؛ سعادت‌مند

(۴) مشابه، شبیه (به هم)

۱۵۳۷ بدون شک زبان انگلیسی راحت‌ترین و در عین حال مؤثرترین روش ارتباطات بین‌المللی است.

(۱) آشنا؛ شناخته‌شده

(۲) بین‌المللی، جهانی

(۳) صبور

(۴) سنتی، قدیمی

۱۵۳۸ بارهای ما در تمام مسیر تا مقصد نهایی مان کنترل شدند.

(۱) وضع، موقعیت، شرایط

(۲) مقصد؛ هدف

(۳) مشاهده

(۴) رابطه، ارتباط

۱۵۳۹ مردم برای حل مشکل ترافیک، باید از ماشین‌هایشان خارج شوند و از شکل‌های دیگر حمل‌ونقل استفاده کنند.

(۱) آزمایش

(۲) تحقیق، پژوهش

(۳) تأکید، اصرار

(۴) حمل‌ونقل

۱۵۴۰ وقتی آن‌ها کتابخانه را بمباران کردند، اسناد تاریخی مهم زیادی نابود شدند.

(۱) تاریخی

(۲) آشنا؛ شناخته‌شده

(۳) مناسب؛ شایسته

(۴) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

۱۵۴۱ برآورد ما از تعمیرات مورد نیاز بسیار کم‌تر از هزینه‌های واقعی بود.

(۱) فرهنگی

(۲) متضاد

(۳) ساکت، آرام

(۴) واقعی

۲۵۴۲ گاهی اوقات برای شنا به استخر محلی می‌روم، اما شنا کردن در اقیانوس را ترجیح می‌دهم.

(۱) تصمیم گرفتن (که) (۲) ترجیح دادن
(۳) به یاد آوردن، به خاطر آوردن (۴) پیشنهاد کردن، پیشنهاد دادن
۲۵۴۳ نمی‌توانم درک کنم چرا این هفته این قدر بدخلق است؛ شاید در مدرسه چیزی اذیتش می‌کند.

(۱) شاید، احتمالاً (۲) در نهایت، بالاخره
(۳) به سختی؛ به ندرت (۴) بابتی ادبی، بی ادبانه، گستاخانه
۲۵۴۴ شخصی که به دلایل مذهبی، سفری را به جایی خاص انجام می‌دهد، اغلب سفری طولانی و دشوار، زائر نامیده می‌شود.

(۱) توریست، جهانگرد، گردشگر (۲) نماینده، کارگزار؛ آژانس
(۳) مسافر (۴) زائر

۲۵۴۵ هنوز در بعضی از شهرهای کوچک، برای جوانان سرگرمی زیادی مثل سینماها وجود ندارد.

(۱) استخدام (۲) سرگرمی، تفریح
(۳) ارتباط، رابطه (۴) محیط زیست؛ محیط
۲۵۴۶ اگر صبحانه نخورید، احتمالاً در طول صبح گرسنه خواهید بود و تا جایی که می‌توانید سر کار، کارآمد نخواهید بود.

(۱) بی‌رحمانه، با بی‌رحمی (۲) با حوصله، صبورانه
(۳) شاید، احتمالاً (۴) مثل هم، به صورتی مشابه؛ هم‌چنین
۲۵۴۷ او همیشه از بچه‌هایش بالاترین استانداردهای رفتاری را توقع داشت.

(۱) تجربه (۲) الزام، وظیفه؛ اجبار
(۳) رفتار (۴) کشش، جذب؛ جاذبه
۲۵۴۸ بیشتر افرادی که در کانادا ملاقات کردم، بسیار مهمان‌نواز و مهربان بودند؛ واقعاً دوست دارم دوباره از آن‌جا دیدن کنم.

(۱) مهمان‌نواز (۲) مشهور، شناخته‌شده
(۳) داخلی، وطنی؛ خانوادگی (۴) بین‌المللی، جهانی
۲۵۴۹ در ذهنم از پاریس تصویری داشتم که با این چیزی که واقعاً هست، کاملاً متفاوت است.

(۱) تصویر؛ عکس؛ وجهه، وجهه عمومی
(۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب
(۳) حقیقت، واقعیت
(۴) حدود، محدوده؛ طیف

۲۵۵۰ پرواز از لندن تأخیر داشت، و وقتی بالاخره به ونیز رسیدم سه صبح بود.

(۱) پرواز؛ ردیف پله‌ها (۲) وسیله، روش، راه؛ پول؛ ثروت
(۳) مسافر (۴) تعطیلات؛ مرخصی
۲۵۵۱ بیشتر افرادی که زبان خارجی می‌خوانند، هرگز قادر نخواهند بود مثل متکلم بومی صحبت کنند.

(۱) داخلی، وطنی؛ خانوادگی (۲) محلی
(۳) سنتی؛ قدیمی (۴) خارجی، بیگانه

۲۵۵۲ متأسفم بگویم که هواپیما یک ساعت دیرتر از مأمول به مقصد خودش خواهد رسید.

(۱) موقعیت، شرایط (۲) سفر
(۳) مقصد؛ هدف (۴) فضا؛ جا، جای خالی
۲۵۵۳ خاله‌ام همیشه از تعطیلات با چند سوغاتی برمی‌گردد، حتی اگر خیلی ارزان باشند.

(۱) سوغاتی؛ یادگار (۲) هرم
(۳) تعطیلات؛ مرخصی (۴) حدود، محدوده؛ طیف
۲۵۵۴ ایده خوبی است که زبان و فرهنگ کشوری را که قرار است از آن دیدن کنید، مطالعه کنید.

(۱) سفارت، سفارت‌خانه (۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب
(۳) پرواز؛ ردیف پله‌ها (۴) فرهنگ

۲۵۵۵ هر دو خواهر بسیار فعال و در کارهای انتخاب‌شده خردشان مثل هم موفق بودند.

(۱) همگانی، به صورت همگانی (۲) مثل هم؛ نیز، هم‌چنین
(۳) شجاعانه، با بی‌باکی (۴) به سختی؛ به ندرت
۲۵۵۶ ما پذیرای هر پیشنهادی از طرف بینندگانمان در مورد چگونگی بهبود خدمات خودمان هستیم.

(۱) اقدام؛ کار؛ فعالیت (۲) پیشنهاد، توصیه
(۳) ترجمه (۴) الزام، وظیفه؛ اجبار
۲۵۵۷ دکتر هر کاری را که می‌توانست انجام داد تا مطمئن شود دستورالعمل‌هایش دقیقاً دنبال می‌شوند.

(۱) به شدت؛ شدید (۲) شاید، احتمالاً
(۳) اخیراً، به تازگی (۴) دقیقاً
۲۵۵۸ در صورتی که در اقتصاد تغییری وجود نداشته باشد، این امکان هست که ممکن است کارخانه بسته شود.

(۱) احترام (۲) کشش، جذب؛ جاذبه
(۳) دانش، معلومات (۴) امکان، احتمال
۲۵۵۹ چند مسافر هستند که چمدان‌های خودشان را به موقع تحویل ندادند، بنابراین ممکن است بتوانیم شما را سوار پرواز کنیم.

(۱) [هواپیما و غیره] بلند شدن؛ [لباس و غیره] در آوردن
(۲) ترک کردن؛ ناامید شدن از
(۳) [در فرودگاه و غیره] چمدان خود را تحویل دادن؛ [هتل] اتاق گرفتن
(۴) [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

۲۵۶۰ محلی که شخصی به آن‌جا می‌رود یا چیزی به آن‌جا ارسال یا برده می‌شود، مقصد نامیده می‌شود.

(۱) انتظار، توقع (۲) تعطیلات؛ مرخصی
(۳) مقصد؛ هدف (۴) موقعیت، شرایط
۲۵۶۱ وقت ندارم این کار را برایش انجام دهم؛ همین الان کلی و غلیفه دیگر دارم.

(۱) الزام، وظیفه؛ اجبار (۲) آزمایش
(۳) لحظه، دقیقه (۴) احساس، عاطفه

از **can't** برای اشاره به عدم توانایی و همین‌طور مجاز نبودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل **can**)، حتماً از شکل ساده فعل (در این تست **accept**) استفاده می‌شود.

۵۷۲ به‌جهایی که شانزده سال یاکم دارند، نمی‌توانند وارد این سینما شوند. بعد از تمامی افعال وجهی به شکل ساده فعل نیاز داریم. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) و (۴) می‌تواند صحیح باشد. از **may** می‌توان برای اشاره به مجاز بودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده کرد. البته در این تست، با توجه به مفهوم جمله، **may** را به صورت منفی نیاز داریم. ۵۷۳ نیکول از ساعت‌ها اضافه کاری در سرکار خسته شد. کاملاً واضح شد که او به تعطیلاتی طولانی نیاز دارد.

حرف اضافه مناسب برای **work** برای اشاره به این‌که شخص «سرکار» حضور دارد، **at** می‌باشد. علاوه بر این، بعد از افعال ربطی (مثل **become**)، از صفت استفاده می‌شود، نه قید حالت. بنابراین در جای خالی دوم حتماً به **obvious** نیاز داریم.

۵۷۴ ممکن است برایتان الزام نداشته باشد که آن کار را انجام دهید، اما فکر می‌کنم باید [آن را انجام دهید].

از **may** برای بیان احتمال انجام یک کار یا وجود شرایطی خاص در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی اول، شکل منفی این فعل وجهی را نیاز داریم. **should** نیز بیانگر توصیه و نصیحت و اجبار ضعیف است و با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم به کار می‌رود.

۵۷۵ بیمار بودم، بنابراین پنج‌شنبه قبل سرکار نرفتم، اما جمعه سرکار رفتم. در جای خالی اول با توجه به کاربرد **last** قبل از **Thursday** (پنج‌شنبه) به حرف اضافه نیازی نداریم. اما در جای خالی دوم، به دلیل این‌که **Friday** به تنهایی به کار رفته است، قبل از آن به حرف اضافه نیاز داریم. دقت کنید که حرف اضافه مناسب برای روزهای هفته، **on** است، نه **in**.

۵۷۶ او همیشه صبح زود بلند می‌شود، تا بتواند سر وقت به کلاس برسد. حرف اضافه مناسب برای ۳ بخش روز (**morning / afternoon**)، **in** **evening** / می‌باشد. علاوه بر این، عبارت **on time** به معنی «سروقت» می‌باشد و بنابراین در جال خالی دوم از **on** استفاده می‌کنیم.

۵۷۷ من و او چنان دوستان خوبی هستیم که تقریباً می‌توانیم ذهن یک‌دیگر را بخوانیم.

قبل از اسم (در این تست **friends**) از صفت استفاده می‌شود، نه قید حالت، بنابراین در جای خالی اول از **close** استفاده می‌کنیم. دقت کنید که از **can** برای بیان توانایی و امکان انجام کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. وقتی این دیکشنری را با آن یکی مقایسه می‌کنید، به راحتی می‌توانید ببینید کدام یکی بهتر است.

بعد از افعال وجهی (مثل **can**)، فعل اصلی به صورت ساده به کار می‌رود (در این تست **see**). دقت کنید که از قید حالت (در این تست **easily**) برای ارائه اطلاعات بیشتر در مورد فعل جمله استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله در این جا قید حالت کاربرد دارد.

۵۶۲ باید به بچه‌هایتان یاد دهید سر میز ناهارخوری ساکت باشند و فقط وقتی صحبت کنند که با آن‌ها صحبت می‌شود.

(۱) ساکت، آرام (۲) امن، ایمن (۳) سریع، تند (۴) شجاع، دلیر ۵۶۳ آموزش و تعلیم، مؤثرترین روش‌های وارد کردن فرهنگ یک ملت هستند.

(۱) احترام (۲) اثر؛ نتیجه (۳) وسیله، روش، راه؛ پول، ثروت (۴) مقایسه؛ فرق، اختلاف ۵۶۴ در حال حاضر، هشتاد درصد بیماران از این بیماری به طور کامل بهبود پیدا می‌کنند و قادر هستند زندگی‌هایی کاملاً عادی را داشته باشند.

(۱) میزبان (۲) بیماری، مریضی (۳) ریسک، خطر (۴) آت و آشغال ۵۶۵ مردم محلی هنوز از روش‌های کشاورزی سنتی استفاده می‌کنند که صدها سال است استفاده شده‌اند.

(۱) مهمان‌نواز (۲) احتمالی، محتمل (۳) سریع، تند (۴) سنتی؛ قدیمی ۵۶۶ چین ۲۶ ژانویه در ساعت دو بعدازظهر می‌رسد.

حرف اضافه مناسب برای تاریخ کامل (مثل **January 26**)، **on** می‌باشد. قبل از ساعت‌های روز از **at** استفاده می‌کنیم و قبل از ۳ بخش اصلی روز (**morning / afternoon / evening**) از **in** استفاده می‌شود.

۵۶۷ نمی‌دانم چه‌طور به شما کمک کنم. از آنتون کمک بخواهید. شاید او قادر باشد راه حلی پیدا کند.

بعد از تمامی افعال وجهی (مثل **can, should, may, must**) به شکل ساده فعل نیاز داریم. در این تست، بعد از افعال وجهی، فقط در گزینه (۳) شکل ساده فعل اصلی (در این مورد **be**) را داریم.

۵۶۸ عصر خیلی دیر وقت از باشگاه تنیس برگشتید. حرف اضافه مناسب برای **evening** به عنوان یکی از ۳ بخش اصلی روز، **in** می‌باشد. بنابراین در این تست یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که **late** یک صفت بی‌قاعده می‌باشد و قید حالت آن نیز **late** است. البته **late** نیز کلمه‌ای کاملاً صحیح است ولی در معنی «اخیراً، به تازگی» به کار می‌رود و در این جا کاربرد ندارد.

۵۶۹ ما هم‌دیگر را در رستوران در ساعت ۶:۳۰ دیدیم و تا ساعت ۱۰:۳۰ [در آن جا] ماندیم.

حرف اضافه مناسب برای ساعت‌های روز **at** می‌باشد و با توجه به معنی جمله، در جای خالی اول این حرف اضافه کاربرد دارد. اما در جای خالی دوم، به دلیل مفهوم جمله **at** کاربرد ندارد و از **until** (تا) استفاده می‌کنیم. ۵۷۰ نباید فراموش کنید که فردا اجاره را پرداخت کنید. صاحب‌خانه در مورد پرداخت سر وقت خیلی جدی است.

از **must not (mustn't)** برای اشاره به اجبار بر انجام نشدن کاری در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۵۷۱ متأسفم، اما نمی‌توانم دعوت شما را قبول کنم. در آن روز برنامه‌های دیگری دارم.

۵۷۹ این خانه کاملاً تاریک و ساکت است، بنابراین ممکن نیست کسی خانه باشد.

با توجه به کاربرد صفت (dark) قبل از جای خالی اول و کاربرد کلمه ربط همپایه ساز and بعد از آن، می توان متوجه شد که در جای خالی اول به صفت (silent) نیاز داریم، نه قید حالت (silently). در صورتی که بخواهیم حدس بسیار قوی بزنیم که بر مبنای شرایط و نشانه های موجود، امری در زمان حال و آینده امکان پذیر نیست، از can't استفاده می کنیم.

۵۸۰ این جا هر سال در دسامبر برف می بارد. ما همیشه در روز کریسمس بیرون می رویم و در برف ها بازی می کنیم.

قبل از ماه های سال (مثل December) از in استفاده می شود. بنابراین فقط یکی از گزینه های (۱) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که the Christmas day (روز کریسمس) به یک روز خاص اشاره دارد و در واقع جایگزین روزی از هفته شده است، بنابراین قبل از آن از on استفاده می شود.

۵۸۱ پیشنهادی وجود داشت که باید جلسه در اکتبر برگزار شود. قبل از ماه های سال (مثل October) از in استفاده می شود. بنابراین فقط یکی از گزینه های (۲) و (۳) می تواند صحیح باشد. گزینه (۲) نیز از جهت غلط است؛ اول این که بعد از فعل وجهی should، فعل اصلی (take place) باید به شکل ساده به کار رود؛ و دوم این که in October قید زمان جمله است و جایگاه آن بعد از فعل اصلی است، نه قبل از آن.

۵۸۲ می دانم بی ادبانه است. اما ممکن است از شما بپرسم آن ساعت مچی را از کجا خریدید؟ تمایل دارم یکی مثل آن را برای پدرم بخرم. بعد از فعل to be (در این تست s' قبل از جای خالی اول) از صفت استفاده می شود، نه قید حالت (در این مورد rude). از may می توان برای درخواست و تقاضا استفاده کرد که شکل مناسب آن برای درخواست کردن در گزینه (۴) آمده است.

۵۸۳ اولین باری که افراد را ملاقات می کنید، باید مراقب باشید که چه قدر نزدیک به آن ها می ایستید.

از should برای بیان اجبار ضعیف و توصیه و نصیحت در زمان حال و آینده استفاده می شود. دقت کنید که بعد از فعل to be از صفت (careful) استفاده می شود، نه قید حالت (carefully).

۵۸۴ آن بازیکن فوتبال جوان، برای کسی در سن او، به نحو حیرت انگیزی خوب بازی می کند. بی اغراق عملکرد او حیرت انگیز بود.

بعد از فعل اصلی (play) قبل از جای خالی اول) از قید حالت (در این مورد well) استفاده می شود. دقت کنید که amazingly شدت قید حالت well را نشان می دهد. (یکی از کاربردهای قید حالت، بیان شدت یک قید دیگر است.) اما بعد از فعل to be در جای خالی دوم از صفت (amazing) استفاده می کنیم.

۵۸۵ بهترین دوستم در ژانویه به شهر جدیدی نقل مکان کرد و ما الان به ندرت همدیگر را می بینیم.

قبل از ماه های سال (مثل January) در این تست، از in به عنوان حرف اضافه استفاده می شود. دقت کنید که هر چند hard می تواند قید حالت باشد، ولی در این تست، hardly (به سختی؛ به ندرت)، از نظر معنایی با جمله هماهنگی دارد.

۵۸۶ ملانی ناهارش را تند خورد. او می دانست [که] جلسه مهم بود و نمی خواست دیر کند.

در جای خالی اول، کلمه بعد از فعل اصلی (ate) به کار رفته، بنابراین از قید حالت (quickly) استفاده می کنیم. اما با توجه به این که قبل از جاهای خالی دوم و سوم، فعل to be را داریم، در هر دوی این موارد از صفت (late و important) استفاده می شود.

۵۸۷ هتل به طرز شگفت انگیزی ارزان بود. انتظار داشتیم که بسیار گران تر باشد. قبل از جای خالی اول، فعل (was) to be به کار رفته و طبیعتاً انتظار نداریم

در جای خالی از قید حالت استفاده شود. اما با دقت به بعد از جای خالی، متوجه می شویم که صفت (cheap) بعد از جای خالی قرار دارد و در این جا کلمه جای خالی شدت این صفت را بیان می کند. بنابراین در این مورد از قید حالت استفاده می شود. (یکی از کاربردهای قید حالت، بیان شدت صفت است.) قبل از جای خالی دوم نیز دوباره فعل to be را داریم و در این مورد، طبق قاعده به صفت نیاز است که شکل صحیح آن expensive می باشد.

۵۸۸ باید از شمای تعدادی سؤال خصوصی بپرسم که شاید نخواهید جواب دهید. در جای خالی اول، کلمه قبل از اسم (questions) به کار رفته و برای توصیف آن به کار رفته است، بنابراین از صفت (personal) استفاده می شود، نه قید حالت. دقت کنید که از may برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می شود که با توجه به مفهوم جمله، در این جا شکل منفی آن مدنظر است.

۵۸۹ تمام خانه های این محله آن قدر شبیه هم به نظر می رسند که نمی توانم آن ها را از یک دیگر تشخیص دهم.

look در معنی «به نظر رسیدن» یک فعل حالت است و بنابراین آن را به صورت استمراری به کار نمی بریم، بنابراین یکی از گزینه های (۲) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، در این تست فعل can به صورت منفی می تواند کامل کننده جمله باشد، نه به صورت مثبت. حمید باید معلم خوبی باشد. به نظر می رسد که همه دانش آموزانش او را دوست دارند.

در صورتی که در جمله نشانه هایی وجود داشته باشد، که بتوانیم در مورد موضوعی خاص حدس قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تا حدود زیادی اطمینان داشته باشیم، از فعل وجهی must استفاده می کنیم. دقت کنید که good صفت است و در انگلیسی، صفت قبل از اسم (در این جا teacher) به کار می رود.

۵۹۱ برنامه نداشتیم آن کار را انجام دهم، اما حالا که پیشنهاد می دهید، شاید آن را امتحان کنم.

از may برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می شود. دقت کنید که ضمیر مفعولی مناسب برای that، که در بخش ابتدایی جمله به کار رفته it می باشد.

۵۹۲ می خواهید الان به آن ها زنگ بزنید؟ همین الان. بعد از نیمه شب است! احتمالاً خواب هستند.

۲۵۹۹ شاید قادر نباشیم تمام مشکلاتمان را حل کنیم، اما باید قادر باشیم تعدادی از آن‌ها را حل کنیم.

همان‌طور که گفته شد، بعد از افعال وجهی (مثل may و should) به شکل ساده فعل نیاز است. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینه (۲) بعد از هر دو فعل وجهی، شکل ساده فعل را داریم.

۱۶۰۰ صرف‌نظر از این‌که ممکن است چه‌قدر سخت درس بخوانید، نمی‌توانید در یک یا دو سال به انگلیسی مسلط شوید.

hard یک قید حالت بی‌قاعده است و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا مورد استفاده قرار می‌گیرد. دقت کنید که hardly (به سختی؛ به ندرت) نیز کلمه‌ای صحیح است، ولی از نظر معنایی در این‌جا کاربرد ندارد. علاوه بر این، با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم، فعل can را به صورت منفی نیاز داریم تا به عدم توانایی انجام کاری در زمان حال و آینده اشاره شود.

۳۶۰۱ این احتمال وجود دارد که ممکن است آب شیر حاوی مواد مضر مثل کلر و سرب باشد.

برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده از افعال وجهی may یا might استفاده می‌شود و فعل بعد از آن‌ها نیز باید به شکل ساده مورد استفاده قرار گیرد.

۲۶۰۲ او به تلفن جواب نمی‌دهد. احتمالاً دارد دوش می‌گیرد.

برای بیان احتمال و امکان وقوع یک عمل در زمان حال و آینده، هم می‌توان از may استفاده کرد و هم از might. اما با توجه به این‌که در گزینه (۳)، بعد از فقط وجهی might، شکل ساده فعل را نداریم، در این‌جا فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۳۶۰۳ پشت میز پرز برق هست. ممکن است به من کمک کنید، میز را جابه‌جا کنم تا بتوانم کامپیوتر را به برق وصل کنم؟

در جای خالی اول با توجه به مفهوم جمله می‌توان متوجه شد که پرز برق پشت میز است و بنابراین از behind (پشت) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که از can می‌توان برای انجام درخواست و تقاضا استفاده کرد که شکل صحیح آن برای این کاربرد در گزینه (۳) آمده است. ۱۶۰۴ واقعاً مطمئن نیستم بهار کجاست. ممکن است در اتاق نشیمن نشسته باشد، یا شاید در حیات خلوت باشد.

برای اشاره به حدس و گمان در زمان حال و آینده هم می‌توان از may استفاده کرد و هم might. البته بعد از افعال وجهی، در هر صورت فعل به شکل ساده (در این مورد be) به کار می‌رود.

۳۶۰۵ اگر می‌خواهید چیزی بخورید، یک کیک شکلاتی تازه پخته شده روی میز داخل آشپزخانه و مقدار زیادی غذا داخل یخچال هست.

در جای خالی اول به روی میز اشاره شده، بنابراین از on استفاده می‌شود. اما با توجه به این‌که در جاهای خالی دوم و سوم به داخل آشپزخانه و یخچال اشاره شده، در هر دوی این موارد از in استفاده می‌کنیم.

۲۶۰۶ نگران نباش. شاید او در نگاه اول ترسناک به نظر برسد، اما در واقع شخصی بسیار صمیمی است.

look هنگامی که در معنی «به نظر رسیدن» به کار رود، فعل حالت به حساب می‌آید و شکل استمراری نخواهد داشت. بنابراین در این تست، یکی از

در صورتی‌که با توجه به نشانه‌های موجود، در زمان حال و آینده حدسی قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تقریباً اطمینان داشته باشیم، از must استفاده می‌کنیم. دقت کنید که چون فعل ذکر شده در جمله، در حال حاضر استمرار دارد، بعد از must به فعل استمراری نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۱) آمده است.

۱۵۹۳ ممکن است الان حوصله شنیدن این را نداشته باشید، اما باید به شما چیز مهمی را بگویم.

از may و might برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله می‌توانند در این تست مورد استفاده قرار گیرند. دقت کنید که در جای خالی دوم، با توجه به مفهوم جمله، به صفت (important) نیاز داریم، نه اسم (importance).

۲۵۹۴ میلاد چراغ مطالعه‌اش را خاموش کرد و در تاریکی نشست در حالی که فکر می‌کرد باید چه کار کند.

in the dark به معنی «در تاریکی» است و دارای شکل ثابتی است؛ در نتیجه جای خالی اول با in کامل می‌شود. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل should)، فعل اصلی باید به صورت ساده به کار برود (در این تست do).

۳۵۹۵ نباید این‌قدر نگران باشید. هیچ فایده‌ای ندارد. یا کار را می‌گیرید، یا نمی‌گیرید. اگر کار را نگرفتید، صرفاً برای کار دیگری درخواست دهید.

بعد از فعل should به عنوان یک فعل وجهی، به شکل ساده فعل نیاز داریم و خود should نیز با توجه به مفهوم جمله باید به صورت منفی باشد. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این‌جا، کلمه good به عنوان اسم به کار رفته است و کاربرد قید حالت (well) در جایگاه اسم صحیح نیست.

۲۵۹۶ این کتاب به چنان انگلیسی راحتی نوشته شده است که حتی مبتدیان می‌توانند آن را متوجه شوند.

کلمه جای خالی اول، قبل از اسم (English) به کار رفته، بنابراین در این مورد به صفت (easy) نیاز داریم، نه قید حالت. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل can)، شکل ساده فعل (در این‌جا understand) نیاز است. علاوه بر این، ضمیر مفعولی مناسب برای book به عنوان یک اسم مفرد غیرانسان، it می‌باشد، نه them.

۳۵۹۷ احمق نباش؛ در قرن هفدهم هیچ تلفنی وجود نداشت! تلفن در دهه ۱۸۷۰ اختراع شد.

هم‌قبل از قرن‌ها و هم‌قبل از دهه‌ها، از in به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود.

۳۵۹۸ پرواز ید از آمستردام بیش از ۱۱ ساعت طول کشید. او باید بعد از پروازی این‌قدر طولانی خسته باشد.

در صورتی‌که بر مبنای علائم و نشانه‌های موجود، در مورد زمان حال و آینده حدسی قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تقریباً مطمئن باشیم، برای اشاره به این حدس از must استفاده می‌کنیم. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل must و may)، به شکل ساده فعل (در این تست be) نیاز داریم. علاوه بر این، بعد از فعل to be به عنوان یک فعل ربطی، به صفت (tired) نیاز است.

گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که **person** (شخص) اسم است و قبل از آن به صفت نیاز داریم. با توجه به این‌که **friendly** (صمیمی؛ دوستانه) صفت است، اما **friend** (دوست) اسم می‌باشد، در بین دو گزینه ذکرشده، فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۴۶۰۷ وقتی بیل زنگ زد، مایک پشت میزش در دفتر کارش در سر کار نشسته بود؛ بیل برای تجارت در آسیا بود.

برای اشاره به این‌که شخص پشت میز نشسته است، از **at** استفاده می‌شود. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. با توجه به این‌که حرف اضافه مورد استفاده برای قاره‌ها (مثل **Asia**)، **in** است، گزینه (۴) صحیح می‌باشد.

۴۶۰۸ مادرم همیشه به من می‌گفت که باید هر ماه در بانک پول بگذارم تا در شرایط اضطراری پول کافی داشته باشم.

حرف اضافه مناسب برای **bank** در معنی ذکر شده در این تست، **in** می‌باشد، نه **on**. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینه‌های (۲) و (۳) می‌توانند صحیح باشند. البته گزینه (۲) نیز از نظر ترتیب اجزای جمله دارای ساختار صحیحی نیست و فقط گزینه (۳) می‌تواند این جمله را کامل کند.

۴۶۰۹ شما می‌توانید از بیرون این موزه عکس بگیرید، اما نمی‌توانید از نمایشگاه‌های داخل عکس بگیرید.

هم از فعل وجهی **may** و هم از فعل وجهی **can** می‌توان برای ارائه کردن مجوز و همین‌طور اجازه گرفتن استفاده کرد. اما با توجه به این‌که در وسط جمله **but** مورد استفاده قرار گرفته است، باید یکی از این دو فعل وجهی مثبت باشد و دیگری منفی. در بین گزینه‌ها، فقط گزینه (۱) به این صورت است و به جمله معنی منطقی می‌دهد.

متن کلوز ۱

پرسپولیس، پایتخت باستانی دومین سلسله ایرانی، امپراطوری هخامنشی بود. ایرانیان باستان آن را پارسا می‌نامیدند، به معنی شهر ایرانیان. پرسپولیس ترجمه یونانی این نام است. در ایران مدرن، این شهر به عنوان تخت جمشید (تاج و تخت جمشید) شناخته می‌شود. بزرگ‌ترین ساختمان در پرسپولیس، کاخ آپادانا با ۷۲ ستون است. کاخ تچر که توسط داریوش اول بنا شد نیز ساختمان مهمی است. [بنای] کاخ هدیش در پرسپولیس توسط خشایارشا آغاز شد و توسط پسرش اردشیر یکم به پایان رسید. پرسپولیس محل میراث جهانی یونسکو است.

۴۶۱۰ (۱) حل کردن (۲) نامیدن؛ صدا کردن

(۳) خلق کردن؛ ایجاد کردن (۴) قطعه‌ای را از حفظ خواندن

۴۶۱۱ (۱) ترجمه (۲) تحقیق، پژوهش

(۳) وضع، موقعیت، شرایط (۴) مشاهده

۴۶۱۲ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد **the** قبل از جای خالی، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینه (۴) آمده است. دقت کنید که **largest** صفت است و در انگلیسی صفت قبل از اسم (در این‌جا **building**) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴۶۱۳ در این تست نیز با توجه به این‌که **building** (ساختمان) اسم است، قبل از آن به صفت (در این تست **important**) نیاز داریم. علاوه بر این، به دلیل مفرد و قابل شمارش بودن **building**، برای آن از حرف تعریف **a / an** استفاده می‌شود.

۴۶۱۴

(۱) حرکت کردن؛ حرکت دادن

(۲) جذب کردن؛ جلب کردن

(۳) تمام کردن؛ تمام شدن

(۴) آماده کردن؛ مهیا کردن

متن کلوز ۲

اردو زدن یک فعالیت تفریحی است، معمولاً در طول تابستان وقتی که بچه‌های مدرسه در تعطیلات هستند. مردم در هنگام اردو زدن خانه‌هایشان را ترک می‌کنند و یک یا چند شب را در فضای باز می‌گذرانند. آن‌ها معمولاً طبیعت را کاوش می‌کنند، ماجراجویی می‌کنند یا محیط متاوتی را تجربه می‌کنند. آن‌ها ممکن است در کاروان، چادر یا در هوای خوب، در فضای باز بخوابند. اردوهای زمستانی کمتر متداول هستند، اما در بعضی از بخش‌های جهان، چادرها در تمام طول سال خانه انسان‌ها هستند. افراد ثروتمند در اوایل قرن بیستم شروع به چادر زدن کردند. وقتی افراد بیشتری از پس هزینه‌های آن برآمدند، افراد بسیار بیشتری آن [کار] را انجام دادند. معمولاً افراد در هنگام اردو زدن، غذایی را برای خوردن آماده می‌کنند که درست کردن آن راحت است. اگر آن‌ها شکار یا ماهی‌گیری کنند، ممکن است حیوان یا ماهی‌ای را که گرفته‌اند بر روی آتش بپزند.

۴۶۱۵ (۱) رفتار کردن

(۲) ترک کردن؛ رها کردن

(۳) تحقیق کردن، پژوهش کردن

(۴) [وقت] صرف کردن، گذراندن؛ [پول] خرج کردن

۴۶۱۶ از **may** و **might** برای اشاره به احتمال انجام یک عمل در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و فعل بعد از آن‌ها در هر صورت به شکل ساده خواهد بود.

۴۶۱۷ (۱) نوع؛ گونه (۲) نیم، نصف

(۳) علامت؛ نشانه (۴) قسمت، بخش

۴۶۱۸ **in** حرف اضافه مناسب برای اشاره به قرن‌ها و همچنین بخشی از قرن‌ها می‌باشد.

۴۶۱۹ (۱) آماده کردن؛ مهیا کردن

(۲) انداختن

(۳) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن

(۴) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ رشد یافتن

متن کلوز ۳

چین جمعیت بزرگ بیش از ۱/۳ میلیارد نفری دارد در حالی که دو سوم [آن‌ها] در شرق چین زندگی می‌کنند. برای هزاران سال، امپراتورهای قدرتمند بر چین حکمرانی می‌کردند. در طول این مدت، تمدن چین بسیار پیشرفته بود، اما بیش‌تر جمعیت در فقر زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۴۹، بعد از یک انقلاب کمونیستی، جمهوری خلق چین تأسیس شد. غذا، آموزش و مراقبت‌های درمانی برای افراد بیش‌تری موجود شد، اما هم‌چنین از دست رفتن آزادی وجود داشت. امروزه، مردم چین آزادی بیش‌تری دارند، اما هنوز دولت، کنترل سختی بر زندگی آن‌ها دارد. از سال ۱۹۴۹، تایوان در مورد آن‌که چه‌کسی بر جزیره کوهستانی تایوان حکومت کند، با چین در کشمکش برده است.

شما همیشه قبل از این که چادر بزنید، باید مطمئن شوید از صاحب زمینی که می‌خواهید روی آن چادر بزنید، مجوز دارید. سپس، مهم است که محل مناسب را انتخاب کنید؛ [یعنی] دور از لب پرتگاه‌ها یا محل‌های نرم مرطوب [باشد] و زیر [شاخه‌های] درخت‌ها نباشد (ممکن است شاخه‌ها [درخت] بیفتند و اگر باران ببارد، آب روی چادر شما خواهد ریخت). در صورت امکان، زمین مسطحی را انتخاب کنید. مطمئن شوید [که] آب شیرین آشامیدنی در دسترس دارید، [چون‌که] شاید لازم باشد بعداً از آن استفاده کنید.

۳۶۳۰ طبق متن، اردو زدن

(۱) توسط افرادی انجام می‌شود که در حومه شهر زندگی می‌کنند

(۲) روش جذب توریست است

(۳) فعالیتی جهانی است

(۴) به‌طور خاص برای افرادی است که نزد پیش‌آهنگ‌ها هستند

۳۶۳۱ کلمه "one" در سطر ۴ به "tent" اشاره دارد.

(۱) توریست، جهانگرد (۲) چادر، خیمه

(۳) جا، محل (اردوگاه = campsite) (۴) کشور

۳۶۳۲ کدام یک از موارد زیر تمرکز اصلی پاراگراف ۲ را به بهترین شکل نشان می‌دهد؟

(۱) آشپزی (۲) سازمان‌ها

(۳) سرگرمی، مایه سرگرمی (۴) مهارت‌ها

۳۶۳۳ طبق متن،

(۱) برپا کردن چادر زیر درخت عاقلانه نیست

(۲) چادر زدن نزدیک دریا یک رویداد نادر است

(۳) لب پرتگاه‌ها برای تماشا عالی هستند

(۴) بیشتر صاحبان زمین‌ها از این‌که اجازه دهند مردم در زمین‌هایشان اردو بزنند لذت می‌برند

۳۶۳۴ پاراگراف ۳ در نظر دارد تا به خواننده اطلاعاتی بدهد در مورد [این‌که]

(۱) قبل از اردو رفتن با چه کسی تماس بگیرید

(۲) در جریان وضع فوق‌العاده چه کار کنیم

(۳) کجا اردو بزنیم

(۴) در سفر اردو زنی همراه خودتان چه چیزی ببرید

متن ۲

ممکن است عکس‌هایی را از سه هرم جیزه در مصر دیده باشید. متخصصان بر این باورند که این اهرم برای فراعین یا پادشاهان مصری باستان درست شدند. این اهرام به عنوان مقبره‌هایی عظیم و استادانه عمل می‌کردند. ساختن بناهایی آن‌قدر بزرگ و سنگین را بدون تجهیزات ساخت و ساز مدرن، تصور کنید! هرم بزرگ خوفو، بزرگ‌ترین [هرم در بین] سه هرم جیزه است. هرم بزرگ از بیش از ۲ میلیون قطعه سنگ درست شده بود. بیش‌تر سنگ‌ها هر کدام ۲/۵ تن وزن داشتند. شگفت‌انگیز است که تمامی این قطعه‌ها این‌قدر ماهرانه در کنار هم قرار گرفتند.

۳۶۲۰ با توجه به مفهوم جمله، هم thousand و هم year به صورت جمع مدنظر هستند که شکل مناسب آن‌ها در گزینه (۳) آمده است.

۳۶۲۱ (۱) یا (۲) سپس، بعد (۳) اگر (۴) اما، ولی

۳۶۲۲ in حرف اضافه مناسب برای سال‌ها است.

۳۶۲۳ (۱) شدن (۲) درست کردن؛ باعث ... شدن

(۳) گرفتن؛ بردن (۴) رفتن

۳۶۲۴ با توجه به وجود رابطه مالکیت بین کلمه جای خالی و اسم پس از آن، در جای خالی به صفت ملکی نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط their صفت ملکی است.

متن کلوز ۴

برج ایفل از شام‌دومارس - یک فضای باز در غرب پاریس - سر بر آورده است. آن [برج] توسط مهندس فرانسوی الکساندر گوستاو ایفل، که تا آن زمان به دلیل احداث پل‌هایش در فرانسه و چندین کشور خارجی معروف بود، برای نمایشگاه سال ۱۸۸۹ پاریس ساخته شد. این برج از تیرهای فولادی به وزن تقریبی ۷۰۰۰ تن ساخته شده است. ارتفاع آن از پایه بنا ۳۲۲ متر است، که شامل یک فضای تلویزیونی ۱۷ متری می‌باشد. آن [برج] برای گردشگرانی که در پی چشم‌انداز هوایی از پاریس هستند، محل جذابی برای بازدید است، و علاوه بر این، به عنوان یک ایستگاه مهم رادیویی و تلویزیونی و دفتری برای بررسی شرایط آب و هوایی به کار می‌رود. هم‌چنین در طبقه دوم [آن] رستورانی وجود دارد.

۳۶۲۵ (۱) مشهور، معروف (۲) اخیر، جدید

(۳) سنتی؛ قدیمی (۴) داخلی، وطنی؛ خانوادگی

۳۶۲۶ حرف اضافه مناسب برای کشورها (مثل France)، in می‌باشد.

۳۶۲۷ (۱) خلق کردن؛ ایجاد کردن (۲) شامل ... بودن

(۳) حرکت کردن؛ حرکت دادن (۴) وصل کردن، متصل کردن

۳۶۲۸ (۱) خارجی، بیگانه (۲) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

(۳) جذاب؛ جالب (۴) ناگهانی

۳۶۲۹ از there is برای اشاره به «وجود داشتن و بودن» برای اسامی مفرد استفاده می‌شود.

متن ۱

اردو زدن یک سرگرمی در فضای باز است که مردم سرتاسر جهان از آن لذت می‌برند. آن، یک روش عالی برای گشتن طبیعت است. بسیاری از افراد، اردو زدن را نزد سازمانی مثل پیش‌آهنگ‌ها یاد می‌گیرند. سایرین ممکن است اولین تجربه اردو زدنشان را در تعطیلات اردو زنی در کوهستان‌ها یا کنار دریا کسب کنند. در بسیاری از کشورها، برای توریست‌ها، اردوگاه‌های ویژه‌ای وجود دارد، بنابراین شما همیشه مجبور نیستید با خودتان چادر حمل کنید. ممکن است اردوگاه، یکی [از آن‌ها را] در اختیار [تان] بگذارد.

با وجود این، یاد گرفتن مهارت‌های مقدماتی اردو زدن، مایه سرگرمی است: [این‌که] چه‌طور چادر را برپا کنید (بزنید)، چه‌طور برای آشپزی آتش درست کنید، چه‌طور کوله‌پشتی را ببندید، چه‌طور چادر خودتان را تمیز و مرتب نگه دارید، و [این‌که] چه‌طور چادر را پایین بیاورید (جمع کنید). سازمان‌های اردو زنی می‌توانند کمک و مشاوره‌های بسیاری ارائه کنند، [و در این زمینه] کتاب‌های مفید زیادی برای خواندن هست.

مطمئن شوید [که] خانواده‌تان ایمن هستند، در صندلی عقب، برای بچه‌ها از کمر بند ایمنی و صندلی ایمنی کودک استفاده کنید؛ ثابت شده است [که] اگر در جاده به مشکلی برخوردید، آن‌ها بچه‌ها را ایمن نگه می‌دارند. اگر برنامه دارید که برای اردو زنی بروید، به یاد داشته باشید که همراه ملزومات، یک جعبه کمک‌های اولیه ببرید.

اگر به محلی می‌روید که توسط یک دوست یا از [طریق] سایر منابع اطلاعاتی پیشنهاد شده، و مطمئن نیستید چه‌طور به آن‌جا برسید، یک نقشه منطقه جغرافیایی را در دسترس داشته باشید، آن همین‌طور می‌واند پاسخی برای رایج‌ترین سؤال کودک‌تان باشد: «هنوز آن‌جا نرسیده‌ایم؟»

وقتی در یک سفر طولانی هستید، بردن ساندویچ، میوه، [و] بطری‌های آب به میزان کافی برای همه [اعضای] خانواده، مطمئن‌تر است. به یاد داشته باشید که [با خودتان] یک کیسه زباله ببرید تا مجبور نباشید در جاده آشغال بریزید؛ آن همین‌طور [تعداد] توقف‌هایی را که مجبور هستید در طول سفر داشته باشید، کاهش می‌دهد [و از این طریق] توقف‌ها را [فقط] برای استفاده از دستشویی و قدم زدن اختصاص خواهد داد.

۶۳۹ بهترین عنوان برای این متن چیست؟

- (۱) در یک سفر کجا برویم
- (۲) ایده‌های سفر جاده‌ای برای خانواده
- (۳) محافظت در طول سفری طولانی
- (۴) مزیت سفر برای کودکان

۶۴۰ طبق متن، اگر در طول سفر ببینید [که] بچه‌هایتان به جای نگاه کردن به مناظر طبیعی، در ماشین تصویری را نقاشی می‌کنند، شما

- (۱) ممکن است خیلی پرتنش شوید
- (۲) نباید متعجب شوید
- (۳) باید اتومبیل را متوقف کنید تا آن‌ها بتوانند آرام شوند
- (۴) باید تلاش کنید آن‌ها را در فعالیت‌های دیگری درگیر کنید

۶۴۱ به شما توصیه شده است با خودتان یک جعبه کمک‌های اولیه ببرید.

- (۱) اگر برای اردو زنی می‌روید
- (۲) به دلیل این‌که کودکان ممکن است به آسانی بیمار شوند
- (۳) به دلیل این‌که جاده‌ها به‌طور کامل ایمن نیستند
- (۴) برای کمک به آن‌هایی که ممکن است در تصادفات رانندگی مجروح شوند

۶۴۲ طبق متن، سؤال «هنوز آن‌جا نرسیده‌ایم؟» همانی است که

- (۱) مردم وقتی می‌پرسند که راهشان را گم می‌کنند
- (۲) علاقه زیاد بچه‌ها به سفر را نشان می‌دهد
- (۳) بچه‌ها در مسیر [رفتن به] جایی اغلب می‌پرسند
- (۴) نشان می‌دهد بچه‌ها نمی‌توانند برای مدتی طولانی روی یک چیز تمرکز کنند

۶۴۳ طبق متن، شما در سفری طولانی

- (۱) به اندازه سفری کوتاه امن نیستید
- (۲) نمی‌توانید هیچ کار خاصی بکنید تا تعداد [دفعات] توقف را کاهش دهید
- (۳) ممکن نیست رستوران‌های زیادی را در مسیر پیدا کنید
- (۴) نباید چیزهای به درد نخور را در جاده بریزید

یک چیز همواره باستان‌شناسان را متحیر کرده است. مصریان باستان چگونه قطعات [سنگ] را جابه‌جا می‌کردند؟ نظرات متفاوت هستند. بسیاری از متخصصان فکر می‌کنند قطعات [سنگ] با رمپ و سورتمه جابه‌جا می‌شدند. با این حال، هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند.

بریدن قطعات [سنگ] به کارگران زیادی نیاز داشت. جابه‌جا کردن آن‌ها به کارگران بسیار بیشتری نیاز داشت. حتی مردان بیشتری نیاز بودند تا قطعات را بر روی هرم قرار دهند. باستان‌شناسان تخمین می‌زنند که بیش از ۲۰۰۰۰ مرد بر روی هرم بزرگ کار می‌کردند. ساختن هرم سال‌ها طول کشید. امروزه، هنوز بازدیدکنندگان برای تحسین این بنای شگفت‌انگیز می‌آیند. اهرام چیزه یکی از «هفت عجایب دنیای باستان» را تشکیل می‌دهند. آن تنها عجایب دنیای باستان است که امروزه هنوز وجود دارد.

۶۳۵ مصریان باستان چگونه اهرام را بنا کردند؟

- (۱) با استفاده از رمپ و سورتمه
- (۲) با استفاده از جرثقیل‌های غول‌پیکر ساخت و ساز
- (۳) هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند
- (۴) با استفاده از هزاران شتر

۶۳۶ هدف این متن است.

- (۱) ارائه اطلاعات
- (۲) سرگرم کردن خوانندگان
- (۳) تغییر تاریخ
- (۴) فراهم کردن سرگرمی

۶۳۷ طبق این متن، چرا اهرام یکی از «عجایب هفت‌گانه دنیای باستان» هستند؟

- (۱) آن‌ها بزرگ‌ترین چیزهایی هستند که تاکنون توسط انسان‌ها ساخته شده‌اند.
- (۲) آن‌ها بناهایی شگفت‌انگیز هستند و مشخص نیست چه‌طور بنا شدند.
- (۳) هفت هرم وجود داشت و فراعین جهان را کنترل می‌کردند.
- (۴) آن‌ها در بین اولین هفت ساختمانی بودند که تا آن زمان بنا شده بودند.

۶۳۸ این متن عمدتاً در مورد می‌باشد.

- (۱) [این‌که] چرا اهرام در مصر واقع شده بودند
- (۲) اهرام و این‌که احتمالاً آن‌ها چه‌طور بنا شده بودند
- (۳) [این‌که] چرا بعضی از افراد فکر می‌کنند موجودات فضایی به ساختن اهرام کمک کردند
- (۴) [این‌که] مصریان باستان چگونه فراعین خودشان را در اهرام دفن می‌کردند

متن ۳

محلی را که می‌خواهید بروید به نحوی انتخاب کنید که همه [اعضای] خانواده [از آن] لذت ببرند. بچه‌ها علاقه [شان] را خیلی زودتر از بزرگسالان از دست می‌دهند، بنابراین هنگام انتخاب، بچه‌هایتان را در نظر داشته باشید و مطمئن شوید فعالیت‌هایی وجود دارد که آن‌ها را سرگرم و علاقه‌مند نگه خواهد داشت. اگر آماده نباشید تا از پس مدت زمان توجه کوتاه بچه‌ها بر بیایید، رفتن به سفر جاده‌ای طولانی با بچه‌هایتان می‌تواند تنش‌زا باشد. [با خودتان] کتاب‌های رنگی، اسباب‌بازی، بازی‌های کامپیوتری، سی‌دی‌هایی که دارای صوت برای بچه‌ها هستند، غذا و آب [به میزانی] که برای سفر کافی باشد و بقیه چیزهایی را که برای خانواده‌تان واجب خواهید دانست، ببرید.

(۱) به احتمال زیاد، گردشگران تصمیم خواهند گرفت در فستیوال زمستانی شرکت نکنند.

(۲) ممکن است دما در هاربین کاهش یابد.

(۳) ممکن است گردشگران، روی یخ لیز بخورند.

(۴) ممکن است سازندگان، مجسمه‌های یخی را بشکنند.

۲۶۴۸ بر مبنای متن، چرا نویسنده هاربین را «شهر یخی» می‌نامد؟

(۱) در هاربین برف و یخ زیادی وجود دارد.

(۲) مردم برای فستیوال زمستانی در هاربین مجسمه‌های برفی زیادی درست می‌کنند.

(۳) در هاربین یخ زیادی در تمام طول سال فروخته می‌شود.

(۴) مردم در هاربین در ساختمان‌هایی زندگی و کار می‌کنند که از یخ درست شده‌اند.

متن ۵

در گذشته، تعطیلات سنتی بریتانیایی یک هفته در ساحل دریا بود؛ یا در بریتانیا یا جایی با آب و هوای قابل‌انکاتر مثل دریای مدیترانه. اما اخیراً گردشگران دنبال تجربه تعطیلات متفاوتی می‌گردند. توریست‌ها که شاید از مستندهای حیات وحش در تلویزیون الهام گرفته‌اند، برای تعطیلات سیاحت اکتشافی و اردوهای بوته‌زارها، به مکان‌هایی مثل کنیا و آفریقای جنوبی هجوم برده‌اند. علاقه به چین نیز رو به رشد بوده است. از بازی‌های المپیک ۲۰۰۸، حدود نیم میلیون توریست بریتانیایی در قالب تورهای فرهنگی از چین دیدن کرده‌اند. در عین حال، شرکت‌های [برگزاری] تور، بسته سنتی تعطیلات را با تحول جدیدی ارتقا داده‌اند تا مشتریان بیشتری را جلب کنند؛ اما با نتایج دوگانه. یک اپراتور تعطیلات، تمام جاهای تعطیلات آب گرمش را برای این فصل در اسپانیا پر کرده است، اما آن‌ها فقط نیمی از تفریحات لوکس موجود خودشان در مصر را فروخته‌اند.

یکی از قابل توجه‌ترین تغییرات این است که نسل پیرتر گردشگران بریتانیایی متفاوت با هر زمان دیگری در گذشته سفر کرده است. در سه سال اخیر تعداد گردشگران بالای ۶۰ سال، دو برابر شده است. مقصدهای سفرهای دریایی در دریای کارائیب یا حتی قطب جنوب، دیگر مختص ماجراجویان جوان نیستند.

۲۶۴۹ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

(۱) سنت و مدرنیته (۲) توریسم رو به رشد در بریتانیا

(۳) تغییری در یک الگوی سنتی (۴) نسل پیرتر گردشگران بریتانیایی

۲۶۵۰ تمام موارد زیر به عنوان محل‌هایی ذکر شده‌اند که از گذشته توجه

بیش‌تری را برای گردشگران بریتانیایی جلب کرده‌اند، به جز

(۱) چین (۲) مصر (۳) کنیا (۴) آفریقای جنوبی

۱۶۵۱ کدام یک از موارد زیر را به بهترین شکل می‌توان از متن برداشت کرد؟

(۱) بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ در یک کشور آسیای شرقی برگزار شدند.

(۲) مردم بریتانیا به بازی‌های ورزشی بسیار بیشتر از فرهنگ علاقه‌مند هستند.

(۳) بیشتر مردم بریتانیا برای شنا در دریا یا گذراندن وقت در ساحل دریا، به خارج می‌روند.

(۴) عادات نسل پیرتر در بریتانیا، سالم‌تر از عادات نسل جوان بود.

۲۶۵۲ طبق متن، در گذشته قطب جنوب برای جذابیت زیادی نداشت.

(۱) گردشگران جوان بریتانیایی

(۲) مردم نسل پیرتر در بریتانیا

(۳) آن‌هایی که درگیر سازمان‌دهی مقاصد گردشگری بودند

(۴) مردمی که در کشورهای اروپایی به جز بریتانیا زندگی می‌کنند

به شهر یخی خوش آمدیدا با آغاز ژانویه، شهر هاربین در شمال شرقی چین به سرزمین عجایب زمستانی تبدیل می‌شود یا تغییر می‌کند. فستیوال یخ یک جاذبه توریستی محبوب است. آن به مدت ۳۳ سال توده‌های مردم را جلب کرده است. سازمان‌دهندگان [فستیوال] انتظار دارند [که] امسال میلیون‌ها بازدیدکننده به پارک‌های شهر سرازیر شوند. آن‌ها صدها مجسمه برفی و چند ساختمان خیلی بزرگ ساخته شده با آجرهای یخی را خواهند دید. هاربین سردترین شهر در چین است. دمای این شهر برای بیش از شش ماه از سال زیر انجماد است. (نقطه انجماد آب ۳۲ درجه فارنهایت است.) در هاربین دما می‌تواند به زیر صفر [درجه فارنهایت] کاهش یابد. آن [شرایط] به مردم آن‌جا یک فرصت یا شانس عالی ارائه می‌کند تا با مقدار زیادی برف و یخ، ساخت و ساز انجام دهند. در واقع، آن‌ها از برف و یخ کافی استفاده می‌کنند که [می‌تواند] ۹۰ استخر بزرگ شنا را پر کند!

در [ماه] دسامبر، ۳۰۰۰ کارگر شروع به ساختن پارک تفریحی زمستانی کردند. آن‌ها از یخ، قصرهایی بزرگ، اژدهاهایی صمیخی، سرسره‌های لیز و حتی رستوران‌های فعال را تراشیدند. بعضی از ساختمان‌ها و مجسمه‌ها نورهای رنگی دارند که در شب، روشن می‌شوند.

بسیاری از مجسمه‌های یخی توسط تیم‌هایی از هنرمندان از سرتاسر جهان ساخته می‌شوند. هنگامی که بازدیدکنندگان برای دیدن ساخته‌ها می‌آیند، باید مراقب راه رفتن خودشان باشند. نه تنها ساختمان‌ها از یخ ساخته شده‌اند، بلکه هم چنین تعداد بسیاری از گذرگاه‌ها و نرده‌ها نیز [از یخ درست شده‌اند]!

۲۶۴۴ با آغاز ژانویه، شهر هاربین به سرزمین عجایب زمستانی تبدیل

می‌شود. این [موضوع] چه تأثیری دارد؟

(۱) شهر هاربین، پول زیادی را از دست می‌دهد.

(۲) مردمی که در هاربین زندگی می‌کنند، این شهر را ترک می‌کنند.

(۳) میلیون‌ها توریست از این شهر دیدن می‌کنند.

(۴) میلیون‌ها نفر، شروع به ساختن مجسمه‌های یخی می‌کنند.

۲۶۴۵ کلمه "they" در پاراگراف اول به "visitors" اشاره دارد.

(۱) سازمان‌دهندگان (۲) بازدیدکنندگان

(۳) پارک‌ها (۴) مجسمه‌ها

۲۶۴۶ بر مبنای متن، ممکن است چه چیزی باعث شود تا مردم صدها مجسمه برفی و ساختمان‌های یخی خیلی بزرگ را در هاربین بسازند؟

(۱) آن‌ها می‌خواهند آب شدن این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی را در ماه‌های گرم‌تر ببینند.

(۲) آن‌ها می‌خواهند این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی را به شهرهای دیگر در چین بفروشند.

(۳) آن‌ها می‌خواهند از این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی، استفاده کنند تا مانع بازدید توریست‌ها از هاربین شوند.

(۴) آن‌ها می‌دانند این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی میلیون‌ها توریست را جلب خواهند کرد.

۳۶۴۷ طبق متن، نه تنها ساختمان‌ها برای فستیوال زمستانی از یخ درست شده‌اند، بلکه هم چنین بسیاری از گذرگاه‌ها و نرده‌ها نیز [از یخ ساخته شده‌اند]. متن اشاره می‌کند [که] این ممکن است چه تأثیری داشته باشد؟

متن

هر کسی حداقل گاهی اوقات توریست است. اما «توریست خوب» بودن می تواند به کمی تمرین نیاز داشته باشد. در حالی که بسیاری از توریست ها ممکن است همین حالا [هم] عادات مسافرتی خوبی داشته باشند، همه ما احتمالاً آن توریست هایی را دیده ایم که هنگام مسافرت صبر و حسن نیت افراد محلی را آزمایش می کنند. توریست خوب بودن واقعاً آن قدر سخت نیست. در واقع، با پیروی کردن از چند قانون ساده، توریست ها می توانند هم تجربه خودشان، و هم تجربه مردم در حال زندگی در مناطقی که از آن ها بازدید می کنند را تجربه ای خوشایند کنند. مانع عبور و مرور نشوید. این بزرگ ترین گلایه توسط افراد بومی منطقه ای است که پر از توریست می شود. اگر شما نمی دانید [که] کجا می روید، به طور ناگهانی در انتهای پله برقی نایستید، که [با این کار] باعث توده انسانی می شوید. به راه رفتن ادامه دهید، از جریان عبور و مرور خارج شوید، و سپس معین کنید [باید] به کدام مسیر بروید. حتی بهتر [است] قبل از این که سوار هر وسیله نقلیه عمومی شوید یا [از آن] پیاده شوید، معین کنید کجا می روید. همه ما مجبوریم حمل و نقل عمومی را با هم سوار شویم، بنابراین لطفاً به یاد داشته باشید که بسیاری از افراد عجله دارند تا به سر کار برسند.

صدايتان را پايين نگه داريد. شما ممکن است هیجان زده باشید یا حتی استرس داشته باشید، اما مکان های مشخصی، مانند معابد یا موزه ها، وجود دارند که شما باید سعی کنید آرام صحبت کنید. هیچ کس دیگری نمی خواهد [صدای] مکالمه تلفن همراه شما یا برنامه روزانه تان را بشنود. به افراد دوروبرتان توجه کنید، و سعی کنید به فضایی که [با بقیه] سهمیه هستید احترام بگذارید. به فرهنگ و محیط زیست احترام بگذارید. از افراد محلی درباره این که چه چیزی رفتار مناسب است و چه چیزی [رفتار مناسب] نیست الگو بگیرید. اگر نمی بینید [که] افراد محلی گل ها را بچینند یا لباس خاصی بپوشند، پس شاید برای شما هم قابل قبول نباشد که آن را انجام دهید. مطمئن شوید درباره این چیزها قبل از برنامه ریزی برای سفرتان تحقیق کرده اید.

۲۶۵۳ طبق متن، یاد گرفتن توریست خوب بودن

- ۱) صبر مردم محلی را آزمایش می کند. ۲) در واقع آن قدر سخت نیست
۳) نشانه حسن نیت است ۴) به تمرین زیادی نیاز دارد

۲۶۵۴ در پاراگراف ۲، "dead in your tracks" (به طور ناگهانی ایستادن) به چه معنی است؟

- ۱) ترسیده از پایین رفتن از پله برقی
۲) هل دادن مردم برای رفتن در کنار آن ها
۳) باعث توده انسانی شدن
۴) ایستادن در جایی بدون حرکت کردن

۲۶۵۵ می توانیم از قاعده ذکر شده در پاراگراف آخر برداشت کنیم که

- ۱) در بیشتر محل ها، برای مردم محلی، چیدن گل ها مشکلی ندارد، اما نه [برای] توریست ها
۲) اگر مردم محلی با شلوار کوتاه دیده نشوند، احتمالاً توریست ها هم نباید [شلوار کوتاه بپوشند]
۳) توریست ها همیشه باید قبل از تصمیم گرفتن برای این که چه لباسی برای پوشیدن قابل قبول است، از مردم محلی سؤال کنند
۴) توریست ها باید تلاش کنند از قبول گل از مردم محلی اجتناب کنند

۲۶۵۶ هدف اصلی نویسنده از نوشتن این متن چیست؟

- ۱) تا توریست ها را مجبور کند وقتی سفر می کنند آرام تر صحبت کنند
۲) تا توریست ها را مجبور کند سفرشان را بهتر برنامه ریزی کنند
۳) تا مردم محلی را آموزش دهد چه طور توریست های خوبی پیدا کنند
۴) تا چند قاعده ساده را برای توریست خوب بودن آموزش دهد

۲۶۵۷ علی ماشینش را جلوی شیر آتش نشانی پارک می کند، هر چند می داند که نباید [این کار را بکند].

با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم به اجبار به عدم انجام کاری در زمان حال و آینده نیاز داریم. در بین گزینه های این تست، فقط shouldn't می تواند در این معنی به کار رود.

۲۶۵۸ سوفی چند سال در اسپانیا زندگی کرد. او اسپانیایی را روان حرف می زند و فرهنگ [آن جا] را خیلی خوب می شناسد.

با توجه به این که در هر دو جای خالی، کلمه مورد استفاده در مورد فعل اصلی (speaks و knows) اطلاعات بیشتری ارائه می دهد، در هر دو مورد به قید حالت نیاز داریم. در گزینه (۳)، هر دو مورد قید حالت هستند.

۲۶۵۹ باید قبل از این که دستگاه را روشن کنید دستورالعمل را با دقت بخوانید، در غیر این صورت ممکن است خطرناک باشد.

از must در جای خالی اول برای بیان «اجبار و ضرورت» و از might برای بیان «احتمال» در زمان حال و آینده استفاده شده است.

۲۶۶۰ در سال ۱۶۶۶، آتش سوزی بزرگ لندن در یک ثانوی در دوم سپتامبر در اوایل صبح آغاز گردید.

قبل از سال ها (مثل سال ۱۶۶۶) و همین طور بخش های اصلی روز (یعنی afternoon, morning و evening) از in به عنوان حرف اضافه استفاده می شود. دقت کنید که قبل از تاریخ های کامل (مثل September 2nd)، حرف اضافه مناسب on خواهد بود.

۲۶۶۱ از آن جایی که سخت باران می بارید، ترافیک بسیار سنگین بود، بنابراین با دو ساعت تأخیر به مقصد رسیدیم.

مقصد؛ هدف ۲) کشش، جذب؛ جاذبه
۳) مشاهده ۴) موقعیت، شرایط

۲۶۶۲ با او کاملاً روراست نبودم، اما در واقع به او هیچ دروغی [هم] نگفتم.

صادق، روراست ۲) صبور
۳) واقعی ۴) مناسب؛ شایسته

۲۶۶۳ در حالی که بین این دو فرهنگ شباهت هایی وجود دارد، هم چنین [بین آن ها] اختلافات بزرگی وجود دارد.

حقیقت، واقعیت ۲) پرواز؛ ردیف پله ها
۳) حدود، محدوده؛ طیف ۴) مقایسه؛ فرق، اختلاف

۲۶۶۴ اگر به سوپرمارکت نروم، قادر نخواهم بود امروز عصر هیچ چیزی برای خوردن آماده کنم.

- ۱) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ رشد یافتن
۲) حل کردن
۳) آماده کردن، حاضر کردن؛ حاضر شدن
۴) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس انداز کردن

متن ۱

هزاران سال پیش، فیلسوف یونانی افلاطون درباره شهری به نام آتلانتیس، نوشت که در جایی نزدیک اقیانوس اطلس واقع شده بود. شهری که او توصیف کرد تقریباً کامل بود. مردم در ریاضی، علوم و مهندسی پیشرفته بودند. ساختمان‌ها و باغ‌ها زیبا بودند. فواره‌ها با آب گرم و سرد جریان داشتند، و دیوارهای سنگی با طلا و نقره تزیین شده بودند. افلاطون در مورد سرانجام آتلانتیس [هم] گفت: [که] چطور آن شهر در یک سیل مهیب ویران شد چون مردم آن، خدایان [یونانی] را به درستی پرستش نکردند. از آن زمان به بعد، به دلیل این‌که موقعیت شهر هیچ وقت مشخص نبود، مردم از خود پرسیده‌اند که آیا آتلانتیس واقعاً وجود داشته است. بسیاری در سرتاسر جهان به دنبال شواهدی گشته‌اند، حتی در زیر دریا. بعضی افراد معتقدند آتلانتیس در گذشته در جزیره یونانی سانتورینی واقع شده بود. این جزیره مورد سکونت مینوسی‌ها بود، جامعه‌ای با دانش علمی پیشرفته. سانتورینی در حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد، توسط فوران آتشفشانی متلاشی شد، که می‌تواند توضیحی در مورد نبود هیچ باقیمانده‌ای از شهر باشد. دیگران فکر می‌کنند آتلانتیس در جزیره ایستر در اقیانوس آرام بود چون افلاطون مجسمه‌های بزرگی را مانند آن‌هایی که در آن‌جا یافته شده‌اند توصیف کرد. با این وجود، سایر افراد محل شهر گم‌شده را در کوه‌های بولیوی، در دریای چین، یا در آفریقا تعیین می‌کنند. واقعیت این است که تا به حال هیچ بقایایی از آتلانتیس پیدا نشده است. این باعث شده تا بسیاری از کارشناسان نتیجه بگیرند که آتلانتیس خیالی بود، شهری کامل که تنها در ذهن افلاطون وجود داشت.

۳۶۷۴ پاراگراف ۱ عمدتاً به می‌پردازد.

(۱) تخریب آتلانتیس

(۲) فیلسوف یونانی افلاطون

(۳) توصیف افلاطون از آتلانتیس

(۴) موقعیت احتمالی آتلانتیس

۳۶۷۵ افلاطون، سرنوشت آتلانتیس را چگونه توصیف کرد؟

(۱) آن توسط یک سیل تخریب شد.

(۲) آن توسط یک فوران آتشفشانی متلاشی شد.

(۳) آن به اعماق دریا غرق شد.

(۴) آن توسط خدایان [یونانی] خشمگین ویران شد.

۳۶۷۶ کدام جزئیات [متن] این ایده را به بهترین شکل تقویت می‌کند که

آتلانتیس، هرگز وجود نداشت؟

(۱) مردم فکر می‌کنند، آن در محل‌های بسیار متفاوتی بود.

(۲) افلاطون نوشت که آن شهر کامل بود.

(۳) مردم آن شهر در ریاضی، علوم و مهندسی پیشرفته بودند.

(۴) هرگز هیچ بقایایی از این شهر یافت نشده است.

۳۶۷۷ کدام جمله، در آخر متن منطقی‌ترین [جمله] خواهد بود؟

(۱) شاید عکس‌های ماهواره‌ای مدرن، آتلانتیس را در آینده بیابند.

(۲) ما ممکن است هرگز متوجه نشویم که آیا آتلانتیس واقعی بود یا خیالی.

(۳) افلاطون به فیلسوف بزرگ یونانی، ارسطو، تعلیم داد.

(۴) داستان‌های بسیاری در مورد شهر گم‌شده آتلانتیس می‌گویند.

۳۶۶۵ ناحیه بزرگی از خشکی که در آن هوا همیشه خیلی خشک است، گیاهان کمی وجود دارد، و مقدار زیادی شن یا سنگ وجود دارد، بیابان نامیده می‌شود.

(۱) حدود، محدوده؛ طیف (۲) دشت

(۳) بیابان، صحرا، کویر (۴) جنگل

۳۶۶۶ تام و مری میزبانان بسیار سخاوتمندی بودند و باعث شدند احساس کنیم در خانه‌شان درست در خانه [خودمان] هستیم.

(۱) داخلی، وطنی؛ خانوادگی (۲) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

(۳) خوشبخت، سعادتمند (۴) پرانرژی

۳۶۶۷ این ساختمان قدیمی یکی از جاذبه‌های گردشگری اصلی این شهر است.

(۱) آزمایش (۲) کشش، جذب؛ جاذبه

(۳) الزام، وظیفه؛ اجبار (۴) سرگرمی، تفریح

◀ جاذبه گردشگری: tourist attraction

۳۶۶۸ فکر کنم تجارتان را با یکدیگر دقیقاً دو سال قبل آغاز کردیم.

(۱) دقیقاً (۲) اخیراً، به تازگی

(۳) به روشنی، به طور روشنی (۴) بی سروصدا، به آرامی

متن کلوز

دو هزار سال قبل، جهانگردان یونانی و رومی از مکان‌های برجسته بزرگ جهان دیدن می‌کردند، درست همان‌طور که ما امروزه دیدن می‌کنیم. «کارمندان آژانس‌های مسافرتی» باستانی، فهرست‌هایی از چیزهای حیرت‌انگیز را گردآوری می‌کردند که مسافران باید ببینند. این «عجایب» نمونه‌های برجسته از دستاوردهای هنری یا مهندسی بشر بودند. هفت اثر تاریخی که برای کوشش بشر با عمومیت بیشتری فهرست می‌شدند، عجایب هفت‌گانه دنیای باستان نامیده می‌شوند. آن‌ها همگی ویژگی‌هایی داشتند که باعث می‌شدند آن‌ها از بقیه متمایز باشند. بعضی زیباترین مجسمه‌ها بودند، بقیه بزرگ‌ترین ساختمان‌های آن روز [جهان]. امروزه، از بین هفت عجایب، فقط یکی [یعنی] اهرام بزرگ، هنوز قابل دیدن است (وجود دارد).

۳۶۶۹ (۱) نماینده، کارگزار، آژانس (۲) تعطیلات؛ مرخصی

(۳) تجربه (۴) زائر

◀ کارمند آژانس مسافرتی؛ صاحب آژانس مسافرتی: travel agent

۳۶۷۰ ◀ از فعل وجهی should برای بیان توصیه و نصیحت و اجبار ضعیف استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا معنی صحیحی دارد.

۳۶۷۱ (۱) عمیقاً؛ به شدت (۲) به سختی؛ به ندرت

(۳) معمولاً، عموماً (۴) مرتب، منظم؛ ماهرانه

۳۶۷۲ ◀ با توجه به این‌که در این تست ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته، به ضمیر مفعولی (در این مورد them) نیاز داریم. دقت کنید که هر چند در این مورد ضمیر به فاعل جمله (they) اشاره دارد، اما چون بر روی مفعول کاری انجام نشده است، استفاده از ضمیر انعکاسی (در این مورد themselves) صحیح نیست.

۳۶۷۳ (۱) تصویر؛ عکس

(۲) حقیقت، واقعیت

(۳) وسیله، روش، راه؛ پول؛ ثروت

(۴) ساختمان

متن ۲

برج ایفل برای جشن ۱۰۰ سالگی انقلاب [کبیر] فرانسه که در سال ۱۷۸۹ آغاز گردید، بنا شد. برج ایفل کانون نمایشگاه جهانی سال ۱۸۸۹ در پاریس بود. هفتصد نفر طرح‌ها [یشان] را ارائه کردند. با وجود این، تمام داوران آن [طرحی] را انتخاب کردند که توسط گوستاو ایفل تهیه شده بود. کار [ساخت] در سال ۱۸۸۷ آغاز گردید. آن دو سال بعد تمام شد. حدود ۵۰ مهندس، ۱۰۰ کارگر آهن، و ۱۲۰ کارگر بر روی آن کار کردند. ایفل وقتی آن [برج] تمام شد، از آن برای انجام آزمایشات استفاده کرد. او در مورد آب و هوا و پرواز مطالعه کرد. برج ایفل حدود ۱۰۰۰۰ تن وزن دارد. آن از ۱۵۰۰۰ قطعه آهن درست شده است. آن‌ها با ۲/۵ میلیون پرچ به یکدیگر چسبیده‌اند. پوشاندن این [برج] به چهل تن رنگ نیاز دارد! آن هر هفت سال [یکبار] رنگ می‌شود. دما بر روی ارتفاع بنا تأثیر می‌گذارد. آن از ۹۸۴ تا ۹۹۰ فوت متفاوت است. (آن در روزهای گرم بلندتر است.) آن علاوه بر هفت آسانسور، ۱۶۶۵ پله دارد. شهر پاریس صاحب این ساختمان است. آن به عنوان یک برج مخابراتی خدمت می‌کند. آن هم‌چنین برج دیدبانی است. آن ساختمان تاریخی پولی دارای بیشترین بازدیدکننده در زمین است. هر سال میلیون‌ها [نفر] به آن‌جا می‌روند. بازدیدکننده، در یک روز صاف می‌تواند در بالا [ی برج] حدود سی و هفت مایل را ببیند. یک کوهنورد، برج ایفل را پاک کرده است. چترپازان نیز روی آن فرود آمده‌اند. آیا تاکنون به برج ایفل رفته‌اید؟

۴۶۷۸ کدام یک از این واقعیت‌ها به متن مربوط نخواهد بود؟

- (۱) آزمایشات هوا شامل فشارسنج و ابزارهای دیگر بود.
 - (۲) آزمایشات پرواز به هوا و مقاومت باد مربوط می‌شد.
 - (۳) هر سال حدود ۶/۸ میلیون نفر از این برج دیدن می‌کنند.
 - (۴) انقلاب [کبیر] فرانسه منجر به مرگ [عده] زیادی در فرانسه شد.
- ۳۶۷۹ عبارت "focal point" (کانون؛ نقطه مرکزی) در پاراگراف اول به اشاره دارد.

(۱) توریست‌های بین‌المللی

(۲) نوعی ورزش

(۳) چیزی که توجه نگاه انسان را جلب می‌کند

(۴) چیزی که می‌خواهید بخريد

۳۶۸۰ برج ایفل در یک روز گرم تابستانی چه قدر بلندتر از یک روز سرد زمستانی است؟

(۱) ۹۸۴ فوت (۲) ۹۹۰ فوت (۳) ۶ فوت (۴) ۱۶۶۵ فوت

۴۶۸۱ از متن می‌توانید در مورد گوستاو ایفل چه چیزی را برداشت کنید؟ (۱) ایفل متأهل نبود.

(۲) ایفل برج را خیلی خوب طراحی نکرد.

(۳) ایفل مردی با علائق بسیار کم بود.

(۴) ایفل مردی با علائق و توانایی‌های زیاد بود.

۴۶۸۲ خیلی پول نداریم، اما [پول] کافی داریم تا چیزهایی که کاملاً نیاز داریم را بخریم.

(۱) به سختی؛ به ندرت

(۲) صادقانه؛ راستش (را بخواهید)

(۳) تقریباً، حدوداً

(۴) کاملاً، مسلماً

۱۶۸۳ از آن جایی که پاسخی دریافت نکرده‌ام، به فکر فرو رفته‌ام که آیا شاید

نامه‌ام هرگز به شما تحویل داده نشده است.

(۱) دریافت کردن، گرفتن

(۲) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن

(۳) تجربه کردن

(۴) فرار کردن، گریختن؛ نجات یافتن

۱۶۸۴ این مجلات تمام انواع موضوعات محبوب هم‌چون اتومبیل‌رانی،

باغبانی، عکاسی و ورزش را پوشش می‌دهند.

(۱) مثل، مانند، هم‌چون

(۲) حتی اگر

(۳) گذشته از این، علاوه بر این؛ به جز

(۴) به رغم، با وجود

۲۶۸۵ قبل از این‌که تصمیم بگیریم چه کسی را برای مصاحبه دعوت کنیم،

هنوز رزومه داوطلبان را بررسی می‌کنیم.

(۱) فراهم کردن، آماده کردن

(۲) دعوت کردن از

(۳) قیمت‌گذاری کردن؛ بها دادن به

(۴) توضیح دادن، شرح دادن

۲۶۸۶ این گیت یکی از رستوران‌های مورد علاقه من است، تا حدودی به

خاطر غذا، اما عمدتاً به دلیل محیط [آن].

(۱) قیمتی؛ ارزشمند؛ مفید، سودمند

(۲) مورد علاقه، محبوب

(۳) شبیه، مشابه

(۴) خوشبخت، سعادت‌مند

۴۶۸۷ کلاس به چهار تیم تقسیم شد و از هر گروه خواسته شد تا یک رهبر

را انتخاب کنند.

(۱) نگاه‌داشتن؛ برگزار کردن

(۲) امضا کردن

(۳) دادن

(۴) انتخاب کردن، برگزیدن؛ [گل و غیره] چیدن

۱۶۸۸ پدرم به دلیل این‌که در آمریکا بزرگ شده است، انگلیسی را روان

صحبت می‌کند؛ او مثل متکلم بومی حرف می‌زند.

(۱) [سخن گفتن، نوشتن] روان، سلیس، فصیح

(۲) احتمالاً، شاید

(۳) با قدرت؛ به شدت

(۴) به‌طور منطقه‌ای، به‌طور ناحیه‌ای

۱۶۸۹ پژوهشگری که هیپاتیت ب و واکسن آن را کشف کرد، یک آمریکایی

به نام باروخ بلومبرگ بود.

(۱) محقق، پژوهشگر

(۲) (فرد) خارجی، بیگانه

(۳) مصاحبه‌کننده

(۴) مجری برنامه، گوینده؛ خبرنگار

۲۶۹۰ آب در این ناحیه حاوی مقدار اندکی کلسیم و مواد معدنی دیگر است.

(۱) اثر، تأثیر

(۲) مقدار، میزان

(۳) حساب؛ صورت‌حساب

(۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

۳۶۹۱ اشتباه من است که کیک سوخت. با تلفن صحبت می‌کردم و متوجه

زمان نشدم.

(۱) به نظر رسیدن؛ پدیدار شدن

(۲) قیمت‌گذاری کردن؛ بها دادن به

(۳) متوجه شدن، فهمیدن

(۴) احترام گذاشتن به، محترم شمردن

۱۷۰۲ شما باید به آن چیزی که او به شما می‌گوید به دقت توجه کنید چون که او استراتژی آن‌ها را به خوبی می‌داند.

(۱) استراتژی؛ برنامه، تدبیر (۲) درک، ادراک
(۳) احساس، عاطفه (۴) افزایش، اضافه
◀ به ... توجه کردن، متوجه ... بودن: take note of

۱۷۰۳ این کتاب برای هر کسی که می‌خواهد حافظه و تفکر منطقی‌اش را بهبود ببخشد، مفید خواهد بود.

(۱) ارتباط برقرار کردن، تماس گرفتن؛ [خبر، پیام] رساندن
(۲) ادامه دادن؛ ادامه یافتن
(۳) بهتر کردن، بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن، بهبود یافتن
(۴) به خطر انداختن

۱۷۰۴ او حس ناخوشایندی داشت که قرار بود اتفاق بسیار بدی بیفتد و بنابراین نمی‌توانست روی کارش تمرکز کند.

(۱) اطلاعیه، اعلان (۲) علامت، نشانه؛ تابلو
(۳) حس، احساس (۴) توانایی

۱۷۰۵ نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که میلیون‌ها کارمند از کامپیوتر اداری‌شان برای بازی کردن، گشت و گذار در اینترنت یا تماشای فیلم استفاده می‌کنند!

(۱) دنبال کردن؛ پیروی کردن
(۲) جست‌وجو کردن؛ درصدد بودن
(۳) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن
(۴) موج‌سواری کردن؛ [در اینترنت] گشت‌وگذار کردن، وبگردی کردن

۱۷۰۶ مسئله ریاضی را در ابتدا واقعاً متوجه نشدم، اما دوستانم آن را برایم توضیح داد و الان کاملاً واضح به نظر می‌رسد.

(۱) توضیح دادن، شرح دادن
(۲) توسعه دادن؛ پرورش دادن؛ پرورش یافتن؛ گسترش یافتن
(۳) [از رادیو و تلویزیون] پخش کردن؛ [شایعه] سر زبان‌ها انداختن
(۴) ارتباط برقرار کردن، تماس گرفتن؛ [خبر، پیام] رساندن

۱۷۰۷ بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی امیدوارند که تا سال ۲۰۵۰، نیروی بادی حدود یک سوم مجموع نیاز برق [جهان] را تأمین کند.

(۱) توانایی (۲) ناحیه، منطقه
(۳) ارزش (۴) قدرت؛ نیرو؛ برق

◀ نیروی بادی: wind power
۱۷۰۸ گیاهان انرژی تابشی خورشید را از طریق فتوسنتز به انرژی شیمیایی تبدیل می‌کنند.

(۱) محدوده، حدود؛ طیف (۲) ابزار، وسیله، روش
(۳) شکل، حالت (۴) مهارت

◀ از طریق؛ به وسیله: by means of
۱۷۰۹ پارسال آن قدر زمان را تنها گذراندم که تقریباً فراموش کردم چه‌طور با سایرین به نحو مؤثری ارتباط برقرار کنم.

(۱) توضیح دادن، شرح دادن
(۲) ارتباط برقرار کردن، تماس گرفتن؛ [خبر، پیام، اطلاعات] رساندن
(۳) احترام گذاشتن به، احترام قائل شدن برای
(۴) بهتر کردن، بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن، بهبود یافتن

۱۶۹۲ دانشمندان محاسبه کرده‌اند که جمعیت جهان تا پایان قرن بیست و یکم، دو برابر خواهد شد.

(۱) صد (۲) هزار (۳) دهه (۴) قرن
۱۶۹۳ او ناشنوا است اما حاضر نیست اجازه دهد ناتوانی‌اش برای شنیدن مانع انجام آن چیزی شود که می‌خواهد انجام دهد.

(۱) ضعیف؛ ناتوان (۲) زنگ، باهوش؛ [لباس و غیره] شیک
(۳) آرام؛ ساکت (۴) کر، ناشنوا

۱۶۹۴ «چند دانشمند در کنفرانس شرکت کردند؟» «تقریباً ۵۰ نفر.»
(۱) عمدتاً، بیشتر (۲) تقریباً، حدوداً

(۳) در درجه اول، عمدتاً (۴) فوراً، بی‌درنگ
۱۶۹۵ در ژاپن، لبحند زدن ممکن است انواع مختلف احساسات را ابراز کند،

از جمله شادی، عصبانیت، سردرگمی یا حتی ناراحتی.
(۱) ابزار، وسیله، روش (۲) ناحیه، منطقه

(۳) محدوده، حدود؛ طیف (۴) دستور؛ سفارش؛ نظم، ترتیب
◀ انواع مختلف: a range of

۱۶۹۶ شما به‌جز خودم تنها شخصی هستید [که] من می‌شناسم که در واقع به این نوع از چیزها علاقه‌مند است.

(۱) آن سوی، فراسوی، آن طرف (۲) به رغم، با وجود
(۳) مثل، مانند، نظیر (۴) به‌جز، در کنار

۱۶۹۷ مؤسسه تحقیقات زیست‌محیطی پی برد که دمای متوسط جهانی ۱/۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است.

(۱) [در رادیو، تلویزیون] پخش (۲) دانش، معلومات
(۳) انستیتو، مؤسسه، آموزشگاه (۴) رد و بدل، مبادله؛ معاوضه

۱۶۹۸ ما به فرودگاه دیر رسیدیم، اما از شانس خوب ما، هواپیما تأخیر داشت.
(۱) خوشبختانه (۲) اساساً، علی‌الاصول

(۳) بی‌شک، مسلماً، یقیناً (۴) به نحو مناسبی، به طرز شیسته
◀ از شانس خوب ما، خوشبختانه: luckily for us

۱۶۹۹ در حالی که شب آخر وقت از میان پارک راه می‌رفتم، می‌توانستم صدای گام‌هایی را بشنوم که پشت سرم من را دنبال می‌کردند.

(۱) الگو؛ طرح (۲) ملاقات‌کننده؛ بازدیدکننده؛ مهمان
(۳) ابزار، وسیله، روش (۴) قدم، گام؛ صدای پا؛ اقدام، عمل

۱۷۰۰ مادرم همیشه به من می‌گفت من اگر تمام توجه خودم را به کاری معطوف کنم، قادر خواهم بود هر کاری را انجام دهم.

(۱) ابزار، وسیله، روش (۲) اطلاعیه، اعلان
(۳) توانایی (۴) ذهن؛ عقیده، فکر

◀ تمام توجه کسی به چیزی معطوف شدن، فکر و ذکر کسی مشغول چیزی شدن: put / give / turn / set one's mind on sth

۱۷۰۱ وقتی جوان‌تر بودم، هرگز پول پس‌انداز نمی‌کردم، اما حالا که کمی بزرگ‌تر و عاقل‌تر هستم، می‌توانم مفهوم آن را درک کنم.

(۱) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن
(۲) دنبال کردن؛ پیروی کردن
(۳) دریافت کردن، گرفتن

(۴) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن
◀ مفهوم چیزی را درک کردن: see the sense in sth

۴۷۱۰ ما باید مطمئن شویم که اقدامات ضروری را برای پیش‌گیری از بدتر شدن مشکل انجام می‌دهیم.

- (۱) دستور؛ سفارش؛ نظم، ترتیب (۲) نوع؛ گونه
 - (۳) اطلاعیه، اعلان (۴) قدم، گام؛ صدای پا؛ اقدام، عمل
- اقدامات ضروری را انجام دادن: take necessary steps

۴۷۱۱ این دوره برای پرورش مهارت‌ها و توانایی‌هایی طراحی شده است که برای متخصصان فناوری اطلاعات مهم هستند.

- (۱) حقیقت، واقعیت (۲) ارزش
 - (۳) توانایی (۴) ناحیه، منطقه
- ۴۷۱۲ بیشتر بچه‌ها در بریتانیا تا وقتی که حداقل ۱۶ ساله شوند، در آموزش تمام وقت باقی می‌مانند.

- (۱) حداقل (۲) در نتیجه، بنابراین، از این رو
 - (۳) عمدتاً، بیشتر (۴) گذشته از این، علاوه بر این؛ به‌جز
- ۴۷۱۳ در یک جامعه آزاد، حقوق فردی، مهم‌ترین حقوق هستند.

- (۱) جامعه، اجتماع (۲) جمعیت (۳) ارزش (۴) مصاحبه
- ۴۷۱۴ دانشمندان متوجه شده‌اند که بچه‌های کوچک می‌توانند کلمات جدید را در زبان مادری‌شان با سرعتی شگفت‌انگیز یاد بگیرند. "amazing" (شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز) به معنی "wonderful" است.

- (۱) فرهنگی (۲) اضافی، بیشتر
- (۳) محبوب، طرفدار (۴) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

۴۷۱۵ امروز کاملاً گرفتار هستیم، اما بررسی خواهیم کرد که آیا می‌توانم برای وقتی [از] فردا صبح جلسه ترتیب دهم.

- (۱) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن
- (۲) به نظر رسیدن؛ آشکار شدن، پدیدار شدن
- (۳) [از رادیو و تلویزیون] پخش کردن
- (۴) ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن؛ مرتب کردن

۴۷۱۶ بعضی از کودکان ناشنوا در زبان اشاره بسیار ماهر هستند و هم‌چنین می‌توانند کلمات را با استفاده از هجی انگشتی، هجی کنند.

- (۱) کر، ناشنوا (۲) نوک؛ نکته، موضوع؛ فایده
- (۳) ابزار، وسیله، روش (۴) علامت، نشانه

زبان اشاره، زبان ایمايي: sign language
هجی انگشتی: fingerspelling

۴۷۱۷ سرود ملی تیم‌ها در ابتدای یک مسابقه بزرگ بین‌المللی فوتبال، پخش می‌شود.

- (۱) توضیح، شرح (۲) سنت، آداب، رسوم
- (۳) تجربه (۴) ابتدا، آغاز

۴۷۱۸ پلیس به دلیل سرقت از تعدادی از بانک‌ها در شهر ما، دنبال دو مرد نقاب‌دار می‌گردد. "seeking" (دنبال ... گشتن؛ جست‌وجو کردن) به معنی "looking for" می‌باشد.

- (۱) [در فرهنگ لغت و غیره] پیدا کردن (۲) مراقبت کردن از
- (۳) دنبال ... گشتن، جست‌وجو کردن (۴) نگاه کردن به

۲۷۱۹ شخصی که نقاشی می‌کند، طراحی می‌کند، مجسمه می‌سازد یا شخصی که چیزهایی را با مهارت و تخیل قوی به وجود می‌ورد، هنرمند نامیده می‌شود.

- (۱) خالق (۲) هنرمند
- (۳) نقاش (۴) آدم مشهور، شخص نامدار

۲۷۲۰ او اخیراً ساعات بیشتری را کار کرده است تا برای تعطیلاتی که تابستان می‌رود، [پول] پس‌انداز کند.

- (۱) اضافی، بیشتر (۲) مالی، پولی (۳) داوطلبانه (۴) لازم، ضروری
- ۲۷۲۱ مادرم همیشه به من می‌گفت که مقدار مناسب نمک را با درپوش بطری اندازه بگیرم، اما آن سبک من نبود.

- (۱) انجام دادن؛ اجرا کردن
- (۲) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

- (۳) بیان کردن، ابراز کردن
- (۴) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن

۲۷۲۲ چند بار به شما گفته‌ام نام‌پل را جلوی من نبرید؟ واقعاً از رفتار او متنفرم.

- (۱) به نظر رسیدن؛ آشکار شدن، پدیدار شدن
- (۲) گفتن (که)، ذکر کردن که؛ نام ... را بردن
- (۳) بهتر کردن، بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن، بهبود یافتن
- (۴) [از رادیو و تلویزیون] پخش کردن؛ [شایعه] سر زبان‌ها انداختن

۴۷۲۳ او از این‌که وقتی آن‌ها بازسازی خانه را تمام کردند، آن به چه شکلی خواهد بود، تصویر ذهنی داشت.

- (۱) احساسی؛ احساساتی (۲) طبیعی؛ ذاتی
- (۳) با معلومات، مطلع (۴) ذهنی؛ روحی

۴۷۲۴ روش‌های درمان بر مبنای سن و سلامت عمومی بیمار تغییر می‌کند.

- (۱) بیان کردن، ابراز کردن
- (۲) انتخاب کردن، برگزیدن؛ [گل، سبزی] چیدن
- (۳) تفاوت داشتن، فرق داشتن؛ تغییر کردن
- (۴) شکل داشتن (به)، ساختن

۴۷۲۵ در طول چند روز آتی همه را مورد آزمون قرار خواهیم داد تا مطمئن شویم آن‌ها در سطح مناسب قرار داده شده‌اند. "appropriate" (مناسب؛ شایسته) به معنی "suitable" می‌باشد.

- (۱) ممکن، امکان‌پذیر (۲) موجود، در دسترس
- (۳) احتمالی، محتمل (۴) مناسب؛ شایسته

۴۷۲۶ این شرکت چند ملیتی در تمام قاره‌ها به جز استرالیا، کارخانه‌های تولیدی دارد.

- (۱) ملت؛ کشور (۲) اجتماع؛ جامعه (۳) جمعیت (۴) قاره

۴۷۲۷ به غذاهای فراوری‌شده باید به وضوح برچسب زد، شود تا برای خریداران میزان چربی، قند و نمک را نشان دهد.

- (۱) توسعه دادن؛ پرورش دادن؛ پرورش یافتن؛ گسترش یافتن
- (۲) فراهم کردن؛ ارائه کردن
- (۳) به نظر رسیدن؛ آشکار شدن، پدیدار شدن
- (۴) برچسب زدن به

۷۳۶ ریچارد فراموش کرده است برای کنسرت بلیت بخرد و در نتیجه باید امروز عصر را جلوی تلویزیون بگذرانیم.

(۱) با این حال، با وجود این (۲) با این حال، با وجود این

(۳) در نتیجه، بنابراین، از این رو (۴) علاوه بر این، به علاوه

۷۳۷ هدف آن‌ها تولید تلفن همراه جدیدی است که قادر خواهد بود با سردمدار بازار رقابت کند.

(۱) فعالیت (۲) شیء؛ هدف

(۳) قدرت؛ نیرو؛ برق (۴) محدوده، حدود؛ طیف

۷۳۸ ما بهترین نخبه‌های این کشور را به کار کردن بر روی این مسئله گماشته‌ایم؛ امیدواریم که خیلی زود راه حلی پیدا کنیم.

(۱) ملت؛ کشور (۲) ابزار، وسیله، روش

(۳) نوع؛ گونه (۴) مغز؛ هوش؛ عقل؛ [شخص] نخبه

۷۳۹ شنیده‌ام که شبیه متکلم بومی [یک زبان] بودن غیرممکن است، مگر این‌که شخص قبل از سن دوازده [سالگی] شروع به صحبت کردن آن زبان کند.

(۱) غیرممکن، نشدنی (۲) طبیعی؛ ذاتی

(۳) با معلومات، مطلع (۴) مکرر، فراوان

۷۴۰ ستاره‌شناسان از فاصله متوسط سیاره ما تا خورشید به عنوان واحد مسافت استفاده می‌کنند.

(۱) موضوع، عنوان (۲) واحد؛ [در کتاب درسی] درس

(۳) شیء؛ هدف (۴) توانایی

۷۴۱ شما در طول مصاحبه باید آرام به نظر برسید حتی اگر قلباً می‌ترسید.

(۱) به نظر رسیدن؛ آشکار شدن، پدیدار شدن

(۲) گفتن (که)، ذکر کردن که؛ نام ... را بردن

(۳) [از رادیو و تلویزیون] پخش کردن؛ [شایعه] سر زبان‌ها انداختن

(۴) توسعه دادن؛ پرورش دادن؛ پرورش یافتن؛ گسترش یافتن

۷۴۲ [بخش] غرب شهر تا حد زیادی توسط بمباران آسیب ندید، اما طرف شرقی کاملاً ویران شد.

(۱) از نظر فرهنگی (۲) عمیقاً؛ به شدت

(۳) به علاوه، علاوه بر این (۴) تا حد زیادی، عمدتاً

۷۴۳ موضوع مطالعه من، تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی بین دو کشور ماست.

(۱) مناسب؛ شایسته (۲) خبری، اطلاعاتی

(۳) فرهنگی (۴) شمردنی، قابل شمارش

۷۴۴ وقتی که او در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت می‌کند، ناتوانی‌اش در انگلیسی صحبت کردن او را در موضع ضعف قرار می‌دهد.

(۱) جسمی، بدنی؛ جسمانی، فیزیکی (۲) احساسی؛ احساساتی

(۳) خانوادگی؛ [سیاست و غیره] داخلی (۴) بین‌المللی، جهانی

کسی را در موضع ضعف قرار دادن: put sb at a disadvantage

۷۴۵ آن پل جدید به عنوان اقدام موقتی برای جایگزین شدن پلی که توسط سیل‌ها ویران شد، بنا گردید.

(۱) حقیقت، واقعیت (۲) اندازه، مقدار؛ اقدام، کار

(۳) ناحیه، منطقه (۴) الگو؛ طرح

۷۲۸ شما همگی به عنوان بخشی از این دوره، باید موضوع خودتان را انتخاب کنید و در مورد آن مقاله‌ای بنویسید.

(۱) ارتباط برقرار کردن، تماس گرفتن؛ [خبر و غیره] ابلاغ کردن

(۲) دریافت کردن، گرفتن

(۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۴) انتخاب کردن، برگزیدن؛ قصد داشتن

۷۲۹ شما بچه‌ها باید برای این‌که چرا هنوز تکالیف‌تان را انجام ندهاید، به من توضیح خوبی ارائه کنید.

(۱) توضیح، شرح (۲) تصور؛ تخیل، قدرت تخیل

(۳) درک، ادراک (۴) دقت، توجه

۷۳۰ اگر برای مدت زمان طولانی به خارج از کشور می‌روید، باید به اجاره دادن خانه‌تان فکر کنید.

(۱) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن؛ خیال کردن که

(۲) به خطر انداختن

(۳) توضیح دادن، شرح دادن

(۴) مورد توجه قرار دادن؛ فکر کردن به؛ در نظر گرفتن

اجاره دادن: rent out

۷۳۱ رئیس جمهور ایران در طول دو هفته آتی، میزبان رهبران جهانی خواهد بود.

(۱) ملت؛ کشور (۲) میزبان

(۳) علاقه، دلبستگی (۴) نوک؛ نکته، موضوع؛ فایده

میزبان ... بودن: play host to

۷۳۲ یک سوم جمعیت این کشور آفریقایی، امید به زندگی ۴۰ سال دارد و ۵۷٪ [آن‌ها] به آب آشامیدنی دسترسی ندارند.

(۱) دسترسی (۲) ابزار، وسیله، روش

(۳) قدرت؛ نیرو؛ برق (۴) توانایی

امید به زندگی: life expectancy

۷۳۳ تام با ماشین از این طرف به آن طرف شهر به سوپرمارکتی رفت که چیزها (کالاها) را به قیمتی پایین‌تر از سوپرمارکت نزدیک خانه‌اش می‌فروخت.

(۱) (در) میان، (در) بین؛ در زمره

(۲) (در) میان، (در) بین

(۳) (در) طی، (در) طول

(۴) از وسط، از این طرف به آن طرف؛ در آن سوی

۷۳۴ بلیت‌های بیزنس کلاس پرواز لندن تمام شده‌اند، اما هنوز در [بخش] فرست کلاس چند صندلی موجود است.

(۱) اضافی، بیشتر (۲) احتمالی، محتمل

(۳) موجود، در دسترس (۴) راحت، آسوده

۷۳۵ دانشمندان اعتقاد دارند که فعالیت‌های جسمانی، به خصوص کوه‌نوردی و شنا، باعث سلامت می‌شوند.

(۱) اجتماعی (۲) واقعی، حقیقی

(۳) جسمی، بدنی؛ جسمانی، فیزیکی (۴) آشنا؛ شناخته‌شده

۱ ۷۵۵ دکتر تشخیص اولیه را انجام داده است، اما معاینه بیشتری توسط یک متخصص وجود خواهد داشت (انجام خواهد شد).

(۱) اضافی، بیشتر (۲) طبیعی؛ ذاتی

(۳) القاکننده؛ مبتین؛ [نگاه] معنی دار (۴) منطقه‌ای، ناحیه‌ای محلی

۱ ۷۵۶ اگر از این گت ناراضی هستید، هر زمانی می‌توانید آن را برگردانید و آن را با یک گت دیگر عوض کنید.

(۱) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ عوض کردن

(۲) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

(۳) به شکل تازه‌ای چیدن؛ [برنامه و غیره] از نو تنظیم کردن

(۴) دریافت کردن، گرفتن

۲ ۷۵۷ کهکشان آندرومدا، در فاصله ۲/۵ میلیون سال نوری [از زمین]، دورترین شیء قابل رؤیت با چشم غیرمسلح است.

(۱) قطعه، تکه (۲) دوره، دوران؛ مدت نقطه

(۳) محدوده، حدود؛ طیف (۴) شیء؛ هدف

۳ ۷۵۸ در سال ۱۸۸۰، در ایالات متحده تقریباً ۲ میلیارد پرنده با عنوان کبوتر وحشی وجود داشت، اما این گونه تا سال ۱۹۱۴ منقرض شد.

“approximately” (تقریباً) به معنی “nearly” می‌باشد.

(۱) به طرز حیرت‌آوری، به طور شگفت‌انگیزی

(۲) ذاتاً؛ به‌طور طبیعی

(۳) تقریباً، حدوداً

(۴) خوشبختانه

۴ ۷۵۹ مهم نیست چند اشتباه دارید یا چه‌قدر کند پیشرفت می‌کنید؛ شما هنوز از هر کسی که تلاش نمی‌کند، بسیار جلوتر هستید.

(۱) در عوض، به جای

(۲) گذشته از این، علاوه بر این؛ به‌جز

(۳) علاوه بر

(۴) مهم نیست، اهمیتی ندارد، مسئله‌ای نیست

way ahead of: بسیار جلوتر از

۴ ۷۶۰ دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که مهارت‌های خواندن با ارزش هم‌چون مطالعه دقیق متن و یادگیری بررسی کردن مطالب روزمره برای اطلاعات را پرورش دهند.

(۱) احساسی؛ احساساتی (۲) جسمی، بدنی؛ جسمانی، فیزیکی

(۳) فرهنگی (۴) با ارزش، ارزشمند

۲ ۷۶۱ خرس خاکستری علی‌رغم اندازه بزرگش، به‌طرز حیرت‌آوری سریع است [و] به سرعت‌های بالای ۳۵ مایل در ساعت می‌رسد.

(۱) مگر این‌که (۲) به رغم، با وجود، علی‌رغم

(۳) با وجود این، با این حال (۴) گرچه، اگرچه

۳ ۷۶۲ بی‌کاری در نیمه اول سال، ۲/۵ درصد پایین‌تر از مدت مشابه سال قبل بود.

(۱) دایره، حلقه (۲) ماده؛ موضوع؛ مطالب

(۳) دوره، دوران؛ مدت؛ نقطه (۴) قطعه، تکه

۳ ۷۴۶ از توصیفی که جنت در نامه‌اش ارائه کرد، راحت بود که تصور کنید آپارتمان جدیدش به چه شکل بود.

(۱) انتقال دادن، منتقل کردن

(۲) وصل کردن، متصل کردن

(۳) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن؛ خیال کردن که

(۴) تجربه کردن

۲ ۷۴۷ او توانست امروز صبح زود حاضر باشد، چون که بستن چمدان خودش را دیشب تمام کرد.

(۱) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن

(۲) بسته‌بندی کردن؛ چمدان خود را بستن

(۳) جست‌وجو کردن؛ درصدد بودن

(۴) چرخیدن؛ چرخاندن؛ شدن

۳ ۷۴۸ در ناحیه فقیرتر توسعه‌نیافته شرق کشور است که بزرگ‌ترین مشکلات وجود دارد.

(۱) متوجه شدن، فهمیدن (۲) تعلق داشتن (به)؛ احساس تعلق کردن

(۳) وجود داشتن، بودن (۴) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

۳ ۷۴۹ نوشتن زیاد در یک دفتر خاطرات شخصی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند [تا] بر ترسشان از نوشتن به زبان دوم غلبه کنند.

(۱) به لحاظ جسمی؛ به لحاظ فیزیکی (۲) به لحاظ ذهنی؛ به لحاظ روحی

(۳) اغلب، غالباً، مکرراً، زیاد (۴) فوراً، بی‌درنگ

۱ ۷۵۰ دولت باید صنعتی کردن این نواحی را بسیار با دقت انجام دهد تا از تخریب‌های زیست‌محیطی پیش‌گیری کند.

(۱) ناحیه، منطقه (۲) قدم، گام؛ صدای پا؛ اقدام، عمل

(۳) قلم، فقره؛ مورد (۴) ستون

۲ ۷۵۱ اروپاییان حدود ۵۰۰ سال قبل شروع به سکونت در ایالات متحده کردند، اما مردم بومی هزاران سال است که آن‌جا بوده‌اند.

(۱) قاره‌ای

(۲) [زبان] مادری؛ [شهر یا کشور] زادگاه؛ بومی

(۳) منطقه‌ای، ناحیه‌ای؛ محلی

(۴) مکرر، متعدد

۴ ۷۵۲ برادر بزرگ‌ترم در این موضوعات از من بسیار با تجربه‌تر است؛ بهتر است با او صحبت کنید.

(۱) نگران، دلواپس (۲) روان، سلیس؛ [سخنگو] خوش‌بیان

(۳) ذهنی؛ روحی (۴) با تجربه، کارآزموده

۲ ۷۵۳ ایالات متحده یک ماهواره مخابراتی جدید را با هزینه یک میلیارد دلار به فضا پرتاب کرده است.

(۱) بهبود، اصلاح؛ پیشرفت (۲) ارتباط؛ تماس؛ مکاتبه؛ مخابره

(۳) جمعیت (۴) قاره

communications satellite: ماهواره مخابراتی

۴ ۷۵۴ نمره بالایی که او در امتحانش گرفت واقعاً کمک کرد تا اعتماد به نفس او به توانایی‌اش برای نوشتن انشا زیاد شود.

(۱) تنظیم، مرتب کردن؛ توافق (۲) افزایش، اضافه

(۳) اندازه، مقدار؛ اقدام، کار (۴) اعتماد؛ اعتماد به نفس

۷۷۱ کارشناسان بعد از سال‌ها مطالعه، در نهایت توانستند تمام نمادهای هیروگلیفی (شیوه نگارش مصریان باستان) را به زبان‌های امروزی برگردانند.

(۱) به شکل تازه‌ای چیدن؛ [برنامه، نقشه و غیره] از نو تنظیم کردن

(۲) وصل کردن، متصل کردن

(۳) ارتباط برقرار کردن، تماس گرفتن؛ [خبر، پیام، اطلاعات] رساندن

(۴) ترجمه کردن، برگرداندن

۷۷۲ افزایش ناگهانی اشعه‌های ماوراء بنفش باعث شد که محققان به وجود شکاف‌های لایه اوزون اعتقاد پیدا کنند.

(۱) وجود، بودن (۲) یقین، اطمینان

(۳) [در رادیو، تلویزیون] پخش (۴) شروع، آغاز

۷۷۳ پروژه دولت، کودکان بی‌خانمان بسیاری را از خیابان‌ها دور نگه داشته و به آن‌ها مهارت‌های مفیدی هم‌چون نجاری و لوله‌کشی را یاد داده است.

(۱) دور نگه داشتن؛ دور کردن؛ جلوی ... را گرفتن

(۲) ترک کردن؛ رها کردن

(۳) تشکیل دادن، ساختن؛ [داستان] سر هم کردن؛ آشتی کردن

(۴) مقاومت کردن، ایستادگی کردن؛ صبر کردن

۷۷۴ جیمز احساس می‌کرد که منطبق کردن خودش با زندگی در مدرسه جدید دشوار بود. با وجود این، این واقعیت که او ورزشکار حرفه‌ای بود، او را محبوب کرد.

(۱) اضافی، بیشتر (۲) غیرممکن، نشدنی

(۳) فرهنگی (۴) محبوب، پطرفدار

۷۷۵ اگر دنبال رستوران خوبی، با غذای لذیذ و محیط شاد می‌گردید، من پیشنهاد می‌کنم [رستوران] بلوواتر را در برادر استریت بررسی کنید.

(۱) پیشنهاد کردن، توصیه کردن؛ حکایت از ... داشتن؛ به طور غیرمستقیم گفتن

(۲) گفتن (که)، ذکر کردن که؛ نام ... را بردن

(۳) دعوت کردن از

(۴) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن؛ خیال کردن که

بعد از invite فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود.

۷۷۶ در حالی‌که ما سربازانی را که در جنگ جان باخته بودند به یاد آوردیم، سکوت دو دقیقه‌ای آمیخته با احترام وجود داشت.

(۱) آمیخته با احترام، حاکی از احترام؛ مؤدبانه

(۲) مکرر، متعدد، زیاد

(۳) کامل؛ مطلق

(۴) با ارزش، ارزشمند

۷۷۷ سیستم نرم‌افزاری جدید واقعاً هوشمند و استفاده کردن از آن نیز بسیار سریع‌تر است؛ فکر کنم باید سیستم قدیمی را ارتقاء دهیم.

(۱) روان، سلیس؛ فصیح

(۲) اضافی، بیشتر

(۳) باهوش، زرنگ؛ هوشمند؛ [لباس و غیره] شیک

(۴) منطقه‌ای، ناحیه‌ای

۷۶۳ اگرچه قبول دارم که آن مرد از بسیاری جنبه‌ها کامل نیست، در واقع از او تا حدودی خوشم می‌آید.

(۱) احترام؛ جنبه، حیث (۲) شیء؛ هدف

(۳) ارزش (۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

۷۶۴ دولت آن کشور آفریقایی بر رسانه‌های گروهی کنترل سختی دارد، بنابراین سخت است که بدانیم در آن کشور واقعاً چه اتفاقی می‌افتد.

(۱) رسانه‌ها (ی گروهی)، وسایل ارتباط جمعی

(۲) عنوان؛ موضوع

(۳) فراوانی، تعدد؛ فرکانس

(۴) فرهنگ

۷۶۵ دانشمندان اعتقاد دارند که هیدروژن تقریباً ۹۰ تا ۹۹ درصد تمام ماده [موجود] در عالم را تشکیل می‌دهد.

(۱) ناحیه، منطقه (۲) جمع، افزایش

(۳) جا، جای خالی؛ فاصله؛ فضا (۴) ماده؛ مواد؛ موضوع، محتوا

۷۶۶ ممکن است مشکل باران اسیدی از اخبار و سرخط خبرها محو شده باشد، اما با حل شدن بسیار فاصله دارد.

(۱) به شکل تازه‌ای چیدن؛ برنامه ... را تغییر دادن

(۲) تجربه کردن

(۳) فرار کردن، گریختن؛ نجات یافتن

(۴) ناپدید شدن؛ از بین رفتن؛ محو شدن

۷۶۷ پلیس ساختمان را محاصره کرد، اما مجرم به نحوی موفق شد از در پشتی فرار کند.

(۱) رسیدن به، دست یافتن به

(۲) فرار کردن، گریختن؛ نجات یافتن

(۳) فراهم کردن، تهیه کردن

(۴) به نظر رسیدن؛ آشکار شدن، پدیدار شدن

۷۶۸ به مسافران یادآوری می‌شود که وقتی هواپیما را ترک می‌کنند، تمام اموال شخصی‌شان را با خودشان بردارند.

(۱) موضوع؛ عنوان

(۲) [به همراه S جمع] اموال (منقول)، متعلقات

(۳) ماده؛ مواد؛ موضوع، محتوا

(۴) اندازه، مقدار؛ اقدام، کار

۷۶۹ کاناپه جدید بزرگ‌تر از کاناپه قدیمی بود، بنابراین آن‌ها مجبور شدند باقی میلمان را به شکل تازه‌ای بچینند.

(۱) به یاد آوردن، به خاطر آوردن

(۲) دوباره به دست آوردن، بازیافتن

(۳) به شکل تازه‌ای چیدن؛ [برنامه، نقشه و غیره] از نو تنظیم کردن

(۴) تحقیق کردن، پژوهش کردن

۷۷۰ ثابت شده است که خنده زیاد به کنترل درد، پایین آوردن فشار خون و از بین بردن استرس کمک می‌کند.

(۱) مکرر، زیاد، فراوان (۲) محرمانه، سری

(۳) احساسی؛ احساساتی (۴) اضافی؛ بیشتر

۷۷۸ فکر کنیم ما همگی از دانش و تجربه هلم خیلی فایده برده‌ایم؛ او یک

عضو بسیار باارزش از تیم ما است.

(۱) از نظر ذهنی؛ از نظر روحی (۲) خیلی، بسیار

(۳) به نحو مناسبی، به طرز شایسته (۴) [سخن گفتن، نوشتن] روان، سلیس

۷۷۹ اگرچه جنگل‌های بارانی فقط دو درصد از سطح زمین را تشکیل

می‌دهند، بیش از نیمی از گونه‌های گیاهی، حیوانی و حشرات وحشی جهان

آن‌جا زندگی می‌کنند.

(۱) ادامه دادن (به)

(۲) [لباس و غیره] در آوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن

(۳) مقاومت کردن، ایستادگی کردن؛ صبر کردن

(۴) تشکیل دادن، ساختن؛ [داستان] سر هم کردن؛ آشتی کردن

۷۸۰ کمیسیون در مورد پول بحث می‌کند؛ به ویژه پولی که ما برای تعمیر

کردن مدارس خودمان نیاز داریم.

(۱) اغلب، غالباً، مکرراً، زیاد (۲) کاملاً، مسلماً

(۳) متناوباً، مرتب، مرتباً (۴) به‌طور خاص، مخصوصاً، به ویژه

۷۸۱ دکتر برای دردهای شکم او داروهایی را تجویز کرد. خوشبختانه، بعد

از دو روز، در [وضعیت] سلامت او بهبود مشهودی وجود داشت (به وجود آمد).

(۱) مشهود، محسوس، قابل توجه (۲) موجود، در دسترس

(۳) منطقه‌ای، ناحیه‌ای (۴) خانوادگی؛ [سیاست و غیره] داخلی

۷۸۲ امروزه، وقتی که شما برای کار درخواست می‌دهید، ناتوانی در

استفاده از کامپیوتر، یک نقطه ضعف بزرگ است.

(۱) امکان، احتمال (۲) تنظیم، ترتیب؛ توافق

(۳) قابلیت استفاده، در دسترس بودن (۴) ناتوانی، عدم توانایی، ضعف

۷۸۳ یک دلیل این‌که چرا دانش‌آموزان باید انواع مباحث را بخوانند،

تبدیل شدن به شهروندان با معلومات است.

(۱) خوش حرف؛ [مشکلات و غیره] ارتباطی

(۲) با معلومات، پر معلومات، مطلع

(۳) اضافی، بیشتر

(۴) محرمانه، سری

۷۸۴ فکر می‌کنم درصد دانشجویانی که باید یک سطح را در این برنامه

(دوره آموزشی) تکرار کنند، معمولاً حدود ۲۵٪ یا کم‌تر است.

(۱) محبوبیت، شهرت (۲) تنظیم، مرتب کردن؛ توافق

(۳) درصد (۴) احتمال، امکان

۷۸۵ وسیله نقلیه فضایی برای فرار کردن از کشش گرانشی زمین، باید

حداقل با سرعت ۱۷ مایل در ثانیه حرکت کند.

(۱) تقسیم کردن؛ قسمت کردن (۲) ناپدید شدن؛ از بین رفتن؛ محو شدن

(۳) رسیدن به، دست یافتن به (۴) فرار کردن، گریختن؛ نجات یافتن

۷۸۶ بیشتر جمعیت سوریه در بخش غربی این کشور زندگی می‌کند،

جایی که بارش باران نسبتاً زیاد است.

(۱) مرکزی (۲) فراوان، زیاد؛ متعدد

(۳) کامل، تمام‌عیار (۴) منطقه‌ای، ناحیه‌ای

۷۸۷ باید برای خانواده‌ام تعداد زیادی هدیه بخرم، اما پول زیادی ندارم.

present (هدیه، کادو) یک اسم قابل شمارش است که در این تست به

صورت جمع به کار رفته است، بنابراین در جای خالی اول، به many نیاز

داریم، نه much. اما با توجه به این‌که money (پول) در جای خالی دوم،

یک اسم غیرقابل شمارش است، پیش از آن، از much استفاده می‌کنیم.

۷۸۸ آدم از آشپزخانه با دو فنجان قهوه و یک تکه کیک، برگشت و کنار

مری نشست.

cup یک اسم قابل شمارش است و بنابراین بعد از عدد two، به صورت

جمع (cups) به کار می‌رود. علاوه بر این، coffee (قهوه) در معنای به کار

رفته در این تست، غیرقابل شمارش است و نمی‌تواند S جمع بگیرد. دقت

کنید که bar (قالب) نمی‌تواند واحد شمارش cake (کیک) باشد و در بین

واحد‌های شمارش موجود در گزینه‌ها، فقط piece (تکه) و slice (تکه)

می‌توانند پیش از cake به کار روند.

۷۸۹ A: «آیا قصد داری آن کتی را که هفته پیش دیدی، بخری؟»

B: «نه، برایم فقط پول کمی مانده، پس نمی‌توانم پول آن را پرداخت کنم.»

money (پول) یک اسم غیرقابل شمارش است و بنابراین در بین گزینه‌ها،

فقط a little یا a little می‌تواند پیش از آن به کار رود. با توجه به مفهوم

جمله و وجود only، در بین این دو گزینه، a little صحیح است.

۷۹۰ کدام‌یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

در این مدرسه، چهل و یک معلم و حدود هشتصد دانش‌آموز هستند.

در بین دو بخش اعداد دو بخشی از بیست و یک تا نود و نه (مثل forty-

one در این تست)، حتماً باید یک خط تیره کوچک قرار گیرد. دقت کنید که

خود hundred جمع بسته نمی‌شود و S جمع نمی‌گیرد، مگر این‌که قصد

کلی‌گویی داشته باشیم.

۷۹۱ در [مراسم] عروسی ما افراد زیادی نخواهند بود چون می‌خواهیم

فقط نزدیک‌ترین دوستانمان [به مراسم] بیایند.

people (افراد) یک اسم قابل شمارش جمع است و بنابراین کاربرد

much قبل از آن صحیح نیست. any در صورتی می‌توانست صحیح باشد

که هیچ شخصی نمی‌آمد؛ بنابراین این گزینه هم از نظر معنایی صحیح نیست.

در نهایت دقت کنید که کاربرد حرف اضافه of بعد از many در معنی به کار

رفته در این تست (صفت شمارشی) صحیح نیست.

۷۹۲ وقتی به پاریس رفتم، از تعدادی موزه جالب دیدن کردم، اما به هیچ

گالری هنری نرفتم.

طبق مفهوم جمله، interesting (جالب)، صفت اسم museums

(موزه‌ها) است و بنابراین باید آن را پیش از اسم قرار دهیم و کاربرد آن به

صورت قید حالت (interestingly) هم از نظر معنایی نمی‌تواند صحیح

باشد. gallery (گالری) یک اسم قابل شمارش است؛ بنابراین قبل از آن

نمی‌توانیم از much استفاده کنیم و بعد از many any و few هم آن

را جمع می‌بندیم (galleries). در نهایت دقت کنید که گزینه (۴) به دلیل

کاربرد few در هر دو جای خالی و وجود بار منفی این صفت شمارشی، از نظر

معنایی نمی‌تواند در این‌جا صحیح باشد. ضمن این‌که در بخش دوم جمله،

فعل منفی وجود دارد و نمی‌توان از few استفاده کرد.

۴۸۰۰ ▶ او وقت آزاد کمی دارد. او تقریباً هرگز نمی تواند حتی به مادرش زنگ بزند!

free time (وقت آزاد) اسم غیرقابل شمارش است و کاربرد few و a few قبل از آن صحیح نیست. با توجه به وجود بار معنایی منفی در جمله و این که شخص به ندرت می تواند به مادر خودش زنگ بزند، در جای خالی از little استفاده می کنیم، نه a little.

۴۸۰۱ ▶ پل چند زبان را سلیس صحبت می کند، اما برای کارش، فقط به زبان مادری اش ترجمه می کند.

طبق مفهوم جمله، fluently (روان، سلیس) حالت انجام فعل speak را نشان می دهد و قید حالت است؛ بنابراین کاربرد این کلمه به صورت صفت (fluent) در این جا نمی تواند صحیح باشد. علاوه بر این، با توجه به قابل شمارش بودن language (زبان)، بعد از several، باید آن را به شکل جمع به کار ببریم. در مورد گزینه (۲) نیز دقت کنید که fluently قید حالت است و در زبان انگلیسی، اگر جمله مفعول داشته باشد قید حالت بعد از مفعول (در این جا several languages) به کار می رود.

۴۸۰۲ ▶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

در ترافیک گیر افتادیم که باعث شد چهل و پنج دقیقه دیر کنیم.

traffic jam (ترافیک)، بر خلاف اسم تقریباً هم معنی خودش یعنی traffic، یک اسم قابل شمارش است؛ بنابراین با توجه به مفرد و مجهول بودن این اسم، پیش از آن باید از حرف تعریف نامعین a استفاده کنیم. forty-five (چهل و پنج) هم جزء اعداد دوبخشی بین بیست و یک تا نود و نه است و باید بین دو بخش آن از یک خط تیره کوچک استفاده شود. ۴۸۰۳ ▶ در ایمیل در مورد خواهرم مقداری خبر هست اما در مورد برادرم هیچ اطلاعاتی وجود ندارد.

news (خبر) یک اسم غیرقابل شمارش است؛ بنابراین پیش از این اسم نمی توانیم از a few استفاده کنیم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که با توجه به غیرقابل شمارش بودن information (اطلاعات)، این اسم را نمی توان با S جمع بست و البته any هم با فعل مثبت نمی آید.

۴۸۰۴ ▶ وقت خیلی کمی دارم؛ بنابراین لطفاً سعی کن آن چیزی را که باید بگویی، با کم ترین حرف بگویی.

با توجه به مفهوم جمله، در این جا time در معنی «زمان، وقت» مد نظر است؛ بنابراین جمع بستن آن و یا استفاده از few قبل از آن، صحیح نیست. دقت کنید که در این تست، اسم قابل شمارش word در معنی «حرف، سخن» به کار رفته و این اسم در این معنی همواره به صورت جمع به کار می رود؛ بنابراین پیش از این کلمه نمی توانیم از little یا a little استفاده کنیم.

۴۸۰۵ ▶ من عاشق شیرینی ام. خیلی شکر دوست دارم. [و] مقدار زیادی بستنی می خورم.

اصطلاح to have a sweet tooth به معنی «عاشق شیرینی بودن» است. با توجه به این که در جای خالی اول، sugar، در مفهوم عام «شکر؛ قند» استفاده شده، قابل شمارش نیست و به شکل مفرد به کار می رود. دقت کنید که طبق جمله، شخص شیرینی جات را زیاد دوست دارد؛ بنابراین a little و a lot از نظر معنایی صحیح نیستند. a lot در گزینه (۳) هم که اساساً به عنوان صفت شمارشی ناقص است و نمی تواند صحیح باشد.

۴۷۹۳ ▶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

همسایه ها هر روز بعد از ظهر رادیوی خودشان را با صدای بلند در حیاطشان پخش می کنند.

▶ با توجه به ترتیب صحیح اجزای جمله های خبری ساده، گزینه (۴) صحیح است:

The neighbors play their radio loudly in their yard

مکان انجام فعل - قید حالت - مفعول فعل - فاعل
every afternoon.

زمان انجام فعل

۴۷۹۴ ▶ او برای دوستانش تعدادی کارت پستال فرستاد، اما وقتی که در بریتانیا بود [با آن ها] اصلاً تماس تلفنی نگرفت.

postcards (کارت پستال ها) یک اسم قابل شمارش جمع است؛ بنابراین در بین گزینه های موجود در تست، پیش از آن می توان از some و a few استفاده کرد. phonecalls (تماس های تلفنی) هم یک اسم قابل شمارش جمع است؛ بنابراین پیش از این عبارت هم کاربرد much صحیح نیست. دقت کنید که شکل منفی some، که برای جای خالی دوم نیاز است، any می باشد.

۴۷۹۵ ▶ می خواهم در طول تعطیلاتم، مقداری مطالعه جدی انجام دهم؛ بنابراین با خودم چند تا کتاب می برم.

reading (مطالعه؛ خواندن) یک اسم غیرقابل شمارش است و بنابراین نمی تواند S جمع بگیرد. دقت کنید که few دارای بار معنایی منفی است ولی چون جمله، به تعداد کم ولی کافی کتاب اشاره می کند، آن را با a few کامل می کنیم.

۴۷۹۶ ▶ برایتان خبر فوق العاده ای داریم. ما داریم ازدواج می کنیم.

news (خبر) یک اسم غیرقابل شمارش است و بنابراین برای شمردن آن باید پیش از این اسم، از یکی از واحدهای مخصوص شمارش آن (bit یا item) استفاده کنیم. دقت کنید که با توجه به کاربرد a / an در ابتدای تمامی گزینه ها، اسم قابل شمارش piece به صورت مفرد مدنظر می باشد و نمی تواند S جمع بگیرد.

۴۷۹۷ ▶ وقتی به ساحل رسیدیم، افراد زیادی قبلاً آن جا بودند و ما نتوانستیم جایی برای نشستن پیدا کنیم.

a lots of در گزینه های (۲) و (۴) اساساً غلط است و آن را باید به یکی از شکل های a lot of یا lots of بنویسیم. در مورد place (محل، مکان، جا) در جای خالی دوم دقت کنید که با توجه به مفرد و قابل شمارش بودن این اسم، در این مورد، حتماً باید پیش از آن از حرف تعریف a استفاده کنیم. ۴۷۹۸ ▶ خیلی مایه تأسف است، اما بیمارستان مقدار کمی دارو دارد. آن ها نمی توانند به افراد زیادی کمک کنند.

medicine (دارو، دوا) در مفهوم عام آن، یک اسم غیرقابل شمارش است و کاربرد few قبل از آن صحیح نیست. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که طبق این جمله، بیمارستان مقدار داروی کمی دارد و در نتیجه می تواند به افراد کمی کمک کند اما قادر به کمک به افراد زیادی نیست. با توجه به این که در ابتدای جمله از فعل منفی can't استفاده شده، جمله از نظر معنایی با many کامل می شود، نه few.

۴۷۹۹ ▶ سعی کن عادت نمک زدن به غذایت را سر میز کنار بگذاری.

salt (نمک) و هم food (غذا) در معنی به کار رفته در این تست غیرقابل شمارش هستند و هیچ یک از آن ها نمی تواند S جمع بگیرد.

۲۸۰۶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

جیم همیشه زود بلند نمی‌شود، اما همیشه قبل از مری بلند می‌شود.

always (همیشه، همواره) جزء قیود تکرار است؛ بنابراین در صورتی که در جمله هم فعل کمکی داشته باشیم و هم فعل اصلی (مثل *doesn't* و *get up*) در بخش ابتدایی جمله، آن را بین فعل کمکی (*doesn't*) و فعل اصلی (*get up*) قرار می‌دهیم، اما در صورتی که جمله فقط دارای فعل اصلی باشد (مثل *gets up*) در بخش دوم جمله، قید تکرار پیش از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

۲۸۰۷ در یخچال کمی شیر باقی مانده است. باید برای سه تا قهوهٔ ماکافی باشد.

little (کمی، اندکی) و *a little* (مقداری، کمی) هر دو همراه اسامی غیرقابل شمارش (مثل *milk* در این تست) به کار می‌روند. اما *little* دارای بار معنایی منفی است و در معنی «خیلی کم و ناکافی» به کار می‌رود، در حالی که *a little* دارای بار معنایی مثبت است و «کم، ولی در حد نیاز» بودن را نشان می‌دهد. با توجه به این که در این جمله، مقدار شیر، کم ولی کافی است، *a little* را انتخاب می‌کنیم. استفاده از *three* در جای خالی دوم نشان می‌دهد که *coffee* در این جا در معنی قابل شمارش (فنجان قهوه) به کار رفته، و بعد از *three* باید *s* جمع بگیرد.

۲۸۰۸ رایان ذهنش به قدری گرفتار بود که دیگر نمی‌توانست روی هیچ چیزی تمرکز کند.

یکی از کارکردهای *a lot* و *lots*، *many*، *much*، *some* و *a few* در درسنامه با آن آشنا نشدیم، اما در این تست مورد سؤال قرار گرفته است، کاربرد این کلمات به عنوان ضمیر است. در صورتی که اسم همراه این کلمات به قدری واضح باشد که بدون بیان اسم هم بتوان آن را حدس زد، می‌توان اسم را به کلی حذف و از این کلمات به عنوان ضمیر استفاده کرد. برای مثال، این تست به دغدغه‌های ذهنی رایان اشاره دارد که یک مفهوم انتزاعی و غیرقابل شمارش است؛ بنابراین با توجه به غیرقابل شمارش بودن این مفهوم، در بین گزینه‌ها، فقط *much* می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که اگر بخواهیم از *a lot of* و *lots of* به عنوان ضمیر استفاده کنیم، باید *of* بعد از آن‌ها را حذف کنیم (دلیل نادرستی گزینهٔ ۱).

۲۸۰۹ او تحصیلات کمی دارد. او اصلاً نمی‌تواند بخواند و بنویسد و به سختی می‌تواند بشمارد.

education (آموزش؛ تحصیلات) غیرقابل شمارش است و پیش از آن نمی‌توانیم از *few* استفاده کنیم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که *hardly* (به سختی؛ به ندرت) جمله را از نظر معنایی منفی کرده و در واقع جایگزین *not* شده است؛ بنابراین طبق مفهوم جمله، آن را می‌توانیم با *can't* کامل کنیم، نه *can*.

۲۸۱۰ یک قالب پنجاه گرمی کاکائو به همان اندازهٔ دو فنجان قهوه کافئین دارد.

chocolate (شکلات؛ کاکائو) در معنی به کار رفته در این تست، غیرقابل شمارش است و نمی‌توانیم آن را با *s* جمع ببندیم. بعد از *a* در ابتدای جمله که نشان‌دهندهٔ مفرد بودن اسم است، *bar* (قالب) را هم نمی‌توانیم جمع ببندیم؛ بنابراین گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) همگی با همین جای خالی اول حذف شدند!

۲۸۱۱ در تلویزیون فقط چند تا برنامه هست که می‌خواهم تماشا کنم. ترجیح می‌دهم فیلم دانلود کنم یا کتاب بخوانم.

بعد از *only*، از *few* و *little* نمی‌توان استفاده کرد و حتماً باید *a few* و *a little* را به کار برد. دقت کنید که در این جمله، هم *film* و هم *book* اسامی مفرد قابل شمارش هستند و پیش از هر دو به حرف تعریف نامعین *a* نیاز داریم.

۲۸۱۲ وقتی به خانه رسیدم، روی میز آشپزخانه، یک بطری آب، یک قرص نان و مقداری شیر بود.

واحد شمارش *water* (آب) در جای خالی اول، می‌تواند *bottle* (بطری) باشد، اما نمی‌توانیم از *piece* (تکه؛ قهوه) برای شمارش آب استفاده کنیم؛ بنابراین بر مبنای جای خالی اول، فقط گزینه‌های (۲) و (۳) می‌تواند صحیح باشد. قبل از *bread* در جای خالی دوم، هم می‌توانیم از *loaf* (قرص نان) استفاده کنیم، هم از *piece* (تکه) و هم از *slice* (تکه، برش). بنابراین طبق این جای خالی، هیچ گزینه‌ای حذف نمی‌شود. *milk* (شیر آشامیدنی) هم یک اسم غیرقابل شمارش است و طبق مفهوم جمله می‌توانیم پیش از آن از *some* (مقداری) استفاده کنیم.

۲۸۱۳ در داخل سونا آن قدر حرارت بود که مجبور شدیم بیرون برویم و دوش بگیریم.

بعد از *there is / are / was / were*، حتماً باید از اسم استفاده کنیم. با توجه به این که *heat* (حرارت، گرما) اسم است، اما *hot* (گرم) صفت می‌باشد، در بین گزینه‌های موجود فقط گزینه‌های (۱) و (۳) می‌تواند صحیح باشد. البته چون که *heat* یک اسم غیرقابل شمارش می‌باشد، پیش از آن از *much* استفاده می‌کنیم، نه *many*.

۲۸۱۴ در خانه، آشپزخانه محل خوشایندی بود. همواره داخل گلدان تعدادی گل بود.

flower (گل) یک اسم قابل شمارش است و کاربرد *much* پیش از آن نمی‌تواند صحیح باشد (دلیل حذف گزینهٔ ۴). دقت کنید که با توجه به ترتیب اجزای جملات خبری ساده، *there* (به عنوان فاعل کاذب جمله) و *was* (به عنوان فعل اصلی) باید در ابتدای جمله قرار گیرند و سایر اجزای جمله پس از آن‌ها به کار می‌روند.

۲۸۱۵ وقت آزاد زیادی ندارم، اما میزم را یکی دو باری کامل تمیز کرده‌ام.

time در صورتی که به مفهوم عام زمان اشاره کند، غیرقابل شمارش است و *s* جمع نمی‌گیرد، اما در صورتی که این اسم در معنی «دفعه، مرتبه، بار» به کار رود، قابل شمارش خواهد بود و بسته به معنی جمله می‌تواند *s* جمع هم بگیرد. در بخش اول جمله، *time* در قالب عبارت *free time* (وقت آزاد) به کار رفته که در واقع به مفهوم عام زمان اشاره دارد و غیرقابل شمارش است. اما در جای خالی دوم، این اسم را بعد از *a couple of* (یکی دو) و در معنی «دفعه، مرتبه، بار» به کار برده‌ایم و بنابراین با توجه به وجود *a couple of*، باید آن را جمع ببندیم.

۲۸۱۶ فوتبال تنها موضوعی است که در مورد آن خیلی کم می‌دانم. برایم خیلی جذاب نیست.

با توجه به این که در این تست، این کلمه را در معنی دوم داریم، باید آن را بدون S جمع به کار ببریم. علاوه بر این، طبق مفهوم جمله، شخص تعداده کتاب‌های بسیار زیادی دارد؛ بنابراین در جای خالی دوم، کاربرد **very few** از نظر مفهومی غلط است و باید از **too many** استفاده کنیم.

این شهر خیلی شناخته شده نیست و چیز زیادی برای دیدن وجود ندارد، بنابراین توریست‌های کمی این جا می‌آیند.

گفته شد که اگر بعد از **lots, many, much, some** اسم نداشته باشیم، این کلمات به عنوان ضمیر جایگزین اسم شده‌اند و صفت شمارشی به حساب نمی‌آیند. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا کاربرد **many** صحیح نیست و فقط می‌توانیم از **much** استفاده کنیم. در مورد جای خالی دوم هم توجه کنید که کاربرد **many tourists** (توریست‌های زیاد) از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست و فقط **few tourists** می‌تواند جمله را به شکل مناسبی کامل کند.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) من حافظه بدی دارم. همیشه اسم افراد را فراموش می‌کنم.
(۲) این موزه بسیاری از آثار پیکاسو و هم‌چنین سایر نقاشان مدرن را دارد.
(۳) فوتبال در هر هوایی بازی می‌شود، از جمله باران و برف.
(۴) وقت نکرده‌ام آشپزی کنم، بنابراین فقط گوشت سرد و سالاد می‌خوریم.
◀ **work** در صورتی که به معنی «کار» باشد غیرقابل شمارش است. اما در صورتی که از این اسم در معنی «اثر؛ تألیف، نوشته» استفاده کنیم، قابل شمارش خواهد بود و می‌تواند S جمع بگیرد. دقت کنید که در گزینه (۲)، این اسم در معنی دوم و بعد از **many** به کار رفته؛ بنابراین باید آن را جمع ببندیم و به صورت **works** مورد استفاده قرار دهیم. در گزینه (۱) **memory** در معنی «حافظه» به کار رفته و در این جا قابل شمارش است؛ در گزینه (۳)، **weather** در قالب عبارت **in all weathers** (در هر هوایی، هوا هر طور که باشد) به کار رفته و فقط در این مورد خاص می‌تواند S جمع بگیرد و در نهایت در گزینه (۴)، **meat** (گوشت) و هم **salad** (سالاد) در این مورد غیرقابل شمارش هستند.

فهرست لغات توسط تمام دانش‌آموزان حفظ شده بود و هر کدام [از آن‌ها] در امتحان نمره بالای ۸۰ درصد گرفت.

◀ **student** (دانش‌آموز؛ دانشجو) قابل شمارش است؛ بنابراین اولاً کاربرد **much** قبل از آن صحیح نیست و ثانیاً بعد از **some** و **many** باید آن را جمع ببندیم (یعنی **students**). تا این جا گزینه درست (گزینه (۳)) پیدا شد. در مورد جای خالی دوم هم دقت کنید که شکل جمع **percent** بدون تغییر همان **percent** است.

شمال شرق [کشور]، منطقه‌ای بی‌رونق با بیکاری زیاد شده است. برای فارغ‌التحصیلان مدرسه، تنها تعداد کمی کار هست.

◀ **unemployment** (بیکاری) یک اسم غیرقابل شمارش است؛ بنابراین در جای خالی اول، پیش از این اسم نمی‌توانیم از **many** استفاده کنیم. اما **jobs** در جای خالی دوم، اسم قابل شمارش جمع است و در نتیجه قبل از آن نمی‌توانیم از **little** استفاده کنیم. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در شمال شرق کشور کار کمی وجود دارد؛ بنابراین **too many** و **so many** در گزینه‌های (۱) و (۲) از نظر مفهومی نمی‌توانند صحیح باشند.

◀ با توجه به این که داشتن اطلاعات در مورد یک موضوع خاص، یک مفهوم غیرقابل شمارش است، برای آن نمی‌توانیم از **few** استفاده کنیم (دلیل نادرستی گزینه (۳)). علاوه بر این، طبق معنی جمله دوم، **very much** (خیلی زیاد) در گزینه (۴) هم از نظر مفهومی نمی‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که میزان جذاب بودن یک موضوع خاص برای شخص هم یک مفهوم غیرقابل شمارش است؛ بنابراین در جای خالی دوم هم فقط می‌توان از **much** استفاده کرد، نه **many**. از شما می‌خواهم پنج دقیقه استراحت کنید. به استراحت نیاز دارید.
◀ **break** (استراحت؛ تنفس) و هم **rest** (استراحت) در این جمله‌ها اسم‌های قابل شمارش هستند؛ بنابراین با توجه به مفرد و مجهول بودن هر دوی این اسم‌ها، هر دو بدون S جمع به کار می‌روند و پیش از هر دو به **a** نیاز داریم.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) او در مورد تاریخ آمریکا هیچ دانشی ندارد.
(۲) اگر از محل‌های بلند می‌ترسید، از این برج بالا نروید.
(۳) بسیاری از مردم، مرغ سرخ شده را با انگشتانشان می‌خورند.
(۴) سعید آخرین تکه نان را خورد، پس سحر چیزی برای خوردن نداشت.
◀ در گزینه (۱)، **knowledge** (دانش، معلومات) باید بدون S جمع به کار رود، چرا که این اسم همواره غیرقابل شمارش است. در مورد گزینه (۳) دقت کنید که **chicken** وقتی در معنی «گوشت مرغ» باشد غیرقابل شمارش است، اما در صورتی که در معنی «مرغ» باشد، قابل شمارش خواهد بود. با توجه به این که **chicken** در گزینه (۲) در معنی اول به کار رفته، جمع بستن آن با S جمع صحیح نیست. **bread** (نان) هم در گزینه (۴) غیرقابل شمارش است و S جمع نمی‌گیرد. اما در گزینه (۲) با توجه به این که **height** در معنی «محل مرتفع» به کار رفته، قابل شمارش است و می‌تواند S جمع بگیرد. توجه کنید که اگر همین اسم **height** در معنی «ارتفاع، بلندی» به کار رفته بود، غیرقابل شمارش به حساب می‌آمد و S جمع نمی‌گرفت.

بادها از این سو به آن سوی دریا می‌وزند و امواج کوچک را به امواج بزرگ‌تر و بزرگ‌تر تبدیل می‌کنند.

◀ این تست را این جا گذاشتم تا ببینم حواستان چه قدر جمع است! در این تست **little** (کوچک) به عنوان صفت برای **waves** (امواج) به کار رفته و اصلاً صفت شمارشی نیست!

◀ **carl** برای اتاق نشیمن‌اش به اسباب و اثاثیه نو نیاز دارد، اما او نمی‌خواهد پول زیادی را خرج خرت‌وپرت‌های بیشتر بکند.

◀ در این جمله، هر سه اسم **furniture** (اسباب و اثاثیه)، **money** (پول) و **junk** (خرت‌وپرت، آت‌وآشغال) غیرقابل شمارش هستند و نمی‌توانند S جمع بگیرند؛ بنابراین در بین گزینه‌ها، فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد. البته دقت کنید که پیش از جای خالی دوم، فعل منفی داریم و در نتیجه در این جای خالی نمی‌توانیم از **some** استفاده کنیم و باید به جای آن **any** قرار گیریم، ولی کاربرد **a lot of** مشکلی ندارد.

نمی‌توانم روی قفسه‌ها برای همه کتاب‌هایم جا پیدا کنم. تعداد خیلی زیادی کتاب دارم.

◀ **room** در صورتی که در معنی «اتاق» به کار رود، قابل شمارش است و می‌تواند با S جمع بسته شود، اما در صورتی که این اسم را در معنی «فضا، جا» به کار ببریم، غیرقابل شمارش خواهد بود و نمی‌توان آن را جمع بست.

۳۸۲۶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

قطار به دلیل برف سنگین، سی و پنج دقیقه تأخیر داشت.
 در بین دو بخش اعداد دو بخشی از بیست و یک تا نود و نه، حتماً باید یک خط تیره کوچک قرار دهیم؛ بنابراین thirty-five (سی و پنج) در گزینه‌های (۲) و (۴) دارای نگارش صحیحی نیست. دقت کنید که snow (برف) در آخر جمله، یک اسم غیرقابل شمارش است؛ بنابراین این اسم را نمی‌توانیم با S جمع ببندیم.

۳۸۲۷ قصد دارم چند روز را با تعدادی از دوستانم بگذرانم که در شمال اسکاتلند زندگی می‌کنند.

فعل spend (در معنی گذراندن زمان) یک فعل متعدی است و مفعول آن (در این تست a few days / too many days) باید بلافاصله بعد از آن به کار رود؛ بنابراین یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد ادامه جمله نیز توجه کنید که در زبان انگلیسی می‌توان برای بیان مالکیت، از ساختار «ضمیر ملکی + of» بعد از اسم (some friends) در این تست) استفاده کرد. در واقع جمله صورت تست را به صورت زیر هم می‌توان بیان کرد:

I'm going to spend a few days with some of my friends, who live in the north of Scotland.

۳۸۲۸ آن‌ها در کشوری زندگی می‌کنند که هزینه یک لیتر بنزین کم‌تر از هزینه یک لیتر آب است.

همان‌طور که در گزینه‌ها هم مشخص است، liter (لیتر) هم می‌تواند واحد شمارش gasoline (بنزین) باشد و هم واحد شمارش water (آب). دقت کنید که هم gasoline و هم water، اسم‌های غیرقابل شمارش هستند و بنابراین جمع بستن آن‌ها با S نادرست است (یکی از دلایل نادرستی گزینه (۳)). علاوه بر این، چون liter یک اسم قابل شمارش است، طبق مفهوم جمله، آن را به صورت مفرد نیاز داریم؛ به عبارت دیگر، پیش از این اسم باید از حرف تعریف نامعین a استفاده کنیم و طبق مفهوم جمله نباید آن را جمع ببندیم. هم‌چنین دقت کنید که یکی از دلایل بسیار واضح نادرستی گزینه (۴)، استفاده از اسم جمع (liters) بعد از حرف تعریف a (به معنی یک) است.

۳۸۲۹ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) تام به ما توصیه کرد که زود حرکت و از ترافیک صبح اجتناب کنیم.
 (۲) برف در سرتاسر شهر باعث ترافیک شد.
 (۳) ما به مدت بیش از دو ساعت در ترافیک گیر کردیم.
 (۴) همیشه در این وقت روز، این‌جا ترافیک سنگینی وجود دارد.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، traffic (ترافیک) یک اسم غیرقابل شمارش است، اما عبارت تقریباً هم‌معنی آن یعنی traffic jam قابل شمارش می‌باشد؛ بنابراین کاربرد traffics با S جمع در گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست است. ولی traffic jams در گزینه (۲) و a traffic jam در گزینه (۳) هیچ مشکلی ندارند. اما گزینه (۳) یک مشکل دیگر دارد و آن مفرد بودن اسم قابل شمارش hour (ساعت) بعد از عدد two (دو) است.

۳۸۳۰ ساموئل؛ برای سؤالات احمقانه تو وقت کمی دارم (وقت ندارم). حالا

به من بگو چه چیزی می‌خواهی و وقتم را هدر نده.
 در هر دو جای خالی، time در مفهوم عام «زمان و وقت» به کار رفته و غیرقابل شمارش است؛ بنابراین در هیچ‌کدام از این دو مورد نمی‌توانیم time را با S جمع ببندیم. در نتیجه در بین گزینه‌ها، فقط گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.
 ۳۸۳۱ فیزیک بهترین نمونه از علمی است که نظریه‌های ذوی [و] انتزاعی را ایجاد کرده است.

physics (فیزیک) در این جمله نقش فاعل را دارد و طبیعتاً بعد از آن به فعل (is یا are) نیاز داریم و کاربرد فاعل کاذب (it یا that) بین آن‌ها صحیح نیست. دقت کنید که نام علوم (مثل physics) برخلاف ظاهر جمع‌شان، مفرد به حساب می‌آید و بعد از آن‌ها به فعل مفرد (در این جا is) نیاز داریم. نه فعل جمع (در این جا are).

۳۸۳۲ دیروز در باشگاه خیلی ورزش کردم. عضله‌هایم واقعاً درد می‌کند.

exercise در صورتی‌که به مفهوم عام ورزش اشاره کند، غیرقابل شمارش است، اما در صورتی‌که آن را برای انواع مختلف ورزش یا تمرین‌ها به کار ببریم، قابل شمارش خواهد بود و می‌تواند S جمع بگیرد. در این تست، exercise را در معنی اول داریم و بنابراین نمی‌توانیم آن را جمع ببندیم. دقت کنید که جابه‌جا شدن too و much و هم‌چنین جمع بسته شدن exercise در گزینه (۱)، استفاده از many پیش از اسم غیرقابل شمارش exercise در گزینه (۳) و استفاده هم‌زمان از much و many و همین‌طور شکل جمع exercise در گزینه (۴)، باعث غلط شدن این گزینه‌ها شده است.

۳۸۳۳ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

ما قبل، دختر بیست و دو ساله ما، دختر کوچکی را به دنیا آورد.
 اگر به این تست اشتباه جواب دادید، جای نگرانی ندارد! چرا که این تست دارای نکات فراتر از درسنامه ابتدای درس است. در صورتی‌که سن افراد، به عنوان صفت، پیش از اسم (در این تست daughter) قرار گیرد، اولاً S از پایان years حذف می‌شود و ثانیاً بین تمام کلمات از یک خط تیره کوچک استفاده می‌کنیم (مثل همین twenty-two-year-old). در مورد آخر جمله هم دقت کنید که girl (دختر) یک اسم قابل شمارش مفرد است که little (کوچک) به عنوان صفت آن به کار رفته است و با توجه به مفهوم جمله به حرف تعریف نامعین a نیاز دارد.

۳۸۳۴ ما برای این کار شخصی با تجربه و هم‌چنین [دارای] تحصیلات دانشگاهی را می‌خواهیم.

هم experience (تجربه) و هم education (آمزش؛ تحصیلات) غیرقابل شمارش هستند؛ بنابراین هیچ‌کدام از این دو اسم را نمی‌توان با S جمع بست.

۳۸۳۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

وقتی که دیروز آن عکس حیرت‌انگیز را در اتاق نشیمن هری دیدم، به سختی می‌توانستم آن‌چه را که می‌دیدم باور کنم.

amazing (شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز) برای picture (عکس) صفت می‌باشد و کاربرد آن به صورت قید حالت (amazingly) از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست. دقت کنید که اگر در جمله، هم قی، مکان و یا عبارات

(حضار، مخاطبان) را نخوانده‌اید و احتمالاً نمی‌دانید قابل شمارش است یا غیرقابل شمارش. اما تجربه سال‌های اخیر کنکور نشان داده است که طراح کنکور خودش را به خصوص در مورد دامنه لغت دانش‌آموزان، چندان به کتاب‌های درسی مقید نمی‌کند. با توجه به این‌که **audience** یک اسم غیرقابل شمارش است، جمع بستن آن در گزینه (۳) باعث غلط شدن این گزینه شده است. البته دقت کنید که حتی اگر شما معنی کلمه **audience** را نمی‌دانستید، قطعاً با حذف سایر گزینه‌ها می‌توانستید به پاسخ تست برسید. ۴۸۴۱ اگر کمی وقت دارید، می‌توانید بیابید و به کامپیوتر من نگاهی بیندازید؟ خیلی خوب کار نمی‌کند.

time در صورتی‌که به مفهوم عام زمان اشاره داشته باشد، غیرقابل شمارش خواهد بود و نمی‌تواند S جمع بگیرد. در این تست، **time** را در مفهوم عام زمان داریم؛ بنابراین نمی‌توانیم آن را جمع ببندیم. در مورد جای خالی دوم هم دقت کنید که در این بخش جمله از عبارت **take / have a look at sth** (نگاه کردن به چیزی، نگاه انداختن به چیزی) استفاده شده که شکل ثابتی دارد و **a** در آن قابل حذف نیست.

۴۸۴۲ امروزه، شمار افرادی که از ورزش‌های زمستانی لذت می‌برند، بسیار بیشتر از تعداد بیست سال قبل است.

number در صورتی‌که در معنی «تعداد» و به خصوص در قالب عبارت **the number of** (تعداد، شمار) به کار رود، همواره مفرد خواهد بود. دقت کنید که بین **people** و **who** رابطه ملکیت وجود ندارد؛ بنابراین کاربرد **'s** در گزینه‌های (۲) و (۴) صحیح نیست. در جای خالی دوم نیز ضمیری داریم که جایگزین اسم مفرد **number** شده است و با توجه به مفرد بودن اسم، ضمیر هم باید مفرد باشد (یعنی **that**، نه **those**).

۴۸۴۳ A: «دیشب چند نفر در بازی بودند؟»
B: «تقریباً هیچ‌کس. افراد کمی می‌خواهند [بازی] تیمی را تماشا کنند که همیشه می‌بازد.»

برای پرسش در مورد اسامی قابل شمارش از **how many** (چه تعداد) و برای پرسش در مورد اسامی غیرقابل شمارش از **how much** (چه مقدار) استفاده می‌شود. با توجه به این‌که **people** یک اسم قابل شمارش جمع است، در جای خالی اول به **how many** نیاز داریم. طبق مفهوم جمله، افراد کمی مایل به تماشای بازی تیمی هستند که همواره می‌بازد؛ بنابراین در جای خالی دوم، از نظر معنایی **few** صحیح است. نه **many** در مورد جای خالی سوم هم توجه کنید که قیدهایی تکرار (در این تست **always**) همواره پیش از فعل اصلی (در این تست **loses**) به کار می‌روند.

۴۸۴۴ مردی که در صندلی کناری من بود، جدول کلمات متقاطع حل می‌کرد. او حقایق، جزئیات و آمارهای بسیاری را می‌دانست. او دانش زیادی داشت. **facts, details and statistics** (حقایق، جزئیات و آمارها) بعد از جای خالی اول، اسامی قابل شمارش جمع هستند و پیش از آن‌ها نمی‌توانیم از **much** استفاده کنیم. در حالی‌که **knowledge** (دانش، معلومات) بعد از جای خالی دوم، غیرقابل شمارش است و پیش از آن از **many** نمی‌توان استفاده کرد؛ بنابراین هر سه گزینه (۱)، (۲) و (۳) به راحتی حذف می‌شوند.

معادل آن (در این تست **in Harry's living room**) و هم قید زمان (در این تست **yesterday**) را داشتیم، قید مکان پیش از قید زمان قرار می‌گیرد. ۴۸۳۶ به علت شرایط آب و هوایی بد، افراد بسیار کمی قادر بودند در جلسه شرکت کنند.

weather (هوا، آب و هوا) اصولاً و به جز یک کاربرد خاص، در تمامی موارد غیرقابل شمارش است و S جمع نمی‌گیرد. البته این تست یک نکته اضافه‌تر هم دارد؛ در صورتی‌که دو اسم در زبان انگلیسی کنار هم به کار روند و در واقع اسم اول در نقش صفت اسم دوم باشد، اسم اول همواره مفرد خواهد بود و نمی‌توانیم آن را جمع ببندیم، بنابراین **weather** باید در هر صورت پیش از **conditions** به صورت مفرد به کار رود. در مورد جای خالی دوم هم توجه کنید که **very**، شدت **few** را نشان می‌دهد و در نتیجه باید پیش از آن قرار گیرد. ۴۸۳۷ لیلا محبوب است. او دوستان زیادی دارد. اما نانسی [دوستان] زیادی ندارد.

friends (دوستان) اسم قابل شمارش جمع است؛ بنابراین از نظر گرامری هر چهار مورد موجود در گزینه‌ها می‌توانند در جای خالی اول قرار گیرند. اما با توجه به مفهوم جمله و محبوب بودن لیلا، فقط **a lot of** و **many** در گزینه‌های (۱) و (۲) می‌توانند جمله را به شکل مناسبی کامل کنند. در مورد جای خالی دوم، دقت کنید که با توجه به عدم استفاده از اسم بعد از این جای خالی، در این جا به ضمیری نیاز داریم که جایگزین **many (a lot of) friends** شده باشد. در بین گزینه‌ها، فقط **many** قابلیت جانشین شدن به جای این عبارت اسمی را دارد.

۴۸۳۸ لندن در زمستان آفتاب کمی دارد. به این دلیل است که تعداد خیلی زیادی از افراد بریتانیایی برای تعطیلات به جاهای آفتابی می‌روند! **sunshine** (آفتاب، نور خورشید) یک اسم غیرقابل شمارش است و پیش از آن نمی‌توان از **few** استفاده کرد. **people** (افراد) در جای خالی دوم یک اسم قابل شمارش جمع است؛ بنابراین پیش از آن نمی‌توانیم از **much** استفاده کنیم. **few** هم که به تعداد اندک اشاره دارد و از نظر معنایی نمی‌تواند در جای خالی دوم به کار رود.

۴۸۳۹ متأسفانه امسال تابستان دفعات کمی باران باریده است و به آن دلیل است که علف در حال قهوه‌ای شدن و خشک شدن است. کشاورزان بسیار ناراحت هستند.

time در صورتی‌که به معنی «دفعه، مرتبه، بار» باشد، قابل شمارش خواهد بود و بسته به معنی جمله می‌تواند S جمع بگیرد؛ بنابراین یکی از گزینه‌های (۲) و (۴) صحیح هستند. **grass** (علف؛ چمن) هم که غیرقابل شمارش است و نمی‌توان آن را جمع بست.

۴۸۴۰ کدام‌یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) معلم در انشای انگلیسی من، چندین اشتباه را گفت.
(۲) او به چندان از لباس‌ها نگاه کرد و تصمیم گرفت گران‌ترین را بخرد.
(۳) سخنرانی حمید به قدری کسل‌کننده بود که چندین نفر از حضار خوابشان برد.
(۴) آن‌ها ماه گذشته مجبور شدند چند صد کارگر را از کارخانه اخراج کنند.
راستش را بخواهید، می‌دانم که شما در کتاب درسی‌تان کلمه **audience**

دقت کنید که **a lot of** را هم می‌توان قبل از اسامی غیرقابل شمارش به کار برد و هم پیش از اسامی قابل شمارش جمع.

۱۸۴۵ A: «آیا برای کاری که هفته قبل در روزنامه آگهی کردید، هیچ درخواستی دریافت کرده‌اید؟»
B: «بله، اما فقط چند تا.»

در جملات منفی و سؤالی، به جای **some** باید از **any** استفاده کنیم؛ بنابراین برای جای خالی اول، فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. **paper** در صورتی که در معنی «روزنامه» به کار رود، قابل شمارش خواهد بود؛ بنابراین کاربرد آن به صورت مفرد یا جمع مشکل خاصی نخواهد داشت. **a few** هم در جای خالی سوم ضمیر مختص اسامی قابل شمارش جمع است و جایگزین **a few applications** (چند تا درخواست) شده است. دقت کنید که هر چند **many** در گزینه (۲) هم می‌تواند به عنوان ضمیر جایگزین اسم‌های قابل شمارش جمع گردد، اما کاربرد این کلمه از نظر معنایی در این جا صحیح نیست.

۱۸۴۶ ۲ ماه قبل برای شرکت ماه خوبی بود. ما چند تا مشتری جدید پیدا کردیم و هم چنین سودمان را افزایش دادیم.

customer (مشتری) اسم قابل شمارش است؛ بنابراین اولاً پیش از آن نمی‌توانیم از **much** استفاده کنیم و ثانیاً صفت (در این تست **new**) پیش از آن به کار می‌رود، نه بعد از آن. **profit** (سود) هم که در این مورد یک اسم غیرقابل شمارش است و نمی‌تواند **S** جمع بگیرد.

۱۸۴۷ ۱ او اعتماد به نفس کمی دارد. او در صحبت کردن با افراد جدید، خیلی دردرس دارد.

self-confidence (اعتماد به نفس) و هم **trouble** (مشکل، دردسر) اسامی غیرقابل شمارش هستند. در جای خالی اول، با توجه به کم بودن اعتماد به نفس شخص و وجود بار معنایی منفی، از **little** استفاده می‌کنیم. در جای خالی دوم نیز در بین گزینه‌های موجود باید **a lot of** یا **lots of** استفاده کنیم تا به دردسر و مشکلات زیاد شخص اشاره شود.

۱۸۴۸ ۲ در کشور من، بیشتر دانشگاه‌ها طیف گسترده‌ای از دوره‌ها را ارائه می‌کنند. به این دلیل است که آن‌ها توسط دانشجویان خارجی هم ترجیح داده می‌شوند.

عبارت **a wide range of** (طیف گسترده‌ای، انواع گسترده‌ای) در این تست، شکل ثابتی دارد و نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم. علاوه بر این، بعد از این عبارت، به اسم قابل شمارش جمع (در این تست **courses**) نیاز داریم.
۱۸۴۹ ۲ در کارخانه انفجاری اتفاق افتاد و چند نفر مصدوم شدند. ما هنوز نمی‌دانیم چند نفر.

people خودش شکل جمع اسم **person** (شخص، فرد) است و اصولاً نمی‌توانیم برای آن از **S** جمع استفاده کنیم؛ مگر این‌که این اسم به «ملت‌ها» اشاره داشته باشد، نه «جمع افراد». دقت کنید که برای اشاره به اسامی قابل شمارش جمع (مثل **people** در این تست) از **how many** استفاده می‌شود، نه **how much**.

۱۸۵۰ ۳ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

- (۱) عمومی از من خواست که از مرغ‌ها در حیاط مراقبت کنم.
- (۲) ما در مزرعه‌مان ده تا گاو ماده و پانزده تا مرغ داریم.
- (۳) وقتی وارد آشپزخانه شدم، او برنج و مرغ درست می‌کرد.
- (۴) جنس نر خروس و جنس ماده مرغ نامیده می‌شود.

chicken در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) در معنی «مرغ یا خروس» به کار رفته؛ بنابراین در این موارد می‌توان این اسم را جمع بست یا پیش از آن از حرف تعریف نامعین **a** استفاده کرد. اما در گزینه (۳)، **chicken** در معنی «گوشت مرغ» به کار رفته؛ بنابراین این اسم در این مورد غیرقابل شمارش است و نمی‌تواند با **S** جمع بسته شود.

۱۸۵۱ ۲ دانشجویان باهوش استاد میپل، تکالیف خودشان را پیش از کلاس کامل کردند و تحویل دادند.

باتوجه به ترتیب صحیح اجزای جملات ساده خبری، گزینه (۲) را انتخاب می‌کنیم:

Professor Maple's intelligent students completed and

فعل فاعل

turned in their homework before the class.

زمان انجام فعل مفعول فعل

۱۸۵۲ ۳ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

- (۱) مرزبانان من را متوقف کردند و خواستند که مدارک من را ببینند.
- (۲) به گفته روزنامه‌ها، در شهر آتش‌سوزی بزرگی بود (اتفاق افتاد).
- (۳) لطفاً به من یک مداد و چند برگ کاغذ بدهید.
- (۴) آن عکس در صفحه اول تمامی روزنامه‌ها بود.

paper در صورتی که در معنی «کاغذ» باشد، غیرقابل شمارش است و نمی‌تواند **S** جمع بگیرد؛ بنابراین گزینه (۳) نادرست است. اما در گزینه (۱)، **paper** را در معنی «مدرک» و در گزینه‌های (۲) و (۴) آن را در معنی «روزنامه» داریم. با توجه به این‌که این کلمه در معانی به کار رفته در این سه گزینه، قابل شمارش است، جمع بسته شدن آن در این گزینه‌ها هیچ مشکلی ندارد.

۱۸۵۳ ۲ فکر نمی‌کنم کمبود شدید آب قابل مصرف وجود داشته باشد، چون که دیروز بارش باران زیادی وجود داشت.

shortage (کمبود) در این جا قابل شمارش است و با توجه به کاربرد **a** پیش از آن، باید به شکل مفرد بیاید. اما **rainfall** (بارش باران) غیرقابل شمارش است؛ بنابراین هیچ‌کدام از این اسم‌ها را نمی‌توان با **S** جمع بست. در نتیجه در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۱۸۵۴ ۱ او کاملاً فقیر است. از وقتی که پارسال کارش را از دست داد، پول کمی داشته است.

با توجه به ترتیب صحیح اجزای جملات انگلیسی، در جای خالی اول، بعد از فاعل (**she**)، ابتدا فعل (**lost**) قرار می‌گیرد و بعد از آن به ترتیب مفعول (**her job**) و قید زمان (**last year**) را به کار می‌بریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که **money** (پول) یک اسم غیرقابل شمارش است و کاربرد **a few** و **few** پیش از آن صحیح نیست.

یافته است، اشاره می‌کند؛ بنابراین در این‌جا اسم قابل شمارش است و بعد از **several** (چند، چندین) جمع بسته می‌شود. اما در جای خالی دوم، با توجه به کاربرد واحد **strands** (تارهای مو) قبل از جای خالی و مفهوم جمله، می‌توان متوجه شد که در جای خالی به اسم غیرقابل شمارش نیاز داریم.

۱۸۵۹ طبق مطالعات، دلفین‌ها، نهنگ‌ها و بسیاری دیگر از موجودات دریایی، سیستم‌های جهت‌یابی بسیار پیشرفته‌ای را به کار می‌برند.

۱۸۶۰ **animal** (حیوان) اسم قابل شمارش است و بعد از **a lot of many** و **most** باید آن را جمع ببندیم. دقت کنید که در این جمله **other** نقش صفت را برای **animals** دارد و جمع بستن آن به عنوان صفت صحیح نیست. در مورد گزینه (۴) نیز توجه کنید که طبق مفهوم جمله، **sea** باید قبل از **animals** قرار گیرد.

۱۸۶۰ در ابتدای جلسه چندین نفر بودند اما بیشتر آن‌ها زود رفتند بنابراین الان افراد زیادی باقی نمانده است.

بیشتر موارد به کار رفته در گزینه‌ها از نظر گرامری می‌توانند در این جمله به کار روند اما با در نظر گرفتن معنی جمله، آن را فقط می‌توانیم با موارد به کار رفته در گزینه (۱) کامل کنیم. برای این که منظور ما را بهتر متوجه شوید، موارد تک‌تک گزینه‌ها را در جاهای خالی قرار دهید. می‌بینید جمله با هیچ‌کدام از آن‌ها به جز موارد گزینه (۱) نمی‌تواند معنی مناسبی داشته باشد.

۱۸۶۱ «برای شام امشب به چند تا صندلی اضافی نیاز دارید؟» «چند تا. ما تقریباً تمامی صندلی‌هایی را که نیاز داریم، [همین الان] داریم.»

۱۸۶۲ از **how many** برای پرسش در مورد اسم‌های قابل شمارش جمع (مثل **chairs** در این تست) و از **how much** برای پرسش در مورد اسامی غیرقابل شمارش استفاده می‌کنیم؛ بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در جای خالی دوم، از نظر گرامری، هم می‌توانیم **a few** را به عنوان ضمیر استفاده کنیم و هم **many** را. اما با توجه به معنی جمله، آن را فقط می‌توانیم با **a few** کامل کنیم.

۱۸۶۲ اگرچه او فکر می‌کرد بخش عمده موضوع را بلد است، [اما] معلم جزئیاتی را پرسید که او [آن‌ها را] به سختی به یاد می‌آورد.

از **many** و **a few** قبل از اسامی قابل شمارش جمع استفاده می‌شود. دقت کنید که در این جمله، گوینده به بخش‌های مختلف یک مبحث درسی اشاره دارد که اساساً یک مفهوم غیرقابل شمارش است و در بین گزینه‌ها، فقط با **much** به کار می‌رود. **details** (جزئیات) هم که یک اسم قابل شمارش جمع است و در بین موارد موجود در گزینه‌ها، **a few** و **many** را می‌توانیم پیش از آن قرار دهیم.

۱۸۶۳ A: «در مورد کار جدیدتان چه احساسی دارید؟ آیا به اندازه گذشته مسئولیت دارید؟»

B: «این کار عالی است. تقریباً باید به همان میزان گذشته کار کنم، اما مشکلات کم‌تری دارم.»

راستش را بخواهید این تست آخر مبحث گرامر، برخلاف ظاهرش تست خیلی راحتی بود! کافی بود شما متوجه می‌شدید که **work** در جای خالی دوم به معنی «کار» است و غیرقابل شمارش می‌باشد؛ بنابراین به همین راحتی می‌توانستید گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) را به دلیل جمع بسته شدن **work** حذف کنید!

۱۸۵۵ نوزاد در چند ماه ابتدایی زندگی، یاد می‌گیرد چه‌طور سرش را بالا بیاورد، چه‌طور لبخند بزند و چه‌طور پدر و مادرش را بشناسد.

۱۸۵۶ **month** (ماه) یک اسم قابل شمارش است و چون بعد از **few** آمده، باید جمع بسته شود. **life** (زندگی، حیات) هم در این‌جا غیرقابل شمارش است؛ بنابراین گزینه‌های (۱) و (۲) به راحتی حذف می‌شوند. در مورد گزینه (۴) دقت کنید که **first** صفت شمارشی **months** است و در انگلیسی صفت پیش از اسم به کار می‌رود. **parent** در جای خالی دوم هم، چون به «پدر و مادر» اشاره دارد، باید جمع بسته شود.

۱۸۵۶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) من بعد از مدرسه [خودم]، به مدرسه (آموزشگاه) انگلیسی می‌روم تا مکالمه انگلیسی را تمرین کنم.

(۲) ما احتمالاً بدون حمایت شما قادر نخواهیم بود این برنامه را عملی کنیم.
(۳) صحبت کردن سلیس به یک زبان خارجی، به مقدار زیادی تمرین نیاز دارد.
(۴) آن شرکت هیچ تلاشی نکرد تا رویه‌های تجاری‌اش را بهبود ببخشد.

همان‌طور که حتماً متوجه شدید، وجه مشترک گزینه‌های این تست، وجود کلمه **practice** در تمام گزینه‌ها است. در گزینه (۱) **practice** را در معنی فعل «تمرین کردن» داریم و جمله هم هیچ مشکلی ندارد. در گزینه (۳) کلمه **practice** در معنی «تمرین» به کار رفته؛ بنابراین غیرقابل شمارش است و در جمله به درستی به کار رفته است. در گزینه (۴)، **practice** را در معنی «روال معمول، رویه» داریم؛ بنابراین در این گزینه، کلمه **practice** قابل شمارش است و جمع بسته شدن آن مشکلی ندارد. اما در گزینه (۲)، کلمه **practice** در قالب عبارت **put sth into practice** (چیزی را عملی کردن) به کار رفته و با توجه به این‌که در این عبارت **practice** غیرقابل شمارش است، جمع بسته شدن آن در گزینه (۲) نادرست است.

۱۸۵۷ اگرچه در این کشور تعداد زیادی دانشجوی نابغه وجود دارد، تنها تعداد اندکی [از آن‌ها] تصمیم خواهند گرفت که بعد از فارغ‌التحصیلی در کشور بمانند.

۱۸۵۸ **brilliant** (نابغه، باهوش) صفت اسم **students** (دانشجویان) است و در زبان انگلیسی، صفت پیش از اسم به کار می‌رود. (یکی از دلایل غلط بودن گزینه (۱)، بعد از **only**، تنها از **a few** و **a little** می‌توان استفاده کرد؛ و با توجه به این که ضمیر به کار رفته در جای خالی دوم به اسم قابل شمارش جمع **students** اشاره دارد، در بین این دو مورد هم فقط **a few** می‌تواند صحیح باشد؛ بنابراین طبق جای خالی دوم، فقط گزینه (۳) صحیح خواهد بود! در نهایت دقت کنید که **graduation** (فارغ‌التحصیلی) یک اسم غیرقابل شمارش است و جمع بسته شدن آن در گزینه (۱) نادرست است.

۱۸۵۸ پلیس چندتا از [تار] موهائی را که یافتند آزمایش کرد تا ببینند که آیا دی‌ان‌ای مطابقت دارد. هیچ‌کدام از تارهای موئی که آن‌ها آزمایش کردند با دی‌ان‌ای مطابقت نداشت.

۱۸۵۸ **hair** در صورتی‌که به مفهوم عام مو اشاره داشته باشد، غیرقابل شمارش است و **s** جمع نمی‌گیرد. اما در صورتی‌که **hair** به معنی تار موی مشخص باشد، قابل شمارش خواهد بود و می‌تواند بسته به معنی جمله، جمع هم بسته شود. در جای خالی اول، گوینده جمله به چند تار موئی که پلیس

۴ ۸۷۳ در این جای خالی به ضمیری نیاز داریم که جایگزین other languages (سایر زبان‌ها) شده باشد. با توجه به این که این عبارت اسمی جمع می‌باشد، در بین گزینه‌ها هم باید به دنبال ضمیر جمع بگردیم. در بین چهار مورد ارائه شده، فقط others (بقیه، سایرین) می‌تواند به عنوان ضمیر جمع به کار رود.

متن کلوز ۳

در طول ۶۰۰ سال اخیر، انگلیسی از یک زبان دارای چند متکلم رشد کرده است تا زبان غالب ارتباطات بین‌المللی شود. تا سده ۱۶۰۰، انگلیسی عمدتاً فقط در انگلیس صحبت می‌شد و حتی تا ولز، اسکاتلند یا ایرلند گسترش نیافته بود. با وجود این، در جریان دو قرن بعدی، انگلیسی در نتیجه اکتشافات، تجارت (از جمله تجارت برده)، استعمار و فعالیت‌های مisionری (تبلیغ دین مسیحیت)، شروع به پخش شدن در جهان کرد. در نتیجه، جزایر کوچکی از متکلمان انگلیسی، در بخش‌های مختلف جهان، بایریری شد و رشد کرد. با گسترش یافتن این اجتماعات، انگلیسی آرام‌آرام زبان اصلی تجارت، بانکداری و دیپلماسی بین‌المللی شد.

۴ ۸۷۴ با توجه به مفهوم جمله، ۶۰۰ سال قبل تعداد متکلمان زبان انگلیسی بسیار اندک بوده است؛ در بین موارد موجود در گزینه‌ها، تنها a few در گزینه (۴) به تعداد اندک اشاره دارد.

۱ ۸۷۵ (۱) تا، تا وقتی که (۲) بعد از

(۳) (در) میان، (در) بین (۴) از عرض؛ از وسط؛ در آن سوی

۴ ۸۷۶ حرف اضافه مناسب برای کشور (مثل England در این تست)، in می‌باشد.

۳ ۸۷۷ (۱) هزار (۲) صد (۳) قرن (۴) هزاره

millennia شکل جمع **millennium** (هزاره) می‌باشد.

۴ ۸۷۸ (۱) ملی (۲) داخلی؛ خانوادگی

(۳) باستانی؛ قدیمی (۴) مختلف؛ متفاوت

متن کلوز ۴

توانایی صحبت کردن یکی از مهارت‌هایی است که انسان‌ها را از باقی جهان حیوانات متفاوت می‌کند. اگرچه بعضی از حیوانات با ژست‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، گفتار انسان بسیار توسعه یافته‌تر است. برای مثال، در انگلیسی بیشتر مردم از واژگان حدود ۵۰۰۰ لغت در صحبت و ۱۰۰۰۰ [لغت] در نوشته استفاده می‌کنند. زبان شیوه سازمان‌دهی کردن اصوات گفتاری برای ابراز ایده‌ها است. زبان انسان در طول هزاران سال شکل گرفت و مردم در کشورهای مختلف از زبان‌های مختلف استفاده می‌کنند. بعضی از زبان‌ها، لغاتی را با زبان‌های کشورهای نزدیک به اشتراک دارند. برای مثال، کتاب هم در این‌لایی و هم در اسپانیایی **libro** و در فرانسوی **livre** است؛ ما در انگلیسی **library** (کتابخانه) را از همین ریشه می‌گیریم. در حال حاضر حدود ۷۰۰ زبان متفاوت و بسیاری از گویش‌ها، [یعنی] نسخه‌های محلی زبان‌های اصلی، وجود دارد.

۴ ۸۷۹ (۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن

(۲) پرورش دادن؛ توسعه یافتن؛ شکل گرفتن

(۳) محافظت کردن از؛ نگهداری کردن از

(۴) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

متن کلوز ۱

مزیت‌های نوعی از زبان بین‌المللی در جهان مدرن واضح است. به لطف روش‌های مدرن حمل و نقل، ما می‌توانیم راحت‌تر و سریع‌تر از هر زمان دیگری در گذشته، همه‌جا سفر کنیم، اما مشکل زبان همچنان باقی است. بدون زبان مشترک، بدفهمی‌ها اتفاق می‌افتد و بین مردم از ملیت‌های مختلف هیچ [نوع از] ارتباط واقعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. برای این مشکل، دو راه حل احتمالی وجود دارد: یا ما یکی از زبان‌های اصلی موجود در جهان را انتخاب می‌کنیم، یا زبانی مصنوعی می‌سازیم. اما هیچ‌کدام از [این] راه‌حل‌ها آسان نیست چون هیچ زبان اصلی موجودی برای همه قابل قبول نخواهد بود و چون یک زبان مصنوعی مثل اسپرانتو هیچ ادبیاتی ندارد و توسط بسیاری از یادگیرندگان کسل‌کننده در نظر گرفته خواهد شد.

۲ ۸۶۴ (۱) تعجب کردن؛ در فکر فرو رفتن؛ از خود پرسیدن

(۲) برگشتن؛ برگرداندن

(۳) سفر کردن، مسافرت کردن

(۴) حاضر شدن در، شرکت کردن در

۳ ۸۶۵ با توجه به کاربرد **more easily** (آسان‌تر) و **more quickly** (سریع‌تر) پیش از جای خالی، در جمله با قید تفضیلی **so** و **car** داریم و آن را باید با **than** کامل کنیم.

۱ ۸۶۶ (۱) بدون (۲) در عوض، به جای

(۳) علاوه بر، گذشته از (۴) فراسوی، آن سوی

۲ ۸۶۷ (۱) آزمایش (۲) ملیت

(۳) رشد؛ پیشرفت؛ توسعه (۴) تضاد؛ اختلاف

۳ ۸۶۸ (۱) در نوسان بودن؛ دارای طیف بودن

(۲) ترجمه کردن

(۳) انتخاب کردن، برگزیدن

(۴) اختراع کردن؛ ابداع کردن

متن کلوز ۲

ممکن است زبان در یک محل آغاز و از آن محل پخش شده باشد. یا ممکن است در عوض در چندین محل آغاز شده باشد. در هر حال، اگر مردم جهان در تمام طول تاریخ‌شان، با هم از نزدیک در ارتباط بودند، ممکن بود ما الان فقط یک زبان داشتیم. اما کوه‌ها و دریاها، انسان‌ها را جدا نگه داشتند. امروزه، بیش از ۱۰۰۰ زبان وجود دارد. بعضی توسط چندین میلیون نفر تکلم می‌شوند؛ بقیه [زبان‌ها] توسط چند هزار [نفر].

۲ ۸۶۹ (۱) تاکنون

(۲) در عوض، به جایش

(۳) مگر این که

(۴) علاوه بر، گذشته از

۱ ۸۷۰ (۱) از نزدیک (۲) برای مدت کوتاهی؛ به طور خلاصه

(۳) بی سر و صدا، در سکوت (۴) با ملایمت؛ به نرمی

۱ ۸۷۱ (۱) اما، ولی (۲) بنابراین، از این رو

(۳) گرچه، اگرچه (۴) در حالی که؛ هنگامی که

۳ ۸۷۲ (۱) بردن؛ گرفتن

(۲) درست کردن؛ باعث ... شدن

(۳) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)

(۴) نگاه کردن؛ به نظر رسیدن

۸۸۷ (۴) ملی (۱) داخلی؛ خانوادگی (۲)

۸۸۸ (۳) خلاق؛ خلاقانه (۴) انسان، بشر؛ انسانی

۸۸۸ (۳) در سؤالات کلوز تست کنگور بسیار متداول است که از نکات گرامری و واژگان فراتر از سطح کتاب درسی تست طرح شود. هرچند شما هنوز در کتاب درسی تان به طور مستقیم آموزش ندیده‌اید که ضمیر موصولی (یعنی who, that, which و ...) برای فاعل انسان (در این تست the Phoenicians)، who یا that می‌باشد، در مثال‌های متعدد کتاب درسی با این موضوع مواجه شده‌اید. دقت کنید که چون زندگی فنیکی‌ها یک امر مربوط به زمان گذشته است، بعد از ضمیر موصولی who یا that به فعل در زمان گذشته ساده (در این تست lived) نیاز داریم.

متن ۱

انگلیسی زبان بین‌المللی نامیده می‌شود، اما در واقع چندین نوع از انگلیسی هست که در سرتاسر جهان وجود دارند. زبان انگلیسی در [کشور] انگلیس نشأت گرفت، اما به زودی انگلیسی به کشورهای دیگر منتشر شد و [روند] به وجود آمدن انواع مختلف انگلیسی آغاز شد. امروزه، کشورهایی را که در آن‌ها انگلیسی صحبت می‌شود، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

گروه اول، از آن کشورهایی تشکیل می‌شود که در آن‌ها انگلیسی زبان اول است. این‌ها کشورهایی هم‌چون انگلیس، کانادا، ایالات متحده، ایرلند، استرالیا و نیوزلند هستند. تنها در این کشورها، بیش از ۳۸۰ میلیون متکلم بومی انگلیسی وجود دارد. گروه دومی از کشورها هست که انواع [خاص] خودشان از انگلیسی را دارند. تاریخ آن‌ها به طور مستقیم تحت تأثیر یکی از جوامع ابتدایی انگلیسی‌زبان قرار گرفته است. آن‌ها از انگلیسی به روش‌های مهم مختلف در دولت خودشان و زندگی روزانه استفاده می‌کنند. هند، مالزی، فیلیپین و کنیا نمونه‌های این گروه [از کشورها] هستند. مجموع تعداد متکلمان در این گروه، در محدوده صدها میلیون است.

در گروه سوم کشورها، انگلیسی عمدتاً به عنوان زبان خارجی استفاده می‌شود. با وجود این، شهروندان [این کشورها] از زبان بومی‌شان در دولت خودشان و زندگی روزمره استفاده می‌کنند. بعضی از کشورهای این گروه، چین، روسیه، ژاپن، کره، برزیل، اندونزی و بسیاری از کشورهای اروپای غربی هستند. بعضی از مردم تعداد متکلمان این گروه را تا یک میلیارد [نفر] محاسبه می‌کنند؛ و این [عدد] به سرعت در حال افزایش است.

این شرایط در حال تغییر، سؤالات زیادی را مطرح می‌کند. آیا زبان دیگری به عنوان زبان بین‌المللی جایگزین انگلیسی خواهد شد؟ اگر نه، آیا مردم هم‌چنان از انگلیسی کشورهایی هم‌چون انگلیس یا ایالات متحده به عنوان الگو استفاده خواهند کرد؟ آیا انواع جدیدی از انگلیسی در کشورهایی هم‌چون چین یا برزیل شکل خواهد گرفت؟ یا آیا در آینده نوع بین‌المللی جدیدی از انگلیسی شکل خواهد گرفت که به هیچ کشور واحدی تعلق ندارد، بلکه به ناحیه‌ای کامل هم‌چون آسیا یا اروپا [تعلق دارد]؟

۸۸۹ انگلیس، آمریکا، کانادا، ایرلند، استرالیا و نیوزلند کشورهایی هستند

که در آن‌ها

(۱) مردم انگلیسی را به عنوان زبان خارجی صحبت می‌کنند

(۲) انگلیسی زبان اصلی است

(۳) مردم هنوز از نوعی از انگلیسی استفاده می‌کنند که در انگلیس استفاده می‌شود

(۴) انگلیسی بر روی زبان رسمی تأثیر می‌گذارد

۸۸۰ (۳) با توجه به معنی جمله و این‌که most people (بیشتر مردم)

فاعل جمله می‌باشد و با در نظر گرفتن این‌که جمله به یک امر کلی اشاره دارد و مختص زمان خاصی نیست، بعد از آن به فعل در زمان حال ساده (در این تست use) نیاز داریم. دقت کنید که vocabulary (واژگان؛ دامنه لغت) یک اسم قابل شمارش مفرد است که با توجه به مفهوم جمله به حرف تعریف نامعین a نیاز دارد. نکته آخر این‌که حرف اضافه مناسب برای of, vocabulary می‌باشد، نه from.

۸۸۱ (۱) بیان کردن، ابراز کردن

(۲) اشاره کردن، با انگشت نشان دادن

(۳) برنامه ریختن؛ طرح ... را ریختن

(۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

۸۸۲ (۳) thousand (هزار) اساساً قابل جمع بستن نیست؛ اما در صورتی

که از thousand و عده‌های مشابه آن (billion, million, hundred و ...) برای کلی‌گویی استفاده شود (مانند مورد این تست)، باید آن را جمع ببندیم. year (سال) هم که یک اسم قابل شمارش است و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا جمع بسته می‌شود. فقط دقت کنید که از a/an پیش از اسامی جمع استفاده نمی‌شود؛ بنابراین گزینه (۴) به راحتی حذف می‌گردد.

۸۸۳ (۲) داخلی؛ خانوادگی (۲) نزدیک؛ در این نزدیکی

(۳) خیالی، غیر واقعی (۴) مهمان‌نواز

متن کلوز ۵

وقتی انسان‌ها اولین بار شروع به نوشتن کردند، از الفبا استفاده نمی‌کردند. آن‌ها در عوض تصاویر کوچکی را می‌کشیدند تا نشانه اشیایی باشند که در مورد آن‌ها می‌نوشتند. این خط تصویری نامیده می‌شود و بسیار کند بود، چون که برای هر کلمه، تصویر متفاوتی وجود داشت. الفبا حاوی تصاویر نیست. در عوض، مجموعه‌ای از حروف یا نمادها است که نشانه صداها هستند. هر صدا فقط بخشی از یک کلمه است. وصل کردن حروف به هم یک کلمه کامل را شکل می‌دهد. آوای انسان می‌تواند در گفتار حدود ۳۵ صدای متفاوت را به وجود بیاورد. بنابراین الفباها برای نوشتن هر کلمه‌ای حداکثر به ۳۵ حرف نیاز دارند و بیشتر الفباها با کم‌تر [از این] از عهده [این کار] برمی‌آیند. فنیکی‌ها که حدود ۳۰۰۰ سال قبل در کشور خاورمیانه‌ای که امروزه سوریه نامیده می‌شود، زندگی می‌کردند، اولین الفبای مدرن را شکل دادند. یونانیان باستان الفبای فنیقی را اقتباس کردند و بعدها رومی‌ها آن را بهبود بخشیدند. در حال حاضر الفبای رومی به طور گسترده‌ای در سرتاسر جهان استفاده می‌شود.

۸۸۴ (۲) ارزش (۲) شیء؛ هدف

(۳) فناوری، تکنولوژی (۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

۸۸۵ (۳) برای بیان وجود داشتن و بودن، در زمان حال از there is / are

و در زمان گذشته از there was / were استفاده می‌شود. دقت کنید که در این مورد، there فاعل کاذب جمله است. با توجه به مفهوم جمله که به زمان گذشته اشاره دارد و کاربرد مفعول مفرد بعد از جای خالی (a picture)، در جای خالی از there was استفاده می‌کنیم.

۸۸۶ (۱) کلکسیون؛ مجموعه (۲) دانش، معلومات

(۳) تجربه (۴) وجود، هستی

۳۸۹۰ کلمه "varieties" (انواع، گونه‌ها) در پاراگراف سوم نزدیک‌ترین

معنی را به "types" دارد.

(۱) ایده، فکر (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) نوع، گونه (۴) مورد، نمونه

۳۸۹۱ در چین و برزیل، انگلیسی عمدتاً استفاده می‌شود.

(۱) در زندگی روزمره (۲) توسط دولت

(۳) به عنوان زبان خارجی (۴) توسط متکلمان بومی

۳۸۹۲ به احتمال زیاد نویسنده با کدام جمله موافق است؟

(۱) انگلیسی برای مدت‌های طولانی در شکل فعلی‌اش باقی خواهد ماند.

(۲) هیچ‌کس نمی‌داند که آیا انگلیسی [در آینده هم‌چنان] زبان بین‌المللی باقی خواهد ماند.

(۳) به زودی متکلمان بومی انگلیسی از متکلمان غیر بومی بیشتر خواهند بود.

(۴) مردم در هند، مالزی و کنیا، انگلیسی را با زبان مادری خودشان جایگزین خواهند کرد.

متن ۲

در اوایل دوران کودکی، تغییرات چشمگیری در زبان کودکان اتفاق می‌افتد. ممکن است بچه‌ها در حدود ۱۸ ماهگی، حدود ۳۰ کلمه را بدانند و می‌توانند هر بار یک کلمه را ادا کنند، مثل «هاپو» یا «بیشتر!». این توانایی نشان می‌دهد که کودکان یاد گرفته‌اند کلمات را به عنوان نمادهایی استفاده کنند که مظهر اشیاء، اعمال و افراد هستند. سپس، به‌طور ناگهانی، [و] در ظرف فقط یک ماه یا در این حدود، دامنه لغات کودکان دو برابر [و] حدود ۷۰ لغت می‌شود و شروع می‌کنند به قرار دادن کلمات کنار هم تا جملات دو کلمه‌ای را شکل دهند، مثل «اون‌جا هاپو» یا «مامان بیا». وقتی اوایل کودکی در شش سالگی تمام می‌شود، کودکان از ۸۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ کلمه را می‌دانند و با جملات طولانی صحیحی صحبت می‌کنند. اولین کلمات و جملات کودکان درباره جهان قابل رؤیت و همین حالا است. بچه‌ها تا چهار سالگی، شروع می‌کنند به صحبت کردن درباره چیزهایی که نمی‌توانند ببینند و همین‌طور آن‌هایی که می‌توانند [ببینند]، و [تیز] در مورد گذشته و آینده، و هم در مورد حال. آن‌ها همین‌طور درباره چیزهایی که هرگز اتفاق نیفتاده‌اند خیال‌بافی و داستان‌پردازی می‌کنند.

هر چه بچه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، بهتر می‌توانند ایده‌های پیچیده را ابراز کنند و چیزی را که لازم است بگویند تا منظورشان فهمیده شود، مورد قضاوت قرار دهند. هم‌چنین بچه‌ها در انطباق دادن طرز سخن گفتن‌شان با افراد مختلف، ماهرتر می‌شوند. آن‌ها یاد می‌گیرند با افراد بزرگسال، به‌طور رسمی و با احترام و با دوستانشان خودمانی حرف بزنند. آن‌ها با نوزادان با «زبان کودکان» صحبت می‌کنند.

۳۸۹۳ بهترین عنوان برای این متن چیست؟

(۱) شکل‌گیری زبان (۲) یادگیری زبان دوم

(۳) یادگیری لغات توسط کودکان (۴) ابراز عقیده: تأثیر سن

۳۸۹۴ اگر کودکی شروع کند به گفتن «بابا برو» حتماً

(۱) ۱۸ ماهه است

(۲) حدود ۷۰ کلمه را می‌داند

(۳) می‌تواند ایده‌های پیچیده را هم ابراز کند

(۴) در انتهای دوران خردسالی است

۳۸۹۵ کلمه "those" در پاراگراف ۲ به "things" اشاره دارد.

(۱) بچه‌ها (۲) چیزها، اشیاء

(۳) کلمات و جملات (۴) گذشته و آینده

۳۸۹۶ پاراگراف ۲ عمدتاً به می‌پردازد.

(۱) محتوای گفتار کودکان

(۲) دقت (درستی) زبان مورد استفاده توسط کودکان

(۳) توانایی کودکان در استفاده از زبان برای ساختن داستان‌ها (داستان‌پردازی کردن)

(۴) تأثیر دنیای واقعی بر روی یادگیری زبان کودکان

۳۸۹۷ می‌توان از پاراگراف آخر متوجه شد که کودکان

(۱) گاهی اوقات وقتی که ملزم هستند از زبان رسمی استفاده کنند، خودمانی صحبت می‌کنند

(۲) از گفتارشان برای یادگیری مهارت‌های جدید استفاده می‌کنند.

(۳) می‌توانند شکل‌های زبانی را که استفاده می‌کنند بر مبنای مخاطبان‌شان تغییر دهند

(۴) به ندرت تلاش می‌کنند تا تأثیر گفتارشان را بر روی افرادی که با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، مورد قضاوت قرار دهند

متن ۳

سال‌هاست [که] انسان‌ها تلاش می‌کنند تا یک زبان ساده جهانی خلق کنند که در سرتاسر جهان به عنوان ابزار مشترک [برقراری] ارتباط کار کند. در سبده سال گذشته، بیش از هفتصد [مورد] از این‌گونه زبان‌ها پیشنهاد شده است. موفق‌ترین و محبوب‌ترین این‌ها زبانی به نام اسپرانتو است. این [زبان] توسط لودویک زامنهوف که در لهستان می‌زیست ابداع شد. وقتی که او بزرگ می‌شد، می‌دید که افراد با گذشته‌های متفاوت که در لهستان زندگی می‌کردند، در برقراری ارتباط با هم خیلی مشکل داشتند. این [امر] اغلب منجر به اخلاف نظراتی می‌شد. لودویک احساس می‌کرد که یک زبان مشترک به آن‌ها کمک می‌کرد [تا] یکدیگر را بهتر درک کنند و با یکدیگر تفاهم داشته باشند. بنابراین او شروع به کار کردن بر روی زبان مشترک بین‌المللی کرد. او کارش را وقتی آغاز کرد که هنوز در مدرسه بود! در سال ۱۸۸۷، او اطلاعاتی را در مورد زبان جدیدش منتشر کرد. او از نام واقعی‌اش استفاده نکرد. او از اسم دکتر اسپرانتو (به معنی «کسی که امیدوار است») استفاده کرد. به زودی مردم سرتاسر جهان به زبان جدید او با عنوان اسپرانتو علاقه‌مند شدند. امروزه، اسپرانتو توسط حدود هشت میلیون نفر در سرتاسر جهان تکلم می‌شود. بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی آن را به طرق مختلف به رسمیت می‌شناسند. اسپرانتو اغلب در پخش‌های رادیویی از ایستگاه‌های رسمی دولتی استفاده می‌شود.

۳۸۹۸ متن عمدتاً در چه موردی است؟

(۱) زندگی یک پسر مدرسه‌ای لهستانی

(۲) ابداع یک زبان جهانی

(۳) چه‌طور اسپرانتو به مردم کمک کرده است

(۴) چه‌طور مردم اغلب [منظور] یکدیگر را درک نمی‌کنند

۳۸۹۹ کلمه "these" در سطر ۳ به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) سال‌ها (۲) ابزار، وسیله، روش

(۳) انسان‌ها، مردم (۴) زبان‌ها

۴۹۰۴ طبق پاراگراف ۲، کارشناس کسی است که

- (۱) می‌تواند صدایش را بلندتر کند
- (۲) هنگامی که صحبت می‌کند صدایش را بالا و پایین می‌آورد
- (۳) می‌تواند توجه خاصی به کلمات و استرس [آن‌ها] داشته باشد
- (۴) در انجام کاری کارآمد است

۴۹۰۵ نویسنده معتقد است [که] اگر ما از تکنیک‌های سخنرانی در گفتار

روزمره‌مان استفاده کنیم،

- (۱) می‌توانیم نقطه‌ضعف‌های گفتارمان را جبران نماییم
- (۲) می‌توانیم شنونده خود را شادتر و جالب‌تر کنیم
- (۳) می‌توانیم سرعت علاقه‌مند کردن مردم را به موضوع تغییر دهیم
- (۴) مکالمه جالب‌تری خواهیم داشت

متن ۵

اگر شخصی در زندگی روزانه از دو زبان استفاده کند، گفته می‌شود او دو زبانه است. فقط افراد کمی که آن‌ها را دو زبانه می‌نامیم می‌توانند هر دو زبان را به یک اندازه خوب صحبت کنند، بخوانند یا بنویسند. آن‌هایی را که می‌توانند این کار را انجام دهند، افراد «دو زبانه متعال» می‌نامیم. اما اکثر دو زبانه‌ها یک زبان ترجیحی دارند که اکثر اوقات استفاده می‌کنند و سپس زبان دومی [که] سطح و استفاده از آن به طور قابل ملاحظه‌ای از شخصی به شخص دیگر متفاوت خواهد بود. کودکانی که از سن بسیار پایین به صورت دو زبانه بزرگ می‌شوند بیشترین امکان داشتن تسلط یکسان به هر دو [زبان] را دارند. در بسیاری از بخش‌های جهان، جوامع دو زبانه وجود دارند. اعضای این جوامع به عنوان یک امر عادی از دو زبان (یا بیشتر) استفاده می‌کنند. آفریقای جنوبی، بلژیک، ولز، ایرلند و کانادا چند نمونه از کشورهایی هستند که در آن‌ها چنین جوامعی وجود دارد. (این بدان معنی نیست که هر کسی که در این کشورها زندگی می‌کند دو زبانه است.) دو زبانی در مناطق دیگر جهان که گروه‌های مهاجر ساکن شده‌اند اما به طور کامل جذب جامعه اطرافشان نشده‌اند نیز وجود دارد. آن‌ها می‌خواهند بسیاری از رسوم خود را حفظ کنند و هم‌چنان در خانه به زبان خودشان صحبت کنند. نمونه‌های زیر از فهرستی طولانی گرفته شده است: چینی‌ها و ایتالیایی‌ها در استرالیا؛ کارگران مهاجر ترک در آلمان، آسیایی‌ها در بریتانیا؛ کبیر و اسپانیایی‌زبان‌ها در ایالات متحده. در بسیاری موارد، دو زبانه‌ها خودشان مهاجر نیستند، بلکه افرادی هستند که والدین یا حتی پدربزرگ - مادر بزرگ‌هایشان به زبان مادری خودشان نقل مکان کرده‌اند و به صحبت کردن با بچه‌هایشان به زبان مادری خودشان ادامه داده‌اند.

۴۹۰۶ طبق متن، دو زبانه متعال شخصی است که

- (۱) می‌تواند از دو زبان در زندگی روزمره استفاده کند
- (۲) به صورت دو زبانه بزرگ شده است و می‌تواند فقط به زبان خودش در دو کشور بخواند و بنویسد
- (۳) می‌تواند از یک زبان دوم در موقعیتی که زبان دیگری صحبت می‌شود استفاده کند
- (۴) تسلط مساوی به طور هم‌زمان بر دو زبان دارد

۲۹۰۰ کدام یک از جملات زیر صحیح است؟

- (۱) لودویک از مردم می‌ترسید، بنابراین اسمش را عوض کرد.
- (۲) لودویک وقتی که خیلی جوان بود بر روی ایده‌اش شروع به کار کرد.
- (۳) در سیصد سال گذشته اسپرانتو به طور گسترده‌ای استفاده شده است.
- (۴) بسیاری از مردم لودویک را درک نمی‌کردند، بنابراین با او مخالفت می‌کردند.

۱۹۰۱ چه چیزی را در مورد لودویک زامنهوف متوجه می‌شویم؟

- (۱) او امیدوار بود که اختراعش روزی موفق شود.
- (۲) او وقتی که بزرگ می‌شد در برقراری ارتباط با مردم مشکل داشت.
- (۳) او با هشت میلیون نفر به [زبان] اسپرانتو صحبت کرد.
- (۴) او در یک ایستگاه رسمی رادیو کار می‌کرد.

متن ۴

انسان‌ها مدت‌ها قبل از این‌که نگارش اختراع شود از گفتار به عنوان وسیله ارتباط استفاده می‌کردند. نگارش نشانه یا نماد «صداهایی است که ما موقع صحبت کردن تولید می‌کنیم.» زبان نوشتاری معمولاً رسمی‌تر از گفتار است. در یک مکالمه عادی، گوینده مکث کرده [و دوباره صحبت خود را] شروع خواهد کرد، جمله‌ای را ناتمام خواهد گذاشت و هنگامی که فکر می‌کند بعد چه چیزی بگوید «ار» یا «ام» خواهد گفت. در مقابل، زبان نوشتاری خیلی مرتب و منظم‌تر است. اگر شما قرار بود دقیقاً چیزی را که افراد در یک مکالمه غیررسمی می‌گویند بنویسید سر از قطعه نوشته‌ای خیلی نامرتب و نامنظم در می‌آوردید. هم‌چنین در مکالمه، گویندگان اغلب چیزی را که کسی قصد دارد بعد بگوید پیش‌بینی می‌کنند و حرف او را قطع می‌کنند یا کوتاه [و] به طور هم‌زمان با [صحبت کردن] شخص دیگر صحبت می‌کنند.

موقعی که صحبت می‌کنید، به شیوه‌های زیادی می‌توانید به آن‌چه می‌گویید تنوع بدهید. می‌توانید صدای خود را بلندتر کنید تا این که رسایی و تأثیر واقعی داشته باشد؛ می‌توانید بر کلمات یا عبارات مهم خاصی تأکید کنید تا این‌که شنوندگان شما توجه خاصی به آن‌ها داشته باشند؛ می‌توانید تن صدای خود را تغییر دهید، [و] در حال صحبت صدای خود را بالا یا پایین بیاورید؛ می‌توانید سرعت صحبت کردن خود را تغییر دهید، [و] برای این‌که گفتار خود را جذاب‌تر کنید، سرعت خود را زیاد یا کم کنید. سخنرانان عمومی با تجربه، در استفاده از این تکنیک‌ها خبره می‌شوند. در گفتار روزانه، استفاده از این تکنیک‌ها به طور طبیعی باعث مکالمه بانشاط و جالبی می‌شود.

۲۹۰۲ طبق متن، نگارش نشان

- (۱) جمله ناتمامی است که می‌گوییم
 - (۲) صداهایی است که موقع صحبت تولید می‌کنیم
 - (۳) چیزی است که می‌توانیم بعد از فکر کردن بگوییم
 - (۴) چیزی است که شخص سعی می‌کند با قدرت بیشتر بگوید
- ۱۹۰۳ می‌توانیم از متن بفهمیم که انسان‌ها از زبان گفتاری استفاده می‌کردند.

- (۱) برای انتقال دادن مفهوم
- (۲) به عنوان زبانی نامرتب قبل از این‌که نگارش اختراع شود
- (۳) در مکالمات رسمی مدت‌ها قبل از نگارش
- (۴) برای تنوع دادن به صدایشان

۲۹۰۷ طبق متن، بجهه‌هایی که از سن بسیار پایین دو زبانه بودند.....

- (۱) امکان بیشتری دارد که بر یک زبان تسلط داشته باشند
- (۲) به احتمال زیاد هر دو زبان را به یک اندازه بلدند
- (۳) می‌توانند به طور مساوی هر دو زبان را صحیح بنویسند
- (۴) تسلط مساوی بر هر دو فرهنگ دارند

۳۹۰۸ کدام جمله دربارهٔ متن صحیح نیست؟

- (۱) آفریقای جنوبی، بلژیک و کانادا چند نمونه از کشورهای دو زبانه هستند.
- (۲) هر کسی که در کشورهای دو زبانه زندگی می‌کند دو زبانه نیست.
- (۳) جوامع دو زبانه در سراسر جهان وجود دارند.
- (۴) اعضای جوامع دو زبانه به‌عنوان امری عادی از دو زبان استفاده می‌کنند.

۱۹۰۹ مهاجران به زبان مادری‌شان صحبت می‌کنند تا.....

- (۱) رسوم خود را حفظ نمایند
- (۲) در یک کشور خارجی راحت‌تر جذب شوند
- (۳) راحت‌تر با بچه‌هایشان ارتباط برقرار کنند
- (۴) به بچه‌هایشان کمک کنند تا در مدرسه بهتر عمل کنند

متن

زبان بدن چیزی است [که] ما همه در هر روز زندگی‌مان [از آن] استفاده می‌کنیم. گاهی اوقات ما بدون این‌که حتی بدانیم [این کار را] انجام می‌دهیم از آن استفاده می‌کنیم. زبان بدن به ما کمک می‌کند تا درک کنیم سایر افراد چه طور احساس و فکر می‌کنند. اما آیا زبان بدن در تمام بخش‌های جهان یکسان است؟ ما همه می‌دانیم که وقتی شخصی شاد است، لبخند می‌زند. چشمانش بازتر می‌شود و به نظر می‌رسد «راحت شده است». وقتی شخصی غمگین است، برعکس [این وضعیت] صدق می‌کند. شخص چهرهٔ عبوسی می‌گیرد، ممکن است شانه‌هایش پایین بیفتد و حتی ممکن است چشمانش خیس شود. اما آیا می‌دانستید که در واقع هفت نشان زبان بدن جهانی وجود دارد؟ درست است. در سرتاسر سیاره [ما] در هر فرهنگی، شیوه‌ای که مردم شادی، غم، کسالت، ترس، عصبانیت، تعجب و بیزاری را ابراز می‌کنند یکسان است.

کسالت به آسانی قابل شناسایی است. وقتی افراد کسل هستند، ممکن است خمیازه بکشند، با انگشتانشان ضربه بزنند یا پاهایشان را خیلی جابه‌جا کنند. هم‌چنین هنگامی که شخص به جای فردی که با او صحبت می‌کند، روی [چهره] سایر افراد یا چیزها تمرکز کند یا به [آن‌ها] نگاه کند، می‌توانید تشخیص بدهید که شخص چه زمانی به سبب کسالت، حواسش پرت است. وقتی افراد ترس را بروز می‌دهند، اغلب مضطرب به نظر می‌رسند و دستانشان را روی صورتشان قرار می‌دهند تا از نگاه کردن به شیئی که آن‌ها را می‌ترساند، اجتناب کنند. مشت‌های گره کرده، صورت سرخ و چشمان جدی نشان می‌دهند که شخص احساس عصبانیت می‌کند.

تعجب و بیزاری نسبتاً مشابه هستند. دهان و چشم‌ها کاملاً باز خواهند شد. با وجود این، در مورد بیزاری، بدن و صورت از شیئی که باعث آن احساس می‌شود، رویگردان می‌شود.

درک زبان بدن می‌تواند به شما کمک کند سایر افراد را درک کنید، حتی اگر به زبان آن‌ها صحبت نکنید. متخصصان می‌گویند که حدود ۷۰ درصد از تمام ارتباطات، بدون کلمات انجام می‌شود. بنابراین حتی اگر به زبان شخص دیگری صحبت نکنید، ممکن است زبان بدن او، در مورد آن چیزی که نیاز دارید بدانید، از قبل به شما اطلاعات زیادی بدهد.

۱۹۱۰ متن اساساً در مورد می‌باشد.

- (۱) [این‌که] زبان بدن چه‌طور به ما کمک می‌کند ارتباط برقرار کنیم، صرف‌نظر از این‌که اهل کجا باشیم
 - (۲) [این‌که] زبان بدن چگونه در سرتاسر جهان متفاوت است
 - (۳) کاری‌که افراد در هنگام احساس چیزهای مختلف با چشمانشان انجام می‌دهند
 - (۴) [این‌که] چه‌طور از بدن‌تان استفاده کنید تا نشان دهید چه احساسی دارید
- ۳۹۱۱ در پاراگراف ۲، "sullen" (عبوس، گرفته) به چه معنی است؟
- (۱) همراه با چشمان باز
 - (۲) همراه با چهرهٔ متبسم
 - (۳) همراه با چهرهٔ غمگین
 - (۴) همراه با چهرهٔ باز

۱۹۱۲ طبق متن، کدام یک از موارد زیر نشانهٔ کسالت نیست؟

- (۱) نگاه کردن به شخصی که [فرد] با او صحبت می‌کند
- (۲) جابه‌جا کردن پاهای شخص
- (۳) ضربه زدن با انگشتان شخص
- (۴) خمیازه کشیدن

۳۹۱۳ کدام جفت احساسات زیر هر دو باعث می‌شوند تا کسی از شخصی یا چیزی روی برگرداند؟

- (۱) عصبانیت و تعجب
 - (۲) تعجب و غم
 - (۳) کسالت و بیزاری
 - (۴) شادی و عصبانیت
- ۱۹۱۴ کدام جمله بهترین خلاصه برای پاراگراف ۶ است؟

- (۱) درک کردن زبان بدن ممکن است به شما در مورد منظور شخص اطلاعات زیادی بدهد، حتی اگر به زبان او صحبت نکنید.
- (۲) زبان بدن به شما هر چیزی را که نیاز دارید در مورد یک نفر بدانید، می‌گوید، حتی اگر به زبان او صحبت نکنید.
- (۳) اگر به زبان شخص دیگر صحبت نکنید، حدود ۷۰ درصد زبان بدن [شما] متفاوت است.
- (۴) متخصصان حتی اگر به زبان شخصی صحبت نکنند، می‌توانند تا ۷۰ درصد زبان بدن او را متوجه شوند.

متن

اگر چه تمامی انواع ارتباطات یک زبان دارند، این کلمه معمولاً به کاربرد کلمات نوشتاری یا گفتاری اشاره دارد. زبان انسان پیچیده‌ترین نوع بیانی است که در دسترس ما می‌باشد. به طور ساده، فهمیدن چیزی که در عین لحظه در حال خواندن آن هستید به هوش و مهارت زیادی نیاز دارد. یک فرد بالغ به طور متوسط در روز ۳۰۰۰۰ کلمه، و در طول عمر متوسط، مجموعاً ۶۰۰ میلیون کلمه ادا می‌کند. زبان، تأثیر عمیقی در تمام زندگی ما دارد.

ما از کودکی زبان را فرا می‌گیریم؛ ما یاد می‌گیریم چگونه صداهایی درست کنیم که می‌توانند به کلمات تبدیل شوند، و پی می‌بریم که اثر قرار است منظورمان فهمیده شود، باید قواعد گرامری مشخصی را به کار بگیریم. ما یاد می‌گیریم بگوییم: «او من را دید»، اما [نگوییم] «من او را دید». روش‌های وصل کردن کلمات به یک‌دیگر برای [ساختن] جملات قابل قبول از لحاظ گرامری، فراوان است. اگر شما می‌خواستید تمامی جملات ۲۰ کلمه‌ای که در زبان انگلیسی معنی خواهند داشت را با صدای بلند بگویید، انجا، این کار برای شما ده میلیون سال طول می‌کشید.

متن ۸

آیا زبان [هم] مانند غذا، یک نیاز اساسی انسان است [که] ممکن است یک کودک بدون آن در دوره حساسی از زندگی گرسنگی بکشد و آسیب ببیند؟ با قضاوت بر مبنای آزمایش سخت [پادشاه] فردریک دوم در قرن سیزدهم، ممکن است [این طور] باشد. او که امیدوار بود پی ببرد اگر کودک هیچ زبان مادری [خاصی] را نمی شنید، به چه زبانی صحبت می کرد، به پرستاران گفت که ساکت بمانند. تمام نوزادان پیش از سال اول فوت شدند. اما به وضوح در این جا چیزی (مشکلی) فراتر از فقدان زبان وجود داشت. چیزی که کم بود، [فقدان] محبت مادری خوب بود. بدون محبت مادری خوب، به خصوص در سال اول زندگی، توانایی زنده ماندن به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد.

امروزه هیچ کمبود شدیدی مانند آن چیزی که توسط فردریک دستور داده شد، وجود ندارد. با وجود این، هنوز بعضی از کودکان در صحبت کردن تأخیر دارند. بیشتر اوقات علت این [موضوع] آن است که مادر نسبت به علائم نوزاد که مغزش برنامه ریزی شده است تا زبان را به سرعت یاد بگیرد، بی تفاوت است. اگر این دوره های حساس مورد بی توجهی قرار بگیرد، زمان ایده آل کسب مهارت ها می گذرد و ممکن است هرگز دوباره به آن آسانی فراگرفته نشوند. متخصصان اظهار می کنند که مراحل صحبت کردن در ترتیب هایی ثابت و در یک سن ثابت اتفاق می افتد، اما مواردی وجود دارد که صحبت کردن در کودکی که سرانجام دارای ضریب هوشی بالایی از آب درمی آید، دیر آغاز شده است. شواهد جدید نشان می دهند که نوزاد با توانایی صحبت کردن به دنیا می آید. چیزی که در مورد مغز انسان در مقایسه با مغز میمون خاص است، سیستم پیچیده ای است که کودک را قادر می سازد تا برای مثال مشاهده و حس خرس اسباب بازی را با الگوی صدایی «خرس اسباب بازی» مرتبط کند. و حتی شگفت انگیزتر، توانایی مغز [فرد] جوان است تا در زبان، ساختاری را از بین ترکیب صداها، اطرافش تشخیص دهد تا بخش های زبان را به روش های جدیدی، تحلیل، ترکیب و بازترکیب نماید.

اما قدرت تکلم، باید برانگیخته شود و این به تعامل بین مادر و بچه بستگی دارد، جایی که مادر علائم [موجود] در ناشمرده حرف زدن، در آغوش فشردن و لبخند زدن بچه را متوجه می شود و به آن ها واکنش نشان می دهد. بی تفاوتی مادر به این علائم، تعامل را کند می کند، چون که بچه مأیوس می شود و تنها علائم واضح را ارسال می کند. توجه به علائم غیرکلامی کودک برای رشد و پیشرفت زبان ضروری است.

هدف آزمایش [پادشاه] فردریک دوم ۲۹۲۰

(۱) ثابت کردن این بود که کودکان با توانایی صحبت کردن به دنیا می آیند
(۲) کشف کردن این بود [که] کودک بدون شنیدن تکلم انسان به چه زبانی صحبت خواهد کرد

(۳) متوجه شدن نقشی بود که پرستاری دقیق در یاد دادن حرف زدن به کودک ایفا خواهد کرد

(۴) ثابت کردن این بود که بدون یادگیری زبان، کودک ممکن است آسیب ببیند
دلیل این که تعدادی از کودکان در صحبت کردن تأخیر دارند به

احتمال زیاد این است که ۳۹۲۱

(۱) آن ها از یادگیری سریع زبان ناتوان هستند

(۲) آن ها به یک باره در معرض مقدار زیادی زبان قرار می گیرند

(۳) مادران آن ها به تلاش هایشان برای صحبت کردن، به طور ناکافی واکنش نشان می دهند

(۴) مادران آن ها به اندازه کافی باهوش نیستند تا به آن ها کمک کنند

ما وقتی از کلمات استفاده می کنیم، در حال استفاده از نمادها هستیم؛ [برای مثال] کلمه «فیل» باید به یک حیوان خاکستری بزرگ با پوست ضخیم اشاره کند، چون متکلمان زبان انگلیسی توافق کرده اند که این کلمه (elephant) باید نماد آن حیوان خاص باشد.

گاهی اوقات در مورد معانی کلمات اختلاف نظرهایی وجود دارد. معمولاً این کلمات به جای اشیاء به ایده ها یا مفاهیم اشاره دارند. برای مثال، همه در مورد معنای دقیق کلماتی هم چون «آزادی»، «عشق»، «عدالت»، یا «صلح» توافق نظر ندارند. اگر ارسال کننده و دریافت کننده [این کلمات] در مورد معنای آن ها اختلاف نظر داشته باشند، ارتباط بی اثر می ماند. مطالعه رابطه بین زبان و معنی، معناشناسی نامیده می شود.

متن اساساً قصد دارد ارائه کند. ۲۹۱۵

(۱) تعریف ارتباطات گفتاری را

(۲) شرحی از [مفهوم] زبان را

(۳) مقایسه ای بین زبان های نوشتاری و گفتاری را

(۴) توضیحی درباره انواع گوناگون ارتباطات را

طبق پاراگراف ۲ کدام مورد زیر صحیح است؟ ۴۹۱۶

(۱) هر شخصی هر روز حداقل ۳۰۰۰۰ کلمه استفاده می کند.

(۲) هوش و مهارت دو بخش زبان انسانی هستند.

(۳) کل تعداد کلمات در بیشتر زبان های انسانی حدود ۶۰۰ میلیون کلمه است.

(۴) آن چه انسان ها برای [برقراری] ارتباط استفاده می کنند، ابتدا ساده نیست، [بلکه] بسیار پیچیده می باشد.

جمله آخر پاراگراف ۳، «اگر شما می خواستید تمامی جملات ...

انجام این کار برای شما ده میلیون سال طول می کشید.» قصد دارد اثبات کند

که ۲۹۱۷

(۱) مدت طولانی طول کشید تا زبان به شکلی پیچیده توسعه پیدا کند

(۲) زبان این پتانسیل را دارد که جملات بسیار زیادی را تولید کند

(۳) شخص می تواند چیزهای گوناگون را از طریق کلمات ثابتی بگوید

(۴) اگر شخص همواره جملات ۲۰ کلمه ای استفاده کند، در برقراری ارتباط

ناکام خواهد ماند

نویسنده به تمامی کلمات زیر به عنوان کلماتی که ممکن است

گاهی در مورد معنی آن ها اختلاف نظر وجود داشته باشد اشاره می کند، به جز

..... ۴۹۱۸

(۱) صلح (۲) عدالت (۳) آزادی (۴) فیل

به نظر می رسد که به احتمال قوی نویسنده با کدام نتیجه گیری زیر

موافق است؟ ۳۹۱۹

(۱) ما باید زبان انسانی را ساده تر کنیم.

(۲) ممکن است استفاده بیش از حد از کلمات منجر به ناکامی [در برقراری]

ارتباط شود.

(۳) ضرورتاً رابطه ای طبیعی بین کلمات و معانی وجود ندارد.

(۴) اگر افراد می خواهند [که] جملاتشان از لحاظ گرامری درست باشد، باید

معناشناسی بخوانند.

۳۹۲۲ طبق متن، چیزی که در مورد کودک فوق العاده قابل توجه است این است که

(۱) او با توانایی صحبت کردن به دنیا می آید

(۲) او مغزی پیچیده تر از مغز حیوان دارد

(۳) او می تواند جملات خودش را تولید کند

(۴) او توانایی تکلم خودش را مدیون پرستاری خوب است

۲۹۲۳ کدام یک از موارد زیر قابل برداشت از متن نیست؟

(۱) توانایی تکلم در انسان مادرزادی است.

(۲) در یادگیری زبان، برای کودک تشویق اصلاً ضروری نیست.

(۳) مغز کودک بسیار گزینشی است.

(۴) بیشتر کودکان زبان خودشان را در مراحل ثابتی یاد می گیرند.

۴۹۲۴ اگر یک کودک دیرتر از بقیه شروع به صحبت کند، او

(۱) ضریب هوشی بالایی خواهد داشت

(۲) کم هوش تر خواهد بود

(۳) به علائم کلامی بی توجه خواهد بود

(۴) ضرورتاً عقب مانده نخواهد بود

۳۹۲۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) «ممکن است برایم یک فنجان قهوه بیاورید؟» «البته، خوشحال خواهم شد.»

(۲) شما انتخاب بین چای سیاه، قهوه یا شیر را دارید.

(۳) ممکن است لطفاً برای ما دو تا قهوه با شیر و دو تا چای گیاهی بیاورید؟

(۴) شما تنها شخصی در این جا هستید که قهوه را بدون شکر می خورید.

◀ coffee (قهوه) و tea (چای) در صورتی که به صورت کلی به این نوشیدنی ها اشاره کنند، غیرقابل شمارش خواهند بود. اما در صورتی که مثل گزینه (۳) منظور از این اسم ها، یک یا چند فنجان از این نوشیدنی ها باشد، قابل شمارش خواهند بود و بسته به معنی جمله می توانند جمع بسته شوند. بنابراین گزینه (۳) به شکل زیر صحیح خواهد بود:

Could you bring us two coffees with milk, and two herbal teas?

۲۹۲۶ این هشدار [برای] هوای بسیار بد است. احتمالی قوی هست که گردبادها در طول بیست و چهار ساعت بعدی شکل بگیرند.

◀ weather (هوا، آب و هوا) به جز یک مورد خاص و استثنایی، غیرقابل شمارش است و S جمع نمی گیرد. warning (هشدار، خطر) در این جا قابل شمارش است و طبق مفهوم جمله به صورت مفرد و همراه با حرف تعریف نامعین a به کار می رود. در مورد جای خالی دوم هم دقت کنید که twenty-four (بیست و چهار) جزء اعداد دو بخشی از بیست و یک تا نود و نه است و در بین دو بخش آن باید از یک خط تیره کوچک استفاده شود.

۳۹۲۷ در یخچال برایت یک لیتر شیر هست؛ و برایت یک قالب شکلات [هم] خریدم.

◀ هم milk (شیر) و هم chocolate (شکلات) در این جمله غیرقابل شمارش هستند و اصولاً نمی توانیم آن ها را با S جمع ببندیم. دقت کنید که هر چند liter (لیتر) و bar (قالب) قابل شمارش هستند، اما بعد از a باید هر دو آن ها را به صورت مفرد به کار ببریم.

۴۹۲۸ A: «شروین در ایتالیایی، فرانسوی و اسپانیایی سلیس است.»

B: «نسبتاً نادر است. افراد کمی می توانند به چند زبان خارجی صحبت کنند.»

◀ برای پاسخ دادن به این تست، کافی بود گزینه ها را ترجمه می کردید تا متوجه می شدید جمله فقط می تواند با گزینه (۴) معنی منطقی داشته باشد. معنی سایر گزینه ها:

(۱) چند زبان خارجی افراد اندکی می توانند صحبت کنند

(۲) افراد زیادی می توانند چند زبان خارجی را صحبت کنند

(۳) بیشتر افراد می توانند بسیاری از زبان های خارجی را صحبت کنند

۱۹۲۹ امدادگران هنوز آب های دورتر از نیوفاندلند را برای [یافتن]

نجات یافتگان غرق شدن دیروز کشتی باری پروبی جست و جو می کنند.

(۱) جست و جو کردن، گشتن

(۲) مرتب کردن، منظم کردن؛ در نوسان بودن

(۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۴) [از رادیو و تلویزیون] پخش کردن

۳۹۳۰ دفعه بعد [که] کار عوض می کنم، به کاری نیاز دارم که من را قادر

خواهد ساخت از تجربه ای که تاکنون کسب کرده ام استفاده کنم.

(۱) ارتباط؛ مکاتبه

(۲) تصور؛ قدرت تخیل

(۳) تجربه

(۴) جمع، افزایش

۲۹۳۱ او عضو باارزشی از تیم است؛ ما احتمالاً بدون او با ی را می باختیم.

(۱) مناسب؛ شایسته

(۲) باارزش، ارزشمند

(۳) کامل، مطلق

(۴) [شیوه سخن گفتن] روان، سلیس

۱۹۳۲ ستارگان درخشان، پرنور به نظر می رسند صرفاً به این دلیل که

چشمان ما در هر ثانیه از آن ها انرژی بیشتری نسبت به ستاره های کم نور دریافت می کند.

(۱) دریافت کردن، گرفتن

(۲) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ ایجاد کردن؛ پرورش یافتن؛ توسعه یافتن

(۳) خلق کردن، به وجود آوردن؛ باعث ... شدن

(۴) موج سواری کردن؛ [در اینترنت و غیره] گشت و گذار کردن، وبگردی کردن

۱۹۳۳ هرچه با زبان خارجی آشناتر باشید، در مورد استفاده از آن در جمع

مطمئن تر خواهید بود.

(۱) مطمئن؛ با اعتماد به نفس

(۲) [شیوه سخن گفتن] روان، سلیس

(۳) آشنا؛ شناخته شده

(۴) مناسب؛ شایسته

۲۹۳۴ می خواستم مهارت هایم را بهبود ببخشم، بنابراین وارد یک دوره آخر

هفته در مورد «تکنیک های گوش دادن» در دانشگاه تهران شدم.

(۱) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۲) بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن، بهبود یافتن

(۳) مبادله کردن؛ معاوضه کردن

(۴) بیان کردن، ابراز کردن

۴۹۳۵ او سرکار خیلی فعالیت جسمانی دارد، بنابراین وِتی به خانه می رود،

دوست دارد با مطالعه یا تماشای تلویزیون استراحت کند.

(۱) آشنا؛ شناخته شده

(۲) طبیعی؛ ذاتی

(۳) خبری؛ اطلاعاتی

(۴) جسمانی؛ فیزیکی

اروپایی به جز انگلیسی ۳۴/۹ درصد و کاربران زبان‌های آسیایی ۲۹/۴ درصد [از مجموع کاربران اینترنت] هستند. به همین ترتیب، تعداد موتورهای جست‌وجو، وبسایت‌ها و نرم‌افزارهای نوشته شده به زبان‌های دیگر نیز به سرعت افزایش یافته است. به نظر می‌رسد این [شرایط] دیدگاهی را که ایالات متحده و زبان انگلیسی بر صحنه اینترنت غالب هستند، رد می‌کند. با وجود این، ممکن است [هنوز] برای درک کردن تأثیر واقعی اینترنت خیلی زود باشد. برای مثال، زبان‌های آفریقایی به ندرت در آمارها ذکر می‌شوند، و ممکن است لازم باشد پیش از این‌که به هر [نوعی از] جمع‌بندی برسیم، این سؤال پرسیده شود که کامپیوتر واقعاً تا چه حد در دسترس اکثریت جمعیت جهان قرار دارد.

۱۹۴۲ چرا چندین کشور به وجود آوردن سهمیه‌ها را آغاز کردند؟

- (۱) آن‌ها می‌خواستند خدمات اینترنتی را کنترل کنند.
 - (۲) آن‌ها باید پول درمی‌آوردند.
 - (۳) آن‌ها می‌خواستند انگلیسی را در اینترنت ممنوع کنند.
 - (۴) آن‌ها به سیاست ایالات متحده اعتراض می‌کردند.
- ۱۹۴۳** چند درصد از کاربران اینترنت از زبان‌های اروپایی به جز انگلیسی استفاده می‌کنند؟

- (۱) ۳۵/۶ درصد (۲) ۲۹/۴ درصد (۳) ۳۴/۹ درصد (۴) ۲۵/۷ درصد
- ۱۹۴۴** چرا ممکن است [هنوز] برای درک تأثیر واقعی اینترنت خیلی زود باشد؟

- (۱) مطالعات غیرقابل اتکا هستند.
 - (۲) تمام زبان‌ها را در نظر نمی‌گیرند.
 - (۳) افراد بیشتری دارند انگلیسی یاد می‌گیرند.
 - (۴) هنوز در آفریقا اصلاً اینترنت نیست.
- ۱۹۴۵** نویسنده می‌گوید ممکن است نیاز باشد [که] چه سؤالی پرسیده شود؟
- (۱) مردم واقعاً چه مقدار درآمد دارند؟
 - (۲) قیمت کامپیوترها واقعاً چه قدر است؟
 - (۳) چه تعداد از افراد انگلیسی متوجه می‌شوند؟
 - (۴) چه تعداد از افراد کامپیوتر دارند؟

متن ۲

تعداد خالص افراد در یک گروه بر روی میزان ارتباط تأثیر می‌گذارد. تفاوت بین ارتباط بین دو دوست و ارتباط در یک گروه پنج نفره را در نظر بگیرید. وقتی دوست‌ها صحبت می‌کنند، دو نفر هستند که پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند. در یک گروه پنج نفره، پنج نفر هستند که همین کار را می‌کنند. هر ایده‌ای که ابراز می‌شود، باید توسط چهار [نفر] دیگر فهمیده شود که ممکن است هم‌چنین تصمیم بگیرند [به آن] جواب دهند. در نتیجه، هرچه تعداد افراد در گروه بیشتر باشد، هر شخص می‌تواند مشارکت کم‌تری داشته باشد. چون که برای گروه‌های بزرگ معایبی وجود دارد، ممکن است بپندارید که گروه‌های کوچک مؤثرتر خواهند بود. با وجود این، گروه‌ها می‌توانند خیلی کوچک یا بسیار بزرگ با بیش از ۱۰۰ عضو باشند. گروه با ۱۰۰ عضو منابع محدودی دارد که مزیت اصلی گروه‌ها برای تصمیم‌گیری را از بین می‌برد. هم‌چنین، ممکن است در گروه‌های بسیار کوچک، اعضا بی‌میل باشند که مخالفت یا از دیدگاه‌های یک‌دیگر انتقاد کنند. اعتقاد دارم که پنج تا هفت عضو، اندازه ایده‌آل برای گروه کوچک است.

۱۹۳۶ متأسفانه جنگل‌های بارانی با سرعت ده‌ها هزار هکتار در روز از بین می‌روند.

- (۱) دریافت کردن، گرفتن
- (۲) ناپدید شدن؛ از بین رفتن؛ محو شدن
- (۳) عوض کردن؛ عوض شدن
- (۴) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ پرورش یافتن؛ توسعه یافتن

متن کلوز

استفاده از کلمات تنها راهی نیست [که] ما چیزها را می‌گوییم. ما با خم شدن به جلو، نازک کردن چشمانمان و دست به سینه گذاشتن هم احساسات را منتقل می‌کنیم. با [توجه به این‌که] تا ۷۰٪ چیزی که می‌گوییم از این نوع ارتباطات غیرکلامی نشأت می‌گیرد، به وضوح مهم است که از زبان بدن خودمان آگاه باشیم. آن [موضوع] وقتی که با افراد از سایر فرهنگ‌ها سروکار داریم، به طور ویژه‌ای صحیح است، چون که ممکن است لبخند در بالتیمور به همان معنی لبخند در پکن نباشد. چندین نوع از زبان بدن وجود دارد. ما با ژست‌ها، از بازوها و دست‌هایمان استفاده می‌کنیم تا حالت‌ها را نشان دهیم، سؤال بپرسیم و اطلاعات را به اشتراک بگذاریم. چهره‌های ما با [وجود] بیش از ۹۰ عضله که برای ارسال پیام‌های تعجب، شادی، عصبانیت و غیره فعالیت می‌کنند، بسیار بیان‌کننده است.

۱۹۳۷ (۱) ارتباط برقرار کردن؛ [پیام و غیره] منتقل کردن

(۲) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن

(۴) تشخیص دادن، فهمیدن

۱۹۳۸ (۱) بی‌معنی (۲) مهم، با اهمیت

(۳) خوشبخت، سعادت‌مند (۴) پرانرژی

۱۹۳۹ (۱) جنبه، وجه (۲) لحظه؛ ثانیه

(۳) نماینده؛ کارگزار (۴) فرهنگ

۱۹۴۰ type (نوع؛ گونه) اسم قابل شمارش است و بعد از کلمات و عباراتی نظیر few, a few, many و several حتماً به صورت جمع به کار می‌رود. دقت کنید که body (بدن) و language (زبان) نسبت به هم حالت صفت و اسم دارند؛ بنابراین اسم اول (body) باید همواره به شکل مفرد به کار رود، اما می‌توان اسم دوم (language) را بسته به معنی جمله جمع بست. **۱۹۴۱** information (اطلاعات) اسم غیرقابل شمارش است؛ بنابراین جمع بستن آن با s و یا کاربرد an قبل از آن نادرست است.

متن ۱

در اواخر دهه ۱۹۹۰، ۹۰ درصد از ترافیک جهانی اینترنت به انگلیسی بود. به علاوه، وبسایت‌ها، نرم‌افزارهایی که برای گردش در وب استفاده می‌شوند و موتورهای جست‌وجو، در بیشتر موارد همگی از انگلیسی استفاده می‌کردند. به دلیل این تهدید واضح، چندین کشور قوانینی را به اجرا درآوردند تا سهمیه‌هایی را برای کنترل کردن محتوا و تعداد خدمات اینترنتی به وجود بیاورند. با وجود این، از دهه ۱۹۹۰، افزایش سریع زبان‌های غیرانگلیسی مورد استفاده در اینترنت وجود داشته است. به گفته گلوبال ریچ، یک شرکت بازاریابی اینترنتی، کاربران آنلاین انگلیسی زبان ۳۵/۶ درصد، کاربران زبان‌های

۴۹۴۶ می‌توانیم از متن نتیجه بگیریم که در گروه‌های بزرگ

(۱) همواره در پایان هر بحثی بی‌نظمی وجود دارد
(۲) قبل از این که تصمیمی گرفته شود، همه باید دیدگاه‌هایشان را به صورت جداگانه ابراز کنند

(۳) همه آزاد هستند دیدگاه‌هایشان را تا هر مقدار که می‌خواهند ابراز کنند
(۴) برای هر شخص فرصت کم‌تری وجود دارد تا صحبت کند

۴۹۴۷ کلمه "consequently" (بنابراین، در نتیجه) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به "as a result" دارد.

(۱) با این حال، با وجود این (۲) از طرف دیگر

(۳) در عوض، به جایش (۴) در نتیجه، بنابراین

۴۹۴۸ طبق متن، گروه‌های کوچک

(۱) همیشه از نظر تصمیم‌گیری موفق‌تر از گروه‌های بزرگ هستند
(۲) نیز می‌توانند تعدادی معایب داشته باشند

(۳) انتقادات خودشان را آزادتر از گروه‌های بزرگ ابراز می‌کنند

(۴) از تصمیم‌گیری در پایان بحث‌ها ناتوان هستند

۴۹۴۹ نویسنده مقاله پیشنهاد می‌کند که

(۱) تعداد افراد در گروه کوچک نباید بیشتر از پنج [نفر] باشد

(۲) گروه‌های بزرگ همواره برتر از گروه‌های کوچک هستند

(۳) اندازه ایده‌آل برای یک گروه کوچک باید پنج تا هفت [نفر] باشد

(۴) گروه‌های کوچک بهتر هستند چون که اعضای آن‌ها فرصت انتقاد کردن از یک‌دیگر را دارند

۴۹۵۰ در حالی که دوستان یک هفته به تعطیلات می‌روند، من از بچه‌هایش مراقبت می‌کنم.

(۱) دنبال ... گشتن

(۲) مراقبت کردن

(۳) [پدر، مادر] رفتن به، شبیه ... بودن

(۴) مراقبت کردن از، مواظب ... بودن

❖ دقت کنید که take care در گزینه (۲) تنها در صورتی می‌توانست صحیح باشد که بعد از آن حرف اضافه of را هم داشتیم.

۴۹۵۱ A: «آیا در پیدا کردن تئاتر مشکلی داشتید؟»

B: «نه، آدرس دادن شما عالی بود.»

(۱) عالی، فوق‌العاده، بسیار خوب (۲) قابل پیشگیر

(۳) طبیعی؛ ذاتی (۴) منظم، مرتب

۴۹۵۲ موفقیت هرگز هدیه نیست. موفق بودن در زندگی به زمان، تلاش و انجام فداکاری‌ها نیاز دارد.

(۱) درست کردن؛ باعث ... شدن

(۲) دادن

(۳) بردن؛ گرفتن؛ [وقت، انرژی و غیره] لازم داشتن، نیاز بودن

(۴) شدن؛ رسیدن به

۴۹۵۳ او با هر روز بعد از ظهر به سینما رفتن، از واقعیت فرار می‌کرد.

(۱) کارکرد، عملکرد (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) یقین، اطمینان (۴) ظرفیت، گنجایش؛ قابلیت

۴۹۵۴ ما توسط دین از انجام هر کار غلطی منع می‌شویم.

(۱) مخالفت کردن، موافق نبودن؛ با هم اختلاف داشتن

(۲) خجالت‌زده کردن، شرمندگی کردن

(۳) تأکید کردن بر، اصرار ورزیدن بر

(۴) منع کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

۴۹۵۵ ما تلاش می‌کنیم آگاهی را در مورد محیط زیست به صورت کلی و

علی‌الخصوص در مورد آلودگی هوا افزایش دهیم.

(۱) علی‌الخصوص، به خصوص (۲) به طور مناسبی، به نحو شایسته‌ای

(۳) در تعادل، در توازن (۴) به صورت تفریحی

۴۹۵۶ می‌خواهم بدانم هلن چه‌طور می‌تواند قبل از امتحانات آرام بماند.

(۱) سخت، سخت؛ استوار (۲) آرام؛ ساکت

(۳) شبیه، مشابه (۴) طبیعی؛ ذاتی

۴۹۵۷ پنج‌شنبه بعدازظهر با معلم پسرمان جلسه داریم تا درباره پیشرفت او در مدرسه بحث کنیم.

(۱) قادر ساختن، توانایی دادن به، امکان دادن به

(۲) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

(۳) بحث کردن درباره، گفت و گو کردن درباره

(۴) خلق کردن، به وجود آوردن؛ پدید آوردن

۴۹۵۸ خبرنگاران می‌توانند وارد ناحیه خطر شوند اما متأسفانه ما نمی‌توانیم ایمنی آن‌ها را تضمین کنیم.

(۱) به لحاظ عاطفی، از نظر احساسی (۲) در داخل کشور؛ در داخل خانه

(۳) به‌طور مشروط (۴) متأسفانه

۴۹۵۹ ورزش منظم، بر روی سلامت جسمی و روانی تأثیر مثبت زیادی دارد.

(۱) متعادل، متوازن (۲) محدود

(۳) افسرده کننده، ناامید کننده (۴) مثبت

۴۹۶۰ شما هم‌چنان باید زندگی سالمی را در پیش بگیرید، هم‌چون خوردن غذای متعادل، ورزش کردن و گرم نگه‌داشتن [خودتان].

(۱) متعادل، متوازن (۲) داخلی؛ خانوادگی

(۳) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی (۴) (مربوط به) پزشکی؛ دارویی

۴۹۶۱ مأموریت اصلی هر مدرسه‌ای باید آموزش خواندن، نوشتن و حساب باشد.

(۱) مأموریت

(۲) اجازه

(۳) بیان، اظهار؛ اصطلاح؛ [چهره، نگاه] حالت

(۴) فرصت، موقعیت؛ مناسب

۴۹۶۲ او احساس می‌کرد به کلبه کوچکی در بیرون شهر نیاز دارد؛ جایی که بتواند از فشارهای زندگی شهری فرار کند.

(۱) مراقبت کردن از (۲) رفتن از؛ فرار کردن از، در رفتن از

(۳) دقت کردن به، توجه کردن به (۴) از ... یادداشت برداشتن

۴۹۶۳ افراد جوان اغلب تحت تأثیر دوستانشان قرار می‌گیرند، اما آن‌ها معمولاً بیش‌تر ارزش‌هایشان را در خانه یاد می‌گیرند.

(۱) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

(۲) به نحو زیان‌بخشی، به نحو زیان‌آوری

(۳) معمولاً؛ به طور کلی؛ قاعداً

(۴) کاملاً؛ به طور کامل

۹۷۲ ۳ او بعد از داشتن شغل‌های مختلف در کشورهای گوناگون، در فرانسه مستقر شد و در پاریس دفتر حقوقی باز کرد.

(۱) مثبت (۲) پیشگیرانه

(۳) متنوع، گوناگون، مختلف (۴) غیرمستقیم؛ تلویحی

۹۷۳ ۱ به بچه‌ها باید اجازه داده شود تا توانایی‌های خلاقانه و هم‌چنین آکادمیک خودشان را توسعه دهند.

(۱) خلاق؛ خلاقانه (۲) خاص، ویژه

(۳) مبتکر، خلاق؛ [طرح] ابتکاری (۴) مکانیکی

۹۷۴ ۱ او حدود ۵ سال قبل برای فشار خون بالایش معالجاتی را دریافت کرد و از آن زمان سالم مانده است.

(۱) سالم؛ تندرست (۲) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی

(۳) مؤثر، کارآمد، اثربخش (۴) عمومی، همگانی؛ جامع

۹۷۵ ۴ برنامه واکسیناسیون در بهبود استانداردهای سلامت، عامل مهمی بوده است.

(۱) قطعه، تکه (۲) اثر، تأثیر

(۳) درجه؛ [تحصیلات دانشگاهی] مدرک (۴) عامل، فاکتور

۹۷۶ ۲ پزشک من را برای [گرفتن] نظر شخصی دیگر در مورد نتایج آزمایش خونم به یک متخصص ارجاع داده است.

(۱) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری

(۲) متخصص

(۳) مأموریت؛ هیئت اعزامی؛ هیئت مبلغین (مذهبی)

(۴) اعتیاد

۹۷۷ ۳ آن‌ها با پیشنهاد کردن حقوق بالا و ماشین شرکت، او را تشویق کردند تا وارد شرکت شود.

(۱) نگاه‌داشتن؛ برگزار کردن

(۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن

(۳) متصل کردن؛ به هم متصل شدن؛ وارد ... شدن، به ... پیوستن

(۴) کسب کردن، به دست آوردن

۹۷۸ ۲ گزارش نشان می‌دهد که خانواده‌های فقیر، نسبت بیشتری از درآمدشان را برای غذا خرج می‌کنند.

(۱) تعادل، توازن (۲) نسبت؛ تناسب

(۳) فراوانی، وفور؛ فرکانس (۴) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

۹۷۹ ۲ احتمالاً یادگیری تقریباً در هر فعالیتی که در آن شرکت می‌کنیم، اتفاق می‌افتد.

(۱) ادامه دادن؛ دوام آوردن (۲) شرکت کردن، حضور یافتن

(۳) مواظب بودن، مراقب بودن (۴) بالا رفتن از؛ افزایش یافتن

۹۸۰ ۴ آن فوتبالیست مشهور امسال ۵۴ میلیون دلار کسب خواهد کرد، که [این موضوع] او را پر درآمدترین ورزشکار جهان می‌کند.

(۱) تفریح (۲) عامل، فاکتور (۳) هویت (۴) ورزشکار

۹۸۱ ۴ او یک معتاد اینترنت واقعی شده است و بیشتر وقت خودش را صرف وبگردی یا بازی آنلاین می‌کند.

(۱) خورۀ تلویزیون (۲) فشار (۳) بیمار (۴) معتاد

۹۶۴ ۳ در این رستوران، شما می‌توانید هرچه‌قدر که می‌خواهید برای خودتان غذا بکشید؛ هیچ محدودیتی وجود ندارد.

(۱) کارکرد، عملکرد (۲) تعادل، توازن

(۳) محدودیت؛ مرز؛ حد و حدود (۴) کار، عمل؛ فعالیت

۹۶۵ ۱ ما باید در مورد شیوه‌ای که انرژی مصرف می‌کنیم تجدید نظر کنیم. برای مثال، رویکرد ما به حمل و نقل و سیستم گرمایشی را در نظر بگیرید.

(۱) بازاندیشی کردن، تجدید نظر کردن

(۲) مخالفت کردن، موافق نبودن؛ با هم اختلاف داشتن

(۳) خودداری کردن از، پرهیز کردن از، اجتناب کردن از

(۴) محدود کردن، حدی قائل شدن برای

۹۶۶ ۲ بسیاری از رویدادهای ورزشی اصلی آخر هفته، به دلیل هوای بد لغو شدند.

(۱) شرط؛ وضع، وضعیت (۲) واقعه، رویداد

(۳) مأموریت (۴) اثر، تأثیر

۹۶۷ ۴ ما با عجله به این طرف و آن طرف می‌رفتیم [و] تلاش می‌کردیم تمام اطلاعاتی را که نیاز داشتیم، پیش از آخر هفته کسب کنیم.

(۱) عمل کردن، اقدام کردن؛ کار کردن

(۲) متصل کردن؛ به هم وصل شدن؛ به ... پیوستن

(۳) کسب کردن، به دست آوردن

(۴) عجله کردن؛ با عجله رفتن؛ به عجله وا داشتن

۹۶۸ ۴ وقتی جوان‌تر بودم، هرگز برای یک لحظه [هم] تصور نمی‌کردم که در سن فعلی‌ام هنوز چنین کاری را انجام دهم.

(۱) سردرگم کردن، گیج کردن

(۲) رد و بدل کردن، مبادله کردن؛ معاوضه کردن

(۳) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

(۴) تصور کردن

۹۶۹ ۱ پژوهشگران دریافته‌اند که یک کارکرد مغز، تولید کردن موادی است که می‌توانند سلامت شما را بهبود ببخشند.

(۱) کارکرد، عملکرد (۲) عادت

(۳) آفرینش، خلق؛ ایجاد (۴) واقعه، رویداد

۹۷۰ ۲ خودرو در تصادف تقریباً به طور کامل نابود شد، اما خوشبختانه هیچ‌کدام از مسافران به طور جدی آسیب ندیدند.

(۱) ممنوع کردن، قدغن کردن، منع کردن

(۲) صدمه زدن به، آسیب رساندن به

(۳) محدود کردن، حدی قائل شدن برای

(۴) سردرگم کردن، گیج کردن

۹۷۱ ۱ اگر می‌خواهید موفق شوید، باید برای خودتان تعدادی هدف قرار دهید و سپس برنامه‌ریزی‌هایی را انجام دهید که [می‌خواهید] چگونه به آن‌ها دست یابید.

(۱) هدف، مقصود (۲) مورد، نمونه (۳) عادت (۴) واقعه، رویداد

۹۸۲ این احتمال هست که ممکن است آب شیر حاوی مواد زیان‌باری هم‌چون کلر و سرب باشد.

(۱) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

(۲) حاوی ... بودن، شاملی ... بودن

(۳) درگیر کردن؛ مستلزم ... بودن

(۴) ناتوان کردن، عاجز کردن، معلول کردن

۹۸۳ افراد زیادی که وزن کم می‌کنند، با گذشت زمان دوباره آن را اضافه می‌کنند و در نهایت [از نظر وزن] به همان جایی بر می‌گردند که شروع کرده بودند.

(۱) حرکت کردن؛ حرکت دادن (۲) کسب کردن، به‌دست آوردن

(۳) دادن (۴) بردن؛ گرفتن

◀ وزن اضافه کردن، چاق شدن: gain weight

◀ وزن کم کردن، لاغر شدن: lose weight

۹۸۴ ما برای یک معجزه دعا کردیم اما سوختگی‌های او به‌قدری شدید بود که او جان سالم به در نبرد.

(۱) کارکرد، عملکرد (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) معجزه، کار خارق‌العاده (۴) دلیل، علت

۹۸۵ بهترین راه دور نگه‌داشتن بچه‌ها پتان از مواد مخدر خطرناک، آموزش دادن به آن‌ها است تا برای خودشان انتخاب‌های آگاهانه‌ای انجام دهند.

(۱) متعادل کردن، متوازن کردن

(۲) ممنوع کردن، قدغن کردن، منع کردن

(۳) آموزش دادن، تعلیم دادن

(۴) مخالفت کردن، موافق نبودن؛ با هم اختلاف داشتن

۹۸۶ نباید اجازه بدهید اظهارنظرهای منفی او شما را ناراحت کند؛ او نمی‌داند در چه موردی حرف می‌زند.

(۱) ذهنی؛ روحی (۲) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی

(۳) منفی (۴) اعتیادآور

۹۸۷ ما در اعماق وجودمان سرشار از احساس بودیم اما وقتی که مشغول کارمان شدیم از آن نشانه کمی وجود داشت.

(۱) کارکرد، عملکرد

(۲) احساس، عاطفه

(۳) اختراع؛ ابداع

(۴) مأموریت؛ هیئت اعزامی؛ هیئت مبلغین (مذهبی)

۹۸۸ مردم گاهی فراموش می‌کنند که در عوض فقط دستور دادن به بچه‌ها، مهم است که با آن‌ها به شیوه‌ای صحبت کنیم که احترام‌آمیز است.

(۱) شیوه، روش؛ طرز رفتار (۲) تنوع، نوع، گونه

(۳) عامل، فاکتور (۴) پیام، پیغام

۹۸۹ این‌که محصولات چه‌قدر خوب رشد خواهند کرد به کیفیت و وضعیت خاک بستگی دارد.

(۱) تعریف (۲) شرط؛ وضع، وضعیت

(۳) پایان، آخر؛ نتیجه (۴) پیش‌بینی؛ پیش‌گویی

۹۹۰ رژیم غذایی ژاپنی صرف‌نظر از این‌که آن‌ها کمی زیاد نمک مصرف می‌کنند، به وضوح کاملاً سالم است.

(۱) سبک، شیوه (۲) مرحله، گام؛ [در تئار و غیره] صحنه

(۳) غذا؛ رژیم (غذایی) (۴) پروتئین

۹۹۱ مردم می‌توانند با انجام هر فعالیت جسمانی که باعث می‌شود قلب سریع‌تر بتپد و ۱۵ دقیقه طول بکشد، در این برنامه شرکت کنند.

(۱) قدم‌دو، دو (آهسته و با سرعت ثابت)

(۲) سبک زندگی

(۳) پیاده‌روی (طولانی مدت)

(۴) فعالیت، کار

۹۹۲ بدن شما برای تولید گلبول‌های قرمز خون و سالم نگه داشتن دستگاه عصبی، به ویتامین ب۱۲ نیاز دارد.

(۱) عصبی؛ نگران، دلواپس (۲) متنوع، گوناگون، مختلف

(۳) (مربوط به) پزشکی؛ دارویی (۴) خلایق؛ خلایقانه

◀ دستگاه عصبی: nervous system

۹۹۳ به او هشدار داده شده بود [که] در این محله صبح اول وقت دویدن خطرناک است؛ او نباید تنها بیرون می‌رفت.

(۱) بی‌ضرر، بی‌زیان (۲) عصبی؛ نگران، دل‌آپس

(۳) خطرناک، نامطمئن، ناامن (۴) جدی؛ خطرناک؛ حاد

۹۹۴ بعضی از والدین فکر می‌کنند تلویزیون به بچه‌ها آسیب می‌زند اما سایرین آن را به عنوان سرگرمی بی‌ضرر در نظر می‌گیرند.

(۱) پیش‌بینانه؛ پیشگویانه (۲) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی

(۳) بی‌ضرر، بی‌زیان (۴) ناسالم؛ ناخوش

۹۹۵ خلبان هواپیما به دلیل هوای بسیار بد، مجبور شد فرود اضطراری انجام دهد.

(۱) راز، سرّ، معما

(۲) تفریحی

(۳) شرطی

(۴) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری؛ [صفت‌گونه] اضطراری

۹۹۶ اگر به او بگویید چه اتفاقی افتاد، مطمئنم درک خواهد کرد؛ او مردی منطقی است.

(۱) کارکردی، عملکردی (۲) منطقی، معقول

(۳) ذهنی؛ روحی (۴) مؤثر، کارآمد، اثر بخش

۹۹۷ ۶۷٪ از آن‌هایی که هرگز سیگار نمی‌کشیدند، گفتند [که] آن‌ها نگران آثار سلامتی سیگار کشیدن سایر افراد [بر خودشان] هستند.

(۱) طبیعی؛ ذاتی (۲) سلامتی، تندرستی

(۳) علمی (۴) بانفوذ؛ مؤثر، دارا تأثیر

۹۹۸ او در چرخ خرید خودش فقط چند تا چیز داشت، پس به او نفتم می‌تواند در صف صندوق جلوی من برود.

(۱) آن‌سوی، فراسوی، آن طرف (۲) جلوی؛ جلوتر از؛ پیش از

(۳) کنار، نزدیک (۴) دور، گرد، اطراف

۱۰۰۸ مطالعات نشان می‌دهند که فعالیت جسمانی منظم، خلق و خو را بهبود می‌بخشد، به کم کردن استرس کمک می‌کند و احساس سلامت را افزایش می‌دهد.

- (۱) ضربان قلب
- (۲) شرط؛ وضع، وضعیت
- (۳) بی‌نظمی، به هم‌ریختگی؛ اختلال، ناراحتی
- (۴) استرس، فشار روحی

۱۰۰۹ به طور کلی، ارتباط بین پزشکان و بیماران آن‌ها، مهم‌ترین بخش درمان پزشکی است.

- (۱) بی‌نظمی، به هم‌ریختگی؛ اختلال، ناراحتی
- (۲) تنوع؛ نوع، گونه
- (۳) عمومی، همگانی؛ جامع
- (۴) عادت

◀ به طور کلی، کلاً؛ عموماً: in general

۱۰۱۰ هم آقا و هم خانم کریمی نگران پسرشان هستند چون او زندگی را جدی نمی‌گیرد.

- (۱) به طور منظم، منظملاً، به طور مرتب
- (۲) به‌شدت، سخت؛ جدی
- (۳) از نظر احساسی، از نظر عاطفی؛ از روی احساسات
- (۴) راحت، به راحتی، به آسودگی

◀ کسی / چیزی را جدی گرفتن: take sb/sth seriously

۱۰۱۱ کارمندانی که در پروژه نقش فعالی را بر عهده می‌گیرند، بیشتر احساس مشارکت و برای نتایج بیشتر [احساس] مسئولیت می‌کنند.

- (۱) فعال، کاری، پرکار
- (۲) عمومی، همگانی؛ جامع
- (۳) محدود
- (۴) متنوع، گوناگون، مختلف

۱۰۱۲ طبق یک نظرسنجی جدید، ۴۹ درصد از پدران ایرانی، خودشان را از پدرانشان به عنوان والدین بهتری توصیف کردند.

- (۱) پیش‌بینی کردن؛ پیشگویی کردن
 - (۲) اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن
 - (۳) سردرگم کردن، گیج کردن
 - (۴) توصیف کردن، شرح دادن
- ۱۰۱۳ دانشمندان اعتقاد دارند که تخریب لایه اوزون، بر روی محیط زیست تأثیری بسیار زیان‌آور خواهد داشت.

- (۱) مضر، زیان‌بخش، زیان‌آور
 - (۲) عمومی، همگانی؛ جامع
 - (۳) متعادل، متوازن
 - (۴) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی
- ۱۰۱۴ گروهی از نقاشان که تحت تأثیر سبک پیکاسو بودند، هفته گذشته جلسه‌ای داشتند.

- (۱) آفرینش، خلق؛ ایجاد
 - (۲) اثر، تأثیر
 - (۳) مشاهده، ملاحظه؛ اظهارنظر
 - (۴) شرط؛ وضع، وضعیت
- ۱۰۱۵ این روزها خانواده‌های بزرگ کاملاً کم‌یاب هستند، هرچند آن‌ها در نسل پدر و مادر نسبتاً متداول بودند.
- (۱) نادر، کم‌یاب
 - (۲) متنوع، گوناگون، مختلف
 - (۳) بی‌حد و مرز؛ بی‌کران
 - (۴) عمومی، همگانی؛ جامع

۹۹۹ آن خانم نتوانست مردی را که کیف پول او را دزدید شناسایی کند، چون در زمان سرقت هوا خیلی تاریک بود.

- (۱) شناسایی کردن، شناختن
 - (۲) درک کردن، فهمیدن
 - (۳) فهمیدن، درک کردن
 - (۴) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن
- ۱۰۰۰ اگرچه به طور کلی با دیدگاه‌های او موافق نیستم، باید اعتراف کنم

- که ممکن است او در این موضوع خاص حق داشته باشد.
- (۱) مخالفت کردن، موافق نبودن؛ باهم اختلاف داشتن
 - (۲) سردرگم کردن، گیج کردن
 - (۳) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن
 - (۴) معاشرت کردن، رفت و آمد کردن

۱۰۰۱ من و جان بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، بهترین دوستان [هم] شدیم و او با رفتارش من را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

- (۱) بحث کردن درباره، گفت و گو کردن درباره
- (۲) بهبود بخشیدن؛ بهبود یافتن، بهتر شدن
- (۳) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن
- (۴) توصیه کردن به، نصیحت کردن (به)

۱۰۰۲ او چنان اعتیادی به سیگار داشت که در روز ۴۰ [نخ سیگار] می‌کشید و هرگز نمی‌توانست ترک کردن [آن] را تصور کند.

- (۱) اعتیاد
 - (۲) نسبت؛ تناسب
 - (۳) احساس، عاطفه
 - (۴) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری
- ۱۰۰۳ مطالعات نشان داده‌اند که اگر بچه‌مدرسه‌ای‌ها صبحانه مناسبی نخورند، اغلب برای تمرکز کردن در کلاس دشواری دارند.

- (۱) عمومی، همگانی؛ جامع
 - (۲) مناسب، متناسب؛ شایسته
 - (۳) جدی؛ خطرناک؛ حاد
 - (۴) مثبت
- ۱۰۰۴ من همیشه بعد از تماشای اخبار تلویزیون به دلیل همه جنگ و گرسنگی [موجود] در جهان، احساس افسردگی می‌کنم.

- (۱) معتاد
 - (۲) افسرده، غمگین
 - (۳) متعادل، متوازن
 - (۴) ممنوع، قدغن
- ۱۰۰۵ یکی از نکات منفی کار کردن در خانه، نداشتن ارتباط اجتماعی با سایر افراد است.

- (۱) متنوع، گوناگون، مختلف
 - (۲) نسبی
 - (۳) اجتماعی
 - (۴) بی‌خانمان
- ۱۰۰۶ شما باید خلاق‌تر باشید. صرف تکرار پژوهش‌های سایر افراد را نمی‌توان پژوهش علمی واقعی نامید.

- (۱) جسمی، جسمانی؛ فیزیکی
 - (۲) علمی
 - (۳) مکرر، متعدد؛ معمول
 - (۴) غیرمستقیم؛ [پاسخ] غیر صریح، تلویحی
- ۱۰۰۷ در تمامی فرایندهای طبیعی، انرژی هرگز ایجاد یا نابود نمی‌شود، بلکه آن صرفاً از شکلی به شکل دیگر تغییر شکل می‌دهد.

- (۱) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن
- (۲) خلق کردن، به وجود آوردن؛ ایجاد کردن
- (۳) قادر ساختن، توانایی دادن به، امکان دادن به
- (۴) اختراع کردن؛ ابداع کردن

۴۱۰۱۶ آن شرکت ادعا می‌کند که محصول جدید آن‌ها از زمان اختراع تلفن، مهم‌ترین پیشرفت [بشر] است.

- (۱) کارکرد، عملکرد (۲) نسبت؛ تناسب (۳) شرط؛ وضع، وضعیت (۴) اختراع؛ ابداع

۳۱۰۱۷ سازمان بهداشت جهانی بیان می‌کند که سیگار کشیدن، علت اصلی سرطان و مرگ و میر ناشی از سرطان در جهان است.

- (۱) حقیقت، واقعیت (۲) حقیقت، واقعیت (۳) سبب، علت (۴) اثر، تأثیر

۲۱۰۱۸ من عادت او در [مورد] همیشه پنجره‌ها را باز کردن، واقعاً آزاردهنده‌ترین [عادت] می‌دانم، به خصوص وقتی که دمای هوا منفی ۱۰ [درجه] است.

- (۱) دقیقاً (۲) به‌خصوص، به‌ویژه، علی‌الخصوص (۳) دائم، مدام، همواره (۴) کامل؛ کاملاً، به طور کامل

۱۱۰۱۹ بعضی از برنامه‌های تلویزیونی، هم‌چون برنامه‌های علمی، هم برای بچه‌ها و هم برای بزرگسالان، به یک اندازه بسیار آموزنده و جالب هستند.

- (۱) آموزشی، آموزنده؛ تحصیلی؛ (مربوط به) آموزش و پرورش (۲) خوشبخت، سعادت‌مند (۳) خاص، ویژه (۴) متعادل، متوازن

۲۱۰۲۰ طبق یک پژوهش جدید، اگر مردم فقط با احتیاط‌تر بودند، بیشتر تصادفات رانندگی قابل پیشگیری هستند.

- (۱) مکرر، فراوان؛ معمول (۲) قابل پیشگیری، قابل جلوگیری (۳) تکنولوژیکی، فنی (۴) غیرمستقیم؛ [پاسخ] غیرصریح، تلویحی

۴۱۰۲۱ متأسفانه ما در مورد آغاز حیات روی زمین، اطلاعات به لحاظ علمی مهم کافی نداریم.

- (۱) به لحاظ ذهنی؛ از نظر روحی (۲) اغلب، غالباً، به کرات (۳) (به طور) پیوسته، دائماً (۴) به طور علمی؛ به لحاظ علمی

۴۱۰۲۲ زندگی در آپارتمان خوب است، اما نقطه‌ضعف‌های خودش را دارد؛ برای مثال، [در آپارتمان] شما باغچه خودتان را ندارید.

- (۱) تفریح (۲) سبک زندگی (۳) موقعیت، وضع، شرایط (۴) محدودیت؛ نقطه‌ضعف

۲۱۰۲۳ وقتی که هوا سرد است، تدارک دیدن جایی برای اقامت افراد بی‌خانمان فقط راهکاری موقتی است؛ آن مشکل را حل نمی‌کند.

- (۱) ناتوان، عاجز (۲) بی‌خانمان (۳) (مربوط به) پزشکی؛ دارویی (۴) خلاق؛ خلاقانه

۳۱۰۲۴ این دوره برای کمک به معلمان در نظر گرفته شده است تا یاد بگیرند با شاگردان جوان، چگونه به طور مؤثری ارتباط برقرار کنند.

- (۱) دقیقاً (۲) معمولاً، عموماً (۳) به طور مؤثری، به نحو کارآمدی (۴) اخیراً، به تازگی

۱۱۰۲۵ تعداد هشداردهنده‌ای از نوجوانان علی‌رغم تلاش‌های دولت برای بازداشتن عادت [سیگار کشیدن]، هم‌چنان سیگار می‌کشند.

- (۱) عادت (۲) کارکرد، عملکرد (۳) حقیقت، واقعیت (۴) اثر، تأثیر

۱۱۰۲۶ بسیاری از بچه‌ها در نتیجه آسیب‌هایی [که] متحمل شده‌اند، از نظر احساسی پریشان شده‌اند.

- (۱) از نظر احساسی، به لحاظ عاطفی (۲) به طور فعال، فعالانه (۳) به شدت، شدیداً؛ باقدرت (۴) لزوماً، ضرورتاً

۳۱۰۲۷ دولت برای اطمینان حاصل کردن از این‌که تمام ساختمان‌های عمومی به آسانی در دسترس افراد معلول هستند، باید اقدامات بیشتری انجام دهد.

- (۱) (مربوط به) پزشکی؛ دارویی (۲) محدود (۳) ناتوان، عاجز، معلول (۴) شرط؛ وضع، وضعیت

۲۱۰۲۸ اگر کمی محترمانه‌تر برخورد کردن با مردم را شروع نکنید، ممکن است مردم از دست شما فرار کنند.

- (۱) بهبود یافتن، بهتر شدن؛ بهبود دادن (۲) خودداری کردن از، پرهیز کردن از، اجتناب کردن از (۳) معاشرت کردن، رفت و آمد کردن (۴) ربط دادن، پیوند دادن، مرتبط ساختن

از کسی / چیزی فرار کردن: avoid sb/sth like the plague

۴۱۰۲۹ رفتار اجتماعی جدید در بین افراد جوان، تا حدودی به علت تغییرات اخیر در الگوی زندگی خانوادگی به وجود می‌آید.

- (۱) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن / خدمت (۲) خودداری کردن از، پرهیز کردن از، اجتناب کردن از / مرحله؛ گام؛ [در] تأثیر و غیره [صحنه] (۳) پوشاندن / تجربه (۴) باعث ... شدن، علت ... بودن / الگو؛ طرح

۳۱۰۳۰ او در نهایت به دلیل بیماری از راه رفتن عاجز شد و مجبور شد برای جابه‌جا شدن از صندلی چرخدار موتوری استفاده کند.

- (۱) شرطی (۲) منطقی، معقول (۳) ناتوان، عاجز (۴) عصبی؛ نگران، دلواپس

۴۱۰۳۱ مقررات ضد سیگار جدید، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهند چون‌که در حال حاضر، سیگاری‌ها در تمام ساختمان‌های عمومی باید برای سیگار کشیدن بیرون بروند.

- (۱) قادر ساختن، توانایی دادن به، امکان دادن به (۲) حاوی ... بودن، شامل ... بودن (۳) راهنمایی کردن، هدایت کردن (۴) اثر گذاشتن بر / در؛ تحت تأثیر قرار دادن

۱۱۰۳۲ او بعد از مرگ شوهرش از مشکل عاطفی رنج می‌برد و متأسفانه هیچ‌کدام از دوستانش آمادگی نداشتند به او کمک کنند.

- (۱) احساسی، عاطفی؛ احساساتی (۲) مؤثر، کارآمد، اثربخش (۳) هیجان‌زده (۴) اعتیادآور

۳۱۰۳۳ ترک سیگار می‌تواند به کند شدن پیشرفت بیماری کمک کند و به کاهش احتمال سرطان ریه کمک کند.

- (۱) سبک زندگی (۲) معجزه، کار خارق‌العاده (۳) سرطان (۴) عامل، فاکتور

۴۱۰۴۲ یکی از اعضای باشگاه سؤالی را مطرح کرد اما آن جدی گرفته نشد چون که همه هم عقیده بودند که آن با موضوع مورد بحث کاملاً بی‌ارتباط بود.

- (۱) به نحو مناسبی، به طرز شیسته
- (۲) لزوماً، ضرورتاً
- (۳) مطمئناً، یقیناً، مسلماً
- (۴) جدی؛ به شدت، سخت

کسی / چیزی را جدی گرفتن: take sb / sth seriously

۱۱۰۴۳ در حال حاضر ژاپن به لحاظ تکنولوژیکی از چین پیشرفته‌تر می‌باشد، اما چین به سرعت در حال رسیدن [به ژاپن] است.

- (۱) به لحاظ فنی، به لحاظ تکنولوژیکی
- (۲) به لحاظ تقریبی
- (۳) به طور مشرو
- (۴) به اشکال مختلف، به صورت‌های مختلف

۲۱۰۴۴ کهکشان ما پر از گاز و گرد و غبار است که [این] باعث می‌شود ستاره‌های دوردست، کم‌نورتر به نظر بیایند و در نتیجه دورتر از آن چیزی که واقعاً هستند، به نظر برسند.

- (۱) گرچه، اگرچه
 - (۲) در نتیجه، بنابراین
 - (۳) در هر حال؛ همه چیز به کنار
 - (۴) با وجود این، با این حال
- ۱۱۰۴۵ خلاصه‌ای که شما از زمان نوشتید، خیلی کلی است؛ شما باید به معنی داستان با جزئیات بسیار بیشتری نگاه کنید.

- (۱) عمومی، همگانی؛ کلی
 - (۲) علمی
 - (۳) تکنولوژیکی، فنی
 - (۴) عملی؛ مناسب، مفید
- ۱۱۰۴۶ دانشجویانی که تمایل دارند در این کشور درس بخوانند، بسته به کشور مبدأ خودشان ممکن است پیش از اعطای ویزا مجبور شوند تحت آزمایش پزشکی قرار گیرند.

- (۱) (مربوط به) پزشکی؛ دارویی
- (۲) عصبی؛ نگران، دلواپس
- (۳) متنوع، گوناگون، مختلف
- (۴) اعتیادآور

۳۱۰۴۷ در این شهر، طیف وسیعی از فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت مثل شنا، ماهی‌گیری، موج‌سواری و قایق‌رانی، برای لذت بردن مردم موجود هستند.

- (۱) خاص، ویژه
- (۲) احساسی، عاطفی؛ احساساتی
- (۳) تفریحی
- (۴) آموزشی، تحصیلی؛ پرورشی

۲۱۰۴۸ روز واقعاً پرحادثه‌ای داشتیم؛ با دوچرخه به دریاچه رفتیم، در رستوران شام خوردیم، برای پیاده‌روی کنار اقیانوس رفتیم و سپس در راه خانه نزدیک بود با ماشین تصادف کنیم!

- (۱) سالم؛ تندرست
- (۲) پرحادثه، پرماجر
- (۳) جدی؛ خطرناک؛ حاد
- (۴) منفی

۳۱۰۴۹ چند روز قبل، یک دختر بچه از پل معلق کاپلاتو انداخته شد، اما او به طرز معجزه‌آسایی جان سالم به در برد.

- (۱) به طور علمی؛ به لحاظ علمی
- (۲) به طور گیج‌کننده‌ای
- (۳) به طرز معجزه‌آسایی، معجزه‌وار
- (۴) به لحاظ فنی، به لحاظ تکنولوژیکی

۴۱۰۳۳ دخترهای دولوی همسایه‌ام به لحاظ جسمی خیلی شبیه هستند، اما شخصیت آن‌ها کاملاً متفاوت است.

- (۱) به لحاظ روحی؛ از نظر ذهنی
 - (۲) به لحاظ عاطفی، از نظر احساسی
 - (۳) به طور کلی، کلاً؛ معمولاً
 - (۴) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی
- ۲۱۰۳۵ این باور وجود دارد که تصادف در نتیجه غیرمستقیم باران و کولاک سنگین در شهر اتفاق افتاد.

- (۱) گیج‌کننده، سردرگم‌کننده
- (۲) متنوع، گوناگون، مختلف
- (۳) غیرمستقیم؛ [پاسخ] غیر صریح، تلویحی
- (۴) مناسب؛ شایسته

۴۱۰۳۶ اغلب بچه‌هایی که از اختلالات شخصیتی رنج می‌برند تا پیش از این که خیلی دیر شود، درمان اندکی را دریافت می‌کنند یا اصلاً تحت درمان قرار نمی‌گیرند.

- (۱) اعتیاد
- (۲) احساس، عاطفه
- (۳) کارکرد، عملکرد
- (۴) بی‌نظمی، به هم ریختگی؛ اختلال، بیماری

۲۱۰۳۷ شغل آتش‌نشان خیلی پراسترس است چون که او هرگز نمی‌داند قرار است چه زمانی مورد نیاز باشد و معمولاً وقتی که به او نیاز است، کار بسیار خطرناک است.

- (۱) خلاق؛ خلاقانه
 - (۲) پراسترس، تنش‌زا
 - (۳) مؤثر، کارآمد، اثربخش
 - (۴) عالی، فوق‌العاده، بسیار خوب
- ۳۱۰۳۸ یک روش خوب تأمین پروتئین بیشتر بدون افزودن کالری اضافی تر به رژیم غذایی‌تان، استفاده از پودر پروتئین است.

- (۱) محدودیت؛ مرز؛ حد و حدود
- (۲) عامل، فاکتور
- (۳) کالری
- (۴) ماده معدنی، کانی

۴۱۰۳۹ شواهدی وجود دارد که حکایت از این دارند که چاقی و رژیم غذایی ناسالم ممکن است خطر سرطان‌ها از جمله سرطان روده بزرگ را هم افزایش دهند.

- (۱) مؤثر، کارآمد، نتیجه‌بخش
- (۲) سازنده؛ مولد؛ بهره‌ور
- (۳) متعادل، متوازن
- (۴) ناسالم، ناخوش

۱۱۰۴۰ هوا در این بخش کشور کاملاً غیرقابل پیش‌بینی است؛ ممکن است فقط در بازه زمانی چند ساعت، باران ببارد، برف ببارد و [یا هوا] آفتابی باشد.

- (۱) غیرقابل پیش‌بینی، غیرمنتظره
- (۲) قابل پیشگیری، قابل جلوگیری
- (۳) قابل فهم، قابل درک
- (۴) قابل اعتماد، قابل اطمینان، موثق

۴۱۰۴۱ برنامه‌های استخدام جدیدی که توسط دولت اعلام شد، مشاغل کوچک را قادر خواهند ساخت برای تابستان دانشجویان بیشتری را استخدام کنند.

- (۱) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن
- (۲) کار کردن، عمل کردن
- (۳) حاوی ... بودن، شامل ... بودن
- (۴) قادر ساختن، توانایی دادن به، امکان دادن به

۴۱۰۵۰ جیم ۶۵ سال دارد اما هنوز قصد ندارد بازنشسته شود. او می‌خواهد

به کار کردن ادامه دهد.

در جای خالی اول با ساختار **be going to** سر و کار داریم که بعد از آن از شکل ساده فعل استفاده می‌شود. با توجه به این‌که **be going** قبل جای خالی آمده، جای خالی اول با «شکل ساده فعل + to» کامل می‌شود. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که بعد از **carry on** (ادامه دادن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل **ing** دار) به کار می‌رود.

۳۱۰۵۱ به مسیرتان ادامه دهید تا به چهارراه برسید و سپس به سمت چپ بپیچید.

بعد از فعل **keep (on)** (ادامه دادن؛ ادامه یافتن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing** دار) به کار می‌رود.

۱۱۰۵۲ یکی مترجم بودن را دوست دارد. او به مدت بیش از بیست سال به عنوان مترجم کار کرده است و از آن چیزی که انجام می‌دهد واقعاً لذت می‌برد. اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست بیست سال قبل) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که **for** (برای، به مدت) جزء اصلی‌ترین قیدهایی است که می‌تواند به همراه زمان حال کامل استفاده شود و نشان می‌دهد عمل چه مدتی ادامه داشته است. در جای خالی دوم نیز با توجه به مفهوم جمله، از **what** (چیزی، چه) استفاده می‌کنیم، نه **which** (کدام‌یک).

۴۱۰۵۳ عمویم حتی بعد از این‌که دکتر به او گفت اگر [به سیگار کشیدن] ادامه دهد، ریسک حمله قلبی را قبول می‌کند، سیگار کشیدن را متوقف نکرد. هم بعد از فعل **stop** (متوقف کردن؛ متوقف شدن) و هم بعد از فعل **risk** (ریسک کردن، خطر ... را قبول کردن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing** دار) به کار می‌رود. البته بعد از **stop** در یک معنی دیگر، از مصدر **to** (فعل **to** +) استفاده می‌شود که در درس بعد به آن می‌پردازیم.

۴۱۰۵۴ او را به مدت سه سال ندیده‌ام. علتش این است [که] از وقتی مدرسه را ترک کردم، آن‌جا نرفته‌ام.

در هر چهار گزینه، برای جای خالی اول فعل حال کامل داریم، اما با توجه به مفهوم جملات و به خصوص معنی جمله دوم، فعل حال کامل به صورت منفی مد نظر است (گزینه‌های ۲ و ۴). علاوه بر این، با توجه به این‌که در جای خالی دوم، قید به مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته (در این تست **I left school**) اشاره دارد، در این جای خالی از **since** (از، از وقتی که) استفاده می‌کنیم، نه **ever** (تا به حال، تا کنون). همچنین دقت کنید که از **ever** معمولاً در جملات حال کامل سؤالی یا منفی استفاده می‌شود.

۲۱۰۵۵ لطفاً عجله کن! برایم از آشپزخانه دستمال بیاور. نینا همین حالا روی فرش آب‌پرتقال ریخت.

از حال کامل می‌توانیم برای اشاره به عملی استفاده کنیم که در گذشته انجام شده، اما از زمان انجام آن مدت زمان بسیار اندکی گذشته است. اغلب همراه این کاربرد حال کامل از **recently** (اخیراً، به تازگی) یا **just** (تازه، همین حالا) استفاده می‌شود، اما کاربرد **already** به همراه این کاربرد زمان حال کامل صحیح نیست. دقت کنید که **just** و **recently** به همراه فعل حال کامل، در بین دو بخش فعل قرار می‌گیرند.

۲۱۰۵۶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) معلم کلیدها را گم کرده است، پس نمی‌تواند در را باز کند.

(۲) کلاس ما تاکنون در این ترم ۳ امتحان گرامر داشت.

(۳) به مدت ۱۰ سال انگلیسی خوانده‌ام، اما هنوز مطالب زیادی برای یاد گرفتن دارم.

(۴) پدر بزرگ و مادر بزرگم سال‌ها قبل در این ناحیه زندگی می‌کردند.

در صورتی که عملی در گذشته انجام شود، ولی نتایج و آثار آن تا همین حالا ادامه داشته باشد، از زمان حال کامل استفاده می‌کنیم؛ بنابراین کاربرد فعل حال کامل (**has lost**) در گزینه (۱) کاملاً صحیح است. با توجه به این‌که جمله گزینه (۲) به عملی اشاره دارد که به تناوب (سه بار) از گذشته تاکنون انجام شده است، در این مورد هم به فعل حال کامل (**has had**) نیاز داریم که به جای آن از فعل گذشته ساده (**had**) استفاده شده است. جمله گزینه (۳) به عملی اشاره دارد که از زمان مشخصی در گذشته (۱۰ سال قبل) تا همین الان ادامه داشته؛ بنابراین در این گزینه به درستی از فعل حال کامل (**have studied**) استفاده شده است. در نهایت دقت کنید که چون فعل گزینه (۴) به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام و سپس قطع شده است و در عین حال، اثرات این فعل تاکنون ادامه ندارد، در این گزینه به درستی از فعل گذشته ساده (**lived**) استفاده کرده‌ایم.

۳۱۰۵۷ اغلب آخر هفته‌ها از خرید رفتن اجتناب می‌کنم چون که فروشگاه‌ها خیلی شلوغ هستند.

بعد از فعل **avoid** (اجتناب کردن از، خودداری کردن از) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing** دار) به کار می‌رود.

۳۱۰۵۸ او کمتر از سه سال قبل از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. او تاکنون برای سه شرکت مختلف کار کرده است.

جای خالی اول به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته (کمتر از سه سال قبل) انجام شده و به پایان رسیده است؛ بنابراین در جای خالی اول، از فعل گذشته ساده (**graduated**) استفاده می‌کنیم. اما با توجه به این‌که فعل جای خالی دوم به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته (کمتر از سه سال قبل) شروع شده و تاکنون به طور متناوب ادامه داشته است، در این مورد به فعل حال کامل (**has worked**) نیاز داریم. دقت کنید که **so far** (تاکنون، تا حالا) می‌تواند از نشانه‌های زمان حال کامل باشد. آن دو مرد داشتن هر اطلاعاتی را در مورد کسی که از بانک سرقت کرده بود، انکار کردند.

بعد از فعل **deny** (انکار کردن، نپذیرفتن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing** دار) به کار می‌رود.

۳۱۰۶۰ پدر و مادرم مدت‌هاست که همین ماشین را داشته‌اند. آن‌ها آن را حداقل پانزده سال قبل خریدند.

for (برای، به مدت) جزء اصلی‌ترین قیدهایی است که می‌تواند به همراه زمان حال کامل استفاده شود و نشان می‌دهد عمل چه مدت ادامه داشته است. در جای خالی اول، با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل حال کامل (**have had**)، از **for** استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی دوم، به دلیل کاربرد فعل گذشته ساده (**bought**)، کاربرد قید **ever since** (از آن زمان) صحیح نیست و باید **ago** (قبل، پیش) را مورد استفاده قرار دهیم.

دقت کنید که برای منفی کردن فعل حال کامل، **not** را بعد از **have** یا **has** قرار می‌دهیم، نه بعد از قسمت سوم فعل (در این تست **come**).

۳۱۰۶۶ حیرتانگیز است که در طول چند سال گذشته، قیمت کامپیوترها چه قدر کاهش یافته است.

برای اشاره به قیمت و بها از **how much** استفاده می‌کنیم، نه از **how many**. دقت کنید که عبارت **over the past few years** (در طول چند سال گذشته) نشان می‌دهد که عمل از چند سال قبل تا الان به طور پیوسته ادامه داشته است؛ بنابراین برای اشاره به آن، از فعل حال کامل (در این مورد **have come down**) استفاده می‌کنیم.

۴۱۰۶۷ فیلم دیروز خیلی بد بود، ولی تاکنون جشنواره به صورت کلی خوب بوده است.

در جای خالی اول، فعل مربوط به گذشته است و اثرات این فعل هم تاکنون ادامه ندارد؛ بنابراین در این مورد از فعل گذشته ساده (**was**) استفاده می‌کنیم. اما با توجه به این که جای خالی دوم به شرایط و وضعیتی اشاره دارد که از گذشته تاکنون وجود داشته است، در این مورد به فعل حال کامل (**has been**) نیاز داریم. دقت کنید که **so far** (تاکنون، تا حالا) در بخش دوم جمله، می‌تواند از نشانه‌های زمان حال کامل باشد.

۲۱۰۶۸ ما تا زمانی که خودمان پدر یا مادر نشویم، هرگز عشق پدر و مادرمان را درک نخواهیم کرد.

در صورتی که دو عمل مربوط به زمان آینده باشند و انتظار داشته باشیم که یکی از آن‌ها پیش از عمل دیگر اتفاق بیفتد، برای اشاره به عمل اول، می‌توانیم از زمان حال کامل (**have / has + p.p.**) استفاده کنیم. دقت کنید که معمولاً در این کاربرد زمان حال کامل، قبل از فعل حال کامل، یکی از قیدهای **when** (وقتی که)، **until** (تا، تا وقتی که)، **as soon as** (به محض این که) و **after** (بعد از) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴۱۰۶۹ وقتی که به این خانه آمدم، محله بسیار آرامی بود اما از آن زمان خیلی شلوغ شده است.

هم جای خالی اول و هم جای خالی دوم، به افعالی اشاره دارند که در زمان مشخصی از گذشته (زمان آمدن گوینده به خانه جدیدش) وجود داشته‌اند و هیچ‌کدام از این دو فعل هم در زمان حال اثر و نتیجه‌ای ندارند؛ بنابراین در هر دو مورد از فعل گذشته ساده استفاده می‌کنیم. اما جای خالی سوم، به وضعیت محله از آن زمان تا الان اشاره دارد و بنابراین در این مورد از فعل حال کامل استفاده می‌کنیم. دقت کنید که **since** (از، از وقتی که) قبل از جای خالی سوم از نشانه‌های اصلی زمان حال کامل است.

۳۱۰۷۰ از وقتی که آن‌ها پارسال بازی فوتبال را به آلمان باختند، تمام بازی‌های دیگر را به آسانی برده‌اند.

باختن بازی به آلمان، عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (پارسال) انجام شده است و اثرات این فعل هم تاکنون ادامه ندارد؛ بنابراین برای اشاره به آن از زمان گذشته ساده (در این مورد **lost**) استفاده می‌کنیم.

دقت کنید که عبارت **they lost the football game to Germany** (در سال گذشته **last year** آنها باختند) فعل حال کامل (**have won**) را در گذشته نشان می‌دهد و به همین دلیل است که قبل از آن از **since** استفاده کرده‌ایم.

۲۱۰۶۱ به محض این‌که در رستوران علامت سیگار کشیدن ممنوع را دیدم، سیگار را خاموش کردم.

از اسم مصدر می‌توانیم در ساختار «فعل **ing** دار + **No**» برای نشان دادن ممنوع بودن انجام یک‌کار استفاده کنیم. دقت کنید که در این مورد، **No smoking** (سیگار کشیدن ممنوع) نقش صفت را برای **sign** (علامت؛ تابلو) دارد و در انگلیسی، صفت پیش از اسم قرار می‌گیرد.

۲۱۰۶۲ تعمیرات قبلاً آغاز شده است و ما انتظار داریم کارخانه ظرف شش ماه دوباره به طور کامل آماده بهره‌برداری باشد.

already (تا همین حالا؛ قبلاً) به همراه زمان حال کامل استفاده می‌شود تا نشان دهد عمل در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده است. با توجه به این‌که در این جمله زمان آغاز تعمیرات به طور دقیق تعیین نشده است، در بین گزینه‌ها فقط می‌توانیم از **already** استفاده کنیم.

۲۱۰۶۳ علی کارش را رها کرد چون از این‌که هر روز همان کار را انجام دهد، خیلی خسته شده بود.

بعد از حروف اضافه (مثل **of** در این تست) فعل به صورت **ing** دار مورد استفاده قرار می‌گیرد. دقت کنید که فعل **do** (انجام دادن) نیاز به حرف اضافه ندارد و مفعول آن (در این تست **the same job**) بلافاصله بعد از خودش قرار می‌گیرد.

۱۱۰۶۴ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری صحیح است؟
(۱) ما چند سال قبل رژیم گیاه‌خواری را آغاز کردیم و از آن زمان حالمان خیلی خوب بوده است.

(۲) امروز صبح قبل از ترک خانه صبحانه نخوردم.

(۳) جان مضطرب است چون تا حالا هرگز چنین امتحان سختی نداده است.

(۴) من هرگز مادر بزرگم را ندیده‌ام چون او قبل از به دنیا آمدن من فوت شد.

در گزینه (۱) فعل حال کامل (**have felt**) به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته (چند سال قبل) شروع شده و تا کنون به طور پیوسته ادامه داشته است؛ بنابراین کاربرد فعل حال کامل در این‌جا صحیح است و هیچ مشکلی ندارد. در گزینه (۲)، با توجه به این‌که فعل مربوط به زمان مشخصی در گذشته است، در جمله به فعل گذشته ساده (**didn't have**) نیاز داریم، نه حال کامل (**haven't had**). در گزینه (۳)، **never** (هرگز) باید به قبل از **taken** منتقل شود؛ و در نهایت در گزینه (۴) چون که فوت مادر بزرگ در زمان مشخصی از گذشته (پیش از به دنیا آمدن گوینده جمله) اتفاق افتاده است، برای آن باید از فعل گذشته ساده (**died**) استفاده کنیم، نه فعل حال کامل (**has died**).

۲۱۰۶۵ دانشمندان برای سرطان راه‌حل‌های متفاوتی یافته‌اند، اما هنوز راه حل نهایی یافته نشده است.

از **already** در صورتی که همراه زمان حال کامل استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگوییم عملی در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده است، اما با توجه به این‌که در این تست، راه حل نهایی برای سرطان اساساً یافت نشده است، کاربرد **already** از نظر معنایی صحیح نیست. علاوه بر این، گفته شد که از **yet** در جملات حال کامل منفی یا سؤالی استفاده می‌شود. با توجه به وجود **not** در تمامی گزینه‌ها، در این مورد فعل حال کامل منفی است و کاربرد **yet** (هنوز؛ تا حالا) از نظر معنایی و گرامری صحیح است. در نهایت

در صورتی که بخواهیم فعل را در جایگاه فاعل جمله به کار ببریم، باید آن را **ing** دار کنیم تا به اسم مصدر تبدیل شود. علاوه بر این، در درس بعدی هم خواهید خواند که در این کاربرد به جای اسم مصدر، از مصدر با **to** هم می توان استفاده کرد؛ بنابراین برای کامل کردن جای خالی اول، از موارد موجود در هر چهار گزینه می توان استفاده کرد!

در مورد جای خالی دوم دقت کنید که قید **ever since** (از آن زمان) نشان دهنده مبدأ عمل در زمان حال کامل است و طبق مفهوم جمله، در این جا نمی تواند صحیح باشد. اما **already** (تا همین حالا؛ قبلاً) به همراه زمان حال کامل استفاده می شود تا نشان دهد عمل در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده است و طبق مفهوم جمله، در این مورد کاربرد دارد. علاوه بر این، گزینه (۲) از دو جهت نمی تواند صحیح باشد: اولاً در این گزینه به جای قسمت سوم فعل **(failed)**، از شکل ساده فعل **(fail)** استفاده شده؛ و ثانیاً **already** بین دو بخش فعل حال کامل قرار می گیرد، نه پیش از آن **۳۱۰۷۶** چرا برای همه غذای کافی نداریم؟ فکر کردم امروز صبح برای خرید رفتید.

در صورتی که فعل در زمان مشخصی از گذشته انجام و زمان انجام فعل (در این تست **this morning**) در جمله مشخص شده باشد، برای آن از فعل گذشته ساده استفاده می کنیم، نه حال کامل یا زمان های دیگر؛ بنابراین گزینه های (۲) و (۴) به دلیل استفاده از حال کامل و حال کامل استمراری و گزینه (۱) به دلیل استفاده از حال استمراری نمی توانند صحیح باشند. دقت کنید که بعد از **go** در بعضی افعال ورزشی، تفریحی و حرکتی، فعل دوم **ing** دار می شود. **۱۱۰۷۷** او در هفت کشور مختلف زندگی کرده است، بنابراین در مورد فرهنگ های مختلف اطلاعات زیادی دارد.

جای خالی اول به تجربیات زندگی شخص از ابتدا تاکنون اشاره دارد و برای آن به فعل حال کامل (در این مورد **has lived**) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم توجه کنید که **know** (دانستن، اطلاع داشتن) جز افعال حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نیست.

۱۱۰۷۸ من و بهترین دوستم، بیشتر از پانزده سال است که همدیگر را می شناسیم. ما هنوز هفته ای یک بار همدیگر را می بینیم.

اصلی ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست بیشتر از پانزده سال قبل) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که **for** (برای، به مدت) جزء اصلی ترین قیدهایی است که می تواند به همراه زمان حال کامل استفاده شود و نشان می دهد عمل چه مدتی ادامه داشته است. جای خالی دوم به عملی اشاره دارد که همواره از روی عادت انجام می شود و بنابراین برای اشاره به آن، از فعل حال ساده (در این مورد **get**) استفاده می کنیم.

۱۱۰۷۹ دیروز کلیدم را گم کردم، پس نتوانستم وارد خانه شوم. در نهایت، آن را در جیب کتَم پیدا کردم.

با توجه به این که بعد از جای خالی اول، زمان انجام فعل در گذشته (**yesterday**) مشخص شده است، برای آن از فعل گذشته ساده (**lost**) استفاده می شود؛ بنابراین در بین گزینه ها، فقط گزینه های (۱) و (۴) می توانند

۳۱۰۷۱ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) نمی توانم بیرون بروم چون هنوز کارم را تمام نکرده ام.
(۲) این هم کفش های تان. همین حالا تمیزشان کردم.
(۳) وقتی مدرسه را ترک کردم، موهایم را کوتاه کردم و از آن موقع آن ها را کوتاه نگه داشتم.

(۴) او را به مدت سه سال ندیده ام. نمی دانم کجا است.
از **yet** (هنوز؛ تا حالا) در جملات حال کامل منفی استفاده می کنیم تا بیان کنیم فعل از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است؛ بنابراین گزینه (۱) از نظر گرامری درست است. از زمان حال کامل می توانیم برای اشاره به عملی استفاده کنیم که در گذشته انجام شده، اما از زمان انجام آن مدت بسیار اندکی گذشته است. اغلب همراه این کاربرد حال کامل از **recently** (اخیراً؛ به تازگی)، یا **just** (تازه، همین حالا) استفاده می شود. پس گزینه (۲) هم از نظر گرامری درست است. در گزینه (۳)، کاربرد **ever since** (از آن زمان) و مفهوم جمله نشان می دهد که به فعل حال کامل (**have worn**) نیاز داریم، اما به جای آن به اشتباه از فعل گذشته ساده (**wore**) استفاده شده است. در گزینه (۴) نیز معنی جمله و کاربرد **for** (برای، به مدت) نشان می دهد که فعل مربوط به گذشته تاکنون است؛ بنابراین در این مورد هم کاربرد فعل حال کامل (**haven't seen**) صحیح است.

۴۱۰۷۲ من به مدت دو هفته [و] از وقتی که شنیدم که نمرات امتحان نهایی ام پایین بود، [اصلاً] خوشی نداشتم.

هر دو قید **for** (برای، به مدت) و **since** (از، از وقتی که) می توانند به همراه زمان حال کامل (در این تست **haven't enjoyed**) به کار روند؛ با این تفاوت که **for**، طول عمل (در این تست **two weeks**) را نشان می دهد، اما **since** مبدأ عمل در گذشته (**I heard that my final exam grades were low**) را مورد اشاره قرار می دهد.

۱۱۰۷۳ آیا می توانید تصور کنید که مشهور باشید و پول کافی داشته باشید تا هر کاری را که دوست دارید انجام دهید؟

بعد از فعل **imagine** (تصور کردن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing**) دار) به کار می رود. دقت کنید که در این جمله، بعد از اسم مصدر در جای خالی اول (**being**)، کلمه هم پایه ساز **and** را داریم و بنابراین فعل دوم هم باید **ing** دار شود.

۱۱۰۷۴ A: «آیا تاکنون به پل گلدن گیت در سانفرانسیسکو رفته اید؟»
B: «نه، هرگز.»

با توجه به مفهوم جمله و این که از **ever** (تا به حال، تاکنون) معمولاً در جملات حال کامل سؤالی یا منفی استفاده می شود و **never** (هرگز) در جملات حال کامل مثبت به کار می رود تا بگوییم عمل تاکنون هرگز انجام نشده است، گزینه (۱) صحیح است. دقت کنید که جمله B در صورت تست، شکل مخفف جمله زیر است:

No, I have never been to the Golden Gate Bridge in San Francisco.

۳۱۰۷۵ قبول شدن در آزمون ورودی دانشگاه در این تابستان هدف من است. متأسفانه تاکنون دو بار در آن رد شده ام.

در جای خالی اول به فعل حال کامل (در این مورد *has worked*) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که بعد از فعل *to be* (در این تست *is*)، از صفت (*active*) استفاده می‌شود، نه قید حالت (*actively*).
۱۰۸۴ برای انجام کاری که هرگز انجام نداده‌اید، باید شخصی بشوید [که] هرگز نبوده‌اید.

از قید *never* (هرگز) می‌توانیم در جملات حال کامل به همراه فعل مثبت استفاده کنیم تا بگوییم عملی تاکنون هرگز انجام نشده است. با توجه به مفهوم جمله، در این تست در هر دو مورد از *never* استفاده می‌کنیم.

۱۰۸۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

- (۱) خواهرم هنوز درس می‌خواند. او هنوز تکالیفش را تمام نکرده است.
- (۲) ما هنوز در مورد تاریخ عروسی تصمیم نگرفته‌ایم.
- (۳) آن‌ها از وقتی بچه بودند، بهترین دوستان [هم] بوده‌اند.
- (۴) دیکشنری خودم را به دیو قرض دادم و هنوز آن را پس نگرفته‌ام.

قید *since* (از، از وقتی که) جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل است و اگر به همراه زمان حال کامل استفاده شود، نشان‌دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته خواهد بود؛ بنابراین کاربرد *since* در گزینه (۳) صحیح است. قید *yet* (هنوز؛ تا حالا) هم می‌تواند در جملات حال کامل منفی یا سؤالی استفاده شود و در صورت استفاده به همراه فعل حال کامل منفی، نشان می‌دهد عمل هنوز انجام نشده است؛ بنابراین کاربرد *yet* هم در گزینه‌های (۲) و (۴) صحیح است. اما در گزینه (۱) با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل حال کامل منفی (*hasn't finished*)، به جای *since* باید از *yet* استفاده کنیم.

۱۰۸۶ آن شش ماه قبل به کانادا رفت. او مدتی در کانادا کار کرد و سپس به ایالات متحده رفت.

هر سه فعل به کار رفته در جاهای خالی، در زمان‌های مشخصی از گذشته انجام شده‌اند و به پایان رسیده‌اند و اثرات این افعال هم تاکنون ادامه نداشته است؛ بنابراین در هر سه مورد از فعل گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۱۰۸۷ A: «چه کفش‌های زیبایی! چه مدت آن‌ها را داشته‌اید؟»
 B: «آن‌ها را هفته قبل خریدم.»

با توجه به مفهوم جملات، گوینده جمله A سؤال می‌کند که شخص B از گذشته تا حالا چه مدتی یک جفت کفش را داشته است؛ بنابراین اولاً از *how long* (چه مدت) برای سؤال کردن استفاده می‌شود، نه *when* (چه زمانی، کی)؛ و ثانیاً در جمله به فعل حال کامل نیاز داریم، نه فعل گذشته ساده.

۱۰۸۸ پارسال خانه جدیدی خریدم، اما هنوز خانه قدیمی‌ام را نفروخته‌ام، پس در حال حاضر دو تا خانه دارم.

در جای خالی اول، فعل در زمان مشخصی از گذشته (در این مورد *last year*) انجام شده و زمان انجام فعل هم به طور صریح مشخص شده است؛ بنابراین برای آن از فعل گذشته ساده (*bought*) استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی دوم، با توجه به مفهوم جمله و نیز کاربرد قید *yet* (هنوز؛ تا حالا) که معمولاً در جملات حال کامل منفی یا پرسشی به کار می‌رود، فعل حال کامل را به صورت منفی نیاز داریم.

صحیح باشند. دقت کنید که فعل مورد استفاده در جای خالی دوم هم به زمان گذشته اشاره دارد؛ پس در این مورد هم از فعل گذشته ساده (*found*) استفاده می‌کنیم، نه فعل حال استمراری (*am finding*).

۱۰۸۹ از دهه ۱۹۶۰، گردشگری به یکی از مهم‌ترین منابع درآمد اسپانیا تبدیل شده است.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست دهه ۱۹۶۰) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که *since* (از، از وقتی که) جزء اصلی‌ترین قیدهایی است که می‌تواند به همراه زمان حال کامل استفاده شود و به همراه این زمان مبدأ عمل را در گذشته نشان می‌دهد. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که *income* (درآمد) در این مورد یک اسم غیرقابل شمارش است و جمع بستن آن با *s* نمی‌تواند صحیح باشد.

۱۰۹۱ سه بار ورزش کردن در هفته و داشتن رژیم غذایی سالم، بهترین راه‌های سالم نگه داشتن قلبتان هستند.

اگر بخواهیم از فعل در ابتدای جمله و در جایگاه فاعل استفاده کنیم، باید آن را *ing*‌دار کنیم. دقت کنید که در این جمله، هم *exercise* و هم *have* در جایگاه فاعل جمله به کار رفته‌اند و در نتیجه هر دو *ing*‌دار می‌شوند. علاوه بر این، با توجه به این‌که در این جمله، دو اسم مصدر (*exercising* و *having*) در جایگاه فاعل جمله قرار دارند، فاعل جمع به حساب می‌آید و بعد از آن، فعل به صورت جمع (*are*) به کار می‌رود، نه مفرد (*is*).

۱۰۹۲ پلیس از زمانی که او از زندان فرار کرد، به مدت دو هفته دنبال او گشته است.

قید *since* (از، از وقتی که) جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل (یا در مورد این تست حال کامل استمراری) است و اگر به همراه زمان حال کامل (یا حال کامل استمراری) استفاده شود، نشان‌دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته خواهد بود. طبیعتاً با توجه به این‌که مبدأ عمل، بیان‌کننده فعلی است که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است، برای آن از فعل گذشته ساده (در این تست *escaped*) استفاده می‌کنیم، نه فعل حال کامل (*has escaped*).

بیشتر بدانیم: همان‌طور که احتمالاً متوجه شدید، در بخش اول این تست، به جای «زمان حال کامل»، «زمان حال کامل استمراری» را داشتیم. هرچند در کتاب درسی‌تان فقط «زمان حال کامل» آموزش داده شده است، با توجه به شباهت این دو زمان و احتمال کاربرد زمان حال کامل استمراری در کنکور، در تعدادی از تست‌های این درس، با این زمان آشنا می‌شویم. زمان حال کامل استمراری، از نظر کاربرد، تقریباً مشابه زمان حال کامل (*have / has + pp.*) است و البته در کنار تمام ویژگی‌های زمان حال کامل، استمرار داشتن عمل را هم مورد اشاره قرار می‌دهد. برای درست کردن این زمان، کافی است از ساختار «فعل *ing*‌دار + *have / has + been*» استفاده کنید.

۱۰۹۳ پدرم تمام زندگی‌اش سخت کار کرده است. او الان پنجاه سال دارد و هنوز فعال است.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در گذشته شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است؛ بنابراین

۲۱۰۹۵ به گردش دریایی رفتن و صعود از کوه راشمور، برنامه های تعطیلات تابستانی ریچل بودند.

اگر بخواهیم از فعل در ابتدای جمله و در جایگاه فاعل استفاده کنیم، باید آن را ینگ دار کنیم. دقت کنید که در این جمله، هم go و هم climb در جایگاه فاعل جمله به کار رفته اند و در نتیجه هر دو ینگ دار می شوند. علاوه بر این، با توجه به این که در این جمله، دو اسم مصدر (going و climbing) در جایگاه فاعل جمله قرار دارند، فاعل جمع به حساب می آید و بعد از آن، فعل به صورت جمع (were) به کار می رود، نه مفرد (was).

۲۱۰۹۶ این قلعه از قرن شانزدهم این جا بوده است و واقعاً تغییر نکرده است؛ آن در آزمایش زمان سالم مانده است.

در این تست، سه فعل داریم که همگی از زمان مشخصی در گذشته (در این مورد قرن شانزدهم) تاکنون وجود داشته اند؛ بنابراین در هر سه مورد از فعل حال کامل (has been / hasn't changed / has stood) استفاده می کنیم. دقت کنید که قید since (از، از وقتی که) جزء اصلی ترین نشانه های زمان حال کامل است و اگر به همراه زمان حال کامل استفاده شود، نشان دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته خواهد بود. بد نیست بدانید که عبارت stand the test of time در آخر جمله، به معنی «در آزمایش زمان سالم ماندن» است.

۲۱۰۹۷ این سفر فقط باید حدود ۳۰ دقیقه طول بکشد، اما معمولاً در عمل حدود یک ساعت طول می کشد.

بعد از افعال وجهی (مثل should در این تست)، فعل اصلی به شکل ساده به کار می رود؛ بنابراین گزینه (۲) به دلیل استفاده از takes برای جای خالی اول صحیح نیست. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که in practice (در عمل، عملاً) یک ترکیب ثابت است و چون practice نقش اسم دارد، اصلاً نمی توانیم آن را ینگ دار کنیم.

۲۱۰۹۸ روبرتا از این که هر روز همان کار تکراری را انجام دهد، دارد خسته می شود. فکر کنم او قصد دارد [کارش را] رها کند.

tired (خسته) در این جا به حرف اضافه نیاز دارد و حرف اضافه مناسب برای آن of است، نه from؛ بنابراین با توجه به موارد موجود برای جای خالی اول، یکی از گزینه های (۲) یا (۴) می تواند صحیح باشد. در جای خالی دوم، be going to برای بیان انجام کار در آینده با قصد و برنامه ریزی قبلی به کار رفته است و بعد از آن هم به شکل ساده فعل (در این مورد، quit) نیاز داریم. دقت کنید که عبارت day in and day out به معنی «روزهای پیایی، هر روز» است.

۲۱۰۹۹ آن مرد نیم ساعت گذشته را در ایستگاه اتوبوس ایستاده است. به او بگویم که آخرین اتوبوس قبلاً رفته است؟

since (از، از وقتی که) و for (برای، به مدت) هر دو قیدهایی هستند که می توانند به همراه زمان حال کامل (یا در مورد این تست، حال کامل استمراری) به کار روند. اما با توجه به این که در این جمله، قید به طول عمل از گذشته تاکنون (the last half hour) اشاره دارد، در این مورد از for استفاده می کنیم، نه since. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که از

۲۱۰۸۹ فکر کنم پیش خدمت ما را فراموش کرده است. ما بیش از نیم ساعت این جا منتظر بوده ایم و هنوز هیچ کس سفارش ما را نگرفته است.

اصلی ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست بیش از نیم ساعت قبل) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که در جای خالی دوم، به دلیل اشاره به طول عمل (over half an hour)، از for استفاده می شود، نه since. در مورد جای خالی سوم نیز هر چند که ظاهر فعل حال کامل (has taken) مثبت است، اما به دلیل کاربرد nobody (هیچ کس)، جمله از نظر معنایی منفی است و در پایان جمله از yet (هنوز؛ تا حالا) استفاده می کنیم.

۲۱۰۹۰ اگرچه در شش سال گذشته انگلیسی را در مدرسه خوانده ام، هنوز در صحبت کردن آن مهارت ندارم.

در صورتی که good در معنی «مهارت داشتن» به کار رود، حرف اضافه آن at خواهد بود و بعد از حروف اضافه هم فعل ینگ دار می شود. ضمیر مفعولی آخر جمله هم که جایگزین اسم مفرد English (زبان انگلیسی) شده و در نتیجه آن را به صورت مفرد (it) نیاز داریم، نه جمع (them).

۲۱۰۹۱ بعضی از مردم فکر می کنند که خوردن گریپ فروت به همراه هر وعده غذایی به شما کمک خواهد کرد وزن کم کنید.

در جای خالی اول، فعل eat در جایگاه فاعل قرار گرفته و نقش اسم دارد؛ بنابراین باید آن را ینگ دار کنیم. عبارت lose weight (وزن کم کردن) در پایان جمله هم که شکل ثابتی دارد و قابل تغییر نیست؛ چرا که بعد از فعل متعددی lose (از دست دادن؛ وزن کم کردن) به اسم (weight) نیاز است، نه فعل (weigh).

۲۱۰۹۲ تمام صبح را برای گشتن دنبال هدیه مناسب گذراندم، اما دست خالی به خانه برگشتم.

بعد از فعل spend (در معنی گذراندن وقت) فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing) به کار می رود. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا به look for (دنبال ... گشتن) نیاز داریم، نه look after (مراقبت کردن از). این خانه به نحو عجیبی آشنا به نظر می رسد، هر چند می دانم [که] قبلاً هرگز به آن جا نرفته ام.

فعل look (در معنی به نظر رسیدن) فعل حالت به حساب می آید و استمراری نمی شود. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که طبق معنی جمله، در آن باید از قید never (هرگز) استفاده کنیم، نه ever (تا به حال، تاکنون).

۲۱۰۹۴ در امتداد خیابان راه می رفتم که ناگهان صدای پاهایی را پشت سرم شنیدم. یک نفر دنبالم می کرد. ترسیده بودم و شروع به دویدن کردم.

در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی تر، از گذشته استمراری (was walking) و برای اشاره به عمل کوتاه تر، از زمان گذشته ساده (در این تست heard) استفاده می شود. جای خالی سوم هم به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته انجام و تمام شده است و اثرات این فعل هم تاکنون ادامه ندارد؛ پس در این مورد از فعل گذشته ساده (started) استفاده می کنیم.

بعد از حروف اضافه (مانند **after** در این تست)، فعل به صورت **ing** یدار به کار می‌رود. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید در صورتی که عملی در گذشته انجام شده باشد، ولی نتایج و آثار آن تا همین الان ادامه داشته باشد، برای آن از فعل در زمان حال کامل استفاده می‌کنیم. در واقع در این کاربرد حال کامل، خود عمل مربوط به گذشته است و آن چیزی که تا الان ادامه دارد، نتایج و آثار عمل است.

۲۱۱۰۵ هفته قبل برای اریک سه تا ایمیل فرستادم، اما او هنوز به هیچ یک از آن‌ها جواب نداده است.

با توجه به مفهوم جمله و وجود **but** (اما، ولی) در بین دو بخش آن، در جای خالی به فعل حال کامل به شکل منفی (**has not replied**) نیاز داریم. دقت کنید که قید **yet** (هنوز؛ تا حالا) به همراه حال کامل منفی استفاده می‌شود تا نشان دهد فعل حال کامل از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است. ۲۱۱۰۶ آن ساعت مچی واقعاً زیبایی است [که] به گِرگ دادید. آن را چه مدتی داشته‌اید؟

با توجه به سؤالی بودن جمله و وجود علامت پرسش در آخر آن، ساختار حال کامل را به صورت سؤالی نیاز داریم و یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که **watch** (ساعت مچی) اسم قابل شمارش مفرد است و ضمیر مفعولی مناسب برای آن، **it** است، نه **them**. ۲۱۱۰۷ خانم براون [تا] حالا مدت زمانی نسبتاً طولانی در خانه کناری زندگی کرده است، اما او هرگز [هیچ چیزی] بیشتر از «صبح‌خیر» به من نگفته است.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در گذشته شروع شده و تاکنون به طور پیوسته و یا متناوب ادامه داشته است؛ بنابراین با توجه به مفهوم جمله در هر دو جای خالی به فعل حال کامل نیاز داریم. دقت کنید که **never** (هرگز) در جملات حال کامل به همراه فعل مثبت استفاده می‌شود تا بگوییم عملی تاکنون هرگز انجام نشده است؛ پس با توجه به معنی جمله، در جای خالی دوم، **never** جمله را کامل می‌کند، نه **ever** (تا به حال، تاکنون).

۲۱۱۰۸ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) مامان نگاه کن. اتاقم را تمیز کرده‌ام.

(۲) «چندبار تلاش کرده‌اید در امتحانات قبول شوید؟» «تاکنون سه بار.»
(۳) خواهرم سه بار به نیویورک رفته است و ماه بعد دوباره [به آن‌جا] می‌رود.
(۴) ما چند سال در آلمان کار کردیم، اما آن مدت‌ها قبل بود.

در گزینه (۱) فعل حال کامل (**have cleaned**) به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده است، ولی نتایج و آثار آن تا همین الان ادامه دارد؛ پس این گزینه مشکل خاصی ندارد. در گزینه (۲) در مورد تجربیات فرد از گذشته تاکنون سؤال شده است؛ بنابراین در این جا هم به درستی از فعل حال کامل استفاده کرده‌ایم. در گزینه (۴) هرچند از **for** (برای، به مدت) استفاده شده، اما چون فعل به عملی اشاره دارد که در گذشته مدتی انجام می‌شده و تمام شده است، به درستی از فعل گذشته ساده (**worked**) استفاده کرده‌ایم. در واقع، وظیفه **for** نشان دادن مدت زمان است، چه همراه زمان حال کامل، چه همراه زمان گذشته ساده.

already (تا همین حالا؛ قبلاً) به همراه زمان حال کامل استفاده می‌شود تا نشان دهد عمل در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده است. با توجه به این که در این تست، زمان رفتن آخرین اتوبوس مشخص نشده است، در جای خالی دوم از **already** استفاده می‌کنیم.

۲۱۱۰۹ ترک کردن سیگار آسان‌ترین چیز در جهان است. [این موضوع را] می‌دانم چون که آن را هزاران بار انجام داده‌ام!

در صورتی که بخواهیم فعل را در جایگاه فاعل جمله قرار دهیم، باید آن را **ing** یدار کنیم تا به اسم مصدر تبدیل شود. البته همان‌طور که در درس بعدی هم خواهیم خواند، در این مورد کاربرد مصدر با **to** هم می‌تواند صحیح باشد؛ بنابراین **giving up** و **to give up** در هر چهار گزینه بدون مشکل هستند. بعد از فعل **give up** (ترک کردن؛ رها کردن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (**ing** یدار) به کار می‌رود. در نهایت دقت کنید که فاعل این جمله فقط یک اسم مصدر (**giving up**) است و **smoking** نقش مفعول فعل **give up** را دارد؛ پس چون فاعل جمله از یک اسم مصدر تشکیل شده، مفرد به حساب می‌آید و بعد از آن از فعل مفرد (**is**) استفاده می‌کنیم، نه فعل جمع (**are**).

۲۱۱۰۱ متأسفانه بایم شکسته است، پس آخر این هفته نمی‌توانم با دوستانم به اسکی بروم.

در زبان انگلیسی از ساختار «فعل **ing** یدار + **go**» برای صحبت کردن در مورد بعضی از فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و به طور کلی بعضی از افعال حرکتی (مانند **go skiing**) استفاده می‌شود. دقت کنید که در این‌گونه موارد، قبل از اسم مصدر (در این مورد **skiing**) نمی‌توانیم از **to** استفاده کنیم (دلیل نادرستی گزینه‌های ۲ و ۴). نکته آخر این که با توجه به مفهوم جمله، فعل **can** به شکل منفی می‌تواند کامل‌کننده جمله باشد و کاربرد آن به صورت مثبت، از نظر معنایی صحیح نیست.

۲۱۱۰۲ از این‌که برایتان زودتر نامه نوشتیم احساس گناه می‌کنم، اما اخیراً خیلی کار داشته‌ام.

بعد از حروف اضافه (مثل **about** در این تست) فعل **ing** یدار (اسم مصدر) می‌شود و برای منفی کردن اسم مصدر هم، پیش از آن **not** قرار می‌دهیم. با توجه به مفهوم جمله، جای خالی دوم می‌تواند با **lately** (اخیراً، این اواخر) کامل شود، نه با **late** (دیر؛ دیروقت).

۲۱۱۰۳ از وقتی که این دوره را آغاز کردم، چند فرد بسیار جالب را ملاقات کرده‌ام و از آن موقع با هم درس خوانده‌ایم.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست زمان آغاز دوره) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است؛ بنابراین طبق مفهوم جمله، در هر دو جای خالی به فعل حال کامل (**have / has + pp.**) نیاز داریم. دقت کنید که قید **since** (از، از وقتی‌که) جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل است و اگر به همراه زمان حال کامل استفاده شود، نشان‌دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته (در این تست زمان آغاز دوره) خواهد بود.

۲۱۱۰۴ من بعد از فکر کردن در مورد زندگی‌ام تا الان، تصمیم گرفته‌ام که باید برای خودم اهداف جدیدی تعیین کنم.

۴۱۱۱۳ A: «آیا تا به حال به فرانسه رفته‌اید؟»
B: «بله، ژوئیه و اوت [سال] قبل را در گرونوبل گذراندم. آنجا رفتم تا زبان فرانسوی‌ام را بهتر کنم.»

برای اشاره به تجربیات سفر کردن در گذشته، از **been** استفاده می‌شود، نه **gone**؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید جای خالی دوم به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته (ژوئیه و اوت [سال] قبل) انجام شده و به پایان رسیده است و در نتیجه برای آن باید از فعل گذشته ساده (**spent**) استفاده کنیم، نه فعل حال کامل (**have spent**).
۴۱۱۱۴ بن در چند سال اخیر تلاش کرده است تا رستوران خودش را باز کند. او اخیراً رنگ زدن را تمام کرده اما هنوز تزئین را انجام نداده است.

با توجه به کاربرد **yet** در پایان جمله و با در نظر گرفتن مفهوم جمله، در جای خالی دوم به فعل حال کامل منفی نیاز داریم؛ بنابراین صرفاً با در نظر گرفتن همین جای خالی دوم، می‌توان متوجه شد که گزینه (۱) صحیح است!

۴۱۱۱۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
 (۱) یادتان باشد که بعد از این که قرارداد را امضا کردید، قادر نخواهید بود تصمیم‌تان را عوض کنید.

(۲) آیا قبلاً نمایشگاه جدید موزه هنر مدرن را دیده‌اید؟
 (۳) کره در ده سال اخیر فناوری چپ‌های کامپیوتر را توسعه داده است و در حال حاضر [در این زمینه] رهبر (پیشرو) جهان است.

(۴) دیروز ظرف‌ها را شستم، اما امروز وقت نکرده‌ام آن‌ها را بشویم.
 یکی از کاربردهای خاص زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که انتظار داریم پیش از عمل دیگری در آینده انجام شود؛ بنابراین کاربرد فعل حال کامل (**have signed**) در گزینه (۱) صحیح است. دقت کنید که معمولاً در این کاربرد زمان حال کامل، قبل از فعل حال کامل، یکی از قیدهای **when** (وقتی که)، **until** (تا، تا وقتی که)، **as soon as** (به محض این که) و **after** (بعد از) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گزینه (۲) در مورد انجام عملی سؤال شده است که ممکن است در زمان نامشخصی در گذشته انجام شده باشد؛ بنابراین در این جا نیز کاربرد فعل حال کامل و قید **already** (تا همین حالا؛ قبلاً) صحیح است. در گزینه (۴) هم، کاربرد فعل گذشته ساده (**washed**) برای اشاره به عملی که در زمان مشخصی در گذشته (**yesterday**) انجام شده و کاربرد فعل حال کامل (**haven't had**) برای وصل کردن زمان گذشته به حال، بدون اشکال است. اما در گزینه (۳)، با توجه به این که از قید برای اشاره به طول عمل (**the past ten years**) استفاده شده، به جای **since** (از، از وقتی که) باید از **for** (برای، به مدت) استفاده کنیم.

۴۱۱۱۶ جان از زمانی که از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شد، برای دولت کار کرده است. او تا همین اواخر، از کارش لذت می‌برد، اما الان در مورد بازنشست شدن حرف می‌زند.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (زمان فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه هاروارد) شروع شده و تاکنون به‌طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است؛ بنابراین با توجه به مفهوم جمله و کاربرد **since** (از، از وقتی که) در جمله، در جای خالی اول به

نکته‌ای که باعث شده است گزینه (۳) از نظر گرامری نادرست باشد، تفاوت فعل‌های **be** و **go** در زمان حال کامل است. وقتی **go** در زمان حال کامل به‌کار رود (یعنی **have / has gone**) نشان می‌دهد که شخص در حال حاضر در آن محل دوم است، اما **be** در زمان حال کامل (یعنی **have / has been**) به تجربیات زندگی شخص اشاره دارد. پس گزینه (۳) به شکل زیر صحیح خواهد بود:

My sister has been to New York three times, and she's going again next month.

۴۱۱۱۷ آن‌ها وقتی که شبیه قبل به موناکو رسیدند، به ما زنگ زدند اما از آن زمان از آن‌ها خبری نداشته‌ایم.

افعال به‌کار رفته در جاهای خالی اول و دوم هر دو در زمان مشخصی از گذشته (در این تست **last Saturday**) انجام شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند؛ بنابراین در هر دو مورد از فعل گذشته ساده (**called** و **arrived**) استفاده می‌کنیم. اما **ever since** (از آن زمان) در آخر جمله نشان می‌دهد که در جای خالی سوم به عملی اشاره شده که در گذشته آغاز شده و تاکنون به‌طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است؛ پس در این جای خالی به فعل حال کامل نیاز داریم که طبق مفهوم جمله، به‌صورت منفی خواهد بود.

۴۱۱۱۸ ماه‌هاست که از این مشکل اطلاع داشته‌ام، اما هنوز راه‌حلی پیدا نکرده‌ام.

تمامی افعال به‌کار رفته در گزینه‌های این تست حال کامل است و تنها تفاوت گزینه‌ها، مثبت یا منفی بودن افعال حال کامل است. پس تنها راه جواب دادن به این تست، ترجمه دقیق جمله بود تا متوجه شوید در جای خالی اول به فعل حال کامل مثبت و در جای خالی دوم، به فعل حال کامل منفی نیاز داریم. البته دقت کنید که در انتهای جمله قید **yet** (هنوز؛ تا حالا) را داریم که معمولاً همراه فعل منفی یا سؤالی به کار می‌رود.

۴۱۱۱۹ من اغلب عصرها با همسایه کناری‌ام شطرنج بازی می‌کنم. من از وقتی که ده سال قبل برای زندگی به این‌جا آمدم، با او شطرنج بازی کرده‌ام.

جای خالی اول به عملی کلی اشاره دارد که از روی عادت انجام می‌شود و مربوط به زمان خاصی نیست؛ پس در این مورد به فعل حال ساده (**play**) نیاز داریم. جای خالی دوم، گذشته را به حال پیوند می‌دهد و نشان می‌دهد عملی از گذشته تا حالا به تناوب انجام شده است؛ بنابراین در این جای خالی، به فعل حال کامل (**have played**) نیاز داریم. بعد از **ever since** (از آن زمان) به مبدأ عمل حال کامل اشاره شده است؛ بنابراین در جای خالی سوم به فعل گذشته ساده (در این مورد **came**) نیاز است.

۴۱۱۲۰ جورج از وقتی که مدرسه را ترک کرد، تمیر جمع کرده است. او [تا] الان آن قدر زیاد تمیر جمع کرده است که نمی‌داند آن‌ها را کجا بگذارد.

هر دو فعل به کار رفته در گزینه‌ها به عملی اشاره دارند که از زمان مشخصی در گذشته (زمان ترک مدرسه) تاکنون به تناوب انجام شده است؛ بنابراین در هر دو جای خالی به فعل حال کامل نیاز داریم که آن‌ها را در گزینه (۱) داریم. در این مورد به کاربرد **ever since** (از آن زمان) هم دقت کنید.

هر سه فعل مورد استفاده در جاهای خالی، مربوط به زمان گذشته هستند؛ با این تفاوت که در جاهای خالی اول و دوم، افعال در زمان مشخصی از گذشته (موقع آمدن ما به استرالیا) انجام شده، به پایان رسیده و در زمان حال هم اثر و نتیجه خاصی ندارند؛ بنابراین برای هر دو آن‌ها از فعل گذشته ساده (arrived و felt) استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی آخر، از زمان انجام فعل مدت زمان بسیار اندکی گذشته و بعد از جای خالی هم recently (اخیراً، به تازگی) را داریم؛ بنابراین در این مورد، از فعل حال کامل (have met) استفاده می‌کنیم.

۲۱۱۲۲ A: «چه زمانی سیگار کشیدن را ترک کردید؟»

B: «الان پنج سال است که سیگار نکشیده‌ام و هرگز دوباره سیگار نخواهم کشید.»

بعد از فعل quit (ترک کردن؛ رها کردن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing) به کار می‌رود. برای جای خالی دوم در هر چهار گزینه، فعل حال کامل را داریم، اما طبق مفهوم جمله، فعل حال کامل به صورت منفی مدنظر است. ۲۱۱۲۳ پیشنهاد کرد که کامپیوتر را خاموش و دوباره روشن کنند تا ببینند که آیا آن مشکل را حل خواهد کرد [یا نه].

هم بعد از فعل keep (on) (ادامه دادن؛ ادامه یافتن) و هم بعد از فعل suggest (پیشنهاد کردن، توصیه کردن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing) دار. به کار می‌رود. دقت کنید که بعد از فعل suggest، دو فعل داریم که به وسیله کلمه ربط همپایه ساز and به هم وصل شده‌اند؛ بنابراین هر دو آن‌ها باید ing دار شود.

۱۱۱۲۴ از پارسال برای ورلدکام کار کرده‌ام، اما الان می‌خواهم کارم را عوض کنم. شنیده‌اید که کسی بخواند کارمند جدید بگیرد؟

جای خالی اول به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی در گذشته (پارسال) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته ادامه داشته است، پس برای آن از فعل حال کامل (در این مورد have worked) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که since (از، از وقتی که) جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل است و اگر به همراه زمان حال کامل استفاده شود، نشان‌دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته (last year) خواهد بود. جای خالی دوم به تمایلات کلی شخص اشاره دارد و مربوط به زمان خاصی نیست؛ بنابراین در این مورد به فعل حال ساده (want) نیاز داریم. جای خالی سوم هم در مورد زمان نامعینی از گذشته سؤال می‌کند و در نتیجه باید در زمان حال کامل باشد.

۴۱۱۲۵ A: «دیشب در تلویزیون برنامه خیلی خوبی بود. آن را دیدید؟» B: «نه، الان دو هفته است [که] تلویزیون نگاه نکرده‌ام.»

جای خالی اول به فعلی اشاره دارد که در زمان خاصی از گذشته (در این مورد last night) وجود داشته و به اتمام رسیده است؛ در نتیجه برای آن، از فعل گذشته ساده (was) استفاده می‌کنیم. برای جای خالی دوم، در تمام گزینه‌ها فعل حال کامل داریم و تنها از طریق معنی جمله است که باید تشخیص دهید جمله با شکل منفی فعل حال کامل معنی مناسبی خواهد داشت. ۲۱۱۲۶ دوستانم به تئاتر رفتند، اما من با آن‌ها نرفتم چون آن نمایش را قبلاً دیده‌ام.

فعل حال کامل نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید، وقتی از since به همراه زمان حال کامل استفاده کنیم، نشان‌دهنده مبدأ و زمان آغاز عمل در گذشته خواهد بود، پس در جای خالی دوم، به فعل گذشته ساده (graduated) نیاز داریم. در مورد جای خالی سوم هم دقت کنید که بعد از حروف اضافه (در این تست about)، فعل به صورت ing دار (اسم مصدر) به کار می‌رود.

۳۱۱۱۷ فرانک از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۰ برای جنرال الکتریک کار کرد. حالا او صاحب شرکت خودش است. آن را به مدت شش سال داشته است.

در جای خالی اول به فعلی اشاره شده که در زمان مشخصی در گذشته (بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین از فعل گذشته ساده (در این مورد worked) استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی دوم، اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل را داریم، یعنی عملی که در زمان مشخصی از گذشته (شش سال قبل) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که for (برای، به مدت) می‌تواند به همراه زمان حال کامل به کار رود و در صورتی که آن را به همراه زمان حال کامل استفاده کنیم، به طول عمل از گذشته تاکنون اشاره خواهد داشت.

۳۱۱۱۸ دستگاه جدید هنوز در مرحله آزمایشی است. هنوز آن را به طور کامل توسعه نداده‌اند.

هر چهار گزینه این تست دارای ساختار حال کامل صحیحی هستند، اما معنی آن‌ها با هم متفاوت است و فقط گزینه (۳) می‌تواند جمله را به شکل صحیحی کامل کند. معنی گزینه‌ها را با هم بررسی می‌کنیم:

(۱) از آن زمان آن را به طور کامل توسعه نداده‌اند

(۲) قبلاً آن را به طور کامل توسعه داده‌اند

(۳) هنوز آن را به طور کامل توسعه نداده‌اند

(۴) هرگز آن را به طور کامل توسعه نداده‌اند

۱۱۱۱۹ آقای براون پارسال فوت کرد. خانم براون مدت کوتاهی بعد از آن، به خانه دخترش نقل مکان کرد و از آن زمان در آن‌جا بوده است.

جاهای خالی اول و دوم به افعالی اشاره دارند که در زمان‌های مشخصی از گذشته (پارسال و مدت کوتاهی بعد از مرگ آقای براون) انجام شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند؛ بنابراین در هر دو مورد به فعل گذشته ساده (died و moved) نیاز داریم. اما چون جای خالی سوم به عملی اشاره دارد که در زمان مشخصی در گذشته شروع شده و تاکنون به طور پیوسته ادامه داشته است، برای آن به فعل حال کامل (در این مورد has been) نیاز داریم.

۲۱۱۲۰ شنیده‌ام که خوردن یک یا دو پرس ماهی در هفته، احتمال ابتلای شما به بیماری قلبی را کاهش می‌دهد.

در جای خالی اول، فعل eat در جایگاه فاعل قرار گرفته و باید به اسم مصدر (فعل ing دار) تبدیل شود. با توجه به این‌که فقط یک اسم مصدر (eating) در جایگاه فاعل قرار گرفته، سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و به فعل سوم شخص مفرد (در این تست reduces) نیاز داریم. بعد از حروف اضافه (مانند of در این تست) هم که فعل ing دار می‌شود.

۴۱۱۲۱ وقتی به استرالیا آمدم، خیلی احساس تنهایی می‌کردیم، اما اخیراً خانوادگی را ملاقات کرده‌ام. ما الان معمولاً با هم بیرون می‌رویم.

- ۱-۱۱۳۳ (۱) سالم؛ تندرست (۲) منطقه‌ای، ناحیه‌ای
(۳) محبوب، پرطرفدار (۴) جسمانی؛ جسمی، بدنی

متن کلوز ۲

مطالعات نشان می‌دهند که بچه‌هایی که صبحانه سالمی می‌خورند، بهتر یاد می‌گیرند (یادگیری بهتری دارند)، در کلاس بیشتر توجه می‌کنند و احتمال کم‌تری دارد که مدرسه را از دست بدهند. متخصصان هم چنین می‌گویند که احتمال پرخوری بچه‌هایی که صبحانه می‌خورند، در ادامه روز کم‌تر است. آن خبر خوبی است. خوردن صبحانه در کنار ورزش منظم، می‌تواند خطر چاق شدن یا دارای اضافه وزن شدید [بودن] را کاهش دهد. حدود ۲۵ میلیون بچه در ایالات متحده چاق هستند. چاق بودن می‌تواند در ادامه زندگی به مشکلات سلامتی هم چون بیماری قلبی منجر شود. متخصصان می‌گویند اگر صبح از نظر زمانی تحت فشار قرار داشتید (وقت خیلی کمی داشتید)، صبحانه را کنار نذارید. خلاق بودن در کارهای یکنواخت صبحتان، می‌تواند به شما کمک کند وقت پیدا کنید. شاید شما، از شب قبل برنامه‌ریزی کردن آن چیزی که می‌خواهید بپوشید یا ۱۰ دقیقه، زود بلند شدن را امتحان کنید. حتی بعضی از خانواده‌ها، میز صبحانه را قبل از خواب بدن می‌چینند.

- ۲-۱۱۳۴ (۱) دادن (۲) پول دادن به؛ پرداخت کردن
(۳) نگاه‌داشتن؛ برگزار کردن (۴) درست کردن؛ باعث ... شدن

دقت کردن، توجه کردن: pay attention

۲-۱۱۳۵

- (۱) متنوع، گوناگون، مختلف (۲) منظم، مرتب
(۳) [شیوه سخن گفتن] روان، سلیس (۴) کامل، تمام‌عیار

۱-۱۱۳۶

- (۱) مشکل (۲) تجربه
(۳) اعتیاد (۴) اندازه؛ اقدام

۴-۱۱۳۷

- (۱) مربوط، مرتبط (۲) مهربان، صمیمی؛ دوستانه
(۳) مورد علاقه، محبوب (۴) خلاق؛ خلاقانه

۴-۱۱۳۸

- (۱) خلاص شدن؛ فرار کردن؛ در رفتن (۲) مراقبت کردن
(۳) مواظب بودن، مراقب بودن (۴) [از خواب و غیره] بلند شدن، برخاستن

متن کلوز ۳

قبلاً در دهه ۱۹۹۰، هنگامی که تلفن‌های همراه اولین بار به بازار آمدند، افراد کمی سؤال می‌کردند که آیا خطرات سلامتی وجود دارد [یا نه]. در طی یک دهه، داشتن تلفن همراه به شدت گسترش یافته بود و چندین گروه اشاره می‌کردند که استفاده بیش از حد از تلفن‌های همراه خطرناک بود و می‌توانست منجر به خطر افزایش یافته سرطان شود (افزایش یافتن خطر سرطان شود). در حال حاضر، [و] با وجود حدود پنج میلیارد کاربر [تلفن همراه] در جهان، هنوز هیچ مدرکی قطعی از این موضوع وجود ندارد. با وجود این، چندین دولت به مردم گفته‌اند که زمان و فرولانی (تعداد دفعات) تماس‌های تلفن همراه خودشان را محدود کنند و به پدر و مادرها یاد وری کرده‌اند که به بچه‌هایشان اجازه ندهند تا از تلفن همراه استفاده کنند در واقع، متحصان [حوزه] سلامت اخیراً گفتند که خطر برای افراد جوان، یک موضوع سلامت روانی شده بود، نه جسمی. به گفته آریک اشمیت، مدیر اجرایی گوگل، برای بچه‌ها فقط دو وضعیت وجود دارد: «خواب یا آنلاین» گزارش دیروز بیان کرد که افراد جوان آسیب پذیر، به جهان آنلاین معتاد و از مقابله با چالش‌های دنیای واقعی ناتوان می‌شدند.

«نرفتن به تئاتر» در جای خالی اول مربوط به زمان خاصی در گذشته است و اصولاً در زمان حال هم نتیجه و اثری ندارد؛ بنابراین در جای خالی اول به فعل گذشته ساده (در این مورد didn't go) نیاز داریم. دقت کنید که شخص می‌خواهد بگوید فیلم را در زمان نامشخصی از گذشته دیده است و در نتیجه در جای خالی دوم باید از already استفاده کنیم، نه never.

A: «نمی‌توانم دستکش‌هایم را پیدا کنم. آن‌ها را دیده‌ای؟»

B: «بله، دیروز آن‌ها را در ماشین جا گذاشتی. آن‌ها را دوباره در کتو گذاشتم.»
برای سؤال کردن در مورد فعلی که ممکن است در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده باشد، از فعل حال کامل استفاده می‌کنیم که شکل مناسب آن را برای جای خالی اول، در گزینه‌های (۳) و (۴) داریم. با توجه به این که فعل موردنظر در جای خالی دوم، در زمان مشخصی از گذشته (yesterday) انجام شده، در جای خالی دوم به فعل گذشته ساده (left) نیاز داریم؛ بنابراین در بین این دو گزینه، فقط گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.

این دوچرخه مدت چهارده سال در خانواده ما بوده است. در پنج سال اول، پدرم آن را استفاده می‌کرد، در پنج [سال] بعدی، برادرم آن را می‌راند و من آن را در چهار [سال] آخر داشته‌ام.

در جاهای خالی اول و چهارم، با اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل سروکار داریم و فعل‌های مورد استفاده در این گزینه‌ها، در زمان مشخصی از گذشته (چهارده سال و چهار سال قبل) شروع شده و تاکنون به‌طور پیوسته ادامه پیدا کرده‌اند. در جاهای خالی دوم و سوم، با افعالی سروکار داریم که در زمان‌های مشخصی از گذشته انجام و سپس قطع شده‌اند؛ بنابراین در این دو جای خالی، به فعل گذشته ساده نیاز داریم، نه فعل حال کامل.

متن کلوز ۱

بسیاری از مردم در مورد فست‌فود فقط به‌عنوان غذای سریع و آسان فکر می‌کنند. اما بیشتر [غذاهای] فست‌فود، میزان بالایی از کالری، قند، چربی و سدیم (نمک) دارند. این غذاها اغلب میزان ویتامین و مواد معدنی پایینی هم دارند. چربی بسیاری از اقسام [فست‌فود] یا اشباع‌شده است یا چربی ترانس. هر دو این انواع چربی، سرخرگ‌های شما را مسدود می‌کنند. خوردن رژیم غذایی ثابت فست‌فود می‌تواند به مشکلات سلامتی بلندمدت، هم‌چون بیماری قلبی، سرطان و چاقی منجر شود. بعضی از غذاهایی که در رستوران‌های فست‌فود سرو می‌شوند، سالم به‌نظر می‌رسند، اما آن‌ها [سالم] نیستند. برای مثال، ساندویچ مرغ (کاملماً سرخ‌شده) که با [سس] مایونز سرو می‌شود، بیش از ۵۰۰ کالری، ۲۶ گرم چربی و ۱۲ گرم چربی اشباع‌شده دارد. آن یک سوم [میزان] کالری و چربی است [که] بیشتر بچه‌ها در یک روز کامل نیاز دارند!

- ۱-۱۱۲۹ (۱) ویتامین (۲) غذا؛ وعده غذا

- (۳) اندازه؛ اقدام (۴) [غذا] پرس

- ۳-۱۱۳۰ (۱) غذا؛ رژیم (غذایی) (۲) طرز، شیوه، سبک

- (۳) نوع؛ گونه (۴) نقطه؛ نکته؛ نوک

۳-۱۱۳۱ اگر بخواهیم از فعل در ابتدای جمله و در جایگاه فاعل استفاده کنیم، باید آن را sinding (اسم مصدر) کنیم.

- ۲-۱۱۳۲ (۱) معالجه، درمان (۲) بیماری، مریضی

- (۳) تجربه (۴) عامل، فاکتور

بیماری قلبی: heart disease

۴۱۱۴۸ (۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)

(۲) عبور کردن از؛ [امتحان و غیره] قبول شدن در

(۳) گرفتن؛ شدن؛ رسیدن به

(۴) بردن؛ گرفتن

◀ وقت گرفتن: take time

متن کلوز ۵

فراغت یا وقت آزاد، زمانی است که دور از تجارت، کار و وظایف خانه گذرانده می‌شود. در واقع آن شامل زمانی نمی‌باشد که صرف فعالیت‌های ضروری مثل خوابیدن می‌شود و [یا] جایی که آن [کار] یک الزام است، مثل تحصیلات. تمایز یا تفاوت بین فراغت و فعالیت‌های غیرقابل اجتناب، با قاطعیت تعریف‌شدنی نیست؛ برای مثال، گاهی افراد فعالیت‌های مرتبط با کار را هم برای تفریح و هم برای کارکرد بلندمدت [آن‌ها] انجام می‌دهند. بین وقت آزاد و فراغت هم تمایزی وجود دارد. برای مثال، [جنبش] موقعیت‌گرایی بین الملل بیان می‌کند که وقت آزاد به ندرت [واقعاً] آزاد است؛ نیروهای اقتصادی و اجتماعی، وقت آزاد را از شخص می‌دزدند و آن را به صورت محصولی که به عنوان «فراغت» شناخته می‌شود، به خود او می‌فروشند. مطمئناً، فعالیت‌های اوقات فراغت بیشتر افراد، انتخابی کاملاً آزادانه نیستند و ممکن است توسط فشارهای اجتماعی محدود شوند؛ برای مثال، ممکن است افراد از طریق احساس نیاز به تقلید از استاندارد باغ‌های همسایه، مجبور شوند وقت [خودشان] را صرف باغبانی کنند.

۴۱۱۴۹ (۱) جمع کردن؛ جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن

(۲) حمل کردن، بردن

(۳) تشخیص دادن، فهمیدن

(۴) شامل ... بودن، در برداشتن

۲۱۱۵۰ (۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت

(۲) فعالیت، کار

(۳) سود، منفعت

(۴) عامل، فاکتور

۲۱۱۵۱ (۱) تخریب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

(۲) دزدیدن، ربودن

(۳) کاهش دادن؛ کاهش یافتن

(۴) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

۳۱۱۵۲ ▶ با توجه به این‌که در این مورد ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار

رفته و مفعول هم به فاعل اشاره ندارد، در جای خالی به ضمیر مفعولی (در این مورد them) نیاز داریم. دقت کنید که در زبان انگلیسی، در صورتی که نخواهیم جنسیت ضمیر سوم شخص مفرد را مشخص کنیم، می‌توانیم به جای ضمیر مفرد، از ضمیر جمع (در این مورد them) استفاده کنیم.

۱۱۱۵۳ (۱) فشار

(۲) صنعت

(۳) اتحادیه

(۴) ژست؛ حرکت سر و دست

۲۱۱۳۹ (۱) آن (۲) و (۳) برای (۴) که

۴۱۱۴۰ (۱) اندازه؛ اقدام (۲) اعتیاد

(۳) کارکرد، عملکرد (۴) فراوانی، وفور؛ فرکانس

۲۱۱۴۱ (۱) مورد، نمونه (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) سبک، شیوه (۴) تپش، ضربان

◀ در واقع، در حقیقت in fact

۲۱۱۴۲ (۱) انسانی، بشری (۲) ذهنی؛ روحی

(۳) جهانی (۴) وحشتناک، بسیار بد

۴۱۱۴۳ (۱) دو وضعیت برای بچه‌ها فقط هست

(۲) تنها دو وضعیتی که بچه‌ها دارند

(۳) بچه‌های دارای فقط دو وضعیت

(۴) برای بچه‌ها فقط دو وضعیت وجود دارد

◀ برای بیان «وجود داشتن و بودن» از there is / are در زمان حال و there was / were در زمان گذشته استفاده می‌شود.

متن کلوز ۴

با وجود این، برای ارزیابی کامل اثرات سلامتی رژیم غذایی، شخص باید فراتر از نسبت‌های کلسترول و سطوح تری‌گلیسیرید را بررسی کند. غذاهایی که ما می‌خوریم، می‌توانند از راه‌های بسیار دیگری باعث بیماری قلبی شوند، از جمله افزایش فشار خون یا بالا بردن گرایش خون به لخته شدن (یعنی تبدیل آن به توده متراکم نرم). و غذاهای دیگر می‌توانند به طرق حیرت‌انگیزی، از بیماری قلبی پیشگیری کنند؛ برای مثال، اسیدهای چرب امگا ۳ که در ماهی و بعضی روغن‌های گیاهی یافت می‌شوند، می‌توانند امکان فیبریلاسیون (انقباض ناگهانی) بطنی را کاهش دهند، اختلال ریتم قلب که باعث مرگ ناگهانی می‌شود. اما این پرسش که بهترین رژیم غذایی چیست، سال‌هاست که وجود داشته است، بدون این‌که تاکنون پاسخ قطعی داشته باشد. متخصصان سلامت استدلال می‌کنند که پیش از این‌که بتوانیم پایان این داستان را اعلام کنیم، باید آزمایشات خاصی انجام شوند که تمام کردن آن‌ها سال‌ها وقت می‌گیرد.

۴۱۱۴۴

(۱) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن (۲) آماده کردن، مهیا ساختن

(۳) دنبال کردن؛ پیروی کردن (۴) باعث ... شدن، علت ... بودن

۳۱۱۴۵ ▶ چون فعل جای خالی در جایگاه فاعل قرار گرفته است، باید آن

را با raising کردن به اسم مصدر تبدیل کنیم. دقت کنید که raise در این معنی، به حرف اضافه of نیازی ندارد.

۱۱۱۴۶ (۱) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

(۲) افزایش دادن؛ افزایش یافتن

(۳) خلق کردن، به وجود آوردن؛ ایجاد کردن

(۴) بهبود دادن؛ بهبود یافتن، بهتر شدن

۱۱۱۴۷ ▶ اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که for (برای، به مدت) جزء اصلی‌ترین قیدهایی است که می‌تواند به همراه زمان حال کامل استفاده شود و نشان می‌دهد عمل چه مدتی (در این تست many years) ادامه داشته است.

متن ۱

در سال ۲۰۱۱، هشت درصد از بچه‌های هشت ساله و کوچک‌تر، روزانه از دستگاه‌های تلفن همراه استفاده می‌کردند. آن طبق گزارشی از طرف [سازمان] رسانه حس مشترک است. این سازمان مسائل نگران‌کننده برای معلمان و خانواده‌ها را مطالعه می‌کند. گزارش آن‌ها نشان می‌دهد [که] تا سال ۲۰۱۵، آن عدد بیش از دو برابر شده بود. پزشکان متخصص اطفال زیادی نگران هستند. به نظر من، آن‌ها حق دارند [نگران] باشند.

این پزشکان دلسوز، بیان می‌کنند که این روند، نگران‌کننده است و به توجه نیاز دارد. آن‌ها بر روی داده‌هایی تمرکز می‌کنند که نشان می‌دهند که استفاده بیش از حد بچه‌های کوچک از رسانه‌ها، با چاقی، کمبود خواب و پرخاشگری مرتبط است. آن‌ها همچنین می‌دانند که استفاده بیش از حد از رسانه‌ها، به شکلی منفی بر روی عملکرد مدرسه تأثیر می‌گذارد. آکادمی متخصصان کودک آمریکا (AAP) برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کند تا از عهده این مشکل بر بیایند.

این پزشکان، خانواده‌ها را تشویق می‌کنند برای استفاده از تلویزیون، ارسال پیامک، وبگردی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، قواعدی را تعیین کنند. آن‌ها محدود کردن هر چهار تا را توصیه می‌کنند. آن‌طور که من متوجه می‌شوم، آن‌ها افرادی هستند که [انجام] بهترین [کار] را می‌دانند.

۳۱۱۵۴ کدامیک از موارد زیر، نظر نویسنده را در مورد استفاده بچه‌ها از تلفن‌های همراه و سایر وسایل رسانه‌ای به بهترین شکل توصیف می‌کند؟

- (۱) هیجان‌زده
(۲) دقیق؛ مراقب
(۳) نگران، دلوایس
(۴) اقتصادی

۲۱۱۵۵ کلمه "pediatricians" (پزشکان متخصص اطفال) در پاراگراف ۱، نزدیک‌ترین معنی را به "doctors" دارد.

- (۱) مسائل، موضوعات
(۲) پزشکان
(۳) گزارش‌ها
(۴) سازمان‌ها

۴۱۱۵۶ متن تمام موارد زیر را به عنوان نتیجه نهایی استفاده بیش از حد از رسانه‌ها توسط کودکان ذکر می‌کند، به جز

- (۱) چاقی
(۲) خواب ناکافی
(۳) عملکرد ضعیف مدرسه
(۴) عملکرد مدرسه معلمان

۱۱۱۵۷ کدامیک از موارد زیر در متن ذکر نشده است؟
(۱) پزشکان برنامه‌ای دارند تا مدارس را مجبور کنند استفاده از تلفن همراه را ممنوع کنند.

- (۲) استفاده بچه‌های کوچک از وسایل رسانه‌ای رو به افزایش است.
(۳) آکادمی متخصصان کودک آمریکا در مورد مشکلی که محوریت متن است، نگران می‌باشد.
(۴) یک دلیل پرخاشگری کودکان می‌تواند استفاده آن‌ها از دستگاه‌های رسانه‌ای باشد، بیشتر از [چیزی که] باید [استفاده کنند].

متن ۲

بیماری قلبی، قاتل شماره یک جامعه غربی است. آن مسئول یک سوم مرگ و میرها در آمریکا و خیلی بیشتر از نیمی از مرگ و میرها در بین مردان میانسال است. بیماری قلبی در ابتدای قرن بیستم، در آمریکا نسبتاً نادر بود، اما از آن زمان به شدت افزایش یافته است، همراه با کاهش جزئی از سال ۱۹۶۰. اغلب،

بیماری قلبی به عنوان بیماری زندگی امروزی در نظر گرفته می‌شود، که توسط عادات و استرس جامعه صنعتی افزایش می‌یابد. دلیل این ایده از این حقیقت، نشأت می‌گیرد که جوامع غیر غربی، دارای نرخ‌های نسبتاً پایین بیماری قلبی هستند؛ و در بین مهاجران به آمریکا، هم‌چون ژاپنی - آمریکایی‌ها و چینی - آمریکایی‌ها در مقایسه با آن‌هایی که در کشور بومی خودشان باقی می‌مانند، نرخ بالاتری از بیماری قلبی وجود دارد، که حاکی از این موضوع است که چیزی درباره محیط غربی، به افزایش شکل‌گیری این بیماری کمک می‌کند.

بیماری قلبی معمولاً شامل تشکیل یک ماده چرب یا عوان پلاک در جداره‌های سرخرگ‌های کرونری می‌باشد که سرخرگ‌هایی هستند، که خون را به قلب می‌رسانند. اگر این سرخرگ‌ها به اندازه کافی باریک یا مسدود شوند، شخص ممکن است دچار حمله قلبی شود (مرگ بخشی از بافت ماهیچه قلب). در بین عوامل زیادی که مشخص شده است با خطر شکل‌گیری بیماری قلبی مرتبط هستند، فشار خون بالا (یا فشار خون)، سابقه بیماری قلبی در بین اقوام نزدیک شخص (که نشان‌دهنده احتمال ژنتیکی ابتلا به این بیماری است)، سیگار کشیدن، اضافه وزن داشتن نسبی، و سطح بالای ماده چرب کلسترول در خون وجود دارد.

۱۱۱۵۸ طبق متن، بیماری قلبی چه زمانی شروع به افزایش کرد؟

(۱) بعد از این که قرن بیستم شروع شد

(۲) وقتی تعداد افراد میانسال افزایش یافت

(۳) چند سال پیش از سال ۱۹۶۰

(۴) وقتی مردم شروع به ترک وطن خودشان کردند

۴۱۱۵۹ نویسنده منظور از "this idea" (این ایده، این فکر) در پاراگراف ۱ چیست؟

- (۱) این واقعیت که غیر آمریکایی‌ها نرخ پایینی از بیماری قلبی دارند
(۲) این حقیقت که بسیار صنعتی کردن یک جامعه استرس‌زا است
(۳) این حقیقت که بیماری قلبی قاتل شماره یک در آمریکا است
(۴) این حقیقت که افزایش بیماری قلبی، محصول زندگی مدرن است

۳۱۱۶۰ کدامیک از موارد زیر درباره «آن‌هایی که در کشور بومی خودشان باقی می‌مانند» (پاراگراف ۱) صحیح است؟

(۱) احتمال بیشتری دارد آن‌ها بیماری قلبی داشته باشند چون سبک زندگی سالمی ندارند.

(۲) آن‌ها آن [دسته از] افرادی از کشورهای غیر غربی هستند که به نظر می‌رسد سابقه خانوادگی بیماری قلبی دارند.

(۳) آن‌ها آن [دسته از] افرادی در کشورهای غیر غربی هستند، که کشورشان را ترک نمی‌کنند.

(۴) آن‌ها آن [دسته از] ژاپنی - آمریکایی‌ها و چینی - آمریکایی‌ها هستند که به کشورهای بومی‌شان برمی‌گردند.

۲۱۱۶۱ کدامیک از موارد زیر در متن تعریف نشده است؟

(۱) سرخرگ‌های کرونری (پاراگراف ۲)

(۲) اقوام نزدیک (پاراگراف ۲)

(۳) پلاک (پاراگراف ۲)

(۴) حمله قلبی (پاراگراف ۲)

در دهه ۱۹۶۰، محققان پزشکی توماس هولمز و ریچارد راهه، چک‌لیستی از رویدادهای استرس‌زا را شکل دادند. آن‌ها این نکته‌گول‌زننده را درک می‌کردند که هر تغییر اساسی می‌تواند استرس‌زا باشد. رویدادهای منفی مانند «بیماری شدید عضوی از خانواده» در بالای فهرست بودند، اما هم‌چنین تعدادی رویداد مثبت تغییردهنده زندگی، مانند ازدواج [در بالای فهرست] بودند. وقتی شما در آزمون هولمز-راهه شرکت می‌کنید، باید به خاطر داشته باشید که نمره [شما] نشان نمی‌دهد شما چه‌طور از پس استرس برمی‌آید؛ آن فقط نشان می‌دهد شما باید با چه مقدار [استرس] سروکار داشته باشید. و در حال حاضر ما می‌دانیم که شیوه‌ای که شما با این رویدادها برخورد می‌کنید، احتمال سالم ماندن شما را به نحو قابل توجهی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

تا اوایل دهه ۱۹۷۰، صدها مطالعه مشابه، پس از هولمز و راهه آمده بودند. و میلیون‌ها آمریکایی که تحت استرس کار و زندگی می‌کنند، نگران گزارشات بودند. این پژوهش به‌نحوی به یک پیام فراموش‌نشده خلاصه شد. مجله‌های زنان تیتراهایی مثل «استرس باعث بیماری می‌شود» را چاپ می‌کردند! این مقالات می‌گفتند، اگر می‌خواهید از نظر جسمی و به لحاظ روحی سالم بمانید، از رویدادهای استرس‌زا پرهیز کنید.

اما دنبال کردن چنین توصیه ساده‌انگارانه‌ای غیرممکن است. حتی اگر رویدادهای استرس‌زا خطرناک هستند، اجتناب کردن از بسیاری - مانند مرگ یک عزیز - غیرممکن است. به‌علاوه، هر هشدار برای اجتناب از تمامی رویدادهای استرس‌زا، تجویز دور ماندن از موقعیت‌ها و هم‌چنین دردسر است. از آن جایی که هر تغییری می‌تواند استرس‌زا باشد، شخصی که می‌خواست کاملاً بدون استرس باشد، هرگز ازدواج نمی‌کرد، بچه‌دار نمی‌شد، کار جدیدی پیدا نمی‌کرد یا نقل مکان نمی‌کرد.

این عقیده که تمام [انواع] استرس شما را بیمار می‌کند، هم‌چنین بخش زیادی از آن‌چه را که ما در مورد مردم می‌دانیم نادیده می‌گیرد. این [عقیده] فرضی می‌کند [که] همه ما در مقابل ناملایمات، آسیب‌پذیر و بی‌اراده هستیم. اما ابتکار عمل و خلاقیت انسان چه‌طور؟ بسیاری [از افراد] از دوران‌های استرس، با قدرت جسمی و روحی بیشتر از آن‌چه قبلاً داشتند، گذر می‌کنند. ما هم‌چنین می‌دانیم که مدتی طولانی بدون تغییر یا چالش می‌تواند به کسل شدن و تنبلی جسمی و روحی منجر شود.

۳۱۱۶۲ نتیجه پژوهش پزشکی هولمز-راهه به ما می‌گوید

- (۱) ممکن است شیوه‌ای که از پس رویدادهای مهم برمی‌آید، باعث استرس شود
 - (۲) چه کاری باید انجام شود تا از استرس اجتناب کنیم
 - (۳) چه نوع رویدادهایی باعث استرس خواهند شد
 - (۴) چه‌طور از پس تغییرات ناگهانی در زندگی بربیاییم
- ۲۱۱۶۳ مطالعات بر روی استرس در اوایل دهه ۱۹۷۰ منجر به شد.
- (۱) وحشت بسیار از اختلال روحی که آن می‌توانست به‌وجود بیاورد
 - (۲) نگرانی گسترده در مورد آثار زیان‌بار آن
 - (۳) پژوهش‌های گسترده در مورد بیماری‌های مرتبط با استرس
 - (۴) اجتناب همگانی از شغل‌های استرس‌زا

۱۱۱۶۴ نمره آزمون هولمز-راهه نشان می‌دهد

- (۱) شما تحت چه میزانی از فشار هستید
- (۲) رویدادهای مثبت چگونه می‌توانند زندگی شما را تغییر دهند

- (۳) یک رویداد مهم می‌تواند چه‌قدر استرس‌زا باشد
 - (۴) شما چه‌طور می‌توانید از پس رویدادهای تغییردهنده زندگی بربیایید
- ۴۱۱۶۵ چرا دنبال کردن «چنین توصیه ساده‌انگارانه‌ای» غیرممکن است (پاراگراف ۳)؟

- (۱) هیچ‌کس نمی‌تواند مدتی طولانی سرکار ثابتی بماند.
 - (۲) در کاهش دادن استرس، هیچ تجویزی مؤثر نیست.
 - (۳) مردم باید روزی ازدواج کنند.
 - (۴) شما ممکن است موقعیت‌ها را هم از دست بدهید.
- ۳۱۱۶۶ طبق متن، ممکن است افرادی که فراز و نشیب‌ها را تجربه کرده‌اند شوند.

- (۱) در هنگام مواجهه با دشواری‌ها عصبی
- (۲) از نظر جسمی و به لحاظ روحی دچار تنش
- (۳) در مواجهه با دشواری‌ها توانا تر
- (۴) نسبت به آن چیزی که برایشان اتفاق می‌افتد بی‌تفاوت

متن ۴

به‌دلیل این‌که سیگار کشیدن نوعی از اعتیاد است، معمولاً ۸۰ درصد از سیگاری‌هایی که [آن را] ترک می‌کنند، تعدادی از علائم ترک را تجربه می‌کنند. این‌ها ممکن است شامل سردرد، سرگیجه و دردهای قفسه سینه باشد. ممکن است علائم روحی هم‌چون اضطراب، افسردگی کوتاه‌مدت و ناتوانی در تمرکز نیز پدیدار شود. علامت روحی اصلی [ترک سیگار] زودرنجی افزایش‌یافته است. در واقع، مردم به‌قدری زودرنج می‌شوند که می‌گویند «انگار می‌خواهند کسی را بکشند.» با وجود این، هیچ مدرکی وجود ندارد که [نشان دهد] ترک سیگار به خشونت فیزیکی منجر می‌شود.

به نظر می‌رسد بعضی از افراد، تمام انرژی و انگیزه خودشان را از دست می‌دهند [و] فقط می‌خواهند بخوابند. سایرین دقیقاً به شکل متضاد واکنش نشان می‌دهند، [و] آن‌قدر سرشار از انرژی می‌شوند [که] نمی‌توانند فعالیت کافی را برای سوزاندن انرژی مازادشان بیابند. برای مثال، خانمی می‌گفت [که] او تمام کمدی‌های لباسش را به‌طور کامل تمیز کرد و آمادگی داشت به خانه همسایه برود تا [کار کردن] روی کمدی‌های همسایه‌اش را شروع کند. با وجود این، در نهایت هر دو این افراط و تفریط‌ها، به وضعیت ثابتی می‌رسند. ممکن است این علائم در دو یا سه روز [اول] شدید باشد، اما بیشتر [آن‌ها] ظرف ۱۰ تا ۱۴ روز بعد از ترک، کاهش می‌یابند. واقعیت این است که بعد از این‌که افراد سیگار کشیدن را ترک می‌کنند، انرژی بیشتری دارند، عموماً به خواب کم‌تری نیاز خواهند داشت و در مورد خودشان حس بهتری دارند.

ترک سیگار نه تنها [طول] عمر فرد سیگاری سابق را افزایش می‌دهد، بلکه به زندگی فعلی شخص، شادی و معنای جدید می‌افزاید. بیشتر سیگاری‌ها می‌گویند که بلافاصله بعد از این‌که سیگار را ترک می‌کنند، در سلامت عمومی و سرزندگی‌شان، شروع به متوجه شدن تفاوت‌های چشمگیری می‌کنند. ترک [سیگار] در هر سنی مفید است، صرف‌نظر از این‌که شخص چه مدت سیگار کشیده است. نرخ مرگ و میر سیگاری سابق بعد از ترک [سیگار] کاهش می‌یابد. اگر بیمار پیش از مبتلا شدن به یک بیماری خطرناک، [سیگار را] ترک کند، ممکن است بدن او در نهایت قادر باشد خودش را تقریباً به‌طور کامل ترمیم کند.

۳۱۱۶۷ کدام یک از موارد زیر علامت روحی اصلی سیگاری‌هایی است که

[سیگار را] ترک می‌کنند؟

(۱) سرگیجه داشتن (۲) مضطرب بودن

(۳) زودرنجی افزایش یافته (۴) خشن بودن

۳۱۱۶۸ چرا نویسنده نمونه یک خانم را در پاراگراف ۲ ارائه می‌کند؟

(۱) تا به ما بگوید که سیگاری‌ها سرشار از انرژی خواهند بود

(۲) تا نشان دهد که سیگاری‌ها برای کمک به ترک سیگار، باید در فعالیت‌هایی

مشارکت کنند

(۳) تا نشان دهد که سیگاری‌هایی که [سیگار را] ترک می‌کنند، به افراط و

تفریط خواهند افتاد

(۴) تا ادعا کند که سیگاری‌ها هنگامی که سیگار را ترک کنند، بسیار مفید

خواهند بود

۳۱۱۶۹ بیشتر سیگاری‌ها بلافاصله بعد از ترک سیگار چه حسی دارند؟

(۱) آن‌ها سلامت بهتر و سرزندگی بیشتری دارند.

(۲) آن‌ها پی می‌برند که زندگی بی‌معنی است.

(۳) آن‌ها نسبت به قبل به خواب بیشتری نیاز دارند.

(۴) آن‌ها بیشتر به دیدن همسایه‌هایشان می‌روند.

۴۱۱۷۰ طبق متن، کدام یک از جملات زیر در مورد سیگاری‌های سابق

صحیح است؟

(۱) آن‌ها بعد از ترک سیگار [روند] مبتلا شدن به تعدادی از بیماری‌ها را آغاز می‌کنند.

(۲) اگر آن‌ها سیگاری‌های قهاری باشند، از ترک [سیگار] می‌توانند فایده

کمی ببرند.

(۳) حتی اگر آن‌ها بیماری‌های خطرناکی داشته باشند، احتمال کم‌تری دارد

که بعد از ترک [سیگار] فوت کنند.

(۴) اگر آن‌ها [سیگار را] به موقع ترک کنند، ممکن است سلامتشان را تقریباً

به‌طور کامل دوباره به‌دست بیاورند.

۴۱۱۷۱ مناسب‌ترین عنوان برای این متن چیست؟

(۱) خطر سیگار کشیدن

(۲) روش‌های ترک سیگار

(۳) حقایق در مورد سیگار کشیدن

(۴) علائم ترک سیگاری‌ها

متن ۵

اگر تمام وقت تنها در خانه بمانید، دوست شدن سخت است. شما باید از خانه

خارج شوید و کارهایی را انجام دهید که به شما کمک خواهند کرد سایر افراد را

ملاقات کنید. عضو باشگاهی شوید، ورزش کنید، کار داوطلبانه انجام دهید. تجربه

خواهید کرد که دوست شدن با افرادی که علائق مشابهی دارند، آسان‌تر است.

در مدرسه یا [محل] کار از افرادی که به نظر می‌رسد به راحتی دوست

می‌شوند، یاد بگیرید. رفتار آن‌ها را مشاهده کنید. آن‌ها چه‌طور باعث می‌شوند

که سایرین احساس راحتی بکنند؟ توجه کنید آن‌ها چه [چیزی] می‌گویند و

چه‌طور رفتار می‌کنند. هر کاری [که] آن‌ها انجام می‌دهند را تقلید نکنید، اما

بعضی از تکنیک‌های آن‌ها را امتحان کنید. این به شما کمک خواهد کرد سبک

اجتماعی خودتان را شکل دهید.

در مورد چند موضوع که گفت‌وگوی خوبی را شکل خواهند داد فکر کنید. در

جریان جدیدترین اخبار قرار بگیرید، به محبوب‌ترین انواع موسیقی گوش دهید،

یا یک فیلم یا برنامه تلویزیونی جالب را تماشا کنید. هرچه شما بیشتر [حرف]

برای گفتن داشته باشید، مردم بیشتر مایل خواهند بود با شما صحبت کنند.

شنونده خوبی باشید و به افراد اجازه دهید در مورد خودشان حرف بزنند.

تلاش نکنید با [گفتن] «من، من، من» بر گفت‌وگو تسلط داشته باشید. سؤال‌های

زیادی بپرسید، به جواب‌ها علاقه نشان دهید. این باعث خواهد شد افراد احساس

خاص بودن داشته باشند و آن‌ها تمایل خواهند داشت تا دوستان باشند.

وقتی شروع به شناختن کسی می‌کنید، یک روز صمیمی و پر حرف نباشید

و روز بعد آن قدر خجالتی که نتوانید گفت‌وگویی داشته باشید باثبات باشید.

ثبات یک ویژگی است که مردم در دوستان دنبال آن می‌گردند.

به خودتان اعتماد داشته باشید. همیشه خودمنتقد نباشید. اگر دوستان را دوست

ندارید، ترغیب کردن سایرین به دوست داشتن سخت است. در مورد خصوصیات

خوب خودتان و تمام دلایلی که مردم دوستی شما را خواهند خواست فکر کنید.

به دنبال دوستی‌هایی که واقعاً می‌خواهید، با افرادی که دوست دارید، [به

آن‌ها] احترام می‌گذارید و تحسین می‌کنید، بروید. تلاش کنید افراد زیادی را هم

ملاقات کنید. بدین روش، گروه بزرگ‌تری خواهید داشت تا [دوستانان را] از بین

آن‌ها انتخاب کنید و احتمال بهتری [نیز] برای دوست شدن [خواهید داشت].

۴۱۱۷۲ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

(۱) چه کار کنید تا زندگی‌تان جالب‌تر شود

(۲) مشکلات افرادی که ترجیح می‌دهند تنها زندگی کنند

(۳) چه‌طور بر عادات قدیمی دوستی غلبه کنید

(۴) چه کار کنیم تا دوست شویم

۲۱۱۷۳ کلمه "it" در پاراگراف ۲ به "trying some of their

techniques" اشاره دارد.

(۱) تقلید کردن هر کاری [که] آن‌ها انجام می‌دهند

(۲) امتحان کردن بعضی از تکنیک‌های آن‌ها

(۳) شکل دادن سبک اجتماعی خودتان

(۴) دوست شدن به تعدادی که دوست دارید

۱۱۱۷۴ چرا نویسنده در پاراگراف ۴ «من، من، من» را ذکر می‌کند؟

(۱) تا در برابر [این‌که] شما تنها طرفی (شخصی) باشید که در گفت‌وگو صحبت

می‌کند هشدار بدهد

(۲) تا روی این واقعیت تأکید کند که شما باید واقعاً مترجه شوید [که]

خصوصیات شخصیتان چه [چیزهایی] هستند

(۳) تا به شما آموزش دهد برای دوستانتان، تا حد ممکن در مورد خودتان

اطلاعات فاش کنید

(۴) تا نقش توجه نکردن به تمامی علائق شخصیتان به منظور قادر بودن برای

دوست شدن موفقیت‌آمیز را نشان دهد

۴۱۱۷۵ طبق متن، هیچ‌کدام از موارد زیر به نحو مثبتی به دوست شدن شما

کمک نمی‌کنند، به جز

(۱) پر حرف بودن

(۲) با افراد خیلی کمی بودن

(۳) همیشه بی‌ثبات بودن

(۴) توانایی اجازه دادن به سایرین برای بیان نظر خود

۱۱۱۷۹ برنج آسیاب شده بدون سبوس
 (۱) برای بدن از برنج آسیاب نشده کم فایده تر بود
 (۲) از برنج آسیاب نشده ارزان تر بود
 (۳) برای بدن از برنج آسیاب نشده مفید تر بود
 (۴) برنج پزی را درمان کرد

۱۱۱۸۰ ماده کم برنج آسیاب شده
 (۱) ویتامین ب بود
 (۲) روی مرغ ها تأثیر نمی گذاشت
 (۳) ویتامین ایجکمن نامیده شد
 (۴) هرگز به درستی شناسایی نشده است

متن ۷

تلویزیون آن قدر متداول شده است که در حال حاضر بسیاری از کودکان بریتانیایی آن را با فعالیت های دیگر ترکیب می کنند، از جمله ارتباط از طریق شبکه های اجتماعی به صورت آنلاین، [و] نگاه کردن از لپ تاپشان به صفحه تلویزیون و دوباره [به صفحه لپ تاپ]. افراد جوان حتی اگر روی تلویزیون تمرکز می کنند، مایل نیستند فقط یک برنامه را تماشا کنند، در حالی که به خصوص پسر ها اغلب شبکه را عوض می کنند تا به طور هم زمان دو برنامه را دنبال کنند. این نظرسنجی که توسط آن اس تحقیقات بازار چاپلداوایز انجام شد، نگرانی ها را افزایش خواهد داد که کودکی به نحوی فزاینده مربوط می شود به حریم شخصی و فعالیت های نشستی و کم تر [مربوط می شود] به بازی، تعامل اجتماعی یا تصور خود کودک.

برنامه کودکان اخیر دولت، بر روی بهبود امکانات بازی [کودکان] به عنوان ابزاری برای اطمینان حاصل کردن از زندگی متعادل تر برای افراد جوانی که وقت زیادی را صرف تماشای تلویزیون می کنند، تمرکز کرد. یافته های نظرسنجی امروز نشان می دهد که تماشای تلویزیون در بین کودکان بعد از کاهش یافتن به مدت سه سال، الان دوباره در حال افزایش است. این [امر] عمدتاً نتیجه دختران بیشتری است که سریال های تلویزیونی را تماشا می کنند.

استفاده از اینترنت نیز هم چنان به سرعت افزایش می یابد. این بدین معنی است [که] کودکان بریتانیایی به طور متوسط هر روز پنج ساعت و ۲۰ دقیقه را در مقابل صفحه نمایش [کامپیوتر یا تلویزیون] می گذرانند، [که] از چهار ساعت و ۴۰ دقیقه پنج سال قبل بیشتر [است]. از سوی دیگر، خواندن کتاب ها برای لذت [بردن] هم چنان به عنوان اوقات فراغت معمول رو به کاهش است. در حالی که از هر پنج بچه، چهار بچه در وقت آزاد خودشان مطالعه می کنند، فقط یک چهارم [آن ها] این کار را به صورت روزانه و ۵۳٪ حداقل هفته ای یک بار انجام می دهند.

۱۱۱۸۱ متن عمدتاً در چه موردی بحث می کند؟

- (۱) ایجاد عادات بد در بین بچه ها
 - (۲) یافته های روش های تحقیقی جدید در بریتانیا
 - (۳) چرا اینترنت جای تلویزیون را می گیرد
 - (۴) اثر منفی تماشای تلویزیون بر روی بچه ها
- ۱۱۱۸۲ طبق متن، کدام یک از موارد زیر، در بین کودکان روند کاهشی را تجربه کرده است؟

- (۱) تماشای تلویزیون
 - (۲) تعامل اجتماعی
 - (۳) حریم شخصی
 - (۴) فعالیت های مرتبط با تحقیق
- ۱۱۱۸۳ طبق متن، کدام یک از جملات زیر غلط است؟
- (۱) تماشای تلویزیون در ده سال اخیر رو به کاهش بوده است.
 - (۲) این روزها انجام چند کار به صورت هم زمان یک پدیده نادر در بین کودکان نیست.

نمونه دیگری از خطرات رژیم غذایی محدود را ممکن است در بیماری شناخته شده با عنوان «بری پری» مشاهده کرد، که [در گذشته] باعث می شد تعداد زیادی از مردم شرقی که عمدتاً با برنج زندگی می کردند، رنج ببرند. در سال های ابتدایی قرن بیستم، دانشمندی هلندی به اسم ایجکمن تلاش می کرد علت بری پری را کشف کند. او در ابتدا فکر می کرد [که] آن از طریق میکروب منتقل می شود. او در یک بیمارستان ژاپنی کار می کرد که در آن بیماران با برنجی تغذیه می شدند که سبوس بیرونی آن از دانه جدا شده بود. این تفکر وجود داشت [که] هضم کردن این [نوع برنج] برای افراد ضعیف بیمار، راحت تر خواهد بود.

ایجکمن وقتی متوجه شد مرغ های حیاط بیمارستان که از غذاهای باقی مانده بشقاب بیماران تغذیه می شدند نیز علائم همین بیماری را بروز می دادند، فکر کرد نظریه میکروبی اش تأیید شده است. او سپس تلاش کرد میکروبی را [که] فکر می کرد باعث بیماری می شود، جدا کند، اما آزمایشات او توسط یک مسئول بیمارستان دچار وقفه شد که حکم داد که برنج بدون سبوس خالص، هر چند توسط بیماران اضافه مانده بود، برای مرغ ها بیش از حد خوب بود. مرغ ها باید با برنج ارزان که پوشش بیرونی (سبوس) هنوز روی دانه است، تغذیه شوند. ایجکمن متوجه شد که مرغ ها با رژیم غذایی جدید، شروع به بهبود کردند. او این احتمال را در نظر گرفت که خوردن برنج آسیاب نشده، به نحوی از بری پری پیشگیری یا [آن را] درمان می کرد؛ حتی این که شاید کمبود ماده ای در سبوس، علت بیماری باشد. در واقع، درست بود. بعد از مدت کوتاهی، عامل مورد نیاز برای پیشگیری از بری پری از سبوس برنج جدا شد و در حال حاضر با عنوان ویتامین ب شناخته می شود. در واقع، برنج آسیاب شده هر چند گران تر بود، [همان] بیماری ای که بیمارستان تلاش می کرد آن را درمان کند، زنده نگه می داشت. امروزه این بیماری وحشتناک به لطف دانش ما از ویتامین ها، بسیار کم تر شیوع دارد.

۱۱۱۷۶ طبق محتوا [ی متن] فکر می کنید نویسنده در پاراگرافی که درست

قبل از پاراگراف اول است، چه چیزی را ذکر می کند؟

- (۱) یک نمونه اهمیت ویتامین ها
- (۲) یک نمونه ضرورت مکمل ویتامین ها
- (۳) یک نمونه خطرات رژیم غذایی محدود
- (۴) یک نمونه مزایای ویتامین های مختلف

۱۱۱۷۷ بیماری «بری پری»
 (۱) جان تعداد زیادی از مردم غربی را می گیرد
 (۲) بیماری کمبود ویتامین است
 (۳) از طریق برنج آلوده منتقل می شود
 (۴) می تواند از مرغ های بیمار گرفته شود (سرایت کند)

۱۱۱۷۸ مرغ هایی که ایجکمن در حیاط بیمارستان متوجه [آن ها] شد
 (۱) نمی توانستند برنج بدون سبوس را هضم کنند
 (۲) ثابت کردند بری پری از طریق میکروب ها منتقل می شود
 (۳) بعدها برای غذای بیماران پخته شدند
 (۴) از کمبود ویتامین رنج می بردند

(۳) توسط بعضی [افراد] بیان شده است که کودکان به طور متوسط روزانه پنج ساعت و ۲۰ دقیقه را در مقابل صفحه نمایش [کامپیوتر یا تلویزیون] می گذرانند. بعضی از مردم اعتقاد دارند که اگر کودکان زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون کنند، زندگی به اندازه کافی متعادل نباشد.

۴۱۱۸۴ کدام یک از این ها به بهترین شکل، کارکرد پاراگراف ۳ را در ارتباط با پاراگراف های ۱ و ۲، توصیف می کند؟

(۱) آن [پاراگراف] جدیت مشکل توصیف شده در آن پاراگراف ها را انکار می کند. (۲) آن [پاراگراف] ادعای آن پاراگراف ها را از طریق حقایق و اعداد (آمار) اصلاح می کند.

(۳) آن [پاراگراف] برای قاعده ذکر شده در آن پاراگراف ها استثنائی ارائه می کند.

(۴) آن [پاراگراف] نکته های ذکر شده در آن پاراگراف ها را بیشتر تقویت می کند.

متن ۸

مردم می توانند به چیزهای متفاوتی معتاد باشند؛ برای مثال، مواد مخدر، غذاهایی خاص یا حتی تلویزیون. افرادی که چنین اعتیادی دارند، تکانشی هستند (رفتار تکانشی، رفتار ناشی از دست دادن اختیار و کنترل فرد به صورت لحظه ای است که ممکن است منجر به نتایج ناخواسته شود). به عبارت دیگر، آن ها نیاز روحی بسیار شدیدی دارند که احساس می کنند باید [آن را] برآورده کنند. به گفته روان شناسان، بسیاری از افراد، پول خرج کن تکانشی هستند. آن ها احساس می کنند که باید پول خرج کنند. این ناگزیری، مثل بیشتر [موارد] دیگر غیرمنطقی است؛ [یعنی] توضیح آن به صورت منطقی غیرممکن [است]. برای پول خرج کن های تکانشی که با اعتبار خرید می کنند، حساب های اعتباری، حتی از پول هیجان انگیزتر هستند. به عبارت دیگر، پول خرج کن های تکانشی احساس می کنند که می توانند با اعتبار، هرکاری انجام دهند. در واقع، لذت آن ها از خرج کردن مقادیر بسیار زیاد [پول] بیشتر از لذتی است که آن ها از چیزهایی که می خرند، به دست می آورند.

حتی روان شناسی خاصی به نام شکار موقعیت های استثنایی وجود دارد. البته بیشتر افراد برای پس انداز کردن پول، به دنبال حراج ها، قیمت های پایین و تخفیف ها می گردند. آن ها می خواهند باور داشته باشند که به حساب دخل و خرج خودشان کمک می کنند، اما آن ها در واقع بازی هیجان انگیزی را انجام می دهند. وقتی که آن ها می توانند چیزی را به [قیمت] کم تر از سایر افراد خریداری کنند، احساس می کنند که دارند برنده می شوند. متخصصان ادعا می کنند [که] بیشتر افراد برای رفتارشان دو دلیل دارند: دلیلی خوب برای کارهایی که انجام می دهند و دلیل واقعی.

البته فقط دانشمندان نیستند که روان شناسی عادات خرج کردن را درک می کنند، بلکه تاجران هم [آن را درک می کنند]. فروشگاه ها، شرکت ها و تبلیغ کنندگان، از روان شناسی برای افزایش (بهبود) تجارت استفاده می کنند: آن ها در تبلیغات و روش های فروش خودشان، نیازهای افراد به عشق، قدرت، یا تأثیرگذاری، ارزش های اساسی آن ها، باورها و نظرات آن ها و غیره را در نظر می گیرند.

روان شناسان اغلب برای کمک به افراد به منظور حل کردن مشکلات شخصیتی شان، از روشی به نام «رفتار درمانی» استفاده می کنند. آن ها به همین طریق، می توانند به افرادی که احساس می کنند که با پول مشکل دارند کمک کنند.

۳۱۱۸۵ به گفته روان شناسان، پول خرج کن تکانشی کسی است که مقادیر زیادی پول خرج می کند.....

(۱) و از آن چیزی که می خرد، لذت بسیاری کسب می کند

(۲) تا نیازهای پایه ای خودش را در زندگی برآورده کند

(۳) تا فقط نیاز روحی شدید خودش را برآورده کند

(۴) کاملاً با اشتیاقی منطقی

۲۱۱۸۶ طبق متن، شکارچیان تکانشی موقعیت های استثنایی، در جستجوی دائمی برای پایین ترین قیمت های ممکن هستند.....

(۱) چون می خواهند پول پس انداز کنند تا به حساب دخل و خرج خودشان کمک کنند

(۲) چون می توانند در [مورد] تهیه کالاها به [قیمت] کم تر، از موفقیت خودشان نسبت به دیگران مفتخر باشند

(۳) و اگر در حدود بودجه شان خرج کنند مشکلات پولی (مالی) نخواهند داشت

(۴) اما به ندرت اعتراف می کنند [که] اگر بتوانند کالاها را ارزان تر از سایرین تهیه کنند، احساس رضایت می کنند

۲۱۱۸۷ کدام یک از موارد زیر درست است؟

(۱) همه مردم پول را به دلیل دقیقاً یکسان خرج می کنند که نیاز دارند کالاها را خریداری کنند.

(۲) تاجران و تبلیغ کنندگان می توانند از روان شناسی پول برای افزایش فروش استفاده کنند.

(۳) تاجران، روان شناسی خرید تکانشی را از دانشمندان بهتر درک می کنند.

(۴) شکارچیان تکانشی موقعیت های استثنایی، در مورد پول مشکلی ندارند.

۲۱۱۸۸ ما می توانیم از متن با اطمینان خاطر نتیجه بگیریم که پول خرج کن های تکانشی یا شکارچیان تکانشی موقعیت های استثنایی.....

(۱) در حقیقت منطقی هستند

(۲) به درمان ویژه ای نیاز دارند

(۳) واقعاً علاج ناپذیر هستند

(۴) هرگز نمی توانند هیچ کمکی را برای حل کردن مشکلات خود با پول دریافت کنند

۲۱۱۸۹ این متن عمدتاً در مورد..... است.

(۱) روان شناسی عادات پول خرج کردن

(۲) عادات خرید پول خرج کن های تکانشی

(۳) روان شناسی خاص شکار موقعیت های استثنایی

(۴) کاربرد روان شناسی عادات [پول] خرج کردن در تجارت

۱۱۱۹۰ او در مورد مشکلش با چند متخصص صحبت کرده است، اما هیچ کس نمی داند او چرا بیمار است.

❖ اصلی ترین کاربرد زمان حال کامل برای اشاره به عملی است که از گذشته تاکنون به طور پیوسته یا متناوب انجام شده است. در جای خالی اول، چون در مورد فعلی صحبت می شود که از گذشته تاکنون، در مان های مختلف انجام شده، از فعل حال کامل استفاده می کنیم. اما چون جای خالی دوم به یک فعل کلی اشاره دارد که مربوط به زمان خاصی نیست، در این مورد از فعل حال ساده (knows) استفاده می شود.

۳۱۱۹۷ صبح آب آرام بود، اما تا بعد از ظهر امواج بزرگ در حال تشکیل شدن بود.

(۱) عمیق، گود (۲) آرام، ساکت (۳) پُر (۴) واقعی، حقیقی

۴۱۱۹۸ چهارشنبه به او زنگ زد و نزد آقایی پیغام گذاشتم [که] فکر می‌کردم پدرش بود.

(۱) دادن

(۲) نگاهداشتن؛ برگزار کردن

(۳) درست کردن؛ باعث ... شدن

(۴) ترک کردن؛ رها کردن؛ (نزد کسی) گذاشتن

◀ پیغام گذاشتن: leave a message

۴۱۱۹۹ ما می‌توانیم از طریق انتخاب‌های سبک زندگی، خطرات مبتلا شدن خودمان را به بیماری‌هایی خاص به نحو قابل توجهی کاهش دهیم.

(۱) عادت

(۲) تعادل، توازن

(۳) مأموریت؛ هیئت اعزامی؛ هیئت مبلغین (مذهبی)

(۴) سبک زندگی

۴۱۲۰۰ از آن جایی که آن دختر و برادرش در تصادف رانندگی به شدت مجروح شدند، فوراً به بیمارستان برده شدند.

(۱) قویاً

(۲) مانند هم، به‌صورتی مشابه

(۳) با نگرانی، با دلوایسی؛ با اضطراب (۴) به‌شدت، سخت

۲۱۲۰۱ دولت برنامه‌هایی را برای بهبود کیفیت آموزش مدارس ابتدایی اعلام کرده است.

(۱) کارکرد، عملکرد

(۲) آموزش؛ آموزش و پرورش؛ تحصیلات

(۳) آفرینش؛ خلق؛ ایجاد (۴) کار، عمل؛ فعالیت؛ اقدام

متن کلوز

آیا شما سالم هستید؟ قبل از پاسخ دادن، به این‌که چه درکی از «سلامتی» دارید فکر کنید. آن تنها به معنای رهایی از (فقدان) بیماری نیست. سلامتی [واحد] اندازه‌گیری این [موضوع] است که بدن و ذهن‌تان هر دو چه‌قدر سالم و قوی هستند. یک شخص واقعاً سالم، دارای حس سلامت جسمی و روحی است. سلامتی ما گران‌بها است و به‌راحتی آسیب می‌بیند. اما کارهای زیادی وجود دارد که ما می‌توانیم برای حفظ آن [در شرایط خوب] انجام دهیم. خوب غذا خوردن، ورزش کردن و داشتن خواب کافی همه کمک می‌کنند [تا] ما را سالم نگه دارند. استانداردهای سلامتی و خطرات سلامتی از مکانی به مکان دیگر متفاوت است. در بعضی از بخش‌های جهان، بسیاری از افراد مشکلات سلامتی جدی دارند، چون آن‌ها فقیر، گرسنه و فاقد آب آشامیدنی تمیز هستند. در مکان‌های دیگر، استرس سر کار، ورزش نکردن و غذای بیش از حد، مشکلات سلامتی خودشان را، هم‌چون بیماری قلبی به همراه دارند. هم‌چنین افراد از طریق استفاده از تنباکو و مواد مخدر خطرناک، به سلامتی‌شان آسیب می‌زنند.

۱۱۲۰۲ (۱) اندازه؛ اندازه‌گیری؛ اقدام (۲) تعادل، توازن

(۳) فشار (۴) نظر؛ اظهارنظر

۴۱۲۰۳ ◀ داشتن خواب کافی: get enough sleep

۳۱۱۹۱ زندگی کردن در کنار اقیانوس [و] جایی که تعداد زیادی درخت هست را تصور کن! فوق‌العاده نخواهد بود؟

◀ بعد از فعل imagine (تصور کردن) فعل دوم به‌صورت اسم مصدر (ing) دار) به‌کار می‌رود.

۲۱۱۹۲ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) او به مدت دو سال در لندن زندگی کرد و سپس به ادینبرو رفت.

(۲) برادرم چندین رمان نوشته است. او به تازگی آخرین [رمانش] را تمام کرده است.

(۳) او از جمعه [هفته] قبل سیگار نکشیده است. او تلاش می‌کند آن را ترک کند.

(۴) وقتی در مدرسه بودم کتاب‌های او را خواندم. از آن‌ها خیلی زیاد لذت می‌بردم.

◀ در گزینه (۱) هرچند قید for (برای، به مدت) را داریم، اما طبق مفهوم جمله، فعل live (زندگی کردن) در گذشته قطع شده و for به طول عمل در گذشته اشاره دارد و در نتیجه به جای فعل حال کامل (در این مورد has lived)، به فعل گذشته ساده (lived) نیاز داریم. در گزینه (۳) با توجه به مفهوم جمله که نشان می‌دهد «سیگار کشیدن» از گذشته تا کنون به‌طور پیوسته انجام نشده است و کاربرد since (از، از وقتی‌که)، به فعل حال کامل (در این مورد has not smoked) نیاز داریم، نه فعل گذشته ساده (did not smoke).

در گزینه (۴) هم که با افعالی سروکار داریم که در زمان مشخصی در گذشته (وقتی گوینده جمله در مدرسه بود)، انجام شده و به پایان رسیده‌اند؛ بنابراین در این مورد نیز هر دو فعل باید در زمان گذشته ساده باشند (read و enjoyed). اما در گزینه (۲)، دو کاربرد زمان حال کامل را به درستی داریم: عملی که از گذشته تا کنون به تناوب انجام شده (has written) و عملی که در گذشته نزدیک انجام شده است (has just finished).

در این مورد به کاربرد just (تازه، همین‌حالا) هم دقت کنید. قبل از این‌که برای پیاده‌روی به جنگل بروید، یاد بگیرید وقتی خرس دیدید، باید چه کار کنید.

۳۱۱۹۳ برای صحبت کردن در مورد بعضی از فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و به‌طور کلی بعضی از افعال حرکتی از ساختار [فعل ing دار + go] استفاده می‌کنیم.

در واقع، در این‌گونه موارد، بعد از go، فعل ing دار می‌شود (در این تست go hiking). دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل should در این تست)، فعل اصلی به شکل ساده به‌کار می‌رود (در این مورد do).

۱۱۱۹۴ کوچک‌ترین بچه آن‌ها در مرحله‌ای است که می‌تواند کلمات تک‌تک [و] نه جملات کامل را بگوید.

(۱) مرحله؛ گام؛ [در تئاتر و غیره] صحنه (۲) عامل، فاکتور

(۳) ارتباط، پیوند (۴) کارکرد، عملکرد

۳۱۱۹۵ ممکن است دکتر فشار خون و نبض شما را کنترل کند تا ببیند که آیا چیزی غیرطبیعی وجود دارد [یا نه].

(۱) واقعه، رویداد (۲) ضربان قلب (۳) فشار (۴) اعتیاد

◀ فشار خون: blood pressure

۴۱۱۹۶ اغلب، مادرها آن‌هایی هستند که برای خانواده حمایت عاطفی فراهم می‌کنند.

(۱) آرام؛ معتدل (۲) طبیعی؛ ذاتی

(۳) نگران؛ دلوایس؛ مضطرب (۴) احساسی، عاطفی؛ احساساتی

۴۱۲۰۴ ◀ از محلی به محل دیگر: from place to place

۳۱۲۰۵ (۱) عمیق، گود (۲) مستقیم، راست

(۳) جدی؛ خطرناک (۴) مضر، زیان‌بار

۲۱۲۰۶ (۱) کارکرد، عملکرد (۲) ورزش؛ تمرین

(۳) حقیقت، واقعیت (۴) فراوانی، وفور؛ فرکانس

متن ۱

شاید گیاه‌خواران سالم‌تر باشند، اما افراد گوشت‌خوار به محیط‌زیست بیشتر خدمت می‌کنند. بررسی انرژی مورد استفاده برای تولید و توزیع غذاهای گوناگون هم‌چون شیرینی‌ها، بستنی، چیپس سیب‌زمینی و نان سفید نشان داد که این‌ها در بین غذاهای دارای بیشترین صرفه‌جویی انرژی - و در نتیجه کم‌ترین آلاینده‌گی - در رژیم غذایی ما هستند. از سوی دیگر، چای، قهوه، گوجه‌فرنگی، سبزیجات سالاد و ماهی سفید با محیط‌زیست ناسازگار هستند.

دیوید کولی و همکاران [او] از مرکز انرژی و محیط‌زیست دانشگاه اکستر، میزان انرژی سوخت‌های مورد استفاده در چرخه کامل تولید غذا را در یک سبد خرید عادی تحلیل کرده‌اند. این تحلیل شامل تولید و کاربرد کودها و دیگر مواد شیمیایی، برداشت [محصولات]، فرآوری، بسته‌بندی، حمل و نقل و دفع زباله‌ها می‌شود. آن‌ها در مطالعه رژیم‌های غذایی بیش از ۲۰۰۰ نفر پی بردند که رساندن غذای یک شخص بریتانیایی معمولی به میز [نهارخوری]، هر سال به حدود ۱۸۰۰۰ مگاژول انرژی نیاز دارد. این تقریباً شش برابر انرژی موجود در خود غذا است. این فرایند در مجموع حدود یک دهم بودجه ملی انرژی را مصرف می‌کند، که ۱۵ میلیون تن کربن را به شکل دی‌اکسید کربن به جو می‌افزاید.

این مطالعه، آن‌هایی را که تلاش می‌کنند هم سالم باشند و هم طرفدار محیط زیست، با مشکل مواجه خواهد کرد. موردی که بیشترین انرژی را مصرف می‌کند قهوه است که برای تولید ۱ مگاژول از غذای مصرفی [آن] به ۱۷۷ مگاژول انرژی نیاز دارد. اما در مقایسه با ۸ مگاژول برای گوشت گاو و برگرها، ۷ [مگاژول] برای گوشت مرغ و ۶ [مگاژول] برای گوشت بره، سبزیجات سالاد معمولی به ۴۵ مگاژول و ماهی سفید به ۳۶ مگاژول نیاز دارد. در حالی که میوه‌های تازه بین ۱۰ و ۲۲ مگاژول مصرف می‌کنند، چیپس، نان سفید و بستنی همگی در پایین جدول هستند [و] هرکدام کم‌تر از ۱ مگاژول مصرف می‌کنند.

کولی می‌گوید: «گوشت [در فهرست] خوب عمل می‌کند، چون که خیلی فرآوری نمی‌شود، کالری زیادی را فراهم می‌کند و اغلب به‌صورت محلی پرورش داده می‌شود.» به تعبیری، غذا بخش بزرگی از تأثیر فرد بر اثر گلخانه‌ای است. بسیاری از ما می‌توانیم رژیم غذایی‌مان را تغییر دهیم تا تأثیر کم‌تری داشته باشیم.

۳۱۲۰۷ غذای دارای بیشترین صرفه انرژی و کم‌ترین آلاینده‌گی در رژیم غذایی ما است.

(۱) گوشت (۲) میوه (۳) نان سفید (۴) سبزیجات سالاد

۲۱۲۰۸ تحلیل دکتر کولی از انرژی مورد استفاده در چرخه تولید غذا، شامل تمام موارد زیر می‌شود، به جز
(۱) کاربرد مواد شیمیایی (۲) تأثیر اقلیم

(۳) بسته‌بندی غذا (۴) دفع زباله

۳۱۲۰۹ دکتر کولی در مطالعه رژیم غذایی بیش از ۲۰۰۰ نفر پی برد که
.....

(۱) انرژی موجود در خود غذا شش برابر انرژی مصرفی است

(۲) بودجه انرژی ۱۵ میلیون تن کربن را به جو می‌افزاید

(۳) تولید غذایی که یک بریتانیایی معمولی هر سال مصرف می‌کند به ۱۸۰۰۰ مگاژول نیاز دارد

(۴) انرژی موجود در خود غذا یک دهم بودجه ملی انرژی است

۴۱۲۱۰ آن‌هایی که تلاش می‌کنند هم سالم باشند و هم طرفدار محیط زیست، با مشکل مواجه می‌شوند، چون که
(۱) بعضی غذاهای سالم مثل گوجه‌فرنگی، به رنگ سبز نیستند

(۲) آن بین گوشت محلی و غذای سبز تفاوت قائل می‌شود

(۳) رژیم غذایی افراد بسیار متفاوت است

(۴) بعضی غذاهای سالم مثل سبزیجات، با محیط‌زیست ناسازگار هستند

متن ۲

محققان می‌گویند [در حال حاضر] کودکان بیشتر از آن چیزی که در گذشته [تلویزیون] تماشا می‌کردند، تلویزیون تماشا می‌کنند. یک مطالعه [در] سال ۲۰۰۹ مشخص کرد که کودکان هر هفته بیش از ۸ ساعت را در مقابل تلویزیون می‌گذرانند. آن شامل زمان صرف شده برای انجام بازی‌های کامپیوتری [هم] می‌باشد. کودکان ۶ تا ۱۱ ساله در ایالات متحد، هر روز بیش از سه ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند. ده سال قبل، کودکان هر روز تنها حدود دو ساعت و ۴۰ دقیقه تلویزیون تماشا می‌کردند. آن به این معنی است [که] امروزه کودکان هر هفته تقریباً پنج ساعت بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند.

چرا افزایش کارشناسان می‌گویند امروزه برنامه‌های تلویزیونی بیشتری روی کودکان تمرکز می‌کنند یا [آن‌ها را] هدف قرار می‌دهند. پاتریشیا مک‌دونو به خبر دابلیو. آر. گفت: «بیش از هر زمان دیگری در گذشته برنامه کودک وجود دارد.» او به انجام پژوهش برای این مطالعه کمک کرد. بعضی از افراد می‌خواهند زمان تلویزیون بچه‌ها را محدود کنند. محققان می‌گویند که کودکانی که روزانه بیش از سه ساعت برنامه [تلویزیونی] تماشا می‌کنند، در مدرسه هم آن‌قدر خوب عمل نمی‌کنند.

با این حال، تمام [برنامه‌های] تلویزیون، نابودکننده مغز نیست. بعضی متخصصان می‌گویند برنامه‌های آموزشی می‌توانند کودکان را به هوش‌تر کنند. چیزی که آموزشی است به شما کمک می‌کند [مطالعی را] فرا بگیرد. یک نمونه [برنامه] فوران مغز است. بعضی می‌گویند این مسابقه تلویزیونی با کودکان کمک می‌کند واقعیت‌ها را فرا بگیرند. چه‌طور می‌دانید (باید تشخیص دهید) که آیا یک برنامه آموزشی است؟ متخصص رسانه، آلتا هوستون توضیح می‌دهد [که] به آن چیزی که از تماشا کردن [برنامه] یاد می‌گیرید، فکر کنید. رسانه‌ها روش‌های دسترسی به مردم هستند. آن‌ها شامل تلویزیون، مجلات و اینترنت هستند. اما هوستون هشدار می‌دهد: «حتی اگر [برنامه] واقعاً خوب [است] ... مقداری را که تماشا می‌کنید، محدود کنید. از کاناپه بلند شوید و کار دیگری انجام دهید.»

۲۱۲۱۱ طبق متن، بعضی از مردم استدلال می‌کنند که تماشای تلویزیون می‌تواند به کودکان کمک کند. چه دلیلی از متن، این استدلال را تقویت می‌کند؟

(۱) امروزه برنامه‌های تلویزیونی روی کودکان تمرکز می‌کنند یا [آن‌ها را] هدف قرار می‌دهند.

(۲) برنامه‌های آموزشی تلویزیون می‌توانند کودکان را باهوش‌تر کنند.

۲۱۲۲۰ زمین‌لرزه‌ها در ژاپن آن قدر متداول هستند که اغلب، مردم حتی به آن‌ها توجه نمی‌کنند.

(۱) تأثیرگذار، تکان‌دهنده (۲) متداول؛ متعارف؛ مشترک (۳) فعال، کاری (۴) یگانه، یکتا؛ بی‌همتا، منحصر به فرد
۲۱۲۲۱ از این‌که وقتی در یکی کردن دخل و خرج خودم دشواری داشتم، به من ۵۰۰ دلار قرض دادید، خیلی ممنونم.

(۱) قرض گرفتن، قرض کردن (۲) بردن؛ گرفتن (۳) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن (۴) قرض دادن

◀ دخل و خرج خود را یکی کردن: make (both) ends meet
۲۱۲۲۲ اگرچه او معمولاً ترجیح می‌دهد تنها باشد، دعوت ما را قبول کرد تا تمام بعدازظهر را با ما بماند.

(۱) پیشنهاد کردن؛ [جایزه] تعیین کردن؛ تعارف کردن (۲) اجازه دادن به؛ امکان‌پذیر کردن (۳) قبول کردن، پذیرفتن (۴) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن

۲۱۲۲۳ کشورهای بسیاری قوانینی را به تصویب رسانده‌اند تا مردم را از سیگار کشیدن در محل‌های همگانی منع کنند.

(۱) عمومی، همگانی (۲) این اطراف، این نزدیکی‌ها (۳) هنرمندان، هنری (۴) سابق، پیشین، قبلی
۲۱۲۲۴ وسیع‌ترین بیان‌های عربستان سعودی بزرگ‌تر از ترکیب فرانسه، بلژیک و هلند است.

(۱) ترکیب کردن، تلفیق کردن (۲) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن (۳) شناسایی کردن، تشخیص دادن، شناختن (۴) منعکس کردن؛ بازتابانیدن؛ حکایت از ... داشتن

۲۱۲۲۵ تمام اجناس ما دست‌ساز هستند و ما در محصولاتمان فقط از مواد طبیعی استفاده می‌کنیم.

(۱) هنرمندان، هنری (۲) دست‌ساز (۳) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده (۴) متداول؛ متعارف؛ مشترک
۲۱۲۲۶ متأسفم [که] نمی‌توانیم شما را با خودمان ببریم، اما قول می‌دهم آن را به نحوی برایتان جبران کنم.

(۱) به یاد آوردن، به خاطر آوردن؛ به یاد داشتن (۲) قول دادن، وعده دادن (۳) مبادرت کردن به؛ سعی کردن به (۴) مقایسه کردن، سنجیدن

۲۱۲۲۷ اگر تمایل دارید درباره این موضوع بیشتر بحث کنید، لطفاً درنگ نکنید که با من تماس بگیرید.

(۱) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ دانستن (۲) ارزش قائل شدن برای؛ قیمت‌گذاری کردن (۳) بحث کردن درباره، گفت‌وگو کردن درباره (۴) جمع کردن؛ جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن

(۳) امروزه کودکان هر هفته تقریباً پنج ساعت بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند. (۴) کودکان بیشتر از آن چیزی که در گذشته [تلویزیون] تماشا می‌کردند، تلویزیون تماشا می‌کنند.

۳۱۲۱۲ عبارت "pull the plug on" (متوقف کردن؛ محدود کردن) در پاراگراف ۲ می‌تواند به بهترین شکل توسط "limit" جایگزین شود.

(۱) بهبود بخشیدن؛ بهتر شدن (۲) تشویق کردن، ترغیب کردن (۳) محدود کردن (۴) بیان کردن، ابراز کردن

۱۱۲۱۳ ایده اصلی این متن چیست؟

(۱) مطالعه‌ای جدید ارتباطی را که کودکان امروزی با تلویزیون دارند، بررسی می‌کند. (۲) مطالعه‌ای جدید روش‌هایی را [که] رسانه‌ها به مردم دسترسی دارند، بررسی می‌کند. (۳) مطالعه‌ای جدید [این امر را که] برنامه‌های آموزشی چگونه می‌توانند کودکان را باهوش‌تر کنند، بررسی می‌کند.

(۴) مطالعه‌ای جدید بررسی می‌کند [که] چرا تماشای تلویزیون بیشتر، می‌تواند کودکان را باهوش‌تر کند.

۲۱۲۱۴ در متن، اطلاعات کافی وجود دارد تا به کدام یک از پرسش‌های زیر پاسخ دهد؟

(۱) یک کودک آمریکایی معمولی چه قدر زمان را صرف بازی‌های کامپیوتری می‌کند؟ (۲) یک نمونه خوب برنامه‌های آموزشی برای کودکان چیست؟ (۳) اگر کودکان را به کلی از تماشای برنامه‌های تلویزیونی منع کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

(۴) در پژوهشی که در متن ذکر شده است، چند پژوهشگر شرکت کردند؟
۱۱۲۱۵ پژوهش انجام شده نتایجی را ارائه کرد که تقریباً همه را حیرت‌زده کرد.

(۱) اثر؛ نتیجه؛ حاصل (۲) شیء (۳) رسم، عادت، سنت (۴) قلم، فقره؛ مورد
۱۱۲۱۶ حالا که ترم تمام شده است، همه دانش‌آموزان در مورد تعطیلات بسیار هیجان‌زده هستند.

(۱) هیجان‌زده (۲) روشن، درخشان (۳) احساسی؛ عاطفی؛ احساساتی (۴) موجود، در دسترس
۱۱۲۱۷ سیاره زهره به دلیل این‌که لایه ضخیم ابرهایش نور آفتاب را منعکس می‌کند، به شدت می‌درخشد.

(۱) منعکس کردن؛ بازتابانیدن؛ حکایت از ... داشتن (۲) پوشاندن

(۳) خلق کردن، به وجود آوردن؛ ایجاد کردن (۴) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن
۳۱۲۱۸ راجر به خودش قول داد که هرگز همان اشتباه را دوباره تکرار نکند.

◀ قول دادن: make a promise

◀ اشتباه کردن: make a mistake

۳۱۲۱۹ موزه پیکاسو که در بارسلون واقع شده است، بزرگ‌ترین کلکسیون تابلوهای پابلو پیکاسوی جهان را دارد.

(۱) اشاره؛ مراجعه، ارجاع (۲) شرط؛ وضع، وضعیت (۳) مجموعه، کلکسیون؛ جمع‌آوری، گردآوری (۴) یادگاری؛ سوغاتی

۳۱۲۲۸ مطالعات نشان می‌دهند که علی‌رغم استانداردهای بالاتر زندگی، مردم از هر زمان دیگر افسرده‌تر هستند. "depressed" (افسرده، غمگین) متضاد "cheerful" است.

- (۱) خجالت‌زده، شرمنده
- (۲) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم
- (۳) شاد، خوشحال؛ شادی‌بخش، امیدبخش
- (۴) احساسی؛ عاطفی؛ احساساتی

۳۱۲۲۹ آپارتمان ساکت بود، به جز رادیو که در اتاق نشیمن تاریک به آرامی پخش می‌شد.

- (۱) به نرمی، با ملایمت؛ به آرامی
- (۲) عمیقاً؛ به شدت
- (۳) کاملاً، به طور کامل
- (۴) خیلی، به شدت

۳۱۲۳۰ بعد از زمین‌لرزه، بچه‌ها با ترس و سردرگمی، شروع به دویدن دور اتاق کردند.

- (۱) تنوع، گوناگونی، کثرت
 - (۲) کوشش، سعی، تلاش
 - (۳) گیجی، سردرگمی، آشفتگی
 - (۴) هویت
- ۴۱۲۳۱** او مهارت پیانو زدن را از عمویش یاد گرفت که نوازندهٔ پیانوی حرفه‌ای است.

- (۱) شیء؛ هدف
 - (۲) حقیقت، واقعیت
 - (۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات
 - (۴) استادی، مهارت؛ حرفه، فن، صنعت
- ۳۱۲۳۲** در حال حاضر، با به پایان رسیدن پروژه، کارگران بسیاری با آینده‌ای مبهم مواجه هستند.

- (۱) بسته‌بندی کردن؛ چمدان خود را بستن
- (۲) مستقر کردن؛ بر پایهٔ ... قرار دادن
- (۳) رو به ... بودن، مشرف بودن؛ مواجه شدن با
- (۴) نگاه کردن؛ به نظر رسیدن

تمام شدن، به پایان رسیدن: **come to an end**
۴۱۲۳۳ در مورد آن خیلی فکر کرده‌ام، اما حتی حالا نمی‌توانم باور کنم چه‌قدر خوش‌شانس بودم که از تصادف جان سالم به در بردم.

- (۱) جدی؛ خطرناک
- (۲) متداول؛ متعارف؛ مشترک
- (۳) جسمی، بدنی؛ جسمانی
- (۴) خوش‌شانس، خوش‌اقبال

۳۱۲۳۴ افراد زیادی با پیش‌بینی دولت موافق نیستند که اقتصاد بهبود خواهد یافت.

- (۱) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن
- (۲) وابسته بودن؛ منوط بودن؛ اعتماد کردن
- (۳) موافقت کردن، قبول کردن؛ هم‌عقیده بودن، موافق بودن
- (۴) انتظار ... را داشتن؛ امیدوار بودن (که)؛ توقع داشتن

۴۱۲۳۵ اگر می‌توانستم انگلیسی را فقط به اندازهٔ نصف شما خوب حرف بزنم، نگران سفر کردن دور دنیا نمی‌بودم.

- (۱) علاقه‌مند
- (۲) گیج، سردرگم
- (۳) افسرده، غمگین
- (۴) نگران، دلواپس

۲۱۲۳۶ آن تصویر زیبایی از کوه است؛ من هرگز متوجه نبودم شما این‌قدر هنرمند هستید.

- (۱) راضی، خشنود؛ حاکی از رضایت
- (۲) هنرمندانه، هنری؛ هنرمند
- (۳) مناسب؛ شایسته
- (۴) تأثیرگذار؛ تکان‌دهنده

۱۱۲۳۷ بعد از تصادف، مدت زیادی طول کشید تا او به وضعیت روحی سابقش بازگشت.

- (۱) سابق، پیشین، قبلی
- (۲) بی‌فایده، به‌دردنخور
- (۳) شبیه، مشابه
- (۴) شخصی، فردی؛ اختصاصی

۱۱۲۳۸ ارزش بازار خانهٔ آن‌ها ۲۰۰۰۰۰ دلار است، اما آن‌ها ام‌دوارند ۲۲۰۰۰۰ دلار بگیرند.

- (۱) بازار
- (۲) علاقه
- (۳) رسم، عادت، سنت
- (۴) اقتصاد؛ نظام اقتصادی

۲۱۲۳۹ نوزادان قوی‌ترین حس بویایی را دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد مادرشان را با بو بشناسند.

- (۱) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ متوجه ... بودن
- (۲) شناختن، به جا آوردن، تأیید کردن؛ قدردانی کردن؛ از
- (۳) [خبر و غیره] رساندن؛ ارتباط برقرار کردن
- (۴) معرفی کردن؛ عرضه کردن؛ ارائه کردن

۲۱۲۴۰ بعضی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد فاقد برادر و خواهر اغلب کم‌تر اجتماعی هستند.

- (۱) خجالت‌زده، شرمنده
- (۲) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم
- (۳) متضاد؛ مخالف
- (۴) متداول؛ متعارف؛ مشترک

۲۱۲۴۱ شما دو نفر الان یک سال است با هم یک کلمه [هم] حرف نزده‌اید. فکر نمی‌کنید وقتش است ببخشید و فراموش کنید؟

- (۱) موافقت کردن، قبول کردن؛ هم‌عقیده بودن
- (۲) بخشیدن، عفو کردن
- (۳) جمع کردن؛ جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن
- (۴) شناسایی کردن، شناختن

۳۱۲۴۲ آن‌ها در این فروشگاه، برای تمام کارکنان ارتش، تخفیف ویژهٔ ۱۰٪ دارند.

- (۱) سنت، آداب و رسوم
- (۲) رسم، عادت، سنت
- (۳) تخفیف
- (۴) محصول

۴۱۲۴۳ در اکثریت زیادی از زبان‌های جهان، کلمهٔ معادل مادر با حرف M (میم) آغاز می‌شود.

- (۱) عمیق، گود
- (۲) میهوت، شگفت‌زده
- (۳) جدی؛ خطرناک
- (۴) پهناور، گسترده؛ زیاد، عظیم

۴۱۲۴۴ در بسیاری از کشورها، روال معمول است که اگر نمرات دانش‌آموزان پایین بود، یک سال را تکرار کنند.

- (۱) فرهنگ
- (۲) علاقه
- (۳) انتخاب؛ حق انتخاب
- (۴) تمرین؛ روال معمول

۱۱۲۵۳ این آثار هنری بیش از یک میلیون دلار ارزش دارد. یکی از قطعات در سال ۱۸۹۷ توسط کلود مونه کشیده شده است.

- (۱) اثر هنری، کار هنری (۲) دکوراسیون، تزئین
(۳) ماده (۴) تفریح

۱۱۲۵۴ بسیاری از بینندگان گفتند که از برنامه‌های شبکه راضی نبودند و انتظار مقداری تغییر را داشتند.

- (۱) بی‌حوصله از، خسته از، کسل از (۲) سردرگم در مورد، گیج از، پریشان از
(۳) راضی از، خشنود از (۴) وابسته به، متکی به

۱۱۲۵۵ او پیش از این‌که شغلش را رها کند و تصمیم بگیرد نویسنده شود، بیست سال طبابت کرده بود.

- (۱) تمرین کردن؛ عمل کردن به (۲) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ دانستن
(۳) مبادرت کردن به، دست زدن به (۴) شناختن، به جا آوردن؛ تأیید کردن

◀ طبابت کردن: practice medicine

۱۱۲۵۶ پلیس از هر مردی در محله اثر انگشت گرفته است تا قاتل زن جوان را بیابد.

- (۱) تصمیم، تصمیم‌گیری (۲) صنایع دستی، هنرهای دستی
(۳) اثر انگشت (۴) شرط؛ وضع، وضعیت

۱۱۲۵۷ مرد آن طرف خط واقعاً مهربان و کمک‌کننده بود و مطمئن شد من همه چیز را متوجه شدم.

- (۱) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده (۲) مفید، سودمند؛ [شخص] کمک‌کننده
(۳) با ارزش، ارزشمند (۴) مسلم، حتمی؛ مطمئن؛ خاص، معین

۱۱۲۵۸ پدرش کارش را از دست داد، اما صدقه قبول نمی‌کرد، بنابراین او گاهی اوقات تمام روز چیزی برای خوردن نداشت.

- (۱) صدقه، خیرات؛ نیکوکاری؛ مؤسسه خیریه (۲) حقیقت؛ واقعیت
(۳) اقتصاد؛ نظام اقتصادی (۴) علاقه

۱۱۲۵۹ بعضی از افراد اعتقاد دارند که کشف برق، بزرگ‌ترین تک‌دست‌آورد تاریخ بشر است.

- (۱) نوع بشر، انسان، بشر (۲) تفریح
(۳) درک؛ قدردانی؛ حق‌شناسی (۴) ارتباط؛ تماس؛ مکاتبه

۱۱۲۶۰ در کشور ما هیچ کس جنگ نمی‌خواست اما وقتی دشمن جنگ را آغاز کرد، همه داوطلب شدند تا از وطن ما دفاع کنند.

- (۱) بی‌همتایی، بی‌مانندی (۲) زادگاه؛ سرزمین مادری، وطن
(۳) سنت (۴) مجموعه، کلکسیون؛ جمع‌آوری، گردآوری

۱۱۲۶۱ هنر خلق نوشته‌های زیبا که اغلب توسط قلم یا قلم‌مویی خاص به وجود می‌آید، خطاطی نامیده می‌شود.

- (۱) شعر؛ هنر شاعری (۲) اثر هنری، کار هنری
(۳) خطاطی، خوشنویسی (۴) خلاقیت، قدرت ابداع

۱۱۲۴۵ آن دست‌آورد منحصر به فردی بود؛ قبلاً هرگز هیچ‌کس پنج بار قهرمان نشده است.

- (۱) متنوع، گوناگون؛ متفاوت (۲) یگانه، یکتا؛ بی‌همتا، منحصر به فرد
(۳) اجتماعی (۴) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده

۱۱۲۴۶ رابرت پول کافی دارد تا هر کامپیوتری را در این فروشگاه بخرد. او فقط باید تصمیم بگیرد کدام یک [را می‌خواهد].

- (۱) تصمیم گرفتن (که)، مصمم شدن
(۲) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن
(۳) لمس کردن، دست زدن به

(۴) انتظار ... را داشتن؛ امیدوار بودن (که)؛ توقع داشتن

۱۱۲۴۷ روز بعد از این‌که آن‌ها به خانه خودشان نقل مکان کردند، همسایه‌های جدیدشان آمدند تا خودشان را معرفی کنند.

- (۱) معرفی کردن؛ عرضه کردن، ارائه کردن
(۲) بحث کردن درباره، گفت‌وگو کردن درباره
(۳) شناسایی کردن، شناختن

(۴) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ متوجه ... بودن

۱۱۲۴۸ داستانی که آن بچه به ما گفت واقعی نبود؛ آن تنها محصول تخیل او بود.

- (۱) نتیجه، نتیجه‌گیری؛ پایان
(۲) قدرت تخیل، تخیل؛ خیال، تصور
(۳) مقایسه، سنجش

(۴) مجموعه، کلکسیون؛ جمع‌آوری، گردآوری

۱۱۲۴۹ نینا به او توصیه کرد که فوراً به دندانپزشک مراجعه کند، اما او گفت که وقت کافی برای انجام این کار ندارد.

- (۱) توصیه کردن به؛ نصیحت کردن (به)
(۲) اشاره کردن؛ مربوط بودن؛ مراجعه کردن
(۳) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن

(۴) بحث کردن درباره، گفت‌وگو کردن درباره

۱۱۲۵۰ کمبود معلمان واجد شرایط خوب برای زبان‌های خارجه وجود دارد، به خصوص برای فرانسوی و آلمانی.

- (۱) به صورت طبیعی؛ ذاتاً (۲) به‌ویژه، علی‌الخصوص، به خصوص
(۳) به‌علاوه، علاوه بر این (۴) به طور سنتی

۱۱۲۵۱ خواندن رمان‌های تاریخی را دوست دارم چون که می‌توانم در مورد [نوع] زندگی‌ای که مردم مدت‌ها قبل داشتند، یاد بگیرم.

- (۱) نسبی (۲) هنرمندانه، هنری؛ هنرمند
(۳) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم (۴) تاریخی

۱۱۲۵۲ معلم اغلب هنگامی که دانش‌آموزانش سخت کار می‌کنند و به چیز مهمی دست می‌یابند به آن‌ها افتخار می‌کند.

- (۱) سربلند از، مفتخر از؛ مغرور از (۲) آگاه از، باخبر از
(۳) برتر از، بهتر از (۴) نگران، دلوایس

۱۲۷۰ ما به عنوان انسان‌هایی شرافتمند، نمی‌توانیم قبول کنیم که این تعداد از بچه‌ها در فقر [و] بدون هیچ امیدی به آینده‌شان بزرگ می‌شوند.

(۱) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم (۲) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده (۳) یگانه، یکتا؛ بی‌همتا، منحصر به فرد (۴) اخلاقی؛ درست کار، شرافتمند
۱۲۷۱ غذای خوب باید سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی باشد و همچنین چربی اشباع، نمک و قندهای سریع آزادشونده کم داشته باشد و فیبر زیاد داشته باشد.]

(۱) عمیق، گود (۲) ثروتمند؛ سرشار، غنی (۳) پُر (۴) نرم، لطیف؛ [نور، رنگ و غیره] ملایم
۱۲۷۲ او رفتار خوشایند شادی‌بخشی دارد و بین تمام آن‌هایی که با او ارتباط می‌یابند، خیلی محبوب است.

(۱) مردد؛ نامطمئن (۲) خوشبخت، سعادتمند؛ خوش‌شانس (۳) شاد، خوشحال؛ شادی‌بخش، امیدبخش (۴) سنتی

come into contact with sb: با کسی ارتباط یافتن

۱۲۷۳ اتاق او خیلی ساده و ابتدایی است، بنابراین برایش تعدادی گل تزئینی خریدم؛ امیدوارم آن‌ها را دوست داشته باشد.

(۱) هنرمندانه، هنری؛ هنرمند (۲) تزئینی، زینتی (۳) جمعی، گروهی؛ مشترک (۴) قدر دان، سپاسگزار
۱۲۷۴ آنا به امید دیدن مجدد خانواده‌اش پیش از رفتن آن‌ها، آلمان را ترک کرد.

(۱) حقیقت؛ واقعیت (۲) نگرانی، دلواپسی (۳) اعتماد؛ اعتماد به نفس (۴) انتظار؛ توقع؛ امید

۱۲۷۵ اگر شخصی می‌خواهد با من مؤدب و احترام‌آمیز باشد، بهترین کاری که می‌توانم انجام دهم این است که با او همان‌طور باشم (رفتار کنم).

(۱) متعادل، متوازن (۲) آمیخته با احترام، احرام‌آمیز (۳) فرهنگی (۴) تقدیر شده، قدر دانی شده

۱۲۷۶ در مشاغل بسیار زیادی، انسان‌ها توسط دستگاه‌ها جایگزین شده‌اند و در نتیجه ما [میزان] بی‌کاری بالایی داریم.

(۱) ماده (۲) تمرین؛ رویه (۳) محصول (۴) دستگاه، ماشین
۱۲۷۷ وقتی برای گواهینامه رانندگی یا گذرنامه درخواست می‌دهید، باید مدرک هویت خودتان را ارائه کنید.

(۱) رسم، عادت، سنت (۲) تخفیف (۳) هویت (۴) سنت

۱۲۷۸ مطالعات زیادی نشان می‌دهد که کشور مورد انتخاب، تا حد زیادی به عوامل اقتصادی وابسته است.

(۱) وابسته بودن به، متکی بودن به؛ منوط بودن به؛ اعتماد کردن به (۲) متشکل بودن از، شامل ... بودن (۳) وصل کردن با، متصل کردن با (۴) محاسبه کردن در، حساب کردن در

۱۲۶۲ سونیا یک بازیکن والیبال بسیار ماهر با آبشار قدرتمند و سرویس عالی است.

(۱) ماهر، زبردست، چیره‌دست؛ ماهرانه (۲) متداول؛ متعارف؛ مشترک (۳) فعال، کاری؛ پر جنب و جوش (۴) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده

۱۲۶۳ فکر نمی‌کنم هرگز واقعیت را در مورد چیزی که آن روز اتفاق افتاد، بدانیم؛ آن یک راز باقی خواهد ماند.

(۱) ایده؛ فکر، اندیشه (۲) حقیقت؛ واقعیت (۳) رابطه، ارتباط (۴) ارزش

۱۲۶۴ او در روزگار خودش، نویسنده معروفی بود و رمان‌ها، زندگی‌نامه‌ها، ترجمه‌ها و حتی نمایش‌نامه‌های مشهور زیادی را برای کودکان می‌نوشت.

(۱) تأثیرگذار؛ تکان‌دهنده (۲) شناخته‌شده، معروف، مشهور (۳) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم (۴) قدیمی؛ باستانی

۱۲۶۵ تمام کنفرانس کاملاً بی‌نظم بود؛ هیچ‌کس نمی‌دانست قرار بود چه کاری را انجام دهد.

(۱) عمیقاً؛ به شدت (۲) در محل؛ در این محل (۳) به لحاظ اجتماعی، از نظر اجتماعی (۴) کاملاً، به کلی

۱۲۶۶ راننده ماشینی که تصادف کرده بود، دچار شوک شده بود و باید فوراً به بیمارستان برده می‌شد.

(۱) کوشش، سعی، تلاش (۲) شوک (۳) مأموریت؛ هیئت نمایندگی؛ هیئت مبلغین (مذهبی) (۴) تمرین؛ عمل

be in shock: دچار شوک بودن

۱۲۶۷ زندگی کردن در کشوری دیگر که در آن می‌توانید سنت‌های فرهنگ دیگری را یاد بگیرید، خیلی جالب است.

(۱) رسم، عادت، سنت (۲) استادی، مهارت؛ حرفه، فن، صنعت (۳) انتخاب؛ حق انتخاب (۴) ساخته بشر، دست‌ساخته

۱۲۶۸ هنرمند ما را در گرداگرد نمایشگاه راهنمایی می‌کرد [و] مشهورترین نقاشی‌های کلکسیون را نشان می‌داد.

(۱) تفریح (۲) صدقه؛ خیرات؛ نیکوکاری؛ مؤسسه خیریه (۳) اثر هنری، کار هنری (۴) گالری، نمایشگاه

۱۲۶۹ یک دختر جوان در حالی که برای نجات دادن برادر کوچکش که در رودخانه افتاده بود اقدام کرد، غرق شد.

(۱) مانع ... شدن، پیشگیری کردن از (۲) شناختن، به جا آوردن؛ تأیید کردن (۳) مبادرت کردن به، دست زدن به، اقدام کردن به (۴) منعکس کردن؛ بازتاباندن؛ حکایت از ... داشتن

۱۱۲۸۷ دیدن آن‌ها با هم تأثیرگذار بود. آن‌ها به وضوح بعد از سی سال ازدواج هنوز عاشق [هم] بودند.

- (۱) تأثیرگذار؛ تکان دهنده
- (۲) سنتی
- (۳) شوکه کننده
- (۴) شاد، خوشحال؛ شادی بخش، امیدبخش

۱۱۲۸۸ خواندن کتاب‌های او لذت بخش است چون او با وضوح و دقت بسیار می نویسد.

- (۱) لذت، خوشی، شادی؛ (مایه) دلخوشی
- (۲) گیجی، سردرگمی
- (۳) یقین، اطمینان
- (۴) حقیقت؛ واقعیت

۱۱۲۸۹ تعجبی نداشت که او در ابتدا نتوانست من را بشناسد؛ به هر حال، مدتی طولانی بود که هم‌دیگر را ندیده بودیم.

- (۱) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ دانستن
- (۲) (پیش خود) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن
- (۳) شناختن، به جا آوردن؛ قدردانی کردن از
- (۴) فهمیدن، درک کردن

۱۱۲۹۰ حتی ورزش محدود برای سلامتی خوب است، اما با افزایش میزان فعالیت جسمانی می‌توان به منافع سلامتی بیشتری دست یافت.

- (۱) شامل ... بودن، در برداشتن
- (۲) دست یافتن به، رسیدن به، نایل شدن به
- (۳) جمع کردن؛ جمع آوری کردن؛ دنبال ... رفتن
- (۴) شناسایی کردن، شناختن

۱۱۲۹۱ درک می‌کنم که تام برنامه فشرده‌ای دارد، اما اگر می‌توانستم با او وقت ملاقات بگیرم، واقعاً قدردان می‌بودم.

- (۱) انتظار ... را داشتن؛ امیدوار بودن (که)؛ توقع داشتن
- (۲) (پیش خود) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن
- (۳) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به؛ قدردانی کردن از
- (۴) مبادرت کردن به، دست زدن به، اقدام کردن به

۱۱۲۹۲ فعالیت جسمانی با سوزاندن کالری‌های مازادی که در غیر این صورت به صورت چربی ذخیره خواهند شد، به کنترل وزن کمک می‌کند.

- (۱) احساس، حس
- (۲) رسم، عادت، سنت
- (۳) سنت
- (۴) فعالیت، کار؛ عمل

۱۱۲۹۳ رفتار پسران در کلاس کاملاً غیرقابل قبول است. او دائماً با بقیه بچه‌ها دعوا می‌کند.

- (۱) قابل فهم، قابل درک؛ معقول
- (۲) غیرقابل قبول؛ نابخشودنی
- (۳) تفریحی
- (۴) قابل شناخت، قابل تشخیص

۱۱۲۹۴ پارسال درآمد خانوادگی مان پایین‌تر از معمول بود چون همسر من در [ماه] اوت کارش را کنار گذاشت تا بچه‌مان را به دنیا بیاورد.

- (۱) درآمد
- (۲) اقتصاد؛ نظام اقتصادی
- (۳) ارزش
- (۴) وسیله، شیوه، روش

۱۱۲۷۹ پدر بزرگم که نگرشی قدیمی دارد، در مورد این‌که این روزها افراد جوان چه‌طور لباس می‌پوشند گلایه می‌کند.

- (۱) شیوه اندیشیدن، نگرش؛ (طرز) برخورد
- (۲) شرط؛ وضع، وضعیت
- (۳) رسم، عادت، سنت
- (۴) مأموریت؛ هیئت نمایندگی؛ هیئت مبلغین (مذهبی)

۱۱۲۸۰ مشکلی ندارد اگر وقتی که برای کار در شرکتی که شما در آن کار می‌کنید، درخواست می‌دهم، از شما به عنوان معرف نام ببرم؟

- (۱) بحث، گفت‌وگو
- (۲) اشاره؛ مراجعه، ارجاع؛ معرف؛ معرفی‌نامه
- (۳) تمرین؛ عمل؛ روال معمول
- (۴) افزایش، اضافه

۱۱۲۸۱ اگر وقت داشتیم، با کمال میل به شما در جابه‌جایی کمک می‌کردیم، اما متأسفانه در آن روز بیرون شهر خواهیم بود.

- (۱) با امیدواری؛ امیدوارم که
- (۲) تقریباً، حدوداً
- (۳) از نظر اخلاقی؛ مطابق اخلاق
- (۴) با خوشحالی، با خشنودی، با کمال میل

۱۱۲۸۲ بسیار خوب (خوش‌شانسی) بود که وقتی بمب منفجر شد، هیچ‌کس در ساختمان نبود.

- (۱) احساسی؛ احساساتی؛ عاطفی
- (۲) قابل اعتماد، مطمئن، معتمد
- (۳) مطمئن، مورد اعتماد
- (۴) خوشبخت، سعادتمند؛ خوش‌شانس؛ خوب

۱۱۲۸۳ بچه‌ها توانستند در طول سفر با اتوبوس، با طراحی کردن و خواندن داستان‌های مصور، خودشان را سرگرم کنند.

- (۱) سردرگم کردن، گیج کردن
- (۲) کار کردن، عمل کردن
- (۳) منعکس کردن؛ بازتاباندن؛ (پیش خود) فکر کردن
- (۴) سرگرم کردن؛ خوشحال کردن

۱۱۲۸۴ اعتقاد ندارم این نتایج امتحان، بازتاب حقیقی توانایی‌هایتان باشد؛ نتایج شما می‌توانست بسیار بهتر باشد.

- (۱) مجموعه، کلکسیون؛ جمع‌آوری، گردآوری
- (۲) آفرینش، خلق؛ ایجاد
- (۳) انعکاس، بازتاب؛ تصویر
- (۴) ارتباط، پیوند

۱۱۲۸۵ صنعتی شدن تأثیر بسیاری بر پیشرفت اقتصاد در ژاپن داشت و هزاران شغل جدید را به وجود آورد.

- (۱) اقتصاد؛ نظام اقتصادی
- (۲) سنت
- (۳) رسم، عادت، سنت
- (۴) ماده؛ مواد، مطالب

۱۱۲۸۶ این شرکت برای فروش محصولاتش، جداً باید استراتژی بازاریابی بهتری را پیدا کند.

- (۱) اندازه؛ اندازه‌گیری؛ اقدام
- (۲) محصول، فرآورده
- (۳) ارزش
- (۴) کوشش، سعی، تلاش

۳۱۲۹۵ فناوری‌های مدرن هنگامی که در ترکیب با یادگیری کلاسی سنتی به

کار می‌روند، فوق‌العاده خوب جواب می‌دهند.

(۱) بی‌همتایی، بی‌نظیر بودن (۲) حق‌شناسی، قدردانی، سپاس

(۳) ترکیب، تلفیق (۴) تولید؛ محصول

۲۱۲۹۶ هزاران ماهی در نتیجه تخلیه مواد شیمیایی سمی از یک کارخانه در

این حوالی کشته شدند.

(۱) مخالف؛ متضاد (۲) در این حوالی

(۳) جمعی، گروهی (۴) اقتصادی، مقرون به صرفه؛ صرفه‌جو

۲۱۲۹۷ پارسال در فیلیپین، زمین‌لرزه‌ها و امواج جزر و مدی، منجر به مرگ

بیش از ۶۰۰۰ نفر شدند.

(۱) وابسته بودن به؛ منوط بودن به؛ اعتماد کردن به

(۲) منجر شدن به، منتهی شدن به

(۳) منعکس‌شده توسط

(۴) توافق داشتن با، تفاهم داشتن با

۳۱۲۹۸ در جهان حدود ۲۰ میلیون نفر دیگر هستند که با شما روز تولد

مشترکی دارند.

(۱) منعکس کردن؛ بازتاباندن؛ حکایت از ... داشتن

(۲) متحد کردن؛ متحد شدن

(۳) تقسیم کردن، قسمت کردن؛ سهام بودن در؛ مشترک داشتن، به اشتراک داشتن

(۴) شناسایی کردن، شناختن

۲۱۲۹۹ تلاش‌های ابتدایی برای آموزش صحبت کردن به شامپانزه‌ها ناموفق

بود چون این حیوانات فاقد تشکیلات (اندام‌های) صوتی ضروری هستند.

(۱) ارتباط، پیوند (۲) کوشش، سعی، تلاش

(۳) اشاره؛ مراجعه، ارجاع؛ معرف (۴) شرط؛ وضع، وضعیت

۴۱۳۰۰ مهارت‌های قابل ملاحظه، تحصیلات فوق‌العاده و تجربه زیادش، او

را به طرز بی‌نظیری برای این کار شایسته می‌کند.

(۱) از نظر اخلاقی؛ مطابق اخلاق

(۲) به صورت ثمربخشی، به طور مفیدی

(۳) با غرور، با سربلندی؛ با عزت نفس

(۴) به طرز بی‌نظیری؛ مخصوصاً؛ منحصرأً فقط

۱۱۳۰۱ او به دانش‌آموزانش یاد می‌دهد که برای نژادهای مختلف احترام

قائل باشند و تنوع سایر فرهنگ‌ها را درک کنند.

(۱) تنوع، گوناگونی؛ کثرت

(۲) صدقه؛ خیرات؛ نیکوکاری؛ مؤسسه خیریه

(۳) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

(۴) اندازه؛ اندازه‌گیری؛ اقدام

۳۱۳۰۲ علی دوست ندارد دور و بر بچه‌ها باشد چون همیشه از این می‌ترسد

که از یکی از آن‌ها سرماخوردگی بگیرد.

(۱) بردن؛ گرفتن؛ [زمان] طول کشیدن

(۲) جمع کردن؛ جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن

(۳) گرفتن، دستگیر کردن؛ (به موقع) رسیدن؛ فهمیدن؛ [بیماری] مبتلا شدن به

(۴) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

۱۱۳۰۳ به طرز حیرت‌انگیزی، هیچ کس در تصادفی که یک ماشین با یک

اتوبوس مدرسه پر از بچه‌ها برخورد کرد، آسیب ندید.

(۱) به طرز حیرت‌انگیزی، به‌طور شگفت‌آوری

(۲) به طرز بدی؛ بسیار زشت

(۳) سابقاً، پیش از این

(۴) با امیدواری؛ امیدوارم که

۴۱۳۰۴ دانشمندان جهان توافق دارند که گرمایش جهانی مشکلی است که

باید مورد توجه قرار گیرد.

(۱) تشخیص، بازشناسی؛ تأیید

(۲) اشاره؛ مراجعه، ارجاع؛ معرف؛ معرفی‌نامه

(۳) معرفی؛ عرضه

(۴) موافقت، توافق؛ موافقت‌نامه

◀ توافق کردن، هم‌عقیده بودن: be in agreement

۲۱۳۰۵ اطلاعاتی که ما از این پروژه دریافت کردیم، دانش ما را از شیوه

کارکرد ژن‌ها بسیار افزایش داده است.

(۱) آزادانه؛ به راحتی (۲) خیلی، حسابی، بسیار

(۳) تقریباً، حدوداً (۴) خوشبختانه

۴۱۳۰۶ می‌دانم [که] قصد نداشتید آن [کار] را انجام دهید، بنابراین در این

مورد شما را تنبیه نخواهم کرد. اما اگر دوباره اتفاق بیفتد، مراقب باشید.

(۱) کارکرد، عملکرد (۲) شانس، اقبال

(۳) شرط؛ وضع، وضعیت (۴) مورد، نمونه، مثال

۳۱۳۰۷ سال‌های اخیر شاهد پذیرش زنان در شغل‌هایی بود، است که در

گذشته در کشور من در اختیار مردان بودند.

(۱) وابستگی؛ اعتماد، اطمینان (۲) اعتماد، اطمینان؛ اعتداد به نفس

(۳) قبول، پذیرش (۴) اشاره؛ مراجعه، ارجاع؛ معرفی‌نامه

۴۱۳۰۸ ما برای تولید محصولاتمان باید روش اقتصادی‌تری را پیدا کنیم

چون‌که حاشیه سود ما خیلی پایین است.

(۱) اضافی، بیشتر (۲) مشروط، مقید

(۳) سنتی (۴) اقتصادی، مقرون به صرفه؛ صرفه‌جو

◀ (حاشیه) سود: profit margin

۲۱۳۰۹ گیاهان خاصی که از جاهای دیگر به این محیط وارد شده‌اند، تعداد

زیادی از گیاهان بومی این ناحیه را نابود کرده‌اند.

(۱) شناسایی کردن، شناختن

(۲) معرفی کردن؛ عرضه کردن، ارائه کردن؛ وارد کردن

(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن

(۴) علاقه‌مند کردن؛ جذب کردن

۱۱۳۱۰ وقتی کاندیدان نود درصد آرا را دریافت کرد، توقع پیشین که او به

آسانی برنده انتخابات خواهد شد، درست از آب درآمد.

(۱) انتظار؛ توقع (۲) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت

(۳) عرضه، ارائه؛ سخنرانی (۴) مقایسه، سنجش، تطبیق

◀ از آب درآمدن، از کار درآمدن: turn out to be

۴۱۳۱۹ تیم مدیریت به اتفاق تصمیم گرفتند شرکت را بفروشند چون آن برایشان به قدری بزرگ می‌شود که نمی‌توانند [آن را] مدیریت کنند.

(۱) مکرراً به کرات

(۲) به نسبت، نسبتاً، کمابیش

(۳) به لحاظ اجتماعی، از نظر اجتماعی

(۴) در جمع، به طور کلی، یک‌جا، همگی، به اتفاق

۱۱۳۲۰ هدیه بزرگی به یک سازمان خیریه دادیم که در کشورهای در حال توسعه بیمارستان می‌سازد.

(۱) بخشنده، نیکوکار؛ [سازمان، عمل، جنس] (مربوط به) خیریه

(۲) تقدیر شده، قدردانی شده

(۳) سازنده؛ ثمربخش، بهره‌ور

(۴) متداول؛ متعارف؛ مشترک

۲۱۳۲۱ نهنگ‌های سفید رژیم غذایی متنوعی دارند که شامل بسیاری از انواع ماهی‌ها، میگوها، حلزون‌ها، خرچنگ‌ها و کرم‌ها است.

(۱) [اتاق، خانه و غیره] شلوغ، پُر

(۲) متنوع، گوناگون؛ مختلف

(۳) جدی؛ خطرناک

(۴) متضاد؛ مخالف

۳۱۳۲۲ او بعد از این‌که تا خیلی دیر وقت بیدار ماند تا پروژه مدرسه‌اش را تمام کند، بسیار احساس خستگی می‌کرد.

با توجه به این‌که در این تست، صفت به احساس ایجاد شده در شخص اشاره دارد، به صفت مفعولی (در این‌جا tired) نیاز داریم. دقت کنید که معمولاً صفات

مفعولی برای اشاره به انسان (در این تست he) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲۱۳۲۳ سیمین به برادرش گفت در حالی‌که تکالیفش را انجام می‌دهد، رادیو را روشن نکند.

بعد از فعل tell (به ... گفتن) ابتدا مفعول (در این تست her brother)

و سپس فعل دوم به‌صورت مصدر با to به‌کار می‌رود. برای منفی کردن مصدر

با to هم باید قبل از to مصدری، not قرار دهیم.

۲۱۳۲۴ اگر در اطراف باغ خودتان یک حصار کوچک قرار دهید، ممکن است در دور نگهداشتن حیوانات ناخواسته کمک کند.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (put)،

شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در شرطی نوع اول، به جای will، از تعدادی از

افعال وجهی هم‌چون may و can در گزینه‌های (۲) و (۴) هم می‌توان استفاده کرد، ولی کاربرد would به‌جای آن صحیح نیست. علاوه بر این، دقت کنید که

بعد از help (کمک کردن به)، فعل دوم به‌صورت مصدر با to به‌کار می‌رود.

۳۱۳۲۵ اگر امروز بعد از این خواربار نخرم، در این صورت برای شام هیچ‌چیز برای خوردن نخواهم داشت.

تمام موارد موجود برای جای خالی اول (بند شرط)، در زمان حال ساده و موارد

موجود برای جای خالی دوم (بند جواب شرط)، در زمان آینده ساده هستند؛ بنابراین در این‌جا با شرطی نوع یک سروکار داریم و فقط باید با مفهوم جمله

متوجه شویم که فعل حال ساده در بند شرط به‌صورت منفی (don't buy) و فعل آینده ساده در بند جواب شرط هم به‌صورت منفی (won't have) مدنظر

است. بد نیست دقت کنید که از any و مشتقات آن (مانند anything) در این تست فقط در جملات منفی و سؤالی استفاده می‌شود.

۴۱۳۱۱ مغز متوسط، تا ۲ درصد مجموع وزن بدن شخص را تشکیل می‌دهد؛ با وجود این، به ۲۵ درصد تمام اکسیژن استفاده شده توسط بدن نیاز دارد.

(۱) فعال، کاری، پرجنب‌وجوش

(۲) یگانه، یکتا؛ بی‌همتا، منحصربه‌فرد

(۳) سابق، پیشین، قبلی

(۴) کل؛ مجموع

۱۱۳۱۲ وقتی به اهدافتان برای یادگیری انگلیسی فکر می‌کنید، مهم است اهدافی داشته باشید که به طور واقع‌بینانه دست‌یافتنی باشند؛ در غیر این صورت، فقط مأیوس خواهید شد.

(۱) دست‌یافتنی؛ انجام‌شدنی؛ قابل حصول

(۲) سازنده؛ ثمربخش، بهره‌ور

(۳) خلاق، دارای تخیل قوی

(۴) اقتصادی، مقرون به صرفه؛ صرفه‌جو

۱۱۳۱۳ تخیل و خلاقیت والت دیزنی منجر به تولید تعدادی فیلم انیمیشن فوق‌العاده گردید.

(۱) خلاقیت، قدرت ابداع

(۲) خوشی، شادی؛ (مایه) دلخوشی

(۳) هویت

(۴) رابطه، ارتباط، وابستگی

۳۱۳۱۴ برداشتن بدون اجازه پخش کننده سی‌دی خواهرت و بعد گم کردن آن، غیرقابل بخشش است. باید از خودت خجالت بکشی.

(۱) بدشانس، بد اقبال؛ شوم، نامیمون

(۲) مردد؛ نامطمئن

(۳) نابخشودنی، غیرقابل اغماض

(۴) فاقد خلاقیت، بی‌ذوق

۲۱۳۱۵ معمولاً از بچه‌ها در این کشور انتظار می‌رود در حدود سن ۱۸ یا ۱۹ [سالگی] مستقل شوند، که در آن زمان آن‌ها اغلب از خانه می‌روند و کار پیدا می‌کنند یا دانشگاه را آغاز می‌کنند.

(۱) اقتصادی، مقرون به صرفه؛ صرفه‌جو

(۲) مستقل، بی‌نیاز

(۳) جمعی، گروهی

(۴) تقدیر شده، قدردانی شده

۳۱۳۱۶ اگر دبیرستان را تمام نکنید، تنها کاری [که] قادر خواهید بود پیدا کنید، نوعی کار غیرتخصصی با حقوق پایین خواهد بود.

(۱) بدشانس، بد اقبال؛ شوم، نامیمون

(۲) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم

(۳) غیرماهر، بی‌مهارت؛ [کار و غیره] غیرتخصصی

(۴) رضایت‌بخش، قانع‌کننده

۲۱۳۱۷ ممکن است ماشینم زشت باشد، اما یقیناً مطمئن است. در واقع در بیش از پنج سال [اخیر] با آن مشکلی نداشته‌ام.

(۱) مشروط، مقید؛ شرطی

(۲) مطمئن، امین، قابل اعتماد

(۳) تزئینی، زینتی

(۴) سفارشی

۲۱۳۱۸ او با صرفه‌جویی بسیاری می‌نویسد؛ هرگز نویسنده‌ای را ندیده‌ام که این قدر [مطلب] را با این تعداد کم لغت بیان کند.

(۱) سنت، آداب و رسوم

(۲) اقتصاد؛ نظام اقتصادی؛ صرفه‌جویی

(۳) رسم، عادت، سنت

(۴) شرط؛ وضع، وضعیت

۴۱۳۲۶ هرچند پولم را گم کرده‌ام و واقعاً عصبانی هستم، سخت تلاش می‌کنم در مورد آن فکر نکنم.

در صورتی که فعل try در معنی «سعی کردن، تلاش کردن» باشد، فعل دوم پس از آن به صورت مصدر با to به کار خواهد رفت. دقت کنید که برای منفی کردن مصدر با to، قبل از to مصدری از not استفاده می‌کنیم.

۴۱۳۲۷ اگر تایپ کردن پیامک‌ها را متوقف نکنی، معلم تلفن همراهت را خواهد گرفت.

در صورتی که فعل stop به معنی «قطع فعل دوم» (در این تست تایپ کردن) باشد، فعل دوم را sing می‌کنیم. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا stop به صورت منفی مورد نیاز است، نه مثبت.

۴۱۳۲۸ اگر رژیم غذایی سالم را همراه با میزان کالری پیشنهادی دنبال کنید، ظرف چند روز شروع به کاهش وزن خواهید کرد.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will start)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم. در مورد گزینه‌های (۱) و (۳) دقت کنید که هرچند این دو گزینه هم از نظر زمان فعل follow (دنبال کردن؛ پیروی کردن) می‌توانند در این جا کاربرد داشته باشند، اما در زبان انگلیسی، صفت (در این تست healthy) پیش از اسم (در این مورد diet) به کار می‌رود؛ بنابراین این دو گزینه هم به این دلیل نادرست هستند.

۴۱۳۲۹ معمولاً یاد گرفتن یک موضوع با خواندن کتاب‌های خوب راحت‌تر است تا با گوش دادن به سخنرانی‌های کسالت‌بار.

در بسیاری از موارد، بعد از صفت (مثل صفت تفضیلی easier در این تست) فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. در مورد جاهای خالی دوم و سوم دقت کنید که بعد از حروف اضافه (مثل by در این تست)، از اسم مصدر (فعل sing) استفاده می‌کنیم.

۴۱۳۳۰ طبق جدول زمانی، اگر قطار سر وقت حرکت کند، ساعت ۵:۳۰ خواهیم رسید.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن انجام موضوع شرط در زمان آینده، در این جمله با شرطی نوع یک سروکار داریم؛ بنابراین در بند شرط، به فعل در زمان حال ساده (در این تست leaves) و در بند جواب شرط، به فعل در زمان آینده ساده (در این تست will arrive) نیاز خواهیم داشت.

۴۱۳۳۱ او برای کار کردن به دفتر یک معمار رفت تا یاد بگیرد چه طور ساختمان‌ها را طراحی کند.

در این تست از فعل learn (یاد گرفتن) برای بیان هدف از رفتن به دفتر معمار استفاده شده است و در نتیجه آن را به صورت مصدر با to نیاز داریم. دقت کنید که بعد از learn، کلمه پرسشی how می‌تواند جمله را با معنی صحیحی کامل کند و بعد از کلمات پرسشی هم فعل به مصدر با to تبدیل می‌شود.

۴۱۳۳۲ نگران نباشید. اگر به اتوبوس آخر رسید، شمارا با ماشین خودم می‌رسانم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (miss)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع اول، به جای will، از might، may و can هم می‌توان استفاده کرد؛ بنابراین هیچ‌کدام از گزینه‌ها از نظر ساختار شرطی جمله قابل حذف نیستند. دقت

کنید که yourself ضمیر انعکاسی و تأکیدی است و در این مورد تنها در صورتی می‌تواند کاربرد داشته باشد که فاعل جمله (I) و مفعول آن (you) هر دو به یک شخص اشاره داشته باشند که در عمل این طور نیست و گزینه‌های (۳) و (۴) به راحتی حذف می‌شود. در نهایت به این موضوع توجه کنید که در عبارت give sb a lift / ride (کسی را با ماشین بردن / رساندن)، کاربرد حرف تعریف a الزامی است و قابل حذف نمی‌باشد.

۴۱۳۳۳ لازم است که هر دانش‌آموزی سر وقت و با آسادگی خوب به کلاس بیاید.

در بسیاری از موارد، بعد از صفت (در این تست necessary) فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. در مورد کاربرد مصدر با to بعد از صفت، به ساختار بسیار پرکاربرد زیر توجه کنید:

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل + It + to b

۴۱۳۳۴ اعضای تیم بسیار سخت تمرین می‌کنند تا در بازی‌های پیش‌رو قهرمانی را کسب کنند.

hard (سخت) یک صفت بی‌قاعده است که قید حالت آن نیز بدون تغییر ظاهری hard می‌باشد. دقت کنید که هرچند hardly (به سختی؛ به ندرت) یک کلمه صحیح است، اما اولاً این کلمه قید حالت نیست و ثانیاً از نظر معنایی در این جمله کاربرد ندارد. نکته آخر این که چون فعل gain (کسب کردن، به دست آوردن) برای بیان هدف از انجام یک کار استفاده شده است، باید آن را به مصدر با to تبدیل کنیم.

۴۱۳۳۵ این نامه باید ظرف دو روز در شیکاگو باشد. مطمئنم اگر آن را فردا ارسال کنم، سر وقت خواهد رسید.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن انجام موضوع شرط در زمان آینده، در این جمله با شرطی نوع یک سروکار داریم؛ بنابراین در بند شرط، به فعل در زمان حال ساده (در این تست send) و در بند جواب شرط، به فعل در زمان آینده ساده (در این تست will arrive) نیاز خواهیم داشت.

۴۱۳۳۶ سارا اگر گردن بند خودش را پیدا نکند، واقعاً ناراحت خواهد شد. باید به او کمک کنیم دنبال آن بگردد.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will be)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این تست doesn't find) نیاز داریم؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که هرچند unless (مگر این که) را هم می‌توان در جملات شرطی به جای if (اگر) به کار برد، اما این کلمه از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست و جمله فقط با if می‌تواند معنی مناسبی داشته باشد.

۴۱۳۳۷ اگر به شمارازی را بگویم، قول می‌دهم آن را به هیچ کس دیگری نگویم؟

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم که البته در این تست به صورت سؤالی به کار رفته است. دقت کنید که در جملات شرطی نوع یک، به جای will از can هم می‌توان استفاده کرد؛ بنابراین هیچ‌کدام از گزینه‌ها از نظر ساختار شرطی جمله قابل حذف نیستند. البته بعد از فعل promise (قول دادن)، فعل دوم به صورت مصدر با to نیاز است که طبق مفهوم جمله آن را به صورت منفی نیاز داریم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (I'll come and give)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم که در گزینه‌های (۲) و (۳) آمده است. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا فقط می‌توانیم از if (اگر) استفاده کنیم، نه unless (مگر این‌که).

۱۳۳۳ اگر الان نمی‌توانید شمارهٔ چین را به یاد بیاورید، می‌توانید در دفتر تلفن دنبال آن بگردید.

look up (در دیکشنری، دفتر تلفن و ...) دنبال ... گشتن) و look after (مراقبت کردن از) هر دو افعال دو کلمه‌ای صحیحی هستند. اما با در نظر گرفتن مفهوم جمله، در این جا می‌توانیم از look up استفاده کنیم، نه look after؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. با توجه به استفاده از فعل حال ساده در بند شرط (can't remember)، شرطی از نوع یک است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع یک، به جای will از can و may هم می‌توان استفاده کرد، ولی کاربرد would صحیح نیست.

۱۳۳۴ مادر بیلی به او توصیه کرد در باغ‌وحش خیلی نزدیک قفس شیر نرود.

بعد از فعل advise (توصیه کردن به، نصیحت کردن به) ابتدا مفعول (در این تست ضمیر مفعولی him) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود. برای منفی کردن مصدر با to هم باید قبل از to مصدری، not قرار دهید. ۱۳۳۵ اگر در سوپرمارکت ماهی خوب بود، آیا برای شام امشب مقداری می‌خرید؟

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (is)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده نیاز داریم که شکل سؤالی آن در گزینه (۳) آمده است.

۱۳۳۶ اگر پدر و مادرم بعد از ظهر برای خرید بروند باید از خواهر کوچکم مراقبت کنم.

در زبان انگلیسی برای صحبت کردن در مورد بعضی از فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و به طور کلی بعضی از افعال حرکتی، از ساختار «فعل ing دار + go» استفاده می‌کنیم. در جای خالی اول این تست نیز، به همین دلیل بعد از go به اسم مصدر (shopping) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که هر چند کاربرد will و must هر دو در بند جواب شرط جملات شرطی نوع یک صحیح است، اما take care در این مورد حتماً به همراه حرف اضافهٔ of (یعنی take care of) به کار می‌رود و در نتیجه گزینه‌های (۲) و (۳) به هیچ‌وجه نمی‌توانند صحیح باشند.

۱۳۳۷ تام بعد از ده ساعت کار سخت، خسته به نظر نمی‌رسید، پس به او اجازه دادم پیش برود و کار را تمام کند.

با توجه به این‌که در این تست، صفت به احساس شخص اشاره دارد، به صفت مفعولی (در این جا tired) نیاز داریم. دقت کنید که معمولاً صفات مفعولی، برای اشاره به انسان (در این تست Tom) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱۳۳۸ ما به سینما نخواهیم رفت مگر این‌که آن‌ها در پنج دقیقهٔ بعدی برسند. به عبارت دیگر، اگر آن‌ها در پنج دقیقهٔ بعدی برسند، به سینما خواهیم رفت.

همان‌طور که گفته شد، در جملات شرطی به جای if (اگر) از unless (مگر این‌که) هم می‌توان استفاده کرد. اما با توجه به این‌که unless از نظر معنایی متضاد if است، در صورت جایگزین کردن یکی از این موارد با دیگری، باید فعل را از نظر مثبت و منفی بودن تغییر دهیم. البته دقت کنید که کاربرد فعل آینده ساده (will arrive) در بند شرط گزینه (۲)، از نظر گرامری هم غلط است. ۱۳۳۹ اگر ماشین چمن‌زنی پاتریک را قرض نگیرم، کوتاه کردن چمن‌ها از من خیلی وقت خواهد گرفت.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (don't borrow)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم؛ بنابراین هیچ‌کدام از گزینه‌ها از نظر ساختار شرطی جمله قابل حذف نیستند. دقت کنید که myself ضمیر انعکاسی و تأکیدی است و به دلیل این‌که فاعل و مفعول جمله به یک شخص اشاره ندارند و روی فاعل جمله هم تأکیدی صورت نگرفته است، myself در این جا کاربرد ندارد و گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شود. نکتهٔ آخر هم این‌که طبق مفهوم جمله، در این جا فعل take را به صورت مثبت نیاز داریم، نه منفی.

۱۳۴۰ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) نمایش خیلی خنده‌دار بود؛ نمی‌توانستم جلوی خنده‌ام را بگیرم.

(۲) ما در سوپرمارکت‌ها استفاده از کیسه‌های پلاستیکی را متوقف کرده‌ایم.

(۳) ما در مسیر ادینبرو توقف کردیم تا به قلعه‌ای قدیمی نگاه کنیم.

(۴) هوا گرم بود، بنابراین توقف کردیم تا یک نوشیدنی بنوشیم.

در صورتی که فعل stop به معنی «قطع فعل دوم» باشد، باید فعل دوم را به صورت ing دار به کار ببریم؛ بنابراین کاربرد فعل ing دار در گزینه‌های (۱) و (۲) صحیح است. اما در صورتی که stop به معنی توقف یک عمل دیگر برای انجام فعل دوم باشد، باید فعل دوم را به صورت مصدر با to به کار ببریم؛ بنابراین طبق مفهوم جمله، در گزینه‌های (۳) و (۴) بعد از stop به مصدر با to نیاز داریم که در گزینه (۳) به اشتباه از اسم مصدر (فعل ing دار) استفاده شده است. ۱۳۴۱ اگر در رادیو به برنامه‌های انگلیسی گوش دهید، می‌توانید انگلیسی را رایگان یاد بگیرید.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (listen)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع یک، به جای will، از can هم می‌توان استفاده کرد و در نتیجه در بین گزینه‌ها فقط گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که if (اگر) و unless (مگر این‌که) هر دو در جملات شرطی نوع یک کاربرد دارند، اما طبق مفهوم جمله، در این جا فقط می‌توانیم از if استفاده کنیم.

۱۳۴۲ آقای داویدسون می‌گوید اگر به او دستمزد مناسب پرداخت کنیم، او می‌آید و در کنفرانس سخنرانی می‌کند.

۱۳۴۸ شما برای درک [این که] بدن انسان چه طور کار می کند، باید مقداری دانش شیمی داشته باشید.

بعد از فعل need (نیاز داشتن) فعل دوم به صورت مصدر یا to به کار می رود. دقت کنید که در این تست، از فعل understand (درک کردن، فهمیدن) برای بیان هدف از ضرورت داشتن دانش شیمی استفاده شده است و در نتیجه این فعل را در جای خالی دوم به صورت مصدر یا to نیاز داریم.

۱۳۴۹ اگر پاسخ کیم را ظرف سه روز آتی دریافت نکنیم، فکر می کنم باید دوباره به او [نامه] بنویسیم.

یکی از دلایلی که ممکن است جمله صورت تست باعث گمراهی شما شده باشد، عوض شدن جایگاه اجزای آن بوده است. در واقع، این جمله در اصل به صورت زیر بوده است:

I think if we don't receive Kim's reply within the next three days, we should write him again.

دقت کنید که در این تست think به ذهنیت کلی شخص اشاره دارد و مربوط به زمان خاصی نیست؛ بنابراین این فعل را در زمان حال ساده نیاز داریم. اما با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (در این تست don't receive)، شرطی از نوع یک است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع یک، به جای will از should هم می توان استفاده کرد.

۱۳۵۰ امروزه یافتن کار به قدری دشوار است که حتی اگر مدرک فوق لیسانس داشته باشید، نمی توانید تضمین کنید که به مصاحبه دعوت شوید. در صورتی که بخواهیم از فعل در جایگاه فاعل جمله استفاده کنیم، هم می توانیم آن را به اسم مصدر (فعل یدار) تبدیل کنیم و هم مصدر یا to؛ بنابراین بر مبنای جای خالی اول، هیچ کدام از گزینه ها قابل حذف نیست. اما در مورد جای خالی دوم، با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (در این تست have)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل در زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته همان طور که می دانید در جملات شرطی نوع یک، به جای will، از may و can هم می توان استفاده کرد؛ بنابراین در این جا هم هیچ کدام از گزینه ها از نظر ساختار گرامری غلط نیست و شما صرفاً باید بر مبنای معنی جمله تشخیص دهید که جمله را فقط می توان با cannot کامل کرد.

۱۳۵۱ هر چه فیلم ادامه پیدا می کرد، بیشتر و بیشتر خسته کننده می شد. با توجه به این که در این تست، صفت به احساسی اشاره دارد که فیلم در شخص به وجود می آورد، در این جا به صفت فاعلی (در این مورد boring) نیاز داریم. دقت کنید که معمولاً صفات فاعلی برای اشاره به غیر انسان (در این تست movie) مورد استفاده قرار می گیرند.

۱۳۵۲ چون افراد بسیار زیادی در اثر سرطان جان خود را از دست می دهند، به شما جداً توصیه می کنم که سیگار را ترک کنید. بعد از فعل advise (توصیه کردن به، نصیحت کردن به) ابتدا مفعول (در این تست ضمیر مفعولی you) و سپس فعل دوم (یعنی stop) به صورت مصدر یا to (یعنی to stop) به کار می رود. دقت کنید که اگر فعل stop به معنی «قطع و ترک فعل دوم» باشد، باید فعل دوم بعد از آن (یعنی smoke) را به صورت یدار مورد استفاده قرار دهیم.

۱۳۵۳ اگر هم چنان این قدر بلند به موسیقی گوش دهید، قبل از این که بیست ساله شوید، کر خواهید شد!

بعد از فعل go on (ادامه دادن) فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل یدار) به کار می رود. علاوه بر این، با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (go on)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (در این مورد will be) نیاز داریم.

۱۳۵۴ شما برای استفاده از فناوری پیشرفته باید درک ابتدایی از کامپیوترها داشته باشید.

در جای خالی اول، فعل وجهی have to (اجبار و ضرورت در زمان حال و آینده) را داریم و به صورت کلی بعد از افعال وجهی، فعل اصلی به شکل ساده مورد استفاده قرار می گیرد. اما با توجه به این که در جای خالی دوم، از فعل use (استفاده کردن از) برای بیان هدف از داشتن درک ابتدایی از کامپیوترها استفاده شده، آن را به شکل مصدر یا to (در این جا to use) به کار می بریم.

۱۳۵۵ او شخص بسیار پرحرفی است. وقتی او برای خرید می رود، توقف می کند تا با هر کسی که می بیند، صحبت کند.

در زبان انگلیسی برای صحبت کردن در مورد بعضی از فعالیت های ورزشی، تفریحی و به طور کلی بعضی از افعال حرکتی، از ساختار «فعل یدار + go» استفاده می کنیم. به همین دلیل در جای خالی اول، بعد از goes از shopping استفاده کردیم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که چون در این جا stop به معنی «متوقف کردن عملی برای انجام فعل دوم» (در این جا talk) است، در این مورد از مصدر یا to استفاده می کنیم.

۱۳۵۶ اگر یک روز فراموش کردید قرص هایتان را بخورید، روز بعدی دو تا قرص بخورید.

در جملات شرطی نوع یک، می توان در جایگاه بند جواب شرط از جمله امری استفاده کرد. در این تست، طبق مفهوم جمله در بند جواب شرط، به جمله امری نیاز داریم و در نتیجه فقط یکی از گزینه های (۲) یا (۳) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که در این جمله، following (بعدی) نقش صفت را برای day (روز) دارد و در زبان انگلیسی صفت پیش از اسم قرار می گیرد.

۱۳۵۷ اگر شما هر روز ۵ لغت انگلیسی را حفظ کنید، قادر خواهید بود در یک سال ۱۸۲۵ کلمه و در ۱۰۰ سال ۱۸۲۶۲۰ کلمه را به خاطر بسپارید!

با توجه به کاربرد فعل حال ساده در بند شرط (memorize) و ترکیب گزینه ها، جمله شرطی نوع یک است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته دقت کنید که در هر چهار گزینه فعل آینده ساده داریم و تنها می توان گزینه های (۲) و (۴) را به دلیل سؤالی بودن ساختار این گزینه ها حذف کرد. نکته آخر این که بعد از صفت able، فعل به صورت مصدر یا to (در این تست to memorize) به کار می رود.

۱۳۵۸ اگر پدرم مایل باشد به من اجازه دهد، چند ماهی را در خارج از کشور خواهم گذراندم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (is)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. دقت کنید که spend (صرف کردن، گذراندن) یک فعل متعدی است و مفعول این فعل (a few months) بلافاصله بعد از آن

قرار می‌گیرد. abroad (در خارج از کشور) هم که قید مکان جمله است و جایگاه آن در این جمله بعد از مفعول می‌باشد.

۴۱۳۵۹ اگر به چت کردن با دوستان در تلگرام ادامه دهی، هرگز تکالیف را تمام نخواهی کرد.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will finish)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این تست keep) نیاز داریم. دقت کنید که بعد از فعل (keep on) (ادامه دادن به)، فعل دوم به اسم مصدر (فعل ing دار) تبدیل می‌شود.

۴۱۳۶۰ اگر به خانواده خودتان محبت و حمایت ارائه نکنید، نمی‌توانید از آن‌ها توقع همان [رفتارها] را داشته باشید.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (don't give)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در این تست will با جایگزین شده است و طبق مفهوم جمله به صورت منفی صحیح می‌باشد. دقت کنید که ضمیر آخر جمله، به فاعل جمله (you) اشاره ندارد؛ بنابراین در این مورد به ضمیر مفعولی (them) نیاز داریم، نه ضمیر انعکاسی (themselves).

۴۱۳۶۱ سگ بزرگ همسایه‌مان بسیار ترسناک است و دختر کوچکم معمولاً وقتی آن را می‌بیند، می‌ترسد.

با توجه به این‌که در جای خالی اول، صفت به احساسی اشاره دارد که سگ همسایه در شخص به وجود می‌آورد، در این مورد به صفت فاعلی (frightening) نیاز داریم. اما جای خالی دوم در مورد احساس شخص می‌باشد و در نتیجه در این مورد از صفت مفعولی (frightened) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که معمولاً صفات فاعلی برای اشاره به غیر انسان (در این تست dog) و صفات مفعولی برای اشاره به انسان (در این تست little girl) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴۱۳۶۲ اگر همسایه‌ها آن سروصدای ناخوشایند را قطع نکنند، به پلیس زنگ خواهیم زد.

فعل stop در این جمله به عنوان فعل اصلی جمله در زمان حال ساده به کار رفته است و در زمان حال ساده، برای منفی کردن فعل برای فاعل جمع (در این مورد neighbors) از don't استفاده می‌کنیم، نه not. دقت کنید که اگر stop در معنی قطع فعل دوم (در این تست make) به کار رود، فعل دوم ing خواهد بود، نه مصدر با to.

۴۱۳۶۳ اگر نمی‌توانید کار را ظرف یک هفته تمام کنید، در این صورت مجبور خواهیم شد از شخص دیگری بخواهیم آن کار را انجام دهد.

جای خالی اول به بند شرط در شرطی نوع یک اشاره دارد و عملاً تمامی گزینه‌ها از نظر زمانی در این‌جا صحیح هستند، اما با توجه به مفهوم جمله، فعل حال ساده در بند شرط به صورت منفی مورد نیاز است و فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در بند جواب شرط در جملات شرطی نوع یک، به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم که مطابق مفهوم جمله، این فعل باید مثبت باشد.

۴۱۳۶۴ اگر بشر در مورد تخریب جنگل‌های بارانی کاری نکنند، گرمایش جهانی باعث تغییرات چشمگیری در شرایط آب و هوایی سرتاسر جهان خواهد شد.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن انجام موضوع شرط در زمان آینده، در این جمله با شرطی نوع یک سروکار داریم؛ بنابراین در بند شرط، به فعل در زمان حال ساده (does not do) و در بند جواب شرط، به فعل در زمان آینده ساده (در این تست will cause) نیاز خواهیم داشت.

۴۱۳۶۵ اگر امروز سر کار دنبالم بیایی، برایت یک نوشیدنی خواهم خرید.

۲ اگر ترجیح می‌دهی [هم‌دیگر را] جای دیگری ملاقات کنیم، تو را در میدان خواهم دید.

۳ اگر خواهرتان به پاریس برود، به او خوش خواهد گذشت.

۴ اگر خیلی زیاد گوشت بخورید، دچار بیماری قلبی خواهید شد.

در جملات شرطی نوع یک، فعل در بند شرط در زمان حال ساده و در بند جواب شرط در زمان آینده ساده می‌باشد. بنابراین در گزینه (۲) با توجه به کاربرد فعل آینده ساده در بند جواب شرط (will meet)، شرطی از نوع یک است و در بند شرط به فعل حال ساده (prefer) نیاز داریم، نه فعل آینده ساده (will prefer). هم‌چنین از نظر معنایی، در این جمله باید از unless استفاده کنیم، نه if.

۴۱۳۶۶ اگر برحسب اتفاق جعبه چوبی قدیمی‌ام را جایی در انبار دیدید، آن را دور نیندازید.

در بند شرط، فعل در زمان حال ساده به کار رفته است (come across)؛ بنابراین شرطی از نوع اول می‌باشد. با بررسی گزینه‌ها متوجه می‌شویم که بند جواب شرط به صورت جمله امری است و گزینه (۳) به دلیل کاربرد not to به جای don't حذف می‌شود. دقت کنید که box (جعبه) یک اسم قابل شمارش مفرد است که ضمیر مفعولی مناسب برای آن it است، نه them.

۴۱۳۶۷ در حالی‌که در طول خیابان راه می‌رفتم یکی از دوستان قدیمی‌ام را دیدم و در نتیجه توقف کردم تا با او گفت‌وگوی طولانی داشته باشم.

در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین عمل دیگری آن را قطع کند، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از فعل گذشته استمراری (در این تست was walking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر از فعل گذشته ساده (در این تست met) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که اگر stop به معنی متوقف کردن عملی برای انجام فعل دوم باشد، فعل دوم (در این تست have) به مصدر با to تبدیل می‌شود.

۴۱۳۶۸ اگر بشر در مورد تخریب جنگل‌های بارانی کاری نکنند، گرمایش جهانی باعث تغییرات چشمگیری در شرایط آب و هوایی سرتاسر جهان خواهد شد.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن انجام موضوع شرط در زمان آینده، در این جمله با شرطی نوع یک سروکار داریم؛ بنابراین در بند شرط، به فعل در زمان حال ساده (does not do) و در بند جواب شرط، به فعل در زمان آینده ساده (در این تست will cause) نیاز خواهیم داشت.

۱۳۷۵ می‌توانید از دیکشنری من استفاده کنید، به شرط این‌که قول دهید آن را امشب برگردانید.

در جملات شرطی نوع یک، می‌توان به جای if (اگر)، از on condition that (به شرط این‌که) هم استفاده کرد؛ بنابراین با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل وجهی can در بند جواب شرط، شرطی از نوع یک است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد promise) نیاز داریم. دقت کنید که بعد از promise (قول دادن) فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود.

۱۳۷۶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) یادم می‌آید که یک روز عصر شما را در تئاتر کاپیتال ملاقات کردم.
(۲) به یاد داشته باشید لباس‌هایی بیاورید که [از شما] در برابر باد و باران حفاظت کنند.

(۳) وقتی قیچی را برداشتید، یادتان باشد که آن را سرچایش بگذارید.
(۴) یادتان باشد قبل از این‌که بخوابید، لامپ‌ها را خاموش کنید.

اگر remember به عملی اشاره داشته باشد که پیش از آن انجام شده، فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل ing دار) به کار می‌رود؛ بنابراین در گزینه (۱) به درستی از فعل ing دار استفاده شده است. اما اگر remember به عملی اشاره داشته باشد که قرار است بعد از remember انجام شود، باید فعل دوم را به مصدر با to تبدیل کنیم؛ پس در گزینه‌های (۲) و (۴) به درستی بعد از remember، از مصدر با to استفاده شده است، اما در گزینه (۳) باید putting به put تبدیل شود.

۱۳۷۷ اگر الان اقدامات ضروری را انجام ندهیم، ممکن است بعداً مشکلاتی جدی داشته باشیم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (don't take)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع اول، به جای will، از may هم می‌توان استفاده کرد و بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) صحیح است. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، serious (جدی) به صورت صفت مدنظر است و در انگلیسی، صفت پیش از اسم (در این مورد problems) قرار می‌گیرد.

۱۳۷۸ آن مرد فکر می‌کرد که برای همه در هتل کاملاً مهم بود که لابی را هر چه سریع‌تر ترک کنند.

در بسیاری از موارد، بعد از صفت (مانند important در این تست) فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. در مورد کاربرد مصدر با to بعد از صفت، به ساختار بسیار پرکاربرد زیر توجه کنید:

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل: It + to b

۱۳۷۹ اگر مراقب آن‌چه که می‌خورید نباشید، ممکن است دوباره تمام وزنی را که این قدر وقت برای کم کردن آن صرف کردید، اضافه کنید.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (aren't)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع اول، به جای will، از may و might هم می‌توان استفاده کرد و بنابراین یکی از گزینه‌های (۱)، (۲) یا (۴) صحیح است. دقت کنید که weigh (وزن

۱۳۶۹ اگر بعد از ساعت ۱۰ شب به موسیقی گوش می‌دهید، باید صدا را کم کنید.

با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط، شرطی از نوع یک است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته به دلیل این‌که در جملات شرطی نوع یک، به جای will، از can، should و must هم می‌توان استفاده کرد، هیچ‌کدام از گزینه‌ها به دلیل ساختار جمله شرطی قابل حذف نیست. در واقع برای تشخیص گزینه صحیح، باید به معنی افعال دو کلمه‌ای turn up (صدا و غیره) زیاد کردن و turn down (صدا و غیره) کم کردن و کاربرد آن‌ها در گزینه‌ها دقت کنیم. ما در خطر غیرممکن کردن زنده ماندن تعداد زیادی از گونه‌های جانوری قرار داریم.

بعد از حروف اضافه (مثل of در این تست)، فعل به صورت ing دار به کار می‌رود. دقت کنید که بعد از صفت (مانند impossible در این تست)، فعل را به صورت مصدر با to به کار می‌بریم.

۱۳۷۱ اگر زمان خیلی زیادی را در آفتاب بدون زدن کرم ضد آفتاب بگذرانید، احتمال دارد دچار آفتاب‌سوختگی شوید.

در صورتی‌که بخواهیم در بند جواب شرط، از جمله خبری استفاده کنیم، باید فاعل (در گزینه‌ها you) را در ابتدای بند جواب شرط قرار دهیم؛ بنابراین در بین گزینه‌ها، فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که بعد از صفت (مانند likely در این تست)، فعل را به صورت مصدر با to به کار می‌بریم.

۱۳۷۲ نمی‌توانم باور کنم می‌خواستید برای ماهی‌گیری بیایید و فراموش کردید چوب ماهی‌گیری بیاورید. چه‌طور انتظار داشتید ماهی بگیرد؟
بعد از فعل want (خواستن)، فعل بعدی به صورت مصدر با to به کار می‌رود؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) و (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که بعد از expect (انتظار داشتن، توقع داشتن) هم فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود.

۱۳۷۳ معلم سخت تلاش می‌کرد تا به دانش‌آموزانش مقداری گرامر آلمانی یاد دهد. آن‌ها [منظور] او را متوجه نمی‌شدند، بنابراین او استفاده از کتاب گرامر دیگری را امتحان کرد.

در صورتی‌که فعل try در معنی «سعی کردن، تلاش کردن» به کار رود، فعل دوم پس از آن مصدر با to خواهد بود و اگر این فعل را در معنی «امتحان کردن» استفاده کنیم، فعل دوم اسم مصدر (فعل ing دار) می‌شود؛ بنابراین گزینه (۱) صحیح است.

۱۳۷۴ کیفیت هوای ما در آینده نزدیک بدتر خواهد شد، مگر این‌که افراد بیشتری شروع به استفاده از حمل و نقل عمومی کنند.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (begin)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (گزینه‌های ۲، ۳ و ۴) نیاز داریم. دقت کنید که if (اگر) و unless (مگر این‌که) هر دو در جملات شرطی قابل استفاده هستند و تنها از طریق معنی جمله است که می‌توان تشخیص داد unless به همراه فعل مثبت will در بند جواب شرط، می‌تواند جمله را به شکل صحیحی کامل کند.

۳۱۳۸۵ موضوعی که توسط معلم پیشنهاد شد، موضوع جالبی بود که همه ما را جلب کرد.

با توجه به این که در این تست، صفت حس و حالتی را در دانش‌آموزان به وجود آورده است، برای آن به صفت فاعلی (در این مورد interesting) نیاز داریم. دقت کنید که one ضمیری است که جایگزین اسم مفرد topic شده است و به حرف تعریف a/an نیاز دارد.

۳۱۳۸۶ لطفاً در این بخش از کتابخانه صدایتان را بلند نکنید. اگر هم چنان بلند صحبت کنید، مجبور خواهم شد از شما بخواهم [کتابخانه را] ترک کنید. با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (continue)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. در بین گزینه‌ها، فقط گزینه (۳) در زمان آینده ساده می‌باشد.

۳۱۳۸۷ بچه‌ها به قدری مشغول بازی کردن هستند که شامشان را نمی‌خواهند؛ باید آن‌ها را به زور به داخل [خانه] بیاورید.

گفته شد که در بسیاری از موارد، بعد از صفت فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. busy (مشغول، گرفتار) یکی از استثنائات بسیار پرکاربرد این قاعده است که پس از آن، فعل را ingدار می‌کنیم. توصیه می‌کنم این صفت را حتماً به خاطر بسپارید، چون طراح کنکور آن قدرها هم که فکر می‌کنید به محتویات کتاب‌های درسی مقید نیست.

۳۱۳۸۸ اگر در مورد امتحان فردا احساس اضطراب می‌کنید، سعی کنید به موسیقی آرامش‌بخش گوش دهید و زودتر بخوابید.

در بند شرط فعل در زمان حال ساده به کار رفته است (feel)؛ بنابراین شرطی از نوع اول است، اما طبق مفهوم جمله، در بند جواب شرط به جمله امری نیاز داریم، نه جمله خبری در زمان آینده ساده و در نتیجه فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که صفات فاعلی (مثل relaxing در این تست) ایجادکننده حس و حالت هستند و از آن‌ها معمولاً برای اشاره به غیر انسان (در این تست music) استفاده می‌شود.

۳۱۳۸۹ بچه‌ها زمان خیلی زیادی را صرف تماشای تلویزیون و انجام بازی‌های کامپیوتری می‌کنند. مطمئن هستم اگر آن‌ها زمان بیشتری را بیرون [از خانه] به بازی بگذرانند، شادتر خواهند بود.

بعد از فعل spend (در معنی صرف کردن، گذراندن)، ابتدا مفعول (در این تست too much time) و سپس فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل ingدار) به کار می‌رود. دقت کنید که با توجه به وجود کلمه ربط همپایه‌ساز and بین جاهای خالی اول و دوم، شکل فعل جای خالی دوم هم تابع spend است و ingدار می‌شود. در مورد جای خالی سوم هم دقت کنید که هر چند در جملات شرطی نوع یک، هم می‌توان از if (اگر) استفاده کرد و هم از unless (مگر این‌که)، اما طبق مفهوم جمله در این جا به if نیاز داریم و البته مثل دو جای خالی قبلی، در این جا هم بعد از spend، به اسم مصدر (فعل ingدار) نیاز می‌باشد.

۳۱۳۹۰ استفاده از موتور جست‌وجو برای پیدا کردن مطالب در اینترنت مهارتی است که همه دانش‌آموزان باید یاد بگیرند.

کردن) فعل است اما weight (وزن) اسم می‌باشد و طبق مفهوم جمله و کاربرد حرف تعریف معین the که پیش از اسم قرار می‌گیرد، تنها گزینه‌هایی می‌توانند صحیح باشند که در آخر آن‌ها weight داریم.

۳۱۳۸۰ سرپرست برنامه به دانشجویان توصیه کرد که از هدر دادن وقت برای خواندن منابعی که این قدر قدیمی هستند، اجتناب کنند.

بعد از فعل advise (توصیه کردن به، نصیحت کردن به) ابتدا مفعول (در این تست the students) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که بعد از فعل avoid (اجتناب کردن از، پرهیز کردن از) فعل بعدی ingدار می‌شود و در نتیجه در بین این دو گزینه، فقط گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۳۱۳۸۱ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) اگر دیکشنری من را پیدا کند، باید آن را به من برگرداند.

(۲) لیزا اگر پدرش برای دیدن برود، باید از برادر کوچولوی خودش مراقبت کند.
(۳) جان اگر مادرش به او ۱۰۰ یورو [پول] بدهد، ممکن است یک مانیاتور جدید بخرد.

(۴) دخترها اگر هنوز بلیت‌ها را رزرو نکرده‌اند، باید عجله کنند.

در جملات شرطی نوع یک، در بند شرط از فعل در زمان حال ساده و در بند جواب شرط از فعل در زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود. البته در بند جواب شرط، به جای will، از should، must و may هم می‌توان استفاده کرد و در بند شرط نیز اگر معنی جمله اجازه دهد، می‌توان به جای فعل در زمان حال ساده، از فعل حال کامل (have / has + pp.) استفاده کرد. اما استفاده از زمان آینده ساده در بند شرط (مانند will give در گزینه ۳) صحیح نیست و در گزینه (۳) باید به جای will give، از gives استفاده کنیم.
۳۱۳۸۲ ما مجبور خواهیم بود کنسرت فردا را لغو کنیم مگر این‌که بارش باران قطع شود.

در جملات شرطی نوع یک، هم می‌توان از if (اگر) استفاده کرد و هم از unless (مگر این‌که)، اما طبق مفهوم جمله، در این جا به unless نیاز داریم، نه if. دقت کنید که چون در این تست، stop به معنی «قطع شدن فعل دوم» (در این مورد rain) می‌باشد، فعل دوم را به صورت ingدار نیاز داریم.
۳۱۳۸۳ یک دائماً ساعت را از من می‌پرسد و من دائماً به او می‌گویم که برای خودش ساعت مچی بخرد.

بعد از فعل keep (on)، فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل ingدار) به کار می‌رود؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. با توجه به این‌که بعد از tell (گفتن) ابتدا مفعول (در این تست ضمیر مفعولی him) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با to نیاز است، در بین این دو گزینه، گزینه (۱) را انتخاب می‌کنیم.

۳۱۳۸۴ ایمی سفر کردن در جاده‌های کوهستانی را در شب دوست نداشت. او ترجیح می‌داد در طول روز سفر کند.

بعد از dislike (دوست نداشتن)، فعل دوم به صورت اسم مصدر (فعل ingدار) به کار می‌رود. اما بعد از prefer (ترجیح دادن) هم می‌توان از مصدر با to استفاده کرد و هم از اسم مصدر (فعل ingدار). دقت کنید که در سطح کنکور، در این دو حالت در معنی prefer تغییر خاصی به وجود نمی‌آید.

۱۱۳۹۶ آن‌ها به من گفتند تماس گرفتن با آقای پارکر غیر ممکن است چون او از جمعه [هفته] قبل در اسپانیا در تعطیلات بوده است.

بعد از صفات (مانند impossible در این تست)، فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم، نه اسم مصدر (فعل ینگ در این تست، فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که عبارت get in touch with sb (با کسی تماس گرفتن)، یک عبارت ثابت است و طبیعتاً با توجه به این‌که در این‌جا touch اسم است، نمی‌توانیم آن را ینگ‌دار کنیم. ۱۱۳۹۷ هُلن باید حرف زدن پشت سر مردم را متوقف کند. نمی‌دانم آیا او هرگز پیش خودش فکر کرده است [که] لابد مردم در عوض در مورد او چه چیزی می‌گویند؟

در صورتی که فعل stop به معنی «قطع کردن فعل دوم» باشد، باید فعل دوم را به صورت ینگ‌دار به کار ببریم؛ بنابراین کاربرد فعل ینگ‌دار در جای خالی اول صحیح است. اما در صورتی که stop به معنی توقف یک عمل دیگر برای انجام فعل دوم باشد، باید فعل دوم را به صورت مصدر با to به کار ببریم. در نتیجه در جای خالی دوم به مصدر با to نیاز داریم.

۱۱۳۹۸ قبل از این‌که آزمایش را شروع کنیم، فقط می‌خواهم به همه متذکر شوم که باید بسیار مراقب باشیم چیزی را نشکنیم.

بعد از حروف اضافه (مانند before) از اسم مصدر (در این تست starting یا beginning) استفاده می‌شود. طبق معنی جمله، در جای خالی دوم به اجبار و ضرورت نیاز داریم که در این‌جا با فعل وجهی have to بیان می‌شود. دقت کنید که به صورت کلی، بعد از افعال وجهی به شکل ساده فعل (در این مورد be) نیاز است. همان‌طور که گفته شد، بعد از صفات (مثل careful) به مصدر با to نیاز داریم که طبق مفهوم جمله، در این‌جا مصدر با to به صورت منفی مدنظر است.

۱۱۳۹۹ اگر هر زمانی به چیزی نیاز داشتید، لطفاً درنگ نکنید که فوراً با من تماس بگیرید.

در جملات شرطی نوع یک، در بند شرط، به جای فعل در زمان حال ساده، از should هم می‌توان استفاده کرد. البته دقت کنید که این کاربرد should بسیار مؤدبانه و رسمی است. نکته دیگر این‌که در این کاربرد خاص و بسیار رسمی should، می‌توان آن را به ابتدای جمله منتقل و جایگزین if کرد.

۱۱۴۰۰ او با برداشتن تکه کیک که نگه داشته بودم تا بعد از شامم بخورم، من را خیلی ناراحت کرد.

بعد از حروف اضافه (مانند by در این تست)، فعل ینگ‌دار می‌شود؛ بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. اما اگر در جای خالی دوم، بعد از فعل keep، اسم مصدر (فعل ینگ‌دار) را انتخاب کردید، در دام نکته گمراه‌کننده این تست افتادید؛ چرا که در این مورد، فعل keep معنی «ادامه دادن به» به کار نرفته است و معنی «نگه داشتن» دارد و طبق مفهوم جمله، از eat برای بیان هدف از نگه داشتن کیک استفاده شده است! همان‌طور که می‌دانید، برای بیان هدف و مقصود، از مصدر با to استفاده می‌کنیم، نه اسم مصدر (فعل ینگ‌دار).

طبق کتاب درسی، در صورتی که بخواهیم فعل را در جایگاه فاعل به کار ببریم، هم می‌توانیم از اسم مصدر (فعل ینگ‌دار) استفاده کنیم و هم از مصدر با to؛ بنابراین هیچ‌کدام از گزینه‌ها را نمی‌توان براساس جای خالی اول حذف کرد. دقت کنید که با توجه به کاربرد یک اسم مصدر در جایگاه فاعل جمله، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و در این مورد فعل مناسب برای آن is است، نه are. بعد از need (نیاز داشتن) هم فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود.

۱۱۳۹۱ اگر به هر اطلاعات بیشتری نیاز داشتید، لطفاً با دفتر ما در خیابان گرین تماس بگیرید.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن انجام موضوع شرط در زمان آینده، در این جمله با شرطی نوع یک سروکار داریم؛ بنابراین اصولاً در بند شرط، به فعل در زمان حال ساده و در بند جواب شرط، به فعل در زمان آینده ساده نیاز خواهیم داشت. البته در جملات شرطی نوع یک، در بند شرط، به جای فعل در زمان حال ساده، از should هم می‌توان برای بیان جمله به صورت بسیار رسمی و مؤدبانه استفاده کرد و طبق مفهوم جمله، در این مورد، بند جواب شرط هم به صورت جمله امری است.

۱۱۳۹۲ آیا می‌توانید بسته‌بندی کردن آن جعبه‌ها را به تنهایی تمام کنید یا مایل هستید که کمک‌تان کنم؟

بعد از فعل manage (موفق شدن، توانستن) فعل بعدی به صورت مصدر با to، بعد از finish (تمام کردن) فعل بعدی به صورت ینگ‌دار و بعد از would like (دوست داشتن، مایل بودن) فعل بعدی به صورت مصدر با to به کار می‌رود. البته دقت کنید که would like در بخش دوم جمله ساختار سوالی دارد و به همین دلیل است که you در بین دو بخش آن قرار گرفته است. ۱۱۳۹۳ اگر هدر دادن وقت را متوقف نکنید و حداقل تلاش نکنید سفارش را امروز به اتمام برسانید، رئیس خشمگین خواهد شد.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will be)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (گزینه‌های ۲ و ۳) نیاز داریم. دقت کنید که stop اگر به معنی «قطع کردن و متوقف کردن فعل دوم» (در این تست waste) باشد، فعل دوم ینگ‌دار می‌شود. علاوه بر این، اگر try در معنی «سعی کردن، تلاش کردن» به کار رفته باشد، فعل بعد از آن را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم.

۱۱۳۹۴ کریس فکر می‌کند که فهمیدن آن لهجه خاص بریتانیایی دشوار است چون که خیلی سریع است.

طبق مفهوم جمله، بعد از فعل find (تجربه کردن، فکر کردن) به صفت (در این مورد difficult) نیاز داریم. دقت کنید که بعد از بیشتر صفت‌ها (مانند difficult)، فعل به مصدر با to تبدیل می‌شود.

۱۱۳۹۵ اگر وسایل خودتان را در اطراف رها کنید، اگر آن‌ها را گم کردید نباید تعجب کنید.

در این جمله بند جواب شرط you shouldn't be surprised است. با توجه به این‌که در این‌جا should جایگزین will شده است، شرطی از نوع اول است و در هر دو بند شرط موجود در جمله، به فعل حال ساده (در این تست leave و lose) نیاز داریم.

- ۲۱۴۰۷ (۱) گذشته از این، علاوه بر این
(۲) چون (که)، زیرا
(۳) با این حال، با وجود این
(۴) گرچه، اگرچه

متن کلوز (۲)

در انگلستان، رنسانس در اواخر سده ۱۵۰۰ و اوایل سده ۱۶۰۰ به اوج خود رسید. در بسیاری از کشورهای اروپایی، پیکرتراشان، نقاشان و معماران بودند که بزرگ‌ترین کمک‌ها را به رنسانس داشتند. در انگلستان، نویسندگان بودند [که نقش کلیدی را داشتند]. در طول این دوران، تعدادی از شاعران و نمایش‌نامه‌نویسان بزرگ، آثاری را نوشتند که امروزه هنوز خوانده، اجرا و دوست داشته می‌شوند. در بین آن‌ها ویلیام شکسپیر بود که اغلب بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس تمام دوران نامیده می‌شود. شکسپیر در سال ۱۵۶۴ در استراتفورد متولد شد. او به عنوان مردی جوان (در جوانی) به لندن نقل مکان کرد. او در آن‌جا خودش را هم به عنوان نمایش‌نامه‌نویس و هم به عنوان شاعر به اثبات رساند. هیچ مدرکی وجود ندارد که شکسپیر اصلاً به ایتالیا رفته باشد. اما تأثیر ایتالیا و رنسانس ایتالیایی، در تعداد بسیار زیادی از نمایش‌نامه‌هایش دیده می‌شود.

- ۲۱۴۰۸ (۱) کوشش، سعی، تلاش (۲) دوره، دوران؛ مدت
(۳) کارکرد، عملکرد (۴) واقعه، رویداد

۲۱۴۰۹ با توجه به مفهوم جمله و این‌که در این‌جا شکسپیر به عنوان بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس تاریخ مورد اشاره قرار گرفته است، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه (۳) آمده است.

۲۱۴۱۰ طبق مفهوم جمله و با توجه به این‌که young (جوان) به عنوان صفت برای man مدنظر است و در انگلیسی صفت پیش از اسم قرار می‌گیرد، گزینه (۳) را انتخاب می‌کنیم.

۲۱۴۱۱ برای اشاره به عملی که مربوط به زمان مشخصی از گذشته است (در این تست دوران زندگی شکسپیر)، از فعل گذشته ساده (در این مورد visited) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در این‌جا طبق مفهوم جمله، کاربرد never (هرگز) از نظر معنایی صحیح نیست و باید از ever (اصلاً؛ هرگز) استفاده کنیم.

- ۲۱۴۱۲ (۱) اثر، تأثیر (۲) حقیقت؛ واقعیت
(۳) نظر، عقیده (۴) تنوع؛ نوع، گونه

متن کلوز (۳)

امروزه مطالعه هنر بدوی، مطالعه آن چیزی نیست که در گذشته تصور می‌شد مرحله اولیه پیشرفت هنری باشد، که به هنر کودک یا شخص بیمار از نظر ذهنی تشبیه می‌شد. آن هم‌چنین مطالعه نوع خاصی از هنر نیست، چرا که در جهان به اصطلاح بدوی، انواع مختلف بسیاری از آداب و رسوم هنری وجود دارد. آن در عوض مطالعه روش‌های مختلف بسیاری است [که] برای گروه‌های مردم در سرتاسر جهان وجود دارد تا در مورد هنر فکر کنند، سبک‌های مختلف بسیاری [است] که می‌توانند به شیوه‌های خوشایندی شکل بگیرند، و بینش‌های مختلف بسیاری از زندگی [است] که می‌توانند به مردم کمک کنند تا ترسیم کنند، نقاشی کنند، [آثاری را] بنا کنند و از تخیل خودشان استفاده کنند.

۲۱۴۰۱ جورج دستگاه ضبط صوت خودش را به شما قرض نخواهد داد، اگر قول ندهید آن را تا شنبه برگردانید.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (won't lend)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (گزینه‌های ۱ و ۲) نیاز داریم. دقت کنید که از هر دوی if (اگر) و unless (مگر این‌که) می‌توان در جملات شرطی نوع یک استفاده کرد، اما طبق مفهوم جمله، در این‌جا if کاربرد دارد. بد نیست بدانید که by Saturday (تا یکشنبه) و on Saturday (در روز یکشنبه) در گزینه‌ها، هر دو از نظر گرامری و معنایی صحیح هستند و نمی‌توان هیچ کدام از گزینه‌ها را به این دلیل حذف کرد.

۲۱۴۰۲ اگر فکر می‌کنید حل کردن یک مسئله ریاضی برایتان به تنهایی سخت است، همواره می‌توانید از نرم‌افزاری کامپیوتری استفاده کنید که همه چیز را بی‌نقص محاسبه می‌کند.

در جملات شرطی نوع یک، در بند جواب شرط، از فعل در زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود که در این تست، can جایگزین will شده است؛ بنابراین با توجه به این‌که در این تست با ساختار شرطی نوع یک سروکار داریم، در بند شرط به فعل حال ساده (گزینه‌های ۱ و ۳) نیاز می‌باشد. هم‌چنین بعد از اکثر صفات (مانند hard در این تست) فعل به مصدر با to تبدیل می‌شود.

متن کلوز (۱)

قواعد [مربوط به] این‌که پنهان کردن یا آشکار کردن احساسات، چه‌قدر شایسته یا مناسب است، اغلب از کشوری به دیگری (کشور دیگر) متفاوت است. برای مثال، ژاپن کشوری است که در آن به کنترل ابراز احساسات منفی، اهمیت زیادی داده می‌شود، به گونه‌ای که اغلب این احساسات توسط لیخند پنهان می‌شوند. این بدان معنا نیست که ژاپنی‌ها، احساسات غم، ترس یا تنفر را تجربه نمی‌کنند. بلکه، به آن‌ها یاد داده می‌شود که نشان دادن این احساسات در جمع، دور از نزاکت است. با این حال، این احساسات در خلوت [خود شخص]، درست به همان شیوه سایر کشورها ابراز می‌شوند.

- ۲۱۴۰۳ (۱) تفاوت، فرق
(۲) سبک زندگی
(۳) فراوانی، وفور؛ تناوب؛ فرکانس
(۴) مثال، نمونه

برای مثال، به عنوان نمونه: for example

- ۲۱۴۰۴ (۱) مخالف؛ متضاد (۲) ذهنی؛ روحی
(۳) منفی (۴) اجتماعی

۲۱۴۰۵ (۱) شناسایی کردن، شناختن

(۲) جمع کردن؛ جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن

(۳) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن

(۴) تجربه کردن

- ۲۱۴۰۶ (۱) بی‌ضرر، بی‌زیان (۲) بی‌ادب؛ دور از نزاکت
(۳) گم‌شده؛ کم (۴) عصبی؛ ناآرام

متن کلوز ۵

مسجد شیخ لطف‌الله که در اصفهان قرار دارد، به طور مستدل مشهورترین مسجد ایران است. این [مسجد] در بین سال‌های ۱۵۹۰ و ۱۶۰۲ [میلادی] بنا شد، که به در نظر گرفتن [این‌که] این بنا چه‌قدر هیبت‌انگیز و ظریف است، مدت کوتاهی می‌باشد. دیوارهای این مسجد با موزائیک‌های پر از جزئیاتی تزئین شده است. این مسجد علاوه بر زیبایی‌اش، در موقعیتی مرکزی است. این مسجد در مرکز میدان نقش جهان قرار دارد، که در گذشته، پیدان سلطنتی اصفهان بود. در زمان بنای این مسجد، اصفهان نیروی اصلی اقتصاد و سیاست کشور بود، بنابراین این واقعیت که مسجد در مشهودترین و مهم‌ترین مکان شهر واقع شده است، نشان می‌دهد که این ساختمان اهمیت زیادی داشت.

۱) شامل ... بودن، در برداشتن

۲) در نظر گرفتن، به حساب آوردن

۳) وابسته بودن؛ متکی بودن

۴) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

۱) تزئین کردن؛ زینت دادن

۲) منعکس کردن؛ بازتاباندن؛ حکایت از ... داشتن

۳) لمس کردن، دست زدن به

۴) قدر ... را دانستن؛ دانستن؛ قدردانی کردن از

۳)۱۴۲۵ ▶ طبق مفهوم جمله، در این جابه صفت central (مرکزی؛ اصلی) نیاز داریم، نه قید حالت centrally (به طور مرکزی، از مرکز). همان طور که می‌دانید،

در انگلیسی، صفت پیش از اسم (در این مورد location) قرار می‌گیرد.

۱) مأموریت؛ هیئت، هیئت اعزامی

۲) شیوه اندیشیدن، نگرش؛ (طرز) برخورد

۳) محصول

۴) اقتصاد؛ نظام اقتصادی؛ صرفه‌جویی

۱) جست‌وجو کردن؛ دنبال ... گشتن؛ کوشیدن

۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن؛ داشتن

۳) منجمد کردن؛ منجمد شدن؛ یخبندان شدن

۴) کشیدن؛ رسم کردن

متن ۱

پیش‌رانی‌ها می‌خواستند همان‌طور که نقاشان اولیه هلدن انجام داده بودند، به نحوی طبیعی نقاشی کنند و تمامی جزئیات را به دقت بررسی نمایند، اما آن‌ها عمدتاً از زندگی اطراف خود دور می‌شدند. به عنوان مثال، اگر آن‌ها از منظره نقاشی می‌کردند، آماده بودند که به مکان‌های دور دستی بروند که در آن‌ها هیچ خط آهن یا کارخانه‌ای دیده نمی‌شد. به عنوان مثال، هولمن هانت برای نقاشی صحنه‌هایی از انجیل با دقت کامل، به سرزمین مقدس رفت. در فرانسه، نقاشان انقلابی‌تر برعکس [این کار] را انجام می‌دادند. آن‌ها به جای ناشی با جزئیات بسیار، با حرکات بزرگ قلم‌مو، به‌طور کلی نقاشی می‌کردند و به طور روزافزونی زندگی فرانسه را در عصر خودشان به تصویر می‌کشیدند. برای مثال، گوستاو کوربه از منظره، طبیعت بی‌جان و هر نوع صحنه‌ای از زندگی، هم از کشاورزان ثروتمند و هم از رعیت‌ها، نقاشی می‌کرد. ژان فرانسوا میله بیشتر از رعیت‌ها، [و] اغلب در حالی که مشغول کار کردن در مزارع بودند، نقاشی می‌کرد. مکتبی از نقاشان منظره در باربیزون، [و] نه دور از پاریس، ساکن شدند و از صحنه‌های جنگل اطراف خود نقاشی می‌کردند. آن‌ها به عنوان نقاشان باربیزون شناخته می‌شدند.

۳)۱۴۱۳ ۱) در نهایت، بالاخره

۲) اساساً، علی‌الاصول

۳) از نظر ذهنی؛ از نظر روحی

۴) به شکلی مشابه، مانند هم

۱)۱۴۱۴ ۱) خاص، ویژه

۲) احتمالی، محتمل

۳) آموزشی؛ آموزنده

۴) منظم، مرتب

۱)۱۴۱۵ ۱) نیز، هم‌چنین

۲) بنابراین، از این‌رو

۳) اما، ولی

۴) در عوض، به جایش

۱)۱۴۱۶ ۱) کارکرد، عملکرد

۲) روش، شیوه؛ راه

۳) شریک؛ یار

۴) درجه؛ مدرک (تحصیلی)

۱)۱۴۱۷ ۱) انجام دادن؛ اجرا کردن

۲) اثر گذاشتن بر؛ تحت تأثیر قرار دادن

۳) پیشرفت کردن؛ شکل دادن؛ شکل گرفتن

۴) عوض کردن؛ مبادله کردن

متن کلوز ۴

در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردم فکر می‌کنند که عشق و ازدواج لازم و ملزوم یک‌دیگر هستند؛ مثل نان و کره یا گوشت و سیب‌زمینی. آن‌ها فکر می‌کنند که عشق مبنای ضروری ازدواج است و این‌که شما قبل از ازدواج کردن، باید شخصی را که با او ازدواج می‌کنید، دوست داشته باشید. با وجود این، در سایر فرهنگ‌ها ممکن است مرد و زن پیش از روز عروسی‌شان حتی یک‌دیگر را نشناسند. در این فرهنگ‌ها، عشق رمانتیک برای ازدواج ضروری نیست. این مردم امیدوار هستند که اگر ازدواج، ازدواج خوبی باشد، عشق بعد از عروسی شکل خواهد گرفت. دیدگاه‌های شما در مورد عشق و ازدواج از فرهنگتان نشأت می‌گیرد. آیا تاکنون در آن مورد فکر کرده‌اید؟ نظرات شما چیست؟

۱)۱۴۱۸ ۱) جسمانی، بدنی؛ فیزیکی

۲) خلاق، آفرینش‌گر، سازنده

۳) متنوع، گوناگون، مختلف

۴) لازم، ضروری

۱)۱۴۱۹ ۱) در حالی‌که

۲) با وجود این، با این حال

۳) بنابراین، از این‌رو

۴) در عوض، به جای آن

۳)۱۴۲۰ ▶ یک‌دیگر، هم‌دیگر: each other

۱)۱۴۲۱ ۱) مخالفت کردن؛ هم‌عقیده نبودن

۲) ممنوع کردن، منع کردن، قدغن کردن

۳) فراهم کردن، تهیه کردن

۴) انتظار ... را داشتن؛ امیدوار بودن (که)؛ توقع داشتن

۱)۱۴۲۲ ▶ در جملات حال کامل، از ever در جملات سؤالی و منفی و در

معنی «تاکنون، تا به حال» استفاده می‌شود.

۱۴۳۳ دوربین‌های جدیدتر از چه جهت با دوربین‌های قدیمی‌تر متفاوت هستند؟

- (۱) عکس گرفتن با استفاده از دوربین‌های جدیدتر به دقت و شکیبایی نیاز دارد. استفاده از دوربین‌های قدیمی‌تر [نیاز] ندارد.
- (۲) دوربین‌های جدیدتر مثل چشم انسان عمل می‌کنند. دوربین‌های قدیمی‌تر مانند چشم انسان عمل نمی‌کنند.
- (۳) دوربین‌های جدیدتر تصاویر را در یک ابزار ذخیره‌سازی الکترونیکی ثبت می‌کنند. دوربین‌های قدیمی‌تر تصاویر را در فیلم قرار داده شده ثبت می‌کنند.
- (۴) دوربین‌های جدیدتر اشعه‌های نور منعکس شده از سوژه را دریافت می‌کنند. دوربین‌های قدیمی‌تر اشعه‌های نور منعکس شده از سوژه را رها می‌کنند.

۱۴۳۴ نویسنده در پاراگراف دوم چه چیزی را فهرست می‌کند؟

- (۱) پنج مرحله خلق عکس‌های دیجیتال با استفاده از دوربین جدیدتر
- (۲) پنج مرحله خلق عکس‌های چاپی با استفاده از دوربین قدیمی‌تر
- (۳) پنج مرحله خلق عکس‌های دیجیتال با استفاده از دوربین قدیمی‌تر
- (۴) عکاسان مشهور و کارهایی که آن‌ها انجام داده‌اند

۱۴۳۵ کلمه "priceless" (گران‌بها، پرازش) در جمله آخر متن به معنی "very valuable" است.

(۱) بسیار با ارزش

(۲) بی‌فایده

(۳) بسیار کاربردی

(۴) بی‌معنی؛ بی‌نتیجه؛ بی‌فایده

۱۴۳۶ این متن عمدتاً در چه مورد است؟

- (۱) اهمیت عکاسی در جامعه ما
- (۲) انواع مختلف دوربین‌های مورد استفاده برای عکس گرفتن
- (۳) عکس‌ها بدون استفاده از دوربین چگونه گرفته می‌شوند
- (۴) چه‌طور عکس بگیریم و نقشی که آن‌ها (عکس‌ها) در زندگی ما بازی می‌کنند

متن ۳

نقاشی‌های مناظر، نقاشی‌های چشم‌انداز هستند. معمولاً چشم‌انداز تصویرشده در نقاشی‌های مناظر، ناحیه‌ای می‌باشد که برای نقاش بسیار مهم است. آن می‌تواند نقاشی ناحیه خانه کودکی هنرمند باشد. آن می‌تواند یک منطقه تعطیلات زیبا باشد. آن هم چنین می‌تواند نقطه مهمی هم‌چون گرند کنیون یا کوه فوجی باشد. پیش از سده ۱۷۰۰، انسان‌ها سوژه اصلی بیشتر نقاشی‌ها بودند. مناظر تنها در پس‌زمینه بودند. در سده ۱۷۰۰ و سده ۱۸۰۰، مناظر سوژه اصلی بسیاری از نقاشی‌ها شدند. در این زمان، نقاشی‌های مناظر مشهور بسیاری کشیده شدند. یک [نقاشی] منظره معروف، به دست نقاش بریتانیایی، توماس گینزبارو، آقا و خانم اندروز نام دارد. در اواسط دهه ۱۷۵۰، گینزبارو استخدام شد تا پرتره‌ای از آقا و خانم اندروز بکشد. او به جای کشیدن این زوج در مرکز [بوم نقاشی]، آن‌ها را در سمت چپ بوم کشید. او ملک ییلاقی این زوج را در بقیه بوم کشید. [در این تابلو] ملک ییلاقی از تصاویر انسان فضای بیشتری را اشغال می‌کند. گینزبارو با استفاده از بخش زیادی از فضای بوم برای منظره، ابراز کرد [که] این زمین برای زوج چه قدر مهم بود.

۱۴۳۸ طبق متن، نقاشان اولیه هلند

- (۱) به‌طور طبیعی نقاشی می‌کردند
 - (۲) به زندگی اطراف خود توجه می‌کردند
 - (۳) از سبک پیش‌رافائلی‌ها تقلید می‌کردند
 - (۴) به مراتب بهتر از پیش‌رافائلی‌ها نقاشی می‌کردند
- ۱۴۳۹ کلمه "apt" (آماده، مستعد) در سطر ۳ نزدیک‌ترین معنا را به "ready" دارد.

(۱) امن (۲) آرام (۳) آگاه، هوشیار (۴) آماده

۱۴۴۰ کدام گروه از نقاشان به طور کلی نقاشی می‌کردند؟

- (۱) [نقاشان] اولیه هلند
 - (۲) پیش‌رافائلی‌ها
 - (۳) [نقاشان] انقلابی‌تر
 - (۴) نقاشان منظره
- ۱۴۴۱ گوستاو کوربه به عنوان نمونه‌ای از نقاشانی که نام برده شده است.

- (۱) ثروتمند بودند و تنها برای تفتن نقاشی می‌کردند
- (۲) به زندگی [مردم] فرانسه در عصر خود علاقه نشان می‌دادند
- (۳) در جنگل زندگی می‌کردند تا مناظر مناسبی برای نقاشی پیدا کنند
- (۴) منظره را برای نقاشی نامناسب می‌دانستند

۱۴۴۲ متن عمدتاً در مورد می‌باشد.

- (۱) برخی مکاتب نقاشی
- (۲) صحنه‌هایی از انجیل
- (۳) نقاشان هلند
- (۴) نقاشان پیش‌رافائلی

متن ۲

برای ایجاد عکس چندین روش وجود دارد. متداول‌ترین عکس‌ها با استفاده از دوربین درست می‌شوند. دوربین از بسیاری جهات، مانند چشم انسان عمل می‌کند. دوربین مانند چشم، اشعه‌های نور منعکس شده از سوژه را دریافت می‌کند. آن سپس اشعه‌ها را در عکس متمرکز می‌کند. دوربین‌های قدیمی‌تر، تصویر را در فیلم قرار داده شده ثبت می‌کنند. دوربین‌های دیجیتال جدیدتر، تصویر را در یک ابزار ذخیره‌سازی الکترونیکی هم‌چون کارت حافظه ثبت می‌کنند. وقتی که عکس گرفته شد، توسط افراد زیادی قابل دیدن و لذت بردن است. هنگام استفاده از دوربین، فرایند عکاسی به دقت و شکیبایی نیاز دارد. خلق عکس‌های چاپی عالی با استفاده از دوربین‌های قدیمی‌تر مستلزم پنج مرحله است: (۱) یافتن سوژه، (۲) میزان کردن [دوربین] روی سوژه، (۳) نور تاباندن به فیلم، (۴) ظاهر کردن فیلم و (۵) تولید عکس. بسیاری از عکاسان حرفه‌ای هر پنج مرحله را خودشان انجام می‌دهند. آن‌ها از اتاقی به اسم تاریک‌خانه استفاده می‌کنند. آن «تاریک» است تا این‌که نور، نگاتیوها را از بین نبرد.

عکاسی از بسیاری جهات زندگی‌های ما را غنی‌تر می‌کند. ما از طریق عکس‌ها می‌توانیم در مورد سایر بخش‌های جهان کسب اطلاع کنیم و بینیم مردم چه‌طور زندگی می‌کنند. ما هم چنین می‌توانیم تصور کنیم زندگی در سایر دوره‌های زمانی از اواسط سده ۱۸۰۰ [و] هنگامی که دوربین اختراع شد، چگونه بود. دوربین‌های مخصوص می‌توانند در جاهایی عکس بگیرند [که] بیشتر انسان‌ها نمی‌توانند بروند، مانند سیارات دور دست یا اقیانوس‌های عمیق. اما بهتر از همه، دوربین‌ها، برای ما افراد خاص و زمان‌های خاص را در زندگی‌هایمان یادآوری می‌کنند. میلیون‌ها نفر، از دوربین‌ها برای عکس گرفتن از خانواده، دوستان و مراسم خاص‌شان استفاده می‌کنند. برای آن‌ها، عکس‌هایی که می‌گیرند، گران‌بها هستند.

هانس هالبین، هنرمند آلمانی، نقاشی مینیاتور را در انگلستان باب کرد، جایی که مدتی را در اوایل قرن شانزدهم [در آن] گذراند. نیک لاس هیلارد و شاگردش اسحاق الیور از او پیروی کردند. آن‌ها پرتره‌های زیبایی از اعضای دربار ملکه الیزابت اول و پادشاه جیمز اول کشیدند و هم‌چنین زمینه‌های طلایی باشکوهی را طراحی کردند که دور تا دور نقاشی‌ها را می‌گرفت. اگرچه مینیاتورها در انگلستان تقریباً همیشه پرتره افراد بوده‌اند، [اما] نقاشی مینیاتور کشورهای شرقی مانند ایران و هند هم‌چنین شامل تصاویر صحنه‌هایی از کتاب‌ها و قصه‌های عامیانه بودند [که] اغلب بسیار زیبا [بودند]. با رواج عکاسی در قرن نوزدهم، محبوبیت نقاشی مینیاتور کم شد.

۲۱۴۴۱ بهترین عنوان برای متن چیست؟

(۱) نقاشی‌های مینیاتور عالی

(۲) تاریخچه مختصری از نقاشی مینیاتور

(۳) تاریخچه کلمه مینیاتور

(۴) افراد تأثیرگذار در نقاشی مینیاتور

۲۱۴۴۲ طبق متن، امروزه مینیاتورها

(۱) بسیار کوچک هستند

(۲) به نقاشی‌های قرون وسطی اشاره دارند

(۳) مثل گذشته پرطرفدار نیستند

(۴) به نقاشی‌هایی که قرمز رنگ می‌شوند، اشاره دارند

البته علاوه بر گزینه (۳) که طبق پاراگراف آخر متن صحیح است، می‌توان گزینه (۱) را هم طبق جملات ابتدایی متن صحیح در نظر گرفت. اما در این مورد، در تست تغییری ایجاد نکردیم تا با سبک سؤالات کنکور آشنا شوید.

۲۱۴۴۳ این متن خاطرنشان می‌کند که هانس هالبین

(۱) از نیکولاس هیلارد و شاگردش اسحاق الیور پیروی کرد

(۲) زمینه‌های طلایی عالی نقاشی‌ها را طراحی کرد

(۳) تصاویر زیبایی از اعضای دربار ملکه الیزابت اول کشید

(۴) به نقاشی مینیاتور کمک کرد تا در انگلستان رایج شود

۲۱۴۴۴ کلمه "illustrations" (تصاویر، عکس‌ها؛ مثال‌ها، نمونه‌ها)

نزدیک به انتهای متن نزدیک‌ترین معنی را به "pictures" دارد.

(۱) تصاویر، عکس‌ها (۲) مثال‌ها، نمونه‌ها

(۳) مناسبت‌ها، مراسم؛ موقعیت‌ها (۴) توضیح‌ها، شرح‌ها

متن ۵

آن‌ها در حال حاضر کاملاً موضوع بحث در ایتالیا هستند، این به اصطلاح بچه‌ننه‌ها. دقیقاً دلایل چیست که «بچه‌های» ایتالیایی این‌قدر دیر در زندگی‌شان خانه را ترک می‌کنند؟ بسیاری تا بخش قابل توجهی از دهه سی زندگی‌شان، با پدر و مادرهایشان می‌مانند. برخی هرگز آشیانه خانواده را ترک نمی‌کنند. یک علت [این موضوع] سیستم آموزش ایتالیا است. ممکن است در بین شما، برای آن‌هایی که کالج‌تان را در سن ۲۱ [سالگی] تمام کرده‌اید، این موضوع غیر قابل باور به نظر برسد، اما بیشتر دانشجویان ایتالیایی تا اواخر دهه بیست [زندگی]‌شان فارغ‌التحصیل نمی‌شوند. حمایت از آن‌ها از نظر مالی بر عهده خانواده‌هایشان است، چرا که تعداد اندک بورس‌های تحصیلی اعطا شده، به آن‌هایی داده می‌شود [که] از خانواده‌های پرجمعیت [هستند] با تعداد زیادی برادر و خواهر که آن‌ها هم دانشجو هستند.

مقدار فضای مورد استفاده برای منظره، تنها ویژگی مهم نقاشی مناظر نیست. روش‌هایی که نقاشان مناظر، از رنگ و قلم‌موهای خودشان استفاده می‌کنند هم بسیار مهم است. نقاشی‌های مناظر و انسان و نگوگ به علت رنگ زنده و حرکات قلم‌موهایشان مشهور بودند. برای مثال، او در [تابلو] شب پرستاره، از حرکتی مدور استفاده کرد تا ستاره‌ها و آسمان شب را بکشد. ضربات چرخشی [قلم‌مو] باعث می‌شود ستارگان درخشان و زنده به نظر برسند.

بسیاری از نقاشان مناظر، تلاش می‌کنند دقیقاً آن‌چه را که می‌بینند، بکشند. اما گاهی اوقات، نقاشان مناظر، نقاشی‌های مناظری را خلق می‌کنند تا ایده‌ها یا احساسات را ابراز کنند. برای مثال، بسیاری از نقاشان مناظر در سده ۱۸۰۰ می‌خواستند باورشان را ابراز کنند که خداوند در طبیعت در نزدیک‌ترین حالت درک می‌شود؛ و امروزه بعضی از نقاشان، نقاشی‌های مناظر را خلق می‌کنند تا نشان دهند انسان‌ها چگونه زمین را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

۲۱۴۳۷ پاراگراف دوم متن چه چیزی را توصیف می‌کند؟

(۱) یک نقاشی توسط توماس گینزبارو

(۲) چه‌طور بعضی از هنرمندان باورهایشان را از طریق نقاشی‌های مناظر ابراز می‌کنند

(۳) شیوه‌ای [که] نقاشان مناظر از رنگ و قلم‌موهای خودشان استفاده می‌کردند

(۴) یک نقاشی توسط وینسان ون‌گوگ

۲۱۴۳۸ وینسان ون‌گوگ برای خودش شناخته شده بود.

(۱) نقاشی‌های دارای رنگ روشن (۲) نقاشی‌های تیره‌رنگ

(۳) رنگ‌های زنده (۴) نقاشی‌های پیچ‌وتاب‌دار

۲۱۴۳۹ متن اطلاعات کافی فراهم می‌کند تا به کدام یک از سؤالات زیر پاسخ دهد؟

(۱) یک نمونه نقاشی مناظر که یک منطقه تعطیلات زیبا را به تصویر در می‌آورد چه بود؟

(۲) چه کسی مشهورترین نقاش مناظر در تاریخ هنر بود؟

(۳) توماس گینزبارو چه چیزی را در نقاشی‌اش آقا و خانم اندروز ابراز کرد؟

(۴) کدام نوع از نقاشی مناظر بزرگ‌ترین تأثیر را در تاریخ هنر داشته است؟

۲۱۴۴۰ این متن عمدتاً در مورد می‌باشد.

(۱) هنرمندی به نام وینسان ون‌گوگ

(۲) چگونگی درست کردن رنگ از چیزهای [موجود] در طبیعت

(۳) سبکی از هنر که روی طبیعت تمرکز می‌کند

(۴) [این‌که] چرا مناظر خاصی برای نقاشی کردن بهتر از بقیه هستند

متن ۴

نقاشی‌های مینیاتور تصاویر خیلی کوچک و ظریفی هستند. امروزه کلمه «مینیاتور» می‌تواند به معنی هر چیزی باشد که بسیار کوچک است، اما موقعی که آن برای اولین بار برای توصیف نقاشی‌ها به کار رفت، هیچ ربطی به اندازه آن‌ها نداشت بلکه به نوع رنگی که در آن‌ها به کار می‌رفت مربوط بود. در لاتین این رنگ مینیوم نامیده می‌شد و آن نوعی رنگ قرمز بود که در تزئین نسخه‌های خطی نوشته شده در قرون وسطی استفاده می‌شد. نسخه خطی، اغلب پرتره‌های کوچکی از پشتیبان مالی داشت که هزینه نوشته شدن آن را پرداخت می‌کرد و از چنین پرتره‌هایی بود که هنر نقاشی مینیاتور به وجود آمد.

بسیاری از نقاشان از خلق هنر برای تقلید واقعیت، احساس سرخوردگی می‌کردند. نقاشان سمبولیست احساس می‌کردند به جای نقاشی کردن دقیق آنچه که می‌دیدند، نقاشی‌هایشان باید بروز بصری احساسات و تفکرات درونی‌شان باشد. آن‌ها اغلب برای انجام این [کار]، تصاویر رموز یا غیرمشخص را به عنوان تصاویر نمادین می‌کشیدند تا [احساسات] خودشان را ابراز کنند. بسیاری از مردم اعتقاد دارند سمبولیسم جنبش هنری مهمی بود. تعدادی از نقاشان سمبولیست مانند مونک، اشکال کج و معوج می‌کشیدند. آن‌ها همچنین از خط و رنگ متفاوت با هر زمان دیگری در گذشته استفاده می‌کردند. آن‌ها با این ابزارها، باعث می‌شدند احساساتی مانند ترس و حسادت بر سر بیننده فریاد بزنند (به وضوح به بیننده منتقل شوند).

۳۱۴۴۹ این متن عمدتاً چه چیزی را توصیف می‌کند؟

(۱) زندگی شخصی و هنری ادوارد مونک

(۲) جنبش سمبولیسم از چه‌نظر با سایر جنبش‌های هنری متفاوت بود

(۳) نقاشان سمبولیست چگونه احساسات و تفکرات خودشان را در نقاشی‌هایشان ابراز می‌کردند

(۴) تفاوت بین نقاشان سمبولیست گذشته و نقاشان سمبولیست امروزی

۴۱۴۵۰ کلمه "it" در پاراگراف دوم به اشاره دارد.

(۱) ساختار نگارش (۲) زمانه خردورزی جامعه

(۳) ارزش چیزهای مادی (۴) جنبش سمبولیسم

۱۱۴۵۱ بر مبنای اطلاعات پاراگراف سوم، نقاشی‌های سمبولیستی را چگونه می‌توان به بهترین شکل توصیف کرد؟

(۱) آن‌ها ایده یا باور خاصی را نشان می‌دهند.

(۲) آن‌ها واقعیت را دقیقاً به تصویر می‌کشند.

(۳) آن‌ها تنها انسان‌هایی را نشان می‌دهند که احساس خاصی را ابراز می‌کنند.

(۴) آن‌ها تصاویر ناآشنا برای بیشتر مردم را نشان می‌دهند.

۴۱۴۵۲ چرا نویسنده توضیح می‌دهد نقاشان سمبولیست چه نوع تصویری را می‌کشیدند؟

(۱) تا هنر سمبولیسم را با ادبیات سمبولیسم مقایسه کند

(۲) تا نشان دهد هنر سمبولیسم چگونه در حال گسترش در سرتاسر اروپا و آمریکای شمالی تغییر می‌کند

(۳) تا توضیح دهد چرا بعضی از افراد توسط هنر سمبولیسم سردرگم هستند.

(۴) تا بر این حقیقت تأکید کند که نقاشان سمبولیست می‌خواستند [احساسات] خودشان را برخلاف تقلید از واقعیت ابراز کنند

متن ۷

جامعه‌شناسی مطالعه جنبه‌های مختلف جامعه و اعضایش است. جامعه‌شناس شخصی است که این مطالعه را بر عهده می‌گیرد. جامعه‌شناسان به چگونگی سازمان یافتن گروه‌های اجتماعی، به رابطه بین گروه‌های مختلف در جامعه و به چگونگی رفتار مردم به عنوان اعضای جامعه علاقه‌مند هستند. آن‌ها همچنین به مسائل اجتماعی و جست‌وجوی راه‌حلی برای آن مسائل علاقه‌مند هستند. گروه‌های اجتماعی که توسط جامعه‌شناسان مطالعه می‌شوند ممکن است کوچک و متراکم باشند، مثل خانواده، یا بزرگ و گسترش یافته، مثل یک سازمان سیاسی یا اتحادیه صنفی.

دلیل دیگر ظاهر زیبا است، که هنوز بخش بسیار مهمی از زندگی ایتالیایی می‌باشد. ترجمه تقریبی این [عبارت: la bella figura] به معنی گذاشتن تأثیر خوب روی سایرین است. برای افراد جوان ایتالیایی به‌منظور دست یافتن به ظاهر زیبا، کاملاً طبیعی است که در سن ۱۸ سالگی، یک ماشین کاملاً نو، به علاوه یک تلفن همراه [به آن‌ها] داده شود و البته در کمک‌های والدین برای لباس‌ها، کفش‌ها، عینک‌های آفتابی و تمام آن ضروریات دیگر، کم و کسری وجود نخواهد داشت. طبیعتاً این بدین معنا است که هیچ مشارکتی در خانه‌داری وجود نخواهد داشت، حتی اگر بچه کسب درآمد کند. یک معلم ۳۵ ساله که دوستم است، خیلی صادقانه گفت: «پدر و مادرم قبضه را را پرداخت می‌کنند و در عوض اگر آن‌ها به من نیاز داشته باشند، من در کنارشان هستم. من غیر عادی نیستم.»

۳۱۴۴۵ کلمه "They" در پاراگراف اول به اشاره دارد.

(۱) الگوهای خانوادگی ایتالیایی

(۲) والدین ایتالیایی که در دهه سی زندگی‌شان هستند

(۳) بچه‌های ایتالیایی که خانه را این‌قدر دیر در زندگی ترک می‌کنند

(۴) افراد جوان ایتالیایی که اغلب مدرک کالج را بسیار دیر در زندگی می‌گیرند

۴۱۴۴۶ طبق متن، آن [دسته از] دانشجویان ایتالیایی که برای تحصیلات کالج کمک مالی دریافت می‌کنند

(۱) در ادامه باید از برادرها و خواهرهایشان حمایت کنند

(۲) از خانواده‌های بزرگی با بچه‌های با استعداد می‌آیند

(۳) می‌توانند امیدوار باشند که تحصیلاتشان را قبل از سن ۲۱ [سالگی] تمام کنند

(۴) تعدادشان به اندازه آن‌هایی که بدون چنین کمک‌هایی به کالج می‌روند، زیاد نیست

۱۱۴۴۷ متن بیان می‌کند که آن افراد جوانی که خانواده‌هایشان به آن‌ها ماشین، تلفن همراه و غیره می‌دهند

(۱) ملزم نیستند در خانه کمک کنند

(۲) باید هر چه سریع‌تر شروع به کار کنند

(۳) محتمل نیست که تا وقتی ۳۵ ساله شوند، مستقل زندگی کنند

(۴) انتظار می‌رود به اندازه کافی خوب رفتار کنند تا برای جوانان در سایر خانواده‌ها الگو باشند

۴۱۴۴۸ نویسنده در پاراگراف ۲ به دوستش اشاره می‌کند تا

(۱) استثنایی را ذکر کند (۲) دلیل دیگری را ارائه کند

(۳) یک جمله قبل‌تر را تغییر دهد (۴) ایده اصلی را بیشتر تقویت کند

متن ۶

نقاشی ادوارد مونک با عنوان جیغ به ما نشان می‌دهد که این هنرمند در درون چه قدر سرخورده است. این نقاشی، یک نمونه اساسی از سمبولیسم (نمادگرایی) است.

در اواخر سده ۱۸۰۰، جنبش سمبولیسم با نویسندگان فرانسوی در واکنش به ساختار خشک نگارش آغاز گردید. آن‌ها همچنین به زمانه خردورزی جامعه و ارزش چیزهای مادی واکنش نشان می‌دادند. این جنبش در سرتاسر اروپا و حتی آمریکای شمالی گسترش یافت. آن بر روی هنرهای تجسمی و تئاتر تأثیر گذاشت.

هنرمندان رنسانس برای ایجاد هنر واقع‌گرایانه‌تر، تکنیک‌های نقاشی جدیدی را شکل دادند. برای مثال، آن‌ها پرسپکتیو (ژرفانمایی) را یاد گرفتند. به جای تلبار کردن اشکال و اشیاء با هم بر روی بوم نقاشی، اشکالی که دور بودند، کوچک‌تر کشیده می‌شدند. آن‌هایی که نزدیک‌تر بودند، بزرگ‌تر کشیده می‌شدند. حتی فرمول‌هایی درست شدند تا هنرمندان بتوانند پرسپکتیو را به صورت واقع‌گرایانه نمایش کنند. تکنیک دیگری [که] هنرمندان رنسانس شکل دادند، سایه‌روشن نام داشت. سایه‌روشن کلاً در مورد نشان دادن بصری نور و سایه‌ها است. این تکنیک باعث شد اشکال، طبیعی‌تر و سه بعدی به نظر برسند. نقاشان می‌توانستند با سایه‌ها حس ژرفا را به وجود بیاورند. [در نتیجه] اشکال، کم‌تر مسطح یا خشک به نظر می‌رسیدند.

لئوناردو داوینچی در اثر فوق‌العاده‌اش مونالیزا، از سایه‌روشن استفاده کرد. این تابلو یکی از مشهورترین نقاشی‌ها در جهان است. آن بر روی هنرمندان رنسانس، به خصوص آن‌هایی که پرتره (عکس چهره) می‌کشیدند، تأثیر گذاشت. برای مثال، نقاش مشهور رنسانس، رافائل، پرتره‌هایش را از روی مونالیزا الگوبرداری کرد. [تندیس] داوود میکل‌آنژ، شاهکار دیگری از هنر رنسانس است. میکل‌آنژ این تندیس (مجسمه) را از سنگ مرمر تراشید و ۱۷ فوت ارتفاع دارد. داوود شخصیتی از انجیل است. در انجیل، داوود جوان، آدم‌غول‌پیکری به نام جالوت را با تیروکمان شکست می‌دهد. [تندیس] داوود میکل‌آنژ مانند سایر [مصادیق] هنر رنسانس، انسانیت و بدن انسان را مورد ستایش قرار می‌دهد.

۳۱۴۵۷ متن، هنر قرون وسطی را با هنر رنسانس مقایسه می‌کند. هنر رنسانس و قرون وسطی از چه نظر تفاوت داشتند؟

- (۱) هنر رنسانس ایده‌های کلاسیک یونان و روم را رد می‌کرد. هنر قرون وسطی آن‌ها را نشان می‌داد.
- (۲) هنر رنسانس درون‌مایه‌های انجیل و منزلت انسان را نشان می‌داد. هنر قرون وسطی ایده‌ها و توانایی انسان را مورد ستایش قرار می‌داد.
- (۳) هنر قرون وسطی نشان‌دهنده درون‌مایه‌های مسیحیت بود. هنر رنسانس ایده‌ها و توانایی انسان را مورد ستایش قرار می‌داد.
- (۴) هنر رنسانس بر زیبایی بدن انسان تأکید نمی‌کرد. هنر قرون وسطی [تأکید] می‌کرد.

۲۱۴۵۸ بر مبنای متن، استفاده لئوناردو از سایه‌روشن، چه تأثیری را در نقاشی‌اش مونالیزا به وجود می‌آورد؟

- (۱) آن کمک می‌کند لیخند مشهور او را به وجود بیاورد.
- (۲) آن کمک می‌کند نگاهی واقع‌گرایانه را همراه با سه بُعد و [حس] ژرفا به وجود بیاورد.
- (۳) آن به ایجاد اثر محو کمک می‌کند.
- (۴) آن تصویر را تیره می‌کند.

۱۱۴۵۹ هنرمندان رنسانس برای ایجاد پرسپکتیو، چگونه نشان می‌دادند که بعضی از افراد دورتر از بقیه بودند؟

- (۱) آن‌ها افرادی را که دورتر بودند، کوچک‌تر می‌کردند.
- (۲) آن‌ها افرادی را که دورتر بودند، تیره‌تر می‌کردند.
- (۳) آن‌ها چهره‌های افرادی را که دورتر بودند، نمی‌کشیدند.
- (۴) آن‌ها افرادی را که دورتر بودند، بزرگ‌تر می‌کردند.

اکثر جامعه‌شناسان اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند و سعی می‌کنند حقایق را درباره جامعه خودشان توضیح دهند. اما جامعه‌شناسان جامعه‌هایی به‌جز جامعه خودشان را نیز مطالعه می‌کنند. آن‌ها به منظور جمع‌آوری اطلاعات، به محاسبات اداری (مانند داده‌های سرشماری) متکی هستند؛ آن‌ها با افرادی مصاحبه می‌کنند که ممکن است در مورد مسئله مورد تحقیق کارشناس باشند، برای مثال، در مورد اعتیاد به مواد مخدر یا پلیس یا روان‌شناسان؛ و [هم‌چنین] با افراد مصاحبه می‌کنند، مثل معتادان به مواد مخدر، تبهکاران، افراد مسن و غیره. آن‌ها با هر شخص موجود در گروه مورد مطالعه مصاحبه نمی‌کنند بلکه در عوض یک نمونه نوعی یا معمولی از گروه را انتخاب می‌کنند. جامعه‌شناسان هم‌چنین از طریق مشاهده آن‌چه که در اطرافشان اتفاق می‌افتد، اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند. آن‌ها ممکن است با دیگر جامعه‌شناسان و هم‌چنین با کارشناسان دیگر در آن زمینه: برای مثال جمعیت‌شناسان (کارشناسان جمعیت)، اقتصاددان‌ها، کارشناسان آمار و روان‌شناسان کار کنند.

۲۱۴۵۳ طبق متن، جامعه‌شناسان به تمام موارد زیر علاقمند هستند به‌جز

- (۱) [این‌که] گروه‌های اجتماعی چگونه تشکیل می‌شوند
 - (۲) رشد اجتماعی افراد در جامعه
 - (۳) [این‌که] افراد چگونه به‌عنوان اعضای یک جامعه خاص رفتار می‌کنند
 - (۴) مسائل اجتماعی و راه‌حل‌های ممکن برای آن مسائل
- ۴۱۴۵۴** طبق متن، کدام یک از موارد زیر در مورد جامعه‌شناسان صحیح نیست؟

- (۱) اکثر آن‌ها بر روی جامعه خودشان متمرکز می‌شوند.
 - (۲) آن‌ها به آمارهای منتشرشده توسط دولت متکی هستند.
 - (۳) آن‌ها بر روی جوامعی به‌جز جامعه خودشان مطالعه می‌کنند.
 - (۴) آن‌ها گاهی اوقات اطلاعاتی را از فروشندگان مواد مخدر جمع‌آوری می‌کنند.
- ۴۱۴۵۵** طبق متن، جامعه‌شناسان از طریق تمام شیوه‌های زیر اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند به‌جز

- (۱) مصاحبه با پلیس و قربانیان
- (۲) کار کردن با کارشناسان جمعیت
- (۳) صحبت کردن با کارشناسان در رشته‌های دیگر
- (۴) مصاحبه با تمام افرادی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند

۳۱۴۵۶ کدام یک از گروه‌های زیر ممکن است با دیگر جامعه‌شناسان کار نکنند؟

- (۱) روان‌شناسان
- (۲) اقتصاددانان
- (۳) فیزیولوژیست‌ها
- (۴) کارشناسان آمار

۸ متن

دوره بعد از قرون وسطی، رنسانس بود. هنرمندان رنسانس برای منبع الهام، به ایده‌آل‌های کلاسیک یونان و روم روی آوردند. هنر آن‌ها، ایده‌ها و توانایی انسان را مورد ستایش قرار می‌داد. هنرمندان رنسانس بر زیبایی بدن انسان تأکید می‌کردند. آن‌ها تلاش می‌کردند تا منزلت انسان‌ها را در [قالب] نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی زنده (کاملاً طبیعی) ثبت کنند.

۳۱۴۶۸ او به مدت بیش از ۴۰ سال از همسرش جدا گردیده بود، اما با وجود این به محض این‌که او را در فرودگاه دید، او را شناخت.

(۱) راضی کردن، خشنود کردن (۲) قدر ... را دانستن، ارج نهادن به (۳) شناختن، به جا آوردن؛ تأیید کردن (۴) گیج کردن، سردرگم کردن
۳۱۴۶۹ آن‌ها از شنیدن این‌که دخترشان و خانواده‌اش قادر خواهند بود برای کریسمس به دیدن [آن‌ها] بیایند، خوشحال بودند.

(۱) سربلند، مفتخر؛ مغرور، متکبر (۲) خوشحال، شاد، خشنود (۳) اجتماعی، معاشرتی، خون‌گرم (۴) محلی
۳۱۴۷۰ این مدرسه برای آموزش خواندن، از ترکیبی از روش‌های مدرن و سنتی استفاده می‌کند.

(۱) تفریحی (۲) تزئینی، زینتی (۳) سنتی (۴) اقتصادی، مقرون به صرفه
۴۱۴۷۱ لین می‌گوید از مرگ نمی‌ترسد؛ او فقط از [تصور] از دست دادن افرادی که دوست دارد می‌ترسد.

(۱) کسل از، خسته از (۲) وابسته به، متکی به (۳) خجالت‌زده از، شرم‌زده از (۴) ترسیده از، وحشت‌زده از
۴۱۴۷۲ افزایش قیمت‌های سوخت مدنظر قرار گرفته است تا برای کاربران اتومبیل‌ها به عنوان عامل دلسردکننده در مورد استفاده از اتومبیل‌هایشان عمل کند. "rise" (صعود؛ افزایش، بالا رفتن) متضاد "fall" است.

(۱) بسته؛ پاکت (۲) گرفتن؛ نفوذ، تأثیر (۳) گرفتن (۴) سقوط؛ کاهش، افت
۳۱۴۷۳ ویکتور وقتی بالاخره فارغ‌التحصیل شد، احساس می‌کرد به هر چیزی که در صدد انجام به آن بود، دست یافته است.

(۱) ترکیب کردن، تلفیق کردن (۲) بیان کردن، ابراز کردن (۳) دست یافتن به، رسیدن به، نایل شدن به (۴) پیشنهاد کردن، توصیه کردن؛ حاکی از ... بودن

متن کلوز

هر فیلمی با یک ایده آغاز می‌شود! فیلم‌سازان و نویسندگان از زندگی خودشان و از جهان پیرامون‌شان الهام می‌گیرند. آن‌ها به تجربیات خودشان توجه می‌کنند. این تجربیات باعث می‌شوند آن‌ها به شکل خاصی فکر یا احساس کنند. این تفکرات و احساسات به فیلم‌سازان و نویسندگان کمک می‌کنند ایده یا داستانی را پیدا کنند.

نویسندگان زمان زیادی را صرف کار روی داستان‌هایشان می‌کنند. بعضی داستان‌ها خیلی پیچیده هستند. سایر داستان‌ها ساده هستند. داستان‌ها به ژانرهایی دسته‌بندی می‌شوند. نمونه‌هایی از تعدادی از ژانرهای محبوب شامل کمدی، عاشقانه، معمایی و داستانی است. نویسندگان شخصیت‌ها را به وجود می‌آورند تا در داستان‌هایشان قرار دهند. شخصیت‌ها می‌توانند بامزه یا احقر باشند. آن‌ها می‌توانند باهوش یا ماجراجو باشند. آن‌ها می‌توانند هر ترکیبی از خصوصیت‌ها را داشته باشند که شخصیتی را شکل می‌دهند. شخصیت‌ها حتی می‌توانند حیوان باشند. در مورد بعضی از شخصیت‌های فیلم (سینمایی) یا تلویزیونی محبوب‌تان فکر کنید. چه چیزی آن‌ها را خاص می‌کند؟

۲۱۴۶۰ ایده اصلی این متن چیست؟

(۱) هنر اروپایی در قرون وسطی، درون‌مایه‌های مسیحیت را در خود گنجانده. (۲) هنرمندان رنسانس برای ایجاد هنر واقع‌گرایانه‌تر، تکنیک‌های نقاشی جدیدی را شکل دادند. (۳) نقاشان می‌توانند با سایه‌ها حس ژرفا را به وجود بیاورند. (۴) هنرمندان رنسانس با نقاشی اشکال در اندازه‌های مختلف، پرسپکتیو را به وجود آوردند.

۲۱۴۶۱ کدام یک از کلمات یا عبارات زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) سه‌بعدی (پاراگراف ۳) (۲) سایه‌روشن (پاراگراف ۳) (۳) پرتو (پاراگراف ۴) (۴) شاهکار (پاراگراف ۵)

۳۱۴۶۲ مادر به پسرش هشدار داد به سیم‌های برق دست نزنند. آن‌ها خطرناک هستند.

◀ بعد از فعل warn (به ... هشدار دادن) ابتدا مفعول (در این تست her son) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود. برای منفی کردن مصدر با to هم باید قبل از to مصدری، not قرار دهیم.

۳۱۴۶۳ دانش‌آموزان وقتی آن فیلم جالب را دیدند، خیلی سرگرم شدند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، صفت به حس و حالتی اشاره دارد که در دانش‌آموزان ایجاد شده، در این مورد به صفت مفعولی (amused) نیاز داریم. اما صفت به کار رفته در جای خالی دوم، در دانش‌آموزان حسی را به وجود می‌آورد؛ بنابراین در این جای خالی، از صفت فاعلی (interesting) استفاده می‌شود. دقت کنید که معمولاً از صفات فاعلی برای اشاره به غیر انسان (در این تست movie) و از صفات مفعولی برای اشاره به انسان (در این تست students) استفاده می‌کنیم.

۳۱۴۶۴ آن‌ها چشم‌انتظار ما هستند. اگر حضور نیابیم (به آن‌ها نرویم)، آن‌ها ناامید خواهند شد.

◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will be)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این تست show up) نیاز داریم. دقت کنید که برای منفی کردن فعل اصلی در زمان حال ساده، از don't / doesn't پیش از فعل استفاده می‌شود.

۲۱۴۶۵ A: «می‌دانید چرا تام نمی‌خواهد با من به خرید برود؟»

B: «فکر کنم او خرید را دوست ندارد.»

◀ بعد از فعل want (خواستن)، فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود. دقت کنید که چون ضمیر آخر جمله A، در جایگاه مفعول قرار دارد و به فاعل جمله (Tom) هم اشاره ندارد، در این مورد به ضمیر مفعولی (me) نیاز داریم. نه ضمیر انعکاسی (myself).

۲۱۴۶۶ نسخه جدید این وسیله نقلیه [که] از نظر اندازه بزرگ‌تر و از نظر وزن سنگین‌تر [است]، محبوب از آب‌درآمده و فروش‌های فراتر از توقعات را تجربه می‌کند.

(۱) بیان، ابراز؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت (۲) انتظار، توقع (۳) شرط؛ وضع، وضعیت (۴) مقایسه؛ سنجش

۱۱۴۶۷ او هنگامی که فوت کرد، تمام پولش را برای یک مؤسسه خیریه به ارث گذاشت که به بچه‌ها در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند.

(۱) صدقه؛ خیرات؛ نیکوکاری؛ مؤسسه خیریه (۲) رسم، عادت، سنت (۳) سنت، رسم (۴) هویت

۴۱۴۷۴ (۱) درست کردن؛ باعث ... شدن

(۲) دادن

(۳) بردن؛ گرفتن

(۴) پرداخت کردن، پرداختن

◀ دقت کردن به، توجه کردن به: pay attention to

۴۱۴۷۵ (۱) واقعه، رویداد (۲) ایده، نظر

(۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات (۴) عامل، فاکتور

۴۱۴۷۶ ◀ بعد از فعل spend (در معنی صرف کردن، گذراندن)، ابتدا

مفعول (در این تست a long time) و سپس فعل دوم به شکل اسم مصدر

(فعل s-ing) به کار می‌رود.

۱۱۴۷۷ (۱) محبوب، پرتعداد

(۲) طبیعی؛ ذاتی

(۳) داخلی؛ خانگی، خانوادگی

(۴) خارجی؛ بیگانه

۱۱۴۷۸ (۱) شخصیت

(۲) بی‌نظمی، آشفتگی؛ اختلال

(۳) آموزش؛ آموزش و پرورش

(۴) اندازه؛ اقدام

متن

در یونان باستان، نمایش‌ها مخاطبان بسیاری را جلب می‌کردند؛ ممکن بود در یک اجرا تا ۳۰۰۰۰ نفر حاضر شوند. در جریان شکل‌گیری ابتدایی تئاتر یونانی، یک مرد ایده‌ای داشت که اشعار و موسیقی‌های گر را که قبلاً توسط گروه گر اجرا می‌شدند، [به تنهایی] اجرا کند. این مرد، [یعنی] تسپیس، تمام شخصیت‌های یک نمایش را خودش اجرا می‌کرد. او نقاب‌هایش را عوض می‌کرد تا نشان دهد چه زمانی شخصیت جدیدی را بازی می‌کند. بعدها، نمایش‌ها توسط دو یا سه مرد اجرا می‌شدند. این بازیگران مرد هنوز از نقاب‌های مختلف استفاده می‌کردند تا نشان دهند در حال بازی کدام شخصیت هستند.

در نمایش‌های یونانی، نقاب‌ها یک هدف دیگر را [هم] ایفا می‌کردند. چون تئاترها خیلی بزرگ بودند، برای اعضای حضار دیدن تغییرات حالات چهره بازیگران دشوار بود. این نقاب‌ها، چهره‌هایی مبالغه‌آمیز داشتند که دیدن آن‌ها برای اعضای حضار آسان‌تر بود.

محققان زمانی اعتقاد داشتند که این نقاب‌ها به عنوان نوعی بلندگو نیز عمل می‌کردند که به بازیگران کمک می‌کردند صداهایشان را برسانند. با وجود این، محققان امروزی با آن نظریه مخالف هستند، چون که تئاترهای یونان باستان با آکوستیک (وضعیت صوتی) خوب بنا می‌شدند. کیفیت صدا به اندازه کافی واضح بود که بازیگران به بلندگو نیاز نداشته باشند.

۴۱۴۷۹ تسپیس چرا نقاب‌ها را عوض می‌کرد؟

(۱) تا احساسات مختلف خودش را نشان دهد

(۲) تا تمام نقاب‌های مختلفی را که درست کرده بود، به اشتراک بگذارد

(۳) تا به حضار کمک کند صدای او را بهتر بشنوند

(۴) تا نشان دهد چه زمانی شخصیت جدیدی را بازی می‌کند

۲۱۴۸۰ چرا برای حضار در یونان باستان، دیدن حالات چهره بازیگران

دشوار بود؟

(۱) بازیگران در زمان بازی کردن نقش‌هایشان از احساس بسیار کمی استفاده می‌کردند.

(۲) تئاترها بسیار بزرگ بودند.

(۳) بازیگران سطرهای خودشان [از نمایش‌نامه] را پشت صحنه می‌گفتند.

(۴) چیدمان‌های پیچیده تئاتر، دیدن بازیگران را سخت می‌کرد.

۴۱۴۸۱ وقتی که بازیگران متعدد شروع به شرکت کردن در نمایش‌ها کردند،

چه اتفاقی افتاد؟

(۱) بازیگران حالات چهره اغراق‌آمیز را به وجود آوردند.

(۲) بازیگران استفاده از نقاب‌ها را متوقف کردند.

(۳) بازیگران برای ادا کردن سطرهای خودشان [از نمایش‌نامه] از گروه گر

استفاده کردند.

(۴) بازیگران نقش‌های دیگری را ایفا کردند.

۲۱۴۸۲ محققان این نظریه را که نقاب‌ها به عنوان بلندگو استفاده می‌شدند

رد کردند چون که

(۱) اعضای گروه گر نقاب نمی‌زدند

(۲) تئاترهای یونان کیفیت صدای خوبی داشتند

(۳) نقاب‌ها حالات چهره دقیقی داشتند اما در [جای] دهان هیچ

شکافی [نداشتند]

(۴) بازیگران در نمایش‌ها نقش‌هایشان را بیان نمی‌کردند

متن

جی. ای. اس. باخ در طول زندگی‌اش به عنوان یک اجراکننده ساز نابغه شناخته می‌شد، به خصوص با ارگ و ویولا. اگرچه باخ بیش از ۱۰۰۰ قطعه موسیقی نوشت، در زمانی که زنده بود، قدر تعداد بسیار کمی از آن‌ها دانسته شد. درک موسیقی او سخت و نواختن آن حتی سخت‌تر تلقی می‌شد.

باخ در دهه ۱۷۱۰ چیزی را تصنیف کرد [که] یکی از مشهور رین مجموعه آثار او شده است، [یعنی] کنسرتوهای براندنبورگ. او این قطعات را به عنوان بخشی از یک درخواست شغلی، برای کارفرمایی به نام کریستین اودویگ ارسال کرد. او هرگز پاسخی دریافت نکرد، چه رسد به کاری که می‌خواست. این اعتقاد وجود دارد که کریستین لودویگ هرگز حتی کنسرتوها را به اجرا در نیاورد. با وجود این، امروزه شما می‌توانید ارکسترهای سرتاسر جهان را در حال اجرای کنسرتوهای براندنبورگ باخ بشنوید. کنسرتوها تنها یک نمونه ارائه می‌کنند از این‌که نظر عمومی درباره باخ چگونه تغییر کرده است. در حال حاضر، بعضی از آثار باخ در بین بزرگ‌ترین [آثار] تاریخ موسیقی در نظر گرفته می‌شوند.

موسیقی باخ بسیار پیچیده است. او اغلب به جای تصنیف فقط یک ملودی در موسیقی‌اش، از دو [ملودی] استفاده می‌کرد. این در خط ملودی در تمام موسیقی جدا نگه داشته می‌شوند، مانند دو صدا [ی انسان] که با هم گفت‌وگویی دارند. پیچیدگی باخ برای شنونده ماهر، [به موسیقی] ژرفا می‌افزاید. موسیقی او ترکیب [خاص] خودش را دارد. باخ سخت مطالعه می‌کرد و از دانشجویانش توقع داشت با همان جدیت مطالعه کنند. او یک بار گفت: «من مجبور بودم سخت‌کوش باشم؛ هر کس که همان قدر سخت‌کوش باشد، به همان میزان موفق خواهد شد.»

۲۱۴۸۹ نمی توانم باور کنم. او یک سخنرانی یک ساعته ارائه داد و حتی یک بار مکث نکرد تا به یادداشت هایش نگاه کند.

(۱) اصرار کردن، پافشاری کردن

(۲) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۳) درنگ کردن، مکث کردن، توقف کردن

(۴) انتخاب کردن، برگزیدن

۲۱۴۹۰ نمی توانی به او تکیه کنی. برای مثال، او دیروز برای یک جلسه مهم یک ساعت دیر رسید.

(۱) اصل، اساس (۲) گزارش؛ ثبت؛ سابقه

(۳) عملکرد، کاربری (۴) نمونه، مثال؛ مورد

برای مثال، به عنوان نمونه: for instance

۲۱۴۹۱ بچه هایم دارند من را دیوانه می کنند. آن ها انگار هیچ وقت به من گوش نمی دهند مگر آن که سرشان فریاد بزنم.

(۱) منفجر شدن، ترکیدن

(۲) پاسخ دادن

(۳) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن

(۴) فریاد کشیدن، فریاد زدن

کسی را دیوانه کردن، کسی را سخت عصبانی کردن: drive sb crazy

۲۱۴۹۲ بسیاری از بیماری هایی که افراد را در کشورهای در حال توسعه می کشند می توانند با هزینه بسیار اندک با موفقیت درمان شوند.

(۱) از لحاظ مالی، از نظر پولی

(۲) با موفقیت، به خوبی

(۳) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی

(۴) به طور فزاینده، به طرزی روزافزون

۲۱۴۹۳ وقتی مواد [اولیه] خام یا غذاها فرآوری می شوند، به نحوی مناسب برای هدفی خاص تغییر می یابند.

(۱) جایگزین کردن، جانشین کردن؛ سر جای خود برگرداندن

(۲) عمل آوردن، فراوری کردن

(۳) مدیریت کردن؛ توانستن که، از عهده ... برآمدن

(۴) ذخیره کردن، انبار کردن

۱۱۴۹۴ انتظار می رود این منابع به ساختن ۵,۰۰۰ خانه جدید و پدید آوردن ۲۳,۰۰۰ شغل موقت کمک کند.

(۱) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

(۲) انتخاب کردن، برگزیدن

(۳) الهام بخشی ... بودن؛ القا کردن

(۴) قدردانی کردن، تشکر کردن؛ قدر ... را دانستن

۳۱۴۹۵ یک دکتر طب، به خصوص کسی که مهارت عمومی دارد و جراح نیست، پزشک نامیده می شود.

(۱) دانشمند (۲) روانشناس

(۳) دکتر، پزشک (۴) مخترع، مبدع

باخ نگران نبود که سایرین موسیقی او را دوست نداشتند. او فقط می گفت: «اگر نمی توانید همه را با هنرستان یا کارتان خشنود کنید، آن چند نفر را راضی کنید. خشنود کردن عده زیاد بد است.» باخ بر روی بسیاری از آهنگسازانی که بعد از او آمدند، تأثیر بسیاری داشت. اگرچه تصنیف های باخ در طول زندگی اش محبوب نبودند، بعدها باخ به عنوان یکی از بزرگ ترین آهنگسازان تمام دوران در نظر گرفته شد.

۲۱۴۸۳ کدام یک از موارد زیر کنسرتوهای براندنبورگ باخ را توصیف نمی کند؟

(۱) نمونه ای از این که نظرات در مورد باخ چگونه تغییر کرده است

(۲) بخشی از یک درخواست شغلی که باخ هرگز کسب نکرد

(۳) یکی از معروف ترین آثار او

(۴) برای نواختن و لذت بردن غیر ممکن

۱۱۴۸۴ چرا نویسنده توصیف می کند چگونه موسیقی باخ اغلب دو ملودی داشت؟

(۱) تا نشان دهد این موسیقی چگونه عمیق و پیچیده بود

(۲) تا توضیح دهد چرا مردم امروزه از موسیقی اش لذت می برند

(۳) تا نشان دهد چرا باخ معلم موسیقی خوبی بود

(۴) تا به خواننده یاد دهد چگونه دو ترانه را ترکیب کند

۲۱۴۸۵ به احتمال زیاد چرا نویسنده این نقل قول را از باخ می گنجاند: «اگر نمی توانید همه را با هنرستان یا کارتان خشنود کنید، آن چند نفر را راضی کنید. خشنود کردن عده زیاد بد است.»؟

(۱) تا نشان دهد باخ نسبت به شاگردانش، معلمی بی رحم و منفی بود

(۲) تا توضیح دهد چرا برای باخ اهمیتی نداشت که در طول زندگی اش مشهور نبود

(۳) تا ایده هایی را توصیف کند که به باخ الهام می بخشیدند تا کنسرتوهای براندنبورگ را تصنیف کند

(۴) تا نگرش باخ را توضیح دهد که هنرمندان همه باید رقابت کنند تا بیشترین افراد را خشنود سازند

۱۱۴۸۶ این متن عمدتاً در مورد می باشد.

(۱) موسیقی باخ و [این که] او چگونه به یاد آورده می شود

(۲) نظرات افرادی که موسیقی باخ را دوست نداشتند

(۳) روش هایی که باخ برای تعلیم دادن به شاگردانش استفاده می کرد

(۴) باخ چگونه یاد گرفت موسیقی بنوازد و تصنیف کند

۴۱۴۸۷ رئیس جمهور کاملاً از پیشرفت های اخیر آگاه شده اند.

(۱) مقایسه کردن با، سنجیدن با

(۲) مکان یابی کردن توسط

(۳) آزاد کردن در، رها کردن در

(۴) مطلع کردن از، خبر دادن در مورد، آگاه کردن از

۱۱۴۸۸ ما خوشحال بودیم از این که می دیدیم اضافه کردن چوب بیشتر به آتش آن را درخشان تر و گرم تر کرد.

(۱) اضافه کردن، افزودن (۲) تشکیل، شکل گرفتن

(۳) آلودگی (۴) محل، مکان، موقعیت

۲۱۴۹۶ وقتی تجربه هولناکی مانند آن را از سر گذرانده باشید، زمان زیادی می‌برد تا بهبود بیابید.

(۱) طبیعی؛ ذاتی

(۲) وحشتناک، هولناک؛ خیلی بد

(۳) مکرر، پی‌درپی، پشت سر هم

(۴) منفعل، غیرفعال، بی‌تحرک؛ بدون اختیار

۲۱۴۹۷ کتاب‌های او در کشور خودش یک موفقیت بودند، ولی نتوانستند در خارج توجه زیادی را جلب کنند.

(۱) در داخل، در داخل کشور

(۲) در خارج؛ از خارج؛ به خارج

(۳) ورای، فراتر از

۱۱۴۹۸ معلم متن را بارها و بارها توضیح داد تا مطمئن شود که تمام دانش‌آموزان در کلاس می‌توانند آن را بفهمند. "again and again" (بارها و بارها، به کثرت) به معنی "repeatedly" است.

(۱) به کثرت، بارها و بارها

(۲) ناگهان، به طور ناگهانی

(۳) به طور متفاوتی، به گونه‌ای دیگر

(۴) خیلی، بسیار

۴۱۴۹۹ محصول جدید بیش از سه سال زمان برد تا توسعه بیابد پیش از آن‌که بتواند در بازار قرار بگیرد (روانه بازار شود).

(۱) کمیت؛ تعداد

(۲) میراث، ارث

(۳) دستورالعمل؛ راهنما

(۴) محصول

۴۱۵۰۰ بسیاری از کودکان [کار] کافی برای انجام دادن در وقت آزادشان ندارند و در این موقع است که به دردسر می‌افتند.

(۱) مکرر، پی‌درپی

(۲) رحمت، لطف‌الهی

(۳) واقعی، حقیقی

(۴) اضافی، یدکی

وقت آزاد، اوقات فراغت: spare time

۱۱۵۰۱ او شایسته نمره بالاتری بود ولی آن را نگرفت چون او یک هفته از کلاس‌ها را به دلیل مریضی از دست داد.

(۱) سزاوار ... بودن، لایق ... بودن، شایسته ... بودن

(۲) رحم کردن به؛ معاف کردن از

(۳) فهمیدن، متوجه شدن

(۴) تقویت کردن؛ بهبود دادن؛ بهبود یافتن

۴۱۵۰۲ همسر به من گفت که لباس‌هایم را عوض کنم چون فکر می‌کرد من به طرزی مناسب برای مهمانی لباس نپوشیده‌ام.

(۱) به طور جدی، با جدیت

(۲) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی

(۳) معمولاً، به طور معمول

(۴) به طرزی مناسب، به نحو شایسته‌ای

۲۱۵۰۳ مرد بیمار پاهایش را در آب سرد قرار داد به این امید که آن به پایین آوردن درجه حرارت بدنش کمک کند.

(۱) مقایسه کردن، قیاس کردن، سنجیدن

(۲) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۳) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن

۱۱۵۰۴ آب‌وهوا در جزیره معمولاً بسیار گرم بود ولی اغلب طوفان‌ها و باران سنگین وجود داشت.

(۱) سنگین، شدید

(۲) قوی، نیرومند

(۳) سخت، دشوار

(۴) [وزن] سبک؛ [رنگ] روشن

باران سنگین، باران شدید: heavy rain

۲۱۵۰۵ تبلیغ در اینترنت، فروش ما را به میزانی که فکر می‌کردیم ممکن است [افزایش دهد]، افزایش نداده است.

(۱) شمردن؛ به حساب آوردن

(۲) افزایش دادن، زیاد کردن؛ تقویت کردن

(۳) انتخاب کردن، برگزیدن

(۴) پایه‌ریزی کردن، بنیاد نهادن

۳۱۵۰۶ برای اجتناب از سرما خوردن، خوب بخور و خواب و ورزش زیاد داشته باش تا مقاومت را در برابر عفونت حفظ کنی.

(۱) گرفتن؛ بردن

(۲) داشتن؛ خوردن

(۳) گرفتن؛ گیر آوردن

(۴) بالا بردن؛ [بچه] بزرگ کردن

سرما خوردن: catch a cold

۴۱۵۰۷ آن‌هایی که از آموختن دست می‌کشند، فرصت‌های ساختن آینده‌ای معنا دار، رضایت‌بخش و شاد را از دست می‌دهند.

(۱) افزایش دادن، اضافه کردن؛ افزایش یافتن

(۲) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن

(۳) اختصاص دادن؛ وقف کردن

(۴) به وجود آوردن؛ پدید آوردن، ایجاد کردن

۱۱۵۰۸ موز، آب پرتقال و خامه ممکن است ترکیب عجیبی با نظر برسد ولی آن‌ها با هم نوشیدنی خوشمزه‌ای می‌سازند.

(۱) ترکیب، مخلوط

(۲) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

(۳) مجموعه، کلکسیون

(۴) نسل؛ تولید؛ ایجاد

۱۱۵۰۹ او، پس از آن‌که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، با هدف خدمت کردن به مردم خودش به وطنش بازگشت.

(۱) زادگاه؛ وطن، سرزمین مادری

(۲) هویت

(۳) [در جمع] متعلقات، اموال منقول

(۴) احترام؛ جنبه، حیث

۲۱۵۱۰ دخترش، پس از آن‌که یک نقاشی که کشیده بود برنده جایزه در یک نمایشگاه هنری محلی شد از طرف روزنامه محلی مورد مصاحبه قرار گرفت.

(۱) سزاوار ... بودن، لایق ... بودن، شایسته ... بودن

(۲) مصاحبه کردن با

(۳) اداره کردن، کنترل کردن

(۴) تهیه کردن، فراهم کردن؛ در اختیار گذاشتن

۱۱۵۱۱ مادر از معلم خواست که لطف کند و او را از پیشرفت فرزندش در مدرسه مطلع کند.

(۱) مطلع از، آگاه از

(۲) علاقه‌مند به

(۳) مراقب در مورد ...، محتاط درباره ...

(۴) دوستانه در قبال

۳۱۵۱۲ ما باید به افراد جوان کمک کنیم وقتی که هنوز در مدرسه هستند

حس مسئولیت‌پذیری را [در خود] پرورش دهند.

(۱) طبیعت؛ ماهیت، ذات

(۲) حقیقت، واقعیت

(۳) حس، احساس

(۴) کمیت؛ مقدار؛ تعداد

۲۱۵۲۲ برای کودکانی که این همه رنج برده‌اند سال‌های زیادی زمان می‌برد تا یاد بگیرند که دوست داشته باشند و متنفر نباشند.

(۱) احساس کردن (که)

(۲) فاقد ... بودن، نداشتن

(۳) نفرت داشتن از، متنفر بودن از

(۴) توجه کردن به / که، دقت کردن به / که؛ متوجه شدن که؛ یادداشت کردن

۴۱۵۲۳ اگر قلبتان مشتاق باشد، هزاران راه می‌سازد، ولی اگر [مشتاق] نباشد هزاران بهانه می‌سازد.

(۱) عمیق، گود (۲) فعال، کاری، پُرکار

(۳) انعطاف‌پذیر؛ قابل تغییر (۴) علاقه‌مند، مشتاق

۱۱۵۲۴ زن جوان از تصادف ماشین دچار ضربه مغزی شد و به سن فکری یک [کودک] پنج‌ساله بازگشت.

(۱) مغز (۲) ذهن، فکر (۳) سلول (۴) اندام، عضو

۳۱۵۲۵ این آثار هنری حائز اهمیت بسیاری برای میراث ملی ایران تلقی می‌شوند.

(۱) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول (۲) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق

(۳) میراث؛ اثر (۴) ترکیب

۳۱۵۲۶ عمده [جمعیت] کشور از کمبود شدید آب رنج می‌برد و مقادیر کمی که تأمین شده برای استفاده انسان مناسب نیست.

(۱) عمق، ژرفا (۲) کیفیت؛ ویژگی

(۳) نبود، فقدان، کمبود (۴) شکست، عدم موفقیت، ناکامی

۲۱۵۲۷ بیزینس‌من اندرو کارنگی حدود ۳۳۰ میلیون دلار به کتابخانه‌ها، پروژه‌های تحقیقاتی و تلاش‌هایی برای صلح جهانی اهدا کرد.

(۱) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استنباط کردن، استخراج کردن

(۲) اهدا کردن، بخشیدن

(۳) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

(۴) نصب کردن، کار گذاشتن

۳۱۵۲۸ معلم علوم به هر بچه انجام یک آزمایش را واگذار کرد که در برابر تمام کلاس ارائه می‌شد.

(۱) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۲) ترکیب، مخلوط

(۳) آزمایش (۴) جایگزین، جانشین

۲۱۵۲۹ وقتی کارمندان جدید استخدام می‌کنیم، به معیارهای مختلفی نگاه می‌کنیم ولی مهم‌تر از همه تحصیلات و تجربه.

(۱) به طور مشروط (۲) اساساً، به طور اساسی؛ مهم این‌که

(۳) با موفقیت، به خوبی، به نحو مطلوبی (۴) عملاً، در عمل؛ از نظر کارکرد

۴۱۵۳۰ او چیزی را به زبانی که ایتالیایی تشخیص دادم زمزمه می‌کرد، ولی نمی‌توانستم کلمات را ترجمه کنم.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن

(۳) ترجیح دادن

(۴) ترجمه کردن

۲۱۵۱۳ پلیس خیلی نگران سلامت نوجوان کم‌سن‌وسالی است که سه روز است از خانه غیبت زده.

(۱) پا به سن گذاشته، مسن، پیر (۲) نوجوان

(۳) هویت (۴) کودکی

۴۱۵۱۴ پژوهشگران دریافته‌اند که یک عملکرد مغز تولید موادی است که می‌توانند سلامت شما را بهبود ببخشند.

(۱) احترام؛ جنبه، وجه (۲) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

(۳) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول (۴) عملکرد، کاربرد

۴۱۵۱۵ قبل از خریدن یک فرهنگ لغت جدید برای خودت، تعدادی لغت را در نمونه‌های مختلف پیدا کن تا ببینی کدام یک واضح‌ترین تعاریف را دارد.

(۱) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول (۲) الهام؛ منبع الهام

(۳) اصل، اساس، مبنا (۴) تعریف

۳۱۵۱۶ پس از کار کردن به عنوان کارمند برای سال‌های فراوان، بیل ناگهان تصمیم گرفت [کارش را] رها کند و فروشگاه خودش را باز کند.

(۱) بارها و بارها، به کرات (۲) با حق‌شناسی، با سپاسگزاری

(۳) ناگهان، به طور ناگهانی (۴) عموماً، به طور کلی

۱۱۵۱۷ او نسبت به پولش چندان گشاده‌دست نیست؛ او برای چیزهای ضروری خرج می‌کند ولی به ندرت به افراد نیازمند کمک می‌کند.

(۱) گشاده‌دست، سخاوتمند

(۲) اجتماعی، معاشرتی

(۳) سنتی

(۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص

۱۱۵۱۸ هر سال تعداد زیادی از افراد می‌آیند و به ما کمک می‌کنند و ما سپاسگزار حمایت آن‌ها هستیم.

(۱) ممنون، سپاسگزار، متشکر

(۲) خلّاق، پر از خلاقیت؛ الهام شده

(۳) منفعل، غیرفعال؛ مجهول

(۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص

۴۱۵۱۹ این پروژه طراحی شده است تا حدود ۳۰ مگاوات برق برای شبکه ملی [برق] تولید کند. "generate" (تولید کردن؛ به وجود آوردن) به معنی "produce" است.

(۱) نصب کردن، کار گذاشتن (۲) ترکیب کردن، آمیختن

(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن (۴) تولید کردن، ساختن

۴۱۵۲۰ هرگز راه حل بی‌نقصی برای این موقعیت نخواهد بود چرا که شما نمی‌توانید همیشه همه را راضی کنید.

(۱) اصل، اساس، مبنا (۲) رحمت، لطف الهی

(۳) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۴) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول

۴۱۵۲۱ مطالعات علمی اخیر داروهایی طبیعی را شناسایی کرده‌اند که می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کنند.

(۱) اتفاقی، تصادفی (۲) مکرر، پی‌درپی، پشت سر هم

(۳) خوشبخت، سعادتمند (۴) طبیعی؛ ذاتی

۱۱۵۳۱ تعجبی ندارد که با نرخ بیکاری به این بالایی، برخی از کسانی که مدرسه را با مدارک تحصیلی ترک می‌کنند، موفق نمی‌شوند کار پیدا کنند.

(۱) در کمال تعجب؛ به طور شگفت‌انگیزی، به طور تعجب‌آوری

(۲) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی

(۳) به لحاظ مالی، از نظر پولی

(۴) جالب این‌که، عجیب این‌که

عجیب نیست که، تعجبی ندارد که: **not surprisingly**

۱۱۵۳۲ اگر فرزندان مریض شد، مطمئن شوید که پزشک می‌داند او چه داروهایی مصرف می‌کند.

(۱) پزشک، دکتر

(۲) مخترع، مبدع

(۳) محقق، پژوهشگر

(۴) طراح، سازنده؛ توسعه‌دهنده

۱۱۵۳۳ تعطیلات ما فاجعه بود، نه تنها غذا مزخرف بود، آب‌وهوا هم خیلی بد بود.

(۱) اما، با وجود این

(۲) هنوز؛ با این حال

(۳) هم، نیز، هم‌چنین

(۴) علاوه بر این، به‌علاوه

۱۱۵۳۴ شبکه جهانی وب توسط دانشمند انگلیسی تیم برنرزی در [سال] ۱۹۸۹ اختراع شد. ولی او نخستین مرورگر وب را در [سال] ۱۹۹۰ نوشت.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) اختراع کردن؛ ابداع کردن

(۳) کشف کردن؛ پیدا کردن

(۴) ترجمه کردن

۱۱۵۳۵ به افرادی که تحت شرایط مشابه استخدام می‌شوند نباید کم‌تر از دیگران که وظایف مشابه انجام می‌دهند، [حقوق] پرداخت شود.

(۱) مورد، نمونه؛ قضیه

(۲) هدف، مقصود

(۳) ابزار، وسیله

(۴) وظیفه؛ کار، مسئولیت

۱۱۵۳۶ او دفترچه یادداشت روزانه می‌نویسد و آن [کارش] مرا ترغیب کرد که انجام همان کار را امتحان کنم، ولی به انگلیسی.

(۱) الهام‌بخش ... بودن؛ ترغیب کردن

(۲) فهمیدن، درک کردن

(۳) اختصاص دادن؛ صرف کردن

(۴) تأیید کردن، تصدیق کردن

کسی را به کاری ترغیب کردن: **inspire sb to do sth**

۱۱۵۳۷ اگر می‌خواهی وزن اضافه کنی باید کالری بسیار بیشتری از آن چه معمولاً هر روز [مصرف] می‌کنی، مصرف کنی.

(۱) قطعاً، مسلماً

(۲) به راحتی، با آسایش

(۳) معمولاً، به طور معمول

(۴) به طور عمومی، علناً، آشکارا

۱۱۵۳۸ او با کارفرمایش توافقی انجام داد که به موجب آن تعداد ساعات کم‌تری کار می‌کرد.

(۱) مگر این‌که

(۲) اگرچه، هر چند

(۳) که از آن طریق؛ که به موجب آن

(۴) اما، با وجود این

۱۱۵۳۹ در ژاپن، شخص باید هدایا را با دو دست بدهد و دریافت کند؛ این نشانه احترام و ادب به حساب می‌آید.

(۱) احترام؛ جنبه، وجه

(۲) افزایش، اضافه

(۳) ارث، میراث

(۴) جواب، راه‌حل؛ [شیمی] محلول

۱۱۵۴۰ پرستاران هر چند ساعت درجه حرارت [بدن] من را گرفتند و بسته‌های یخ من را عوض کردند تا تب من عصر فروکش کرد (شکست).

(۱) گرفتن؛ شدن

(۲) تب، نبض و غیره؛ گرفتن، اندازه گرفتن

(۳) نگر داشتن؛ برگزار کردن

(۴) انجام دادن

درجه حرارت ... را گرفتن: **take temperature**

۱۱۵۴۱ او گفت آب‌وهوا از کنترل ما خارج است و متذکر شد که تابستان گذشته یکی از گرم‌ترین [تابستان‌های] ثبت شده بود.

(۱) توزیع کردن؛ منتشر کردن

(۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۳) اشاره کردن به، متذکر شدن

(۴) الهام‌بخش ... بودن

۱۱۵۴۲ دکتر مجید سمیعی یک جراح اعصاب و دانشمند پزشکی برجسته ایرانی - آلمانی است که جایزه نوروپلاستی را در [سال] ۲۰۱۴ دریافت کرد.

(۱) با معنی، معنادار

(۲) سنتی

(۳) مشهور، نامدار؛ برجسته

(۴) اجتماعی، معاشرتی

۱۱۵۴۳ مادرت اتفاقی کمی از نامه‌ای را که دریافت کردی خواند چون آن را بدون نگاه کردن به نام روی پاکت باز کرد.

(۱) به کرات، بارها و بارها

(۲) اتفاقی، برحسب تصادف

(۳) بی‌قیدوشرط، بی‌چون‌وچرا

(۴) جالب این‌که، عجیب این‌که

۱۱۵۴۴ از زمان مرگ رئیس‌جمهور، بلاتکلیفی سیاسی فراوانی در آن کشور اروپایی بوده است.

(۱) تردید، عدم اطمینان؛ بلاتکلیفی

(۲) اصل، اساس

(۳) توافق، موافقت

(۴) ترکیب، مخلوط

۱۱۵۴۵ در حالی‌که مکالمه خود را به پایان می‌رساندیم، ایس چیزی را مطرح کرد که برایم سؤال شده بود.

(۱) ادامه دادن، دنبال کردن

(۲) کنار گذاشتن

(۳) تکیه کردن به؛ بستگی داشتن به

(۴) مطرح کردن، ذکر کردن؛ [کودک، حیوان] بزرگ کردن، پرورش

۱۱۵۴۶ ترک سیگار می‌تواند به گند کردن پیشرفت این بیماری کمک کند و برای کاهش دادن احتمال [ابتلا به] سرطان ریه سودمند باشد.

(۱) قدرت، توان

(۲) کمک، تقویت؛ افزایش

(۳) سرطان

(۴) مکث، توقف

۱۱۵۴۷ پژوهشگران استرالیایی ماده‌ای را در قهوه کشف کرده‌اند که مانند مورفین عمل می‌کند ولی عوارض جانبی مرگبار آن را ندارد.

(۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن

(۲) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن

(۳) کشف کردن؛ پی بردن به

(۴) فهمیدن، درک کردن

۱۱۵۴۸ خوانندگان مجله گفتند [که] آن‌ها داستان‌های بیشتری درباره مردم معمولی و کم‌تر درباره [افراد] ثروتمند و معروف می‌خواهند.

(۱) طبیعی؛ ذاتی

(۲) عادی، معمولی

(۳) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص

(۴) دینی؛ مذهبی

۱۵۵۷ مطالعات نشان می‌دهند که حمل و نقل عمومی عمدتاً توسط افرادی که هر روز رفت و آمدهای منظم، معمولاً به سر کار یا مدرسه دارند، استفاده می‌شود.
(۱) عمیقاً؛ به شدت (۲) عمدتاً، اساساً

(۳) اخیراً، این اواخر (۴) فوراً، سریعاً، به سرعت

۱۵۵۸ یک خواننده روزنامه می‌تواند آن‌چه را علاقه‌مند است انتخاب کند و از آن‌چه فکر می‌کند کسالت‌بار یا نامرتب است رد شود.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن (۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) الهام‌بخشی ... بودن؛ القا کردن

۱۵۵۹ خواندن دفتر خاطرات کسی که صدها سال قبل می‌زیسته به ما ایده خوبی می‌دهد از این‌که مردم در آن زمان چگونه زندگی می‌کردند.

(۱) ارث؛ میراث (۲) دفتر خاطرات

(۳) گزارش؛ مدرک؛ ثبت؛ رکورد (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۱۵۶۰ مطالعات جدید نشان می‌دهند که ترجمه ابزاری مفید در آموختن واژگان یک زبان خارجی جدید است.

(۱) مورد، نمونه؛ قضیه (۲) حقیقت، واقعیت

(۳) حس، احساس (۴) ابزار، وسیله

۱۵۶۱ اصل کلی آن است که آموزش باید برای تمام کودکان تا سن ۱۸ سالگی در دسترس باشد.

(۱) دیپلم، مدرک (۲) کیفیت (۳) اصل، اساس (۴) قدرت، توان

۱۵۶۲ دیگر نیازی نبود کار کنم و وقتی که پیشنهاد دادم در طول هفته از بچه مراقبت کنم همسرم خوشحال شد.

(۱) [مادر، پدر] رفتن به، شبیه ... بودن (۲) [با دوستان و آشنایان] وقت گذراندن

(۳) سر کردن؛ کنار آمدن؛ تفاهم داشتن (۴) مراقبت کردن از، نگهداری کردن از

۱۵۶۳ ما باید به آن‌ها وسایل بدهیم تا پیشرفتشان را ادامه دهند و جوایزی را که سزوارش هستند به دست آورند.

(۱) سزوار ... بودن، لایق ... بودن (۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن (۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن

۱۵۶۴ متأسفانه ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که مردم احترام بیشتری برای بازیگران و فوتبالیست‌ها قائلند تا معلمان یا پزشکان.

(۱) ارث؛ میراث (۲) اصل، اساس

(۳) کمیت؛ تعداد؛ مقدار (۴) فرهنگ

۱۵۶۵ دولت‌های بسیاری از کشورها قوانینی را وضع کرده‌اند تا از هوا، جنگل‌ها و منابع دریایی محافظت و آلودگی زیست‌محیطی را متوقف کنند.

(۱) تقویت کردن؛ افزایش دادن، زیاد کردن

(۲) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن

(۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۴) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

۱۵۶۶ یافته‌های آن‌ها شواهد بیشتری ارائه می‌دهند که پادتن‌ها - پروتئین‌های تخصصی که بدن برای مبارزه با عفونت‌ها تولید می‌کند - روزی می‌توانند به عنوان روشی برای پیشگیری از آلوده شدن افراد به [ویروس] اچ‌آی‌وی به کار برده شوند.

(۱) تقویت کردن؛ افزایش دادن (۲) به شمار آوردن، تلقی کردن

(۳) فراهم کردن، ارائه دادن (۴) نصب کردن، کار گذاشتن

۱۵۴۹ وقتی ویتامین ث مصرف می‌کنی، می‌توانی ابتدا مقادیر زیادی مصرف کنی، ولی بعداً اگر مشکلات معده برایت آغاز شد دوز را کاهش دهی. "decrease" (کاهش دادن؛ کاهش یافتن) به معنی "lower" است.

(۱) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۴) تکرار کردن؛ دوباره انجام دادن

۱۵۵۰ من از مدت زمانی که در هند زندگی می‌کردم و درس می‌خواندم لذت بردم، ولی واقعاً حس می‌کردم [که] به آن‌جا تعلق ندارم، بنابراین خوشحال بودم که بالاخره به خانه آمدم.

(۱) تعلق داشتن (به)

(۲) انتخاب کردن، برگزیدن

(۳) نصب کردن، کار گذاشتن

(۴) (به زور) گرفتن؛ استنباط کردن، استخراج کردن

۱۵۵۱ موفقیت یا شکست در آموختن یک زبان با آن‌چه خودتان در این فرایند به میان می‌گذارید، تعیین می‌شود.

(۱) دیپلم، مدرک (۲) هویت

(۳) شکست، ناکامی (۴) واقعیت، حقیقت

۱۵۵۲ اگر به هر دلیلی، نمی‌توانید در مصاحبه شرکت کنید باید فوراً به ما اطلاع دهید.

(۱) به شمار آوردن، تلقی کردن (۲) خبر دادن به، اطلاع دادن به

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) جای ... را مشخص کردن، پیدا کردن

۱۵۵۳ اثر گلخانه‌ای پرتوهای خورشید را در اتمسفر ما به دام می‌اندازد، بنابراین درجه حرارت‌های جهانی را بالا می‌برد.

(۱) علی‌رغم، با وجود (۲) بنابراین، از این‌رو

(۳) از وقتی‌که؛ چون، چرا که (۴) اگرچه، هر چند

۱۵۵۴ با ۳۸۲,۶۵۰ نوزادی که هر روز به دنیا می‌آیند و ۱۴۴,۹۰۲ انسانی که روزانه می‌میرند، جمعیت جهان حدود ۲۳۷,۷۴۸ نفر در روز افزایش می‌یابد.

(۱) ترکیب کردن، تلفیق کردن

(۲) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن

(۴) به شمار آوردن، تلقی کردن

۱۵۵۵ چند چیز کوچک هست که درباره کارم دوست ولی با در نظر گرفتن همه چیز، فکر می‌کنم این [کار] بسیار لذت‌بخش است.

(۱) عادی، معمولی (۲) لذت‌بخش، دلپذیر

(۳) وحشتناک، هولناک؛ خیلی بد (۴) منفعل، غیرفعال

۱۵۵۶ کلکسیون نقاشی‌ها به موزه بریتانیا فروخته شده است، جایی که تحت شرایط بسیار بهتری نگهداری خواهد شد.

(۱) تنوع، گوناگونی؛ نوع، گونه (۲) کمیت؛ تعداد، مقدار

(۳) کلکسیون، مجموعه (۴) مثال، نمونه

۱۵۶۷ در مطالعات مکرر نشان داده شده است که ویتامین ث در پیشگیری از سرماخوردگی ها و عفونت ها کمک می کند.

- (۱) ذهنی، روانی
- (۲) مکرر، پی در پی
- (۳) مشتاق، علاقه مند
- (۴) خلاق؛ الهام شده

۱۵۶۸ سرکار براون با مهربانی پذیرفته اند که به مدرسه بیایند و برای ما صحبتی در مورد پیشگیری از جرم داشته باشند.

- (۱) با محبت، با مهربانی
- (۲) به شدت؛ خیلی
- (۳) تا حد زیادی، عمدتاً
- (۴) عمیقاً؛ به شدت

۱۵۶۹ وقتی جزیره را در آخر هفته ترک می کردم، از این فرصت برای بازدید از چنین جای زیبایی ممنون بودم.

- (۱) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی
- (۲) خلاق، الهام شده
- (۳) منفعل، غیرفعال
- (۴) ممنون، سپاسگزار

۱۵۷۰ من ایمیلی به رئیس فرستادم [و] درخواست مرخصی آن روز را کردم تا در مراسم فارغ التحصیلی پسر شرکت کنم ولی هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده ام.

- (۱) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول
- (۲) افتخار؛ سربلندی
- (۳) پاسخ، جواب
- (۴) رحمت، لطف الهی

۱۵۷۱ با [کمک] فناوری کامپیوتر، حتی افرادی که برای خودشان کار می کنند راه ها و ابزارهایی برای تولید کردن اسنادی با ظاهر حرفه ای دارند.

- (۱) الهام؛ منبع الهام
- (۲) تکنولوژی، فناوری
- (۳) ارث، میراث
- (۴) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول

۱۵۷۲ امیدوارم او هم چنان به توافق اولیه ما احترام بگذارد حتی اگر قیمت ها از وقتی [این توافق را] انجام دادیم کمی بالا رفته باشد.

- (۱) رحم کردن به، بخشیدن
- (۲) احترام گذاشتن به، احترام قائل بودن برای
- (۳) کار کردن، عمل کردن
- (۴) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن

۱۵۷۳ این شیر ماده است که بیش از ۹۰ درصد از شکار را انجام می دهد، در حالی که [شیر] نر می ترسد زندگی اش را به خطر بیندازد یا صرفاً ترجیح می دهد استراحت کند.

- (۱) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن
- (۲) شایسته ... بودن، لایق ... بودن
- (۳) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن
- (۴) ترجیح دادن

۱۵۷۴ پیام های عصبی ممکن است از طریق رشته های عصبی یا ماهیچه ای با سرعتی به تندی ۲۴۰ مایل بر ساعت جابه جا شوند.

- (۱) مدرک؛ ثبت؛ رکورد
- (۲) علامت، پیام
- (۳) عامل، فاکتور
- (۴) ابزار، وسیله

۱۵۷۵ دکتر به من چند دستورالعمل مفید برای ایجاد کردن یک رژیم غذایی ارائه کرد که به من در کاهش وزن و حفظ آن کمک می کند.

- (۱) تعریف
- (۲) کارکرد، عملکرد
- (۳) اندازه، مقدار؛ اقدام
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۱۵۷۶ اقتصاد قدرتمند و فراهم بودن کارمندان، این منطقه را به مکانی مناسب برای کسب و کار بدل می کند.

- (۱) اصل، اساس
- (۲) مکان، موقعیت؛ تعیین محل
- (۳) کمیت؛ تعداد؛ مقدار
- (۴) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

۱۵۷۷ یک آبگرم کن خورشیدی رو سقفی به حدود سه ساعت نور خورشید در روز احتیاج دارد تا آب داغ کافی را برای یک خانواده چهار نفره فراهم کند.

- (۱) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن
- (۲) نصب کردن، کار گذاشتن
- (۳) تقویت کردن؛ افزایش دادن
- (۴) جایگزین کردن، جانشین کردن

۱۵۷۸ پدر بزرگ من هیچ وقت دوست ندارد راجع به کودکی اش صحبت کند، چرا که او در خانواده ای بسیار فقیر بزرگ شد و نسبتاً از این بابت شرمند است.

- (۱) کودکی
- (۲) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول
- (۳) ترکیب، مخلوط؛ مرکب
- (۴) اصل، اساس

۱۵۷۹ سالخوردگان به طور کلی به استراحت بسیار کمتری از جوانان نیاز دارند و اغلب در چند قسمت کوتاه می خوابند.

- (۱) نسل؛ تولید؛ ایجاد
- (۲) نوجوان
- (۳) مسن، پیر، سالخورده
- (۴) بالغ، بزرگسال

۱۵۸۰ امید می رود [که] این پژوهش ممکن است به شیوه های بهتر تمرین لب خوانی برای ناشنوایان و [افراد] سنگین گوش بیانجامد.

- (۱) علامت، پیام
- (۲) شنوایی
- (۳) رحمت، لطف الهی
- (۴) هویت

سنگین گوش، کم شنوا: **hard of hearing**

۱۵۸۱ ما وقت نداشتیم که بحثمان درباره این موضوع را تمام کنیم، پس یک جلسه اضافی فردا صبح برگزار می شود.

- (۱) تکراری؛ یکنواخت
- (۲) اضافی، بیشتر
- (۳) مشهور، نامدار؛ برجسته
- (۴) کاربردی؛ عملکردی

۱۵۸۲ کانادا بر اساس گزارشی سالانه از سازمان ملل به عنوان یکی از بهترین کشورها برای زندگی به شمار می آید.

- (۱) الهام بخش ... بودن
- (۲) شایسته ... بودن، لایق ... بودن
- (۳) به شمار آوردن، تلقی کردن
- (۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن

۱۵۸۳ تحقیق نشان می دهد که شما می توانید با واداشتن افراد به گوش دادن صداهایی خاص، هیجان ها یا احساسات خاصی را در آن ها ایجاد کنید.

- (۱) هیجان؛ احساس
- (۲) اصل، اساس
- (۳) رحمت، لطف الهی
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۱۵۸۴ معلم انگلیسی من، به جای صرفاً حفظ کردن تعاریف بر یادگیری وازگان در متن تأکید دارد.

- (۱) تعریف
- (۲) جواب، راه حل
- (۳) الهام؛ منبع الهام
- (۴) انتخاب، گزینش

۱۵۸۵ دانش آموزانی که از این مدرسه فارغ التحصیل می شوند، دیپلم دبیرستان دریافت می کنند که اجازه ورود به دانشگاه را در سراسر جهان می دهد.

- (۱) دیپلم، مدرک
- (۲) کتاب درسی
- (۳) هویت
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۳۱۵۹۴ سلول‌ها در بدن ما اشکال و اندازه‌های بسیار متفاوتی دارند و در خدمت وظایف بی‌شمار [و] مختلف هستند.

- (۱) آرام؛ صلح‌آمیز (۲) غیرطبیعی؛ غیرعادی
(۳) بی‌شمار؛ بی‌حد (۴) منفعل، غیرفعال

۳۱۵۹۵ این سازمان تلاش می‌کند با این رویدادهای اجتماعی در کارمندان یک حس تعلق به وجود آورد.

- (۱) تقویت؛ افزایش (۲) ارث؛ میراث
(۳) حس، احساس (۴) اصل، اساس

۳۱۵۹۶ شیوه صحبت کردنش می‌رساند که او علاقه‌مند نبود [که] این توافق را بپذیرد - ممکن است لازم باشد پیشنهاد خود را بهتر کنیم.

- (۱) مقدس؛ مبارک، خجسته (۲) عادی، معمولی
(۳) مکرر؛ پی‌درپی (۴) مشتاق، علاقه‌مند

۳۱۵۹۷ من دوره‌ای جالب درباره اخلاق برداشتم که در آن ما در مورد تمام انواع موضوعات اخلاقی که در حال حاضر در اخبار وجود دارد، بحث کردیم.

- (۱) اخلاق، اخلاقیات (۲) شعر؛ اشعار؛ هنر شاعری
(۳) رحمت، لطف الهی (۴) احترام؛ عزت، افتخار

۳۱۵۹۸ او معمولاً / واقعاً در پوشاندن احساساتی که نمی‌خواست آشکار کند خوب بود، ولی او تمام آن‌ها را خواند و آن‌ها را به رخ کشید.

- (۱) محتاطانه، با دقت (۲) باجدیت؛ شدیداً؛ واقعاً
(۳) به طور معمول، معمولاً (۴) هوشیارانه، با هوشمندی

▶ به رخ کسی کشیدن، تو روی کسی زدن: throw sth (back) in sb's face
۳۱۵۹۹ او به مقام مدیریت ارتقاء پیدا نمی‌کند چرا که فاقد توانایی اتخاذ تصمیم‌های دشوار است.

- (۱) فاقد ... بودن، نداشتن
(۲) به دست آوردن، کسب کردن
(۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۴) انتخاب کردن؛ برداشتن؛ [گل و غیره] چیدن

۳۱۶۰۰ این روزها بسیاری از بازی‌های کودکان به نظر سرگرمی‌های بی‌حرکی می‌آیند که در آن، آن‌ها هیچ‌کار واقعاً جسمانی‌ای انجام نمی‌دهند.

- (۱) متعهد، دلسوز (۲) منفعل، بی‌حرکت
(۳) احساساتی؛ احساسی (۴) بی‌شمار، فراوان

۳۱۶۰۱ ما معمولاً پنجشنبه‌ها حقوق می‌گیریم ولی چون این پنجشنبه تعطیل است، به جای چهارشنبه حقوق می‌گیریم.

- (۱) به طور معمول، معمولاً (۲) به طور تصادفی، تصادفاً
(۳) امیدوارم که؛ با امیدواری (۴) به طور مشروط

۳۱۶۰۲ اگر در پیدا کردن کتابی به‌خصوص مشکل داشتید، لطفاً از یکی از کتاب‌دارها کمک بخواهید.

- (۱) (به زور) گرفتن؛ استنباط کردن
(۲) پیدا کردن؛ جای ... را مشخص کردن
(۳) متوجه ... بودن؛ توجه کردن به
(۴) پایه‌ریزی کردن؛ تأسیس کردن

۳۱۵۸۶ در مناطق مختلف هند، هندوها خدایان متفاوتی را می‌پرستند و جشنواره‌های مذهبی متنوعی را برگزار می‌کنند.

- (۱) ذهنی؛ روحی (۲) ممنون، سپاسگزار
(۳) دینی؛ مذهبی (۴) منفعل، غیرفعال

۳۱۵۸۷ ماهواره تحقیقاتی جو بالایی در [سال] ۱۹۹۱ در مدار قرار داده شد، مأموریتش را در [سال] ۲۰۰۵ به پایان رساند و از آن موقع به آرامی در حال کاهش ارتفاع بوده است.

- (۱) پایه‌ریزی کردن؛ تأسیس کردن (۲) قرار دادن، گذاشتن
(۳) به شمار آوردن، تلقی کردن (۴) رحم کردن به، بخشیدن

۳۱۵۸۸ من و سارا رویکردهای بسیار متفاوتی به این کار داریم ولی فکر می‌کنم هر دوی ما در آن چه انجام می‌دهیم نسبتاً موفق هستیم.

- (۱) رحمت، لطف الهی (۲) ترکیب، مخلوط
(۳) مشتاق، علاقه‌مند (۴) موفق، موفقیت‌آمیز

۳۱۵۸۹ خوردن بیش از حد غذای فراوری‌شده به خاطر میزان بالای نمک آن می‌تواند برای سلامتی‌تان بد باشد.

- (۱) رحم کردن به، بخشیدن
(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) فراوری کردن؛ پردازش کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن
(۴) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

۳۱۵۹۰ این کتاب، گزیده‌ای از اشعار با درون‌مایه‌های مختلف - [مانند] طبیعت، جادو، هویت انسانی، عشق و خانه - است.

- (۱) الهام؛ منبع الهام (۲) ارث؛ میراث
(۳) گزیده، منتخب؛ انتخاب (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۳۱۵۹۱ ما همگی به دستاوردهای او بسیار افتخار می‌کنیم و خوشحالیم [که] از تلاش‌هایش این‌گونه قدردانی شده است.

- (۱) مشترک (۲) مفتخر، مغرور
(۳) قابل اعتماد، قابل اتکا (۴) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی

▶ به کسی افتخار کردن: to be proud of sb:

۳۱۵۹۲ حیف که به اندازه کافی [آن‌جا] نماندیم. اگر مدتی [آن‌جا] مانده بودیم، آن فوتبالیست معروف را ملاقات کرده بودیم.

- (۱) ترحم، دلسوزی؛ مایه تأسف (۲) نبود، فقدان، کمبود
(۳) احترام؛ عزت؛ افتخار (۴) حس، احساس

▶ حیف (که)، مایه تأسف است (که): It's a pity (that):

▶ اگر ساختار شرطی جمله دوم این تست کنجکاو‌تان کرده، نگران نباشید. این ساختار مربوط به شرطی نوع سوم است که از رویدادی در گذشته و تبعات احتمالی آن رویداد سخن می‌گوید. البته چون ساختار شرطی نوع سوم فراتر از سطح کتاب درسی است، پس طبیعتاً در انگلیسی عمومی کنکور نیز مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

۳۱۵۹۳ در برخی کشورها، برای زنان باخانمان غیرمعمول به حساب می‌آید که بخواهند بیرون از خانه کار کنند.

- (۱) غیرطبیعی؛ غیرعادی، غیرمعمول (۲) خلاق؛ الهام‌شده
(۳) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی (۴) مذهبی؛ دینی

۳۱۶۰۳ فکر می‌کنم جلسه [ساعت] ۴ است، ولی مطمئن نیستم، پس با سرپرستم چک می‌کنم و دوباره با شما تماس می‌گیرم تا تأیید کنم.

(۱) کشف کردن؛ پی بردن به

(۲) فهمیدن، پی بردن به

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۴) فراهم کردن، ارائه کردن، در اختیار گذاشتن

۲۱۶۰۴ قدرت و دیگر مشخصه‌های جسمانی او پیشاپیش بسیار بهتر از انسان‌های معمولی است ولی آن‌ها از کامل [بودن] بسیار فاصله دارند.

(۱) ارث؛ میراث (۲) قدرت، توان (۳) اصل، اساس (۴) هویت

۱۱۶۰۵ معلم قول داده است که او یک جلسه کامل را به مرور مطالبی که در آزمون خواهد آمد، اختصاص خواهد داد.

(۱) اختصاص دادن؛ صرف کردن؛ وقف کردن

(۲) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۳) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۴) مستلزم ... بودن؛ درگیر کردن

۱۱۶۰۶ او راه درازی را سفر کرده است و مطمئنم تو می‌توانی یک ساعت از برنامه فشرده‌ات اختصاص دهی تا با او صحبت کنی.

(۱) بخشیدن؛ [وقت و پول] اختصاص دادن

(۲) جای ... را مشخص کردن؛ پیدا کردن

(۳) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن

(۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن، زیاد کردن

۳۱۶۰۷ برای شما عاقلانه است که وضعیت سلامتی‌تان را قبل از آن‌که تصمیم به صعود از کوه اورست بگیرید مورد بررسی قرار دهید.

(۱) مشهور؛ برجسته (۲) خلاق؛ الهام‌شده

(۳) مقتضی، توصیه‌کردنی؛ عاقلانه (۴) متعهد، مسئول

۳۱۶۰۸ اگر غذا برای [مدت] بسیار طولانی نگه داشته شود، طعم آن بدتر می‌شود، و مهم‌تر این‌که ممکن است مضر شود.

(۱) در کمال تعجب، جالب این‌که (۲) به طور غیرطبیعی

(۳) اساساً، مهم این‌که (۴) به طور سرگرم‌کننده‌ای، به طرز جالبی

۱۱۶۰۹ سخنگوی وزارت امور خارجه ایران تأکید کرد که برنامه هسته‌ای ایران صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز است.

(۱) آرام؛ صلح‌آمیز (۲) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی

(۳) موفق، کامیاب (۴) مکرر، پی‌درپی

۴۱۶۱۰ داشتن فرصت برای کار کردن، بازنشستگی را برای اعضای پیرتر جامعه معنادارتر می‌کند.

(۱) اضافی، بیشتر (۲) مشروط، مقید

(۳) مشتاق، علاقه‌مند (۴) معنادار

۲۱۶۱۱ محبت و گشاده‌دستی او بسیار فراتر از آن چیزی است که از هر انسانی انتظار می‌رود - او سخاوتمندترین فردی است که تاکنون دیده‌ام.

(۱) کیفیت (۲) محبت، مهربانی (۳) قدرت، توان (۴) ارث، میراث

۲۱۶۱۲ در مورد محلول‌هایی که در آزمایشگاه شیمی می‌سازی مراقب باش؛ آن‌ها ممکن است تا حدی سمی باشند.

(۱) افزایش؛ اضافه؛ عضو جدید (۲) جواب، راه‌حل؛ [شیمی] محلول

(۳) اصل، اساس (۴) کمیت؛ تعداد؛ مقدار

۱۱۶۱۳ نویسندگان این پژوهش امیدوارند [که] یافته‌های تحقیقشان به جلوگیری از مرگ‌ومیر سایرین از این بیماری کمک کند.

(۱) نویسنده (۲) مخترع، مبدع (۳) مولد؛ مبتکر (۴) پزشک، دکتر

۱۱۶۱۴ شهادت جولیا باید منبع الهام بزرگی برای آن افرادی باشد که با مشکلات مشابهی در زندگی‌هایشان مواجه هستند.

(۱) الهام؛ منبع الهام (۲) فهم، درک

(۳) تعریف (۴) افزایش؛ اضافه؛ عضو جدید

۳۱۶۱۵ تو نمی‌توانی هر دو را با هم داشته باشی - یا بیشتر کار می‌کنی و حقوق بیشتری می‌گیری [و] یا اوقات فراغت بیشتری داری و حقوق کم‌تری می‌گیری.

(۱) هیچ‌یک، هیچ‌کدام؛ نه این (و نه آن) (۲) مگر، مگر این‌که

(۳) یکی از؛ یا این (و یا آن) (۴) اما، با وجود این

۳۱۶۱۶ او امیدوار بود که دکتر شود ولی بعد از نتایج ناامیدکننده امتحاناتش مجبور شد سطح توقع خود را کم کند.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۴) بالا بردن، افزایش دادن؛ افزایش یافتن

۳۱۶۱۷ تلسکوپ فضایی کپلر ناسا به تازگی ۱۰۴ سیاره جدید را، شامل چهار جهان احتمالاً سنگی که حول ستاره کوتوله قرمز رنگی به نام ک-۲۷۲ می‌چرخند، کشف کرده است.

(۱) به حساب آوردن، لحاظ کردن

(۲) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

(۳) کشف کردن؛ پی بردن به

(۴) قدر ... را دانستن، سپاسگزار ... بودن

۴۱۶۱۸ در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، این موضوع در رسانه‌ها به کرات پی گرفته می‌شد چون بسیاری از مردم به این موضوع علاقه‌مند بودند.

(۱) به طور اتفاقی؛ تصادفاً (۲) به‌علاوه، علاوه بر این

(۳) در کمال شگفتی، جالب این‌که (۴) به کرات، بارها و بارها

۳۱۶۱۹ مشغول برنامه‌ریزی یک شام برای پنجاهمین سالگرد تأسیس شرکت هستیم.

(۱) تقویت کردن؛ افزایش دادن، زیاد کردن

(۲) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۳) پایه‌ریزی کردن، تأسیس کردن

(۴) اختصاص دادن؛ صرف کردن؛ وقف کردن

۴۱۶۲۰ این‌ها قوانینی سفت‌وسخت نیستند. آن‌ها صرفاً «ستورالعمل‌هایی پیشنهادی هستند که باور داریم مؤثر واقع می‌شوند.

(۱) عملکرد، کارکرد (۲) توجه، ملاحظه؛ احترام

(۳) احترام، عزت، افتخار (۴) دستورالعمل؛ راهنما

- ۳۱۶۲۱ دشوار است که بگوییم چه چیزی غیرممکن است، چون رؤیای دیروز، امروز امید است، اما هم چنین می تواند واقعیت فردا باشد.
- (۱) جایزه (۲) مورد، نمونه (۳) واقعیت، حقیقت (۴) موضوع؛ ماده
- ۳۱۶۲۲ مقدار داده هایی که یک کامپیوتر خانگی می تواند در حافظه اش ذخیره کند در چند سال گذشته به طرزی باورنکردنی افزایش یافته است.
- (۱) کارکرد، عملکرد (۲) پردازش؛ فراوری (۳) کمیت؛ تعداد؛ مقدار (۴) راه حل، جواب؛ [شیمی] محلول
- ۳۱۶۲۳ شامپانزه ها و انسان ها در مقدار ۹۹/۹ درصد از ژن های یکسان مشترک هستند با احتساب [این که] اکثر این ژن ها در توالی هایشان ۹۹ درصد شبیه هم هستند.
- (۱) تکرار کردن؛ بازگو کردن؛ تکرار شدن (۲) مشترک بودن در، به اشتراک داشتن (۳) شمردن، به حساب آوردن (۴) پایه ریزی کردن، تأسیس کردن
- ۳۱۶۲۴ کودکان باید زمانی را در بیرون بگذرانند تا یک [حس] قدردانی برای زیبایی های طبیعت [در خود] بیورند.
- (۱) تعریف (۲) نسل؛ تولید؛ ایجاد (۳) شرط؛ موقعیت (۴) قدردانی، سپاس
- ۳۱۶۲۵ او برادر کوچکش را برای شکستن هواپیمای اسباب بازی اش بخشید ولی به او هشدار داد که دفعه بعد محتاط تر باشد.
- (۱) تاب خوردن، در نوسان بودن (۲) گرفتن؛ به چنگ آوردن (۳) [خطا، طلب و غیره] چشم پوشی کردن از؛ بخشیدن (۴) فکر کردن؛ باور داشتن
- ۳۱۶۲۶ A: «فیلم درباره چه بود؟» B: «یک درام بود. آن واقعاً من را به یاد زندگی خودم می انداخت. در طول فیلم چندبار زیر گریه زدم.»
- (۱) دمیدن، فوت کردن؛ [بلد] وزیدن؛ بردن (۲) کشیدن؛ نقاشی کردن (۳) منفجر شدن، ترکیدن (۴) شکستن
- ۱۱۶۲۷ وقتی به رئیسم گفتم که برای شغل دیگری [آن جا را] ترک می کنم، او دعای خیرش را نثارم کرد و برایم بهترین ها را آرزو کرد.
- (۱) رحمت، لطف الهی؛ دعای خیر (۲) هویت (۳) راه حل، جواب؛ [شیمی] محلول (۴) احترام؛ عزت؛ افتخار
- ۲۱۶۲۸ گزارش شد که شرکت در وظیفه اش برای آگاه کردن مشتریان از جوانب فنی سیستم های کامپیوتری ناکام بوده است.
- (۱) احترام؛ عزت؛ افتخار (۲) وظیفه؛ مسئولیت (۳) سهم، بخش؛ [در جمع] سهم (۴) هویت
- ۳۱۶۲۹ ریچارد باخ نوشت که آن چه خانواده واقعی شما را [به هم] پیوند می دهد یک چیز خونی نیست، بلکه از احترام و شادی در زندگی هم دیگر [نشأت گرفته] است.
- (۱) الگو؛ طرح، نقش (۲) تعریف؛ [وظایف و غیره] تعیین (۳) احترام (۴) بیان، ابراز؛ [چهره و نگاه] حالت
- ۴۱۶۳۰ اگر بشر در پرداختن به مشکل آلودگی ناکام بماند، نسل های آینده با عواقب هولناک کوتاهی ما مواجه می شوند.
- (۱) شناسایی؛ تعیین هویت (۲) ملیت (۳) شخصیت (۴) نسل؛ تولید؛ ایجاد
- ۲۱۶۳۱ او در سازمانی کار می کند که متعهد به یافتن راه حل های مؤثر برای مشکل عادات سیگار کشیدن نوجوانان است.
- (۱) [به همراه حرف اضافه in] درگیر، گرفتار (۲) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص (۳) تأیید شده، تصدیق شده (۴) پایه ریزی شده، تأسیس شده
- ۴۱۶۳۲ وقتی کامپیوترتان قدیمی می شود و می خواهید آن را جایگزین کنید، به جای آن که آن را در زباله بیندازید، بخشیدن آن به یک مدرسه محلی را مورد توجه قرار دهید.
- (۱) نصب کردن، کار گذاشتن (۲) رحم کردن به، بخشیدن (۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) جایگزین کردن، جانشین کردن
- ۱۱۶۳۳ اینترنت در [سال] ۱۹۶۹ متولد شد، وقتی که پژوهشگران با استفاده از کابلی ۱۵ فوتی دو کامپیوتر را [به هم] متصل کردند و راهی جدید را برای ردیابی کردن داده ها بر روی شبکه ها آزمودند.
- (۱) به دنیا آوردن؛ حمل کردن (۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن (۳) جوییدن؛ به دنبال ... گشتن (۴) رشد کردن؛ پرورش دادن
- ◀ به دنیا آمدن، متولد شدن : to be born
- ۴۱۶۳۴ اکنون این به طور عمومی پذیرفته شده است که کشورهای بانظام های اجتماعی متفاوت می توانند با صلح و صفا در کنار هم وجود داشته باشند.
- (۱) به کرات، بارها و بارها (۲) از نظر مذهبی؛ از لحاظ دینی (۳) به علاوه، علاوه بر این (۴) آرام، با / در صلح و صفا
- ۲۱۶۳۵ دانشمندان در حال حاضر مشغول نقشه برداری از الگوهای تفاوت های جزئی در دیانای هستند که یک انسان را از دیگری متمایز می کنند.
- (۱) فهمیدن، پی بردن به (۲) متمایز کردن؛ تشخیص دادن؛ فرق گذاشتن (۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) تقویت کردن، بهبود بخشیدن؛ بهبود یافتن
- ۳۱۶۳۶ بالاترین دمای ساخته بشر، ۷۰ میلیون درجه سلسیوس، در سال ۱۹۷۸، در یک آزمایش نیروی گداخت [هسته ای] در دانشگاه پرینستون تولید شد.
- (۱) اقلیم؛ شرایط اقلیمی (۲) تحقیق، پژوهش (۳) دما، حرارت (۴) آب و هوا
- ۲۱۶۳۷ در مدارس و دانشگاه های آمریکایی دانش آموزان [و دانشجویان] به جای پذیرفتن منفعلانه دستورات، تشویق می شوند که بپرسند چرا چیزهایی که گفته می شود [باید انجام شوند].
- (۱) طبیعتاً، به طور معمول (۲) منفعلانه، با بی تفاوتی (۳) به طور هولناک، به طرز وحشتناک؛ خیلی (۴) به طور معمول، به طور عادی

۱۱۶۳۸ کار سازمان حقوق بشری عفو بین الملل بر این باور استوار است که

حفاظت از حقوق بشر، مسئولیتی بین المللی است.

(۱) مسئولیت، تعهد (۲) تعریف

(۳) ترکیب، مخلوط (۴) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول

۱۱۶۳۹ سیگار علاوه بر نیکوتین و قطران حاوی مواد سمی بسیاری است که

اکثر مردم از آن ها آگاه نیستند.

(۱) افزایش، اضافه؛ عضو جدید (۲) واقعیت، حقیقت

(۳) پردازش؛ فراوری (۴) راه حل، جواب؛ [شیمی] محلول

افزون بر، علاوه بر: in addition to

۱۱۶۴۰ کتاب به طرز جالبی نوشته شده و نویسنده وقت می گذارد تا مطمئن

شود که خواننده پیشینه کافی را برای فهمیدن آن چه نوشته است، دارد.

(۱) به علاوه، علاوه بر این (۲) به طور مشروط

(۳) از لحاظ مالی، از نظر پولی (۴) به طرز جالبی؛ جالب این که

۱۱۶۴۱ هویت یک کودک که وقتی تایتانیک در سال ۱۹۱۲ غرق شد، جان خود

را از دست داد، ۹۰ سال بعد با استفاده از نمونه دی ان ای آن دختر مشخص شد.

(۱) موقعیت، مکان (۲) هویت

(۳) واقعیت، حقیقت (۴) ارث؛ میراث

۱۱۶۴۲ پدر و مادرها با دادن مشوق و [فراهم کردن] فرصتهایی برای فعالیت

جسمانی می توانند به فرزندانشان کمک کنند [تا] سبک زندگی فعالی را حفظ کنند.

(۱) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۲) اصرار کردن، پافشاری کردن

(۳) دادن، فراهم کردن، ارائه کردن؛ در اختیار گذاشتن

(۴) ذکر کردن، نام بردن

۱۱۶۴۳ تعدادی نیمکت جدید در زمین بازی نصب شده تا پدر و مادرها

بتوانند بنشینند و بازی کردن فرزندانشان را تماشا کنند.

(۱) تولید کردن؛ به وجود آوردن، پدید آوردن

(۲) نصب کردن، کار گذاشتن

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۴) مشاهده کردن؛ [قوانین، مقررات و غیره] رعایت کردن

۱۱۶۴۴ مهم است که شما واقعاً واژگان جدید را درک کنید، به جای آن که

صرفاً آن را برای امتحان حفظ کنید و سپس بلافاصله بعد از آن [همه چیز را]

در موردش فراموش کنید.

(۱) حفظ کردن، به خاطر سپردن

(۲) به یاد آوردن، به خاطر داشتن

(۳) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن

(۴) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

۱۱۶۴۵ با صدای بلند [داستان] خواندن برای کودکان به برانگیختن پرورش

معز [آن ها] کمک می کند ولی تنها برای ۵۰٪ از نوزادان و بچه های کوچک

توسط والدینشان به طور مرتب [داستان] خوانده می شود.

(۱) بلند، با صدای بلند (۲) روی؛ بالای

(۳) فراتر از، ورای (۴) در عوض، به جایش

۱۱۶۴۶ برای آن که [سیاره] زمینمان و فرایندهایی را که بر روی آن در کار

هستند بفهمیم، باید تلاش کرد که گستره های زمانی میلیون ها سال را درک کرد.

(۱) موقعیت، مکان (۲) راه حل، جواب؛ [شیمی] محلول

(۳) فرایند، رویه (۴) کمیت؛ مقدار؛ تعداد

۱۱۶۴۷ پس از آن که حساب کاربری شما توسط یک مدیر فعال شد، شما

یک ایمیل تأیید دریافت خواهید کرد.

(۱) تأیید، تصدیق (۲) الهام؛ منبع الهام

(۳) تعهد، دلسوزی (۴) قدردانی، سپاسگزاری

۱۱۶۴۸ قرص های خواب آور می توانند با تأثیر داروهای دیگر تداخل پیدا

کنند و وقتی با آن ها ترکیب شوند، می توانند خطرناک باشند.

(۱) تولید کردن؛ به وجود آوردن، پدید آوردن

(۲) ترکیب کردن، تلفیق کردن

(۳) مستلزم ... بودن؛ درگیر کردن

(۴) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

۱۱۶۴۹ محاسبه کردن شدیداً سخت است ولی می توانم حدسی کلی بزنم و

بگویم [که] هزینه حدود نیم میلیون خواهد بود.

(۱) منفعلانه، با بی تفاوتی (۲) به سختی، تقریباً هیچ؛ به ندرت

(۳) به طرز وحشتناکی؛ شدیداً (۴) مشتاقانه، با علاقه

۱۱۶۵۰ متخصصان ناسا به تازگی بیان کردند که مقادیر عظیمی از یخ در

عمق حدود سه فوتی زیر سطح سیاره مریخ شناسایی شده است.

(۱) افزایش، اضافه؛ عضو جدید (۲) فرایند، رویه

(۳) کمیت؛ مقدار؛ تعداد (۴) موقعیت، مکان

۱۱۶۵۱ آن ها در مورد نوع غذایی که می خورند بسیار سخت گیرند، پس

نمی دانم (مطمئن نیستم) بخواهند برای شام به رستورانی اِز آن بروند [یا نه].

(۱) جمعی، گروهی (۲) محافظ؛ [کلاه] ایمنی

(۳) گزینشی، سخت گیر (۴) آموزنده، روشنگر

۱۱۶۵۲ اگر برحسب اتفاق داستان را روی اجاقی داغ بگذارید، سیستم عصبی

شما وادارتان می کند که آن را به صورت سریع، خودکار و مؤثر پس بکشید.

(۱) به طرزی شگفت انگیز؛ جالب این که (۲) برحسب تصادف، تصادفاً

(۳) به طور مشروط (۴) مکرراً، بی دریغی

۱۱۶۵۳ فرهنگ آن ها، سنت هایش را برای نسل های بسیار به صورت شفاهی

منتقل کرد چرا که آن ها تا حدود ۱۰۰ سال قبل زبان نوشتاری نداشتند.

(۱) نسل؛ تولید؛ ایجاد (۲) اصل، اساس

(۳) ترکیب، مخلوط (۴) هویت

۱۱۶۵۴ کودکان سخت مشتاق توجه اند؛ اگر آن ها توجه مثبت دریافت

نکنند، رفتارهایی نشان می دهند که توجه منفی خواهد گرفت.

(۱) (به زور) گرفتن؛ بیرون کشیدن، استخراج کردن

(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۴) تأیید کردن، تصدیق کردن

سخت مشتاق چیزی بودن: to long for sth

۴۱۶۶۳ آتش‌نشانان از خطرات آگاه بودند و مشتاقانه با آن‌ها روبرو شدند،

[چراکه] می‌دانستند آن‌ها هدفی والا و مهم در زندگی دارند.

(۱) برحسب تصادف، تصادفاً

(۲) به طرزی با اهمیت، مهم این‌که

(۳) بدنی، جسمانی

(۴) مشتاقانه، با علاقه

۲۱۶۶۴ انتظار می‌رود قیمت‌های بالاتر نفت که پیش‌بینی آن می‌رود به

تقویت کردن اقتصاد کشورهای خاورمیانه در سال‌های پیش رو کمک کند.

(۱) افزایش دادن، بالا بردن؛ افزایش یافتن

(۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن، زیاد کردن

(۳) شناسایی کردن، تشخیص دادن

(۴) انتخاب کردن، برگزیدن

۲۱۶۶۵ بسیاری از زبان‌آموزان این را سودمند می‌یابند که سیر موفقیت‌ها و

دشواری‌های یادگیری‌شان را با داشتن دفتر یادداشت روزانه برای ثبت کردن

راهمبردها و مشکلاتی [که] در طول مطالعاتشان با آن روبه‌رو می‌شوند، ثبت کنند.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) ثبت کردن، یادداشت کردن، ضبط کرد

(۳) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

(۴) مستلزم ... بودن؛ درگیر کردن

۱۱۶۶۶ در بعضی برنامه‌های [آموزش] زبان انگلیسی دانشجویان ملزم

هستند که توافقی را امضا کنند تا در طول دوره‌شان فقط انگلیسی حرف بزنند.

(۱) توافق، موافقت (۲) اصل، اساس

(۳) عملکرد، کارکرد (۴) راه‌حل، جواب؛ [شیمی] محلول

۳۱۶۶۷ یافته‌های شرح داده شده در ژورنال نیچر (مجله علمی طبیعت)،

نظریه‌ای پیشین را تأیید می‌کنند که نقاشی‌های کشف شده در غار شووه در

فرانسه به دورهٔ اورینگنیشن حدود ۳۰۰۰۰ سال قبل برمی‌گردد.

(۱) به وجود آوردن، پدید آوردن (۲) فراهم کردن؛ در اختیار گذاشتن

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن

۲۱۶۶۸ کشفیات آلبرت اینشتین انقلابی تکنولوژیک (فنی) را آغاز کرد که در

یک قرن تغییراتی بیش از دو هزار سال قبلی به وجود آورد.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) تولید کردن؛ به وجود آوردن، پدید آوردن

(۳) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

(۴) اختراع کردن؛ ابداع کردن

۱۱۶۶۹ در بین [سال‌های] ۱۹۲۵ و ۱۹۳۴، وقتی که دانشگاه تهران

پایه‌ریزی شد، مدارس بسیار، مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات فراوان [و]

مشابه دیگر در ایران راه‌اندازی شدند و شروع به فعالیت کردند.

(۱) پایه‌ریزی کردن، تأسیس کردن

(۲) الهام کردن؛ منبع الهام بودن

(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۴) تولید کردن؛ به وجود آوردن، پدید آوردن

۴۱۶۵۵ پرفشاری شریانی یا فشار خون بالا اغلب قاتلی خاموش نامیده می‌شود

و بیش از هر بیماری دیگری در جهان غرب مسئول معلولیت و مرگ است.

(۱) عملکرد، کارکرد (۲) راه‌حل، جواب؛ [شیمی] محلول

(۳) فرایند، رویه (۴) فشار

فشار خون بالا: high blood pressure

۲۱۶۵۶ پیرو نامهٔ ۱۱ مارس شما، تمایل دارم شما را در جریان شماری از

پیشرفت‌های جدید در خصوص پروژهٔ ساختمانی قرار دهم.

(۱) بهتر کردن، بهبود بخشیدن

(۲) به شمار آوردن، تلقی کردن

(۳) کار کردن، عمل کردن

(۴) تابع خود ساختن، تحت کنترل خود در آوردن

راجع به، در خصوص: regarding

۱۱۶۵۷ بر اساس پژوهش تازه، چاقی مفرط احتمالاً دلیل ۱۱٪ از موارد

سکتهٔ قلبی در مردان و ۱۴٪ آن [موارد] در زنان است.

(۱) شکست، ناکامی (۲) مکث، توقف

(۳) تقویت، کمک؛ افزایش (۴) انفجار؛ فوران

سکتهٔ قلبی: heart failure

۱۱۶۵۸ کشف جدید، که امروز در ژورنال نیچر (مجله علمی طبیعت) اعلان شد،

اعتبار بیشتری به این استدلال می‌دهد که پرندگان از دایناسورها تکامل یافتند.

(۱) کشف، اکتشاف (۲) توافق، موافقت

(۳) تعریف؛ [وظایف و غیره] تعیین (۴) ارث؛ میراث

۲۱۶۵۹ جامعهٔ بین‌الملل درخواست کرد که آن دولت آفریقایی باید به

تعهدش تحت حقوق بین‌الملل برای حفاظت از غیرنظامیان احترام بگذارد.

(۱) الهام کردن، منبع الهام بودن

(۲) احترام گذاشتن به، احترام قائل شدن برای

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۴) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن

۲۱۶۶۰ علی‌رغم این واقعیت که ما در طول خواب دیگر هوشیارانه از دنیای

خارج آگاهی نداریم، ذهن‌های ما به پردازش فعالانهٔ اطلاعات ادامه می‌دهند.

(۱) مستلزم ... بودن؛ درگیر کردن

(۲) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

(۳) پایه‌ریزی کردن، تأسیس کردن

(۴) به شمار آوردن؛ تلقی کردن

۳۱۶۶۱ برخی دانشمندان نگرانند که مواد شیمیایی بسیار متفاوتی در آب

[آشامیدنی] ما وجود دارد که ترکیب می‌شوند و تمام انواع ترکیبات مہلک را

شکل می‌دهند.

(۱) اصل، اساس (۲) رابطه، پیوند

(۳) ترکیب، مخلوط (۴) عملکرد، کارکرد

۱۱۶۶۲ الکساندر اپیشاپیش حجم بالایی از کارهای رئیسش را برای او انجام می‌دهد،

پس فکر می‌کنم وقتی که او بازنشسته شود جایگزین فوق‌العاده‌ای برایش باشد.

(۱) جایگزین، جانشین (۲) دستاورد، موفقیت

(۳) رشد؛ گسترش؛ توسعه (۴) مدیریت

۱۶۷۰] اریستارخوس، منجمی یونانی که در حدود [سال] ۲۰۰ پیش از میلاد می‌زیست نخستین فردی بود که ابراز داشت زمین به دور خورشید می‌گردد ولی نظریه او برای صدها سال تأیید نشد.

(۱) تولید کردن؛ به وجود آوردن، پدید آوردن

(۲) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۳) دلسرد کردن، ناامید کردن؛ منع کردن، مانع شدن

(۴) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

۱۶۷۱] آن‌ها همیشه محصولی با کیفیت بالا می‌خرند حتی اگر کمی گران‌تر باشد، مگه نه؟

با توجه به این‌که در جمله فقط فعل اصلی buy را به صورت مثبت و در زمان حال ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی و برای فاعل they، از شکل منفی فعل do (یعنی don't) استفاده می‌شود.

۱۶۷۲] وقتی باران شروع شد، مسابقه توسط جمعیت بزرگی تماشا می‌شد.

فعل watch (تماشا کردن، نگاه کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the match) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه (۳) دارای ساختار مجهول است. دقت کنید که در این تست، ساختار مجهول در زمان گذشته استمراری برای بیان عملی به کار رفته است که در گذشته در حال انجام بوده و توسط عمل کوتاه‌تری (یعنی شروع بارش باران) قطع شده است.

۱۶۷۳] محصول جدید آن‌ها توجه فراوانی را از طرف تمام کسانی که درباره‌اش شنیده‌اند، دریافت کرده است، مگه نه؟

با توجه به این‌که در این جمله فعل کمکی has را به صورت مثبت داریم، در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل کمکی به شکل منفی (hasn't) نیاز است. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای اسم سوم شخص مفرد غیر انسان (product) که در این جمله مدنظر است، it می‌باشد، نه they. ۱۶۷۴] جک گلدان ارزشمند مادرش را شکست، ولی این [کار] را از قصد انجام نداد، پس او (مادرش) عصبانی نبود.

با توجه به مفهوم جمله و این‌که در جای خالی اول، کلمه ربط برای بیان تضاد و نتیجه‌گیری غیرمنتظره استفاده شده است، در این جای خالی کلمه ربط but را قرار می‌دهیم. دقت کنید که بند آخر نتیجه بند دوم است و همان‌طور که می‌دانید برای بیان نتیجه در جملات مرکب از SO استفاده می‌شود. ۱۶۷۵] رکورد جهانی [دوی] ۱۰۰ متر مردان برای دومین بار در این هفته شکسته شده است.

فعل break (شکستن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (record) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) دارای ساختار مجهول هستند. برای اشاره به عملی که در گذشته نزدیک انجام شده است، از زمان حال کامل (have / has + pp.) استفاده می‌شود که در این تست شکل مجهول آن را داریم.

۱۶۷۶] ساندرا، قبل از آن‌که پاکت نامه را باز کند مطمئن شد که هیچ‌کس نمی‌تواند او را ببیند، مگه نه؟

با توجه به این‌که در جمله فقط فعل اصلی made را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی، از شکل منفی فعل did (یعنی didn't) استفاده می‌شود. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله و این‌که در این‌جا جمله مرکب نیست، فاعل پرسش تأییدی به فاعل ابتدای جمله (یعنی Sandra) اشاره دارد و ضمیر فاعلی مناسب برای فاعل سوم شخص مفرد مؤنث، she است. ۱۶۷۷] من همین الان با فرودگاه تماس گرفتم. پرواز ما به دلیل شرایط بسیار بد آب‌وهوا لغو شده است.

فعل cancel (لغو کردن، کنسل کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (flight) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) دارای ساختار مجهول هستند. دقت کنید که یکی از کاربردهای زمان حال کامل (have / has + pp.) برای اشاره به عملی است که در گذشته انجام شده ولی آثار آن تاکنون ادامه دارد. در این تست، ساختار حال کامل را در همین کاربرد و به صورت مجهول داریم. ۱۶۷۸] منابع جدید انرژی در حال توسعه هستند. از آن‌جا که ذخایر نفتی در حال مصرف و رو به اتمام هستند، این [موضوع] اهمیتی فزاینده خواهد داشت.

مصرف کردن و تمام کردن: use up

هم فعل develop (شکل دادن؛ توسعه دادن) و هم فعل use up در این‌جا متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که مفعول این دو فعل (oil reserves و sources of energy) هر دو پیش از جای خالی قرار گرفته‌اند، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. البته به دلیل این‌که تمام موارد به کار رفته در گزینه‌ها مجهول است، هیچ‌کدام از گزینه‌ها را به این طریق نمی‌توانیم حذف کنیم. اما دقت کنید که هم sources و هم reserves جمع هستند و در نتیجه در هر دو جای خالی، فعل مجهول را به شکل جمع نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینه (۳) هر دو مورد دارای ساختار جمع است. ۱۶۷۹] از آن‌جا که او می‌دانست که توانایی خوب صحبت کردن در برابر یک جمع برای موفقیت مهم است، دوره‌ای در سخنرانی عمومی برداشت.

هر چند فعل know (دانستن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما با توجه به کاربرد مفعول (تمام عبارت قرار گرفته پس از جای خالی اول) بعد از آن، دیگر مجاز نیستیم این فعل را مجهول کنیم. همین استدلال در مورد جای خالی دوم نیز صدق می‌کند و هرچند فعل take (در این‌جا برداشتن، گرفتن) متعدی است، اما چون مفعول این فعل (a course) بعد از جای خالی قرار دارد، این فعل را هم به صورت معلوم نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینه (۲) هر دو مورد را به صورت معلوم داریم. ۱۶۸۰] هیچ‌چیز آزاردهنده‌تر از گروهی از نوجوانان نیست [که] همزمان تلاش می‌کنند صحبت کنند، مگه نه؟

در صورتی‌که جمله اصلی با «شکل مناسب فعل there + to be» آغاز شود، در این صورت there نقش فاعل کاذب جمله را خواهد داشت و خود آن را در پرسش تأییدی به کار می‌بریم؛ بنابراین در این‌جا فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند

۳۱۶۸۶ پدر شما هیچگاه بدون آوردن چند هدیه برای بچه‌ها به دیدن شما نمی‌آید، مگه نه؟

با توجه به این‌که در جمله فقط فعل اصلی visits را در زمان حال ساده داریم و این فعل از نظر ظاهری شکل مثبت دارد، ممکن است تصور کنید که در پرسش کوتاه تأییدی باید از فعل منفی استفاده کنیم. اما دقت کنید که در این مورد قید never جمله را از نظر معنایی منفی کرده است و در نتیجه در پرسش تأییدی به فعل مثبت نیاز داریم. نکته آخر این‌که چون در این جمله فقط فعل اصلی به کار رفته و در جمله فعل کمکی نداریم، در پرسش کوتاه تأییدی از do و مشتقات آن (در این مورد does) استفاده می‌شود.

۳۱۶۸۷ زمین کنار خانه‌مان اخیراً به دولت فروخته شده است.

فعل sell (فروختن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the land) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. البته با در نظر گرفتن sold بعد از جای خالی، تمام گزینه‌های این تست دارای ساختار مجهول صحیحی هستند و شما باید تشخیص می‌دادید که در بین این چهار گزینه، کدامیک از نظر زمان هم صحیح است. دقت کنید که یکی از کاربردهای زمان حال کامل (have / has + pp.) برای اشاره به عملی است که اخیراً انجام شده و از زمان انجام آن مدت اندکی گذشته است. البته در این تست، این کاربرد حال کامل را به صورت مجهول داریم. معمولاً همراه این کاربرد زمان حال کامل، از just یا recently استفاده می‌شود.

۳۱۶۸۸ آن کار ساعت ۱۱ شب پنج‌شنبه به اتمام نرسید، پس آن‌ها تصمیم گرفتند تا آن را به شنبه بعد موکول کنند.

صرف‌نظر از بحث معلوم یا مجهول بودن فعل finish (تمام کردن؛ تمام شدن) که عملاً کاربرد آن هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی صحیح است، در این‌جا طبق مفهوم جمله، این فعل باید در زمان گذشته باشد و در نتیجه فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در این جمله مرکب، بند دوم نتیجه حاصل از بند اول را شرح می‌دهد و در نتیجه در بین دو بند جمله از so استفاده می‌کنیم. البته از نظر معنایی کاربرد and هم در این‌جا با تغییر جزئی در معنی اشکال ندارد. اگر در مورد زمان حال کامل (hasn't finished) در گزینه (۱) نیز دچار اشتباه شدید، توجه داشته باشید که به دلیل وجود قید زمان مشخص در گذشته (at 11 p.m. Thursday)، امکان استفاده از زمان حال کامل در این جمله منتفی است. در طول تاریخ، کفش‌ها نه فقط برای محافظت، بلکه برای زینت نیز پوشیده شده‌اند.

فعل wear (پوشیدن، بر تن کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (shoes) پیش از جای خالی قرار گرفته، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) دارای ساختار مجهول هستند، اما گزینه (۴) به دلیل کاربرد being به جای been از نظر دستوری نادرست است. برای اشاره به عملی که از گذشته تاکنون به طور پیوسته یا متناوب انجام شده است، از زمان حال کامل (have / has + pp.) استفاده می‌شود که در این تست شکل مجهول آن را داریم.

صحیح باشد. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، s' در جمله اصلی شکل مخفف is است و در نتیجه در پرسش تأییدی is مورد نیاز است، نه has.

۴۱۶۸۱ به دلایل مختلف، از ابتدای زمان (تاریخ) نوعی لباس توسط نوع بشر به تن می‌شده است.

فعل wear (پوشیدن، بر تن کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (clothing of some type) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) دارای ساختار مجهول هستند. برای اشاره به عملی که از گذشته تاکنون به طور پیوسته یا متناوب انجام شده است، از زمان حال کامل (have / has + pp.) استفاده می‌شود که در گزینه (۴) شکل مجهول آن را داریم.

۲۱۶۸۲ هیچ‌کس کاملاً مطمئن نیست [که] او با آن پول چه می‌کند ولی باور بر آن است که او آن [پول] را به اقوامش در کشوری خارجی می‌فرستد.

فعل believe (باور داشتن، اعتقاد داشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (ضمیر مفعولی it) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه (۲) دارای ساختار مجهول است. ۴۱۶۸۳ کلاس معمولاً ساعت ۱۰ صبح شروع می‌شود ولی امروز ساعت ۹:۳۰ صبح شروع شد، مگه نه؟

در صورتی‌که جمله اصلی دارای ساختار جمله مرکب باشد و پرسش تأییدی نیز در انتهای جمله قرار گیرد، پرسش تأییدی را بر مبنای فاعل و فعل بند دوم (در این‌جا it started) درست می‌کنیم. با توجه به این‌که در بند دوم جمله فقط فعل اصلی started را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی، از شکل منفی فعل did (یعنی didn't) استفاده می‌شود. ۲۱۶۸۴ ممکن است لطفأ ساکت باشید؟ گزارش آب‌وهوا در حال پخش است و من می‌خواهم گوش دهم.

فعل broadcast ([از رادیو و تلویزیون] پخش کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the weather report) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. البته تمام گزینه‌های این تست دارای ساختار مجهول است و هیچ‌کدام از گزینه‌ها را نمی‌توان از این جهت حذف کرد. دقت کنید که برای اشاره به عملی که در حال حاضر در حال انجام است، از فعل حال استمراری (فعل ing دار + am / is / are) استفاده می‌شود که شکل مجهول و مناسب آن این‌جا در گزینه (۲) آمده است.

۳۱۶۸۵ آیا می‌دانی که از ماریا به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری شرکت دعوت شده است؟

فعل invite (دعوت کردن از) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (Maria) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه (۳) دارای ساختار مجهول است. یکی از کاربردهای زمان حال کامل (have / has + pp.) برای بیان عملی است که در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده است که در این تست شکل مجهول آن مدنظر است.

۱۶۹۰ A: «نمی‌توانم مدارکی را که دیشب روی میزم رها کردم، پیدا کنم.»

B: «به احتمال زیاد، آن‌ها دور انداخته شده‌اند.»

فعل **find** (پیدا کردن، یافتن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (**the papers**) بعد از جای خالی قرار گرفته، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم، بنابراین بر مبنای جای خالی اول، تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در هر دوی این گزینه‌ها برای جای خالی دوم فعل مجهول داریم، اما چون در این مورد فعل مجهول در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده، آن را در زمان حال کامل (**have / has been + pp.**) نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینه (۴) به کار رفته است.

۱۶۹۱ چای سبز از چین منشاء گرفته و برای هزاران سال به عنوان دارو استفاده شده است. آن هم‌چنین به عنوان یکی از سالم‌ترین نوشیدنی‌ها در جهان شناخته می‌شود.

هر دو فعل **use** (استفاده کردن از) و **know** (شناختن) در معنی به کار رفته در این تست جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول این فعل‌ها (**it** و **green tea**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. دقت کنید که در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینه (۱) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

۱۶۹۲ دوچرخه‌سوار، دوچرخه‌اش را به ماشینی که در خیابان پارک شده بود، زد. او فوراً به بیمارستان منتقل شد.

هر دو فعل **park** (پارک کردن) و **take** (بردن؛ منتقل کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول این فعل‌ها (**he** و **that**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. دقت کنید که چون در هر دو مورد فعل در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، در هر دو مورد فعل مجهول را در زمان گذشته ساده نیاز داریم؛ بنابراین گزینه (۲) را به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌کنیم.

۱۶۹۳ تیم‌هایی از کشورهای بسیار برای شرکت کردن در بازی‌های المپیک قبلی دعوت نشدند.

فعل **invite** (دعوت کردن از) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (**teams**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۲) و (۳) دارای ساختار مجهول هستند، اما با توجه به این که فعل مجهول مربوط به زمان مشخصی در گذشته (بازی‌های المپیک قبلی) است، آن را در زمان گذشته ساده نیاز داریم و در نتیجه گزینه (۳) را انتخاب می‌کنیم.

۱۶۹۴ گوریل‌ها در چند کشور در آفریقای مرکزی یافت می‌شوند. آن‌ها حدود ۱/۶ متر قد دارند و با موی سیاه و قهوه‌ای پوشیده شده‌اند.

هر دو فعل **find** (پیدا کردن، یافتن) و **cover** (پوشاندن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول این فعل‌ها (**gorillas** و ضمیر **they**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. دقت

کنید که در هر دو جای خالی این تست، فعل مجهول ویژگی‌های مربوط به گوریل‌ها را شرح می‌دهد که امری کلی است و مقید به بازه زمانی خاصی نیست و در نتیجه در هر دو مورد فعل مجهول را در زمان حال ساده نیاز داریم.

۱۶۹۵ آن‌ها به دنبال کسی هستند که بتواند به این گونه مشکلات رسیدگی کند، مگه نه؟

با توجه به این که در این جا جمله مرکب نداریم، پرسش تأییدی بر مبنای فاعل و فعل ابتدای جمله (**They're looking for**) درست می‌شود. دقت کنید که در این جا **re** شکل مخفف فعل کمکی **are** است و به دلیل مثبت بودن این فعل در جمله اصلی، در پرسش تأییدی آن را به صورت منفی نیاز داریم.

۱۶۹۶ مکزیک نیمی از قلمرویش را در جنگی که از [سال] ۱۸۴۶ تا [سال] ۱۸۴۸ طول کشید به ایالات متحده تسلیم کرد.

فعل **lose** (از دست دادن؛ گم کردن؛ واگذار کردن، تسلیم کردن) در این جا متعدی است، اما با توجه به این که مفعول آن (**half its territory**) بعد از جای خالی آمده، در این مورد این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم. دقت کنید که فعل **last** (طول کشیدن، ادامه یافتن) جزء افعال لازم است و به مفعول نیاز ندارد؛ بنابراین در جای خالی دوم نیز نمی‌توانیم فعل مجهول قرار دهیم.

۱۶۹۷ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) این لباس‌ها برای استفاده روزانه طراحی شده‌اند، پس می‌توانی آن‌ها را هر جا که خواستی بپوشی.

(۲) مایک و خواهرش می‌توانند فرانسوی صحبت کنند ولی آن‌ها نمی‌توانند ژاپنی صحبت کنند.

(۳) نقاشی‌های بسیاری در تابستان گذشته به سرقت رفتند، ولی خوشبختانه همگی پیدا شدند.

(۴) بهتر است سوراخ پنجره را بدهیم درست کنند، یا [در غیر این صورت] خانه پر از مگس می‌شود.

در گزینه (۱) بند دوم جمله، نتیجه بند اول را ذکر می‌کند و به درستی در بین دو بند جمله از **so** استفاده شده است. در گزینه (۲) از **but** برای بیان تضاد و مقایسه بین دو بند جمله استفاده شده است و کاربرد آن در این جا مشکلی ندارد. در گزینه (۴) نیز از **or** در معنای صحیحی استفاده شده و این گزینه نیز ایرادی ندارد. اما دقت کنید که در گزینه (۳) باید به جای **if** از **but** استفاده شود تا دو بند جمله از نظر معنایی با هم ارتباطی منطقی داشته باشند.

۱۶۹۸ لطفاً شماره تأییدیه‌ای را که وقتی اتاق را رزرو کردید به شما گفته شد به اطلاع من برسانید، ممکن است؟

معمولاً برای درست کردن پرسش تأییدی در مورد جملات امری (مانند جمله صورت تست) از **will you?** استفاده می‌شود. البته در این مورد به جای **will** از **can**، **could**، **would** و در صورت داشتن فعل امری مثبت، حتی از **won't** هم می‌توان استفاده کرد.

۱۶۹۹ در [سال] ۱۹۸۳، یک قرن پس از اختراع تلفن، تلفن‌های همراه توسط دو پژوهشگر آزمایشگاه‌های [کمپانی] ای‌تی‌اندتی، ریچارد ایچ. فرنکیل و جول اس. اینگل توسعه یافتند.

با توجه به این که بند دوم جمله، نتیجه حاصل از بند اول را ذکر می‌کند، در این مورد به **so** (پس، بنابراین، در نتیجه) نیاز است. دقت کنید که فعل **hide** (مخفی کردن، پنهان کردن) در این جا متعدی است، اما با توجه به این که مفعول آن (یعنی ضمیر **which** که به **passwords** باز می‌گردد) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی دوم به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم (گزینه‌های (۱) و (۲)). همان طور که می‌دانید برای بیان امور کلی که مربوط به بازه زمانی خاصی نیستند از فعل حال ساده استفاده می‌شود که در این جا شکل مجهول آن را در گزینه (۱) داریم. **۱۷۰۴** پروفیسور ویلیامز مدام به شاگردانش می‌گوید که آینده متعلق به تحصیل‌کردگان است.

فعل مرکب **belong to** (متعلق بودن به) جزء افعال متعدی است که در این جمله مفعول آن (**the well-educated**) بعد از جای خالی قرار گرفته است؛ بنابراین در این مورد به فعل معلوم نیاز داریم که طبق مفهوم جمله و مقید نبودن آن به بازه زمانی خاص باید در زمان حال ساده باشد. شکل مناسب این فعل در زمان حال ساده و به شکل معلوم در گزینه (۱) آمده است. **۱۷۰۵** دو چرخه‌ام دزدیده شده! [الان] با پلیس تماس می‌گیرم.

فعل **steal** (دزدیدن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (**my bike**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، گزینه‌های (۳) و (۴) دارای ساختار مجهول هستند. برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده است اما نتایج و آثار آن تاکنون ادامه دارد، از زمان حال کامل (**have / has + p.p.**) استفاده می‌کنیم که در این تست شکل مجهول آن مدنظر است.

۱۷۰۶ دهه آینده به دلچسپی آن [دهه‌ای] که تازه سپری کرده‌ایم نخواهد بود، مگه نه؟

با توجه به این که در این جا جمله دارای ساختار جملات مرکب نیست، پرسش کوتاه تأییدی را بر اساس فاعل و فعل ابتدای جمله (**the next decade won't be**) درست می‌کنیم. همان طور که می‌بینید، در این مورد فعل وجهی منفی **won't** را داریم؛ بنابراین در پرسش کوتاه تأییدی همان را به صورت مثبت (در این مورد **will**) نیاز داریم. علاوه بر این، توجه کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای **the next decade** در این جمله، **it** است.

۱۷۰۷ A: «ماشینت کجاست؟»
B: «در حال حاضر دارد تمیز می‌شود. تا یک ساعت دیگر می‌روم دنبالش.»
هر دو فعل **clean** (تمیز کردن) و **collect** (دنبال ... رفتن؛ جمع کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در جای خالی اول، مفعول (**it**) پیش از جای خالی قرار گرفته اما در جای خالی دوم آن را بعد از جای خالی داریم، در جای خالی اول به فعل مجهول و در جای خالی دوم به فعل معلوم نیاز است؛ بنابراین گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل داشتن فعل مجهول در جای خالی دوم (**will be collected**) حذف می‌شوند. دقت کنید که فعل مجهول قرار گرفته در جای خالی اول به عملی اشاره دارد که در حال حاضر (**at the moment**) در حال انجام است؛ بنابراین در این مورد فعل مجهول را در زمان حال استمراری (**is being cleaned**) نیاز داریم.

بعد از حرف تعریف **the**، به اسم (**invention**) نیاز داریم، نه فعل (**invent**). دقت کنید که فعل **develop** (توسعه دادن؛ پرورش دادن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (**mobile telephones**) پیش از جای خالی دوم قرار گرفته است، در این جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. در بین گزینه‌های (۲) و (۴) تنها در گزینه (۴) برای جای خالی دوم فعل مجهول داریم.

۱۷۰۸ بچه‌ها واقعاً نسبت به مجسمه‌هایی که در گالری هنری دیدیم علاقه‌مند به نظر می‌رسیدند، مگه نه؟

با توجه به این که در جمله فقط فعل اصلی **seemed** را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی، از شکل منفی فعل **didn't** (یعنی **didn't**) استفاده می‌شود. دقت کنید که در پرسش کوتاه تأییدی نمی‌توانیم از فاعل به صورت اسم (مانند **the children** در این تست) استفاده کنیم و باید آن را با ضمیر فاعلی مناسب (مانند **they** در این جا) جایگزین کنیم. **۱۷۰۹** کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) بلافاصله بعد از آن که دو سال پیش برای شغلی در سازمان ملل متحد تقاضا دادم، استخدام شدم.

(۲) نمی‌فهمم تو چرا گزارش را نداری. آن بیش از یک هفته پیش برایت فرستاده شد.

(۳) باور بر آن است که افراد بسیار بیشتری در عرض ده سال آینده از سرطان پوست خواهند مرد.

(۴) اگر عجله نکنیم، تمام بلیت‌ها تا وقتی که به سینما برسیم فروخته می‌شوند.

در گزینه (۱) فعل **hire** (استخدام کردن) متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که در این جا بعد از **hire** مفعول را نداریم و مفعول (در این مورد ضمیر **I**) به قبل از آن منتقل شده، این فعل را به صورت مجهول (در این مورد **was hired**) نیاز داریم. در مورد گزینه (۲) دقت کنید که چون «فرستادن گزارش» در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، در این مورد فعل مجهول در زمان گذشته ساده (**was sent**) نیاز است، نه حال کامل (**has been sent**). در مورد گزینه (۴) نیز دقت کنید که برای منفی کردن فعل در زمان حال ساده برای ضمیر فاعلی **we**، پیش از فعل، **don't** قرار می‌دهیم، نه **not**. اما گزینه (۳) چه از نظر مجهول بودن فعل متعدی **believe** و چه از نظر سایر اجزای جمله مشکل خاصی ندارد و در این تست به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌شود.

۱۷۰۲ تخمین زده شده است که در طول هر ثانیه از زندگی ما ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ گلیول قرمز خون می‌میرند و توسط [سلول‌های] جدید جایگزین می‌شوند.

فعل **die** (مردن) جزء افعال لازم است و چون به مفعول نیاز ندارد، پس نمی‌توانیم آن را مجهول کنیم؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که ضمیر **one** در آخر جمله به اسم جمع **cells** اشاره دارد و در نتیجه باید آن را با **s** جمع ببندیم. **۱۷۰۳** آرین نمی‌تواند تمام گذرواژه‌هایش را به یاد بیاورد، پس آن‌ها را در لیستی نگه می‌دارد که [در آن لیست] به عنوان شماره‌های تلفن پنهان شده‌اند.

در این جا جمله دارای ساختار جمله مرکب است؛ بنابراین باید برای پی بردن به کلمه ربط مناسب برای جای خالی اول، ارتباط بین دو بند جمله را مشخص کنیم.

داستان به طرز جذابی از نقطه نظر یک کودک نوزاد گفته شده بود، مگه نه؟

با توجه به این که در جمله اصلی فعل کمکی was را به صورت مثبت داریم که جمله از طریق آن مجهول شده است، در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل کمکی را به صورت منفی نیاز داریم. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای the story (داستان) در این تست، it است.

کوکاکولا در ۸ [ماه] ۱۸۸۶ توسط دکتر جان پمبرتون در آتلانتا ابداع شد، اما در سال اول، تنها ۹ نوشیدنی به فروش رفت.

تمامی موارد قرار گرفته در گزینه‌ها دارای ساختار مجهول است؛ بنابراین باید صرفاً بر مبنای زمان فعل‌ها تشخیص دهیم که کدام گزینه صحیح است. دقت کنید که چون هر دو فعل مجهول قرار گرفته در گزینه‌ها مربوط به زمان گذشته هستند و در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده‌اند، در هر دو مورد به فعل گذشته ساده مجهول (was / were + pp.) نیاز داریم. البته چون drinks پیش از جای خالی دوم جمع است، برای آن باید از were استفاده کنیم، نه was.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

- (۱) به عنوان دانشجو، توبه صورت پاره وقت در یک کافی شاپ کار می‌کردی، مگه نه؟
 - (۲) همه مضطربند تا بدانند چه بر سر قهرمان سابق آمده است، مگه نه؟
 - (۳) هیچ مدرکی وجود ندارد که داستان براساس تجربه خودش باشد، مگه نه؟
 - (۴) لطفاً مواظب باشید که به پرندگان در قفس هر روز آب و غذا برسد، باشه؟
- در گزینه (۱) در جمله اصلی used to داریم؛ بنابراین در پرسش تأییدی به درستی از didn't استفاده شده است و ضمیر فاعلی you هم که طبیعتاً عیناً تکرار شده است. در مورد گزینه (۲) دقت کنید که چون در جمله اصلی از ضمیر مبهم everyone استفاده کرده‌ایم؛ بنابراین در پرسش کوتاه تأییدی ضمیر they قرار می‌گیرد و همراه ضمیر جمع they از فعل جمع are استفاده می‌کنیم، نه فعل مفرد is. پس گزینه (۲) هم دارای ساختار صحیح و مناسبی است. گزینه (۴) دارای ساختار جمله امری است؛ بنابراین برای درست کردن پرسش تأییدی به درستی از will you? استفاده کرده‌ایم. اما در مورد گزینه (۳) توجه کنید که چون در این جا جمله با there آغاز شده است، در پرسش تأییدی باید خود there را به کار ببریم و در واقع در این گزینه باید به جای is it? از is there? استفاده شود.

کتابی [که] از کتابخانه قرض گرفتم فاقد اطلاعاتی بود [که] برای تمام کردن گزارشم نیاز داشتم، پس باید یکی بهترش را پیدا کنم.

فعل lack (فاقد ... بودن، نداشتن) جزء افعال متعدی است. البته چون مفعول این فعل (the information) بعد از جای خالی قرار گرفته است، پس نمی‌توانیم این فعل را مجهول کنیم و طبق جای خالی اول، تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که در این جا طبق مفهوم جمله، فعل have to مدنظر است و همان‌طور که می‌دانید بعد از این فعل، فعل اصلی به شکل ساده به کار می‌رود (مانند find در این تست). برگه‌های امتحانی توسط دستگاه نمره داده می‌شوند. دانش‌آموزان، هفته آینده از نتایج خودشان آگاه می‌شوند.

فعل score (نمره دادن به) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (examination papers) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. علاوه بر این، فعل tell (گفتن؛ آگاه کردن) در جای خالی دوم نیز جزء افعال متعدی و البته در این جا دو مفعولی است که یکی از مفعول‌های آن (the students) پیش از جای خالی آمده است؛ بنابراین در این مورد نیز به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های موجود، تنها در گزینه (۲) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

اگر درگیر یک تصادف رانندگی شدید و کسی آسیب دید، باید موضوع را به پلیس گزارش دهید.

هر دو فعل involve (درگیر کردن، گرفتار کردن) و hurt (آسیب زدن، صدمه زدن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول پیش از جای خالی قرار گرفته است (ضمایر you و someone)، در هر دو جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های موجود تنها در گزینه (۳) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم. من هفته گذشته برنامه بسیار فشرده‌ای داشتم، ولی این هفته نسبتاً آزاد هستم، مگه نه؟

در این تست، جمله مرکب مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به این که بین دو بند جمله رابطه تضاد و مقایسه وجود دارد، در بین آن‌ها but قرار می‌دهیم. همان‌طور که در درسنامه نیز گفته شد، در صورتی که بخواهیم در انتهای جمله مرکب، پرسش تأییدی قرار دهیم، این پرسش بر مبنای فاعل و فعل بند دوم درست می‌شود. علاوه بر این، همان‌طور که احتمالاً می‌دانید برای فاعل و فعل I am (I'm) پرسش تأییدی همواره شکل ثابتی دارد و در این مورد همواره از I'm aren't استفاده می‌شود.

ظرف‌ها هنوز شسته نشده‌اند. می‌توانی لطفاً آن‌ها را بشویی؟

فعل wash (شستن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (the dishes) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. البته تمامی گزینه‌ها دارای ساختار مجهول هستند و تنها می‌توان گزینه (۱) را به دلیل قرار گرفتن not بعد از دو فعل کمکی have و been حذف کرد. چرا که وقتی در جمله دو فعل کمکی داریم، برای منفی کردن فعل، not را بین دو فعل کمکی قرار می‌دهیم. دقت کنید که yet از نشانه‌های اصلی زمان حال کامل (has / have + pp) است و نشان می‌دهد که فعل از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است. در این تست نیز همین کاربرد زمان حال کامل به صورت مجهول مدنظر است.

در حالی که معلم نتایج امتحان را اعلام می‌کرد، همه ساکت بودند، مگه نه؟

چون در جمله اصلی از ضمیر مبهم everybody استفاده کرده‌ایم، در پرسش کوتاه تأییدی ضمیر فاعلی جمع they قرار می‌گیرد. دقت کنید که به دلیل جمع بودن ضمیر they، فعل was هم پیش از منفی شدن به شکل جمع در می‌آید (یعنی weren't).

۱۷۲۱ چه غروب آفتاب زیبایی! بیایید یکی دو دقیقه بگردیم و تماشایش کنیم، موافقید؟

در صورتی که جمله‌ای با let's که مخفف let us است آغاز شده باشد، پرسش تأییدی آن shall we? خواهد بود.

۱۷۲۲ فیات بزرگ‌ترین تولیدکننده اتومبیل در ایتالیاست. آن توسط گروهی از اهالی کسب‌وکار ایتالیایی در [سال] ۱۸۹۹ تأسیس شد. در سال ۱۹۰۳، فیات ۱۳۲ ماشین تولید کرد.

هر دو فعل start (تأسیس کردن، بنیاد نهادن) و produce (تولید کردن، ساختن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، مفعول (it) پیش از جای خالی قرار گرفته، اما در جای خالی دوم، مفعول (132 cars) را بعد از جای خالی داریم، در مورد اول به فعل مجهول نیاز است و جای خالی دوم با فعل معلوم کامل می‌شود. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، تنها گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.

۱۷۲۳ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) موتورهای بخار در اکثر موارد با دستگاه‌های اقتصادی‌تر و کارآمدتر هم‌چون موتورهای الکتریکی جایگزین شده‌اند.

(۲) گزارش شده است که ساختمان جدید اداره به دلیل شرایط اقتصادی کنونی ساخته نخواهد شد.

(۳) کار کردن در این شرایط به شدت برای سلامتی مضر است، به خصوص اگر هیچ لباس ایمنی‌ای پوشیده نشود.

(۴) بسیاری از حیوانات در طول تاریخ به عنوان یک منبع غذا شکار شده‌اند ولی این در مورد فیل‌ها صدق نمی‌کند.

فعل replace (جایگزین کردن، جانشین کردن) در گزینه (۱) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (steam engines) پیش از آن قرار گرفته است، آن را به صورت مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم (have been replaced / were replaced). در گزینه (۲) نیز شرایط مشابهی داریم و فعل build (ساختن، بنا کردن) در این‌جا متعدی است و چون مفعول آن (the new office building) پیش از آن قرار دارد، در این مورد هم به فعل مجهول نیاز است (will not be built). در مورد گزینه (۳) توجه کنید که فاعل این جمله از یک اسم مصدر (working) تشکیل شده است و همان‌طور که در سال یازدهم نیز گفته شد، در صورتی‌که در جایگاه فاعل جمله یک اسم مصدر (در این مورد working) به کار رفته باشد، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و در نتیجه در این‌جا به جای are به فعل سوم شخص مفرد is نیاز خواهیم داشت:

Working in these conditions is extremely ...

اما گزینه (۴) چه از نظر ساختار جمله مرکب، چه از نظر قرار گرفتن but در بین دو بند جمله برای نشان دادن تضاد بین دو بند و چه از نظر مجهول بودن فعل متعدی hunt (شکار کردن) در زمان حال کامل، بدون اشکال است و در نتیجه این گزینه را به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌کنیم.

۱۷۲۴ هر دوی آن‌ها سخت کار کردند تا بتوانند در امتحان ورودی قبول شوند، مگه نه؟

۱۷۱۷ دژ آمازون شدیداً برای بوم‌شناسی زمین مهم است. چهل درصد از اکسیژن جهان در آن‌جا تولید می‌شود.

با توجه به این‌که کلمه قرار گرفته در جای خالی اول شدت و مقدار صفت important (مهم، با اهمیت) را نشان می‌دهد، در این مورد به قید مقدار (extremely) نیاز داریم، نه صفت (extreme)؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم توجه کنید که فعل produce (تولید کردن، ساختن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (oxygen) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های (۱) و (۴) تنها در گزینه (۱) برای جای خالی دوم فعل مجهول داریم و در نتیجه همین گزینه را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

۱۷۱۸ روی آن مؤسسه خیریه نام فردی گذاشته شده که حدود دو میلیارد دلار [به آن] اهدا کرد، درست است؟

فعل name (نام گذاشتن روی، نامیدن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (that charity) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) به دلیل کاربرد فعل مجهول (is named) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که چون در جمله اصلی، فعل کمکی is را به صورت مثبت داریم، در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل به صورت منفی مورد نیاز است.

۱۷۱۹ فهم کامل شرایط به توجهی بیش از آن‌چه تاکنون داده شده، نیازمند است.

فعل require (نیاز داشتن، احتیاج داشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (more thinking / more thought) بعد از آن قرار گرفته، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم و گزینه (۱) به دلیل مجهول بودن این فعل (is required) حذف می‌شود. دقت کنید که چون در جایگاه فاعل جمله یک اسم مصدر (understanding) به کار رفته، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و کاربرد require در گزینه (۴) نیز نادرست است. گزینه (۲) از دو جهت نمی‌تواند صحیح باشد: اولاً طبق مفهوم جمله، فعل give به صورت مجهول مورد نیاز است و ثانیاً از نظر معنایی این جمله را می‌توان با so far (تاکنون) کامل کرد، نه yet (هنوز).

۱۷۲۰ دیروز تصادفی وحشتناک در یکی از خیابان‌های شلوغ مرکز شهر [رخ داده] بود. ده‌ها نفر، از جمله دوستم که توسط پلیس با او مصاحبه شد، آن را دیدند.

ده‌ها: dozens of

هر دو فعل see (دیدن) و interview (مصاحبه کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در جای خالی اول، مفعول (it) بعد از جای خالی قرار گرفته، اما در جای خالی دوم، مفعول (ضمیر موصولی who) را پیش از جای خالی داریم، در مورد اول به فعل معلوم نیاز است در حالی‌که مورد دوم با فعل مجهول کامل می‌شود. بنابراین عملاً در بین گزینه‌های موجود فقط گزینه (۴) می‌تواند صحیح باشد.

❖ **۱۷۳۹** دکتر گفت که سلامت بیمار از زمانی که برای او دارویی جدید تجویز کردند به طور مستمر بهبود یافته است.

❖ فعل **improve** (در این جا بهبود یافتن، بهتر شدن) هم می تواند به عنوان فعل لازم مورد استفاده قرار گیرد و هم فعل متعدی. بنابراین حداقل از نظر دستوری هم کاربرد **has improved** و هم کاربرد **has been improved** برای جای خالی اول بدون اشکال است. البته با توجه به این که در گزینه (۴) به جای قسمت سوم فعل **improve**، از شکل ساده این فعل استفاده شده است، این گزینه بر مبنای جای خالی اول حذف می شود. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که وقتی از **since** به همراه زمان حال کامل (در این مورد **has improved**) استفاده می کنیم، بیانگر مبدأ عمل در گذشته خواهد بود و پس از آن به فعل گذشته ساده نیاز داریم. در بین سه گزینه باقی مانده تنها در گزینه (۱) فعل **put** را در زمان گذشته ساده داریم. **۱۷۳۹** در این ناحیه، برنج برای صدها سال پرورش یافته است ولی حالا دولت تلاش می کند محصولی دیگر را بیابد.

❖ برای پاسخ دادن به این تست ابتدا سراغ جای خالی دوم می رویم. در صورتی که فعل **try** در معنی «سعی کردن، تلاش کردن» به کار رفته باشد، فعل پس از آن به صورت مصدر یا **to** خواهد بود؛ بنابراین طبق جای خالی دوم فقط یکی از گزینه های (۱) یا (۲) می تواند صحیح باشد. در هر دوی این گزینه ها برای جای خالی اول فعل مجهول داریم ولی با توجه به این که فعل مدنظر در تست از گذشته تاکنون به طور پیوسته انجام شده است، فعل مجهول را در زمان حال کامل انتخاب می کنیم (**has been grown**). دقت کنید که **for** در این جمله می تواند از نشانه های زمان حال کامل باشد و در صورت استفاده به همراه این زمان، نشان دهنده طول عمل از گذشته تاکنون خواهد بود.

❖ **۱۷۳۱** نخستین کامپیوترهای دیجیتال الکترونیکی در اواسط قرن بیستم توسعه یافتند. در آغاز آن ها به اندازه اتاکی بزرگ بودند و برقی به اندازه چند صد کامپیوتر شخصی امروزی مصرف می کردند.

❖ هر چهار مورد موجود در گزینه ها برای جای خالی اول دارای ساختار مجهول هستند و با توجه به این که این فعل در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است می توان متوجه شد باید فعل مجهول را در زمان گذشته ساده استفاده کنیم. دقت کنید که همین استدلال در مورد فعل قرار گرفته در جای خالی دوم نیز وجود دارد و در این مورد هم باید فعل در زمان گذشته ساده باشد، نه حال کامل.

❖ **۱۷۳۲** آن ویدیو، از وقتی که چند روز پیش توسط آن دانشجوی جوان بارگذاری شد، بیش از ۱/۴ میلیون بار تماشا شده است.

❖ هر سه فعل **watch** (تماشا کردن، دیدن)، **view** (تماشا کردن، نگاه کردن) و **upload** (بارگذاری کردن، آپلود کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول (**video**) و ضمیر (**it**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و فقط یکی از گزینه های (۳) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که چون **since** به همراه زمان حال کامل (**has been watched / viewed**) مبدأ عمل را در گذشته نشان می دهد، در جای خالی دوم، فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این مورد **was uploaded**) نیاز داریم.

❖ با توجه به این که در این جا ساختار جمله مرکب را نداریم، پرسش کوتاه تأییدی براساس فاعل و فعل ابتدای جمله (**both of them worked**) درست می شود. علاوه بر این چون در این جا فقط فعل اصلی **worked** را به صورت مثبت و در زمان گذشته ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی از شکل منفی **didn't** (یعنی **did not**) استفاده می شود. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای **both of them** (هر دوی آن ها) **they** است.

❖ **۱۷۳۵** دیروز تصاویری از سطح سیاره ناهید از کاوشگر فضایی «اکسپلورر» که سال پیش [به فضا] پرتاب شد، دریافت گردید.

❖ هر دو فعل **receive** (دریافت کردن، گرفتن) و **launch** (به فضا] پرتاب کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول (**pictures**) و ضمیر موصولی (**which**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و در نتیجه گزینه های (۲) و (۴) به دلیل معلوم بودن فعل **received** حذف می شوند. دقت کنید که هر دو فعل قرار گرفته در گزینه ها در زمان های مشخصی از گذشته (دیروز و سال پیش) انجام شده اند و به اتمام رسیده اند و در نتیجه در هر دو مورد فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این جا **was launched** و **were received**) نیاز داریم. **۱۷۳۶** آن پیرزن، وقتی که او پسری کوچک بود برایش داستان هایی می خواند، مگه نه؟

❖ در جمله اصلی از **used to** استفاده شده است تا نشان دهیم کاری در گذشته از روی عادت یا به طور پیوسته انجام می شده، ولی آن عمل در حال حاضر دیگر قطع شده است. به همین دلیل، در پرسش کوتاه تأییدی **didn't** را به کار می بریم. دقت کنید که ضمیر فاعلی مناسب برای **the old woman** (آن پیرزن)، **she** است، نه **her**.

❖ **۱۷۳۷** به تازگی سیاره های جدید در صورت فلکی آبریز کشف شده است. این سیاره اوایل هفته پیش توسط منجمان در کالیفرنیا کشف شد.

❖ هر دو فعل **find** (پیدا کردن، یافتن؛ کشف کردن) و **discover** (کشف کردن؛ پی بردن به) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول (**planet**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و در نتیجه یکی از گزینه های (۲)، (۳) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که فعل قرار گرفته در جای خالی دوم، در زمان مشخصی از گذشته (هفته پیش) انجام شده و به اتمام رسیده است و بنابراین در این مورد فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این جا **was discovered**) نیاز داریم.

❖ **۱۷۳۸** [به دلیل] میزانی که او از تب یونجه رنج می برد، باید به پزشک مراجعه کند، درست است؟

❖ عبارت **the amount he's suffering from hay fever** در ابتدای جمله، یک بند وابسته است که به تنهایی جمله کاملی را تشکیل نمی دهد و در واقع تنها با اضافه کردن آن به جمله اصلی (در این جا **he needs to see a doctor**) معنی کاملی خواهد داشت. در این گونه موارد که جمله از دو بند مستقل و وابسته تشکیل شده است، پرسش کوتاه تأییدی بر مبنای فاعل و فعل بند مستقل (**he needs**) درست می شود. با توجه به این که در بند مستقل، فعل **needs** را به صورت مثبت و در زمان حال ساده داریم، در پرسش کوتاه تأییدی و برای ضمیر فاعلی **he** از شکل منفی فعل کمکی **does** (یعنی **doesn't**) استفاده می کنیم.

برای جای خالی دوم حذف می‌شود. دقت کنید که برای اشاره به عملی که در زمان نامعینی از گذشته انجام شده است، از زمان حال کامل (have / has) استفاده می‌کنیم که در گزینه (۳) همین کاربرد زمان حال کامل را به صورت مجهول و همراه با already (قبلاً، سابقاً) داریم تا نشان دهیم که زمان دقیق انجام فعل در گذشته مشخص نیست.

۴۱۷۳۷ دیوید تعدادی حساسیت غذایی دارد، پس او باید مراقب آن‌چه می‌خورد باشد، مگه نه؟

با توجه به این‌که صورت تست از جمله مرکب تشکیل شده است، برای تشخیص دادن کلمه ربطی که در بین دو بند جمله قرار می‌گیرد، باید رابطه معنایی این دو بند را با هم تشخیص دهیم. دقت کنید که چون بند دوم، نتیجه حاصل از بند اول را ذکر می‌کند، در بین دو بند جمله به so نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید، اگر بخواهیم در انتهای جملات مرکب پرسش تأییدی اضافه کنیم، این پرسش بر مبنای فاعل و فعل بند دوم (he has to be) درست خواهد شد. گفته شد که برای درست کردن پرسش تأییدی از have to و مشتقات آن (مانند has to) در این تست) از شکل مناسب فعل do (در این مورد does) استفاده می‌شود که به دلیل مثبت بودن فعل در جمله اصلی، در پرسش کوتاه تأییدی آن را منفی می‌کنیم.

۴۱۷۳۸ A: «چه کسی پنی‌سیلین را کشف کرد؟»

B: «آن توسط الکساندر فلمینگ کشف شد.»

با توجه به این‌که در جمله A فعل (discovered) در زمان گذشته ساده مورد استفاده قرار گرفته است و هم‌چنین با در نظر گرفتن معنی جمله، در جمله B هم به فعل در زمان گذشته ساده نیاز داریم. در بین گزینه‌ها، تنها در گزینه (۲) فعل در زمان گذشته ساده و البته به صورت مجهول به کار رفته است (was discovered). دقت کنید که در گزینه (۱) کاربرد Alexander Fleming به عنوان فاعل جمله معلوم پیش از فعل مجهول (has been discovered) از نظر دستوری نادرست است.

۴۱۷۳۹ هر چند روز [یک بار] با من تماس بگیرد و به این طریق می‌توانیم در صورتی که چیزی رخ دهد در ارتباط بمانیم.

در تماس (با کسی) ماندن، در ارتباط (با کسی) ماندن: keep in touch همان‌طور که می‌بینید keep in touch عبارتی با شکل ثابت است و اصلاً touch در این‌جا فعل نیست که بتوانیم آن را ینگ‌دار کنیم. دقت کنید که happen (اتفاق افتادن، رخ دادن) جزء افعال لازم است و اساساً مجهول کردن آن نمی‌تواند صحیح باشد.

۴۱۷۴۰ در آستانه قرن بیستم شبکه‌ای از خطوط بر روی سطح مریخ توسط یک منجم ایتالیایی کشف شد. آن منجم این خطوط را «کانال» نام نهاد.

در هر چهار گزینه این تست، برای جای خالی اول، فعل مجهول را داریم و شما باید تشخیص می‌دادید که چون فعل مجهول به فاعل سوم شخص مفرد network (شبکه) اشاره دارد، بنابراین به شکل was discovered صحیح است، نه were discovered. در مورد جای خالی دوم توجه کنید که هر چند فعل call (نام نهادن، نامیدن) در این‌جا متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما چون مفعول این فعل (these lines) بعد از جای خالی آمده است، پس این فعل را به صورت معلوم (در این‌جا called) استفاده می‌کنیم.

۱۱۷۳۳ مونالیزا تا جایی که من می‌دانم توسط لئوناردو داوینچی نقاشی شده است.

هر چهار گزینه موجود برای جای خالی اول دارای ساختار مجهول هستند و می‌توان بر مبنای زمان جمله تشخیص داد که چون فعل در زمان مشخصی از گذشته (بخشی از زندگی لئوناردو داوینچی) انجام شده و به اتمام رسیده است، پس باید فعل مجهول را در زمان گذشته ساده (در این مورد was painted) به کار ببریم. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که فعل know در معنی به کار رفته در این جمله، جزء افعال لازم است و پیش از آن نیز فاعل I قرار دارد، پس در این مورد فعل معلوم (know) استفاده می‌شود، نه فعل مجهول (am known). ۳۱۷۳۴ کودکان در شهرهای کوچک آن تعداد سرگرمی را که کودکان در شهرهای بزرگ دارند، ندارند تا حواسشان را پرت کند، مگه نه؟

با توجه به این‌که ساختار این جمله مرکب نیست، برای متوجه شدن شکل مناسب پرسش تأییدی باید به فاعل و فعل بند اصلی (kids in small towns don't have) توجه کنیم. دقت کنید که چون در جمله اصلی فعل کمکی don't به صورت منفی به کار رفته، برای درست کردن پرسش تأییدی همین فعل را به صورت مثبت (یعنی do) نیاز داریم.

۴۱۷۳۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

۱) بسیاری از مردم امسال هم در برابر آنفلوانزا واکسینه شده‌اند، مگه نه؟
۲) این مشکل در ظاهر به نظر ساده می‌آید ولی واقعاً دشوار است، مگه نه؟
۳) پلیس نتوانست هویت آن مرد را مشخص کند، مگه نه؟
۴) کودکان هرگز ظرف‌ها را نمی‌شویند مگر آن‌که مادرشان به آن‌ها بگوید که [این کار را نکنند]، درست است؟

در گزینه (۱)، دو فعل کمکی have و been را داریم؛ بنابراین برای درست کردن پرسش تأییدی، فعل کمکی اول ملاک قرار گرفته و با توجه به مثبت بودن این فعل در جمله اصلی، در پرسش تأییدی آن را به صورت منفی آورده‌ایم. دقت کنید که در این‌جا فاعل جمع many people (بسیاری از مردم) با ضمیر فاعلی they جایگزین شده است. در گزینه (۲)، برای درست کردن پرسش تأییدی در انتهای جمله مرکب، فاعل و فعل بند دوم (it's) را ملاک قرار داده‌ایم و چون s در این‌جا مخفف is و مثبت است، isn't it? نیز مشکلی ندارد. در گزینه (۳)، فعل وجهی could را به صورت منفی (could not) داریم و در نتیجه در پرسش تأییدی همین فعل به صورت مثبت مورد استفاده قرار گرفته است. دقت کنید که police یک اسم جمع به حساب می‌آید؛ بنابراین ضمیر فاعلی مناسب برای آن نیز به درستی they ذکر شده است. در مورد گزینه (۴) دقت کنید که هر چند فعل wash از نظر ظاهری مثبت است، اما کاربرد never پیش از آن، جمله را از نظر معنایی منفی کرده است و در نتیجه در پرسش تأییدی به فعل کمکی مثبت do نیاز داریم (do they?).

۳۱۷۳۶ چند دقیقه پیش تصادفی بد رخ داد ولی فکر می‌کنم قبلاً با یک آمبولانس تماس گرفته شده است.

فعل call (تماس گرفتن، با تلفن کردن) به در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (ambulance) پیش از جای خالی دوم قرار گرفته است، در این‌جا جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. بنابراین گزینه (۱) به دلیل ارائه ساختار معلوم

دقت در موارد ارائه شده در گزینه‌ها برای جای خالی دوم می‌توان متوجه شد که در هر چهار مورد، ساختار فعل connect (وصل کردن، متصل کردن) مجهول (to be + p.p.) است و تنها بر مبنای زمان فعل مجهول می‌توان گزینه صحیح را تشخیص داد. دقت کنید که چون فعل connect مربوط به زمان مشخصی در آینده (تا سال ۲۰۳۰) است، در این مورد فعل مجهول در زمان آینده ساده (will be connected) به کار می‌رود.

۲۱۷۴۵ A: «آن گردن‌بند زیبا را از کجا خریده‌ای؟»

B: «آن را نخریده‌ام. آن برای تولدم به من داده شد.»

در جای خالی اول هر چهار گزینه ارائه شده دارای ساختار معلوم هستند و می‌توان عملاً با اندکی تغییر معنی هر دو زمان ارائه شده را درست در نظر گرفت! دقت کنید که give (دادن) در این تست جزء افعال متعدی دو مفعولی است و چون یکی از مفعول‌ها (ضمیر it) پیش از جای خالی قرار گرفته و دیگری (me) پس از جای خالی آمده است، این فعل را به صورت مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل مجهول را داریم، اما چون در این‌جا فعل در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، فعل مجهول را در زمان گذشته ساده به کار می‌بریم.

۲۱۷۴۶ دخترم دارد به تحصیل در هنرهای گرافیکی فکر می‌کند ولی هنوز تصمیم قطعی نگرفته است.

با توجه به مفهوم جمله و این‌که کلمه ربط بیان‌کننده تضاد و نتیجه غیرمنتظره است، برای متصل کردن دو بند جمله مرکب از but استفاده می‌کنیم، نه so. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، فعل make به صورت منفی مدنظر است و چون مفعول آن (decision) پس از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم، نه مجهول.

۲۱۷۴۷ فکر می‌کردم وجه ماهیانه را پرداخت کرده‌ام ولی تماسی تلفنی از مدرسه دریافت کردم که می‌گفت صورت‌حساب هم‌چنان باید پرداخت شود.

در این تست نیز از but برای بیان تضاد و نتیجه غیرمنتظره استفاده شده است. دقت کنید که طبق مفهوم جمله در این‌جا فعل need را به صورت معلوم نیاز داریم. اما با توجه به این‌که مفعول فعل متعدی pay (پرداخت کردن) که همان the bill (صورت‌حساب) است، پیش از آن قرار دارد، این فعل را به صورت مجهول (در این مورد to be paid) به کار می‌بریم.

۲۱۷۴۸ من واقعاً چشم‌انتظار آنم که توسط شرکت به خارج فرستاده شوم.

بعد از look forward to (مشتاقانه منتظر ... بودن، چشم‌انتظار ... بودن) فعل دوم به صورت ینگ‌دار به کار می‌رود، چرا که در این‌جا to نقش حرف اضافه را دارد و فعل پس از حروف اضافه همواره ینگ‌دار می‌شود؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که send (فرستادن، ارسال کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته چون در این‌جا مفعول پس از جای خالی قرار ندارد و با انتقال به ابتدای جمله به ضمیر فاعلی I تبدیل شده، در جای خالی به ساختار مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین این دو گزینه فقط گزینه (۲) دارای ساختار مجهول است.

۲۱۷۴۹ ادیسون کشف کرد که اگر برق از رشته‌ای نازک از کربن عبور داده شود، نوری درخشان ساطع خواهد کرد.

۲۱۷۴۱ آسانسور تعمیر شده است و اکنون درست کار می‌کند. امیدواریم که این تابستان به کار کردن ادامه دهد!

این دو عبارت را برای آسانسور، خودپرداز، کامپیوتر و ... به خاطر بسپارید: درست بودن، کار کردن: to be in service
خراب بودن، کار نکردن: to be out of service

امیدوار بودن، دعای خیر کردن: keep one's fingers crossed

با توجه به معنی جمله و این‌که in service نشان می‌دهد آسانسور در حال حاضر درست کار می‌کند، می‌توانیم متوجه شویم که فعل مجهول repair مربوط به زمان گذشته است و چون در جمله زمان دقیق تعمیر در گذشته مشخص نشده است، در این مورد فعل مجهول را در زمان حال کامل گذشته (have / has been + p.p.) نیاز داریم؛ بنابراین طبق جای خالی اول، تنها گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که در این‌جا طبق مفهوم جمله، فعل continue به زمان آینده اشاره دارد و در نتیجه این فعل در زمان آینده ساده مدنظر است. دقت کنید که بعد از continue، هم می‌توان از مصدر با to استفاده کرد و هم فعل ینگ‌دار، بدون این‌که در حد کتاب درسی در معنی جمله تغییر خاصی به وجود بیاید. ۲۱۷۴۲ تاج‌محل، در آگره هند، از زمانی که سه قرن پیش ساخته شد، اغلب به عنوان یکی از زیباترین ساختمان‌ها در جهان توصیف شده است.

هر دو فعل build (ساختن، بنا کردن) و describe (توصیف کردن، شرح دادن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (ضمیر it و the Taj Mahal) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم؛ بنابراین گزینه (۱) به دلیل معلوم بودن فعل describe حذف می‌شود. دقت کنید که ever since می‌تواند نشان دهد که فعل از زمان مشخصی در گذشته تاکنون به صورت پیوسته یا متناوب انجام شده است. با توجه به این‌که بنای تاج‌محل در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، این فعل (build) مبدأ عمل در گذشته است و شکل مجهول آن را در زمان گذشته ساده (was built) نیاز داریم. اما فعل describe از گذشته تاکنون به صورت پیوسته انجام شده و در نتیجه در زمان حال کامل مدنظر است.

۲۱۷۴۳ اگر می‌خواهید بدانید در این پروژه تاکنون چه چیزی تکمیل شده است، می‌توانید گزارش کامل را در وبسایت ما پیدا کنید.

هر دو فعل complete (کامل کردن، تکمیل کردن) و find (پیدا کردن، یافتن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. البته چون در مورد اول مفعول (what) پیش از جای خالی قرار گرفته، اما در مورد دوم، مفعول (the full report) را پس از جای خالی داریم؛ بنابراین در جای خالی اول به فعل مجهول نیاز است، اما جای خالی دوم با فعل معلوم کامل می‌شود. در بین گزینه‌های ارائه شده برای این تست، تنها در گزینه (۱) این ترکیب رعایت شده است.

۲۱۷۴۴ اینترنت چیزها در حال رشدی سریع‌تر از آن چیزی است که شاید فکر کنید. تا [سال] ۲۰۳۰ حدود ۱۰۰ میلیارد دستگاه به اینترنت وصل خواهند شد.

فعل think (فکر کردن) در این‌جا جزء افعال لازم است و همان‌طور که می‌بینید چه قبل و چه بعد از آن مفعول نداریم؛ بنابراین این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. با

۱۷۵۳ دانشمندان به کشف داروهای جدید ادامه می‌دهند، بنابراین همیشه برای افرادی که در کما هستند امید هست.

طبق مفهوم جمله مرکب، برای وصل کردن دو بند آن به یکی از کلمات ربط **and** یا **so** (پس، بنابراین، در نتیجه) نیاز است. دقت کنید که در بند دوم جمله، **there** نقش فاعل کاذب جمله را دارد و همان‌طور که می‌دانید در جملات و بندهای خبری، فاعل در ابتدای جمله و پیش از فعل (در این‌جا **is**) قرار می‌گیرد.

۱۷۵۴ لطفاً به محض آن‌که چیزی درباره شرایط ساموئل فهمیدید با من تماس بگیرید، ممکن است؟

اصولاً پرسش تأییدی بعد از جملات امری شکل ثابتی دارد و در این‌گونه جملات از **will you?** استفاده می‌کنیم. البته برای پرسش تأییدی جملات امری، به جای **will**، از **can, could, would** و در صورت داشتن فعل امری مثبت، حتی از **won't** هم می‌توان استفاده کرد.

۱۷۵۵ آسیاب بادی که صدها سال برای پمپ کردن آب و آسیاب کردن دانه‌ها استفاده شده، اکنون بازطراحی می‌شود تا برق تولید کند.

فعل **redesign** (بازطراحی کردن) مانند فعل هم‌خانواده آن یعنی **design** (طراحی کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**the windmill**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، فعل **redesign** را به صورت مجهول (**to be + pp.**) نیاز داریم. دقت کنید که به دلیل کاربرد **now** (اکنون، در حال حاضر) در تمام گزینه‌ها می‌توانیم متوجه شویم که **to be** در زمان حال استمراری مدنظر است که شکل مناسب آن در گزینه (۳) آمده است.

۱۷۵۶ سال گذشته، حدود دو میلیون روبات شخصی در سراسر دنیا در حال استفاده بودند و هفت میلیون دیگر [هم] تا پایان امسال نصب خواهند شد.

در حال استفاده بودن: **to be in use**

صرفنظر از عبارت **in use** که در آن **use** نقش اسمی دارد و طبیعتاً مجهول نمی‌شود، با درک ساختار جای خالی دوم نیز می‌توان به تست پاسخ داد. فعل **install** (نصب کردن، کار گذاشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (**another seven million**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی دوم به فعل مجهول (**to be + pp.**) نیاز داریم که چون فعل مجهول مربوط به زمان آینده است، در جای خالی دوم از فعل مجهول در زمان آینده ساده (**will be installed**) استفاده می‌کنیم.

۱۷۵۷ حدود ۶۸ درصد از بزرگسالان باور دارند که در طول قرن آینده شواهدی کشف خواهد شد که نشان می‌دهد اشکال دیگری از حیات در این [کهکشان] یا کهکشان‌های دیگر وجود دارد.

فعل **discover** در هر چهار گزینه این تست به صورت مجهول آمده است. البته توجه کنید که بعد از **will** در هر صورت فعل کمکی یا اصلی بعدی به شکل ساده (در این مورد **be**) به کار می‌رود و کاربرد **being** در گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست است. هم‌چنین دقت کنید که **exist** (وجود داشتن، بودن) جزء افعال لازم است و اصولاً نمی‌تواند مجهول شود. علاوه بر این، چون این فعل یک پدیده طبیعی را توصیف می‌کند که مربوط به بازه زمانی خاصی نیست، در جای خالی دوم به فعل در زمان حال ساده (در این مورد **exist**) نیاز داریم.

هر دو فعل **pass** (عبور دادن، رد کردن) و **give off** (ساطع کردن، متصاعد کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. البته چون در مورد اول مفعول (**electricity**) پیش از جای خالی قرار گرفته، اما در مورد دوم، مفعول (**a bright light**) را پس از جای خالی داریم؛ بنابراین در جای خالی اول به فعل مجهول نیاز است، اما جای خالی دوم با فعل معلوم کامل می‌شود. در نتیجه فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در این تست علاوه بر معلوم یا مجهول بودن افعال، ساختار شرطی جمله نیز مدنظر است. از آنجایی که در هر دو گزینه (۲) و (۴) در بند شرط، فعل زمان حال ساده (**is passed**) مورد استفاده قرار گرفته است، پس شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (**will give off**) نیاز داریم.

۱۷۵۰ سیل زنان جوان به این حراجی، که چند هفته قبل از جشنواره‌های پایان سال سازمان‌دهی شده بود، علاقه آن‌ها به کالاهای لوکس را نشان می‌دهد.

فعل **show** (نشان دادن؛ نمایش دادن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته چون در این‌جا مفعول (**their love for luxury goods**) بعد از جای خالی قرار دارد، جمله با فعل معلوم کامل می‌شود، نه فعل مجهول. دقت کنید که هرگاه در جایگاه فاعل جمله یک عبارت قرار گرفته باشد (مانند **the flood of young women to this sale** در این تست)، فاعل را سوم شخص مفرد در نظر می‌گیریم و در زمان حال ساده به فعل **S** اضافه می‌کنیم.

۱۷۵۱ کدامیک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) لطفاً هر وقت فرصتی داشتی به ویکتوریا برگرد و به ما سر بز، باشه؟
(۲) لطفاً وقتی تصمیمت را درباره آن‌چه می‌خواهی انجام دهی گرفتی به من تلفن بز، ممکنه؟

تصمیم خود را گرفتن، فکرهای خود را کردن: **make up one's mind**
(۳) لطفاً فراموش نکن که بر روی نامه‌هایی که به تو دادم تا پست کنی، تمبر بچسبانی، ممکن است؟

(۴) لطفاً پوزش ما را به خاطر مشکلی که این موضوع برای شما ایجاد کرد بپذیرید، ممکن است؟

اصولاً پرسش تأییدی بعد از جملات امری شکل ثابتی دارد و در این‌گونه جملات از **will you?** استفاده می‌کنیم. البته برای پرسش تأییدی جملات امری، به جای **will**، از **can, could, would** و در صورت داشتن فعل امری مثبت، حتی از **won't** هم می‌توان استفاده کرد. ولی قرار دادن **shall** به جای **will** در این‌گونه جملات نادرست است.

۱۷۵۲ براساس این مقاله، ما اغلب وقتی می‌دانیم که داریم مشاهده می‌شویم، بهترین رفتار خود را داریم.

فعل **observe** (مشاهده کردن، دیدن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته چون در هیچ‌کدام از گزینه‌ها بعد از **observe** مفعول نداریم، پس متوجه می‌شویم که این فعل را در این‌جا به صورت مجهول (**to be + pp**) نیاز داریم و در نتیجه فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که هرچند فعل **know** (دانستن) در این‌جا متعدی است، اما چون تمام عبارت قرار گرفته پس از این فعل نقش مفعول را دارد، مجهول شدن این فعل در گزینه (۲) نادرست است.

فعل اصلی liked، به درستی از فعل کمکی منفی didn't استفاده شده است. در گزینه (۴) ضمیر فاعلی مناسب برای Jim در پرسش تأییدی به درستی he است و چون در جمله اصلی فعل کمکی has را به صورت مثبت داریم. در پرسش کوتاه تأییدی همین فعل به صورت منفی مورد استفاده قرار گرفته است. اما در گزینه (۱) جمله تأییدی بر مبنای یک جمله امری (please let me know at once) درست شده است. در نتیجه در این گزینه، به جای shouldn't you? باید از would you?، could you?، can you?، will you?، یا won't you? استفاده می‌شد.

۴۱۷۶۲ مقدار زیادی پول توسط یک مسابقهٔ اخیر خیریهٔ فوتبال برای صندوق جمع‌آوری شد ولی هدف ۵۰۰,۰۰۰ دلار هنوز برآورده نشده است.

هر دو فعل raise (جمع‌آوری کردن، جمع کردن) و reach (رسیدن به؛ برآورده کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد مفعول (money و target of \$500,000) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم و گزینه (۱) به دلیل کاربرد فعل معلوم has raised حذف می‌شود. البته دقت کنید که با توجه به مفهوم این جملهٔ مرکب و کاربرد کلمهٔ ربط but در بین دو بند آن، در بند دوم به فعل حال کامل به صورت منفی نیاز داریم و در نتیجه در بین گزینه‌های باقی‌مانده، فقط گزینه (۴) می‌تواند صحیح باشد. توجه کنید که در این کاربرد زمان حال کامل از already نمی‌توان استفاده کرد.

۴۱۷۶۳ خانهٔ من هفتهٔ پیش مورد سرقت قرار گرفت ولی خرسبختانه پلیس دیروز دزد را دستگیر کرد و بیشتر چیزهای به سرقت رفتهٔ من پیدا شدند.

هر سه فعل مورد نظر در این تست در زمان‌های مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده‌اند؛ بنابراین با توجه به مشخص بودن زمان انجام افعال در گذشته، در همهٔ موارد به فعل گذشتهٔ ساده نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۲) به دلیل کاربرد زمان حال کامل (has been robbed) به راحتی حذف می‌شوند. دقت کنید که هر سه فعل rob (دزدیدن، سرقت کردن)، catch (گرفتن، دستگیر کردن) و find (پیدا کردن، یافتن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند. چون در موارد اول و سوم مفعول پیش از جای خالی قرار گرفته است (house و stolen things)، در این دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم، اما چون در مورد سوم مفعول (the thief) بعد از جای خالی قرار دارد، در این مورد فعل معلوم را انتخاب می‌کنیم.

۴۱۷۶۴ این پل در [سال] ۱۹۲۵ ساخته شد. امروزه، این [پل] روزانه توسط صدها نفر استفاده می‌شود. در حال حاضر، این پل در حال رنگ شدن است.

هر سه فعل build (ساختن، بنا کردن)، use (استفاده کردن، به کار بردن) و paint (رنگ کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و چون در هر سه مورد، مفعول (the bridge / it) / this پیش از جای خالی قرار دارد، در هر سه جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم؛ بنابراین گزینه (۲) به دلیل کاربرد فعل معلوم built حذف می‌شود.

در جای خالی اول فعل مجهول در زمان خاصی از گذشته (سال ۱۹۲۵) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این مورد به فعل مجهول در زمان گذشتهٔ ساده (در این‌جا was built) نیاز داریم. جای خالی دوم به یک امر کلی اشاره دارد که مربوط به بازهٔ زمانی به خصوصی نیست، پس در این‌جا فعل

۴۱۷۵۸ ساختمان‌های زیبای قدیمی بسیاری در شهر ما در حال جایگزین شدن با [ساختمان‌های] امروزی هستند. اگر این جایگزینی کنترل نشود، خیلی طولی نخواهد کشید که شهر شخصیت خود را از دست بدهد.

هر دو فعل replace (جایگزین کردن، جانشین کردن) و control (کنترل کردن) جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (buildings و this replacement) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و در نتیجه فقط یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. در مورد گزینه (۳) دقت کنید که replacement (جایگزینی) یک اسم مفرد به حساب می‌آید و در نتیجه حتی اگر بخواهیم پس از آن از فعل در زمان حال کامل استفاده کنیم، فعل کمکی مناسب برای آن has خواهد بود، نه have. ۴۱۷۵۹ بیش از ۲,۵۰۰ نفر در زلزله‌ای در اندونزی کشته شدند. این زلزله ۶/۷ [درجه] بر مقیاس ریشتر بزرگی داشت.

فعل kill (کشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که در این مورد مفعول (more than 2,500 people) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (در این‌جا were killed) نیاز داریم. دقت کنید که فعل measure در معنی به کار رفته در این تست (بودن، بزرگی داشتن) جزء افعال لازم است و مجهول نمی‌شود. علاوه بر این، چون این فعل مربوط به زمان مشخصی در گذشته بوده و به اتمام رسیده است، پس آن را در زمان گذشتهٔ ساده (در این مورد measured) نیاز داریم.

۴۱۷۶۰ A: «آیا لیورپول رئال مادرید را در فینال شکست داد؟»

B: «نه، لیورپول در فینال توسط رئال مادرید شکست داده شد.»

هر چهار گزینهٔ این تست از نظر دستوری صحیح هستند و شما باید گزینهٔ صحیح را صرفاً بر مبنای معنی گزینه‌ها مشخص می‌کردید! به معنی سایر گزینه‌ها توجه کنید:

(۱) بله، لیورپول در فینال توسط رئال مادرید شکست داده شد

(۲) بله، رئال مادرید در فینال لیورپول را شکست داد

(۳) نه، رئال مادرید توسط لیورپول شکست داده شد

۴۱۷۶۱ کدام‌یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) اگر هر اشتباهی پیدا کردید لطفاً فوراً به من اطلاع دهید، ممکن است؟
(۲) بگذارید دربارهٔ مشکل بحث کنیم و ببینیم آیا می‌توانیم راه حلی ارائه کنیم، موافقید؟

«فکر، طرح» به دست دادن، ارائه کردن: to come up with sth

(۳) وقتی دخترتان کوچک بود دوست داشت به موسیقی کلاسیک گوش کند، مگه نه؟

(۴) جیم از وقتی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد به عنوان مترجم کار کرده، مگه نه؟

در گزینه (۲) با توجه به این‌که از let's برای ارائهٔ پیشنهاد استفاده شده است؛ بنابراین در این‌جا به درستی از shall we? به عنوان پرسش تأییدی استفاده کرده‌ایم. در گزینه (۳) جمله‌ای با دو بند مستقل را داریم؛ بنابراین چون پرسش تأییدی بعد از بند دوم قرار دارد، باید آن را بر مبنای فاعل و فعل بند دوم (she liked) درست کنیم. دقت کنید که در این‌جا با توجه به مثبت بودن

❖ فعل **believe** (باور داشتن؛ اعتقاد داشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که طبق مفهوم جمله، مفعول این فعل (Thomas Edison) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در ابتدای جای خالی به شکل مجهول فعل **believe** (در این جا **was believed**) نیاز داریم؛ بنابراین عملاً فقط گزینه (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که کاربرد **by his teachers** در تمام گزینه ها نیز تا حدود زیادی نشان می دهد که در این جا فعل مجهول مدنظر است.

❖ ۱۷۶۹ اگرچه بخش زیادی از زباله ما حاوی مواد خام بالرش است، عمده آن صرفاً سوخته یا مدفون می شود.

❖ هر سه فعل **contain** (حاوی ... بودن، شامل ... بودن)، **burn** (سوزاندن) و **bury** (دفن کردن، مدفون کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در مورد جای خالی اول، مفعول (**valuable raw materials**) پس از جای خالی قرار دارد، اما مفعول **bury** و **burn** (ضمیر **it** در این مورد) پیش از جای خالی دوم آمده است، فعل **contain** به صورت معلوم و دو فعل دیگر به صورت مجهول مورد نیاز هستند و گزینه های (۱) و (۲) به راحتی حذف می شوند. دقت کنید که **most of it** پیش از جای خالی دوم از نظر ساختار فعل، مفرد به حساب می آید و کاربرد فعل کمکی **are** پس از آن صحیح نیست.

❖ ۱۷۷۰ دایی من یک روزنامه نگار موفق است. او حقوق بالایی دریافت می کند و مقالاتش در روزنامه ها چاپ می شود. او به سراسر دنیا فرستاده می شود تا درباره رویدادهای جهانی بنویسد.

❖ هر سه فعل **pay** (پول دادن به؛ حقوق دادن به)، **publish** (منتشر کردن، چاپ کردن) و **send** (فرستادن، ارسال کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر سه مورد، مفعول (**he** و **his articles**) پیش از جای خالی به کار رفته است، در تمام جاهای خالی به فعل مجهول (**to be + pp**) نیاز داریم. تنها در گزینه (۳) همه موارد دارای ساختار مجهول هستند.

متن کلوز ۱

خیلی وقت پیش نبود که پدر و مادرها از فرزندان نوجوانان می خواستند که مطمئن شوند سکه همراهشان هست تا بتوانند در وضعیت اضطراری با خانه تماس بگیرند. سپس، تلفن های همراه آمدند و همه آن [چیزها] را تغییر دادند! امروزه، یکی از هر پنج نوجوان تلفن همراه دارد و این عدد در حال افزایش است. داشتن تلفن همراه شما را در مدرسه «باحال» و محبوب می سازد. ولی نداشتن تلفن همراه خجالت آور است؛ مثل پوشیدن لباس های یک دهه قبل است! پژوهشی تازه نشان داد که نوجوانان به حدی به گوشی های همراهشان معتاد شده اند که تفاوت اندکی میان ملاقات یک فرد به صورت چهره به چهره و صحبت کردن با او با تلفن می بینند. پس، دفعه بعد که یک نوجوان می گوید: «بابا، اگر برایم یک گوشی همراه نخری، من آدم بی همه چیزی خواهم بود»، [توجه کنید که] او جدی است!

❖ ۱۷۷۱ (۱) تلفن کردن به، تماس گرفتن با؛ صدا زدن، نامیدن

(۲) (به هم) متصل کردن؛ به ... پیوستن، عضو شدن در؛ محلق شدن به

(۳) ترک کردن؛ رها کردن

(۴) گذراندن؛ خرج کردن

مجهول در زمان حال ساده (**is used**) به کار می رود. جای خالی سوم نیز به عملی اشاره دارد که در حال حاضر در حال انجام است و در نتیجه برای آن از فعل مجهول حال استمراری استفاده می شود.

❖ ۱۷۶۵ تمام گیاهانی که اکنون در مزارع رشد می یابند، از گیاهانی که زمانی در طبیعت بودند پرورش یافته اند.

❖ در طبیعت بودن، به صورت طبیعی رشد کردن: **grow wild**

❖ فعل **develop** در این جمله به عنوان یک فعل متعدی و در معنی «پرورش دادن» مورد استفاده قرار گرفته است و با توجه به این که این فعل از گذشته تاکنون به طور متناوب انجام شده است، آن را به صورت حال کامل نیاز داریم. دقت کنید که چون مفعول این فعل (تمام عبارت پیش از جای خالی)، قبل از جای خالی قرار دارد، پس فعل **develop** را به صورت مجهول نیاز داریم. در مورد این تست ساختار **grow wild** را نیز به خاطر بسپارید، چرا که در این مورد کاربرد **wildly** نادرست است.

❖ ۱۷۶۶ گوشی جدید این شرکت به خوبی قبلی به فروش نمی رسد. انتظار می رفت بسیار موفق تر باشد.

❖ فعل **sell** هم می تواند جزء افعال متعدی باشد و در معنی «فروختن» به کار رود و هم این که به عنوان یک فعل لازم در معنی «فروش رفتن، به فروش رسیدن» مدنظر باشد در این تست، طبق مفهوم جمله این فعل را به عنوان یک فعل لازم نیاز داریم و در نتیجه آن را مجهول نمی کنیم. دقت کنید که فعل **expect** (انتظار داشتن، توقع داشتن) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. دقت کنید که چون مفعول این فعل (تمام عبارت پیش از جای خالی)، قبل از جای خالی قرار دارد، پس فعل **develop** را به صورت مجهول نیاز داریم. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر **it**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی دوم به فعل مجهول (**to be + pp**) نیاز داریم. در بین گزینه های این تست، تنها در گزینه (۲) برای جای خالی دوم فعل مجهول داریم.

❖ ۱۷۶۷ ترانزیستور در [سال] ۱۹۴۸ اختراع شد. در نتیجه این [اختراع] هم اندازه و هم هزینه تجهیزات برقی به شدت کاهش یافته است.

❖ هر دو فعل **invent** (اختراع کردن؛ ابداع کردن) و **reduce** (کاهش دادن، کم کردن) در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد، مفعول (**both the size and the transistor**) و **the cost of electronic equipment**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی با ساختار مجهول سروکار داریم. دقت کنید که در جای خالی اول، فعل مجهول در زمان مشخصی از گذشته (سال ۱۹۴۸) انجام شده است و در نتیجه آن را به صورت گذشته ساده (در این مورد **was invented**) نیاز داریم؛ بنابراین تنها یکی از گزینه های (۱) یا (۳) می تواند صحیح باشد. توجه کنید که در بین این دو گزینه، تنها در گزینه (۱) برای جای خالی دوم فعل مجهول را با ساختار صحیح و مناسبی داریم و اساساً **have greatly reduced** از نظر دستوری صحیح نیست.

❖ ۱۷۶۸ توماس ادیسون که مخترع لامپ و گرامافون بود، به باور معلم هایش خنگ تر از آن بود که [چیزی] بیاموزد.

متن کلوز ۳

همدلی تماماً دربارهٔ آموختن این است [که] چگونه دیگر انسان‌ها را درک کنیم - هم آن‌چه [که] فکر می‌کنند و هم آن‌گونه [که] احساس می‌کنند. به بیانی دیگر، همدلی یعنی توانایی قرار دادن خود در جای دیگری. هر کسی متفاوت است و سطوح همدلی از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. برخی افراد بسیار بیشتر از دیگران حساسند. آن‌ها به طور طبیعی آن‌چه را [که] دیگران احساس می‌کنند، در می‌یابند. دیگران احساسات را در سایر افراد به آن خوبی نمی‌فهمند. با وجود این، انسان‌ها ذاتاً [موجوداتی] اجتماعی هستند. داشتن روابط با دیگر انسان‌ها بخش مهمی از انسان بودن؛ و داشتن همدلی برای آن روابط حیاتی است.

۲۱۷۸۱ put oneself in sb's shoes: خود را جای کسی گذاشتن

بعد از اکثر صفت‌ها (مانند able در این تست) فعل را به صورت مصدر با to به کار می‌بریم.

۴۱۷۸۲ ۱) با این حال، اما، ولی ۲) ولی، اما

۳) یا ۴) و

در این تست از کلمهٔ ربط and بین دو بند جملهٔ مرکب استفاده شده است. تا پیوستگی بین دو بند جمله را مشخص کنیم. البته اگر در بین گزینه‌ها so داشتیم، می‌توانستیم آن را هم با اندکی تغییر در معنی به کار ببریم.

۱۱۷۸۳ ۱) به طور طبیعی؛ به طور معمول؛ ذاتاً

۲) به طرزی روان، با بیانی سلیس

۳) به اشکال مختلف، به طرق گوناگون

۴) با حوصله، با صبوری

۲۱۷۸۴ با توجه به مفهوم جمله و قرار گرفتن علامت نقطه در پایان آن،

در این مورد جمله با ساختار خبری مدنظر است و همان‌طور که می‌دانید در جملات یا بندهای خبری، فاعل (در این مورد humans) در ابتدای جمله یا بند قرار می‌گیرد. دقت کنید که بعد از افعال ربطی و حسی (مانند are در این تست) به صفت (social) نیاز داریم، نه قید حالت (socially).

طبیعتاً، ذاتاً، بر حسب طبیعت: by nature

۲۱۷۸۵ با توجه به این‌که در این جا یک اسم مصدر (having) در جایگاه

فاعل جمله قرار گرفته، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید و پس از آن به فعل مفرد (is یا has) نیاز داریم، نه فعل جمع. البته با خواندن متن به راحتی می‌توان متوجه شد که جمله از نظر معنایی با شکل مناسب فعل to be (بودن) کامل می‌شود؛ بنابراین در بین این دو گزینه is را انتخاب می‌کنیم. همچنین اگر به ادامهٔ جمله نگاه کنید، می‌بینید که دقیقاً «مبنی ساختار، با همین اسم مصدر (having) به همراه is به کار رفته است.

متن کلوز ۴

وعده‌های غذایی خانوادگی بخش مهمی از زندگی کردن خانواده است. مطالعه‌ای جدید نشان داد که اکثر کودکان و نوجوانان حداقل چهار بار در هفته وعده‌ای را با خانواده‌شان سهیم می‌شوند. این علامتی بسیار مثبت است. این به آن دلیل است که منافع بسیاری برای خانواده‌هایی که با هم غذا می‌خورند، وجود دارد. سهیم شدن یک وعدهٔ غذایی با هم می‌تواند به خانواده کمک کند [تا] در کنار هم بمانند. این کمک می‌کند که حس تعلق هر یک از

۴۱۷۷۲ با توجه به این‌که فعل increase (افزایش دادن؛ افزایش یافتن،

زیاد شدن) عملی را توصیف می‌کند که در حال حاضر در حال انجام است، در این مورد به فعل حال استمراری (is increasing) نیاز داریم.

۴۱۷۷۳ ۱) راستی ۲) پیشاپیش، قبلاً

۳) دوباره، مجدداً ۴) اما، ولی، با وجود این

۱۱۷۷۴ ۱) معتاد ۲) درگیر، گرفتار

۳) علاقه‌مند ۴) سرگرم

۳۱۷۷۵ ۱) ارث؛ میراث ۲) هیجان، شور و شغف

۳) تفاوت، فرق ۴) مقایسه، سنجش

متن کلوز ۲

مردم‌شناسان اغلب به چگونگی تغییر فرهنگ در طول زمان علاقه دارند. تمام فرهنگ‌ها دوره‌هایی از تغییر را از سر می‌گذرانند ولی بعضی فرهنگ‌ها سریع‌تر از بقیه تغییر می‌کنند. برای مثال، در ۱۰ سال گذشته فرهنگ چینی هم‌چنان که کالاها و محصولات غربی بسیار محبوب شده‌اند، با سرعت زیاد تغییر کرده است. کشورهای دیگر، هم‌چون فرانسه قوانینی وضع کرده‌اند تا از تغییر بسیار سریع فرهنگشان جلوگیری کنند. به تازگی، دولت فرانسه قانونی را تصویب کرد که شرکت‌ها [ی فرانسوی] را از استفاده از کلمات انگلیسی به جای کلمات فرانسوی منع می‌کند. مردم فرانسه نیز در پذیرفتن کالاها و رستوران‌هایی که در کشورهای دیگر محبوب هستند، کند بوده‌اند. برای مثال، برخی مردم فرانسه قویاً مخالف ساخت «دیسنی‌لند پاریس» بودند، یک پارک موضوعی (پارکی با درون‌مایه‌ای واحد) که در [سال] ۱۹۹۲ در فرانسه ساخته شد.

۳۱۷۷۶ ۱) پس، بنابراین ۲) یا

۳) ولی، اما ۴) اگر، چنان‌چه

با توجه به این‌که در این جا بین دو جملهٔ مرکب نوعی رابطهٔ تضاد و مقایسه وجود دارد، برای وصل کردن این دو بند از but استفاده می‌شود.

۱۱۷۷۷ اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (have / has + pp.) که در

این تست مدنظر است برای بیان عملی می‌باشد که در گذشته (در این تست ۱۰ سال قبل) آغاز شده و تا امروز به صورت پیوسته یا متناوب ادامه داشته است.

۴۱۷۷۸ ۱) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص

۲) مناسب، درخور

۳) راضی، خرسند

۴) محبوب، پرطرفدار

۲۱۷۷۹ ۱) علی‌رغم، با وجود

۲) به جای، در عوض

۳) فراتر از، ورای

۴) در نتیجه

۲۱۷۸۰ ۱) متوجه شدن، پی بردن به

۲) پذیرفتن، قبول کردن

۳) گرفتن؛ به چنگ آوردن؛ دستگیر کردن

۴) وجود داشتن، بودن

می‌آید و پس از آن به فعل مفرد (در این جا is) نیاز داریم.

۴/۱۷۹۳ (۱) پایه، اساس

(۲) مهارت، فن

(۳) راه‌حل، جواب؛ [شیمی] محلول

(۴) توسعه؛ گسترش؛ رشد؛ پرورش

۴/۱۷۹۴ (۱) مشترک؛ عمومی؛ معمولی، عادی؛ متداول

(۲) با ارزش، ارزشمند، پربها

(۳) منفعل؛ بی‌تحرک؛ بی‌اختیار؛ [حالت چهره] بی‌تفاوت

(۴) طبیعی؛ ذاتی

۴/۱۷۹۵ افراد / انسان‌ها را به یک‌دیگر نزدیک‌تر کردن

bring people closer together:

متن کلوز ۶

اصطلاح «شکاف نسل‌ها» برای بیان تفاوت‌های میان ایده‌ها، سبک‌های زندگی و رویکردها میان افراد مسن‌تر و جوان‌تر به کار می‌رود، تفاوت‌هایی که به فقدان درک [مشترک] می‌انجامد و منجر به رویارویی می‌گردد. «شکاف نسل‌ها» یکی از بحث‌برانگیزترین و مورد مناقشه‌ترین مشکلات سال‌های اخیر [بوده] است. برخی مردم تردید دارند که آیا چنین شکافی وجود دارد. آن‌ها معتقد نیستند [که] نسل جوان‌تر با شکافی وسیع از نسل پیرتر جدا می‌گردد. از سوی دیگر، بسیاری دیگر تأکید دارند [که] شکاف میان پدر و مادرها و فرزندان اجتناب‌ناپذیر است و شکاف نسل‌ها امروزه بدتر از هر زمانی در گذشته است. دلیلی [که] آن‌ها ارائه می‌دهند آن است که انفجار مهیب دانش در قرن گذشته زندگی را برای افراد جوان بسیار متفاوت از زندگی در زمانی ساخته است که پدر و مادرهایشان جوان بودند.

۴/۱۷۹۶ result in (منجر شدن به، انجامیدن به) جزء افعال مرکب و

متعددی است. دقت کنید که چون lack of understanding (فقدان درک) نقش مفعول این فعل را دارد و بعد از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل داشتن ساختار مجهول حذف می‌شوند. هم‌چنین توجه کنید که در این کاربرد فعل مرکب result in جایگزین کردن of به جای in از نظر دستوری و معنایی نادرست است.

۴/۱۷۹۷ (۱) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۲) بحث کردن درباره، صحبت کردن درباره

(۳) الهام کردن؛ منبع الهام بودن

(۴) ترکیب کردن، آمیختن

۴/۱۷۹۸ (۱) فهمیدن، پی بردن به

(۲) انجام دادن؛ اجرا کردن

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۴) وجود داشتن، بودن

۳/۱۷۹۹ (۱) اولاً، نخست آن‌که

(۲) به بیانی دیگر، به عبارت دیگر

(۳) از سوی دیگر

(۴) در نتیجه، نتیجتاً

۳/۱۸۰۰ طبق مفهوم جمله و این‌که افراد مورد اشاره در این جمله اعتقاد دارند

در حال حاضر وضعیت «شکاف نسل‌ها» از هر زمان دیگری در گذشته بدتر است، در این جا شکل تفضیلی صفت bad را نیاز داریم که آن را در گزینه (۳) داریم.

اعضای خانواده تقویت شود. وعده‌های خانوادگی می‌تواند با خوردن غذاهای سنتی به افراد جوان‌تر درباره فرهنگشان بیاموزد. اعضای خانواده هم‌چنین می‌توانند در طول این زمان با هم‌دیگر استراحت کنند و از هم‌صحبتی یک‌دیگر لذت ببرند. معاشرت کردن روزمره به اعضای خانواده کمک می‌کند تا نسبت به یک‌دیگر حوصله و احترام را بیاموزند. وعده‌های خانوادگی هم‌چنین نقشی مهم در پرورش [شخصیت] کودک بازی می‌کند. پدر و مادرها می‌توانند حالات و احساسات فرزندان‌شان را در این زمان زیر نظر داشته باشند.

۱/۱۷۸۶ (۱) نوجوان

(۲) عضو

(۳) [در جمع] قوم‌و خویش، فامیل

(۴) نوزاد

۴/۱۷۸۷ حس تعلق: sense of belonging

۳/۱۷۸۸ (۱) عملکرد، کارکرد (۲) اصل، اساس

(۳) فرهنگ (۴) واقعیت، حقیقت

۴/۱۷۸۹

هم‌صحبتی یک‌دیگر، معاشرت با یک‌دیگر: each other's company
در این جمله and به عنوان کلمه ربط همپایه‌ساز عمل می‌کند. با توجه به کاربرد can پیش از جای خالی، و کاربرد and بین دو فعل، در این جا فعل enjoy را هم مانند فعل relax به صورت ساده نیاز داریم.

۴/۱۷۹۰ (۱) ارث؛ میراث

(۲) تعادل، توازن

(۳) راه‌حل، جواب؛ [شیمی] محلول

(۴) احترام، حرمت

مراقب ... بودن، مواظب ... بودن، زیر نظر داشتن: keep an eye on

متن کلوز ۵

من برنامه آخر شما را تماشا کردم و علاقه‌مند بودم که نتایج تحقیقی را که انجام دادید، بدانم. من، به‌ویژه به یافته‌های شما در مورد استفاده بیش از پیش از کامپیوترها و کاهش کتاب‌خوانی علاقه‌مند بودم. این واقعیت که افراد جوان بیشتری از کامپیوتر استفاده می‌کنند ایداً تعجب‌آور نیست. گسترش شبکه جهانی وب بدین معنا بوده است که ما اکنون می‌توانیم انبوهی از اطلاعات را با سرعت و به سادگی بدون ترک کردن خانه‌هایمان به دست آوریم. این ابزار تکنولوژیک برای دانش‌آموزان بسیار بالارزش است و البته باید مورد استقبال قرار گیرد. کامپیوترها می‌توانند هم‌چنین برای ارتباط ساده [و] ارزان در سراسر جهان استفاده شوند، که کاربرد فراوانی برای میلیون‌ها [نفر] داشته است و انسان‌ها را به یک‌دیگر نزدیک‌تر کرده است. با وجود این، دلایلی وجود دارد که چرا کامپیوترها هرگز نمی‌توانند جای کتاب‌ها را بگیرند.

۴/۱۷۹۱ پژوهش کردن، تحقیق‌ر انجام دادن: do/carry out a research

۱/۱۷۹۲ تمام عبارت قرار گرفته پیش از جای خالی

(the fact that more young people are using computers)

نقش فاعل جمله را دارد. با توجه به این‌که در این جا یک عبارت در نقش فاعل جمله به کار رفته، فاعل مفرد به حساب

متن کلوز ۷

همه می‌دانند که بعضی فرهنگ‌ها پسران را بر دختران ترجیح می‌دهند. در مقابل، [برخی] مطالعات آشکار کرده‌اند که بعضی افراد ترجیح می‌دهند [که] به جای پسر، دختر داشته باشند. اگرچه هیچ‌کدام از این ترجیحات اصلاً منطقی نیست، [ولی] هر کدام از آن‌ها توضیح خود را در فرهنگ محلی دارد. در سراسر جهان افرادی که پسران را ترجیح می‌دهند، دلایل مشترکی دارند. در بسیاری کشورها، پسرها بالارزش به حساب می‌آیند چراکه می‌توانند کار کنند تا به خانواده در کسب درآمد کمک کنند. هم‌چنین، پسرها خواهند توانست وقتی که پدر و مادرشان پیر می‌شوند از آن‌ها حمایت کنند. در برخی فرهنگ‌ها، پسرها مهم‌اند چراکه نام خانوادگی برای یک نسل دیگر ادامه می‌یابد. این به خاطر آن است که زنان در این فرهنگ‌ها نام خانوادگی شوهرشان را می‌گیرند و گاهی به خانواده شوهر «تعلق دارند». با وجود این، خانواده‌هایی در کشورهای دیگر [فرزندان] دختر را به دلایل عاطفی می‌خواهند. به‌علاوه، آن‌ها معتقدند [که] وقتی پسر شوند، دختران از آن‌ها بهتر مراقبت می‌کنند.

۱) مشترک؛ عمومی

۲) محلی؛ منطقه‌ای

۳) مقدس، مبارک؛ سعادت‌مند

۴) مستقیم؛ بی‌واسطه

۲) این جمله در اصل از دو جمله تشکیل شده است که به وسیله ضمیر موصولی who / that به هم وصل شده‌اند:

افراد دلایل مشترکی دارند. People have common reasons.

افراد پسران را ترجیح می‌دهند. People prefer sons.

⇒ People who prefer sons have common reasons.

البته با جزئیات مربوط به ضمائر موصولی در درس بعدی بیشتر آشنا خواهید شد.

۳) فعل value (بها دادن به، با ارزش به حساب آوردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (sons) پیش از جای خالی قرار گرفته، در جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، تنها در گزینه (۴) ساختار مجهول داریم.

۳) بخش، قسمت؛ نسبت، تناسب

۲) شرط؛ موقعیت

۳) نسل؛ تولید

۴) تولید؛ خلق

۵) کلمه قرار گرفته در جای خالی به عنوان صفت اشاره به کار رفته و چون به اسم جمع countries (کشورها) اشاره دارد، پس باید از other استفاده کنیم. نه another. دقت کنید که چون other در این جا در نقش صفت اشاره به کار رفته، پس قابل جمع بستن نیست.

متن کلوز ۸

یکی از خصوصیات جامعه ما که جامعه‌شناسان به دقت زیر نظر داشته‌اند، اشتیاق بشر به [آن] است که جزئی از گروه‌های مختلف باشد. جامعه‌شناسان، این [پدیده] را «رفتار گروهی» می‌نامند. جامعه‌شناسان معتقدند که رفتار گروهی دیرزمانی پیش وقتی که انسان ابتدایی‌تر بود، در بشر آغاز شد. در آن

زمان، مردم خانه‌هایی بزرگ ساخته شده از بتن یا آجر نداشتند. تا از آن‌ها در برابر حیوانات وحشی محافظت کند. مردم در غارها می‌خوابیدند و در طول روز بسیار بیشتر بیرون [و] در فضای باز بودند. آن‌ها در همه جا به دنبال غذا می‌گشتند تا گونه [آن‌ها] بتواند به زندگی ادامه دهد. نهایتاً، انسان‌ها شروع به درک [این موضوع] کردند که اگر آن‌ها با هم سفر و کار می‌کردند، می‌توانستند غذای بیشتری بیابند و قادر بودند به طرز کارآمدتری با حیواناتی که آن‌ها را تهدید می‌کردند، بجنگند. مقادیر بیشتر غذا و حس بهتر امنیت به انسان‌ها در بقا یافتن و پیشرفت کردن کمک کرد.

۶) با توجه به این‌که در این جا فعل مربوط به زمان مشخصی از گذشته است و در همان زمان انجام شده و به اتمام رسیده است، در جای خالی به فعل گذشته ساده (در این مورد began) نیاز داریم.

۷) یکی از کاربردهای مصدر با to که در این تست مدنظر است بیان هدف و مقصود می‌باشد. دقت کنید که در این جا wild (وحشی) نقش صفت را برای animals دارد و در زبان انگلیسی صفت پیش از اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، کاربرد قید حالت wildly از نظر دستوری و معنایی در این جا صحیح نیست.

۸) (در) میان، (در) بین ۲) در امتداد؛ در راستای

۳) در طول، در مدت ۴) در میان، در بین

۹) مگر این‌که ۱) بنابر این ۲) اگر، چنان‌چه

۱۰) به طرزی هولناک، به طور وحشتناکی؛ به شدت، شدیداً

۲) جداً؛ شدیداً

۳) به طرزی مؤثر، به طرزی کارآمد

۴) به طور معمول، به طور متداول

متن ۱

شرایط اقتصادی نیز بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد، که «قیاسی آماری از متوسط زمانی است که انتظار می‌رود یک موجود زنده، زندگی کند. برای مثال، در بریتانیا، امید به زندگی در ثروتمندترین و پولدارترین مناطق چندین سال بالاتر از فقیرترین مناطق است. این ممکن است بازتاب عواملی هم چون رژیم غذایی و سبک زندگی و هم‌چنین دسترسی به مراقبت پزشکی باشد. این [موضوع] ممکن است هم‌چنین اثری گزینشی را منعکس کند: افراد با بیماری‌های کشنده مزمن کم‌تر احتمال دارد که پولدار شوند یا در محله‌های پولدار زندگی کنند. در کلاسکو این اختلاف جزو بیشترین‌ها در جهان است: امید به زندگی برای مردان در محله به شدت محروم کالتون به ۵۴ [سال] می‌رسد، که ۲۸ سال کم‌تر از محله ثروتمند لنزی است، که فقط ۸ کیلومتر آن طرف‌تر است.

هم‌چنین احتمال می‌رود که امید به زندگی از طریق بودن در معرض مقادیر بالای آلودگی هوای بزرگراه یا آلودگی هوای صنعتی تأثیر پذیرد. این یک راهی است که شغل افراد می‌تواند تأثیری عمده بر امید به زندگی بگذارد. معدن‌کاران زغال‌سنگ (و در نسل‌های قبلی، تراش‌کاران [سنگ] آریست) اغلب امید به زندگی‌هایی کم‌تر از امید به زندگی‌های میانگین دارند. دیگر عواملی که بر امید به زندگی یک فرد تأثیر می‌گذارند، بیماری‌های ژنتیکی، استفاده از مواد مخدر، کشیدن تنباکو، چاقی، دسترسی به مراقبت بهداشتی، رژیم غذایی و ورزش است.

۱۸۱۵ اولین جمله متن، «کار کودکان اشاره دارد به ... و مضر است» یک است.

- (۱) تعریف
(۲) موضوع روانشناختی
(۳) هشدار
(۴) انتظار ملی
۱۸۱۶ متن این واقعیت را تأیید می‌کند که

(۱) کار کودکان ابتدا در اروپا و ایالات متحده آغاز شد، ولی نه در آفریقای سیاه
(۲) اگر کودکی توسط والدینش مجبور به کار شود، این مورد یک مورد کار کودکان نیست

(۳) برخی اشکال فعالیت کودکان گاهی به عنوان نمونه‌های کار کودکان به حساب نمی‌آیند

(۴) کار کودکان به صورت بین‌المللی پذیرفته شده است
۱۸۱۷ کلمه «those» در پاراگراف ۱ به «types of work» اشاره دارد.

- (۱) انواع کار
(۲) استثناها
(۳) وظایف خانوادگی
(۴) قوانین مربوط به کار کودکان

۱۸۱۸ چرا نویسنده در پاراگراف ۳، به کشورهای آفریقایی اشاره می‌کند؟
(۱) تا مثالی در تأیید عبارتی قبل تر بیاورد

(۲) تا رابطه میان فقر و کار کودکان را نشان دهد

(۳) تا نقش والدین در واداشتن کودکان کوچک به کار کردن را نشان دهد

(۴) تا ثابت کند که در کشورهای با حالت سنتی کشاورزی، کار کودکان نادیده گرفته می‌شود

متن ۳

برای افراد جوان طبیعی است که گاهی نسبت به والدینشان خرده‌گیر باشند و آن‌ها را به خاطر اکثر سوء تفاهم‌ها سرزنش کنند. آن‌ها همیشه گلایه کرده‌اند، کمابیش به حق، که پدر و مادرهایشان از رامورسم جدید بویی نبرده‌اند؛ این‌که آن‌ها انحصارطلب و برتری‌جو هستند؛ این‌که آن‌ها به فرزندان‌شان برای مواجهه با بحران‌ها اعتماد ندارند؛ این‌که آن‌ها درباره مشکلاتی به‌خصوص بیش از حد حرف می‌زنند - و این‌که آن‌ها شوخ‌طبعی ندارند، حداقل در روابط والد - فرزندی. فکر می‌کنم این حقیقت دارد که پدر و مادرها اغلب فرزندان نوجوانان را دست‌کم می‌گیرند و هم‌چنین فراموش می‌کنند که خودشان وقتی جوان بودند چه حسی داشتند. افراد جوان اغلب با انتخاب‌هایشان در زمینه لباس و مدل مو، [و] در سرگرمی و موسیقی والدینشان را می‌رنجانند. این قصد آن‌ها نیست. آن‌ها احساس می‌کنند از دنیای بزرگسالی که هنوز در آن پذیرفته نشده‌اند، جدا افتاده‌اند. پس آن‌ها فرهنگ و جامعه خودشان را می‌سازند. سپس، اگر معلوم شود که موسیقی، سرگرمی، واژگان، لباس‌ها یا مدل مویشان والدینشان را می‌رنجانند، این به آن‌ها لذت بیشتری می‌دهد. آن‌ها احساس می‌کنند برتر هستند، حداقل به طریقی جزئی و این‌که آن‌ها در سبک و سلیقه پیشرو هستند.

گاهی شما مقاومت به خرج می‌دهید و مغرورید، چراکه نمی‌خواهید والدینتان کاری را که می‌کنید تأیید کنند. اگر آن‌ها تأیید کنند، به نظر می‌رسد که انگار دارید به گروه سنی خودتان خیانت می‌کنید. ولی به آن طریق فرض می‌کنید که طرف بازنده‌اید: نمی‌توانید پیروز شوید ولی حداقل می‌توانید غرور خود را حفظ کنید. این شیوه منفعلانه‌ای برای نگرستن به چیزهاست. این بعد از سال‌های طولانی کودکی که شما کاملاً تحت کنترل والدینتان بودید، کمابیش طبیعی است. ولی این واقعیت را نادیده می‌گیرد که شما اکنون دارید شروع به پذیرفتن مسئولیت خودتان می‌کنید.

۱۸۱۱ پاراگراف قبل از این متن به احتمال زیاد چه چیزی را مطرح می‌کند؟

(۱) یک عامل یا عواملی که بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد

(۲) زمانی‌که ایده امید به زندگی اولین بار پدیدار شد

(۳) وضعیت‌های اقتصادی مردم در کشورها

(۴) چرا مردم اکنون طولانی‌تر از گذشته زندگی می‌کنند

۱۸۱۲ پاراگراف اول به کدام جنبه از امید به زندگی در بریتانیا می‌پردازد؟

(۱) دلایلی که انقدر بالاست

(۲) تکنیک‌هایی که برای افزایش آن به کار می‌رود

(۳) چرا سال به سال ثابت نیست

(۴) چگونه از شرایط اقتصادی مردم تأثیر می‌پذیرد

۱۸۱۳ کلمه «which» در پاراگراف اول به «life expectancy» اشاره دارد.

(۱) گلاسگو
(۲) اختلاف، فرق

(۳) محله کالتون
(۴) امید به زندگی

۱۸۱۴ کدامیک از موارد زیر در متن به عنوان یک عامل مؤثر بر امید به زندگی ذکر نشده است؟

(۱) شغل

(۲) کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند

(۳) رژیم غذایی و ورزش
(۴) دسترسی به مراقبت بهداشتی

متن ۲

کار کودکان اشاره به استخدام کودکان در هر کاری دارد که به کودکان اجازه لذت بردن از کودکی‌شان را نمی‌دهد، مانع حضور آن‌ها در مدارس معمولی می‌شود و از لحاظ روانی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی خطرناک و مضر است. این رویه چیزی است [که] بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی [با آن] مخالفند. نظام حقوقی در سراسر جهان کار کودکان را نمی‌پذیرد. قوانین، تمام کارها توسط کودکان را به عنوان کار کودکان در نظر نمی‌گیرند؛ استثناها عبارتند از کار توسط کودکان هنرمند، وظایف خانوادگی، آموزش تحت نظارت، انواع به‌خصوصی از کار هم‌چون آن‌هایی که توسط کودکان [فرقه] آمیش [انجام می‌شوند]، برخی اشکال کار کودک [که] میان کودکان بومی آمریکایی متداول [است] و [کارهایی] دیگر.

کار کودکان در عمده طول تاریخ در ابعاد مختلف وجود داشته است. پیش از [سال] ۱۹۴۰، کودکان بسیاری در سنین ۵ تا ۱۴ سال در اروپا، ایالات متحده و مستعمره‌های مختلف قدرت‌های اروپایی کار می‌کردند. این کودکان عمدتاً در [بخش] کشاورزی، فعالیت‌های مونتاژ خانگی، کارخانه‌ها، معدن‌کاری و خدماتی هم‌چون اخبار [و مطبوعات] کار می‌کردند.

در کشورهای در حال توسعه با فقر بالا و فرصت‌های آموزشی ضعیف، کار کودکان هنوز متداول است. در [سال] ۲۰۱۰، آفریقای سیاه (در جنوب صحرای بزرگ آفریقا) با [توجه به] چندین کشور آفریقایی که بیش از ۵۰ درصد از کودکان ۵ تا ۱۴ سال [در آن‌ها] مشغول به کار [بودند]، بالاترین نرخ وقوع کار کودکان را داشت. کشاورزی در سراسر جهان بزرگ‌ترین کارفرمای کار کودکان است. اکثریت عمده کار کودکان در مناطق روستایی و اقتصاد غیر رسمی شهری یافت می‌شود؛ کودکان اغلب توسط والدینشان به کار گرفته می‌شوند تا کارخانه‌ها، فقر و کمبود مدارس به عنوان دلیل اصلی کار کودکان در نظر گرفته می‌شود.

۱۸۲۳ به احتمال زیاد پاراگراف قبل از این متن مربوط به چیست؟

(۱) برخی دلایل [که] چرا افراد به دنبال شادی هستند

(۲) دلایلی [که] چرا افراد طولانی‌تر زندگی می‌کنند

(۳) هدف زندگی چیست

(۴) نمونه‌هایی از افراد شاد

۱۸۲۴ کدام یک از جملات زیر درباره هدف زندگی توسط متن تأیید می‌شود؟

(۱) هدف زندگی برای افراد مختلف معنای یکسانی ندارد.

(۲) هیچ‌کس این باور را رد نمی‌کند که زندگی بی هدف است.

(۳) هر قدر هدف زندگی شما معنادارتر باشد، شادی شما بیشتر است.

(۴) وقتی هدفی در زندگی نداشته باشیم، احتمال نمی‌رود که سالم بمانیم و طولانی زندگی کنیم.

۱۸۲۵ کلمه "it" در انتهای پاراگراف ۱ به "purpose" اشاره دارد.

(۱) زمین (۲) هدف، مقصود

(۳) شادی (۴) ماهیت ما، ذات ما، طبیعت ما

۱۸۲۶ کدام یک از موارد زیر نقش جمله زیر را، که آخرین جمله متن است، به بهترین نحو توضیح می‌دهد؟

به عبارت دیگر، اگر بگذارید آن چه شما را شاد می‌کند راهنمای شما باشد، بخت خوبی وجود دارد که شما در مسیر خود به سوی برآورده کردن هدف‌تان باشید. (۱) موضوعی جدید را معرفی می‌کند. (۲) یک جمله قبل‌تر را بازگویی می‌کند. (۳) مثالی به‌خصوص ارائه می‌دهد. (۴) خلاصه‌ای از کل متن ارائه می‌دهد.

متن ۵

در تمام جوامع، بخشی از جمعیت برجسته «پیر» می‌خورند. آن چه از مکانی به مکان دیگر متفاوت است سنی است که در آن افراد پیر به حساب می‌آیند و شیوه‌ای است که افراد پیر نگریسته می‌شوند (نگاهی که به افراد پیر وجود دارد). در جوامع مدرن [و] صنعتی، کهن‌سالی از ۶۵ یا ۷۰ [سالگی] آغاز می‌شود؛ در مقابل، در قرن نوزدهم، کهن‌سالی در ۵۵ [سالگی] آغاز می‌شد. در بسیاری از کشورهای فقیر که در آن‌ها امید به زندگی بسیار پایین‌تر است، کسی به سن و سال ۴۰ ممکن است فردی پیر باشد.

در برخی جوامع، افراد مسن، خردمند و با تجربه به حساب می‌آیند و ممکن است حتی رهبران جامعه باشند اما در جوامع غربی، افراد مسن گاهی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند. با رسیدن به سنی خاص، جایی بین ۶۰ و ۷۰ [سالگی]، ممکن است از آن‌ها انتظار برود تا از مشاغلشان بازنشسته شوند، حتی اگر همچنان بتوانند به طرز مؤثر کار کنند. به تدریج پیوندهای آن‌ها با اجتماع گسسته می‌شود و در بسیاری از موارد در جوامعی کاملاً متشکل از افراد پیر زندگی می‌کنند.

پیری سریع جمعیت [در] تمام کشورهای صنعتی نه تنها به دلیل زندگی طولانی‌تر افراد، بلکه هم‌چنین به دلیل کاهش پرستایی است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد در تعداد کودکانی که به دنیا آمدند [رخ داد]. زنان اغلب بیشتر از مردان زندگی می‌کنند، چنان‌که در [سال] ۱۹۸۵ به ازای هر ۱۰۰ زن، بالاتر از سن ۷۰، تنها ۶۳ مرد وجود داشت. این نیز حقیقت دارد که اعضای متمول‌تر جامعه می‌توانند انتظار داشته باشند که از افراد فقیرتر بیشتر عمر کنند، چرا که آن‌ها عموماً تغذیه بهتری دارند و از مراقبت پزشکی بهتری برخوردارند.

اگر برنامه دارید زندگی‌تان را کنترل کنید، همکاری می‌تواند بخشی از آن برنامه باشد. شما می‌توانید [نظر] دیگران، به‌ویژه والدینتان را به انجام کارها به شیوه‌ای که می‌خواهید جلب کنید. شما می‌توانید دیگران را با حس مسئولیت‌پذیری و ابتکار عملتان تحت تأثیر قرار دهید، به گونه‌ای که آن‌ها به شما این اختیار را بدهند که هر چه می‌خواهید انجام دهید.

۱۸۱۹ بر اساس [گفته] نویسنده، افراد جوان تمام گلابه‌های زیر را از والدینشان دارند، به جز این که

(۱) آن‌ها از راه‌ورسم جدید بویی نبرده‌اند

(۲) آن‌ها شوخ‌طبعی ندارند

(۳) آن‌ها انحصارطلب و برتری‌جو هستند

(۴) آن‌ها فراموش می‌کنند که خودشان وقتی جوان بودند چه حسی داشتند

۱۸۲۰ دلیلی که افراد جوان آن لباس‌ها و مدل موهای عجیب را ترجیح می‌دهند آن است که

(۱) می‌خواهند والدینشان را برنجانند

(۲) می‌خواهند وجودشان را با ساختن فرهنگ و جامعه‌ای مختص خودشان نشان دهند

(۳) می‌خواهند لذت بیشتری ببرند

(۴) می‌خواهند در سبک و سلیقه پیشرو باشند

۱۸۲۱ کلمه "underdog" (طرف بازنده، طرف ضعیف) نزدیک‌ترین معنی را به "loser" دارد.

(۱) بازیکن

(۲) بازنده

(۳) حریف، طرف مقابل (۴) جنگنده، جنگجو

۱۸۲۲ نویسنده فکر می‌کند که رویکرد افراد جوان به مقاومت کردن و مغرور بودن است.

(۱) مستقل

(۲) غیرمسئولانه؛ بی‌مسئولیت

(۳) منفعل؛ منفعلانه

(۴) خرده‌گیر؛ عیب‌جویانه

متن ۴

گذشته از طولانی‌تر زیستن و [داشتن] زندگی‌های سالم‌تر، ما ممکن است شادی را به دلایلی دیگر [نیز] بخواهیم. بسیاری از افراد باور دارند که هر کدام از ما برای دلیل به‌خصوصی وجود داریم. اگرچه باورهای بسیاری درباره آن هدف وجود دارد، تقریباً تمام مردم موافقند که زندگی هدفمند است. با وجود این، شاید وقتی که زندگیمان را در راستای هدفمان قرار می‌دهیم، شادتر می‌شویم. به بیانی دیگر، شاید هر قدر به شادی واقعی نزدیک‌تر شویم، به فهمیدن هدف زمان [حضورمان] روی زمین [نیز] نزدیک‌تر شویم. من ماهیت آن هدف را نمی‌دانم، اما باور دارم که شادی برای آن ضروری است.

اگر شادی مبنای هدف ما را تشکیل دهد و [به آن] جان ببخشد، پس هدف قرار دادن آن راه قابل‌انکابی برای حرکت به سوی آن هدف به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، اگر بگذارید آن چه شما را شاد می‌کند راهنمای شما باشد، بخت خوبی وجود دارد که شما در مسیر خود به سوی برآورده کردن هدف‌تان باشید.

در طول «مرحله سرخوردگی»، فرد تازه‌وارد شروع می‌کند به تجربه نگاهی منفی‌تر به محیط فرهنگی‌اش. برای مثال، مشکلات برقراری ارتباط در یک زبان جدید یا چشیدن غذاهای مختلف دیگر تازگی ندارد. بازدیدکننده [در این مرحله] اغلب در فرهنگ جدید مشکلات را بزرگ جلوه می‌دهد یا نسبت به آن‌ها مشغولیت ذهنی پیدا می‌کند. یک سرخوردگی قطعی وجود دارد که چیزهایی که باید ساده باشند، هنوز دشوارند. برای مثال، افرادی که شاید از آموختن مبانی یک زبان در طول مرحله ماه عسل لذت برده باشند، اکنون تلاش و برقراری ارتباط با افراد محلی در مرحله سرخوردگی برایشان کار شاقی به نظر خواهد رسید. تازه‌واردها ممکن است در طول این مرحله احساس انزوا کنند و بسیاری از مردم داوطلبانه خود را منزوی می‌کنند. بسته به دیدگاه و شرایط فرد، این مرحله می‌تواند روزها، ماه‌ها یا حتی سال‌ها به طول انجامد. پس از آن‌که مرحله سرخوردگی به پایان می‌رسد، مرحله سازگاری آغاز می‌شود. این نشان‌دهنده زمانی است که تازه‌واردها شروع به انطباق با فرهنگ جدید می‌کنند. آن‌ها شروع به پذیرفتن تفاوت‌های اطرافشان و چالش‌های زندگی روزمره می‌کنند. آن‌ها می‌توانند قدر دان برخی جنبه‌های فرهنگ جدید باشند، در حالی‌که در مورد چیزهایی که در مرحله سرخوردگی به عنوان مشکل دیده بودند واقع‌گرا باشند. این راه را برای سه نتیجه محتمل باز می‌کند - تبخّر، عدم پذیرش یا جذب.

۱۸۳۲ طبق مقاله، شوک فرهنگی چیست؟

- ۱) یک بیماری که از شوک شدید ناشی از ضربه به بدن به وجود می‌آید
 - ۲) برنامه‌ای طراحی شده برای حمایت از پروژه‌هایی که جنبه‌های مختلف فرهنگ را معرفی می‌کنند
 - ۳) یک تبادل دانش آموز میان دو کشور برای تقویت درک مشترک
 - ۴) پاسخ هیجانی و روانی به بودن در یک محیط فرهنگی جدید
- کلمه «they» در پاراگراف ۲ به «people in culture shock» اشاره دارد.

۱) افراد در شوک فرهنگی

۲) افراد جذاب و منحصربه‌فرد

۳) افرادی که به یک زبان جدید ارتباط برقرار می‌کنند

۴) افرادی که فرهنگ خودشان را می‌ستایند

۱۸۳۳ می‌توان از پاراگراف ۳ برداشت کرد که

- ۱) مواجهه با مرحله دوم شوک فرهنگی ساده‌تر از [مرحله] اول است
- ۲) افراد در مرحله دوم شوک فرهنگی معمولاً کم‌تر احساس ناراضی می‌کنند
- ۳) در مرحله دوم شوک فرهنگی، افراد برقراری ارتباط با مردم محلی را راحت‌تر می‌بینند.

۴) افراد در مرحله دوم شوک فرهنگی معمولاً بیشتر احساس ناراضی می‌کنند

۱۸۳۵ در مورد موضوع پاراگراف بعدی متن چه پیش‌بینی‌ای می‌توانید داشته باشید؟

۱) چگونه با شوک فرهنگی مواجه شویم

۲) اطلاعاتی در مورد مرحله سرخوردگی

۳) نتایج محتمل شوک فرهنگی

۴) نمونه‌هایی از سرخوردگی نویسنده

۱۸۳۷ طبق متن،

۱) افراد بر اساس کشورشان [در سن خاصی] پیر محسوب می‌شوند

۲) ۲۰۰ سال قبل، یک فرد پیر حداکثر ۵۵ [ساله] بود

۳) فردی با سن و سال ۴۰ معمولاً پیر نامیده می‌شود

۴) افراد در جوامع مدرن صنعتی زمانی میان ۶۵ تا ۷۰ [سالگی] می‌میرند

۱۸۳۸ عبارت «retire from» (بازنشسته شدن از) در پاراگراف دوم

نزدیک‌ترین معنی را به «leave» دارد.

۱) انجام دادن؛ اجرا کردن

۲) ترک کردن؛ رها کردن

۳) منتقل کردن، جابه‌جا کردن؛ منتقل شدن

۴) تجربه کردن، آزمودن

۱۸۳۹ طبق متن، پیری سریع جمعیت

۱) بیشتر مربوط به زنان است

۲) در جوامع صنعتی دیده می‌شود

۳) در جوامع فقیر متداول است

۴) به طور خاص در تمام جوامع غربی دیده می‌شود

۱۸۴۰ کدام جمله طبق متن درست نیست؟

۱) زنان ممکن است طولانی‌تر از مردان زندگی کنند.

۲) زمانی میان ۶۰ تا ۷۰ [سالگی] برخی افراد از کار کردن دست می‌کشند.

۳) جمعیت‌های بسیار جوان در جوامع فقیر رو به کاهش هستند.

۴) اعضای متمول‌تر جامعه می‌توانند انتظار داشته باشند که بیشتر از بقیه زندگی کنند.

۱۸۴۱ متن عمدتاً درباره است.

۱) کهن‌سالی

۲) اندازه جمعیت

۳) انواع گوناگون جامعه

۴) تعداد نوزادان در جوامع مختلف

متن ۶

شوک فرهنگی واکنش هیجانی و روانی به حضور در یک محیط فرهنگی کاملاً جدید است. این اغلب تجربه‌ای بسیار دشوار برای بسیاری از مردم است و شامل چندین مرحله از احساسات می‌شود تا وقتی‌که فرد به طور موفق با بودن در فرهنگ جدید سازگار شود.

مرحله «ماه عسل» شوک فرهنگی معمولاً نخستین مرحله‌ای است که افراد وقتی‌که در احاطه ارزش‌های فرهنگی و سبک‌های زندگی متفاوت قرار می‌گیرند، از سر می‌گذرانند. در طول این مرحله، افراد معمولاً تصاویر بسیار مثبتی از محیط جدید فرهنگی‌شان دارند. آن‌ها اغلب این‌ها را به شیوه‌ای ایده‌آل‌گرایانه می‌بینند و مشکلات را نادیده یا حداقلی در نظر می‌گیرند. مواجهه با افراد جدید جذاب و منحصربه‌فرد در نظر می‌آید. معمولاً این مرحله برای اکثر افراد به نسبت کوتاه است و به سرعت جایش را به مرحله دوم می‌دهد، که «مرحله سرخوردگی» نام دارد.

متن ۸

از کودکان بخواهید برایتان خواربار بردارد یا آن‌ها را در سد بگذارد. به کودکان دستورالعمل‌های آموزشی بدهید، مثلاً: «لطفاً برام قوطی سبزی رنگ رو ببار»، یا «لطفاً برام کیسه برنج رو ببار». فراموش نکنید که هر وقت مناسب است «لطفاً» و «ممنون» بگویید.

کودکتان را در گفت‌وگویی دوستانه درباره آن‌چه انجام می‌دهید، دخیل کنید. مثلاً، ممکن است بگویید: «ما قصد داریم با این گوشت همبرگر، ساندویچ درست کنیم. تو واقعاً ساندویچ دوست داری، مگه نه؟»

این هم‌چنین زمان خوبی است برای آن‌که به کودکان آموزش بدهید. برای مثال: «موزها روی درخت رشد می‌کنن. دیگه چی به نظرت می‌آد که روی درخت رشد می‌کنه؟» یا «همه میوه‌ها به پوست یا پوشش روشن دارن که اون‌ها رو در برابر بارون و حشرات مراقبت می‌کنه». با ارتباط جسمی بی‌دری، تحسین، آموزش و مکالمه دلچسب شما، کودک شما بسیار بیشتر به این گشت‌وگذار علاقه‌مند خواهد ماند. با کمک کردن واقعی به شما، او یاد می‌گیرد که فروشگاه‌ها جای جالبی برای سرزدن هستند.

اگر کودک شما یکی از قوانین شما را زیر پا گذاشت، فوراً او را مجبور کنید در «بیرون بازی» بنشیند. این می‌تواند هر جایی باشد که معمولاً از جریان طبیعی رفت‌وآمد پیاده خارج است. در یک خواربارفروشی، شما می‌توانید صرفاً به یکی از موزاتیک‌های مربعی کف زمین اشاره کنید و محکم به کودکان بگویید روی آن مربع بنشینند چون از شما دور شده بود. در یک رستوران، می‌توانید صرفاً صندلی کودکان را بچرخانید. اگر رستوران زیاد شلوغ نبود، می‌توانید کودکان را روی صندلی دیگری حدود ۳ تا ۴ فوت در تر از خودتان بگذارید. به محض آن‌که کودکان برای نیم دقیقه ساکت بود، او بگوید که مشکلی ندارد که بلند شود یا صندلی‌اش را به سمت میز بگرداند.

۱۱۸۴۰ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

- ۱) رفتن به اماکن عمومی به همراه کودکان می‌تواند فرصتی بدهد تا او را به آموختن چیزهای جدید ترغیب کنید.
- ۲) انجام دادن آموزش خوب به کودکان توسط والدین چیز داده‌ای نیست و زمان و حوصله فراوانی نیاز دارد.
- ۳) کودکان چیزهای جدید را بیشتر با انجام دادن می‌آموزند تا گوش دادن به کسی که درباره رفتار خوب صحبت می‌کند.
- ۴) اگر ببینید کودکان قوانین رفتاری را در اماکن عمومی می‌شکنند، تنبیه سریع ضروری است.

۱۱۸۴۱ کدام یک از موارد زیر موضوع پاراگراف ۱ را به بهترین شکل بیان می‌کند؟

- ۱) کودکان را تا حد امکان در فعالیت درگیر کنید.
 - ۲) به کودکان در مورد این جهان بیاموزید.
 - ۳) به کودکان بیاموزید که درست رفتار کنند.
 - ۴) کودکان را وادارید که از قوانین پیروی کنند.
- ۱۱۸۴۲ منظور از این عبارت در پاراگراف ۳ [که] «موزها روی درخت رشد می‌کنن. دیگه چی به نظرت می‌آد که روی درخت رشد می‌کنه؟» است.
- ۱) مثالی برای تأیید نکته اصلی پاراگراف
 - ۲) نشان دادن این‌که کودکان تشنه دانش‌اند و شما باید این نیاز را در نظر بگیرید
 - ۳) تأکید بر این واقعیت که سؤالاتی [که] از کودکان می‌پرسید باید مربوط به نیازهای مستقیم آن‌ها باشد
 - ۴) به عنوان ابزاری برای کمک به تقویت آموزشی که در مدرسه دریافت می‌کنند

متن ۷

او لحظه‌ای را که عکاس عکسش را گرفت به یاد می‌آورد. آن مرد یک غریبه بود، ولی [از او] پرسید که آیا می‌تواند [عکسش را بگیرد] و او هم موافقت کرد که بگذارد او آن [عکس] را بگیرد. هرگز پیش از آن از او عکس گرفته نشده بود و تا وقتی که هفده سال بعد برای بار دوم ملاقات کردند، عکس دیگری [هم از او] گرفته نشد.

آن عکاس، استیو مک‌کوری، نیز آن لحظه را به یاد دارد. [سال] ۱۹۸۴ بود و او زندگی پناهندگان افغان را در اردوگاهی در پاکستان ثبت می‌کرد. او از چادر مدرسه به بیرون نگاه می‌کرد و آن [عکاس] قبول دارد که در آن لحظه فکر می‌کرد آن عکس هیچ چیز خاصی نخواهد بود. با وجود این، «دختر افغان»، آن‌گونه که تصویر اکنون شناخته می‌شود، پس از چند سال به یکی از نمادین‌ترین تصاویر تبدیل شد. مک‌کوری از حالت [چهره] پرتنش او، [که] برای دختری معمولی و سرخوش خیلی نامعمول [بود]، برای هشدار دادن به ما استفاده کرد تا قربانیان جنگ را نادیده نگیریم، به خصوص قربانیان جوانش را. در [سال] ۲۰۰۲، نشنال جئوگرافیک مک‌کوری را تشویق کرد که به پاکستان برگردد تا به دنبال آن دختر برگردد. پس از آن که [مک‌کوری] تصویر او را در اردوگاه پناهندگان به این و آن نشان داد، مردی را یافت که او را در کودکی می‌شناخته و می‌دانست کجا او را پیدا کند. او پیشنهاد داد که او (آن دختر) را از خانه‌اش در کوه‌های تورابورا در افغانستان بیاورد و پس از سه روز با شربت گل، زنی احتمالاً ۲۹ ساله، برگشت. مک‌کوری بلافاصله فهمید که خود اوست.

۱۱۸۳۶ از متن برداشت می‌شود که نخستین باری که از شربت گل عکس گرفته شد، او حدود [ساله] بود.

۱۱ (۱) ۱۷ (۲)

۲۹ (۳) (۴) در دهه سوم [زندگی] اش

البته با توجه به این‌که طبق متن، مک‌کوری ۱۷ سال بعد از گرفتن عکس اول برای گرفتن عکس دوم رفته بود و در آن زمان شربت گل ۲۹ ساله به نظر می‌رسید، جواب این تست کنکور ۱۲ هم می‌تواند باشد!

۱۱۸۳۷ طبق متن، عکسی که استیو مک‌کوری از دختر افغان گرفت

- ۱) تصویری بود که خود [عکاس] می‌دانست معروف خواهد شد
- ۲) توسط نشنال جئوگرافیک محبوبیت یافت
- ۳) توجه مردم را بعدها جلب کرد
- ۴) موفقیتی آنی بود

۱۱۸۳۸ بر اساس متن، وقتی استیو مک‌کوری در [سال] ۲۰۰۲ برگشت تا عکس دیگری بگیرد

- ۱) شربت گل آن‌قدر تغییر کرده بود که او به شدت متعجب شد
 - ۲) او باید سه روز صبر می‌کرد قبل از آن‌که بتواند شربت گل را ببیند
 - ۳) او توانست شربت گل را خودش و به سرعت پیدا کند
 - ۴) شربت گل در اردوگاه دیگری در پاکستان زندگی می‌کرد
- ۱۱۸۳۹ متن به احتمال زیاد با ادامه می‌یابد.

- ۱) توضیحی درباره [این‌که] چرا استیو مک‌کوری موافقت کرد [برای] بار دوم به پاکستان برود
- ۲) دلایلی که شربت گل و دیگر زنان افغان در تصاویر جذاب به نظر می‌رسند
- ۳) آن‌چه تمرکز نشنال جئوگرافیک در گزارش خبری است
- ۴) شرحی از این‌که شربت گل آن زمان چه ظاهری داشت

- (۴) انکار این ادعا که انجام کار خانه می‌تواند جالب باشد
- ۲۱۸۴۷ بر اساس متن، آن‌چه باعث شد تعطیلی خانه به عنوان گرایشی محبوب پدیدار شود بود.
- (۱) مشکلات مربوط به سفر به خارج (۲) علاقه مردم به جاذبه‌های محلی
- (۳) یک مشکل اقتصادی (۴) شرکت‌های تفریحی
- ۴۱۸۴۸ پاراگرافی که بلافاصله پس از این متن می‌آید به احتمال زیاد در چه مورد بحث می‌کند؟
- (۱) دلایلی که تعطیلی در خانه حتی محبوب‌تر می‌شد
- (۲) نظر مردم درباره تعطیلی در خانه
- (۳) هیجان سفر خارجی
- (۴) داستان کارن آش

متن ۱۰

وقتی اخیراً تلویزیون تماشا می‌کردم، به برنامه بسیار جالبی برخوردم. در این برنامه، یک خبرنگار مشغول مصاحبه با افراد از دو گروه سنی مجزا بود. گروه اول همگی افرادی در دهه پنجم و دهه ششم زندگی‌شان بودند که به طور تصادفی در خیابانی در ایالات متحده انتخاب شده بودند. گروه دوم کودکان دبستانی اهل ایالات متحده، عمدتاً بین سنین هشت تا دوازده [سال] بودند.

مصاحبه ساده بود. خبرنگار موقعیت را شرح می‌داد: یک پدر و پسر جوانش در حال رانندگی در بزرگراه بودند که دچار تصادفی جدی شدند. هر دوی آن‌ها بی‌هوش [و] در شرایطی وخیم با عجله به بیمارستانی در آن نزدیکی برده شدند. کودک سریعاً برای یک جراحی اورژانسی آماده شد. با وجود این، جراح نگاهی به کودک انداخت و گفت: «من نمی‌توانم این پسر را عمل کنم. او پسر من است.» سپس خبرنگار از مصاحبه‌شوندگان پرسید: «اگر مردی که در ماشین بود، پدر این پسر است، جراح کیست؟»

هر چند این سؤال به نظر موردی آسان می‌آید، بسیاری از افراد در گروه مسن‌تر در پاسخ به آن بسیار مشکل داشتند. در واقع، تنها تعداد انگشت‌شماری از افرادی که مصاحبه شدند توانستند پاسخ درست را ارائه دهند. برخلاف گروه مسن‌تر، حدوداً تمام کودکان تقریباً بی هیچ مشکلی توانستند پاسخ درست را بدهند. بسیاری از آن‌ها فریاد زدند: «جراح مادر آن پسر است!»

آن‌چه این آزمایش به وضوح نشان می‌دهد تفاوت گسترده در شیوه‌ای است که نسل‌های مختلف برای نگرش به نقش مردان و زنان در جامعه به آن دست یافته‌اند. از این مطالعه ساده، به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که افراد مسن‌تر مطلقاً از تصور این‌که جراح ممکن است یک زن باشد، ناتوان بودند. بیشتر این افراد در دورانی بزرگ شدند که نقش اصلی یک زن به عنوان مادر و مراقب [بچه] بود. این ایده که ممکن است جراحان، سربازان و مدیرعاملان زن وجود داشته باشند شاید در بین آن‌ها، حتی تا امروز رواجی نیافته باشد.

از سوی دیگر، جوانان چنین عقاید منسوخیه درباره نقش زن در جامعه نداشتند. بسیاری، که در کنار مادرانی بزرگ می‌شوند که دکتر، حقوق‌دان و حتی سرباز هستند، فریب این سؤال «گول‌زننده» را به خوبی تشخیص دادند.

۱- در زبان فارسی، دهه پنجم زندگی به ۴۰ تا ۴۹ سالگی فرد اشاره دارد که معادل 40S در انگلیسی است. همین استدلال در موارد مشابه (دهه سوم زندگی، دهه ششم زندگی و ...) نیز وجود دارد.

۴۱۸۴۳ کلمه "them" در پاراگراف ۳ به "fruits" اشاره دارد.

- (۱) درختان (۲) پوست‌ها (۳) موزها (۴) میوه‌ها
- ۳۱۸۴۴ بر اساس متن، اگر در یک فروشگاه هستید و کودکان در پیروی از قوانین شما کوتاهی کند، شما باید
- (۱) فقط کودک را مجبور کنید از شما دور شود
- (۲) کودک را وادارید که در فاصله ۳ تا ۴ فوتی دنبالتان بیاید
- (۳) او را مجبور کنید که به عنوان نوعی تنبیه جایی بیرون از مسیر مردم بنشیند
- (۴) از کودک بخواهید که روی یک صندلی نه چندان دور از شما در جایی که افراد زیادی راه نمی‌روند بنشیند

متن ۹

شما احتمالاً اصطلاح «تعطیلات در خانه» را دوست ندارید. من هم همین‌طور. ولی نباید دلسرد شوید. به عنوان یک مفهوم، این نسبتاً جذاب است. شاید قبلاً هم یکی را داشته‌اید (تجربه کرده‌اید) ولی نمی‌دانستید [که] اسمش آن است. تعطیلات در خانه فقط به معنای ماندن در [خانه و] انجام کارها در خانه یا فقط استراحت کردن در منزل نیست. آن‌ها شامل بیرون رفتن بیشتر از خانه‌تان به وسیله انجام گشت‌وگذارهای روزانه برای دیدن مناظر محلی است. اگر نمی‌خواهید در خانه بمانید، می‌توانید تعطیلات را محلی بگذرانید. برای مثال، [با] اردو زدن در اردوگاهی محلی.

تعطیلات در خانه اولین بار پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ محبوب شدند وقتی مردم به دنبال راه‌هایی برای کاهش مخارجشان بودند. گذشته از پس‌اندازها، بگذاردن مزایای دیگر را نادیده نگیریم: شما هیچ‌کدام از مشکلات مربوط به سفر را ندارید، هم‌چون بستن چمدان، رانندگی‌های طولانی، تأخیر در فرودگاه‌ها و غیره؛ و شما پول را به اقتصاد محلی می‌آورید، مثلاً با غذا خوردن در بیرون. تنها افرادی که امیدوارند این نوع تعطیلات محبوب نشود خود شرکت‌های تفریحی هستند.

برخی طرفداران تعطیلات در خانه که پایگاه خود را در خانه قرار می‌دهند درست دارند از مجموعه‌ای از قوانین پیروی کنند، مثل تعیین روز آغاز و پایان، برنامه‌ریزی فعالیت‌هایشان زودتر از موعد و اجتناب از روزمرگی. شما مجبور نیستید این کارها را انجام دهید، ولی این به ایجاد حس تعطیلات سنتی کمک می‌کند. دیگران که می‌دانند یک باریکیوی اضافی و سر زدن به باغ‌وحش محلی ممکن است قابل مقایسه با هیجان سفر خارجی نباشد، یا را فراتر [از این] می‌گذارند. یک نمونه اخیر، کارن آش بود که داستانش در وال استریت ژورنال منتشر شد.

۲۱۸۴۵ متن، تعطیلی در خانه را به عنوان جایگزینی برای معرفی می‌کند.

- (۱) در خانه ماندن (۲) سفر خارجی
- (۳) انجام کسب‌وکار (۴) بیرون بازی کردن
- ۲۱۸۴۶ هدف نویسنده از جمله زیر که از پاراگراف اول گرفته شده چیست؟
- «تعطیلات در خانه فقط به معنای ماندن در [خانه و] انجام کارها در خانه یا فقط استراحت در منزل نیست.»
- (۱) تعریف کردن اصطلاحی جدید
- (۲) جلوگیری کردن از یک تعمیم اشتباه
- (۳) ارائه مثالی برای یک توصیف واضح

۱۸۴۹ خبرنگار با مصاحبه کرد.

(۱) دو گروه از مردم که از سنین بسیار متفاوتی بودند

(۲) دو گروه از مردم که از نظر سن و سال بسیار نزدیک بودند

(۳) سه گروه از مردم که همگی از سنین متفاوت بودند

(۴) یک گروه از مردم از سنین متفاوت

۱۸۵۰ نکته اصلی مقاله این است که

(۱) افراد جوان می خواهند جراح باشند

(۲) افراد مسن تر تلاش می کنند زنان را در خانه نگه دارند

(۳) افراد پیرتر به خوبی افراد جوان تر مطلع نیستند

(۴) شیوه های که نسل های مختلف درباره نقش مردان و زنان می اندیشند تغییر

کرده است

۱۸۵۱ در پاراگراف سوم، "only a handful" (تنها تعداد انگشت شمار)

به معنی "few" است.

(۱) هیچ کدام تعداد اندکی

(۳) بسیاری (۴) چند، چندین

۱۸۵۲ از کاربرد لغات "obsolete notion" (عقیده منسوخ) می توانیم

نتیجه بگیریم که

(۱) نویسنده هیچ نظری درباره عقاید گروه مسن تر ندارد

(۲) نویسنده نظرات گروه مسن تر درباره نقش زنان را ترجیح می دهد

(۳) نویسنده فکر می کند [که] نقش مردان و زنان در جامعه تغییری نکرده است

(۴) نویسنده نظرات کودکان را در مورد نقش زنان ترجیح می دهد

متن ۱۱

می گویند تربیت مهم ترین «کار» در جهان است. بدون شک آن هم چنین یکی از دشوارترین هاست. در جهانی که تخیل و نگرشی خلاق در [تعیین] موفقیت فرد مهم و مهم تر می شود، آماده ساختن کودکان برای زندگی به عنوان عضوی موفق از جامعه امروز می تواند وظیفه ای به شدت چالش برانگیز باشد. اگر شما یا کسی که می شناسید در تقلاً برای یافتن بهترین شیوه بزرگ کردن کودکانی متعادل و خلاق است، مهم ترین چیزی که می توانید انجام دهید تشویق علایق کودکان و کمک به آن ها برای یافتن چیزهایی است [که] در آن خوب هستند. در این جا چند شگرد هست که ممکن است در طول مسیر کمک کند. اولاً، زمان تلویزیون و بازی های کامپیوتری را محدود کنید. کودکان خود را تشویق کنید تا با استفاده از قوه خیالشان بازی کنند تا [در نتیجه] بازی ها یا نقش بازی کردن های خودشان را بسازند. زمان بازی را محدود نکنید. زمان بازی آزاد برای کودکان کم سن و سال مهم است تا خلاقیت خود را شکل دهند و کشف کنند. در زمان بازی شرکت داشته باشید ولی اجازه دهید کودک شما نقش اصلی را بگیرد. با دنباله روی کردن از آنان، کودکان می توانند به ایده های خودشان اعتماد پیدا کنند. ممکن است کاری را به مؤثرترین نحو انجام ندهند ولی نکته این نیست. فقط خوش بگذرانید و اجازه دهید آن ها [خودشان] به آن [موضوع] پی ببرند. به آن ها نگویید دارند کاری را اشتباه انجام می دهند. در زمان بازی، هیچ حالت طبیعی ای وجود ندارد.

کودکانتان را از ابتدا در معرض هنر قرار دهید. اگر علاقه ای به شرکت در کلاس های موسیقی، رقص یا هنر دارند، آن ها را تشویق کنید. آن ها را به [دیدن] ساخته های محلی تئاتر کودکان، موزه ها و گالری های هنری و هم چنین وقتی که آماده بودند [به دیدن] نمایش های موزیکال، کنسرت ها و رقص ها با له ببرید. سعی کنید در خانه خود [چیزهای] الهام بخش فراهم کنید. خانه خود را از انواع موسیقی و هنر پر کنید. جعبه ای پر از لباس های قدیمی، کلاه گیس ها و پارچه ها نگه دارید. کودکانتان را تشویق کنید تا با لباس های مبدل بازی کنند. این واقعاً راه خوبی برای به کار انداختن تخیل است و به کودکان اجازه می دهد [که] در [مورد] کنار هم قرار دادن لباس های جالب و ساختن کاراکترهایی برای پیش بردن [بازی] خلاق باشند.

۱۸۵۳ نکته اصلی متن این است که

(۱) چگونه کودکان را به کالج بفرستید

(۲) چگونه به کودکان کمک کنید موسیقی دان شود

(۳) چگونه به کودکان کمک کنید در کسب و کار موفق شود

(۴) چگونه به کودکان کمک کنید آن چه را در آن خوب است بیابد

۱۸۵۴ در پاراگراف ۴ "status quo" (حالت طبیعی وضع موجود)

احتمالاً به معنای "a flexible way of doing things" نیست.

(۱) شیوه متعطف انجام چیزها

(۲) شیوه معین انجام چیزها

(۳) نگه داشتن چیزها [در وضع] یکسان

(۴) قوانین برای درست و غلط

۱۸۵۵ وقتی والدین در وقت بازی شرکت می کنند، آن ها باید

(۱) نگران این باشند [که] کودکانشان چقدر مؤثر بازی می کنند

(۲) آن چه را انجام می شود و چگونه انجام آن را هدایت کنند

(۳) وقتی کودکانشان اشتباه کرده است به او بگویند

(۴) اجازه دهند کودکانشان پیش برنده [بازی] باشد

۱۸۵۶ کدام یک از موارد زیر به عنوان مثالی از این که والدین چگونه

می توانند چیزهای الهام بخش فراهم کنند، ارائه نشده است؟

(۱) پخش کردن انواع مختلف موسیقی

(۲) نمایش انواع مختلف نقاشی ها

(۳) واداشتن کودکان به آموختن نقاشی کردن به سبک هنرمندان

به خصوص

(۴) جمع آوری جعبه ای از لباس های کهنه برای کودکان تا به عنوان لباس

مبدل استفاده کنند

۱۸۵۷ نویسنده کدام یک از موارد زیر را صحیح خواهد دانست؟

(۱) کودکانتان را تنها رها کنید.

(۲) برای کودکانتان برخی لوازم را فراهم کنید و اجازه دهید آزمایش کنند.

(۳) به کودکانتان دستورالعمل هایی دقیق برای آزمایش کردن با نایع هنری بدهید.

(۴) تمام کودکان باید در سن پایین در موسیقی و هنر آموزش ببینند.

کودکان استثنایی به طرق چشمگیری از دیگر [کودکان] هم سن و سال متفاوتند. برای آن که این کودکان به توانایی کامل بلوغ خود پرورش بیابند، آموزش آن‌ها باید منطبق بر آن تفاوت‌ها باشد.

اگرچه ما بر نیازهای کودکان استثنایی تمرکز می‌کنیم، درمی‌یابیم که در حال توصیف محیط آن‌ها نیز هستیم. در حالی که بازیگر نقش اول بر روی صحنه توجه ما را جلب می‌کند، ما از اهمیت بازیگران مکمل و خود صحنه نمایش نیز آگاهییم. هم خانواده و هم جامعه‌ای که کودکان استثنایی در آن زندگی می‌کنند اغلب کلید رشد و نمو آن‌ها هستند. و در مدارس عمومی است که ما نمود کامل درک جامعه را می‌یابیم - دانش، امیدها و ترس‌هایی که به نسل آینده منتقل می‌شوند.

آموزش در هر جامعه‌ای اینست [تمام‌نمای] آن جامعه است. در آن آینه ما می‌توانیم قوت‌ها، ضعف‌ها، امیدها، تعصبات و ارزش‌های محوری خود آن فرهنگ را ببینیم. دل‌مشغولی شدید به کودکان استثنایی که در آموزش عمومی در سه دهه گذشته نمایان است، نشان‌دهنده این احساس قوی در جامعه ماست که تمام شهروندان، صرف‌نظر از شرایط خاصشان شایسته این فرصت هستند که ظرفیت‌هایشان را تماماً گسترش دهند.

این را بارها شنیده‌ایم [که]: «تمام انسان‌ها برابر خلق شده‌اند.» اما این هم‌چنان معنای مهمی برای آموزش در جامعه‌ای مردم‌سالار دارد. اگرچه این عبارت استفاده می‌شود تا به برابری در برابر قانون اشاره شود، [ولی] به معنای برابری فرصت نیز تعبیر شده است. آن مفهوم، اشاره به فرصت آموزشی برای تمام کودکان دارد - حق هر کودک برای دریافت کمک در آموختن تا سرحد ظرفیتش، چه آن ظرفیت کوچک باشد، چه بزرگ. تصمیمات جدید قضایی حق تمام کودکان - ناتوان یا غیر [آن] - را برای آموزشی مناسب تأیید کرده است و دستور داده است که مدارس عمومی گام‌های ضروری را برای فراهم کردن آن آموزش بردارند. در پاسخ، مدارس در حال اصلاح برنامه‌هایشان هستند تا آموزش را با [وضعیت] کودکانی که استثنایی هستند سازگار کنند، برای آن‌هایی که نمی‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای از برنامه‌های معمول بهره‌مند شوند.

۱۱۸۵۸ در پاراگراف ۲، نویسنده مثال بازیگر نقش اول روی صحنه را ارائه می‌کند تا نشان دهد که

۱) رشد کودکان استثنایی بسیار به خانواده‌هایشان و جامعه مربوط می‌شود
۲) کودکان استثنایی بیشتر از کودکان معمولی از خانواده‌هایشان تأثیر می‌پذیرند
۳) کودکان استثنایی دل‌مشغولی کلیدی خانواده و جامعه هستند
۴) نیازهای جامعه بسیار با اهمیت‌تر از نیازهای کودکان استثنایی هستند
۳۱۸۵۹ دلیلی که کودکان استثنایی این مقدار توجه در آموزش دریافت می‌کنند آن است که

۱) انتظار می‌رود که آنان رهبران جامعه باشند
۲) آن‌ها ممکن است سرباری بر جامعه شوند
۳) آن‌ها باید پتانسیل‌های خود را به طور کامل پرورش دهند
۴) کودکان ناتوان شایسته توجه ویژه هستند

۴۱۸۶۰ این متن عمدتاً با سروکار دارد.

۱) تفاوت‌های کودکان در ظرفیت‌های یادگیری‌شان
۲) تعریف کودکان استثنایی در جامعه مدرن

۳) برنامه‌های آموزشی ویژه برای کودکان استثنایی

۴) ضرورت انطباق آموزش با [وضعیت] کودکان استثنایی

۱۱۸۶۱ از این متن می‌آموزیم که دغدغه آموزشی برای کودکان استثنایی

۱) اکنون از حمایت قانونی برخوردار است

۲) با سنت این کشور در تضاد است

۳) مشخصاً توسط قانون بیان شده است

۴) تأثیری شگرف بر تصمیمات قضایی خواهد گذاشت

۲۱۸۶۲ برخی بوم‌شناسان معتقدند که بیش از ۵۰ درصد از گونه‌های موجود در ۱۰۰ سال آینده از دست خواهند رفت.

❖ فعل believe (اعتقاد داشتن، معتقد بودن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته به دلیل کاربرد مفعول پس از آن (تمام عبارت قرار گرفته بعد از جای خالی اول)، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم. دقت کنید که در هر چهار گزینه برای جای خالی دوم فعل مجهول (to be + pp.) را داریم و شما صرفاً باید بر مبنای زمان جمله تشخیص دهید که در این‌جا با توجه به کاربرد in the next 100 years (در ۱۰۰ سال آینده) فعل مجهول در زمان آینده ساده مدنظر است.

۲۱۸۶۳ مارک از دوستانش تأثیر زیادی می‌پذیرد، مگه نه؟ او باید مستقل‌تر باشد و برای خودش فکر کند.

❖ فعل influence (اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (Mark) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی اول به فعل مجهول نیاز داریم؛ بنابراین طبق جای خالی اول، یکی از گزینه‌های (۱)، (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که اگر در جمله اصلی، فعل کمکی داشته باشیم، در پرسش کوتاه تأییدی از همین فعل استفاده می‌شود و گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل عدم استفاده از wasn't و hasn't در پرسش تأییدی نمی‌توانند صحیح باشند.

۲۱۸۶۴ در پژوهشی که در شماره اکتبر ۲۰۱۲ ژورنال (مجله علمی) به چاپ رسید، مردم به سه گروه تقسیم شدند.

❖ هر دو فعل publish (چاپ کردن، منتشر کردن) و divide (تقسیم کردن، قسمت کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (ضمیر موصولی which و people) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو مورد به فعل مجهول نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، تنها در گزینه (۲) در هر دو مورد فعل مجهول داریم.

۱۱۸۶۵ رفیق من دوست دارد که در شهر زندگی کند ولی همسرش ترجیح می‌دهد که در خانه ییلاقی کوچکشان در روستا زندگی کند.

❖ با توجه به مقایسه و تضاد موجود بین دو بند جمله مرکب، برای وصل کردن دو بند جمله از but (اما، ولی) استفاده می‌شود. دقت کنید که در این‌جا طبق مفهوم جمله و این‌که مفعول را بعد از جای خالی داریم (منظور عبارت بعد از جای خالی دوم است)، فعل prefer (ترجیح دادن) به صورت معلوم مدنظر است.

متن کلوز

بسیاری از دانشجویان واقعاً از سختی‌های اولیه زندگی در کشوری جدید آگاه نیستند. وقتی شما در کشوری خارجی زندگی می‌کنید، زبانتان را در کافه‌ها یا به تماشای میراث هنری یا طبیعی نمی‌گذرانید. باید [با افرادی] دوست شوید. و برای انجام دادن آن کار باید به آن زبان صحبت کنید. اگر [این کار را] نکنید، خود را نیازمند کمک دیگران حتی برای انجام ساده‌ترین کارها می‌یابید - پست کردن یک نامه، انجام یک نقل‌وانتقال بانکی، گرفتن جواز کار، پرداخت یک قبض و غیره. این می‌تواند بعضی وقت‌ها آزاردهنده باشد، مخصوصاً وقتی که مجبورید [منظور] خود را در ساده‌ترین اصطلاحات بیان کنید چرا که هنوز زبان را نیاموخته‌اید.

۴ ۱۸۷۴ (۱) به طور فعالی، فعالانه

(۲) مختصراً، به طور کوتاه

(۳) سابقاً، در گذشته

(۴) واقعاً، حقیقتاً

۳ ۱۸۷۵ (۱) کیفیت؛ خصوصیت، ویژگی

(۲) حس، احساس

(۳) ارث؛ میراث

(۴) عملکرد، کارکرد

۳ ۱۸۷۶ ◀ از مصدر با to می‌توانیم برای بیان هدف و مقصود از انجام یک کار

استفاده کنیم. دقت کنید که do جزء افعال متعدی است و چون این فعل به صورت معلوم به کار رفته، مفعول (در این مورد that) بعد از آن قرار می‌گیرد.

۲ ۱۸۷۷ (۱) زمانی‌که؛ چراکه، چون (که)

(۲) حتی

(۳) بسیار، خیلی

(۴) اگرچه، هرچند

۴ ۱۸۷۸ (۱) نگه داشتن، حفظ کردن؛ ادامه دادن (به)

(۲) پیروی کردن، دنبال کردن

(۳) تولید کردن، ساختن

(۴) بیان کردن، ابراز کردن

متن ۱

والدین کاتبان داستان‌های کودکانشان هستند و کودکان با فکر کردن به این داستان‌ها یاد می‌گیرند [که] چه کسی هستند. کودکان از تمام پیام‌هایی که ما به آن‌ها می‌دهیم بسیار آگاه هستند، چه [پیام‌های] زبانی و چه غیرزبانی. یک روز [وقت] بگذارید و به خودتان و آن‌چه به کودکان می‌گویید گوش دهید. آیا تنها بر آن چیزی تمرکز می‌کنید که به نظرتان «اشتباه» انجام می‌دهد. اگر خود را بر [چیزهای] منفی متمرکز می‌بینید، دست نگه دارید! استراحتی بکنید و ببینید آیا می‌توانید شیوه مثبت‌تری برای پرداختن با این «مشکل» بیابید. به این طریق می‌توانید فرزندان را در ایجاد برنامه‌ای که جواب می‌دهد شریک کنید. من همیشه دوست دارم از کودک بپرسم: «فکر می‌کنی چه چیزی جواب بدهد؟» اغلب پیشنهادهای آن‌ها حتی بهتر از [آن چیزی] است که ما خودمان می‌توانستیم سر هم کنیم.

۳ ۱۸۶۶ معلم می‌خواست عملکرد دانش‌آموزانش را در مدرسه تقویت کند و

به آن‌ها کمک کند تا مشاغلی پیدا کنند و [آن‌ها را] حفظ کنند.

(۱) تولید کردن، به وجود آوردن (۲) پایه‌ریزی کردن، تأسیس کردن

(۳) تقویت کردن؛ افزایش دادن (۴) مستلزم ... بودن؛ درگیر کردن

۴ ۱۸۶۷ این پرسشی نیست که به آسانی بتوان پاسخ داد ولی می‌توان بعضی راهنمایی‌های کلی ارائه داد.

(۱) عملکرد، کارکرد (۲) ترکیب، مخلوط

(۳) توافق، موافقت؛ قرارداد (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۴ ۱۸۶۸ با استفاده از نرم‌افزار جدید، شما می‌توانید برنامه‌های زنده تلویزیونی

را متوقف کنید و بعداً وقتی [دکمه] پخش را فشار می‌دهید به آن‌جا که رها کرده بودید، برگردید.

(۱) نصب کردن، کار گذاشتن

(۲) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن

(۳) انتخاب کردن، برگزیدن

(۴) مکث کردن، توقف کردن

۲ ۱۸۶۹ قیمت ماشین جدید ده برابر بیشتر از مدل‌های مشابه دیگر و کاملاً

ورای دسترس آدم‌های معمولی است.

(۱) متعهد، دلسوز؛ مختص (۲) معمولی، عادی

(۳) مناسب، درخور (۴) مالی، پولی

۳ ۱۸۷۰ من باید لاستیک‌های ماشینم را جایگزین کنم چون آن‌هایی که اکنون روی [ماشین] دارم تقریباً به طور کامل ساییده شده است.

(۱) اندازه‌گیری کردن؛ ارزیابی کردن

(۲) پردازش کردن؛ فراوری کردن؛ [مواد غذایی] کنسرو کردن

(۳) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۴) رحم کردن به، بخشیدن

۳ ۱۸۷۱ فکر نمی‌کنم امروزه به اندازه وقتی‌که من جوان بودم شکاف نسل‌ها

میان والدین و فرزندان‌شان باشد.

(۱) ترکیب، تلفیق

(۲) مجموعه، کلکسیون؛ جمع‌آوری، گردآوری

(۳) نسل؛ تولید

(۴) الهام؛ منبع الهام

۱ ۱۸۷۲ بهتر است از رئیس بخواهی که تفریعت را به طور مکتوب تأیید کند،

چون او گاهی نظرش را عوض می‌کند.

(۱) تأیید کردن، تصدیق کردن

(۲) تشخیص دادن، شناسایی کردن

(۳) نتیجه گرفتن؛ خاتمه دادن

(۴) متبرک کردن؛ دعای خیر کردن برای

۲ ۱۸۷۳ جری وقتی که بیمارستان را ترک کرد به شدت لاغر بود ولی او از آن

موقع وزن زیادی اضافه کرده است.

(۱) عمیقاً؛ کاملاً؛ به شدت (۲) شدیداً؛ به طور وحشتناکی

(۳) معمولاً، عموماً (۴) عمدتاً، اکثراً

متن ۲

مردم عاشق مقایسه کردن و سنجیدن هستند. در بیشتر بخش‌های انگلیس شما بلیت اتوبوس را داخل اتوبوس می‌خرید. در فرانسه آن را در ایستگاه مترو می‌خرید. در استرالیا، می‌توانید آن را از روزنامه‌فروشی بخرید. برای همه ما این جور مقایسه جالب است. کتاب‌های درباره ارتباطات بین‌فرهنگی با تمرکز بر تفاوت‌های میان مردم در سراسر دنیا از کنجکاوی ما بهره می‌برند: در رفتار اجتماعی، نقش‌هایی که در جامعه بازی می‌کنند، نقطه‌نظرشان نسبت به پول، اهمیت زبان بدنشان و غیره.

پروکسمیک (نظریه همجواری)، مطالعه استانداردهای متفاوت فضای شخصی، یک نمونه است. [این‌که] وقتی با شخصی صحبت می‌کنم چه قدر به او نزدیک می‌ایستم، نه تنها به رابطه من با او، بلکه به فرهنگ من نیز بستگی دارد. این [موضوع هم‌چنین] اهمیت دارد چرا که اگر فردی که با او هستم وقتی که با هم صحبت می‌کنیم آن قدر که من عادت دارم به نزدیک ایستادن عادت نداشته باشد، ممکن است احساس معذب [بودن] کند. آمارها به ما می‌گویند که فاصله متوسطی که دو نفر در یک بافت اجتماعی [نسبت به هم] می‌ایستند - مثلاً وقتی دو همسایه با هم صحبت می‌کنند - چیزی بین ۱/۲ متر تا ۳/۵ متر است. در فرهنگ‌های لاتین (آمریکای جنوبی، ایتالیا و غیره) و هم‌چنین در چین، این فاصله اغلب کم‌تر است، در حالی که در فرهنگ‌های اسکاندیناوی (سوئد، دانمارک و غیره) مردم معمولاً با فاصله بیشتری می‌ایستند.

۱۸۸۳ کدام یک از موارد زیر شیوه‌ای را که اطلاعات در متن ارائه می‌شود،

به بهترین شکل توضیح می‌دهد؟

(۱) یک رویداد به‌خصوص ذکر شده است و دلایل وجود آن مورد بحث قرار گرفته است.

(۲) یک نکته کلی بیان شده و سپس موردی به‌خصوص مربوط به آن ذکر شده است.

(۳) یک موضوع جالب معرفی شده و نظرات موافق و مخالف آن بیان شده است.

(۴) جنبه‌های مختلف یک چیز واحد معرفی و سپس مقایسه شده‌اند.

۱۸۸۴ بر اساس متن، این‌که وقتی با کسی گفت‌وگو می‌کنیم چه قدر به او نزدیک بایستیم بر اساس عوامل زیر متفاوت است، به جز

(۱) فرهنگ ما (۲) کشور ما

(۳) همسایگان ما (۴) رابطه ما با او

۱۸۸۵ بر اساس متن، فاصله‌ای که مردم در یک بافت اجتماعی [نسبت به هم] می‌ایستند

(۱) در تمام جهان، ۱/۲ متر یا ۳/۵ متر است

(۲) در فرهنگ‌های لاتین کم‌ترین در جهان است

(۳) غالباً در طول زمان تغییر می‌کند

(۴) تحت تمام شرایط یکسان نیست

۱۸۸۶ کدام یک از موارد زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) پروکسمیک (نظریه همجواری) (۲) رفتار اجتماعی

(۳) بافت اجتماعی (۴) ارتباطات بین‌فرهنگی

«نه [گفتن]‌های» بسیار، می‌تواند بچه‌های کوچک را از کندوکاو کردن و تحقیق کردن در محیط اطرافشان که یکی از راه‌های اصلی آموختن آن‌ها است دلسرد کند. در روز چند [بار] «نه، وایستا، نکن!» را می‌شنوید [که] خودتان می‌گویید؟ دقیقه‌ای [وقت] بگذارید تا این سناریو را تصور کنید: در ساعت شلوغی دارید به آن سوی شهر می‌رانید. پیشاپیش چراغ‌های راهنمایی و ترافیکی که انتظار دارید وجود دارد ولی در خیابان‌ها، یکی در میان، علامت‌های توقفی وجود دارد که قبلاً هرگز آن‌جا نبود. شما در مسیرتان به سوی مقصد بارها و بارها متوقف می‌شوید. چه احساسی دارید؟ برای یک بچه کوچک [هم] به صورت روزانه می‌تواند این‌طور باشد.

در هر مورد رفتار بد از خود بپرسید: «چگونه می‌توانم به فرزندم کمک کنم [که] شیوه جایگزینی از رفتار را بیابد بدون آن که رفتاری را که انتظار توقف یا تغییرش را دارم [در او] تقویت کنم؟» چگونه می‌توانم این «نه» را به یک «بله» تغییر دهم؟ یک چیز مهم که باید به خاطر داشته باشید این است که اگر می‌خواهید کودکان تغییر کنند، باید خودتان هم علاقه‌مند به تغییر باشید. کودک شما در آن نقطه از زمان دارد بیشترین تلاشش را می‌کند تا نیازهایش را برآورده کند. با وقت گذاشتن برای این‌که واقعاً به احساسات او گوش دهید و شاید حتی با هم، راهی برای رضایت مشترک بیابید، به او کمک کنید که شیوه‌های موفق‌تری را بیاموزد.

۱۸۷۹ همان‌طور که در پاراگراف ۱ ذکر شده، نویسنده همیشه دوست دارد از

کودکان بپرسد: «فکر می‌کنی چه چیزی جواب بدهد؟» چون او فکر می‌کند

(۱) بهتر است راهی مثبت‌تر برای پرداختن به یک مشکل یافت

(۲) او می‌تواند به کودکان پیشنهادهای خوبی بدهد

(۳) کودکان رنجیده خواهند شد

(۴) این رفتارهای بد کودکان را اصلاح می‌کند

۱۸۸۰ سناریویی که در پاراگراف ۲ ذکر شده اساساً پیشنهاد می‌دهد که

(۱) کودکان باید خوب رفتار کنند

(۲) والدین باید وقتی که کودکانشان بدرفتاری می‌کنند از آن‌ها انتقاد کنند

(۳) والدین باید به کودکانشان گوش دهند

(۴) والدین نباید کودکان را از کندوکاو کردن و تحقیق کردن دلسرد کنند

۱۸۸۱ طبق متن شرایط ممکن است که به بهترین تلاش کودکان می‌انجامد، چیست؟

(۱) وقتی آن‌ها بدرفتاری می‌کنند

(۲) وقتی والدینشان از آن‌ها انتقاد می‌کنند

(۳) وقتی نیازهای آن‌ها برآورده می‌شود

(۴) وقتی آن‌ها با والدینشان می‌مانند

۱۸۸۲ بهترین عنوان برای متن می‌تواند باشد.

(۱) فهمیدن فرزندان

(۲) قدرت «بله» [گفتن]

(۳) رابطه والدین-فرزندان

(۴) رضایت مشترک

۱۸۸۷ این نوع جدید از تلسکوپ‌های دیگر تصاویر را ۱۱ برابر بزرگ می‌کنند.

(۱) شناختن؛ تأیید کردن؛ به رسمیت شناختن

(۲) طراحی کردن؛ در نظر گرفتن، ساختن

(۳) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

(۴) تولید کردن، به وجود آوردن

۱۸۸۸ ما در انجام آن آزمایش مشکل داشتیم؛ آن واقعاً یک [آزمایش]

بسیار پیچیده بود.

(۱) اولیه؛ مقدماتی؛ اصلی (۲) ذهنی؛ روانی

(۳) عصبی؛ بی‌قرار؛ (مربوط به) اعصاب (۴) پیچیده؛ دشوار، سخت

۱۸۸۹ او داشت با سرعت می‌دوید، به این دلیل است که او الان به سختی

نفس می‌کشد.

(۱) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی (۲) به شدت؛ به سختی؛ خیلی

(۳) مخصوصاً، به ویژه (۴) به طور مناسبی، به نحو شایسته‌ای

۱۸۹۰ مرگ سرانجام رنج او را پایان داد؛ او دیگر هیچ دردی نمی‌کشد.

(۱) هشدار، اخطار (۲) درد، رنج، عذاب

(۳) اسطوره، افسانه؛ قصه (۴) بی‌حرکی؛ سکون

۱۸۹۱ هدف این دوره آن است که به دانش‌آموزان کمک کند تا ساختار

نظام‌های سیاسی و اجتماعی معاصر را درک کنند.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۲) فعال کردن

(۳) درک کردن، فهمیدن، دریافتن

(۴) پیشنهاد کردن، مناسب دانستن؛ توصیه کردن

۱۸۹۲ فرید اصلاً فرانسه بلد نیست، بنابراین او باید یک دوره مقدماتی برای

مبتدیان بردارد.

(۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه (۲) علمی

(۳) مقدماتی، ابتدایی؛ پایه (۴) توسعه‌ای؛ رشدی، تکوینی

۱۸۹۳ ما به کسی نیاز داریم که بینشی داشته باشد از [این‌که] این شرکت

برای آینده باید به کجا برود.

(۱) کارکرد؛ عملکرد

(۲) موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۳) منشأ؛ اصل، ریشه

(۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

۱۸۹۴ من دیدن حیوانات در باغ‌وحش را دوست ندارم. ترجیح می‌دهم

آن‌ها را در مناطق طبیعی پیرامونشان ببینم.

(۱) آرام، آسوده؛ خودمانی (۲) فوری؛ مستقیم؛ نزدیک

(۳) مغایر؛ متفاوت (۴) پیرامونی، مجاور، (مربوط به) اطراف

۱۸۹۵ وقتی‌که او از [محل] کار غایب بود، من صرفاً فکر کردم کسالت دارد،

ولی امروز شنیدم که او استعفا داد.

(۱) نامرئی، غیرقابل دیدن (۲) فنی، تخصصی

(۳) مورد انتظار، قابل پیش‌بینی (۴) غایب؛ در فکر فرو رفته، متفکر

۱۸۹۶ جان در حال حاضر نگران چیزهای زیادی است، در درجه اول

سلامت پسرش.

(۱) در درجه اول، عمدتاً، اساساً (۲) از نظر احساسی، از لحاظ عاطفی

(۳) قبلاً، سابقاً، پیش از این (۴) خوشبختانه، از حسن اتفاق

۱۸۹۷ سوزی می‌گوید که برادرش عروسک او را از قصد شکست، ولی من

واقعاً فکر می‌کنم [که] این یک اتفاق بود.

(۱) واقعیت، حقیقت (۲) هدف، مقصود، منظور

(۳) کارکرد؛ عملکرد (۴) شیء، چیز؛ هدف، منظور

از قصد، عمدتاً: on purpose

۱۸۹۸ اکثر کتاب‌های درسی زبان خارجی یا در هر بخش [و] یا در انتهای

کتاب جدول‌های گرامری دارند.

(۱) بخش، قسمت؛ جزء (۲) [در جمع] محتوا، مضمون؛ مطالب

(۳) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح (۴) عنصر

۱۸۹۹ کسی که در حال سفر کردن در یک وسیله نقلیه، هواپیما، قایق و غیره

است ولی آن [وسیله نقلیه] را نمی‌راند یا بر روی آن کار نمی‌کند، مسافر نام دارد.

(۱) مسافر (= کسی که سوار وسیله نقلیه است)

(۲) مسافر (= کسی که در سفر است)

(۳) گردشگر، توریست

(۴) لاشخور، مردارخوار؛ [شخص] زباله‌گرد

۱۹۰۰ جهت بررسی کردن محصولات ما به صورت آنلاین، شما فقط به یک

مرورگر و دسترسی اینترنت نیاز دارید.

(۱) [کامپیوتر و غیره] تبدیل، اتصال، رابط

(۲) [رادیو، تلویزیون] فرستنده، دستگاه فرستنده

(۳) مرورگر

(۴) [برق، کامپیوتر] مبدل، تبدیل‌گر

۱۹۰۱ ورزش و کاهش وزن می‌توانند در پایین آوردن فشار خون شما سودمند

باشند و به شما کمک کنند [که] احساس پرنرژی‌تر بودن داشته باشید.

(۱) قدم، گام؛ سرعت، شتاب

(۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب

(۳) صدمه؛ از دست دادن؛ [شخص] مرگ؛ [وزن] کاهش

(۴) کار، تکلیف، وظیفه

۱۹۰۲ بعضی شرکت‌های [تولیدکننده] تنباکو هم چنان ادعا می‌کنند که هیچ

مدرک محکمی وجود ندارد که سیگار کشیدن را به سرطان ریه ارتباط دهد.

(۱) ادعا کردن (که)، مدعی ... شدن

(۲) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۳) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)؛ توقع داشتن

(۴) تشخیص دادن، فهمیدن

۱۹۰۳ ما تقریباً از کنفرانس به خانه رسیده بودیم وقتی‌که در تصادفی

گرفتار شدیم که باعث شد تا خانه پیاده برویم.

(۱) تقریباً، حدوداً

(۲) به طرز وحشتناکی، شدیداً، بدجوری

(۳) شاید، احتمالاً، به احتمال زیاد

(۴) با نگرانی، با اضطراب؛ هیجان‌زده؛ با اشتیاق

۱۹۱۳ تلاش‌های مستمر بیل گیتس برای نوآوری و تغییر، به حفظ مایکروسافت در صدر جهان کامپیوتر کمک کرده است.

- (۱) پایان، انتها؛ هدف (۲) راهنما؛ کتاب راهنما
(۳) قله؛ بالا، صدر (۴) میزبان

۱۹۱۴ ما باید به جای تأکید کردن بر تفاوت‌هایمان، بر روی آن چه مشترک داریم (میانمان مشترک است) تمرکز کنیم.

- (۱) مسیر، جهت؛ دستورالعمل؛ هدایت (۲) بینایی؛ بینش؛ تصور
(۳) مشترک؛ عمومی، همگانی (۴) تکلم، قوه ناطقه؛ گفتار؛ سخنرانی

چیز مشترکی داشتن؛ در چیزی مشترک بودن: have sth in common
۱۹۱۵ خون‌ریزی از زخم‌های جزئی معمولاً خودش متوقف می‌شود یا بعد از آن که کمی فشار مستقیم اعمال کنید [متوقف می‌شود].

- (۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه
(۲) [حروف چایی] بولد؛ پررنگ؛ جسور؛ [عمل] جسورانه
(۳) سنگین؛ سخت
(۴) مرئی، قابل دیدن
۱۹۱۶ بسیاری از بزرگسالان به نظر می‌رسد که در مورد بعضی از ابتدایی‌ترین دانش‌ها کم می‌دانند.

- (۱) احساسی؛ عاطفی؛ احساساتی (۲) مقدماتی، ابتدایی؛ پایه
(۳) داوطلبانه (۴) جانشین، جایگزین

۱۹۱۷ این ایده خوبی است که زیر هر نکته تعدادی مثال بنویسید چرا که این به فهمیدن و [به] حافظه کمک می‌کند.

- (۱) صاف کردن؛ صاف شدن؛ خراب کردن
(۲) کمک کردن (به)، مساعدت کردن (به)
(۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن
(۴) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعیه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

۱۹۱۸ پیرزن به پسر جوان برای کوتاه کردن چمن‌هایش مقداری پول پیشنهاد داد ولی او رد کرد [و] گفت که نیازی نیست به او [پولی] پرداخت شود.

- (۱) اصرار کردن، پافشاری کردن
(۲) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)؛ توقع داشتن
(۳) پیشنهاد کردن؛ تعارف کردن؛ ارائه دادن
(۴) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

۱۹۱۹ اگر قبض را برای ماه‌های پیاپی پرداخت نکنی، تأمین‌کننده خدمات تلفن ممکن است تلفنت را قطع کند.

- (۱) [برق، تلویزیون و غیره] قطع کردن؛ جدا کردن؛ [آب، گاز] بستن
(۲) دوباره نصب کردن
(۳) فرستادن، ارسال کردن؛ انتقال دادن
(۴) فریاد کشیدن، داد زدن

۱۹۲۰ بسیاری از کشاورزان توتون در این کشور می‌خواهند محصولات دیگری تولید کنند چون سیگار دارد به سرعت محبوبیت [خود را] از دست می‌دهد.

- (۱) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو
(۲) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح
(۳) اندام، عضو
(۴) [میوه، غله و غیره] محصول، برداشت، کشت

۱۹۰۴ حالا که یک اتصال اینترنت پرسرعت داریم، می‌توانم فایل‌های تصاویر، آهنگ‌ها و ویدیوها را در چند ثانیه بارگذاری کنم.

- (۱) پایگاه داده‌ها، بانک اطلاعاتی
(۲) مرورگر
(۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی
(۴) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

۱۹۰۵ دکتر توانست آن بیماری را درمان کند هرچند او نتوانست انگشت روی علت دقیق آن بگذارد (علت دقیق آن را پیدا کند).

- (۱) عمیق، گود
(۲) دقیق؛ درست، صحیح
(۳) کوچک، کم، جزئی (۴) فعال، پر جنب‌وجوش

۱۹۰۶ راننده فوراً به بیمارستان برده شد چرا که او در تصادف بدجور صدمه دیده بود.

- (۱) خردمندانه، عاقلانه
(۲) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً
(۳) به شدت؛ به سختی؛ خیلی
(۴) کاملاً، کلاً، یکسره
۱۹۰۷ وقتی قایم‌موشک بازی می‌کردیم، پسر را در جای پنهان شدن همیشه‌اش پشت کاناپه پیدا کردم.

- (۱) آن سوی، فراسوی، ورای (۲) در آن سوی، در طرف دیگر
(۳) از میان، از وسط (۴) پشت، عقب

قایم‌موشک: hide-and-seek
۱۹۰۸ او هر رژیم غذایی جدیدی را که پیدا می‌شود، امتحان می‌کند ولی در این‌که واقعاً وزن کم کند و کم نگهش دارد، ناموفق بوده است.

- (۱) ناموفق، بی‌نتیجه
(۲) ثابت، تغییرناپذیر
(۳) غیرقابل پیش‌بینی، غیر منتظره (۴) بی‌قیدوشرط، نامشروط
۱۹۰۹ مشکلات در شرکت با عرضه سیستم جدید کامپیوتری ایجاد شده‌اند.

- (۱) توصیه، سفارش؛ توصیه‌نامه، معرفی‌نامه
(۲) انتظار؛ امید؛ توقع
(۳) [پیام و غیره] انتقال؛ ارتباط؛ تماس
(۴) عرضه؛ ترویج؛ معرفی؛ مقدمه

۱۹۱۰ با کمک فناوری، اسکی کردن دیگر عمدتاً یک بازی زمستانی نیست.

- (۱) لحظه‌ای، برای چند لحظه
(۲) مستقیماً، به صورت مستقیم، یگراست؛ فوری؛ دقیقاً
(۳) در درجه اول، عمدتاً، اساساً
(۴) به شدت؛ به سختی؛ خیلی

۱۹۱۱ بچه‌ها همگی پس از شنا کردن در آب آلوده دریاچه در چشمانشان عفونت گرفتند (چشمانشان عفونت کرد).

- (۱) بینایی؛ بینش؛ تصور
(۲) عفونت؛ بیماری عفونی
(۳) بینایی؛ میدان دید؛ چشم‌انداز
(۴) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

۱۹۱۲ تو اگر می‌خواهی به سطح بعدی برنامه‌مان راه پیدا کنی باید سخت کار کنی و تمام تکالیف را انجام دهی.

- (۱) شیء، چیز؛ هدف، منظور
(۲) محتوا، مضمون؛ مطالب
(۳) سطح؛ پایه (۴) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح

- ۴۱۹۲۱ [آموزشی] کوتاهی برداشت که بعضی توصیه‌های خوب را در مورد این که چگونه جهت بورسیه‌ای برای کالج‌های مختلف تقاضا دهد ارائه می‌داد.
- (۱) [آموزشی] نیم‌سال؛ اصطلاح؛ [در جمع] شروط (قرارداد)؛ دوره، مدت
- (۲) طرز، شیوه، مدل
- (۳) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه
- (۴) نکته؛ توصیه، راهنمایی
- ۳۱۹۲۲ ترتیب کلی بخش‌های مختلف چیزی که ساخته می‌شود، مانند یک ساختمان، کتاب، دستگاه و غیره طرح نام دارد.
- (۱) پایه، اساس
- (۲) پروژه، طرح
- (۳) طرح، نقشه؛ طراحی
- (۴) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر
- ۱۱۹۲۳ دانشمندان ناسا می‌گویند [که] به طور معمول، فضاوردان در فضا در طول زمانی که به زندگی در ریزگرانش می‌گذرانند تا ۳ درصد قه‌بلندتر می‌شوند.
- (۱) فضاورد
- (۲) مرورگر
- (۳) مدیر، سرپرست؛ کارگردان
- (۴) [برق، کامپیوتر] مبدل، تبدیل‌گر
- ۳۱۹۲۴ به نظرم دستورالعمل‌های نرم‌افزار واقعاً گیج‌کننده می‌آمد، بنابراین هنوز نتوانسته‌ام با آن هیچ کاری انجام دهم.
- (۱) افسرده کننده، ناراحت کننده
- (۲) بهت‌آور، شوکه کننده
- (۳) گیج کننده، سردرگم کننده
- (۴) کسالت‌بار، خسته کننده
- ۲۱۹۲۵ رژیم‌های غذایی کاهش وزن که بر روی گروه‌های غذایی به خصوصی تمرکز و بقیه را حذف می‌کنند ممکن است در بلندمدت ناسالم باشند.
- (۱) رقم؛ نمودار، شکل
- (۲) صدمه؛ از دست دادن؛ [شخص] مرگ؛ [وزن] کاهش
- (۳) شکل، صورت
- (۴) سرنخ، اثر، نشانه
- کاهش وزن: weight loss
- ۴۱۹۲۶ مرگ ناگهانی [و] غیرمنتظره یک نوزاد یا کودک یکی از بدترین اتفاقاتی است که برای هر خانواده‌ای [ممکن است] اتفاق بیفتد.
- (۱) در معرض خطر
- (۲) مرتب، منظم
- (۳) بزرگ‌نمایی شده، اغراق شده
- (۴) غیرقابل پیش‌بینی، غیر منتظره
- ۱۱۹۲۷ او به سرویس پشتیبانی کامپیوتر تلفن کرد و فردی [که] آن جا [بود] توانست او را تا انتهای فرایند متصل کردن پرینتر راهنمایی کند.
- (۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن، ارشاد کردن
- (۲) تبدیل کردن، تغییر دادن
- (۳) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن
- (۴) به یاد آوردن؛ فرا خواندن
- ۴۱۹۲۸ روش‌های متفاوت بسیاری وجود دارد که فرد می‌تواند برای تمرین ریلکسیشن از آن‌ها استفاده کند، مانند درون‌پویی (مدیتیشن) یا یوگا.
- (۱) کارکرد؛ عملکرد
- (۲) ساختار، ساختمان؛ ترکیب
- (۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی
- (۴) شیوه، روش، تکنیک، فن
- ۳۱۹۲۹ ابتدا من هارد درایو (درایو سخت) شما را فرمت می‌کنم تا تمام اطلاعات را پاک کنم و بعد ویندوز را بر روی کامپیوترتان بارگذاری می‌کنم.
- (۱) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن
- (۲) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن
- (۳) [کامپیوتر و غیره] فرمت کردن
- (۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن
- ۴۱۹۳۰ ما انسان‌ها رَدّ خود را در سراسر این سیاره باقی گذاشته‌ایم؛ [حتی] یک بوم‌سازگان (اکوسیستم) تک هم کاملاً دست‌نخورده باقی مانده است.
- (۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه
- (۲) وسطی، میانی
- (۳) داخلی، درونی
- (۴) تک؛ تنها؛ بی‌همتا؛ مجرد
- ۲۱۹۳۱ اگر تمام مدت درس بخوانی و به طور مناسب [غذا] نخوری، نمره‌هایت صرفاً به خاطر خستگی آسیب خواهد دید (کم خواهد شد).
- (۱) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن
- (۲) درد کشیدن، رنج کشیدن؛ آسیب دیدن، صدمه دیدن
- (۳) تأثیر کردن بر/ در؛ تحت تأثیر قرار دادن
- (۴) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن
- ۳۱۹۳۲ او بازیگری است که زندگی درونی‌اش رازآلود باقی مانده؛ علی‌رغم مصاحبه‌های فراوانی که انجام داده است.
- (۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه
- (۲) مرئی، قابل دیدن
- (۳) داخلی، درونی
- (۴) دقیق؛ درست، صحیح
- ۱۱۹۳۳ آزمایش‌ها نشان داده‌اند که حتی گیاهان و جانوران میکروسکوپی اقیانوس - پایه زنجیره غذایی - از گرمایش جهانی تأثیر خواهند گرفت.
- (۱) اقیانوس
- (۲) هرم
- (۳) سطح؛ پایه
- (۴) گنج؛ گنجینه
- ۲۱۹۳۴ کشفیات تازه توسط دانشمندان در انگلیس حاکی از آن است که بعضی دایناسورهای بزرگ قادر بودند تا با سرعت‌هایی در حدود ۱۸ مایل بر ساعت بدوند.
- (۱) فعال، پر جنب‌وجوش
- (۲) قادر، توانا
- (۳) مشترک؛ عمومی، همگانی
- (۴) مساوی، برابر؛ هم‌تراز
- ۲۱۹۳۵ چلچراغ کریستالی زیبایی در لابی هتل وجود داشت، ولی طی زلزله روی زمین افتاد و نابود شد.
- (۱) پایه، اساس
- (۲) کف، زمین؛ طبقه
- (۳) [کره] زمین
- (۴) سطح؛ پایه
- ۱۱۹۳۶ آب‌وهوا در نواحی کوهستانی از هر منطقه دیگری ناپایدارتر است، بنابراین بهتر است به خوبی آماده باشید.
- (۱) تغییرپذیر، ناپایدار؛ [شخص، شخصیت] بی‌ثبات
- (۲) سیستماتیک، منظم، روشمند
- (۳) قابل پیش‌بینی؛ قابل پیشگویی
- (۴) مرتب، منظم
- ۳۱۹۳۷ حجم ترافیک در این ناحیه تا جایی افزایش یافته که مقامات رسمی در حال بررسی بزرگ کردن پل هستند.
- (۱) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو
- (۲) عمق، ژرفا
- (۳) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد
- (۴) شکل، صورت

۱۹۴۵ آن‌ها اتاقک کوچک قشنگی دارند که توسط درختان احاطه شده است و در کنار دریاچه زیبای کوچکی برای شنا کردن قرار دارد.

(۱) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن
(۲) وصل کردن، متصل کردن

(۳) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۴) محاصره کردن؛ احاطه کردن، در خود محصور کردن

۱۹۴۶ جراحات‌های او نسبتاً جزئی بودند، بنابراین در عرض یکی دو ساعت [پس] از پذیرش شدن، از بیمارستان مرخص شد.

(۱) داخلی، درونی (۲) مرئی، قابل دیدن

(۳) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه (۴) کوچک، کم، جزئی

۱۹۴۷ در ایالات متحده قانون فدرال بیان می‌کند که برنامه‌های تلویزیونی کودکان می‌توانند تنها حاوی ۱۰ دقیقه تبلیغات در هر ساعت باشند.

(۱) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

(۲) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۳) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

(۴) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

۱۹۴۸ او سورپرایز دلچسبی را چشید وقتی که بعد از ۳ ماه رژیم غذایی گرفتن و ورزش، پا روی ترازو گذاشت - او ۱۰ پوند (حدود ۴/۵۳ کیلوگرم) وزن کم کرده بود.

(۱) شکل، صورت (۲) آهن‌ربا، مغناطیس

(۳) رقم؛ نمودار، شکل (۴) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

۱۹۴۹ این کلاس واقعاً برای مبتدیانی است که در تنیس بازی کردن تجربه اندک داشته‌اند یا هیچ تجربه‌ای [نداشته‌اند]، بنابراین شما باید برای کلاس متوسط ما ثبت نام کنید.

(۱) [دانش آموز، ورزشکار و غیره] متوسط؛ بینابینی، میانی

(۲) قابل درک، قابل فهم، فهمیدنی

(۳) غیر سیستماتیک، غیر نظام‌مند، نامنظم

(۴) تجربی، آزمایشگاهی، آزمایشی

۱۹۵۰ این برنامه تعداد زیادی مشکل دارد که باید قبل از آن‌که کار بر روی پروژه آغاز شود، به آن‌ها رسیدگی شود.

(۱) شکل، صورت (۲) میزبان

(۳) رقم؛ نمودار، شکل (۴) انبوه، توده؛ خلق، مردم

تعداد زیادی: a host of

۱۹۵۱ عمده آب شیرین جهان در برف، یخ در قطب‌ها و بر روی قله‌های بلندترین کوه‌ها یافت می‌شود.

(۱) مرئی، قابل دیدن (۲) داخلی، درونی

(۳) تازه، نو؛ [آب] شیرین (۴) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه

آب شیرین: fresh water

۱۹۵۲ هیچ چیز تکی‌ای نبود که بحث [و جدل] را آغاز کرد؛ بیشتر مجموعه‌ای از اختلاف‌ها طی چند روز گذشته بود.

(۱) انتظار؛ امید؛ توقع (۲) تصور، تخیل

(۳) گذار، عبور؛ مرحله انتقال (۴) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه

۱۹۳۸ دلایل بسیاری وجود دارد تا تصور کنیم که شکسپیر با داستان‌های ایتالیای قرون وسطی آشنا بوده است.

(۱) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

(۲) پیشنهاد کردن، مناسب دانستن؛ توصیه کردن

(۳) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

(۴) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

۱۹۳۹ آن دو کتاب به‌ویژه برای ویراستاران، روزنامه‌نگاران و دیگر استفاده‌کنندگان حرفه‌ای زبان ارزشمند خواهد بود.

(۱) میزبان (۲) آفریننده؛ پدیدآورنده، مبدع

(۳) استفاده‌کننده، مصرف‌کننده؛ کاربر (۴) راهنما، کتاب راهنما

۱۹۴۰ برای بتی خیلی سخت بود که برای کلاس پسرش کلوچه‌های [با] قطعات شکلات درست کند در حالی که تلاش می‌کرد به رژیم غذایی خودش عمل کند.

(۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۲) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

(۳) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

(۴) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

عمل کردن به؛ ادامه دادن: stick to

۱۹۴۱ بازدهی سوختی وسایل نقلیه جدید در دو دهه آینده ممکن است ۵۰ درصد بهبود یابد و بنابراین مصرف سوخت وسیله نقلیه را نصف کند.

(۱) عمق، ژرفا (۲) عرض، پهنا

(۳) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه (۴) نصف، نیم

۱۹۴۲ هزاران نفر هر روز در میان آشغال‌دونی‌های [شهر] مانیل زباله‌ها را زیرورو می‌کنند تا زنده بمانند.

(۱) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن

(۲) [پرنده، حیوان] به دنبال مردار گشتن؛ [شخص] زباله‌ها را زیرورو کردن

(۳) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۴) بازتولید کردن، تولید مثل کردن

۱۹۴۳ زندگی‌نامه شاهزاده جوانی که زندگی‌اش را در تصادف رانندگی از دست داد بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نسخه در اولین هفته چاپش فروخته است.

(۱) زندگی‌نامه، سرگذشت

(۲) واقعیت، حقیقت

(۳) شخصیت؛ خصوصیت برجسته؛ شخص مهم

(۴) گنج؛ گنجینه

۱۹۴۴ آن‌ها مدخل‌های بسیاری را در آخرین ویراست دانش‌نامه به‌روزرسانی کرده‌اند. این [ویراست] هم‌چنین شامل موضوعات جدید فراوانی با جزئیات می‌شود.

(۱) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح

(۲) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۳) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۴) سرچشمه؛ منبع، منشاء

۱۹۵۳ نویسنده، پیش از نوشتن کتاب راهنمای سفر خود سال‌ها وقت صرف گرد آوردن اطلاعات در مورد مراکز توریستی مختلف در اروپا کرد.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۲) معرفی کردن؛ ارائه کردن، عرضه کردن

(۳) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

۱۹۵۴ آن چه ما به عنوان صدا تجربه می‌کنیم در واقع موجی مکانیکی است که توسط ارتعاش ذرات کوچک در هوا به عقب و جلو تولید می‌شود.

(۱) مسیر، جهت؛ دستورالعمل؛ هدایت (۲) لرزش؛ [در فیزیک] نوسان، ارتعاش

(۳) اتصال؛ پیوند؛ رابطه (۴) تولید؛ نسل

۱۹۵۵ برای دریافت مراقبت [پزشکی]، هر بیمار باید یک کارت بیمه سلامت به بیمارستان یا پزشک ارائه کند.

(۱) [کتاب و غیره] منتشر کردن، انتشار دادن؛ [فرمان، گذرنامه و غیره] صادر کردن

(۲) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)؛ توقع داشتن

(۳) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

(۴) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

۱۹۵۶ اگر شما مخلوطی از نمک و ذرات ریز آهن داشته باشید، می‌توانید از یک آهن‌ریا برای جدا کردن آهن از آن مخلوط استفاده کنید.

(۱) راهنما؛ کتاب راهنما (۲) کارکرد؛ عملکرد

(۳) شکل، صورت (۴) آهن‌ریا، مغناطیس

۱۹۵۷ این‌جا در پاریس، درست هم‌چون هر جا [دیگری] این روزها، این امکان هست که تقریباً بابت هر چیزی با یک کارت اعتباری یا یک [گوشی] تلفن پرداخت شود.

(۱) مثلی هم، به صورتی مشابه (۲) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی

(۳) با ملایمت، به نرمی؛ به آرامی (۴) تقریباً، حدوداً

۱۹۵۸ جلبک دریایی اصطلاحی عمومی برای بیش از ۲۰,۰۰۰ گونه از گیاهان دریایی است که در اقیانوس‌ها و دریاها جهان زندگی می‌کنند.

(۱) [آموزشی] نیم‌سال؛ اصطلاح؛ [در جمع] شروط (قرارداد)؛ دوره، مدت

(۲) موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۳) واقعیت، حقیقت

(۴) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه

۱۹۵۹ کمبود بارندگی مطمئن، آب را به یک منبع طبیعی به شدت مهم در سراسر لیبی تبدیل کرده است.

(۱) شیوه، روش، تکنیک، فن (۲) انتظار، چشم‌داشت، توقع؛ امید

(۳) انتخاب، گزینش؛ گزیده، منتخب (۴) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

۱۹۶۰ از پنج مرحله و جدول زیر استفاده کنید تا تخمینی منطقی را از هزینه بازسازی کردن خانه‌تان حساب کنید.

(۱) (به کار خود) ادامه دادن؛ (به راه خود) ادامه دادن (درست)

(۲) وابسته بودن به، متکی بودن به

(۳) دنبال ... گشتن، پی ... گشتن

(۴) (درست) از کار در آمدن؛ جواب دادن؛ حساب کردن؛ حل کردن، جواب ... را پیدا کردن

۱۹۶۱ اخیراً سیستم بلیت خط هوایی آن قدر پیچیده شده که چیزهای زیادی در مورد آن وجود دارد [که] من نمی‌توانم سر در بیاورم.

(۱) پیچیده؛ دشوار، سخت

(۲) یاری‌بخش؛ دلسوز، مهربان؛ پشتیبان

(۳) نامرئی، غیرقابل دیدن

(۴) مؤثر، کارآمد؛ اثربخش

۱۹۶۲ برخی دانشمندان معتقدند که ما تا وقتی که فناوری مناسب [برای] ذخیره انرژی توسعه بیابد نمی‌توانیم به طور مؤثری از منابع جدید انرژی استفاده کنیم.

(۱) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۲) خوشبختانه، از حسن اتفاق

(۳) به طور مشروط (۴) معجزه‌وار؛ به طرز شگفت‌انگیز

۱۹۶۳ در [سال] ۱۲۱۵، شاه جان انگلیس مجبور شد منشور کبیر را امضا کند که به مردم حقوق پایه به خصوصی را اعطا می‌کرد.

(۱) بنیایی؛ بنیش؛ تصور

(۲) راست، سمت راست؛ حق

(۳) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۴) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

۱۹۶۴ ممکن نیست که اثر گلخانه‌ای را به صورت مستقیم مشاهده کرد، ولی تأثیرات آن را می‌توان در افزایش درجه حرارت‌های جهانی دید.

(۱) عمیقاً، به شدت، به طور گسترده‌ای

(۲) به شدت؛ به سختی؛ خیلی

(۳) در اصل، از آغاز، از ابتدا

(۴) مستقیماً، به صورت مستقیم، یکرست؛ فوری؛ دقیقاً

۱۹۶۵ من در پیشنهاد کردن او برای آن شغل تردید دارم چراکه اگرچه او تحصیلات خوبی دارد، ولی تجربه کاری بسیار اندکی دارد.

(۱) با وجود این، با این حال (۲) مگر این‌که، جز این‌که

(۳) هرچند، اگرچه (۴) وقتی‌که

۱۹۶۶ این دیشکتری آنلاین یک نقطه رجوع سریع ارائه می‌دهد [که] در آن‌جا شما می‌توانید تعاریف لغاتی را که ممکن است برای شما ناآشنا باشند پیدا کنید.

(۱) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن

(۲) [هتل] اتاق گرفتن؛ [در فرودگاه و غیره] (چمدان، بار) تحویل دادن

(۳) ادامه دادن، دنبال کردن

(۴) متکی بودن به؛ روی ... حساب کردن

۱۹۶۷ سفر کردن به کشورهای دیگر راه خوبی برای گسترش دادن دانش شما درباره فرهنگ‌های دیگر و شیوه‌های اندیشیدن [شما] است.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۲) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعیه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

(۳) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

(۴) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

۱۹۷۶ بیمارستان‌ها و هواپیماها استفاده از تلفن همراه را ممنوع می‌کنند، چون تبادلات الکترومغناطیسی آن‌ها ممکن است با [عملکرد] دستگاه‌های الکتریکی حساس تداخل پیدا کند.

(۱) در کامپیوتر، تلفن همراه و ... برنامه

(۲) راهنما؛ کتاب راهنما

(۳) [زندان] سلول؛ [زیست‌شناسی] یاخته، سلول

(۴) دفتر؛ اداره

تلفن همراه، موبایل: cell phone

۱۹۷۷ یک موضوع مهم که امروزه در جهان ورزش مورد بحث است، شرکت ورزشکاران حرفه‌ای در بازی‌های المپیک است.

(۱) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۲) عنصر

(۳) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۴) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح

۱۹۷۸ بعضی از پربازده‌ترین یخچال‌ها ۷۰ درصد برق کم‌تر از مدل‌های قدیمی مصرف می‌کنند.

(۱) تولید؛ نسل

(۲) برق، الکتریسیته

(۳) تبدیل، تغییر

(۴) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

۱۹۷۹ هلند به مدت صدها سال از سیستم کانال‌هایش در سرتاسر کشور برای جابه‌جا کردن کالاها و مسافران استفاده کرده است.

(۱) کارمند، حقوق‌بگیر

(۲) آگهی تجاری، آگهی تبلیغاتی

(۳) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه

(۴) مسافر (= کسی که سوار وسیله نقلیه است)

۱۹۸۰ علاوه بر انرژی هسته‌ای، ما متعهد به توسعه دادن فناوری‌های پیشرفته برای انرژی بادی و خورشیدی هستیم.

(۱) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار

(۲) خیالی؛ غیرواقعی

(۳) غیر سیستماتیک، غیر نظام‌مند، نامنظم

(۴) پیشرفته؛ [افکار، کتاب] تازه، نو، متریقی

۱۹۸۱ سطح رود سرخ طی چند روز گذشته به سرعت بالا آمده و هم‌اکنون در حال به خطر انداختن بعضی از زمین‌های کشاورزی در طول سواحل است.

(۱) ترکیب کردن؛ آمیختن؛ یکی کردن

(۲) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ شکل دادن

(۳) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن

(۴) پیچیده کردن، دشوار کردن

۱۹۸۲ بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در سرتاسر آسیا در حال حاضر در خطر سطوح ناایمن آرسنیک در منابع آب‌شان هستند.

(۱) همه‌جا، در سرتاسر

(۲) بین، در میان (معمولاً بین ۲ مورد)

(۳) بین، در میان (معمولاً بین بیشتر از ۲ مورد)

(۴) علاوه بر، به علاوه

۱۹۶۸ هرچند نوع بشر از موهبت‌های حس لامسه، بویایی، چشایی و

شنوایی برخوردار است، این بینایی ماست که به تخیل [ما] شکل می‌دهد.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۲) تکلم، قوه ناطقه؛ گفتار؛ سخنرانی

(۳) واقعیت، حقیقت

(۴) رقم؛ نمودار، شکل

به چیزی شکل دادن، به چیزی فرم دادن: give shape to something

۱۹۶۹ هلند پایین‌ترین کشور [نسبت به سطح دریا] در جهان است و تخمین زده می‌شود که ۴۰ درصد از آن سرزمین پایین‌تر از سطح دریاست.

(۱) سطح؛ پایه

(۲) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۳) منشاء؛ اصل، ریشه

(۴) جزر و مد؛ موج

سطح دریا: sea level

۱۹۷۰ توانایی نگارش بعضی از دانش‌آموزان به قدری ضعیف بود که انشاهای آن‌ها تقریباً غیرقابل فهم بود.

(۱) [شخص، کشور، نوشته] یک‌زبانه، تک‌زبانه

(۲) غیر سیستماتیک، غیر نظام‌مند، نامنظم

(۳) غیرقابل فهم، غیرقابل درک، نامفهوم

(۴) غیرقابل پیش‌بینی، غیر منتظره

۱۹۷۱ من نتوانستم با رئیس‌جمهور تماس بگیرم، بنابراین با دستیار او صحبت کردم تا بتوانم قرار ملاقاتی ترتیب دهم.

(۱) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۲) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)، توقع داشتن

(۳) حدس زدن (که)، فکر کردن (که)

(۴) شکل دادن؛ در شکل‌گیری ... مؤثر بودن

۱۹۷۲ از آن‌جا که آن کشور از اقیانوس و دریا دور است، هیچ توده آبی نزدیکی وجود ندارد که آب‌وهوای آن را تعدیل کند.

(۱) شکل، صورت

(۲) سطح؛ پایه

(۳) بخش، قسمت؛ جزء

(۴) بدن؛ جسد؛ توده

۱۹۷۳ در پی آتشی که سرتاسر یک ساختمان آپارتمانی را ویران کرد، بیش از چهل نفر خانه‌هایشان را از دست داده‌اند.

(۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه

(۲) عمومی، کلی، همگانی

(۳) همه، تمام، کل، سرتاسر

(۴) اولیه، اصلی؛ مقدماتی

۱۹۷۴ حالا که دخترمان بزرگ شده و از خانه رفته است، داریم برای تبدیل کردن اتاقش به دفتر کار برنامه می‌ریزیم.

(۱) گشت زدن، نگاه کردن؛ [در اینترنت] مرور کردن

(۲) تبدیل کردن، تغییر دادن

(۳) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن

۱۹۷۵ مردم دارند طولانی‌تر از هر زمانی در گذشته زندگی می‌کنند. بر اساس یک گزارش سازمان بهداشت جهانی [در سال] ۲۰۱۵، ژاپنی‌ها با امید به زندگی متوسط ۸۴ [سال]، طولانی‌تر [از همه] زندگی می‌کنند.

(۱) بازتولید؛ تولید مثل

(۲) تنظیم، ترتیب؛ توافق؛ آرایش

(۳) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه

(۴) انتظار، چشم‌داشت، توقع؛ امید

امید به زندگی: life expectancy

۱۹۸۳ بیل گیتس یک بار گفت که نتیجه اجتناب‌ناپذیر سیستم‌های

کامپیوتری بهتر، استفاده‌ای هوشمندانه‌تر از زمان انسان‌هاست.

(۱) باهوش‌تر؛ هوشمندانه‌تر (۲) داخلی، درونی

(۳) خارجی، بیرونی (۴) عمیق‌تر، گودتر

۱۹۸۴ پلیس برای چندین ساعت بی‌نتیجه تلاش کرد که با آن مرد ارتباط

برقرار کند و سپس در حدود نیمه‌شب وارد خانه شد.

(۱) در اصل، از آغاز، از ابتدا (۲) به طور ناموفق، بی‌نتیجه

(۳) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً (۴) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی

۱۹۸۵ کودکانی که بیش از یک زبان را می‌آموزند می‌توانند مهارت‌های

تفکری را پرورش دهند که ممکن است بهتر از آن [مهارت‌ها در] کودکان

تک‌زبانه از همان سن باشد.

(۱) ناماهر، بدون مهارت

(۲) [شخص، کشور، نوشته] یک‌زبانه، تک‌زبانه

(۳) آموزش‌ندیده؛ تحصیل‌نکرده؛ تربیت‌نشده

(۴) مقدماتی، ابتدایی؛ پایه

۱۹۸۶ دانشمندان شواهدی تازه یافته‌اند حاکی از آن‌که انفجاری عظیم به

مرگ (انقراض) دایناسورها انجامید.

(۱) غول‌پیکر، خیلی بزرگ، عظیم

(۲) نرم، ملایم

(۳) پهن؛ وسیع؛ متنوع

(۴) [حروف چاپی] بولد، پررنگ؛ جسور؛ [عمل] جسورانه

۱۹۸۷ پلیس در حال هشدار دادن به مردم است تا مراقب یک زندانی فراری

باشند که گفته می‌شود مسلح و خطرناک است.

(۱) ذهنی؛ روانی

(۲) مسلح

(۳) [حروف چاپی] بولد، پررنگ؛ جسور؛ [عمل] جسورانه

(۴) تک؛ تنها؛ بی‌همتا؛ مجرد

مراقب بودن، مواظب بودن: **be on the lookout (for)**

۱۹۸۸ الیزابت آخرین باری که دیدمش نسبتاً شاد به نظر می‌رسید، بنابراین

ظاهراً او مرگ پدر بزرگش را فراموش کرده است.

(۱) مسئله، موضوع؛ کتاب، مجله و غیره؛ انتشار، نشر

(۲) صدمه؛ از دست دادن؛ [شخص] مرگ؛ [وزن] کاهش

(۳) رقم؛ نمودار، شکل

(۴) درد، رنج، عذاب

۱- فراموش کردن ۲- غلبه کردن بر، از سر گذراندن: **get over (sb/sth)**

۱۹۸۹ دو تا از افراد در تصادف ماشین به شدت صدمه دیدند، ولی سومین

مسافر کاملاً بدون مصدومیت بود.

(۱) مدیر، سرپرست؛ کارگردان

(۲) [راديو، تلویزیون] فرستنده، دستگاه فرستنده

(۳) مسافر (= کسی که سوار وسیله نقلیه است)

(۴) لاشخور، مردارخوار؛ [شخص] زباله‌گرد

۱۹۹۰ آن پسرهای جوان پس از گم شدن در هنگام طبیعت‌گردی توانستند، با

استفاده از ستارگان به عنوان راهنمایشان راهشان را به محل اردویشان پیدا کنند.

(۱) واقعیت، حقیقت (۲) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

(۳) راهنما؛ کتاب راهنما (۴) منشاء؛ اصل، ریشه

۱۹۹۱ من مطمئنم [که] این اتفاقی است که برای زمان نسبتاً طولانی در

ذهن تو می‌ماند.

(۱) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعیه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

(۲) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۳) ناراحت کردن؛ زحمت دادن؛ زحمت کشیدن

(۴) درد کشیدن، رنج کشیدن؛ آسیب دیدن، صدمه دیدن

در ذهن کسی ماندن، در ذهن کسی تثبیت شدن: **stick in one's**

mind

۱۹۹۲ طرفداران محیط‌زیست نگران هستند که استفاده تجاری از منابع

جنگل به تخریب کامل آن خواهد انجامید.

(۱) مؤثر، کارآمد؛ اثربخش (۲) تجاری؛ بازرگانی

(۳) جسمانی، بدنی (۴) نامرئی، غیرقابل دیدن

۱۹۹۳ به من کاری در یک شرکت در شیکاگو پیشنهاد شد ولی آن را

نپذیرفتم چون آن‌ها از من می‌خواستند که تمهیدی بدهم تا «داخل ۲ سال در

آن‌جا خواهم ماند، ولی نمی‌توانستم تضمین بدهم که آن‌قدر خواهم ماند.

(۱) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

(۲) ادعا کردن (که)، مدعی ... شدن

(۳) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۴) پیشنهاد کردن؛ تعارف کردن؛ ارائه دادن

۱۹۹۴ آنتی‌بیوتیک‌ها در حیوانات مزرعه با شدت بیشتری نسبت به

انسان‌ها به کار می‌رود. این [پدیده] ممکن است بزرگ‌ترین منبع باکتری‌های

مقاوم در برابر آنتی‌بیوتیک باشد.

(۱) عمیقاً؛ به شدت، به طور گسترده‌ای (۲) به شدت؛ به سختی؛ خیلی

(۳) به تازگی، اخیراً (۴) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

چیزی را با شدت بیشتری به کار بردن: **use sth more heavily**

۱۹۹۵ تقریباً سه‌چهارم از سطح زمین پوشیده از آب است، ولی بیشتر آن

شورتر از آن است که نوشیده شود.

(۱) خوشمزه، خوش‌طعم؛ خواستنی (۲) تازه، نو؛ [آب] شیرین

(۳) داخلی، درونی (۴) شور، پرنمک

۱۹۹۶ شاخه محلی سازمان محیط‌زیستی صلح سبز در «ال اعتراض کردن

علیه آلودگی آب در منطقه ماست.

(۱) آلودگی (۲) گنج؛ گنجینه

(۳) انتظار؛ امید؛ توقع (۴) کرین؛ زغال

۱۹۹۷ مطالعات نشان می‌دهند که بیش از ۶۰ درصد از بزرگسالان به میزان

توصیه‌شده فعالیت جسمانی منظم دست نمی‌یابند.

(۱) فرستاده‌شده؛ انتقال‌یافته (۲) درک‌شده، فهمیده‌شده

(۳) بزرگ‌نمایی‌شده، اغراق‌شده (۴) توصیه‌شده؛ پیشنهادشده

۱۲۰۰۵ یک مرد سالم که اندام متناسبی دارد در حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد چربی بدن دارد، ولی یک زن سالم در حدود ۱۵ تا ۱۸ درصد [چربی بدن] دارد.

(۱) شکل، صورت (۲) هدف، مقصود، منظور

(۳) واقعیت، حقیقت (۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

◀ اندام متناسب داشتن، رو فرم بودن: to be in good shape

۴۲۰۰۶ مطالعات نشان داده‌اند که ترکیبات شیمیایی خاصی در پلاستیک‌ها

می‌توانند در واقع به تولید مثل سلولی در انسان‌ها صدمه بزنند.

(۱) [برق، تلفن و غیره] قطع؛ جدایی، قطع رابطه

(۲) انتظار؛ امید؛ توقع

(۳) عرضه؛ ترویج؛ معرفی؛ مقدمه

(۴) بازتولید؛ تولید مثل

۳۲۰۰۷ هر وقت که شما یک متن علمی یا تخصصی به انگلیسی می‌خوانید،

احتمالاً با لغات بسیاری مواجه می‌شوید که [معنایشان را] نمی‌دانید.

(۱) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی (۲) ملی، سراسری

(۳) فنی، تخصصی (۴) شخصی، خصوصی

۱۲۰۰۸ بعد از آن که شیرها یک شکم سیر خورده بودند، لاشخورهایی مانند

شغال و کفتار آمدند تا بقایای [ی شکار] را تمام کنند.

(۱) لاشخور، مردارخوار؛ [شخص] زباله‌گرد (۲) تنوع، گوناگونی

(۳) شکارچی (۴) یوزپلنگ، یوز

۲۲۰۰۹ تمام جوامع شناخته‌شده انسانی غذاهای پخته می‌خورند

و زیست‌شناسان به طور کلی توافق دارند که پختن ممکن است تأثیرات

عمده‌ای بر شیوه‌ای که بدن انسان تکامل یافته است، داشته باشد.

(۱) در اصل، از آغاز، از ابتدا (۲) به طور کلی؛ عموماً

(۳) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً (۴) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی

۱۲۰۱۰ یک مصدومیت سوختگی و درمان متعاقب آن در بین دردناک‌ترین

تجربیهایی هستند که یک فرد می‌تواند [با آن] مواجه شود.

(۱) دردناک؛ ناراحت‌کننده، غم‌انگیز (۲) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

(۳) طبیعی؛ ذاتی (۴) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه

۳۲۰۱۱ بهتر است که معنای واژگان جدید را با نگاه کردن به آن‌ها در متن

بفهمیم تا این‌که همیشه صرفاً آن را در دیکشنری پیدا کنیم.

(۱) [دستگاه] باز کردن، پیاده کردن

(۲) وابسته بودن به، متکی بودن به

(۳) سر درآوردن از، فهمیدن، موفق به فهمیدن ... شدن

(۴) [هتل] اتاق گرفتن؛ [در فرودگاه و غیره] [چمدان، بار] تحویل دادن

۳۲۰۱۲ هدف این دوره ارائه دادن مهارت‌های زبانی و ارتباطی‌ای به

دانش‌آموزان خارجی است [که] آن‌ها در زندگی‌های حرفه‌ای خود به آن نیاز

خواهند داشت.

(۱) یاری‌بخش؛ دلسوز، مهربان؛ پشتیبان

(۲) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار

(۳) [شخص] خوش حرف، پرحرف؛ [مشکلات و غیره] ارتباطی

(۴) [شخص، کشور، نوشته] یک‌زبانه، تک‌زبانه

۴۱۹۹۸ پلنگ‌ها ممکن است در سراسر آفریقا و در بخش‌هایی از آسیای

جنوب شرقی یافت شوند؛ هر جا که پوشش درختی کافی برای آن‌ها وجود

داشته باشد تا در [آن] پنهان شوند.

(۱) که آیا، آیا؛ [به همراه or] چه ... چه ... خواه ... خواه ...

(۲) هرچند، اگرچه

(۳) در حالی‌که، حال آن‌که

(۴) هر جا (که)، هر کجا (که)

۲۱۹۹۹ اگر جمعیت جهان به رشد کردن با نرخ‌های کنونی ادامه دهد، سیاره

ما در آینده نزدیک با بحرانی جدی مواجه خواهد شد.

(۱) پیشرفته؛ [افکار، کتاب] تازه، نو، مترقی

(۲) حاضر؛ موجود؛ کنونی، فعلی

(۳) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

(۴) مرئی، قابل دیدن

۳۲۰۰۰ پس از آن‌که یک کامیون دقیقاً بیرون از اسپرینگ‌فیلد با یک اتوبوس

گردشگری برخورد کرد، امروز بخشی از بزرگراه برای بیش از چهار ساعت بسته شد.

(۱) منشاء؛ اصل، ریشه (۲) کارکرد؛ عملکرد

(۳) بخش، قسمت؛ جزء (۴) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

۱۲۰۰۱ زن‌ها یک وسیله انتقال دادن خصوصیات از یک نسل به [نسل]

بعدی و در نتیجه ادامه یافتن گونه هستند.

(۱) فرستادن، ارسال کردن؛ انتقال دادن

(۲) باز یافتن؛ بهبود یافتن

(۳) ترکیب کردن؛ آمیختن؛ یکی کردن

(۴) [هوا، آب و غیره] آلوده کردن؛ [زخم] عفونی کردن؛ [شخص] مبتلا کردن

۴۲۰۰۲ دانشمندان می‌خواهند به جامعه کشاورزی اطلاعات بهتری بدهند در

مورد [این‌که] چه محصولاتی برای شرایط متغیر آب‌وهوا و خاک مناسب‌تر است.

(۱) میزبان

(۲) شکل، صورت

(۳) رقم؛ نمودار، شکل

(۴) [میوه، غله و غیره] محصول؛ برداشت، کشت

۳۲۰۰۳ مطالعات آن‌ها نشان داده است که عفونت گوش میانی - متداول‌ترین

بیماری در کودکان کم‌سن‌وسال - سه تا از هر چهار کودک را قبل از سن سه

[سالگی] مبتلا می‌کند.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور (۲) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

(۳) میانی (۴) فنی، تخصصی

◀ گوش میانی: middle ear

۳۲۰۰۴ اسهال مسافران متداول‌ترین بیماری در [میان] آن‌هایی است که در سطح

جهانی مسافرت می‌کنند [و] در میان حدود نیمی از تمام مسافران خارجی اتفاق می‌افتد.

(۱) در داخل، در داخل کشور؛ به طور محلی

(۲) به طور شخصی؛ به طور خصوصی

(۳) در عرصه بین‌المللی، در سطح جهانی

(۴) به طور فزاینده‌ای، به طور روزافزونی

۲۰۱۳ رنگ‌های طیف نور مرئی اغلب به عنوان ROYGBIV مورد اشاره قرار می‌گیرد، که مخفف قرمز (R)، نارنجی (O)، زرد (Y)، سبز (G)، آبی (B)، نیلی (I) و بنفش (V) است.

(۱) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن

(۲) تشکیل دادن، ساختن؛ جعل کردن؛ جبران کردن؛ آشتی کردن

(۳) مخفف ... بودن؛ نماینده ... بودن؛ طرفدار ... بودن

(۴) سر درآوردن از، فهمیدن، موفق به فهمیدن ... شدن

۲۰۱۴ آن مصاحبه شامل مجموعه‌ای از سؤالات باز بود، به علاوه امکانی برای دادن اطلاعات یا نظرات اضافی.

(۱) به جای؛ در عوض (۲) علامت جمع؛ به علاوه؛ بالغ بر

(۳) و با وجود این؛ و هنوز (۴) در حالی که، حال آن که

۲۰۱۵ پژوهشگران دانشگاه دوک یک برنامه تلفن همراه ساخته‌اند که از آنتن‌های وای-فای، رادیوهای سلولی و آشکارسازهای دیگر برای راهنمایی کردن کاربران تلفن‌های هوشمند استفاده می‌کند.

(۱) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت (۲) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۳) [در کامپیوتر، تلفن همراه و ...] برنامه (۴) میزبان

۲۰۱۶ مراکش باید مقدار زیادی از غذایش را وارد کند چون اقلیم بیابانی [آن]، توانایی [آن کشور] برای پرورش غذای کافی جهت فراهم کردن [مواد غذایی] برای جمعیتش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(۱) بازتولید کردن، تولید مثل کردن

(۲) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۴) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم کردن برای

۲۰۱۷ والدین کودکان دبستانی گاهی به نظر می‌رسد فراموش می‌کنند که بازی کردن با دوستان یک بخش ضروری در پرورش اجتماعی کودک است.

(۱) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی (۲) فنی، تخصصی

(۳) رابط، اتصالی (۴) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

۲۰۱۸ عموماً ادعا می‌شود که پژوهش علمی منشأ استاندارد بالای زندگی در کشورهای توسعه‌یافته است.

(۱) تماماً، به طور کامل (۲) به طور گسترده؛ عموماً

(۳) عمیقاً؛ به شدت، به طور گسترده‌ای (۴) از لحاظ ذهنی، از نظر روانی

عموماً ادعا شدن: to be widely claimed

۲۰۱۹ احتمالاً بسیاری از تک‌ستاره‌ها ممکن است به عنوان دو ستاره مجزا متولد شده باشند که در طول اولین یک میلیون سال از زندگیشان ادغام به یک [ستاره] شدند.

(۱) طبیعی؛ ذاتی (۲) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه

(۳) تک؛ تنها؛ بی‌همتا؛ مجرد (۴) نامرئی، غیرقابل دیدن

۲۰۲۰ تلسکوپ گالیله شبیه به یک دوربین دوچشمی آپرا بود از این حیث که آن ترتیبی از لنزهای شیشه‌ای را به کار می‌برد تا اشیاء را بزرگ کند.

(۱) بازتولید کردن، تولید مثل کردن (۲) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

(۳) تبدیل کردن، تغییر دادن (۴) کشف کردن؛ پی بردن به، فهمیدن

از این حیث که: in that

۲۰۲۱ ما اکثر تابستان‌ها در این منطقه یک خشکسالی داریم و در نتیجه

اجازه نداریم ماشین‌هایمان را برای مدتی بشوییم.

(۱) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی (۲) اقلیت

(۳) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد (۴) خشکسالی، خشکی، بی‌بارانی

۲۰۲۲ آن کتاب ظاهراً داستان واقعی پسر جوانی است که توانست با عکاس شدن از زاغه‌های شهر فرار کند.

(۱) به علاوه، علاوه بر این

(۲) به طور فزاینده‌ای، به طور روزافزونی

(۳) ظاهراً، گویا، علی‌الظاهر

(۴) مستقیماً، به صورت مستقیم، یکرست؛ فوری؛ دقیقاً

۲۰۲۳ او می‌تواند لحظه‌ی دقیقی را که اولین بار همسرش را دید به یاد بیاورد چون می‌گوید در آن هنگام می‌دانست که او زنی است که با او ازدواج خواهد کرد.

(۱) دقیق؛ درست، صحیح (۲) اولیه؛ مقدماتی؛ اصلی

(۳) حاضر؛ موجود؛ کنونی، فعلی (۴) داخلی، درونی

۲۰۲۴ در زمان زمستان، شهر شلوغ می‌شود چون بسیاری از افراد از روستاهای مجاور برای کار به آن‌جا می‌آیند.

(۱) جذب‌کننده (۲) خلاق؛ الهام‌بخش

(۳) وصل‌کننده، متصل‌کننده (۴) مجاور، پیرامون، اطراف

۲۰۲۵ مطالعات نشان می‌دهند که ذهن انسان می‌تواند حدود ۵۰۰ کلمه را در دقیقه بفهمد، اگرچه بیشتر افراد تنها می‌توانند در [حدود] ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه در دقیقه حرف بزنند.

(۱) درک کردن، فهمیدن، دریافتن

(۲) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم کردن برای

(۳) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

(۴) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

۲۰۲۶ سه سال چاپ مداوم برد تا انجیل معروف یوهانس گوتنبرگ تکمیل شود، [انجیلی] که در [سال] ۱۴۵۵ در دو جلد انتشار یافت و ۱،۲۸۴ صفحه داشت.

(۱) موضوع، مبحث، درس (۲) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد

(۳) رقم؛ نمودار، شکل (۴) شیء، چیز؛ هدف، منظور

۲۰۲۷ ساختن آلومینیوم نیازمند برق زیادی است. دلیلش آن است که این فلز به شدت با اکسیژن پیوند تشکیل می‌دهد و شکستن آن پیوند نیازمند انرژی زیادی است.

(۱) بردن؛ گرفتن؛ [دقت، نیرو و غیره] لازم داشتن، نیازمند ... بودن

(۲) درست کردن؛ باعث ... شدن؛ وادار کردن

(۳) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعیه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

(۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

۲۰۲۸ گزارشی که توسط یک گروه مصرف‌کننده گردآوری شده است، نشان داده که قیمت کامپیوترها در طول ده سال گذشته به طور مستمر کاهش یافته است.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن (۲) گشت زدن، نگاه کردن

(۳) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

(۴) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

۲۲۰۳۵ او با طراحی کردن یک برنامه نرم‌افزاری ساده که اکنون توسط سازمان‌ها در سراسر جهان استفاده می‌شود، تقریباً یک‌شنبه میلیونر شد.

(۱) تبدیل کردن، تغییر دادن

(۲) طراحی کردن؛ در نظر گرفتن، ساختن

(۳) وارد شدن به، داخل شدن به

(۴) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

۲۲۰۳۶ ما یک نفر را برای یک دوره آزمایشی سه ماهه برای آن شغل استخدام کردیم، ولی این اصلاً جواب نداد، بنابراین داریم دنبال یک جایگزین می‌گردیم.

(۱) متکی بودن به؛ روی ... حساب کردن

(۲) دوام آوردن؛ منتظر شدن؛ نگه داشتن

(۳) (درست) از کار در آمدن؛ جواب دادن؛ حساب کردن؛ حل کردن، جواب ... را پیدا کردن

(۴) ناامید شدن؛ ترک کردن؛ دست کشیدن از

۲۲۰۳۷ سالمندان ممکن است با چالش‌های بسیار مختلفی مواجه شوند که توسط هر دو [دلیل] شرایط جسمی و رویکردهای جامعه به طور کلی پدید می‌آیند.

(۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۲) [شخص] معرفی کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن

(۴) ادعا کردن (که)، مدعی ... شدن

۲۲۰۳۸ انستیتوی پژوهشی توسعه اجتماعی انجمنی مستقل است که مسئول انجام تحقیق درباره موضوعات توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح جهانی است.

(۱) میزبان

(۲) کمک، تقویت، تشدید؛ حمایت؛ افزایش، ترقی

(۳) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۴) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

۲۲۰۳۹ همیشه او به نظرم بسیار خوش حرف آمده؛ آماده [است] که نظارش را در مورد هر موضوعی که ذکر می‌شود، بدهد.

(۱) قابل درک، قابل فهم، فهمیدنی

(۲) غیرقابل پیش‌بینی، غیر منتظره

(۳) سیستماتیک، منظم، روشمند

(۴) [شخص] خوش حرف، پرحرف؛ [مشکلات و غیره] ارتباطی

۲۲۰۴۰ مردم به طور روزافزونی دارند می‌فهمند که اگر ما برای کاهش دادن آلودگی کاری نکنیم، کودکان ما از عواقب [بی‌اعتنایی ما] آسیب خواهند دید.

(۱) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن

(۲) درد کشیدن، رنج کشیدن؛ آسیب دیدن، صدمه دیدن

(۳) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

(۴) در نظر گرفتن، لحاظ کردن؛ بررسی کردن

۲۲۰۴۱ والدین خیلی زیادی در آن کشور صرفاً امکانات مالی [لازم را] ندارند تا به نحو مناسبی به کودکانشان غذا بدهند یا از آن‌ها مراقبت کنند.

(۱) گنج؛ گنجینه (۲) منشاء؛ اصل، ریشه

(۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی (۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

۱۲۰۲۹ در طول دهه گذشته، بیش از یک دوجین کشور، شامل روسیه و ایالات متحده، فضانوردانی را به ایستگاه فضایی بین‌المللی فرستاده‌اند.

(۱) فضانورد

(۲) شخصیت؛ خصوصیت برجسته؛ شخص مهم

(۳) مرورگر

(۴) آگهی تجارتي، آگهی تبلیغاتی

۱۲۰۳۰ استرس می‌تواند پیشرفت فرد را آهسته کند و بنابراین باید کاهش داده شود تا رشد کامل پتانسیل فرد امکان‌پذیر شود.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۲) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۴) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

۱۲۰۳۱ آن گزارش باید اطلاعات واضح و کامل را در شکلی ارائه دهد که برای منتقل کردن مؤثر اطلاعات طراحی شده است.

(۱) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح

(۲) هویت

(۳) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۴) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد

۲۲۰۳۲ گوگل وقتی که در [سال] ۲۰۰۵ شرکت سهامی اندروید را خرید به طور ناگهانی [و] به نحوی چشم‌گیر وارد دنیای سیستم‌های عامل موبایل شد. واقعاً خیلی جالب است که در چنین زمان کوتاهی چه مسیر طولانی‌ای را آمده است.

(۱) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن

(۲) نگاه کردن به؛ تماشا کردن

(۳) متشکل بودن از، شامل ... بودن

(۴) [کار، تجارت و غیره] به طور ناگهانی آغاز کردن / وارد شدن؛ پریدن به داخل دولت قول داده است تا اقدامی فوری برای یافتن یک راه برون‌رفت از مشکل آلودگی هوای شهر بیابد. آن‌ها می‌دانند که زمانی برای تلف کردن باقی نمانده است.

(۱) مرکب، بی‌درنگ

(۲) غیر فعال؛ منفعل؛ [حالت چهره] بی‌تفاوت

(۳) مغایر؛ متفاوت

(۴) فوری؛ بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

۳۲۰۳۳ مقامات بهداشت در حال تحلیل کردن نمونه‌های آب هستند تا ببینند [که] دقیقاً چه چیزی است که در ۲ هفته گذشته بیش از ۲۰ نفر را در شهر بیمار کرده است.

(۱) به راه خود ادامه دادن؛ دوباره راه افتادن؛ گذشتن

(۲) [دستگاه] باز کردن، پیاده کردن

(۳) کشف کردن؛ پی بردن به، فهمیدن

(۴) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن

۱۲۰۵۰ تنها اقلیتی از معلم‌های دبیرستان دارند به طور مؤثری به دانش‌آموزان درباره آن موضوع آموزش می‌دهند؛ در حالی که خیلی‌ها به جای طرح درس مدرسه، نظرات شخصی [خود] را بیان می‌کنند.

(۱) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۲) ضرورتاً، لزوماً؛ ناچار (۳) به صورت دوزبانه (۴) در اصل، از آغاز، از ابتدا

۱۲۰۵۱ آن کتاب قصد دارد توضیحی از دستور زبان امروزی فرانسوی ارائه دهد که تا حد امکان روشمند و به راحتی قابل فهم باشد.

(۱) پیچیده؛ دشوار، سخت (۲) بی‌نظم، نامرتب؛ شلخته؛ آشفته؛ نابسامان؛ بی‌برنامه (۳) سیستماتیک، منظم، روشمند (۴) فزاینده، رو به افزایش

۱۲۰۵۲ بلوک اداری جدید واقعاً از ساختمان‌های قدیمی اطرافش متمایز است. (۱) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعیه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن (۲) شکستن؛ جدا کردن، قطع کردن؛ خراب کردن (۳) آوردن

(۴) گرفتن؛ بردن؛ [وقت، نیرو و غیره] لازم داشتن، نیازمند ... بودن

◀ بیرون زدن؛ متمایز بودن؛ برجسته بودن: stick out

۱۲۰۵۳ اگر طی یک آتش‌سوزی خود را در ساختمانی شلوغ یافتید، باید در حالی که از ساختمان خارج می‌شوید، فوراً نزدیک‌ترین شاسی‌اعلام حریق را بکشید.

(۱) همه، تمام، کلی، سرتاسر (۲) شلوغ، پر ازدحام، پر از جمعیت (۳) مرئی، قابل دیدن (۴) تک؛ تنها؛ بی‌همتا؛ مجرد

۱۲۰۵۴ لزومی ندارد موانع تو را متوقف کنند. اگر به یک دیوار برخوردی، بزرگ‌رو و تسلیم نشو. تو باید بفهمی چگونه از آن بالا بروی، از آن عبور کنی یا آن را دور بزنی.

(۱) سر درآوردن از، فهمیدن، موفق به فهمیدن ... شدن (۲) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن (۳) (به کار خود) ادامه دادن؛ (به راه خود) ادامه دادن (۴) تشکیل دادن، ساختن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

۱۲۰۵۵ در [سال] ۱۹۶۴، کشورهای آفریقایی تانگانیکا و زئبار به هم دیگر پیوستند و نام‌های آن‌ها ترکیب شد تا نام کشور جدید تانزانیا را تشکیل دهد.

(۱) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن (۲) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن (۳) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که (۴) ترکیب کردن؛ آمیختن؛ یکی کردن

۱۲۰۵۶ تعدادی وب‌سایت فعال در حال حاضر وجود دارد که کمک فوق‌العاده‌ای به دانش‌آموزان زبان انگلیسی‌ای هستند که امیدوارند تا [بتوانند] به کار کردن بر روی مهارت‌های زبانی‌شان در خانه ادامه دهند.

(۱) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت (۲) منشأ؛ اصل، ریشه (۳) کار، تکلیف، وظیفه (۴) کمک، مساعدت؛ کمک‌کار؛ [شخص] دستیار

۱۲۰۴۲ والدین من هر دو وقتی که در اوایل دهه سوم زندگی‌شان بودند در یک تصادف ماشین شدید بودند (یک تصادف شدید ماشین داشتند)؛ گردن مادرم شکست، در حالی که پدرم تنها متحمل تعدادی زخم و کبودی شد.

(۱) مگر این‌که، جز این‌که (۲) بنابراین، در نتیجه (۳) در حالی‌که، حال آن‌که (۴) تا آن‌که

۱۲۰۴۳ نماد المپیک متشکل از پنج حلقه درهم‌تنیده است که نماینده قاره‌های اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا و آمریکا هستند.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور (۲) نماد، علامت؛ سمبل، نشانه (۳) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح (۴) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

۱۲۰۴۴ در بعضی فرهنگ‌های آسیایی، شوهر و پدر رئیس خانواده است و او حرف آخر را در تمامی مسائل خانواده می‌زند.

(۱) آخرین، نهایی، پایانی (۲) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه (۳) مرئی، قابل دیدن (۴) اساسی، اصلی؛ پایه، مقدماتی

۱۲۰۴۵ ما خدمات یک مشاور را به کار بستیم که تعدادی پیشنهاد درباره [این‌که] چگونه می‌توانیم بازدهی را در کسب‌وکارمان بالا ببریم، ارائه داد.

(۱) توصیه، سفارش؛ توصیه‌نامه، معرفی‌نامه (۲) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه (۳) گذار، عبور؛ مرحله انتقال (۴) انتظار، امید؛ توقع

۱۲۰۴۶ کودکان در جشن تولد یک بازی انجام دادند که در آن باید دنبال سرنخ‌هایی می‌رفتند تا کادوهای کوچکی برای هر مهمان پیدا کنند.

(۱) وسیله، ابزار؛ طرح؛ تدبیر (۲) کارکرد؛ عملکرد (۳) توجه، اعتنا، رعایت؛ احترام، حرمت (۴) سرنخ، اثر، نشانه

۱۲۰۴۷ برخی افراد در آلمان احساس می‌کنند که گردشگری، اگرچه منبع مهمی از درآمد برای کشور [است]، فرهنگ آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

(۱) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن (۲) تولید کردن، به وجود آوردن (۳) تقویت کردن؛ بالا بردن؛ افزایش دادن (۴) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن

۱۲۰۴۸ یک جنگ جهانی دیگر می‌تواند برای تصور خطرناک باشد؛ برخی معتقدند که آن حتی ممکن است به تخریب تمام حیات انسانی بر روی زمین بینجامد.

(۱) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک (۲) فعال، پر جنب‌وجوش (۳) عمومی، همگانی (۴) همه، تمام، کلی، سرتاسر

۱۲۰۴۹ آن کارخانه مدعی است [که] در نتیجه زباله‌ای که به داخل رودخانه می‌ریزد هیچ خطری برای زندگی دریایی وجود ندارد، ولی هیچ‌کس آن‌ها را باور نمی‌کند.

(۱) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که (۲) ادعا کردن (که)، مدعی ... شدن (۳) [کتاب و غیره] منتشر کردن، انتشار دادن؛ [فرمان، گذرنامه و غیره] صادر کردن (۴) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

۳۲۰۶۴ کمبودهای شدید غذای ناشی از دو سال خشکسالی، ممکن است در طول شش ماه آینده تا ۳۰۰،۰۰۰ نفر را در جنوب [قاره] آفریقا بکشد.

(۱) اقلیت

(۲) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

(۳) خشکسالی، خشکی، بی‌بارانی

(۴) غیبت، غیاب؛ فقدان

۳۲۰۶۵ من به جان گفتم که چون او تجربه بدی با یکی از شرکت‌های اتومبیل چینی داشته، با گفتن این‌که تمام آن‌ها ماشین‌های کم‌کیفیت تولید می‌کنند، نتیجه کلی نگیرد.

(۱) پذیرفتن، قبول کردن

(۲) به بحث گذاشتن؛ مطرح کردن؛ بحث کردن درباره

(۳) تعمیم دادن، نتیجه کلی گرفتن (از)

(۴) تأکید کردن بر، اهمیت دادن به

۱۲۰۶۶ اگر عفونتی بگیرید، مجبوریم شما را فوراً تحت [درمان] آنتی‌بیوتیک‌ها قرار دهیم، چون سیستم دفاعی [بدن] شما در حال حاضر ضعیف است.

(۱) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً

(۲) در اصل، از آغاز، از ابتدا

(۳) به لحاظ فنی، از نظر تخصصی

(۴) به طریقی قابل تغییر، به نحوی متغیر

دستگاه ایمنی (بدن)، سیستم دفاعی (بدن): **immune system**

۱۲۰۶۷ فسیل‌هایی از حشرات پیدا شده‌اند که تا ۳۵۰ میلیون سال قدمت دارند، در حالی‌که قدیمی‌ترین جد انسان حدود ۵ تا ۱۰ میلیون سال پیش پدیدار شد.

(۱) حشره

(۲) گنج؛ گنجینه

(۳) [میوه، غله و غیره] محصول، برداشت، کشت

(۴) منشأ؛ اصل، ریشه

۲۲۰۶۸ اصطلاح سخت‌افزار برای تشخیص دادن قطعات ثابت کامپیوتر از نرم‌افزارها یا اجزای اطلاعات تغییرپذیرتر استفاده می‌شود.

(۱) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار

(۲) تغییرپذیر، ناپایدار؛ [شخص، شخصیت] بی‌ثبات

(۳) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

(۴) مؤثر، کارآمد؛ اثربخش

۲۲۰۶۹ طراحان اولیه لوکوموتیوها در معنای دقیق کلمه دانشمند نبودند. آن‌ها مکانیک‌هایی بودند که در اوقات فراغت خود [کتاب‌های مربوط به] علم را می‌خواندند.

(۱) شکل، صورت

(۲) [آموزشی] نیم‌سال؛ اصطلاح؛ [در جمع] شروط [قرارداد]؛ دوره، مدت

(۳) واقعیت، حقیقت

(۴) منشأ؛ اصل، ریشه

در معنای دقیق کلمه: **in the strict sense of the term**

۳۲۰۵۷ ما البته وارد گفت‌وگوها می‌شویم، [در حالی‌که] آماده‌ایم که به دیگران گوش دهیم، ولی ما هم چنین انتظار داریم که شنیده شویم و در نظر گرفته شویم.

(۱) جمع؛ افزایش، اضافه؛ چیز اضافه شده (۲) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

(۳) انتظار، امید؛ توقع (۴) حل، جواب؛ راه‌حل؛ محلول

۲۲۰۵۸ محققان بیش از ۲۰۰ ویروس قبلاً ناشناخته را در دسته‌ای [از ویروس‌ها] کشف کرده‌اند که اعضای آن [دسته] باعث بیماری‌هایی هم‌چون آنفلوانزا و تب‌های خون‌ریزی می‌شوند.

(۱) غیرقابل پیش‌بینی، غیرمنتظره

(۲) ناشناخته، نامعلوم؛ گم‌نام، غریبه

(۳) نامساعد، نامطلوب؛ [نظر، پاسخ] منفی، مخالف

(۴) بی‌قیدوشرط، نامشروط

۳۲۰۵۹ امروزه، بسیاری از افراد با دید ضعیف می‌توانند بینایی خود را از طریق جراحی اصلاحی لنز با استفاده از اشعه لیزر ترمیم کنند.

(۱) شکل، صورت (۲) تصویر، عکس

(۳) بینایی؛ بینش؛ تصور (۴) راهنما؛ کتاب راهنما

۲۲۰۶۰ وقتی‌که سخنرانی می‌کنید، مهم است که اطلاعات خود را مرتب کنید تا مخاطب بتواند به راحتی بفهمد [که] شما تلاش می‌کنید چه بگویید.

(۱) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۲) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۴) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

سخنرانی کردن: **give a presentation**

۱۲۰۶۱ آن دو کالج یک توافق دارند که از طریق آن دانشجویان یک کالج می‌توانند در کلاس‌های [کالج] دیگر شرکت کنند.

(۱) تنظیم، ترتیب؛ توافق؛ آرایش (۲) درگیری، دخالت؛ گرفتاری، مشکل

(۳) بیان، گفته؛ بیانیه، گزارش (۴) رشد، پرورش؛ توسعه، پیشرفت؛ گسترش

۲۲۰۶۲ معلم برای آن‌که مطمئن شود این سؤالات برای دانش‌آموزان قابل فهم است، گستره‌ای از تکنیک‌ها را به کار برده است تا وضوح آن‌ها را بررسی کند.

(۱) غیرقابل پیش‌بینی، غیر منتظره

(۲) غیر سیستماتیک، غیر نظام‌مند، نامنظم

(۳) قابل درک، قابل فهم، فهمیدنی

(۴) [دانش آموز، ورزشکار و غیره] متوسط؛ بینابینی، میانی

۴۲۰۶۳ من وقتی‌که دیدم اسمم در ارتباط با واقعه‌ای ذکر شد که ابداً هیچ ربطی به من نداشت بسیار خشمگین شدم.

(۱) فریاد، داد، جیغ

(۲) اختصار، خلاصه‌نویسی؛ علامت اختصاری

(۳) اطلاعات، خبر؛ اطلاع، آگاهی

(۴) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

به کسی / چیزی ربط داشتن: **have to do with sb / sth**

در خصوص، در مورد؛ در ارتباط با: **in connection with**

۴۲۰۷۵ مقیاس خسارت به برنامه فضایی که با انفجار شاتل رخ داد بسیار بیشتر از آن بوده است [که] در آغاز فکر می‌شد.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور (۲) رقم؛ نمودار، شکل

(۳) میزبان (۴) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

۴۲۰۷۶ کاهش چشمگیر در اندازه خانواده در این کشور در طول ۱۰۰ سال گذشته عمدتاً به دلیل کاهش تعداد کودکانی است که یک زن متوسط به دنیا می‌آورد.

(۱) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۲) در درجه اول، عمدتاً، اساساً (۳) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً (۴) به طرزی قابل تغییر، به نحوی متغیر ۴۲۰۷۷ نمونه‌های سنگ که از ماه برداشته شدند، نمایانگر گنجینه‌ای ملی هستند که حاوی سرنخ‌هایی دربارهٔ اوایل منظومه شمسی ما هستند.

(۱) رقم؛ نمودار، شکل (۲) گنج؛ گنجینه

(۳) بینایی؛ بینش؛ تصور (۴) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد

۴۲۰۷۸ دانشمندان، به طور روزافزونی نگران شده‌اند که حتی سطوح بسیار پایین بعضی آلاینده‌های زیست‌محیطی ممکن است آثار مخرب قابل توجهی بر بدن‌های ما داشته باشد.

(۱) در اصل، از آغاز، از ابتدا

(۲) به طور موفق، به طرز نتیجه‌بخش

(۳) به طور فزاینده‌ای، به طور روزافزونی

(۴) در داخل، در داخل کشور؛ به طور محلی

۴۲۰۷۹ او عضو یک سازمان محلی است که می‌کوشد شهرداری را از اجازه دادن به آن شرکت برای ساخت یک برج در منطقه‌شان بازدارد.

(۱) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

(۲) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

(۳) ادعا کردن (که)، مدعی ... شدن

(۴) وارد شدن به، داخل شدن به

۴۲۰۸۰ اداره‌ای که به بانک‌های غذایی رسیدگی می‌کند در حال برنامه‌ریزی جهت گسترش یافتن برای ساخت یک سازمان بزرگ‌تر است تا برای تمام نیازهای افراد بی‌خانمان خدماتی را ارائه دهد.

(۱) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۲) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۳) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۴) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

۴۲۰۸۱ در نوامبر ۲۰۰۴، طراحان نخستین موشک سرنشین‌دار بخش خصوصی که به فضا پرواز کرد جایزه‌ای ده میلیون دلاری دریافت کردند.

(۱) طراح؛ نقشه‌کش (۲) گردآورنده، مؤلف

(۳) مرورگر (۴) ستاره‌شناس، منجم

۴۲۰۸۲ پژوهشی که هفته گذشته در جلسه میکروبیولوژی در بوستون ماساچوست ارائه شد گویای آن است که سیستم‌های دفاعی [بدن] مردان و زنان به عفونت بسیار واکنش نشان می‌دهد.

(۱) لرزش؛ [در فیزیک] نوسان، ارتعاش (۲) انبساط؛ توسعه، گسترش؛ افزایش

(۳) عفونت؛ بیماری عفونی (۴) کارکرد؛ عملکرد

۴۲۰۷۹ حرف O قدیمی‌ترین حرف است و از زمان انتخابش در الفبای [زبان] فنیقی حدود [سال] ۱۳۰۰ پیش از میلاد، شکلش تغییر نکرده است.

(۱) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت (۲) سرنخ، اثر، نشانه

(۳) بینایی؛ بینش؛ تصور (۴) شکل، صورت

۴۲۰۸۰ بر اساس گزارشی که اخیراً منتشر شد، در طول این قرن، دما و رطوبت [هوا] احتمالاً به افزایش یافتن ادامه می‌دهند [و] باعث می‌شوند که یخچال‌های طبیعی کوچک‌تر شوند و بیابان‌زایی گسترش بیابد.

(۱) در تمام، در سرتاسر؛ در طول (۲) به جای؛ در عوض

(۳) به موازات، در کنار (۴) (به) طرف، به سوی؛ در جهت

۴۲۰۸۱ شواهد فزاینده در مدت دو دهه گذشته حاکی از آن است که شنیدن صداهای خیالی همیشه نشانه بیماری روانی نیست. انسان‌های سالم هم توهم را تجربه می‌کنند.

(۱) تولیدشده، به‌وجودآمده (۲) خیالی؛ غیرواقعی

(۳) نامرئی، غیرقابل دیدن (۴) جامع، مفصل؛ فراگیر؛ گسترده

۴۲۰۸۲ کارلوس چیز زیادی دربارهٔ تاریخچه خانواده‌اش نمی‌داند چرا که والدینش وقتی که او نوزاد بود کشته شدند. تنها سرنخی [که] او دربارهٔ هویت آن‌ها دارد یک عکس از خودش به همراه والدینش در یک شهر فرانسوی است.

(۱) کمک، مساعدت؛ کمک‌کار؛ [شخص] دستیار

(۲) [آموزشی] نیم‌سال؛ اصطلاح؛ [در جمع] شروط (قرارداد)؛ دوره، مدت

(۳) سرنخ، اثر، نشانه

(۴) راهنما؛ کتاب راهنما

۴۲۰۸۳ سرتاسر کف اقیانوس هم‌اکنون با حداکثر تفکیک‌پذیری حدود ۵ کیلومتر نقشه‌برداری شده است، که بدان معناست که می‌توانیم اکثر خصوصیات با عرض بیش از ۵ کیلومتر را در آن نقشه‌ها ببینیم.

(۱) اولیه؛ مقدماتی؛ اصلی (۲) همه، تمام، کلی، سرتاسر

(۳) داخلی، درونی (۴) میانی

۴۲۰۸۴ در [سال] ۱۹۹۹ یونیسف گام جسورانهٔ آغاز مدارس خانگی برای کودکان در افغانستان را برداشت، در زمانی که به دختران [حتی] اجازه داده نمی‌شد در مدارس عمومی شرکت کنند.

(۱) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه

(۲) [حروف جایی] بولد، پررنگ؛ جسور؛ [عمل] جسورانه

(۳) سنگین؛ سخت

(۴) پهن؛ وسیع؛ متنوع

۴۲۰۸۵ دولت در حال پخش مجموعه‌ای از آگهی‌های بازرگانی است که تأثیرات سرطان را بر بدن انسان نشان می‌دهد تا مانع از سیگار کشیدن در میان نوجوانان شود.

(۱) توصیه، سفارش؛ توصیه‌نامه، معرفی‌نامه

(۲) عرضه؛ ترویج؛ معرفی

(۳) آگهی تجارتي، آگهی تبلیغاتی

(۴) شیوه، روش، تکنیک، فن؛ مهارت

۲۰۸۵ توانایی صحبت کردن به زبانی دوم تنها چیزی نیست که افراد دوزبانه

را از کسانی که می‌توانند فقط به یک زبان صحبت کنند متمایز می‌کند - مغزهای آن‌ها هم به طرز متفاوتی کار می‌کند.

(۱) پیشرفته؛ [افکار، کتاب] تازه، نو، مترقی

(۲) [شخص، کشور، نوشته] دوزبانه

(۳) خانوادگی؛ داخلی؛ [حیوان] اهلی، رام

(۴) در عرصهٔ بین‌المللی، در سطح جهانی

۲۰۸۶ دولت در دو سال گذشته چهار داروی ضد چاقی مفرط جدید را تایید کرده است که می‌توانند در ترکیب با رژیم غذایی و ورزش استفاده شوند تا به افراد خیلی چاق کمک کنند [تا] وزن کم کنند.

(۱) [پیام و غیره] انتقال؛ ارتباط؛ تماس (۲) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

(۳) ادامه، پیگیری، تداوم، استمرار (۴) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه

در ترکیب با: in combination with

وزن کم کردن، لاغر شدن: lose weight

۲۰۸۷ مغز مردان برای بهینه کردن مهارت‌های حرکتی در داخل نیم‌کره‌ها پیوندهای بیشتری دارد، در حالی که مغز زنان در بین نیم‌کره‌ها بیشتر پیوند دارد تا تفکر تحلیلی و شهودی را ترکیب کند.

(۱) مگر این‌که، جز این‌که (۲) هرچند، اگرچه

(۳) وقتی‌که؛ در حالی‌که؛ هرچند (۴) از موقع، از ... به بعد؛ چون، از آن‌جا که

۲۰۸۸ در چین باستان، شهرها اغلب در الگوهای مرتب می‌شدند به نحوی که اگر از هوا دیده می‌شدند، تمام اجتماع [آن شهر] به یک حیوان یا یک طرح نمادین شباهت داشته باشد.

(۱) تبدیل کردن، تغییر دادن

(۲) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۳) گشت زدن، نگاه کردن

(۴) محاصره کردن؛ احاطه کردن، در خود محصور کردن

۲۰۸۹ والدین وظیفه دارند تا کودکانشان را آموزش دهند تا اعضای کاردان و مفید جامعه باشند.

(۱) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار

(۲) فنی، تخصصی

(۳) پیچیده؛ دشوار، سخت

(۴) پیشرفته؛ [افکار، کتاب] تازه، نو، مترقی

۲۰۹۰ تو دوست فوق‌العاده‌ای هستی - هر وقت که من ناراحتم، تو همیشه خیلی دلسوزی، تو با من حرف می‌زنی و تلاش می‌کنی من را شاد کنی و من واقعاً قدر دان این هستم.

(۱) مورد انتظار، قابل پیش‌بینی (۲) یاری‌بخش؛ دلسوز، مهربان؛ پشتیبان

(۳) شخصی، خصوصی (۴) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

۲۰۹۱ آن آزمون در اصل برای ارزیابی کردن مهارت‌های خواندن در کودکان طراحی شده بود ولی آن هم چنین مشکلات بینایی و حرکات چشم را [هم] مشخص می‌کند، که آن را برای مطالعهٔ ضربه‌های مغزی مفید می‌سازد.

(۱) در اصل، از آغاز، از ابتدا

(۲) ضرورتاً، لزوماً؛ ناچار

(۳) مستقیماً، به صورت مستقیم، یکراست؛ فوری؛ دقیقاً

(۴) از لحاظ ذهنی، از نظر روانی

۲۰۹۲ قلب انسان با بزرگ شدن سلول‌ها رشد می‌کند، نه [با] تکثیر سلولی، که بدان معناست که قلب یک نوزاد شامل همان تعداد سلول است که [قلب] یک بزرگسال [دارد].

(۱) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

(۲) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

(۳) [دیوار، صخره و غیره] بالا رفتن از

(۴) صاف کردن؛ صاف شدن؛ خراب کردن

۲۰۹۳ اگرچه دی‌اکسید کربن فقط بخشی جزئی از اتمسفر است، [اما] آن یکی از معدود گازهای جوّی است [که] قادر به گیر انداختن گرمایی [است] که از زمین متصاعد می‌شود.

(۱) ممکن، امکان‌پذیر؛ محتمل (۲) کوچک، کم، جزئی

(۳) مشابه، همانند (۴) منطقه‌ای، ناحیه‌ای؛ محلی

۲۰۹۴ ویتا در زبان لاتین به معنای «زندگی» است و ویتامین‌ها برای زندگی ضروری هستند. سازمان بهداشت جهانی آن‌ها را «چوب‌دستی‌های جادویی» می‌نامد که توسط بدن برای ساختن آنزیم‌ها، هورمون‌ها و دیگر احتیاجات شیمیایی [بدن] به کار می‌روند.

(۱) محاصره شده؛ احاطه شده (۲) اولیه، اصلی؛ مقدماتی

(۳) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک (۴) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

۲۰۹۵ پس از سال‌ها سفر کردن در جنوب هند، او سرانجام تجربیات و دانش خودش را با نوشتن یک کتاب جامع راهنمای زندگی در آن منطقه به خوبی به کار بست.

(۱) [شخص] خوشبخت، سعادتمند (۲) جامع، مفصل؛ فراگیر؛ گسترده

(۳) مشروط، مقید (۴) فزاینده، رو به افزایش

از چیزی خوب استفاده کردن، چیزی را به خوبی به کار بردن
put sth to good use:

۲۰۹۶ من باید توصیهٔ دوستانم را به کار می‌بستم. او به من گفت که ماشین نو بخرم ولی من یک [ماشین] کارکرده خریدم و [از آن موقع] همه‌چیز مشکل با آن داشته‌ام.

(۱) حق‌شناسی، تقدیر، سپاس (۲) توصیه، سفارش؛ توصیه‌نامه، معرفی‌نامه

(۳) بخش، قسمت؛ نسبت، تناسب (۴) انتظار، امید؛ توقع

۲۰۹۷ منشأ آقیانوس‌های زمین به زمان شکل‌گیری زمین [در] ۴/۶ میلیارد سال پیش بر می‌گردد، وقتی‌که سیاره ما در حال شکل گرفتن از طریق انباشته شدن اجسام کوچک‌تر، به نام خرده‌سیاره‌ها بود.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور (۲) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

(۳) سطح؛ پایه (۴) منشأ؛ اصل، ریشه

۲۰۹۸ از زمان جنگ جهانی دوم، ژاپن با سرعتی فوق‌العاده تا رتبهٔ دومین اقتصاد قدرتمند از لحاظ فناوری در جهان پیشرفت کرده است.

(۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۲) پیش رفتن؛ پیشرفت کردن؛ بالا رفتن

(۳) گرد آوردن، تألیف کردن، تدوین کردن

(۴) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

۳۲۰۹۹ در گزارشی که اخیراً در [مجله علمی] نیچر بیوتکنولوژی به چاپ رسیده، پژوهشگران یک سلول سوختی آغازین میکروبی را توصیف کردند که می‌تواند قندهای ساده را با بازدهی ۸۱ درصد به برق تبدیل کند.

(۱) افزایش یافتن؛ افزایش دادن

(۲) اجازه دادن به؛ [امور] امکان دادن، امکان‌پذیر ساختن

(۳) تبدیل کردن، تغییر دادن

(۴) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم کردن برای

۴۲۱۰۰ برای آن‌که هنگام خرید کردن در بقالی در صورت حساب مواد غذایی تان پول صرفه جویی کنید، به پایین نگاه کنید؛ اجناس ارزان‌تر اغلب در قفسه‌های پایینی هستند، در حالی که گران‌ترها در سطح چشم قرار داده می‌شوند.

(۱) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

(۲) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۳) هدف، مقصود، منظور

(۴) سطح؛ پایه

۱۲۱۰۱ پژوهش آن دانشمند وقتی که دیگران نتوانستند نتایج او را در آزمایش‌های خود بازتولید کنند مورد تردید قرار گرفت.

(۱) بازتولید کردن؛ تولید مثل کردن

(۲) تجدید نظر کردن، مورد بازنگری قرار دادن

(۳) تجدید سازمان کردن، از نو سر و سامان دادن (به)

(۴) پیشنهاد کردن، مناسب دانستن؛ توصیه کردن

چیزی را زیر سؤال بردن، چیزی را مورد تردید قرار دادن؛

call sth in / into question

۴۲۱۰۲ یک کاوشگر فضایی فرستاده شده به مریخ نشان داده است که اگرچه سیاره سرخ زمانی آب داشته است، ولی محیط [آن] به قدری خشن بوده که ممکن است مانع شکل گرفتن حیات شده باشد.

(۱) با وجود این

(۲) بنابراین، در نتیجه

(۳) چون، زیرا

(۴) هرچند، اگرچه

۲۲۱۰۳ با یک قطب‌نما، می‌توانید بفهمید قطب مغناطیسی کدام سمت است - و از طریق آن، می‌توانید جهت‌های دیگر را تقریب بزنید، مانند این‌که جنوب، شرق و غرب نیز کجا هستند.

(۱) (به کار خود) ادامه دادن؛ (به راه خود) ادامه دادن

(۲) به راه خود ادامه دادن؛ دوباره راه افتادن؛ گذشتن

(۳) کشف کردن؛ پی بردن به، فهمیدن

(۴) [در فرهنگ لغت، لیست و غیره] دنبال ... گشتن، پیدا کردن

۱۲۱۰۴ در فوریه [سال] ۲۰۰۳، شاتل فضایی کلمبیا تکه‌تکه شد و هنگام ورود به جو در حالی که برمی‌گشت تا بر روی زمین بنشیند به قطعات کوچکی متلاشی شد.

(۱) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۲) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

(۳) رقم؛ نمودار، شکل

(۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

۲۲۱۰۵ از آن‌جا که رشد اقتصادی به افزایش دادن تقاضا برای انرژی ادامه می‌دهد، انتشار کربن علی‌رغم معرفی وسایل نقلیه، ساختمان‌ها و لوازم خانگی پربازده‌تر از لحاظ انرژی، همچنان افزایش می‌یابد.

(۱) آلودگی

(۲) عرضه؛ ترویج؛ معرفی؛ مقدمه

(۳) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

(۴) تبدیل، تغییر

۱۲۱۰۶ بریتانیای کبیر نخستین کشوری در جهان بود که تمبرهای پستی منتشر کرد و امروزه تنها کشوری در جهان است که یک نام ملی را بر روی تمبرهایش به کار نمی‌برد.

(۱) [کتاب و غیره] منتشر کردن، انتشار دادن؛ [فرمان، گذرنامه و غیره] صادر کردن

(۲) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

(۳) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

(۴) گشت زدن، نگاه کردن

۱۲۱۰۷ مشخص کردن این‌که آیا تغییرات درجه حرارت [در جهان] طی پنجاه سال گذشته به دلیل آلودگی است یا صرفاً به دلیل تغییرات معمولی در اقلیم است که تنها در صورتی قابل تشخیص هستند که ما بتوانیم سوابق [درجه حرارت] در ده هزار سال گذشته را مطالعه کنیم، دشوار است.

(۱) آلودگی

(۲) شیوه، روش، تکنیک، فن؛ مهارت

(۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

(۴) برق، الکتریسته

۳۲۱۰۸ بسیاری از افرادی که درون پویی (مدیتیشن) را تمرین می‌کنند با [برخی] عوارض جانبی منفی [و] غیرمنتظره مواجه شده‌اند. هم‌چون یک حس جدا شدن از بدن فرد یا از واقعیت.

(۱) فرستادن، ارسال کردن؛ انتقال دادن

(۲) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

(۳) [برق، تلویزیون و غیره] قطع کردن؛ جدا کردن؛ [آب، گاز] بستن

(۴) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

۲۲۱۰۹ هزاران برنامه موبایل ادعا می‌کنند که به افراد در بهبود سلامتی روانی‌شان کمک می‌کنند. برخی توصیه [مربوط] به روابط و پیشنهادهای [افزایش] بهره‌وری ارائه می‌دهند؛ بقیه هدفشان آن است که مدیریت کردن اختلال‌های روانی را ساده‌تر کنند.

(۱) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۲) [در کامپیوتر، تلفن همراه و ...] برنامه

(۳) [زندان] سلول؛ [زیست‌شناسی] سلول، یاخته

(۴) درجه‌بندی، مقیاس؛ ترازو

۲۲۱۱۰ اینترنت پر از مقالات تخصصی است که بسیاری از آن‌ها برای کاربر معمولی کامپیوتر که فقط می‌خواهد مشکلی ساده را حل کند بیش از حد پیچیده است.

(۱) اولیه؛ مقدماتی؛ اصلی

(۲) فنی، تخصصی

(۳) فزاینده، رو به رشد

(۴) مرتب، منظم

۲۲۱۱۱ جهان اکنون با چالش‌های منابع طبیعی و زیست‌محیطی به شدت جدی مواجه است: تغییر اقلیمی، کمبود آب شیرین کافی، ماهی‌گیری بی‌رویه [در] اقیانوس، جنگل‌زدایی، آلودگی هوا و آب و تکاپو برای غذا رساندن به سیاره‌ای از میلیاردها [انسان].

(۱) مرئی، قابل دیدن

(۲) تازه، نو؛ [آب] شیرین

(۳) حاضر؛ موجود؛ کنونی، فعلی

(۴) عمیق، گود

۲۲۱۹ ممم! این غذا خوشمزه است! اگر می‌توانستم به این خوبی [غذا] بپزم، همین الان یک رستوران باز می‌کردم.

طبق مفهوم جمله، گوینده این جمله در حال حاضر نمی‌تواند به خوبی غذای ذکر شده در جمله آشپزی کند. بنابراین با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (تا آن حد خوب آشپزی کردن) یک امر خیالی یا فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد فعل وجهی **could** که به گذشته اشاره دارد) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل **would +**) را قرار دهیم. ۲۲۲۰ استاد ما که بیش از ده کتاب درباره این‌که چگونه رژیم بگیریم نوشته، انسانی فوق‌العاده است.

مرجع ضمیر موصولی، انسان (**our professor**) است و بعد از آن نیز در تمامی گزینه‌ها فعل (شکل مناسب فعل **write**) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب **who** یا **that** خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که هرچند فعل **write** (نوشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد، عبارت **more than ten books on how to diet**) بعد از جای خالی قرار دارد، در این مورد فعل **write** را به صورت معلوم نیاز داریم. در بین گزینه‌های (۲) و (۳) تنها در گزینه (۳) فعل **write** را به صورت معلوم داریم. ۲۲۲۱ چه همسایه‌های پرسروصدایی داری! اگر همسایه‌های من به بدی [همسایه‌های] تو بودند، من دیوانه می‌شدم.

طبق مفهوم جمله، گوینده این جمله در حال حاضر همسایه‌های خیلی پرسروصدایی ندارد. بنابراین با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (داشتن چنین همسایه‌هایی) یک امر خیالی یا فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد **were**) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل **would +**) را قرار دهیم.

۲۲۲۲ اگر زمان بیشتری داشتم به تو در تکالیف کمک می‌کردم، ولی متأسفم [که] در این لحظه اصلاً هیچ وقت اضافه‌ای ندارم.

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط خیالی یا فرضی در بند شرط) و نیز کاربرد فعل گذشته ساده (در این مورد **had**) در بند شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل **would +**) نیاز داریم. دقت کنید که بین دو بخش این جمله مرکب، رابطه تضاد وجود دارد و در نتیجه جای خالی دوم با **but** (اما، ولی) کامل می‌شود، نه **so** (بنابراین).

۲۲۲۳ تنها ایرانی‌ای که در آن رقابت بین‌المللی شرکت خواهد کرد یک دانشجوی دکترا از دانشگاه ماست.

مرجع ضمیر موصولی، انسان (**the only Iranian**) است و بعد از آن نیز فعل (**will participate**) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب **who** یا **that** خواهد بود و در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که هر دو مورد قرار گرفته برای جای خالی دوم با معانی متفاوت می‌توانند صحیح باشند. برای این‌که متوجه منظورم شوید، جمله را با **has** (داشتن) نیز ترجمه کنید.

۲۲۱۲ متخصصان پزشکی هشدار می‌دهند که تنها روش مؤثر کنترل کردن انتقال فراگیر اچ‌آی‌وی، پیشگیری کردن از رفتارهای پرخطر است.

(۱) بازتولید؛ تولید مثل

(۲) [پیام و غیره] انتقال؛ ارتباط؛ تماس

(۳) توصیه، سفارش؛ توصیه‌نامه، معرفی‌نامه

(۴) انتقال، پخش

۲۲۱۳ اختراع میکروسکوپ در اواخر قرن هفدهم با نشان دادن جهان‌هایی که در غیر این‌صورت غیرقابل دیدن و قبلاً ناشناخته [بودند]، باعث انقلابی در زیست‌شناسی شد.

(۱) اولیه، اصلی؛ مقدماتی

(۲) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

(۳) نامرئی، غیرقابل دیدن

(۴) بزرگ‌نمایی شده، اغراق شده

۲۲۱۴ وقتی خودمان را با دیگران مقایسه می‌کنیم، گرایش داریم که به خود در مورد تعداد زیادی از ملاک‌های مثبت شامل هوش، بلندپروازی، صمیمیت و تواضع رتبه بهتری بدهیم.

(۱) عمق، ژرفا

(۲) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه

(۳) شکل، صورت

(۴) میزبان

تعداد زیادی: **a host of**

۲۲۱۵ سازمان بهداشت جهانی (WHO) به تازگی آخرین بانک اطلاعاتی جهانی آلودگی هوای شهری خود را، شامل اطلاعات حدود ۳,۰۰۰ شهر در سراسر جهان، منتشر کرد.

(۱) فریاد، داد، جیغ

(۲) پایگاه داده‌ها، بانک اطلاعاتی

(۳) آموزش؛ تحصیل

(۴) درگیری، دخالت؛ گرفتاری، مشکل

۲۲۱۶ دولت تمام شهروندانش را در آن کشور تشویق کرده تا به عنوان احتیاط در برابر خشونت‌هایی که در آن منطقه متوجه بازدیدکنندگان خارجی بوده، هر چه سریع‌تر [آن جا را] ترک کنند.

(۱) راهنمایی کردن، هدایت کردن؛ اداره کردن

(۲) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن

(۳) تأثیر گذاشتن بر/در؛ تحت تأثیر قرار دادن

(۴) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

۲۲۱۷ در اکتبر [سال] ۱۹۹۵، سیب‌زمینی نخستین گیاه خوراکی شد که در فضا پرورش یافت. آن فناوری با هدف غذا رساندن به فضانوردان در سفرهای طولانی فضایی و نهایتاً غذا رساندن به اجتماعات آینده فضایی توسعه یافت.

(۱) اجتماع، گروه؛ مستعمره

(۲) شکل، اندازه؛ صورت کلی، طرح

(۳) منشأ؛ اصل، ریشه

(۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

۲۲۱۸ اگر جوان‌تر بودم، یاد می‌گرفتم که پیانو بنوازم، ولی من حالا خیلی پیرم. طبق مفهوم جمله، گوینده این جمله در حال حاضر پا به سن گذاشته است چراکه می‌گوید اگر جوان‌تر بود، پیانو زدن را یاد می‌گرفت. با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (یعنی جوان‌تر بودن گوینده جمله) یک امر خیالی یا فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد **were**) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل **would +**) را قرار دهیم.

۱۲۱۲۴ A: «ما در آشپزخانه موش داریم.»

B: «اگر یک گربه داشتید، موش‌ها زود غیبشان می‌زد.»

طبق مفهوم جمله، گوینده جمله A در حال حاضر گربه ندارد. بنابراین با توجه به این که تحقق موضوع شرط (داشتن گربه) در حال حاضر یک امر فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد had) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل would + فعل) را قرار دهیم. دقت کنید که کاربرد did (انجام دادن) در گزینه (۲) از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست.

۴۲۱۲۵ مردی که داشتی پیش از این با او صحبت می‌کردی مایک است که یک متخصص شبکه‌های کامپیوتری است.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، انسان (the man) است و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی (you) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد ضمیر موصولی مناسب whom، who یا that خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. اما با توجه به این که مرجع ضمیر موصولی در جای خالی دوم، انسان (Mike) است و بعد از آن نیز فعل (is) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب برای جای خالی دوم who یا that خواهد بود و در بین این دو گزینه فقط گزینه (۴) می‌تواند صحیح باشد.

۴۲۱۲۶ اگر افراد بیشتری شروع به خرید پاکت‌های چندبارمصرف می‌کردند مقدار زباله بر روی زمین کاهش می‌یافت.

با توجه به مفهوم جمله (وجود این شرط فرضی که افراد بیشتری شروع به خرید پاکت‌های چندبارمصرف کنند) و نیز کاربرد فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل would + فعل) در بند جواب شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل گذشته ساده (در این مورد started) نیاز داریم. دقت کنید که بعد از would در جای خالی اول باید از decrease (کاهش دادن؛ کاهش یافتن) استفاده کنیم تا جمله معنای صحیحی داشته باشد و این جمله با increase (افزایش دادن؛ افزایش یافتن) معنای مناسبی نخواهد داشت.

۳۲۱۲۷ بودن در اطراف افرادی که با ما تفاوت دارند ما را خلاق‌تر، دقیق‌تر و سخت‌کوش‌تر می‌کند.

مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، انسان (people) است و بعد از آن نیز فعل (are) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب who یا that خواهد بود و در بین گزینه‌های موجود، فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که بعد از فعل make در معنی به کار رفته در این تست، می‌توانیم ابتدا از مفعول (در این مورد ضمیر مفعولی us) و سپس از صفت (در این جا creative) استفاده کنیم و کاربرد قید حالت (creatively) به جای صفت نادرست است.

۱۲۱۲۸ خانه‌ای که والدین من ۲۰ سال پیش خریدند الان ده برابر آن‌چه برایش پول دادند، می‌ارزد.

مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، غیر انسان (the house) است و بعد از آن نیز فاعل (my parents) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد which یا that خواهد بود و در بین گزینه‌های موجود، فقط یکی

از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در جای خالی دوم باید از what (آن چه) استفاده کنیم و کاربرد ضمیر موصولی which (که) در این جا از نظر معنایی و گرامری صحیح نیست.

۲۲۱۲۹ اکثر سؤال‌هایی که در کلاس مطرح شد بی‌جواب باقی ماند.

مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، غیر انسان (most of the questions) است و بعد از آن نیز فعل (were raised یا raised) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد which یا that خواهد بود و هیچ‌کدام از گزینه‌ها را از این طریق نمی‌توان حذف کرد؛ دقت کنید که افعال raise (در این مورد مطرح کردن) و leave (در این مورد رها کردن، باقی گذاشتن) در این جا هر دو جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که مفعول این دو فعل (most of the questions) پیش از آن‌ها قرار گرفته است، هر دوی این افعال را به صورت مجهول (to be + pp) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، تنها در گزینه (۱) هر دوی این افعال را به صورت مجهول داریم.

۲۲۱۳۰ تارا در لندن زندگی می‌کند. اگر او در لندن زندگی نمی‌کرد، لازم نبود چنین اجاره بالایی را بپردازد.

تمامی موارد به کار رفته در بند شرط در زمان گذشته ساده هستند (در گزینه‌ها lived و didn't live) و در بند جواب شرط هم فقط فعل آینده در گذشته ساده را داریم (در گزینه‌ها would have to و wouldn't have to). بنابراین شرطی از نوع دوم است و صرفاً باید بر مبنای معنی جمله تشخیص دهیم که در هر دو بند شرط و جواب شرط به شکل منفی فعل نیاز است.

۴۲۱۳۱ بیکاری حتی بیشتر [از این] خواهد بود مگر این که دولت سیاست‌هایش را از ریشه تغییر دهد.

در جملات شرطی نوع یک، به جای if (اگر)، می‌توان از unless (مگر این که) هم استفاده کرد. البته هنگام استفاده از unless، حواستان به معنی جمله باشد، چرا که unless از نظر معنایی متضاد if است. در واقع همین جمله صورت تست را می‌توان با تغییر فعل از مثبت به منفی، تقریباً با همین معنی بیان کرد:

There will be even greater unemployment if the government doesn't radically change its policies.

۲۲۱۳۲ جان فلیکس یکی از دانشجویانی بود که من وقتی در دانشگاه برونل بودم به همراهش درس می‌خواندم.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، انسان (John Felix) است و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی (I) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد ضمیر موصولی مناسب whom، who یا that خواهد بود و یکی از گزینه‌های (۲)، (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در جای خالی دوم، ضمیر موصولی به زمان اشاره دارد، نه مکان؛ بنابراین برای این جای خالی، از بین when و where باید when را انتخاب کنیم.

۳۲۱۳۳ من تقریباً آماده‌ام که در باغچه‌ام کشت کنم. ولی فکر می‌کنم [که] بیشتر از آن‌چه نیاز دارم بذرم. اگر بیشتر از آن‌چه نیاز دارم بذرم داشته باشم، مقداری به نلی خواهم داد.

با توجه به مفهوم جمله شرطی و محتمل بودن موضوع شرط (داشتن بذرها)

(در این مورد knew) نیاز داریم. دقت کنید که بعد از کلمات پرسشی (مانند how در این تست) فعل را به صورت مصدر با to به کار می‌بریم (در این مورد to write).

۴۲۱۳۷ عمه‌ام که هفته پیش به من سر زد خانه‌ای در فرانسه دارد که هر تابستان به آنجا می‌رود.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، انسان (my aunt) است و بعد از آن نیز فعل (visited) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد ضمیر موصولی مناسب who یا that خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در جای خالی دوم، ضمیر موصولی به مکان اشاره دارد و بنابراین در اینجا از where استفاده می‌کنیم.

۴۲۱۳۸ ما قصد نداریم آن خانه را به آن قیمت بخریم، ولی اگر اندکی ارزان‌تر بود، آن را می‌خریدیم.

طبق مفهوم جمله، خانه مورد اشاره در حال حاضر چندان ارزان نیست. بنابراین با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (اندکی ارزان‌تر بودن آن خانه) یک امر فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد were) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) را قرار دهیم.

۴۲۱۳۹ آن شرکت ساختمانی جدید وعده داده است که تمام دانشجویان مهندسی را که سال آینده از ام‌آی‌تی فارغ‌التحصیل می‌شوند، استخدام کند. بعد از فعل promise (قول دادن به‌اکه) فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود و تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. با توجه به این‌که مرجع ضمیر موصولی در جای خالی دوم، انسان (all the engineering students) است و بعد از آن نیز فعل (will graduate) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد who یا that خواهد بود.

۴۲۱۴۰ A: «چرا تو آخر هفته آینده با بقیه نمی‌آیی کوه‌نوردی؟»
B: «راستش را بخواهی، من یک بزدلم. اگر شجاع بودم، با شما می‌آمدم.»
طبق مفهوم جمله، گوینده جمله B خودش هم اعتقاد دارد که شخص بزدلی است. بنابراین با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (شجاع بودن این شخص) یک امر فرضی یا خیالی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید در جای خالی از شرطی نوع دوم استفاده کنیم. البته دقت کنید که تمامی گزینه‌های این تست دارای ساختار شرطی نوع دوی صحیحی هستند و گزینه درست را تنها می‌توان با در نظر گرفتن معنی if (اگر) و unless (مگر این‌که) و هم‌چنین با توجه به مثبت یا منفی بودن فعل‌ها تشخیص داد!

۱۲۱۴۱ دست بردار از این‌که از من بپرسی جو برای تولدت چی خرید. حتی اگر می‌دانستم برات چی خرید، به تو نمی‌گفتم.

طبق مفهوم جمله، گوینده جمله اطلاع ندارد که جو چه هدیه‌ای خریده است. بنابراین با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (دانستن این موضوع) یک امر فرضی یا خیالی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را

بیشتر از مقدار مورد نیاز) و این‌که جمله شرطی به زمان آینده اشاره دارد، شرطی از نوع یک است؛ بنابراین در بند شرط از فعل حال ساده (در این مورد have) و در بند جواب شرط از فعل آینده ساده (در این مورد will give) استفاده می‌کنیم.
۴۲۱۳۴ ایستگاه ویکتوریا که نزدیک کاخ باکینگهام قرار گرفته، یکی از مشهورترین ایستگاه‌های راه‌آهن در لندن است.

مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (Victoria Station) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل be located) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آنچه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب در اینجا which یا that خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که از نظر معنایی، در اینجا فعل be located (قرار داشتن، بودن) مدنظر است، نه locate (پیدا کردن، یافتن)؛ بنابراین در بین این دو گزینه فقط گزینه (۴) می‌تواند صحیح باشد.

بیشتر بدانیم: در صورتی‌که ضمیر موصولی، اطلاعاتی را به اسم پیش از خود اضافه کند، اما معنای آن را محدود نسازد، در این مورد کاربرد that به عنوان ضمیر موصولی اساساً نادرست است و بسته به مورد فقط می‌توانیم از who، whom، which یا whose استفاده کنیم. دقت کنید که در این‌گونه موارد ضمیر موصولی دو نشانه بسیار مهم دارد: اولاً این‌که در این موارد پیش از ضمیر موصولی حتماً ویرگول قرار می‌گیرد و ثانیاً این‌که اگر در جمله‌ای بند موصولی را به کلی حذف کردید و در تشخیص مرجع ضمیر موصولی دچار مشکل نشدید، ضمیر موصولی از این نوع است و در نتیجه نمی‌توان that را به کار برد. در واقع، هرچند شما برای پاسخ‌گویی به این تست نیاز به دانستن این نکته نداشتید، اما اگر از این نکته اطلاع داشتید، می‌توانستید that را به راحتی از گزینه‌ها حذف کنید.

۴۲۱۳۵ آن دانش‌آموز نمی‌داند چگونه تمرینی را که دیروز توسط معلم [به او] داده شد، انجام دهد.

مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، غیر انسان (the exercise)، و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل give) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد which یا that خواهد بود و هیچ‌کدام از گزینه‌ها را از این طریق نمی‌توان حذف کرد! دقت کنید که فعل give (دادن) در اینجا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the exercise) پیش از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، تنها در گزینه‌های (۱) و (۳) این فعل را به صورت مجهول داریم. برای اشاره به عملی که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست yesterday) انجام شده و به اتمام رسیده است، به فعل در زمان گذشته ساده نیاز داریم که در این تست شکل مجهول آن را در گزینه (۳) داریم.

۴۲۱۳۶ من اگر می‌دانستم چگونه یک تقاضانامه بنویسم برای آن شغل تقاضا می‌دادم.

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی در بند شرط) و نیز کاربرد فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد would apply) در بند جواب شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل آینده در گذشته ساده

از آن نیز فعل (went) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد تنها می‌توانیم از **who** یا **that** استفاده کنیم و همه گزینه‌های نادرست به راحتی حذف می‌شوند.

۲۱۴۶ این کتاب‌ها، که می‌توانی [آن‌ها را] در هر کتاب‌فروشی‌ای تهیه کنی، به تو تمام اطلاعاتی را که نیاز داری خواهد داد.

◀ مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (these books) و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی (you) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آن چه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب در این جا **which** یا **that** خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که **information** (اطلاعات) در جای خالی دوم جزء اسامی غیرقابل شمارش است و نمی‌توانیم آن را جمع ببندیم؛ بنابراین گزینه (۱) نیز به این دلیل حذف می‌شود.

بیشتر بدانیم: گزینه (۱) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی‌تواند صحیح باشد. در این مورد می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۲۱۴۷ اگر خوب برنامه‌ریزی کنی، می‌توانی زمان کم‌تری صرف انجام چیزهای غیرضروری کنی و کار را سریع‌تر به انجام برسانی.

◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (plan)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) نیاز داریم. البته در جملات شرطی نوع اول، به جای **will**، از **can**، **might**، **may** و **must** هم می‌توان استفاده کرد؛ بنابراین تا همین جای کار می‌دانیم که پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. دقت کنید که کلمه **and** در بین جاهای خالی اول و دوم یک کلمه ربط هم‌پایه‌ساز به حساب می‌آید و در نتیجه **get** نیز به تبعیت از **spend** پس از فعل وجهی **can** به شکل ساده به کار می‌رود.

۲۱۴۸ مارتین که برای ماه‌ها درس‌هایی را می‌گذراند، امتحانش را زمانی داد که به او شغلی پیشنهاد شد که نیازمند گواهی‌نامه رانندگی بود.

◀ مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، انسان (Martin) است و بعد از آن نیز فعل (had been having) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد ضمیر موصولی مناسب **who** خواهد بود و در بین گزینه‌های موجود، فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. اما در جای خالی دوم، مرجع ضمیر موصولی، غیرانسان (a job) است و بعد از آن نیز فعل (required) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد تنها می‌توانیم از **which** یا **that** استفاده کنیم و گزینه (۲) نیز به راحتی حذف می‌شود.

بیشتر بدانیم: کاربرد **that** در جای خالی اول اساساً نادرست است. برای توضیحات بیشتر می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۲۱۴۹ جان ۱۲ ساعت در روز کار می‌کند. اگر جان این قدر گرفتار نبود، وقت بیشتری برای خانواده‌اش داشت.

◀ طبق مفهوم جمله، جان در حال حاضر هر روز ۱۲ ساعت کار می‌کند و شخص بسیار گرفتاری به حساب می‌آید. در نتیجه با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی این قدر گرفتار نبودن) در حال حاضر یک امر فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده کنیم. البته این موضوع به ما کمک

با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد **knew**) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + **would**) را قرار دهیم. تا همین جای کار می‌دانیم که پاسخ این تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. البته با کمی دقت به معنی جمله، به راحتی می‌توانید متوجه شوید که در جای خالی دوم به شکل منفی فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد **wouldn't** tell) نیاز داریم، نه شکل مثبت آن.

۲۱۴۷ توکیو، که پایتخت ژاپن است، یکی از سه شهر بزرگ جهان است.

◀ مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (Tokyo) است و بعد از آن نیز فعل (is) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آن چه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب در این جا **which** یا **that** خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در جای خالی دوم، طبق مفهوم جمله و کاربرد **the** پیش از جای خالی، به صفت عالی (largest) نیاز داریم، نه صفت تفضیلی (larger).

بیشتر بدانیم: گزینه (۳) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی‌تواند صحیح باشد. در این مورد می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۲۱۴۳ فکر می‌کنید اگر تمام مردم به یک زبان صحبت می‌کردند در جهان اختلاف کم‌تری وجود داشت؟

◀ همان‌طور که همه می‌دانند، در جهان تمام انسان‌ها به یک زبان صحبت نمی‌کنند. بنابراین با توجه به این که تحقق موضوع شرط (تکلم همه انسان‌های جهان به یک زبان) یک امر فرضی یا خیالی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد **spoke**) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + **would**) را قرار دهیم.

۲۱۴۴ موسیقی‌دان‌های جوانی که هر روز ساعت‌ها و ساعت‌ها تمرین می‌کردند، پیشرفت زیادی نشان دادند.

◀ مرجع ضمیر موصولی، انسان (the young musicians) است و بعد از آن نیز فعل (در این مورد **practiced**) را داریم؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب **who** یا **that** خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که کاربرد فعل گذشته ساده **practiced** نشان می‌دهد که در این جا فعل مربوط به زمان مشخصی در گذشته است و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در جای خالی دوم نیز به فعل گذشته ساده (در این مورد **showed**) نیاز داریم.

۲۱۴۵ جالب‌ترین فیلمی که از مدت‌ها پیش [تاکنون] دیده‌ام، یک [فیلم] درباره هنرمندی است که رفت تا در اسپانیا زندگی کند.

◀ در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (the most interesting film) است و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی (در این مورد **I**) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد **which** یا **that** خواهد بود و تمام موارد ارائه شده برای جای خالی اول صحیح هستند!

اما در جای خالی دوم، مرجع ضمیر موصولی، انسان (the artist) است و بعد

۴۲۱۵۴ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری صحیح است؟

- (۱) تو اگر لباس‌های گرم‌تری می‌پوشیدی دائم سرما نمی‌خوردی.
- (۲) ما هیچ‌وقت آماده کردن اتاق را تمام نمی‌کنیم مگر این‌که همه کمک کنند.
- (۳) تو دوستان را از دست خواهی داد اگر تلاش بیشتری برای دیدن آن‌ها نکنی.
- (۴) اگر بخواهیم کیفیت زندگی‌مان را بهبود ببخشیم، باید از ماشین‌هایمان کم‌تر استفاده کنیم.

در گزینه (۱) با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی) و نیز کاربرد فعل آینده در گذشته ساده در بند جواب شرط (در این مورد wouldn't catch)، شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل گذشته ساده (در این مورد wore) نیاز داریم. در گزینه (۲) با توجه به محتمل بودن موضوع شرط (کمک کردن همه) در زمان حال و آینده و نیز کاربرد فعل آینده ساده در بند جواب شرط (در این مورد I'll finish)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد helps) نیاز داریم.

در گزینه (۳) نیز مانند گزینه (۲) با توجه به محتمل بودن موضوع شرط در زمان حال و آینده و نیز کاربرد فعل آینده ساده در بند جواب شرط (در این مورد will lose)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم. دقت کنید که برای منفی کردن اکثر افعال مربوط به ضمیر فاعلی you در زمان حال ساده، پیش از فعل، don't قرار می‌دهیم؛ به عبارت دیگر در این گزینه باید به جای not از don't استفاده شود.

در نهایت توجه کنید که گزینه (۴) به دلیل محتمل بودن شرط در زمان حال و آینده به نحو صحیحی دارای ساختار شرطی نوع یک است و در بند شرط از فعل حال ساده (want) استفاده کرده‌ایم و بند جواب شرط با فعل آینده ساده (will have to) کامل شده است.

۴۲۱۵۵ مرکز خریدی که در منطقه مرکزی شهر ساخته شد بر ترافیک تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است.

مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (the mall) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل build) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد which یا that خواهد بود. دقت کنید که فعل build (ساختن، بنا کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the mall) پیش از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم و در بین گزینه‌های (۱) و (۳) که با which یا that آغاز شده‌اند، تنها گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۴۲۱۵۶ دوست من که در آپارتمانی در مرکز شهر زندگی می‌کند می‌خواهد این‌جا به محله من نقل مکان کند.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، انسان (my friend) است و بعد از آن نیز در تمام گزینه‌ها فعل (شکل مناسب فعل live) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد who یا that خواهد بود و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که بعد از فعل want (خواستن) که پیش از جای خالی دوم به کار رفته، فعل دوم را به صورت مصدر با to نیاز داریم و در نتیجه در بین این دو گزینه، گزینه (۲) صحیح خواهد بود.

خاصی نمی‌کند، چراکه تمامی موارد به کار رفته برای بند شرط در زمان گذشته ساده و تمام موارد به کار رفته در بند جواب شرط به صورت آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) هستند.

در واقع برای پاسخ‌گویی به این تست باید به مفهوم جمله دقت می‌کردید تا متوجه می‌شدید که فعل در بند شرط به صورت منفی (were not / weren't) و در بند جواب شرط به صورت مثبت (would have) مدنظر است.

۴۲۱۵۷ چرا همه چیز را به او توضیح نمی‌دهی؟ اگر حقیقت را به او نگویی، مطمئنم روزی از آن پشیمان می‌شوی.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (I'll regret) شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم؛ بنابراین گزینه (۳) به دلیل کاربرد فعل گذشته ساده (talked) حذف می‌شود. دقت کنید که ضمیر سوم شخص مفرد مذکر به کار رفته در گزینه‌ها، در جایگاه مفعول جمله قرار دارد و چون مفعول از نظر شخص به فاعل (you) ارجاع ندارد، پس در این جا باید از ضمیر مفعولی (him) استفاده کنیم، نه ضمیر انعکاسی (himself). البته گزینه (۴) به لحاظ معنایی نیز نمی‌تواند صحیح باشد.

۴۲۱۵۸ فکر نمی‌کنم باید بر صحبت کردن با او پافشاری کنی. اگر من جای تو بودم، او را تنها می‌گذاشتم (به حال خود رها می‌کردم).

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی و محال در بند شرط) و نیز کاربرد فعل گذشته ساده (در این مورد were) در بند شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط، به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم؛ بنابراین در بین گزینه‌ها فقط گزینه (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۴۲۱۵۹ وسیله‌ای که در این تصویر می‌توانید ببینید، دستگاهی الکترونیکی است که توسط تیم ما توسعه یافت.

مرجع ضمیر موصولی در هر دو جای خالی، غیرانسان (the device و an electronic equipment) است؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در هر دو مورد which یا that خواهد بود و در بین گزینه‌های موجود تنها گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۴۲۱۵۲ اگر هیچ انسان گرسنه‌ای در جهان نبود، این [جهان] جای بسیاری بهتری می‌بود.

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی و محال در بند شرط) و نیز کاربرد فعل گذشته ساده (در این مورد were) در بند شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم. البته دقت کنید که در شرطی نوع دوم، به جای would، از could و might نیز می‌توان استفاده کرد، مشروط بر این‌که از نظر معنایی با جمله انطباق داشته باشند؛ بنابراین بر مبنای ساختار شرطی جمله تنها می‌توانیم گزینه (۲) را حذف کنیم. دقت کنید که place (محل، مکان) در این جا یک اسم قابل شمارش است که به دلیل مفرد و نکره بودن، به حرف تعریف a نیاز دارد. نکته آخر نیز این‌که better نقش صفت را برای place دارد و در انگلیسی صفت پیش از اسم قرار می‌گیرد.

۲۱۵۷ اگر زمین‌لرزه‌ای رخ داد و شما داخل [ساختمان] بودید، تلاش نکنید از ساختمان بیرون بدوید.

با توجه به مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که بند جواب این جمله شرطی با ساختار جمله امری کامل می‌شود. همان‌طور که می‌دانید جملات امری با شکل ساده فعل (در این مورد try) بیان می‌شوند و برای منفی کردن آن‌ها نیز کافی است پیش از شکل ساده فعل، don't قرار دهید (یعنی don't try در این مورد)؛ بنابراین با بررسی بند جواب شرط به پاسخ صحیح تست رسیدیم.

البته بد نیست توجه کنید که ساختار جمله امری تنها در بند جواب شرط جملات شرطی نوع یک کاربرد دارد و در نتیجه در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد hits برای فاعل سوم شخص مفرد an earthquake) نیاز است.

۲۱۵۸ A: «من هیچ چیز را در این کلاس نمی‌فهمم. این [کلاس] کسالت‌آور است. و من دارم نمره مردودی می‌گیرم (دارم می‌افتم).»

B: «اگر من احساس تو را در موردش داشتم، فوراً این کلاس را حذف می‌کردم.»
طبق مفهوم جمله، می‌توانیم برداشت کنیم که گوینده جمله B در حال حاضر در مورد کلاس مورد بحث حس کسالت ندارد. با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (داشتن حس کسالت در مورد آن کلاس) یک امر خیالی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد felt) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) را قرار دهیم.

۲۱۵۹ موزه لوور، که در آن بیش از ۳۵۰,۰۰۰ اثر هنری نگه‌داری می‌شود، پربازدیدترین موزه هنری در جهان است.

با توجه به این‌که در این‌جا ضمیر موصولی موزه لوور را به عنوان یک مکان و محل مورد اشاره قرار داده است، پس برای جای خالی اول باید از where یا in which استفاده کنیم که البته در بین گزینه‌ها فقط where وجود دارد. دقت کنید که فعل keep (نگه داشتن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. به دلیل این‌که مفعول این فعل (350,000 works of art) پیش از جای خالی دوم قرار دارد، بنابراین در جای خالی دوم فعل keep به صورت مجهول مدنظر است. در بین گزینه‌های (۱) و (۳) تنها در گزینه (۳) ساختار مجهول (در این مورد are kept) به کار رفته است.

۲۱۶۰ من مطمئنم که مایک به تو مقداری پول قرض خواهد داد. تعجب می‌کنم اگر رد کند.

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی در بند شرط) و نیز کاربرد فعل گذشته ساده (در این مورد refused) در بند شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که صفات مفعولی (مانند surprised در این تست) پذیرای احساس هستند و در اکثر موارد، احساس به وجود آمده در شخص را نشان می‌دهند. در نتیجه، با توجه به مفهوم جمله (احساسی که ممکن است در شخص به وجود بیاید) و اشاره صفت به شخص (در این مورد ضمیر فاعلی I)، در گزینه صحیح به صفت مفعولی surprised نیاز داریم.

۲۱۶۱ اگر شرکت‌کنندگان به خودشان فشار بسیار زیادی بیاورند، فعالیت‌های تناسب جسمانی می‌تواند به انواع هشداردهنده‌ای از مصدومیت ما بینجامد.

با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط امکان‌پذیر در زمان حال و آینده) و نیز ترکیب گزینه‌ها، می‌توانیم متوجه شویم که در این جمله به شرطی نوع یک نیاز داریم. دقت کنید که اصولاً در بند شرط جملات شرطی نوع اول از فعل در زمان حال ساده (در این مورد push) استفاده می‌شود و در بند جواب شرط این نوع از جملات شرطی، از فعل در زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌کنیم. البته در بند جواب شرط این نوع از جملات شرطی، به جای will، از should, must, might, may یا can نیز می‌توان استفاده کرد.

بد نیست به این نکته نیز دقت کنید که در هیچ‌کدام از گزینه‌های این تست، ترکیب فعل گذشته ساده (pushed) در بند شرط و فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) در بند جواب شرط وجود ندارد و در نتیجه جدایی از بحث مفهومی، اساساً از نظر ساختاری نیز شرطی نوع دو مدنظر نیست.

۲۱۶۲ دکتر اسمیت، که تو هنوز ملاقاتش نکرده‌ای، یک متخصص فوق‌العاده در دستگاه‌های الکتریکی است.

مرجع ضمیر موصولی، انسان (Dr. Smith) است و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی you قرار دارد؛ بنابراین در بین گزینه‌های موجود، ضمیر موصولی مناسب whom خواهد بود، نه whose. دقت کنید که از yet به همراه افعال حال کامل منفی (در این مورد haven't met) استفاده می‌شود تا از این طریق بیان کنیم که عملی از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است.

۲۱۶۳ اگر صاحبان خودرو مجبور بودند مالیات اضافی برای رانندگی کردن در شهرها بپردازند، آن‌ها خیلی کم‌تر از خودروهایشان استفاده می‌کردند.

طبق مفهوم جمله و چینش گزینه‌ها، می‌توان متوجه شد که وضع مالیات بیشتر برای رانندگان در شهرها صرفاً یک امر فرضی است؛ بنابراین با توجه به فرضی بودن موضوع شرط و مربوط بودن موضوع شرط به زمان حال و آینده، شرطی از نوع دوم است و بند شرط با فعل گذشته ساده (در این مورد had to pay) کامل می‌شود و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم. دقت کنید که had paid در گزینه‌های (۲) و (۴) در زمان گذشته کامل است که در درس سوم با آن آشنا می‌شویم.

۲۱۶۴ ممکن است چک کنی [که] در یخچال چند تا تخم مرغ هست؟ اگر بیشتر از یک دوجین باشد، درست بعد از ناهار یک کیک درست خواهیم کرد.

برای اشاره کردن به وجود داشتن و بودن، از there is / are در زمان حال ساده و there was / were در زمان گذشته ساده استفاده می‌شود؛ بنابراین طبق مفهوم جمله و کاربرد they در گزینه‌های (۱) و (۳) این دو گزینه به راحتی حذف می‌شوند. در بین دو گزینه باقی‌مانده نیز گزینه (۲) به دلیل عدم انطباق فعل در بند شرط و بند جواب شرط نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که در صورت کاربرد فعل گذشته ساده (were) در بند شرط، شرطی از نوع دوم می‌شد و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد would make) نیاز داشتیم. در واقع همان‌طور که از محتمل بودن موضوع شرط نیز می‌توان حدس زد، این جمله دارای ساختار شرطی نوع یک است و بند شرط آن با فعل

۱۲۱۶۸ دانیل که پدرش ایتالیایی است، خانه‌ای ویلایی در روستایی خریده که پدربزرگش در آن‌جا زندگی می‌کرد.

در جای خالی اول با توجه به این‌که ضمیر موصولی رابطه تعلق و پدر و فرزندی بین دانیل و پدرش را مورد اشاره قرار می‌دهد، در نتیجه تنها می‌توانیم از ضمیر موصولی مالکیت و تعلق (whose) استفاده کنیم و به گزینه (۱) به عنوان پاسخ صحیح تست می‌رسیم. دقت کنید که در جای خالی دوم، where به عنوان ضمیر موصولی مکان مدنظر است و به محل زندگی کردن پدربزرگ دانیل اشاره دارد.

بیشتر بدانیم: گزینه (۴) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی‌تواند صحیح باشد. در این مورد می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۴۲۱۶۹ در [سال] ۱۹۴۵، الکساندر فلمینگ، مردی که پنی‌سیلین را کشف کرد، هشدار داد که استفاده بیش از حد از داروی معجزه‌آسای او ممکن است باکتری‌ها را در برابر آن ایمن کند.

مرجع ضمیر موصولی، انسان (the man) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل discover) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آن‌چه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب در این‌جا who یا that خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که discover (کشف کردن؛ پیدا کردن) جزء افعال متعدی است، اما چون مفعول آن (penicillin) بعد از جای خالی قرار دارد، این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم (در این‌جا discovered)، نه مجهول (was discovered).

بیشتر بدانیم: گزینه (۳) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی‌تواند صحیح باشد. در این مورد می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۲۲۱۷۰ رئیس‌جمهور قول داده است هر کاری که می‌تواند انجام دهد تا به آن‌هایی که خانه‌هایشان در زمین‌لرزه خراب شده، کمک کند.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (everything) است و بعد از آن نیز ضمیر فاعلی (he) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب برای جای خالی اول which یا that خواهد بود و هیچ‌کدام از گزینه‌ها را نمی‌توان براساس جای خالی اول حذف کرد. البته با توجه به وجود رابطه مالکیت بین those (آن‌ها) و houses (خانه‌ها)، برای جای خالی دوم به ضمیر موصولی مالکیت و تعلق نیاز داریم و تمام موارد به جز whose به راحتی حذف می‌شوند.

۴۲۱۷۱ ای وای، فکر کنم کمی دیر کردیم. اگر فیلم قبلاً شروع شده باشد، اجازه نخواهیم داشت که داخل برویم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال کامل در بند شرط (has started) که در جملات شرطی نوع یک در بند شرط کاربرد دارد و نشان می‌دهد که فعل در زمان نامشخصی از گذشته یا پیش از زمان مشخصی در آینده انجام می‌شود، جمله دارای ساختار شرطی نوع یک است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده نیاز خواهیم داشت؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که allow (اجازه

حال ساده (در این مورد are) کامل می‌شود؛ و در نتیجه در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (در این مورد will make) نیاز خواهیم داشت.

۱۲۱۶۵ اگر ساکت باشی و سعی کنی یک لحظه [به من] گوش بدهی، می‌توانی بفهمی چه می‌خواهم بگویم.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (keep) شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل will + نیاز داریم. البته در بند جواب شرط جملات شرطی نوع یک، به جای will، از can, might, may, must یا should نیز می‌توان استفاده کرد و در نتیجه تنها گزینه (۲) را می‌توان به دلیل کاربرد فعل آینده در گذشته ساده (would understand) در بند جواب شرط حذف کرد. دقت کنید که گزینه (۲) به دلیل کاربرد فعل منفی can't و گزینه (۴) به دلیل کاربرد unless (مگر این‌که) که از نظر معنایی متضاد if (اگر) هستند و نمی‌توانند جمله را به شکل مناسبی کامل کنند.

۴۲۱۶۶ بیشتر دولت‌های اروپایی اجازه نخواهند داد که کودکان در مدارس عمومی شرکت کنند مگر آن‌که آن‌ها در برابر دیفتری، هپاتیت ب، آبله‌مرغان و بعضی ویروس‌های دیگر واکسینه شده باشند.

این تست برخلاف ظاهر پیچیده‌اش خیلی تست راحتی بود و برای یافتن پاسخ تست، اصلاً نیازی به بررسی ساختار شرطی جمله نبود! دقت کنید که به از فعل allow (اجازه دادن به) ابتدا مفعول (در این مورد children) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود. با توجه به این‌که تنها در گزینه (۴) مصدر با to داریم، در بین گزینه‌های موجود، تنها همین گزینه می‌تواند صحیح باشد.

در مورد ساختار شرطی جمله نیز توجه کنید که در این تست با شرطی نوع یک سروکار داریم که در بند شرط آن به جای فعل حال ساده، از فعل حال کامل به صورت مجهول (یعنی have been vaccinated) استفاده شده است و در نتیجه در بند جواب شرط، فعل آینده ساده (در این مورد will not allow) را به کار می‌بریم.

۳۲۱۶۷ ظاهراً، آن شرکت کشتی‌رانی در حال برنامه‌ریزی کردن برای بستن بندر در این شهر است. اگر آن اتفاق بیفتد، شهر مقدار زیادی پول را از دست خواهد داد.

با توجه به مفهوم جمله و محتمل بودن بسته شدن بندر، در این جمله ساختار شرطی نوع یک مدنظر است؛ در نتیجه در بند شرط از فعل حال ساده (در این مورد happens) استفاده می‌کنیم، ولی بند جواب شرط با فعل آینده ساده (در این مورد will lose) کامل می‌شود. دقت کنید که هرچند کاربرد فعل حال کامل (در این مورد has happened) در بند شرط جملات شرطی نوع یک از نظر دستوری صحیح و بدون اشکال است، اما ما در صورتی مجاز به استفاده از زمان حال کامل در بند شرط هستیم که تحقق موضوع شرط مربوط به زمان نامشخصی در گذشته یا پیش از زمان مشخصی در آینده باشد. ولی این جمله به وضوح تأکید کرده است که این موضوع، برنامه‌ای است که ممکن است در آینده اتفاق بیفتد.

استفاده کنیم. دقت کنید که ضمیر **which** و مرجع آن، فاعل فعل **make** هستند و در واقع باعث به وجود آمدن این فعل می‌شوند؛ بنابراین این فعل به صورت معلوم (در این جا **makes**) مورد نیاز است، نه مجهول (**is made**).
 اگر شهرداری فضای محوطه پارکینگ را در مرکز شهر استریش دهد،

ما لازم نیست این قدر دور از سینما پارک کنیم.
 با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (**expands**)، شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + **will**) نیاز خواهیم داشت. ولی با توجه به این که در بند جواب شرط جملات شرطی نوع یک، به جای **will**، می‌توان از **should can may** یا **might** یا **must** نیز استفاده کرد، هیچ کدام از گزینه‌ها را نمی‌توان بر مبنای ساختار شرطی جمله حذف کرد.

دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در بند جواب شرط، عدم اجبار و ضرورت مدنظر است و همان طور که می‌دانید، در زبان انگلیسی عدم اجبار و ضرورت با **not have to** بیان می‌شود و چون **to** در این جا حالت مصدری دارد، بعد از آن شکل ساده فعل (**park**) را قرار می‌دهیم.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟
 (۱) او من را به یک رستوران گران قیمت برد که در آن جا از یک وعده خوب لذت بردیم.

(۲) در کتابخانه مدرسه‌مان، چندین میز بزرگ هست که در آن جا می‌توانیم بنشینیم تا کتاب بخوانیم.

(۳) آن بمب، که ۱۵ نفر را کشت، بدترین [حمله] از مجموعه‌ای از حملات تروریستی بود.

(۴) کافی شاپ‌ها و رستوران‌های زیادی در محله‌ای که ما زندگی می‌کنیم وجود دارد.
 در گزینه (۱)، **where** به عنوان ضمیر موصولی مکان به کار رفته و مرجع آن نیز **the restaurant** (رستوران) است. در این گزینه، نه کاربرد **where** به عنوان ضمیر موصولی مکان و نه هیچ کدام از سایر اجزای جمله اشکال خاصی ندارد.
 در گزینه (۲)، با توجه به مفهوم جمله به ضمیر موصولی مکان نیاز داریم و در نتیجه باید به جای **which** از **where** استفاده کنیم.

در گزینه (۳)، فعل **kill** (کشتن) متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما با توجه به این که مفعول آن (**15 people**) بعد از خودش به کار رفته، این فعل را باید به صورت معلوم (**killed**) استفاده کنیم، نه مجهول (**was killed**).
 گزینه (۴) اما دو اشکال دارد: اولاً ضمیر موصولی انتهای جمله به مکان اشاره دارد و در نتیجه باید به جای **which** از **where** استفاده شود؛ و ثانیاً طبق مفهوم جمله، بعد از ضمیر موصولی به یک فاعل (مثلاً ضمیر فاعلی **ive**) نیاز است.

پژوهشگران در حال انجام مطالعات موردی بر روی افرادی هستند که خانواده‌هایشان تاریخچه‌ای از فشار خون بالا و بیماری قلبی دارند.

در جای خالی اول با توجه به این که ضمیر موصولی رابطه، تعلق و نسبت خانوادگی بین افراد را مورد اشاره قرار می‌دهد، در نتیجه آنها می‌توانیم از ضمیر موصولی مالکیت و تعلق (**whose**) استفاده کنیم و به راحتی پاسخ صحیح تست (گزینه (۱)) پیدا می‌شود. دقت کنید که فعل **قرار گرفته** در جای خالی دوم به یک امر کلی اشاره دارد که مقید به بازه زمانی خاصی نیست؛ بنابراین باید آن را در زمان حال ساده (در این مورد **have**) به کار ببریم.

دادن به) جزء افعال متعدی است. البته به دلیل این که مفعول این فعل (**we**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی فعل آینده ساده را به شکل مجهول و با توجه به مفهوم جمله، به شکل منفی (در این مورد **won't be allowed**) نیاز خواهیم داشت.

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) اگر مادر من آن قدر سخت کار نمی‌کرد، خانواده ما پول کافی برای غذا نداشت.
 (۲) اگر من پولدار بودم، می‌توانستم زیباترین خانه را در جهان بخرم.
 (۳) اگر تو روزنامه نخوانی، نمی‌دانی در جهان چه رخ می‌دهد.
 (۴) حتی اگر آن‌ها برای من یک بلیت کنسرت می‌خریدند، من باز [هم] نمی‌توانستم بروم چون سر کار خیلی پرمشغله هستم.

در گزینه (۱) با توجه به مفهوم جمله (وجود شرط فرضی)، ساختار شرطی نوع دو مدنظر است و به درستی از فعل گذشته ساده (**didn't work**) در بند شرط و از فعل آینده در گذشته ساده (**would not have**) در بند جواب شرط استفاده شده است.

در گزینه (۲) نیز شرط فرضی (پولدار بودن برای شخصی معمولی) طرح شده است؛ بنابراین در این جا هم به درستی از شرطی نوع دو استفاده کرده‌ایم و بند شرط با فعل گذشته ساده (**were**) کامل شده است و در بند جواب شرط **could buy** به عنوان جایگزین فعل آینده در گذشته ساده (**would buy**) مورد استفاده قرار گرفته است.

گزینه (۴) نیز دقیقاً مانند گزینه (۲) دارای ساختار شرطی نوع دو است و البته در بند جواب شرط، **could** جایگزین **would** شده است. دقت کنید که طبق مفهوم این جمله، گوینده خرید بلیت را امری فرضی محسوب می‌کند و کاربرد ساختار شرطی نوع دو از نظر مفهومی نیز فاقد اشکال است.

اما در گزینه (۳) به دلیل مطرح بودن شرط محتمل و کاملاً امکان پذیر و همین طور استفاده از فعل حال ساده در بند شرط (**don't read**)، ساختار شرطی نوع یک را داریم و در بند جواب شرط باید به جای فعل آینده در گذشته ساده (**wouldn't know**) از فعل آینده ساده (**will not / won't know**) استفاده شود.

گفت‌وگوها بین دو رهبر مدام شکست می‌خورد. اگر آن [گفت‌وگوها] دوباره شکست بخورند، ممکن است جنگی بین دو کشور باشد (رخ دهد).

با توجه به این که در این مورد فعل **keep** (در معنی ادامه دادن به، مدام انجام شدن) و در یک معنی کلی به کار رفته و به بازه زمانی به خصوصی اشاره ندارد، باید آن را در زمان حال ساده (در این مورد **keep**) استفاده کنیم و همان طور که می‌دانید بعد از **keep (on)** در این معنی، فعل دوم **ing** دار می‌شود. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که با توجه به کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (**will be**)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد **break**) نیاز خواهیم داشت.

بستر رودخانه ناهموار است و شما ممکن است لحظه‌ای در آب کم عمق باشید و لحظه بعدی در آب عمیق، که آن را برای غیر شناگرها بسیار ناایمن می‌سازد (که برای غیر شناگرها بسیار ناایمن است).

مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (تمام عبارت قرار گرفته پیش از جای خالی) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل **make**) قرار دارد؛ بنابراین در بین موارد موجود در گزینه‌ها می‌توانیم از **which** به عنوان ضمیر موصولی

۲۱۸۱ افرادی که از افسردگی رنج می‌برند معمولاً نشانه‌های بروز می‌دهند به نام «واقع‌گرایی افسردگی». آن‌ها در واقع خود را واقع‌گرایانه‌تر از آن می‌بینند که دیگران [می‌بینند].

مرجع ضمیر موصولی در جای خالی اول، انسان (people) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل suffer) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد who یا that خواهد بود. دقت کنید که مفعول suffer from (رنج بردن از) یعنی depression (افسردگی) بعد از جای خالی اول قرار دارد و در نتیجه مجهول کردن این فعل (در گزینه‌ها are suffered و have been suffered) نیز نادرست است؛ پس تا همین‌جا به گزینه (۲) به عنوان پاسخ تست می‌رسیم. توجه کنید که فعل see در جای خالی دوم به یک امر کلی اشاره دارد و محدود به بازه زمانی مشخصی نیست، پس برای آن از فعل حال ساده (در این مورد see) استفاده می‌کنیم.

۲۱۸۲ اگر می‌خواهید پایه‌های پیشرفت‌های سریع در فناوری محل کار پیش بروید، باید برنامه بریزید تا دوره‌های بازآموزی مکرر بردارید.

با توجه به کاربرد must plan در بند جواب شرط که جایگزین فعل آینده ساده شده است، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۳) به دلیل کاربرد would want و have wanted به راحتی حذف می‌شوند، چرا که would want در بند جواب شرط جملات شرطی نوع دو کاربرد دارد و have wanted تنها در صورتی می‌تواند در بند شرط جملات شرطی نوع یک به کار رود که فعل در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده باشد. برای این‌که متوجه شوید در بین گزینه‌های (۲) و (۴) چرا گزینه (۲) به عنوان پاسخ تست انتخاب شده است، در این مورد به تفاوت معنی keep (on) و keep up with توجه کنید:

keep (on): (به کار خود) ادامه دادن؛ (به راه خود) ادامه دادن

keep up with: (به پای / همراه ... پیش رفتن)

۲۱۸۳ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

- (۱) اگر مجبور بودی یک دوره زبان انگلیسی در تابستان آینده برداری، چه کار می‌کردی؟
 - (۲) اگر می‌توانستی متفاوت باشی، چه چیزی را در خودت تغییر می‌دادی؟
 - (۳) اگر برنده تعطیلاتی رایگان در هر کجای جهان [که می‌خواستی] می‌شدی، به کجا می‌رفتی؟
 - (۴) اگر به یک مهمانی می‌رفتی و هیچ‌کس را نمی‌شناختی، چه کار می‌کردی؟
- در هر چهار گزینه این تست، طبق مفهوم جمله، شرط خیالی یا فرضی داریم؛ بنابراین در همه موارد به شرطی نوع دو نیاز است که این موضوع در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به درستی رعایت شده است:

1) What would you do if you had to take an ...?

فعل گذشته ساده فعل آینده در گذشته ساده

2) If you could be different, what would you change in yourself?

فعل گذشته ساده فعل آینده در گذشته ساده

4) What would you do if you went to a party ...?

فعل گذشته ساده فعل آینده در گذشته ساده

۴۲۱۸ اگر او شغلی را که برایش تقاضا داده به دست آورد، خیلی خوشحال خواهد شد. و من فکر می‌کنم او بخت خوبی برای به دست آوردن آن دارد.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل در زمان آینده ساده در بند جواب شرط (will be)، شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده نیاز داریم؛ در نتیجه گزینه (۱) به دلیل کاربرد فعل گذشته ساده (got) در بند شرط حذف می‌شود. دقت کنید که گزینه‌های (۲) و (۳) نیز به چند دلیل نادرست هستند: اولاً در هر دوی این گزینه‌ها حرف اضافه فعل apply (درخواست دادن برای) به اشتباه به جای for به صورت of آمده است؛ ثانیاً «درخواست دادن» در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و کاربرد would apply به عنوان فعل آینده در گذشته ساده صحیح نیست؛ و ثالثاً مجهول کردن apply در گزینه (۳) از نظر معنایی نادرست است.

۴۲۱۹ جان تصادف‌های ماشین زیادی دارد (زیاد با ماشین تصادف می‌کند). اگر او با دقت بیشتری رانندگی می‌کرد، تصادف‌های ماشین کم‌تری داشت (کم‌تر با ماشین تصادف می‌کرد).

یک تست بسیار آسان! با توجه به کاربرد فعل در زمان گذشته ساده در بند شرط (drove)، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل would + would) نیاز خواهیم داشت؛ بنابراین گزینه‌های (۱) و (۲) به دلیل کاربرد فعل آینده ساده (will / won't have) به راحتی حذف می‌شوند. دقت کنید که accident (تصادف) یک اسم قابل شمارش است که بعد از so many در گزینه (۲) به S جمع نیاز دارد؛ بنابراین در بین دو گزینه باقی‌مانده هم گزینه (۲) را به راحتی حذف می‌کنیم.

۲۱۸۰ الکساندر گ. بل که تا این اواخر مخترع تلفن در نظر گرفته می‌شد، صرفاً حق اختراعی را کسب کرد که به یک مخترع ایتالیایی تعلق داشت.

در جای خالی اول، مرجع ضمیر موصولی، انسان (Alexander G. Bell) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل consider) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آن‌چه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب در این‌جا who یا that خواهد بود. دقت کنید که فعل consider (در نظر گرفتن، به حساب آوردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد، ولی چون مفعول این فعل (ضمیر who که به Alexander G. Bell اشاره دارد) پیش از فعل قرار گرفته است، در این مورد به ساختار مجهول (to be + pp.) نیاز داریم که شکل مناسب آن (was considered) را در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) داریم؛ در نتیجه بر مبنای جای خالی اول و مطابق آن‌چه تاکنون یاد گرفته‌اید، تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد؛ البته با توجه به این‌که مرجع ضمیر موصولی در جای خالی دوم، غیر انسان (the patent) است، و بعد از آن نیز فعل (در این مورد belonged) قرار دارد؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این‌جا which یا that خواهد بود. در نتیجه در بین این دو گزینه، گزینه (۲) را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

بیشتر بدانیم: گزینه‌های (۳) و (۴) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی‌توانند صحیح باشند. در این مورد می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

در واقع در این تست، I think اصلاً جزء بخش‌های جمله شرطی نیست و به ذهنیت کلی گوینده جمله اشاره دارد که در عین حال به باره زمانی خاصی نیز مقید نیست؛ بنابراین در این مورد از فعل حال ساده (در این جا think) استفاده می‌شود.

دقت کنید که با توجه به کاربرد فعل گذشته ساده در بند شرط (در این مورد could live)، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد would choose) نیاز خواهیم داشت.

۲۲۱۸۹ مشتری می‌تواند کالا را تعویض کند اگر او آن جنس را در ۶۰ روز گذشته خریده باشد.

با بررسی گزینه‌های این تست و به خصوص با در نظر گرفتن موارد موجود برای بند شرط (buys و has bought) می‌توان متوجه شد که در این جا شرطی نوع یک مدنظر است. همان‌طور که می‌دانید، اگر در جملات شرطی نوع یک، موضوع بند شرط در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده باشد، برای بند شرط از فعل حال کامل (در این مورد has bought) استفاده می‌شود؛ بنابراین پاسخ این تست در بین گزینه‌های (۱) و (۲) است. در بین این دو گزینه نیز در موارد موجود، تنها از can exchange می‌توان برای بند جواب شرط جمله شرطی نوع یک استفاده کرد. در واقع هر چند در جملات شرطی نوع یک، در بند جواب شرط از فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + will) استفاده می‌شود، ولی در این مورد به جای will می‌توان should can, might, may و must را هم به کار برد.

۲۲۱۹۰ اگر پولدار بودم آن مرسدس جدیدی را می‌خریدم [که] دیروز دیدیم. متأسفانه من حتی پول یک ماشین مستعمل را هم ندارم.

با توجه به کاربرد فعل گذشته ساده (were) در بند شرط، در این جا ساختار شرطی نوع دو مدنظر است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده نیاز داریم که طبق مفهوم جمله باید به صورت مثبت (در این مورد would buy) به کار رود. دقت کنید که فعل see در جای خالی دوم در زمان مشخصی از گذشته (yesterday) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این جا شکل گذشته ساده این فعل (saw) مورد نیاز است.

۲۲۱۹۱ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) اگر شغل بهتری داشتی، تمام مدت درباره حقوقی که می‌گیری، گلایه نمی‌کردی.

(۲) مطمئنم تو اگر با من به کلاس‌ها می‌آمدی از تنیس بازی کردن لذت می‌بردی.

(۳) ما به رستوران محلی می‌رفتیم اگر منویشان را گاه‌گذاری تغییر می‌دادند.

(۴) تو هیچ ورزشی انجام نمی‌دهی. تو اگر کمی ورزش می‌کردی خیلی سالم‌تر می‌بودی.

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) شرط فرضی یا خیالی در مان حال و آینده (شرطی نوع دو) مطرح است؛ بنابراین به درستی در هر سه مورد از فعل گذشته ساده در بند شرط (به ترتیب came, had و did) و از فعل آینده در گذشته ساده

اما در گزینه (۳) با وجود کاربرد فعل گذشته ساده (won) در بند شرط، در بند جواب شرط، به جای فعل آینده در گذشته ساده از فعل آینده ساده (will go) استفاده شده است. در واقع گزینه (۳) را به این طریق می‌توان اصلاح کرد:

If you won a free holiday anywhere in the world, where would you go?

فعل آینده در گذشته ساده

۲۲۱۸۴ اگر آن قدر سخاوتمندانه [پول] خرج نمی‌کردی، کمی پول در جیب داشتی.

با توجه به کاربرد فعل آینده در گذشته ساده در بند جواب شرط (در این مورد would have) شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل گذشته ساده نیاز داریم؛ بنابراین گزینه (۲) به دلیل کاربرد فعل حال کامل (have spent) حذف می‌شود. دقت کنید که به دلیل مفهوم جمله، در این جا شکل گذشته ساده فعل spend را به صورت منفی (یعنی didn't spend) نیاز داریم.

۲۲۱۸۵ عصر برنز اولیه دوره‌ای بود که در آن شرایط اقلیمی به طور قابل توجهی گرم‌تر و خشک‌تر از امروز بود.

در جای خالی اول، ضمیر موصولی برای اشاره به دوره‌ای از زمان به کار رفته است؛ بنابراین در این جا از when استفاده می‌کنیم. با توجه به این‌که این دوره از زمان در گذشته به اتمام رسیده است، برای آن از فعل گذشته ساده (was) استفاده می‌شود، نه فعل حال کامل (has been).

۲۲۱۸۶ اگر بتوانی به من یک دلیل خوب برای این‌گونه رفتار کردن ا ارائه بدهی، هیچ‌وقت دیگر اسمی از این اتفاق نمی‌آورم.

با یک نگاه گذرا به گزینه‌های تست، گزینه (۲) را می‌توانیم به دلیل نداشتن فعل در بند جواب شرط حذف کنیم؛ در مورد گزینه‌های باقی‌مانده نیز دقت کنید که در معنی مدنظر این تست، از ever در جملات منفی یا سوالی استفاده می‌شود. در حالی‌که در جملات خبری مثبت از never استفاده می‌کنیم. در واقع، در این جمله never جایگزین not در جمله منفی شده است تا جمله از نظر معنایی (و نه دستوری) حالت منفی داشته باشد.

۲۲۱۸۷ اگر چمدانی را بیرون یک بانک روی پیاده‌رو پیدا کنی، با آن چه می‌کنی؟

با توجه به کاربرد فعل گذشته ساده (found) در بند شرط، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که برای پرسشی کردن جملات در زبان انگلیسی، کلمه پرسشی (در این مورد what) پیش از فعل کمکی (در این مورد would) قرار می‌گیرد.

۲۲۱۸۸ اگر می‌توانستم هر جا که می‌خواستم زندگی کنم، فکر کنم انتخاب می‌کردم که در جزایر قناری زندگی کنم.

برای پاسخ‌گویی به این تست جملات شرطی، ابتدا باید بند شرط و بند جواب شرط را تشخیص دهیم:

If I could live wherever I wanted to, I think I would

بند شرط

choose to live on the Canary Islands.

بند جواب شرط

در صورتی که فعل stop به معنی «متوقف کردن و قطع کردن فعل دوم» (در این جا write) باشد، فعل دوم را باید به صورت ingدار به کار ببریم. دقت کنید که در جملات شرطی نوع یک، از فعل حال کامل (در این مورد have finished) در بند شرط استفاده می‌شود تا بیان کنیم که موضوع شرط در زمان نامعینی از گذشته انجام شده است. هم‌چنین با دقت در بند جواب شرط می‌توان متوجه شد که در این جا ساختار جمله امری مدنظر است و همان‌طور که می‌دانید کلیدی‌ترین عنصر جملات امری، شکل ساده فعل (در این مورد put) در آغاز جمله است.

۴۲۱۹۶ مسخره است که [بلیت] قطارها این‌قدر گران هستند. اگر بلیت‌ها ارزان‌تر بودند، مطمئناً افراد بیشتری از قطار استفاده می‌کردند و ماشین‌هایشان را در خانه می‌گذاشتند.

با توجه به این‌که در بند شرط از فعل گذشته ساده (در این مورد were) استفاده شده است، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم؛ بنابراین صرف‌نظر از ساختار ظاهراً پیچیده‌گزینه‌ها، گزینه صحیح به راحتی قابل تشخیص است!

۳۲۱۹۷ فکر می‌کنم اگر تو در برابر کارکنانم به من احترام بیشتری می‌گذاشتی، این [روند] نظم بسیار بهتری در دفتر ایجاد می‌کرد.

با توجه به کاربرد فعل آینده در گذشته ساده در بند جواب شرط (در این مورد would create) شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل گذشته ساده (در این مورد showed) نیاز خواهیم داشت. در مورد جای خالی دوم نیز به ساختار زیر توجه کنید:

به فردی احترام گذاشتن: show sb respect:

۱۲۱۹۸ او اگر واقعاً می‌خواست، می‌توانست پول زیادی در بیابان‌ها پیدا کند. نمی‌کنم آن چیزی باشد که او واقعاً می‌خواهد.

با توجه به این‌که در بند جواب شرط از could earn استفاده شده و در واقع could در این جا جایگزین would شده است، شرطی از نوع دوم است و در بند شرط به فعل گذشته ساده (در این مورد wanted) نیاز داریم. دقت کنید که want در جای خالی دوم در داخل ساختار شرطی نیست و به ذهنیت کلی شخص مورد بحث اشاره دارد. با توجه به این‌که want در مورد دوم مقید به بازه زمانی خاصی نیست و ذهنیت کلی شخص را مورد اشاره قرار می‌دهد، در این جا آن را در زمان حال ساده (در این مورد wants) به کار می‌بریم.

۳۲۱۹۹ املی می‌تواند تنها به یک زبان صحبت کند، ولی اگر او به دو زبان صحبت می‌کرد، می‌توانست برای شغلی در مرکز چندفرهنگی تقاضا دهد.

طبق مفهوم جمله، املی در حال حاضر تنها می‌تواند به یک زبان صحبت کند. با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (یعنی صحبت کردن به دو زبان) در حال حاضر یک امر خیالی یا فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد spoke) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would)

در بند جواب شرط (به ترتیب wouldn't complain, 'd enjoy و 'd be) استفاده شده است. اما در گزینه (۳) با وجود شرط فرضی در مفهوم جمله و کاربرد فعل گذشته ساده (changed) در بند شرط، ساختار شرطی نوع دو به صورت درستی به کار نرفته است و باید به شکل زیر اصلاح شود:

We would ('d) go to the local restaurant if they changed the menu from time to time.

۲۲۱۹۲ اگر می‌خواهی بیشتر شبیه یک گویش‌ور بومی انگلیسی آمریکایی به نظر برسی، برنامه‌های تلویزیونی آمریکایی بیشتر و برنامه‌های تلویزیونی بریتانیایی کم‌تری ببین.

در این جمله شرطی، با یک شرط کاملاً محتمل و امکان‌پذیر در زمان حال و آینده سروکار داریم که اتفاقاً بند جواب شرط آن نیز به صورت امری است؛ بنابراین شرطی از نوع اول است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد want) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. البته همان‌طور که می‌دانید فعل دوم پس از want (خواستن) نیز در سطح کتاب درسی همواره به صورت مصدر با to به کار می‌رود و بنابراین در بین این دو گزینه تنها گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.

۲۲۱۹۳ شرلوک هولمز که نامش به خوبی شناخته شده است، واقعاً وجود نداشت. با وجود این، برای بسیاری که ماجراهایش را خوانده‌اند، او چه‌بسا فردی واقعی بوده باشد.

در جای خالی اول با توجه به این‌که ضمیر موصولی رابطه تعلق و مالکیت بین یک شخص و نام او را مورد اشاره قرار می‌دهد، در نتیجه تنها می‌توانیم از ضمیر موصولی مالکیت و تعلق (whose) استفاده کنیم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۲) یا (۴) خواهد بود.

اما در مورد جای خالی دوم به دلیل کاربرد many (که به انسان اشاره دارد) پیش از جای خالی و فعل have پس از آن، به ضمیر موصولی who یا that نیاز داریم که در این تست فقط who در بین موارد موجود در گزینه‌ها وجود دارد. اگر می‌توانستیم شماره تلفن باب را پیدا کنیم با او درباره تغییر در برنامه‌ها تماس می‌گرفتیم. شاید کس دیگری با او تماس خواهد گرفت.

با بررسی ترکیب گزینه‌های این تست، می‌توان متوجه شد که در این مورد ساختار جمله شرطی نوع دو مدنظر است و در نتیجه در بند شرط از فعل گذشته ساده (در این مورد فعل وجهی could که به گذشته اشاره دارد) استفاده می‌کنیم و بند جواب شرط با فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد would call) کامل می‌شود. دقت کنید که گزینه‌های (۲) و (۳) به دلیل کاربرد فعل گذشته ساده (called) در بند جواب شرط و گزینه (۴) به دلیل استفاده از بند شرط جمله شرطی نوع دو (در این مورد found) به همراه بند جواب شرط جمله شرطی نوع یک (در این مورد may call) نمی‌توانند صحیح باشند.

۴۲۱۹۵ لطفاً ظرف پنج دقیقه از نوشتن دست بکشید. اگر قبلاً تمام کرده‌اید، مدادهایتان را پایین بگذارید و منتظر دیگران بمانید.

ضمیر موصولی، غیر انسان (the sunlight) است و در این جمله به درستی that مورد استفاده قرار گرفته است. دقت کنید که این سه جمله به غیر از ضمیر موصولی نیز از تمام جهات صحیح و بدون ایراد هستند. در گزینه (۴) مرجع ضمیر موصولی انسان (students) است و چون پس از آن فعل (شکل مناسب فعل receive) را داریم، در این مورد نیز کاربرد ضمیر موصولی فاقد اشکال است و می‌توانیم از ضمیر موصولی who استفاده کنیم. اما علاوه بر این که در این جمله کاربرد فعل مجهول were received به دلیل کاربرد مفعول (در این مورد the scholarship) پس از آن صحیح نیست، به نظر می‌رسد که از نظر معنایی بهتر باشد در زمان افعال جمله نیز تغییراتی ایجاد شود. در نتیجه می‌توان گفت شکل اصلاح شده گزینه (۴) به صورت زیر خواهد بود:

The most excellent students who receive the scholarship will have a two-week holiday.
(فعل معلوم (حال ساده)

اگر من جای تو بودم، فکر کنم حضوراً با او صحبت می‌کردم به جای این که تلاش کنم پشت تلفن چیزی را که اتفاق افتاده، توضیح دهم.

جای کسی بودن: to be in sb's shoes

با توجه به کاربرد فعل در زمان گذشته ساده در بند شرط (در این مورد were) شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط از فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) استفاده می‌شود. ولی چون در بند جواب شرط جملات شرطی نوع دو به جای would، از could و might نیز می‌توان استفاده کرد، تمام موارد قرار گرفته در جای خالی اول صحیح هستند و هیچ گزینه‌ای را نمی‌توان بر مبنای این جای خالی حذف کرد! البته با دقت در معنی جمله می‌توان متوجه شد که در بین موارد موجود برای جای خالی دوم، تنها what (چیزی، آن چه) می‌تواند جمله را با معنای منطقی و صحیح کامل کند. اگر من رئیس این شرکت بودم، اول حقوق کارگران را افزایش می‌دادم به جای این که این قدر خرج ایجاد امکانات جدید کنم.

طبق مفهوم جمله، گوینده این جمله در حال حاضر رئیس شرکت نیست چرا که می‌گوید اگر رئیس بود، تغییرات مورد نظر را در شیوه هزینه‌کرد منابع شرکت ایجاد می‌کرد. با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی رئیس بودن گوینده جمله)، یک امر خیالی یا فرضی به حساب می‌آید و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد were) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) را قرار دهیم.

اگر به اردو رفتن با ما علاقه‌مند هستی، لطفاً هر چه زودتر به من خبر بده.

با توجه به کاربرد فعل حال ساده در بند شرط (در این مورد I'll)، ساختار جمله شرطی از نوع اول است. با بررسی بند جواب شرط متوجه می‌شویم که در بند جواب شرط ساختار امری مدنظر است. همان طور که می‌دانید در جملات امری، از شکل ساده فعل (در این مورد let) استفاده می‌شود. علاوه

را قرار دهیم. البته همان طور که می‌دانید در بند جواب شرط جملات شرطی نوع دو، به جای would، از could یا might نیز می‌توان استفاده کرد.

اگر ناتالی چیزی در مورد مکانیک ماشین می‌دانست، مطمئنم به ما کمک می‌کرد [که] ماشین را تعمیر کنیم ولی فکر کنم او حتی کم‌تر از ما می‌داند. با توجه به کاربرد فعل در زمان گذشته ساده در بند شرط (در این مورد knew)، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز خواهیم داشت. البته در بند جواب شرط جملات شرطی نوع دو، به جای would از could یا might نیز می‌توان استفاده کرد؛ بنابراین طبق جای خالی اول، یکی از گزینه‌های (۱)، (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که know در جای خالی دوم، به امری کلی اشاره دارد که مقید به بازه زمانی خاصی نیست و در نتیجه به فعل حال ساده (در این مورد knows) نیاز است. همچنین به دلیل کاربرد ضمیر مفعولی us بعد از جای خالی دوم، مجهول کردن فعل know در این مورد اساساً از نظر دستوری نادرست است.

اگر ران یک ملاقات شام [کاری] با یک مشتری نداشت، می‌توانست امشب با جیم بعد از کار به مسابقه فوتبال برود.

تمامی موارد قرار گرفته در گزینه‌ها از نظر ساختار جملات شرطی نوع دو صحیح هستند و شما تنها بر مبنای معنی جمله است که می‌توانید تشخیص دهید در بند شرط به فعل منفی و در بند جواب شرط به فعل مثبت نیاز دارید. اگر می‌توانستم کمی پول قرض کنم قطعاً با تو به تعطیلات می‌آمدم ولی فکر کنم بعید باشد.

با توجه به کاربرد فعل آینده در گذشته ساده در بند جواب شرط (در این مورد would come)، شرطی از نوع دو است و در بند شرط به فعل گذشته ساده (در بین موارد موجود در گزینه‌ها could borrow / borrowed) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، برای وصل کردن دو بخش جمله از but (اما، ولی) استفاده می‌شود، نه so (بنابراین).

کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) موزه پرادو که در مادرید است یکی از بهترین گالری‌های هنر در جهان است.
(۲) مون بلان که میان فرانسه و ایتالیاست، بلندترین کوه در رشته‌کوه‌های آلپ است.

(۳) نور خورشیدی که از پنجره می‌آید هر [روز] صبح زود من را از خواب بیدار می‌کند.

(۴) ممتازترین دانش‌آموزانی که بورسیه دریافت کنند، تعطیلاتی دو هفته‌ای خواهند داشت.

با توجه به این که در تمام جملات این تست، ضمایر موصولی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، پس می‌توان متوجه شد وجه اشتراک گزینه‌ها در همین مورد است. در گزینه‌های (۱) و (۲) مرجع ضمیر موصولی غیر انسان است (به ترتیب the Prado Museum و Mont Blanc)؛ بنابراین در هر دو مورد به درستی از ضمیر موصولی which استفاده شده است. در گزینه (۳) نیز مرجع

فعل قرار گرفته در جای خالی اول، بند جواب شرط را تشکیل می‌دهد و سه فعلی که در جاهای خالی بعدی داریم، همگی جزو بند شرط هستند. گزینه (۱) نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که اگر قرار باشد در بند جواب شرط از فعل آینده ساده (در این مورد *will look*) استفاده کنیم، کاربرد فعل گذشته ساده (در این جا *planted*) در بند شرط نادرست است. در گزینه (۲) با وجود استفاده از فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد *would look*) در بند جواب شرط که مربوط به شرطی نوع دو است، در بند شرط فعل حال ساده (*plant*) را داریم؛ پس این گزینه نیز به راحتی حذف می‌شود. در گزینه (۳) در بند جواب شرط فعل گذشته ساده (*looked*) را داریم که اساساً کاربرد آن در بند جواب شرط نادرست است و این گزینه را به راحتی حذف می‌کنند. اما گزینه (۴) از نظر ساختار جملات شرطی نوع دو کاملاً صحیح است؛ چرا که در بند جواب شرط از فعل آینده در گذشته ساده (در این مورد *would look*) استفاده شده است و هر سه فعل قرار گرفته در بند شرط در زمان گذشته ساده هستند (به ترتیب *cut*, *painted*, *planted*).

۱۲۲۱۱ اگر بر روی ماه زندگی می‌کردیم، بسیار کم‌وزن‌تر می‌بودیم، چون نیروی گرانشی که ما را به سمت مرکز ماه می‌کشید بسیار کم‌تر از آن [نیروی] زمین می‌بود. طبق مفهوم جمله و همان‌طور که همه می‌دانند، انسان‌ها بر روی ماه زندگی نمی‌کنند. با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی زندگی کردن انسان‌ها بر روی ماه) در حال حاضر امری کاملاً خیالی است و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دوم استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد *lived*) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل *would* + *be*) را قرار دهیم. دقت کنید که هر دو فعل قرار گرفته در جاهای خالی دوم و سوم، به بند جواب شرط مربوط می‌شوند و بنابراین در این مورد هر دو را به صورت آینده در گذشته ساده به کار می‌بریم.

۳۲۲۱۲ اگر تنها یک روستا بر روی زمین وجود داشت و آن دقیقاً ۱۰۰ نفر [جمعیت] داشت، به لحاظ آماری، ۵۱ [نفر] از آن‌ها زن می‌بودند و ۴۹ [نفر] از آن‌ها مرد می‌بودند!

با توجه به کاربرد فعل آینده در گذشته ساده در بند جواب شرط (در این مورد هر دو بار تکرار *would be*)، جمله دارای ساختار شرطی نوع دو است و در بند شرط در هر دو مورد به فعل گذشته ساده نیاز خواهیم داشت؛ بنابراین هر سه گزینه (۱)، (۲) و (۴) به دلیل کاربرد زمان‌هایی به جز گذشته ساده (به ترتیب *would have* در گزینه‌های (۱) و (۲) و *has had* در گزینه (۴)) حذف می‌شوند. دقت کنید که جای خالی اول به مفهوم وجود داشتن و بودن اشاره دارد و همان‌طور که می‌دانید، برای اشاره به وجود داشتن و بودن در زمان گذشته ساده از *there was / were* استفاده می‌شود.

۳۲۲۱۳ مشروط بر آن‌که همسر این ترفیع جدید را بگیرد، ما امسال پول کافی برای تعطیلاتی در خارج خواهیم داشت.

با توجه به کاربرد فعل حال ساده در بند شرط (در این مورد *gets*) شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل ساده فعل *will* + *be*) نیاز داریم؛ البته در بند جواب شرط جملات شرطی

بر این، همان‌طور که در چندین مورد از جملات کتاب‌های درسی نیز دیده‌اید، بعد از فعل *let* (اجازه دادن به) ابتدا مفعول (در این مورد ضمیر مفعولی *me*) و سپس فعل دوم به شکل ساده (در این مورد *know*) مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته بهتر است در این مورد به ساختار زیر نیز توجه کنید:

به کسی خبر دادن، کسی را در جریان گذاشتن: *let sb know*

۱۲۲۰۷ اگر [تنها] کسری از افرادی که مرگ مغزی دارند، اعضای [بدن] خودشان را اهدا می‌کردند تمام نیازهای پیوند عضو برآورده می‌شد. با توجه به کاربرد فعل گذشته ساده در بند شرط (در این مورد *donated*) ساختار جمله شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل *would* + *be*) نیاز خواهیم داشت؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که فعل *meet* (در این جا [نیازها و غیره] برآورده کردن) در این مورد جزء افعال متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (عبارت *all the requirements for organ transplantation*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (در این مورد *would be met*) نیاز داریم.

۳۲۲۰۸ اگر تو کمی زمان صرف یاد گرفتن [این که] اینترنت چگونه کار می‌کند می‌کردی، این قدر از لحاظ فناوری عقب نبودی.

با توجه به کاربرد فعل در زمان گذشته ساده در بند شرط (در این مورد *invested*) ساختار جمله شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل *would* + *be*) نیاز خواهیم داشت؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که به دلیل مفهوم جمله و نیز قرار گرفتن علامت نقطه بعد از جای خالی، بند جواب شرط باید دارای ساختار خبری باشد، نه سؤالی؛ در نتیجه گزینه (۲) نیز به دلیل کاربرد *wouldn't* پیش از ضمیر فاعلی *you* حذف می‌شود.

۱۲۲۰۹ تراز تجاری یک کشور نامساعد در نظر گرفته می‌شود اگر آن [کشور] پول بیشتری برای واردات خرج کند تا [آن چه] از صادرات به دست می‌آورد. فعل *consider* (در نظر گرفتن، به حساب آوردن) در این جا جزء افعال متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد *a nation's balance of trade*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، نه پس از آن، در جای خالی به فعل مجهول (*to be* + *p.p.*) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد.

دقت کنید که فعل *spend* (در این مورد خرج کردن) نیز مانند مورد جای خالی اول در این تست متعددی است و به مفعول نیاز دارد؛ اما با توجه به این که در این جا مفعول (*more money*) را بعد از جای خالی داریم، پس این بخش جمله با فعل معلوم (*spends*) کامل می‌شود. در واقع هر چند این جمله دارای ساختار شرطی است، اما برای جواب دادن به تست تنها نیاز به تحلیل گزینه‌ها از نظر معلوم یا مجهول بودن فعل‌ها داشتید و قرار گرفتن تست در این جا صرفاً برای به چالش کشیدن دانش گرامری شما از درس قبلی بود!

۴۲۲۱۰ این خانه به نظر بهتر می‌آمد اگر آن‌ها آن را رنگ می‌کردند، چمن‌ها را کوتاه می‌کردند و گل‌هایی می‌کاشتند.

۲۲۱۷ اگر می‌خواهید خطر صدمه دیدن از بیماری [سرخرگ کرونری قلب، چاقی مفرط یا مشکلات سلامتی روانی را کاهش دهید، متخصصان خاطرنشان می‌کنند که باید از لحاظ جسمی فعال باشید.

در گزینه (۱) به همراه فعل گذشته ساده در بند شرط (wanted) از فعل آینده ساده در بند جواب شرط (will be) استفاده شده است، پس این گزینه به دلیل عدم انطباق فعل بند شرط و فعل بند جواب شرط حذف می‌شود. در گزینه (۳) نیز مانند گزینه (۱) در بند شرط از فعل گذشته ساده (wanted) استفاده کرده‌ایم، اما در بند جواب شرط فعل should be استفاده شده؛ بنابراین در این جا هم بند شرط و بند جواب شرط با هم انطباق ندارند، چرا که should تنها می‌تواند در بند جواب شرط جملات شرطی نوع یک جایگزین will شود.

با دقت در گزینه‌های (۲) و (۴) می‌توان متوجه شد آن چه در این جا باعث غلط شدن will در گزینه (۲) و پاسخ بودن should در گزینه (۴) شده است، تفاوت معنایی است که کاربرد هر کدام از این موارد ایجاد می‌کند. در واقع هر چند هر دوی این گزینه‌ها از نظر ساختار جمله شرطی نوع یک صحیح و بی‌اشکال هستند، اما با توجه به اجبار و توصیه‌ای که در مفهوم جمله وجود دارد، برای کامل کردن جمله باید از should استفاده کنیم، نه will.

۲۲۱۸ با وجود این، وقتی افراد [چیزی] می‌خورند، آن‌ها اغلب اطلاعات [دریافتی] از زبان و دهان را با آن چه در بینی رخ می‌دهد، قاطی یا ترکیب می‌کنند. طبق مفهوم جمله، در این جا به what (آن چه، چیزی که) نیاز داریم و با توجه به این که what در این جا حالت فاعلی دارد، نمی‌توانیم به همراه آن از ضمیر فاعلی it نیز استفاده کنیم؛ بنابراین در بین گزینه‌هایی که با what آغاز می‌شوند، تنها گزینه (۴) می‌تواند پاسخ تست باشد.

۲۲۱۹ اگر می‌خواهید سالم باشید باید به طور معمول از برنامه‌تربیتی منظمی پیروی کنید که اغلب در ساختمان‌های تخصصی هم چون مراکز تفریحی رخ می‌دهند. با توجه به کاربرد must follow در بند جواب شرط که در واقع جایگزین فعل آینده ساده (will follow) شده است، در این جا ساختار شرطی نوع یک مدنظر است و در بند شرط به فعل حال ساده (در این مورد want) نیاز داریم. دقت کنید که در جملات شرطی نوع یک بسیار مؤدبانه، می‌توان از should به جای if (اگر) استفاده کرد، ولی unless (مگر این که) هر چند قابلیت جایگزین شدن if را دارد اما چون از نظر معنایی متضاد if است، در این جا از نظر معنایی نمی‌تواند پاسخ تست باشد.

متن کلوز ۱

آکسفورد، در میان چیزهای دیگر، به خاطر دیکشنری انگلیسی آکسفورد (OED) مشهور است که برای بیش از یک قرن حرف آخر را در [دنیا] لغات داشته است. آن بزرگ‌ترین دیکشنری زبان انگلیسی است که تاریخ این زبان را پوشش می‌دهد و هدفش آن است که شامل تمام واژگان از دوره ابتدایی انگلیسی میانه (۱۱۵۰ میلادی) به بعد، در کنار لغاتی از انگلیسی قدیمی‌تر باستان که رایج مانده‌اند، باشد. OED در اصل بین [سال‌های] ۱۸۸۴ و ۱۹۲۸ در بخش‌هایی (به نام جزوات) منتشر می‌شد. یک ویراست دوم در [سال] ۱۹۸۹ به چاپ رسید و اکنون در بیست جلد چاپی موجود است.

نوع یک، به جای will، از should، can، might، may یا must استفاده کرد؛ بنابراین جواب تست در بین گزینه‌های (۲) و (۳) است. دقت کنید که unless (مگر این که) از نظر معنایی متضاد if (اگر) است و نمی‌تواند جمله را با معنی مناسبی کامل کند، اما provided that (مشروط بر آن که) در اکثر موارد شکل محترمانه‌تر if است و می‌تواند جمله را از نظر معنایی به شکل مناسبی کامل کند. **۲۲۲۴** کارمندانی که مشکلات را به محض آن که رخ می‌دادند به مدیر اطلاع می‌دادند، متوجه شدند که آن [مشکلات] راحت‌تر و سریع‌تر حل می‌شوند. این جمله در اصل از دو جمله مجزا تشکیل شده است که به وسیله ضمیر موصولی به یکدیگر وصل شده‌اند:

The employees reported the problems to the manager as soon as they occurred.

کارمندان مشکلات را به محض این که رخ می‌دادند به مدیر اطلاع می‌دادند. The employees realized that the problems (they) were more easily and quickly solved.

کارمندان متوجه شدند که مشکلات (آن‌ها) راحت‌تر و سریع‌تر حل می‌شوند. با توجه به این که دو جمله در فاعل خودشان (the employees) مشترک هستند، برای ادغام این جملات باید فاعل را از جمله دوم حذف کرده و به جای آن از ضمیر موصولی مناسب استفاده کنیم. همان‌طور که می‌دانید ضمیر موصولی مناسب برای فاعل انسان (the employees) که در این تست مدنظر است، who یا that می‌باشد؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. علاوه بر این، با توجه به این که در جملات خبری انگلیسی فعل (در این مورد reported) بلافاصله بعد از فاعل قرار می‌گیرد، در بین این دو گزینه نیز، گزینه (۲) را انتخاب می‌کنیم.

۲۲۲۵ تو می‌توانی پاستا را از آن رستوران ایتالیایی که تازه در خیابان اصلی باز شده، بخری.

در جای خالی اول that به عنوان ضمیر اشاره به دور مفرد مدنظر است و در این جا اصلاً ضمیر موصولی نداریم که بتوانیم از which استفاده کنیم! اما برای جای خالی دوم، مرجع ضمیر موصولی غیر انسان (that Italian restaurant) است و پس از آن نیز فعل (در این مورد has opened) را داریم؛ بنابراین در این مورد شکل مناسب ضمیر موصولی، which یا that خواهد بود.

۲۲۲۶ دیوید ماشین ندارد. یک ساعت از او وقت می‌گیرد تا به سر کار برسد. اگر دیوید ماشین داشت، رسیدن به سر کار آن قدر وقتش را نمی‌گرفت.

با توجه به مفهوم جمله و کاربرد فعل گذشته ساده در بند شرط (در این مورد had)، شرطی از نوع دوم است و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) نیاز داریم؛ بنابراین تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. همچنین دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا فعل به صورت منفی مورد نیاز است و در نتیجه در بین این دو گزینه، گزینه (۲) را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۲۲۲۵ (۱) هر چند، اگرچه (۲) وقتی که، زمانی که

(۳) هر وقت، هر زمان که (۴) چون، زیرا

۲۲۲۶ (۱) کارکرد؛ عملکرد (۲) موضوع، مبحث، درس

(۳) واقعیت، حقیقت (۴) حافظه؛ خاطره

۲۲۲۷ (۱) ذهنی؛ روانی

(۲) عادی، معمولی؛ منظم؛ متداول

(۳) (مربوط به) پزشکی؛ [گیاهان و غیره] درمانی، طبّی

(۴) طبیعی؛ معمول؛ ذاتی

۲۲۲۸ ◀ گزینه (۱) به دلیل عدم استفاده از حرف تعریف a برای

university student نادرست است. در واقع همان طور که می دانید در زبان انگلیسی برای اشاره به شغل افراد از حرف تعریف a/an استفاده می شود.

در گزینه (۳) علاوه بر این که جمع بستن student برای یک نفر نادرست است، بین university و students نیز رابطه مالکیت وجود ندارد؛ در نتیجه در این مورد نمی توانیم از s استفاده کنیم. گزینه (۴) دارای ساختار ناقصی است و پیش از being باید is را برای تعیین زمان جمله مورد استفاده قرار دهیم که البته در آن صورت معنای جمله به کلی تغییر می کند.

اما گزینه (۲) چه از نظر دستوری و چه از نظر معنایی کاملاً صحیح است و جمله را به درستی کامل می کند.

one of the few ◀ مرجع ضمیر موصولی در این جا انسان (people) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل affect) را داریم؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این جا who یا that خواهد بود و تنها یکی از گزینه های (۱) یا (۳) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که چون مرجع ضمیر موصولی (one of the few people) جمع است، پس بعد از ضمیر موصولی نیز به فعل جمع نیاز داریم و گزینه (۳) به دلیل کاربرد فعل مفرد has نمی تواند صحیح باشد، ضمن این که کاربرد ساختار عجیب by such ways نیز در انگلیسی چندان مرسوم نیست.

متن کلوز (۳)

گویش ها زمانی شکل می گیرند که گروه هایی از افراد در یک منطقه جغرافیایی یکسان تماس اندکی [با هم دیگر] دارند. این می تواند زمانی اتفاق بیفتد که افراد توسط شرایط اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی [از هم دیگر] جدا نگه داشته شوند. بعضی اوقات، گروهی از مردم به طرز قابل توجهی بر تفاوت میان گفتار خود و [گفتار] گروه های دیگر تأکید می کنند، چون آن ها می خواهند یک «زبان ویژه» برای خودشان داشته باشند. برخی مردم ممکن است احساس کنند که یک سبک خاص صحبت کردن، شیوه «درست» حرف زدن است، ولی معمولاً گفتار گروه های قدرتمندتر در جامعه مدنظر آن هاست. گفتار چنین گروهی صرفاً یک گویش دیگر است.

۲۲۲۹ ◀ فعل keep (نگه داشتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول

نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (people) پیش از جای خالی قرار گرفته است، نه پس از آن، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه های (۲) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که چون در این جا فعل مجهول به امری کلی اشاره دارد و مقید به بازه زمانی

۲۲۲۰ ◀ مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (the Oxford English Dictionary (OED)) است و بعد از آن نیز در تمامی گزینه ها فعل

(شکل مناسب فعل to be) قرار دارد؛ بنابراین مطابق آن چه تاکنون یاد گرفته اید، ضمیر موصولی مناسب در این جا which یا that خواهد بود و فقط یکی از گزینه های (۱) یا (۴) می تواند صحیح باشد. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله و نیز با در نظر گرفتن کاربرد for بعد از جای خالی، می توان متوجه شد که در این تست، از فعل برای پیوند دادن زمان گذشته به حال استفاده شده است و بنابراین در این مورد به فعل حال کامل (در این جا has been) نیاز داریم.

بیشتر بدانیم: گزینه (۴) به جز توضیحات بالا به یک دلیل دیگر نیز نمی تواند صحیح باشد. در این مورد می توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

۲۲۲۱ (۱) پس، بنابراین (۲) و

(۳) مگر این که، جز این که (۴) اگر، چنان چه

۴۲۲۲ (۱) به جای، در عوض (۲) به رغم، با وجود

(۳) به جای، در عوض (۴) در کنار

۳۲۲۳ (۱) تبدیل کردن، تغییر دادن

(۲) [به همراه حرف اضافه in] منجر شدن به، انجامیدن به

(۳) [کتاب و غیره] منتشر کردن، انتشار دادن؛ [فرمان، گذرنامه و غیره] صادر کردن

(۴) کشف کردن؛ پی بردن به، فهمیدن

۱۲۲۴ ◀ فعل publish (منتشر کردن؛ چاپ کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (a second edition) پیش از جای خالی قرار گرفته است، نه پس از آن، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه های (۱) یا (۴) به دلیل دارا بودن ساختار مجهول می توانند صحیح باشند. دقت کنید که در این جا فعل مجهول در زمان مشخصی از گذشته (در این مورد سال ۱۹۸۹) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این مورد نمی توانیم از زمان حال کامل استفاده کنیم و به فعل مجهول در زمان گذشته ساده (was published) نیاز داریم.

متن کلوز (۲)

در [سال] ۲۰۱۲، بن مک ماهون استرالیایی ۲۲ ساله در یک تصادف اتومبیل بود که او را به کما فرو برد. بن پیش از تصادف انگلیسی صحبت می کرد، ولی وقتی که بیدار شد (از کما خارج شد) فقط می توانست [زبان چینی] ماندارین را به طور روان صحبت کند. بن در ابتدا اصلاً نمی توانست انگلیسی را به یاد بیاورد و چند روز زمان برد قبل از آن که حافظه او برگردد. [البته] بن در مدرسه کلاس های [چینی] ماندارین برمی داشت ولی [در آن] روان نبود. او گفت [که] «این صرفاً بر زبانم جاری شد و به نظرم طبیعی آمد.» بن نهایت استفاده را از این استعداد نامعمول خود برده است و اکنون در شانگهای زندگی می کند، جایی که در دانشگاه درس می خواند. بن یکی از معدود افراد در سرتاسر جهان است که این گونه [از کما] تأثیر پذیرفته اند. اگرچه این [پدیده] نادر است، شاید اثباتی باشد که مغز ما ظرفیتی بسیار بیش از آن چه ما می دانیم دارد.

۲۲۳۹ مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (non-English versions) (of Wikipedia) است و بعد از آن نیز فعل (در این مورد numbered) را داریم؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد which خواهد بود.

متن کلوز

از آنجا که افراد ناشنوا نمی‌توانند بشنوند، آن‌ها شیوه‌های خاص [برای] ارتباط برقرار کردن دارند. برای مثال، آن‌ها می‌توانند پیام‌ها را با نگاه کردن به دهان گوینده بفهمند یک نفر چه می‌گوید. این [کار] لب‌خوانی نام دارد. همچنین، صحبت کردن برای ناشنویان بسیار دشوار است، چرا که آن‌ها نمی‌توانند صدای خود را بشنوند. ولی آن‌ها با تمرین ویژه ممکن است، بر اساس [اذعان] بسیاری از افراد ناشنوا در سرتاسر جهان، کارآمدترین و محبوب‌ترین شیوه برقرار کردن ارتباط به وسیله زبان اشاره است. از بسیاری جهات، زبان اشاره به زبان گفتار شبیه است. لغات زبان اشاره توسط نشانه‌ها ساخته می‌شوند، که توسط حرکات دست‌ها، صورت و بدن شکل می‌گیرند. همانند واژه‌ها، هر نشانه معنایی متفاوت دارد و می‌تواند [با نشانه‌های دیگر] ترکیب شود تا جمله‌ها را تشکیل دهد.

۲۲۴۰ برای بیان شیوه و روش انجام فعل از «فعل + by» استفاده می‌شود. دقت کنید که هر چند تمامی گزینه‌ها از نظر دستوری دارای ساختار صحیحی هستند، اما تنها این ساختار می‌تواند جمله را از نظر معنایی به شکل مناسبی کامل کند و در عین حال قابلیت استفاده در این‌جا را داشته باشد.

۱) چون، زیرا، چرا که

۲) مگر این‌که، جز این‌که

۳) با وجود این، با این حال، ولی

۴) حتی اگر

۱) کارکرد؛ عملکرد

۲) تمرین؛ تعلیم، آموزش

۳) مأموریت؛ هیئت نمایندگی؛ هیئت مبلغین (مذهبی)

۴) تأثیر، اثر؛ نفوذ

۱) راضی از

۲) منعکس شده توسط، بازتاب‌یافته در

۳) خوب در، ماهر در

۴) شبیه به، مشابه

۲۲۴۴ مرجع ضمیر موصولی، غیر انسان (signs) است و بعد از آن نیز در تمامی گزینه‌ها فعل (شکل مناسب فعل form) را داریم؛ بنابراین مطابق آن‌چه تاکنون یاد گرفته‌اید، ضمیر موصولی مناسب which یا that خواهد بود. دقت کنید که form (شکل دادن) در این‌جا متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (signs) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در این مورد این فعل به صورت مجهول (to be + pp.) مورد نیاز است که آن را تنها در گزینه (۴) داریم.

بیشتر بدانیم: کاربرد that در گزینه‌های (۲) و (۳) اساساً نادرست است. برای توضیحات بیشتر می‌توانید به بخش «بیشتر بدانیم» در پاسخ تست ۲۱۳۴ مراجعه کنید.

خاصی نیست، برای کامل کردن جای خالی باید از فعل مجهول در زمان حال ساده (در این مورد are kept) استفاده کنیم. بد نیست توجه کنید که در جملات مجهول (مانند این جمله) گاهی فاعل جمله معلوم توسط by بعد از فعل مجهول ذکر می‌شود.

۱) درجه، مرتبه؛ درجه‌بندی، ارزشیابی

۲) [حادثه، جنایت] محل وقوع؛ [تئاتر] صحنه؛ چشم‌انداز

۳) شرط، قید؛ [در جمع] شرایط

۴) اتصال؛ پیوند؛ رابطه

۱) به طور مناسبی، به نحو شایسته‌ای

۲) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

۳) آمرانه

۴) به طرز قابل توجهی، بسیار، خیلی

۱) خاص، به خصوص، مخصوص

۲) اقتصادی، مقرون به صرفه؛ صرفه‌جو

۳) مصنوعی، ساختگی

۴) دارای جمعیت، مسکونی

۱) دستگاه، ابزار

۲) گفتار، بیان؛ سخنرانی

۳) نمونه

۴) بیان، گفته، بیانیه

متن کلوز

ویکی‌پدیا یک دانش‌نامه رایگان مبتنی بر اینترنت است، که در سال ۲۰۰۱ شروع به کار کرد [و این] که با یک سبک مدیریت متن‌باز فعالیت می‌کند. تا [سال] ۲۰۰۶، نسخه زبان انگلیسی ویکی‌پدیا بیش از یک میلیون مقاله داشت و تا زمان دهمین سالگردش در [سال] ۲۰۱۱، از [مرز] ۳/۵ میلیون [مقاله] گذشته بود. با وجود این، اگرچه این دانش‌نامه با نرخ میلیون‌ها واژه در ماه به گسترش یافتن ادامه داد، تعداد مقالات جدیدی که هر سال ساخته می‌شد به تدریج از نقطه اوج ۶۶۵،۰۰۰ [مقاله] در [سال] ۲۰۰۷ به ۳۷۴،۰۰۰ [مقاله] در [سال] ۲۰۱۰ کاهش یافت. در واکنش به این کاهش، بنیاد ویکی‌مدیا تمرکز خود را به تلاش‌هایی در راستای پیشرفت نسخه‌های غیر انگلیسی ویکی‌پدیا معطوف کرد، که تا [سال] ۲۰۱۱ به بیش از ۲۵۰ [عدد] رسید.

۱) و (۲) پس، بنابراین (۳) اگر، چنان‌چه (۴) یا

۱) اگرچه، هرچند

۳) در واقع، به راستی (۴) با وجود این

۲۲۳۷ اصولاً hundred (صد)، thousand (هزار)، million (میلیون) و billion (میلیارد) به شکل مفرد می‌آیند و S جمع نمی‌گیرند، مگر این‌که بخواهیم کلی‌گویی کنیم که در این صورت از millions of، thousands of، hundreds of و billions of به همراه اسم جمع (در این مورد words) استفاده می‌شود. دقت کنید که پس از per (هر) اسم بعدی به شکل مفرد به کار می‌رود، نه جمع.

۱) تغییر کردن؛ تغییر دادن

۲) پیشرفت کردن؛ بهبود بخشیدن

۳) کاهش یافتن؛ کاهش دادن

۴) بالا بردن؛ بلند کردن

ناعادلتی در جهان اعتراض کنند، انتقادی اجتماعی را مطرح کنند و اعتقادات ملت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، رمان‌نویس آمریکایی جان اشتاین‌بک در [رمان] خوشه‌های خشم توجه عمومی را به رنج کشاورزان بی‌خانمانی جلب کرد که در طول رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ از آکلاهما به کالیفرنیا فرار می‌کردند.

- ۱) تکان خوردن، لرزیدن؛ تکان دادن، لرزاندن
 ۲) [شخص] معرفی کردن؛ ارائه کردن؛ [مشکلات] پدید آوردن؛ اهدا کردن
 ۳) دیدن، مشاهده کردن؛ [قوانین، مقررات و غیره] رعایت کردن
 ۴) نگه داشتن، برگزار کردن
 ۱۲۲۵۱ ▶ بر پایه ... قرار دادن، براساس ... بنا کردن
 to base sth on / upon sth:

- ۴۲۲۵۲ ۱) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که
 ۲) وصل کردن، متصل کردن، پیوند دادن
 ۳) سنجیدن؛ متعادل کردن
 ۴) به هیجان آوردن؛ تحریک کردن
 ۳۲۲۵۳ ▶ فعل put out (در این جا منتشر کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر they) پیش از جای خالی قرار گرفته است، نه پس از آن، در این جمله به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در هر دو گزینه (۳) و (۴) فعل to be مورد استفاده قرار گرفته است، اما با توجه به این که در این مورد فعل مجهول در زمان مشخصی از گذشته (زمان اولین انتشار نمایش‌نامه‌های شکسپیر) انجام شده و به اتمام رسیده است، آن را در زمان گذشته ساده (در این مورد were put out) نیاز داریم.

- ۲۲۲۵۴ ۱) فشار
 ۲) درد، رنج، مصیبت، گرفتاری
 ۳) مقایسه، سنجش
 ۴) تفاوت، اختلاف

متن کلوز

در زبان انگلیسی، لغتی که معنایی یکسان یا مشابه با لغتی دیگر دارد به عنوان مترادف شناخته می‌شود. برای مثال لغت شاد، در معنای خود با لغات دیگری هم‌چون: شادمان، خوشحال، خشنود، بشاش، خرسند و شنگول مشترک است. تمام این لغات می‌توانند برای توصیف کردن فردی مورد استفاده قرار بگیرند که احساس شادی می‌کند یا کسی که از هر نگرانی یا دغدغه‌ای آزاد است. یک ابزار ضروری برای هر دانش‌آموز زبان انگلیسی کتاب مرجعی است که به عنوان گنج‌وازه شناخته می‌شود. یک گنج‌وازه انتخاب‌هایی جایگزین را برای لغاتی که معمولاً به صورت روزمره به کار می‌بریم در اختیار خواننده قرار می‌دهد. آن هم‌چنین ابزاری بسیار سودمند برای هر دانش‌آموزی است که می‌خواهد [سطح] واژگانش را گسترش دهد. در حالی که یک مترادف معنایی مشابه دارد، لغتی که معنایی مخالف [لغت] دیگری دارد، به عنوان متضاد شناخته می‌شود. پس برای مثال، متضادها برای لغت شاد این چنین خواهد بود: غمگین، ناراحت، افسرده، دلگیر، اندوهگین و خزن‌آلود.

متن کلوز

اتاق خبر یک روزنامه دفتر یا اتاقی است که در آن‌جا روزنامه‌نگاران و سردبیرها با هم کار می‌کنند. هر کسی در اتاق خبر کار مهمی دارد. افراد در اتاق خبر تحت فشار [زیادی] هستند تا اطلاعات را به دست آورند و واقعیت‌ها را با دقت بررسی کنند. این به آن دلیل است که خوانندگان خبر می‌خواهند خبرهایشان دقیق باشد. فعالیت در اتاق خبر با دقت تحت نظارت است. در طول روز، سردبیرها و روزنامه‌نگاران اطلاعات جدیدی جمع‌آوری می‌کنند. برخی از این [اطلاعات] ممکن است داستان خبری شوند. بعضی از اطلاعات به اندازه کافی مهم یا جالب نیستند تا در اخبار گنجانده شوند. این کار سردبیر است تا تصمیم بگیرد چه چیزی تبدیل به یک داستان خبری خواهد شد. آن‌ها سپس از یک خبرنگار می‌خواهند تا اطلاعات بیشتری بیابد و مقاله‌ای درباره آن واقعه یا موضوع بنویسد.

- ۳۲۲۵۵ ▶ همان‌طور که گفته شد از ضمائر موصولی (مانند which, who و that در این تست) برای متصل کردن دو جمله به هم استفاده می‌شود. اما با توجه به این که این جمله اساساً از یک بخش تشکیل شده در این مورد کاربرد ضمائر موصولی از اساس اشتباه است و تنها گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.
 ۱۲۲۴۶ ۱) زیر، تحت ۲) آن سوی، فراسوی، ورای
 ۳) از طریق؛ از میان ۴) در میان، از بین
 ۱۲۲۴۷ ▶ فعل control (کنترل کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد the activity in the newsroom) پیش از آن قرار گرفته است، در این جا به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که این تست به امری کلی اشاره دارد و مقید به بازه زمانی خاصی نیست و در نتیجه فعل مجهول را در زمان حال ساده (در این مورد is controlled) به کار می‌بریم.

- ۴۲۲۴۸ ۱) انجام دادن؛ اجرا کردن
 ۲) [به همراه حرف اضافه of] عبارت بودن از؛ متشکل بودن از
 ۳) موافقت کردن، قبول کردن؛ هم‌عقیده بودن
 ۴) شامل ... بودن؛ گنجانیدن

۴۲۲۴۹ ▶ طبق مفهوم جمله در این جا what (چه چیزی، آن چه) مدنظر است و اساساً جمله از دو بخش تشکیل نشده است که بتوانیم ضمائر موصولی (در این مورد which, whom و whose) را مورد استفاده قرار دهیم.

متن کلوز

ادبیات شامل نمایش‌نامه‌ها، اشعار، رمان‌ها و داستان‌های کوتاه است. این نوشته‌ای است که ارزشی اکید و ماندگار را از طریق ارائه دادن بینش‌های مهم به درون ذات عواطف انسانی ارائه می‌دهد. برای مثال، نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی ویلیام شکسپیر اغلب نمایش‌نامه‌هایش را بر پایه داستان‌های قدیمی یا شناخته‌شده قرار می‌داد و از آن‌جا که شکسپیر نویسنده‌ای بسیار ماهر بود و فهمی فوق‌العاده از ذات بشر داشت، نمایش‌نامه‌های او هم‌چنان مخاطبانی از تمام ملیت‌ها را صدها سال پس از آن که اولین بار منتشر شدند، به هیجان می‌آورند. ادبیات می‌تواند قدرتمند باشد، چرا که می‌تواند اندیشه‌ها، ایده‌آل‌ها و باورهای نویسنده را بیان کند. نویسندگان اغلب از ادبیات استفاده کرده‌اند تا به

۲۲۵۵ فعل share (شریک شدن در؛ مشترک داشتن با) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که در این مورد مفعول (its meaning) بعد از فعل قرار گرفته است، پس مجهول کردن این فعل نادرست است. علاوه بر این، دقت کنید که فعل share در این جا به یک مفهوم کلی اشاره دارد و مقید به بازه زمانی خاصی نیست؛ بنابراین باید آن را به صورت معلوم و در زمان حال ساده (در این مورد shares) به کار ببریم.

۲۲۵۶ یکی از کاربردهای مصدر با to که در این تست نیز مدنظر است برای بیان هدف و مقصود می باشد.

۲۲۵۷ (۱) خلّاق، مبتکر؛ خلاقانه (۲) جدی؛ شدید (۳) قابل پیش بینی (۴) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

۲۲۵۸ (۱) به نسبت، نسبتاً (۲) مستقیماً، به صورت مستقیم، یکراست؛ فوری؛ دقیقاً (۳) معمولاً، به طور متداول (۴) به نحوی عالی، به طرزی بی نقص

۲۲۵۹ (۱) تولید کردن، به وجود آوردن (۲) مرتب کردن؛ ترتیب دادن؛ برنامه ریزی کردن (۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن (۴) آموزش دادن؛ تربیت کردن، پرورش دادن

متن ۱

در [سال] ۱۵۸۲، ایتالیایی ها آکادمی کروسکا را پایه گذاری کردند تا زبان ایتالیایی را «پالایش» کنند و یک فرهنگ لغت بسازند، که نهایتاً در [سال] ۱۶۱۲ به چاپ رسید. در فرانسه، در [سال] ۱۶۳۵، کاردینال ریشلیو کشورش را فراخواند تا آکادمی زبان فرانسوی را پایه گذاری کنند تا به زبان فرانسوی «قواعدی مشخص» بدهند. هر دوی [این] آکادمی ها وجود داشتند تا زبان استفاده شده در هر کشور را سامان ببخشند و آن را تقویت کنند.

در [سال] ۱۶۶۲، انجمن سلطنتی، تحت [پادشاهی] چارلز دوم کمیته ای را بنیان نهاد تا به سوی استانداردسازی زبان انگلیسی کار کنند (حرکت کنند). اهداف اصلی کمیته آن بود که یک [کتاب] گرامر زبان انگلیسی منتشر کند، یک لغت نامه (فرهنگ لغت) بسازد و املا [ی کلمات] را استانداردسازی کند. با وجود این، نخستین فرهنگ لغت انگلیسی تا [سال] ۱۷۷۵ به چاپ نرسید. این [فرهنگ لغت] توسط ساموئل جانسون گردآوری و نوشته شد. فرهنگ لغت زبان انگلیسی جانسون از «فهرست های لغتی» که پیش از آن به چاپ رسیده بود از دو جنبه متفاوت بود. نخست [این که] فرهنگ لغت جانسون لغات بیشتری را شامل می شد. فرهنگ لغت او شامل ۱۰۰۰،۰۰۰ لغت بود، در حالی که طولانی ترین فهرست لغت پیش از آن حاوی تنها ۴۰،۰۰۰ لغت بود. دوم [این که] فرهنگ لغات او بر روی کاربرد واژه بر اساس مثال های برگرفته از آثار نویسندگان مشهور انگلیسی تمرکز داشت.

تکمیل کردن این فرهنگ لغات از جانسون نه سال زمان برد. پس از انتشار آن، اثر جانسون برای ۱۵۰ سال آینده تبدیل به فرهنگ لغت استاندارد برای زبان انگلیسی شد. فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد که در اوایل سده بیستم به چاپ رسید، سرانجام در فروش از آن پیشی گرفت.

۲۲۶۰ چرا ایتالیایی ها آکادمی کروسکا را پایه گذاری کردند؟

(۱) تا زبان را خالص تر کنند
(۲) تا املا [ی کلمات] را استانداردسازی کنند
(۳) تا به آن زبان «قواعدی مشخص» بدهند
(۴) تا یک فرهنگ لغت را بازنویسی کنند

۲۲۶۱ فرهنگ لغت ساموئل جانسون چگونه از فهرست لغات دیگر متفاوت بود؟
(۱) لغاتی را از نویسندگان دیگر به سرقت برده بود.
(۲) لغات بیشتری داشت.
(۳) لغات کمتری داشت.
(۴) پول بیشتری خرجش شد.

۲۲۶۲ از ساموئل جانسون چه قدر زمان برد تا نوشتن فرهنگ لغتش را به پایان برساند؟
(۱) پنج سال (۲) هفت سال (۳) نه سال (۴) یازده سال

۲۲۶۳ در اوایل سده بیستم چه اتفاقی افتاد؟
(۱) نخستین فرهنگ لغت آمریکایی به چاپ رسید.
(۲) جانسون یک فرهنگ لغت جدید نوشت.
(۳) فرهنگ لغت جانسون در فروش عقب افتاد.
(۴) ساموئل جانسون فوت کرد.

۲۲۶۴ کدام یک از لغات یا عبارات زیر در متن تعریف شده است؟
(۱) آکادمی کروسکا (پاراگراف ۱) (۲) فراخواندن (پاراگراف ۱)
(۳) لغت نامه (پاراگراف ۲) (۴) در فروش پیشی گرفتن (پاراگراف ۴)

متن ۲

نخستین ماشین تحریر کاربردی در [سال] ۱۸۶۷ توسط کرسٹوفر شولز و کارلوس گلیدن ساخته شد. این دو مخترع هم چنین چنین استاندارد صفحه کلید را طراحی کردند. نام مستعار این [صفحه کلید] به خاطر شش حرف نخست در ردیف بالایی صفحه کلید QWERTY است. این ترتیب به نظر بی معنا می رسد. ولی این [ترتیب] طراحی شد تا جلوی گیر کردن کلیدها در ماشین تحریر مکانیکی به یکدیگر گرفته شود. اگر آن ها گیر می کردند، تایپيست باید از تایپ کردن دست می کشید و آن ها را از هم جدا می کرد.

ترتیب QWERTY تایپیست ها را واداشت تا اندکی کندتر کار کنند. بعضی حروف در جاهای سخت تر قرار گرفتند [که دسترسی به آن ها دشوار بود]. برای مثال A در زیر انگشت کوچک دست چپ است. A حرفی پرکاربرد است ولی به ضعیف ترین انگشت سپرده شده. بنابراین تایپ کردن آن کمی بیشتر زمان می برد. E پرکاربردترین حرف در زبان انگلیسی است ولی E در ردیف بالایی قرار گرفته است. [بنابراین] دسترسی به آن سخت تر است. ردیف میانی سان ترس ترین حروف را دارد [که دسترسی به آن ها آسان است]، ولی آن ها متداول رین [حروف] به کار رفته نیستند. برخی ترکیبات حروف مانند sh و th دور از یکدیگر قرار گرفتند. در نتیجه، کلیدهای تحریر احتمال کمتری داشت که به یکدیگر گیر کنند. چرا ما ترتیب صفحه کلیدی جدید و ساده سازی شده نمی سازیم؟ [چون در آن صورت] میلیون ها انسان ملزم خواهند شد تا سیستم جدیدی را بیاموزند. ماشین تحریر دستی شاید مدت ها باشد که رفته، ولی QWERTY عجب بوغریب زنده است و احتمالاً برای دهه های آینده مورد استفاده باقی خواهد ماند.

یک بخش اساسی عمده ادبیات، توصیف نویسنده از کاراکترهاست - افرادی که در طرح داستان شرکت می‌جویند. نویسنده شخصیت یک کاراکتر را با توصیف این‌که چگونه نسبت به وقایع در داستان واکنش نشان می‌دهد، به تصویر می‌کشد. برای مثال، جانانان سوئیفت [نویسنده کتاب سفرهای گالیور] با توصیف کردن این‌که گالیور چگونه مردم ریزجثه لی‌لی‌پوت را سرگرم می‌کند نشان می‌دهد که او انسانی خوش‌قلب است: «من گاهی دراز می‌کشیدم و اجازه می‌دادم پنج یا شش [تا] از آن‌ها روی دستم بازی کنند. و در آخر پسران و دختران جرئت کردند تا بیایند و در موهام قایم‌موشک بازی کنند.»

نویسندگان از طرح داستان و کاراکترهایشان استفاده می‌کنند تا درون‌مایه‌هایی کلیدی هم‌چون عشق، مرگ، اخلاق و موضوعات اجتماعی یا سیاسی را بررسی کنند. سفرهای گالیور صرفاً شبیه یک داستان ماجراجویی است، ولی درون‌مایه زیرین [آن] انگلیس قرن هجدهم است، جایی‌که لی‌لی‌پوتی‌ها و ملت‌های دیگر نمایانگر انواع مختلف انسان‌ها با خصوصیات خوب و بدشان هستند.

۴۲۲۷۰ متن عمدتاً درباره چیست؟

- (۱) لی‌لی‌پوتی‌ها چه جور مردمانی بودند
- (۲) چرا جانانان سوئیفت سفرهای گالیور را نوشت
- (۳) سفرهای گالیور به عنوان یک اثر فوق‌العاده ادبی

(۴) مهم‌ترین عناصر در یک اثر ادبی

۳۲۲۷۱ لغت "tale" (داستان، قصه) در پاراگراف ۱ به چه معناست؟

(۱) واحد؛ یکا

(۲) بخش، قسمت

(۳) داستان

(۴) بخش، قسمت

۱۲۲۷۲ یاهوها چه کسانی بودند؟

(۱) انسان‌هایی که به اسب‌ها خدمت می‌کردند

(۲) گروهی از اسب‌های خردمند [و] باهوش

(۳) افرادی که گالیور در براب‌دینگ‌نگ ملاقات کرد

(۴) افرادی که گالیور نمی‌توانست [آن‌ها را] تحمل کند

۴۲۲۷۳ از متن چه می‌فهمیم؟

(۱) [کتاب] سفرهای گالیور تاریخ قرن هجدهم انگلیس را بیان می‌کند.

(۲) لی‌لی‌پوتی‌ها افرادی خوش‌قلب بودند که گالیور را دوست داشتند.

(۳) لی‌لی‌پوتی‌ها و هوئی‌هنیم‌ها کاراکترهایی ساخته گالیور هستند.

(۴) جانانان سوئیفت سفرهای گالیور را نوشت تا فقط مردم را سرگرم کند.

متن ۴

بیش‌یادگیری کردن بر اساس دیکشنری هریچج آمریکایی «ادامه دادن به مطالعه یا تمرین کردن [چیزی] است حتی پس از آن‌که کسی به نحوی چیزی را به طور کامل آموخته، تا در نتیجه موضوع یا مهارت آموخته‌شده را تقویت کند.» برای بسیاری از دانش‌آموزان فهمیدن این ایده دشوار است. اگر امیلی درسی را آموخته باشد، می‌خواهد مدادش را پایین بگذارد و [از درس] دور شود. اگر اسکات نمرة بالایی در یک آزمون گرفته باشد، آماده است تا یادداشت‌هایش را از جلسه مطالعه شب گذشته دور بیندازد.

۴۲۲۶۵ بنابر فحوای متن، معنای کلمه "QWERTY" چیست؟

(۱) ماشین تحریر دستی

(۲) پاک‌کن سریع

(۳) سؤال‌های پرسیده‌شده

(۴) هیچ معنایی ندارد.

۴۲۲۶۶ از خواندن متن چه نتیجه‌ای می‌توانید بگیرید؟

(۱) مردم باید تنها با دو انگشت تایپ کنند.

(۲) همه یک طراحی صفحه‌کلید جدید می‌خواهند.

(۳) همه باید به استفاده از ماشین تحریرهای دستی برگردند.

(۴) سیستم صفحه‌کلید برای هدف مفیدی طراحی شد.

۳۲۲۶۷ کلمه "they" در پاراگراف دوم به "the middle row letter" اشاره دارد.

(۱) حروف QWERTY

(۲) حروف ردیف بالایی

(۳) حروف ردیف میانی

(۴) حروف A و E

۱۲۲۶۸ از پاراگراف آخر چه نتیجه‌ای می‌توانید بگیرید؟

(۱) مردم احتمالاً در برابر تغییرات در طراحی استاندارد صفحه‌کلید مقاومت خواهند کرد.

(۲) سیستم QWERTY طراحی شد تا به مردم کمک کند [که] سریع‌تر تایپ کنند.

(۳) سیستم QWERTY به احتمال زیاد در آینده نزدیک کنار گذاشته خواهد شد.

(۴) ساده‌سازی‌شده‌ترین سیستم QWERTY در کامپیوترهای شخصی موجود است.

۲۲۲۶۹ حرف E در ردیف بالایی صفحه‌کلید قرار دارد چون

(۱) دسترسی به آن‌جا ساده‌تر است

(۲) دسترسی به آن‌جا کمی دشوارتر است

(۳) پرکاربردترین حرف در انگلیسی است

(۴) آن حرف خیلی متداولی در انگلیسی نیست

متن ۳

مجموعه رخدادهایی که در یک اثر ادبی اتفاق می‌افتد طرح داستان نام دارد. برای مثال، [کتاب] سفرهای گالیور، داستان لموتل گالیور، یک جراح کشتی را بیان می‌کند. در بخش اول، گالیور در سرزمینی خیالی به نام لی‌لی‌پوت دچار سانه دریایی می‌شود، جایی‌که انسان‌ها فقط یکی‌دو اینچ قد دارند. در داستان دوم، او غول‌های [سرزمین] براب‌دینگ‌نگ را ملاقات می‌کند. در داستان سوم، گالیور به سرزمین‌های عجیب گوناگون سر می‌زند. سرانجام، او در میان هوئی‌هنیم‌ها رها می‌شود - نژادی از اسب‌ها که از خدمتکاران انسان‌شان، [یعنی] یاهوها، خردمندتر و باهوش‌تر هستند. گالیور که توسط هوئی‌هنیم‌ها طرد می‌شود به انگلیس برمی‌گردد، جایی‌که او دیگر قادر نیست حضور انسان‌های دیگر را تحمل کند.

اما بنابر مطالعات روان‌شناختی، بیش‌یادگیری برای به یاد سپردن موفق موضوع و اجرای [موفق] کارها ضروری است. یک یادداشت وبلاگ نوشته‌انی مورفی پُل شواهد تجربی در پس بیش‌یادگیری را [این‌گونه] توضیح می‌دهد: «فقط یاد نگیرید، بیش‌یادگیری کنید.» مورفی پُل مطالعه‌ای را ذکر می‌کند که توسط استادیار [دانشگاه] علاء احمد انجام شده، که میزان انرژی صرف‌شده برای کاری که بارها و بارها تکرار شده را اندازه می‌گیرد. این مطالعه که در مجله علمی علوم اعصاب به چاپ رسیده، پی برد که هم‌چنان‌که شرکت‌کنندگان در [پژوهش] در انجام کاری بیشتر و بیشتر ماهر می‌شدند میزان انرژی استفاده شده برای انجام دادن آن کار کاهش می‌یافت. مورفی پُل می‌نویسد [که] «تا پایان فرایند یادگیری، میزان تلاشی که آن‌ها برای انجام آن کار به خرج می‌دادند، حدود ۲۰ درصد نسبت به زمانی که آغاز کردند کاهش یافته بود.»

نویسنده در پاراگراف ۲ به امیلی واسکات اشاره کرده است تا

- (۱) دو اثر اصلی بیش‌یادگیری را فهرست کند
- (۲) ثابت کند که بسیاری از دانش‌آموزان بیش‌یادگیری را حتی بدون آن‌که خودشان بدانند آن واقعاً چیست انجام می‌دهند
- (۳) مثالی برای این واقعیت بیاورد که تعدادی از دانش‌آموزان فهم درستی از بیش‌یادگیری ندارند

(۴) مثالی واقعی ارائه کند از این‌که چه‌قدر برای دانش‌آموزان ساده است که موفق شوند اگر آن‌ها پیشاپیش موضوع را تا نقطه بیش‌یادگیری خوانده باشند نویسنده در ارتباط با بیش‌یادگیری تمام موارد زیر را ارائه داده است،

به جز آن .

- (۱) تأثیرات
 - (۲) علل
 - (۳) کارکرد
 - (۴) تعریف
 - (۱) علاء احمد
 - (۲) علاء احمد و دستیارش
 - (۳) مورفی پُل
 - (۴) مورفی پُل و علاء احمد
- طبق متن، چه‌کسی مقاله‌ای را در مجله علمی علوم اعصاب به چاپ رساند؟
- (۱) علاء احمد و دستیارش
- (۲) علاء احمد و مورفی پُل
- (۳) مورفی پُل و علاء احمد
- (۴) طبق مطالعه گزارش شده در پاراگراف ۳، میزان انرژی صرف‌شده برای کاری که بارها و بارها تکرار شده

(۱) در طول زمان کاهش می‌یابد

(۲) دلیل اصلی بیش‌یادگیری است

(۳) به تلاش‌های بیشتری برای به اتمام رساندن کارها می‌انجامد

(۴) اگر بیش‌یادگیری اصلاً قرار باشد اتفاق بیفتد، باید بیشتر از نرمال باشد

متن ۵

در [سال] ۱۹۷۷ یک فارغ‌التحصیل جوان [دانشگاه] هاروارد به نام ایرن پپربرگ یک طوطی خاکستری آفریقایی یک‌ساله را به آزمایشگاهش آورد و چیزی بسیار نامعمول را امتحان کرد. در زمانی‌که دانشمندان همکار او فکر می‌کردند حیوانات فقط می‌توانند در یک سطح بسیار پایه‌ای ارتباط برقرار کنند، ایرن با صحبت کردن با یک موجود زنده در صد پی بردن به آن چیزی بود که در ذهن اوست. آن پرنده، به نام الکس ثابت کرد که شاگرد خوبی است.

دانشمندان در آن زمان اعتقاد داشتند که حیوانات از هر اندیشه‌ای ناتوان هستند. آن‌ها باور داشتند که حیوانات تنها به این دلیل نسب، به چیزها واکنش نشان می‌دهند که توسط طبیعت برنامه‌ریزی شده‌اند تا به آن طریق واکنش نشان دهند، نه به خاطر داشتن توانایی اندیشیدن یا احساس کردن. احتمالاً هر صاحب حیوان خانگی‌ای مخالف خواهد بود. پپربرگ هم مخالف بود و کارش را با الکس آغاز کرد تا ثابت کند آن‌ها اشتباه می‌کنند.

پپربرگ الکس را در یک فروشگاه حیوانات خانگی خرید. او اجازه داد [که] شاگرد مغازه او را انتخاب کند چون نمی‌خواست [که] بقیه دانشمندان بعداً بگویند که او از قصد، پرنده به‌ویژه باهوشی را برای کارش انتخاب کرده است. اکثر پژوهشگران فکر می‌کردند که تلاش پپربرگ برای ارتباط برقرار کردن، با الکس به شکست خواهد انجامید - به هر حال، مغز او تنها به اندازه یک گرد بود.

با وجود این، آزمایش پپربرگ شکست نخورد. در واقع، در طول چند سال آینده، الکس یاد گرفت تا حدود صدپنج‌گانه لغت انگلیسی را تقلید کند و حتی توانست در سطحی ابتدایی استدلال و از آن کلمات برای برقرار کردن ارتباط استفاده کند. برای مثال، وقتی یک شیء به الکس نشان داده می‌شد و شکل، رنگ یا جنسش پرسیده می‌شد، او می‌توانست به درستی آن را مشخص کند. او می‌توانست بفهمد که یک کلید، صرف نظر از اندازه یا رنگش کلید است و می‌توانست بفهمد [که] آن کلید چگونه از [کلیدهای] دیگر متفاوت است.

متن عمدتاً درباره [این] است [که]

- (۱) حیوانات چگونه با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کنند
- (۲) آزمایش موفق یک زن برای ارتباط برقرار کردن با یک پرنده
- (۳) طوطی‌ها چگونه از حیوانات دیگر باهوش‌تر هستند

(۴) ایرن پپربرگ چگونه ثابت کرد [که] دانشمندان همکار او اشتباه می‌کنند

اگر گزینه (۴) را انتخاب کردید، در دام مدنظر طراح تست افتاده‌اید! هر چند رویارویی این دانشمند جوان با همکارانش هم بخش مهمی از متن بود، اما به این نکته دقت کنید که متن برای به نمایش گذاشتن این رویارویی نوشته نشده، بلکه هدف از آن نشان دادن آزمایش این دانشمند و نتایجش بوده. اگر هنوز هم تردید دارید جمله اول متن را یک‌بار دیگر بخوانید و دقت کنید که متن با کدام ایده آغاز شده است.

در پاراگراف ۳، "deliberately" (از قصد، عمدتاً) از نظر معنی به

"on purpose" نزدیک‌ترین است.

(۱) به طور طبیعی، طبیعتاً؛ ذاتاً (۲) از قصد، عمدتاً

(۳) هوشمندانه (۴) صادقانه؛ راستش را بخواهی

بیشتر پژوهشگران فکر می‌کردند که آزمایش ایرن

(۱) ثابت می‌کرد که مغز آن پرنده بزرگ‌تر است

(۲) پرنده‌ای به‌ویژه باهوش را کشف می‌کرد

(۳) موفق نمی‌شد

(۴) دانش ما از حیوانات را افزایش می‌داد

از متن می‌توانیم نتیجه بگیریم که مغزی به اندازه یک گردو

(۱) خیلی بزرگ نیست

(۲) برای سر یک طوطی زیادی بزرگ است

(۳) باور بر آن است که برای ارتباط برقرار کردن به اندازه کافی بزرگ است

(۴) از مغز طوطی‌های دیگر کوچک‌تر است

- ۲۲۸۶ منظور نویسنده از «هیچ آموزش خاصی» آن گونه که در پاراگراف ۲ به کار رفته چه آموزشی است؟
- (۱) آموزش در دادن آزمون (۲) آموزش در موسیقی
- (۳) آموزش در مدرسه به طور کلی (۴) آموزش در مهارت‌های سواد

متن ۷

تلفظ کردن [به] یک زبان یک مهارت است. هر فرد عادی در مهارت تلفظ کردن زبان خودش یک متخصص است، ولی افراد کمی حتی کمابیش در تلفظ کردن زبان‌های خارجی ماهر هستند. دلیل بنیادی [که] چرا افراد به طور کلی زبان‌های خارجی را به آن خوبی صحبت نمی‌کنند آن است [که] آن‌ها نمی‌توانند ماهیت واقعی مشکل یادگیری تلفظ کردن را درک کنند، و در نتیجه هیچ‌وقت درصدی از میان برداشتن آن به شیوه درست بر نمی‌آیند. من فکر می‌کنم حتی معلم‌های زبان، اگرچه اهمیت یک لهجه خوب را می‌فهمند، اغلب در آموزش عملی‌شان آن شاخه از مطالعه را [که] درباره تلفظ کردن صحیح زبان است، نادیده می‌گیرند. بنابراین نخستین نکته‌ای که می‌خواهم بیان کنم این است که تلفظ زبان انگلیسی باید تعلیم داده شود؛ معلم باید آماده باشد تا مقداری از زمان درس را به این اختصاص دهد. علاوه بر این، دو نیاز دیگر [نیز] برای معلم وجود دارد: اولی، دانش؛ دومی، تکنیک [آموزشی] مناسب. مهم است که معلم باید اطلاعات اساسی را داشته باشد. این امکان هست که از کتاب‌ها ایده‌هایی از سازوکار گفتار و نظریه آوایی به دست آورد. این هم ممکن است که به این طریق تصویر ذهنی واضحی از رابطه میان آواهای زبان‌های مختلف، [و رابطه] میان عادت‌های گفتاری افراد انگلیسی‌زبان و آن [عادت‌ها، مثلاً، در گفتار] دانش‌آموزان به دست آید. هر نظری که ممکن است معلم درباره تلفظ دانش‌آموزانش بدهد بعید است فایده‌ای داشته باشد و زمان درسی که بر روی تلفظ صرف می‌شود چه‌بسا زمانی هدر رفته باشد مگر این‌که او چنین تصویری داشته باشد.

اولین و مهم‌ترین بخش تکنیک [آموزشی] یک معلم زبان عملکرد خود او، توانایی او برای به نمایش گذاشتن زبان گفتاری، در تمام جزئیات بیان و همچنین صحبت کردن روان است، به گونه‌ای که به ظرفیت غیرفعال دانش‌آموز برای تقلید، مجال و حمایت کامل داده شود. بنابراین معلم باید تا جایی که می‌تواند از خود مدلی بی‌نقص از این جهت بسازد.

۲۲۸۷ نویسنده استدلال می‌کند که پرداختن به مشکل تلفظ به شیوه نادرست

- (۱) یک دلیل واضح برای درک نکردن درست مشکل است
- (۲) نتیجه‌ای بنیادی از خوب صحبت نکردن است
- (۳) نتیجه درک نکردن درست مشکل است
- (۴) دلیل واضحی برای ضعیف صحبت کردن نیست
- اگر در این تست، گزینه (۱) را انتخاب کرده‌اید، یک بار دیگر این گزینه را بخوانید و این بار به تفاوت معنایی کلمه cause (سبب، علت) با کلمه consequence (اثرب، نتیجه، پیامد) دقت کنید.
- ۲۲۸۸ چه چیزی است که گفته می‌شود معلم‌ها اغلب فراموش می‌کنند؟
- (۱) آموزش عملی زبان‌ها (۲) اهمیت یک لهجه خوب
- (۳) اصول نظریه آوایی (۴) آموزش تلفظ در کلاس درس

- ۲۲۸۹ کدام یک از موارد زیر درباره طوطی ایرن، [یعنی] الکس، درست نیست؟
- (۱) او آموخت تا حدود ۱۵۰ لغت انگلیسی را به کار ببرد.
- (۲) او می‌توانست تعدادی از اشیاء را مشخص کند.
- (۳) او می‌توانست مکالمات پیچیده داشته باشد.
- (۴) او می‌توانست بفهمد [که] یک شیء از [اشیاء] دیگر چگونه متفاوت است.

متن ۶

چرا موسیقی مهم است؟ مشارکت [در] موسیقی فرصتی منحصر به فرد برای آمادگی سواد فراهم می‌کند - برای آماده کردن کودکان تا بیاموزند در مدرسه چگونه بخوانند و بنویسند. کودکان چه در حال آواز خواندن، [چه] در حال [ساز] زدن، [و] چه در حال گوش دادن [به موسیقی] باشند، معلم‌ها آن‌ها را راهنمایی می‌کنند تا به شیوه‌هایی جدید گوش دهند و بشنوند، که تمایز شنیداری آن‌ها را تمرین می‌دهد. نواختن آلات [موسیقی] و اضافه کردن حرکت به درس‌ها به کودکان درباره آموختن متوالی، تعلیم می‌دهد که در درک متن ضروری است. افلاطون زمانی گفت که موسیقی «برای آموزش از هر ابزار دیگری قوی‌تر است». شما بسیاری از معلم‌های کودکان کوچک را پیدا می‌کنید که با او موافق خواهند بود. پژوهش‌های تازه مشخص کرده است که موسیقی از هر دو سمت مغز استفاده می‌کند، واقعیتی که آن را در تمام حوزه‌های رشد ارزشمند می‌سازد. موسیقی بر رشد مغز یک کودک از نظر تحصیلی، احساسی، جسمی و روحی تأثیر می‌گذارد.

حالا بگذارید به نخستین تأثیر که تأثیر بر عملکرد تحصیلی کودکان است، بپردازیم. برای برخی افراد، این دلیل اصلی برای فراهم کردن کلاس‌های موسیقی برای کودکان است. پژوهشی تازه نشان داد که موسیقی مغز را برای اشکال مترقی‌تر اندیشیدن تمرین می‌دهد. کلاس‌دومی‌هایی که به آن‌ها درس‌های موسیقی داده شد در آزمون‌های ریاضیات تناسب و کسرهای ۲۷٪ بالاتر از کودکانی نمره می‌گرفتند که هیچ آموزش خاصی دریافت نمی‌کردند. تحقیق نشان می‌دهد که تمرین موسیقایی یک ذهن جوان را برای عملکردی بهبودیافته آماده می‌کند.

- ۲۲۸۳ کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟
- (۱) استفاده [از] موسیقی در خانه
- (۲) موسیقی و ذهن‌های جوان
- (۳) موسیقی: نظرات متضاد
- (۴) راه‌هایی برای پیشرفت دادن توانایی موسیقایی

- ۲۲۸۴ متن بیشتر درباره کدام جنبه موسیقی صحبت می‌کند؟
- (۱) انواع آن (۲) منشاء آن (۳) کارکرد آن (۴) پیشرفت آن
- ۲۲۸۵ نویسنده در پاراگراف ۱ از افلاطون نام برده است تا
- (۱) از نکته اصلی پاراگراف دفاع کند
- (۲) تمرکز بحثی را که در آن پاراگراف مطرح شده تغییر دهد
- (۳) شرطی را برای دستیابی به هدفی که در پاراگراف توضیح داده شده، تعیین کند
- (۴) گنجاندن موسیقی در کلاس به عنوان ابزاری برای آموزش را قبل از آن که پژوهشی درباره مفید بودنش انجام شود، رد کند

۲۲۲۸۹ طبق متن، معلم چگونه ممکن است خود را [در موقعیتی] بیابد که وقت درس را هدر می‌دهد؟

- (۱) با صرف کردن وقت کلاس برای تلفظ
 - (۲) با دادن نظرات غیر آگاهانه درباره تلفظ
 - (۳) با استفاده نکردن از کتاب‌هایی درباره آواشناسی در کلاس
 - (۴) با ارائه ندادن یک تصویر ذهنی واضح از تفاوت میان صداها
- ۲۲۲۹۰** نکته اصلی که نویسنده درباره تقلید از معلم‌ها بیان می‌کند، چیست؟
- (۱) معلم‌ها مدل‌هایی بی‌نقص برای دانش‌آموزان هستند تا [از آن‌ها] تقلید کنند.
 - (۲) این موضوعی با اهمیت ثانویه است.
 - (۳) باید برای این به دانش‌آموزان هر فرصتی داده شود.
 - (۴) این به توانایی دانش‌آموز بستگی دارد.

متن ۸

وقتی که ما زبانی خارجی را می‌آموزیم، اغلب فکر می‌کنیم که فهمیدن هر چیزی که می‌شنویم مهم است. اما وقتی شما به کسی که به زبان خودتان صحبت می‌کند گوش می‌دهید، احتمالاً به ۱۰۰٪ [از آن‌چه آن فرد می‌گوید] گوش نمی‌دهید و احتمالاً نیاز/تمایلی هم ندارید تا [گوش دهید]. بنابراین یک قاعده ضروری برای تقویت کردن فهم‌تان از گویش‌وران بومی انگلیسی این است که انتظار نداشته باشید هر چیزی که می‌گویند را درک کنید. من و همسر هر دو اهل توکیو ژاپن هستیم. وقتی که ما دی‌وی‌دی‌هایی از مجموعه‌های تلویزیونی انگلیسی می‌بینیم، [آن‌ها را] با زیرنویس می‌بینیم - اگر ما زیرنویس نداشته باشیم، گاهی حدود ۲۰٪ از چیزی که گفته می‌شود را متوجه نمی‌شویم. با وجود این، حتی اگر زیرنویس‌ها را فعال نکنیم و در نتیجه ۲۰٪ را متوجه نشویم، هم‌چنان به اندازه کافی می‌فهمیم تا داستان را دنبال کنیم. فهمیدن به اندازه کافی برای دنبال کردن خط داستان باید هدف شما هم باشد. منظورم از «خط داستان»، مکالمه‌ای در یک رستوران، یک سخنرانی رسمی [یا] تماسی تلفنی است. در مواجهات نه‌چندان تخصصی یا علمی، اغلب مکالمات بیشتر ابزاری برای با هم بودن هستند، رویدادی اجتماعی - فرهنگی که در آن روابط شکل می‌گیرند، به جای آن‌که فرصتی برای تبادل اطلاعات [باشند]. اکثر مواقع، آن‌چه گفته می‌شود ممکن است کاملاً بی‌ارتباط باشد. غالباً صحبت کردن صرفاً هدفی به خودی خود است. وقتی که ما برای شام با دوستان بیرون می‌رویم، هدف اصلی جمع کردن اطلاعات مفید نیست بلکه [هدف] صرفاً تعامل کردن با افرادی است [که] با آن‌ها هستیم و لذت بردن از حضور یک‌دیگر است.

۲۲۲۹۱ چرا نویسنده به تجربه صحبت کردن به زبان مادری اشاره می‌کند (پاراگراف ۱)؟

- (۱) تا ثابت کند که یاد گرفتن یک زبان جدید آسان نیست
- (۲) تا نشان دهد که دانش ما از زبان بومی خودمان بی‌نقص است
- (۳) تا نکته اصلی را که در گزاره‌ای پیش‌تر در همان پاراگراف ذکر شده تقویت کند
- (۴) تا بیان کند که تلاش ذهنی‌ای که وقتی دیگران با شما صحبت می‌کنند برای فهمیدن به خرج می‌دهید، بیشتر از آن تلاش ذهنی‌ای است که وقتی شما خودتان حرف می‌زنید به خرج می‌دهید

۲۲۲۹۲ بر اساس پاراگراف ۲، وقتی شخص فیلمی را به زبان خارجی تماشا می‌کند،

- (۱) اگر قرار باشد آن فرد بتواند خط داستان را به اندازه کافی بی‌نقص دنبال کند باید از زیرنویس‌ها استفاده شود
 - (۲) آن فرد می‌تواند داستان را بفهمد و از آن لذت ببرد حتی اگر شخص تمام چیزی را که کاراکترهای فیلم می‌گویند متوجه نشود
 - (۳) آن فرد ممکن است حتی اگر فیلم را با زیرنویس ببیند ۲۰ درصد از محتوای فیلم را متوجه نشود
 - (۴) برای آن فرد کافی است که ۲۰ درصد از آن‌چه را که کاراکترهای فیلم می‌گویند بفهمد تا نکات اصلی فیلم را درک کند
- ۲۲۲۹۳** نویسنده در کدام پاراگراف از مثال آوردن برای بهتر فهماندن [منظور] خودش استفاده کرده است؟

- (۱) فقط پاراگراف ۱
 - (۲) فقط پاراگراف ۲
 - (۳) فقط پاراگراف ۴
 - (۴) هم پاراگراف ۲ و هم ۴
- ۲۲۲۹۴** آن‌چه تمرکز پاراگراف ۴ را از تمرکز سه پاراگراف اول متفاوت می‌کند آن است که این پاراگراف بیشتر درباره نقش زبان در است.
- (۱) کنار هم آوردن انسان‌ها
 - (۲) فعالیت‌های مربوط به پژوهش
 - (۳) بهبود دادن دستاوردهای علمی
 - (۴) توسعه فرهنگی در جهان

متن ۹

برای میلیون‌ها سال، حیوانات به شیوه‌های فراوانی ارتباط برقرار کرده‌اند - از منتشر کردن علائم شیمیایی تا اجرا کردن رقص‌های پیچیده، تا جیک‌جیک کردن، خرخر کردن و زوزه کشیدن. از سوی دیگر، انسان‌ها توانایی ارتباط برقرار کردن با استفاده از زبان را دارند. با وجود این، دانشمندان بر سر این‌که زبان انسانی نخستین‌بار کی پدید آمد توافق ندارند. تخمین‌ها از یک‌دهه‌ها سال تا میلیون‌ها سال پیش متفاوت است. ولی حتی اگر نامشخص باشد [که] آن دقیقاً کی آغاز شد، زبان انسانی در قرن گذشته به نحوی چشمگیر پیدایش یافته و به سه گروه مختلف منشعب شده است: زبان‌های طبیعی، مصنوعی و رسمی. زبان‌های طبیعی که به عنوان زبان‌های ساخته بشر هم شناخته می‌شوند زبان‌هایی هستند که انسان‌ها صرفاً از روی نیاز به برقرار کردن ارتباط با یک‌دیگر ایجاد کرده‌اند. زبان‌های طبیعی زبان‌هایی هستند که افراد هر روزه با آن‌ها صحبت می‌کنند، می‌خوانند، می‌نویسند و [به آن‌ها] گوش می‌دهند، مانند انگلیسی، هندی و روسی. واژگان و قواعد این زبان‌ها به صورت طبیعی گسترش یافته‌اند، بدون تأثیر نویسنده یا سازنده‌ای که زبان‌ها را قالب‌ریزی کند یا تغییر دهد. به طور خلاصه، زبان‌های طبیعی «صرفاً اتفاق می‌افتند». زبان‌های مصنوعی نیز ساخته بشرند ولی آن‌ها توسط انسان‌هایی که پیشاپیش زبانی طبیعی را برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند، ساخته یا درست می‌شوند. واژگان و گرامر زبان‌های مصنوعی به صورت طبیعی توسعه نمی‌یابند بلکه توسط نویسنده یا سازنده‌ای ساخته می‌شوند. تعدادی دلیل برای ساختن یک زبان مصنوعی وجود دارد. در برخی از موارد، این ممکن است آزمایشی علمی در [زمینه] زبان‌ها باشد؛ در موارد دیگر، ممکن است ساخت یک هنرمند باشد. یک زبان مصنوعی هم‌چنین ممکن است برای ساده‌تر ساختن برآراری ارتباط بین انسان‌ها از ملیت‌های مختلف ساخته شود. شاید بهترین مثال این [نوع زبان‌ها]،

ترجمه کامپیوتری زبان، ترجمه ماشینی یا MT نام دارد. اگرچه MT بی نقص نیست [ولی] به طرز شگفت‌آوری خوب است. MT برای پردازش کردن زبان خشک [و] فنی که افراد ترجمه آن را خسته‌کننده می‌یابند، طراحی شد. کامپیوترها می‌توانند عبارت‌های ابتدایی هم‌چون «استخوان پای شما به استخوان قوزک شما متصل است و استخوان قوزک شما به استخوان ساق شما متصل است» را ترجمه کنند. آن‌ها می‌توانند عبارت‌های دشوارتری هم‌چون «کدام جادوگر کدومه؟» را [هم] ترجمه کنند. کامپیوترها هم‌چنین می‌توانند با دقت بسیاری از عبارت‌های مشابه را به زبان‌های دیگر ترجمه کنند چون آن‌ها تا وقتی که لغات در واژه‌نامه‌شان از پیش برنامه‌ریزی شده باشد، می‌توانند لغات تکی را متوجه شوند.

ولی انواع ترجمه فوق‌العاده حساس مانند مکالمات مهم دیپلماتیک و رای محدوده برنامه‌های ترجمه‌گر کامپیوتری است. مترجمان انسانی از معنای شهودی [و] نه منطق برای پردازش کردن کلمات و عبارت‌ها به زبان‌های دیگر استفاده می‌کنند. یک انسان به خوبی می‌تواند این عبارت که «یک خودکار در آغل است» را ترجمه کند، چون اکثر مردم می‌دانند که آن [عبارت] به این معنی است که یک ابزار نگارش در یک محیط کوچک بسته است. خیلی اوقات، کامپیوترها توانایی تعیین این را ندارند که دو لغت یکسان در یک جمله به چه طریقی باید استفاده شوند. علاوه بر استفاده از دستگاه‌های از پیش برنامه‌نویسی شده عظیم، برنامه‌نویسان کامپیوتری هم‌چنین تلاش می‌کنند تا به کامپیوترها بیاموزند تا یاد بگیرند چگونه از خلال «تجربه» ترجمه کردن برای خودشان فکر کنند. حتی با این تلاش‌ها، برنامه‌نویسان می‌پذیرند که یک کامپیوتر «متفکر» شاید هیچ‌گاه در آینده اختراع نشود.

۱۲۳۰۰ کامپیوترها امروزه قادر هستند تا

- ۱) بهترین شطرنج‌بازان را در جهان شکست دهند
- ۲) تفاوت‌های ظریف میان زبان‌ها را بگویند
- ۳) بیش از ۶۰ درصد از متون دشوار را ترجمه کنند
- ۴) استدلال عقل سلیم شبیه به انسان را انجام دهند
- ۲۲۳۰۱ طبق متن، کدام یک از موارد زیر درست نیست؟
- ۱) کامپیوترها می‌توانند متون خشک و دشوار را ترجمه کنند.
- ۲) کامپیوترها می‌توانند زبان حساس را متوجه شوند.
- ۳) کامپیوترها می‌توانند زبان تخصصی را ترجمه کنند.
- ۴) کامپیوترها می‌توانند لغات از پیش برنامه‌ریزی شده را متوجه شوند.
- ۴۲۳۰۲ مشکل اصلی برنامه‌های ترجمه کامپیوتری آن است که کامپیوترها

- ۱) نمی‌توانند جملات غیر منطقی را ترجمه کنند
- ۲) ظرفیت به اندازه کافی بزرگ حافظه ندارند
- ۳) نمی‌توانند قواعد گرامری را متوجه شوند
- ۴) شهودی برای پردازش زبان ندارند
- ۲۲۳۰۳ برای تقویت کردن ترجمه ماشینی، برنامه‌نویسان کامپیوتری دارند تلاش می‌کنند تا
- ۱) از کامپیوترهای قدرتمند برنامه‌ریزی شده [بر اساس] قواعد استفاده کنند
- ۲) به کامپیوترها بیاموزند تا از طریق تمرین فکر کنند
- ۳) ترتیبی دهند تا کامپیوترها فرهنگ‌های لغات ترجمه‌گر را تدوین کنند
- ۴) توضیحات کلمات را در برنامه‌های کامپیوتری اضافه کنند

اسپراتو باشد، زبانی مصنوعی که در [سال] ۱۸۸۷ توسط ال. ال. زامنهوف ساخته شد که در اصل قرار بود تعامل بین اروپایی‌ها را ساده کند.

نهایتاً، زبان‌های رسمی زبان‌هایی هستند که چیزی را منتقل می‌کنند ولی مانند زبان‌های طبیعی و مصنوعی زبان‌های گفتاری نیستند. با وجود این، مانند زبان‌های مصنوعی، آن‌ها ساخته می‌شوند. زبان‌های رسمی قرار است که در آن‌چه منتقل می‌کنند بسیار دقیق باشند. یک نمونه از زبان رسمی متداول، کد کامپیوتری است. کد کامپیوتری مجموعه قوانین بسیار خشک خود را دارد و تنها در خدمت «صحبت کردن» با یک کامپیوتر است - افراد نمی‌توانند از آن برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده کنند.

۱۲۲۹۵ متن عمدتاً درباره چیست؟

- ۱) انواع مختلف زبان‌ها
- ۲) نقش زبان‌های ساخته‌شده
- ۳) تاریخچه ارتباطات بشری
- ۴) توسعه زبان‌های طبیعی
- ۴۲۲۹۶ در پاراگراف دوم، کلمه «modeling» (مدل دادن، قالب‌ریزی کردن) از نظر معنی به «shaping» نزدیک‌ترین است.
- ۱) آزمودن، سنجیدن
- ۲) توضیح دادن، شرح دادن
- ۳) فرار کردن (از)؛ چشم پوشیدن از؛ صرف نظر کردن از
- ۴) شکل دادن، قالب‌ریزی کردن
- ۳۲۲۹۷ بر اساس متن، تمام موارد زیر دلایلی برای ساختن زبان‌های مصنوعی هستند، به جز

- ۱) برای ساختن چیزی هنری
- ۲) برای انجام دادن پژوهشی علمی [درباره] زبان‌ها
- ۳) برای منتقل کردن چیزی بدون زبان گفتاری
- ۴) برای آسان‌تر کردن صحبت کردن افراد مختلف با یکدیگر
- ۲۲۲۹۸ نویسنده چرا اسپراتو را ذکر می‌کند؟
- ۱) برای آن‌که توضیح دهد تعامل چگونه می‌تواند ساده شود
- ۲) تا مثالی از یک زبان مصنوعی بدهد
- ۳) تا نشان دهد که آن زبان، سازنده‌ای دارد
- ۴) تا اشاره کند که آن هنوز توسط بسیاری از اروپایی‌ها استفاده می‌شود

۱۲۲۹۹ زبان‌های رسمی چگونه از زبان‌های طبیعی و مصنوعی متفاوت هستند؟

- ۱) مردم به آن [زبان]‌ها صحبت نمی‌کنند.
- ۲) مردم نمی‌توانند آن‌ها را متوجه شوند.
- ۳) آن‌ها توسط سازنده‌ای ساخته می‌شوند.
- ۴) آن‌ها هیچ چیزی را منتقل نمی‌کنند.

متن ۱۰

کامپیوترها می‌توانند قهرمان شطرنج، گری کاسپاروف را در بازی‌اش شکست دهند، تمام اتم‌ها را در یک انفجار هسته‌ای بشمارند و اعدادی پیچیده را در کسری از ثانیه حساب کنند، ولی آن‌ها هنوز در تفاوت‌های ظریف در ترجمه زبان ناموفق هستند. کامپیوترهای هوش مصنوعی مقادیر عظیمی از حافظه دارند، [و] قادر به ذخیره‌سازی واژه‌نامه‌های ترجمه‌گر عظیم و فهرست‌هایی گسترده از قواعد گرامری [هستند]. با وجود این، بهترین کامپیوترهای مترجم زبان امروزی تنها ۶۰ درصد نرخ صحت [ترجمه] دارند. دانشمندان هنوز از برنامه‌ریزی کردن کامپیوتری با قدرت استدلال عقل سلیم شبیه به انسان ناتوانند.

۲۳۰۴ متن اشاره می‌کند که

(۱) نرخ صحت ترجمه ماشینی نمی‌تواند افزایش بیابد

(۲) برای کامپیوترها ناممکن است که آن‌گونه که انسان‌ها [می‌اندیشند]، بیندیشند

(۳) فقط زبان تخصصی برای ترجمه ماشینی مناسب است

(۴) تعیین کردن تفاوت‌های کلمات یکسان، دشوار است

متن ۱۱

نوزادان، بسیار قبل از آن‌که بتوانند در واقع صحبت کنند به صحبت [هایی] که در اطرافشان می‌شنوند به طور خاص توجه می‌کنند. واکنش‌های نوزادان به آوای انسان، در طول ماه نخست زندگی‌شان، از واکنش‌هایشان به دیگر انواع محرک‌های صوتی متفاوت خواهد بود. آن‌ها وقتی که [صدای] شخصی را در حال صحبت کردن می‌شنوند، از گریه دست می‌کشند، ولی اگر یک زنگ یا صدای جفجفه را بشنوند، خیر. در ابتدا، آواهایی که یک نوزاد متوجه [شان] می‌شود ممکن است تنها آن لغاتی باشد که سنگین‌ترین تأکید را می‌گیرند و اغلب در انتهای گفته‌ها می‌آیند. زمانی که نوزادان شش یا هفت هفته سن دارند، می‌توانند تفاوت میان هجاهایی را که با آهنگ‌های خیزان و افتان تلفظ می‌شوند تشخیص دهند. خیلی زود، این تفاوت‌ها در تکیه و لحن بزرگسالان می‌تواند حالات احساسی و رفتار نوزادان را تحت تأثیر قرار دهد. بسیار قبل از آن‌که نوزادان فهم زبانی واقعی را [در خود] پرورش دهند، می‌توانند صرفاً بر اساس سرخه‌هایی هم‌چون سرعت، حجم و آهنگ صحبت بزرگسال حس کنند چه زمانی یک بزرگسال سرزنده یا عصبانی است [یا] تلاش می‌کند تا رفتاری جدید را آغاز یا متوقف کند و از این دست [چیزها].

بزرگسالان با اغراق کردن [در] این سرخه‌ها تا جایی که می‌توانند یاد گرفتن یک زبان را برای نوزادان ساده می‌کنند. یک محقق، نوزادان و مادرهایشان را در شش فرهنگ متفاوت بررسی کرد و پی برد که در تمام [این] شش زبان، مادرها از دستور زبان ساده‌شده، گفته‌های کوتاه و صداهای بی‌معنا استفاده و صداهایی به‌خصوص را به کلام کودکان تبدیل می‌کنند. سایر محققان متوجه شده‌اند که وقتی مادرها با نوزادانی که فقط چند ماه سن دارند، صحبت می‌کنند، زیربوم، بلندی و شدت کلماتشان را اغراق می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین حالات چهره خود را اغراق می‌کنند، مصوت‌ها را طولانی‌تر می‌کشند و بر روی لغاتی خاص تأکید می‌کنند.

در پرورش زبان، مهم‌تر از واکنش آن‌ها به لحن کلی، مشاهده [این موضوع] است که نوزادان کوچک می‌توانند تمایزهای نسبتاً ظریفی میان صداهای گفتار قائل شوند. به عبارت دیگر، نوزادان با توانایی ایجاد دقیقاً آن [نوع] تمایزهای ادراکی به دنیا می‌آیند که اگر قرار باشد زبان شنیداری را اکتساب کنند، ضروری است.

۳۲۳۰۵ متن عمدتاً درباره چیست؟

(۱) نوزادان چگونه میان صدای انسان و دیگر صداها تمایز قائل می‌شوند

(۲) تفاوت‌های میان توانایی یک نوزاد و یک بزرگسال برای متوجه شدن زبان

(۳) نوزادان چگونه در ابتدایی‌ترین مراحل پرورش زبان خودشان صدای انسان را درک می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند

(۴) واکنش نوزادان به صداهایی غیر از صدای انسان

۲۳۰۶ نویسنده چرا در سطر ۴ یک زنگ و یک جفجفه را ذکر می‌کند؟

(۱) تا میان واکنش‌های نوزادان به صداهای انسانی و غیرانسانی مقایسه انجام دهد
(۲) تا مثال‌هایی از صداهایی ارائه دهد که باعث می‌شوند یک نواد گریه کند
(۳) تا توضیح دهد [که] نوزادان چگونه بین صداهای غیرانسانی مختلف تمایز قائل می‌شوند

(۴) تا مثال‌هایی از اسباب‌بازی‌های معمولی ارائه دهد که نوزادان دوست ندارند
۲۳۰۷ چرا نویسنده در سطر ۶ هجاهایی را ذکر می‌کند که با آهنگ‌های

افتان و خیزان تلفظ می‌شوند؟

(۱) تا نشان دهد برای نوزادان تفسیر کردن احساسات چه قدر دشوار است
(۲) تا نشان دهد که یک نوزاد شش هفته‌ای دیگر می‌تواند برخی تفاوت‌های زبانی را تشخیص دهد
(۳) تا مثالی از شیوه‌هایی که بزرگسالان با نوزادان صحبت می‌کنند ارائه دهد
(۴) تا دلیلی برای دشواری نوزادان در ایجاد تمایز میان یک بزرگسال از دیگری ارائه دهد

۲۳۰۸ کدام یک از موارد زیر را می‌توان درباره یافته‌های تودمیخ داده شده در پاراگراف ۲ برداشت کرد؟

(۱) نوزادانی که در معرض بیش از یک زبان قرار می‌گیرند می‌توانند زودتر از نوزادانی که در معرض [تنها] یک زبان قرار می‌گیرند، صحبت کنند.
(۲) مادران از فرهنگ‌های مختلف با نوزادانشان به شیوه‌هایی مشابه سخن می‌گویند.
(۳) نوزادان در درک کردن زبان شنیداری، حالات چهره را نادیده می‌گیرند.
(۴) مادرانی که توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفتند آگاهانه به نوزادانشان آموزش می‌دادند تا صحبت کنند.

۴۲۳۰۹ نویسنده چه نکته‌ای را بیان می‌کند تا نشان دهد که نوزادان با قابلیت اکتساب زبان به دنیا می‌آیند؟

(۱) نوزادان در ترانه‌ها شروع به فهمیدن لغات می‌کنند.
(۲) نوزادان صداها و حالات [چهره] خودشان را اغراق می‌کنند.
(۳) نوزادان نسبت به صداها از بزرگسالان حساس‌ترند.
(۴) نوزادان حتی تفاوت‌های جزئی میان صداهای گفتار را متوجه می‌شوند.

متن ۱۲

آمریکایی‌ها دیگر از چهره‌های عمومی انتظار ندارند، چه در گفتار [و] چه در نوشتار، با مهارت و استعداد بر زبان انگلیسی تسلط داشته باشند. خودشان هم دنبال چنین تسلطی نیستند. جان مک‌وورتر، یک زبان‌شناس و اهل مباحثه با دیدگاه‌های مرکب نوگرا و محافظه‌کار در آخرین کتابش *پی‌کی، فورمون، تنزل زبان و موسیقی و چرا ما باید، مثلاً، اهمیت بدهیم، پیروزی [جنین] ضد فرهنگ دهه ۱۹۶۰ را مسئول انحطاط زبان انگلیسی رسمی می‌داند.*

ملامت کردن دهه بی‌بندوباری ۱۹۶۰ چیز جدیدی نیست ولی این صراً یک انتقاد دیگر علیه انحطاط در آموزش نیست. تخصص‌انگاشی دکنر مک‌وورتر تاریخ و تغییر زبان است، و برای مثال او ناپدید شدن تدریجی "whom" را طبیعی می‌بیند و از حذف صرف اسم‌ها در انگلیسی باستان بیشتر مایه تأسف نمی‌داند.

۲۳۱۵ من باید حدود ۸۰ ساعت در هفته کار کنم، بنابراین خیلی پرمشغله‌ام.

ولی اگر وقت اضافی داشتم، سراغ ورزشی مثل گلف می‌رفتم.
طبق مفهوم جمله، گوینده این جمله در حال حاضر بسیار پرمشغله است و حتی در هفته حدود ۸۰ ساعت کار می‌کند! با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی داشتن وقت اضافی) یک امر فرضی است و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دو استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد *had*) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + *would*) را قرار دهیم.

۲۳۱۶ بازی‌های المپیک هر چهار سال یک بار برگزار می‌شوند. اگر المپیک هر سال برگزار می‌شد آن قدر جالب نبود.

طبق مفهوم جمله و همان‌طور که اکثر افراد می‌دانند، بازی‌های المپیک هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود. با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی برگزار شدن سالانه این بازی‌ها) یک امر فرضی یا خیالی است و در عین حال موضوع شرط به حال و آینده مربوط می‌شود، در نتیجه باید از شرطی نوع دو استفاده و بند شرط را با فعل در زمان گذشته ساده (در این مورد فعل مجهول *were held*) کامل کنیم و در بند جواب شرط فعل آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + *would*) را قرار دهیم.

۲۳۱۷ آیا درباره آن دختر مدرسه‌ای که کسب و کار خودش را آغاز کرد و حالا یک میلیونر است خوانده‌ای؟

مرجع ضمیر موصولی، انسان (*the schoolgirl*) است و بعد از آن نیز فعل (شکل مناسب فعل *start*) قرار دارد؛ بنابراین در این مورد ضمیر موصولی مناسب *who* یا *that* خواهد بود و فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که هر چند *start* (آغاز کردن، شروع کردن) در این جا جزء افعال متعدی است، اما چون مفعول آن (*her own business*) بعد از جای خالی قرار گرفته است، پس این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم، نه مجهول؛ در نتیجه در بین این دو گزینه، گزینه (۲) را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۲۳۱۸ آموختن زبان چینی به خاطر کاراکترهای نوشتاری و طنین‌های مختلف آن زبان، واقعاً به‌نظم پیچیده می‌آید.

(۱) پیشرفته؛ [افکار، کتاب] تازه، نو، مترقی
(۲) پیچیده؛ دشوار، سخت
(۳) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار
(۴) مؤثر، کارآمد؛ اثربخش

۲۳۱۹ [کتاب] بینوایان ویکتور هوگو حاوی یکی از طولانی‌ترین جملات در زبان فرانسه است - ۸۲۳ کلمه بدون یک نقطه.

(۱) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن
(۲) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن
(۳) [کتاب و غیره] منتشر کردن، انتشار دادن؛ [فرمان، گذرنامه و غیره] صادر کردن
(۴) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

رویه‌ای که دکتر مک‌وورتر ثبت می‌کند با به نمایش گذاشتن گستره‌ای جذاب از مثال‌ها از هر دوی فرهنگ‌های سطوح بالا و پایین [جامعه] اشتباه‌ناپذیر است. ولی با در نظر گرفتن سؤال زیرتیر [کتاب] او، کم‌تر مشخص است که چرا ما باید، مثلاً، اهمیت بدهیم. او به عنوان یک زبان‌شناس، می‌پذیرد که تمام انواع زبان انسانی، شامل غیر استانداردها هم چون انگلیسی سیاه‌پوستان، می‌توانند شدیداً گویا باشند - هیچ زبان یا گویشی در دنیا وجود ندارد که نتواند ایده‌های پیچیده را منتقل کند. او، مانند خیلی‌ها، استدلال نمی‌کند که ما دیگر نمی‌توانیم درست بیندیشیم چون درست صحبت نمی‌کنیم.

در مقایسه با انگلیسی‌زبان‌ها، روس‌ها عشق عمیقی برای زبان خودشان دارند و در ذهنشان قطعات بزرگی از اشعار حفظ شده را همراه دارند، در حالی که سیاستمداران ایتالیایی اغلب گفتار را به طریقی زرق‌وبرق می‌بخشند که به نظر اکثر گویش‌وران انگلیسی ازمدافقاده خواهد آمد. دکتر مک‌وورتر قبول دارد که زبان رسمی به صورت سفت‌وسخت ضروری نیست و پیشنهاد هیچ اصلاحات ریشه‌ای آموزشی را ندارد - او در واقع سوگوار از دست رفتن چیزی است که بیشتر زیباست تا مفید. ما حالا زبان انگلیسی خود را «به جای [ظروف] چینی بر روی بشقاب‌های کاغذی» حمل می‌کنیم. شاید مایه سرافکندگی [است]، ولی احتمالاً یک [سرافکندگی] اجتناب‌ناپذیر.

۲۳۲۰ بر اساس [دیدگاه] مک‌وورتر، انحطاط انگلیسی رسمی

(۱) در اصلاحات آموزشی ریشه‌ای اجتناب‌ناپذیر است
(۲) در سیر پیشرفت زبان تقریباً بسیار طبیعی است
(۳) باعث جدال دربارهٔ ضد فرهنگ شده است
(۴) در دههٔ ۱۹۶۰ تغییراتی را در رویکردهای عمومی به وجود آورد
۲۳۲۱ مک‌وورتر به احتمال زیاد با کدام یک از گزاره‌های زیر موافق خواهد بود؟
(۱) تفکر منطقی لزوماً به شیوه‌ای که ما صحبت می‌کنیم ربط ندارد.
(۲) انگلیسی سیاه‌پوستان می‌تواند بیشتر از انگلیسی استاندارد گویا باشد.
(۳) انواع غیر استاندارد زبان انسان به همان اندازه جالب هستند.
(۴) انگلیسی استاندارد در بین تمام انواع [آن] بهتر ایده‌های پیچیده را منتقل می‌کند.
۲۳۲۲ توصیف عشق روس‌ها به حفظ کردن شعر، گویای نزد نویسنده است.

(۱) علاقه به زبان آن‌ها
(۲) قدرشناسی نسبت به تلاش‌های آن‌ها
(۳) تحسین حافظهٔ آن‌ها
(۴) تنفر از ازمدافقگی آن‌ها
۲۳۲۳ بر اساس آخرین پاراگراف، [نسبت] «بشقاب‌های کاغذی» به «[ظروف] چینی» مانند [نسبت] است.
(۱) «موقت» به «دائمی»
(۲) «ریشه‌ای» به «محافظه‌کارانه»
(۳) «کاربردی» به «هنری»
(۴) «معمولی» به «فاخر»
۲۳۲۴ برنامه‌ای که یکی دو روز پیش صحبتش را کردم، سریالی جدید است که دیشب آغاز شد.

مرجع ضمیر موصولی غیر انسان (*the program*) است؛ بنابراین ضمیر موصولی مناسب در این مورد *which* یا *that* خواهد بود و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۳) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این جا ضمیر موصولی (*which / that*) حالت مفعولی دارد و بنابراین پس از آن به فاعل (در این مورد ضمیر فاعلی *I*) نیاز داریم.

متن کلوز

لغتنامه دهخدا جامع‌ترین لغتنامه دایرةالمعارف زبان فارسی است که تا به حال به چاپ رسیده است، شامل شانزده جلد و بیش از ۳۱,۰۰۰ صفحه آن هم‌اکنون توسط انتشارات دانشگاه تهران (UTP) [و] تحت نظارت موسسه لغتنامه دهخدا به چاپ می‌رسد. این [لغتنامه] رشد تاریخی زبان فارسی را ردیابی می‌کند و منبعی جامع در اختیار اندیشمندان و پژوهشگران دانشگاهی قرار می‌دهد. اگرچه لغتنامه دهخدا بخش قابل توجهی از اصطلاحات و لغات را در [زبان] فارسی پوشش می‌دهد، ویراست نخست آن فاقد اصطلاحات علمی و تکنولوژیکی بود که در دهه‌های گذشته ابداع شده‌اند با وجود این، آن‌ها توسط نسخه‌های جدیدتر دایرةالمعارف پوشش داده شده‌اند.

۲۲۲۲۶ (۱) وسیله، ابزار؛ طرح؛ تدبیر

(۲) عامل، فاکتور

(۳) حجم؛ گنجایش؛ صدا؛ [کتاب] جلد

(۴) کارکرد، عملکرد

۲۲۲۲۷ فعل publish (منتشر کردن؛ چاپ کردن) در اینجا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که در این مورد، مفعول (ضمیر it) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در اینجا این فعل را به صورت مجهول (to be + pp.) به کار می‌بریم و تنها یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در اینجا فعل به یک امر کلی اشاره دارد و مقید به بازه زمانی خاصی نیست؛ در نتیجه فعل مجهول در زمان حال ساده (در این تست is published) مدنظر است.

۲۲۲۲۸ (۱) آموزش؛ تحصیل

(۲) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

(۳) تنوع، گوناگونی

(۴) شیء، چیز؛ هدف، منظور

۲۲۲۲۹ (۱) با وجود این

(۲) با وجود این

(۳) مگر این‌که، جز این‌که (۴) هرچند، اگرچه

۲۲۲۳۰ (۱) نکته؛ نقطه

(۲) گستره، دامنه؛ طیف

(۳) دهه

(۴) مرحله؛ گام، قدم

متن

اگر می‌خواهید پیامی را به یک دوست در شهر دیگری بفرستید، می‌توانید تماس تلفنی بگیرید. اگر کامپیوتر دارید، می‌توانید یک ایمیل بفرستید. [ولی] در اوایل سده نوزدهم، هیچ کامپیوتری وجود نداشت و الکساندر گراهام بل هنوز تلفن را اختراع نکرده بود. اکثر مردم نامه می‌نوشتند، ولی نامه از آن [چه] امروز است کندتر بود. نامه توسط قایق یا بر پشت اسب منتقل می‌شد، بنابراین یک نامه ممکن بود زمان زیادی برای رفتن از یک شهر به شهر دیگر بگیرد. مردی به نام ساموئل مورس فکر کرد که مردم باید راه سریع‌تری برای فرستادن پیام‌ها داشته باشند. مورس می‌دانست که برخی دانشمندان کار می‌کردند تا این مشکل را حل کنند و او هم شروع به آزمایش کرد. او درباره ماشین‌هایی شنیده بود که موج‌های الکتریکی کنترل‌شده را بر روی سیم‌ها ارسال می‌کردند. او ماشین بهتری نسبت به دانشمندان دیگر ساخت. ماشین او - لگراف - موج‌های کوتاه و بلند برق را بر روی سیم‌های بسیار طولانی ارسال می‌کرد.

۲۲۲۲۰ تو واقعاً یک اشتباه وحشتناک انجام داده‌ای؛ من مصر هستم که تو

اقدام فوری بکنی تا آن را درست کنی.

(۱) همه، تمام؛ کلی، سرتاسر

(۲) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

(۳) عمیق، گود

(۴) پیشین، قبلی، سابق

اقدام فوری کردن: take immediate action

۲۲۲۲۱ پلیس در حال جست‌وجو کردن در خانه قربانی به دنبال سرنخ‌هایی

است که امیدوارند آن‌ها را به قاتل برساند.

(۱) سرنخ، اثر، نشانه

(۲) مسئله، موضوع؛ [کتاب، مجله و غیره] انتشار، نشر

(۳) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت

(۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

۲۲۲۲۲ کن گیبسون یک خواننده حرفه‌ای [کتاب] در دبستان بود و

می‌توانست به راحتی بیشتر چیزی را که می‌خواند حفظ کند.

(۱) [دانش‌آموز، ورزشکار و غیره] متوسط؛ بینایی، میانی

(۲) پیچیده؛ دشوار، سخت

(۳) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار

(۴) مقدماتی، ابتدایی؛ پایه

دبستان، مدرسه ابتدایی: elementary school

۲۲۲۲۳ شما سطح بالای خطرناکی از کلسترول دارید و خطر صدمه دیدن از

یک حمله قلبی اساسی را خواهید داشت مگر آن‌که کاری کنید تا آن را تحت

کنترل درآورید.

(۱) به خطر انداختن، در معرض خطر قرار دادن

(۲) درد کشیدن، رنج کشیدن؛ آسیب دیدن، صدمه دیدن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۴) بزرگ کردن؛ تقویت کردن؛ اغراق کردن

۲۲۲۲۴ از تمام مدتی [که] در دبیرستان بودم، یک روز به طور خاص در

ذهنم می‌ماند - روز آن امتحان بزرگ زیست‌شناسی.

(۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۲) فرو بردن؛ چسباندن؛ [اطلاعه و غیره] نصب کردن؛ گیر کردن؛ ماندن

(۳) رخ دادن؛ برآمدن؛ برخاستن

(۴) احاطه کردن؛ حلقه زدن

در ذهن کسی ماندن، در ذهن کسی تثبیت شدن: stick in one's mind

۲۲۲۲۵ ما متأسفانه اکنون در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که موفقیت را عمدتاً

با توجه به چیزهای مادی که داریم، نگاه می‌کند.

(۱) به طرز وحشتناکی؛ شدیداً، بدجوری

(۲) در درجه اول، عمدتاً، اساساً

(۳) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

(۴) قبلاً، سابقاً، پیش از این

با توجه به: in consideration with

را ندارید. از آنجا که نزدیک بودن به یک فرد دیگر نشانه امکان برقراری ارتباط است، شما باید علامتی بدهید که به دیگران بگوید می‌خواهید تنها گذاشته شوید. بنابراین تماس چشمی را قطع می‌کنید، چیزی که جامعه‌شناس اروینگ گافمن «کم‌نور کردن چراغ‌ها» می‌نامد. شما به کف [آسانسور]، به چراغ‌های راهنما [آسانسور]، [و] هرجایی غیر از چشمان فرد دیگری سوار [بر آسانسور] نگاه می‌کنید. اگر شما قانون خیره شدن به یک غریبه را در آسانسور بشکنید، فرد دیگر را به شدت معذب می‌کنید و احتمالاً خودتان نیز تا حدی احساس عجیبی خواهید داشت. اگر تماس چشمی را بیش از ۳ ثانیه ادامه دهید، دارید به فرد دیگر چه چیزی می‌گویید؟ [این] بسیار به آن شخص و موقعیت بستگی دارد.

۱۲۳۳۵ از نخستین پاراگراف می‌توان نتیجه گرفت که

- (۱) هر نگاهی معنای خود را دارد
- (۲) خیره شدن به یک فرد، یک [نوع] ابراز علاقه است
- (۳) خیره شدن بیش از ۳ ثانیه غیرقابل قبول است
- (۴) یک نگاه معنای بیشتری را نسبت به واژه‌ها منتقل می‌کند

۱۲۳۳۶ اگر می‌خواهید در یک آسانسور تنها گذاشته شوید، بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید آن است که

- (۱) در چشمان فرد دیگری سوار [بر آسانسور] نگاه کنید
- (۲) از برقراری تماس چشمی با افراد دیگر سوار [بر آسانسور] خودداری کنید
- (۳) علامت بدهید [که] شما برای هیچ‌کس تهدید نیستید
- (۴) از باقی افراد سوار [بر آسانسور] فاصله بگیرید

۱۲۳۳۷ منظور اروینگ گافمن از «کم‌نور کردن چراغ‌ها» در پاراگراف دوم چیست؟

- (۱) بستن چشمان فرد
- (۲) خاموش کردن چراغ‌ها
- (۳) متوقف کردن نگاه انداختن به دیگران
- (۴) کاهش ارتباط نگاهی به حداقل

۱۲۳۳۸ اگر به کسی توسط یک غریبه برای مدت طولانی نگاه شود، او به احتمال زیاد احساسی می‌کند.

- (۱) افسردگی (۲) کنجکاوی (۳) معذب بودن (۴) سرگرم شدن
- ۱۲۳۳۹ شما باید قبل از درخواست برای گذرنامه، تمام مدارک‌تان را با دقت آماده کنید.

- (۱) نظر، رأی؛ اظهار نظر
- (۲) سند، مدرک
- (۳) موقعیت، فرصت؛ مناسبت، مراسم، جشن
- (۴) بیان، گفته؛ [در جمع] اظهارات؛ بیانیته؛ گزاره

۱۲۳۴۰ دوست من به جمعیت محلی پیوست تا کار خیریه انجام دهد.

- (۱) کارکرد، عملکرد
- (۲) مقصد؛ هدف، مقصود
- (۳) [کشور، شهر و غیره] اجتماع؛ اهالی؛ اقلیت، جمعیت؛ محله، منطقه
- (۴) ظرفیت، گنجایش

سپس، شریک مورس، آلفرد ویل، کدی را برای ارسال پیام‌ها طراحی کرد. در کد او، موج‌های کوتاه و بلند انرژی به شیوه‌های مختلفی [با هم] ترکیب می‌شدند. هر ترکیب، مخفف یک حرف از الفبا بود. برای مثال، یک موج کوتاه و یک [موج] بلند، مخفف حرف A بود. یک موج بلند و سه [موج] کوتاه، مخفف حرف B بود. با [استفاده از] کد مورس، مردم توانستند پیام‌ها را در بازه کوتاهی از زمان در مسافت‌های طولانی ارسال کنند.

پس از اختراع مورس، تغییرات زیادی در ارتباطات پدید آمد. تلگراف همه‌گیر شد و سیم‌ها از شهری به شهر دیگر آویخته شد. مردم درباره خبرهای مهم سریع‌تر از هر وقتی در گذشته آگاه شدند. صاحبان کسب‌وکار از تلگراف برای خرید و فروش محصولات استفاده کردند. مردم می‌توانستند پیام‌ها را به جای ماه‌ها، در [چند] دقیقه از یک سوی کشور به سوی دیگر بفرستند.

۱۲۳۳۱ یک تفاوت میان تلگراف و نامه در اوایل سده نوزدهم چه بود؟

- (۱) فرستادن یک نامه نسبت به کاربرد تلگراف هزینه بیشتری داشت.
- (۲) دفاتر تلگراف بیشتری نسبت به دفاتر پست وجود داشت.
- (۳) تلگراف از نامه سریع‌تر بود.
- (۴) تلگراف از طریق قایق منتقل می‌شد، در حالی که نامه بر پشت اسب منتقل می‌شد.

۱۲۳۳۲ الکساندر گراهام بل و ساموئل مورس چه چیز مشترکی داشتند؟

- (۱) هر دو بر روی نخستین تلگراف کار کردند.
- (۲) هر دو بر روی راهمایی برای برقرار کردن راحت‌تر ارتباط کار کردند.
- (۳) هر دو در اوایل سده نوزدهم به دنیا آمدند.
- (۴) هر دو در دفتر پست شروع به کار کردند.

۱۲۳۳۳ کدامیک از موارد زیر می‌تواند عنوان خوبی برای متن باشد؟

- (۱) یک راه سریع‌تر برای ارسال پیام‌ها (۲) ساموئل مورس: زندگی شگفت‌انگیز
- (۳) تلگراف دقیقاً چه‌قدر سریع است (۴) تاریخچه ارتباطات راه دور
- ۱۲۳۳۴ در متن اطلاعات کافی برای پاسخ دادن به کدامیک از سوالات زیر وجود دارد؟

- (۱) الکساندر گراهام بل، چه زمانی شناخته‌شده‌ترین اختراعش، تلفن را اختراع کرد؟
- (۲) چه کسانی دو فرد کلیدی در توسعه کد مورس و تلگراف بودند؟
- (۳) تلگراف چه وقت محبوبیت خود را به عنوان یک ابزار ارتباطات از دست داد؟
- (۴) کد مورس در ارتباطات بین‌المللی امروزی چه‌قدر متداول است؟

متن ۲

با یک نفر نگاهی تبادل کنید، سپس سوی دیگری را نگاه کنید. آیا متوجه می‌شوید که شما [الان] حرفی را بیان کرده‌اید؟ نگاه را برای لحظه‌ای بیشتر نگه دارید، و [حالا] شما حرف دیگری را بیان کرده‌اید. آن [نگاه] را برای ۳ ثانیه نگه دارید و معنا دوباره تغییر کرده است. برای هر موقعیت اجتماعی، زمان موجهی وجود دارد که شما می‌توانید به یک نفر خیره بمانید، بدون آن‌که صمیمی، بی‌ادب یا خصمانه باشید.

اگر در یک آسانسور هستید، اجازه چه مدت نگاه (خیره شدن) را دارید؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، در نظر بگیرید که معمولاً چه کار می‌کنید. شما به احتمال زیاد به افراد دیگر سوار [بر آسانسور] نگاهی کوتاه می‌اندازید تا آن‌ها را برانداز کنید و به آن‌ها اطمینان دهید که قصد هیچ تهدیدی

۴۲۳۴۱ پیش خدمت پرسید آیا ما همه با هم هستیم، بنابراین من توضیح دادم که ما دو گروه جدا هستیم.

(۱) دائمی، همیشگی، مداوم

(۲) دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی ربط، نامربوط

(۳) گوناگون، متنوع، مختلف

(۴) جدا، جداگانه، مجزا

۴۲۳۴۲ در حال حاضر ۱۰,۰۰۰ متر طولانی ترین رقابت پیاده روی است که در المپیک برگزار می شود.

(۱) گرفتن؛ بردن

(۲) نگه داشتن، وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن

(۳) زدن، کتک زدن؛ کوبیدن؛ شکست دادن

(۴) جنگیدن، مبارزه کردن

۴۲۳۴۳ ما نمی توانیم یک لامپ در تالار ورودی قرار دهیم چون آن جا هیچ پریزی نیست که آن را به برق بزنیم.

(۱) [به همراه in] به پریز زدن، به برق زدن

(۲) رحم کردن به، بخشیدن؛ دریغ کردن از؛ [وقت، پول] اختصاص دادن

(۳) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن

(۴) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن

۴۲۳۴۴ شما باید تمام اقدامات منطقی را انجام دهید تا مطمئن شوید که اطلاعاتی که ارائه می دهید، درست هستند.

(۱) درگیر کردن، گرفتار کردن، مستلزم ... بودن

(۲) نیاز داشتن، احتیاج داشتن

(۳) فراهم کردن، ارائه دادن؛ در اختیار گذاشتن

(۴) کار کردن، عمل کردن

تمام اقدامات منطقی را انجام دادن: take all reasonable steps

۴۲۳۴۵ وقتی امروز صبح سوار ماشین شدم، موتور استارت نمی زد. بهتر است با یک مکانیک تماس بگیریم.

(۱) قدرت، توان، نیرو

(۲) موتور

(۳) سوخت

(۴) باتری

۴۲۳۴۶ کسی که از یک شخص، شرکت یا سازمان حرفه ای خدمات یا مشاوره دریافت می کند، مشتری نام دارد.

(۱) کارمند؛ منشی

(۲) مهندس

(۳) رئیس؛ [در مدرسه] مدیر

(۴) مشتری؛ مراجعه کننده؛ [در مباحث حقوقی] موکل

۴۲۳۴۷ رضا مریض است و دکتر به او توصیه کرده است تا مقدار چربی را در غذایش کاهش دهد.

(۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۲) کم کردن، کاهش دادن؛ [قیمت] ارزان کردن

(۳) آماده کردن، حاضر کردن؛ مهیا ساختن

(۴) تخریب کردن؛ نابود کردن

۴۲۳۴۸ بدون [داشتن] کسی که برای مشورت به او رجوع کنید، گرفتن مناسب ترین تصمیم می تواند دشوار باشد.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۲) سود، منفعت؛ امتیاز، مزیت

(۳) درخواست، تقاضا، مطالبه

(۴) نظر، توصیه؛ مشورت، مشاوره

۴۲۳۴۹ حتی در این عصر تکنولوژی پیشرفته، فعالیت عایی هم چون ماهی گیری و شکار همواره محبوب مانده است.

(۱) بدون فایده، به صورتی بی نتیجه

(۲) قبلاً، سابقاً، پیش از این

(۳) به لحاظ جسمی، از لحاظ بدنی

(۴) دائمی، همیشگی، همواره، بی وقفه

۴۲۳۵۰ در پرتغال، بسیاری از کاخ های تاریخی، صومعه ها و قصرها به جاذبه های گردشگری تبدیل شده اند. "convert" (تبدیل کردن، تغییر دادن) به معنی "change" است.

(۱) تبدیل کردن، تغییر دادن؛ تغییر کردن

(۲) محدود کردن، حدی قائل شدن برای

(۳) اندازه گیری کردن، اندازه ... را گرفتن؛ ارزیابی کردن

(۴) کار کردن، عمل کردن

۴۲۳۵۱ بسیاری از شخصیت ها در این کتاب برای آن هایی که رمان های قبلی او را خوانده اند، آشنا خواهند بود.

(۱) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

(۲) کلمه و غیره مترادف، هم معنی؛ معادل، برابر؛ هم ارزش

(۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

(۴) شخصیت، کاراکتر؛ منش؛ ویژگی ها، خصایص؛ آدم برجست

۴۲۳۵۲ شادی و تفکر مثبتش از او ساطع می شود و به هر کسی در اطراف او امید می بخشد.

(۱) [حرارت و غیره] پراکندن، ساطع کردن؛ تابیدن؛ ساطع شدن

(۲) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، برطرف کردن

(۳) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن

(۴) به پایان رساندن؛ تمام شدن؛ نتیجه گرفتن (که)

۴۲۳۵۳ ما امیدواریم که تولیدکنندگان به آن یافته ها توجه کنند و محصولاتشان را طبق آن بهبود بخشند.

(۱) ساختن؛ وادار کردن

(۲) گرفتن؛ به دست آوردن؛ شدن

(۳) گرفتن؛ بردن

(۴) دادن؛ ارائه کردن

take note of: به ... توجه کردن، متوجه ... بودن

۴۲۳۵۴ او فقیر نیست؛ او در واقع بیشتر از آن چه برای تأمین کردن یک خانواده نیاز است، پول دارد.

(۱) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن؛ خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به

(۲) [غذا، نوشیدنی] خوردن؛ نوشیدن؛ [آذوقه، نیرو و غیره] صرف کردن

(۳) اداره کردن؛ رسیدگی کردن به

(۴) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

۱۲۳۶۳ آن پیرمرد وقتی که ابتدا در بیمارستان پذیرش شد به شدت مریض بود ولی شرایط او حالا پایدار است.

- (۱) پایدار، محکم؛ ثابت؛ [شخص] باثبات، قابل اعتماد
- (۲) جسمانی؛ جسمی، بدنی؛ فیزیکی
- (۳) عملی؛ مناسب، به درخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع بین، منطقی
- (۴) تدریجی؛ [شیب] آرام، ملایم

۱۲۳۶۴ پس از آن که مزی نامه‌ای فرستاد تا برای یک شغل درخواست دهد، پی آن را با رفتن [به آن جا] گرفت تا با رئیس کارگزینی صحبت کند.

- (۱) قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)
- (۲) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- (۳) همکاری کردن، شرکت کردن؛ کمک کردن، یاری کردن
- (۴) گفتن (که)، یادآور شدن (که)، اشاره کردن به (که)؛ نام ... را بردن

پی ... را گرفتن، پیگیری کردن: follow sth up
رئیس کارگزینی: personnel manager

۱۲۳۶۵ چنان چه تصمیم بگیرید تا به خانه یا دفتر دیگری نقل مکان کنید، شماره تلفن شما قابل انتقال است.

- (۱) عملی؛ مناسب، به درخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع بین، منطقی
- (۲) دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی ربط
- (۳) [منابع] قابل تجدید، تجدید پذیر؛ قابل تمدید
- (۴) قابل حمل، پرتابل؛ قابل انتقال

در صورتی که، اگر، چنان چه: in case
۱۲۳۶۶ ما باید قبل از این که تصمیم بگیریم آیا این توافق را بپذیریم یا نه، به تمام جوانب مختلف آن نگاه کنیم.

- (۱) آیا، که آیا؛ [به همراه or] خواه ... خواه ... چه ... چه ...
- (۲) مگر این که، جز این که
- (۳) تا حدی، نسبتاً، تقریباً
- (۴) هر چند، اگر چه

۱۲۳۶۷ وقتی که چراغ قرمز روشن می شود، باید باتری را دوباره شارژ کنید، تا برای دفعه بعد آماده باشد.

- (۱) نیرو، توان، قدرت؛ انرژی
- (۲) گرما، حرارت؛ درجه حرارت
- (۳) باتری
- (۴) سوخت

۱۲۳۶۸ زن جوان با عصبانیت آن نامه از همسر سابقش را پاره کرد و آن را در زباله انداخت.

- (۱) ماده شیمیایی
- (۲) فاصله، مسافت؛ دوری، بُعد
- (۳) مرز، حد؛ محدودیت
- (۴) آشغال، زباله؛ [در محاوره] چیز بی ارزش، مزخرف

۱۲۳۶۹ ایالات متحده بزرگ ترین اجتماع افراد ایرانی را در هر جایی در جهان خارج از خود ایران دارد.

- (۱) [کشور، شهر و غیره] اجتماع؛ اهالی؛ جمعیت؛ محله
- (۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
- (۳) معادل؛ هم تراز؛ برابری
- (۴) انتخاب؛ جانشین، جایگزین

۱۲۳۵۵ اداره پست وعده داده است که تحویل درجه یک نامه را به این منطقه از جمعه دوباره آغاز کند.

- (۱) واگذاری؛ [بسته، کالا] تحویل؛ [نامه] توزیع، پخش؛ طرز بیان
- (۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
- (۳) فرمول؛ قاعده، ضابطه
- (۴) رقم؛ نمودار، شکل

۱۲۳۵۶ ما باید هم چنان به استفاده از سوخت های فسیلی ادامه دهیم تا وقتی که بتوانیم منابع تمیزتری از انرژی پیدا کنیم.

- (۱) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه
- (۲) کیفیت؛ ویژگی
- (۳) سرچشمه؛ منبع، منشاء
- (۴) شریک؛ یار؛ همسر

۱۲۳۵۷ پیامی بر روی پاکت های سیگار هست که هشدار می دهد که اگر یک زن باردار سیگار بکشد این [موضوع] می تواند به کودک صدمه بزند.

- (۱) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- (۲) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که
- (۳) هشدار دادن به، اخطار دادن به؛ بر حذر داشتن
- (۴) [به همراه حرف اضافه of] متشکل بودن از، شامل ... بودن

۱۲۳۵۸ سرزمین ایسلند از طریق میلیون ها سال فوران های آتشفشانی، به تدریج بالاتر از سطح دریا پدیدار شد. "gradually" (به تدریج، آرام آرام، کم کم) به معنی "slowly" است.

- (۱) عمیقاً؛ به شدت، به طور گسترده ای
- (۲) به تدریج، آرام آرام؛ کم کم
- (۳) نهایتاً، سرانجام
- (۴) به طرز آشکاری، علناً، آشکارا

۱۲۳۵۹ شادی همیشه وقتی آن را در دستان خود نگه داشته اید کوچک به نظر می رسد، ولی بگذارید برودوبی درنگ خواهید فهمید که چه قدر بزرگ و ارزشمند است.

- (۱) ذخیره کردن، انبار کردن؛ در انبار نگه داشتن
 - (۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
 - (۳) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن
 - (۴) فهمیدن، دریافتن؛ واقعیت بخشیدن به، محقق کردن
- ۱- فوراً، بی درنگ، بلافاصله ۲- به هم، در یک زمان: at once

۱۲۳۶۰ چشمان شما اطلاعات را با حرکات سریع جمع آوری و این اطلاعات را به مغز شما منتقل می کنند.

- (۱) جمع کردن؛ جمع آوری کردن؛ [چمدان، بار و غیره] تحویل گرفتن؛ به دنبال ... رفتن
- (۲) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن
- (۳) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن
- (۴) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن

۱۲۳۶۱ اکثر افراد در روز حداقل ۵۰ لیتر آب برای نوشیدن، حمام کردن، بخت و پز کردن و احتیاجات اساسی دیگر نیاز دارند.

- (۱) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به
- (۲) آلوده کردن
- (۳) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن
- (۴) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

۱۲۳۶۲ سلول خورشیدی وسیله ای است [که] انسان ها می توانند بسازند که انرژی نور خورشید را می گیرد و آن را به برق تبدیل می کند.

- (۱) فاصله، مسافت؛ دوری، بُعد
- (۲) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه
- (۳) آفتاب، نور خورشید
- (۴) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

۴۲۳۷۰ باد یک منبع فوق العاده انرژی است چون آن به طور مداوم توسط طبیعت تجدید می شود.

۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

۲) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن

۳) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن

۴) تمویض کردن؛ تجدید کردن؛ [گذرنامه، عضویت و غیره] تمدید کردن

۲۳۳۷۱ متخصصان ژنتیک در کانادا سرنخی برای [پاسخ به] این معما کشف کرده اند [که] چرا سلول های ما پیر می شوند و می میرند.

۱) بینایی؛ بینش؛ تصور ۲) رقم؛ نمودار، شکل

۳) سرنخ، اثر، نشانه ۴) تاریخ، زمان؛ عصر، روزگار، دوران

۲۳۳۷۲ در کنار رویکرد مثبت و رژیم غذایی سالم، سطح تناسب [جسمانی] شما نقش عمده ای در [این که] چه احساسی دارید بازی می کند.

۱) سلامت، تندرستی؛ تناسب؛ [شخص] شایستگی، صلاحیت

۲) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

۳) رقم؛ نمودار، شکل

۴) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه

نقش عمده / کلیدی داشتن (بازی کردن): play a major / key role

۲۳۳۷۳ او یادداشتی فوری گذاشت که به پدرش یادآوری می کرد جلسه اش را در صبح فراموش نکند و [بعد] به راه افتاد.

۱) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن

۳) [به همراه حرف اضافه of] متشکل بودن از، شامل ... بودن

۴) ترسیدن (از)، وحشت داشتن (از)

۲۳۳۷۴ مردم در سیاره ما باید به یاد داشته باشند که منابع سوخت [های] فسیلی ما محدود است، بنابراین آن ها نمی توانند برای همیشه باقی بمانند.

۱) پایه، مبنا، بنیاد، اساس

۲) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی

۳) سوخت

۴) [زندان] سلول؛ [زیست شناسی] سلول، یاخته

سوخت فسیلی: fossil fuel

۲۳۳۷۵ شما باید پیش از آن که اداره چهارشنبه بعد از ظهر در [ساعت] ۵:۰۰ بسته شود مدارک لازم را برای ما بفرستید.

۱) [کلمه و غیره] مترادف، هم معنی؛ معادل، برابر؛ هم ارزش

۲) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

۳) سند، مدرک

۴) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان

۲۳۳۷۶ یک جسم با سطح هموار درخشان نور بیشتری بازتاب می دهد تا جسمی با سطح ناهموار نامشخص.

۱) دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی ربط

۲) براق، درخشان

۳) قابل دیدن، قابل رؤیت؛ نمایان؛ مشهود، آشکار

۴) اساسی، بنیادی؛ پایه

۲۳۳۷۷ مرد خردمندی یک بار بیان کرد که دانشی که به کار گرفته نشود مانند غذایی است که هضم نشود.

۱) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن

۲) انتظار داشتن (که)، امید داشتن (که)، احتمال دادن (که)

۳) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)

۴) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
چیزی را عملی کردن، چیزی را به کار گرفتن: put sth in to practice

۲۳۳۷۸ روغن زیتون ما در یخچال جامد شد، ولی پس از آن که مدتی روی اوین قرار داشت سریع دوباره تبدیل به مایع شد.

۱) ماده شیمیایی ۲) بنزین

۳) رقم؛ نمودار، شکل ۴) مایع

۲۳۳۷۹ آن برنامه کامپیوتری پیشرفت شما را زیر نظر می گیرد و وقتی که [کار را] تمام کردید به شما نمره ای درصدی می دهد.

۱) پافشاری کردن، اصرار کردن

۲) کنترل کردن؛ زیر نظر گرفتن

۳) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن

۴) [به همراه حرف اضافه of] متشکل بودن از، شامل ... بودن

۲۳۳۸۰ آن دختر جوان در حال ارزیابی کردن امکان یافتن یک شغل برای خودش در یک شرکت خارجی با دستمزد خوب است.

۱) پیشنهاد کردن؛ حاکی از ... بودن؛ بیان کردن

۲) مقایسه کردن، سنجیدن؛ تشبیه کردن

۳) وزن کردن، کشیدن؛ وزن داشتن؛ سنجیدن، ارزیابی کردن؛ بررسی کردن

۴) آماده کردن، حاضر کردن؛ مهیا ساختن

۲۳۳۸۱ اگر او هر [روز] صبح زود برود و شب دیر به خانه بیاید، احتمال خیلی کمی هست [که] من را ببیند.

۱) درگیری، دخالت؛ گرفتاری ۲) انتخاب؛ جانشین، جایگزین

۳) احتمال ۴) معادل؛ هم تراز؛ برابری

۲۳۳۸۲ [انرژی] بادی، خورشیدی و صورتهای دیگر انرژی تجدیدپذیر می توانند منابع انرژی با سریع ترین رشد در طول چند دهه آینده باشند.

۱) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

۲) قابل حمل، پرتابل؛ قابل انتقال

۳) شیمیایی

۴) جنبشی، حرکتی

۲۳۳۸۳ فصل های استرالیا برعکس آن [فصول] در نیم کره شمالی هستند - وقتی که در استرالیا زمستان است، در ایران تابستان است.

۱) مستقیم، راست؛ بی واسطه

۲) روبه رو، مقابل؛ متضاد، برعکس؛ مقابل، روبه روی

۳) دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی ربط

۴) جدا، جداگانه، مجزا

۱۲۳۹۱ او تلاش کرد تا درد زانوی من را با وارد کردن فشار دستی بر روی مفصل درمان کند ولی تأثیر چندانی نداشت.

(۱) محل اتصال، بند؛ مفصل (۲) رقم؛ نمودار، شکل

(۳) اصل، اساس، مبنا؛ پایه (۴) عمق، ژرفا

۱۲۳۹۲ هزاران دارو و ماده شیمیایی در سراسر جهان استفاده می‌شوند و بسیاری از آن‌ها از سیستم‌های آبی ما سر در می‌آورند.

(۱) ماده شیمیایی

(۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان

(۳) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی

(۴) [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

۱- منتهی شدن به، انجامیدن به ۲- سرانجام به ... رسیدن، سر از ... در آوردن end up in:

۳۲۳۹۳ هریت کارگر بسیار گندی است. پتی می‌تواند میزان کار برابری را در نصف زمانی که از هریت می‌گیرد، انجام دهد.

(۱) کارکردی، عملکردی؛ کارآمد؛ مفید

(۲) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

(۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

(۴) [مؤسسه] تعاونی؛ [شخص] یاری‌بخش، کمک‌کار

۳۲۳۹۴ آن پیروز برخی تکنیک‌های ریلکسیشن را تمرین می‌کرد تا به او کمک کند با دردی [که] در نتیجه داشتن سرطان می‌کشید، کنار بیاید.

(۱) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

(۲) [حرارت، یو و غیره] منتشر کردن، متصاعد کردن؛ [گاز، بخار] آزاد کردن

(۳) [به کار خود] ادامه دادن؛ [به راه خود] ادامه دادن

(۴) سروکار داشتن با؛ پرداختن به، [با درد، مشکلات و غیره] کنار آمدن

۲۲۳۹۵ آتش‌نشانان می‌ترسند که اگر باد تغییر جهت دهد می‌تواند آتش را با خود به سمت یک شهر در آن نزدیکی ببرد.

(۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۲) [باد] وزیدن، آمدن؛ [باد] بردن، با خود بردن

(۳) بار کردن؛ بار زدن؛ [تفنگ] فشنگ گذاشتن در

(۴) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

۳۲۳۹۶ عصر کامپیوتر بدان معناست که مقدار خارق‌العاده‌ای از اطلاعات و آمار می‌توانند تقریباً بلافاصله در دسترس باشند.

(۱) جدا، جداگانه، مجزا

(۲) حاشیه‌ای، ناچیز؛ کم‌اهمیت

(۳) [عامیانه] عالی، محشر؛ خارق‌العاده؛ باورنکردنی؛ خیالی

(۴) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

۱۲۳۹۷ جیمی از زمانی که در یک تصادف رانندگی صدمه دید، در حالت مداومی از رنج بوده است.

(۱) مداوم، مداوم، مستمر، بی‌دریغ (۲) مشترک؛ عمومی

(۳) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه (۴) انسانی، بشری

۱۲۳۸۴ وقتی به خانه مادربزرگ می‌روی هیچ چیز راجع به مهمانی نگو، چون ما می‌خواهیم آن یک سورپرایز باشد.

(۱) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به/که؛ نام ... را بردن

(۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن

(۳) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن

(۴) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

۴۲۳۸۵ او با گفتن [این موضوع] به همکارانش [که] به مدت سه هفته برای عمل [جراحی] به بیمارستان می‌رود، غیبتش را برای آن‌ها توضیح داد.

(۱) درخواست، تقاضا، مطالبه

(۲) واکنش، عکس‌العمل

(۳) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد

(۴) غیبت؛ غیاب؛ فقدان، نبود

۱۲۳۸۶ گاهی در مناطق دوردست که سیگنال ضعیف است، دریافت کردن سیگنال خوب تلویزیون دشوار است.

(۱) دور؛ دوردست؛ دورافتاده؛ بی‌ربط

(۲) طبیعی؛ معمولی، عادی؛ ذاتی

(۳) قابل دیدن، قابل رؤیت؛ نمایان؛ مشهود، آشکار

(۴) جدا، جداگانه، مجزا

۲۲۳۸۷ تا [سال] ۱۹۷۸ تقریباً ۴,۵۰۰ قطعه تجهیزات علمی در حال چرخیدن به دور زمین بودند. "revolve" (چرخیدن، گشتن، دور زدن) به معنی "move around" است.

(۱) دور نگه داشتن، دور کردن؛ جلوی ... را گرفتن

(۲) چرخیدن، حرکت کردن در اطراف؛ چرخاندن

(۳) [بخشی از شرکت] تجزیه کردن

(۴) مقاومت کردن؛ صبر کردن؛ منتظر شدن

۳۲۳۸۸ افراد فقیر اغلب می‌دانند برای غلبه کردن بر مشکلاتشان به چه چیزی نیاز دارند ولی فاقد منابع [کافی] برای اقدام کردن هستند.

(۱) جنب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۲) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

(۳) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

(۴) توصیف کردن، تعریف کردن، شرح دادن

۱۲۳۸۹ ما می‌توانیم به آن رستوران هندی برویم و یا به جای آن، می‌توانیم آن جای جدید ایتالیایی را امتحان کنیم.

(۱) به عنوان راهی دیگر، به جای آن (۲) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه

(۳) به طرز قابل تجدیدی (۴) عملاً، تقریباً؛ در واقع

۲۲۳۹۰ یکی از اقدام‌های مؤثر برای به حداقل رساندن خطرات رانندگی، آموزش دادن به افراد برای اجرا کردن تمام قوانین جاده است.

(۱) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن

(۲) اطاعت کردن (از؛ گوش دادن (به)؛ [دستور] اجرا کردن

(۳) هشدار دادن به، اخطار دادن به؛ بر حذر داشتن

(۴) عبور کردن؛ رد شدن

۲۳۹۸ او به امید به دست آوردن پول کافی برای برگشتن به کالج برای
بورسیه‌های مختلفی تقاضا داده است.

- (۱) محل اتصال، بند؛ مفصل
 - (۲) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع؛ گونه
 - (۳) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه
 - (۴) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد
- ◀ [موارد] مختلفی، [موارد] گوناگونی: a variety of
۲۳۹۹ تو باید به پلیس درباره آن مردی که [اخیراً] بیرون خانه‌ات در بوته‌ها
پنهان شده است، اطلاع دهی.

- (۱) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)
 - (۲) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به (که)؛ نام ... را بردن
 - (۳) مطلع کردن، خبردار کردن؛ اطلاع دادن به
 - (۴) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
- ۲۴۰۰ هر روز ۰۰۰۰۰۰۰۰٪ ثانیه طولانی‌تر از روز قبل است چراکه زمین به
تدریج دارد سرعت کم می‌کند.

- (۱) به تدریج، آرام‌آرام، کم‌کم
- (۲) اصلاً، ابداً؛ به طور دورافتاده‌ای
- (۳) به طرز جداگانه؛ به طور مجزا
- (۴) کاملاً، به کلی؛ مطلقاً

۲۴۰۱ دولت نتوانست رقم دقیق تعداد کارگران خارجی را در کشور بدهد.

- (۱) رقم؛ نمودار، شکل
- (۲) اصل، اساس، مبنا؛ پایه
- (۳) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد
- (۴) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی

۲۴۰۲ مسلماً یکی از نخستین ملزومات برای آتش‌نشان بودن این است که
شما باید در شکل جسمانی بسیار خوبی باشید.

- (۱) نیازمندی؛ نیاز؛ احتیاج؛ خواسته؛ شرط؛ [در جمع] ملزومات
- (۲) توصیف، تعریف، تشریح؛ وصف
- (۳) شخصیت، منش؛ [مکان، چیزها] ویژگی‌ها، خصایص؛ آدم برجسته
- (۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

۲۴۰۳ در نتیجه ترس‌های فزاینده در مورد امنیت منزل، افراد بیشتری
دارند ترتیبی می‌دهند که وقتی آن‌ها بیرون هستند، کسی در خانه‌شان بماند.

- (۱) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه (۲) بینایی؛ بینش؛ تصور
- (۳) واقعیت، حقیقت
- (۴) اثر، نتیجه؛ ثمره

◀ در نتیجه، به علت، به سبب: as a result of
جیسون وقتی فهمید که در دانشگاه قبول نشده است آشکارا ناراحت بود.

- (۱) اصلاً، ابداً؛ به طور دورافتاده‌ای
- (۲) آشکارا؛ به طور مشهود
- (۳) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه
- (۴) به تدریج، آرام‌آرام، کم‌کم

۲۴۰۵ حمله قلبی توسط مسدود شدن رگ‌های خونی پدید می‌آید که خون
را برای ماهیچه قلب تأمین می‌کنند.

- (۱) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن
- (۲) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن
- (۳) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- (۴) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن

۲۴۰۶ برخی دانشمندان معتقدند که خوردن غذاهای ارگانیک احتمال
مبتلا شدن فرد به انواع به‌خصوصی از سرطان‌ها را کاهش می‌دهد.

- (۱) [کشاورزی، کشت، محصول] ارگانیک، طبیعی؛ (مربوط به) جانداران
- (۲) شیمیایی
- (۳) تحویل داده‌شده
- (۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

۲۴۰۷ کارخانه‌ها تمام پایان هفته را باز می‌مانند تا تلاش کنند تا تقاضای
مصرف‌کننده را برای این محصول برآورده کنند.

- (۱) رقم؛ نمودار، شکل
- (۲) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی
- (۳) کالا، کالاها، اجناس
- (۴) درخواست، تقاضا، مطالبه

۲۴۰۸ دانشمندان اکنون قادرند در آزمایشگاه شرایطی به وجود بیاورند که
گرمای بیشتری از خود هسته خورشید تولید می‌کند.

- (۱) فسیل، سنگواره
- (۲) گرما، حرارت؛ درجه حرارت
- (۳) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه
- (۴) عمق، ژرفا

۲۴۰۹ از آن‌جا که آن پروژه برای سال‌های بسیار ادامه خواهد یافت، در
ساختمان مدام تغییرات موقت ایجاد می‌شود.

- (۱) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن
- (۲) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن
- (۳) ادامه یافتن، طول کشیدن؛ دوام آوردن؛ کافی بودن (برای)
- (۴) بار کردن؛ بار زدن؛ [تفنگ] فشنگ گذاشتن در

۲۴۱۰ این ابزارها نمی‌توانند همه‌جا به کار بروند؛ آن‌ها برای استفاده در
شرایط بسیار سرد طراحی می‌شوند.

- (۱) مشاهده کردن، دیدن
- (۲) تصور کردن؛ خیال کردن
- (۳) تحقیق کردن، پژوهش کردن؛ کندوکاو کردن
- (۴) طراحی کردن؛ در نظر گرفتن، ساختن

۲۴۱۱ وکیل دیر به جلسه آمد و حتی بابت این‌که باعث شد همه نیم ساعت
منتظر بمانند عذرخواهی نکرد.

- (۱) عذر خواستن، پوزش طلبیدن
- (۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن
- (۳) همکاری کردن، شرکت کردن؛ کمک کردن، یاری کردن
- (۴) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

۲۴۱۲ من یک چک به مبلغ ۲۰۰ دلار بابت تماس‌های تلفنی راه دورم
برایت نوشتم و آن را روی میز گذاشتم.

- (۱) کنترل، بازرسی؛ (علامت) تیک؛ [در مباحث مالی] چک
- (۲) رقم؛ نمودار، شکل
- (۳) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد
- (۴) [باتری] شارژ؛ هزینه، خرج؛ اتهام، تهمت

۱۲۳۹۱ او تلاش کرد تا درد زانوی من را با وارد کردن فشار دستی بر روی مفصل درمان کند ولی تأثیر چندانی نداشت.

- (۱) محل اتصال، بند؛ مفصل (۲) رقم؛ نمودار، شکل
(۳) اصل، اساس، مبنا؛ پایه (۴) عمق، ژرفا

۱۲۳۹۲ هزاران دارو و ماده شیمیایی در سراسر جهان استفاده می‌شوند و بسیاری از آن‌ها از سیستم‌های آبی ما سر در می‌آورند.

- (۱) ماده شیمیایی
(۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
(۳) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی
(۴) [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر
۱- منتهی شدن به، انجامیدن به ۲- سرانجام به ... رسیدن، سر از ... در آوردن
end up in:

۱۲۳۹۳ هریت کارگر بسیار کندی است. پتی می‌تواند میزان کار برابری را در نصف زمانی که از هریت می‌گیرد، انجام دهد.

- (۱) کارکردی، عملکردی؛ کارآمد؛ مفید
(۲) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
(۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
(۴) [مؤسسه] تعاونی؛ [شخص] یاری‌بخش، کمک‌کار
۱۲۳۹۴ آن پیرزن برخی تکنیک‌های ریلکسیشن را تمرین می‌کرد تا به او کمک کند با دردی [که] در نتیجه داشتن سرطان می‌کشید، کنار بیاید.

- (۱) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن
(۲) [حرارت، یو و غیره] منتشر کردن، متصاعد کردن؛ [گاز، بخار] آزاد کردن
(۳) [به کار خود] ادامه دادن؛ [به راه خود] ادامه دادن
(۴) سروکار داشتن با؛ پرداختن به؛ [با درد، مشکلات و غیره] کنار آمدن
۱۲۳۹۵ آتش‌نشانان می‌ترسند که اگر باد تغییر جهت دهد می‌تواند آتش را با خود به سمت یک شهر در آن نزدیکی ببرد.

- (۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
(۲) [باد] وزیدن، آمدن؛ [باد] بردن، با خود بردن
(۳) بار کردن؛ بار زدن؛ [تفنگ] فشنگ گذاشتن در
(۴) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن
۱۲۳۹۶ عصر کامپیوتر بدان معناست که مقدار خارق‌العاده‌ای از اطلاعات و آمار می‌توانند تقریباً بلافاصله در دسترس باشند.

(۱) جدا، جداگانه، مجزا
(۲) حاشیه‌ای، ناچیز؛ کم‌اهمیت
(۳) [عامیانه] عالی، محشر؛ خارق‌العاده؛ باورنکردنی؛ خیالی
(۴) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

۱۲۳۹۷ جیمی از زمانی‌که در یک تصادف رانندگی صدمه دید، در حالت مداومی از رنج بوده است.

- (۱) مداوم، مداوم، مستمر، پی‌درپی (۲) مشترک؛ عمومی
(۳) مستقیم، راست؛ بی‌واسطه (۴) انسانی، بشری

۱۲۳۸۴ وقتی به خانه مادر بزرگ می‌روی هیچ چیز راجع به مهمانی نگو، چون ما می‌خواهیم آن یک سورپرایز باشد.

- (۱) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به (که)؛ نام ... را بردن
(۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن
(۳) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن
(۴) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

۱۲۳۸۵ او با گفتن [این موضوع] به همکارانش [که] به مدت سه هفته برای عمل [جراحی] به بیمارستان می‌رود، غیبتش را برای آن‌ها توضیح داد.

- (۱) درخواست، تقاضا، مطالبه
(۲) واکنش، عکس‌العمل
(۳) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مزاد
(۴) غیبت؛ غیاب؛ فقدان، نبود

۱۲۳۸۶ گاهی در مناطق دوردست که سیگنال ضعیف است، دریافت کردن سیگنال خوب تلویزیون دشوار است.

- (۱) دور؛ دوردست؛ دورافتاده؛ بی‌ربط
(۲) طبیعی؛ معمولی، عادی؛ ذاتی
(۳) قابل دیدن، قابل رؤیت؛ نمایان؛ مشهود، آشکار
(۴) جدا، جداگانه، مجزا

۱۲۳۸۷ تا [سال] ۱۹۷۸ تقریباً ۴,۵۰۰ قطعه تجهیزات علمی در حال چرخیدن به دور زمین بودند. "revolve" (چرخیدن، گشتن، دور زدن) به معنی "move around" است.

- (۱) دور نگه داشتن، دور کردن؛ جلوی ... را گرفتن
(۲) چرخیدن، حرکت کردن در اطراف؛ چرخاندن
(۳) [بخشی از شرکت] تجزیه کردن
(۴) مقاومت کردن؛ صبر کردن؛ منتظر شدن

۱۲۳۸۸ افراد فقیر اغلب می‌دانند برای غلبه کردن بر مشکلاتشان به چه چیزی نیاز دارند ولی فاقد منابع [کافی] برای اقدام کردن هستند.

- (۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
(۲) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که
(۳) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن
(۴) توصیف کردن، تعریف کردن، شرح دادن

۱۲۳۸۹ ما می‌توانیم به آن رستوران هندی برویم و یا به جای آن، می‌توانیم آن جای جدید ایتالیایی را امتحان کنیم.

- (۱) به عنوان راهی دیگر، به جای آن (۲) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه
(۳) به طرز قابل تجدیدی عملاً، تقریباً؛ در واقع

۱۲۳۹۰ یکی از اقدام‌های مؤثر برای به حداقل رساندن خطرات رانندگی، آموزش دادن به افراد برای اجرا کردن تمام قوانین جاده است.

- (۱) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن
(۲) اطاعت کردن (از)؛ گوش دادن (به)؛ [دستور] اجرا کردن
(۳) هشدار دادن به، اخطار دادن به؛ بر حذر داشتن
(۴) عبور کردن؛ رد شدن

۲۴۰۶ برخی دانشمندان معتقدند که خوردن غذاهای ارگانیک احتمال

می‌تلا شدن فرد به انواع به‌خصوصی از سرطان‌ها را کاهش می‌دهد.

(۱) کشاورزی، کشت، محصول [ارگانیک، طبیعی؛ (مربوط به) جانداران

(۲) شیمیایی

(۳) تحویل داده‌شده

(۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

۲۴۰۷ کارخانه‌ها تمام پایان هفته را باز می‌مانند تا تلاش کنند تا تقاضای

مصرف‌کننده را برای این محصول برآورده کنند.

(۱) رقم؛ نمودار، شکل (۲) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی

(۳) کالا، کالاها، اجناس (۴) درخواست، تقاضا، مطالبه

۲۴۰۸ دانشمندان اکنون قادرند در آزمایشگاه شرایطی به وجود بیاورند که

گرمای بیشتری از خود هسته خورشید تولید می‌کند.

(۱) فسیل، سنگواره

(۲) گرما، حرارت؛ درجه حرارت

(۳) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه

(۴) عمق، ژرفا

۲۴۰۹ از آن‌جا که آن پروژه برای سال‌های بسیار ادامه خواهد یافت، در

ساختمان مدام تغییرات موقت ایجاد می‌شود.

(۱) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برقرار کردن

(۲) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

(۳) ادامه یافتن، طول کشیدن؛ دوام آوردن؛ کافی بودن (برای)

(۴) بار کردن؛ بار زدن؛ [تفنگ] فشنگ گذاشتن در

۲۴۱۰ این ابزارها نمی‌توانند همه‌جا به کار بروند؛ آن‌ها برای استفاده در

شرایط بسیار سرد طراحی می‌شوند.

(۱) مشاهده کردن، دیدن

(۲) تصور کردن؛ خیال کردن

(۳) تحقیق کردن، پژوهش کردن؛ کندوکاو کردن

(۴) طراحی کردن؛ در نظر گرفتن، ساختن

۲۴۱۱ وکیل دیر به جلسه آمد و حتی بابت این‌که باعث شد همه نیم ساعت

منتظر بمانند عذرخواهی نکرد.

(۱) عذر خواستن، پوزش طلبیدن

(۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن

(۳) همکاری کردن، شرکت کردن؛ کمک کردن، یاری کردن

(۴) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

۲۴۱۲ من یک چک به مبلغ ۲۰۰ دلار بابت تماس‌های تلفنی راه دورم

برایت نوشتم و آن را روی میز گذاشتم.

(۱) کنترل، بازرسی؛ (علامت) تیک؛ [در مباحث مالی] چک

(۲) رقم؛ نمودار، شکل

(۳) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد

(۴) [باتری] شارژ؛ هزینه، خرج؛ اتهام، تهمت

۲۳۹۸ او به امید به دست آوردن پول کافی برای برگشتن به کالج برای

بورسیه‌های مختلفی تقاضا داده است.

(۱) محل اتصال، بند؛ مفصل

(۲) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

(۳) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه

(۴) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد

◀ [موارد] مختلفی، [موارد] گوناگونی: a variety of

۲۳۹۹ تو باید به پلیس درباره آن مردی که [اخیراً] بیرون خانه‌ات در بوته‌ها

پنهان شده است، اطلاع دهی.

(۱) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)

(۲) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به (که)؛ نام ... را بردن

(۳) مطلع کردن، خبردار کردن؛ اطلاع دادن به

(۴) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن

۲۴۰۰ هر روز ۰۰۰۰۰۰۰۰٪ ثانیه طولانی‌تر از روز قبل است چراکه زمین به

تدریج دارد سرعت کم می‌کند.

(۱) به تدریج، آرام‌آرام، کم‌کم (۲) اصلاً، ابتدا؛ به طور دورافتاده‌ای

(۳) به طرز جداگانه؛ به طور مجزا (۴) کاملاً، به کلی؛ مطلقاً

۲۴۰۱ دولت نتوانست رقم دقیق تعداد کارگران خارجی را در کشور بدهد.

(۱) رقم؛ نمودار، شکل

(۲) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

(۳) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد

(۴) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی

۲۴۰۲ مسلماً یکی از نخستین ملزومات برای آتش‌نشان بودن این است که

شما باید در شکل جسمانی بسیار خوبی باشید.

(۱) نیازمندی؛ نیاز؛ احتیاج؛ خواسته؛ شرط؛ [در جمع] ملزومات

(۲) توصیف، تعریف، تشریح؛ وصف

(۳) شخصیت، منش؛ [مکان، چیزها] ویژگی‌ها، خصایص؛ آدم برجسته

(۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

۲۴۰۳ در نتیجه ترس‌های فزاینده در مورد امنیت منزل، افراد بیشتری

دارند ترتیبی می‌دهند که وقتی آن‌ها بیرون هستند، کسی در خانه‌شان بماند.

(۱) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه (۲) بنیایی؛ بینش؛ تصور

(۳) واقعیت، حقیقت (۴) اثر، نتیجه؛ ثمره

◀ در نتیجه، به علت، به سبب: as a result of

۲۴۰۴ جیسون وقتی فهمید که در دانشگاه قبول نشده است آشکارا ناراحت بود.

(۱) اصلاً، ابتدا؛ به طور دورافتاده‌ای (۲) آشکارا؛ به طور مشهود

(۳) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه (۴) به تدریج، آرام‌آرام، کم‌کم

۲۴۰۵ حمله قلبی توسط مسدود شدن رگ‌های خونی پدید می‌آید که خون

را برای ماهیچه قلب تأمین می‌کنند.

(۱) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

(۲) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن

(۳) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن

(۴) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن

۲۴۲۰ ما امشب کامیون را کاملاً بار می‌زنیم و سپس همه چیز را صبح به مکان جدیدمان می‌بریم.

- (۱) تا آخر مصرف کردن، تهِ ... را در آوردن؛ استفاده کردن از
 - (۲) مسئولیت را به عهده گرفتن؛ مسلط شدن بر
 - (۳) خط زدن، خط کشیدن روی
 - (۴) [کشتی و غیره] بار زدن؛ [حیوان] بار کردن
- ۲۴۲۱ اگر ما الان راه‌حل خوبی برای این مشکل پیدا نکنیم، برای خودمان در آینده نزدیک دردسر کنار می‌گذاریم.
- ترجمه گزینه‌ها به همراه iip:

- (۱) [چیز، شخص و غیره] بلند کردن، برداشتن
 - (۲) [روحیه] حفظ کردن؛ [کار و غیره] ادامه دادن
 - (۳) [محواره] وارد ارتش شدن
 - (۴) ذخیره کردن، انداختن، کنار گذاشتن
- ۲۴۲۲ آن‌ها با یک مشاور در مدرسه فرزندشان صحبت کردند تا تلاش کنند تا بفهمند [که] چرا او مدام با بچه‌های دیگر در کلاسش دعوا می‌کند.
- (۱) به تدریج، آرام آرام، کم‌کم
 - (۲) به طور شخصی، به طور خصوصی
 - (۳) فوراً، بلافاصله؛ یگراست، مستقیماً (۴) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه
- ۲۴۲۳ آن‌ها می‌توانند از پس صورت‌حساب‌های ماهانه برای چیزهای اساسی مثل غذا و مسکن بریبایند ولی [چیز] کمی برای تجمعات برایشان باقی می‌ماند.

- (۱) صورت‌حساب، فاکتور؛ قبض؛ اسکناس
- (۲) ورود؛ محل ورود؛ مدخل؛ یادداشت
- (۳) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی
- (۴) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد

۲۴۲۴ ما باید معلم‌های بیشتری را به کلاس‌هایی ببریم که به آن‌ها بیشترین نیاز هست، یعنی در مناطق [دارای] فقر فراوان.

- (۱) به تدریج، آرام آرام، کم‌کم
 - (۲) یعنی، به عبارت دیگر
 - (۳) اصلاً، ابتدا؛ به طور دورافتاده‌ای (۴) اخیراً، به تازگی
- ۲۴۲۵ روبات‌ها دیگر بسیاری از کارهای به صورت سنتی انسانی، از جارو کشیدن تا جراحی را انجام می‌دهند و به زودی می‌توانند به مراقبت کردن از بیماران و سالمندان کمک کنند.

- (۱) مهندسان
- (۲) روبات
- (۳) تأمین‌کننده؛ توزیع‌کننده

۲۴۲۶ مشتری؛ مراجعه‌کننده؛ [در مباحث حقوقی] موکل

۱۲۴۲۶ معلوم گشته که تا حدود [سال] ۷۰۰۰ پیش از میلاد اجتماع‌های کشاورزی در طول ساحل رود نیل سکنی گزیده بودند.

- (۱) [کشور، شهر و غیره] اجتماع؛ اهالی؛ جمعیت؛ محله
- (۲) شخصیت؛ خصوصیت؛ چهره برجسته
- (۳) انتخاب؛ جانشین، جایگزین
- (۴) محیط، فضا؛ محیط‌زیست؛ اطراف، دوروبر

۲۴۱۳ معلم فرمول‌های ریاضی لازم برای تکمیل تست را قبل از آغاز امتحان روی تخته نوشت.

- (۱) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه
- (۲) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت
- (۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
- (۴) نخ، بند، ریسمان؛ رشته، زنجیره

۳۲۴۱۴ اگر دوربین دیجیتال جدیدم را یکی دو دقیقه استفاده نکنم به طور خودکار خاموش می‌شود تا در انرژی صرفه‌جویی کند.

- (۱) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
- (۲) [فیزیک، جنگ و غیره] هسته‌ای، اتمی
- (۳) دیجیتالی، دیجیتال
- (۴) سودمند، نافع، مفید

۴۲۴۱۵ خوردن یک ضرورت برای زندگی کردن است؛ در نتیجه باید سازوکارهایی در بدن و ذهن وجود داشته باشد که ما را گرسنه و در فواصل منظم به خوردن علاقه‌مند کند. "therefore" (بنابراین، در نتیجه، از این رو) به معنی "as a result" است.

- (۱) با وجود این، با این حال
- (۲) به علاوه، علاوه بر این
- (۳) با وجود این، با این حال
- (۴) در نتیجه

۲۲۴۱۶ بچه‌ها وقتی که مدّ در حالی که داشتند بازی می‌کردند، بالا آمد روی سنگ کوچکی در وسط آب گیر افتادند.

- (۱) اقیانوس
- (۲) جزر و مدّ
- (۳) افزایش، جهش، ترقی
- (۴) دریاچه

۲۲۴۱۷ برای یک نفر بسیار ساده است که کامپیوتر شما را هک کند و به تمام اطلاعاتی که در آن جا ذخیره شده، دست بیابد.

- (۱) رسیدن به؛ دست یافتن؛ ارتباط برقرار کردن با
- (۲) ذخیره کردن، انبار کردن؛ در انبار نگه داشتن
- (۳) کنترل کردن؛ زیر نظر گرفتن
- (۴) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

۲۲۴۱۸ پژوهشگران یک صفحه‌کلید ایمین ضدآب بی‌سیم ساخته‌اند که با فعالیت نوک انگشتان شما در حالی که تایپ می‌کنید، شارژ می‌شود.

- (۱) ذخیره کردن، انبار کردن؛ در انبار نگه داشتن
- (۲) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن
- (۳) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن
- (۴) تاباندن؛ پخش کردن

۲۲۴۱۹ نهنگ آبی، بزرگ‌ترین جانور جهان، هر روز باید یک رژیم غذایی [با] یک‌ونیم میلیون کالری [از انرژی] را مصرف کند.

- (۱) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
- (۲) [غذا، نوشیدنی] مصرف کردن؛ خوردن؛ نوشیدن؛ [آذوقه، نیرو و غیره] مصرف کردن
- (۳) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به
- (۴) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

۱۲۴۲۷ وقتی ساکنان اسکای لپ، یک ایستگاه فضایی اولیه آمریکایی، در [سال] ۱۹۷۴ به زمین بازگشتند، سه سانتی متر قدبلندتر شده بودند.

(۱) ایستگاه
(۲) ابزار، دستگاه
(۳) عملکرد، کاربرد
(۴) موتور

ایستگاه فضایی: space station

۱۲۴۲۸ مهم نیست که چه قدر تحصیلات دارید. اگر شما هیچ تجربه عملی نداشته باشید، یافتن یک شغل می تواند دشوار باشد.

(۱) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
(۲) متفاوت، متفاوت با قبل
(۳) عملی؛ مناسب، به درخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع بین، منطقی
(۴) تحویل داده شده

۱۲۴۲۹ یک نفر به من گفت که [میوه] پایایا برای هضم خیلی خوب است، بنابراین نوزادان عموماً می توانند آن را بدون مشکل بخورند.

(۱) [غذا] هضم، گوارش؛ هاضمه
(۲) عملکرد، کاربرد
(۳) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
(۴) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

۱۲۴۳۰ ایمن سازی، میلیون ها کودک را در سراسر جهان نجات داده است و به سایرین کمک کرده است تا زندگی هایی طولانی تر [و] سالم تری را بگذرانند.

(۱) معامله کردن، خرید و فروش کردن
(۲) هدایت کردن؛ رهبری کردن؛ [زندگی و غیره] گذراندن
(۳) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن
(۴) [نامه و غیره] تاریخ گذاشتن روی؛ تاریخ ... را تعیین کردن

۱۲۴۳۱ وقتی جنیفر شغلش را در شرکت ما رها کرد و کسب و کار خودش را باز کرد، بیشتر مشتریانش دنبالش رفتند.

(۱) رقم؛ نمودار، شکل
(۲) مشتری؛ مراجعه کننده؛ [در مباحث حقوقی] موکل
(۳) بینایی؛ بینش؛ تصور
(۴) رهبر، پیشوا؛ رئیس

۱۲۴۳۲ برای این که از تمرین ایروبیک استفاده واقعی ببری، باید به اندازه کافی سخت کار کنی تا ضربان قلبت را افزایش دهی.

(۱) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت
(۲) سود، منفعت، استفاده؛ امتیاز، مزیت
(۳) تهیه، تأمین، تدارک؛ [در جمع] تدارکات؛ موجودی، ذخیره
(۴) مورد، نمونه؛ مثال

۱۲۴۳۳ بر اساس اطلاعات در دسترس، خواهم گفت که باید به جای آن که همین الان شانس مان را امتحان کنیم، صبر کنیم.

(۱) اصل، اساس، مبنا؛ پایه
(۲) رقم؛ نمودار، شکل
(۳) تهیه، تأمین، تدارک؛ [در جمع] تدارکات؛ موجودی، ذخیره
(۴) بینایی؛ بینش؛ تصور

(به آسانی) در دسترس: at hand

۱۲۴۳۴ گردشگری در حال تبدیل شدن به عنصر مهمی از اقتصاد کشورهای در حال توسعه است چرا که منبع درآمد خارجی است.

(۱) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر
(۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
(۳) انتخاب؛ جانشین، جایگزین
(۴) همکاری، مشارکت

۱۲۴۳۵ دانشمندان معتقدند [که] سنگواره دایناسوری را پیدا کرده اند که به نظر می رسد شواهدی برای [وجود] نوعی از پرها را نشان می دهد.

(۱) اصل، اساس، مبنا؛ پایه
(۲) رقم؛ نمودار، شکل
(۳) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی (۴) فسیل، سنگواره
(۲۲۴۳۶ در زمان های خاصی از روز، پرندگان کوچک در این شاخه ها جمع می شوند، جیک جیک می کنند و آواز می خوانند، انگار که رو باد خاصی را جشن می گیرند.

(۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
(۲) گرد آمدن، جمع شدن؛ دسته جمعی آمدن؛ دسته جمعی رفتن
(۳) هدایت کردن، راهنمایی کردن
(۴) [باد] وزیدن، آمدن؛ [باد] بردن، با خود بردن

۱۲۴۳۷ قهرمان کانا دایی ریک هانسن با دور زدن دنیا در ویلچرش توانست به جهان (همه مردم) نشان دهد که افراد دارای ناتوانی جسمی می توانند کارهای بزرگی را انجام دهند.

(۱) کاهش، تنزل
(۲) [غذا] هضم، گوارش؛ هاضمه
(۳) نیازمندی؛ نیاز؛ احتیاج؛ خواسته؛ شرط، لازمه
(۴) ناتوانی، عجز؛ معلولیت، نقص عضو

۱۲۴۳۸ یک مشکل عمده آلودگی آن است که دولت ها نمی دانند با ضایعات به وجود آمده توسط نیروگاه های برق هسته ای چه کار کنند.

(۱) سوخت
(۲) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [و] سرچشمه
(۳) ضایعات، زباله، آشغال
(۴) فسیل، سنگواره

۱۲۴۳۹ یکی از [هر] هفت شرکت، پیشاپیش از اینترنت فرختن کالاها و رساندن خدمات به مصرف کنندۀ نهایی استفاده می کند.

(۱) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد
(۲) صفحه (خورشیدی)؛ قاب، کادر؛ [داوران، بازرسان] هیئت، گروه
(۳) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه
(۴) کالا، کالاها، اجناس

۱۲۴۴۰ در شرایط بسیار ساکت، گوش انسان می تواند صدای یک ساعت مچی را از فاصله شش یاردی (حدود ۵/۴۸ متری) تشخیص دهد.

(۱) شمارش، حساب؛ تعداد
(۲) فاصله، مسافت؛ دوری، بُعد
(۳) رقم؛ نمودار، شکل
(۴) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

۱۲۴۴۱ بچه ها به همسایه های ما خیلی علاقه مند شده اند و حالا که دارند [از این جا] می روند خیلی ناراحت هستند.

(۱) مهربان، عاشق؛ علاقه مند؛ [نگاه] محبت آمیز، عاشقانه

۲۲۴۴۸ سخنگوی دفتر نمایندگی گفت [که] آن‌ها تا [زمان] نزدیک شدن به

کسب توافق، هیچ اطلاعات بیشتری نخواهند داد.

۱) نخ، بند، ریسمان؛ رشته، زنجیره

۲) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد

۳) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد؛ توافق

۴) تاریخ، زمان؛ عصر، روزگار، دوران

۲۲۴۴۹ او رونوشتی را که دستیارش روی میزش گذاشته بود بررسی کرد و

یک خطای تایپی را خط زد.

۱) [از رستوران] [غذا] بردن؛ [درد و غیره] تسکین دادن؛ بیرون بردن

۲) خط زدن، خط کشیدن روی

۳) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

۴) رسیدن به؛ دست یافتن؛ ارتباط برقرار کردن با

۲۲۴۵۰ او فراموش کرده بود به آشپز بگوید تا مقداری غذا برای ما نگه دارد

ولی عذرخواهی نکرد.

۱) سود، منفعت؛ استفاده؛ امتیاز، مزیت ۲) رقم؛ نمودار، شکل

۳) عذرخواهی، پوزش ۴) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

عذرخواهی کردن: offer an apology

۲۲۴۵۱ ماری کوری، دانشمند برنده جایزه نوبل که رادیوم را کشف کرد،

نخستین شخص شناخته شده بود که از مسمومیت پرتویی فوت کرده است.

۱) متفاوت، متفاوت با قبل

۲) پرتویی

۳) جدا، جداگانه، مجزا

۴) عملی؛ مناسب، به درد بخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع بین، منطقی

۲۲۴۵۲ جایگزین کردن بطری‌های آب استفاده شده با ظرف‌های جدید

تولید شده از منابع جدید، انرژی مصرف می‌کند و هوا، زمین و آب را آلوده می‌کند.

۱) آلوده کردن

۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

۳) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن

۴) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن، نیاز به ... داشتن

۲۲۴۵۳ محققان در حال کار بر روی وسیله نقلیه‌ای هستند که در واقع از

سوخت هیدروژن استفاده می‌کند و آب را به صورت گاز [خروجی] تولید می‌کند.

۱) موتور

۲) سوخت

۳) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد

۴) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی

۲۲۴۵۴ فناوری زندگی‌های ما را تغییر داده است: شما با کم‌تر از ۵۰ دلار،

شما می‌توانید یک دستگاه جی‌پی‌اس [با] اندازه جیبی بگیرید که در هر

لحظه‌ای دقیقاً به شما می‌گوید کجای زمین هستید.

۱) آموزش؛ توصیه؛ دستورالعمل

۲) ابزار، دستگاه

۳) بینایی؛ بینش؛ تصور

۴) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت

۲) مطمئن، خاطر جمع؛ قابل اعتماد؛ [راه‌حل، درمان] قطعی

۳) آرام، ساکن؛ ساکت

۴) ایمن، محفوظ؛ بی خطر

۲۲۴۴۲ در آوریل ۱۹۶۲، سه مرد - جیمز واتسون، فرانسیس کریک و

موریس ویلکینز - به خاطر کشف یک دهه پیش‌ترشان از ساختار دی‌ان‌ای،

جایزه نوبل را به اشتراک برنده شدند.

۱) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت ۲) بینایی؛ بینش؛ تصور

۳) اثر، نتیجه؛ ثمره ۴) جایزه؛ آرم، هدف

۲۲۴۴۳ مردم به نوعی درمان جادویی برای از بین بردن سرطان امید دارند

ولی برخی دانشمندان می‌گویند [که] این صرفاً امکان‌پذیر نیست.

۱) سحرآمیز، جادویی؛ شگفت‌انگیز

۲) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

۳) [کشاورزی، کشت، محصول] ارگانیک، طبیعی؛ (مربوط به) جانداران

۴) تدریجی؛ [شیب] آرام، ملایم

۲۲۴۴۴ او می‌دانست چه اتفاقی افتاده بود ولی جزئیات را کاملاً فراموش کرده

بود، از جمله توصیف مردی که به او حمله کرده بود.

۱) شخصیت، منش؛ [مکان، چیزها] ویژگی‌ها، خصایص؛ آدم برجسته

۲) توصیف، تعریف، تشریح؛ وصف

۳) احتمال

۴) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

۲۲۴۴۵ هم‌چنان‌که دانش و فناوری پیشرفت می‌کنند، بسیاری اکنون اظهار

می‌کنند که ممکن است برخی جایگزین‌ها برای آزمایش [روی] حیوانات

وجود داشته باشد.

۱) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان

۲) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

۳) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت

۴) انتخاب؛ جانشین، جایگزین

۲۲۴۴۶ برای اطمینان حاصل کردن [از آن] که این پروژه‌ها طبق برنامه اجرا

می‌شوند، کارمندان اکنون تشویق می‌شوند تا در دوره‌های آموزشی شرکت کنند.

۱) [نامه و غیره] تاریخ گذاشتن روی؛ تاریخ ... را تعیین کردن

۲) دویدن، فرار کردن؛ [مایعات] جاری بودن؛ [برنامه و غیره] اجرا شدن

۳) بار کردن؛ بار زدن؛ [تفنگ] فشنگ گذاشتن در

۴) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

۲۲۴۴۷ ما در طول طبیعت‌گردی یک هفته‌ای خود در امتداد ساحل به

تعدادی مشکل برخوردیم، ولی توانستیم با کار کردن به صورت تیمی تک‌تک

آن‌ها را از میان برداریم.

۱) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

۲) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن

۳) همکاری کردن، شرکت کردن؛ کمک کردن، یاری کردن

۴) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن

۴۲۴۵۵ دولت در تلاش است تا با تشویق به بازیافت، میزان زباله‌ای را که به گورستان‌های زباله شهری می‌رود کاهش دهد.

(۱) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

(۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۳) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)

(۴) کاهش دادن، کاستن؛ کم کردن

۳۲۴۵۶ لایهٔ اوزون که زمین را احاطه می‌کند از پوست ما در برابر آسیب دیدن توسط پرتوهای فرابنفش مراقبت می‌کند.

(۱) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن

(۲) [سیاره و غیره] چرخیدن، گشتن، دور زدن؛ چرخاندن، گرداندن

(۳) احاطه کردن، در برگرفتن

(۴) آلوده کردن

۱۲۴۵۷ در اکتبر [سال] ۱۹۶۷، یک فضانمای شوروی به جو سیارهٔ ناهید وارد شد و شروع به بازفرستادن اطلاعات به زمین کرد.

(۱) جو، اتمسفر؛ حال و هوا، محیط

(۲) [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

(۳) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان

(۴) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی

۴۲۴۵۸ این‌که در کار موفق شوید یا نه ممکن است به عوامل بسیاری بستگی داشته باشد - از جمله هوش، هم‌دلی، خودکنترلی، استعداد و پشتکار.

(۱) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

(۲) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن

(۳) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۴) موفق شدن، پیروز شدن؛ جانشین ... شدن، جای ... را گرفتن

◀ از جمله، من جمله، مثلاً: to name a few

۴۲۴۵۹ وقتی‌که باستان‌شناسان تاریخ اشیائی را تعیین می‌کنند که هزاران سال قدمت دارند، آن‌ها صدها سال جا برای خطا در نظر می‌گیرند.

(۱) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن

(۲) مستقر کردن؛ [به همراه حرف اضافهٔ on] بر اساسی ... بنا کردن

(۳) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که

(۴) [نامه و غیره] تاریخ گذاشتن روی؛ تاریخ ... را تعیین کردن

۱- به حساب آوردن، در نظر گرفتن ۲- امکان ... را فراهم کردن: allow for

◀ جا برای خطا، فضا برای خطا: margin for error

۴۲۴۶۰ بسیاری از کشورها نیروگاه‌های برقی را که زغال‌سنگ می‌سوزانند کنار گذاشته‌اند، [نیروگاه‌هایی] که دی‌اکسید کربن آزاد می‌کنند، یک گاز گلخانه‌ای بسیار قوی.

(۱) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

(۲) رابطه برقرار کردن با؛ سروکار داشتن با؛ [کار] به عهده گرفتن، پرداختن به

(۳) تا آخر مصرف کردن، ته ... را در آوردن؛ استفاده کردن از

(۴) [حرارت، بو و غیره] منتشر کردن، متصاعد کردن؛ [گاز، بخار] آزاد کردن

۱۲۴۶۱ آن‌ها دارند شاخه‌هایی را از برخی درختان در خیابان ما قطع می‌کنند، چون آن‌ها به کابل‌های برق خیلی نزدیک هستند.

(۱) الکتریکی، برقی

(۲) جنبشی، حرکتی

(۳) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

(۴) مداوم، مدام، همیشگی، دائمی

◀ کابل برق: electrical cable

۳۲۴۶۲ یک آشیانهٔ پرندۀ با دو تا تخم داخلش در درختی بیرون پنجرهٔ ما هست و ما هر روز آن را چک می‌کنیم تا ببینیم آیا آن‌ها از تخم بیرون آمده‌اند.

(۱) گرد آمدن، جمع شدن؛ دسته‌جمعی آمدن؛ دسته‌جمعی رفتن

(۲) [غذا، نوشیدنی] مصرف کردن؛ خوردن؛ نوشیدن؛ [آذوقه، نیرو و غیره] مصرف کردن

(۳) [جوجه] از تخم درآمدن؛ [تخم] تبدیل به جوجه شدن

(۴) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

۴۲۴۶۳ چندین عضو برای بیش از سه سال پاسخ نداده‌اند، و در نتیجه نام‌هایشان از صورت [اسامی] طرف‌های مکاتبه حذف شده است.

(۱) با وجود این، با این حال

(۲) در عوض؛ [به همراه حرف اضافهٔ of] به جای

(۳) آیا، که آیا؛ [به همراه or] خواه ... خواه ... چه ... چه ...

(۴) در نتیجه، بنابراین

۱۲۴۶۴ بسیاری از کشورها در حال افزایش دادن نرخ مصرف منابع تجدیدناپذیرشان به شکل سوخت‌های فسیلی بوده‌اند.

(۱) [منابع] غیرقابل تجدید، تجدیدناپذیر (۲) متشعشع، تابشی

(۳) زیست‌محیطی؛ مربوط به محیط (۴) الکتریکی، برقی

۲۲۴۶۵ او در کمیته‌ای کار می‌کند که مشغول سازمان‌دهی کردن دهکدهٔ المپیک برای ورزشکاران و مقامات رسمی تیم‌ها جهت بازی‌های سال آینده است.

(۱) جمع‌آوری کردن، انباشتن

(۲) [به همراه حرف اضافهٔ of] متشکل بودن از، شامل ... بودن

(۳) مرتب کردن؛ سازمان دادن، سازمان‌دهی کردن؛ برنامه‌ریزی کردن

(۴) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن

۳۲۴۶۶ تحلیل‌گران پس از یک بررسی شش‌ماههٔ برنامه، تعدادی پیشنهاد برای بهبود سیستم ارائه کرده‌اند.

(۱) بینایی؛ بینش؛ تصور

(۲) واگذاری؛ [بسته، کلام] تحویل؛ [نامه] توزیع، پخش

(۳) بازبینی، بررسی

(۴) تهیه، تأمین، تدارک؛ [در جمع] تدارکات؛ موجودی، ذخیره

◀ [فکر، طرح، نقشه] به دست دادن، ارائه کردن: come up with sth

۱۲۴۶۷ لژی برای اولین سال کالجش آماده بود ولی مطمئن نبود [که] می‌تواند دور بودن از مادرش برای چنین زمان طولانی‌ای را تحمل کند.

(۱) حمل کردن؛ بردن؛ با خود داشتن؛ تحمل کردن

(۲) ناراحت کردن؛ زحمت دادن به

(۳) پافشاری کردن بر، اصرار کردن روی

(۴) متکی بودن به، وابسته بودن به

۲۴۷۴ خرما اغلب غذای بیابان نامیده می‌شود چون خیلی مغذی است و به راحتی در آب‌وهوای گرم خراب نمی‌شود.

- (۱) خراب کردن؛ [غذا و غیره] فاسد شدن؛ [بچه] لوس کردن
- (۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
- (۳) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن
- (۴) ادامه یافتن، طول کشیدن؛ دوام آوردن؛ کافی بودن (برای)

۲۴۷۵ اگر خون‌دماغ شدید، با محکم گرفتن سوراخ‌های بینی‌تان برای حدود ده دقیقه، به بینی‌تان فشار وارد کنید.

- (۱) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به
 - (۲) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن
 - (۳) هدایت کردن؛ رهبری کردن؛ [زندگی و غیره] گذراندن
 - (۴) به کار بستن؛ [فشار] وارد کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- ۲۴۷۶ دانشمندان در کشورهای مختلف که به طور مستقل از یکدیگر کار می‌کنند، نتایج بسیار مشابهی را ارائه داده‌اند.

- (۱) خط زدن، خط کشیدن روی
- (۲) [کشتی و غیره] بار زدن؛ [حیوان] بار کردن
- (۳) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن
- (۴) [به همراه حرف اضافه with] [فکر، طرح، نقشه] به دست دادن، ارائه کردن؛ همراه شدن با

۲۴۷۷ نیروگاه‌های بادی معمولاً بیشتر انرژی‌شان را در شب تولید می‌کنند، وقتی که تقاضای برق [در] پایین‌ترین [سطح خود] است، بنابراین بخش زیادی از آن انرژی سبز (سازگار با محیط‌زیست) به هدر می‌رود.

- (۱) درخواست، تقاضا، مطالبه
- (۲) اصل، اساس، مبنا؛ پایه
- (۳) رقم؛ نمودار، شکل
- (۴) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه

۲۴۷۸ ما تعطیلات خود را در ساحلی در یک جزیرهٔ اقیانوسی دوست‌داشتنی در دورترین [و] دورافتاده‌ترین گوشهٔ جهان گذرانیدیم، جایی که گردشگران بسیار کمی اصلاً می‌روند.

- (۱) جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر
 - (۲) دور؛ دور دست؛ دورافتاده؛ بی‌ربط
 - (۳) دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه
 - (۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
- ۲۴۷۹ بیش از ۴,۰۰۰ ترکیب شیمیایی مختلف شامل فلزات سنگین و آفت‌کش‌ها وجود دارد که در دود توتون یافت می‌شود.

- (۱) شیمیایی
- (۲) متفاوت، متفاوت با قبل
- (۳) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
- (۴) عملی؛ مناسب، به‌دردبخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع‌بین، منطقی

۲۴۶۸ کوه المپوس بر روی سیارهٔ مریخ بزرگ‌ترین آتش‌فشان شناخته‌شده در سامانهٔ خورشیدی (منظومهٔ شمسی) است. آن سه‌برابر بلندتر از بلندترین کوه زمین، اورست است.

- (۱) فضا؛ محیط
- (۲) خورشیدی، شمسی
- (۳) جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر
- (۴) [فیزیک، جنگ و غیره] هسته‌ای، اتمی

۲۴۶۹ سامانهٔ خورشیدی (منظومهٔ شمسی): the solar system
شلی عکسی قدیمی از خودش را [از] زمانی که اضافه‌وزن داشت بر روی در یخچالش نگه می‌داشت تا به او یادآوری کند که به رژیم غذایی‌اش پایبند باشد.

- (۱) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن
- (۲) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
- (۳) رحم کردن به، بخشیدن؛ دریغ کردن از؛ [وقت، پول] اختصاص دادن
- (۴) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

۲۴۷۰ [قول، توافق و غیره] عمل کردن به، سر ... خود ایستادن: keep to sth
کارهای زیادی همچون بازیافت کردن یا راندن دوچرخه وجود دارد که می‌توانید در زندگی روزمرهٔ خود انجام دهید تا به حفاظت کردن از محیط‌زیست کمک کنید.

- (۱) انتخاب؛ جانشین، جایگزین
 - (۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
 - (۳) جو، اتمسفر؛ حال‌وهوا، محیط
 - (۴) محیط، فضا؛ محیط‌زیست؛ اطراف، دوروبر
- ۲۴۷۱ در پی مجموعه‌ای از دزدی‌ها در آن محله، پلیس در حال هشدار دادن به مردم است تا مطمئن شوند خانه‌هایشان ایمن است حتی وقتی که داخل آن‌ها هستند.

- (۱) ترسیدن (از)؛ وحشت داشتن (از)
- (۲) هشدار دادن به، اخطار دادن به؛ بر حذر داشتن
- (۳) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن
- (۴) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

۲۴۷۲ تغییر در قد بچه‌هایم به نظر من تدریجی می‌آید چون من هر روز آن‌ها را می‌بینم ولی افراد دیگر به ما می‌گویند آن‌ها واقعاً سریع رشد کرده‌اند.

- (۱) تدریجی؛ [شیب] آرام، ملایم
- (۲) دور؛ دور دست؛ دورافتاده؛ بی‌ربط
- (۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
- (۴) جدا، جداگانه، مجزا

۲۴۷۳ یک قطرهٔ آب ممکن است بین زمانی که به داخل اتمسفر تبخیر می‌شود و زمانی که دوباره به صورت باران، باران برف یا برف به زمین می‌بارد، هزاران مایل سفر کند.

- (۱) محیط، فضا؛ محیط‌زیست؛ اطراف، دوروبر
- (۲) جو، اتمسفر؛ حال‌وهوا، محیط
- (۳) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی
- (۴) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان

۲۴۸۰ باور بر آن است که مرکز سیاره زمین متشکل از دو بخش مجزا است،

با یک هسته بیرونی مایع دربرگیرنده هسته درونی جامد.

(۱) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

(۲) متشکل بودن از، شامل ... بودن

(۳) [حرارت، بو و غیره] منتشر کردن، متصاعد کردن؛ [گاز، بخار] آزاد کردن

(۴) [به همراه حرف اضافه with] [فکر، طرح، نقشه] به دست دادن، ارائه

کردن؛ همراه شدن با

۲۴۸۱ معلم انگلیسی من توانایی گفتاری ما را با گوش دادن به ما و یادداشت

برداشتن در حین بحث‌های داخل کلاس، به صورت هفتگی ارزیابی می‌کند.

(۱) شمارش، حساب؛ تعداد

(۲) رقم؛ نمودار، شکل

(۳) منبع، منشأ؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه

(۴) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

◀ به صورت روزانه / هفتگی / ماهانه on a daily / weekly / monthly basis

۲۴۸۲ پرستار بودن در یک بیمارستان شلوغ یک شغل طاقت‌فرسا است -

شما نمی‌توانید وقت آزاد چندانی داشته باشید.

(۱) عملی؛ مناسب؛ به‌دردبخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع‌بین، منطقی

(۲) متفاوت، متفاوت با قبل

(۳) طاقت‌فرسا؛ زمان‌بر

(۴) قاطع، قطعی، مسلم، قانع‌کننده

۲۴۸۳ رئیس‌جمهور استدلال کرد که فناوری و برنامه‌های انرژی او، به ما

کمک خواهند کرد تا از پس چالش جدی تغییر اقلیمی جهانی بربیاییم.

(۱) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

(۲) [فیزیک، جنگ و غیره] هسته‌ای، اتمی

(۳) جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر

(۴) آلوده

◀ تغییر اقلیمی: climate change

۲۴۸۴ فناوری بشر و توانایی ما برای همکاری کردن در جوامع به ما اجازه

می‌دهد تا مشکلات زیادی را که می‌توانند پستانداران دیگر را نابود کنند، حل کنیم.

(۱) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، از میان برداشتن

(۲) همکاری کردن، شرکت کردن؛ کمک کردن، یاری کردن

(۳) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم

کردن برای

(۴) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به

۲۴۸۵ بندر آرتاساس شهری است که در آن درآمد مردم کاملاً وابسته به

گردشگری است. به آن دلیل است [که] آن‌ها هر کار لازم را انجام می‌دهند تا

شهر را برای آن‌ها (گردشگران) جذاب کنند.

(۱) دقیق؛ درست، صحیح

(۲) فوری، بی‌درنگ؛ مستقیم؛ نزدیک

(۳) لازم، ضروری؛ اساسی، ذاتی

(۴) صرفه‌جو؛ مقتصد؛ مقرون‌به‌صرفه

۲۴۸۶ مشخصه عکس‌های رابینسون تضاد کامل میان واحی تاریک و

روشن است، که به از دست رفتن جزئیات می‌انجامد.

(۱) مشخص کردن، توصیف کردن؛ مشخصه ... بودن

(۲) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن

(۳) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم

کردن برای

(۴) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به؛ نام ... را بردن

۲۴۸۷ خودروی برقی وقتی که اولین بار عرضه شد به عنوان یکی از ده

محصول نوآورانه سال توصیف شد.

(۱) جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر

(۲) دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی‌ربط

(۳) الکتریکی، برقی

(۴) [کشاورزی، کشت، محصول] ارگانیک، طبیعی؛ (مربوط به) جانداران

۲۴۸۸ کامپیوترها ممکن است در سال‌های پیش رو در انجام کارهای زندگی

روزانه‌مان بیشتر و بیشتر مهم شوند.

(۱) تدریجی؛ [شیب] آرام، ملایم

(۲) ممکن؛ محتمل

(۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

(۴) برقی، الکتریکی

◀ روزهای / هفته(های) / سال(های) پیش رو :

the days / week(s) / year(s) to come

۲۴۸۹ وقتی کسی افسرده است، بار مضاعف داشتن مشکلات مالی می‌تواند

شرایط را بدتر کند.

(۱) مقدار، تعداد، اندازه؛ معامله، دادوستد

(۲) بار؛ [در جمع] یک عالم، مقدار زیادی

(۳) اصل، اساس، مبنا؛ پایه

(۴) رقم؛ نمودار، شکل

۲۴۹۰ کاملاً معلوم است که آمریکایی‌ها به نسبت مردم هر کشور بزرگ

دیگری در جهان منابع طبیعی بسیار بیشتری را مصرف می‌کنند و بسیار کم‌تر

پایدار (با قابلیت ادامه دادن، بدون ضربه زدن به محیط‌زیست) زندگی می‌کنند.

(۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۲) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن

(۳) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۴) [غذا، نوشیدنی] مصرف کردن؛ خوردن؛ نوشیدن؛ [آذوقه، نیرو و غیره]

مصرف کردن

۲۴۹۱ آقای کریمی همیشه درباره سفر کردن به سرزمین‌های دور دست

رویاپردازی می‌کرده، به‌خصوص آن‌هایی که در آمریکای جنوبی [هستند].

(۱) جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر

(۲) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش

(۳) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید

(۴) [فاصله، شهر و غیره] دور؛ [خویشاوند] دور؛ [شخص] سرد، خشک

- ۳ مقاومت کردن؛ صبر کردن؛ منتظر شدن
۴ رابطه برقرار کردن با؛ سروکار داشتن با؛ [کار] به عهده گرفتن، پرداختن به
- ۴۲۴۹۹ یک چندراهی با شش پرز در آن، زیر میز هست، بنابراین می‌توانی کامپیوتر، پرینتر، چراغ و همه چیز دیگر را با هم استفاده کنی.
- ۱ رقم؛ نمودار، شکل
۲ باتری
۳ [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد
۴ درپوش، سرپوش؛ دوشاخه، پرز
- ۱- فوراً، بی‌درنگ، بلافاصله ۲- با هم، در یک زمان: at once
۲۲۵۰۰ ما باید در ساختار مدیریت این شرکت تجدیدنظر کنیم تا به کارگران در فرایند تصمیم‌گیری اختیار بیشتری بدهیم.
- ۱ عملکرد، کاربرد
۲ ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
۳ [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر
۴ محیط، فضا؛ محیط‌زیست؛ اطراف، دوروبر
- ۱۲۵۰۱ مقامات به تمام ماهی‌گیران درباره امکان رسیدن یک طوفان بزرگ به ساحل در عرض ۴۸ ساعت آینده هشدار فرستاده‌اند.
- ۱ هشدار، خطر
۲ نگرانی؛ دغدغه
۳ واقعه، رویداد
۴ اشاره؛ یاد؛ مراجعه؛ ارجاع، منبع؛ معرف؛ معرفی‌نامه
- ۲۲۵۰۲ از تمام برق تولیدشده در فرانسه، تقریباً ۷۵٪ توسط نیروگاه‌های برق هسته‌ای تولید می‌شود، بالاترین نسبت [از تمام برق تولیدی کشوری] در جهان.
- ۱ جهانی، بین‌المللی؛ همه‌جانبه، فراگیر
۲ [فیزیک، جنگ و غیره] هسته‌ای، اتمی
۳ جدا، جداگانه، مجزا
۴ قابل حمل، پرتابل؛ قابل انتقال
- ۳۲۵۰۳ همواره چیزی غمگین در عکس‌های قدیمی وجود دارد. احتمالاً به خاطر آن است [که] می‌دانیم برخی افراد در آن عکس‌ها برای همیشه رفته‌اند.
- ۱ آن سو، آن سوتر، دورتر
۲ تا آخر، به آخر؛ بدون توقف
۳ برای همیشه
۴ بیشتر، بالاتر؛ به تمامی، کاملاً
- ۱۲۵۰۴ شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهند سطوح کف دریا همواره در حال حرکت هستند و به طور مداوم ساخته و نابود می‌شوند.
- ۱ دائم، همیشه، همواره، بی‌وقفه
۲ به طور خودکار، به طور اتوماتیک؛ از نظر فنی
۳ اصلاً، ابتدا؛ به طور دورافتاده‌ای
۴ به طرز جداگانه؛ به طور مجزا
- ۱۲۵۰۵ می‌دانم [که] نمی‌خواهی از آپارتمان اسباب‌کشی کنی [و بروی]. ولی اگر قرار باشد ساختمان به فروش برود هیچ انتخاب [دیگر]ی نداری.
- ۱ انتخاب؛ جانشین، جایگزین
۲ سند، مدرک
۳ ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
۴ [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

- ۱۲۴۹۲ صنایع سنگین در طول ساحل شمال گسترش یافت، بدون هیچ توجهی به آلودگی شیمیایی و زیست‌محیطی.
- ۱ آلودگی
۲ احتمال
۳ جو، اتمسفر؛ حال و هوا، محیط
۴ [کشور، شهر و غیره] اجتماع؛ اهالی؛ جمعیت؛ محله
- ۱۲۴۹۳ او به طور مستمر در تمام مراودات کاری‌اش اخلاقی عمل کرده است و به همین دلیل است که مشتریانش به او آن قدر اعتماد دارند.
- ۱ مشتری؛ مراجعه‌کننده؛ [در مباحث حقوقی] موکل
۲ [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد
۳ کلکتور، گردآورنده
۴ یادآور؛ تذکر
- ۳۲۴۹۴ دانشمندان تخمین می‌زنند که ۱۰۰ بار خندیدن معادل ده دقیقه ورزش بر روی دستگاه قایق [در باشگاه ورزشی] یا ۱۵ دقیقه بر روی یک دوچرخه ثابت ورزشی است.
- ۱ عملی؛ مناسب، به‌درخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع‌بین، منطقی
۲ دور؛ دور دست؛ دور افتاده؛ بی‌ربط
۳ [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
۴ متنوع، گوناگون
- ۳۲۴۹۵ دانشمندان معتقدند که تا [سال] ۲۰۵۰، انرژی تجدیدپذیر - بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی و [انرژی‌های] دیگر که هنوز در دست توسعه هستند - به عنوان منبع اصلی انرژی جهان جایگزین سوخت‌های فسیلی خواهند شد.
- ۱ [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
۲ به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)
۳ جایگزین کردن، جانشین کردن
۴ درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن
- ۱۲۴۹۶ دمای رو به افزایش اقیانوس می‌تواند بر بوم‌سازگان (اکوسیستم) اقیانوس‌ها به انواع شیوه‌های منفی تأثیر بگذارد [و] در این فرایند بسیاری از گونه‌های حیات دریایی را نابود می‌کند.
- ۱ تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه
۲ انتخاب؛ جانشین، جایگزین
۳ عملکرد، کاربرد
۴ واکنش، عکس‌العمل؛ پاسخ
- ۱ [موارد] مختلفی، [موارد] گوناگونی: a variety of
۲ پرنده‌ها با تکان دادن بال‌هایشان به بالا و پایین پرواز نمی‌کنند؛ حرکت [بال‌های آن‌ها] بیشتر به جلو و عقب است، مانند یک رقم هشت (8) [که] به پهلویش [خوابیده].
- ۱ بینایی؛ بینش؛ تصور
۲ گله؛ [پرندگان] دسته
۳ [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت، فاصله؛ مازاد
۴ رقم؛ نمودار، شکل
- ۴۲۴۹۸ یک شاخه مخصوص نیروی پلیس در شهر هست که تخصصش در پرداختن به خشونت میان نوجوانان است.
- ۱ متشکل بودن از، شامل ... بودن
۲ مسئولیت را به عهده گرفتن؛ مسلط شدن بر

۳۲۵۰۶ آلودگی گذشته از صدمه به محیط زیست، تأثیری منفی بر سلامتی هر کسی که در شهر زندگی می کند دارد.

- ۱) به یاد آوردن؛ به خاطر داشتن
 - ۲) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به
 - ۳) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به/که؛ نام ... را بردن
 - ۴) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- گذشته از: not to mention (that)

۳۲۵۰۷ افراد اغلب بعد از [آن که] به سن ۵۰ [سالگی] می رسند، کاهشی تدریجی را در توانایی شنیدن صداهایی با بسامدهای بالاتر تجربه می کنند.

- ۱) تنوع، گوناگونی
- ۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
- ۳) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی
- ۴) کاهش، تنزل

۳۲۵۰۸ برنامه ضد دخانیات دولت بر مبنای کمک به نوجوانان [برای] گرفتن تصمیم های درست جهت [داشتن] یک سبک زندگی سالم استوار است.

- ۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
- ۲) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
- ۳) [سیاره و غیره] چرخیدن، گشتن، دور زدن؛ چرخاندن، گرداندن
- ۴) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به / که؛ نام ... را بردن

بر مبنای ... استوار بودن، بر محور ... چرخیدن: revolve around

۳۲۵۰۹ پارک در روز افتتاحیه اش عملاً خالی بود، بنابراین ما فقط روی ترن هوایی به چرخیدن و چرخیدن ادامه دادیم چون هیچ کس منتظر صندلی های ما نبود.

- ۱) به عنوان راهی دیگر، به جای آن
- ۲) عملاً، تقریباً؛ در واقع
- ۳) به طور مؤثری، به نحو کارآمدی
- ۴) به تدریج، آرام آرام، کم کم

۳۲۵۱۰ انسان ها با ۳۰۰ استخوان در بدن شان به دنیا می آیند؛ با وجود این، وقتی یک انسان به بزرگسالی می رسد، تنها ۲۰۶ استخوان دارد. این اتفاق می افتد چون بسیاری از آن ها به هم متصل می شوند تا یک استخوان منفرد بسازند.

- ۱) (به هم) متصل کردن، (به هم) متصل شدن؛ به ... پیوستن
- ۲) حمل کردن؛ منتقل کردن؛ (همراه) داشتن
- ۳) علت ... بودن؛ باعث ... شدن
- ۴) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

۳۲۵۱۱ گازهای داخل جو، مخصوصاً دی اکسید کربن و متان، تابش گرمای زمین را جذب و بنابراین سطح [سیاره] را گرم می کنند، درست همان طور که یک پتو گرمای بدن را نگه می دارد.

- ۱) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن
- ۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
- ۳) [سیاره و غیره] چرخیدن، گشتن، دور زدن؛ چرخاندن، گرداندن
- ۴) [به همراه حرف اضافه of] متشکل بودن از، شامل ... بودن

۳۲۵۱۲ گاليله با مطالعه لکه های خورشیدی، توانست نتیجه بگیرد که خورشید کروی در حال چرخیدن به دور محور خود است.

- ۱) گفتن (که)، یادآور شدن (که)؛ اشاره کردن به / که؛ نام ... را بردن
- ۲) پیروی کردن؛ دنبال کردن
- ۳) یادآوری کردن به، به یاد ... انداختن
- ۴) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)

۳۲۵۱۳ ما باید اطمینان حاصل کنیم [که] این پروژه برای جامعه گسترده تر [نیز] مفید است و فقط به تعداد کمی از افراد فایده نمی رساند.

- ۱) فایده رساندن به، مفید بودن برای؛ فایده بردن، سود بردن
- ۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
- ۳) اجرا کردن؛ عمل کردن
- ۴) حساب کردن، شمردن؛ به حساب آوردن؛ اهمیت داشتن

۳۲۵۱۴ اریک نوعی بازی ویدیویی تولید کرد که [آن را] به شرکت بزرگی فروخت و حالا او به طرزی باور نکردنی پولدار است.

- ۱) فوق العاده، به طرزی باور نکردنی
- ۲) به تدریج، آرام آرام، کم کم
- ۳) به طور برابر، به طور مساوی
- ۴) از نظر اقتصادی؛ با صرفه جویی؛ به طور مختصر و موجز

۳۲۵۱۵ در طول هضم، نشاسته ها و شکرها در غذایی که می خورید به گلوکز تبدیل می شود، قندی که بدن شما برای [تولید] انرژی مصرف می کند.

- ۱) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
- ۲) عوض کردن؛ تجدید کردن؛ [گذرنامه، عضویت و غیره] تمدید کردن
- ۳) تبدیل کردن؛ تغییر دادن
- ۴) درگیر کردن، گرفتار کردن؛ مستلزم ... بودن

۳۲۵۱۶ انستیتوی ریک هانسن برای برداشتن موانعی تلاش می کند که افراد دارای ناتوانی ها [ی حرکتی] را از رسیدن به ظرفیت کاملشان باز می دارد.

- ۱) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر
- ۲) ناتوانی، عجز؛ معلولیت، نقص عضو
- ۳) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
- ۴) شخصیت؛ خصوصیت برجسته؛ شخص مهم

۳۲۵۱۷ سلول های سوخت هیدروژنی هنوز تا مرحله ای توسعه نیافته اند که جایگزین خوبی برای موتور بنزینی شده باشند.

- ۱) بنزین
- ۲) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی
- ۳) ذخیره؛ منبع؛ [در جمع] امکانات مالی
- ۴) [اجزاء] تشکیل دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

۳۲۵۱۸ مشاور مدرسه دانش آموزان را تشویق کرد تا درخواست های [پذیرش] خود را به چندین دانشگاه بفرستند تا از به دست آوردن جا (پذیرش) مطمئن شوند.

- ۱) بخش، قسمت؛ نسبت، تناسب
- ۲) درخواست، تقاضا؛ استعمال، استفاده؛ اجرا، کار بست
- ۳) پایان، فرجام؛ نتیجه گیری
- ۴) انتخاب؛ جانشین، جایگزین

- ۴۲۵۱۹ در ژاپن، دولت اکنون پادشاهی مالی به مصرف‌کنندگانی ارائه می‌دهد که ماشین‌هایی می‌خرند که آلودگی کم‌تری تولید می‌کنند.
- ۱) تأمین‌کننده؛ توزیع‌کننده ۲) تولیدکننده؛ سازنده
۳) تولیدکننده؛ پدیدآورنده ۴) مصرف‌کننده
- ۱۲۵۲۰ مطالعات اخیر حاکی از آن است که عوامل زیست‌محیطی نقش عمده را در این‌که آیا یک انسان به بیشتر انواع سرطان‌ها مبتلا شود یا نه، بازی می‌کند.
- ۱) زیست‌محیطی؛ مربوط به محیط
۲) مکانیکی، خودکار، اتوماتیک؛ [شخص] دارای اطلاعات مکانیکی
۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
۴) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
- ۱۲۵۲۱ تخمین زده می‌شود که تعداد مرگ‌ومیرهای مرتبط با کشیدن سیگار در چین تا [سال] ۲۰۵۰ به سه میلیون می‌رسد، که بار سنگینی بر خدمات بهداشتی کشور می‌گذارد.
- ۱) رسیدن به؛ دست یافتن؛ ارتباط برقرار کردن با
۲) وزن کردن، کشیدن؛ وزن داشتن؛ سنجیدن، ارزیابی کردن؛ بررسی کردن
۳) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)
۴) [سیاره و غیره] چرخیدن، گشتن، دور زدن؛ چرخاندن، گرداندن
- ۳۲۵۲۲ از دولت انتظار می‌رود تا متخصصانی را به این ناحیه بفرستد تا به کشاورزان کمک کنند و توصیه‌هایی درباره آن‌که چگونه می‌توانند کارها را بهتر انجام دهند، ارائه کنند.
- ۱) مشتری؛ مراجعه‌کننده؛ [در مباحث حقوقی] موکل
۲) عمل؛ تمرین، مشق؛ روال معمول؛ رسم
۳) نظر، توصیه، نصیحت؛ مشورت، مشاوره
۴) منبع، منشاء؛ مرجع؛ [رود] سرچشمه
- ۳۲۵۲۳ آب اهمیتی اساسی در زنده ماندن ما دارد، ولی کیفیت منابع آب شیرین احتمالاً در سال‌های پیش رو بیشتر و بیشتر به چالش تبدیل می‌شود.
- ۱) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
۲) فرمول؛ قاعده، ضابطه؛ دستور ساخت
۳) تهیه، تأمین؛ [در جمع] تدارکات؛ منبع
۴) [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر
- ۳۲۵۲۴ وقتی که ما تمام سوخت‌های فسیلی را که هم‌اکنون روی این سیاره وجود دارد تا آخر مصرف کردیم، مجبور خواهیم بود [که] راه‌های جایگزینی برای گرم کردن و روشن کردن خانه‌هایمان پیدا کنیم.
- ۱) خط زدن، خط کشیدن روی
۲) تشکیل دادن، ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن
۳) تا آخر مصرف کردن، ته ... را در آوردن؛ استفاده کردن از
۴) کشف کردن؛ پی بردن به، فهمیدن
- ۳۲۵۲۵ ما باید همگی با مشارکت نزدیک با هم‌دیگر کار کنیم تا بهترین خدمت ممکن را برای مشتریان خودمان فراهم کنیم.
- ۱) احتمال
۲) جو، اتمسفر؛ حال‌وهوا، محیط
- ۳) همکاری، مشارکت
۴) محیط، فضا؛ محیط‌زیست؛ اطراف، دوروبر
- ۱۲۵۲۶ گوگرد دی‌اکسید یکی از چندین آلاینده‌ای است که توسط نیروگاه‌های زغال‌سوز در جو آزاد می‌شود.
- ۱) آلاینده
۲) ساختار؛ ترکیب؛ بنا، ساختمان
۳) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
۴) سازوکار، مکانیسم
- ۴۲۵۲۷ عوامل زیادی نقش خودروهای برقی و هیبریدی را در کاهش آلودگی گاز گلخانه‌ای تعیین می‌کند، مانند این‌که آیا زغال‌سنگ منبع نهایی سوخت آن‌هاست [یا نه].
- ۱) شیمیایی
۲) [کشاورزی، کشت، محصول] ارگانیک، طبیعی؛ (مربوط به) جانداران
۳) قابل دیدن، قابل رؤیت؛ نمایان؛ مشهود، آشکار
۴) هیبریدی، دونیرو؛ ترکیبی
- ◀ تعداد زیادی: a host of
- ۲۲۵۲۸ تنها حیوانات غیر از انسان که دانشمندان با قطعیت می‌توانند بگویند [که] بینایی رنگی دارند، میمون‌ها و بوزینه‌ها هستند.
- ۱) اصلاً، ایداً؛ به طور دورافتاده‌ای ۲) به طور قاطع، با قاطعیت، قاطعانه
۳) به تدریج، آرام‌آرام، کم‌کم ۴) به صورت جهانی، به طور فراگیر
- ۲۲۵۲۹ مغز جدا از مسئول بودن در قبال عملکردهایی هم‌چون نفس کشیدن، راه رفتن و حفظ ضربان قلب، افکار و احساسات ما را نیز تولید می‌کند.
- ۱) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن
۲) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار ... شدن؛ نیاز به ... داشتن
۳) تولید کردن، به وجود آوردن
۴) نیاز داشتن، لازم داشتن؛ ملزم کردن، خواستار ... شدن؛ مجبور کردن به
- ۴۲۵۳۰ مطالعات انجام‌شده توسط دانشگاه کالیفرنیا و [شرکت] مرسدس‌بنز مشخص کرد [که رنگ‌های] زرد روشن و آبی روشن، امن‌ترین و آشکارترین رنگ‌ها برای خودروها هستند.
- ۱) مداوم، همیشگی
۲) [کلمه و غیره] مترادف، هم‌معنی؛ معادل، برابر؛ هم‌ارزش
۳) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید
۴) قابل دیدن، قابل رؤیت؛ نمایان؛ مشهود، آشکار
- ۱۲۵۳۱ اگرچه تولید انرژی خورشیدی در سال‌های اخیر به طور مداوم پیشرفت کرده است، هزینه‌های بالا و ناکارآمدی‌ها جلوی آن‌که جایگزینی جدی برای سوخت‌های فسیلی باشند را گرفته است.
- ۱) خورشیدی، شمسی
۲) عملی؛ مناسب، به‌دردبخور؛ [شخص] اهل عمل؛ واقع‌بین، منطقی
۳) کاربردی، عملی
۴) (مربوط به) هضم، گوارشی، هاضمه

۲۵۳۹ دوره [آموزشی] ما خیلی نامنجم است؛ استاد هیچ وقت به نظر نمی آید که هیچ برنامه ای برای آن چه قرار است هر روز انجام دهیم، داشته باشد.
(۱) دارای تخیل قوی، تخیلی (۲) توصیفی

(۳) متفاوت، متفاوت با قبل (۴) بدون ساختار، نامنجم
۲۵۴۰ در هنگام مطالعه موضوعات مملو از اطلاعات، مثل زیست شناسی، به جای هر بار خواندن یک فصل کامل در یک نوبت، مقادیر کوچکی از کتاب درسی را بخوانید و سپس توقف کنید تا اطلاعات را درک کند.

(۱) به کار بستن؛ [نظریه، قاعده و غیره] اجرا کردن؛ درخواست دادن؛ کاربرد داشتن
(۲) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن
(۳) [غذا] هضم کردن؛ [مطلب، فکر] فهمیدن، درک کردن
(۴) [باتری] شارژ کردن؛ [بها، هزینه] مطالبه کردن؛ متهم کردن
۱- هر بار، هر دفعه ۲- به نوبت، یکی یکی at a time

۲۵۴۱ متخصصان انرژی تخمین می زنند که بازدهی افزایش یافته در مصرف سوخت، می تواند مصرف انرژی جهان را تا بیش از ۳۰٪ کاهش دهد.

(۱) تابش، تشعشع؛ انرژی تابشی؛ [در مواد رادیواکتیو] پرتو؛ پرتوافکنی
(۲) [غذا، سوخت و غیره] مصرف
(۳) نوآوری، خلاقیت
(۴) تخریب؛ ویرانی

۲۵۴۲ برخی افراد مدعی هستند که بدن انسان هر بار نمی تواند بیش از ۲۰ تا ۳۰ گرم پروتئین را در یک نوبت جذب کند، در حالی که دیگران مصر هستند که بدن شما تمام پروتئینی را که مصرف می کنید، به کار می بندد.

(۱) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن
(۲) [به همراه حرف اضافه of] متشکل بودن از، شامل ... بودن
(۳) جذب کردن؛ در خود فرو بردن؛ معنوب کردن
(۴) عوض کردن؛ تجدید کردن؛ [گذرنامه، عضویت و غیره] تمدید کردن

۲۵۴۳ با نرخ مصرف کنونی، تولید انرژی خورشید [در] هر ثانیه جهت تأمین کردن نیازهای برق جهان برای حدود ده میلیون سال کافی است.

(۱) [شخص] کاردان؛ [طرح، برنامه] کارآمد؛ [کشور، منابع] سرشار
(۲) برقی، الکتریکی
(۳) شیمیایی

(۴) [کلمه و غیره] مترادف، هم معنی؛ معادل، برابر؛ هم ارزش
۲۵۴۴ دانشمندان تا حدود پنجاه سال قبل، اطلاعات کافی را برای ارائه کردن تصویری واضح از خصوصیات ناحیه ای کف اقیانوس نداشتند.

(۱) خصوصیت، ویژگی (۲) جمعیت
(۳) اصل، قاعده (۴) توصیف، تعریف، تشریح؛ وصف

۲۵۴۵ کمبودهای همیشگی انرژی [که] کشور ما در سال های گذشته از آن لطمه خورد، عمدتاً با انرژی ای که توسط یکی از نیروگاه های انرژی هسته ای اش تأمین می شود، برطرف شده است.

(۱) غلبه کردن بر، پیروز شدن بر؛ [مانع، مشکل] حل کردن، برطرف کردن، از میان برداشتن

(۲) [از تلویزیون و رادیو] پخش کردن؛ [شایعه] پراکندن
(۳) عمل کردن، کاربرد داشتن
(۴) تولید کردن، به وجود آوردن

۲۵۳۲ فلسوفی یک بار گفت که شادی واقعی ما در میل شدید ما به پول یا شهرت قرار ندارد؛ آن در واقع، در هیچ جایی مگر زندگی کردن در آرامش قابل یافت نیست.

(۱) قرار داشتن، بودن (۲) واکنش نشان دادن به؛ پاسخ دادن به
(۳) موفق شدن در، پیروز شدن در (۴) تمرکز کردن بر

۲۵۳۳ دی ان ای یک انسان متشکل از بیش از ۳ میلیارد بلوک سازنده است که ترتیبشان زن ها را تشکیل می دهد، بسیار [شبیه] به همان شیوه ای که حروف، کلمات را می سازند.

(۱) متشکل بودن از، شامل ... بودن
(۲) برگشتن، چرخیدن

(۳) [حرارت، یو و غیره] منتشر کردن، متصاعد کردن؛ [گاز، بخار] آزاد کردن
(۴) خط زدن، خط کشیدن روی

۲۵۳۴ یک متخصص به تازگی خاطرنشان کرد که جهان به تدریج به سمت سوخت های تمیزتر حرکت کرده است - از چوب به زغال سنگ، از زغال سنگ به نفت و از نفت به گاز طبیعی.

(۱) به طور خودکار، به طور اتوماتیک؛ از نظر فنی
(۲) به تدریج، آرام آرام، کم کم

(۳) ظاهراً، از قرار معلوم، گویا
(۴) به طور برابر، به طور مساوی

۲۵۳۵ اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده در نتیجه رشد در چین، هند و جاهای دیگر، جهشی بیش از ۴۰ درصدی را در سطوح دی اکسید کربن به صورت جهانی پیش بینی می کند.

(۱) به صورت جهانی، به طور فراگیر (۲) از نظر پولی، از نظر مالی
(۳) به صورت عمومی؛ در ملاء عام (۴) با تمام نیرو، فعالانه؛ قاطعانه

۲۵۳۶ اگر دولت قرار باشد وعده کاهش دادن بی کاری اش به میزان ۴۰,۰۰۰ [شغل] را عملی کند، باید ۸۰,۰۰۰ شغل ایجاد کند.

(۱) کار کردن، عمل کردن
(۲) به پایان رساندن، تمام کردن؛ به پایان رسیدن؛ نتیجه گرفتن (که)

(۳) فکر کردن که؛ گمان کردن که؛ تصور کردن که
(۴) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن؛ [قول] عمل کردن به، عملی کردن

۲۵۳۷ نوزادان در هنگام تولد ویتامین کافای ندارند، که آن ها را در خطر خونریزی شدید در مغز [شان] قرار می دهد تا وقتی آن ویتامین را با خوردن غذاهای جامد، معمولاً در حدود سن شش ماهگی به دست آورند.

(۱) منشأ؛ اصل، ریشه (۲) رقم؛ نمودار، شکل
(۳) تولد، ولادت، میلاد (۴) درخواست، تقاضا، مطالبه

در هنگام تولد: at birth
۲۵۳۸ اگر قرار بود یخی که قاره جنوبگان را می پوشاند ذوب می شد، سطح دریا آن قدر بالا می رفت که تمام جهان را سیل می گرفت.

(۱) بالا رفتن؛ افزایش پیدا کردن؛ برخاستن؛ [خورشید، ماه] طلوع کردن
(۲) نگه داشتن؛ وزن ... را تحمل کردن؛ در خود جای دادن؛ برگزار کردن

(۳) جابه جا شدن، تکان خوردن؛ جابه جا کردن
(۴) کسب کردن، به دست آوردن

(to be + pp.) نیاز داریم و در نتیجه جواب تست در بین گزینه‌های (۳) و (۴) است. همان‌طور که می‌بینید، در این دو گزینه، فعل مجهول را در زمان‌های حال کامل و گذشته کامل داریم. در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been offered*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *didn't need*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *because* به همراه زمان گذشته کامل نیز دقت کنید.

۲۵۵۲) این دکمه نباید در حالی که آزمایش در حال انجام است، دست بخورد. فعل *touch* (دست زدن به، لمس کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*this button*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و در نتیجه جواب تست در بین گزینه‌های (۲) و (۳) است. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در این‌جا اجبار به عدم انجام یک کار در زمان حال و آینده وجود دارد و بنابراین شکل مجهول فعل *must* را به صورت منفی انتخاب می‌کنیم.

۲۵۵۳) ما تا به حال [در] این زمستان سه [تا] بوران اساسی داشته‌ایم. نمی‌دانم چندتای دیگر خواهیم داشت.

اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (در این مورد *have had*) برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست ابتدای زمستان امسال) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. همچنین دقت کنید که *so far* (تاکنون، تا به حال) در این جمله جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل است. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که چون عبارت قرار گرفته در این جای خالی به اسم قابل شمارش جمع *snowstorms* اشاره دارد؛ بنابراین جمله با *how many* (چندتا؛ چه تعداد) کامل می‌شود، نه *how much* (چه مقدار).

۲۵۵۴) وقتی دانیل کیفش را در قطار باز کرد متوجه شد که فراموش کرده بود کفش‌های تمیز را داخل [کیفش] بگذارد.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had forgotten*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *opened*) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که هر چند *forget* (فراموش کردن، از یاد بردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما با توجه به این‌که مفعول این فعل (*to put the clean shoes in*) بعد از جای خالی قرار گرفته، پس این فعل به صورت معلوم مدنظر است، نه مجهول و در بین گزینه‌های (۳) و (۴)، گزینه (۴) را انتخاب می‌کنیم. در مورد این تست به کاربرد *when* به همراه زمان گذشته کامل نیز توجه کنید.

۲۵۵۵) ما بخش اول فیلم را از دست دادیم چون وقتی که به سینما رسیدیم، [فیلم] شروع شده بود.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had started*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *missed*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *because* جمله نیز دقت کنید.

۲۵۴۶) عجله کن! این اطلاعات باید هرچه سریع‌تر برای مری و خانواده‌اش ارسال شود.

فعل *send* (فرستادن، ارسال کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*this information*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید، شکل مناسب فعل *to be* بعد از افعال وجهی (مانند *should* در این تست)، *be* است و در نتیجه *be sent* را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۲۵۴۷) وقتی او را دو هفته پیش دیدم، او به من گفت که از جنوب فرانسه برگشته است.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had returned*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *met*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *when* در جمله نیز دقت کنید.

۲۵۴۸) A: «می‌خواهی برای شام چه چیزی سفارش بدهی؟»
B: «خب، من تا به حال پیتزای سیسیلی نخورده‌ام، پس فکر کنم آن را سفارش دهم.»

برای اشاره به تجربیاتی که در طول زندگی‌مان (از گذشته تاکنون) داشته‌ایم، از زمان حال کامل (*have / has + pp.*) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در این مورد از *never* به همراه فعل حال کامل مثبت استفاده شده است تا بیان کنیم که شخص تاکنون هرگز تجربه خوردن نوع خاصی از پیتزا را نداشته است.

۲۵۴۹) وقتی مری نتیجه ضعیف امتحانش را دید متعجب شد؛ او مطمئن بود که اشتباهی رخ داده است.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had occurred*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *was*) استفاده می‌شود.

۲۵۵۰) بر اساس [گفته] معلمان تمام مقالات ما باید با خودکار نوشته شود. او مقالات نوشته شده با مداد را نمی‌پذیرد.

فعل *write* (نوشتن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*all of our compositions*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + pp*) نیاز داریم و در نتیجه جواب تست در بین گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) است. در بین موارد موجود در این سه گزینه، برای بیان اجبار و ضرورت در زمان حال و آینده که آن را می‌توان از جمله دوم تست برداشت کرد، تنها می‌توانیم از *should* استفاده کنیم.

۲۵۵۱) او گفت [که] به آن شغل احتیاجی ندارد چون قبل از آن یکی بهتر به او پیشنهاد شده بود.

فعل *offer* (پیشنهاد کردن؛ عرضه کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر *he*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول

۲۵۵۶ اگرچه من به مراسم افتتاحیه دعوت شده بودم، نتوانستم در چنین زمان کوتاهی (اعلان دیروقتی) [در مراسم] شرکت کنم.

هر چهار مورد قرار گرفته در گزینه‌ها دارای ساختار مجهول (to be + pp) است؛ بنابراین برای پاسخ‌گویی به تست باید زمان فعل جمله را نیز با دقت بررسی کنیم. در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been invited*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *was*) استفاده می‌کنیم.

۲۵۵۷ انجام دادن این کار کافی نیست؛ چیزی که مهم‌تر است آن است که آن باید تا حد امکان با دقت انجام شود.

فعل *do* (انجام دادن، اجرا کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر *it*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + pp*) نیاز داریم. در بین گزینه‌ها، تنها گزینه (۴) دارای ساختار مجهول است.

۲۵۵۸ قبل از آن‌که سوزان در [ماه] می‌گذشته فارغ‌التحصیل شود، به او شغلی در یک شرکت حقوقی پیشنهاد شده بود.

فعل *offer* (پیشنهاد کردن؛ عرضه کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد *Susan*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + pp*) نیاز داریم و در نتیجه جواب تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. همان‌طور که می‌بینید، در این دو گزینه، فعل مجهول را در زمان‌های حال کامل و گذشته کامل داریم. در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been offered*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *graduated*) استفاده می‌کنیم. در این جمله به کاربرد *before* نیز دقت کنید.

۲۵۵۹ تا ساعت ۱۰ بچه‌ها دیگر تکالیفشان را انجام داده بودند و آماده بودند تا بخوابند.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had done*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود. البته در این مورد، *10 o'clock* (ساعت ۱۰) که زمان مشخصی در گذشته است، جایگزین فعل گذشته ساده شده است.

۲۵۶۰ در حالی که گالیله ماه را از طریق تلسکوپش می‌دید، متوجه شد که کوه‌ها و حفره‌هایی دارد.

در صورتی که عملی در گذشته در حال انجام بوده باشد و این عمل توسط عمل کوتاه‌تری قطع شود یا در حین انجام عمل اول عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای عمل طولانی‌تر از فعل گذشته استمراری (در این مورد *was observing*) و برای عمل کوتاه‌تر از فعل گذشته ساده (در این مورد *realized*) استفاده می‌شود.

۲۵۶۱ فهمیدن این‌که تمام شست‌وشو وقتی که من خواب بودم انجام شده بود، سورپرایز دلچسبی بود.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been done*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *was*) استفاده می‌کنیم.

۲۵۶۲ تا زمانی که چارلی چاپلین به اوایل نوجوانی‌اش رسید، تصمیم گرفته بود که می‌خواهد یک بازیگر باشد.

فعل *decide* (تصمیم گرفتن (که)) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که پیش از جای خالی تنها فاعل جمله (*Charlie Chaplin*) را داریم و در واقع مفعول، تمام عبارت قرار گرفته پس از جای خالی است، در این مورد به فعل معلوم نیاز است و در نتیجه جواب تست در بین گزینه‌های (۱) و (۲) خواهد بود. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had decided*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود. البته در این مورد، *the time* *he was in his early teens* (زمانی که او به اوایل نوجوانی‌اش رسید) که زمان مشخصی در گذشته است، جایگزین فعل گذشته ساده شده است.

۲۵۶۳ پدرم به جزیره دوست‌داشتنی‌ای برگشت که تمام کردگی‌اش را قبلاً [در] آن‌جا گذرانده بود.

فعل *live* (زندگی کردن) در این‌جا جزء افعال لازم است و به مفعول نیاز ندارد. در نتیجه مجهول کردن این فعل در گزینه‌های (۳) و (۴) از اساس نادرست است و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۲) می‌باشد. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had lived*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *returned*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *already* نیز دقت کنید.

۲۵۶۴ A: «فکر می‌کنم تیراندازی خیلی ترسناک بود.»
B: «قطعاً بود. وقتی که ما [صدای] شلیک را شنیدیم، همگی خود را روی زمین انداختیم.»

در صورتی که دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصله زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، در این صورت همه آن‌ها با فعل گذشته ساده (در این تست *heard* و *threw*) بیان می‌شود.

۲۵۶۵ پروژه زود تمام شد. کمیته کارش را سه هفته قبل از برنامه تمام کرده بود.

فعل *complete* (کامل کردن، تمام کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*its work*) بعد از جای خالی قرار گرفته است، هر سه گزینه (۱)، (۲) و (۳) به دلیل کاربرد ساختار مجهول (*to be + pp*) حذف می‌شوند و تنها می‌توانیم از گزینه (۴) که دارای ساختار معلوم است استفاده کنیم.

۲۵۶۶ الکساندر فلمینگ پنی‌سیلین را در حالی که داشت به برخی آزمایش‌های قدیمی نگاه می‌کرد، اتفاقی کشف کرد.

در صورتی که عملی در گذشته در حال انجام بوده باشد و این عمل توسط عمل کوتاه‌تری قطع شود یا در حین انجام عمل اول عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای عمل طولانی‌تر از فعل گذشته استمراری (در این مورد *was looking*) و برای عمل کوتاه‌تر از فعل گذشته ساده (در این مورد *discovered*) استفاده می‌شود.

۲۵۷۱ مارک از وقتی که دکترش به او هشدار داد تا وزن کم کند و تمرین‌های جسمانی را شروع کند، دربارهٔ تناسب [اندامش] نگران بوده است.

❖ اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (در این مورد *has been*) برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست زمان هشدار دکتر) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که *ever* (از وقتی که) می‌تواند جزء نشانه‌های اصلی زمان حال کامل باشد و در صورت کاربرد به همراه این زمان، بیانگر مبدأ عمل در گذشته خواهد بود. با توجه به این‌که مبدأ عمل (یعنی هشدار دکتر) در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، پس برای آن به فعل گذشته ساده (در این مورد *warned*) نیاز داریم.

۲۵۷۲ این سؤال بسیار دشواری است، بنابراین نمی‌تواند به این آسانی در یک زمان کوتاه پاسخ داده شود.

❖ فعل *answer* (جواب دادن، پاسخ دادن) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر *it*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + p.p.*) نیاز داریم. همان‌طور که می‌دانید، شکل مناسب فعل *to be* بعد از افعال وجهی (مانند *cannot* در این تست)، *be* است و در نتیجه *be answered* را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۲۵۷۳ تلاش کن وقتی که سخنرانی‌ات را ارائه می‌کنی شمرده صحبت کنی. اگر [شمرده صحبت] نکنی بعضی از حرف‌هایت بد تعبیر خواهند شد.

❖ با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (در این مورد *don't*) شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط به فعل آینده ساده (شکل سادهٔ فعل *will*) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) خواهد بود. دقت کنید که هم فعل *understand* (فهمیدن، درک کردن) و هم فعل *misunderstand* (بد تعبیر کردن، منظور ... را درست نفهمیدن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و هر دو به مفعول نیاز دارند. به دلیل این‌که مفعول (در این مورد *some of your words*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم و در نتیجه در بین گزینه‌های (۱) و (۳)، تنها گزینهٔ (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۲۵۷۴ ما باید کسی را به [سرپرستی] شاخهٔ صادرات بگماریم و این [کار] باید در اسرع وقت انجام شود.

❖ فعل *do* (انجام دادن، اجرا کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد *this*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + p.p.*) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) خواهد بود. برای حذف گزینهٔ (۳) به ساختار زیر توجه کنید:

❖ در اسرع وقت، تا جای ممکن زودتر: *as soon as possible*
علاوه بر این دقت کنید که کاربرد زمان حال کامل مجهول در گزینهٔ (۴) (*has been done*) از نظر زمان جمله نادرست است، چراکه زمان حال کامل برای پیوند دادن گذشته به حال به کار می‌رود، در صورتی‌که طبق مفهوم جمله، در این‌جا فعل *do* باید در آینده انجام شود.

۲۵۶۷ وقتی پلیس ماشین لوگان را برای یک بازرسی معمولی متوقف کرد متوجه شد که او مردی بود که از بانک سرقت کرده بود.

❖ فعل قرار گرفته در جای خالی اول در زمان مشخصی از گذشته (یعنی زمان متوقف شدن اتومبیل لوگان) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این مورد به فعل گذشته ساده (*stopped*) نیاز داریم. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصلهٔ زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشتهٔ کامل (در این مورد *had robbed*) و برای فعل دوم از زمان گذشتهٔ ساده (در این مورد *realized*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *when* نیز دقت کنید.

۲۵۶۸ این فرایند قبل از آن‌که بتواند روی انسان‌ها استفاده شود باید به دفعات تحت شرایط کنترل‌شده آزمایشگاهی آزموده شود.

❖ هر دو فعل *test* (آزمون، تست کردن) و *use* (استفاده کردن، به کار بردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که در هر دو مورد، مفعول (*the procedure* و *it*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (*to be + p.p.*) نیاز داریم. تنها در گزینهٔ (۴) برای هر دو جای خالی ساختار فعل مجهول را داریم.

۲۵۶۹ بسیاری از معلم‌ها موافقت می‌کنند که مهارت‌های زبانی فرد می‌تواند با گوش دادن به کتاب‌های صوتی تقویت شود.

❖ فعل *agree* (موافق بودن، هم‌عقیده بودن) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته با توجه به این‌که مفعول این فعل (در این مورد تمام عبارت قرار گرفته بعد از جای خالی اول) را بعد از جای خالی داریم، پس عملاً مجهول شدن این فعل در گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است. دقت کنید که هر چند هر دو گزینهٔ (۲) و (۴) برای جای خالی دوم حالت مجهول دارند، اما چون در این‌جا فعل به امری کلی اشاره دارد و مقید به بازهٔ زمانی خاصی نیست، پس کاربرد فعل مجهول در زمان گذشتهٔ کامل در گزینهٔ (۴) نادرست است و تنها می‌توانیم شکل مجهول فعل وجهی *can* را به کار ببریم.

۲۵۷۰ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟
(۱) قبل از آن‌که ما تیم را به تئاتر ببریم او قبلاً هرگز یک نمایش صحنه‌ای ندیده بود.

(۲) هیچ نشانی از تاکسی نیست، هرچند نیم ساعت پیش یکی درخواست دادم.
(۳) هیچ چیزی در یخچال نبود. می‌توانستم ببینم (می‌دیدم) که پیتز خرید را انجام نداده بود.

(۴) شرکت، آب را قطع کرد چون آقا و خانم اسمیت قبض‌شان را پرداخت نکرده بودند.

❖ در صورتی‌که دو عمل در گذشته با فاصلهٔ زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشتهٔ کامل (در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به ترتیب *hadn't paid* و *hadn't done* و *had seen*) و برای فعل دوم از زمان گذشتهٔ ساده (در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) به ترتیب *took* و *could see*) استفاده می‌کنیم.

دقت کنید که در گزینهٔ (۲) فعل *order* (در این مورد درخواست دادن) در زمان مشخصی از گذشته (نیم ساعت قبل) انجام شده و به اتمام رسیده است و در نتیجه در این مورد به فعل گذشتهٔ ساده (*ordered*) نیاز داریم، نه فعل گذشتهٔ کامل (*had ordered*).

۲۵۷۵ تلفن همراه در کلاس یا آزمایشگاه به هیچ دلیلی نمی‌تواند استفاده شود. از جمله استفاده از ماشین حساب و ارسال پیامک.

❖ فعل **use** (استفاده کردن، به کار بردن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (cell phones) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۲) می‌تواند صحیح باشد. علاوه بر این، چون‌که در این جا فعل مجهول مقید به بازه زمانی خاصی نیست و به یک امر کلی اشاره دارد، فعل گذشته کامل مجهول در گزینه (۱) نیز حذف می‌شود و تنها می‌توانیم از شکل منفی و مجهول فعل **may** برای بیان مجاز نبودن انجام فعل استفاده کنیم.

۲۵۷۶ مدل‌های جدید باکیفیت عینک‌دودی قرار است سال بعد در کارخانه ما تولید شود.

❖ فعل **produce** (تولید کردن، ساختن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the new high-quality models of sunglasses) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم همان‌طور که می‌دانید، شکل مناسب فعل **to be** بعد از اشکال مختلف **be going to** مانند افعال وجهی، **be** است و در نتیجه **be produced** را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۲۵۷۷ ستاره دنباله‌دار هالی نخستین رؤیت ثبت‌شده خود را در [سال] ۲۴۰ پیش از میلاد در چین داشت و از آن موقع ۲۹ بار از زمین دیده شده است. اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (در این مورد فعل مجهول **has been seen**) برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست سال ۲۴۰ پیش از میلاد) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که **since** (از وقتی که) می‌تواند جزء نشانه‌های اصلی زمان حال کامل باشد و در صورت کاربرد به همراه این زمان، بیاترگر مبدأ عمل در گذشته خواهد بود. در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که **time** در این مورد در معنی «دفعه، بار» به کار رفته است و در نتیجه یک اسم قابل شمارش به حساب می‌آید و آن را بعد از عدد ۲۹ به شکل جمع به کار می‌بریم.

۲۵۷۸ من از وقتی که به ونکوور آمدم، جاهای زیبای بسیاری را دیده‌ام. قبل از نقل مکان کردن به این‌جا، من هیچ وقت راجع به پارک استتلی، جزیره گرانویل یا کوه گراس نشنیده بودم.

❖ اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (در این مورد **have visited**) برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست زمان نقل مکان به ونکوور) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. دقت کنید که **since** (از وقتی که) در جمله اول می‌تواند جزء نشانه‌های اصلی زمان حال کامل باشد و در صورت کاربرد به همراه این زمان، بیاترگر مبدأ عمل در گذشته خواهد بود.

در مورد جای خالی دوم نیز توجه کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از

زمان گذشته کامل (در این مورد **had heard**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. البته در این مورد، زمان مشخصی در گذشته (یعنی زمان نقل مکان به ونکوور) جایگزین فعل گذشته ساده شده است. نکته آخر این‌که در صورت کاربرد **never** به همراه زمان گذشته کامل، در واقع بیان می‌کنیم که فعل مورد نظر پیش از عمل دوم هرگز در گذشته انجام نشده است.

۲۵۷۹ من می‌خواستم اولین [کسی] باشم که خبر را به او می‌گوئید، ولی خیلی دیر بود. یک نفر قبلاً به او گفته بود.

❖ طبق مفهوم جمله، برای وصل کردن دو بخش این جمله مرکب، می‌توان از **but** (اما، ولی) استفاده کرد، نه **so** (بنابراین). دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had told**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **wanted**) استفاده می‌کنیم. نکته آخر این‌که هر چند فعل **tell** (به ... گفتن) جزء افعال متعدی است، اما چون مفعول آن (ضمیر مفعولی **her**) بعد از جای خالی دوم قرار دارد، مجهول کردن این فعل در گزینه (۱) نیز نادرست است.

۲۵۸۰ A: «آیا دیروز در حراج عتیقه‌جات چیزی خریدی؟»
B: «نه، می‌خواستم مقداری جواهرآلات بخرم، ولی کارت اعتباری ام را در خانه جا گذاشته بودم.»

❖ فعل قرار گرفته در جای خالی اول در زمان مشخصی از گذشته (در این مورد **yesterday**) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این جا ساختار پرسشی را در زمان گذشته ساده (**Did you buy**) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had left**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **wanted**) استفاده می‌کنیم.

۲۵۸۱ دانشمندان فرانسوی از ایده‌ای بسیار هوشمندانه استفاده کردند تا دستگاه جدیدی را بسازند که قبلاً هرگز ساخته نشده بود.

❖ فعل **make** (در این جا درست کردن، ساختن) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (ضمیر موصولی **which** یا **that**) در تمام گزینه‌ها پیش از آن قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم؛ بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) به دلیل دارا بودن ساختار معلوم حذف می‌شوند. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول **had been made**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **used**) استفاده می‌کنیم.

۲۵۸۲ از آن جا که مبلمان جدید ما قرار است صبح دوشنبه تحویل داده شود، باید در خانه بمانم تا بررسی کنم که صدمه ندیده است.

❖ هر دو فعل **deliver** (تحویل دادن، رساندن) و **damage** (صدمه زدن، به، خسارت رساندن) به، در این جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که مفعول این دو فعل (**our new furniture**) ضمیر **it** هر دو پیش از جای خالی قرار گرفته‌اند، پس در هر دو مورد به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، تنها در گزینه (۱) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

۲۵۸۷ A: «شنیدم [که] دیروز تولد پدر بزرگت بود. او چند ساله است؟»
B: «خب، نمی‌دونم. تا بیا بییم شمع آخر رو روی کیک تولدش روشن کنیم، شمع اول خاموش شده بود!»

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had gone* یا *had been*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *lit*) استفاده می‌کنیم. برای تشخیص دادن گزینه درست در بین دو گزینه باقی‌مانده، به معنی فعل دو کلمه‌ای زیر توجه کنید:

◀ [شمع، آتش، چراغ و ...] خاموش شدن: *go out*

۲۵۸۸ نشاندهایی از یخ جدیداً بر روی سطح مریخ کشف شده است، کشفی که می‌تواند به شدت برای مأموریت‌های آینده کاوش مریخ سودمند باشد.

فعل *discover* (کشف کردن، پیدا کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*traces of ice*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی اول به فعل مجهول (*to be + pp*) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که از فعل حال کامل (در این مورد فعل حال کامل مجهول *has been discovered*) به همراه *recently* و *just* (جدیداً، به تازگی) استفاده می‌شود تا بیان کنیم که از زمان انجام فعل، مدت بسیار اندکی گذشته است. تا همین‌جای کار نیز به پاسخ تست رسیده‌ایم، اما توجه کنید که بعد از حروف تعریف (مانند *a*) پیش از جای خالی دوم، به اسم (یعنی *discovery*) نیاز داریم، نه فعل (*discover*).
۲۵۸۹ وقتی که به تئاتر رسیدیم، کتی قبلاً بلیت‌ها را گرفته بود و نزدیک ورودی انتظار ما را می‌کشید.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had picked up*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *arrived*) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که اگر عملی در گذشته در حال انجام بوده باشد، اما در جمله زمان آغاز و پایان آن تعیین نشده باشد، برای آن از فعل گذشته استمراری (در این مورد *was waiting*) استفاده می‌شود؛ بنابراین گزینه (۴) نیز به این دلیل نمی‌تواند صحیح باشد.

۲۵۹۰ وقتی که سو رسیده من یک بازی تنیس را با مایک تمام کرده بودم.
در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had finished*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *arrived*) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد *when* در جمله نیز دقت کنید.
۲۵۹۱ تا پایان سال گذشته، بیش از ۱۶,۰۰۰ گونه با [خطر] انقراض مواجه بودند و ۷۸۵ [تا از آن‌ها] پیشاپیش از دست رفته بودند.

هر چهار مورد قرار گرفته در گزینه‌ها دارای ساختار مجهول (*to be + p.p.*) است؛ بنابراین برای یافتن پاسخ تست باید به زمان جمله توجه کنیم. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been lost*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. البته در این مورد *the end of last year* (پایان سال گذشته) که زمان مشخصی در گذشته است، جایگزین فعل گذشته ساده شده است.

۲۵۸۳ بی‌حرکی، مدت‌هاست که به سلامتی نامطلوب ربط داده شده و حجم رو به رشدی از شواهد حاکی از آن است که ممکن است بر شخصیت هم تأثیر بگذارد.

فعل *link* (به هم ارتباط دادن، به ... ربط دادن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*inactivity*) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (*to be + p.p.*) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) می‌تواند پاسخ تست باشد. دقت کنید که *a growing body of evidence* (حجم رو به رشدی از شواهد) پیش از جای خالی دوم در نقش فاعل این بند از جمله به کار رفته است و همان‌طور که می‌دانید در جملات خبری زبان انگلیسی، بلافاصله پس از فاعل، به فعل (در این مورد *suggests*) نیاز داریم و اتفاقاً کاربرد ضمیر فاعلی *it* در این مورد جزء اشتباهات متداول زبان‌آموزان به حساب می‌آید.

۲۵۸۴ در حالی که هیروم بینگهام در [سال] ۱۹۱۱ از کوه‌های پرو بالا می‌رفت، شهر گمشدهٔ ماچو پیچو را کشف کرد.

در صورتی که عملی در گذشته در حال انجام بوده باشد و این عمل توسط عمل کوتاه‌تری قطع شود یا در حین انجام عمل اول عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای عمل طولانی‌تر از فعل گذشته استمراری (در این مورد *was climbing*) و برای عمل کوتاه‌تر از فعل گذشته ساده (در این مورد *discovered*) استفاده می‌شود.

۲۵۸۵ جاستین در حال حاضر دارد کتابی دربارهٔ ماجراهایش در تبت می‌نویسد. امیدوارم وقتی که [کارش را] تمام کرد بتواند ناشر خوبی پیدا کند.

فعل *find* (پیدا کردن، یافتن) در جای خالی اول در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (*a good publisher*) بعد از جای خالی قرار دارد، در این مورد مجاز نیستیم فعل را مجهول کنیم و گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل داشتن ساختار مجهول (*to be + p.p.*) حذف می‌شوند.

در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که یکی از کاربردهای زمان حال کامل (در این مورد *has finished*) برای اشاره به عملی است که قرار است تا زمان مشخصی در آینده (در این تست زمان تمام شدن کتاب در آینده) انجام شود.

۲۵۸۶ کدامیک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

۱) وقتی که دیشب به خانه رسیدم، فهمیدم که جین یک شام زیبا آماده کرده بود.

۲) موسیقی در مهمانی بسیار بلند بود و از فاصله دوری می‌توانست شنیده شود.

۳) به مردی که توسط مار گزیده شده بود، یک سرم داده شد.

۴) جو شنبه در مسابقه بازی نکرد چون دستش آسیب دیده بود.

فعل *hurt* (آسیب رساندن به، صدمه زدن به) در گزینه (۴) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته با توجه به این‌که مفعول این فعل (*his arm*)، بعد از خود فعل قرار گرفته است در این‌جا دیگر مجاز نیستیم از فعل مجهول استفاده کنیم و باید این جمله به صورت زیر اصلاح شود:

Joe didn't play in the game on Saturday because he had hurt his arm.

◀ برای اشاره به عملی که در زمان مشخصی از گذشته (در مورد جای خالی اول دو سال قبل) انجام شده و به اتمام رسیده است، از فعل گذشته ساده (در این مورد went) استفاده می‌شود. در مورد جاهای خالی دوم و سوم دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد had changed) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد found) استفاده می‌کنیم.

۲۵۹۸ ▶ باکتری‌ها، ریزترین سلول‌ها، آن قدر کوچک هستند که یک قطره مایع ممکن است حاوی بیش از ۵۰ میلیون از آن‌ها باشد.

◀ فعل contain (حاوی ... بودن، شامل ... بودن، دارای ... بودن) جزء افعال متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (more than (over) 50 million) در هر چهار گزینه بعد از این فعل قرار گرفته است، در این مورد مجاز نیستیم که این فعل را مجهول کنیم و گزینه‌های (۱) و (۲) به دلیل دارا بودن ساختار مجهول (to be + p.p.) حذف می‌شوند. دقت کنید که million اصولاً بعد از اعداد جمع بسته نمی‌شود و تنها در مواردی که قصد کلی‌گویی داشته باشیم می‌توانیم از millions of (میلیون‌ها) استفاده کنیم.

۲۵۹۹ ▶ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری صحیح است؟

- (۱) ما نتوانستیم یک اتاق هتل بگیریم چون از قبل رزرو نکرده بودیم.
- (۲) دوستان من نمی‌توانند سوار پرواز شوند چون آن‌ها پاسپورت‌هایشان را فراموش کرده‌اند.
- (۳) تونی استانبول را خیلی خوب می‌شناخت چون چندین بار از آن شهر بازدید کرده بود.
- (۴) وقتی الکس تحصیلاتش را به پایان رساند، او برای بیش از هشت سال در لندن بود.

◀ در گزینه (۱) طبق مفهوم جمله، فعل had booked را به صورت منفی نیاز داریم:

We were not able to get a hotel room because we had not booked in advance.

برای عملی که در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده و آثار آن تاکنون ادامه دارد، از فعل حال کامل (have / has + p.p.) استفاده می‌کنیم. بنابراین گزینه (۲) به صورت زیر اصلاح می‌شود:

My friends can't take the flight because they have forgotten their passports.

در مورد گزینه (۳) دقت کنید که در این جا time به عنوان یک اسم قابل شمارش و در معنی «دفعه، بار» به کار رفته و در نتیجه این جمله باید به صورت زیر اصلاح شود:

Tony knew Istanbul so well because he had visited the city several times.

در گزینه (۴) با توجه به این‌که زندگی کردن در لندن قبل از عمل دیگری «در گذشته (پایان تحصیلات الکس) آغاز شده و تا آن موقع ادامه داشته، کاربرد زمان گذشته کامل درست است.

۲۵۹۲ ▶ اینترنت ممکن است برای اهداف بسیاری استفاده شود، ولی مزیت سرگرمی یکی از دلایل اصلی است [که] اینترنت آن قدر محبوب است.

◀ فعل use (استفاده کردن، به کار بردن) در این جا جزء افعال متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the Internet) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) است. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در جای خالی دوم از is (بودن) استفاده می‌شود، نه has (داشتن).

۲۵۹۳ ▶ A: «می‌توانی آدرست را به من بگویی؟»

B: «خب، من الان در خانه یک دوست زندگی می‌کنم. خوشبختانه، من جدیداً یک جا برای خودم پیدا کرده‌ام، ولی تا هفته بعد نمی‌توانم [به آن جا] نقل مکان کنم.»

◀ از فعل حال کامل (در این مورد have found) به همراه recently و just (جدیداً، به تازگی) استفاده می‌شود تا بیان کنیم که از زمان انجام فعل، مدت بسیار اندکی گذشته است. دقت کنید که فعل move in (به خانه‌ای] اسباب کشی کردن، [به خانه‌ای] منتقل شدن) یک فعل دو کلمه‌ای لازم است و نمی‌توان آن را مجهول کرد؛ بنابراین مجهول کردن این فعل در گزینه‌های (۱) و (۴) اساساً نادرست است.

۲۵۹۴ ▶ در صبح تصادف، آقای دیویس تازه یک شیف شپ را در کارخانه‌ای محلی تمام کرده بود و برای ۲۴ ساعت نخواستید بود.

◀ در صورتی‌که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. دقت کنید که موارد قرار گرفته در جاهای خالی هر دو پیش از زمان مشخصی در گذشته (the morning of the accident) انجام شده‌اند و در نتیجه در هر دو مورد به فعل گذشته کامل (در این جا had finished و hadn't had) نیاز داریم. در مورد این تست به کاربرد just (تازه) که می‌تواند از نشانه‌های زمان گذشته کامل باشد نیز دقت کنید.

۲۵۹۵ ▶ نه تنها دارم دیر شروع می‌کنم، بلکه هنوز تصمیم [هم] نگرفته‌ام برای هر کسی چه چیزی بخرم.

◀ در این تست از زمان حال کامل (در این مورد haven't decided) استفاده شده است تا بیان شود که فعل decide (تصمیم گرفتن) از گذشته تاکنون هنوز انجام نشده است. در این مورد به کاربرد so far (تاکنون، تا به حال، هنوز) به عنوان یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل دقت کنید.

۲۵۹۶ ▶ برای مدتی طولانی مشخص بوده است که سلامت روانی باید به اندازه سلامت جسمی مهم به شمار بیاید.

◀ هر دو فعل know و consider (در نظر گرفتن، به حساب آوردن) در این جا جزء افعال متعددی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که مفعول‌های این دو فعل (mental health و it ضمیر) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین گزینه‌ها، تنها در گزینه (۲) برای هر دو جای خالی فعل مجهول داریم.

۲۵۹۷ ▶ وقتی دو سال پیش به شهر مادری‌ام برگشتم، فهمیدم که به شدت تغییر کرده بود.

۳۶۰۴ ما نیم ساعت بود داشتیم فیلم را تماشا می‌کردیم قبل از آن که فهمیدیم اشتباه وحشتناکی انجام داده‌ایم. ما به سینمای اشتباه رفته بودیم! در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had made**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **realized**) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که فعل قرار گرفته در جای خالی دوم نیز هم‌زمان با **had made** و پیش از **realized** در گذشته انجام شده و در نتیجه در این مورد نیز از فعل گذشته کامل (**had gone**) استفاده می‌کنیم.

۳۶۰۵ آن مرد القابای رانندگی را بلد نیست؛ نمی‌دانم چرا باید اجازه داشته باشد تا ماشین را بردارد.

فعل **allow** (اجازه دادن به) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد ضمیر **he**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be** + **pp.**) نیاز داریم؛ بنابراین پاسخ صحیح در بین گزینه‌های (۲) و (۳) است. دقت کنید که در حد کتاب درسی، کاربرد **being** برای مجهول کردن افعال به تنهایی صحیح نیست و باید از آن به همراه زمان حال استمراری، زمان گذشته استمراری یا آینده استمراری استفاده شود.

۳۶۰۶ پنج [نفر] از اعضای کمیته نمی‌توانند در جلسه بعدی شرکت کنند. به نظر من جلسه لغو خواهد شد.

بعد از صفات (مانند **unable** در این تست) فعل به صورت مصدر با **to** به کار می‌رود؛ بنابراین پاسخ این تست در بین گزینه‌های (۲) و (۴) است. دقت کنید که فعل **cancel** (لغو کردن، کنسل کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (در این مورد **the meeting**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be** + **pp.**) نیاز داریم و در بین این دو گزینه، گزینه (۲) را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۳۶۰۷ صاحب‌خانه‌اش او را از آپارتمانش بیرون انداخت چون او شش ماه اجازه را پرداخت نکرده بود و [شیشه] تمام پنجره‌ها را شکسته بود.

در صورتی که یک یا چند عمل در گذشته با فاصله زمانی پیش از عمل دیگری انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعل یا افعالی که ابتدا انجام شده‌اند، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had not paid** و **had broken**) و برای فعلی که بعداً انجام شده از زمان گذشته ساده (در این مورد **threw out**) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد **because** در جمله نیز دقت کنید.

۳۶۰۸ تو باید خودت را برای مصاحبه آماده کنی که در آن ممکن است تعدادی سؤال غیرمنتظره از تو پرسیده شود.

فعل **ask** (پرسیدن، سؤال کردن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (ضمیر **you**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be** + **pp.**) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۴) است. برای اشاره به کاری که احتمال انجام آن در حال و آینده وجود دارد، می‌توانیم از **might** استفاده کنیم که البته در این تست شکل مجهول آن به کار رفته است.

۳۶۰۹ تمام پروازها به خاطر آب‌وهوای بسیار بد لغو شده بودند و [خانواده] جانشین‌ها باید به هتل برمی‌گشتند.

فعل **cancel** (لغو کردن، کنسل کردن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (**all flights**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی اول به فعل مجهول (**to be** + **pp.**) نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول **had been canceled**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد فعل معلوم **had to go back**) استفاده می‌کنیم.

۳۶۰۱ والدین هری وقتی که او کوچک بود مردند. او توسط خاله و شوهرخاله‌اش بزرگ شد.

فعل **die** (مردن) جزء افعال لازم است و اساساً مجهول کردن آن صحیح نیست؛ بنابراین گزینه‌های (۱) و (۳) به دلیل کاربرد ساختار مجهول (**had been died**) به راحتی حذف می‌شوند. اما فعل دو کلمه‌ای **bring up** (بزرگ کردن، بار آوردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (ضمیر **he**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (**to be** + **pp.**) نیاز داریم؛ بنابراین در بین دو گزینه باقی‌مانده، گزینه (۲) را به دلیل کاربرد فعل مجهول (**was brought up**) به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم. وقتی نیک را هفته پیش دیدم گفت [که] از سیگار کشیدن دست کشیده است. ولی وقتی که دو روز بعد دیدمش، داشت یک سیگار می‌کشید. او به نظر تا حدی شرمنده می‌آمد.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had stopped**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **saw**) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد **when** در جمله نیز دقت کنید و توجه کنید که اگر **stop** به معنی «ترک کردن، دست کشیدن از» فعل دوم باشد، در این صورت فعل دوم **stopping** خواهد شد؛ بنابراین در جای خالی اول از **had stopped smoking** استفاده می‌شود.

اما در رابطه با جای خالی دوم توجه کنید که اگر در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و این عمل توسط عمل کوتاه‌تری قطع شود یا در حین انجام عمل اول عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای عمل طولانی‌تر از فعل گذشته استمراری (در این مورد **was smoking**) و برای عمل کوتاه‌تر از فعل گذشته ساده (در این مورد **saw**) استفاده می‌شود.

۳۶۰۳ آن بیماری در فقط ۳۰ درصد از بیماران می‌تواند درمان شود و گاهی اوقات نیاز به جراحی دارد تا بخش‌های عفونی ریه‌ها خارج شود.

هر دو فعل **cure** (درمان کردن) و **require** (نیاز داشتن، نیازمند بودن) جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. البته با توجه به این که مفعول فعل **cure** (یعنی **the disease**) پیش از آن قرار گرفته، ولی مفعول **require** (یعنی **surgery**) بعد از آن قرار دارد، جای خالی اول را با فعل مجهول (در این مورد **can be cured**) کامل می‌کنیم و در جای خالی دوم فعل معلوم (**requires**) را به کار می‌بریم.

۲۶۰۹ کدامیک از موارد زیر از نظر گرامری درست است؟

(۱) وقتی به خانه رسیدیم فهمیدیم که [شیشه] یکی از پنجره‌های ما شکسته شده بود.

(۲) از آن‌جا که او از شغل قبلی‌اش اخراج شده بود، پیدا کردن یک [شغل] دیگر برایش دشوار بود.

(۳) تا وقتی که آن‌ها به تصمیمی نرسیدند، مشکل برای مدتی تحت بررسی بود.

(۴) یک ایمیل غیرمنتظره به همراه پیوست‌ها همیشه باید مشکوک و خطرناک به حساب آید.

◀ در گزینه (۱) با توجه به این‌که فعل break (شکستن) در این‌جا جزء افعال متعددی است و مفعول آن (windows) پیش از این فعل قرار گرفته است، پس این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم:

When we arrived home we found out that one of our windows had been broken.

در گزینه (۲) نیز مانند گزینه (۱) فعل fire (اخراج کردن، بیرون انداختن) به عنوان فعل متعددی مورد استفاده قرار گرفته است و چون در این‌جا نیز مفعول (ضمیر he) پیش از خود فعل قرار دارد، باز هم به فعل مجهول نیاز داریم:

As he had been fired from his previous job, he found it hard to get another one.

در گزینه (۳) با توجه به این‌که دو فعل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده‌اند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد had been) استفاده می‌شود، نه فعل حال کامل:

By the time they came to a decision, the problem had been under consideration for some time.

در گزینه (۴) فعل consider (در نظر گرفتن، به حساب آوردن) در این‌جا یک فعل متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول جمله (an unexpected email with attachments) قبل از فعل آمده، این فعل به درستی در حالت مجهول آمده است.

۲۶۱۰ من به دفتر جان رفتم و در زدم، ولی هیچ جوابی [در کار] نبود. او یا رفته بود بیرون [و] یا نمی‌خواست کسی را ببیند.

◀ در صورتی‌که دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصله زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، در این صورت همه آن‌ها با فعل گذشته ساده (در این تست was, knocked, went و didn't want) بیان می‌شود. ولی با توجه به این احتمال که فعل go (رفتن) در گذشته پیش از چهار فعل دیگر با فاصله زمانی انجام شده باشد، برای این مورد از فعل گذشته کامل (had gone out) استفاده می‌کنیم.

۲۶۱۱ آتش‌سوزی سرانجام تحت کنترل درآمد ولی تنها پس از آن‌که آسیب گسترده‌ای پدید آمده بود.

◀ در صورتی‌که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول had been caused) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده

(در این مورد got) استفاده می‌کنیم. در این مورد به کاربرد alter در جمله نیز دقت کنید. همچنین بد نیست که عبارت زیر را از جمله به خاطر بسپارید: چیزی را تحت کنترل در آوردن؛ چیزی را روبه‌راه کردن:

get / bring sth under control

۲۶۱۲ فیلم استاندارد ۳۵ میلی‌متری [که] ما همگی به دیدن آن در سینماها عادت داریم، در پنج سال آینده توسط فناوری دیجیتال در سراسر جهان جایگزین می‌شود.

◀ فعل replace (جایگزین کردن، جانشین کردن) جزء افعال متعددی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (که تمام عبارت قبل از جای خالی است)، پیش از جای خالی قرار گرفته، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp) نیاز داریم و پاسخ در بین گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) خواهد بود. دقت کنید که چون فعل مجهول مربوط به زمان آینده است، پس در بین گزینه‌های موجود، فعل مجهول را در زمان آینده ساد، (در این‌جا will be replaced) نیاز داریم. نکته آخر این‌که چون فعل در این‌جا به یک عبارت (تمام عبارت قبل از جای خالی) اشاره دارد، پس برای آن باید از شکل سوم شخص مفرد فعل استفاده شود و کاربرد are در گزینه (۳) و have در گزینه (۴) اساساً نادرست است.

۲۶۱۳ پاسخ به این پرسش که از زمان‌های باستان برای بشر جالب بوده است، همچنان نامشخص باقی می‌ماند.

◀ اصلی‌ترین کاربرد زمان حال کامل (در این مورد has interested) برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست زمان‌های باستان) شروع شده و تاکنون به طور پیوسته یا متناوب ادامه داشته است. همچنین دقت کنید که since (از، از وقتی‌که) جزء اصلی‌ترین نشانه‌های زمان حال کامل است و مبدأ عمل را در گذشته نشان می‌دهد.

۲۶۱۴ دیروز مارک پس از کار برای شنا [به استخر] رفت. او کمی ورزش نیاز داشت چون تمام روز مقابل کامپیوترش نشسته بود.

◀ فعل قرار گرفته در جای خالی اول در زمان مشخصی از گذشته (دیروز پس از کار) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این مورد با فعل گذشته ساده (went) نیاز داریم. در مورد جاهای خالی دوم و سوم دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد had) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد needed) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد because در جمله دوم نیز دقت کنید.

۲۶۱۵ وقتی ساعت یازده شد و او هنوز نرسیده بود، برایم کم‌کم سوال شد که آیا او تصادفی داشته است.

◀ هر دو فعل قرار گرفته در جاهای خالی، در گذشته مربوط به بازه زمانی پیش از فعل came و در واقع ساعت ۱۱ هستند؛ بنابراین در هر دو مورد به فعل گذشته کامل (در این‌جا hadn't arrived و had had) نیاز داریم.

۲۶۱۶ وجود آن شهر باستانی تا زمانی‌که باستان‌شناسان آن را در ایتالیا پیدا کردند هرگز تأیید نشده بود.

◀ فعل confirm (تأیید کردن، تصدیق کردن) در این‌جا جزء افعال

۳۲۶۲۰ این خانه‌ها ۲۰ سال پیش ساخته شدند. قبل از آن، این‌جا یک سینما بوده است ولی ساختمان [سینما] در یک آتش‌سوزی آسیب دید و باید تخریب می‌شد.

❖ فعل قرار گرفته در جای خالی اول در زمان مشخصی از گذشته (در این مورد ۲۰ سال قبل) انجام شده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین در این‌جا فعل را به صورت گذشته ساده (were) به کار می‌بریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) خواهد بود. دقت کنید که فعل damage (آسیب زدن، خسارت زدن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the building) پیش از جای خالی دوم قرار گرفته است، در جای خالی دوم به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و در بین این دو گزینه، گزینه (۳) را به عنوان پاسخ تست انتخاب می‌کنیم.

۳۲۶۲۱ آن آزمایش که پژوهشگران می‌گویند در عرض چند ماه می‌تواند انجام شود فهم ما را از زن‌ها بسیار بهبود خواهد بخشید.

❖ فعل improve (بهبود بخشیدن، بهتر کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته با توجه به این‌که مفعول این فعل (our understanding of the genes) پس از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل معلوم نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۳) به دلیل کاربرد فعل مجهول حذف می‌شوند. دقت کنید که در این مورد، طبق مفهوم جمله فعل به زمان آینده اشاره دارد و در نتیجه برای کامل کردن جمله از فعل معلوم در زمان آینده ساده (در این مورد will improve) استفاده می‌شود.

۳۲۶۲۲ پژوهشگران موافقند که آنفلوآنزای جدید پرنده‌گان باید جدی گرفته شود. آن ویروس تاکنون صدها نفر را در سراسر جهان کشته است.

❖ فعل take در ساختار take sth seriously (چیزی را جدی گرفتن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the new bird flu) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۴) به دلیل دارا بودن ساختار معلوم برای جای خالی اول حذف می‌شوند. دقت کنید که چون در جای خالی دوم، فعل kill (کشتن) به عملی اشاره دارد که از گذشته تاکنون به طور متناوب انجام شده است، پس در این مورد به فعل حال کامل (در این‌جا has killed) به همراه so far (تاکنون، تا به حال) نیاز داریم.

۳۲۶۲۳ شیشهٔ مربا اگر باز نشود می‌تواند در دمای اتاق نگهداری شود. [اما]

به محض این‌که آن را باز کردید، باید در یخچال نگهداری شود.

❖ هر دو فعل keep (نگه داشتن) و open (باز کردن) در این‌جا جزء افعال متعدی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این‌که مفعول این دو فعل (the jar of jam and ضمیر it) در هر دو مورد پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم؛ بنابراین پاسخ تست در بین گزینه‌های (۲) و (۳) خواهد بود. دقت کنید که طبق مفهوم جمله، در جای خالی اول فعل can به صورت مثبت مورد نیاز است تا بر امکان انجام کاری در زمان حال و آینده تأکید شود.

متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the ancient city's existence) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی اول به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و در نتیجه پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) خواهد بود.

دقت کنید که اگر دو عمل در گذشته با فاصلهٔ زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول had been confirmed) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد found) استفاده می‌کنیم. در این تست به کاربرد until (تا وقتی‌که، تا این‌که) و never (هرگز) در جمله نیز دقت کنید. ۳۲۶۱۷ پس از آن‌که خودم را به مهمان‌هایم معرفی کردم، یک سخنرانی طولانی دربارهٔ تغییرات کنونی در فناوری‌های کامپیوتری داشتم.

❖ فعل introduce (معرفی کردن؛ عرضه کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته با توجه به این‌که مفعول این فعل (ضمیر انعکاسی myself) بعد از جای خالی اول قرار گرفته است، در جای خالی این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم و گزینه‌های (۳) و (۴) به دلیل کاربرد فعل مجهول (have / had been introduced) حذف می‌شوند. دقت کنید که اگر دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصلهٔ زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، در این صورت همهٔ آن‌ها با فعل گذشته ساده (در این تست introduced و gave / had) بیان می‌شود. در رابطه با این تست به ساختار زیر نیز توجه کنید:

❖ سخنرانی کردن: give / have a speech

۳۲۶۱۸ دیروز آتش‌سوزی بدی رخ داد. سه خانه ویران شدند، ولی خوشبختانه همه بیمهٔ مسکن داشتند.

❖ فعل destroy (تخریب کردن، ویران کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (three houses) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + pp.) نیاز داریم و در نتیجه پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. دقت کنید که فعل destroy از نظر زمانی پیش از فعل was نیست و در واقع هر دوی این افعال به یک زمان در گذشته اشاره دارند؛ بنابراین در این مورد، فعل مجهول destroy در زمان گذشته ساده (were destroyed) به کار می‌رود. نکتهٔ آخر این‌که فعل have در جای خالی دوم جزء افعال حالت به حساب می‌آید و همان‌طور که در درس سوم سال دهم خواندید، استمراری کردن آن نادرست خواهد بود.

۳۲۶۱۹ وقتی جک وارد اتاق شد، او را نشناختم چون وزن خیلی زیادی از دست داده بود. او کاملاً متفاوت به نظر می‌رسید!

❖ در صورتی‌که دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصلهٔ زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، در این صورت همهٔ آن‌ها با فعل گذشته ساده (در این تست entered و didn't recognize) بیان می‌شوند. در مورد جای خالی سوم دقت کنید که چون این فعل در گذشته به بازهٔ زمانی پیش‌تر از دو فعل دیگر اشاره دارد، پس در این‌جا از فعل گذشته کامل (had lost / gained) استفاده می‌شود.

۲۶۲۴ چندین دانش آموز قبل از آن که به والدین درباره آن مشکل توسط مقامات هشدار داده شود توسط معلمشان تنبیه شدند.

تمامی افعال قرار گرفته در گزینه‌ها دارای ساختار مجهول هستند و در نتیجه برای یافتن پاسخ تست باید به زمان افعال دقت کنیم. در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول **had been punished**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد فعل مجهول **were warned**) استفاده می‌کنیم. در این تست، به کاربرد **before** (قبل از، پیش از) در جمله نیز دقت کنید.

۲۶۲۵ کدام یک از موارد زیر از نظر گرامری غلط است؟

(۱) این شعر مشهور باید به فارسی ترجمه شود چون واقعاً ارزش خواندن را دارد. (۲) موفق‌ترین عکس‌ها ممکن است در مجله نشنال جئوگرافیک به چاپ برسند. (۳) جیمز به نظر نمی‌رسید که اصلاً به توضیح سارا از آن چه اتفاق افتاده بود علاقه‌ای داشته باشد.

(۴) وقتی که نرم‌افزار بارگذاری شد، کامپیوتر فوراً قفل شد، بنابراین لازم بود که سیستم مجدداً راه‌اندازی شود.

در گزینه (۳) با توجه به این که **happen** (اتفاق افتادن، رخ دادن) جزء افعال لازم است؛ بنابراین مجهول کردن این فعل اساساً نادرست است و باید این جمله را به صورت زیر اصلاح کنیم:

James didn't seem to be at all interested in Sarah's explanation about what had happened.

۲۶۲۶ اگر قرار باشد از کمبود غذا اجتناب شود، باید تلاش‌های بیشتری برای افزایش تولید کشاورزی انجام شود.

فعل **make** در ساختار **make efforts** (سعی کردن، تلاش کردن) و همچنین فعل **avoid** (اجتناب کردن از، پیشگیری کردن از) هر دو جزء افعال متعددی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در هر دو مورد مفعول (به ترتیب **efforts** و **food shortage**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در هر دو جای خالی به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم و در بین گزینه‌های موجود، تنها گزینه (۱) می‌تواند صحیح باشد.

۲۶۲۷ این روزها حتی دورافتاده‌ترین مکان‌ها بر روی زمین توسط گردشگران بازدید می‌شوند. تورهای پکیجی می‌توانند برای تقریباً همه‌جا ترتیب داده شوند، از هیمالیا تا جنگل آمازون.

هر دو فعل **visit** (بازدید کردن از، دیدن کردن از) و **arrange** (ترتیب دادن، سازمان دادن) در این جا جزء افعال متعددی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که مفعول این دو فعل (یعنی **even the most remote places on earth** و **package tours**) هر دو پیش از جاهای خالی قرار گرفته‌اند، در هر دو مورد به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم و گزینه‌های (۳) و (۴) به دلیل کاربرد فعل معلوم (**are visiting** و **arrange**) حذف می‌شوند.

دقت کنید که با توجه به کاربرد **these days** (این روزها) و نیز طبق مفهوم جمله، در این مورد هر دو فعل به اموری کلی اشاره دارند و در نتیجه کاربرد فعل گذشته کامل مجهول (**had been arranged**) در گزینه (۱) از نظر زمانی نادرست است.

۲۶۲۸ وقتی که به دفتر رسیدیم، جلسه قبلاً بدون من شروع شده بود. رئیس از [دست] من عصبانی بود و من اخراج شدم.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد **had begun**) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد **got**) استفاده می‌کنیم؛ بنابراین پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. دقت کنید که اگر دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصله زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، در این صورت همه آن‌ها با فعل گذشته ساده بیان می‌شوند. (در این تست **was** و **was fired** در جاهای خالی دوم و سوم).

۲۶۲۹ از میان ۱۰ دلیل اصلی مرگومیر، بیماری آلزایمر، که در جایگاه ششم است، تنها موردی است که نمی‌تواند پیشگیری، کند یا درمان شود.

برای پاسخ‌گویی به این تست، ابتدا سراغ جای خالی دوم می‌رویم. هر سه فعل قرار گرفته بعد از جای خالی دوم - یعنی **prevent** (پیشگیری کردن از، جلوگیری کردن از)، **slow** (کند کردن) و **cure** (درمان کردن) - جزء افعال متعددی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که مفعول این سه فعل (در این مورد ضمیر موصولی **that** که به **Alzheimer's disease** اشاره دارد) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در این جا به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۲) خواهد بود.

در مورد جای خالی اول نیز دقت کنید که چون مرجع ضمیر موصولی در این مورد غیر انسان است (یعنی **Alzheimer's disease**) و پس از آن فعل (شکل مناسب فعل **rank**) را داریم، در حد کتاب درسی تنها می‌توانیم از **which** یا **that** به عنوان ضمیر موصولی استفاده کنیم.

۲۶۳۰ وقتی که دیروز رادیو را روشن کردم، آهنگی را شنیدم که وقتی در دبیرستان بودم محبوب بود. آن آهنگ را سال‌ها بود که نشنیدم بودم و بعضی خاطرات فوق‌العاده را زنده کرد.

در صورتی که دو یا چند عمل در گذشته پشت سر هم انجام شوند و در واقع بین آن‌ها فاصله زمانی خیلی اندکی وجود داشته باشد، همه آن‌ها با فعل گذشته ساده (در جاهای خالی اول، دوم و چهارم به ترتیب **heard**، **turned on** و **brought back**) بیان می‌شود. در مورد جای خالی سوم دقت کنید که چون این فعل از نظر زمانی در گذشته مربوط به پیش‌تر از سه فعل دیگر است، پس آن را در زمان گذشته کامل و طبق مفهوم جمله به صورت منفی نیاز داریم (در این مورد **had not / hadn't heard**).

۲۶۳۱ انواع گوناگونی از سلول‌های بنیادین شناسایی شده‌اند، از جمله آن‌هایی که تمام انواع سلول در سیستم خونی، پوست یا نخاع و مغز را تولید می‌کنند.

هر دو فعل **identify** (شناسایی کردن، مورد شناسایی قرار دادن) و **generate** (تولید کردن، ساختن) جزء افعال متعددی هستند و به مفعول نیاز دارند. با توجه به این که در جای خالی اول، مفعول (در این جا **various kinds of stem cells**) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در این مورد به فعل مجهول (**to be + p.p.**) نیاز داریم. ولی در جای خالی دوم شرایط کاملاً برعکس است و چون مفعول (تمام عبارت قرار گرفته پس از جای خالی

کردن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (lights) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم. در بین گزینه های (۳) و (۴)، تنها در گزینه (۴) فعل مجهول به کار رفته است.

۱۲۶۳۸ ◀ بعد از صفات (مانند صفت تفضیلی better در این تست) فعل

را به صورت مصدر با to به کار می بریم.

۱۲۶۳۹ (۱) [یاد] وزیدن، آمدن؛ دمیدن

(۲) تولید کردن، ساختن؛ ایجاد کردن

(۳) عبور کردن از، گذشتن از

(۴) (از جا) بلند کردن؛ [روحیه، شرایط و غیره] بهتر کردن، تقویت کردن

۱۲۶۴۰ ◀ در این تست، cooling (خنک کننده) به عنوان صفت فاعلی

برای اسم (cabinet) مورد استفاده قرار گرفته است. همان طور که می دانید

در زبان انگلیسی، صفات به طور کلی پیش از اسم قرار می گیرند. هم چنین دقت کنید که کاربرد صفت مفعولی cooled (خنک شده) در این جا از نظر

معنایی نامناسب است.

۱۲۶۴۱ (۲) خاموش (۱) روشن

(۳) اطراف (۴) بالا

متن کلوز ۳

بیشتر مردم موافقند که سوزاندن سوخت های فسیلی بر گرمایش جهانی تأثیر می گذارد و گرمایش جهانی بر شرایط اقلیمی زمین تأثیر می گذارد. ولی در مورد آن چه کار [باید] بکنیم؟ افراد نظرات بسیار متفاوتی دارند. برخی افراد معتقدند که جهان باید قدمی بزرگ به سمت کُند کردن گرمایش جهانی بردارد. چگونه؟ با کاستن [از] میزان دی اکسید کربن آزاد شده در جو. آن ها چندین شیوه برای انجام این [کار] پیشنهاد می کنند. یک راه آن است که انرژی را حفظ کنیم. اگر ما سوخت فسیلی کمتری بسوزانیم، دی اکسید کربن کمتری تولید خواهیم کرد. یک راه دوم قرار دادن ابزاری خاص درون دودکش سیستم های اگزوز ماشین و کامیون است. این ابزارها دی اکسید کربن بیشتری را قبل از آن که در هوا آزاد شود، جذب می کند. یک راه سوم تمرکز کردن بر روی توسعه دادن منابع انرژی تجدیدپذیر هم چون انرژی خورشیدی و انرژی بادی است، که می تواند جایگزین سوخت های فسیلی شود و دی اکسید کربن به هوا اضافه نمی کند.

۴۲۶۴۲

(۱) تنوع؛ مجموعه متنوع؛ نوع، گونه (۲) دلیل، انگیزه؛ قدرت استدلال، شعور

(۳) پیام؛ پیغام (۴) عقیده، نظر

۲۶۴۳

(۱) مورد، نمونه؛ موضوع، قضیه (۲) قدم، گام؛ مرحله

(۳) مورد؛ موضوع؛ قلم، فقره (۴) نتیجه؛ اثر؛ حاصل، ثمره

۳۲۶۴۴ (۱) نیاز داشتن، احتیاج داشتن؛ ملزم کردن

(۲) فکر کردن که؛ حدس زدن که؛ تصور کردن که

(۳) پیشنهاد کردن، توصیه کردن؛ حاکی از ... بودن

(۴) به یاد آوردن؛ فراخواندن

دوم)، بعد از خود فعل به کار رفته، پس در این مورد فعل معلوم مورد نیاز است. در بین گزینه های این تست، تنها در گزینه (۳) برای جای خالی اول، فعل مجهول و برای جای خالی دوم فعل معلوم داریم.

متن کلوز ۱

ارزیابی کردن تأثیرات گرمایش جهانی بر شرایط اقلیمی کشورها یا مناطق مختلف دشوار است. اگرچه درجه حرارت و بارندگی تمام زمین افزایش خواهد یافت، [ولی] برخی مناطق از [مناطق] دیگر رشدهای کمتری در درجه حرارت خواهند داشت و برخی مناطق ممکن است در واقع بارندگی کمتری داشته باشند. کار زیادی توسط دانشمندان در حال انجام است تا پیش بینی کنند [که] گرمایش جهانی تا چه حد ادامه خواهد یافت و عوارض جانبی اقلیمی آن دقیقاً چه خواهد بود.

۱۲۶۳۲ (۱) یا (۲) از (۳) در، درون (۴) نه، خیر

۴۲۶۳۳ (۱) تأثیر کردن برادر؛ تحت تأثیر قرار دادن

(۲) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از، مانع ... شدن

(۳) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

(۴) افزایش یافتن؛ افزایشی دادن

۲۲۶۳۴ ◀ با توجه به کاربرد صفت تفضیلی (smaller) پیش از جای خالی،

در این مورد جمله با than کامل می شود.

۳۲۶۳۵ (۱) اخیراً، جدیداً (۲) عمیقاً؛ به شدت، به طور گسترده ای

(۳) در واقع، عملاً، در عمل (۴) کاملاً، دقیقاً، درست

۴۲۶۳۶ (۱) جایگزین ... شدن؛ جایگزین کردن، جانشین کردن

(۲) حمایت کردن از؛ طرفدار ... بودن؛ [امکانات زندگی، مواد غذایی و ...] فراهم

کردن برای

(۳) [مسئله و غیره] حل کردن؛ پاسخ ... را پیدا کردن

(۴) پیش بینی کردن؛ پیشگویی کردن

متن کلوز ۲

جیمز اندرسن درباره اتلاف انرژی در هتل ها می نویسد: اتاق های بیش از اندازه گرم شده، چراغ هایی که تمام شب روشن رها می شوند، حوله هایی که یک بار استفاده می شوند و سپس فرستاده می شوند تا شسته شوند. حق با اوست، ولی چرا به هتل ها اکتفا کنیم؟ آیا بهتر نبود که از تمام اتلاف های نابخردانه دیگری که ویژگی زندگی مدرن هستند، نام ببریم؟

در صبح، من در امتداد خیابان اصلی به راه می روم [و] از کنار فروشگاه هایی که درهایشان کاملاً باز است رد می شوم که هوای گرم را به خیابان می دمند. در سوپرمارکت من سبزی های منجمد را از قفسه خنک کننده ای برمی دارم که کاملاً باز است. بچه هایم وقتی که بیرون می روند کامپیوترهایشان را روشن رها می کنند و شارژرهای گوشی هایشان را در برق [می گذارند] در حالی که هیچ گوشی ای به سر دیگرشان [وصل] نیست. تمام این اتلاف چه چیزی را نشان می دهد؟

۴۲۶۳۷ ◀ طبق مفهوم جمله، برای وصل کردن دو بخش جمله به ضمیر

موصولی (در این مورد which / that) نیاز داریم و پاسخ تست در بین

گزینه های (۳) و (۴) خواهد بود. دقت کنید که فعل leave (ترک کردن، رها

توسعه یک ماشین انرژی خورشیدی از دهه ۱۹۸۰ یک هدف مهندسی بوده است. چالش جهانی خورشیدی یک مسابقه ماشین‌های انرژی خورشیدی است، که [در آن] تیم‌ها برای عبور کردن از استرالیای مرکزی رقابت می‌کنند. در [سال] ۱۹۸۷، زمانی که این [رقابت] آغاز شد، سرعت متوسط [ماشین] برنده ۴۲ مایل بر ساعت بود. تا سال ۲۰۰۷، سرعت متوسط [ماشین] برنده تا ۵۶/۴۶ مایل بر ساعت پیشرفت کرده بود. علاقه بین‌المللی به توسعه دادن وسایل نقلیه انرژی خورشیدی دیگر نیز رو به افزایش است. قایق‌های خورشیدی از وسط اقیانوس‌های آرام و اطلس عبور کرده‌اند و در [سال] ۱۹۷۴، هواپیمای بدون سرنشین سانرایز (طلوع) ۲ نخستین روز خورشیدی را انجام داد. در ۲۹ آوریل [سال] ۱۹۷۹، سولار رایزر نخستین پرواز را در یک دستگاه پرندۀ انرژی خورشیدی سرنشین‌دار [و] کاملاً تحت کنترل انجام داد.

۴۲۶۵۲

- ۱) نوسان داشتن، گسترش داشتن ۲) ادامه دادن، دنبال کردن؛ پیروی کردن
۳) به دست آوردن، کسب کردن ۴) عبور کردن از، گذشتن از

۳۲۶۵۳

مسابقه چالش خورشیدی در زمان مشخصی از گذشته، یعنی در سال ۱۹۸۷ آغاز شده است. پس در این مورد به فعل گذشته ساده (started) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۲) و (۳) خواهد بود. دقت کنید که *since* (از وقتی که) مبدأ عمل را در گذشته نشان می‌دهد، در حالی که *when* (وقتی که، هنگامی که) بیان‌کننده زمان انجام یک عمل (در این مورد سال ۱۹۸۷) و یا همزمانی دو عمل است.

۳۲۶۵۴

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شد، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had improved*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. البته در این مورد، سال ۲۰۰۷ که زمان مذکور در گذشته است، جایگزین فعل گذشته ساده شده است.

۱۲۶۵۵

- ۱) گسترش، توسعه؛ پرورش، رشد ۲) انتقال، پخش
۳) جدید؛ اهمیت؛ وخامت ۴) کشف، اکتشاف

۱۲۶۵۶

- ۱) از وسط، از این طرف به آن طرف ۲) در کنار
۳) روی، بر روی؛ بالای ۴) پایین‌تر از، زیر؛ پایین

متن کلوز ۶

از زمان‌های باستان، انرژی خورشیدی توسط انسان‌ها به دیوه‌های بسیاری به کار رفته است. دو نوع اساسی از فناوری‌های خورشیدی وجود دارد: متغیر و فعال. تکنیک‌های خورشیدی متغیر مربوط به معماری هستند. استفاده از موادی که می‌توانند گرما را جذب کنند، یک تکنیک خورشیدی متغیر است. فضاها [به نحوی] طراحی می‌شوند تا هوا را به صورت طبیعی به چرخش درآورند. ساختمان‌ها در موقعیتی نسبت به خورشید قرار داده می‌شوند که نیازهای انرژی برای گرم کردن یا سرد کردن را به حداقل برساند. بندهای رخت، که لباس‌ها را از طریق تیخیر به وسیله باد و نور خورشید بدین مصرف برق یا گاز خشک می‌کند، مثالی دیگر از فناوری متغیر خورشیدی است. تکنیک‌های

۳۲۶۴۵ با توجه به کاربرد فعل در زمان حال ساده در بند شرط (در این مورد *burn*) جمله شرطی از نوع اول است و در بند جواب شرط از فعل آینده ساده (شکل ساده فعل + *will*) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در جملات شرطی نوع یک، می‌توان به جای *will*، از *must*، *can*، *might* یا *may* نیز استفاده کرد. بنابراین پاسخ این تست در بین گزینه‌های (۳) و (۴) خواهد بود. علاوه بر این، طبق مفهوم جمله، کاربرد ساختار صفت عالی *least* در گزینه (۴) نادرست است؛ چرا که در این جا بین حالتی که انرژی‌های فسیلی را در سطح فعلی استفاده کنیم و حالتی که سطح مصرف انرژی‌های فسیلی را کاهش دهیم، مقایسه انجام شده و بنابراین باید از صفت تفضیلی (*less*) استفاده شود.

۱۲۶۴۶ ۱) گسترش دادن، توسعه دادن؛ گسترش یافتن، توسعه یافتن؛ افزایش دادن

۲) انجام دادن، اجرا کردن؛ برگزار کردن

۳) خواستن، مطالبه ... کردن، درخواست ... کردن

۴) جذب کردن، در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

متن کلوز ۴

عبور گرما از یک مکان به مکان دیگر توسط حرکت مایع یا گاز همرفت نامیده می‌شود و زمانی رخ می‌دهد [که] دمای یک بخش از مایع یا گاز از [دمای] یک بخش دیگر متفاوت است. وقتی به یک مایع گرما داده می‌شود، کمی منبسط می‌شود به نحوی که مایع داغ، سبک‌تر از مایع سردتر پیرامونی‌اش باشد و بنابراین بالا برود. در یک کتری برقی، وقتی که برق تازه وصل شده، جریان‌های موج آب داغ می‌توانند در حال بالا رفتن از المنت دیده شوند. یک شوقاژ یا منبع آب داغ، به این دلیل همیشه در بالا گرم‌تر از پایین است.

۴۲۶۴۷ ۱) وزن، سنگینی ۲) تعادل، توازن

۳) کارکرد، عملکرد ۴) درجه حرارت، دما

۱۲۶۴۸ طبق نظر طراح کنکور، *from* حرف اضافه مناسب و صحیح برای *different* (متفاوت، مختلف) است. البته در انگلیسی آمریکایی، به جای *from* از *than* و در انگلیسی بریتانیایی محاوره‌ای به جای *from* از *to* نیز می‌توان استفاده کرد.

۲۲۶۴۹ ۱) انجام دادن، اجرا کردن؛ برگزار کردن

۲) منبسط کردن، گسترش دادن؛ منبسط شدن، گسترش یافتن

۳) حاوی ... بودن، شامل ... بودن، در برداشتن

۴) افزایش یافتن، زیاد شدن؛ افزایش دادن، زیاد کردن

۳۲۶۵۰ ۱) گم‌شده، مفقود ۲) سازمان‌دهنده، منظم‌کننده

۳) پیرامونی، مجاور، (مربوط به) اطراف ۴) در حال رشد، رو به رشد؛ رو به افزایش

۱۲۶۵۱

- ۱) بالا رفتن، افزایش پیدا کردن ۲) عبور کردن از، گذشتن از
۳) به دست آوردن، کسب کردن ۴) منفجر شدن، ترکیدن؛ فوران کردن

متن کلوز ۵

توسعه یک ماشین انرژی خورشیدی از دهه ۱۹۸۰ یک هدف مهندسی بوده است. چالش جهانی خورشیدی یک مسابقه ماشین‌های انرژی خورشیدی است.

ویژگی‌های تاریخ اقلیم باستان زمین نیست. تحلیل لایه‌های خاکستر از فعالیت‌های آتش‌فشانی باستان یکی دیگر از این‌گونه روش‌هاست؛ همان‌گونه که بررسی هسته‌های یخی [یکی از این روش‌ها] است؛ که فعالیت خورشیدی گذشته را که ممکن است بر اقلیم ما تأثیر گذاشته باشد، تفسیر می‌کند.

۲۶۶۲ ◀ **between** (میان، بین) در این‌جا به عنوان حرف اضافه مورد استفاده قرار گرفته است و همان‌طور که می‌دانید بعد از حروف اضافه به اسم یا عبارت اسمی نیاز داریم؛ در نتیجه می‌توان گزینه‌های (۱) و (۳) را به دلیل کاربرد جمله کامل حذف کرد. دقت کنید که وقتی دو اسم پشت سر هم به کار روند و اسم اول نقش صفت را برای اسم دوم داشته باشد، اسم اول (در این مورد **temperature**) همواره حالت مفرد خواهد داشت، ولی اسم دوم (در این مورد **change**) بسته به مفهوم و ساختار جمله می‌تواند مفرد یا جمع باشد.

۲۶۶۳ ◀ (۱) کارکرد، عملکرد (۲) تنوع، مجموعه متنوع؛ نوع، گونه

(۳) دوره؛ نقطه (۴) رخداد، رویداد

۲۶۶۴ ◀ برای پاسخ دادن به این تست، اصلی‌ترین کاری که باید انجام دهید، ترجمه دقیق جمله است تا متوجه شوید که **position** (موقعیت؛ محل، مکان) در این مورد به عنوان اسم مدنظر است و **present** (در این‌جا فعلی، کنونی) در نقش صفت آن مدنظر است. همان‌طور که می‌دانید، در زبان انگلیسی صفت پیش از اسم قرار می‌گیرد.

۲۶۶۵ ◀ (۱) نکه داشتن؛ برگزار کردن

(۲) بالا رفتن، افزایش پیدا کردن

(۳) آویزان کردن، آویختن

(۴) [باد] وزیدن، آمدن؛ [باد] بردن، با خود بردن

۲۶۶۶ ◀ (۱) ویژگی، خصیصه (۲) آزمایش

(۳) پایان، انتها؛ نتیجه (۴) تکنولوژی، فناوری

متن کلوز ۸

سلول‌های خورشیدی، که سلول‌های فتو - ولتاییک نیز نامیده می‌شوند، انرژی خورشید را به برق تبدیل می‌کنند. سلول‌های خورشیدی بیش از ۱۲۰ سال پیش اختراع شدند و حالا برای تأمین برق همه چیز استفاده می‌شوند، از ماشین حساب‌ها تا ایستگاه‌های فضایی. سلول‌های خورشیدی هیچ بخش متحرکی ندارند و با انرژی غیر آلاینده از خورشید کار می‌کنند. پس چرا سلول‌های خورشیدی تمام نیازهای انرژی ما را برآورده نمی‌کنند؟ یک سلول خورشیدی جریان الکتریکی بسیار کوچکی تولید می‌کند. بنابراین برآورده کردن نیازهای یک شهر کوچک به پوشاندن صدها جریب با صفحات خورشیدی نیاز خواهد داشت. سلول‌های خورشیدی هم‌چنین به دوره‌های طولانی تابش خورشید برای تولید کردن انرژی نیاز دارند. این انرژی در باتری‌هایی ذخیره می‌شود که وقتی خورشید نمی‌تابد برق را تأمین می‌کنند. علی‌رغم این محدودیت‌ها، تولید انرژی از سلول‌های خورشیدی از سال ۱۹۸۵ هر چهار سال دو برابر شده است. سلول‌های خورشیدی به طرز فزاینده‌ای کارآمد و کم‌هزینه‌تر شده‌اند. سلول‌های خورشیدی پتانسیل بالایی برای استفاده در کشورهای در حال توسعه دارند، جایی که مصرف انرژی حداقلی است و شبکه‌های برق محدود هستند.

فعال خورشیدی، نور خورشید را به برق یا انرژی مفید دیگری تبدیل می‌کنند. فناوری‌های فعال خورشیدی انرژی تولید می‌کنند، در حالی که فناوری‌های منفعل خورشیدی، نیاز به انرژی را کاهش می‌دهند.

۲۶۵۷ ◀ کلمه قرار گرفته بعد از فعل **absorb** (جذب کردن؛ در خود فرو بودن) در جایگاه مفعول جمله است. همان‌طور که می‌دانید مفعول فقط می‌تواند اسم، عبارت اسمی یا ضمیر مفعولی باشد و از صفت به تنهایی نمی‌توان در جایگاه مفعول جمله استفاده کرد. بنابراین در این مورد از اسم **heat** (گرم، حرارت) استفاده می‌کنیم، نه صفت **hot** (گرم). دقت کنید که هر چند فعل **absorb** متعدی است، اما چون مفعول آن (**heat**) بعد از خودش قرار گرفته است، پس مجهول کردن آن در گزینه (۱) از نظر ساختاری نادرست به حساب می‌آید.

۲۶۵۸ ◀

(۱) به صورت انتخابی، به طور اختیاری (۲) جدی؛ به شدت، سخت

(۳) به نسبت، نسبتاً (۴) به صورت طبیعی؛ طبیعتاً؛ ذاتاً

۲۶۵۹ ◀ (۱) انبساط؛ توسعه، گسترش؛ افزایش

(۲) نیاز، احتیاج؛ شرط، لازمه؛ [در جمع] ملزومات

(۳) اندازه‌گیری، سنجش

(۴) تنظیم، ترتیب؛ توافق؛ آرایش

۲۶۶۰ ◀ طبق مفهوم جمله و همان‌طور که خودتان نیز طبیعتاً می‌دانید،

بند رخت جزء تکنیک‌های منفعل فناوری خورشیدی است و لباس‌ها را بدون استفاده از برق یا گاز خشک می‌کند؛ بنابراین از نظر معنایی، در ابتدای گزینه صحیح به **without** (بدون) نیاز داریم. دقت کنید که **not having consumed** در گزینه (۱) در این مورد از نظر دستوری نمی‌تواند صحیح باشد و باعث می‌شود جمله ساختار ناقصی داشته باشد.

۲۶۶۱ ◀ فعل **convert** (تبدیل کردن، تغییر دادن) در این مورد جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که در تمام گزینه‌ها، مفعول (**sunlight**) پس از خود فعل قرار دارد، این فعل را در این تست به صورت معلوم نیاز داریم و گزینه‌های (۱) و (۲) به دلیل کاربرد ساختار مجهول (**to be converted / can be converted**) حذف می‌شوند. دقت کنید که فعل **convert** در این‌جا به یک امر کلی اشاره دارد که مقید به بازه زمانی خاصی نیست، پس باید آن را در زمان حال ساده به کار ببریم که شکل صحیح آن در گزینه (۴) آمده است.

متن کلوز ۷

اقلیم گذشته زمین - شامل دما و عناصر درون جو - به تاژی با تحلیل کردن نمونه‌های یخ از گرینلند و [قاره] جنوبگان مورد مطالعه قرار گرفته است. حباب‌های هوای داخل یخ نشان داده‌اند که در طول ۱۶۰,۰۰۰ سال گذشته رابطه نزدیکی میان تغییرات دمایی و سطح گازهای گلخانه‌ای طبیعی، مانند دی‌اکسید کربن و متان وجود داشته است. یک تحلیل جدید از گرینلند نشان داد که در پایان آخرین دوره یخچالی (زمانی که صفحه‌های بزرگ یخ شروع به عقب‌نشینی تا موقعیت کنونی‌شان کردند)، درجات حرارت در گرینلند جنوبی در عرض حدود ۱۰۰ سال از ۵ تا ۷ درجه افزایش یافت. حباب‌های هوا تنها روش مشخص کردن

۲۶۶۷ یکی از اصلی‌ترین کاربردهای مصدر با to که در این تست نیز مدنظر است، برای بیان هدف و مقصود از انجام فعل است. دقت کنید که در این تست، طبق مفهوم جمله، از ضمیر everything (همه‌چیز؛ همه چیزها) استفاده می‌شود، نه something (چیزی، یک چیزی).

۲۶۶۸ فعل produce (تولید کردن، ساختن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. البته با توجه به این‌که مفعول این فعل (تمام عبارت قرار گرفته پس فعل produce در گزینه‌ها) در این مورد بعد از فعل آمده است، به فعل معلوم نیاز داریم و تنها یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که very small electrical (الکتریکی بسیار کوچک) نقش عبارت وصفی را دارد و همان‌طور که می‌دانید، در انگلیسی صفت پیش از اسم (در این مورد current) قرار می‌گیرد.

۲۶۶۹ (۱) ذخیره کردن، انبار کردن

(۲) تولید کردن، به وجود آوردن

(۳) جذب کردن، در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۴) نیاز داشتن، احتیاج داشتن

۲۶۷۰

(۱) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه (۲) آموزش؛ توصیه؛ دستورالعمل

(۳) جمع؛ افزایش، اضافه؛ چیز اضافه شده (۴) محدودیت؛ محدودسازی؛ ضعف

۲۶۷۱ بعد از فعل become به عنوان یک فعل ربطی، از صفت استفاده می‌شود. در این مورد، طبق مفهوم جمله باید از efficient (کارآمد، سودمند) به عنوان صفت استفاده کنیم. دقت کنید که یکی از کاربردهای قید مقدار (مانند increasingly در این تست) برای بیان شدت و مقدار صفت است.

متن ۱

ما می‌توانیم به طبیعت همان‌گونه که به دستگاهی پیچیده نگاه می‌کنیم، نگاه کنیم تا ببینیم چگونه تمام اجزاء با هم سازگار هستند. هر چیز زنده جای خودش را در طبیعت دارد و بوم‌شناسی مطالعه [آن] است [که] چیزها چگونه در ارتباط با محیط اطرافشان زندگی می‌کنند. این دانش نسبتاً جدیدی است و امروزه از اهمیت بالایی برخوردار است. آن به ما کمک می‌کند [که] بفهمیم چگونه گیاهان و حیوانات برای بقا به یکدیگر و محیط اطرافشان وابسته هستند. بوم‌شناسی هم‌چنین به ما کمک می‌کند تا به سمت نجات حیوانات و گیاهان از انقراض و حل کردن مشکلات ناشی از آلودگی حرکت کنیم. گیاهان و جانوران می‌توانند بسته به کارکرد بوم‌شناختی‌شان به گروه‌های مختلفی تقسیم شوند. گیاهان انرژی نور خورشید را می‌گیرند و از آن برای تولید کردن رشد جدید استفاده می‌کنند، بنابراین آن‌ها تولیدکننده نامیده می‌شوند؛ حیوانات، گیاهان و حیوانات دیگر را مصرف می‌کنند، بنابراین آن‌ها مصرف‌کننده نامیده می‌شوند. تمام گیاهان و جانورانی که در یک منطقه زندگی می‌کنند و از یکدیگر تغذیه می‌کنند یک اجتماع را تشکیل می‌دهند. رابطه میان گیاهان و جانوران در یک اجتماع شبکه غذایی نامیده می‌شود؛ انرژی از طریق این شبکه‌های غذایی از میان اجتماع عبور می‌کند.

۲۶۷۲ کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

(۱) حیوانات زنده در طبیعت (۲) نجات حیوانات و گیاهان

(۳) بوم‌شناسی و شبکه‌های غذایی (۴) طبیعت: یک دستگاه پیچیده

۲۶۷۳ کدام یک از موارد زیر درباره بوم‌شناسی درست نیست؟

(۱) آن رابطه میان گیاهان، حیوانات و محیط‌زیست را مطالعه می‌کند.

(۲) آن گیاهان و حیوانات را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند.

(۳) آن زمینه پژوهش نسبتاً جدیدی است.

(۴) آن دانش بسیار مهمی است.

طبق نظر طراح کنکور، پاسخ این تست گزینه (۲) است ولی با دقت در متن می‌توان گزینه (۱) را نیز نادرست دانست چرا که در متن به تمام چیزهای زنده اشاره شده است ولی در گزینه (۱) فقط به گیاهان و جانوران اشاره شده که شامل بسیاری از چیزهای زنده دیگر، هم‌چون موجودات تک‌سلولی، میکروب‌ها، باکتری‌ها و ... نمی‌شود.

۲۶۷۴ کلمه "they" در سطر ۸ به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) گیاهان (۲) حیوانات

(۳) تولیدکنندگان (۴) هر دوی حیوانات و گیاهان

۲۶۷۵ کدام یک از موارد زیر می‌تواند از متن نتیجه گرفته شود؟

(۱) کارکرد اصلی بوم‌شناختی یک شبکه غذایی گرفتن نور خورشید است.

(۲) مشکل اصلی ایجاد شده توسط آلودگی، انقراض گیاهان و حیوانات است.

(۳) تمام گیاهانی که برای نوع انسان و حیوانات غذا تولید می‌کنند، یک اجتماع را تشکیل می‌دهند.

(۴) برای داشتن محیط‌زیستی سالم، هر دوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورد نیاز هستند.

متن ۲

به دست آوردن انرژی از پرتوهای خورشید یعنی استفاده کردن از انرژی هسته‌ای که بی هیچ هزینه‌ای در آزمایشگاهی ۹۳ میلیون مایل آن‌سوتر ایجاد شده است. چون انرژی تابان خورشید با تبدیل هسته‌ای عنصر شیمیایی حفظ می‌شود که در درون خورشید [و] در دماهای چندین میلیون درجه‌ای و فشارهای چندین میلیون اتمسفری رخ می‌دهد. منابع انرژی خورشیدی عظیم هستند. اگر می‌شد بازدهی ۱۰۰ درصدی را در تبدیل انرژی تابشی خورشیدی به کار مکانیکی به دست آورد، یک اسب بخار در هر یارد مربع از سطح زمین زیر آسمان صاف موجود می‌بود. هزینه جمع‌آوری انرژی خورشیدی هنوز از رقابت آن با منابع معمول انرژی جلوگیری می‌کند. با وجود این، به جز این [حالت] که وعده مبهم انرژی ایمن گرماسته‌ای از اقیانوس‌ها محقق شود، انرژی خورشیدی باید نیازهای عظیم و رو به افزایش فرزندان ما را در عرض دو قرن [آینده] برآورده کند. از آن‌جا که منابع زمینی (زغال‌سنگ، نفت و اورانیوم) ممکن است به زودی تا آخر مصرف شود، آن‌ها از انرژی خورشیدی پرهزینه‌تر خواهند شد.

۲۶۷۶ بر اساس متن، برای تولید انرژی خورشیدی به چه چیز نیاز داریم؟

(۱) منابع انرژی گرماسته‌ای

(۲) یک منبع ثابت مواد شیمیایی

(۳) چیزی شبیه یک آزمایشگاه میلیون‌ها مایل دورتر

(۴) یک آسمان صاف در دماهای بسیار بالا

۲۶۸۰ کدام یک از موارد زیر به عنوان دلیلی که افراد محلی خوار می شوند ذکر نشده است؟

- (۱) آن‌ها می خواهند میزان غذایی را که می خورند، کاهش دهند.
 - (۲) آن‌ها می خواهند از کشاورزان محلی خودشان حمایت کنند.
 - (۳) آن‌ها می خواهند کار خوبی برای محیط زیست انجام دهند.
 - (۴) آن‌ها فکر می کنند غذای محلی طعم بهتری دارد.
- ۲۶۸۱ بر اساس متن، بیشتر محلی خواران ترجیح می دهند غذا را بخرند.

- (۱) در عرض ۲۴ ساعت پس از ترک کردن مزرعه
 - (۲) در فاصله ۱۰۰ مایلی از مزرعه‌ای که از آن می آید
 - (۳) در سوپرمارکت محلی خودشان
 - (۴) در مزرعه‌ای که در آن پرورش می یابد.
- ۲۶۸۲ کدام یک از گزاره‌های زیر می تواند از پاراگراف آخر نتیجه گرفته شود؟

- (۱) بسیاری از جوامع هنوز تعداد زیادی محلی خوار ندارند.
 - (۲) اکثر شهرها رستورانی دارند که فقط غذای محلی سرو می کند.
 - (۳) محلی خوار شدن در بیشتر جوامع بسیار سخت است.
 - (۴) سوپرمارکت‌ها عمدتاً غذای تولید محلی را می آورند.
- ۲۶۸۳ هدف نویسنده از نوشتن این متن احتمالاً [این] است که
- (۱) تلاش کند تا خوانندگان را به پرورش دادن غذای محلی بیشتر تشویق کند.
 - (۲) به خوانندگان بیاموزد [که] کجا غذا را به صورت محلی بخرند.
 - (۳) محلی خوارها را با گیاه‌خوارها و گوشت‌خوارها مقایسه کند.
 - (۴) به خوانندگان درباره جنبش محلی خواری اطلاعاتی دهد.

متن ۴

قوی ترین زمین لرزه‌ای که در طول دهه‌ها در مکزیک رخ داد، پس از آن که در جنوب کشور، که منطقه‌ای فقیر است تخریب ویرانگری به بار آورد، حداقل ۵۸ نفر کشته و صدها [نفر] مصدوم را در [روز] جمعه به جای گذاشت. امدادگران در تکاپو برای رسیدن به جوامع تک افتاده روستایی در طول بدترین ایالت‌های آسیب دیده چیپاس و اوآخاکا بودند، [که] بسیاری از آن‌ها در ارتفاع کوهستان‌های سنگلاخی قرار داشتند. این زمین لرزه قدرتمند به ساختمان‌ها تا جایی که دوری مکزیکوسیتی آسیب رساند. آن هم چنین در بیشتر گواتمالا، که صدماتی به ساختمان‌ها گزارش شد، احساس شد.

انریکه پینا نیتو، رئیس جمهور [وقت] مکزیک، گفت [که] زلزله، بزرگی ۸/۲ [ریشتر] را ثبت کرد، قوی ترین [زلزله‌ای که] کشور در بیش از یک قرن از آن لطمه دیده بود. آقای پینا نیتو بیش از ۲۶۰ پس لرزه تا شدت ۶/۱ [ریشتر] را گزارش داد و هشدار داد که ممکن است [پس لرزه‌های] بیشتر در راه باشد [و] مردم را ترغیب کرد تا [در مکان] امن باقی بمانند و به اطلاعات‌های همگانی گوش دهند. او گفت که زمین لرزه توسط حدود ۵۰ میلیون از جمعیت تقریباً ۱۲۰ میلیونی مکزیک احساس شد. مدرسه‌ها در ۱۱ ایالت بسته شد تا مقامات بتوانند ساختمان‌ها را برای صدمه سازه‌ای بازرسی کنند.

۲۶۸۴ بر اساس متن، زمین لرزه

- (۱) بیشتر بخش فقری از مکزیک را تحت تأثیر قرار داد
- (۲) توسط تمام مردم در مکزیک احساس شد
- (۳) به اندازه ۶/۱ در مقیاس ریشتر بود
- (۴) در نزدیکی مکزیکوسیتی رخ داد

۲۶۷۷ نویسنده اشاره می کند که انرژی خورشیدی در یک مقیاس بزرگ به کار نمی رود

- (۱) اگرچه تمیز و ایمن است
 - (۲) چون هزینه کنترل آن بسیار بالا است
 - (۳) چون می تواند بعضی خطرات را برای محیط زیست ایجاد کند
 - (۴) چون پرهزینه [است] و کم تر از منابع دیگر انرژی مقرون به صرفه است
- ۲۶۷۸ کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟
- (۱) انرژی خورشیدی: یک منبع انرژی غیرممکن
 - (۲) انرژی خورشیدی: واقعیت‌ها و حقایق
 - (۳) هزینه‌های استفاده از انرژی خورشیدی
 - (۴) منابع مختلف انرژی
- ۲۶۷۹ بر اساس متن یک جایگزین برای انرژی خورشیدی می تواند باشد.

- (۱) انرژی گرما هسته‌ای اقیانوس
- (۲) انرژی از فسیل‌ها
- (۳) انرژی تابشی
- (۴) انرژی هسته‌ای

متن ۳

آیا شما برخی از غذاهای محبوبتان را کنار می گذاشتید اگر چنین کاری به محیط زیست و اقتصاد محلی کمک می کرد؟ امروزه افراد بیشتر و بیشتری تمایل دارند تا برخی فداکاری‌های کوچک را دقیقاً برای انجام دادن همین [کار] در جوامع خودشان انجام دهند. آن‌ها خود را "locavore" یا "localvore" (محلی خوار) می نامند و تلاش می کنند منبع غذای خود را به محصولاتی محدود کنند که در فاصله به خصوصی از جایی که زندگی می کنند، پرورش می یابند. ممکن است متوجه باشید که لغت محلی خوار کمی شبیه گیاه خوار یا گوشت خوار به نظر می رسد. دقیقاً همان طور که گوشت خواران گوشت می خورند و گیاه خواران گیاهان را می خورند، محلی خوارها فقط غذایی را می خورند که به صورت محلی پرورش می یابد.

دلایل زیادی وجود دارد [که] چرا افراد محلی خوار می شوند. برخی افراد می خواهند از کشاورزان و اقتصاد محلی خودشان حمایت کنند. دیگران می خواهند اندازه ردهای کربنی خود (کل کربن مصرف شده‌شان) را کاهش دهند و تأثیری مثبت بر محیط زیست بگذارند. بعضی افراد غذاهای محلی را به دلایل سلامتی می خورند یا صرفاً چون معتقدند که آن غذا تازه تر است و طعم بهتری دارد. بسیاری از محلی خواران در می یابند که رژیم غذایی شان به آن‌ها کمک می کند [که] چیزهای جدیدی درباره غذایی که می خورند و اجتماعی که در آن زندگی می کنند، بیاموزند. محصول روی قفسه‌های بیشتر سوپرمارکت‌ها در ایالات متحده به طور متوسط [بین] ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ مایل از مزرعه تا فروشگاه جابه‌جا می شود. این فاصله جابه‌جایی هم چنین مایل‌های غذایی نامیده می شود. محلی خواران تلاش می کنند تا مایل‌های غذایی که محصول آن‌ها استفاده می کند را با خریدن غذایی که کم تر از ۱۰۰ مایل جابه‌جا شده است، کاهش دهند. بیشتر غذایی که به صورت محلی تولید و خریده می شود، معمولاً ظرف ۲۴ ساعت از ترک مزرعه‌ای که در آن پرورش یافته یا تولید شده، به فروش می رسد.

تبدیل شدن به یک محلی خوار شاید به نظر شبیه یک چالش بیاید با وجود این، بسته به جایی که در آن زندگی می کنید، ممکن است گزینه‌های زیادی برای خریدن غذای محلی وجود داشته باشد. محلی خواران از بررسی منطقه‌ای که در آن زندگی می کنند به دنبال یافتن بهترین فروشگاه‌ها یا بازارهای کشاورزی برای خریدن محصول پرورش یافته محلی لذت می برند و تعدادی از جوامع رستوران‌هایی دارند که وعده‌هایی را سرو می کنند که فقط از غذای محلی تولید می شود.

۳۲۶۸۵ بسیاری از روستاهایی که تحت تأثیر زلزله قرار گرفتند

(۱) بلافاصله پس از رویداد، کمک دریافت کردند

(۲) قبلاً یک زمین‌لرزه قوی را تجربه کرده بودند

(۳) در کوه‌ها قرار داشتند

(۴) با خاک یکسان شدند

۳۲۶۸۶ کدام یک از موارد زیر دربارهٔ پس‌لرزه‌هایی که در متن ذکر شده

درست است؟

(۱) آن‌ها خسارت بیشتری از آن‌چه انتظار می‌رفت، ایجاد کردند.

(۲) آن‌ها به اندازهٔ خود زمین‌لرزه قوی بودند.

(۳) آن‌ها از نظر تعداد بیش از دویست و پنجاه [تا] بودند.

(۴) آن‌ها رئیس‌جمهور مکزیک را نگران کرده بودند، چون به نظر می‌رسید

مردم راجع به آن‌ها بی‌توجه باشند.

۳۲۶۸۷ متن به احتمال زیاد بخشی از یک است.

(۱) مقاله علمی

(۲) گزارش خبری

(۳) کتاب جغرافیا

(۴) سخنرانی رئیس‌جمهور

متن

آب‌هوا شرایطی هم‌چون باران، باد و آفتاب را توصیف می‌کند که در یک دورهٔ زمانی کوتاه در محلی به‌خصوص رخ می‌دهد؛ اقلیم الگوی کلی آب‌هوا در یک منطقه است. آب‌هوا می‌تواند از یک لحظه به [لحظه] بعد تغییر کند. یک روز گرم آفتابی می‌تواند جای خود را به یک طوفان سهمگین بدهد. ابرهای تیره شکل می‌گیرند، بادهای شدید می‌وزند و باران زمین را زیر ضربات خود می‌گیرد، ولی این ممکن است تنها چند دقیقه قبل از بازگشتن آب‌هوای آفتابی باشد. با وجود این، در برخی بخش‌های جهان، هم‌چون قسمت‌هایی از مناطق استوایی، آب‌هوا گاه برای ماه‌ها به ندرت تغییر می‌کند. در آن‌جا [هوا] همیشه گرم است و باران‌های سنگین می‌بارد. متخصصان هواشناسی دانشمندانی هستند که آب‌هوا را اندازه‌گیری و پیش‌بینی می‌کنند. آن‌ها این [کار] را با مطالعهٔ ابرها، بادهای دما و فشار اتمسفر زمین انجام می‌دهند. ولی علی‌رغم استفاده از ماهواره‌ها، کامپیوترها و فناوری‌های دیگر در پیش‌بینی آب‌هوا، آب‌هوا یک نیروی طبیعت باقی می‌ماند که پیش‌بینی کردن آن سخت است. چندین هزار ایستگاه هواشناسی بر روی زمین، کشتی‌ها و هواپیماها شرایط آب‌هوا را در سراسر جهان اندازه می‌گیرند. این ایستگاه‌ها ابزارهایی دارند که دما، بارندگی، سرعت و جهت باد، فشار هوا و رطوبت (میزان بخار آب در هوا) را اندازه‌گیری می‌کنند. بالون‌هایی به نام رادیوسوندها ابزارهایی را حمل می‌کنند تا اندازه‌گیری‌ها را بالا در هوا انجام دهند. ماهواره‌های آب‌هوایی در فضا عکس‌هایی را از ابرها [به زمین] باز می‌فرستند.

۳۲۶۸۸ کدام یک از موارد زیر دربارهٔ تفاوت میان آب‌هوا و اقلیم درست است؟

(۱) آب‌هوا به شرایط جزئی قابل پیش‌بینی اشاره دارد.

(۲) اقلیم به شرایطی هم‌چون باران و باد اشاره دارد.

(۳) آب‌هوا الگوی ثابت اقلیمی در یک منطقه است.

(۴) اقلیم به شرایط پایدارتری اشاره دارد.

۳۲۶۸۹ بر اساس متن، متخصصان آب‌هوا در هنگام پیش‌بینی آب‌هوا،

کدام یک از موارد زیر را انجام نمی‌دهند؟

(۱) آن‌ها ابرها را مطالعه می‌کنند.

(۲) آن‌ها بادهای را مطالعه می‌کنند.

(۳) آن‌ها در بالون‌هایی خاص در هوا بالا می‌روند

(۴) آن‌ها فشار جو زمین را بررسی می‌کنند.

۳۲۶۹۰ کلمهٔ "barely" در سطر ۵ چه معنایی دارد؟

(۱) هرگز (۲) اغلب (۳) به ندرت (۴) گاهی، هر از گاهی

۳۲۶۹۱ کدام یک از موارد زیر درست نیست؟

(۱) ایستگاه‌های آب‌هوا فقط بر روی زمین ساخته نمی‌شوند.

(۲) ایستگاه‌های آب‌هوا حاوی تجهیزات بسیار پیشرفته هستند.

(۳) رادیوسوندها بالون‌هایی هستند که ابزارهایی خاص را در هوا بالا می‌برند.

(۴) کامپیوترها و ماهواره‌ها پیش‌بینی کردن آب‌هوا بدون هیچ مشکلی را

ممکن می‌کنند.

متن

برای ۱۵۰ سال، دانشمندان تلاش کرده‌اند تا ثابت خورشیدی را تعیین کنند، میزان انرژی خورشیدی که به زمین می‌رسد. با وجود این، حتی در بی‌ابرتین مناطق این سیاره، ثابت خورشیدی نمی‌تواند به دقت اندازه‌گیری شود. مولکول‌های گاز و ذرات گردوغبار در جو، نور خورشید را جذب، پخش می‌کنند و از این‌که برخی طول موج‌های نور هرگز به زمین برسد، جلوگیری می‌کنند. ولی با ظهور ماهواره‌ها، دانشمندان نهایتاً توانسته‌اند خروجی [انرژی] خورشید را بدون [آن‌که] توسط جو زمین با مانع مواجه شوند، اندازه بگیرند. سولار مکس، یک ماهوارهٔ ادارهٔ کل ملی هوانوردی و فضا [آمریکا] (ناسا) مغول اندازه‌گیری خروجی [انرژی] خورشید از فوریهٔ ۱۹۸۰ بوده است. مشاهدات مکس نشان می‌دهد که ثابت خورشیدی به هر حال واقعاً ثابت نیست. ابزارهای [اندازه‌گیری] این ماهواره تغییراتی کوچک [و] متدوال را در خروجی انرژی خورشید تشخیص داده‌اند [که] به طور کلی به بیش از ۰/۵ درصد از متوسط انرژی خروجی خورشید نمی‌رسد و از چند روز تا چند هفته طول می‌کشد. دانشمندان معتقدند [که] این نوسانات با پدیدار شدن و ناپدید شدن گروه‌های بزرگ لکه‌های خورشیدی بر روی قرص خورشید هم‌زمان می‌شوند. لکه‌های خورشیدی مناطقی به نسبت تیره بر سطح خورشید هستند که میدان‌های مغناطیسی قوی و دمایی در حدود ۲۰۰۰ درجهٔ فارنهایت (حدود ۱۰۹۳ درجهٔ سلسیوس) خنک‌تر از باقی سطح خورشید دارند. نوسانات به‌ویژه بزرگ در ثابت خورشیدی با رؤیت گروه‌های لکه‌های خورشیدی بزرگ هم‌زمان شده‌اند. مثلاً، در [سال] ۱۹۸۰ ابزارهای سولار مکس افقی ۳/۰ درصدی در انرژی خورشیدی که به زمین می‌رسد، ثبت کردند. در آن زمان یک گروه لکهٔ خورشیدی در حدود ۰/۶ درصد از قرص خورشید را پوشانده بود، ناحیه‌ای ۲۰ برابر بزرگ‌تر از سطح زمین. تعیین کردن نوسانات بلندمدت در ثابت خورشیدی دشوارتر است. اگرچه اطلاعات سولار مکس کاهشی آهسته و پیوسته را در خروجی خورشید نشان داده‌اند، برخی دانشمندان معتقد بوده‌اند که شناساگرهای در حال فرسایش ماهواره ممکن است در طول سالیان، کمتر حساس شده باشند (حساسیت خود را از دست داده باشند)، بنابراین به اشتباه، افقی را در ثابت خورشیدی نشان می‌دهند. با وجود این، این امکان با مقایسهٔ مشاهدات سولار مکس با اطلاعاتی از ابزاری مشابه که بر روی ماهوارهٔ هواشناسی نیمبوس ۷ ناسا از [سال] ۱۹۷۸ فعالیت می‌کرده، کنار گذاشته شد.

محتمل‌ترین توضیح برای گرمایش جهانی کنونی آن است که این [پدیده] نتیجه غلظت‌های فزاینده گازهای گلخانه‌ای در جو - مانند دی‌اکسید کربن، متان و کلروفلوروکربن‌ها - است، که به انرژی خورشید اجازه می‌دهد به زمین برسد، ولی جلوی مقداری از آن را می‌گیرد که دوباره به فضا بگریزد. این گازها در ۱۰۰ سال گذشته، عمدتاً در نتیجه استفاده بشر از سوخت‌های فسیلی مانند زغال‌سنگ و نفت خام برای فراهم کردن انرژی به طور پیوسته در حال افزایش بوده‌اند. از آن‌جا که ما تقریباً به طور قطع برای سالیان بسیار پیش رو به سوخت‌های فسیلی به عنوان منبع اصلی انرژی‌مان متکی خواهیم بود و از آن‌جا که انتظار می‌رود جمعیت زمین تا سال ۲۱۰۰ دو برابر شده باشد، غلظت‌های گازهای گلخانه‌ای در طول قرن آینده به افزایش یافتن ادامه خواهد داد. تخمین زده می‌شود که گرمایش جهانی، دمای سطحی متوسط زمین را تا سال ۲۱۰۰ بین ۱ درجه سلسیوس و ۲ درجه سلسیوس (۲ درجه فارنهایت و ۴ درجه فارنهایت) افزایش دهد.

۳۲۶۹۷ بهترین تعریف برای گرمایش جهانی چیست؟

- (۱) مجموعه‌ای از اقلیم‌های مختلف در سراسر جهان
- (۲) تغییر در اقلیم که به موازات پیرتر شدن زمین رخ می‌دهد
- (۳) افزایش در دمای سطحی متوسط زمین در طول دوره‌ای از زمان
- (۴) دوره‌های پیشین گرمایش در حدود ۱۵,۰۰۰ سال قبل تا پایان آخرین عصر یخبندان

۳۲۶۹۸ بر اساس متن، دمای سطح زمین

- (۱) اکنون ۱۶ درجه سلسیوس است
- (۲) هر سال ۰/۵ درجه سلسیوس افزایش یافته است
- (۳) در طول دوره‌های یخچالی حدود ۱۱ درجه سلسیوس بود
- (۴) در طول میان‌یخچالی‌ها سردترین بود

۳۲۶۹۹ گرمایش جهانی کنونی به دلیل اتفاق افتاد.

- (۱) گریز انرژی به فضا
- (۲) جریان انرژی از خورشید به زمین
- (۳) افزایشی در برخی گازهای درون جو
- (۴) گرم شدن زمین در طول اعصار یخبندان

۴۲۷۰۰ کلمه "steadily" (به طور پیوسته) در پاراگراف ۳ نزدیک‌ترین

معنی را به "continuously" دارد.

- (۱) به طور متداول، به طور عمومی
- (۲) قبلاً، سابقاً، پیش از این
- (۳) قطعاً، مسلماً
- (۴) به طور مستمر، به طور پیوسته

۱۲۷۰۱ انتظار نمی‌رود که در آینده نزدیک

- (۱) مصرف شدن سوخت‌های فسیلی متوقف شود
- (۲) جمعیت زمین افزایش بیابد
- (۳) گرمایش جهانی شدیدتر از آنی که اکنون هست باشد
- (۴) گازهای گلخانه‌ای به کاهش یافتن در طول قرن آینده ادامه دهند

۸ متن

مسائل زیست‌محیطی مربوط به انسان [جیز] جدیدی نیست. مشکل جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی، آلودگی آب، تغییر اقلیمی و انقراض گونه‌ها [ی] جانوری و گیاهی در طول تاریخ زمین، حاضر بوده‌اند. با وجود این، با علم و فناوری پیشرفته امروزی، مردم می‌توانند صدماتی بزرگ‌تر به طبیعت بزنند و این [کار] را سریع‌تر

۳۲۶۹۲ متن عمدتاً در مورد چیست؟

- (۱) پرتاب یک ماهواره هواشناسی
 - (۲) اجزای جو زمین
 - (۳) اندازه‌گیری نوسانات در ثابت خورشیدی
 - (۴) تعامل نور خورشید و آلودگی هوا
- ۳۲۶۹۳** نویسنده برای چه در سطر ۳ از «گاز» و «گردوغبار» نام می‌برد؟
- (۱) آن‌ها ثابت خورشید را بیشتر می‌کنند.
 - (۲) آن‌ها در غلظت‌های گوناگون یافت می‌شوند.
 - (۳) تجهیزات علمی توسط گاز و گردوغبار خراب می‌شود.
 - (۴) آن‌ها با اندازه‌گیری دقیق ثابت خورشیدی تداخل پیدا می‌کنند.
- ۱۲۶۹۴** بر اساس متن، دانشمندان معتقدند که نوسانات در ثابت خورشیدی به ربط دارد.

(۱) فعالیت لکه خورشیدی

(۲) الگوهای غیرمعمول آب‌وهوا

(۳) سطوح بالا رفته گردوغبار

(۴) نوسانات در دمای زمین

۳۲۶۹۵ چرا دانشمندان فکر می‌کردند که سولار مکس ممکن است اطلاعات

غیرقابل اتکالی بدهد؟

- (۱) سولار مکس برای چندین سال اول کار نکرد.
- (۲) شاتل فضایی نتوانست ابزارهای سولار مکس را تعمیر کند.
- (۳) ابزارهای سولارمکس داشتند قدیمی می‌شدند.
- (۴) نیمبوس ۷ با شناساگرهای سولار مکس تداخل پیدا می‌کرد.

۱۲۶۹۶ تلاش برای توصیف کردن ثابت خورشیدی به بهترین نحو می‌تواند

به عنوان توصیف شود.

- (۱) یک تلاش مطالعاتی ادامه‌دار
- (۲) موضوعی که حل شده است
- (۳) سؤالی که هرگز نمی‌تواند پاسخ داده شود
- (۴) از نظر تاریخی جالب، ولی بی‌ارتباط با دغدغه‌های معاصر

۷ متن

گرمایش جهانی اصطلاحی است که برای توصیف کردن افزایش دمای سطحی متوسط زمین در طول دوره‌ای از زمان استفاده می‌شود. این [اصطلاح] می‌تواند به دوره‌های پیشین گرمایش مانند آن [گرمایشی] که حدود ۱۵,۰۰۰ سال پیش تا پایان آخرین عصر یخبندان رخ داد، اشاره داشته باشد، ولی معمولاً به معنای تغییری در اقلیم به کار می‌رود که تصور می‌شود احتمالاً در نتیجه اثر گلخانه‌ای، آن‌طور که در پایین توضیح داده می‌شود، رخ دهد. دمای سطحی متوسط کنونی زمین در حدود ۱۵ درجه سلسیوس (۵۹ درجه فارنهایت) است و این هر سال به میزان چند دهم درجه تغییر می‌کند. در طول دوره‌های زمانی طولانی‌تر، سطح زمین هم خنک‌تر بوده است (شاید در حدود ۱۱ درجه سلسیوس یا ۱۲ درجه سلسیوس (بین ۵۲ درجه فارنهایت و ۵۴ درجه فارنهایت) در طول اعصار یخبندان یا دوره‌های یخچالی) و [نیز] گرم‌تر (شاید در حدود ۱۶ درجه سلسیوس (۶۱ درجه فارنهایت) در طول بعضی دوره‌های بین اعصار یخبندان - میان‌یخچالی‌ها). در طول ۱۰۰ سال گذشته یا [چیزی] در این حدود، دمای سطحی متوسط در حدود ۰/۵ درجه سلسیوس (۱ درجه فارنهایت) افزایش یافته است.

بودند، شده‌اند، نه کم‌تر [از] آن. دوم [این‌که] اکنون از هر زمانی در تاریخ غذای بیشتری برای هر نفر از جمعیت جهان تولید می‌شود. افراد کم‌تری از گرسنگی می‌میرند. سوم [این‌که] اگرچه گونه‌های جانوری و گیاهی در واقع در حال انقراض هستند، انتظار می‌رود که تنها در حدود ۷٪ از آن‌ها در ۵۰ سال آینده منقرض شوند، نه ۲۵ تا ۵۰٪ که اغلب پیش‌بینی شده است. و در آخر، بیشتر اشکال آلودگی زیست‌محیطی یا به نظر می‌رسد که افراتر شده باشند [و] یا گذرا هستند. مرتبط با مراحل اولیه صنعتی شدن و بنابراین بهترین [راه] حذف آن‌ها، نه توسط محدود کردن رشد اقتصادی، بلکه توسط تسریع آن [است].

۳۲۷۰۶ کدام یک از گزاره‌های زیر به بهترین نحو شیوه‌ای را که اطلاعات در متن ارائه می‌شود، توصیف می‌کند؟

(۱) تعدادی از مشکلات فهرست شده و سپس به دنبالشان راه‌حل‌های مناسبشان آمده است.

(۲) موقعیتی خطرناک توصیف شده و سپس علل اصلی آن مورد بحث قرار گرفته است.

(۳) نکته‌ای اصلی مطرح شده و سپس با اطلاعات جدید رد شده است.

(۴) نتیجه‌ای ذکر شده و سپس حقایقی برای تقویت آن گنجانده شده است.

۳۲۷۰۷ می‌توان از متن نتیجه گرفت که آن‌هایی که کتاب محدودیت‌های رشد را نوشتند باور داشتند که انرژی و منابع طبیعی دیگر

(۱) بی‌پایان هستند

(۲) به‌زودی به طرز مناسب‌تری استفاده خواهند شد

(۳) کم‌تر از آن‌چه در گذشته بودند، هستند

(۴) می‌توانند تا نهایت ظرفیتشان استفاده شوند

۴۲۷۰۸ کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل نظر نویسنده را در مورد گونه‌های انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی بیان می‌کند؟

(۱) آن [در حال حاضر] اتفاق نمی‌افتد.

(۲) آن رویدادی واقعی است ولی می‌تواند خیلی ساده متوقف شود.

(۳) آن تنها برای آن گونه‌هایی که بسیار ضعیف هستند اتفاق می‌افتد.

(۴) آن به نسبت آن‌چه بعضی‌ها واقعیت می‌دانند با نرخ بسیار کم‌تر اتفاق می‌افتد.

۱۲۷۰۹ نویسنده معتقد است که رشد اقتصادی

(۱) باید سریع‌تر ادامه بیابد

(۲) تازه در مراحل نخستین پیشرفتش است

(۳) [قطعاً] به آلودگی می‌انجامد ولی به هر حال نباید متوقف شود

(۴) ممکن نیست آلودگی را حذف کند ولی می‌تواند مانع بدتر شدن آن از چیزی شود که الان هست.

متن ۱۰

جمعیت جهان به سرعت در حال افزایش است. تا [سال] ۲۰۳۰، ممکن است ۸/۵ میلیارد انسان بر روی زمین باشند. آیا برای تمام این انسان‌ها غذای کافی خواهد بود یا ما کمبود غذایی خواهیم داشت؟ برخی دانشمندان فکر می‌کنند [که] پرورش ماهی می‌تواند این مشکل را حل کند. با وجود این، دانشمندان دیگر نگران هستند که پرورش ماهی می‌تواند باعث مشکلات زیست‌محیطی جدی شود. پرورش ماهی چیز جدیدی نیست. حوضچه‌های پرورش ماهی ۳۰۰۰ سال قبل

انجام دهند. تأثیرات [چنین صدماتی] بیشتر پیچیده است. از سوی دیگر، به دلیل رشد جمعیت، انسان‌ها بیش از همیشه تشویق می‌شوند تا از منابع طبیعی برای برآورده کردن نیازهای جمعیت فزاینده استفاده کنند، اگرچه آن‌ها می‌دانند [که] آن‌چه انجام می‌دهند بدون عواقب زیست‌محیطی نیست. ولی بیش از همه [چیز]، تأثیر دست‌کاری‌های زیست‌محیطی ساخته بشر، دیگر محدود به سطح محلی یا منطقه‌ای نیست، بلکه در حال گسترش یافتن به کل سیاره است.

علت آسیب زیست‌محیطی، عمیقاً ریشه در فرهنگ انسانی دارد. از طریق صدها سال صنعتی‌سازی و استخراج منابع طبیعی، انسان‌ها بر اساس این فرض رفتار می‌کنند که ما بهترین گونه روی زمین هستیم. ما به خاطر هوشمندی، علم، و قدرت و ماده‌گرایی خودمان، احتراممان را برای طبیعت از دست داده‌ایم، که قطعاً در بلندمدت به نابودی خودمان خواهد انجامید. در جهانی که در آن استانداردهای مادی‌گرایانه حکمرانی می‌کند، افراد مجبور می‌شوند تا از منابع طبیعی بیشتری به صورت ناکارآمد استفاده کنند، چراکه ثروت شخصی در حال تبدیل شدن به ملاک نهایی موفقیت در چشم جامعه است.

۱۲۷۰۲ تمام موارد زیر به عنوان عواملی ذکر شده‌اند که به آسیب بیشتر

مرتبط با انسان به محیط‌زیست می‌انجامد، به جز

(۱) انقراض حیوانات و گیاهان

(۲) جمعیت رو به افزایش بشر

(۳) فناوری پیشرفته‌تر

(۴) بخشی از فرهنگ انسانی

۴۲۷۰۳ کلمه "it" در پاراگراف ۱ به "damage to nature" اشاره دارد.

(۱) زمین

(۲) طبیعت

(۳) فناوری

(۴) صدمه به طبیعت

۴۲۷۰۴ از متن نمی‌توان فهمید که اگر انسان‌ها می‌توانستند کم‌تر ماده‌گرا باشند، آن‌ها

(۱) از نابودی بلندمدتشان جلوگیری می‌کردند

(۲) شروع به نشان دادن احترام بیشتری برای طبیعت می‌کردند

(۳) استفاده منطقی‌تری از منابع طبیعی می‌کردند

(۴) باعث آسیب محلی بسیار کم‌تری به محیط‌زیست می‌شدند تا [آسیب] جهانی

۱۲۷۰۵ به نظر می‌رسد که متن حاکی از آن باشد که جامعه انسانی کنونی

(۱) به طور کلی تحت سلطه استانداردهای ماده‌گرایانه است

(۲) به‌زودی از تلقی کردن به عنوان بهترین جامعه بر روی این سیاره، دست می‌کشد

(۳) از آسیب جهانی که به محیط‌زیست می‌زند ناآگاه است

(۴) اگر واقعاً می‌دانست [که] محیط‌زیست چه قدر بارز است، برای نجات دادن محیط‌زیست، سریع اقدام می‌کرد

متن ۹

برای بسیاری از طرفداران محیط‌زیست به نظر می‌رسد که جهان دارد بدتر می‌شود؛ آن‌ها فهرست‌هایی طولانی را از ترس‌های اصلی ما تهیه کرده‌اند: [این] که منابع طبیعی رو به اتمام هستند؛ [این] که جمعیت مدام در حال افزایش است [و] چیز کم‌تر و کم‌تری برای خوردن باقی می‌گذارد؛ [این] که گونه‌ها در اعداد و ارقام بزرگ منقرض می‌شوند و [این] که هوا و آب این سیاره دارند پیوسته آلوده می‌شوند. ولی نگاهی سریع به واقعیت‌ها، تصویری متفاوت را نشان می‌دهد. نخست [این‌که]، از زمانی که کتاب محدودیت‌های رشد در [سال] ۱۹۷۲ توسط گروهی از دانشمندان به چاپ رسید، انرژی و منابع طبیعی دیگر، بیشتر از آن‌چه در گذشته

- (۱) مشکل شیوه‌های پرورش [ماهی] کنونی چیست که آن‌ها را از برآورده کردن نیازهای غذایی انسان ناتوان می‌کند؟
- (۲) برخی مشکلات زیست‌محیطی که احتمالاً به طور مستقیم توسط ماهی‌های وحشی ایجاد می‌شوند، چیست؟
- (۳) منبع غذایی که به ماهی‌های گوشت‌خوار در حوضچه‌های پرورش ماهی مربوط داده می‌شود، چیست؟
- (۴) آیا ماهی‌هایی که در گذشته توسط انسان پرورش می‌یافتند حاوی مواد شیمیایی مضر بودند؟

متن ۱۱

معمولاً وقتی که به یک مزرعه فکر می‌کنیم، زمین‌هایی آرام [و] وسیع را در منطقه روستایی تصور می‌کنیم، بسیار دور از شهر. با وجود این، هم‌چنان‌که شهرها در سراسر جهان به رشد کردن ادامه می‌دهند، بسیاری از ساکنان آن‌ها درگیر کشاورزی شهری می‌شوند. امروزه، مزرعه‌های کوچک شهری دارند معمول و معمول‌تر می‌شوند.

کشاورزی شهری مزایای مهمی برای مردم شهر دارد. نخست [این‌که]، برای محیط‌زیست خوب است. این محصولات، میزان دی‌اکسید کربن (CO_2) را کاهش و اکسیژن (O_2) را در هوا افزایش می‌دهند. در نتیجه، آن‌ها به تمیز کردن هوا کمک می‌کنند. دوم [آن‌که]، غذای پرورش‌یافته به صورت محلی تازه‌تر است. آن [غذا] لازم نیست مسافت‌های طولانی را جابه‌جا شود، بنابراین ارزان‌تر هم هست. ساکنان شهر هم‌چنین از لذت کشاورزی بهره‌مند می‌شوند. آن می‌تواند استرس زندگی شهری را کاهش دهد.

کوبا نمونه‌ای از جایی است که موفقیت بسیاری در مورد کشاورزی شهری داشته است. کشاورزی در کوبا سابقاً به نفت برای راندن تراکتورها و دیگر ماشین‌آلاتی که در مزارع بزرگ نیاز هستند، متکی بود. وقتی که نفت خیلی گران شد، کوبا شروع به پدید آوردن کشاورزی شهری کرد. مزارع کوچک شهر، محصولات غذایی را بدون تجهیزات سنگین تولید می‌کنند. کشاورزان از کودهای شیمیایی نیز استفاده نمی‌کنند، بنابراین غذایی که پرورش می‌دهند، سالم‌تر است. امروزه، شهر پایتخت، هوانا (با جمعیتی در حدود ۲ میلیون) حدود ۲۰۰ مزرعه شهری دارد. آن‌ها محصولاتی همچون کاهو، گوجه‌فرنگی، فلفل، سیب‌زمینی شیرین، اسفناج و سبزی‌خوردن را تولید می‌کنند. این غذا[ها] سپس با قیمت‌های پایین در بازارهای محلی به فروش می‌رسد.

برخی شهرها در ایالات متحده شیوه دیگری از کشاورزی را امتحان کرده‌اند: دیوارهای خوراکی. این دیوارها قاب‌هایی فلزی دارند که از خاک و بذر پر می‌شوند. دیوارهای خوراکی می‌توانند در حیاط‌های کوچک، محوطه‌های پارکینگ و بسیاری از مکان‌های دیگری که در آن فضای زیادی نیست، استفاده شوند. آن‌ها می‌توانند میوه، سبزیجات و سبزی‌خوردن را در فضایی بسیار کمتر از آن‌چه در باغچه‌های معمولی نیاز است، تولید کنند.

در ونکوور کانادا، گروهی از مردم از دو بلوک حیاط خالی برای [درست کردن] یک باغ شهری استفاده کردند. همسایه‌ها آخر هفته‌ها را برای کاشتن میوه‌ها و سبزیجات کار کردند. در طول زمان، آن‌ها چیزهای زیادی در مورد کشاورزی آموختند. حالا آن‌ها دارند مرغ هم پرورش می‌دهند و کندوهایی برای عسل راه می‌اندازند.

مشارکت اجتماعی بخش مهمی از موفقیت پروژه‌های کشاورزی شهری در بسیاری از بخش‌های جهان بوده است. به دلیل این همکاری، هزاران جریب از بام خانه‌ها، محوطه‌های پارکینگ، دیوارها و حیاط‌ها حالا به تغذیه کردن مردم شهرها کمک می‌کنند.

در چین وجود داشتند. امروزه، حدود یک سوم از ماهی‌هایی که ما می‌خوریم از حوضچه‌های پرورش ماهی می‌آیند.

بیشتر حوضچه‌های پرورش ماهی، ماهی‌های گیاه‌خوار پرورش می‌دهند. انواع محبوب ماهی‌های گیاه‌خوار، کپور، تیلپیا و گریه‌ماهی هستند. متأسفانه، بسیاری از حوضچه‌های پرورش ماهی دارند شروع به پرورش ماهی‌های گوشت‌خوار می‌کنند. یک نوع محبوب ماهی گوشت‌خوار سالمون است. این ماهی‌های گوشت‌خوار از غذای فراوری‌شده تهیه‌شده از ماهی‌های وحشی تغذیه می‌کنند. با وجود این، برای تولید کردن فقط ۱ تن سالمون پرورشی به ۵ تن ماهی وحشی نیاز است. ذخیره ماهی وحشی پیشاپیش رو به کاهش است. نهایتاً بسیاری از انواع ماهی وحشی ممکن است منقرض شوند. ما آن وقت چه کار خواهیم کرد؟ منتقدان پرورش ماهی هم‌چنین می‌گویند که ماهی‌های پرورشی برای انسان‌ها ناسالم هستند. آن‌ها می‌گویند که این [نوع] ماهی حاوی مواد شیمیایی خطرناکی است. آن‌ها هم‌چنین از پرورش ماهی انتقاد می‌کنند چون آن آب را آلوده می‌کند. انتقادی دیگر [آن] است که ماهی‌های پرورشی ممکن است بیماری‌هایی را به ماهی‌های وحشی شیوع دهند.

برخی افراد می‌گویند که روش‌های پرورش [ماهی] که اکنون مورد استفاده است، به هر حال ماهی کافی تولید نمی‌کنند. آن‌ها می‌گویند که به جای قرار دادن حوضچه‌های پرورش ماهی در دریاچه‌ها یا نزدیک ساحل، حوضچه‌های پرورش ماهی باید به دوردست در میان اقیانوس منتقل شوند. چندین کشور پیشاپیش مشغول آزمایش با حوضچه‌هایی در دل اقیانوس هستند. در آینده، حوضچه‌های پرورش ماهی ممکن است قفس‌های بزرگی باشند که در عرض اقیانوس حرکت می‌کنند.

۳۷۱۰ بر اساس متن، این درست است که

- (۱) بیشتر دانشمندان معتقد هستند که پرورش ماهی پاسخی برای کمبود غذایی آینده ماست
- (۲) مشکلات زیست‌محیطی حاصل از پرورش ماهی جدی‌تر از کثرت جمعیت است
- (۳) پرورش ماهی چیز جدیدی نیست چون [این کار] چند هزار سال پیش توسط برخی مردم انجام می‌شد
- (۴) از آن‌جا که پرورش‌دهندگان ماهی می‌توانند از ماهی‌های گوشت‌خوار پول در بیاورند، آن‌ها ممکن است خیلی زود تصمیم بگیرند که از پرورش [ماهی‌های] گیاه‌خوار دست بکشند

۳۷۱۱ برای تولید کردن دو تن سالمون، پرورش‌دهندگان ماهی باید حدود مصرف کنند.

- (۱) ۵ تن غذای فراوری‌شده و ۵ تن ماهی وحشی
- (۲) همان میزان ماهی وحشی
- (۳) ۱۰ تن غذای فراوری‌شده
- (۴) ۱۰ تن ماهی وحشی

۳۷۱۲ مواد شیمیایی مورد اشاره در متن وقتی که انسان‌ها به بدن انسان وارد می‌شوند.

- (۱) ماهی‌هایی را که در حوضچه‌های پرورش ماهی پرورش یافته‌اند مصرف کنند
- (۲) آبی را که ماهی‌ها در آن پرورش یافته‌اند بنوشند
- (۳) ماهی‌های وحشی تحت تأثیر ماهی‌های پرورش‌یافته را بخورند
- (۴) با آب‌های اقیانوس آلوده‌شده توسط حوضچه‌هایی که در دل اقیانوس هستند، تماس پیدا کنند

۳۷۱۳ متن اطلاعاتی را ارائه می‌کند که به کدام یک از سوالات زیر پاسخ خواهد داد؟

۴۲۷۱۴ تمام موارد زیر از مزایای کشاورزی شهری برای مردم شهر هستند،

جز [این که]

- (۱) آن برای محیط زیست خوب است
 - (۲) غذای پرورش یافته تازه تر است
 - (۳) غذا نیازی نیست که فواصل طولانی را جابه جا شود بنابراین ارزان تر است
 - (۴) آن باعث شده تا بسیاری از مردم شهر برای کشاورزی به روستاها بروند
- ۱۲۷۱۵ بر اساس متن، مزرعه شهری یک است.

(۱) مزرعه کوچک در شهر

(۲) مزرعه بزرگ در روستا

(۳) مکانی آرام [و] وسیع در منطقه روستایی

(۴) مکان که بیشتر غذای جهان را تولید می کند

۲۷۱۶ اشاره شده است که کوبا کشاورزی شهری را آغاز کرد، عمدتاً به این دلیل که

(۱) آن ها به فضای بیشتری برای پرورش دادن محصولات نیاز داشتند

(۲) قیمت سوخت بالا رفت

(۳) آن ها تجهیزات سنگین نداشتند

(۴) آن ها نمی خواستند تا از کودهای شیمیایی استفاده کنند

۴۲۷۱۷ کلمه "they" در پاراگراف ۴ به اشاره دارد.

(۱) بذرها (۲) مکان ها (۳) شهرها (۴) دیوارها

متن ۱۳

عوامل پنهانی وجود دارند که دانشمندان «سازوکارهای بازخورد» می نامند. هیچ کس دقیقاً نمی داند [که] آن ها چگونه با اقلیم در حال دگرگونی خواهند کرد. این یک مثال است: گیاهان و حیوانات با تغییر اقلیمی در طول قرن ها سازگار می شوند. با تخمین کنونی نیم درجه سلسیوس گرمایش در هر دهه، پوشش گیاهی ممکن است دوام نیاورد. اقلیم شناس جیمز هانسن پیش بینی می کند [که] نواحی اقلیمی ۵۰ تا ۷۵ کیلومتر در سال - سریع تر از [آن چه] درختان می توانند به طور طبیعی مهاجرت کنند - به سمت قطب ها جابه جا خواهند شد. گونه هایی که خود را در محیطی نا آشنا می یابند، از بین خواهند رفت. نوار جنگلی با پهنای ۱۰۰۰ کیلومتری که از میان کانادا، روسیه و اسکندیناوی عبور می کند ممکن است نصف شود. میلیون ها درخت رو به مرگ به زودی به آتش سوزی های عظیم جنگلی خواهند انجامید [که] چندین تن CO₂ را آزاد و گرمایش جهانی را بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

ده ها سازوکار بازخورد امکان پذیر دیگر نیز وجود دارد. دماهای بالاتر میعان را تشدید می کند و ابری بودن را افزایش می دهد، که ممکن است در واقع گرمایش جهانی را کاهش دهد. بقیه، مانند اثر «آلبدو» (سپیدایی) برعکس [این] عمل خواهد کرد. اثر «آلبدو» میزان انرژی خورشیدی است که توسط سطح زمین بازتاب داده می شود. هم چنان که یخ و برف شمالی ذوب می شود و دریا و زمین تیره از میان آن بیرون می زند، گرمای بیشتری جذب خواهد شد [و] به افزایش دمای جهانی اضافه خواهد کرد.

حتی اگر قرار بود ما به نحوی جادویی تمام انتشار گازهای گلخانه ای را [همین] فردا متوقف کنیم، تأثیر [آن] بر اقلیم جهانی برای ده ها ادامه می یافت. تأخیر صرفاً مشکل را بدتر خواهد کرد. واقعیت آن است که بعضی از

ما همان طور که [جریان] امور هست، داریم خوب عمل می کنیم. در جهان توسعه یافته، رفاه بر پایه ۱۵۰ سال سوخت فسیلی ارزان ساخته شده است. پیشرفت مادی به مصرف انرژی ارتباط داده شده است. امروزه، ۷۵ درصد از تمام انرژی جهان توسط یک چهارم از جمعیت جهان مصرف می شود. شهروند متوسط جهان ثروتمند، سالانه حدود ۳/۲ تن CO₂ به جو اضافه می کند، بیش از چهار برابر سطحی که توسط هر شهروند یک کشور در حال توسعه [به جو] اضافه می شود. ایالات متحده، با تنها [کمی] بیش از چهار درصد از جمعیت جهان، مسئول ۲۲ درصد از گرمایش جهانی است.

۲۷۱۸ اصطلاح «سازوکارهای بازخورد» در پاراگراف اول به کدام یک از وقایع زیر اشاره دارد؟

(۱) گیاهان و جانوران چگونه با عوامل پنهان سازگار می شوند

(۲) گیاهان و حیوانات چگونه با اقلیم در حال دگرگونی تعامل می کنند

(۳) اقلیم چگونه در سراسر جهان تغییر می کند

(۴) مناطق اقلیمی چگونه در طول قرن ها جابه جا می شوند

۴۲۷۱۹ جیمز هانسن پیش بینی می کند که جابه جایی نواحی اقلیمی با همراه خواهد شد.

(۱) قطع کردن بسیاری از درختان (۲) تغییرات زیست محیطی مطلوب

(۳) مهاجرت موفق حیوانات (۴) مهاجرت ناموفق درختان

۱۲۷۲۰ از متن می توانیم بیاموزیم که

(۱) برخی سازوکارهای بازخورد ممکن است گرمایش جهانی را کند کنند

(۲) واقعیت های اساسی گرمایش جهانی ناشناخته هستند

(۳) کشورهای در حال توسعه از سوخت های فسیلی ارزان سود می برند

(۴) کشورهای توسعه یافته تصمیم گرفته اند تا مصرف انرژی خود را کاهش دهند

۲۷۲۱ از متن می توان نتیجه گرفت که

(۱) جهان در حال توسعه تصمیم گرفته است تا مصرف انرژی خود را افزایش دهد

(۲) یک شهروند متوسط کشور در حال توسعه سالانه کمتر از یک تن CO₂ به جو اضافه می کند

(۳) اگر ما انتشار گازهای گلخانه ای را متوقف می کردیم، اقلیم جهانی به زودی تعادل خود را باز می یافت

(۴) رفاه آینده جهان به سوخت های فسیلی ارزان وابسته است

۳۲۷۲۲ آنجلا از من پرسید [که] چگونه از آن دستگاه کپی استفاده کند. او قبلاً هرگز از آن استفاده نکرده بود، بنابراین نمی دانست چه کار کند.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یک دیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد *had used*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *didn't know*) استفاده می شود. دقت کنید که چون فعل اول در گذشته و پیش از فعل دوم هرگز انجام نشده است، پس طبق مفهوم جمله برای اشاره به آن باید از *never* (هرگز) استفاده کنیم، نه *already* (تا آن موقع، قبلاً؛ دیگر).

۴۲۷۲۳ آزمایش ها بر روی عکاسی از اشیاء متحرک در هر دوی ایالات متحده و اروپا، بسیار قبل از [سال] ۱۹۰۰ انجام شده بود.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یک دیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been conducted*) و برای فعل دوم از زمان

گذشته ساده استفاده می‌شود. البته در این مورد سال ۱۹۰۰ که زمان مشخصی در گذشته است، جایگزین فعل گذشته ساده شده است.

۳۷۷۴ پلیس فایل عکس را به دقت بررسی کرد و پی برد که اوایل آن هفته توسط یک گواشی هوشمند کنار استخر شنا گرفته شده بود.

در صورتی که دو عمل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر انجام شده و به اتمام رسیده باشند، برای فعلی که ابتدا انجام شده، از زمان گذشته کامل (در این مورد فعل مجهول *had been taken*) و برای فعل دوم از زمان گذشته ساده (در این مورد *discovered / was discovered*) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که هر چند فعل *discover* (کشف کردن، پی بردن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد، اما چون مفعول این فعل (تمام عبارت قرار گرفته پس از جای خالی اول) بعد از فعل قرار دارد، پس دیگر مجاز نیستیم این فعل را مجهول کنیم و تنها گزینه‌هایی می‌توانند صحیح باشند که در آن‌ها این فعل را به صورت معلوم (*discovered*) داریم.

۱۷۷۲۵ دستگاه‌ها می‌توانند برای حل کردن مشکلات قابل انتظار طراحی شوند، ولی تاکنون تنها انسان‌ها توانایی مدیریت دشواری‌های پیش‌بینی نشده را نشان داده‌اند.

فعل *design* (طراحی کردن، طرح ... را کشیدن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (*machines*) پیش از جای خالی اول قرار گرفته است، در این جای خالی به فعل مجهول (*to be + p.p.*) نیاز داریم و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۳) خواهد بود. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید برای افعالی که از گذشته تاکنون به طور پیوسته یا متناوب وجود داشته‌اند، یا انجام شده‌اند، از فعل حال کامل (در این مورد *have shown*) استفاده می‌شود.

۳۷۷۲۶ مطالعات نشان می‌دهند که افراد با درآمد بالا نسبت به آن‌هایی که از پیشینه‌های درآمدی پایین‌تری می‌آیند بیش از دو برابر احتمال بیشتری دارد که در دانشگاه شرکت کنند.

(۱) تدریجی؛ آهسته (۲) مداوم، همیشگی

(۳) احتمالی، محتمل (۴) عملی، معقول

احتمال داشتن که، احتمال چیزی رفتن: *to be likely to*

۱۷۷۲۷ تنها بخش پایینی جو زمین ما، به شکل ابرهایی که ما در آسمان‌مان

شناور می‌بینیم قابل دیدن است.

(۱) جو، اتمسفر؛ حال و هوا، محیط

(۲) توصیف، تعریف، تشریح؛ وصف

(۳) [اجزاء] تشکیل‌دهنده، سازنده؛ جزء سازنده، عنصر

(۴) درجه حرارت، دما، گرما

۱۷۷۲۸ شما سال بعد می‌توانید برای آن شغل درخواست بدهید اگر شرایط

ذکر شده در آگهی شغلی را دارا هستید.

(۱) استعمال کردن؛ درخواست دادن، تقاضا کردن؛ کاربرد داشتن

(۲) تأمین کردن، فراهم کردن؛ [نیاز] برآوردن

(۳) جواب دادن؛ پاسخ ... را دادن

(۴) تبعیت کردن، پیروی کردن، اطاعت کردن؛ پذیرفتن

۳۷۷۲۹ من هرگز نمی‌توانم به خودم اجازه دهم تا ماشینم را بفروشم، بدون

آن‌که به خریدار بگویم که آن ایرادات اساسی مکانیکی دارد.

(۱) [منابع] قابل تجدید، تجدیدپذیر؛ قابل تمدید، تمدید کردن

(۲) سازنده؛ پُرکار؛ [زمین] حاصل‌خیز؛ [تخیل] خلاق

(۳) مکانیکی، خودکار، اتوماتیک؛ [شخص] دارای اطلاعات مکانیکی

(۴) عملی، معقول

۳۷۷۳۰ با یک شغل تمام‌وقت، دوره‌های درسی شبانه و دو بچه کوچک،

جیل خلاصه مشغله‌های خیلی زیادی داشت.

(۱) [باتری] شارژ؛ هزینه، خرج؛ اتهام، تهمت

(۲) درخواست، تقاضا، مطالبه

(۳) برنامه؛ جدول زمانی

(۴) [کاغذ، نوشته] حاشیه؛ اختلاف، تفاوت؛ مازاد، مقدار اضافه

مشغله‌های خیلی زیادی داشتن: *have too many demands on one's time*

۱۷۷۳۱ چاقی مفرط اغلب همان قدر توسط ژنتیک ایجاد می‌شود که توسط

فقدان فعالیت فیزیکی همراه با مصرف کردن کالری‌های فراوان [ایجاد می‌شود].

(۱) مصرف کردن، صرف کردن

(۲) نیاز داشتن، احتیاج داشتن؛ ملزم کردن

(۳) [نامه، بسته و غیره] رساندن، تحویل دادن

(۴) به نوبت انجام دادن؛ یکی پس از دیگری آمدن

۳۷۷۳۲ من قطعاً به محض آن‌که جواب [این] را پیدا کنم که چه کسی قرار

است در طول روز مراقب بچه‌ها باشد، به شغلم بر می‌گردم.

(۱) تشکیل دادن؛ ساختن؛ تکمیل کردن؛ جبران کردن؛ جعل کردن؛ آشتی کردن

(۲) دنبال ... گشتن، پی ... گشتن

(۳) از کار در آمدن؛ جواب دادن؛ حساب کردن؛ حل کردن، جواب ... را پیدا کردن

(۴) تلفن کردن به

۴۷۷۳۳ متخصصان معتقدند که تعداد بالای موارد سرطان در منطقه

مستقیماً به نیروگاه هسته‌ای قدیمی مرتبط است.

(۱) به تدریج، آرام‌آرام؛ کم‌کم (۲) دائمی، همیشگی، همواره، بی‌وقفه

(۳) به صورت جهانی، به طور فراگیر (۴) مستقیماً، یکراست؛ فوری؛ دقیقاً

متن کلوز

قدرت باد برای قرن‌ها به کار رفته است تا دستگاه‌های مختلف را مستقیماً به حرکت در آورد تا کارهایی هم‌چون آسیاب کردن گندم یا پمپاژ کردن آب را انجام دهند. با وجود این، به تازگی باد به عنوان شیوه‌ای قابل قبول برای تولید برق، به نیروهای طبیعی دیگر هم‌چون آب و بخار پیوسته است. شیوه‌های سنتی تولید برق با استفاده از زغال سنگ یا نیروگاه‌های نفت‌سوز دو اشکال عمده دارند: آن‌ها محیط زیست را آلوده می‌کنند و سوخت‌هایی که مصرف می‌کنند کم‌بازده و تجدیدناپذیر هستند. در واکنش به آگاهی فزاینده زیست‌محیطی، درخواست‌هایی برای یک جایگزین سبزتر [و کم‌ضررتر برای محیط زیست] وجود داشته است. انرژی هسته‌ای، اگرچه پربازده‌تر و با آلاینده‌گی کمتر است، ولی به علت خطر حوادثی مانند آن‌هایی که در چرنوبیل یا تری‌مایل ایلند اتفاق افتاد، به نظر بسیاری از مردم غیرقابل قبول می‌آید. با وجود این، نیروی باد، تمیز، تجدیدپذیر و با [توجه به] پیشرفت‌های جدید به طور شگفت‌انگیزی پربازده است.

هنگامی که هوا بالا می‌رود، سرد می‌شود، پس هنگامی که هوا، گرم مرطوب مجبور می‌شود بالا برود، ابرها احتمالاً شکل می‌گیرند. کوه‌ها باعث می‌شوند هوا بالا برود و بنابراین سرزمین‌های کوهستانی اغلب ابری هستند. هوا هر چنان ممکن است از طریق گرم شدن شدید زمین یا با برخورد دو توده هوا، یکی سرد و دیگری گرم و مرطوب، وادار به بالا رفتن شود. هوای گرم به بالای هوای سرد، می‌رود که باعث می‌شود آن [هوای گرم] خنک شود و ابرها شکل بگیرند. وقتی ابرها شکل گرفتند، آن‌ها [به همان صورت] باقی می‌مانند تا این‌که هوا گرم شود [و] یا باران ببارد.

۳۲۷۳۹ میزان بخار آبی که هوا می‌تواند در خود نگه دارد بستگی دارد به

(۱) دمای بخار (۲) قطرات ریز

(۳) دمای هوا (۴) ذرات یخ در بخار

۳۲۷۴۰ بر اساس متن، قطرات بسیار کوچک قابل رؤیت بر روی زمین

نامیده می‌شوند.

(۱) مه (۲) شبنم (۳) باران (۴) ابر

۳۲۷۴۱ کدام گزاره در مورد ابرها درست نیست؟

(۱) هنگامی که هوا بالا می‌رود، سرد می‌شود، پس هنگامی که هوای گرم مرطوب مجبور می‌شود بالا برود، ابرها احتمالاً شکل می‌گیرند.

(۲) وقتی ابرها شکل گرفتند، آن‌ها [به همان صورت] باقی می‌مانند تا این‌که هوا گرم شود و باران ببارد.

(۳) هنگامی که هوا به سرد شدن ادامه دهد، قطرات آب بزرگ‌تر می‌شوند و ممکن است به صورت باران فرو بریزند.

(۴) هنگامی که هوای گرم به بالای هوای سرد می‌رود، گرم‌تر می‌شود و ابرها شکل می‌گیرند.

البته اگر گزینه (۲) را به دلیل استفاده از and به جای or، انتهای جمله به عنوان پاسخ تست در نظر گرفتید، به نظر می‌رسد در دام اشتباه طراح محترم کنکور افتاده‌اید!

۳۲۷۴۲ بر اساس متن، مناطق کوهستانی اغلب ابری هستند چون در این محل‌ها

(۱) دو توده هوای گرم [به هم] برخورد می‌کنند

(۲) هوای گرم بالاتر از هوای سرد می‌رود

(۳) آن‌ها معمولاً بر سر راه باران‌های حامل بارند

(۴) قطرات آب وزن کافی را برای شکل گرفتن ابر دارند

متن ۲

هر انسانی، صرف نظر از کاری که انجام می‌دهد، حرارت بدن [خود را در محیط] ساطع می‌کند. مشکل معمول آن است که چگونه [باب] از دست آن خلاص شویم. ولی طراحان پردیس [دانشگاهی] جانزتان در دانشگاه پیتزبورگ برای خودشان مسئله خلاف [این] را طرح کردند - چگونه [باب] گرمای بدن را جمع‌آوری کنیم. آن‌ها یک سیستم جمع‌آوری طراحی کرده‌اند که نه تنها از گرمای بدن، بلکه از گرمایی که از اجسامی هم‌چون لامپ و یخ‌چال نیز بیرون داده می‌شود استفاده می‌کند. این سیستم آن قدر خوب کار می‌کند که به هیچ سوختی برای آسوده (دلپذیر) کردن شش ساختمان پردیس نیاز نیست. برخی بخش‌های اکثر ساختمان‌های مدرن - سینماها و دفاتر [کری] و هم چنین

۳۲۷۳۷ فعل join (پیوستن به؛ ملحق شدن به) در این جا جزء افعال متعدی

است و به مفعول نیاز دارد. ولی چون در این جمله، مفعول (other natural forces) بعد از جای خالی قرار گرفته است، پس در این مورد به فعل معلوم نیاز داریم، نه فعل مجهول و پاسخ تست در بین گزینه‌های (۱) و (۲) خواهد بود. دقت کنید که از زمان حال کامل (مانند has joined در این تست) به همراه just یا recently (اخیراً به تازگی) استفاده می‌شود تا بیان کنیم از زمان انجام عمل مدت کوتاهی گذشته است. البته چون در این متن بازه زمانی قرن‌ها مدنظر است، منظور از عملی که اخیراً انجام شده، پیشرفت‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر است.

۳۲۷۳۵ (۱) جذب کردن، در خود فرو بردن؛ مجذوب کردن

(۲) [پول، کمک، توضیح و غیره] خواستن، خواستار - شدن؛ نیاز به - داشتن

(۳) آلوده کردن

(۴) محافظت کردن از؛ حمایت کردن از

۳۲۷۳۶ (۱) آموزش؛ توصیه؛ [در جمع] دستورالعمل

(۲) آزمایش

(۳) جایگزین، جانشین

(۴) ترکیب، تلفیق؛ مجموعه

۳۲۷۳۷ پیش از جای خالی، عبارت اسمی مفرد (nuclear power)

را در جایگاه فاعل جمله داریم و عبارت قرار گرفته بین دو ویرگول (while more efficient and less polluting) توضیح اضافی است که

حتی در صورت حذف شدن آن نیز اتفاق خاصی نخواهد افتاد و جمله هم‌چنان کامل و بی‌نقص خواهد بود. در نتیجه گزینه (۲) به دلیل کاربرد ساختار فاقد زمان

(to be seen)، گزینه (۳) به دلیل کاربرد یک فاعل جدید (many people)

در جایگاه فعل و گزینه (۴) به دلیل کاربرد فعل جمع have برای عبارت اسمی مفرد و نیز کاربرد acceptable به جای unacceptable حذف می‌شود.

۳۲۷۳۸ (۱) به نحوی تأثر برانگیز، به طرزی ناراحت‌کننده

(۲) در داخل کشور، به طور محلی؛ در خانه

(۳) در کمال تعجب؛ به طور شگفت‌انگیزی

(۴) به نحوی غیرعادی؛ به صورتی غیر طبیعی

متن ۱

هر ابر از میلیون‌ها قطره ریز، یا [به شکل] آب یا ذرات یخ ساخته می‌شود که با هم در هوا شناورند. هوا همواره حاوی مقدار به‌خصوصی بخار آب است (یعنی آب در حالت گاز) که غیرقابل رؤیت است. میزان بخار آبی که هوا می‌تواند در خود داشته باشد به دمای هوا بستگی دارد؛ هرچه قدر هوا سردتر [باشد]، آب کم‌تری را می‌تواند نگه دارد.

وقتی هوا سرد می‌شود، مقداری از بخار آب سرانجام میعان می‌کند؛ یعنی قطرات ریز قابل رؤیت آب را شکل می‌دهد. اگر این‌ها بر روی زمین باشند به آن شبنم می‌گوییم، اگر نزدیک زمین [باشند] به آن مه یا مه رقیق می‌گوییم و اگر [آن] بالا در آسمان باشند به آن ابر می‌گوییم. وقتی قطرات آب ابتدا کاهش [دما] می‌یابند، آن‌ها تنها یک پنجاهم میلی‌متر پهنا دارند و به اندازه کافی سبک هستند تا در هوا شناور شوند. اگر هوا به سرد شدن ادامه دهد، قطرات بزرگ‌تر می‌شوند و ممکن است به صورت باران فرو بریزند.

می‌آید و زمان جمله نیز به حال یا آینده مربوط می‌شود، باید از ساختار شرطی نوع دو استفاده کنیم. در ساختار شرطی نوع دو، در بند شرط از زمان گذشته ساده و در بند جواب شرط از ساختار آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + would) استفاده می‌کنیم.

۲۷۴۹ رئیس عصبانی می‌شود اگر تو دوباره [محل کارت را] زود ترک کنی، پس باید اول اجازه‌اش را بخواهی.

توضیح: از فعل وجهی "should" برای بیان اجبار ضعیف یا توصیه و نصیحت استفاده می‌شود. در این‌جا نیز گوینده قصد دارد در مورد رفتار در محیط کار به مخاطب خود توصیه و نصیحتی کند، که در گزینه (۱) به درستی بیان شده است.

۲۷۵۰ راستش را بخواهی، هیچ ایده‌ای ندارم [که] این تابستان کجا دوست دارم تعطیلات را بگذرانم.

توضیح: عبارت "to be honest" (راستش را بخواهی؛ صادقانه بگویم) در زبان انگلیسی یک همایند به حساب می‌آید که با آن در درس ۱ سال یازدهم آشنا شدیم. بنابراین همیشه آن را به همین صورت که در گزینه (۳) آمده، به کار می‌بریم.

۲۷۵۱ در عجب بدون کمک محبت‌آمیز تو الان در این کشور غریب چه کار می‌کردم.

(۱) فرض گرفتن؛ انگاشتن (۲) تعجب کردن (از)؛ در عجب بودن (۳) ترجیح دادن (۴) متنفر بودن از، بیزار بودن از
۲۷۵۲ او کاملاً غیرقابل فهم بود، چون داشت به زبانی صحبت می‌کرد که من هیچ با آن آشنا نبودم.

(۱) مغرور؛ مفتخر (۲) ماهر، چیره‌دست (۳) تک‌زبان (۴) غیرقابل فهم، نامفهوم

۲۷۵۳ آموزش ارائه‌شده فراتر از دبیرستان، به‌خصوص در یک کالج یا دانشگاه، در اصطلاح به عنوان آموزش عالی شناخته می‌شود.

(۱) بلند، مرتفع؛ زیاد (۲) خلاق، آفریننده (۳) پیشرفته؛ متری (۴) متوسط؛ میانی
نکته: آموزش عالی، تحصیلات عالی: higher education

۲۷۵۴ ما سفر اردویی مان را لغو کردیم چون گزارشگر هوا گفت احتمال باران سنگین، بسیار بالا است.

(۱) تنوع، گوناگونی (۲) قدرت، توان؛ استحکام (۳) آغاز، ابتدا (۴) احتمال

۲۷۵۵ جین در یاد گرفتن زبان‌ها آن قدر خوب نبود، بنابراین تعجب کردم که فهمیدم او در واقع می‌تواند سه زبان خارجی را بسیار روان صحبت کند.

(۱) به طور گسترده (۲) در واقع، در حقیقت (۳) امید که؛ امیدوارانه (۴) لزوماً، ضرورتاً

۲۷۵۶ من بیشتر طرف افرادی هستم که به سلامتی فراتر از ثروت بها می‌دهند؛ معتمد سلامتی و شادی رابطه مستقیمی دارند.

(۱) آویزان کردن؛ معلق بودن (۲) ترک کردن (۳) بها دادن به؛ قیمت گذاشتن روی (۴) شناسایی کردن؛ تشخیص دادن

کلاس‌های درس - بیش از حد کافی توسط افراد و چراغ‌ها گرما می‌بینند و گاهی باید حتی در زمستان تهویه هوا داشته باشند. تکنیک ذخیره گرما و بازپخش کردن آن «بازیابی گرما» نامیده می‌شود. تعدادی ساختمان مدرن گرما را بازیابی می‌کنند ولی سیستم این دانشگاه نخستین [سیستمی] است که گرما را از ساختمان‌ها بازیابی می‌کند و آن را در [ساختمان‌های] دیگر به کار می‌بندد.

در طول این مسیر، چیزهای زیادی در مورد این فرایند آموخته شده است. هر چه قدر [که] یک دانشجو با تلاش بیشتری درس بخواند، بدنش گرمای بیشتری ساطع می‌کند. دانشجویان مرد گرمای بیشتری نسبت به دانشجویان زن ساطع می‌کنند و هر چه قدر یک دانشجو بزرگ‌تر باشد، [بدنش] گرمای بیشتری تولید می‌کند. گرفتن چنین نتیجه‌ای وسوسه‌برانگیز است که داغ‌ترین (جذاب‌ترین) [دانشجوی] آینده برای پردیس جانشینان یک مرد نابغه سخت‌کوش با اضافه‌وزن است!

۲۷۴۳ بر اساس متن، تکنیک بازیابی گرما استفاده می‌شود

(۱) تا نوع خاصی از تهویه هوا را فراهم کند
(۲) تا برای سیستم آب داغ، گرما فراهم کند
(۳) تا به منشأ گرما پی ببرد
(۴) تا گرما را جمع‌آوری و دوباره استفاده کند

۲۷۴۴ کدام یک از گزاره‌های زیر بر اساس متن درست نیست؟

(۱) هر چه قدر یک دانشجو سخت‌تر کار کند، گرمای بیشتری تولید می‌کند.
(۲) هر چه قدر یک دانشجو بزرگ‌تر باشد، گرمای بیشتری ساطع می‌کند.
(۳) یک دانشجوی دختر گرمای بیشتری از یک دانشجوی پسر ساطع می‌کند.
(۴) یک دانشجوی پسر بزرگ و سخت‌کوش بیشترین گرما را ساطع می‌کند.

۲۷۴۵ کدام یک از موارد زیر ممکن است بهترین عنوان برای این متن باشد؟

(۱) شیوه جدید بازیابی گرما
(۲) گرمای بدن و جنسیت
(۳) سیستم‌های گرمایش ساختمان‌های مدرن
(۴) شیوه‌های گرم کردن ساختمان‌ها

۲۷۴۶ کدام یک از کلمات یا عبارات زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) بازیابی گرما (پاراگراف ۲) (۲) خلاص شدن از (پاراگراف ۱)
(۳) پردیس [دانشگاهی] (پاراگراف ۱) (۴) وسوسه‌برانگیز (پاراگراف ۳)

۲۷۴۷ پس از شکستن پایش در آن حادثه اسکی‌بازی، او مجبور شد تعطیلاتش را کوتاه کند و به خانه برگردد.

توضیح: فعل "force" (مجبور کردن، وادار کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. از آن‌جا که مفعول این فعل (ضمیر he) پیش از جای خالی آمده، در جای خالی به ساختار مجهول (to be + pp.) نیاز داریم، که در گزینه (۴) آمده است. دقت داشته باشید که اگر گزینه‌های (۱) یا (۳) را در جای خالی قرار دهیم، جمله ما فاعل نخواهد داشت و به همین دلیل این گزینه‌ها نمی‌توانند درست باشند.

۲۷۴۸ اگر می‌دانستم چه طور شناکنم، تلاش می‌کردم تا آن مرد را نجات بدهم.

توضیح: طبق مفهوم جمله، گوینده شنا بلد نیست چون می‌گوید اگر شنا بلد بود، تلاش می‌کرد تا آن مرد را نجات دهد. با توجه به این‌که تحقق موضوع شرط (یعنی شنا بلد بودن) در این‌جا یک امر فرضی و خیالی به حساب

متن ۱

بافت فرهنگی هم می‌تواند بر امید به زندگی برای مردان و زنان تأثیر بگذارد. (امید به زندگی طول مورد انتظار زندگی یک فرد است.) برای مثال، زنان عموماً کم‌تر از مردها سیگار می‌کشند، که ثابت شده بسیاری از مشکلات سلامتی را موجب می‌شود و زندگی را کوتاه می‌کند.

عامل دیگری که زندگی زنان را تحت تأثیر قرار داده، فقدان استرس است. به خوبی معلوم است که استرس زندگی را کوتاه می‌کند. تا [همین] اواخر، زنانی که کار می‌کردند معمولاً در موقعیت‌های کم‌مسئولیت‌تر و کم‌تر استرس‌زا بودند. در منزل، خانه‌داری اغلب زنان را در شرایط جسمی بهتری نسبت به مردها حفظ می‌کند. این شرایط جسمی عموماً بهتر هم عامل دیگری در زندگی‌های طولانی‌تر زنان است. این عوامل فرهنگی نقش مهمی را برای زنانی که اکنون در حال پیر شدن هستند، ایفا کرده است. ولی عادات اجتماعی زنان در حال تغییر است. زنان جوان بیشتر از آن سیگار می‌کشند که زن‌ها سابقاً [سیگار می‌کشیدند]. زنان بیشتری اکنون مشغول کار و عهده‌دار بودن موقعیت‌های پرمسئولیت‌تر هستند. این تغییرات ممکن است به این معنا باشد که بافت فرهنگی دیگر به زن‌ها کمک نخواهد کرد [که] زندگی‌های سالم‌تری داشته باشند. با وجود این، زنان به خاطر عوامل به‌خصوص دیگر، همچنان بیشتر از مردها زندگی خواهند کرد.

۲۷۶۴ این متن به احتمال زیاد با بحثی در مورد ادامه می‌یابد.

(۱) [این که] چرا زن‌ها دیگر تمایل ندارند در خانه بمانند و خانه‌داری کنند

(۲) دلایل پشت تغییر در فرهنگ کشورهای مختلف در سراسر جهان

(۳) عوامل غیر از عوامل فرهنگی در ارتباط با طولانی‌تر زندگی کردن زنان

نسبت به مردان

(۴) [این که] چگونه یک سبک زندگی سالم برای هر دوی مردان و زنان در

جهان پیوسته در حال تغییر امروزی مهم است

۲۷۶۵ از این متن می‌توان دریافت که نویسنده تصور می‌کند سیگار کشیدن

(۱) در میان زن‌ها متداول‌تر از [آن چیزی] می‌شود [که] اکنون میان مردها هست

(۲) ارتباطی با میزان استرس در زندگی‌های افراد دارد

(۳) برای زن‌ها مضرتر است تا برای مردها

(۴) عاداتی مرتبط با فرهنگ است

۲۷۶۶ از متن می‌توان دریافت که مردها می‌توانند با شرایط جسمی‌شان

را بهبود بخشند.

(۱) خانه‌داری کردن

(۲) دادن مشاغلشان به زن‌ها

(۳) انجام دادن مشاغلی با مسئولیت بیشتر

(۴) بهتر مراقبت کردن از مشکلات سلامتی‌شان

۲۷۶۷ بر اساس متن، کدام یک از گزاره‌های زیر صحیح است؟

(۱) زنان در گذشته سیگار نمی‌کشیدند چون از لحاظ اجتماعی عاداتی منفی

به حساب می‌آمد.

(۲) تفاوت در امید به زندگی میان مردها و زنان بسیار محتمل است که کم‌تر شود

(۳) مشکلات سلامتی زنان و آن [مشکلات] در مردان هم از لحاظ علل و هم

تأثیراتشان مشابه هستند.

۲۷۵۷ A: «چه جوری [می‌خواهی] تیم را بشناسی؟»

B: «گفت یک لباس قرمز به تن دارد، مگر نه؟»

(۱) تشخیص دادن؛ شناختن (۲) یادآوری کردن به؛ متذکر شدن به

(۳) کشف کردن؛ پی بردن (۴) انتظار داشتن، توقع داشتن

۲۷۵۸ جولی همیشه می‌گوید به مدرسه کمک خواهد کرد و هیچ‌وقت

نمی‌کند، پس شک دارم امسال [هم کمکی] بکند. به هر حال، دو صد گفته

چون نیم کردار نیست.

(۱) دوصد گفته چون نیم کردار نیست (۲) پایت را از گلیمت درازتر نکن

(۳) از تو حرکت، از خدا برکت (۴) جوجه را آخر پاییز می‌شمارند

متن کلوز

در بسیاری از شرکت‌ها، شاید بهترین راه برای انجام دادن پروژه‌های جدید به‌خصوص، قرار دادن گروهی از افراد کنار هم و شکل دادن یک تیم باشد. واداشتن تیمی از افراد به درگیر شدن با یک پروژه چندین مزیت یا نکته مثبت پدید می‌آورد. پیش از هر چیز، یک گروه از افراد طیف گسترده‌تری از دانش، تخصص و مهارت‌ها را دارد تا [آن‌چه] هر عضو منفرد گروه ممکن است داشته باشد. هم‌چنین، به خاطر شمار افراد درگیر و منابع بزرگ‌تری که موجود است، یک گروه می‌تواند سریع‌تر در پاسخ به پروژه‌ای که قرار است به انجام برساند، کار کند و می‌تواند راه‌حل‌های به شدت خلاقانه برای مشکلات و مسائل ارائه دهد.

۲۷۵۹ توضیح: عبارت داخل جای خالی با حرف ربط "and" به عبارت

پیش از جای خالی مرتبط شده و به همین دلیل فعل این عبارت (form) از

ساختار فعل جمله قبل تبعیت می‌کند و به صورت ساده می‌آید.

۲۷۶۰ توضیح: کل عبارت پیش از جای خالی (having a team of)

(people attack a project) در این جا نقش فاعل جمله را ایفا می‌کند و

از آن جا که یک فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید، فعل آن به همراه

S- سوم شخص مفرد به کار می‌رود.

۲۷۶۱ (۱) مورد، فقره؛ عنوان (۲) طیف، گستره

(۳) ابزار، وسیله (۴) کارکرد، عملکرد

۲۷۶۲ (۱) بخش، قسمت (۲) مأموریت؛ هیئت نمایندگی

(۳) عضو (۴) مسئولیت؛ وظیفه

۲۷۶۳ توضیح: با توجه به مفهوم جمله، عبارت داخل جای خالی در

توصیف عبارت پیش از جای خالی به کار رفته و بنابراین به ساختار موصولی

و ضمیر موصولی نیاز داریم (رد گزینه‌های (۱) و (۲)). هم‌چنین دقت داشته

باشید که در ساختار جملات موصولی، ضمیر موصولی (that) در گزینه (۳)

و which در گزینه (۴) جای فاعل جمله را می‌گیرد و به هیچ وجه، فاعل

یا ضمیر فاعلی در جمله موصولی ظاهر نمی‌شود. بنابراین گزینه (۴) به دلیل

وجود ضمیر فاعلی "they" نمی‌تواند صحیح باشد.

علاوه براین باید مراقب باشید که صفت تفضیلی "greater" شما را به سمت

گزینه (۲) که در آن حرف اضافه "than" دیده می‌شود، منحرف نکند. در

این جا توجه به معنا و مفهوم جمله می‌تواند راهگشا باشد.

توضیح: یکی از کاربردهای زمان حال کامل (have / has + p.p.) اشاره به کاری است که در زمان گذشته انجام شده (یا انجام نشده) و تأثیر آن همچنان باقی است. در این جا نیز تصمیم آقای تامسون از زمان دریافت پیشنهاد کاری تا کنون گرفته نشده و این موضوع در گزینه (۳) با ساختار حال کامل نشان داده شده است. همچنین به یاد داشته باشید که قید "yet" (هنوز) یکی از نشانه‌های زمان حال کامل است.

۲۷۷۳ آموختن یک زبان خارجی برای آن که بتوان به روانی آن را صحبت کرد از [آن چه] سابقاً فکر می‌کردم، زمان بیشتری می‌گیرد.

توضیح: در این تست دو کاربرد از اسم مصدر و مصدر با "to" را در کنار هم می‌بینیم. یکی از کاربردهای اسم مصدر (فعل ingدار) استفاده از یک فعل به عنوان فاعل در ابتدای جمله است. در این جا نیز فاعل جمله ما «آموختن» است که در گزینه (۳) به درستی در ساختار فعل ingدار آمده است. از طرفی یکی از کاربردهای مصدر با "to" نشان دادن هدف و انگیزه از انجام یک کار است. در این جا هدف از آموختن یک زبان خارجی، توانایی تکلم به آن زبان بوده که این موضوع با قرار دادن "be able" (قادر بودن) در ساختار مصدر با "to" به درستی در گزینه (۳) نشان داده شده است.

۲۷۷۴ رانندگان اتوبوس باید به یک استراحت نیاز داشته باشند، چون آن‌ها تازه از سفری طولانی برگشته‌اند.

توضیح: یکی از کاربردهای فعل وجهی "must" بیان نتیجه‌گیری یا حدس منطقی است. در این جا با توجه به قسمت دوم جمله، رانندگان اتوبوس از سفری طولانی برگشته‌اند و به همین دلیل گوینده در قسمت اول بر این اساس حدس زده است که آن‌ها باید خسته باشند و به یک استراحت نیاز داشته باشند.

۲۷۷۵ باید بگویم که تا به حال مردی سخاوتمندتر از پیترو در تمام عمرم ندیده‌ام.

توضیح: گوینده جمله برای توصیف سخاوتمندی پیترو می‌گوید که تا به حال مردی سخاوتمندتر از او ندیده است. بنابراین همان طور که از ترجمه فارسی جمله و کاربرد حرف اضافه "than" در ادامه جمله مشخص است، در این جا باید صفت تفضیلی (برتری) را به کار ببریم. برای این منظور، از آن جا که "generous" یک صفت چندبخشی است به کلمه "more" نیاز داریم که در گزینه (۲) به صورت درست به کار رفته است.

۲۷۷۶ اگر شما فقط تعداد زیاد افرادی را که به دنبال شغلی در جای دیگر در حال ترک کردن شهر ما هستند، در نظر بگیرید، ممکن است به درستی نتیجه بگیرید که شهر ما هیچ آینده‌ای ندارد.

(۱) لحاظ کردن؛ در نظر گرفتن (۲) پیشنهاد دادن؛ حاکی بودن از (۳) فرض گرفتن؛ انگاشتن (۴) انتظار داشتن، توقع داشتن

۲۷۷۷ تعجبی ندارد که نیل چیز زیادی در آن دوره [آموزشی] یاد نگرفت؛ او در واقع آن قدر که باید در کلاس‌ها به طور منظم شرکت نکرد.

(۱) واقعاً (۲) لزوماً، ضرورتاً (۳) از لحاظ عاطفی (۴) به طور منظم

۲۷۷۸ والدین اغلب فراموش می‌کنند صحبت کردن با یک کودک چه قدر مهم است و من معتقدم کمیود تعامل میان این دو نسل تفاهم را دشوارتر می‌کند.

(۱) سنت، آداب و رسوم (۲) گوناگونی، تنوع (۳) ترکیب، تلفیق (۴) نسل؛ تولید

(۴) اگر زنان بفهمند [که] مشکلات سلامتی‌شان به خاطر نقش‌های جدید اجتماعی‌شان است، عادت‌های گذشته‌شان را تجدید می‌کنند.

متن

مزا یا نکات مثبت کتاب‌خوان‌های الکترونیکی قطعاً بیش از مضرات آن به نظر می‌رسد. آن‌ها وسایل سبک و قابل حملی هستند که می‌توانند هر جایی برده شوند. بردن یک دستگاه به تعطیلات به ما اجازه می‌دهد تا صدها زمان را بدون لزوم به پرداخت کردن [تعرفه] بار اضافی با خود به هواپیما ببریم. ماهیت الکترونیکی کتاب‌خوان‌های الکترونیکی به ما [امکانات] بسیار بیشتری می‌دهد تا آن چه نسخه چاپی یک کتاب می‌تواند بدهد. آن به ما اجازه می‌دهد در تاریکی بخوانیم (در موقع قطعی برق به کار می‌آید). می‌توانیم فقط با یک کلیک در لغت‌نامه داخلی [دستگاه] به دنبال لغات ناآشنا بگردیم، می‌توانیم یادداشت برداریم، و هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنیم در کدام صفحه بودیم؛ کتاب‌خوان الکترونیکی آن را برای ما به خاطر می‌سپارد. اگر بینایی‌مان کاهش بیابد، می‌توانیم حروف را بزرگ‌تر کنیم. می‌توانیم جین ایر را هر چند بار که می‌خواهیم بازخوانی کنیم و آن کتاب هیچ‌گاه به خاطر آن بدتر به نظر نخواهد رسید. و حتی اگر سلیقه‌مان در کتاب‌ها غیرمعمول باشد، هیچ کس لازم نیست بداند؛ دیگران نمی‌توانند چیزی را که داریم می‌خوانیم ببینند. نه فقط آن، اکثر کتاب‌های الکترونیکی ارزان‌تر از نسخه‌های چاپی‌شان هستند و بسیاری از کتاب‌های قدیمی‌تر می‌توانند رایگان دانلود شوند. پس چرا فقط یکی از [هر] سه [نفر] از ما کتاب الکترونیکی خوانده‌اند؟ پاسخ باید [این] باشد که چیز خاصی در مورد ظاهر، احساس و شاید حتی بوی کتاب‌های چاپ‌شده وجود دارد. کتاب‌های «واقعی» اشیائی هستند که گذشته‌ای دارند و حضور فیزیکی‌شان ما را با خاطرات شاد در بر می‌گیرد.

۲۷۶۸ به نظر می‌رسد نویسنده باور داشته باشد که

(۱) کتاب‌های چاپ‌شده [در زندگی ما] باقی می‌مانند

(۲) هر کسی به زودی فقط کتاب‌های الکترونیکی استفاده خواهد کرد

(۳) دنیای دیجیتال صنعت چاپ را به کلی تغییر داده است

(۴) استفاده از کتاب‌های الکترونیکی دشوار است چون آن‌ها نیاز به استفاده از بعضی وسایل دیجیتال اضافه دارند

۲۷۶۹ پاراگراف ۲ عمدتاً درباره چه چیز صحبت می‌کند؟

(۱) شیوه‌ای [که] کتاب‌های الکترونیکی عادت‌های مطالعه مردم را تغییر داده است

(۲) دلیلی [که] چرا خواندن کتاب‌های الکترونیکی جالب‌تر است

(۳) تأثیرات کتاب‌های الکترونیکی بر سلامت انسان

(۴) مزایای کتاب‌های الکترونیکی

۲۷۷۰ نام «جین ایر» در پاراگراف ۲ به احتمال زیاد است.

(۱) نام یک نویسنده (۲) یک عنوان کتاب

(۳) یک برند کتاب‌خوان دیجیتال (۴) متنی که فهمیدنش دشوار باشد

۲۷۷۱ لغت "that" در پاراگراف ۲ به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) یادداشت برداشتن (۲) صفحه‌ای که داشتیم می‌خواندیم

(۳) عمل مطالعه کردن (۴) معنای لغات ناشناس

۲۷۷۲ آقای تامسون الان پیشنهادی برای یک شغل دریافت کرده ولی هنوز

تصمیم نگرفته در موردش چه کار کند.

۲۷۷۹ نمی‌توانم باور کنم تو تمام شامپوی من را تا آخر مصرف کردی و فقط بطری خالی را در حمام رها کردی.

(۱) منقرض شدن (۲) تا آخر مصرف کردن؛ تو ... را در آوردن (۳) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن (۴) کنار گذاشتن، ذخیره کردن

۲۷۸۰ A: دکتر قریب یک پزشک متعهد بود که نسبت به خانواده‌های مستمند بسیار صمیمی و یاری‌رسان بود.

B: چه حیف! من چنین مرد بزرگی را نمی‌شناختم.

(۱) چه حیف (۲) آفرین (۳) امیدوارم این طور نباشد (۴) جای تعجب نیست

۲۷۸۱ حالا که کسب‌وکارشان به اندازه کافی خوب است، آن‌ها برنامه دارند فروشگاهشان را با اضافه کردن یک اتاق دیگر گسترش دهند.

(۱) جایگزین کردن؛ جانشین ... شدن (۲) گسترش یافتن؛ گسترش دادن (۳) فراهم کردن، در اختیار گذاشتن (۴) بنا کردن؛ پایه‌گذاری کردن

۲۷۸۲ یک رژیم غذایی مناسب، یک سبک زندگی متعادل، ورزش کردن و اجتناب کردن از اعتیادها می‌تواند به ما کمک کند [تا] یک زندگی سالم و طولانی داشته باشیم.

(۱) سوخت (۲) ماده شیمیایی (۳) لذت، دل‌خوشی (۴) اعتیاد (۲۷۸۳) یک نفر می‌تواند با اضافه کردن ۵۰۰ کالری به رژیم [غذایی] روزانه،

هر روز ۱۸۰ گرم پروتئین خوردن و مصرف کردن کربوهیدرات‌های با کیفیت بالا به سرعت وزن اضافه کند.

(۱) اندازه ابعاد (۲) وزن؛ سنگینی (۳) بیماری، مریضی (۴) فشار خون

متن کلوز

عصر جدید عصر برق است. مردم آن قدر به چراغ‌های برقی، رادیو، تلویزیون و تلفن عادت دارند که دشوار است تصور کردن [این که] زندگی بدون آن‌ها چه شکلی خواهد بود. وقتی قطعی برق هست، مردم به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. ماشین‌ها ممکن است در ترافیک سنگین گیر کنند چون چراغ راهنمایی نیست تا [راننده‌ها را] هدایت کند و غذا در یخچال‌های خاموش خراب می‌شود.

با این حال، افراد فقط کمی بیش از دو قرن پیش شروع به فهمیدن [این] کردند [که] برق چگونه کار می‌کند. ظاهراً طبیعت در این زمینه برای میلیون‌ها سال مشغول آزمایش کردن بوده است. دانشمندان بیش از پیش دارند پی می‌برند که جهان زنده ممکن است اطلاعات جالب زیادی در مورد برق داشته باشد که می‌تواند به بشریت کمک کند.

۴۲۷۸۴

(۱) پس‌انداز کردن؛ نجات دادن (۲) یادآوری کردن به؛ متذکر شدن به (۳) مقایسه کردن (۴) تصور کردن

۲۷۸۵ توضیح: یکی از کاربردهای مصدر با "to" بیان هدف و انگیزه از انجام یک کار است. در این جا هدف از وجود چراغ‌های راهنمایی هدایت رانندگان بوده که حالا با قطعی برق چنین هدفی امکان‌پذیر نیست. بنابراین فعل "guide" را همان گونه که در گزینه (۳) آمده به صورت مصدر با "to" به کار می‌بریم.

۴۲۷۸۶ توضیح: صفت شمارشی "a little" فقط قبل از اسم‌های غیرقابل شمارش به کار می‌رود و با توجه به این که پس از جای خالی اسم قابل شمارش "two centuries" را داریم، گزینه‌های (۱) و (۳) نمی‌توانند صحیح باشند. هم چنین قید "only" می‌تواند صفت شمارشی "a little" را توصیف کند ولی صفت هیچ‌گاه نمی‌تواند قبل از قید بیاید و آن را توصیف کند، بنابراین گزینه (۲) نیز نادرست است.

۴۲۷۸۷ توضیح: حرف اضافه "for" (برای، به مدت) می‌تواند برای نشان دادن یک بازه زمانی استفاده شود. این کاربرد به خصوص هنگام استفاده از زمان حال کامل یا حال کامل استمراری (has been experimenting) بسیار متداول است.

۱۲۷۸۸

(۱) نگه داشتن؛ داشتن (۲) آموختن؛ یاد گرفتن

(۳) احاطه کردن؛ در بر گرفتن (۴) مصرف کردن؛ خوردن

متن

در اوایل دهه ۱۹۹۰ بسیاری از روستاها در بخش‌هایی از آفریقا که زندگی به خاطر عدم وجود برق دشوار بود، به انرژی خورشیدی روی آوردند. شاید بزرگ‌ترین پروژه با چنین ماهیتی و آن که معمولاً از آن نام برده می‌شود یک پروژه زیمباوای با حمایت برنامه عمران ملل متحد از طریق مرکز محیط‌زیست جهانی (GEF) باشد. این برنامه [که] مشترکاً توسط GEF (۷ میلیون دلار) و زیمباوه (۴۰۰,۰۰۰ دلار) تأمین سرمایه شد، از حدود ۹۰۰ سیستم انرژی خورشیدی در سراسر کشور استفاده کرد تا استانداردهای زندگی را بهبود بخشد، ولی در عین حال فرسایش زمین و آلودگی را کاهش دهد. شاموا، در ۷۰ کیلومتری پایتخت زیمباوه، هرا، اکنون یکی از بهترین الگوهای دهکده خورشیدی در این کشور است. پنجاه‌ودو خانواده کشاورز تجاری در سیستم‌ها سهیم هستند؛ برای هر دو خانه یک سیستم وجود دارد. هر خانواده دو لامپ و یک اتصال برای یک دستگاه رادیو یا تلویزیون کوچک دارد. سیستم‌های روشنایی جدید کیفیت زندگی را برای جامعه بهبود بخشیده‌اند. آن‌ها ساعات مطالعه را برای بچه‌های مدرسه‌ای افزایش داده‌اند، مهاجرت از روستا به شهر را در منطقه کاهش داده‌اند و استانداردهای سلامتی را با وصل کردن یک مرکز بهداشت محلی به برق، ارتقا داده‌اند.

۴۲۷۸۹ بهترین عنوان برای این متن چیست؟

(۱) کشاورزان شاموا در سیستم‌های انرژی خورشیدی سهیم‌اند

(۲) برنامه توسعه زیمباوای

(۳) آینده انرژی خورشیدی در آفریقا

(۴) راه‌های جدید برای تولید کردن انرژی

۴۲۷۹۰ بر اساس متن، پروژه زیمباوای

(۱) در یک روستای به خصوص موفق بوده است

(۲) از نظر مالی فقط توسط دولت زیمباوه حمایت شده است

(۳) استانداردهای زندگی برخی مردم روستایی را در زیمباوه تحت تأثیر قرار داده است

(۴) مسیر طولانی‌ای در پیش دارد تا تأثیراتش را در زندگی مردم بتوان واقعاً دید

۳) پزشکان هنوز راهی پیدا نکرده‌اند تا به آن‌هایی که از لحاظ فرهنگی دچار شوک شده‌اند، کمک کنند

۴) موفق شدن در یک کشور بیگانه تنها اگر خارجی‌ها سخت کار کنند، تبدیل به واقعیت می‌شود

۲۷۹۷ پولی [که] آن‌ها در ازای خدمات شرکت درخواست کردند هشت میلیون دلار بود.

توضیح: اعدادی مانند hundred (صد)، thousand (هزار)، million (میلیون) و billion (میلیارد) در زبان انگلیسی به شکل مفرد می‌آیند و حتی اگر قبل از آن‌ها اعداد بزرگ‌تر از ۱ بیاید S- جمع نمی‌پذیرند. البته این قاعده یک استثنا هم دارد که آن در هنگام کلی‌گویی است، مثلاً: "millions of people" (میلیون‌ها انسان).

۲۷۹۸ متأسفم که این گونه می‌گویم، ولی بدترین چیز [این] است که آن‌ها به این الگوی رفتار عادت کرده‌اند.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، صحبت از بدترین چیز است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. قبل از صفات عالی همیشه از حرف اضافه "the" استفاده می‌کنیم و اسم پس از این صفات همواره به صورت مفرد می‌آید. هم‌چنین صفت "bad" یک صفت بی‌قاعده است و حالت عالی آن "worst" است.

۲۷۹۹ چین کشوری است که کاغذ، ابریشم و باروت ابتدا در [آن] تولید شد. توضیح: با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی به ضمیر موصولی نیاز داریم تا در مورد چین به عنوان مکان رخ دادن فعل توضیح دهیم. ممکن است در ابتدا، گزینه (۲) ما را به اشتباه بیندازد، چرا که معمولاً برای اشاره به مکان رخ دادن یک اتفاق از ضمیر موصولی "where" استفاده می‌کنیم، اما با اندکی دقت متوجه می‌شویم که کاربرد حرف اضافه "in" پیش از این ضمیر موصولی صحیح نیست. در این جا حرف اضافه "in" در انتهای جمله به ما کمک می‌کند تا گزینه (۴) را انتخاب کنیم، چرا که در ساختار جملات موصولی به جای ظرف زمان و مکان "when" و "where" می‌توانیم ضمیر موصولی "that" یا "which" را به کار ببریم و در انتهای جمله حرف اضافه "in" را اضافه کنیم.

۲۸۰۰ جین معتقد است که اعضای تیمش بازی را به آسانی بردند چون آن‌ها با کار تیمی آشنا هستند، مگر نه؟

توضیح: با توجه به ساختار سؤال و گزینه‌ها مشخص است که باید به دنبال پرسش تأییدی مناسب برای جای خالی باشیم. دقت داشته باشید که در این جا جمله اصلی ما "Jane believes" است و تمام عبارت باقی جمله (... that her team members) نقش مفعول فعل "believe" را ایفا می‌کند. بنابراین، ما نیز پرسش تأییدی را برای "Jane believes" می‌سازیم. در این جا فعل جمله در زمان ساده، سوم شخص و مثبت آمده است، بنابراین فعل کمکی در پرسش تأییدی باید حال ساده، سوم شخص و منفی یعنی "doesn't" باشد. از طرفی می‌دانیم که در پرسش‌های تأییدی همیشه از ضمیر متناسب با فاعل جمله استفاده می‌کنیم، بنابراین در این جا ضمیر "she" را برای "Jane" به کار می‌بریم.

۲۸۰۱ تمام آن چه ما فرزندان می‌توانیم انجام دهیم [این] است که اشتباهات والدینمان را بیخشیم؛ به هر حال هیچ انسانی کامل نیست.

۱) احترام گذاشتن به ۲) بخشیدن؛ عفو کردن

۳) فرض گرفتن؛ انگاشتن ۴) مبادله کردن؛ تبدیل کردن

۲۷۹۱ کدام یک از موارد زیر در مورد شامووا صحیح است؟

- ۱) آن سابقاً یک مرکز بهداشت محلی نداشت.
- ۲) آن نزدیک‌ترین روستا به پایتخت زیمبابوئه است.
- ۳) آن در منطقه‌ای واقع شده است که در آن دسترسی به برق بسیار دشوار است.
- ۴) آن مجهز به برخی سیستم‌های خورشیدی مشترک میان خانواده‌های در حال زندگی در آن جاست.

۲۷۹۲ لغت "they" در پاراگراف ۲ به چه چیزی اشاره می‌کند؟

- ۱) لامپ‌ها
- ۲) سیستم‌های روشنایی
- ۳) مردم در شامووا
- ۴) دستگاه‌های رادیو و تلویزیون

متن ۲

شوک فرهنگی اصطلاحی است [که] برای توصیف کردن فرایندی به کار می‌رود که یک شخص وقتی برای مدتی طولانی خارج از فرهنگش زندگی می‌کند، تجربه می‌کند. شوک فرهنگی برای بسیاری از دانشجویان بین‌المللی یک واقعیت است. هنگام منتقل شدن به یک فرهنگ جدید، دانشجویان بین‌المللی باید با زبانی که ممکن است ناآشنا باشد، سنت‌ها و ارزش‌های غیرقابل فهم و انتظارات فرهنگی که دانشجویان ممکن است کاملاً از [آن‌ها] آگاه نباشند، سروکار داشته باشند. در نتیجه، دانشجویان ممکن است افراط و تفریط‌های عاطفی را تجربه کنند [که] از هیجان در مورد فرهنگ جدید تا افسردگی کشیده می‌شود. من، مانند اکثر دانشجویان خارجی باید در حالی که حرقه تحصیلی خود را پی می‌گرفتم، با واقعیت خشن شوک فرهنگی مواجه می‌شدم. اما فرایند ساده‌ای نبود. هیچ قرص جادویی یا واکنشی وجود ندارد. برای موفق بودن، دانشجویان بین‌المللی باید با فرایند شوک فرهنگی آشنا شوند، فرایندی که تبدیل به مسیر من برای احساس راحتی کردن با فرهنگ فرانسوی شد.

۲۷۹۳ براساس متن، شوک فرهنگی تجربه می‌شود.

- ۱) توسط تقریباً تمام دانشجویان بین‌المللی
- ۲) توسط دانشجویان ناآشنا با فرهنگ خودشان
- ۳) به‌خصوص وقتی دانشجویان خارجی زبان آن کشور بیگانه را نمی‌دانند
- ۴) چون دانشجویانی که کالج را شروع می‌کنند به اندازه کافی بزرگ نیستند تا به تنهایی از خودشان مراقبت کنند

۲۷۹۴ کدام یک از گزاره‌های زیر در مورد نویسنده این متن صحیح است؟

- ۱) او مشکل شوک فرهنگی را نداشت.
- ۲) زمان طولانی‌ای برد تا خودش را با فرهنگ بومی‌اش وفق دهد.
- ۳) او لااقل بخشی از تحصیلاتش را دور از سرزمین مادری‌اش گذراند.
- ۴) او به فرانسه رفت تا شغلی پیدا کند که هزینه‌های تحصیلش را پرداخت کند.

۲۷۹۵ براساس متن، یک تأثیر شوک فرهنگی است.

- ۱) توانایی زبانی ضعیف
- ۲) هیجان در مورد فرهنگ جدید
- ۳) انتظارات فرهنگی ناآشنا
- ۴) سنت‌ها و ارزش‌های غیرقابل فهم

۲۷۹۶ هدف نویسنده از گفتن «هیچ قرص جادویی یا واکنشی وجود ندارد» [آن] است که بر این واقعیت تأکید کند که

- ۱) بر آمدن از پس شوک فرهنگی ساده نیست و زمان و تلاش می‌طلبد
- ۲) حتی پزشکان نمی‌توانند به دانشجویانی که از شوک فرهنگی رنج می‌برند، کمک کنند

۳۲۸۰۲ عرضه کالاها کم تر از تقاضای موجود برای آن است؛ به همین دلیل است که قیمت‌ها اینقدر بالا هستند.

(۱) صورت حساب؛ قبض؛ اسکناس (۲) هزینه

(۳) تقاضا؛ درخواست (۴) تخفیف

۳۲۸۰۳ والدین تام کاملاً از پیشرفت تحصیلی‌ای که او این روزها در کالج دارد، راضی هستند.

(۱) در دسترس (۲) راضی از (۳) لذت بخش برای (۴) ماهر در

۳۲۸۰۴ این روزها مردم به طور فزاینده‌ای به تلویزیون وابسته هستند؛ در واقع، آن‌ها هر آن بیشتر تحت تأثیر هر چیزی که آن‌جا می‌بینند، قرار می‌گیرند.

(۱) ناگهان، یکباره (۲) به آهستگی، بی‌سرودا

(۳) به طور فزاینده‌ای، به طرز روزافزونی (۴) امید که؛ امیدوارانه

۱۲۸۰۵ آن‌ها امیدوارند تا کارگاه تمرین فعلی‌شان را به یک مرکز آموزشی بزرگ تبدیل کنند.

(۱) تبدیل کردن؛ تغییر دادن (۲) بزرگ کردن؛ بزرگ‌نمایی کردن

(۳) منعکس کردن، بازتاب دادن (۴) دریافت کردن

۴۲۸۰۶ ما همیشه به یاد نداریم که وقتی که هر کسی در خانواده‌مان احساس خوبی دارد این نعمت بزرگی است. ما باید قدر این را بدانیم.

(۱) شگفتی، اعجاب (۲) هویت

(۳) میراث؛ ارث (۴) رحمت، نعمت؛ برکت

۲۲۸۰۷ پدر بزرگ و مادر بزرگ من بیش از ۵۰ سال با هم بوده‌اند و آن‌ها هنوز تفاهم دارند.

(۱) مراقبت کردن (۲) تفاهم داشتن؛ کنار آمدن

(۳) ادامه دادن (۴) دریغ نکردن، مضایقه نکردن

۳۲۸۰۸ از زمانی که نقل مکان کردم، هیچ کدام از دوستان قدیمی‌ام با من تماس برقرار نکرده است. انگار در مورد آن‌ها [این ضرب‌المثل] درست است که «از دل برود هر آن‌که از دیده رود».

(۱) بادآورده را باد می‌برد (۲) علی‌رغم این، با وجود این

(۳) از دل برود هر آن‌که از دیده رود (۴) کیوتر با کیوتر، باز با باز

متن کلوز

مؤسسه «بُدو به خاطرش» توسط آلبرت و گریس دونر به یاد پسرشان فلیکس، یک قربانی سرطان مغز که در سال ۱۹۸۵ در سن ۱۱ [سالگی] درگذشت، پایه‌گذاری شد.

دوی تفریحی این مؤسسه، [که] در ۱۹۸۷ شروع شد، به تدریج از ۵۰ دوندۀ تا حدود ۸۰۰ [نفر] تا سال پیش افزایش یافته است. هر سال، مؤسسه مراسمی را برگزار می‌کند تا از افراد خیر پول جمع‌آوری کند. نخستین مراسم حدود ۵۰،۰۰۰ دلار برای تحقیقات سرطان عایدی داشت. امسال، برگزارکنندگان امیدوارند تا حتی پول بیشتری جمع‌آوری کنند! از آن‌جا که این مراسم توسط داوطلبان سامان‌دهی می‌شود و توسط هدایای جمعی حمایت می‌شود، هر پنی (هر مقدار پول) [که] جمع‌آوری شود، در حمایت از تحقیقات سرطان و تلاش‌ها برای بهبود بخشیدن به زندگی کودکان مبتلا به سرطان، مستقیماً به بیمارستان کودکان می‌رود.

۳۲۸۰۹ توضیح: فعل "found" (بنا نهادن؛ پایه‌گذاری کردن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. از آن‌جا که مفعول این فعل پیش از جای خالی آمده، در جای خالی به ساختار مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم، که در گزینه (۳) آمده است.

۴۲۸۱۰ (۱) به شدت؛ به طور گسترده‌ای (۲) با حوصله، با شکیبایی

(۳) سودمندانه، به‌طور مفید (۴) به تدریج، به مرور

۱۲۸۱۱ توضیح: یکی از کاربردهای مصدر با "to" بیان هدف و انگیزه از انجام

یک کار است. در این‌جا نیز صحبت از مراسمی است که به هدف جمع‌آوری پول از افراد خیر برگزار شده است و همان‌طور که می‌بینید ساختار مناسب برای فعل "collect" (جمع‌آوری کردن) به صورت مصدر با "to" در گزینه (۱) دیده می‌شود.

۲۲۸۱۲ توضیح: فعل "organize" (سامان‌دهی کردن؛ ترتیب دادن) جزء افعال متعدی است و از آن‌جا که مفعول این فعل (the ceremony) پیش از جای خالی آمده، در جای خالی به ساختار مجهول (to be + p.p.) نیاز داریم که در گزینه (۲) دیده می‌شود.

۴۲۸۱۳ (۱) درمان کردن؛ علاج کردن (۲) تشخیص دادن؛ شناسایی کردن

(۳) منظم کردن؛ برنامه‌ریزی کردن (۴) بهبود بخشیدن (۵) تقویت کردن

متن

تمام کشورهایی که اجسامی را به فضا می‌فرستند خود را رودر و با یک مشکل جدی می‌بینند: اتواشغال فضایی. این «اتواشغال» شامل قسمت‌هایی از موشک‌ها، قسمت‌های باقی‌مانده ناخواسته از پرتاب‌ها، ماهواره‌های ازکارافتاده و اجزای ساختگی دیگری می‌شود که صرفاً آن‌جا در فضا می‌مانند، ابتدا بی هیچ استفادۀ آن‌جا ممکن است قشنگ نیم میلیون قطعه ضایعات خطرناک در مدار باشد. هر آن‌طور که ممکن است انتظار داشته باشید، کشورها در سراسر جهان نگران‌اند بسیاری [از کشورها] روی راه‌حل‌هایی کار می‌کنند تا این ضایعات را از بین ببرند.

آژانس فضایی ژاپن یک کمند الکترومغناطیسی ساخته است. این تور غول‌پیکر فولادی و آلومینیومی، با وسعت حدود نیم مایل، در فضا می‌گردد و قطعات فلزی را در حالی که حرکت می‌کند، جذب می‌کند. به محض آن که پر [شود]، تور دوباره به داخل جو زمین سقوط می‌کند. قطعات جمع‌آوری‌شده هنگام ورود مجدد [به جو] می‌سوزند. اگر این ایده تور جواب دهد، ژاپن برنامه می‌ریزد تا یکی بسیار بزرگ‌تر بسازد.

یک شرکت سوئیسی پاسخ متفاوتی پیشنهاد می‌کند. این شرکت [در حال توسعه] یک فضاپیماست که به عنوان یک دستگاه غول‌پیکر عمل می‌کند تا قطعات زیان‌بار را جمع‌آوری کند. مانند آن تور ژاپنی، این دستگاه سوئیسی دوباره به داخل جو زمین سقوط می‌کند، [و] محتویاتش را در این فرآیند نابود می‌کند.

۱۲۸۱۴ موضوع این متن چیست؟

(۱) یک نوع جدید ضایعات

(۲) راه‌حل‌های بی‌ثمر برای یک مشکل

(۳) مشکل برای مأموریت‌های فضایی آینده

(۴) راه‌هایی برای فرستادن اجسام به درون فضا

۳۲۸۱۵ کدام یک از موارد زیر در این متن توصیف شده است؟

(۱) پرتاب‌ها (پاراگراف ۱) (۲) مدار (پاراگراف ۱)

(۳) کمند الکترومغناطیسی (پاراگراف ۲) (۴) ورود مجدد (پاراگراف ۲)

۲۲۸۱۶ دستگاه ساخته‌شده توسط آژانس فضایی ژاپن و آن [دستگاه] ساخته‌شده توسط یک شرکت سوئیسی در تمام خصوصیات زیر مشابه هستند به جز این که آن‌ها

(۱) در فضا ضایعات جمع‌آوری می‌کنند

(۲) بسیار شبیه هم به نظر می‌رسند

(۳) در خدمت هدف یکسانی هستند

(۴) طراحی شده‌اند تا ضایعات را هنگام بازگشت به زمین وادار به سوختن کنند

فاعلی، حق نداریم فاعل یا ضمیر جایگزین آن را مجدداً در جمله بیاوریم، به همین دلیل گزینه (۳) که ضمیر "they" در آن آمده، نمی‌تواند درست باشد. **۲۸۲۴** این یک واقعیت است که تمام مردم حاضرند تا حد امکان سخت تلاش کنند تا خوشبخت شوند، مگر نه؟

توضیح: برای ساخت پرسش‌های تأییدی، چنان‌چه با یک جمله مرکب مواجه باشیم که از جمله هسته و پیرو تشکیل شده باشد، مبنای ساخت پرسش تأییدی را جمله هسته (مستقل) قرار می‌دهیم. در این‌جا، جمله مستقل "It is a fact" است و جمله وابسته جمله‌ای است که با "that" شروع شده است. بنابراین، پرسش تأییدی را برای "It is a fact" تشکیل می‌دهیم. در این‌جا فعل "to be" به صورت مثبت آمده که پرسش تأییدی آن، به صورت منفی و به همراه ضمیر به شکل "isn't it?" می‌آید.

۲۸۲۵ تصویر نقاشی شده توسط آن کودک آن قدر فوق‌العاده بود که حتی نقاشان بزرگ به فکر فرو رفتند [که] آیا او آن [نقاشی] را بی هیچ کمکی کشیده بود.

توضیح: چنان‌چه کاری در گذشته پیش از کار دیگری رخ داده باشد، برای اشاره به کاری که از لحاظ زمانی زودتر رخ داده از زمان گذشته کامل و برای اشاره به عمل دیگر از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم. در این‌جا نقاشی کردن کودک پیش از تعجب و به فکر فرو رفتن نقاشان بزرگ رخ داده، به همین دلیل فعل "wondered" در زمان گذشته ساده و فعل "paint" در زمان گذشته کامل به کار می‌رود.

۲۸۲۶ پلیس تلاش کرد تا گروه عظیم طرفدارانی را [که] آن هنرمند معروف را دوره کرده بودند، کنترل کند.

(۱) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ... بودن (۲) جذب کردن؛ در خود فرو بردن (۳) احاطه کردن؛ دوره کردن (۴) شناسایی کردن؛ تشخیص دادن **۲۸۲۷** سیستم جاده‌ای آن قدر پیچیده بود که مجبور شدیم چندین بار توقف کنیم تا بفهمیم آیا داریم در جهت درست رانندگی می‌کنیم [یا نه].

(۱) مضر؛ آسیب‌رسان (۲) نامرئی؛ نامحسوس (۳) سنتی؛ قدیمی (۴) پیچیده **۲۸۲۸** **اخطار** بزرگی روی دیوار بود [که] می‌گفت: «پارک ممنوع!»

(۱) نقشه؛ طرح (۲) فضا؛ محیط (۳) اعلان؛ اخطار (۴) حروف اختصاری؛ مخفف **۲۸۲۹** ممکن است باور نکنید، ولی هزاران سال پیش، [این] که زمین گرد است اعتقاد بسیار پذیرفته‌شده‌ای در اروپا بود.

(۱) مستقیماً؛ یک‌راست (۲) به شدت، بسیار؛ به طور گسترده (۳) به طور ناگهانی، یک‌باره (۴) در کمال تعجب **۲۸۳۰** نقش پلیس شکستن قوانین نیست، بلکه [این است که] مردم را وادار کند از آن‌ها پیروی کنند.

(۱) خطر کردن، ریسک کردن (۲) پیروی کردن؛ اطاعت کردن (۳) دست یافتن، نایل شدن (۴) اطلاع دادن؛ آگاه کردن

۲۸۳۱ خوردن صحیح و ورزش کردن روزانه هر دو نیاز است تا به تقویت کردن سلامتی در افراد، پیر و جوان به طور یکسان، کمک کند.

(۱) منبع؛ دارایی (۲) اصل، اساس؛ قاعده (۳) سلامتی، تندرستی (۴) تنوع؛ گوناگونی **۲۸۳۲** اگر آن‌ها علت مشکل را بدانند، ممکن است بتوانند بفهمند چگونه از رخ دادن مجدد آن در آینده جلوگیری کنند.

(۱) ادامه دادن (۲) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن (۳) برگشتن؛ برگرداندن (۴) فهمیدن؛ پی بردن

۲۸۱۷ لغت "one" در پاراگراف ۲ به چه چیزی اشاره می‌کند؟
(۱) تور (۲) ایده (۳) قطعه (۴) ورود مجدد

متن ۲

شما ممکن است فکر کنید که انسان‌ها می‌توانند در طیف گسترده‌ای از محیط‌ها زندگی کنند، از بیابان‌های داغ آفریقا و خاورمیانه تا سرمای یخبندان سبیری یا کانادای شمالی. به عنوان یک گونه هوشمند، ما پی بردیم چگونه از آتش استفاده کنیم تا خودمان را در شرایط سرد، گرم نگه داریم، و خیلی بعد، [بی بردیم چگونه از] تهویه هوا [استفاده کنیم] تا خودمان را در آب‌وهوای گرم خنک نگه داریم. اما طیف گسترده‌ای از موجودات زنده قادر به زندگی کردن در محیط‌هایی هستند که در آن‌ها هیچ انسانی نمی‌تواند دوام بیاورد - شدیددوست‌ها. برای مثال، اسپینولورسوس سینزیا را [در نظر] بگیرید، موجودی کوچک [با] حدود یک میلی‌متر طول و کمی شبیه به عروس دریایی، این جاندار تازه کشف‌شده به طور خاصی جالب است، زیرا به نظر می‌رسد قادر به زندگی بدون اکسیژن باشد و بنابراین یک بی‌هوازی پرسولولی است. سلول اکثر جانداران حاوی میتوکندری‌ها است، که از اکسیژن استفاده می‌کند؛ تا انرژی تولید کند؛ در حالی که سلول‌های اسپینولورسوس سینزیا حاوی میتوکندری‌ها نیستند. اکثر بی‌هوازی‌های تاکنون کشف‌شده میکروب‌ها هستند و شکلی از تخمیر را به کار می‌گیرند تا انرژی به دست آورند. برخی بی‌هوازی‌ها در واقع در حضور اکسیژن خواهند مرد.

۲۸۱۸ هدف اصلی این متن چیست؟

- (۱) معرفی کردن نوع جدیدی از جاندار
 - (۲) نشان دادن نقش آتش در بقای بشر
 - (۳) ثابت کردن بی‌اهمیتی اکسیژن برای زندگی
 - (۴) توصیف کردن محیط‌های غیردوستانه به تازگی کشف‌شده
- ۲۸۱۹** کدام یک از گزاره‌های زیر در مورد موجودات بی‌هوازی توسط متن تأیید می‌شود؟

- (۱) آن‌ها همگی برای ما کشف‌شده و شناخته‌شده هستند.
- (۲) آن‌ها می‌توانند در طیف گسترده‌ای از محیط‌ها زندگی کنند.
- (۳) آن‌ها سلول‌هایی دارند که همه‌شان هیچ میتوکندری‌ای ندارند.
- (۴) آن‌ها قادر به بقا یافتن در محیط‌های خالی از اکسیژن هستند.

۲۸۲۰ لغت "which" در پاراگراف ۲ به چه چیزی اشاره می‌کند؟

- (۱) موجودات (۲) سلول‌های اکثر موجودات
- (۳) میتوکندری‌ها (۴) بی‌هوازی‌های پرسولولی

۲۸۲۱ کدام یک از تکنیک‌های استدلال زیر در این متن استفاده نشده است؟
(۱) توصیف کردن روابط علی و معلولی (۲) توصیف کردن گام‌ها در یک فرایند
(۳) اشاره کردن به تفاوت‌ها (۴) استفاده از مثال‌ها

۲۸۲۲ A: آیا هیچ کس به آن‌ها کمک کرد [که] پروژه را انجام بدهند؟
B: نه. آن دانشجویان کالج، تد و تام، خودشان آن پروژه را انجام دادند. آن‌ها در واقع با یکدیگر بسیار سخت کار کردند.

توضیح: یکی از کاربردهای ضمائر تأییدی، تأکید بر فاعل جمله است، به این معنا که فاعل کاری را انجام داده است و نه کس دیگری. در این کاربرد ضمیر تأییدی بلافاصله پس از فاعل و یا بعد از مفعول جمله ظاهر می‌شود.

۲۸۲۳ هر سال، دانشگاه‌ها در غرب تعداد قابل توجهی دانشجویان را که اهل کشورهای آسیایی هستند، می‌پذیرند.

توضیح: مرجع ضمیر موصولی (students) انسان است و بعد از آن نیز فعل (come) آمده است، پس در جای خالی به ضمیر فاعلی برای انسان، یعنی who یا that نیاز داریم. دقت داشته باشید که در صورت به کار بردن ضمیر

۲۲۸۴۰ چرا نویسنده مقایسه‌ای میان زبان‌ها و انسان‌ها در پاراگراف دوم

انجام می‌دهد، «هر مطالعه تاریخ زبان ...»؟

(۱) چون زبان‌ها توسط انسان‌ها صحبت می‌شوند

(۲) چون هر دوی زبان‌ها و انسان‌ها تاریخ دارند

(۳) چون هر دوی زبان‌ها و انسان‌ها در طول زمان یکسان باقی می‌مانند

(۴) چون وقتی زبان‌ها از دست می‌روند، انسان‌ها هر دانش و تجربه‌ای را [که]

از طریق آن‌ها جمع‌آوری کرده‌اند، از دست می‌دهند

۲۲۸۴۱ عبارت "these languages" به چه چیز اشاره می‌کند؟

(۱) زبان‌های سالم و قدرتمند

(۲) زبان‌هایی که به سرعت در حال انقراض هستند

(۳) آن زبان‌هایی که موفق می‌شوند تا [سال] ۲۱۰۰ دوام بیاورند

(۴) ۷,۰۰۰ زبانی که هنوز در جهان صحبت می‌شوند

۲۲۸۴۲ این متن به احتمال زیاد با بحثی در مورد ادامه می‌یابد.

(۱) دلایلی که چرا زبان‌ها می‌میرند

(۲) [این که] چه کنیم تا از نابود شدن زبان‌ها جلوگیری کنیم

(۳) [این که] چرا افراد در مورد مرگ تدریجی زبان‌ها نگران هستند

(۴) [این که] از دست رفتن زبان باعث می‌شود علاوه بر خود زبان چه چیزی

را از دست دهیم

متن ۲

برخی مردم خجالتی هستند، که بدان معناست که در حضور دیگران احساس ناراحتی می‌کنند. اگر شما از خجالتی بودن رنج می‌برید، تنها نیستید، چرا که بسیاری از افراد وجود دارند [که] همین مشکل را دارند. بر اساس تحقیقات جدید، قریب به ۵۰ درصد از جمعیت عمومی گزارش می‌دهند که آن‌ها در حال حاضر درجه‌ای از خجالتی بودن را در زندگی‌هایشان تجربه می‌کنند. به علاوه، نزدیک به ۸۰ درصد از مردم احساس خجالت را در برهه‌ای از زندگی‌شان گزارش می‌دهند. از آن‌جا که خجالتی بودن تا این حد در جهان فراگیر است، تعجبی نیست که دانشمندان اجتماعی در حال آموختن [چیزهای] بیشتری در مورد علل آن هستند. آن‌ها یافته‌اند که خجالتی بودن در یک فرد می‌تواند از هر دو عامل زیست‌شناختی و محیطی ناشی شود.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که برخی مردم به صورت ژنتیکی مستعد خجالتی بودن هستند. به عبارت دیگر، برخی مردم می‌گویند که بعضی از انسان‌ها خجالتی به دنیا می‌آیند. پژوهشگران می‌گویند که بین ۵ تا ۲۰ درصد از کودکان تازه متولدشده نشانه‌هایی از خجالتی بودن را بروز می‌دهند: آن‌ها ساکت‌تر و محتاط‌تر هستند. پژوهشگران تفاوت‌های روانشناختی‌ای را میان کودکان اجتماعی و خجالتی شناسایی کرده‌اند که تنها در عرس دو ماه برور می‌یابند. در یک مطالعه، دوماهه‌هایی که بعداً به عنوان کودکان خجالتی شناسایی شدند وقتی آویزهای متحرک و صداها ضعیف‌شده انسان به آن‌ها نشان داده می‌شد با علائمی از استرس واکنش نشان می‌دادند: تپش قلب افزایش یافته، حرکات ناگهانی دست‌ها و پاها و گریه کردن بیش از حد. شواهد بیشتر از اساس ژنتیک خجالتی بودن این واقعیت است که والدین و پدربزرگ، مادربزرگ‌های کودکان خجالتی بیشتر از والدین و پدربزرگ و مادربزرگ‌های کودکان غیرخجالتی می‌گویند که آن‌ها به عنوان کودک، خجالتی بودند.

۲۲۸۴۳ دانشمندان اجتماعی تلاش کرده‌اند تا به دلایل خجالتی بودن پی

ببرند چون

(۱) این مشکلی است که بسیاری از انسان‌ها از آن رنج می‌برند

(۲) این قطعاً یک ریشه ذهنی دارد و نه یک ریشه جسمی

۲۲۸۳۳ ما دو نفر به نام پاول جیمز مشغول به کار در این‌جا داریم، بنابراین

این [موضوع] یک مقدار گیج‌کننده است.

(۱) شلوغ، پرازدحام

(۲) محبوب، پرطرفدار

(۳) غیرقابل فهم، نامفهوم

(۴) گیج‌کننده

متن کلوز

زبان ابزار اصلی ارتباط میان ملت‌هاست، ولی از آن‌جا که زبان‌های متفاوت بسیار زیادی وجود دارد، افراد سرتاسر جهان [برای] فهمیدن یکدیگر کار مشکلی دارند. برای سال‌های بسیار، انسان‌ها رویای ساختن یک زبان بین‌المللی یا جهانی را داشته‌اند که تمام افراد بتوانند [با آن] صحبت کنند و بفهمند. دلایل آن‌ها سراسر است. اگر تمام افراد یک زبان را صحبت می‌کردند، ارتباطات فرهنگی و اقتصادی بسیار نزدیک‌تر بود و حسن نیت میان کشورها افزایش می‌یافت.

۲۲۸۳۴ (۱) ابزار، وسیله

(۲) منشأ، ریشه

(۳) تقاضا، درخواست

(۴) سنت، آداب و رسوم

۲۲۸۳۵ توضیح: عبارت "all around the world" یک همایند به

حساب می‌آید که در متن درس ۱ سال یازدهم، با آن آشنا شدیم. بهتر است

آن را به همین صورت به خاطر بسپارید.

۲۲۸۳۶ توضیح: حرف اضافه "for" (برای، به مدت) می‌تواند برای نشان

دادن یک بازه زمانی استفاده شود. این کاربرد به‌خصوص هنگام استفاده از

زمان حال کامل (have dreamed of) بسیار متداول است.

۲۲۸۳۷ توضیح: بعد از حروف اضافه (مثل of در این تست) فعل به صورت

اسم مصدر (ing) ظاهر می‌شود.

۲۲۸۳۸ توضیح: با توجه به این که تحقق موضوع شرط (یعنی این که تمام مردم

به یک زبان صحبت کنند) یک امر فرضی و خیالی به حساب می‌آید و زمان جمله

نیز به حال یا آینده مربوط می‌شود، باید از ساختار شرطی نوع دو استفاده کنیم.

در ساختار شرطی نوع دو، در بند شرط از گذشته ساده و در بند جواب شرط از

ساختار آینده در گذشته (شکل ساده فعل + would) استفاده می‌کنیم.

متن ۱

زبان یکی از توانایی‌های مهم آدم‌هاست که باعث می‌شود نوع بشر از حیوانات متمایز شود، بنابراین، از دست رفتن زبان سوالات بسیاری را در مورد تاریخ، انسانیت ما و شاید در مورد آینده ما نیز برمی‌انگیزد. هر مطالعه تاریخ زبان نشان می‌دهد که زبان‌ها، همانند انسان‌ها در طول زمان توسعه می‌یابند. بر اساس برخی تخمین‌ها، حدود ۷,۰۰۰ زبان هنوز در جهان صحبت می‌شود. این عدد نشانه‌ای از تنوع و گستره تجربه انسانی در سرتاسر جهان است. ولی تمام آن زبان‌ها به یک میزان سالم نیستند. در واقع، در حالی که برخی زبان‌ها سالم و قدرتمند هستند، دیگر [زبان‌ها] در فرایند مردن و ناپدید شدن قرار دارند. در واقع، تحقیق نشان می‌دهد که زبان‌ها بسیار سریع در حال منقرض شدن هستند. برخی معتقدند که تا [سال] ۲۱۰۰، اکثر این زبان‌ها، شاید تا ۹۰٪ از آن‌ها دیگر در رسانه گفتاری وجود نخواهند داشت. اگر این زندگی گیاهی، یا وال‌ها و دلفین‌ها بود، بسیاری از مردم نگران بودند و می‌خواستند کاری انجام شود تا این فرایند ناخوشایند متوقف شود. با وجود این، در کمال شگفتی، به نظر می‌رسد علاقه کمی به این رویداد وحشتناک وجود داشته باشد. وقتی یک زبان به وجودش پایان می‌دهد چه چیز از دست می‌رود؟

۲۲۸۳۹ موضوع این متن چیست؟

(۱) از دست رفتن زبان

(۲) چگونه زبان‌ها منقرض می‌شوند

(۳) مقایسه زبان‌های مدرن و قدیمی

(۴) تفاوت اصلی میان انسان‌ها و حیوانات

از فعل "was" استفاده نمی‌کنیم و فعل گذشته "to be" را برای تمام فاعل‌ها به صورت "were" به کار می‌بریم.

۱۲۸۵۱ ما این بار برنده نشدیم، ولی هرگز ناامید نمی‌شویم و زندگی می‌کنیم تا یک روز دیگر مبارزه کنیم.

(۱) جنگیدن؛ مبارزه کردن (۲) طلوع کردن؛ برخاستن

(۳) از دست دادن؛ گم کردن (۴) دفاع کردن از

۱۲۸۵۲ آن ماشین باید تعویض می‌شد چون قدیمی بود و دیگر در شرایط کار کردن نبود.

(۱) تبدیل کردن؛ تبدیل شدن (۲) تعویض کردن؛ جایگزین کردن

(۳) گسترش دادن (۴) جلوگیری کردن از؛ پیشگیری کردن از

۱۲۸۵۳ این شرکت کسب‌وکار به یک منشی دوزبانه نیاز دارد - منشی‌ای که بتواند عربی را در کنار زبان مادری خودش صحبت کند.

(۱) آشنا (۲) دوزبانه

(۳) متوسط؛ میانی (۴) سخت‌کوش، پرتلاش

۱۲۸۵۴ حرکت بدن یک ابزار ارتباط است؛ آن در واقع عنصر غیر گفتاری ارتباط است.

(۱) منشأ؛ ریشه (۲) نتیجه، حاصل (۳) ابزار، وسیله (۴) مترادف، هم‌معنی

۱۲۸۵۵ مادر حسن وقتی او دو [ساله] بود، مُرد و او در واقع به تنهایی توسط پدرش بزرگ شد.

(۱) بزرگ کردن، پرورش دادن (۲) تکیه کردن بر؛ وابسته بودن به

(۳) تو خود بودن، کناره‌جویی کردن (۴) مراقب ... بودن

۱۲۸۵۶ یک گروه از آن توضیحات راضی بود، ولی گروه دیگر درخواست توضیحات بسیار بیشتر کرد.

(۱) آماده برای (۲) مجذوب (۳) نامطمئن از (۴) راضی از

۱۲۸۵۷ با به حساب آوردن تمام عادت‌های ناسالم او، [جای] تعجب است که او این قدر طولانی زندگی کرده است.

(۱) تعجب، شگفتی (۲) نگرانی، دغدغه (۳) گنج؛ گنجینه (۴) مدرک؛ سند

۱۲۸۵۸ بسیاری از افراد در سراسر جهان نلسون ماندلا را انسانی بسیار خردمند به‌شمار می‌آورند و به او احترام بسیار زیادی می‌گذارند.

(۱) پیشنهاد دادن؛ ارائه کردن (۲) یادآوری کردن به؛ متذکر شدن به

(۳) اختصاص دادن؛ وقف کردن (۴) احترام گذاشتن به

متن کلوز

آیا تا به حال سبزیجات به‌خصوصی را در زمان نامناسب سال خواسته‌اید؟ آیا تا به حال [بعد] از روزی طولانی به خانه آمده‌اید تا صرفاً بفهمید که هیچ سبزیجاتی برای شام ندارید؟ من در چنین موقعیتی بوده‌ام. من از خوردن سبزیجاتم یا شامم لذت نمی‌برم. شام بدون سبزیجات درست در بشقابم به نظر ناقص می‌آید. ولی به نظر می‌رسد که هر بار می‌خواستم نوع خاصی از سبزیجات را داشته باشم، همیشه زمان نادرست بود. دیگر نه! من شروع به منجمد کردن سبزیجات خودم کرده‌ام و خوشحالم که بگویم که حالا سبزیجات موردعلاقه‌ام را در تمام طول سال دارم. گذشته از پس‌اندازها. برای بیشتر افراد، منجمد کردن سبزیجات به نظر فرایند زمان‌گیر و پیچیده‌ای می‌آید؛ با وجود این، در واقع بسیار ساده است. شما تنها کافی است بدانید چه انواعی از سبزیجات قابل انجماد هستند، چگونه آن‌ها را آماده کنید و چگونه آن‌ها را [در آب جوش] نیم‌پز کنید.

۳ راه‌های پیشنهادشده قبلی برای کنترل کردن آن جواب ندادند

۴ برخی افراد که گزارش می‌دهند که خجالتی هستند ممکن است واقعاً خجالتی نباشند

۲۸۴۴ از پارگراف ۲ می‌توان نتیجه گرفت که اگر والدین و پدربزرگ و مادربزرگ یک فرد خجالتی باشند، او

(۱) کمتر اجتماعی خواهد شد تا [آن چه] آن‌ها بودند

(۲) نیاز دارد تا فوراً یک پزشک را ببیند

(۳) دوران کودکی دشواری را داشته است

(۴) احتمال دارد که [او] هم خجالتی باشد

۲۸۴۵ لغت "they" در پاراگراف ۲ به اشاره دارد.

(۱) علائم استرس (۲) دوماهه‌ها

(۳) کودکان خجالتی به طور کلی (۴) آویزها و صداهای ضبط‌شده انسان

۲۸۴۶ کدام یک از گزاره‌های زیر بر اساس پاراگراف ۲ صحیح است؟

(۱) هیچ کس خجالتی به دنیا نمی‌آید.

(۲) تفاوت‌های فیزیولوژیکی میان کودکان خجالتی و اجتماعی وجود دارد.

(۳) افراد خجالتی معمولاً کم‌حرف‌تر ولی کمتر محتاط هستند از آن‌هایی که خجالتی نیستند.

(۴) تپش قلب، حرکات ناگهانی دست‌ها و پاها و گریه کردن بیش از حد، برخی دلایل فیزیولوژیک خجالتی بودن هستند.

۲۸۴۷ کاترین آن درس را به خوبی یک معلم باتجربه به کلاس توضیح داد.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی به ساختاری نیاز داریم که تدریس کاترین را با تدریس یک معلم باتجربه مقایسه کند. در این مقایسه،

می‌توان از دو ساختار برتری و یا برابری استفاده کرد. اما دقت داشته باشید، که در ساختار برتری، پس از "than" از اسم استفاده می‌کنیم و به همین دلیل

کاربرد "that" در گزینه (۴) اشتباه است.

در گزینه‌های (۱) و (۲) ساختار برابری به کار رفته است. توجه داشته باشید که

مقایسه صورت‌گرفته، در مورد یک فعل اصلی (teach) است و برای توصیف فعل اصلی در این‌جا به قید حالت "well" نیاز داریم که در گزینه (۲) آمده است.

۲۸۴۸ من نتوانستم استاد را ملاقات کنم، صرفاً چون دقایقی پس از آن که او رفته بود، رسیدم.

توضیح: چنان‌چه دو فعل در گذشته رخ داده باشند، برای اشاره به فعلی که پیش از دیگری رخ داده می‌توانیم از ساختار گذشته کامل (had + p.p.) استفاده کنیم.

در این‌جا هم ابتدا استاد رفته و سپس گوینده جمله رسیده است، برای همین برای اشاره به رفتن استاد از ساختار گذشته کامل که در

گزینه (۴) آمده استفاده می‌کنیم.

۲۸۴۹ نولد می‌گوید که در [روز] ۱ فوریه [سال] ۱۸۹۳ در صحرای شمال هیل، دما از ۷۸ درجه کمی پیش از غروب آفتاب تا ۱۸ درجه یک ربع ساعت

پس از [آن] کاهش یافت.

توضیح: در زبان انگلیسی، پیش از تاریخ کامل از حرف اضافه "on" استفاده می‌کنیم و با توجه به این که پس از جای خالی تاریخ کامل ۱ فوریه ذکر شده،

در جای خالی از حرف اضافه "on" استفاده می‌کنیم.

۲۸۵۰ من کاملاً مطمئن هستم که اگر جنیفر جای تو بود، همین کار را به نحو متفاوتی انجام می‌داد.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله، صحبت از امری خیالی یا فرضی در زمان حال یا آینده است و به همین دلیل به ساختار شرطی نوع دو نیاز داریم. در

این ساختار، در بند شرط از زمان گذشته ساده و در بند جواب شرط از ساختار آینده در گذشته ساده (مصدر ساده + would) استفاده می‌کنیم. به این نکته

هم دقت داشته باشید که معمولاً در بند جواب شرط جملات شرطی نوع دو

۲۸۶۵ از متن می‌توان فهمید که افراد بیشتر و بیشتری می‌خواهند تأثیرگذار شوند، چون به این طریق آن‌ها می‌توانند

- (۱) تعداد زیادی دنبال‌کننده داشته باشند
- (۲) میزان قابل‌توجهی پول به دست آورند
- (۳) دانش خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دهند
- (۴) به افراد کمک کنند تصمیم‌های درست در زندگی‌هایشان بگیرند

۲۸۶۶ بر اساس متن، خرده‌تخصص یک تأثیرگذار چیست؟
 (۱) دنبال‌کنندگان او
 (۲) شرکت‌هایی که او برایشان کار می‌کند
 (۳) زمینه‌ای که او در آن اطلاعات است
 (۴) پست‌های رسانه‌های اجتماعی او به عنوان یک تأثیرگذار

۲۸۶۷ کدام یک از موارد زیر به عنوان یک رسانه در پاراگراف ۳ نام برده نشده است؟
 (۱) وبلاگ آنلاین (۲) اینستاگرام (۳) اسنپ‌چت (۴) شرح حال

متن ۲

در آغاز هر سال جدید، بسیاری از ما به خودمان قول می‌دهیم که تعداد دفعات به‌خصوصی در هفته به باشگاه می‌رویم، می‌دویم، در یک کلاس ورزشی شرکت می‌کنیم و غیره. ولی بسیاری از ما در گنجاندن ورزش در زندگی‌هایمان مشکل داریم، یا خوب شروع می‌کنیم و سپس دست می‌کشیم.

کلید [این مشکل] ممکن است پیدا کردن نوع مناسب ورزش برای شما باشد. به هر حال، اگر سرانجام کاری را انجام دهیم که از آن لذت می‌بریم و تأثیرات مثبتش را می‌بینیم، احتمال بیشتری دارد که آن را برای [مدت] طولانی‌تر از چند هفته انجام دهیم. مطالعات نشان می‌دهند که شش هفته تمام [چیز] است که نیاز است تا یک عادت را شکل دهیم، بنابراین به محض آن که توانستیم برای آن مدت زمان ادامه دهیم، احتمالش هست که ورزش بخش روتینی از زندگی‌هایمان شده باشد که آن را زیر سؤال نمی‌بریم. خوب، چه ورزشی برای شما مناسب است؟ اول از همه، باید بفهمید هدفتان چیست. آیا شما عمدتاً به رنجه استرس علاقه‌مند هستید یا به سالم‌تر شدن؟ اگر هدف مهم شما آرامش یافتن است، پس از خود بپرسید آیا می‌خواهید آن را به شیوه‌ای پرتنری انجام دهید [یا نه]، که در آن صورت نوعی از ورزش، مثلاً بر پایه یوگا ممکن است برای شما مناسب باشد. اگر شیوه آرام‌تری دارید، پس می‌توانید ورزشی را انتخاب کنید که می‌توانید به تنهایی انجام دهید، همچون پیاده‌روی، کمی باغبانی کردن، یا انتخاب کردن یک پیاده‌روی تندوتیز روزانه دور محل. اگر هنگام کار کردن با دیگران بیشتر علاقه‌مند می‌شوید، پس می‌توانید در یک کلاس تنیس، تناسب [اندام] یا تاجی شرکت کنید، [که] همگی برای کش دادن و نیرومند کردن مایچه‌هایمان طراحی شده‌اند و به همراه مزیت مضاعف آرام کردن ذهن [هستند].

۲۸۶۸ این متن ادعا می‌کند که بسیاری از آن‌هایی که به خودشان در آغاز هر سال قول می‌دهند که شروع به انجام دادن نوعی از ورزش می‌کنند

- (۱) هرگز عضو یک باشگاه ورزشی نمی‌شوند
- (۲) موفق نمی‌شوند قول خود را حفظ کنند
- (۳) پیش از این هیچ ورزشی انجام نداده‌اند
- (۴) تنها می‌توانند چند بار در هفته ورزش کنند

۲۸۶۹ در مجموع، متن قصد دارد تا
 (۱) به افراد کمک کند ورزش مناسب را برای خودشان انتخاب کنند
 (۲) تأثیرات مثبت ورزش را بر سلامتی افراد معرفی کند

۲۸۵۹ (۱) باور کردن؛ باور داشتن (۲) شناسایی کردن؛ تشخیص دادن (۳) کشف کردن؛ فهمیدن (۴) اطلاع دادن؛ آگاه کردن

۲۸۶۰ توضیح: پس از فعل "enjoy" (لذت بردن از) فعل به صورت اسم مصدر (فعل ingدار) به کار می‌رود، به همین دلیل در جای خالی فعل "have" (داشتن؛ خوردن) را در ساختار اسم مصدر به کار می‌بریم.

- ۲۸۶۱ (۱) اشتباه؛ نادرست (۲) دقیق (۳) ممکن؛ محتمل (۴) لذت‌بخش
- ۲۸۶۲ (۱) گسترده، وسیع (۲) تازه، جدید (۳) مورد علاقه، محبوب (۴) گران

۲۸۶۳ توضیح: با توجه به مفهوم جمله در جای خالی به صفت نیاز داریم. البته بدون توجه به مفهوم جمله هم می‌توان گفت که آن چه قبل و بعد از حرف ربط "and" می‌آید، باید از یک جنس باشد و از آن‌جا که قبل از حرف ربط "and" صفت "time-consuming" (زمان‌گیر) را داریم، در جای خالی نیز به یک صفت نیاز داریم. تنها گزینه‌ای که شامل یک صفت است، گزینه (۴) می‌باشد.

متن ۱

گفته می‌شود که حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و بسیاری از این میلیاردها کاربر رسانه‌های اجتماعی به تأثیرگذاران (اینفلوئنسر) نگاه می‌کنند تا به آن‌ها کمک کنند [که] تصمیم بگیرند چه بخرند و از چه گرایش‌هایی پیروی کنند. خوب، تأثیرگذار چیست و چگونه یکی [از آن‌ها] بشویم؟ تأثیرگذار فردی است که به خاطر رابطه‌اش با مخاطبش و دانشش در زمینه‌ای به‌خصوص، همچون مد، سفر یا فناوری می‌تواند بر تصمیمات دنبال‌کننده‌هایش تأثیر بگذارد. تأثیرگذاران معمولاً یک گروه دنبال‌کننده بزرگ از افراد را دارند که به دیدگاه‌های آن‌ها توجه دقیق می‌کنند. آن‌ها این قدرت را دارند که مردم را وادار به خریدن چیزها کنند و تأثیرگذاران حالا توسط بسیاری از شرکت‌ها به عنوان راهی مستقیم به قلب‌های مشتریان دیده می‌شوند. برندها اکنون از تأثیرگذاران قدرتمند می‌خواهند تا محصولاتشان را بازاریابی کنند. در حالی که برخی تأثیرگذاران برای یک پست رسانه اجتماعی درخواست ۲۵,۰۰۰ دلار می‌کنند، تعجبی ندارد که افراد بیشتر و بیشتری علاقه‌مند می‌شوند که [آن‌ها] هم تأثیرگذار شوند. اگر شما یکی از آن‌ها هستید، این‌جا پنج نکته در مورد چگونه انجام دادن آن وجود دارد.

اول، خرده‌تخصص خود را پیدا کنید. کدام زمینه است که شما بیشترین چیز را در موردش می‌دانید؟ در مورد صحبت کردن راجع به چه چیز بیشتر هیجان‌زده هستید؟ زمینه به‌خصوصی را پیدا کنید که بیشترین علاقه را [به آن] دارید و آن را گسترش دهید. سپس، رسانه خود را پیدا کنید و یک شرح حال جالب بنویسید. بیشتر تأثیرگذاران امروزه وبلاگ‌نویسان و ریزوبلاگ‌نویسان هستند. تصمیم بگیرید [که] کدام رسانه - مانند وبلاگ آنلاین خودتان، اینستاگرام یا اسنپ‌چت - بهترین راه است تا با دنبال‌کنندگان‌تان ارتباط برقرار کنید و در مورد زمینه خرده‌تخصص‌تان صحبت کنید. وقتی آن را انجام دادید، شرح حال جالب توجهی بنویسید و خودتان و زمینه تخصصی‌تان را به شیوه‌ای جالب و منحصر به فرد توصیف کنید. مطمئن شوید [که] افرادی که شرح حال شما را می‌خوانند تمایل خواهند داشت تا شما را دنبال کنند.

- ۲۸۶۴ هدف اصلی پاراگراف ۲ چیست؟
 (۱) توصیف کردن [این‌که] یک تأثیرگذار کیست
 (۲) شناسایی کردن شیوه‌های جدید رسانه‌های اجتماعی
 (۳) کمک کردن به تأثیرگذاران تا کار خود را بهتر انجام دهند
 (۴) توضیح دادن [این‌که] چرا افراد پست‌های رسانه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند

۲۸۷۹ عکس‌هایی که پال می‌گیرد تقریباً همیشه یک‌جور و کسل‌کننده هستند ولی مجموعه جدید عکس‌هایش به طرز غیرقابل انتظاری هیجان‌انگیز و جذاب است.

(۱) به طرز غیرقابل انتظاری

(۲) ناگهانی؛ یک‌دفعه

(۳) به طور نامحسوس؛ به طرز غیرقابل دیدن

(۴) از روی اشتیاق؛ به طور خودخواسته

۲۸۸۰ هر وقت می‌خواهم یک داستان انگلیسی بخوانم، ابتدا به دنبال تمام لغات جدید در یک دیکشنری می‌گردم و تنها آن موقع شروع به خواندن داستان می‌کنم.

(۱) نشانگر ... بودن؛ مخفف ... بودن (۲) در هتل و غیره [اتاق گرفتن

(۳) فوت کردن، در گذشتن (۴) [در دیکشنری و غیره] دنبال ... گشتن

۲۸۸۱ چند سال پیش پرستار بودن (این که چند سال پیش پرستار بود)، برای ویکتوریا به عنوان یک مادر نعمتی بود؛ آن [تجربه] در واقع به او اجازه داد که مراقبت بهتری از کودکش انجام دهد.

(۱) تقاضا، درخواست (۲) عملکرد، کارکرد

(۳) رحمت؛ برکت (۴) سوغاتی؛ یادگاری

۲۸۸۲ آن پیرمرد پایین خیابان همیشه تو خودش است. من تازه فهمیدم حتی اسم او را نمی‌دانم.

(۱) نگه داشتن؛ حفظ کردن (۲) اهمیت دادن

(۳) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن (۴) دور شدن؛ در رفتن

توضیح: تو خود بودن، کناره‌جویی کردن: keep to one's self

۲۸۸۳ ماری: «این ساعت برای تولد تو است، پم.»

پم: «ازت ممنونم، ولی این ساعت ارزان به نظر می‌رسد، نمی‌دانم قرار باشد آن را ببندم [یا نه].»

مادر پم: «دندان اسب پیش‌کشی را نمی‌شمارند.»

(۱) سحرخیز باش تا کامروا شوی (۲) دودست گفته چون نیم کردار نیست

(۳) دندان اسب پیش‌کشی را نمی‌شمارند (۴) جوجه را آخر پاییز می‌شمارند

متن کلوز

پیشرفت‌های تازه در زمینه‌های پزشکی و زیست‌فناوری به موقعیت‌هایی منجر شده است که تنها یک نسل پیش، حتی نمی‌توانست تصور شود. قلب‌های پلاستیکی که با باتری کار می‌کنند می‌توانند درون افراد جایگذاری شوند. انسان‌ها می‌توانند به وسیله دستگاه‌ها به طور نامحدود زنده نگه داشته شوند. نسخه‌های دقیقی از حیوانات می‌تواند ساخته شود. اگر چه چنین دستاوردهای علمی ممکن است نهایتاً به بشریت کمک کنند، آن‌ها هم چنین مسائل پیچیده حقوقی و اخلاقی ایجاد کرده‌اند.

۲۸۸۴ توضیح: یکی از مهم‌ترین کاربردهای زمان حال کامل (have / has + p.p.) اشاره به عملی است که در گذشته انجام شده و آثار و نتایج آن همچنان باقی است. در این جا نیز پیشرفت‌های علمی به‌وجودآمده به موقعیت‌های کنونی منجر شده‌اند و این موقعیت‌ها هم‌چنان باقی است، پس در جای خالی از ساختار حال کامل استفاده می‌کنیم.

۲۸۸۵

(۱) جایگزین کردن؛ جانشین ... شدن (۲) تصور کردن؛ خیال کردن

(۳) مقایسه کردن (۴) نیاز داشتن؛ مستلزم ... بودن

(۳) دلایلی را توضیح دهد [که] چرا افراد پس از مدتی از ورزش کردن دست می‌کشند

(۴) انواع مختلف برنامه‌های ورزشی را با یکدیگر مقایسه و مقابله کند

۲۸۷۰ این متن تمام موارد زیر را در مورد تأثیرات شرکت کردن در یک کلاس تای چی ذکر می‌کند، به جز

(۱) با دیگران کار کردن (۲) آرامش یافتن

(۳) قوی کردن عضلات تان (۴) آرام کردن ذهن

۲۸۷۱ بر اساس متن، انجام دادن ورزش می‌تواند تبدیل به یک عادت شود اگر فردی [که] آن را انجام می‌دهد

(۱) به خودش قول داده باشد که این چنین کند

(۲) هدف ورزش کردنش را بداند

(۳) نوع ساده‌ای از ورزش را انتخاب کند

(۴) به انجام دادن آن برای شش هفته ادامه دهد

۲۸۷۲ به دانش‌آموزان گفته شده بود تا مطمئن شوند که در طول آن امتحان در مدرسه وقت تلف نکنند.

توضیح: پس از عبارت "make sure" (مطمئن شدن) فعل به صورت مصدر با to به کار می‌رود. هم‌چنین برای منفی کردن مصدر با to، کلمه not را قبل از to قرار می‌دهیم.

۲۸۷۳ چون او لنز مناسب را برای دوربینش نیاورده بود، نتوانست از آن صحنه نامعمول عکس‌هایی بگیرد.

توضیح: چنانچه دو فعل در گذشته با فاصله زمانی از یکدیگر رخ داده باشند، برای اشاره به فعلی که پیش از دیگری رخ داده از ساختار گذشته کامل (had + p.p.) استفاده می‌کنیم. در این جا نیز ابتدا «نیاوردن لنز مناسب» رخ داده است، پس این فعل را در ساختار گذشته کامل به کار می‌بریم.

۲۸۷۴ به نظر می‌رسید آن قطار مدرن به سرعت سریع‌ترین اتومبیل حرکت کند، شاید حتی سریع‌تر.

توضیح: با توجه به گزینه‌ها، در جای خالی به صفت عالی (برترین) در ساختار مناسب نیاز داریم. در این ساختار، حتماً به حرف تعریف the پیش از صفت نیاز داریم (نادرستی گزینه ۲). از طرفی، می‌دانیم که در زبان انگلیسی اسم پس از صفت می‌آید و به همین دلیل تنها گزینه صحیح، گزینه (۴) است.

۲۸۷۵ آن دو رفیق برنامه ریختند تا کشور زندگی‌شان را در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ ترک کنند.

توضیح: در زبان انگلیسی، پیش از تاریخ کامل از حرف اضافه "on" استفاده می‌کنیم و با توجه به این که پس از جای خالی، تاریخ کامل ۱۵ مارس ذکر شده، در جای خالی از حرف اضافه "on" استفاده می‌کنیم.

۲۸۷۶ از پلیس خواسته شده است که اقدام فوری انجام دهد تا جلوی تصادفات جاده‌ای بیشتر را بگیرد.

(۱) حفظ کردن؛ نجات دادن (۲) دفاع کردن از

(۳) جلوی ... را گرفتن؛ مانع ... شدن (۴) احاطه کردن؛ دوره کردن

۲۸۷۷ استرس می‌تواند باعث طیفی از اختلال‌های جسمی از سردردها گرفته تا زخم‌های معده شود.

(۱) ترکیب؛ تلفیق (۲) اختلال؛ ناهماهنگی

(۳) بیمار (۴) اعلان؛ هشدار

۲۸۷۸ به عقیده من، هر فرد دارای ارزش‌های اخلاقی هر کار ممکن را انجام می‌دهد تا از جنگ اجتناب کند.

(۱) شجاع؛ دلیر (۲) اخلاقی

(۳) محبوب، مورد علاقه (۴) مهمان‌نواز

متن ۲

یک فرد واحد نمی‌تواند به عنوان فرد مسئول اختراع سینما نامیده شود. در حقیقت، بسیاری از افراد در توسعه سینما نقشی ایفا کردند. مردی به نام مایبرج نخستین تصویر متحرک را در [سال] ۱۸۷۸ ساخت. آن یک فیلم از یک اسب [در حال] دویدن بود و فقط چند ثانیه طول کشید. تا [سال] ۱۸۹۵ افراد دیگری دستگاه‌های دیگری برای نمایش دادن تصاویر متحرک اختراع کرده بودند، ولی بسیاری از آن‌ها تنها ممکن بود توسط یک فرد در آن واحد تماشا شود. توسعه دستگاه‌هایی که می‌توانستند فیلم‌ها را بر یک پرده بیندازند، مهم بود. توماس ادیسون یکی از نخستین [کسانی] بود که فیلم‌های بسیار کوتاه را به جمعیت ۲۰ [نفر] یا بیشتر از افراد نشان داد. فیلم‌های او آکروبات‌ها و رقاصان را [در حال] اجرا کردن نشان می‌داد یا رویدادهای روزمره مثل یک مرد [در حال] خوردن! در آغاز، فیلم‌ها فقط چند دقیقه طول می‌کشید. آن‌ها سیاه‌وسفید و صامت بودند. آن‌ها معمولاً مستندهایی در مورد اماکن مختلف یا رویدادهای خبری، یا کمدی‌هایی در حال نمایش افرادی [که] زمین می‌خوردند و قیافه‌های خنده‌دار در می‌آوردند، بودند. بعدها، آن‌ها داستان‌هایی طولانی‌تر شدند، ولی هنوز هیچ صدایی [در کار] نبود. در عوض، ممکن بود، در حالی که فیلم نمایش داده می‌شد، موسیقی‌دانی در حال نواختن پیانو در سالن باشد.

فیلم‌های موزیکال احتمالاً محبوب‌ترین نوع فیلم در سرتاسر دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ بودند. یک بازیگر و خواننده بسیار معروف در آن زمان شیرلی تمپل بود - او دختر پنج‌ساله‌ای بود که هر کسی دوست داشت اجرای نمایش [او را] روی صحنه تماشا کند.

۲۸۹۳ | قصد پاراگراف ۱ اساساً پاسخ دادن به کدام سؤال است؟

(۱) چه کسی فیلم‌ها را اختراع کرد؟

(۲) فیلم‌های اولیه چه جوری بودند؟

(۳) چرا فیلم‌های اولیه کوتاه و ساده بودند؟

(۴) چه قدر طول کشید تا سینما محبوب شود؟

۲۸۹۴ | لغت "they" در پاراگراف ۲ به اشاره دارد.

(۱) فیلم‌ها (۲) مستندها

(۳) قیافه‌های خنده‌دار (۴) اماکن یا رویدادهای خبری، یا کمدی‌ها

۲۸۹۵ | متن به تمام موارد زیر به عنوان صحنه‌های نشان داده شده در فیلم‌ها

اشاره می‌کند، به جز

(۱) آواز خواندن کسی روی صحنه

(۲) مردی در حال خوردن نوعی غذا

(۳) کسی در حال انجام حرکات آکروباتیک

(۴) موسیقی‌دانی در حال نواختن یک آلت موسیقی

۲۸۹۶ | کدام یک از موارد زیر می‌تواند در مورد فیلم‌های دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ نتیجه‌گیری شود؟

(۱) آن‌ها هنوز توسط اندکی از افراد تماشا می‌شدند.

(۲) آن‌ها نه تنها تصویری، بلکه صوتی بودند.

(۳) آن‌ها هنوز هیچ خط داستانی نداشتند.

(۴) آن‌ها فقط فیلم‌های موزیکال بودند.

۲۸۹۷ | راهنمای تور به افرادی که بر او متکی بودند هشدار داد که وقتی شب

فرا رسید، در پارک قدم نزنند.

توضیح: بعد از فعل "warn" (هشدار دادن) ابتدا مفعول (در این تست

the people who relied on him) و سپس فعل دوم به صورت مصدر با

to به کار می‌رود. برای منفی کردن مصدر با to هم باید قبل از مصدری،

not قرار دهیم.

۲۸۸۶ | توضیح: یکی از کاربردهای فعل وجهی "can" اشاره به امکان انجام

یک عمل در زمان حال و آینده است. در این جا نیز با توجه به مفهوم جمله، به امکان زنده داشتن افراد توسط دستگاه‌ها اشاره شده است.

۲۸۸۷ | توضیح: برای توصیف اسم‌ها، از صفت استفاده می‌کنیم، نه قید

(نادرستی گزینه‌های ۱ و ۲). از طرفی، در زبان انگلیسی صفت همیشه قبل از اسم می‌آید و به همین دلیل، فقط گزینه (۳) می‌تواند صحیح باشد.

۲۸۸۸ | (۱) اخلاقیات، اصول اخلاقی (۲) رفتار (۳) میراث؛ ارث (۴) بشریت، نوع بشر

متن ۱

برای هزاران سال، انسان‌ها تلاش کرده‌اند که راه‌هایی پیدا کنند تا غذا را برای [مدت] طولانی‌تر حفظ کنند. در گذشته، این مهم بود چون افراد نیاز داشتند تا غذای تازه را برای زمان‌هایی که پیدا کردنش دشوار بود، ذخیره کنند، همانند زمستان. امروزه، هم‌چنان مکان‌های بسیاری بدون برق هست و افرادی [که] در این مکان‌ها زندگی می‌کنند باید غذا را به شیوه‌هایی که از یخچال بهره نمی‌برند، حفظ کنند. آن‌ها باید [به طریقی] موجب شوند غذا حداکثر زمان ممکن را دوام بیاورد.

خشک کردن قدیمی‌ترین نوع حفظ غذاست. اگر آب از غذا گرفته شود، باکتری‌ها نمی‌توانند رشد کنند. در زمان‌های باستان در کشورهای گرم، انسان‌ها صرفاً میوه و گوشت را بیرون رها می‌کردند تا در آفتاب و باد خشک شوند تا این‌که تمام آب طبیعی آن می‌رفت. این باعث می‌شد میوه برای مدتی بسیار طولانی باقی بماند. خشک کردن میوه‌گاهی به محصولی کاملاً جدید منجر می‌شود. برای مثال، انگورها به کشمش‌ها تبدیل می‌شوند و هلوها به برگه‌های [هلو] تبدیل می‌شوند. خشک کردن غذا در آفتاب در اقلیم‌های سردتر یا مربوطتر جواب نمی‌دهد، ولی افراد شیوه‌های دیگری دارند تا غذا را در مکان‌های سرد حفظ کنند.

۲۸۸۹ | لغت "preserve" (حفظ کردن) در پاراگراف ۱ نزدیک‌ترین معنی

را به "save" دارد.

(۱) نیاز داشتن (۲) پیدا کردن، یافتن

(۳) باقی ماندن؛ ادامه داشتن (۴) حفظ کردن؛ نگهداری کردن

۲۸۹۰ | موضوع پاراگراف ۲ چیست؟

(۱) چگونه حفظ غذا از رشد باکتری‌ها جلوگیری می‌کند

(۲) انواع غذاهایی که می‌توانند حفظ شوند

(۳) اهمیت حفظ غذا

(۴) یک شیوه حفظ غذا

۲۸۹۱ | در پاراگراف ۲، نقش مثال «انگورها به کشمش‌ها تبدیل می‌شوند و

هلوها به برگه‌های [هلو] تبدیل می‌شوند» چیست؟

(۱) توصیف کردن رویدادی نامعمول

(۲) تأیید کردن گزاره‌ای پیشین

(۳) توصیف کردن یک سازوکار حفظ غذا

(۴) تأکید کردن بر کارکرد میوه به عنوان یک منبع غذا در گذشته

۲۸۹۲ | متن به احتمال زیاد با بحثی در مورد ادامه می‌یابد.

(۱) شیوه‌های گوناگون مورد استفاده توسط افراد در مناطق سرد برای آماده

کردن مواد غذایی

(۲) چرا خشک کردن ابتدا در کشورهای گرم استفاده شد

(۳) بعضی شیوه‌های دیگر حفظ غذا

(۴) چگونه افراد در مناطق سرد غذا پیدا می‌کردند

- (۳) تا آخر مصرف کردن، ته ... را در آوردن
(۴) رها کردن؛ [سیگار و غیره] ترک کردن
۴۲۹۰۷ آن جنگ بسیار افسرده‌کننده بود ولی به جامعه حس بیشتری از باهم‌بودن داد.
(۱) احساس، حس (۲) دستگاه؛ ابزار (۳) عامل، فاکتور (۴) اعلان؛ اظهار
۴۲۹۰۸ A: «رئیس خودم، رئیسش، معاون مدیر، مشاور و رئیس IT همگی را درگیر این پروژه کردیم و آن دارد تبدیل به یک شکست تمام‌عیار می‌شود»
B: «خب، به هر حال، آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شه، یا بی‌نمک»
(۱) کبوتر با کبوتر، باز با باز
(۲) کار نیکو کردن از پر کردن است
(۳) دو تا کله بهتر از یک کله کار می‌کند
(۴) آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شه، یا بی‌نمک

متن کلوز

گفتنش سخت است. بسیاری از افراد در توسعه سینما نقشی ایفا کردند. مردی به نام مایبریج نخستین تصویر متحرک را در [سال] ۱۸۷۸ ساخت. آن یک فیلم از یک اسب [در حال] دویدن بود و فقط چند ثانیه طول کشید. تا [سال] ۱۸۹۵ افراد دیگری دستگاه‌های دیگری برای نمایش دادن تصاویر متحرک اختراع کرده بودند، ولی بسیاری از آن‌ها تنها ممکن بود توسط یک فرد در آن واحد تماشا شود. توسعه دستگاه‌هایی که می‌توانستند فیلم‌ها را بر یک پرده بیندازند، مهم بود. توماس ادیسون یکی از نخستین [کسانی] بود که فیلم‌های بسیار کوتاه را به جمعیت ۲۰ یا بیشتر از افراد نشان داد. فیلم‌های او اکروبات‌ها و رقاصان را نشان می‌داد یا رویدادهای روزمره مثل یک مرد [در حال] خوردن!

- ۴۲۹۰۹ توضیح: از آن‌جا که عمل مورد اشاره در این جای خالی در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است، به فعل در ساختار گذشته ساده نیاز داریم. هم‌چنین دقت داشته باشید که فاعل این جمله (a man called Muybridge) در جمله حضور دارد، پس گزینه (۱) به دلیل آوردن ضمیر نمی‌تواند صحیح باشد. از طرفی، گزینه‌های (۲) و (۳) به ترتیب مصدر با to و اسم مصدر هستند و در صورت انتخاب آن‌ها، جمله فاقد فعل خواهد بود.
۴۲۹۱۰ توضیح: برای اشاره به عملی که در گذشته پیش از نقطه دیگری در زمان رخ داده، از فعل گذشته کامل (had + pp.) استفاده می‌کنیم. در این‌جا نیز نویسنده به اختراعاتی اشاره دارد که تا پیش از سال ۱۸۹۵ انجام شده‌اند، به همین دلیل فعل "invent" (اختراع کردن) را در ساختار گذشته کامل به کار می‌بریم.
۳۲۹۱۱ توضیح: فعل "watch" (تماشا کردن) در این‌جا فعلی متعدی است و به مفعول نیاز دارد. از آن‌جا که مفعول این فعل (many of these moving pictures) اشاره دارد، پیش از جای خالی آمده، فعل مورد نظر باید که پس از افعال وجهی (مانند "could" در این تست) فعل مورد نظر (to be) به صورت ساده و مصدر بدون to ظاهر می‌شود.
۲۲۹۱۲ توضیح: با توجه به مفهوم جمله، اشاره نویسنده به تعداد جمعیت است که ۲۰ نفر یا بیشتر بوده است. به یاد داریم که "many" (زیاد) صفت شمارشی است که حالت‌های تفضیلی و عالی آن به ترتیب "more" (بیشتر) و "the most" (بیشترین) است. بنابراین تنها گزینه (۲) می‌تواند پاسخ صحیح باشد. هم‌چنین دقت داشته باشید که تنها صفت تفضیلی در میان گزینه‌ها، در گزینه (۲) آمده و گزینه‌های (۱) و (۴) صفت شمارشی ساده و گزینه (۳) صفت شمارشی عالی است.

- ۱۲۸۹۸ آن دختر تازه استخدام‌شده از هر منشی دیگری [که] آن‌ها تا به حال داشته‌اند، کارآمدتر است.
توضیح: با توجه به کاربرد "more efficient" پیش از جای خالی، در این‌جا با یک صفت تفضیلی روبه‌رو هستیم. همان‌طور که می‌دانید، پس از صفت تفضیلی بلافاصله "than" می‌آید و بعد از آن موضوع مورد مقایسه (در این‌جا any other secretary) قرار می‌گیرد.
۲۲۸۹۹ آن پسر جوان در حال اسکی کردن پایش شکست و باید فوراً به بیمارستان برده می‌شد.
توضیح: کاربرد اصلی فعل "has to" و مشتقات آن (مانند had to در این‌جا) نشان دادن اجبار و ضرورت است. در این‌جا نیز با توجه به موقعیت اضطراری توصیف‌شده در صورت تست، با استفاده از این فعل بر ضرورت انتقال فرد آسیب‌دیده به بیمارستان تأکید می‌کنیم. از طرفی، فعل "take" (به معنی بردن) در این‌جا یک فعل متعدی است و از آن‌جا که مفعول آن (the young boy) پیش از جای خالی آمده، آن را در ساختار مجهول (to be + pp.) به کار می‌بریم.
۳۲۹۰۰ آموختن یک زبان در کوتاه‌مدت، مخصوصاً وقتی شما یک مبتدی واقعی هستید، چیزی است [که] انجام دادنش تقریباً ناممکن است.
توضیح: یکی از کاربردهای اسم مصدر (فعل ینگ) زمانی است که می‌خواهیم فعلی را در جایگاه فاعل جمله به کار ببریم. در این‌جا نیز فاعل یا نهاد جمله «آموختن یک زبان» است که با تبدیل فعل "learn" (آموختن) به اسم مصدر، می‌توان آن را در ابتدای جمله و به عنوان فاعل به کار برد.
۴۲۹۰۱ برقی که آن‌ها تولید می‌کنند کافی نیست تا نیازهای کشورشان را برآورده کند.
(۱) دست یافتن؛ نایل شدن
(۲) جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن
(۳) نیاز داشتن؛ مستلزم ... بودن
۴۲۹۰۲ مایکل مان، یک پروفیسور برجسته علوم جوی، دعوت شده است تا سخنرانی‌ای در مورد تأثیرات خطرناک گرمایش جهانی ارائه دهد.
(۱) پیشنهادشده؛ ارائه‌شده
(۲) هدیه‌شده، بخشیده‌شده
(۳) شناسایی‌شده
(۴) برجسته، شناخته‌شده
۲۲۹۰۳ آن مرد کتابی نوشت بر اساس وقایعی که در یک دفترچه یادداشت ثبت کرده بود که در طول جنگ میان کشورش ژاپن و چین نگه می‌داشت.
(۱) فقدان، از دست دادن
(۲) دفترچه یادداشت، روزنگار
(۳) مأموریت؛ هیئت نمایندگی
(۴) تخیل؛ توهم
۱۲۹۰۴ ممکن است لطفاً شما دو نفر اختلاف‌هایتان را فعلاً کنار بگذارید و این [کار] را با هم به سرانجام برسانید؟
(۱) کنار گذاشتن؛ ذخیره کردن
(۲) ادامه دادن
(۳) دوباره تماس گرفتن؛ دوباره سرزدن
(۴) دور شدن؛ در رفتن
۳۲۹۰۵ براساس این باور که جهان‌بینی ما تحت تأثیر زبانی که صحبت می‌کنیم، قرار می‌گیرد، معمولاً نتیجه‌گیری می‌شود که زبان مانند یک عینک است که ما از طریق آن جهان را به شیوه‌ای به‌خصوص «می‌بینیم».
(۱) تزئینی، دکوری
(۲) متوسط؛ میانی
(۳) به‌خصوص، خاص
(۴) تک‌زبانه
۳۲۹۰۶ آن دهنده، وقتی دیگر تمام انرژی‌اش تا آخر مصرف شد نتوانست یک قدم بیشتر پیش رود و نشست تا استراحت کند.
(۱) خاموش کردن
(۲) درگذشتن؛ فوت کردن

۱۲۹۱۳ (۱) رویداد، واقعه

(۲) سنت، آداب و رسوم

(۳) تصویر، عکس

(۴) شرایط، موقعیت

متن

گفته می‌شود که بیشتر افراد بیش از ۳۰ دوست در هر زمان مشخص ندارند و ۴۰۰ [دوست] در تمام طول زندگی‌هایشان. با وجود این، در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، بیشتر کاربران حدود ۱۵۰ دوست دارند. اگر این اعداد درست باشند، پس دوستی معانی متفاوتی در شرایط متفاوت دارد. یکی از دلایلی که افراد دوستان آنلاین بیشتری نسبت به دوستان واقعی در هر نقطه به‌خصوصی از زمان دارند این است که دوستی آنلاین به زمان و انرژی زیادی نیاز ندارد: به دست آوردن دوستان اینترنتی و نگه داشتن آن‌ها برای همیشه، راحت است. یک امکان دیگر [این] است که وقتی کسی به صورت آنلاین از ما می‌خواهد که دوستشان باشیم، «نه» گفتن سخت است، حتی اگر احساس کنیم واقعاً آن‌ها را نمی‌شناسیم. این واقعیت که آن‌ها از ما درخواست [دوستی] می‌کنند، نشان می‌دهد که آن‌ها واقعاً ما را به عنوان یک دوست به حساب می‌آورند، که احساس خوبی است. از سوی دیگر، ممکن است آن‌ها «جمع‌کننده‌های» دوستان آنلاین باشند و صرفاً بخواهند از ما استفاده کنند تا تعداد بیشتری از دوستان را به دست آورند و محبوب به نظر برسند.

دوستی‌های آنلاین نسبتاً ساده هستند، مادر دنیای واقعی چیزها بسیار دشوارتر هستند. هیچ قاعده‌ای در مورد دوستی وجود ندارد. هیچ دستورالعملی وجود ندارد در مورد این‌که چگونه دوست پیدا کنیم، چگونه دوستی‌ها را ادامه دهیم، و چگونه دوستی‌ها را خاتمه دهیم اگر می‌خواهیم [از کسی] بگذریم. هم‌چنین افراد نظرات بسیار متفاوتی در مورد دوستی دارند: برخی افراد برای دوستانشان می‌میرند و برای آن‌ها بیشتر از خانواده ارزش قائل‌اند. دیگران احساس می‌کنند که دوستان موقتی هستند، فقط آن‌جا [هستند] تا وقتی که دیگر مورد نیاز نباشند. اگر افرادی با چنین دیدگاه‌های متفاوتی دوست شوند، این ممکن است به مشکلاتی بینجامد.

۲۲۹۱۴ از متن می‌توان متوجه شد که

(۱) افراد به اینترنت روی می‌آورند تا دوست پیدا کنند چون آن‌ها دیگر برای دوستی ارزشی قائل نیستند

(۲) شرایطی که افراد در آن دوست پیدا می‌کنند بر ماهیت واقعی دوستی‌شان تأثیر می‌گذارد

(۳) دوستی‌های آنلاین بیش از دوستی‌های واقعی که نشانه‌ای از روابط گذشته هستند، دوام می‌آورند

(۴) اینترنت افراد را آن‌قدر نزدیک کرده است که افراد به دوستانشان توجه بیشتری نشان می‌دهند تا به اعضای خانواده‌شان

۱۲۹۱۵ کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو کارکرد پاراگراف ۲ را نسبت به پاراگراف ۱ توصیف می‌کند؟

(۱) پاراگراف ۲ توضیح می‌دهد که چرا ادعای مطرح‌شده در پاراگراف ۱ صحیح است.

(۲) پاراگراف ۲ دلایلی را پیش می‌کشد تا موضع گرفته‌شده در پاراگراف ۱ را زیر سؤال ببرد.

(۳) پاراگراف ۲ تأثیر تغییر در دوستی‌ها را [که] در پاراگراف ۱ توضیح داده‌شده مورد بحث قرار می‌دهد.

(۴) پاراگراف ۲ یکی از دلایل ذکرشده در پاراگراف ۱ را در مورد [این‌که] چرا افراد امروزه دوستان بیشتری دارند، باز می‌کند.

۳۲۹۱۶ پاراگراف ۳ عمدتاً در مورد چه چیز صحبت می‌کند؟

(۱) چرا دوست پیدا کردن به صورت آنلاین دشوار نیست

(۲) نظرات افراد در مورد نقش دوستان در زندگی‌هایشان

(۳) چه چیز دوست پیدا کردن را به صورت آنلاین در دنیای واقعی سخت‌تر می‌کند
(۴) دلایلی [که] چرا لازم است شیوه‌ای را که افراد به صورت آنلاین دوست پیدا می‌کنند، تغییر داد

۴۲۹۱۷ لغت "this" در پاراگراف ۳ به اشاره دارد.

(۱) ضعیف شدن رابطه میان افراد

(۲) تلاش کردن برای پیدا کردن هر تعداد دوست ممکن

(۳) داشتن دیدگاه‌های مختلف راجع به دوستی

(۴) دوست شدن افراد با دیدگاه‌های مختلف

متن

هر دوی مردان و زنان امروزه در کشورهای صنعتی‌شده طولانی‌تر زندگی می‌کنند. با وجود این، زنان، به طور متوسط، طولانی‌تر زندگی می‌کنند. به طور کلی، آن‌ها می‌توانند انتظار داشته باشند که شش یا هفت سال بیشتر از مردها زندگی کنند. دلایل برای این [موضوع] هم زیست‌شناختی و هم فرهنگی است. یک عامل زیست‌شناختی مهم که به زنان کمک می‌کند طولانی‌تر زندگی کنند، تفاوت در هورمون‌ها میان مردان و زنان است. هورمون‌ها موادی شیمیایی هستند که توسط بدن ساخته می‌شوند تا عملکردهای گوناگون بدن را کنترل کنند. بین سنین حدود ۱۲ تا ۵۰ [سالگی]، زنان هورمون‌هایی را ترشح می‌کنند که در باروری دخیل هستند. این هورمون‌ها هم چنین تأثیر مثبتی بر قلب و جریان خون دارند. در واقع، زنان احتمال کمتری در دردهای فشار خون بالا داشته باشند یا از حمله‌های قلبی بمیرند.

هورمون‌های زنانه هم چنین از بدن به شیوه دیگری مراقبت می‌کنند. آن‌ها به بدن کمک می‌کنند تا از خودش در برابر برخی انواع بیماری‌ها داغ کند. این بدان معناست که زنان به طور کلی به تعداد و شدت کمتری مریض می‌شوند تا مردان. سرماخوردگی معمولی مثال خوبی است: زنان، به طور متوسط، کمتر از مردان سرما می‌خورند.

زنان هم چنین توسط زن‌های زنانه‌شان یاری می‌شوند. دانشمندان هنوز دقیقاً مطمئن نیستند زن‌ها چگونه بر پیر شدن تأثیر می‌گذارند، ولی آن‌ها معتقدند که آن [زن‌ها] [تأثیر] می‌گذارند. برخی معتقدند که سلول‌های بدن یک زن آهسته‌تر از [سلول‌های بدن] یک مرد پیر می‌شوند. دیگران فکر می‌کنند که سلول‌های بدن یک مرد سریع‌تر پیر می‌شوند. تحقیقات تازه به نظر می‌رسد که هر دوی این احتمالات را تأیید کنند.

۱۲۹۱۸ هدف اصلی این متن چیست؟

(۱) جست‌وجو کردن دلایلی برای یک واقعیت

(۲) مقایسه کردن و تقابل دو یافته متفاوت

(۳) پی‌گرفتن سیر تاریخی یک پیشرفت جدید

(۴) نشان دادن نقش پیشرفت پزشکی در امید به زندگی افراد

۲۲۹۱۹ این متن چه تعداد عوامل زیست‌شناختی را به عنوان تأثیرگذار بر

زندگی کردن طولانی‌تر زنان از مردان ذکر می‌کند؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۲۹۲۰ هدف مثال ذکرشده در پاراگراف ۳ چیست؟

(۱) تأکید کردن بر نقش بیماری‌ها در کاهش دادن امیدافراد به طولانی‌تر زندگی کردن

(۲) ثابت کردن [این] که هورمون‌ها می‌توانند در واقع به زنان به بیش از دو شیوه کمک کنند

(۳) تأکید کردن بر ادعای مطرح‌شده برای نقش هورمون‌های زنان

(۴) اشاره کردن به مهم‌ترین بیماری تأثیرگذار بر زنان

۱۲۹۲۱ کدام یک از گزاره‌های زیر مورد تأیید متن قرار گرفته است؟

- (۱) همه مردان زندگی‌های کوتاه‌تری از زنان ندارند.
 (۲) مردان سابقاً پیش از [آن که] جهان صنعتی شود طولانی‌تر از زنان زندگی می‌کردند.
 (۳) دانشمندان معتقدند که زن‌ها در کمک به زنان برای طولانی زندگی کردن مؤثرتر از هورمون‌ها هستند.
 (۴) دانشمندان در مورد [این که] زن‌ها چگونه باعث می‌شوند زنان آهسته‌تر پیر شوند، با یک‌دیگر موافقت می‌کنند.

۱۲۹۲۲ در نگارش آزاد، نباید دربارهٔ املا یا نقطه‌گذاری صحیح، دربارهٔ پاک کردن اشتباهات، دربارهٔ مرتب کردن مطالب یا دربارهٔ یافتن لغات دقیق نگران باشید. توضیح: حرف اضافه مناسب برای فعل “worry” (نگران بودن) “about” است. همچنین در صورت سؤال با ساختاری موازی مواجه هستیم؛ به این معنا که عبارت‌هایی با ساختار یکسان (فعل about + ساختار) توسط ویروگل از هم جدا شده‌اند. در این حالت نیاز است تا ساختار موازی استفاده‌شده در سایر عبارت‌ها را در عبارت جای خالی نیز دقیقاً تکرار کنیم که این موضوع در گزینه (۳) دیده می‌شود.

۱۲۹۲۳ من و جرال دشی که از رستورانمان دزدی شد فراموش کردیم در اقل کنیم. توضیح: با توجه به مفهوم، نهاد این جمله شامل شخص گوینده و فردی به نام جرال است. دقت داشته باشید که اگرچه می‌توان از ضمیر انعکاسی در جایگاه نهاد جمله نیز برای تأکید بیشتر، پس از نهاد اصلی و به معنای «به تنهایی، بدون کمک یا همکاری دیگران» استفاده کرد، در این‌جا چنین تأکیدی از محتوای جمله بر نمی‌آید. ضمن آن‌که اگر مفهوم جمله به ما اجازه استفاده از ضمیر انعکاسی در جایگاه نهاد را می‌داد، در این‌جا به ضمیر انعکاسی اول شخص جمع (Gerald and I, ourselves) نیاز بود، که در هیچ‌کدام از گزینه‌ها دیده نمی‌شود.

۱۲۹۲۴ هلیکوپترهای نجات تمام منطقه را برای [یافتن] راهپیمایان گم‌شده پنج ساعت جستجو کرده بودند پیش از آن که سرانجام آن‌ها را در منطقه‌ای دورافتاده پیدا کردند.

توضیح: از ساختار گذشته کامل (had + pp.) که در جمله اول می‌بینیم در مواقعی استفاده می‌شود که می‌خواهیم وقوع چیزی را پیش از وقوع چیزی دیگر بیان کنیم. در این صورت اتفاقی که از لحاظ زمانی دیرتر رخ داده با زمان گذشته ساده بیان می‌شود. در این‌جا ابتدا جستجوی هلیکوپترها و سپس پیداشدن راهپیمایان رخ داده است و بنابراین در جمله دوم به ساختار گذشته ساده نیاز داریم [رد گزینه (۲) و (۳)]. از طرفی با وجود این‌که “find” (پیدا کردن) فعلی متعدی است ولی از آن‌جا که مفعول آن (them) پس از جای خالی آمده، ساختار مجهول مناسب جای خالی نیست (رد گزینه ۱).

۱۲۹۲۵ آقای تامسون، رئیس شرکت، مرد سخاوتمندی نیست. اگر من رئیس شرکت بودم، قطعاً مقداری پول به خیریه اهدا می‌کردم.

توضیح: با توجه به مفهوم جمله صحبت از شرایطی غیرممکن و خیالی در زمان حال و آینده است، پس با ساختار شرطی نوع دوم سروکار داریم. از طرفی می‌دانیم که در ساختار شرطی نوع دوم اگر در جمله شرط، ضمیر اول شخص مفرد “I” به کار رود، بهتر است از “were” به جای “was” استفاده شود و به همین دلیل گزینه (۲) بهترین گزینه است.

۱۲۹۲۶ ما ملتی کهن [و] مفتخر به میراث ملی خود هستیم.
 (۱) نسل؛ تولید (۲) ترکیب (۳) قاره (۴) میراث، اثر

۱۲۹۲۷ بچه‌ها توجه به خصوصی نشان دادند وقتی که معلم شروع کرد به

- توضیح دادن آن‌چه در امتحان بزرگ بعدی خواهد بود.
 (۱) به‌خصوص، ویژه (۲) محبوب، پرطرفدار
 (۳) متمایل، مشتاق (۴) سرگرم

۱۲۹۲۸ اجبار به هزینه کردن برای تعمیرات ماشین به طور نامنتظره، حفره بزرگی در پس‌اندازهایم ایجاد کرد.

- (۱) با اطمینان؛ بی‌خطر (۲) کاملاً؛ قطعاً؛ مسلماً
 (۳) با بی‌احتیاطی، با حواس‌پرتی (۴) به طور نامنتظره، غافلگیرانه
 ۱۲۹۲۹ فکر می‌کنم ما باید همگی به طبیعت احترام بگذاریم و دولت‌ها باید [تلاش] بیشتر کنند تا از آسیب زیست‌محیطی جلوگیری کنند.

- (۱) نیاز داشتن؛ (قانون و غیره) ملزم کردن
 (۲) جلوگیری کردن (از)
 (۳) مراقبت کردن (از)، محافظت کردن (از)
 (۴) تغییر دادن؛ تبدیل کردن

۱۲۹۳۰ هنری دوست دارد که دوش‌های طولانی بگیرد و قبل از آن که دیگران فرصتی پیدا کنند تا حمام کنند، همه آب گرم را تمام کند.

- (۱) افتادن؛ سقوط کردن (۲) فوت کردن، درگذشتن
 (۳) تمام کردن، ته ... را در آوردن (۴) (تلویزیون و غیره) خاموش کردن
 ۱۲۹۳۱ سخنرانی غیرقابل فهم آن مرد، برای افراد جمع حاضر معنای اندکی داشت (بی‌معنی بود)، بنابراین بسیاری قبل از آن که او به نیمه برسد [سخنرانی] را ترک کردند.

- (۱) گه‌ن، باستانی (۲) بی‌شمار
 (۳) تک‌زبانه (۴) غیرقابل فهم، غیرقابل درک
 ۱۲۹۳۲ آموزنده‌های پویا دانش‌آموزانی هستند که وقتی اجازه دارند تا فعال باشند، بهتر یاد می‌گیرند.

- (۱) شاد، سرخوش (۲) احساسی، احساساتی
 (۳) فعال، پویا (۴) اجتماعی، خون‌گرم
 ۱۲۹۳۳ نه، نه. به نظر می‌رسد که نکته‌ای را که تلاش می‌کردم بیان کنم، نگرفته باشی؛ تمام منظورم این است که باید از خودت بهتر مراقبت کنی.

(۱) نقطه؛ نکته (۲) موضوع؛ ماده (۳) موضوع، مسئله (۴) پند، نصیحت

متن کلوز

چشم انسان فوق‌العاده‌ترین اندام طبیعت است و میزان بالای توسعه جامعه بشری احتمالاً وابسته به پیشرفت این اندام است. وقتی طبیعت ابتدا این ارگانسیم ظریف و تطبیق‌پذیر را شکل داد، چشمان انسان عمده‌تاً برای کار و زندگی در بیرون از خانه استفاده می‌شدند. با استرس زندگی درون خانه و نورپردازی غیرطبیعی، فشار زیادی امروزه بر چشم‌ها قرار دارد. گاهی [چیزی] بیش از کمک طبیعت نیاز است تا چشم‌ها را برای کاربردهای فراوانی که در زندگی مدرن در خدمت [آن‌ها] هستند در شکل [ایده‌آل] حفظ کنند. این نیز درست است که ما طول زندگی طبیعی انسان را تا حدود دو برابر آن‌چه در جوامع باستانی بود، افزایش داده‌ایم. مشکلات بینایی همچنین با سن افزایش می‌یابند و چشم‌ها معمولاً در حالی که فرد مسن‌تر می‌شود به مراقبت اصلاحی نیاز دارند.

۲۹۳۴ توضیح: کلمه "upon" که قبل از جای خالی آمده حرف اضافه است و بنابراین پس از آن به یک اسم یا ساختاری با نقش دستوری یک اسم نیاز داریم. در نتیجه گزینه‌های (۱) و (۲) که عبارت‌هایی شامل فعل و زمان‌دار هستند، حذف می‌شوند. در مورد دلیل نادرستی گزینه (۳) و درستی گزینه (۴) به این موضوع دقت داشته باشید که وقتی دو اسم با حرف اضافه "of" به هم مرتبط می‌شوند، پیش از اسم نخست از "the" استفاده می‌کنیم (اسم + (the) + of + اسم + the).

۲۹۳۵ توضیح: فعل "use" (استفاده کردن) در اینجا متعدی است و از آن‌جا که مفعول آن (human eyes) قبل از جای خالی آمده، در جای خالی به ساختار مجهول نیاز داریم. در مورد دلیل نادرستی گزینه (۴) به این موضوع دقت داشته باشید که عبارتی که با "when" شروع شده در واقع زمان وقوع فعل را مشخص می‌کند و وقتی زمان وقوع فعل مشخص باشد، نمی‌توانیم از حال کامل استفاده کنیم.

۲۹۳۶ (۱) در خدمت ... بودن، به ... خدمت کردن

(۲) بهبود دادن؛ بهبود یافتن

(۳) شناسایی کردن، شناختن

(۴) دریافت کردن، گرفتن

۲۹۳۷ (۱) گسترش دادن؛ افزایش دادن

(۲) جایگزین کردن

(۳) ذخیره کردن؛ نجات دادن

(۴) تنوع داشتن؛ گسترده بودن

۲۹۳۸ (۱) مهارت (۲) مراقبت، محافظت

(۳) فضا، مکان (۴) اعتیاد

متن

نوعی از پرنده(ها) که به عنوان کبوترها شناخته می‌شوند آموزش دیده‌اند تا حالت‌های چهره انسان را تشخیص دهند، [و به این ترتیب] این باورهای دیرینه که تنها انسان‌ها سیستم‌های عصبی پیچیده‌ای دارند که چنین عملی را انجام دهند، تضعیف کرده است. در برخی آزمایش‌های جدید، به هشت کبوتر آموزش‌دیده تصویری از افراد در حال نمایش احساسات شادی، خشم، شگفت‌زدگی و تنفر نشان داده شد. پرندگان آموختند تا تفاوت میان این حالات چهره را تشخیص دهند. نه تنها این، بلکه آن‌ها همچنین قادر بودند که به درستی همان حالات چهره را در عکس‌هایی از چهره‌های ناآشنا شناسایی کنند. دستاورد آن‌ها البته حاکی از این نیست که کبوترها هیچ ایده‌ای دارند که آن حالات چهره انسانی چه معنایی دارد.

بعضی از روانشناسان نظریه‌پردازی کرده‌اند که به خاطر اهمیت حالات چهره در ارتباطات انسانی، انسان‌ها سیستم‌های عصبی ویژه‌ای قادر بر تشخیص حالات ظریف چهره شکل دادند. با وجود این، کبوترها بر آن ایده تردید می‌افکنند. در حقیقت، توانایی تشخیص حالات چهره احساسات حتی در کودکان انسان ضرورتاً ذاتی نیست، بلکه شاید لازم باشد تا حد زیادی به همان شیوه که کبوترها می‌آموزند، آموخته شود. در آزمایش‌هایی که چندین سال قبل صورت گرفته، معلوم شد که کبوترها تصاویر اشیاء را در همان دسته‌بندی‌های منطقی مرتب می‌کنند که انسان‌ها [مرتب می‌کنند].

۲۹۳۹ موضوع متن چیست؟

(۱) تفاوت‌های ارتباطات میان انسان‌ها و کبوترها

(۲) اهمیت حرکت بدن در ارتباطات انسانی

(۳) تشخیص حالات چهره

(۴) احساساتی که چهره ما می‌تواند نشان دهد

۲۹۴۰ متن گویای آن است که این اعتقاد که حیوانات نیز ممکن است

بتوانند حالات چهره را تشخیص دهند

(۱) ثابت می‌کند که آن‌ها می‌فهمند هر حالت چهره چه معنایی دارد

(۲) در ارتباط با پرندگان آموزش‌دیده صحیح است، ولی نه [در ارتباط با

پرندگان] آموزش‌دیده

(۳) تصور می‌شد که اشتباه است

(۴) [اعتقادی] دیرینه است

۲۹۴۱ کدام یک از موارد زیر رویکرد نویسنده را به این ایده که توانایی

تشخیص حالات چهره ذاتی است توصیف می‌کند (پاراگراف ۲)؟

(۱) نامطمئن (۲) وحشت‌زده (۳) شگفت‌زده (۴) سرگرم

۲۹۴۲ عبارت "this idea" (این ایده) در پاراگراف ۲ به آن ایده‌ای اشاره

دارد

(۱) که کبوترها می‌توانند چیزهای جدید بیاموزند

(۲) [که] توسط روانشناسان ذکرشده در پاراگراف ۲ بیان شده است

(۳) که تشخیص حالات چهره برای ارتباطات انسانی مهم است

(۴) [که] بر اساس آن تشخیص دادن حالات چهره احساسات ضرورتاً ذاتی نیست

متن

برای بیشتر فرودگاه‌های مدرن، مسئله اساسی [در] طراحی، بعد است - چگونه فضای کافی بر روی زمین برای مانور جت‌های پهن‌پیکر فراهم شود، در عین حال که اجازه جابه‌جایی راحت و سریع مسافران خروجی، ورودی یا انتقالی از یک پرواز به [پرواز] دیگر را بدهد. بیشتر طراحی‌ها بر پایه‌های فرودگاهی یکی از [این] چهار رویکرد را اتخاذ می‌کنند.

در طرح خطی، ساختمان ممکن است صاف یا منحنی باشد. مسافران سوار هواپیماهای پارک‌شده کنار پایانه می‌شوند. این طرح برای فرودگاه‌های کوچک که باید فضاهای سوارشدن را تنها برای تعداد اندکی هواپیما در هر زمان فراهم کنند، به خوبی پاسخگوست.

در طرح اسکله‌ای، راهروهای باریک یا اسکله‌هایی از یک ساختمان مرکزی کشیده می‌شوند. این طرح به هواپیماهای زیادی اجازه می‌دهد که کنار ساختمان پارک کنند. با وجود این، [این طرح] مسافت‌های پیاده‌روی طولانی برای مسافران ایجاد می‌کند.

در طرح ماهواره‌ای (اقماري)، مسافران از پایانه‌های کوچکی که از پایانه‌های اصلی جدا شده‌اند سوار هواپیما می‌شوند. مسافران از طریق قمارهای شاتلی (رفت‌وبرگشتی) یا مسیرهای عبور زیرزمینی که پیاده‌روهای متحرک دارند، به ماهواره‌ها می‌رسند.

۲۹۴۳ متن به احتمال زیاد با بحثی درباره ادامه می‌یابد.

(۱) بهترین طراحی فرودگاه

(۲) رویکردی دیگر به طراحی فرودگاه

(۳) دلایلی که چرا طراحی فرودگاه مهم است

(۴) مزایا و معایب هر طراحی فرودگاه

۲۹۵۲ [او تماسی تلفنی از فروشگاه دریافت کرد] به او گفت که یک نفر باید خانه باشد تا تحویل بسته‌ای را که سفارش داده بودند بپذیرد.

(۱) تحویل، رساندن (۲) تخفیف

(۳) تقاضا، خواسته (۴) دسترسی؛ راه دسترسی

۲۹۵۳ وحشت ذهن‌های تمام مسافران سوار بر هواپیمای در حال سقوط را فراگرفت.

(۱) وحشت، هراس (۲) احساس، عاطفه

(۳) اختلال؛ آشفتگی (۴) درد، رنج

۲۹۵۴ لیلا احساس نامرئی [بودن] می‌کرد چون هیچ کس به او توجهی نمی‌کرد و جوری رفتار می‌کردند که گویی او آن‌جا نیست.

(۱) بی‌ادب، پررو (۲) بی‌رحم، ظالم (۳) نامرئی، نادیدنی (۴) تغییرناپذیر

۲۹۵۵ از آن‌جا که این شاعر بیش از دو هزار شعر نگاشته است، مدتی از ناشر زمان می‌گیرد تا اشعار را در یک کتاب واحد گرد هم آورد.

(۱) تمویض کردن، جابه‌جا کردن (۲) تألیف کردن، گرد هم آوردن

(۳) سرودن، از بر خواندن (۴) احاطه کردن، در میان گرفتن

۲۹۵۶ لغات انگلیسی بسیاری وجود دارند که ریشه آن‌ها می‌تواند تا زبان یونانی پی گرفته شود.

(۱) مورد، آیت (۲) موضوع، مسئله (۳) احساس، حس (۴) ریشه، مبدأ

۲۹۵۷ یک مدخل لغت‌نامه مجموعه‌ای از اطلاعات است که یک لغت یا عبارت را توضیح می‌دهد.

(۱) مخفف؛ اختصار (۲) خوشنویسی، خطاطی

(۳) راهنمایی؛ راهنما (۴) ورودی؛ (لغت‌نامه و غیره) مدخل

۲۹۵۸ سیستم کامپیوتری جدید آن قدر پیچیده است که هیچ کس در دفتر کار نمی‌تواند آن را به صورت مناسبی به کار گیرد.

(۱) جدی؛ خطیر (۲) با مهارت، ماهر

(۳) پیچیده، پرپیچ‌وخم (۴) ممتاز، برجسته

متن کلوز

تجزیه و تحلیل فسیل‌ها [ها] نشان می‌دهد که حداقل پنج دوره در ۶۰۰ میلیون سال پیش شاهد کاهشی شدید در تعداد گونه‌های گیاهان و جانوران روی زمین بوده‌اند. با وجود این، در موارد قبلی این تغییرات توسط سیارک‌هایی که به زمین برخورد می‌کردند یا تغییرات چشمگیر اقلیمی ایجاد شده بودند. دانشمندان به طور کلی معتقدند که این کاهش [در تعداد گونه‌های زیستی] کار انسان است. سلطه یک نوع گونه واحد، [یعنی] انسان، به شدت در حال ضربه زدن به بقیه دنیای [موجودات] زنده است. با یک جمعیت فقط شش میلیاردی، انسان‌ها به سرعت در حال تخریب کردن بوم‌سازگان‌های غیرقابل جایگزین هستند. این ششمین دور از مرگ‌ومیر جهانی گونه‌ها می‌تواند بسیار بزرگ‌تر از پنج تای نخست باشد.

۲۹۵۹ توضیح: یکی از کاربردهای اصلی زمان حال کامل اشاره به عملی است که در زمانی نامعلوم در گذشته رخ داده و تأثیر آن همچنان باقی است. همان طور

که از مفهوم جمله مشخص است کاهش‌های شدید در جمعیت گونه‌های زیستی پنج بار در گذشته رخ داده‌اند و تأثیر این تغییرات نیز همچنان در نمونه‌های فسیل پیداشده مشهود و باقی است. به همین دلیل در جای خالی به ساختار حال کامل نیاز داریم که در گزینه (۱) به درستی به کار رفته است.

۲۹۴۴ بر اساس متن، طرح خطی برای فرودگاه‌هایی مناسب‌تر است.

(۱) با هواپیماهای کوچک

(۲) که پروازهای داخلی ارائه می‌دهند

(۳) [که] مسافران آن‌ها ترجیح می‌دهند تا حد امکان سریعاً سوار هواپیماها شوند (۴) که می‌توانند به شمار محدودی از هواپیماها در یک زمان سرویس ارائه دهند

۲۹۴۵ کدام یک از موارد زیر در متن تعریف شده است؟

(۱) ابعاد (پاراگراف ۱) (۲) پایانه‌ها (پاراگراف ۴)

(۳) سوار شدن (پاراگراف ۲) (۴) مسیرهای عبور (پاراگراف ۴)

۲۹۴۶ در کدام یک از طراحی‌های توصیف‌شده در متن، اتوبوس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و مسافران باید از پلکانی بالا بروند تا سوار هواپیما شوند؟

(۱) خطی (۲) اسکله‌ای (۳) ماهواره‌ای (۴) هیچ‌کدام

۲۹۴۷ به نظر نمی‌رسد آن تمرین آن قدر ساده باشد که فکر می‌کردم باشد.

توضیح: ساختار به کار رفته در جمله، صفت برابری است که برای نشان دادن این‌که دو چیز در یک صفت شبیه هم هستند به کار می‌رود. ساختار این صفات به صورت «as + صفت + as» است، بنابراین در جای خالی به «as» نیاز داریم.

۲۹۴۸ مقاله‌ای در مجله دانش فضا گزارش می‌دهد که فضانوردانی که سوار بر ایستگاه‌های فضایی برای دوره‌های زمانی طولانی زندگی می‌کنند ممکن است مشکلات جسمی و همچنین روانی تجربه کنند.

توضیح: با توجه به این‌که جمله اصلی نهاد دارد (astronauts) در جای خالی نباید نهاد دیگری به جمله اضافه شود [رد گزینه‌های (۳) و (۴)].

همچنین گزینه (۱) عبارتی وصفی است که با ضمیر موصولی شروع شده و نمی‌تواند جمله را به درستی تکمیل کند چرا که با انتخاب این گزینه جمله اصلی بدون فعل باقی می‌ماند و صرفاً یک نهاد (astronauts) با دو عبارت وصفی (who live... و who may...) خواهیم داشت.

۲۹۴۹ برخی مردم فکر می‌کنند آن‌هایی که برنامه دارند که ازدواج کنند باید قبل از ازدواج برای مدتی کلاس‌های آمادگی ازدواج بگذرانند.

توضیح: با توجه به ساختار جمله، در جای خالی فعل اصلی جمله قرار می‌گیرد و فعل اصلی جمله نمی‌تواند به صورت مصدر با to بیاید [رد گزینه (۲)]. از طرفی جمله نهاد دارد و در جای خالی باید از تکرار نهاد بهره‌ییم [رد گزینه (۳)]. نهایتاً باید به این نکته توجه کرد که فعل «need to» در معنای الزام کاربردی شبیه به «have to» دارد و در این‌جا به صورت معلوم به کار می‌رود. ۲۹۵۰ اقتصاددانان نگران هستند که نرخ تورم دو برابر خواهد شد اگر دولت گام‌های فوری برای کنترل آن برندارد.

توضیح: با توجه به «if» در جمله واضح است که با ساختار شرطی مواجهیم و از آن‌جا که شرایط توصیف‌شده شرایطی واقعی و مربوط به زمان حال است، شرطی نوع یک مورد نیاز است. در این ساختار بند شرط (... if the government) در زمان حال ساده و بند جواب شرط در زمان آینده ساده به کار می‌رود. با این توضیحات مشخص است که در جای خالی به زمان حال ساده نیاز داریم که در گزینه (۳) آمده است.

۲۹۵۱ برای برخی مردم مطالعه تاریخ بسیار ارزشمند است و برای یک تحصیلات کامل باید ضروری به شمار رود.

(۱) تأمین کردن، فراهم کردن (۲) در نظر گرفتن، به شمار آوردن

(۳) (کلاس، جلسه و غیره) شرکت کردن (۴) اطلاع دادن، خبر کردن

- (۳) معرفی کردن موضوعی جدید برای بحث
(۴) جلوگیری کردن از یک سوء تفاهم محتمل

متن ۲

وقتی در کلاسی آنلاین شرکت می‌کنیم، جسم‌هایمان کجاست؟ جسم‌های فیزیکی ما در مقابل کامپیوترهایمان قرار گرفته‌اند، ولی جسم‌های مجازی، می‌توانند هر جای قابل تصویری باشند. ما در واقع از این جدایی میان جسم فیزیکی و مجازی وقتی که با تلفن صحبت می‌کنیم، استفاده می‌کنیم. من با دریفوس مخالفم که این تفکیک ما را ناشناس می‌سازد، چون در کلاس آنلاین پاسخ‌های ما همیشه به انضمام اسم‌هایمان ارسال می‌شود.

ولی دریفوس استدلال می‌کند [که] این واقعیت که ما هیچ حضور فیزیکی‌ای نداریم یعنی که هر یادگیری‌ای که رخ می‌دهد تنها می‌تواند فکری باشد، نه عملی. به عبارت دیگر، این [یادگیری] بیشتر در سطحی تئوری است تا شامل درک و چیره‌دستی در مهارت‌هایی به‌خصوص. او فکر می‌کند که یادگیری واقعی تنها می‌تواند با حضور فیزیکی در جایی و انجام دادن فعالیتی به‌خصوص رخ دهد و تنها تحت این شرایط است که اطلاعات [به هم] مرتبط می‌شوند و مردم به طور معناداری می‌توانند واقعیت را دریابند. اما اگر این درست باشد، چطور کسی می‌تواند چیزی را از یک کتاب، روزنامه، تلویزیون، رادیو، یک نامه یا ایمیل یاد بگیرد؟ آیا بیان محتوا از رسانه‌ای که از طریق آن بیان می‌شود مهم‌تر نیست؟

۲۹۶۸ کدام یک از موارد زیر در مورد نظر نویسنده درباره کلاس‌های آنلاین تلویحاً بیان شده است؟

- (۱) آن‌ها هرگز [و] هیچ‌گاه در حلقه‌های آموزشی پذیرفته نخواهند شد.
(۲) آن‌ها ابزارهایی سودمند برای به کار گرفتن جهت آموزش و یادگیری هستند.
(۳) آن‌ها برای آموزش مهارت‌های عملی مفیدتر هستند تا ایده‌های تئوری.
(۴) زمانی خواهد آمد که آن‌ها به کلی جایگزین کلاس‌های فیزیکی می‌شوند.

۲۹۶۹ واژه "it" در متن به اشاره دارد.

- (۱) یادگیری فکری (۲) حضور فیزیکی (۳) کلاس آنلاین (۴) دیگری
۲۹۷۰ چرا نویسنده از «یک کتاب، روزنامه، تلویزیون، رادیو، یک نامه یا ایمیل» نزدیک انتهای متن نام برده است؟

- (۱) تا یک ادعای مطرح‌شده توسط دریفوس را زیر سؤال ببرد
(۲) تا به شیوه‌های مختلف یادگیری اشاره کند
(۳) تا استدلال کند که پیشرفت فن‌آورانه اجتناب‌ناپذیر است
(۴) تا خواننده را وادارد [که] به یاد آورد که انسان‌ها ترجیحات یادگیری متفاوتی دارند

۲۹۷۱ در متن اطلاعات کافی برای پاسخ دادن به کدام یک از سوالات زیر وجود دارد؟

- (۱) بعضی از مهارت‌های عملی که به بهترین نحو از طریق رسانه کلاس‌های فیزیکی آموخته می‌شوند، کدام‌اند؟
(۲) چرا ما از جدایی میان جسم فیزیکی و مجازی وقتی که با تلفن صحبت می‌کنیم استفاده می‌کنیم؟
(۳) چرا نویسنده باور دارد که جدایی میان جسم فیزیکی و مجازی ما را ناشناس نمی‌کند؟
(۴) چگونه است که نویسنده باور دارد که بیان کردن محتوا از رسانه‌ای که از طریق آن بیان می‌شود مهم‌تر است؟

۲۹۶۰ (۱) درست کردن؛ تعمیر کردن

(۲) سبب ... شدن؛ ایجاد کردن

(۳) اجتناب کردن، خودداری کردن

(۴) به خطر انداختن

۲۹۶۱ (۱) عامل، فاکتور (۲) منشأ، مبدأ

(۳) توانایی، قابلیت (۴) کاهش، تقلیل

۲۹۶۲ اصطلاح: دنیای [موجودات] زنده: the living world

۲۹۶۳ (۱) تولید کردن، به وجود آوردن

(۲) ترک کردن، رها کردن

(۳) تخریب کردن، نابود کردن

(۴) گسترش دادن؛ افزایش دادن

متن ۱

در طول تاریخ، تفاوت میان پیر و جوان یک ویژگی تعیین‌کننده واقعیت و نیز ادبیات بوده است. والدین بر فرزندان خود سلطه دارند ... ولی همچنان که آن فرزندان بزرگتر می‌شوند، شروع می‌کنند به فشار آوردن بر سلطه والدینشان. آن‌ها قوانین را به چالش می‌کشند؛ شورش می‌کنند؛ قوانین خودشان را می‌سازند. والدین در مورد این جابجایی در توازن قدرت سردرگم، ناامید و خشمگین می‌شوند. آن‌ها در مقابل می‌جنگند؛ در تلاشی برای حفظ کردن قدرتشان می‌کوشند تا پسران و دختران جوانشان را کنترل کنند. اما در حالی که به سوی سن پیری پیش می‌روند، مجبور می‌شوند که [قدرتشان را] واگذار کنند و دستشان را بالا ببرند، همچنان که دنیا به مکانی تبدیل می‌شود که آن‌ها به سختی می‌توانند [آن را] از جوانیشان بازشناسند.

در حالی که ما به دوره‌ای می‌رسیم که در آن توازن قدرت به قلمرویی جدید کشیده می‌شود، جنگ میان پیر و جوان نیز یک ویژگی قرن بیست‌ویکم شده است. این بدان معنا نیست که انتظار می‌رود روابط میان نسل‌ها بدتر شود؛ در عوض [بدین معناست] که تغییرات جمعیت‌شناختی جدید که در پیش است تأثیرات دنباله‌داری خواهد داشت که نمی‌توانیم هنوز تصور کنیم.

۲۹۶۴ بر اساس متن، فاصله میان پیر و جوان

(۱) داستان جدیدی در زندگی بشر نیست

(۲) به نفع پیرها تغییر کرده است

(۳) در طول سالیان کمتر و کمتر شده است

(۴) در قرن بیست‌ویکم وسیع‌تر گشته است

۲۹۶۵ واکنش والدین به تغییر توازن قدرت، آن گونه که در پاراگراف ۱ توصیف شده، می‌تواند به عنوان تمام موارد زیر بیان شود به جز

(۱) ناامیدی (۲) سردرگمی (۳) اضطراب (۴) خشم

۲۹۶۶ لغت "relinquish" (واگذار کردن، رها کردن) در پاراگراف ۱ نزدیک‌ترین معنی را به "leave" دارد.

(۱) (قدرت، سرزمین و غیره) پس گرفتن (۲) ترک کردن، رها کردن

(۳) بهبود بخشیدن؛ بالا بردن (۴) پیگیری کردن؛ دنباله‌روی کردن

۲۹۶۷ کدام یک از موارد زیر، به بهترین نحو کارکرد [عبارت] "This is not" (این بدان معنا نیست) را در پاراگراف ۲ توصیف می‌کند؟

(۱) نتیجه‌ای منطقی گرفتن

(۲) تکرار کردن گزاره‌ای پیشین

۲۹۷۹ خوب است که آن‌ها در واقع در این پروژه در خطر نبودند، ولی موافقم، در شرایط واقعی افراد ممکن بود کشته شوند.

- (۱) در واقع، در حقیقت (۲) شجاعانه، دلاورانه
(۳) با حواس‌پرتی، با بی‌دقتی (۴) با تردید

۲۹۸۰ خدمتی که آن‌ها شروع [به ارائه] کرده‌اند قصد دارد که نیازهای دانش‌آموزان در گروه‌های سنی گوناگون را برآورده کند.

- (۱) عمل کردن؛ کارکرد داشتن
(۲) ملاقات کردن؛ (نیاز، خواسته و غیره) برآورده کردن
(۳) تنوع داشتن، گسترده بودن
(۴) پیروی کردن، اطاعت کردن

۲۹۸۱ وقتی با لغتی ناآشنا مواجه می‌شوید، بهتر است معنای آن را در لغت‌نامه‌ای دوزبانه پیدا کنید.

- (۱) فکر کردن به
(۲) [قول و غیره] عمل کردن به؛ [موضوع و مطلب] منحرف نشدن از
(۳) [در کتاب لغت و غیره] دنبالی ... گشتن، پیدا کردن
(۴) [مسیر، تلاش و غیره] ادامه دادن به

۲۹۸۲ ابتدا رأی‌دهندگان چندان به او به عنوان فرد مناسب برای آن سمت توجه نمی‌کردند، ولی حالا معتقدند که او به اندازه کافی کارآمد است.

- (۱) توجه؛ اعلان (۲) موضوع؛ ماده (۳) علاقه، تمایل (۴) توجه

توضیح: توجه کردن به، متوجه ... شدن: take notice of
توضیح: حرف اضافه مناسب برای interest و attention به ترتیب to و in است.

۲۹۸۳ به عنوان رئیس یک شرکت بزرگ، چف باید با از خودگذشتگی و صداقت عمل کند تا موفق باشد.

- (۱) میراث، ارث (۲) رحمت، برکت؛ موهبت
(۳) دستاورد، موفقیت (۴) از خودگذشتگی، ایثار

متن کلوز

شگفت‌انگیز است که به‌فهمیم غذای آماده (فست‌فود) چه قدر محبوب شده است، چرا که اولین رستوران فست‌فود ۱۰۰ سال پیش باز شد. از آن زمان، وعده‌های فراوری‌شده پرکالری در سراسر جهان گسترده شده‌اند، با رستوران‌های چندملیتی تجزیه‌ای [که] مراحلی از رشد را تجربه می‌کنند که هیچ علامتی از کندشدن نشان نمی‌دهند. بخش زیادی از این گسترش اکنون در بخش‌های کمتر توسعه‌یافته جهان در حال رخ دادن است، که پتانسیل شکل دادن به وفاداری مشتری در آن ساده‌تر تصور می‌شود، اما فقط در این مناطق نیست که چنین رشدی مشهود است. در حقیقت، مطالعاتی تازه دریافته است که چنین افزایشی در اروپا نیز رخ داده است، جایی که تعداد [سفرهای] بیرون‌بر از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۵ به میزان ۴۵ درصد افزایش یافته است.

۲۹۸۴ (۱) برای (۲) در
(۳) یکی از (۴) از آن‌جا که، چرا که

۲۹۸۵ توضیح: در هر چهار گزینه ترتیب کلمات از لحاظ گرامری درست است ولی باید دقت داشت که بعد از جای خالی فعل حال ساده برای جمع (show بدون s مفرد) به کار رفته است و تنها با انتخاب گزینه (۳) فاعل جمله (levels) به صورت جمع خواهد بود.

۲۹۸۶ (۱) گسترش، توسعه (۲) بهبود، تقویت
(۳) احتمال، شانس (۴) الهام، منبع الهام

۲۹۷۲ آن مرد ثروتمندترین انسان در جهان است، و اولین فرد دارای خانه‌ای که بیش از یک میلیارد دلار هزینه برد تا ساخته شود.

توضیح: یکی از کاربردهای مصدر با to پس از اسم‌هایی است که با اعداد ترتیبی توصیف شده‌اند (در این‌جا the first man). در این حالت مصدر با to صفت یا کیفیتی را درباره اسم مورد نظر بیان می‌کند (در این‌جا داشتن خانه‌ای یک میلیارد دلاری). دقت داشته باشید که گزینه (۱) به دلیل آوردن مجدد فاعل (he) و گزینه (۴) به دلیل آوردن فاعل پس از ضمیر موصولی فاعلی ایراد گرامری دارند. گزینه (۲) نیز با مفهوم جمله نامتناسب است و جمله‌ای بی‌معنا می‌سازد.

۲۹۷۳ آن ورزشکار معروف در شهری کوچک در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به دنیا آمد.

توضیح: حرف اضافه‌ای که برای اشاره به یک روز خاص (تاریخ دقیق) استفاده می‌شود "on" است که در گزینه (۱) آمده است.

۲۹۷۴ هیچ شواهد روشنی وجود ندارد که بگوید کجا و چه زمانی فوتبال اختراع شد، ولی بیشتر تاریخدانان موافقت که نوعی بازی توپی قرن‌ها پیش از آن که این بازی جدید در انگلیس شکل بگیرد، بازی می‌شده است.

توضیح: فعل "invent" (اختراع کردن) جزو افعال متعدی است و از آن‌جا که مفعول آن (football) پیش از جای خالی آمده است باید به صورت مجهول به کار رود [رد گزینه‌های (۱) و (۳)]. از طرفی با یک جمله ساده روبه‌رو هستیم که اشاره آن به زمانی در گذشته است، پس کافی است فعل را در ساختار گذشته ساده مجهول به کار ببریم.

۲۹۷۵ موفق‌ترین افراد کسب‌وکار آن‌هایی هستند که نیازهای آینده را زودتر از رقبا پیش‌بینی می‌کنند.

توضیح: با توجه به جمله و نگاهی به گزینه‌ها مشخص است که جای خالی اولاً باید شامل فعل جمله باشد (are) و سپس باید عبارتی وصفی با استفاده از ضمیر موصولی مناسب در آن به کار رفته باشد. گزینه‌های (۱) و (۳) به دلیل ترتیب به هم ریخته کلمات نادرست هستند چرا که ضمیر موصولی فاعلی (در این‌جا who) باید بلافاصله پس از فاعل (در این‌جا those) بیاید و گزینه (۲) تنها در صورتی می‌توانست از لحاظ معنایی و گرامری درست باشد که فعل‌های predict و are در آن جابه‌جا می‌شدند.

۲۹۷۶ من معتقدم که هنرها به اندازه ریاضیات و علوم ضروری هستند و لذا باید بسیار جدی گرفته شوند.

- (۱) آرام؛ صلح‌آمیز (۲) ضروری، اساسی
(۳) ماهر، چیره‌دست (۴) سنتی؛ قدیمی
۲۹۷۷ مشکل بود ولی پس از سال‌های بسیار توانستم فردی را که با ماشینش

به من زده بود و توان راه رفتنم را گرفته بود، ببخشم.

- (۱) متنفر بودن (از)، تنفر داشتن (از) (۲) بخشیدن، عفو کردن
(۳) انتظار داشتن، توقع داشتن (۴) قدر دانستن؛ فهمیدن
۲۹۷۸ طبیعتاً [شهر] ونیز بسیار شلوغ است و هتل‌ها و رستوران‌ها گران هستند، اما حالا فرصتی منحصره‌فرد و زمانی فوق‌العاده برای من است تا این شهر زیبا را تجربه کنم.

- (۱) منحصره‌فرد، یگانه (۲) اجتماعی، خون‌گرم
(۳) تازه، اخیر (۴) خلاق، مبتکر

۲۹۹۲ براساس متن، کلاس‌های مجازی همزمان [و زنده] که دانش‌آموزان

دارند، کلاس‌هایی هستند که در آن‌ها

(۱) معلم می‌تواند دانش‌آموزان را ببیند

(۲) دانش‌آموزان می‌توانند معلمشان را ببینند

(۳) معلم همچنین مربی هر دانش‌آموز است

(۴) دانش‌آموزان نمی‌توانند با یکدیگر صحبت کنند

متن ۲

وقتی یک زمین‌لرزه شهرهای یونان باستان، هلیکی و بورا را در سال ۳۷۳ پیش از میلاد لرزاند، گزارش‌ها مدعی بودند [که] آن‌ها خالی از حیوانات بودند: در روزهای پیش از لرزه، موش‌ها، راسوها، مارها و حشرات [در حال] فرار کردن از منطقه، گزارش شدند. داستان‌های این چنینی زیادی از موجودات ظاهراً پیش‌گو وجود دارند، ولی دانشمندان در مشخص کردن دقیق [این که] چگونه حیوانات ممکن است بتوانند لرزه‌های آینده را احساس کنند، مشکل داشته‌اند. تحقیق درباره‌ی موضوع سخت است، چون مطالعات معمولاً پس از واقعه دستند، و خطر اعمال اهمیت مؤثر بر گذشته را در پی دارند (توضیح: این خطر که در نگاه به گذشته فقط به اطلاعاتی اهمیت داده شود که با یک فرضیه تعلق دارند و باقی اطلاعات، اگر چه مهم باشند نادیده گرفته شوند). در مطالعه‌ای [در سال] ۱۹۸۱ که [این عامل] را تحت کنترل داشت، محققان فهمیدند که رفتار غیرطبیعی حیوانات ممکن است فقط به طرز معناداری به یکی از چهار زلزله مورد مطالعه مربوط باشد. آن طور که مقاله اظهار می‌دارد، همه زمین‌لرزه‌ها شبیه نیستند؛ هر زمین‌لرزه‌ای ممکن است علائم اولیه منحصر به فرد خود را داشته باشد، [که] تنها بعضی از آن‌ها ممکن است برای حیوانات آشکار باشد.

۲۹۹۳ متن عمدتاً چه چیزی را مطرح می‌کند؟

(۱) زمین‌لرزه‌ها در گذشته چه قدر مخرب بودند

(۲) چرا دانش ما از زمین‌لرزه‌ها ناقص است

(۳) یک راه که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد تا برخی زمین‌لرزه‌ها را پیش‌بینی کرد

(۴) تاریخچه مطالعه علمی [این موضوع که] زمین‌لرزه‌ها چه زمانی اتفاق می‌افتند

۲۹۹۴ لغت "fleeing" [در حال] فرار کردن) در متن نزدیک‌ترین معنی را به "escaping from" دارد.

(۱) [در حال] حمله کردن به (۲) [در حال] اطلاع دادن به

(۳) وابسته به (۴) [در حال] فرار کردن از

۲۹۹۵ بر اساس متن، این درست است که حیوانات

(۱) همیشه به بشر کمک کرده‌اند تا از زمین‌لرزه‌ها جلوگیری کنند

(۲) ممکن است بتوانند تنها زمین‌لرزه‌های خاصی را پیش‌بینی کنند

(۳) تقریباً هیچ وقت در زمین‌لرزه‌ها کشته نمی‌شوند

(۴) بهترین وسیله برای پیش‌بینی کردن زمین‌لرزه‌ها هستند

۲۹۹۶ واژه "which" در متن به اشاره دارد.

(۱) علائم (۲) مطالعه (۳) حیوانات (۴) زمین‌لرزه

۲۹۹۷ متأسفم، تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام؛ مقداری زمان بیشتر به من می‌دهید؟

برای اشاره به عملی که در زمان نامشخصی از گذشته انجام شده (یا انجام نشده)

۲۹۸۷ (۱) دقیق؛ صحیح (۲) قابل دیدن، مشهود

(۳) ریز، بسیار کوچک (۴) نامطمئن؛ مردد

۲۹۸۸ (۱) برخورد کردن؛ زدن (۲) گرفتن؛ بردن

(۳) بالا رفتن، افزایش یافتن (۴) ترک کردن، رها کردن

متن ۱

کشور استرالیا دارای ناحیه‌ای وسیع از سرزمین به نام «آوتبک» (صحرای استرالیا) است، جایی که انسان‌های کمی زندگی می‌کنند. اگر شما در صحرای استرالیا زندگی کنید، این احتمال هست که از هر شهری دور باشید. و این یعنی راه زیادی تا یک مدرسه هست. پس چه کار می‌کنید اگر نتوانید به مدرسه بروید؟ خوب، مدرسه پیش شما می‌آید. بیش از ۱۰۰ کودک در صحرای استرالیا در ASSOA - مدرسه هوایی آلیس اسپرینگز - شرکت می‌کنند (توضیح: آلیس اسپرینگز نام شهری در این منطقه است و از گذشته بخشی از گشت‌های معلمان به مناطق دورافتاده توسط هواپیماهای کوچک انجام می‌گرفته است). دانش‌آموزان ASSOA توسط اینترنت در ارتباط هستند. برخی تدریس‌ها به صورت هم‌زمان [و زنده] رخ می‌دهند. وقتی دانش‌آموزان وارد [سایت] می‌شوند، معلم آن‌ها بر روی صفحه‌های کامپیوتر ظاهر می‌شود. او می‌تواند با دانش‌آموزان صحبت کند، پروژه‌های هنری را نشان دهد یا آزمایش علمی را توضیح دهد. او نمی‌تواند دانش‌آموزان را ببیند، ولی می‌تواند [صحبت‌های] آن‌ها را بشنود. دانش‌آموزان با معلمشان و با یکدیگر از طریق اینترنت، با استفاده از کامپیوترهایشان تعامل می‌کنند. ولی از آن‌جا که دانش‌آموزان در یک کلاس «مجازی» هستند و نه در مدرسه‌ای واقعی، همچنان باید یک مربی [در] خانه داشته باشند. مربی می‌تواند یکی از والدین یا معلمی استخدام‌شده باشد. تمام مربیان آموزش داده می‌شوند که به دانش‌آموزان کمک کنند تا کارشان را بفهمند و تکمیل کنند.

ASSOA تلاش می‌کند تا یک جمعیت مدرسه‌ای تشکیل دهد. هر دو هفته، دانش‌آموزان در یک گروه‌هایی مدرسه‌ای مجازی شرکت می‌کنند. سه بار در سال، تمام دانش‌آموزان به شهر آلیس اسپرینگز سفر می‌کنند. برای یک هفته کامل، آن‌ها کلاس مجازی را رها می‌کنند و به یک [کلاس] واقعی وارد می‌شوند.

۲۹۸۹ بهترین عنوان برای متن چیست؟

(۱) نگاهی به آینده (۲) مدل استرالیا

(۳) مدرسه یک کلیک فاصله دارد (۴) صحرای استرالیا واقعاً بزرگ و بیابان است

۲۹۹۰ کدام یک از موارد زیر ممکن است در مورد شهرها در استرالیا نتیجه گرفته شود؟

(۱) آن‌ها تأمین‌کنندگان اینترنت برای مردم در صحرای استرالیا هستند.

(۲) آن‌ها به صحرای استرالیا نزدیک‌تر هستند تا به شهرهای بزرگ.

(۳) آن‌ها از طریق اینترنت آموزش ارائه می‌دهند.

(۴) آن‌ها در حقیقت مدارس واقعی دارند.

۲۹۹۱ بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر درباره‌ی کودکان در صحرای استرالیا درست است؟

(۱) بیشتر درس‌های آن‌ها به صورت هم‌زمان [و زنده] رخ می‌دهد.

(۲) آن‌ها معلم‌هایی دارند که در خانه به آن‌ها سر می‌زنند.

(۳) آن‌ها به استانداردهای پایین آموزشی دسترسی دارند.

(۴) آن‌ها سالی یک بار در مدرسه‌ای واقعی برای مدتی کوتاه شرکت می‌کنند.

۲۳۰۰۵ [به گونه‌ای] تربیت شده بودیم که فکر کنیم که قرض کردن پول بد است.

(۱) دریافتن ... ، پی بردن به ...

(۲) بزرگ کردن؛ تربیت کردن

(۳) (در کتاب لغت و غیره) دنبال ... گشتن، پیدا کردن

(۴) تفاهم داشتن؛ (در تعامل با دیگران) تا کردن، ساختن

۳۳۰۰۶ خبرنگاران گاهی قول می‌دهند که هویت‌های منابع [خبری] خود را مخفی نگه دارند.

(۱) اصول اخلاقی، اخلاقیات (۲) راهنمایی، رهنمود

(۳) هویت (۴) مقصد؛ غایت

۴۳۰۰۷ این پیراهن منحصربه‌فرد نیست چون سازنده میلیون‌ها پیراهن درست شبیه آن را تولید کرده است.

(۱) جدی؛ خطیر (۲) سنتی؛ قدیمی

(۳) تزئینی، دکوری (۴) منحصربه‌فرد، یگانه

۱۳۰۰۸ او به دانش‌آموزان می‌آموزد که برای ملت‌های مختلف احترام قائل باشند و گوناگونی فرهنگ‌های دیگر را ارج بنهند.

(۱) احترام، حرمت (۲) خوشی، شادی؛ لذت

(۳) میراث، ارث (۴) احتمال

متن کلوز

جهانی شدن بیشتر جنبه‌های زندگی‌های ما را تحت تأثیر قرار داده است. یک عرصه که تغییر کرده آموزش است. افراد بیشتر و بیشتری برای تحصیلاتشان به کشورهای مختلف نقل مکان می‌کنند. در همین حال، افراد بیشتری در خانه می‌مانند و با آموزش از راه دور تحصیل می‌کنند. اکنون ساده است که بدون رفتن به کالج یا دانشگاه، یا رفتن کمتر، آموزش دید.

«آموزش ممزوج» به معنای تحصیل کردن، بخشی به شیوه سنتی در کلاس درس و بخشی [به صورت] آنلاین یا از طریق ایمیل است. این تغییرات همچنین به این معناست که اکنون تمایل بیشتری به «آموختن در طول زندگی» وجود دارد. این ایده که به آموختن در تمام مدت زندگی کاری خود و حتی تا در بازنشستگی ادامه دهیم. شرکت کردن در «وبینارها» یا سمینارهای آنلاین بدون دور بودن از دفاتر کارمان ساده است. بسیاری از بزرگان بعداً در زندگی به کالج برمی‌گردند چرا که گرفتن یک مدرک بدون رها کردن شغل یا مختل کردن زندگی خانوادگی آسان است.

۲۳۰۰۹ (۱) فعالیت، کار (۲) فاصله، مسافت

(۳) ترکیب (۴) دستاورد، موفقیت

توضیح: آموزش از راه دور: distance learning

۳۳۰۱۰ توضیح: صفت "easy" از جمله صفاتی است که پس از آن‌ها فعل را به مصدر با to تبدیل می‌کنیم. ساختار کلی جملاتی نظیر این به صورت «... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + فعل It + to be» است.

۳۳۰۱۱ (۱) مراسم؛ جشن (۲) کودکی

(۳) بازنشستگی (۴) تفریح، سرگرمی

۱۳۰۱۲ (۱) بدون (۲) برای (۳) توسط، با (۴) از

۱۳۰۱۳ (۱) رها کردن؛ (سیگار و غیره) ترک کردن

(۲) برگشتن، چرخیدن؛ برگرداندن، چرخاندن

(۳) متوجه ... شدن

(۴) در ... شرکت کردن

و تأثیر آن همچنان باقی است، از ساختار گذشته کامل (have / has + pp.) استفاده می‌کنیم. در این جا نیز تمام کردن تکلیف انگلیسی عملی است که در گذشته انجام نشده و همچنان ناتمام باقی مانده است.

۳۲۹۹۸ وقتی یک دانش‌آموز در کلاس به معلم گوش نمی‌دهد و با دیگران صحبت می‌کند، خود و دیگران را از یادگرفتن باز می‌دارد.

با توجه به ادامه جمله پس از جای خالی، دیگران در جمله ذکر شده‌اند بنابراین نیازی به ذکر مجدد آن‌ها نیست [حذف گزینه‌های (۲) و (۴)] و اشاره جای خالی به دانش‌آموزی است که به معلم گوش نمی‌دهد. از آن جا که این دانش‌آموز، فاعل "prevents" نیز هست، از ضمیر انعکاسی برای اشاره به او استفاده می‌شود. دقت داشته باشید که از "it" نمی‌توان برای اشاره به انسان استفاده کرد [حذف گزینه (۱)].

۱۲۹۹۹ برای من، انجام دادن این شغل به اندازه همان [شغلی] که قبلاً داشتم سخت است.

برای اشاره به برابری دو چیز در یک صفت یا قید حالت از ساختار as + ... + as استفاده می‌کنیم. در این جا نیز مقایسه بین شغل قبلی و شغل جدید صورت گرفته به طوری که هر دو به یک میزان سخت هستند، بنابراین در جای خالی برای تکمیل این ساختار به "as" نیاز داریم.

۴۳۰۰۰ کتابدار به دو تا از دانش‌آموزان که داشتند صحبت می‌کردند گفت که ساکت باشند تا بگذارند دیگران بتوانند بر روی درس‌هایشان تمرکز کنند.

با توجه به مفهوم جمله و با نگاهی به گزینه‌ها، مشخص است که جای خالی را نمی‌توان با یک ضمیر فاعلی شروع کرد [حذف گزینه (۲)] چرا که فاعل جمله (librarian) قبل از جای خالی آمده است. از طرفی ساختار مناسب برای فعل "tell" (گفتن؛ خواستن) به صورت "tell somebody to do something" است [حذف گزینه (۳)]. در گزینه (۴) ابتدا با یک ضمیر موصولی مناسب (در اینجا (who) "students" توصیف شده و سپس خواسته کتابدار (to keep quiet) مطرح شده است.

۳۳۰۰۱ کارگران نوبت شب وقتی که برق رفت مجبور شدند کار کردن را متوقف کنند؛ در واقع، همه جا تاریک بود.

(۱) قاعده؛ قانون (۲) سوخت

(۳) قدرت، توان؛ برق (۴) زغال سنگ

۲۳۰۰۲ پس از گذراندن سه ساعت در اتاق انتظار پزشک، آن زن همچنان با حوصله منتظر نوبتش ماند.

(۱) خوشبختانه (۲) صبورانه، با حوصله

(۳) مکرراً، پیاپی، بارها (۴) کاملاً؛ قطعاً؛ مسلماً

۳۳۰۰۳ آن کارگردان هرگز از بیش از ۱۰ نفر نمی‌خواهد که در پروژه‌هایش با او کار کنند و او بهترین ۱۰ نفر را می‌خواهد. او همیشه می‌گوید: «وقتی افراد بسیاری باشند، هیچ‌کس کار را جدی نمی‌گیرد».

(۱) گرفتن؛ شدن (۲) آوردن

(۳) گرفتن؛ بردن (۴) دادن (به)؛ اعطا کردن (به)

توضیح: چیزی را جدی گرفتن: take something seriously

۴۳۰۰۴ هر دو جناح به دنبال راه‌حلی برای مشکل هستند و امیدوارند تا مسائل را در طول این نشست حل و فصل کنند.

(۱) مقایسه کردن (۲) مرتب کردن، چیدن؛ تنظیم کردن

(۳) پیوستن (به) (۴) به دنبال ... بودن

متن ۱

این لزوماً درست نیست که هر قدر طولانی‌تر مطالعه کنید، شانس شما برای گرفتن نمره‌ای بالا در یک آزمون بیشتر است. زمان به تنهایی موفقیت شما را تضمین نمی‌کند. شما باید به طور مؤثر مطالعه کنید، [به گونه‌ای که] بهترین استفاده را از زمان خود داشته باشید. اولاً، قبل از یک امتحان با معلم خود صحبت کنید. به جای پرسیدن «در امتحان چه [سوالاتی] هست؟» می‌توانید راهنمایی‌هایی بخواهید راجع به [این که] چه موضوعاتی پوشش داده خواهند شد و چگونه می‌توانید به بهترین نحو آماده شوید. این اطلاعات هدفی برای مطالعه شما فراهم می‌کند. سپس جایی برای مطالعه پیدا کنید که [در آن] بیدار و بدون مزاحمت خواهید ماند: میزی در یک کتابخانه بهتر از تخت‌خوابی کنار تلویزیون است. بعد با در نظر داشتن هدف‌تان، یادداشت‌های کلاسیتان، بخش‌های کتاب درسی و مطالب دیگر را دوباره بخوانید. زیر اطلاعات کلیدی خط بکشید و نکاتی را که نمی‌فهمید علامت بگذارید. وقتی این مرور را به پایان رساندید، به این نکات برگردید و سعی کنید به آن‌ها پاسخ دهید. از هر خلاصه فصل یا مطلب مروری که در دست هست، استفاده کنید. در پایان، اگر معلم سوالات نمونه امتحان در اختیار قرار داده، یا اگر پرسش‌های دوره‌ای در کتاب درسی موجود است، سعی کنید به آن‌ها پاسخ دهید. آن‌ها به شما کمک خواهند کرد که یک بررسی نهایی از آمادگی خود برای آزمون انجام دهید.

۳۰۱۴ متن عمدتاً چه چیزی را مطرح می‌کند؟

(۱) اهمیت امتحانات در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان

(۲) تأثیر منفی مطالعه کردن بیش از [مقدار] طبیعی

(۳) نقش معلم در عملکرد امتحانی دانش‌آموزان

(۴) راه آماده‌شدن به بهترین نحو برای آزمون‌ها

۳۰۱۵ کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو ساختار اطلاعات را در متن توصیف می‌کند؟

(۱) هدفی قرار داده شده و تأثیرات آن یکی پس از دیگری توصیف شده است.

(۲) رویکردی معرفی شده و گام‌های مربوط به آن نام برده شده است.

(۳) ادعایی مطرح شده و شواهدی ارائه شده تا نشان دهد که این ادعا اشتباه است.

(۴) مشکلی مورد اشاره قرار گرفته و راه‌حل‌های احتمالی برای خلاص شدن از آن فهرست شده است.

۳۰۱۶ متن گویای آن است که وقتی زمان امتحان نزدیک است اگر دانش‌آموزی از معلمش بپرسد [که] «در امتحان چه [سوالاتی] هست؟» آن دانش‌آموز

(۱) در مسیر اشتباه قرار دارد

(۲) نشان می‌دهد که مضطرب است

(۳) پاسخی دریافت نخواهد کرد

(۴) معلم را ناامید می‌کند

۳۰۱۷ عبارت «این نکات» در متن به نکاتی اشاره دارد [که]

(۱) در اطلاعات کلیدی گنجانده شده است

(۲) فرد نتوانسته نگاهی [به آن‌ها] بیندازد

(۳) از مطالبی غیر از مطالب کلاسی [است]

(۴) فرد نتوانسته بفهمد

متن ۲

اولاً که ما نمی‌توانیم به استفاده از نفت برای همیشه ادامه دهیم. ما می‌توانیم برای چند دهه دیگر این کار را کنیم، شاید تا [سال] ۲۰۷۰، سپس تمام خواهد شد. هیچ [نفتی] باقی نخواهد ماند، یا حداقل چیز خیلی کمی باقی خواهد ماند. در حال حاضر، همچنان نفت زیادی زیر زمین هست. در زیر دریای شمال و زیر اقیانوس اطلس نفت وجود دارد. مهندسان پیوسته منبع جدیدی از نفت پیدا می‌کنند. ولی واقعیت‌هایی وجود دارد که قابل اجتناب کردن نیست. مقدار نفت زیر زمین و زیر دریا بی‌نهایت نیست. تا ابد باقی نخواهد ماند. در حالی که نفت کمیاب‌تر می‌شود، استخراج آن سخت‌تر می‌شود. همچنین، بیشتر و بیشتر گران می‌شود. بنابراین، از سوخت‌های دیگر "ران‌تر" می‌شود. نفت همیشه موجب آلودگی می‌شود. البته حقایق دیگری نیز وجود دارد: دانشمندان مشغول ساخت شکل‌های دیگری از روغن‌ها با استفاده از گیاهان هستند. بیشتر روغنی که ما می‌خوریم از گیاهان به دست می‌آید و گاهی این امکان هست که از این روغن، بنزین درست کرد. برای نمونه، برخی انواع سوخت دیزل همین الان هم حاوی روغن آفتاب‌گردان هستند.

روغن آفتاب‌گردان از روغن معدنی تمیزتر است، بنابراین آلودگی کمتری ایجاد می‌کند. ولی شاید در بلندمدت، روغن‌های گیاهی راحل‌خوبی برای آینده نباشند؛ در آینده ممکن است به تمام زمین‌ها برای تولید غذا نیاز داشته باشیم. در واقعیت، آینده باید آینده‌ای بدون نفت باشد، یا با نفت بسیار کم. دانشمندان الان هم مشغول توسعه ماشین‌ها، خانه‌ها و پلاستیک‌هایی هستند که از نفت استفاده نمی‌کنند. برق انرژی آینده خواهد بود، ولی باید برقی پاکیزه [و بدون آلاینده‌گی] باشد.

۳۰۱۸ عبارت "run out" (تمام شدن، ته کشیدن) در پاراگراف ۱ نزدیک‌ترین معنی را به "end" دارد.

(۱) ظاهر شدن، آشکار گردیدن

(۲) کم شدن؛ کم کردن

(۳) تمام شدن؛ تمام کردن

(۴) وجود داشتن

۳۰۱۹ متن گویای آن است که در حال حاضر نفت

(۱) می‌تواند نیازهای انسان به انرژی را برآورده کند

(۲) بسیار سخت است که از زیر زمین به دست بیاید

(۳) می‌تواند در زیر دریاها و اقیانوس‌ها بیشتر پیدا شود

(۴) بیشتر در زیر زمین واقع است تا زیر اقیانوس‌ها

۳۰۲۰ بر اساس متن، کدام یک از موارد زیر در مورد روغن آفتاب‌گردان درست است؟

(۱) می‌تواند به عنوان سوخت برای راندن ماشین‌ها به کار رود.

(۲) از منابعی غیر از گیاهان به دست می‌آید.

(۳) به اندازه روغن معدنی آلودگی ایجاد می‌کند.

(۴) به نظر می‌رسد پاسخ نهایی به نیازهایمان به انرژی باشد.

۳۰۲۱ متن به احتمال زیاد با بحثی در مورد ادامه می‌یابد.

(۱) انرژی پاکیزه سال‌های پیش رو

(۲) مشکلات دیگر مرتبط با استفاده از نفت

(۳) نقش انرژی در پیشرفت‌های علمی

(۴) گام‌هایی که باید برداشت تا مشکلات فن‌آوری مرتبط با نفت را حل کرد



DRIQ.com

دکتر آی کیو

آموزش برای همه

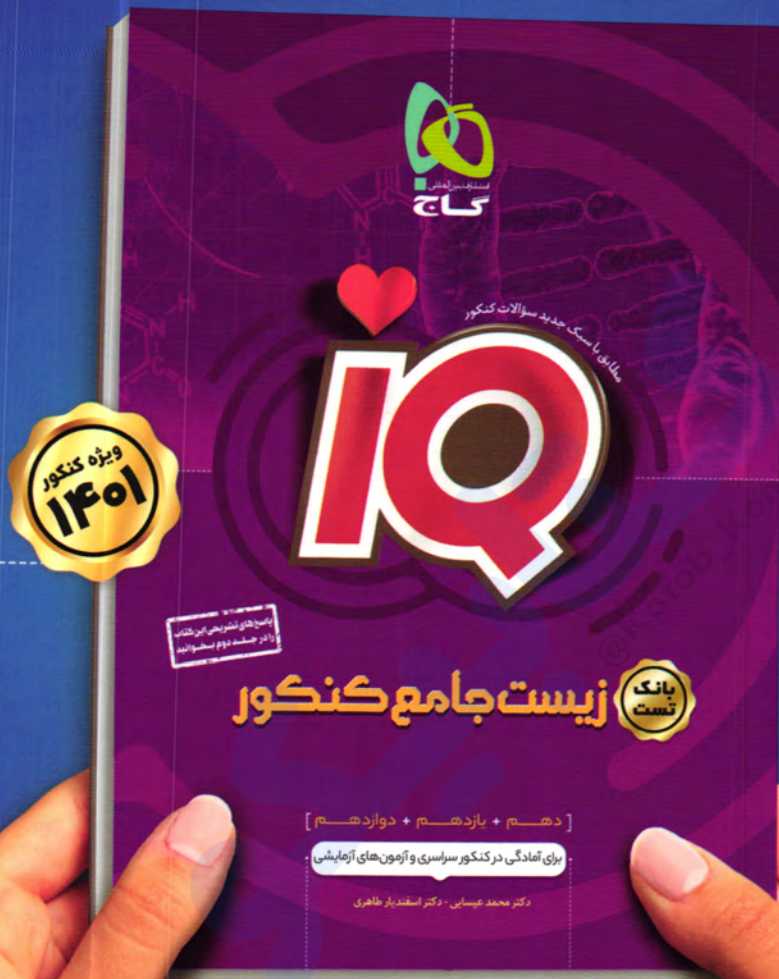


بستر ارائه دوره‌های آموزش درسی آنلاین در قالب فیلم

- پوشش کامل تمامی عناوین درسی در تمامی مقاطع تحصیلی
- شامل بیش از ۱۰,۰۰۰ ساعت دوره درسی
- دسترسی به بیش از ۱,۰۰۰ مدرس برتر کشوری
- ۵,۰۰۰ ساعت فیلم درسی رایگان

گاج منتشر کرد

از مجموعه کتاب‌های IQ



دکتر آی کیو
DRIQ.com
آموزش برای همه

گاج مارکت
gajmarket.com
فروشگاه آنلاین

گاجینو
gajino.com
آموزش آنلاین

